

کتاب شریف

صحیفہ مہدیہ

مجموعہ مہمی از غناز نا، دعا و زیارت ہائی کہ از ناحیہ مقدسہ امام زمان علیہ السلام صادر شدہ
و یاد بارہ آن حضرت نقل شدہ است

تالیف

سید مرتضیٰ مجتہدی



صحيفة مهديّة
ترجمة «الصحيفة المهدية»
أو «المختار من الصحيفة المباركة المهدية»

مؤلف: سيّد مرتضى مجتهدى سيستانى
مترجم: مؤسّسة اسلامى ترجمه
مصحّح ترجمه: محمّد ظريف، محمّد حسين رحيمان
ناشر: نشر وثوق
ليتوگرافى: امام سجّاد عليه السلام
نوبت چاپ: اوّل
تاريخ انتشار: بهار ۱۳۸۵
قطع و صفحه: جيبى / ۱۱۶۸
تيراژ: ۵۰۰۰ جلد
قيمت: ۲۸۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۷۲۵۰-۷۹-۵ ISBN

تلفن مرکز پخش: ۰۲۵۱ (۰۲۵۱) ۲۶۱۳۸۲۱ - ۰۹۱۲۲۵۱۰۳۵۸

سایت مؤلف:

WWW.ALMONJI.COM

Email: info@almonji.com

قسمتی از زیارت حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه :

يا أنوار الله في أرضه التي لا تطفى

يا عيون الله في خلقه

أنا منتظر لأمرکم مترقب لدولتکم

معکم لا مع غیرکم إلیکم لا إلی عدوکم

آمنت بکم وبما أنزل إلیکم وأبرء إلی الله من عدوکم .

ای نورهای جاویدان الهی

ای دیدگان خداوند در میان آفریدگان

من در انتظار امر شما و فرا رسیدن حکومت شما هستم

من با شما هستم نه با غیر شما

من به شما ایمان دارم و از دشمنانتان بیزارم

بحار الأنوار: ۱۰۰/۳۴۵، الصحيفة المباركة المهدية: ۵۸۴

فهرست مطالب

مقدمه

۲۸ نکته مهم
۳۲ ضرورت دعا از نظر عقل و نقل
۳۷ آداب دعا
۵۷ اهمیت مداومت بر دعا
۵۸ نقش یقین در مستجاب شدن دعا
۶۲ یقین و آثار شگفت انگیز آن
۶۵ دعا برای ظهور امام عصر ارواحنا فداء لازم و ضروری است
۷۱ مظلوم ترین فرد عالم
۷۴ نصیحتی از مرحوم حاج شیخ رجبعلی خياط
۷۶ تجربه مهم مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی
۷۹ دعای امام عصر ارواحنا فداء برای کسی که برای فرج و یاری آن حضرت دعا کند
۸۴ تشکیل مجالس دعا برای تعجیل ظهور امام زمان <small>عجل الله فرجه</small>
۸۷ مکان های مخصوص به آن حضرت ارواحنا فداء

- ۱- فضیلت مسجد کوفه و این که آنجا مصلاًئی حضرت مهدی ارواحنا فداء
در عصر ظهور است ۸۹
- ۲- فضیلت مسجد سهله که مقام حضرت صاحب الزمان در آنجاست ۹۰
- ۳- مسجد مقدّس جمکران ۹۳
- توجّه به وظایف دوران غیبت ۱۰۱
- اعتیاد به عصر غیبت امام عصر ارواحنا فداء! ۱۰۳
- روش فکری خود را تغییر دهید! ۱۰۶
- به سوی امیر عالم هستی ۱۰۹
- توجّه به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء لازم است ۱۱۴
- انتظار ۱۲۳
- انتظارِ ظهور یا اعتقاد به ظهور؟! ۱۳۰
- معرفت یا راه انتظار ۱۳۲
- احساس حضور، یا نشانی از معرفت ۱۳۴
- معنای حضور چیست؟ ۱۴۲
- عظمت امام عصر ارواحنا فداء در کلمات اهل بیت ۱۴۳

بخش اوّل

نمازها

- ۱- نماز امام زمان ۱۶۷
- ۲- نماز دیگر امام زمان ۱۶۸
- ۳- نماز مسجد مقدّس جمکران ۱۷۰
- ۴- نماز امام زمان ارواحنا فداء در مقام آن حضرت در حلّه و نعمانیّه ۱۷۱
- ۵- نماز منسوب به امام زمان ارواحنا فداء برای برآورده شدن حاجت ها .. ۱۷۳

- ۶- نماز توجّه به حضرت صاحب الزمان ۱۷۴
- ۷- نماز و دعای فَرَج برای رفع مشکلات مهمّ ۱۷۶
- ۸- نماز استغاثه به امام زمان ۱۸۵
- ۹- نماز هدیه خدمت امام زمان ۱۹۰
- ۱۰- اهداء نماز به امام زمان در روز پنجشنبه ۱۹۲
- ۱۱- نماز استغاثه به امام زمان ارواحنا فداء در شب های پنجشنبه و جمعه ۱۹۳
- ۱۲- نماز استغاثه به نحو دیگر ۱۹۵
- ۱۳- نماز امام زمان در شب جمعه ۱۹۶
- ۱۴- نماز دیگر امام زمان ۲۰۰
- ۱۵- نماز روز بیست و هفتم ماه رجب ۲۰۰
- ۱۶- نماز شب نیمه ماه شعبان ۲۰۳
- ۱۷- نماز دیگر در شب نیمه شعبان ۲۰۴

بخش دوّم

دعاهای قنوت

- ۱- دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء در قنوت هر نماز ۲۱۳
- ۲- قنوت حضرت امام سجّاد برای برطرف شدن ظلم و ستم از جهان ۲۱۵
- ۳- قنوت حضرت امام باقر ۲۱۸
- ۴- قنوت حضرت امام رضا ۲۲۲
- ۵- قنوت حضرت امام جواد ۲۲۵
- ۶- دعای دیگر امام جواد در قنوت ۲۲۷
- ۷- قنوت حضرت امام هادی ۲۳۲
- ۸- دعای امام حسن عسکری در قنوت ۲۳۴

- ۹ - دعای قنوت حضرت بقیة الله علیه السلام ۲۵۶
- ۱۰ - دعای دوّم حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در قنوت ۲۵۸
- ۱۱ - دعای سوّم آن حضرت در قنوت ۲۶۴
- ۱۲ - دعا در قنوت نماز جمعه برای ظهور آن بزرگوار علیه السلام ۲۶۵

بخش سوّم

ادعیة بعد از نمازها

- ۱ - دعا برای ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء بعد از هر نماز واجب ۲۶۹
- ۲ - دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء پس از نمازهای واجب ۲۷۰
- ۳ - دعا برای تشرف خدمت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء که بعد از نمازهای واجب خوانده می شود ۲۷۲
- ۴ - دعای دیدار امام زمان ارواحنا فداء ۲۷۳
- ۵ - دعای بعد از نماز صبح ۲۷۷
- ۶ - دعا برای ظهور امام زمان علیه السلام در تعقیب نماز صبح ۲۷۹
- ۷ - دعای دیگر برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداء پس از نماز صبح ۲۸۰
- ۸ - دعا برای حضرت بقیة الله علیه السلام بعد از نماز صبح ۲۸۰
- ۹ - ۱۱ - دعاهایی که حضرت بقیة الله ارواحنا فداء برای برطرف شدن مشکلات شدید به مردی آموختند ۲۸۱
- ۱۲ - دعا برای ظهور آن حضرت پس از نماز صبح و ظهر در هر روز .. ۲۸۶
- ۱۳ - دعا برای ظهور آن بزرگوار ارواحنا فداء پس از نماز ظهر در هر روز ۲۸۷
- ۱۴ - دعا برای ظهور امام زمان علیه السلام پس از نماز عصر ۲۹۳
- ۱۵ - دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء بعد از دو رکعت اوّل نماز شب ۲۹۶
- ۱۶ - دعا برای ظهور آن حضرت علیه السلام بعد از رکعت چهارم نماز شب ۲۹۹

بخش چهارم

دعاهای ایام هفته

- ۱ - دعا برای ظهور امام زمان علیه السلام در روزهای پنجشنبه ۳۰۳
- ۲ - صلوات برای ظهور آن حضرت از عصر روز پنجشنبه تا پایان روز جمعه . ۳۰۳
- ۳ - دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء در شب جمعه ۳۰۵
- ۳۰۶ - حکایت دعای علوی مصری
- ۴ - دعای علوی مصری از امام زمان ارواحنا فداء که در گرفتاری های شدید خوانده می شود ۳۰۹
- روز جمعه علیه السلام روز حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداء است ۳۶۲
- ۳۶۴ - فضیلت دعای ندبه
- ۵ - دعای ندبه ۳۶۷
- ۶ - دعا در روز جمعه بعد از نماز صبح برای تعجیل فرج ۳۹۲
- ۷ - دعا برای ظهور امام زمان علیه السلام در روز جمعه ۳۹۳
- ۸ - دعای دیگری برای ظهور آن حضرت در روز جمعه ۳۹۴
- ۹ - صلواتی که هر کس بعد از نماز جمعه بخواند از اصحاب امام زمان ارواحنا فداء خواهد بود ۳۹۴
- ۱۰ - دعا برای ظهور آن حضرت علیه السلام در روز جمعه، عید فطر و عید قربان ۳۹۵
- حکایت صلوات ضراب اصفهانی ۳۹۷
- ۱۱ - صلوات ضراب اصفهانی ۴۰۴
- ۱۲ - صلوات و دعا در عصر روز جمعه برای ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء . ۴۱۵
- ۱۳ - فضیلت خواندن سوره بنی اسرائیل در هر شب جمعه ۴۱۶

بخش پنجم

دعاهای هر ماه

- ۱ - دعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداء در ظهر روز عاشورا ۴۱۹
- ۲ - دعای دیگری در روز عاشورا ۴۳۲
- ۳ - دعای ایّام ماه رجب که از ناحیه مقدّسه امام زمان ارواحنا فداء صادر شده است ۴۳۴
- ۴ - دعای دیگر در ایّام ماه رجب که از ناحیه مقدّسه رسیده است ۴۳۹
- ۵ - دعای سوّم در ایّام ماه رجب ۴۴۱
- ۶ - دعای روز سوّم ماه شعبان ۴۴۶
- فضیلت شب نیمه شعبان ۴۴۹
- ۷ - دعای شب نیمه شعبان ۴۵۲
- فضیلت (دعای خضر علیه السلام معروف به) دعای کامل در آن شب ۴۵۵
- ۸ - دعای افتتاح ۴۵۶
- ۹ - دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء بعد از هر نماز در ماه مبارک رمضان . ۴۷۰
- ۱۰ - دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان ۴۷۲
- ۱۱ - دعای دیگر در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان ۴۷۵
- ۱۲ - دعا هنگام وقوع صیحه ۴۸۶
- ۱۳ - دعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداء در روز هیجدهم ماه مبارک رمضان ۴۸۸
- ۱۴ - دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان ۴۹۰
- ۱۵ - دعای دیگر برای ظهور آن حضرت در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان ۴۹۲
- ۱۶ - دعای سوّم برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداء در شب بیست و ۴۹۴
- از ادب شیعه نسبت به امام زمان علیه السلام در روز عید فطر ۴۹۵

۱۷ - دعای روز عید غدیر کسی که آن را بخواند مانند کسی است که

زیر پرچم حضرت قائم صلوات الله علیه و در خیمه آن حضرت باشد ... ۴۹۸

۱۸ - تسبیح حضرت امام زمان ارواحنا فداء از روز هیجدهم تا آخر هر ماه ۵۰۶

بخش ششم

دعاهایی که مخصوص روز معینی از ایّام هفته نیست

- ۱ - دعای عهد ۵۰۹
- معنای بیعت با حضرت مهدی ارواحنا فداء ۵۱۵
- ۲ - دعای عهد دیگر ۵۱۸
- ۳ - دعای زمان غیبت ۵۲۴
- ۴ - دعای زمان غیبت به روایتی دیگر ۵۳۳
- ۵ - دعای معرفت در زمان غیبت ۵۴۶
- ۶ - دعای دیگر در زمان غیبت ۵۶۱
- ۷ - دعای دیگری نیز در زمان غیبت ۵۶۳
- ۸ - دعای غریق در زمان غیبت ۵۶۴
- ۹ - دعایی مناسب با زمان غیبت ۵۶۶
- ۱۰ - دعای نجات از فتنه‌های آخر الزّمان ۵۶۷
- ۱۱ - دعای امام جواد علیه السلام برای رفع ظلم و ستم از جهان ۵۶۹
- ۱۲ - دعا برای حفظ شدن از شرّ دجال ۵۷۲
- ۱۳ - دعای فرج (الهي عظم البلاء) ۵۷۸
- ۱۴ - دعا برای ظهور امام زمان علیه السلام در حرم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام .. ۵۸۰
- ۱۵ - دعا برای ظهور امام زمان علیه السلام در سجده شکر ۵۸۱
- ۱۶ - دعای هنگام عطسه ۵۸۴

- ۱۷- دعای سفر در ساعت مخصوص به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء ۵۸۴
- ۱۸- دعا برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداء در ساعت دوازدهم روز ۵۸۸
- ۱۹- دعای دیگر در ساعت مخصوص به آن حضرت ارواحنا فداء ۵۹۱
- ۲۰- صلوات بر امام زمان ارواحنا فداء ۵۹۷
- ۲۱- دعایی از امام زمان علیه السلام در آغاز نمازها ۵۹۹
- ۲۲- دعای حضرت صاحب الامر علیه السلام ۶۰۱
- ۲۳- دعای سهم اللیل، از امام زمان ارواحنا فداء ۶۰۲
- ۲۴- دعای دیگر از امام زمان علیه السلام ۶۰۶
- ۲۵- دعای «یا نور النور» از امام زمان علیه السلام ۶۰۸
- ۲۶- دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداء برای رفع مشکلات ۶۱۰
- ۲۷- دعای مهمّ دیگر از امام زمان علیه السلام برای برآورده شدن حاجت‌ها ۶۱۱
- ۲۸- دعای امام عصر علیه السلام برای شفاء از بیماری‌ها ۶۱۴
- ۲۹- دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداء برای رهایی از سختیها و حفظ شدن از دزدان ۶۱۵
- ۳۰- دعای دیگری از امام زمان علیه السلام برای رهایی از سختی‌ها و مشکلات ۶۱۷
- ۳۱- حرز امام زمان علیه السلام ۶۲۰
- ۳۲- دعای حجاب (پنهان بودن) از امام عصر علیه السلام ۶۲۱
- ۳۳- دعا برای فرج در روز ظهور ۶۲۴
- ۳۴- دعای حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در اوّل ظهور ۶۲۶
- ۳۵- دعای شیعیه در هنگام خروج حضرت قائم ارواحنا فداء ۶۲۷
- ۳۶- دعای آن حضرت علیه السلام هنگام عبور از وادی السلام ۶۲۸
- ۳۷- صلوات بر حضرت فاطمة زهرا علیها السلام (اللّهم صلّ علی فاطمة وأبیها ...) ۶۳۱
- ۳۸- ثواب خواندن سورة مبارکة «کهف» ۶۳۲
- ۳۹- از خواصّ سورة «یس» ۶۳۳

- ۴۰- فضیلت سوره‌های «مسیحات» ۶۳۴
- ۴۱- خواندن سورة «القارعة» سبب ایمنی از فتنه دجال است ۶۳۶

بخش هفتم

توسّل به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء

- جریان دعای توسّل خواجه نصیر علیه السلام ۶۴۰
- ۱- دعای توسّل معروف به دعای توسّل خواجه نصیر علیه السلام ۶۴۶
- ۲- دعای توسّل به حضرت بقیة الله علیه السلام ۶۷۰
- ۳- توسّل به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در مشکلات ۶۷۱
- ۴- توسّل به حضرت بقیة الله علیه السلام در مشکلات (یا فارس الحجاز) ۶۷۵
- ۵- توسّل دیگر به حضرت بقیة الله علیه السلام در مشکلات (یا محمد یا علی...) ۶۷۶
- ۶- توسّل دیگر به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء (یا صاحب الزّمان) ۶۸۱
- ۷- توسّل دیگر به آن حضرت صلوات الله علیه ۶۸۱
- ۸- توسّل دیگر به حضرت حجّت ارواحنا فداء (یا حجّة القائم) ۶۸۲
- ۹- توسّل برای رفع بیماری ۶۸۳

بخش هشتم

عریضه‌ها

- جریانی در مورد نوشتن نامه به محضر امام زمان ارواحنا فداء ۶۸۸
- جریان دیگر در مورد نوشتن نامه به حضرت بقیة الله علیه السلام ۶۹۲
- ۱- کیفیت نوشتن نامه به محضر امام عصر علیه السلام ۶۹۶
- ۲- عریضه‌ای به خداوند که در عریضه حضرت بقیة الله ارواحنا فداء قرار داده‌می‌شود ۷۰۶
- ۳- عریضه استغاثه دیگری به امام زمان علیه السلام ۷۱۴

بخش نهم

استخاره‌ها

- دعای استخاره آخرین توقیعی بود که از ناحیه مقدسه صادر شد . ۷۲۵
- ۱ - دعای استخاره که از امام عصر ارواحنا فداء روایت شده است ۷۲۵
- نکته حایز اهمیت! ۷۲۸
- ۲ - دعا برای ظهور آن حضرت علیه السلام در دعای استخاره با قرآن ۷۲۹
- ۳ - استخاره با رقعہ که از حضرت بقیة الله علیه السلام روایت شده است .. ۷۳۱
- انواع استخاره با تسبیح که از حضرت بقیة الله ارواحنا فداء روایت شده است ۷۳۳
- ۴ - استخاره اول ۷۳۳
- ۵ - استخاره دوم ۷۳۵
- ۶ - استخاره سوم ۷۳۵
- ۷ - استخاره چهارم ۷۳۶
- ۸ - استخاره پنجم ۷۳۷

بخش دهم

دعاهایی که حضرت بقیة الله ارواحنا فداء

از پدران بزرگوار خود نقل فرموده‌اند

- ۱ - دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سختی‌ها به نقل از حضرت بقیة الله ارواحنا فداء ۷۴۱
- حکایت حرز یمانی ۷۶۷
- ۲ - حرز یمانی ۷۷۳
- ۳ - دعای حریق که صبحگاهان خوانده می‌شود ۷۹۱

- ۴ - دعای الحاج از امام صادق علیه السلام به نقل از حضرت بقیة الله ارواحنا فداء .. ۸۱۶
- ۵ - دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از نماز واجب به نقل از حضرت بقیة الله علیه السلام ۸۱۸
- ۶ - دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سجده شکر به نقل از حضرت بقیة الله علیه السلام ۸۲۰
- ۷ - دعای سجده امام سجاد علیه السلام در مسجد الحرام به نقل از حضرت بقیة الله علیه السلام ۸۲۲
- حکایت دعای عبرات ۸۲۵
- ۸ - دعای عبرات ۸۲۸

بخش یازدهم

زیارت‌ها

- استحباب زیارت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در هر زمان و مکان ۸۴۹
- زیارت حضرات معصومین علیهم السلام و هدیه ثواب آن به پیشگاه
- حضرت بقیة الله ارواحنا فداء ۸۵۱
- آداب زیارت ۸۵۲
- ۱ - زیارت آل یس ۸۶۳
- ۲ - زیارت ندبه ۸۷۳
- ۳ - زیارت امام زمان ارواحنا فداء در روز جمعه ۸۸۷
- ۴ - زیارت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء که در مشکلات و سختیها خوانده می‌شود ۸۹۰
- ۵ - زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز یکشنبه که از حضرت
- بقیة الله علیه السلام روایت شده است ۸۹۳
- ۶ - زیارت ناحیه مقدسه ۸۹۵
- ۷ - زیارت رجبیه که در حرم‌های مطهر اهل بیت علیهم السلام در ماه رجب خوانده می‌شود. ۹۳۵
- ۸ - زیارت حضرت صاحب‌الأمر ارواحنا فداء در حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام ۹۳۹
- ۹ - اذن ورود به حرم‌های ائمه علیهم السلام و سرداب مقدس ۹۴۰

- ۱۰- زیارت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در سرداب مقدس ۹۴۵
- ۱۱- زیارت دوّم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداء ۹۶۷
- ۱۲- زیارت سوّم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداء ۹۶۷
- ۱۳- زیارت چهارم در سرداب مقدس ۹۶۸
- ۱۴- زیارت پنجم حضرت بقیة الله علیه السلام ۹۷۸
- ذکر صلوات بر امام زمان ارواحنا فداء ۹۸۲
- ۱۵- زیارت ششم حضرت بقیة الله ارواحنا فداء ۹۸۵
- ۱۶- چگونگی سلام کردن بر امام زمان ارواحنا فداء ۹۹۱
- ۱۷- سلام بر آن حضرت ارواحنا فداء به شیوه‌های دیگر ۹۹۲
- ۱۸- زیارت امام هادی و امام عسکری علیهما السلام ۹۹۲
- ۱۹- زیارت حضرت نرجس خاتون علیها السلام ۹۹۷
- ۲۰- زیارت حضرت حکیمه خاتون علیها السلام ۱۰۰۳

بخش دوازدهم

زیارات نواب امام عصر ارواحنا فداء

و بعضی از دعا‌هایی که اصحاب آن حضرت نقل نموده‌اند

- ۱- زیارت نواب امام زمان ارواحنا فداء ۱۰۰۸
- ۲- زیارت نایب اول جناب عثمان بن سعید رضوان الله علیه ۱۰۱۱
- ۳- نماز برای وسعت رزق که از جناب محمد بن عثمان رضی الله عنه نقل شده است ۱۰۱۶
- ۴- دعای مهمّ که جناب محمد بن عثمان رضی الله عنه آن را بسیار عظیم و
بارزش دانسته است ۱۰۱۸
- ۵- دعای سمات به نقل از نایب دوّم جناب محمد بن عثمان رضی الله عنه ۱۰۲۷
- ۶- دعای روز عید فطر که از جناب محمد بن عثمان رضی الله عنه روایت شده است ۱۰۴۴

- ۷- زیارت مولای ما امام صادق علیه السلام به نقل از عثمان بن سعید و حسین بن روح ۱۰۵۶
- ۸- دعای حضرت خضر علیه السلام معروف به دعای کمیل ۱۰۵۷

خاتمة کتاب یا ملحقات

بعضی از عباداتی که مورد توجّه

حضرت بقیة الله ارواحنا فداء می‌باشند

- نماز شب ۱۰۸۸
- زیارت عاشورا ۱۰۹۳
- دعای بعد از زیارت عاشورا (دعای علقمه) ۱۱۰۳
- ستایش مولایمان امام زمان علیه السلام از زیارت جامعه کبیره ۱۱۱۵
- زیارت جامعه کبیره ۱۱۱۸
- زیارت امین الله و فضیلت آن ۱۱۳۹
- زیارت وارث ۱۱۴۵
- منابع و مصادر کتاب ۱۱۵۵

سنة النبوة الخيرية

مقدمه^۱

حمد و سپاس خدایی را که ما را آفرید، و پیامبر خود را که خاتم انبیاء است به سوی ما فرستاد و ولایت اولیایش، ائمه هدی علیهم السلام را برای ما آشکار گردانید برای کامل کردن دین^۲ و روی آوردن به عملها^۳ و ما را به سوی مکارم اخلاق^۴ و بدست آوردن پاداش کردارها^۵ هدایت نمود تا در بهشت^۶ وارد شویم و در

۱. لازم به ذکر است که مؤلف محترم در این مقدمه از فنون بلاغت استفاده کرده، به این گونه که ضمن مقدمه نام تعدادی از کتابهایی که در این نوشته مورد استفاده قرار گرفته، ذکر نموده که حُسن آن در متن عربی کتاب به خوبی جلوه گر است؛ به این فن در اصطلاح علم بدیع و بلاغت «براعت استهلال» می‌گویند. (ویراستار)

۲. کتاب «کمال الدین»، تألیف: محدث بزرگوار شیخ صدوق رحمته الله علیه.

۳. کتاب «إقبال الأعمال»، تألیف: عالم جلیل القدر سید بن طاووس رحمته الله علیه.

۴. کتاب «مکارم الأخلاق»، تألیف: عالم بزرگوار ابونصر حسن طبرسی رحمته الله علیه.

۵. کتاب «ثواب الأعمال»، تألیف: محدث بزرگوار شیخ صدوق رحمته الله علیه.

۶. کتاب «دار السلام»، یکی تألیف: محدث نوری رحمته الله علیه، و دیگری تألیف: عالم بزرگوار شیخ محمود عراقی رحمته الله علیه.

بوستان‌های ابدی بهشت^۱ جاوید بمانیم و به جایگاه بلندمرتبه و رفیع^۲ در بهشتی که خانه آسایش است^۳ برسیم تا فرشتگان را مشاهده کنیم که خطاب به ما بگویند: ﴿سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ﴾^۴؛ «سلامی که گفتاری از پروردگار مهربان است».

و درود و سلام بر آخرین پیامبران و فرستادگان خدا، ابی القاسم محمد، که درود خدا بر او و بر خاندان پاکش باد، همان بزرگوارانی که برای بیان وظایف بشریت^۵ با بهترین و پاکیزه‌ترین کلمات^۶ و ارشاد بندگان به سوی دریاها نور^۷ آمدند. آن هم در پرتو چراغی^۸ که مانند «ستاره‌ای درخشان از درخت پربرکت زیتون افروخته باشد»^۹، و روشن‌گر راه‌های عارفان^{۱۰} است، عارفانی که اراده رسیدن به شهر علم و حکمت را داشته، و از

۱. کتاب «جَنَاتُ الْخُلُودِ»، تألیف: عالم بزرگوار امامی خاتون آبادی رحمته الله.

۲. کتاب «المقام الأسنی»، تألیف: عالم جلیل القدر کفعمی رحمته الله.

۳. کتاب «جَنَّةُ الْمَأْوَى»، تألیف: محدث نوری رحمته الله.

۴. سوره یس، آیه ۵۸.

۵. کتاب «تکالیف الأنام»، تألیف: عالم محترم علی اکبر همدانی رحمته الله.

۶. کتاب «الکلم الطیب»، تألیف: عالم بزرگوار سید علی خان مدنی رحمته الله.

۷. کتاب «بحار الأنوار»، تألیف: علامه مجلسی رحمته الله.

۸. کتاب «المصباح»، تألیف: عالم جلیل القدر کفعمی رحمته الله.

۹. ﴿كُذِّبْتُ دُرِّيُّ يَوْمَئِذٍ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ﴾؛ سوره نور، آیه ۳۵.

۱۰. کتاب «منهاج العارفين»، تألیف: عالم بزرگوار محمد حسن سمنانی رحمته الله.

درب رستگاری^۱ وارد آن شهر گشته‌اند.

و سلام و درود مخصوص، بر آخرین این خاندان نور و رحمت، قائم ایشان، صاحب دعوت نبوی، و نیرو و توان حیدری، و پاکدامنی فاطمی، و بردباری حسنی، و شجاعت حسینی، و عبادت سجّادی، و سنت‌های نیکو و برجای ماندنی باقری، و آثار و نشانه‌های جعفری، و دانش‌های کاظمی، و برهان‌های رضوی، و سخاوت تقوی، و پاکی نقوی، و شکوه عسکری، و غیبت الهی، قیام‌کننده به حق و کسی که مردم را به سوی راستی مطلق فرا می‌خواند، کلمه الهی و امان الهی و برهان خداوند، پیروز به امر او و دافع از حریم او، امام پنهان و آشکار، برطرف‌کننده غصّه‌ها و سختی‌ها، صاحب کرم و بخشش‌ها، امام به حق ابی القاسم محمد بن الحسن صاحب عصر و زمان، جانشین خداوند و امام انسان‌ها و جنیان، کسی که ستاره درخشان^۲ در شب بسیار تاریک است، و هم اوست که ایمنی دهنده از خطرهای سفرها و زمان‌ها^۳ است. او که سپر حفظ‌کننده^۴ در سختی‌ها و گرفتاری‌هاست.

این کتاب، اثر ناچیزی است از بنده ضعیف و فانی، به عنوان

۱. کتاب «باب السعادة»، تألیف: عالم شهیر فیض کاشانی رحمته الله.

۲. کتاب «نجم الناقب»، تألیف: محدث نوری رحمته الله.

۳. کتاب «الأمان من أخطار الأسفار والأزمان»، تألیف: عالم بزرگوار سید بن طاووس رحمته الله.

۴. کتاب «الجَنَّةُ الْوَأَقِيَّةُ»، منسوب به عالم عالقدر میرداماد رحمته الله و همچنین عالم بزرگوار کفعمی رحمته الله.

هدیه به شما ای سرور مهربان و بزرگوار؛ اگر مورد قبول قرارش
دهی منّتی است عظیم از سوی پروردگار مَنان؛ که به وجود مبارک
شما و بخشش بی پایان شما ای صاحب زمان بر من منّت نهاد و این
کتاب با قبول شما، برای من باقیات صالحات^۱ و توشه روز جزا^۲
برای روزی که «ثروت و فرزندان، نفعی نمی بخشد»^۳ قرار
می گیرد، و نیز وسیله رستگاری سئوال کننده^۴ و چراغ شب
زنده دار^۵ خواهد شد، برای هر کسی که آن را بخواند و کلید
رستگاری^۶ را برای گشودن درهای رحمت الهی^۷ طلب کند.
امیدوارم به واسطه قبول نیکوی شما - ای صاحب بخشش و
بزرگواری - این کتاب آگاهی دهنده دوست^۸ در راه کشف کلیدهای
عالم غیب^۹ گردد، برای کسی که آن را با تأمل و درنگ می خواند و
ان شاء الله به واسطه آن در گروه اولیاء مقربیت درخواهد آمد،

۱. کتاب «الباقیات الصالحات»، تألیف: محدّث قمی رحمته الله.

۲. کتاب «زاد المعاد»، تألیف: علامه مجلسی رحمته الله.

۳. ﴿لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ﴾؛ سورة شعراء، آیه ۸۸.

۴. کتاب «فلاح السائل»، تألیف: عالم بزرگوار سید بن طاووس رحمته الله.

۵. کتاب «مصباح المتبهد»، تألیف: عالم بزرگوار شیخ طوسی رحمته الله.

۶. کتاب «مفتاح الفلاح»، تألیف: عالم نامی شیخ بهائی رحمته الله.

۷. کتاب «فتح الأبواب»، تألیف: عالم بزرگوار سید بن طاووس رحمته الله.

۸. کتاب «تبصرة الولي»، تألیف: علامه سید هاشم بحرانی رحمته الله.

۹. کتاب «مفتاح الغیب»، تألیف: علامه مجلسی رحمته الله.

همان هایی که دارای ساز و برگ های نیرومند^۱ هستند، که خداوند
آنان را برای یاری شما آماده کرده تا شما را یاری و کمک کنند.
پس ای عزیز؛ ﴿مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُّزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا
الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ﴾^۲؛ «ما و خاندان مان
گرفتار شده ایم، و سرمایه ناچیزی آورده ایم؛ پس، پیمانۀ ما را پر
کن و به ما صدقه بده؛ همانا خداوند صدقه دهندگان را پاداش
می دهد».

این کتاب مجموعه ای است از نمازها و دعاها و زیارت هایی
که از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه به دست ما
رسیده و یا در مورد حضرت بقیه الله حجّة بن الحسن العسکری
صاحب ولایت کامل و فرمانروایی مطلق در عالم وجود - که برترین
درود و سلام بر او و اجداد گرامی اش باشد - نقل شده است.

مؤلف، در گردآوری دعاها و زیارات و ... که در کتب معتبر^۳

۱. کتاب «العدد القویة»، تألیف: عالم جلیل القدر رضی الدین حلّی رحمته الله.

۲. سورة یوسف، آیه ۸۸.

۳. بنا بر قاعده «تسامح در ادلّه سنن» و همچنین «اخبار من بلغ» دقت بسیار در اسناد ادعیه و
زیارات وارده لازم نیست. ولی نباید قاعده «تسامح در ادلّه سنن» و «اخبار من بلغ» را
دستاویز قرار داده و هر گونه دعا و زیارت را اگر چه جعلی باشد برای دیگران نقل نمائیم و یا
خود به خواندن آنها سرگرم شویم؛ بلکه باید از این گونه دعاها و زیارت ها دوری بجوئیم؛
زیرا علاوه بر مضمون های اشتباهی که در بسیاری از این قبیل ادعیه و زیارات وجود دارد،

آمده و به دستش رسیده سعی داشته است و ادعا ندارد که این کتاب مجموعه کاملی از همه دعاها و ... باشد. زیرا عصر غیبت و دوری ما از حضرت حجّت ارواحفاده باعث شده بسیاری از دعاهای صادر شده از ناحیه مقدّسه از دسترس ما دور بماند همانند بسیاری از نمازها و زیارات و اذکار؛ چون با کمال تأسّف در عصر غیبت به خاطر دوری و نیز غفلت ما از ساحت شریف امام ارواحفاده، بسیاری از آنچه که از ناحیه مقدّسه صادر شده است را نمی یابیم. چه بسا برخی از این مطالب به دوستان بزرگوارشان رسیده که بنا به دلایلی از ما پنهان کرده اند و در جایی ثبت نکرده اند. برای اثبات این ادعا ماجرابی را که برای عالم ربّانی مرحوم آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری رضوان الله تعالی علیه اتّفاق افتاده است نقل می کنیم؛ ایشان چنین فرمودند:

دوستی داشتیم که با حضرت حجّت صلوات الله علیه در ارتباط بود و گاهی پیش من می آمد و تا اوّل انقلاب در ایران، پیوسته باهم

→ آن قدر دعاها و زیارات وارده از خاندان بیت وحی علیهم السلام در دسترس ما وجود دارد که نیازی به رجوع و نقل و یا خواندن دعاها و زیارت هائی که مدرکی ندارند، نداریم. با توجه به این حقیقت، ما آن قسمت از دعاها و زیارت هائی را که در منابع معتبر وجود ندارد نقل نمی کنیم، و نمازها، دعاها و زیارات هائی را در این کتاب می آوریم که در منابع و مصادر قدیم و کتاب های معتبر وجود دارند و به جز موارد اندکی متعزّض اختلاف نسخه ها نمی شویم تا خواننده سردرگم نشده و متحرّج نگردهد. کسانی که می خواهند از اختلاف نسخه ها آگاه شوند به کتاب «الصحیفة المبارکة المهدیة» مراجعه نمایند.

ارتباط داشتیم؛ ولی پس از انقلاب، پیش من نیامد و او را زیارت نکردم. به هر حال زمانی برای من مشکلی پیش آمده بود و در همان ایّام با او در میان گذاشتم و حلّ آن را از او درخواست کردم. آن مشکل این بود که بعضی از طلبه ها و نیز افراد دیگر به من مراجعه می کردند و کمک می خواستند، و من بعضی از آنها را نمی شناختم و به همین دلیل شک می کردم که باید به آنان کمک کنم، یا نه؟

چون اگر به کسی که او را نمی شناسم کمک کنم ممکن است مستحقّ نباشد و در صورت کمک نکردن، این احتمال وجود دارد که او محتاج و مستحقّ واقعی باشد.

وقتی این مشکل را با ایشان - که با امام زمان صلوات الله علیه در ارتباط بودند - در میان گذاشتم، به من گفتند: من إنّ شاء الله جواب را از امام ارواحفاده برایتان می آورم.

وی از پیش من رفت و بعد از چند روز برگشت و دعایی از طرف حضرت حجّت ارواحفاده به من عطا کرد و گفت: اگر کسی از تو چیزی خواست و تو او را نمی شناختی اوّل این دعا را بخوان و بعد به او چیزی بده. همانا حضرت حجّت ارواحفاده فرمودند:

وقتی که این دعا را بخواند امکان ندارد مراجعه کننده بتواند این مال را در جایی که رضای ما نباشد مصرف کند.

و آن دعا مختصر بود و من مکرّر شاهد بودم که آن مرحوم

هنگامی که شخص ناشناسی به ایشان مراجعه می‌کرد آن را می‌خواندند.

غرض از نقل این قضیه مهم - که پذیرش آن برای بعضی مشکل است - این بود که بدانید همه آنچه که از ناحیه مقدسه صادر شده به دست ما نرسیده است و بسیاری از دعاها و زیارات و نمازها در قلب پاک دوستان آن حضرت مانده و برای مردم ظاهر نکرده‌اند تا وارد خاک شده‌اند.

محدث نوری رحمته الله می‌فرماید: گروهی از علمای مورد اعتماد به من خبر دادند که صاحب الامر ارواحنا فداه را در حال بیداری دیده‌اند و معجزات متعددی را از آن حضرت مشاهده کرده‌اند و آن حضرت بسیاری از اخبار غیبی را به ایشان خبر داده است و ایشان را به دعاهاى مستجاب دعا نمودند؛ و آنها را از خطرهای هلاکت بار نجات داده‌اند که کلمات را یارای توصیف و تفصیل آنها نیست.^۱ و آنچه را که ما در این کتاب گرد آورده‌ایم در کتاب‌های معتبر آمده است و این تألیف از الطاف خداوند مهربان در حق من است. آنچه از زیبایی و خوبی که در این کتاب می‌بینید از تأییدات حضرت بقیة الله صلوات الله علیه می‌باشد و آنچه کمبود و اشتباه در این کتاب مشاهده کنید از ناحیه مؤلف می‌باشد.

از خداوند تعالی امید دارم که راستی و اخلاص عطا کند و

۱. دار السلام: ۱۳۷/۲.

این کتاب را نیز وسیله تذکر و راهی برای نزدیک شدن به خدا و ولی او حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه قرار دهد.

این کتاب^۱ علاوه بر مقدمه و خاتمه، دارای دوازده «باب» است، همان گونه که:

إِنَّ الشُّهُورَ عِنْدَ اللَّهِ اثْنِي عَشَرَ شَهْرًا، وَأَنَّ الْأُمَّةَ اثْنِي عَشَرَ إِمَامًا، وَأَنَّ النَّبِيَّاءَ اثْنِي عَشَرَ نَبِيًّا.^۲

همانا تعداد ماه‌ها نزد خداوند، دوازده ماه است و امامان نیز دوازده نفر هستند و به درستی که نقیبان نیز دوازده نفرند.

و بدانید که:

﴿إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَيَّ رَبًّا سَبِيلًا﴾^۳.
﴿فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾

۱. کتاب «الصحيفة المباركة المهدية» با اضافاتی که پس از چاپ اول به آن افزودیم دارای بیش از چهار صد و پنجاه نماز، دعا، زیارت، استخاره... است، از آنجا که باب چهارم، پنجم، یازدهم و دوازدهم آن - یعنی دعاهایی که امام عصر (ارواحنا فداه) برای افراد یا علیه دیگران نموده‌اند و همچنین دعاهایی که هنگام ولادت قرائت نموده‌اند و دعاهایی که در ضمن دعاهاى دیگر و همچنین زیارات درباره آن بزرگوار وارد شده است - دارای جنبه تخصصی می‌باشد و برای اهل تحقیق مفید است و از نظر قرائت برای عموم فایده نداشت حذف نموده و با تغییراتی در ترتیب و تیوب آن، کتاب «الصحيفة المهدية» یا المختار من الصحيفة المباركة المهدية» تدوین گردید تا این شاء الله مورد استفاده عموم قرار گیرد.

و این کتاب - صحیفه مهدیه - ترجمه آن است که اکنون در اختیار شما قرار دارد.

۲. بحار الأنوار: ۳۹۹/۳۶. ۳. سوره مزمل، آیه ۱۹.

وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ
تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ
عَفُورٌ رَحِيمٌ^۱.

همانا این یک وسیله یادآوری است؛ پس هر که خواهد راهی به سوی پروردگارش در پیش گیرد. هر چه از آن می‌توانید بخوانید؛ و نماز را بپا دارید و زکات بپردازید و برای خدا قرض و وام نیکو بدهید و (بدانید) هر خیر و خوبی که برای خویشتن پیش بفرستید، آن را نزد خداوند بهتر و با پاداشی بزرگ‌تر خواهید یافت؛ و از خداوند طلب آمرزش کنید؛ همانا خداوند آمرزنده مهربان است.

نکته مهم:

امامان ما علیهم الصلاة والسلام در فضای سیاسی خاصی قرار داشتند که حکومت ملعون و غاصب «حبتری»^۲ آن را تأسیس کرده بود تا حکومت عدل علوی، پا نگیرد.

لذا به دلیل وجود طاغوت‌های اموی و عباسی، فرصتی برای بیان اسرار الهی توسط امامان علیهم السلام نبود. از این رو حضرت علی بن ابی طالب علیهم السلام - اولین شخصی که حقیقت غصب شد؛ فرمانروای

۱. سوره مَزَل، آیه ۲۰.

۲. حبت، کنایه از اسم اولین غاصب حق خلفای الهی است؛ رجوع کنید به بحار الأنوار:

۳۳۶/۳۵

فرمانروایان راستین - فرمودند:

كان لرسول الله ﷺ سرّ لا يعلمه إلا قليل ... ولولا طغاة
هذه الأمة لبثت هذا السرّ.^۱

برای پیامبر اکرم ﷺ سرّی بود که جز اندکی، آن را نمی‌دانستند ... و اگر طاغوت‌های این امت نبودند این سرّ را فاش و منتشر می‌کردم.

بدین ترتیب درمی‌یابیم که این اسرار را برای مردم بیان نکردند و جز برای تعداد کمی از بزرگان و برترین اولیائشان فاش نساختند، و از آنجایی که مردم توان پذیرش و نگه‌داری اسرار و حقایق معنوی را نداشتند، برای ایشان فاش کردن اسرار و حقایق ممکن نبود؛ زیرا مردم در دولت حبتری قرار داشتند که آن هم تا ظهور حکومت الهی حضرت قائم ارواحنا فداه ادامه می‌یابد.

امام صادق علیهم السلام در تفسیر آیه «وَاللَّيْلُ إِذَا يَسِرُّ»^۲ می‌فرماید:

هي دولة حبتري، فهي تسري إلى قيام القائم عليه السلام.^۳

مراد از «شب»، دولت حبتری است که تا قیام قائم (صلوات الله علیه) ادامه می‌یابد.

۱. بحار الأنوار: ۳۰۶/۹۵.

۲. سوره فجر، آیه ۴.

۳. بحار الأنوار: ۷۸/۲۴.

به این جهت، امامان علیهم السلام بسیاری از آن حقایق را تحت عنوان دعا و مناجات بیان فرموده‌اند که باید آن حقایق معنوی را در میان دعاها جستجو کنید. البته اهل بیت علیهم السلام که اسرار و حقایق را در دعاها و زیارت‌ها به دلیل جوّ سیاسی در آن عصر گنج‌انداختند، منحصر به بیان آن‌ها نکردند؛ بلکه مسایل مهمّ اعتقادی و معارف عالی‌ای را در دعاها و مناجات‌ها و زیارت‌ها بیان نموده‌اند و این حقیقت با مراجعه به آن‌ها، آشکار می‌گردد. اهل بیت علیهم السلام به بیان بسیاری از مسایلی که تأثیر اساسی در حیات بشر دارد نیز پرداخته‌اند و به جامعه بشری بهترین درس‌های زندگی را داده‌اند. در «صحیفه کامله سجّادیه» که امام عصر ارواح‌نافداه درستی آن را تأیید کرده‌اند، دقت کنید تا مشاهده نمایید که امام زین العابدین علیه السلام چه حقایق بزرگی را در الفاظ کوتاه به عنوان دعا و مناجات، بیان فرموده است. همچنین در دعا‌های دیگر از آن حضرت و امامان دیگر علیهم السلام این حقیقت، ظاهر و آشکار است.

اکنون به یک درس از درسهای زندگی که در ادعیه به ما آموخته‌اند، اشاره می‌کنیم:

در مناجات انجیلیّه امام سجّاد علیه السلام از خداوند می‌خواهیم:

أَسْأَلُكَ مِنَ الْهَمِّ أَعْلَاهَا.^۱

پروردگارا؛ از همت‌ها برترین آن را از تو درخواست می‌کنم. این سخن، هشدار از امام سجّاد علیه السلام است برای هر کسی که دعا می‌کند و خدا را می‌خواند. یعنی دعاکننده، هر کس که می‌خواهد باشد - گرچه خود را جدّاً حقیر و پست می‌شمارد - بایستی از خداوند بخواهد که به او برترین همت‌ها را عنایت کند تا در سایه آن، تحوّلی در زندگی خود، ایجاد نماید تا وجود او در جامعه، دارای تأثیر اساسی و مهمّی باشد و این حقیقتی است که با تابش نور امام علیه السلام در قلب انسان تحقق پیدا می‌کند.

آنچه از اهل بیت علیهم السلام از دعاها به ما رسیده است طور سینه‌ای ولایت هستند. هر کس می‌خواهد به وادی ایمن برود، و بر فراز طور سینه‌ای هدایت بالا رود، باید کفش‌هایش را بیرون آورده، لباس‌هایش را پاک نماید و آداب دعا و مناجات را بیاموزد تا آثار عنایت و اجابت را مشاهده نماید.

آنچه بیان شد، از قرآن و روایات به دست ما رسیده است. آن‌ها را بپذیرید و فرصت را غنیمت دانسته و از رحمت الهی ناامید نباشید، که «إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»^۱؛ «همانا جز قوم کافر از رحمت خدا ناامید نمی‌شود».

و بر این امر یقین داشته باشید تا آن نور را ببینید و آن سر را

۱. سوره یوسف، آیه ۸۷.

۱. بحار الأنوار: ۱۵۵/۹۴.

بشناسید؛ چرا که ائمه طاهرين عليهم السلام مردم را با دعاها و مناجات خود، به آن اسرار و حقایق هدایت و راهنمایی می‌کنند.

ضرورت دعا از نظر عقل و نقل

قبل از بحث درباره آداب دعا، درباره ضرورت دعا از نظر عقل و نقل سخن می‌گوییم:

الف) «دلیل عقلی»: دور کردن زیان از خویش - در صورت امکان و توان - واجب است؛ از سویی رسیدن زیان در این دنیا به هر انسانی حتمی است. زیرا هر انسانی مسایلی دارد که عقلش را مشغول ساخته و فکرش را مشوش می‌کند و به او ضرر می‌رساند. این مسایل یا از درونش پیدا می‌شود، مثل عارضه‌ای که جسم او را دچار بیماری کند یا از خارج است همچون آزار ستمگران، و چیزهای ناپسندی که از ناحیه همسایه و یا شریک می‌رسد.

و اگر اکنون به این ضررها مبتلا نباشد عقل احتمال رویداد آنها را در آینده می‌دهد. چگونه این حقیقت را انکار نماییم و حال آن که آدمی در منزلگاه حادثه‌هاست و این منزلگاه هیچگاه به یک حال نیست و سختی‌های آن از او جدا نمی‌گردد.

بنابراین، ضررهای دنیا یا بر انسان وارد شده‌اند و یا وارد خواهند شد. و در صورت توان و امکان هر دو را باید از بین برد. با دعا چنین توانی حاصل می‌گردد. دعا هم که در توان است، پس

در هر حال باید انسان به دعا روی آورد.

حضرت امیرالمؤمنین و سید الوصیین عليه السلام نیز بدین معنا خبر داده و فرموده‌اند:

ما من أحد ابتلي وإن عظمت بلواه بأحق بالدعاء من المعافي الذي لا يأمن من البلاء.^۱

کسی که به بلایی مبتلا باشد گرچه بلایش عظیم باشد، سزاوارتر به دعا کردن نیست از شخصی که در عافیت است؛ که او هم از بلا و گرفتاری در امان نمی‌باشد.

ب) دلیل روایی: از نظر روایات آشکار است که همه به دعا محتاج‌اند، خواه به بلا مبتلا شده باشند و خواه نشده باشند. فایده دعا یا برطرف کردن بلایی است که وارد شده و یا دور کردن بدی‌ای است که به آدمی رسیده است، یا به دست آوردن منفعت و فایده‌ای است که دلخواه می‌باشد، یا پایدار کردن و نگهداری نمودن و جلوگیری از زایل شدن و از بین رفتن خیری است که موجود می‌باشد.

زیرا ائمه عليهم السلام دعا را به عنوان «سلاح» توصیف نموده‌اند و سلاح وسیله‌ای است که سودبخش و برطرف کننده زیان است. همچنین، دعا را «تُرس» نامیده‌اند و تُرس سپری است که با آن از ناپسندی‌ها جلوگیری به عمل می‌آید.

۱. بحار الأنوار: ۳۸۰/۹۳.

رسول خدا ﷺ فرمود:

أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يَنْجِيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَيُدْرِي أَرْزَاقَكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ.

قال: تدعون ربكم بالليل والنهار، فإنّ سلاح المؤمن الدعاء.^۱

می‌خواهید شما را به سلاحی راهنمایی کنم تا او شما را از دشمنان تان نجات دهد و روزی‌هایتان را بسیار نماید؟ گفتند: بلی ای رسول خدا.

فرمود: پروردگارتان را در هر روز و شب بخوانید؛ زیرا که دعا، اسلحه مؤمن است.

امیر المؤمنین علیؑ فرمود:

الدعاء ترس المؤمن، ومتى تكثر قرع الباب يفتح لك.^۲
دعا سپر مؤمن است، و وقتی دری را زیاد کوبیدی، سرانجام برایت باز شود.

امام صادق علیؑ فرمود:

الدعاء أنفذ من السنان الحديد.^۳

دعا نافذتر از سرنیزه آهنین است.

امام کاظم علیؑ فرمود:

إنّ الدعاء يردّ ما قدّر وما لم يقدر، قال: قلت: وما قد قدر فقد عرفته، فما لم يقدر؟ قال: حتّى لا يكون.^۱

همانا دعا باز می‌گرداند آنچه را تقدیر شده و آنچه را که تقدیر نشده است.

راوی می‌گوید: پرسیدم: «آنچه تقدیر شده است» را می‌دانم، اما «آنچه تقدیر نشده است» چگونه است؟ فرمود: دعا می‌کند تا در آینده بلامقدر نشود.

امام کاظم علیؑ در روایتی دیگر می‌فرماید:

عليكم بالدعاء، فإنّ الدعاء والطلب إلى الله تعالى يردّ البلاء، وقد قدر وقضى فلم يبق إلّا إمضائه فإذا دعى الله وسئل صرفه صرفه.^۲

شما را سفارش می‌کنم به دعا کردن؛ همانا دعا و طلب از خداوند تعالی، بلا را دور می‌کند در حالی که تقدیر شده و قضای الهی بر طبق آن صورت پذیرفته؛ ولی فقط اجرای آن باقی مانده است و اگر خداوند خوانده شود و از او بازگرداندن بلا سؤال شود، خداوند آن را برمی‌گرداند.

و زراره علیؑ از امام باقر علیؑ روایت کرده است که فرمود:

۱. الكافي: ۲/۴۶۹.

۲. الكافي: ۲/۴۷۰.

۱. ۲. الكافي: ۲/۴۶۸.

۳. الكافي: ۲/۴۶۹.

ألا أدلكم على شيء لم يستثن فيه رسول الله ﷺ؟

قلت: بلى.

قال: الدعاء يردّ القضاء وقد أبرم إبراماً، وضم أصابعه.^١

آیا می‌خواهید شما را به چیزی راهنمایی کنم که رسول خدا ﷺ در آن هیچ استثنایی نکرده است؟ زراره گفت: آری. آن حضرت - انگشتان مبارک‌شان را درهم کردند و - فرمودند: دعا قضا (تقدیر الهی) را باز می‌گرداند اگرچه استوار و حتمی شده باشد.

و از امام سید العابدین علیه السلام روایت شده است که فرمود:

إنّ الدعاء والبلاء ليتوافقان إلى يوم القيامة، إنّ الدعاء ليردّ البلاء وقد أبرم إبراماً.^٢

همانا دعا و گرفتاری تا روز قیامت همراهند. دعا بلا را - حتی اگر حتمی شده باشد - دور می‌گرداند.

آن حضرت در جای دیگر می‌فرمایند:

الدعاء يردّ البلاء النازل وما لم ينزل.

دعا، بلائی نازل شده و نیز بلائی را که هنوز نازل نشده است باز می‌گرداند.^٣

١. الكافي: ٢/٤٧٠.

٢. الكافي: ٢/٤٦٩.

٣. عدّة الداعي: ١١.

آداب دعا

حال که اهمّیت دعا کردن و آثار شگفت‌آور آن با این گفتار روشن گردید و نیز این مطلب فهمیده شد که اگر دعا‌کننده آداب دعا را مراعات کند به حاجت خود می‌رسد، به بیان آداب دعا می‌پردازیم:

در کتاب «المختار من کلمات الإمام المهدي عليه السلام» نقل کرده است: «آداب دعا را رعایت کنید و بنگرید چه کسی را می‌خوانید؟ و چگونه و برای چه دعا می‌کنید؟ و در مورد آنچه سؤال و درخواست می‌کنید تفکّر و تأمل کنید که چه چیزی درخواست می‌کنید، چه مقدار و برای چه آن را می‌طلبید؟»

به راستی که دعا طلب اجابت تمام خواسته‌های شما برای حضرت حق، و خالص شدن روح و روان در مشاهده پروردگار است. همانا دعا، برداشتن همه اختیارات از خود و تسلیم همه امور باطنی و ظاهری به خدای قادر متعال است. حال اگر شرط دعا را بجا نیاوردید نباید منتظر اجابت آن باشید؛ همانا خداوند پنهان و آشکار را می‌داند پس شاید خدا را به چیزی می‌خوانید که خداوند از درون شما خلاف آن را می‌داند.

بدانید که اگر خدا ما را به دعا امر نمی‌کرد و ما خدا را با اخلاص می‌خواندیم، خداوند با اجابت خود به ما تفضّل می‌کرد، پس حالا

که به دعا امر نموده و ضامن شده اجابت را برای کسی که با شرایط آن خدا را بخواند، چگونه خواهد بود؟^۱

سپس می‌گوید: «آداب دعا عبارتند از:

اول: شروع کردن با نام خداوند.

حضرت رسول ﷺ فرمود:

لا یردّ دعاء أوّله «بسم الله الرحمن الرحیم».^۲

دعایی که با «بسم الله الرحمن الرحیم» شروع شود، رد نمی‌شود.

دوم: دعا با حمد و ستایش خداوند باشد.

مولای ما حضرت امام صادق علیه السلام فرموده است:

کلّ دعاء لا یكون قبله تحمید فهو أبتّر.^۳

هر دعایی که قبل از آن حمد و سپاس خداوند نباشد، ناقص است و نتیجه ندارد.

در نامه امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شده است:

اول ستایش و بعد درخواست کردن و طلب نمودن از خداوند.

بنابراین، هنگامی که خدای عزّوجلّ را خواندی او را حمد و

ثنا بگو و ستایش کن و تمجید نما.

۱. بحار الأنوار: ۳۲۲/۹۳.

۲. بحار الأنوار: ۳۱۳/۹۳.

۳. الکافی: ۵۰۳/۲.

راوی می‌گوید: گفتیم: چگونه او را تمجید کنم؟

فرمود: می‌گویی:

یا مَنْ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، یا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ

وَقَلْبِهِ، یا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى، یا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ.

ای کسی که از رگ گردن به من نزدیک‌تری؛ ای کسی که میان

انسان و قلبش حایل می‌شوی؛ ای کسی که در چشم انداز بلندای

هستی؛ ای کسی که هیچ چیزی مانند تو نیست.^۱

سوم: صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد علیهم السلام.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

صلاتکم علیّی اجابة لدعائکم، وزکاة لأعمالکم.^۲

صلوات فرستادن شما بر من، هم باعث اجابت دعاهاى تان

است و هم سبب پاکی اعمال تان می‌گردد.

مولای ما امام صادق علیه السلام فرمود:

لا یزال الدعاء محجوباً حتّی یصلّی علی محمد و آل محمد.^۳

دعا پیوسته در حجاب است تا اینکه بر محمد و آل محمد علیهم السلام

صلوات فرستاده شود.

۱. بحار الأنوار: ۳۱۵/۹۳.

۲. بحار الأنوار: ۵۴/۹۴.

۳. بحار الأنوار: ۳۱۲/۹۳ و ۳۱۶.

و نیز فرموده‌اند:

من کانت له إلى الله عز وجل حاجة فليبدأ بالصلاة على محمد وآله، ثم يسأله حاجته، ثم يختم بالصلاة على محمد وآل محمد، فإن الله أكرم من أن يقبل الطرفين ويدع الوسط، إذا كانت الصلاة على محمد وآل محمد لا تحجب عنه.^۱

هر کسی که حاجتی از خداوند بخواهد، باید با صلوات بر محمد و آل محمد ﷺ آغاز کند، سپس حاجتش را بخواهد و آن را با صلوات بر محمد و آل محمد ﷺ به پایان برساند؛ زیرا خداوند بزرگوارتر از آنست که ابتدا و انتهای دعا را قبول کند؛ ولی وسط آن را رها کند و قبول ننماید، زمانی که بر محمد و آل محمد ﷺ صلوات فرستاده شود از او محجوب نمی‌شود.

چهارم: طلب شفاعت کردن است. مولای ما امام کاظم ﷺ فرمود:

زمانی که حاجتی از خدا داشتی بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ، فَإِنَّ لَهُمَا عِنْدَكَ شَأناً مِنَ الشَّأْنِ، وَقَدراً مِنَ الْقَدْرِ، فَسَبِّحْ ذَلِكَ الشَّأْنَ وَبَسِّحْ ذَلِكَ الْقَدْرَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا....

۱. بحار الأنوار: ۳۱۶/۹۳.

خدایا؛ من از تو درخواست می‌کنم به حق محمد و علی، زیرا که آن دو بزرگوار در پیشگاه تو شأن و منزلتی و قدر و ارزشی دارند. پس به آن شأن و مقامی که نزد تو دارند بر ایشان صلوات بفرست و این خواسته را برای من انجام بده.

به درستی هنگامی که روز قیامت فرا رسد هیچ فرشته مقرب و هیچ پیامبر مرسل و هیچ مؤمن آزموده شده‌ای باقی نمی‌ماند مگر اینکه در آن روز محتاج به شفاعت این دو بزرگوار باشند.^۱

و برای این که حاجت‌ها برآورده شود و به خواسته خود برسیم، به ناچار باید به پیشگاه خداوند عز و جل وسیله‌ای را تقدیم کنیم. به تحقیق که خداوند ما را به این امر دستور داده و فرموده است: ﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾^۲؛ «به سوی او وسیله‌ای بجوید»، و هیچ وسیله‌ای مقرب‌تر و ارزشمندتر از محمد و آل محمد صلی الله علیهم و سلم نیست و آن، شفاعت است.

در زیارت جامعه کبیره آمده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفْعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ، الْأَيِّمَةِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتُهُمْ شُفْعَائِي....

خدایا؛ هر آینه اگر من شفیعیانی مقرب‌تر و آبرومندتر از محمد

۱. بحار الأنوار: ۲۲/۹۴.

۲. سوره مائده، آیه ۳۵.

و اهل بیت نیکوکردار و بزرگوارش که پیشوایان خیرخواهند
نزد تو پیدا می‌کردم آنها را شفیع خود قرار می‌دادم....

از سویی نص صریح روایات دلالت می‌کند که «وسیله»، همان
ائمّه علیهم‌السلام هستند و این منافاتی ندارد با این که ما «وسیله» را به
نردبان و یا غیر آن تفسیر کنیم. (چون منظور از نردبان در اینجا
وسیله ترقی و پیشرفت است).

در روایتی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است:

هم العروة الوثقی والوسیلة إلى الله.^۱

آنان - یعنی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام - دست‌آویز
محکم و قابل اطمینان و وسیله هستند به سوی پروردگار.

سپس این آیه را قرائت فرمودند:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ ﴾^۲.

ای ایمان‌آوردندگان؛ تقوای الهی پیشه کنید و به سوی او
وسیله‌ای جستجو کنید.

شاید دو صفت ایمان و تقوا شرط لازم برای به دست آوردن
وسیله به سوی خداوند متعال باشد، همان طور که وسیله بدون
این دو سودی ندارد.

۱. تفسیر صافی: ۴۴۱/۱.

۲. سوره مائده، آیه ۳۵.

بنابراین، هنگامی که این دو صفت جمع شدند، وسیله سود
می‌بخشد؛ چون ولایت وجود نخواهد داشت مگر با ایمان و تقوا.

پنجم: اعتراف به گناهان است.

در روایتی که از مولای ما امام صادق علیه‌السلام نقل شده، می‌فرماید:

إِنَّمَا هِيَ الْمَدْحَةُ، ثُمَّ الْإِقْرَارُ بِالذَّنْبِ ثُمَّ الْمَسْأَلَةُ؛ وَاللَّهُ مَا
خَرَجَ عَبْدٌ مِنْ ذَنْبٍ إِلَّا بِالْإِقْرَارِ.^۱

به درستی که دعا عبارت است از ثنای خدا و بعد اقرار به گناه و
بعد از آن سؤال و درخواست. به خدا قسم هیچ بنده‌ای از گناه
خارج نمی‌شود مگر با اقرار به گناهش (نزد خدای متعال).

ششم: این که دعا از روی غفلت و بیهودگی نباشد، بلکه با
روی آوردن دل و توجه باشد. همان طور که امام صادق علیه‌السلام
فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَجِيبُ دَعَاءَ بَظْهَرِ قَلْبِ سَاهٍ، فَإِذَا دَعَا
فَأَقْبَلَ بِقَلْبِكَ، ثُمَّ اسْتَيْقَنَ الْإِجَابَةَ.^۲

خداوند دعای شخص غافل را اجابت نمی‌کند. بنابراین،
زمانی که دعا کردی، با توجه و حضور قلب دعا کن، سپس
به اجابت آن یقین داشته باش.

۱. بحار الأنوار: ۳۱۸/۹۳.

۲. بحار الأنوار: ۳۲۳/۹۳.

چون غافل، در حقیقت دعا کننده نیست و دعا واقع نمی شود مگر با توجه قلب به سوی کسی که خوانده می شود.

هفتم: پاک بودن غذا و نوشیدنی و لباس.

چون دعای صالح از عمل صالح و درست است، و چگونه صلاح و درستی با حرام و ناپاکی جمع خواهد شد؟ این سخن خداوند تبارک و تعالی: ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحاً﴾^۱؛ «ای فرستادگان الهی؛ از پاکیزه ها بخورید و عمل صالح و شایسته انجام دهید»، دلالت می کند بر ارتباط تنگاتنگ بین عمل صالح و خوراک حلال و پاک.

رسول خدا ﷺ می فرماید:

من أحبّ أن يستجاب دعاؤه فليطيب مطعمه ومكسبه.^۲

کسی که دوست دارد دعایش اجابت شود باید خوراک و کسب و کارش حلال باشد.

در حدیث دیگری آمده است:

طهر ما كلك، ولا تدخل في بطنك الحرام.^۳

طعام و خوراکی را پاک کن، و در شکم خود حرام را داخل نکن.

در حدیث دیگری آمده است:

أطب كسبك تستجاب دعوتك؛ فإن الرجل يرفع اللقمة إلى فيه حراماً فما تستجاب له أربعين يوماً.^۱

کسب و کار و درآمد خود را پاک کن تا دعایت اجابت شود؛ همانا شخصی که لقمه حرامی را در دهانش می برد تا چهل روز دعایش به اجابت نمی رسد.

در حدیث قدسی آمده است:

فمنك الدعاء وعليّ الإجابة، فلا تحجب عني دعوة إلا دعوة آكل الحرام.^۲

از تو دعا کردن و از من اجابت آن؛ هیچ دعایی از من محجوب نمی شود مگر دعای کسی که حرام می خورد.

مولای ما امام صادق عليه السلام می فرماید:

من سرّه أن يستجاب دعاؤه فليطيب كسبه.^۳

کسی که دوست دارد دعایش به اجابت رسد، باید کسب و کار و درآمد خود را پاک کند.

در روایت دیگری می فرماید:

إذا أراد أحدكم أن يستجاب له فليطيب كسبه، وليخرج

۱. بحار الأنوار: ۳۵۸/۹۳.

۲. بحار الأنوار: ۳۷۳/۹۳.

۱. سورة مؤمنون، آیه ۵۱.

۲. بحار الأنوار: ۳۷۲/۹۳.

۳. بحار الأنوار: ۳۷۳/۹۳.

من مظالم الناس ، وإنَّ الله لا يرفع دعاء عبد وفي بطنه حرام ، أو عنده مظلمة لأحد من خلقه .^۱

زمانی که یکی از شما بخواهد دعایش اجابت شود باید کسب و کارش را پاک کند و حقّ مردم در گردنش نباشد؛ چون خداوند دعای بنده‌ای را که در شکمش غذای حرام باشد، و حقّ احدی از مردم برگردن او باشد، بالا نمی‌برد.

هشتم: پرداخت حقّ مردم که برگردن دعا کننده باشد.
مولای ما امام صادق علیه السلام فرمودند:

إنَّ الله عزّ وجلّ يقول : وعزّتي وجلالي لا أُجيب دعوة مظلوم دعاني في مظلمة ظلمها، ولأحد عنده مثل تلك المظلمة.^۲
به راستی خداوند متعال می‌فرماید: به عزّت و جلالم سوگند، دعای مظلومی را که به او ظلم شده و مراد در مورد آن می‌خواند در حالی که خودش همان ظلم را در حق دیگری کرده است، هرگز اجابت نمی‌کنم.

و مولای ما امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند:

إنَّ الله أوحى إلى عيسى بن مريم : قل للملأ من بني اسرائيل : ... إنّي غير مستجيب لأحد منكم دعوة ولأحد

۱. بحار الأنوار: ۳۲۱/۹۳.

۲. بحار الأنوار: ۳۲۰/۹۳.

من خلقي قبله مظلمة .^۱

خداوند به عیسی بن مریم وحی فرستاد: به همه بنی اسرائیل بگو: ... من دعای یکی از شما را در حالی که برای یکی از بندگانم در گردن او حقّی باشد، اجابت نمی‌کنم.

نهم: ترک گناهی که مانع از برآوردن حاجت می‌شود.
امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

إنَّ العبد يسأل الحاجة فيكون من شأنه قضاؤها إلى أجل قريب ، أو إلى وقت بطيء فيذنب العبد ذنباً ، فيقول الله تبارك وتعالى للملك : لا تقض حاجته وأحرمه إياها ، فإنّه تعرّض لسخطي واستوجب الحرمان منّي .^۲

همانا بنده‌ای حاجتی را از خدا طلب می‌کند و امکان دارد حاجتش زود برآورده شود یا به تأخیر بیفتد؛ در این هنگام، بنده گناهی انجام می‌دهد که خداوند تبارک و تعالی به ملک دستور می‌دهد: حاجتش را برآورده مکن و او را از آن محروم گردان چون او خود را در معرض غضب من قرار داده و موجب محرومیت از من شده است.

دهم: خوش‌گمان بودن به اجابت دعا.

مقصود از آن، طلب یقین است به این که خداوند خلف وعده

۱. بحار الأنوار: ۳۷۳/۹۳.

۲. بحار الأنوار: ۳۲۸/۷۳.

نمی‌کند؛ زیرا در کلام خود به دعا امر کرده و مستجاب شدن آن را تضمین نموده است: ﴿أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾^۱؛ «مرا بخوانید، تا اجابت کنم شما را»، و خداوند خلف وعده نمی‌کند؛ همان گونه که در قرآن به آن تصریح کرده است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۲.

این وعده خداوند است؛ خداوند خلاف وعده‌اش رفتار نمی‌کند؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

خداوند چگونه خلف وعده کند در حالی که بی‌نیاز، توانا، بسیار رحم‌کننده، مهربان و بزرگوار است؟ در حدیث آمده است:

فَإِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ ثُمَّ اسْتَيْقِنِ الْإِجَابَةَ^۳.

زمانی که دعا می‌کنی، با تمام وجود خدا را بخوان، سپس یقین به اجابت داشته باش.

یازدهم: اصرار و پافشاری در دعا.

عَلَّامَةُ مَجْلِسِي^۴ این مورد را از آداب دعا شمرده و فرموده

۱. سوره غافر، آیه ۶۰.

۲. سوره روم، آیه ۶.

۳. بحار الأنوار: ۳۲۳/۹۳.

۴. المختار من کلمات الإمام المهدي: ۲۳۸/۱.

است: در وحی قدیم چنین آمده است:

لَا تَمَلُّ مِنَ الدَّعَاءِ ، فَإِنِّي لَا أَمَلُّ مِنَ الْإِجَابَةِ^۱.

از دعا کردن خسته مشو؛ زیرا من از اجابت خسته نمی‌شوم.

عبدالعزیز طویل از امام صادق^ع روایت کرده است:

إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا دَعَا لَمْ يَزَلِ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ مَا لَمْ يَسْتَعْجَلِ^۲.

همانا بنده وقتی دعا می‌کند، خداوند پیوسته در برآوردن حاجتش می‌باشد مادامی که شتابزدگی نکند.

همچنین از آن حضرت روایت شده است:

إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا عَجَلَ فَقَامَ لِحَاجَتِهِ ، يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى : اسْتَعْجَلِ

عَبْدِي أَتْرَاهُ يَظُنُّ أَنَّ حَوَائِجَهُ بَيِّدٌ غَيْرِي^۳.

بنده وقتی عجله داشته باشد و برآوردن حاجتش را به سرعت بخواهد، خداوند می‌فرماید: بنده‌ام شتاب کرد، آیا گمان می‌کند حاجت‌هایش به دست غیر من است؟

رسول خدا^ص می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ السَّائِلَ اللَّحُوحَ^۴.

همانا خداوند، درخواست‌کننده‌ای را که اصرار کند، دوست دارد.

۱. بحار الأنوار: ۳۷۳/۹۳.

۲. الکافی: ۴۷۴/۲.

۳. بحار الأنوار: ۳۷۴/۹۳.

ولید بن عقبه هجری می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:
والله، لا یلح عبد مؤمن علی الله فی حاجة إلا قضاها له.^۱
به خدا سوگند؛ بنده مؤمن در حاجتی اصرار نمی کند مگر این
که خدا آن را برآورده می کند.

ابو الصباح از امام صادق علیه السلام روایت کرده است:

إن الله کره إلحاح الناس بعضهم علی بعض فی المسألة،
وأحبّ ذلك لنفسه، إن الله یحبّ أن یسأل و یطلب ما عنده.^۲
به راستی که خداوند اصرار بعضی از مردم را به بعضی دیگر در
مورد خواسته هایشان ناپسند می داند، ولی این را در مورد
خودش دوست دارد؛ همانا خداوند دوست دارد که آنچه نزد او
است درخواست و طلب شود.

از احمد بن محمد بن ابو نصر روایت شده که گوید:

به ابا الحسن علیه السلام گفتم: فدایت شوم، من از فلان سال تا کنون
حاجتی را از خداوند خواستم و در حال حاضر به دلیل تأخیر در
برآورده شدن آن، بر قلب من چیزهایی خطور می کند (دچار شک
و وسوسه شده ام).

حضرت در جواب فرمودند:

یا أحمد؛ إیّاك والشیطان أن یكون له علیك سبیل، حتّی

یقتطک، إنّ أبا جعفر علیه السلام کان یقول: إنّ المؤمن لیسأل الله
حاجة فیؤخر عنه تعجیل إجابته حباً لصوته واستماع نحبیه.
ثمّ قال: والله ما أحرّ الله عن المؤمنین ما یطلبون فی هذه
الدّنیاء خیر لهم ممّا عجلّ لهم فیها، وأیّ شیء الدنیا.^۱

ای احمد؛ بپرهیز از این که شیطان به تو راه یابد و تو را ناامید
کند، همانا امام باقر علیه السلام می فرمود:

مؤمن از خداوند حاجتی را می طلبد ولی خداوند اجابت آن را
به تأخیر می اندازد به این دلیل که صدای بنده اش را دوست دارد
و می خواهد ناله او را بشنود.

سپس فرمود: به خدا قسم، خداوند آنچه را که مؤمنان در این
دنیا می طلبند به تأخیر نمی اندازد مگر این که این تأخیر برای
ایشان بهتر است از آنچه برای ایشان تعجیل فرموده است، مگر
دنیا چه ارزشی دارد!؟

از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

إنّ العبد الولیّ لله یدعو الله فی الأمر ینوبه، فیقال للملک
الموکّل به: إقض لعبدی حاجته ولا تعجلّها، فإنّی أشتیهی
أن أسمع نداءه وصوته. وإنّ العبد العدو لله لیدعو الله فی
الأمر ینوبه، فیقال للملک الموکّل به: إقض لعبدی حاجته

وعجلها، فإني أكره أن أسمع نداءه وصوته .

قال: فيقول الناس: ما أعطي هذا إلا لكرامته، وما منع هذا إلا لهوانه .^۱

همانا بندهای که دوست خداست در امری خدا را می خواند و به درگاه او ناله و زاری می کند، پس به فرشته ای که مأمور اوست گفته می شود: حاجت بنده ام را برآورده کن ولی شتاب نکن؛ چون دوست دارم ندا و صدای او را بشنوم .

و بنده ای که دشمن خداست خداوند را در امری می خواند و ناله می کند، پس به فرشته ای که مأمور آن است گفته می شود: حاجتش را برآورده کن و تعجیل نما، چون من کراهت دارم صدا و ناله او را بشنوم .

حضرت فرمود: ولی مردم چنین گویند که حاجت دسته دوم داده نشده مگر به این دلیل که کرامتی نزد خداوند دارند و حاجت دسته اول به تأخیر نیفتاده مگر به خاطر پستی آنها در درگاه خداوند .

از آن امام عظیمی روایت شده است:

لا يزال المؤمن بخير و رضاء و رحمة من الله ما لم يستعجل

فيقطن فيترك الدعاء، قلت له: كيف يستعجل؟

قال: يقول: قد دعوت منذ كذا وكذا، ولا أرى الإجابة .^۲

مؤمن مادامی که شتابزدگی نکند پیوسته در خوبی، راحتی و رحمت الهی است تا آن که عجله می کند و ناامید می شود و دعا را ترک می کند .

به امام عظیمی گفتم: چگونه عجله می کند؟

فرمود: می گوید: از فلان وقت، مدتی طولانی است که خدا را می خوانم ولی اجابت آن را نمی بینم .

و نیز آن حضرت فرمودند:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِيدْعُو اللَّهَ فِي حَاجَتِهِ فَيَقُولُ عَزَّوَجَلَّ: أَخْرُوا إجابته، شوقاً إلى صوته ودعائه . فإذا كان يوم القيامة قال الله: عبدي دعوتني وأخرت إجابتك وثوابك كذا وكذا، ودعوتني في كذا وكذا فأخرت إجابتك وثوابك كذا .

قال: فيتمنى المؤمن أنه لم يستجب له دعوة في الدنيا مما يرى من حسن الثواب .^۱

همانا مؤمن خدا را در مورد حاجتش می خواند، ولی خداوند عزوجل (به ملائکه) می فرماید: اجابتش را به تأخیر بیندازید به خاطر شوق و علاقه در شنیدن صدا و دعایش . تا آن که روز قیامت فرا می رسد؛ خداوند می فرماید: بنده من؛ مرا خواندی ولی اجابت دعایت را به تأخیر انداختم و حالا در مقابل آن، ثواب تو نیز چنین و چنان است . در فلان مورد نیز دعا کردی

ولی من پاسخت را به تأخیز انداختم؛ حالا ثواب تو چنان است.

حضرت فرمود: در آن هنگام که جزا و پاداش نیکوی الهی را مشاهده کرد، مؤمن آرزو می‌کند ای کاش هیچ دعایی از او در دنیا مستجاب نمی‌شد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

رحم الله عبداً طلب من الله حاجة فألح في الدعاء، أستجيب له أو لم يستجب له، وتلا هذه الآية:

﴿وَأَدْعُو رَبِّي عَسَىٰ أَنْ لَا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا﴾^۱.

خداوند رحمت کند بنده‌ای را که از خداوند حاجتی را بخواهد و در دعا اصرار کند؛ چه دعایش اجابت شود و یا نشود. و این آیه را تلاوت فرمودند: «و پروردگارم را می‌خوانم؛ بدان امید که به خاطر خواندن خدای خود، شقی نباشم».

در تورات آمده است:

یا موسی؛ من أحببتي لم ينسني، ومن رجا معروفی ألح في مسألتي.

یا موسی؛ اینی لست بغافل عن خلقي ولكن أحب أن تسمع

۱. سورهٔ مریم، آیهٔ ۴۸.

۲. بحار الأنوار: ۳۷۵/۹۳.

ملائکتني ضجیح الدعاء من عبادي، وترى حفظني تقرب بني آدم إلي بما أنا مقوِّيهم عليه ومسيبه لهم.

یا موسی؛ قل لبني إسرائيل: لا تبطرنكم النعمة فيعاجلكم السلب، ولا تغفلوا عن الشكر فيقارعكم الذلّ، والحوافي الدعاء تشملكم الرحمة بالإجابة، وتهنئكم العافية^۱.

ای موسی؛ آن که مرادوست دارد فراموشم نمی‌کند. و کسی که امید خیر از من دارد در درخواست کردن از من اصرار می‌ورزد. ای موسی؛ من از آفریدگان خودم غافل نیستم، اما دوست دارم فرشتگانم ضجحه و فریاد دعای بندگانم را بشنوند و نگهبانان من ببینند که انسان‌ها و فرزندان آدم چگونه با این ناله‌ها که خودم آنان را به آن نیرو بخشیدم و سبب دعای آنان شدم، به من نزدیک می‌شوند.

ای موسی؛ به بنی اسرائیل بگو: نعمت شما را دچار گردنکشی و غرور نکند؛ زیرا در این صورت به سرعت از شما گرفته می‌شود. از شکر غافل نشوید تا ذلت شما را درهم نکوبد. در دعا اصرار کنید تا رحمت الهی به سبب اجابت دعا شامل حالتان شود و عافیت گوارای شما گردد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

لا يلح عبد مؤمن على الله في حاجته إلا قضاها له^۲.

۲. بحار الأنوار: ۳۷۵/۹۳.

بنده من در حاجتش بر خداوند اصرار نمی‌کند مگر این که آن را برای او برآورده می‌کند.

از منصور صیقل روایت شده است:

قلت لأبي عبدالله عليه السلام: ربّما دعا الرجل فاستجيب له ثمّ أحر ذلك إلى حين؟
قال: فقال: نعم.

قلت: ولِمَ ذلك ليزداد من الدعاء؟
قال: نعم.^۱

به امام صادق عليه السلام عرض کردم: ممکن است کسی دعا کند و دعایش مستجاب گردد سپس تا مدتی به تأخیر بیفتد؟
حضرت فرمود: بلی.
عرض کردم: چرا چنین می‌شود؟ آیا برای این است که بیشتر دعا کند؟
حضرت فرمود: بلی.

آن چه نقل کردیم امور مهمّ در آداب دعا بود و اکنون بعضی از امور را با تأکید بیشتر بیان می‌کنیم:

اهمیت مداومت بر دعا

مداومت بر دعا و اصرار ورزیدن در ادامه آن دارای نقش بسیار مهمّی در رسیدن به مقصود و بدست آوردن حاجت می‌باشد. و این نکته بسیار مهمّی است که همه کسانی که با دعا سر و کار دارند، باید به آن توجه داشته باشند؛ زیرا بیشتر افراد قدرت و توانائی آن را ندارند که با خواندن یک دعا و یا یک زیارت، و یا گفتن یک ذکر، حاجت خود را بگیرند و به مقصودشان نایل شوند.

به عنوان مثال: در بسیاری از امراض جسمانی اگر مرض سطحی باشد، یا تازه شروع شده و کهنه و مزمن نشده باشد می‌توان آن را با یک نسخه مداوا و معالجه نمود؛ ولی اگر مدّت بیماری طولانی و مرض کهنه گردیده باشد، بدیهی است که محتاج به تکرار معالجه و ادامه مصرف دارو است.

در امراض روحی نیز جریان از همین قرار است، اگر شخصی گرفتاری روحی شدیدی داشته باشد و یا در اصل شدید نبوده، ولی بر اثر گذشت زمان و طولانی شدن آن، در روح جایگزین و به آن معتاد شده، در این صورت بدیهی است که مشکل این گونه گرفتاری‌ها را با خواندن یک بار دعا نمی‌توان برطرف نمود، بلکه نیاز به تکرار دعا دارد؛ همان گونه که در بسیاری از امراض

جسمانی انسان محتاج تکرار و تداوم استفاده از دارو است .
 بنابراین ، همان‌گونه که در امراض جسمی مداوا را ادامه می‌دهیم
 تا دارو کاملاً اثر خود را ببخشد ، در مواردی که نیاز به دعا می‌باشد نیز
 باید خواندن دعا را همچنان ادامه دهیم تا اثر آن ظاهر شود .
 البته ممکن است افرادی با خواندن یک دعا ، یا ذکر یک اسم از
 اسماء الله ، به نتیجه برسند ولی این گونه افراد در مجتمع بشری
 نادر الوجود و کمیاب‌اند و عموم افراد نباید توقع داشته باشند که
 مانند آنان با خواندن یک بار دعا ، نتیجه‌ای که آن‌ها می‌گیرند ، بگیرند .
 این یکی از جهاتی است که در روایات درباره‌ی الحاح و اصرار
 در دعا تأکید شده است .

نقش یقین در مستجاب شدن دعا

دو چیز در اجابت دعا ، دارای تأثیر فراوان و اساسی است :

۱ - رفع موانع قلبی و حجاب‌های ظلمانی و زدودن تیرگی‌های
 درونی از قلب .

۲ - ایجاد مقتضی و به وجود آوردن صفا و نورانیت باطنی .

انسان برای آنکه تیر دعایش به هدف بخورد ، به این دو چیز
 احتیاج دارد و باید این دو را ایجاد نماید تا نوبت به اضطرار نرسد .

بنابراین : ۱ - هم باید پرده‌های تیرگی را از قلب کنار بزند . ۲ - و

هم انوار الهی را جایگزین آن نماید . و یقین ، این کار را انجام

می‌دهد . هم ظلمت‌ها ، تاریکی‌ها و شک را از قلب می‌زداید و هم
 صفا و نورانیت را در قلب انسان ایجاد می‌نماید .

همه‌ی کسانی که در معارف و اعتقادات صحیح به یقین
 رسیده‌اند ، دارای قلبی با صفا و نورانی بوده و هستند ؛ زیرا لازمه
 وجودی یقین ، روشنایی و نور در قلب است ، و نوری مانند نور
 یقین وجود ندارد .

حضرت امام باقر علیه السلام می‌فرمایند :

لا نور کنور الیقین .^۱

هیچ نوری مانند نور یقین نیست .

بدیهی است وقتی یقین در قلب آدمی جای گرفت و قلب
 نورانی گردید ، تیرگی‌ها و تاریکی‌ها از میان می‌روند ؛ زیرا نور و
 ظلمت در یک جا جمع نمی‌شوند .

پس با به دست آوردن یقین می‌توان هم تیرگی‌ها را که مانع
 اجابت دعا می‌باشند ، برطرف نمود و هم صفا و نورانیت را که
 مقتضی اجابت دعا است ، فراهم نمود .

اکنون برای آن که از نقش یقین در اجابت دعا بیشتر آگاه
 شوید ، به جریان مهمی که در جلد اول کتاب «اسرار موفقیّت» نقل
 کرده‌ایم ، توجه کنید :

۱ . بحار الأنوار : ۱۶۵ / ۷۸ .

مرحوم آیه الله العظمی خوئی در رابطه با اثرات «بسم الله الرحمن الرحیم» - در صورتی که با یقین گفته شود - جریان بسیار جالبی را از شیخ احمد، خادم استاد الفقهاء مرحوم میرزای بزرگ شیرازی نقل کرده اند که وی گفته است:

مرحوم میرزا، خادم دیگری داشتند به نام شیخ محمد که پس از فوت مرحوم میرزا، از همنشینی با مردم کناره گرفت.

روزی شخصی نزد شیخ محمد رفت، دید هنگام غروب آفتاب چراغ خود را از آب پر نمود و روشن کرد؛ آن شخص بسیار تعجب کرد و علت آن را از او پرسید.

شیخ محمد در جواب گفت: پس از فوت مرحوم میرزا از غم و اندوه جدایی از آن بزرگوار، معاشرت با مردم را قطع نمودم و خانه نشین گردیدم و دلم بسیار گرفته و حزن و اندوه شدید وجودم را فرا گرفته بود.

در ساعت های آخر یکی از روزها، جوانی به صورت یکی از طلاب عرب بر من وارد شد و با من انس گرفت و تا غروب نزد من ماند. از بیانات او به قدری لذت بردم که تمام غم و اندوه از دلم برطرف شد. او چند روزی نزد من آمد تا من به او مأنوس شدم.

در یکی از روزها که با من صحبت می کرد، به خاطر من آمد که امشب چراغم نفت ندارد. چون در آن وقت رسم چنین بود که مغازه ها را هنگام غروب می بستند و شب همه مغازه ها بسته بود.

از این جهت در فکر بودم که اگر برای خرید نفت از منزل خارج شوم، از فیض سخنان ایشان محروم می شوم، و اگر نفت خریداری نکنم، شب را باید در تاریکی بسر برم.

چون مرا متحیر یافت، متوجه من شده و فرمود: تو را چه شده است که به سخنان من خوب گوش نمی دهی؟
گفتم: متوجه گفتار شما هستم.

فرمود: هرگز، درست به آنچه می گویم دل نمی دهی!

گفتم: حقیقت این است که امشب چراغم نفت ندارد.

فرمود: بسیار جای تعجب است که این همه ما برایت حدیث خواندیم و از فضیلت «بسم الله الرحمن الرحیم» سخن گفتیم و تو این قدر بهره مند نشدی که از خرید نفت بی نیاز شوی؟!

گفتم: یاد من نیست حدیثی در این باره فرموده باشید!

فرمود: فراموش کرده ای که گفتم از خواص و فواید «بسم الله الرحمن الرحیم» این است که چون آن را به قصدی بگویی، آن مقصود حاصل می شود؟ تو چراغ خود را از آب پر کن، و به این قصد که آب دارای خاصیت نفت باشد، بگو: «بسم الله الرحمن الرحیم».

من قبول کردم، برخاستم چراغ خود را از آب پر نمودم و در آن هنگام به همان نیت گفتم: «بسم الله الرحمن الرحیم»، چون آن را روشن کردم، افروخته شد و شعله کشید. از آن زمان هرگاه چراغ

خالی می‌شود، آن را از آب پر می‌کنم و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» می‌گویم و روشن می‌کنم.

مرحوم آیه الله خوئی پس از نقل این جریان فرمودند: تعجب این است که پس از نشر این قضیه و پخش شدن آن بین مردم، آنچه شیخ محمد عمل می‌کرد از اثر نیفتاد.

همان گونه که ملاحظه کردید، گفتن یک مرتبه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» از روی یقین، دارای اثر شگفت و خارقالعاده بوده است.

آنان که دارای اسم اعظم اند - و خیلی تعداد آن‌ها کم است - نیز، از همان اسم‌هایی که میان همه مردم متداول است استفاده می‌کنند؛ ولی آنچه که عمل آنان را از دیگران ممتاز می‌سازد، یقین آنان است؛ زیرا یقین آنان در تأثیر نامی که تلفظ می‌کنند، نقش اساسی دارد.

یقین و آثار شگفت‌انگیز آن

چون یقین یکی از مسایل اساسی و دارای آثار بسیار مهمی می‌باشد، بحث درباره آن را ادامه داده و در این ارتباط مقدمه کوتاهی را بیان می‌کنیم:

بسیاری از کسانی که در راه سیر و سلوک و پیمودن راه معنویت تلاش می‌کنند، در جستجوی آنند که موانع راه خود را بشناسند و بدانند چه عواملی در آنان وجود دارد که آنان را متوقف

ساخته و مانع از ترقی و پیشرفت معنوی ایشان می‌شود، بلکه گاهی حالت تنزل و عقب‌گرد روحی پیش می‌آورد.

آن عوامل که سبب توقف و تنزل می‌شوند چه چیزهایی هستند؟ و چگونه می‌توان آن‌ها را شناسایی نمود؟ و از همه مهم‌تر چگونه می‌توان آن‌ها را برطرف نموده و نابود ساخت؟!

اینها سئوالات مهمی است که برای بسیاری از کسانی که در جستجوی امور معنوی می‌باشند پیش می‌آید و نمی‌دانند چگونه باید مشکل خود را حل کنند؟ و چگونه به پاسخ سئوالات خود دست یابند؟

به دنبال این سئوالات، سؤال اساسی‌تر دیگری به وجود می‌آید - که با به دست آوردن پاسخ آن، مشکلات قبلی آسان می‌شود - و آن این است که آیا برای سیر و سلوک و گام نهادن در عالم معنی و پیمودن راه معنویت، شناخت موانع لازم است؟

آیا حتماً باید عواملی را که مانع پیشرفت انسان و سبب رکود و توقف و گاه تنزل انسان می‌باشند، شناسایی نموده، سپس برای برطرف ساختن آن‌ها تلاش نمود؟ یا راهی وجود دارد که با پیمودن آن، همه موانع خود بخود ریشه کن می‌شود گرچه آن‌ها را شناسایی نکرده باشد؟ آیا یادزهری وجود دارد که اثر همه زهرها را - از هر نوعی که باشند - نابود سازد؟

اگر چنین چیزی وجود داشته باشد که چاره همه دردها بوده و

اثر هر گونه زهر را از بین ببرد حتماً باید در راه تحصیل و بدست آوردن آن تلاش نمود و بعد از آن نیازی به شناختن نوع زهری که انسان را گرفتار ساخته، نمی باشد.

بعضی از بزرگان معتقدند راه هایی وجود دارد که با شناختن آنها می توان راه صد ساله را یک شبه پیمود؛ و عواملی وجود دارد که با آن می توان موانع را از سر راه برداشت - گرچه آنها را شناسایی نکرده باشد - و به سر منزل مقصود رسید.

مرحوم محدث نوری، «یقین» را یکی از آن عوامل می داند و معتقد است تأثیر یقین آن چنان زیاد است که می تواند بدون شناخته شدن جزئیات موانع، آثار آنها را ریشه کن نموده و وسیله پیشرفت را در انسان ایجاد کند.

ایشان می فرماید: کسی که می خواهد قلب خود را از صفات زشت پاک نماید و به خصلت های پسندیده زینت بخشد، بدون آن که خود را در شناخت جزئیات بیماری های قلبی و علاج آن و شناخت اضداد و نتایج آن به زحمت افکند، باید برای تحصیل نور یقین اقدام نماید.

یقینی که وقتی در قلب جای گیرد به طور خودکار آن را از همه آلودگی ها و پلیدی ها پاک نماید و نور همه صفات پسندیده را به آن بتاباند. بدون یقین، برطرف ساختن مرض قلبی سودی ندارد و تحصیل خصلت پسندیده ممکن نیست. به همین جهت است

که می بینیم در اخبار فراوان همه خصلت های پسندیده را از ثمرات یقین قرار داده اند.^۱

مرحوم محدث نوری بعد از این کلامش فرموده است: دست کشیدن به خار مغیلان آسان تر از رسیدن به یقین است؛ ولی کسی که دارای آن شود آن چنان قلبش نورانی می شود که موانع را از بین می برد و یا حداقل آن را بی اثر می سازد.

ما در اینجا به این مقدار اکتفا می کنیم؛ کسانی که خواهان مطالب بیشتری درباره یقین و راه های به دست آوردن آن می باشند به کتاب «اسرار موفقیت ج ۱» بخش «یقین» مراجعه نمایند.

دعا برای ظهور امام عصر ارواحنا فداه

لازم و ضروری است

پس از بیان آداب دعا می گوئیم: لازم ترین دعا در زمان غیبت، دعا برای ظهور مولای مان حضرت بقیة الله ارواحنا فداه است، زیرا او صاحب ما، و صاحب عصر و زمان؛ بلکه صاحب امر و سرپرست تمام جهان ها است.

آخر چگونه نسبت به آن حضرت - که پیشوا و امام ماست - غفلت و بی توجهی کنیم؟! در حالی که این غفلت، در حقیقت

۱. دار السلام: ۳/۱۵۰.

بی توجّهی به یکی از اصول و پایه‌های دین است. بدین سان، دعا برای آن حضرت باید پیش از دعا برای خویشان، خانواده و برادران صورت گیرد.

جناب سیّد بن طاووس رحمته‌الله در «جمال الأسبوع» می‌فرماید: پیش‌تر بیان شد که بزرگان و رهبران دینی ما، توجّه و اهمّیت خاصی نسبت به دعا برای حضرت مهدی ارواح‌فداه در هر شب و روز داشته‌اند و این در زمان‌های گذشته مرسوم بوده است.

از این مطلب بر می‌آید که دعا برای آن بزرگوار، از مسایل و شیوه‌های مورد اهتمام مسلمانان و مؤمنان بوده است، چنان‌که در تعقیب نماز ظهر روایت کردیم که امام صادق علیه‌السلام، بیشتر و بهتر از آنچه در مورد خویش دعا کنند، در مورد حضرت مهدی ارواح‌فداه دعا نموده‌اند.

و نیز، در بخش اعمال شب و روز در تعقیباتی که برای نماز عصر بیان کردیم، بخش زیبایی را آوردیم که امام کاظم علیه‌السلام برای حضرت مهدی صلوات‌الله‌علیه به گونه‌ای شیوا و بهتر از دعا برای خویش، دعا فرموده‌اند.

اگر کسی بخواهد دلیلی برای این کار بیاورد در صورتی که جایگاه امام صادق و امام کاظم علیه‌السلام را در اسلام و مسلمین بداند؛ همین کار آن دو بزرگوار، دلیلی بسیار خوب برایش خواهد بود.^۱

۱. جمال الأسبوع: ۳۰۷.

نیز سیّد بن طاووس رحمته‌الله پس از بیان ثواب دعا کردن برای برادران دینی، می‌گوید: در جایی که دعا کردن برای برادران دینی این قدر ارزش و ثواب داشته باشد؛ پس دعا کردن برای سلطانی که سبب خلقت تو است، و اعتقاد داری که اگر او نبود خداوند نیز تو را نمی‌آفرید؛ بسیار بالاتر و به مراتب باارزش‌تر است.

همان امامی که اگر نبود، هیچ‌یک از مکلفان در زمان خودش و زمان تو، به وجود نمی‌آمدند؛ آن بزرگوار که سبب وجود تمام حالاتی که در تو و در غیر توست، و تمام خیرات و بهره‌هایی است که شماها به آن می‌رسید.

زَنهار، زَنهار؛ از این که خودت یا یکی از مخلوقات را در دوستی و دعا کردن، بر آن عزیز، مقدّم و پیش‌بداری؛ قلب و زبانت را هنگام دعا برای آن سرور ارجمند و والا مقام، با یکدیگر هماهنگ کن.

مبادا خیال کنی این سفارشات که می‌کنم، به دلیل احتیاج آن حضرت به دعای توست، هرگز؛ اگر چنین باوری داشته باشی بدان که در اعتقاد و دوستی خود، بیمار می‌باشی. پر واضح است، این گفتار من و سفارشات که کردم، تنها به این خاطر است که بتوانم قدری از حق بزرگ او را که بر عهده توست، به تو بشناسانم و برایت روشن کنم که چه نیکی‌های شایانی بر تو ارزانی داشته است.

از سوئی اگر تو پیش از خودت و عزیزان و نزدیکانت، برای

آن عزیز، دعا کنی، بهتر می توانی درهای اجابت الهی را فراروی خویش بازگردانی؛ زیرا درهای اجابت و پذیرش دعا را خودت - ای بنده خدا؛ - بسته ای و این کار را با جنایت هایت انجام داده ای! لذا هنگامی که دعا کردی برای آن مولای عزیز نزد مالک مردگان و زندگان، امید است که به زودی و به سرعت درهای اجابت آستان الهی برای خاطر آن بزرگوار بازگردد، و پس از وارد شدن به سرای اجابت و پاسخ گویی خداوند، بتوانی برای خودت و دیگران، در زمره فزون بخشی او دعا کنی .

بدین سان، رحمت و بزرگواری و توجه خداوند نیز به تو تعلق می گیرد، به این جهت که در دعا، به ریسمان و دستاویز خداوند، آویخته و دعا کرده ای .

ممکن است بگویند: فلان شخص و فلان شخصی را می شناسم که جزو اساتید دینی تو هستند و این کار را نیز انجام نمی دهند، ولی من به خوبی آگاهم که این افراد در بی توجهی و غفلت نسبت به مولای ما ارواحنفاذ به سر می برند! و نسبت به او کوتاهی نموده اند .

در پاسخ این اشکال به شما عرض می کنم: کاری را که گفتم شما انجام بده؛ زیرا، این حقیقتی آشکار و روشن است، هرکسی مولای ما را واگذارد و به او بی توجهی روا دارد به خدا سوگند در اشتباهی رسواگر به سر می برد!

سید بن طاووس رحمته الله علیه در ادامه می گوید: فکر می کنی نظر

امامان علیهم السلام در این مورد چیست؟ آیا ایشان همانند تو نسبت به اهمیت دعا برای آن حضرت، بی توجهی نموده و آن را سبک می شمارند؟! بنابراین، از زیاد دعا نمودن در نمازهای واجب برای آن حضرت صلوات الله علیه و برای کسی که دعا برای او جایز است خودداری نکن .

روایتی صحیح با سند خودم از محمد بن علی بن محبوب (مرجع و استاد علمای قم در زمان خودش) نقل می کنم که او در کتابش به نام «المصنّف» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرتش فرمود:

كَلَّمَا كَلَّمْتُ اللَّهَ تَعَالَى فِي صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ فَلَيْسَ بِكَلَامٍ .

آنچه با خدا گفتگو کنی در نماز واجب، کلام باطل کننده نماز به حساب نمی آید .

(سید رحمته الله علیه می افزاید:) در چنین شرایطی، دیگر هیچ بهانه ای برای ترک دعا برای آن حضرت نداری.^۱

در کتاب «مکیال المکارم» آمده است: بر اساس آیات قرآن و نیز احادیث، دعا از جمله بزرگ ترین عبادت هاست .

از طرفی شکی نیست که یکی از بهترین، بزرگ ترین و ارزش مندترین دعا های انسان، دعا برای کسی است که خداوند حق او

۱. فلاح السائل: ۴۴.

را و دعا کردن برای او را بر تمام انسان‌ها واجب فرموده است، و نعمت‌های الهی به برکت آن حضرت بر تمام آفریدگانش سرازیر می‌شود.

نیز، شکی نیست که معنای مشغول شدن به خداوند، مشغول شدن به عبادت الهی است، پس دعا کردن برای امام عصر ارواحفاده به طور همیشگی، موجب توفیق الهی در بندگی و عبادت او خواهد شد و خدا او را از دوستان خود قرار خواهد داد.

نتیجه سخن آن که: مواظبت کردن بر دعا برای امام عصر، حضرت حجّت ارواحفاده و درخواست کردن از خداوند تعجیل فرج و ظهور آن حضرت را، و برطرف کردن غم و اندوهش را و خشنود نمودن آن امام بزرگوار، موجب دست‌یابی به دوستی خداوند و توفیق در عبادات الهی خواهد بود (و این مطلبی نیست که بر کسی پوشیده باشد).

پس لازم است تمام مؤمنان نسبت به این مسأله مهم همیشه و در همه جا توجه خاصی مبذول داشته و اهتمام ورزند.

از جریاناتی که درستی گفتار ما را تأیید می‌کند، آن است که برادر عزیز ایمانی‌ام، فاضل وارسته - که مؤید به تأییدات ربّانی است - جناب میرزا محمّد باقر اصفهانی که خدا سایه‌اش را مستدام بدارد و او را به آرزوهایش در این ایام برساند می‌گوید:

در خواب، یاد در حالتی بین خواب و بیداری، در یکی از همین

شب‌ها دیدم که امام بزرگوارمان، آن مولای همه آفریدگان و حجّت الهی بر همه موجودات، حضرت امام حسن مجتبی علیه الصلاة والسلام سخنانی (به این مضمون) فرمودند:

بر منبرها به مردم بگویند و دستور بدهید که توبه کنند و برای فرج و تعجیل ظهور امام زمان علیه السلام دعا کنند. این دعا، مانند نماز میّت واجب کفایی نیست که اگر یک یا چند نفر از مردم آن را انجام دادند، تکلیف از دیگران برداشته شود؛ بلکه، همانند نمازهای واجب روزانه، بر هر یک از مکلفان واجب است که انجام دهند....^۱

با توجه به مطالب یاد شده، لزوم دعا برای ظهور امام زمان ارواحفاده روشن شد.

مظلوم‌ترین فرد عالم

پس از آن که ضرورت دعا برای مولایمان امام زمان ارواحفاده را ذکر کردیم می‌گوییم: متأسفانه در بیشتر مجالس مذهبی از یاد امام زمان ارواحفاده و دعا برای تعجیل ظهور آن حضرت غفلت می‌شود. و اگر بدانیم که تا کنون چقدر از آن حضرت غافل بوده‌ایم، متوجه می‌شویم که آن حضرت مظلوم‌ترین فرد عالم هستند.

۱. مکیال المکارم: ۱/۴۳۸.

اکنون جریاناتی را دربارهٔ مظلومیّت آن بزرگوار ذکر می‌کنیم:
 ۱- حجّة الاسلام والمسلمین مرحوم آقای حاج سید اسماعیل شرفی رحمته الله نقل نمودند:

به عتبات مقدّسه مشرّف شده بودم و در حرم مطهّر حضرت سیدالشهداء علیه السلام مشغول زیارت بودم. چون دعای زائرین در قسمت بالای سر امام حسین علیه السلام مستجاب است، در آنجا از خداوند خواستم مرا به محضر مبارک مولایم حضرت مهدی ارواحنا فداه مشرّف گرداند و دیدگانم را به جمال بی‌مثال آن بزرگوار روشن نماید.

ناگهان هنگامی که مشغول زیارت بودم خورشید جهان تاب جمالش ظاهر شد، گرچه در آن هنگام حضرتش را نشناختم؛ ولی شدیداً مجذوب آن بزرگوار شدم، پس به او سلام کردم و از ایشان سؤال کردم: آقا! شما کیستید؟

فرمودند: من مظلوم‌ترین فرد عالم هستم.

من مقصود آن حضرت را متوجّه نشدم و با خود گفتم: شاید ایشان از علمای بزرگ نجف هستند و چون مردم به ایشان گرایش پیدا نکرده‌اند خود را مظلوم‌ترین فرد عالم می‌داند، در این هنگام ناگهان متوجّه شدم که کسی در کنارم نیست.

اینجا بود که فهمیدم خداوند دعایم را مستجاب فرموده و مرا به لقای حضرتش شرفیاب نموده، و او مظلوم‌ترین فرد عالم و امام

زمان من بود، و نعمت حضور آن بزرگوار را زود از دست دادم.
 ۲- حجّة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید احمد موسوی - که از شیفتگان حضرت امام عصر عجل الله تعالی له الفرج می‌باشند - از حجّة الاسلام والمسلمین عالم ربّانی مرحوم آقای حاج شیخ محمّد جعفر جوادی نقل نمودند که ایشان در عالم کشف، یا شهود خدمت حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه مشرّف شده و ایشان را بسیار غمگین می‌بیند، از حال آن بزرگوار سؤال می‌کند، حضرت می‌فرمایند:

دلم خون است، دلم خون است.

۳- حضرت امام حسین علیه السلام در عالم مکاشفه به یکی از علمای قم فرمودند:

«... مهدی ما در عصر خودش مظلوم است، تا می‌توانید دربارهٔ آن حضرت سخن بگویید و قلم فرسایی کنید؛ آنچه دربارهٔ شخصیت این معصوم بگویید دربارهٔ همهٔ معصومین علیهم السلام گفته‌اید؛ چون حضرات معصومین همه در عصمت و ولایت و امامت یکی هستند و چون این زمان، دوران مهدی ما است سزاوار است دربارهٔ او بیشتر گفتگو شود.

و در خاتمه فرمودند:

باز تأکید می‌کنم درباره مهدی ما (علیه السلام) زیاد سخن بگویید و بنویسید، مهدی ما (علیه السلام) مظلوم است، بیش از آنچه نوشته و گفته شده باید درباره اش نوشت و گفت»^۱.

نصیحتی از مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیاط

اکنون که از مظلومیت آن حضرت آگاه شدیم باید توجه داشته باشیم که هدف ما از دعا برای ظهور امام زمان (علیه السلام) رسیدن به حالات و مقامات نباشد؛ بلکه خشنودی پروردگار و تقرب به خداوند و امام زمان ارواحنا فداه را ملاک عمل قرار دهیم. اینک به این جریان مهم توجه کنید:

مرحوم آقای شرفی که از منتظران ظهور امام عصر ارواحنا فداه بودند، نقل می‌کردند: در زمانی که برای تبلیغ، از مشهد مقدس به شهرستان‌ها می‌رفتم در یکی از مسافرت‌ها چند روزی قبل از ایام ماه مبارک رمضان با یکی از دوستان در تهران به محضر مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیاط - که از سابقین و ثابتین در راه انتظار بودند و مردم را به این راه تشویق می‌نمودند - مشرف شدیم و از ایشان تقاضای راهنمایی کردیم، و خواستیم که چیزی به ما بیاموزد. آن بزرگوار طریقه ختم آیه شریفه «وَمَنْ يَسْتَقِ اللَّهَ» را به ما

۱. بوستان ولایت: ۲/ ۱۸.

آموختند^۱ و فرمودند: اول صدقه بدهید و چهل روز، روزه بگیرید و این ختم را در حال روزه انجام دهید. نکته مهمی که مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیاط فرمودند این بود که: مقصودتان از انجام این ختم تقرب به حضرت رضا (علیه السلام) باشد و حاجت‌های مادی را در نظر نگیرید.

مرحوم آقای شرفی فرمودند: من ختم را شروع کردم ولی نتوانستم آن را ادامه دهم و ترک نمودم، ولی دوست من موفق شد و آن را به پایان رساند. پس از آن که به مشهد مقدس برگشت، وقتی ایشان به حرم مطهر حضرت امام رضا (علیه السلام) مشرف گردید، آن حضرت را به صورت نور زیارت کرد. کم‌کم این حالت در ایشان تقویت شد تا توانست آن حضرت را ببیند و با آن بزرگوار صحبت نماید.

هدف ما از نقل این جریان، نکته مهمی است که در دعاها و توسلات باید رعایت شود و آن این است که انسان علاوه بر آنکه در انجام نمازها، دعاها و توسلات باید اخلاص را رعایت کند هدف او هم باید از انجام آن‌ها، تقرب به خداوند باشد تا به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) نیز نزدیک شود، یعنی اعمالش را به نیت عبودیت و بندگی خدا انجام دهد، نه برای رسیدن به حالات و مقامات.

۱. دستور این ختم از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده و مرحوم آیه الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی آن روایت را در کتاب «گلزار اکبری» نقل کرده است.

یکی از افراد مشهور و صاحب نفس که دعایش اثر داشت و با آن، گره از کار افراد می‌گشود، از شخصی که او را صاحب بصیرت می‌دانست، سؤال کرده بود: به نظر شما من چه موقعیت و منزلتی نزد خدا دارم؟

ایشان پس از تأمل در جواب گفته بودند: شما در کارهای خداوند زیاد دخالت کرده‌ای.

پس دعا کننده نباید هیچ‌گونه سوء استفاده‌ای از دعاهایش بنماید، بلکه آن‌ها را باید به قصد بندگی پروردگار انجام دهد، نه این که به وسیله آن‌ها دخالت در کارهای خداوند نموده و یا مردم را به سوی خود جلب نماید.

تجربه مهم مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی

اکنون جریان مهمی را از مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی که دلیل بر اهمیت مسأله انتظار است نقل می‌کنیم:

ایشان از دوران کودکی به عبادات و ریاضت‌های شرعی اشتغال داشته و زحمات فراوان و طاقت‌فرسایی را برای رسیدن به اهداف بلند روحی و معنوی متحمل شده بودند.

ایشان هر چه از اذکار و اوراد و ختومات و همچنین نمازها و آیات قرآنی را که در مدت عمر خود از کودکی انجام داده بودند، یادداشت کرده و به خاطر متضمن بودن آن نوشته بر اسرار و نکات

مهم، صلاح نمی‌دانستند که آن را در اختیار همگان قرار دهند. و به این جهت آن را مخفی نگه داشته و پنهان می‌نمودند.

مرحوم والد معظم در ارتباط با آن نوشته‌ها می‌فرمودند: مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی در اواخر حیات خود آن نوشته‌ها را به مرحوم آیه الله حاج سید علی رضوی دادند.^۱

مقصود از نقل این جریان، نکته مهمی است که آن را مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی در آخر آن کتاب مرقوم فرموده بودند و باید درس مهمی برای همه کسانی که در راه معنویات و سیر و سلوک شرعی گام برمی‌دارند، باشد.

آنچه ایشان در آخر کتاب خود نوشته بودند این نکته بود که: ای کاش این اذکار و اوراد و ختومات را در راه نزدیک شدن و تقرب به مولایم امام زمان عجل الله تعالی له الفرج انجام می‌دادم.

ببینید یک شخصیت مهم که نام ایشان زبان زد خاص و عام بوده و هست چگونه در آخر عمر اظهار تأسف می‌نماید و آرزو می‌کند که ای کاش هدف خود را از انجام آن اعمال، تقرب به حضرت بقیة الله ارواحنا فداه قرار داده بود.

هیچ گونه تردیدی وجود ندارد که مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی دارای قدرت مهم روحی بوده و از نیرو و قدرتی بسیار

۱. مرحوم آیه الله حاج سید علی رضوی از علمای ربّانی مشهد مقدّس بودند و مرحوم والد معظم اینجانب با ایشان دوستی و رفاقت خالصانه‌ای داشتند.

کم نظیر در میان افراد و چهره‌های شناخته شده، بهره‌مند بوده است؛ با این همه، آرزو می‌کند که کاش سعی و تلاش خود را در راه تقرب به امیر عالم هستی به کار می‌برد، و بدست آوردن قدرت تصرف در افراد و بازگرداندن صحت و سلامتی را به افراد مریض و کارهایی دیگر از این قبیل را هدف خود قرار نمی‌داد.

بزرگ‌ترین درس برای انسان‌ها این است که در هر مسیری که می‌پیمایند از تجربه‌های مردان بزرگ در آن راه، تجربه آموخته و از یک عمر تلاش و کوشش آن‌ها استفاده کرده و از معارفی که آنان پس از سال‌های سال به دست آورده‌اند بهره‌مند شوند و به آخرین تجربه‌ها و نتیجه‌هایی که آنان در مسیر طولانی حیات خود به آن رسیده‌اند، کاملاً توجه نموده و به آن عمل نمایند.

به این نکته توجه کنید:

استفاده از تجربه‌های مهم مردان بزرگ، ارزش حیات و نتیجه زندگی را صدها برابر افزایش می‌دهد. پس سعی کنید به آنچه مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی تجربه نموده و در نوشته خود متذکر شده‌اند، عمل نمایید و دعاها، زیارات و سایر عباداتی را که انجام می‌دهید برای تقرب به پروردگار باشد تا به این وسیله به ساحت مقدس امام عصر ارواحنا فداه تقرب پیدا کنید و مقاصد کوچک و کم‌ارزش را ترک کنید. این حقیقتی است که اگر به آن عمل کنید از حیات و زندگی خود کاملاً نتیجه می‌گیرید.

دعای امام عصر ارواحنا فداه

برای کسی که برای فرج و یاری آن حضرت دعا کند

نویسنده «مکیال المکارم» می‌گوید: از جمله اثرات دعا برای مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداه آن است که دعای آن بزرگوار شامل حال کسی می‌شود که برای آن حضرت دعا کند.

دلیل این مطلب آن است که علاوه بر این که ایشان بیش از هر کس نسبت به سپاسگزاری از کسی که به وی نیکی و احسان کند، اهتمام دارند؛ در دعای حجاب خود که در کتاب «مهج الدعوات» آمده است؛ پس از دعا برای تعجیل فرج فرموده است:

... وَاجْعَلْ مَنْ يَتَّبِعُنِي لِضُرَّةِ دِينِكَ مُؤَيَّدِينَ، وَفِي سَبِيلِكَ مُجَاهِدِينَ، وَعَلَى مَنْ أَرَادَنِي وَأَرَادَهُمْ بِسُوءٍ مَنْصُورِينَ...
... هر کسی را که برای پیروزی آیین تو از من پیروی می‌نماید تأیید فرما، و در راه خودت از مجاهدین و جهاد کنندگان قرار بده و بر کسانی که سوء قصدی نسبت به من و ایشان کرده‌اند، یاری فرما ...

بدون شک، دعا برای آن حضرت و تعجیل در فرج با کفایتش، نوعی پیروی و یاری کردن آن بزرگوار است؛ زیرا یکی از نمونه‌های یاری دین و ایمان و یاری امام زمان ارواحنا فداه، یاری کردن زبانی است، و دعا برای آن حضرت از اقسام یاری کردن زبانی به حساب می‌آید؛ و این چیزی نیست که بر کسی پنهان باشد.

همچنین بیان علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش، گفتار ما را تأیید می‌کند. ایشان در تفسیر آیه شریفه «وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها»؛ «اگر به شما ادای احترام شد، شما نیز بهتر از آن یا به همان شکل ادای احترام را پاسخ دهید»، فرموده است: منظور از تحیت، سلام و موارد دیگری از کارهای نیک است.

زیرا که دعا از برترین نوع احسان و نیکی است. بنابراین، هنگامی که بنده مؤمن برای مولایش امام عصر ارواحنا فداه دعا کند و این کار را خالصانه انجام دهد؛ مولای بزرگوارش نیز در پاداش او دعایی خالص برای او خواهد کرد. بدیهی است، دعای امام زمان ارواحنا فداه برای شخص، کلید تمام خیرات و خوبی‌ها، و نابودکننده همه بدی‌ها است.

گواهی و تأیید این گفتار، سخن مرحوم قطب راوندی در کتاب «خرائج» است، وی می‌گوید:

گروهی از اهل اصفهان - که از جمله ایشان ابوالعباس احمد بن نصر؛ و ابوجعفر محمد بن علویه هستند - برایم بازگو کردند که مردی به نام عبدالرحمان در اصفهان بود و از شیعیان به حساب می‌آمد. از او پرسیده شد که به چه دلیل تو از بین تمام مردم روزگار خود، امام هادی علیه السلام را انتخاب کرده و او را امام و پیشوای خود قرار دادی؟!

وی گفته است: چیزی را مشاهده کردم که برایم واجب شده است تا او را امام خود بدانم. من مردی فقیر و بی چیز بودم، ولی زبانی گویا داشتم و پر جرأت بودم. در یکی از سال‌ها مردم اصفهان مرا از شهر بیرون کردند؛ من نیز به همراه عده‌ای که برای شکایت و دادخواهی به دیار متوکل عباسی (حاکم وقت) می‌رفتند، به راه افتادم؛ تا آن که به قصر حکومتی او رسیدیم. در این هنگام، دستور احضار امام هادی علیه السلام را صادر کرد.

از بعضی از حاضران پرسیدم: این مردی که دستور احضارش را داده‌اند، کیست؟

گفتند: او یکی از فرزندان علی علیه السلام است که شیعیان او را امام و پیشوای خود می‌دانند. و من حتم دارم که متوکل او را برای کشتن احضار کرده است.

من گفتم: از این جا نمی‌روم تا ببینم او چگونه مردی است! پس از مدتی آن حضرت را در حالی که سوار بر اسب بود مشاهده کردم، مردم در سمت راست و چپ آن حضرت صف کشیده بودند و به سویش می‌نگریستند. با دیدن او، محبت و دوستیش در قلبم قرار گرفت، و برای او در درون خود مشغول دعا شدم تا خداوند او را از شر متوکل (لعین) در امان بدارد.

آن بزرگوار نگاهش را به یال اسب دوخته بود و از بین مردم حرکت می‌کرد، و به راست و چپ خود نیز نگاه نمی‌کرد. من نیز

در درون پیوسته برای او دعای کردم. هنگامی که خواست از کنار من عبور کند، رو به من کرد و فرمود:

استجاب الله دعاك، وطول عمرک وکثر مالک وولدک.

خداوند، دعایت را اجابت فرماید؛ عمرت را طولانی، و دارایی و فرزندان را بسیار گرداند.

آن گاه، من از شکوه و هیبت او برخورد لرزیدم و بین دوستانم افتادم؛ پرسیدند: چه اتفاقی برایت افتاده است؟

گفتم: خوبم (ولی هیچ چیزی در مورد آن جریان به هیچ کس نگفتم). پس از این جریان به اصفهان بازگشتیم، و به واسطه دعای آن بزرگوار، خداوند نیز راه‌های درآمد را به رویم گشود، به گونه‌ای که در حال حاضر هزار هزار درهم ارزش خانه و اموال درون خانه‌ام می‌باشد، و بیرون از منزل نیز بسیار ثروت و دارایی دارم. ده فرزند نیز نصیب شده، و بیش از هفتاد سال از عمرم می‌گذرد.

من، این مرد بزرگوار را به عنوان پیشوای خود برگزیدم و او را امام می‌دانم؛ چرا که او چیزی را که در خاطر من گذشت متوجه شد، و برایم دعا کرد و خداوند نیز دعایش را در حقم مستجاب فرمود.

عرض می‌کنم: ای خردمند؛ با دقت اندیشه کن و ببین چگونه مولای ما امام هادی علیه السلام، پاداش دعا و احسان این مرد اصفهانی را داد، و آن گونه برایش دعا فرمود؛ با این که وقتی آن شخص برای

امام علیه السلام دعا کرد، هنوز جزو پیروان امام علیه السلام نبود. آیا با وجود این جریان، می‌توانی گمان کنی در مورد امام عصر و مولایمان حضرت مهدی ارواحفاده، با این که تو از شیعیان او هستی، که اگر دعایش کنی، او در مقابل برای تو دعای خیر نمی‌کند؟!

نه؛ به خدایی که جن و بشر را آفرید، چنین نیست؛ بلکه، آن حضرت - اگر چه مؤمنان نسبت به این جهت بی توجهی می‌کنند - برای مؤمنان و شیعیانش دعا می‌کند؛ زیرا تمام احسان‌ها و نیکی‌ها از ناحیه آن حضرت است.

از جمله اموری که تأکید بر مدعای ما می‌نماید این است که یکی از برادران شایسته و بزرگوارم به من گفت که در عالم رؤیا حضرت مهدی صلوات الله علیه را ملاقات کرده، و آن حضرت به او فرموده‌اند:

إتی أَدعو لکل مؤمن یدعو لی بعد ذکر مصائب سید الشهداء علیه السلام فی مجالس العزاء.

من حتماً برای هر مؤمنی که در مجلس عزاء، بعد از یاد مصیبت‌های سید الشهداء علیه السلام برایم دعا کند، دعا می‌کنم.

از خداوند درخواست توفیق دعا برای آن حضرت را داریم؛ همانا، او شنوای دعاست.^۱

۱. مکیال المکارم: ۱/۲۳۳.

تشکیل مجالس دعا

برای تعجیل ظهور امام زمان عجل الله فرجه

همان طور که می توان به تنهایی دعا کرد، می توان به طور گروهی به دعا پرداخت. بدین شکل که مجالسی تشکیل شود و در آن ها از امام عصر ارواحنا فدا یاد شود؛ چرا که با این کار، افزون بر این که برای امام عجل الله فرجه دعا شده است، کارهای نیک دیگری مانند زنده کردن امر (امامت) امامان عجل الله فرجه؛ بیان و بازگو کردن حدیث هایی که از اهل بیت عجل الله فرجه رسیده است؛ و... صورت می گیرد. نویسنده کتاب «مکیال المکارم» می گوید: یکی از تکلیف ها و وظایف مردم در زمان غیبت حضرت مهدی ارواحنا فدا، آن است که مجالسی برپا کنند که در آن از امام زمان عجل الله فرجه یاد شود، و خوبی ها، فضیلت ها و مقامات شکوهمندش گفتگو گردد و به اطلاع همگان برسد، و برای آن وجود شریف در آن مجالس دعا شود و از بذل و بخشش جان و مال در این راه خودداری نگردد، چرا که این کارها، رواج دادن و گسترش آیین خدا، بزرگداشت و بالابردن کلام خدا، و کمک کردن به یکدیگر برای انجام نیکی و تقوا، و گرامی داشت مراسم و شعائر الهی، و یاری نسبت به ولی پروردگار است. افزون بر مطالبی که بیان شد و نیز ارزش های دیگری که در مورد برپایی این مجالس می توان برشمرد؛ فرمایش امام صادق عجل الله فرجه

- که در کتاب «وسائل الشیعه» و غیر آن نقل شده است - نیز بر این مطلب دلالت دارد:

تزاوروا، فإن فی زیارتکم إحصاءاً لقلوبکم وذکراً
لأحاديثنا، وأحاديثنا تعطف بعضکم علی بعض، فإن
أخذتم بها رشدتم ونجوتهم، وإن ترکتموها ضللتهم وهلکتهم
فخذوا بها وأنا بنجاتکم زعیم.^۱

به دیدار یکدیگر بروید؛ زیرا این دید و بازدیدها موجب زنده شدن دل های شما، و بازگو کردن و یادآوری حدیث های ماست. حدیث ها و سخنان ما، باعث همبستگی و مهربانی بیش تر بین برخی از شما با برخی دیگر خواهد شد. اگر سخنان ما را پذیرفتید و به کار گرفتید، هدایت می شوید و نجات می یابید؛ و اگر سخن ما را رها کردید، گمراه می گردید و هلاک می شوید؛ بنابراین، شما احادیث و سخنان ما را بپذیرید و به کار بندید، من نیز ضامن و عهده دار نجات شما می باشم.

دلالت روایت بر مطلب ما به این گونه است که: دلیل دستور دادن آن حضرت به دید و بازدید شیعیان این است که انگیزه و وسیله ای برای زنده شدن امر (امامت) ایشان و بازگویی احادیث شان است؛ پس، نتیجه می گیریم که بدون شک، تشکیل این گونه مجالس که در آن یاد فضایل او، و اموری که مربوط به آن

۱. وسائل الشیعه: ۵۶۷/۱۱.

حضرت است؛ دارای برتری و استحباب است و ائمه علیهم السلام به این کار، علاقه مند هستند.

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در حدیث «أربع مائة»، مطالبی فرموده اند که مربوط به موضوع بحث ماست:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَاخْتَارَنَا، وَاخْتَارَ لَنَا شِيعَةَ يَنْصُرُونَنَا، وَيَفْرَحُونَ لِفِرْحَانَا، وَيَحْزَنُونَ لِحَزْنَانَا، وَيَبْذُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَأَنْفُسَهُمْ فِينَا، أَوْلَئِكَ مِنَّا وَإِلَيْنَا، الْخَيْرُ.^۱

همانا، خدای تبارک و تعالی، با آگاهی و روشن بینی که نسبت به زمین (و موجوداتش) داشت، ما را برگزید؛ و شیعیان و پیروانی نیز برای ما انتخاب کرد، تا ما را یاری کنند، و به جهت شادی ما شادمان، و برای ناراحتی و اندوه ما اندوهگین باشند، و ثروت و جان خویش را در راه ما بذل و بخشش نمایند. اینان از ما هستند، و به سوی ما آیند...

هشدار و آگاهی: می توان گفت: در برخی از زمان ها، واجب است چنین مجالسی تشکیل شود، همانند وقتی که مردم در حال کشیده شدن به انحراف و گمراهی باشند، و بتوان با تشکیل این گونه مجالس، آنان را از هلاکت و تباهی و انحراف بازداشت و به شاهراه هدایت ارشاد و راهنمایی نمود.

و جوب این امر با توجه به دلیل های امر به معروف و نهی از

منکر؛ و نیز، راهنمایی گم شدگان، و نیز بازداشتن اهل بدعت و گمراهی به دست می آید. البته، در همه حالات تنها خدای متعال است که انسان را حفظ می کند و از گناه باز می دارد.^۱

مکان های مخصوص به آن حضرت ارواحنا فداء

جهت اطلاع بیش تر خوانندگان محترم، به بررسی برخی از مکان هایی می پردازیم که ویژه آن حضرت هستند.

مرحوم محدث نوری می فرماید: پوشیده نیست که برخی از مکان های ویژه امام عصر صلوات الله علیه که مشهور به مقام امام زمان علیه السلام می باشند؛ مکان هایی هستند مانند: وادی السلام (نجف اشرف)، مسجد سهله، مسجد حلّه، مسجد جمکران در خارج شهر مقدّس قم، و ...

به نظر می رسد برخی از کسانی که آن امام علیه السلام را دیده اند، در این مکان ها به زیارتش شرفیاب شده اند؛ یا این که در این جاها، معجزه های از آن حضرت نمودار شده است؛ بدین جهت، جزو مکان های شرافتمند و بابرکت به حساب می آیند، و جایی هستند که می توان با آن حضرت مأنوس شد، و فرشتگان الهی در آنجا از آسمان فرود می آیند، شیطان ها رفت و آمدشان کم است و این ها خود از وسایل و اسبابی است که موجب اجابت زودتر دعا، و

پذیرش سریع تر عبادت می شود.

در برخی از روایات آمده است: خدای عزوجل دوست می دارد در مکان‌هایی همانند این مکان‌ها و مسجدها و حرم‌های امامان علیهم‌السلام، و قبرهای فرزندان امامان علیهم‌السلام، و قبر بندگان صالح و نیکوکار، که در شهرهای مختلف پراکنده‌اند پرستش شود.

این، از لطف‌های پنهانی خداوند است نسبت به بندگان که دچار گمراهی، یا اضطراب و ناچاری، بیماری، بدهکاری، ستم‌دگی، ترس و وحشت، نیاز و احتیاج، و از این قبیل امور باشند؛ بندگان که دچار اندوه و مشکلات شده‌اند و قلب‌شان به هم ریخته و دارای ظاهری آشفته و حواسی از کار افتاده هستند. این افراد، می‌توانند به جاهای مزبور پناهنده شوند، و گریه و زاری نموده و به وسیله کسی که صاحب آن مقام است، به خداوند متوسل شوند و درخواست علاج دردها و شفای بیماری‌ها، و برطرف شدن شرّ مردمان شرور، و دیگر گرفتاری‌ها را بنمایند.

در بسیاری از موارد، خواسته این افراد پاسخ داده می‌شود: بیماری که در حال مرضی به آن جا رفته است، شفا گرفته و برمی‌گردد؛ ستم‌دیده‌ای که رفته است، برمی‌گردد در حالی که حقش را گرفته است؛ کسی که با نگرانی و اضطراب به آن اماکن شرفیاب شده است، برمی‌گردد در حالی که دلش آرام و خیالش راحت شده است.

البته، طبیعی است هر کس ادب و احترام بیش تری به جا آورد، بهره و خیر بیش تری نیز به دست می‌آورد. و احتمال دارد تمام این مکان‌های شریف، جزو خانه‌های خدا باشند که دستور داده شده است که آن خانه‌ها رفیع و بلندمرتبه گردد و نام خدا در آن‌ها برده شود، و هر کس در آن خانه‌ها صبح‌گاهان و شام‌گاهان به تسبیح و ثناگویی خداوند بپردازد، ستوده شده است. و این مقام، گنجایش ندارد که بیش از این به شرح و توضیح مطلب بپردازیم.^۱

۱ - فضیلت مسجد کوفه

و این که آنجا مصلاّی حضرت مهدی ارواحنا فدا

در عصر ظهور است

مسجد کوفه، یکی از مسجدهای چهارگانه است که دستور کوچ کردن به سوی آن‌ها و اقامت و بزرگ‌داشت‌شان داده شده است. آن چهار مسجد: مسجد الحرام (مکه)، مسجد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (در مدینه)، مسجد الأقصى (در بیت المقدس)، و مسجد کوفه هستند. مسجد کوفه یکی از همان چهار مکانی است که مسافر، در آن جا اختیار دارد که نمازهای چهار رکعتی خود را به صورت کامل

۱. نجم الناقب: ۴۷۳.

یا به صورت شکسته بخواند. و آن‌ها عبارتند از: مسجد الحرام، مسجد پیامبر ﷺ، حرم امام حسین ﷺ و مسجد کوفه. این مسجد جایگاه نماز پیامبران و جانشینان ایشان بوده است؛ و به زودی محلّ برگزاری نماز امام زمان ارواحنا فداه خواهد بود. در روایتی آمده است: هزار نفر از پیامبران، و هزار نفر از اوصیاء پیامبران؛ در این مسجد، نماز به جای آورده‌اند.^۱ اعمال مسجد کوفه بسیار زیاد است؛ سید بزرگوار علی بن طاووس رحمته الله در کتاب «مصباح الزائر»، به بیان آن‌ها پرداخته است؛ و چون ممکن است موجب طولانی شدن این گفتار شود، از بازگویی آن خودداری کردیم.

۲ - فضیلت مسجد سهله

که مقام حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه در آنجا است

بعد از مسجد اعظم کوفه، مسجدی از نظر فضل و مرتبه بافضیلت‌تر از مسجد سهله در آن مکان نیست؛ زیرا آنجا خانهٔ ادريس و ابراهيم عليهما السلام است؛ خضر پیامبر عليه السلام نیز در آنجا وارد شد و سکونت گزید.

روایت شده است: آنجا جایگاه صالحان و پیامبران و رسولان است و روایات بسیاری در فضیلت این مسجد وارد شده است.

۱. مفتاح الجنّات: ۱/۴۱۰.

امام صادق عليه السلام به ابو بصیر فرمود:

أتراني أنظر إلى صاحب الأمر داخلاً إلى مسجد السهلة بأهله و عياله و متّخذة منزلاً له، وإنّ الله تعالى لم يرسل نبياً قطّ إلّا و صلّى فيه، و كلّ من أقام فيه فكأنما أقام في خيمة رسول الله ﷺ، و ما من مؤمن و لا مؤمنة إلّا و قلبه يحنّ إليه، و فيه حجر عليه صور جميع الأنبياء صلوات الله عليهم. و ما من أحد يصليّ فيه و يدعو بنية خالصة إلّا أعطاه الله حاجته، و ما من أحد يطلب فيه الأمان إلّا آمنه الله من كلّ ما يخاف، و ما من يوم أو ليلة إلّا و تنزل الملائكة لزيارته و عبادة الله فيه، و ما لم أذكره لك من فضيلة هذا المسجد أكثر ممّا ذكرته.

آیا باور می‌کنی که من صاحب الامر (صلوات الله علیه) را می‌نگرم در حالی که با اهل و عیالش به مسجد سهله داخل می‌شود و در آن مأوا می‌گزیند؟ خداوند بلندمرتبه هیچ پیامبری را نفرستاد مگر این که در آنجا نماز گزارد. هر که در آنجا اقامت کند، مثل این است که در خیمهٔ رسول خدا ﷺ اقامت نموده است؛ هیچ زن و مرد مؤمنی نیست مگر این که قلبش بدان مشتاق و مایل است و در آن مسجد سنگی است که صورت‌های همهٔ پیامبران در آن، نقش بسته است.

کسی نیست که در آن مکان نماز گزارد و خداوند را با نیت

خالص بخواند مگر این که خدا حاجتش را عطا کند. هر کس که در آنجا از خدا امان بخواید، خدا از آنچه که می‌ترسد او را ایمنی بخشد. شب و روزی نیست که فرشتگان به زیارت آنجا فرود نیایند و در آنجا عبادت پروردگار ننمایند. آنچه از فضیلت این مسجد برای تو نگفتم، بیش از آن است که برایت گفتم.

نیز از همان امام علیه السلام روایت شده است:

من صلی رکعتین فی مسجد السهلة، زاد الله فی عمره عامین. هر کس دو رکعت نماز در مسجد سهله بجا آورد، خداوند دو سال بر عمرش بیفزاید.

در روایتی دیگر وارد شده است:

أن منه یكون النفخ في الصور، ويحشر من حوله سبعون ألفاً يدخلون الجنة بغير حساب.

نفخ در صور از آنجاست؛ و از اطراف آن مسجد هفتاد هزار نفر محشور شده و بدون حساب وارد بهشت می‌شوند.

ابن قولویه در «کامل الزیارات» با سند معتبر از حضرمی از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که حضرمی می‌گوید: به امام علیه السلام گفتم: کدام بقعه بعد از حرم خدا و حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، برتر است؟ فرمود:

الکوفة یا أبابکر؛ هي الزکية الطاهرة، فيها قبور النبیین

المرسلین و غیر المرسلین والأوصیاء الصادقین، و فیها مسجد سهیل الذی لم یبعث الله نبیاً إلا وقد صلی فیہ. ومنها ینظر عدل الله، و فیها ینزل النبیین والأوصیاء و الصالحین. بعده، وهي منازل النبیین والأوصیاء و الصالحین.

ای ابوبکر؛ کوفه؛ آنجا پاکیزه و طاهر است. در آنجا قبور پیامبران مرسل و غیر مرسل و جانشینان راستین است و در آن، مسجد سهله است که خداوند پیامبری را برنمی‌گذاشته است که در آن مکان نماز نخوانده باشد.

از آنجا عدل الهی ظاهر می‌شود و قائم خدا و قائمان بعد از او در آنجا یند و آن، منزلگاه پیامبران، اوصیاء و صالحان است.^۱

۳ - مسجد مقدس جمکران

بنای این مسجد در جمکران قم، بنا به دستور خاص حضرت مهدی صلوات الله علیه در بیداری صورت گرفته است.

آن گونه که شیخ نیک رفتار و عفیف، جناب حسن بن مثلثه جمکرانی می‌گوید: در شب سه شنبه ۱۷ رمضان سال (۳۹۳) هجری قمری در منزل خوابیده بودم؛ همین که نصف شب شد گروهی بر درب منزل آمده، بیدارم نمودند و گفتند: برخیز و (حضرت) صاحب الزمان صلوات الله علیه را پاسخ گو که تو را فرامی‌خواند.

۱. مفتاح الجنات: ۱/۴۲۶.

بلند شدم و خود را آماده ساختم. گفتم: بگذارید تا پیراهنم را بپوشم؛ ناگهان ندایی از طرف درب آمد که آن پیراهن تو نیست. پس، رهایش کردم و شلوارم را برداشتم. ندا آمد که این از آن تو نیست و شلوار خود را برگیر. آن را انداختم شلوار خود را برداشته و پوشیدم. برخاستم تا کلید درب را بجویم، ندا آمد که درب باز است.

هنگامی که به سوی درب آمدم، گروهی از بزرگان را دیدم، بر آنها سلام کردم. پاسخ دادند و به من خوش آمد گفتند و مرا به مکانی بردند که جایگاه فعلی مسجد است؛ چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که فرش‌هایی نیکو بر آن گسترده‌اند و پشته‌های زیبایی نهاده‌اند و جوانی در حدود سی ساله تکیه بر آن کرده بود. پیرمردی در حضورش بود و کتابی در دست داشت که برای او می‌خواند و در اطراف او بیش از شصت مرد بودند که در آن مکان نماز می‌گزاردند. بعضی لباس سفید بر تن کرده بودند و بعضی لباس سبز. آن پیرمرد، خضر پیامبر بود؛ مرا نشانید، و آن‌گاه امام علیه السلام مرا به اسم صدا زده و فرمود:

نزد حسن بن مسلم برو، و به او بگو: تو، سال‌هاست که این زمین را (غاصبانه) آباد کرده و در آن زراعت می‌کنی، و ما آن را خراب می‌کنیم، پنج سال است که در آن کشت و زرع کرده‌ای؛ امسال هم همان‌گونه مشغول هستی؛ ولی دیگر

اجازه نداری به این زمین بازگردی و باید منافعی را که از کشت و زرع این زمین برده‌ای، بپردازی تا در آنجا مسجد بنا گردد.

و نیز به او بگو: این زمین محترم و باارزشی است که خداوند آن را از میان دیگر مکان‌ها برگزیده است و بر آن‌ها برتری و شرافت داده است؛ و تو آن را بر زمین‌های خودت افزوده‌ای؛ در سزای این عمل، خداوند دو فرزند جوانت را به مرگ گرفتار نمود، ولی تو از این غفلت، آگاه نشدی. اگر این دستوری را که دادم اجرا نکنی، عذاب الهی از جایی که نمی‌فهمی به سراغت خواهد آمد.

جناب حسن بن مثله می‌گوید: گفتم: مولای من؛ باید نشانه و علامتی داشته باشم؛ زیرا مردم آنچه را که بدون نشانه و دلیل باشد نمی‌پذیرند و گفتار مرا تصدیق نخواهند کرد.
حضرت فرمود:

ما در آنجا این کار را خواهیم کرد، تو برو و پیغام ما را برسان؛ و نزد سید ابی‌الحسن^۱ نیز برو و به او بگو بیاید و محدوده

۱. بدان، جریان مسجد جمکران که در عالم بیداری برای حسن بن مثله واقع شده، نشانگر شأن و بزرگواری و مقام والای جناب سید ابوالحسن الرضا است، زیرا در عصر او سادات زیادی از فرزندان ائمه طاهرين علیهم السلام در قم ساکن بودند، لذا برگزیده شدن ایشان از طرف امام زمان صلوات الله علیه بیانگر مقام والا و اهمیت موقعیت آن بزرگوار است.

زمین را معین نموده، منافع سال‌های گذشته را از حسن بن مسلم بگیرد و به مردم بدهد، تا مسجد را بنا نمایند. آنچه از هزینه ساخت مسجد، کم می‌آید از غلّه زمینی که در رهق اردهال داریم، کامل کند و مسجد را تمام نماید؛ ما نصف رهق را برای این مسجد وقف نمودیم تا هر سال غلّه آن را گرفته و برای عمارت مسجد صرف نماید.

به مردم بگو: بدین مکان رغبت نمایند و با اشتیاق به آن روی آورند و آن را عزیز و گرامی بدارند و در آنجا چهار رکعت نماز به جای آورند.^۱

جناب حسن بن مثله می‌گوید: با خود گفتم: گویا این همان مکان است که تو آن را مسجد امام صاحب الزمان ارواحنا فداه می‌دانی در حالی که به جوانی که بر پشتی‌ها تکیه داده بود اشاره می‌کردی، پس آن جوان به من اشاره فرمود که بروم.^۲

→ بارگاه آن بزرگوار در شهر مقدّس قم، خیابان آذر می‌باشد، مکانی که مورد توجه مردم بوده و دوستان اهل بیت علیهم‌السلام به زیارت آن مشرف می‌شوند، سزاوار است کسانی که به مسجد جمکران مشرف می‌شوند در صورت امکان آن بزرگوار را در مزار شریف ایشان زیارت کنند، و بر مجاورین و همسایگان آن بارگاه شریف لازم است که به آن مکان مقدّس احترام گذاشته و در زیارت آن اهتمام ورزند.

۱. دستور نماز مسجد مقدّس جمکران در ص ۱۷۰ این کتاب بیان خواهیم کرد.

۲. بحار الأنوار: ۲۳۰/۵۳، نجم الثاقب: ۳۸۳. تاریخی که در این جریان ذکر شده صحیح نیست؛ زیرا آن را مرحوم شیخ صدوق نقل کرده و وفات ایشان قبل از تاریخ مذکور است.

مسجد شریف جمکران از مکان‌های بسیار مهمّ معنوی در صحنه گیتی است و کسانی که به آن مکان مقدّس شرفیاب می‌شوند، باید کاملاً آداب آن را رعایت نموده و از اهمّیت و موقعیت معنوی آن، آگاه باشند؛ تا با تشرّف به آن مکان پرفیض، روح و جان خود را سرشار از معنویّت نموده و وجود خویش را باصفا و نورانی سازند.

اینک بعضی از نکاتی را که دانستن آن برای افرادی که به آن مکان معنوی شرفیاب می‌شوند مفید است، بیان می‌کنیم:

۱- حضرت امام عصر ارواحنا فداه در بیداری توسط جناب حسن بن مثله جمکرانی به امامزاده عظیم الشان سید ابوالحسن الرضا فرمان دادند آن مسجد مقدّس را بنیان گذارد. و جریان آن در تمام منابع و مدارک به عنوان بیداری نقل شده است نه خواب.

۲- صدها سال قبل از فرمان حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه به بنا کردن آن مکان مقدّس، حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام از وقوع آن خبر داده‌اند و در روایتی که صاحب کتاب «انوار المشعشعین: ۴۵۴/۱» ذکر نموده است امیر دائره هستی و ولیّ عوالم امکان حضرت علی بن ابی طالب علیه‌السلام به تفصیل آن را در پیشگویی خود بیان نموده‌اند. در آن روایت شریف در بیان عظمت مسجد مقدّس جمکران سرّی را بیان کرده‌اند که همه تاب تحمل و پذیرش آن را ندارند.

۳- مسجد مقدّس جمکران در عصر ظهور امام عصر ارواحنا فداه

بزرگترین پایگاه قدرت آن حضرت پس از کوفه است و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در آن روایت فرموده‌اند:

در عصر ظهور، پرچم لشکریان امام عصر (ارواحنا فداه) بر فراز کوه سفید - که همان کوه خضر در نزدیکی مسجد است - به اهتزاز درمی‌آید.

۴ - نکته بسیار مهمی که باید به آن توجه داشت این است که نه تنها مسجد مقدّس جمکران در عصر ظهور امام عصر ارواحنا فداه عظمت و موقعیت خاصی دارد و مرکز قدرت و محلّ تحولات روحی و معنوی است که در زمان غیبت آن حضرت نیز این چنین است.

این نکته را از فرمایش امام زمان ارواحنا فداه استفاده می‌کنیم که فرموده‌اند: «هر کس این نماز را در این مکان بخواند گویا که در داخل خانه خدا آن را انجام داده». و خانه خدا نه تنها مرکز مغناطیس زمین است و از نظر روحی و جسمی در انسان تأثیر می‌گذارد، که در برابر بیت المعمور و مکان‌های معنوی آسمانی و فضائی است.

بنابراین انسان با بودن در خانه خدا و اقامه نماز در آن، راه ارتباط برایش باز می‌شود و خود را در اختیار جاذبه‌های روحی و جسمی زمین و آسمان قرار می‌دهد و در معرض تشعشعات امواج نامرئی قرار می‌گیرد که در جسم و جان انسان تحوّل سازنده به وجود می‌آورد و

مکان اصلی مسجد مقدّس جمکران نیز دارای همین اثر ارزنده است. و دلالت می‌کند بر این مطلب کلام امام عصر ارواحنا فداه که فرموده است: «نماز خواندن در آن مکان همچون نماز خواندن در داخل خانه خدا می‌باشد».

همانا برای مکان اصلی مسجد جمکران اسراری ناشناخته نهفته است که مردم آن را نمی‌دانند. و همان گونه که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده‌اند:

ما من علمٍ إلّا وأنا أفتحه ، وما من سرٍّ إلّا والقائم یختمه .^۱
هیچ علمی نیست مگر آن که من آن را می‌گشایم و هیچ سری نیست مگر آن که قائم آن را بیان می‌کند و به پنهان بودنش خاتمه می‌دهد.

بناء مسجد مقدّس جمکران و عظمت و راز آن را نیز اوّل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خبر داده‌اند و بیان همه اسرار آن در عصر ظهور حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه صورت خواهد گرفت إن شاء الله.

ما یاد آن زمان پرشکوه را در خاطره‌ها تجدید می‌کنیم و از خدای مهربان می‌خواهیم هر چه زودتر آن ظهور نورانی را برساند تا اسرار عالم وجود را فاش ساخته و دانش بیکران و عدل و داد را در سراسر جهان بگستراند.

۱. بحار الأنوار: ۲۶۹/۷۷.

۵- افرادی که به آن مکان مقدّس مشرّف می‌شوند باید بدانند در جایی بسیار باعظمت گام برمی‌دارند که مورد توجّه امام عصر ارواحنا فداه می‌باشد و آنان در منظر و محضر نورانی آن بزرگوار هستند به گونه‌ای که گویی در منزل آن حضرت وارد شده‌اند و در خدمت آن بزرگوار حاضر گشته‌اند.

بنابراین باید شرایط حضور را در این مکان بیش از اماکن دیگر رعایت کنند و بدانند که علم و آگاهی حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه کاملاً بر آنان احاطه دارد و نه تنها از اعمال و رفتار و گفتار آنان، بلکه از افکار و اندیشه‌ها و نیت‌های ایشان، و بلکه از افکار و خطوراتِ نهفته در ضمیر ناخودآگاه و نفس آنان نیز باخبرند.

به این جهت باید مواظب رفتار و گفتار و افکار خود باشند؛ زیرا آنان در مسجد مقدّس جمکران میهمان آن حضرت هستند، پس باید شرایط ادب و حضور را از قبل از تشرّف بیشتر رعایت کنند.

۶- یکی از شرایط ادب برای کسی که در آن مکان مقدّس تشرّف پیدا می‌کند، این است که هدف خود را از تشرّف به آن مسجد مقدّس مشخص نموده و بهترین، مهم‌ترین و عالی‌ترین هدف را برای خود برگزیند و خود را پای‌بند مقاصد کوچک و مسائل مادی و نفسانی خود نسازد، و بداند بزرگ‌ترین مسأله در این عصر و زمان، تعجیل ظهور امام زمان ارواحنا فداه می‌باشد.

زیرا در عصر ظهور آن حضرت، مشکلات مادی و معنوی

همه انسان‌ها برطرف می‌شود و دیگر غم به خانه‌ای راه نخواهد یافت. پس چه بهتر که در آن مکان مقدّس برای نجات همه انسان‌ها از گرفتاری‌ها و مشکلات دعا کند. و هدف اصلی خود را از تشرّف به مسجد مقدّس جمکران، استغاثه و دعا برای امام عصر ارواحنا فداه و تعجیل فرج و ظهور آن بزرگوار قرار دهد.

توجّه به وظایف دوران غیبت

گرچه ما این کتاب را - با توفیق خداوند و لطف حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه - درباره آشنایی با یکی از وظایف زمان غیبت یعنی دعا برای تعجیل ظهور امام زمان صلوات الله علیه، تألیف نموده‌ایم؛ ولی سزاوار است در مقدمه آن، بعضی از وظایف‌ها و برنامه‌های دیگر دوران تاریک غیبت را نیز بیان کنیم؛ گرچه امیدواریم ان شاء الله فرج آن حضرت را به زودی شاهد بوده و در پایان دوران غیبت باشیم.

زیرا بنا بر روایاتی که از ائمه اطهار علیهم‌السلام وارد شده، لازم است که هر صبح و شام متوقّع واقع شدن ظهور آن امام همام و چشم به راه آمدن او باشیم.

متأسفانه در این زمینه تاکنون مردم نوعاً از تمام وظایفی که در دوران غیبت به عهده دارند بی‌اطلاعند، و کتاب‌های ارزنده‌ای که در این باب نوشته شده مشتمل بر بعضی از وظایف‌های زمان

تاریک غیبت می‌باشد. و چنانچه مردم از اولین روزهای سیاه غیبت با حال تباه خود آشنا می‌شدند، عصر غیبت این‌گونه طولانی نمی‌شد. به هر حال همه مردم بالأخص کسانی که دارای وظیفه بیان این گونه مسائل بوده‌اند و از گفتن آن غفلت یا تعافل ورزیده‌اند، باید از عمل خود سخت غمگین و شرمسار باشند.

آیا سزاوار است امیر عالم هستی که عالم به همه نیازمندی‌ها در این منظومه و همه منظومه‌ها و کهکشان‌هاست در میان ما باشند و ما از آن حضرت غافل باشیم؟

آیا سزاوار است قوای مغزی میلیاردها انسان بر اثر پنهان بودن نور خدا همچنان در پرده ظلمت قرار داشته باشد؟

آیا سزاوار است میلیاردها انسان هر یک جام جهان‌نمایی به نام قلب با خود همراه داشته باشند و از عظمت آن بی‌خبر باشند؟

آیا در چه زمانی قلب‌ها به حیات اصلی خویش باز می‌گردند و با زندگی عالی انسانی به معنای واقعی آشنا می‌شوند؟

آیا در چه دورانی انسان‌ها به عظمت قلب خویش و آن آئینه‌ای که با آن می‌توانند جهانی را مشاهده کنند آگاه می‌شوند؟

آیا در کدامین زمان تحرّکی در عقل و خرد و اندیشه انسان‌ها پدید می‌آید و جامعه بشریت با گسترش دانش به مقامات عالی والای علمی راه پیدا می‌کند؟

آیا در کدامین روزگار انسان‌ها بر اثر آشنا شدن با نور خدا،

تیرگی‌ها و تاریکی‌ها، زورگویی‌ها و تزویرها را کنار نهاده و به حکومت عادلانه الهی که جهانی خواهد بود می‌رسند؟ آیا چه زمانی ... و آیا چه زمانی ...

آیا این‌ها همه، جز در حکومت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه میسر است؟

پس چرا شکوه آن زمان را احساس نمی‌کنیم؟ و چرا از تیرگی این زمان شکوه نمی‌نمائیم؟

چرا از وضع جهان در آینده^۱ آگاهی نداریم؟ و چرا به وظیفه‌های دوران غیبت عمل نمی‌نمائیم؟!

اعتیاد به عصر غیبت امام عصر ارواحنا فداه!

پاسخ همه این سئوالات این است که ما به عصر غیبت و تاریکی و ظلم و ستم در آن خو گرفته‌ایم! به حدی که مجذوب ظلم و ظلمت گشته و به آن معتاد شده‌ایم! و اعتیاد یک قدرت بسیار قوی برای کشاندن انسان‌ها به طور ناخودآگاه به سوی خوبی‌ها و یا بدی‌هاست!

اعتیاد و خو گرفتن انسان به هر چیزی همچون فطرت و طبیعت او، آدمی را به سوی آن می‌کشاند به طوری که گویی اراده و اختیار را از انسان در مقابل آن و عمل کردن برخلاف آن گرفته

۱. رجوع کنید به اثر دیگر مؤلف: «دولت کریمه امام زمان ارواحنا فداه».

است! این قدرت را خداوند در اعتیاد قرار داده است تا آدمی با خو گرفتن به خوبی‌ها بدون زحمت و ناخودآگاه به سوی آن‌ها جذب شوند و از بدی‌ها و زشتی‌ها کناره گیرند.

به این جهت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عادت را طبیعت دوم انسان برشمرده و فرموده‌اند:

العادة طبع ثانٍ^۱

عادت، طبیعت دوم است.

این کلام کوتاه حقایق مهمی را دربردارد. بنابراین فرمایش همان گونه که انسان به سوی آنچه فطرت و طبیعت او اقتضا دارد به راه می‌افتد، به سوی آنچه به آن خو گرفته و عادت نموده نیز حرکت می‌کند.

انسان باید از این قدرت بزرگ، در راه صحیح و هدف‌های ارزنده استفاده کند، و از آلوده ساختن خویش به عادت‌های زشت و ناپسند خودداری نماید.

متأسفانه جامعه بشری بر اثر نداشتن رهبری صحیح و نبود قدرتی که بتواند اجتماع را به سوی فضیلت‌های اخلاقی و صفات برجسته انسانی سوق داده و هدایت نماید، به عادت‌های اشتباه فردی و اجتماعی گرفتار شده است.

۱. شرح غرر الحکم: ۱/ ۱۸۵.

اعتیاد‌های اجتماعی قدرتی بسیار بیشتر از اعتیاد‌های فردی دارند و آسان‌تر می‌توانند انسان را به سوی چیزی که اجتماع به آن خو گرفته است، بکشانند.

یکی از عادت‌های شوم اجتماعی که جامعه ما را به خود گرفتار نموده و در بند اسارت خویش کشیده است، خو گرفتن به وضع موجود و سازش با آن است به گونه‌ای که هرگز درباره آینده‌ای حیاتبخش و نجات دهنده فکر و اندیشه‌ای نکنند.

با آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام با بیان مسأله «انتظار» و تشویق انسان‌ها به سوی آن، مردم را به اشتباه بودن سوختن و ساختن آگاه نموده و با بیان مسئله انتظار آنان را به امید و حرکت به سوی آینده روشن فراخوانده‌اند.

متأسفانه کسانی که وظیفه داشته‌اند این مسأله مهم حیاتی را برای مردم بیان کنند، در این وظیفه کوتاهی ورزیده‌اند. به این جهت مردمان همچنان به سوختن و ساختن عادت کرده‌اند و درباره رسیدن به آینده درخشان، تلاش نکرده‌اند؛ و با کمال تأسف مسأله غیبت امام عصر ارواحنا فداه هنوز ادامه یافته است!

هنوز اکثریت جامعه ما به یک نوع اعتیاد که غفلت از مسأله ظهور امام عصر ارواحنا فداه می‌باشد، گرفتار است؛ و آن را به دلیل قانون وراثت از نسل‌های گذشته به ارث برده است! و در نتیجه هنوز جامعه ما در حال رکود به سر می‌برد و حرکتی در جهت ترقی

و رسیدن به مراتب عالی و ارزنده ننموده است! در حالی که اگر کسی بتواند عادت‌های اشتباه را کنار زده و خود را به خصلت‌های ارزنده انسانی زینت دهد به بهترین مقامات عالی دست می‌یابد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

بغلبة العادات الوصول إلى أشرف المقامات.^۱

رسیدن به ارزنده‌ترین مقامات، با غلبه بر عادات به دست می‌آید.

جامعه ما باید با ایجاد حالت انتظار و دعا برای ظهور منجی جهان حضرت بقیة الله ارواحنا فداء عادت دیرینه غفلت از وجود تاریکی عصر غیبت را کنار بگذارد و به وسیله دعا از اعماق دل و جان، خواهان فرارسیدن حکومت عدل امام عصر صلوات الله علیه از خداوند باشد.

روش فکری خود را تغییر دهید!

با یک جهش روحی و با یک تغییر سبک و روش فکری، تحوّل مهمی در خود ایجاد کنید و راه خود را از افسردگی که برای‌شان غیبت و ظهور تفاوت چندانی ندارد جدا کنید. یقین داشته باشید همانگونه که بی تفاوتی و غفلت نسبت به پدر جسمانی گناهی بزرگ است؛ بی تفاوتی و غفلت از پدر معنوی گناهی بزرگ‌تر است؛ و سرانجامی تاریک و شوم برای انسان خواهد داشت.

۱. شرح غرر الحکم: ۳/۲۲۹.

اگر تاکنون نسبت به امام عصر ارواحنا فداء بی تفاوت بوده‌اید و فرق میان ظهور و غیبت آن حضرت را درک نکرده‌اید و در اندیشه ظهور حیاتبخش آن حضرت نبوده‌اید؛ اگر تاکنون اهل دعا و نیایش برای فرا رسیدن روزگار پرشکوه عصر ظهور نبوده‌اید، و نمی‌دانستید که نسبت به امام زمان و رهبر و مولای خویش وظیفه‌ای ویژه بر عهده دارید، اکنون که این حقیقت را دریافتید و درک نمودید که در زمان غیبت وظیفه‌ای سنگین بر عهده مردم است، خود را از غفلت نجات بخشیده و با یک اراده قوی و با یک تصمیم جدی، گذشته خود را جبران کنید. و با تلاش و کوشش در مسیر انتظار حضرت بقیة الله ارواحنا فداء گام بردارید و بدانید رأفت و مهربانی شدید آن حضرت نسبت به دوستداران مقام ولایت، سبب می‌شود که غفلت‌های گذشته آن‌ها مورد عفو و بخشش قرار گیرد و قلب مهربان آن بزرگوار اشتباهات ایشان را نادیده خواهد گرفت.

مگر حضرت یوسف علی نبینا وآله وعلیه السلام به برادران خود با آن همه ظلم و ستمی که بر ایشان روا داشتند، نفرمود:

﴿لَا تَثْرِبَ عَلَیْكُمْ السَّیُّمَ یَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِیْنَ﴾^۱.

۱. سوره یوسف، آیه ۹۲.

امروز سرزنشی بر شما نیست، خداوند شما را می‌آمزد و او رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان است.

یقین داشته باشید روح عظیم انسان، آفریده نشده است که وابسته به مادیات و مسائل بی‌ارزش دیگر گردد، بلکه برای آن خلق شده است که با آشنائی با مسائل معنوی و شناخت خداوند و جانشینان او به سوی مسائل الهی کشیده شود.

آیا سزاوار است انسانی که می‌تواند همچون سید بحرالعلوم و مرحوم شیخ انصاری با امام عصر ارواحنا فداه ارتباط داشته باشد، روح خود را غرق در اندیشه‌های مادی نموده و وجود خویش را گرفتار قید و بندهای غفلت‌زا نماید؟!

آیا سزاوار است انسانی که می‌تواند بر فراز فضای آشنایی با خاندان وحی به پرواز درآید، پر و بال خود را بشکند و در زندان دنیا خود را بازیچه و اسیر شیاطین گرداند؟!

آیا سزاوار است در میان هفت میلیارد جمعیت انسان در سراسر جهان تعدادی بس اندک با مفسد عصر غیبت آشنایی داشته باشند؟!

چرا نباید همه انسان‌ها از ارزش انسانی خویش باخبر باشند و بدانند در صورتی دارای قدر و بها هستند که بتوانند به خداوند و جانشین او در این روزگار توجه داشته باشند؟

اگر همه انسان‌ها لیاقت چنین مقامی را ندارند و این مقام از آن

گروهی خاص است، چرا ما و شما از آنان نباشیم؟

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش

کی روی؟ ره زکه پرسی؟ چه کنی؟ چون باشی؟

به سوی امیر عالم هستی

یقین داشته باشید کسی که صادقانه در جستجوی امام عصر ارواحنا فداه باشد و در راه آن حضرت خدمت نماید و درباره تعجیل ظهور آن بزرگوار دعا و تلاش نماید، سرانجام راه به جایی می‌برد و روزنه‌ای به سوی گشوده می‌شود.

بنابراین از کمک و فداکاری نسبت به آن حضرت که دوران غیبت - همچون ریسمانی که دشمنان به گردن اول مظلوم عالم هستی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام افکندند، و دستان آن بزرگوار را بستند - دستان آن حضرت را بسته است؛ دست برندارید. و با تلاش در راه ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه و فراهم کردن مقدمان آن، تاری از ریسمان غیبت را پاره کنید.

اطمینان داشته باشید اگر کسی از خورشید تابناک وجود او در زندگی بهره‌مند شود و شکی به خود راه ندهد، منظور نظر حضرتش قرار می‌گیرد و آن بزرگوار با کلامی یا پیامی یا نگاهی خاطر او را خشنود و قلبش را شاد می‌نماید؛ زیرا ممکن نیست کسی در جستجوی حقیقتی باشد و در راه آن قدم بردارد، مگر آنکه

سرانجام به همه مقصود خویش و یا به مقداری از آن دست می‌یابد .

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

من طلب شيئاً ناله أو بعضه .^۱

کسی که در جستجوی چیزی باشد به تمام آن یا مقداری از آن می‌رسد .

شما با قاطعیت و یقین معتقد باشید که اینک گرچه دوران تاریک غیبت است و نوبت اظهار ولایت و قدرت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه نرسیده؛ ولی با این وجود آن حضرت قطب دائرة امکان و امیر عالم هستی هستند و ولایت مطلقه آن بزرگوار سراسر جهان را فرا گرفته است .

در زیارت آن حضرت می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قُطْبَ الْعَالَمِ .^۲

سلام بر شما ای قطب عالم هستی .

همه موجودات عالم هستی در عصر تاریک غیبت و همچنین در دوران نورانی ظهور در پرتو آن وجود مقدس به زندگی ادامه می‌دهند و مدیون امامت و رهبری آن بزرگوار می‌باشند . نه تنها ذرات مادی جهان بلکه بزرگان عالم که مسیحا نفسند تابع و پیرو

۱. شرح غرر الحکم: ۳۰۵/۵ .

۲. همین کتاب: ۸۹۲ .

فرمان آن بزرگوارند؛ بلکه شخص حضرت عیسی علیه السلام دم مسیحائی و مقام ارزشمند خود را به یمن وجود آن حضرت و آباء گرامی آن بزرگوار بدست آورده است . و نه تنها در عصر ظهور که اکنون نیز در تحت لواء امامت و رهبری آن بزرگوار به انجام وظیفه مشغول است .

در زیارت امام زمان ارواحنا فداه می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمَسِيحِ .^۱

سلام بر شما ای پیشوای مسیح .

این ولایت و رهبری، مخصوص روزگار پرشکوه ظهور نیست؛ بلکه اکنون نیز حضرت عیسی در جایگاه عظیم خود افتخار پیروی از مقام امامت و رهبری آن بزرگوار را دارا می‌باشد . همه نجباء، نقباء و اولیاء خدا که پا بر هوای نفس خود گذاشته و قصد و نیت خویش را خالص نموده‌اند، به قدر ارزشی که در پیشگاه خداوند دارند، راه و یا روزنه‌ای به سوی مقام نورانیت آن حضرت که نور عالم هستی در این عصر و زمان است بدست آورده‌اند، و امام عصر ارواحنا فداه تنهایی و غربت خویش را با این گونه اشخاص که به مقامات عالی راه یافته‌اند برطرف می‌نماید .

در روایت می‌خوانیم:

۱. همین کتاب: ۸۹۲ .

وما بثلاثين من وحشة^۱.

با وجود سی نفر (از یاوران خالص) احساس تنهایی برای آن حضرت نیست.

مقصود از بیان مطالب گذشته این است که دوران غیبت به این معنی نیست که امدادهای غیبی حضرت بقیة الله ارواحنا فداه از موجودات قطع گردیده و آن بزرگوار از کسی دستگیری نمی‌کند و کسی در عصر تیره غیبت راهی به نور و روزنه‌ای به روشنایی نمی‌یابد؛ بلکه همان گونه که گفتیم کسانی که با صداقت به سوی آن بزرگوار می‌شتابند و در پرتو بهره‌مند شدن از دریای بیکران معارف امام عصر ارواحنا فداه روزگار پرشکوه ظهور را در زندگی خود لحظه شماری می‌کنند، با پیامی یا نگاهی از سوی حضرتش قلب‌های استوار خود را استوارتر می‌کنند.

و اگر گوش جان باز کنیم و ندای این افراد با اخلاص را بشنویم، پیام‌شان به ما این گونه است: ﴿فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِي الْمُقَدَّسِ طَوًى﴾^۲. کفش خود را درآورید و ببینید چگونه پای خود را آورده‌اید که تا کنون از رفتن به سوی امیر عالم هستی و قطب عالم امکان بازمانده‌اید!

متأسفانه عده‌ای از افراد نه تنها خود را خالص نمی‌گردانند و

ریگ از کفش خود خارج نمی‌کنند که در کفش دیگران نیز ریگ می‌اندازند و آنان را می‌آزارند. این گونه افراد با نیش زبان، بیشتر به قلب دوستان واقعی می‌زنند؛ زیرا بر اثر القائات شیطانی مایلند همگان از راه رفتن در طریق امام عصر ارواحنا فداه باز مانند گویی که نمی‌دانند دشمنی با مسیر امام زمان ارواحنا فداه و مخالفت با دوستان واقعی آن حضرت، دشمنی با شخص آن بزرگوار است. مگر حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام در «نهج البلاغه» فرموده‌اند:

أَصْدِقَاؤُكَ ثَلَاثَةٌ وَأَعْدَاؤُكَ ثَلَاثَةٌ، فَأَصْدِقَاؤُكَ: صَدِّيقُكَ، وَصَدِّيقُكَ صَدِّيقُكَ، وَعَدُوُّكَ عَدُوُّكَ، وَأَعْدَاؤُكَ: عَدُوُّكَ، وَعَدُوُّكَ صَدِّيقُكَ، وَصَدِّيقُكَ عَدُوُّكَ^۱.

دوستان تو سه گروهند و دشمنان تو نیز سه گروه می‌باشند. اما دوستان عبارتند از: ۱- دوست خودت، ۲- دوست دوستت، ۳- دشمن دشمنت. و دشمنان عبارتند از: ۱- دشمن خودت، ۲- دشمن دوستت، ۳- دوست دشمنت.

بنابراین آیا دشمنی کردن با دوستان امام عصر ارواحنا فداه، مخالفت با آن بزرگوار نیست؟!

بگذریم که این سخنان خوشایند همگان نیست! زیرا که اکنون ریگ و ریگزار فراوان است و بیابان‌های تفتیده ریگ‌های داغ

۱. نهج البلاغه: کلمات قصار: ۲۹۵.

۱. بحار الأنوار: ۱۵۳/۵۲.

۲. سوره طه، آیه ۱۲.

فراوان دارد! و خشکسالی و قحطی چهره کریه خود را به همه نشان داده است و فکر باران افراد را به خود مشغول ساخته و عده‌ای در پی انجام نماز استسقاء رفته‌اند.

اما صدها سال از غیبت آن آب گوارای حیات می‌گذرد و مردم دست‌شان از آن چشمه زلال حیات مادی و معنوی کوتاه است ولی برای رسیدن به آن کوشش نمی‌کنند و به فکر باران می‌باشند در حالیکه باران به برکت وجود آن حضرت می‌بارد.

آیا در زیارت جامعه نمی‌خوانیم:

و بکم ینزل الغیث .

به وسیله شما باران سودمند می‌بارد.

ولی ما چنین بوده و چنین هستیم ، اصل را فراموش کرده و به جستجوی فرع می‌پردازیم . همان‌گونه که مسبب الأسباب را از یاد می‌بریم و به دنبال اسباب می‌رویم .

توجه به حضرت بقیة الله ارواحنا فداه لازم است

باید بدانیم که توجه به حضرت بقیة الله الأعظم ارواحنا فداه ، توجه به خداوند کریم است ؛ همان‌گونه که توجه به بقیة ائمة طاهرین علیهم السلام توجه به خداوند می‌باشد .

پس زیارت و توسل به ائمة اطهار علیهم السلام ، مایة توجه به خداوند

تبارک و تعالی است . به این جهت ، کسی که قصد تقرب به خداوند بزرگ بنماید به ائمة اطهار علیهم السلام روی می‌آورد .

در زیارت جامعه می‌خوانیم :

وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ .

کسی که او (خداوند) را قصد نماید به سوی شما روی می‌آورد.

انسان با توجه به پیشوایان معصوم علیهم السلام نه تنها عوامل موفقیت و پیشرفت را به سوی خود جلب می‌کند ؛ بلکه موانعی را که مانع رسیدن به مقامات عالی هستند نیز برطرف می‌نماید ؛ زیرا به وسیله توجه به امام زمان ارواحنا فداه و همچنین بقیة ائمة اطهار علیهم السلام درهای رحمت و مغفرت الهی به سوی انسان گشوده می‌شود و تاریکی‌ها از باطن او برطرف می‌گردد .

حضرت باقرالعلوم علیهم السلام در شرح کلام حضرت امیرالمؤمنین علیهم السلام که فرمودند : «أنا باب الله» ، می‌فرمایند :

يَعْنِي مَنْ تَوَجَّهَ بِي إِلَى اللَّهِ غُفِرَ لَهُ^۱ .

یعنی کسی که به وسیله من توجه به خداوند نماید آمرزیده می‌شود .

بنابراین با توجه به باب الله ، خداوند گناهان او را آمرزیده و موانع پیشرفت روحی او را برطرف می‌کند .

گرچه همه چهارده معصوم علیهم السلام به دلیل دارا بودن «مقام نورانیت»

محیط بر هر عصر و زمانی هستند و انسان‌ها در هر عصر و زمان باید توجه به همه آن بزرگواران بنمایند ولی بر اساس مقامات تنزیلیه زمانیه، هر انسانی باید به امام عصر و زمان خودش بیشتر از بقیه ائمه علیهم‌السلام توجه داشته باشد.

اینک به روایت عبدالله بن قدامه ترمذی از حضرت ابا الحسن علیه‌السلام توجه نمایند که فرمودند:

مَنْ شَكَّ فِي أَرْبَعَةٍ فَقَدْ كَفَرَ بِجَمِيعِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ؛
أَحَدُهَا مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ فِي كُلِّ زَمَانٍ وَأَوَّانٍ بِشَخْصِهِ وَنَعْتِهِ^۱.

کسی که درباره چهار چیز شک کند به تمامی آنچه که خداوند نازل فرموده، کافر شده است؛ یکی از آن‌ها شناختن امام در هر عصر و زمان است که شخص امام و صفاتی را که داراست بشناسد.

پس در هر زمان معرفت و شناخت نسبت به امام آن زمان واجب است و چگونه ممکن است کسی معرفت به امام زمان خویش داشته باشد و از عظمت آن بزرگوار آگاه باشد، ولی به او توجه نداشته باشد؟!

بنابراین، توجه نداشتن به امام عصر ارواحنا فداه و نشناختن اوصاف و خصوصیات مقام رفیع آن بزرگوار، اگر چه انسان به امامان دیگر توجه داشته باشد صحیح نیست.

پس وظیفه ما در این عصر و زمان اینست که به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه که در دوران امامت آن بزرگوار هستیم توجه خاص داشته باشیم.

یکی از اولیاء خدا به یکی از علمای معروف گذشته به نام مرحوم ملا قاسم رشتی دعایی تعلیم نمودند و فرمودند: آن را به دیگران یاد بده تا اگر مؤمنی در بلایی گرفتار شد آن را بخواند که تأثیر آن مجرب است، و دعا چنین است:

يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا فاطِمَةُ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَدْرِكْنِي
وَلَا تُهْلِكْنِي.

چون دعا را این گونه به ایشان تعلیم نمود، می‌گوید: اندکی تأمل کردم و به فکر فرو رفتم.

فرمودند: این عبارت را غلط می‌دانی؟ عرض کردم: آری؛ چون خطاب به چهار نفر است و فعل بعد از آن‌ها باید جمع باشد.

فرمودند: اشتباه می‌کنی، زیرا در این زمان نظم دهنده جهان حضرت بقیه الله علیه‌السلام است، ما در این دعا حضرات محمد و علی و فاطمه علیهم‌السلام را برای شفاعت نزد آن بزرگوار می‌خوانیم و از آن حضرت به تنهایی استمداد می‌کنیم.^۱

لازم است به این نکته توجه داشته باشیم: همان گونه که در

زمان پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و در زمان حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام جناب سلمان و ابوذر و مقداد و سایر اولیاء خدا متوجه آن بزرگواران بودند و در گرد شمع وجود ایشان می‌گشتند و همچنین اولیاء الهی در زمان امام حسن مجتبی و حضرت سید الشهداء عَلَيْهِ السَّلَام و ... متوجه آن بزرگواران بودند و از یاد آنان غفلت نمی‌ورزیدند، در این زمان نیز آنان که به تکامل معنوی و درجات عالی راه یافته‌اند، یاد و توجه به مولای خود حضرت بقیة الله ارواحفداه را فراموش نمی‌نمایند.

در دعای شریف ندبه می‌خوانیم:

أَيْنَ وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ ؟

کجاست آن آئینه تمام‌نمای الهی که اولیاء خدا به سوی او توجه می‌نمایند؟

پس در این زمان نیز اولیاء بزرگ خداوند به امام عصر خویش توجه دارند، گرچه آنان در میان مردم ناشناخته‌اند ولی با آن بزرگوار در ارتباط هستند و از فرمایشات آن بزرگوار بهره‌مند می‌شوند، در زیارت «آل یس» می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ .

سلام بر شما در آن هنگام که (قرآن را) تلاوت می‌کنید و (اسرار آن را) بیان می‌فرمایید.

بنابراین، لازم است انسان در هر عصر و زمانی که زندگی

می‌کند به امام زمان خویش توجه خاصی داشته باشد. اکنون به این روایت که از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است توجه کنید:

عن مولانا الرضا، عن آبائه عَلَيْهِمُ السَّلَام قال: قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ في قول الله تبارك وتعالى: ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِسْمِهِمْ﴾^۱ قال: يُدْعَى كُلُّ قَوْمٍ بِإِمَامٍ زَمَانِهِمْ، وَكِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِمْ.^۲

حضرت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام از پدران گرامی خود نقل فرمودند که پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره فرمایش خداوند: «روزی که همه انسانها را با امامشان فرا می‌خوانیم» فرمودند: هر گروهی با امام زمانش و کتاب خداوند و سنت پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خوانده می‌شود.

و معنی روایت این است که: هر انسانی در روز قیامت درباره این سه مسأله حیاتی مورد پرس و جو و بازرسی قرار می‌گیرد که آیا وظیفه‌اش را نسبت به امام زمان خود و همچنین کتاب خدا و سنت پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انجام داده است یا نه؟ پس در روز قیامت از مسأله امامت سؤال می‌شود و بررسی می‌کنند که آیا انسان به امام زمانش معرفت و شناخت داشته است یا نه؟

۱. سورة اِسْرَاء، آیه ۷۱.

۲. بحار الأنوار: ۱۰/۸.

یکی از راه‌های مهم توجّه به امام عصر ارواحنا فداه خواندن نمازها، دعاها و زیاراتی است که از ائمه اطهار علیهم‌السلام درباره آن حضرت وارد شده است و یا از ناحیه مقدسه آن بزرگوار صادر گردیده است.

سفارش جناب محمد بن عثمان، دوّمین نایب خاصّ امام عصر ارواحنا فداه به احمد بن ابراهیم در برابر درخواستی که از ایشان کرده بود، این است:

تَوَجَّهْ إِلَيْهِ بِالزِّيَارَةِ^۱.

به سوی آن حضرت به وسیله این زیارت توجّه نما.^۲

از این کلام می‌توان استفاده نمود که به وسیله زیارات یا دعاهایی که در ارتباط با آن حضرت است، انسان می‌تواند به سوی آن بزرگوار توجّه نموده و قلب و روح خود را مجذوب آن وجود مقدّس نماید.

مسأله توجّه داشتن به مقام و شخصیت امام عصر ارواحنا فداه و اظهار اندوه و غم در هجران و فراق آن بزرگوار نه تنها در زمان غیبت، بلکه در زمان حضور ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز مطرح بوده و اهل بیت علیهم‌السلام عظمت مقام و شخصیت حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه را

۱. بحار الأنوار: ۱۷۴/۵۳.

۲. مقصود «زیارت ندبه» است که آن را در این کتاب در بخش «زیارت‌ها» می‌آوریم.

بیان کرده‌اند و از غیبت و فراق آن سرور عالم امکان اظهار تأسّف نموده‌اند.

در واقع اهل بیت علیهم‌السلام نه تنها با بیانات خود مردم را موظّف نموده‌اند که به یاد سرور عالم هستی باشند و در غیبت و فراق آن بزرگوار اندوهگین و غمناک باشند؛ بلکه عملاً نیز با ریختن اشک و کشیدن آه از دل پر درد خود، نسبت به غیبت طولانی حضرتش، همه را درس سوز و انتظار آموخته‌اند؛ ولی متأسّفانه شیعیان این مسأله حیاتی را که در تمام ابعاد زندگی دنیوی و اخروی آنها دارای مهم‌ترین اثر است، به دست غفلت و فراموشی سپرده‌اند.

بزرگانی که وظیفه داشته و دارند مردم را با این موضوع بسیار مهمّ که در عالم هستی تأثیر عظیم دارد آشنا نمایند، سهل‌انگاری کردند؛ و با غفلت و بی‌توجهی جامعه شیعه در گذشته و حال از این مسئله مهمّ و حیاتی، جهان‌همچنان از نعمت ظهور حضرت بقیّة الله الأعظم ارواحنا فداه بی‌بهره است و بر اثر دوری و غیبت آن سرور عالم هستی به نعمت تکامل در تمام ابعاد علمی و معنوی، دست نیافته و همچنان زور و زر و تزویر بر جهان و جهانیان حکومت می‌کند و ادامه حکومت لعنت شده حبّتری میلیاردها انسان مسلمان و غیر مسلمان را در چنگال خونبار خود گرفتار نموده است.

جامعه ما آنگونه در مسائل دنیوی غرق شده و آنچنان چشم به

اسباب دوخته که مسبب الأسباب را فراموش کرده است، درست است که دنیا سرای اسباب می باشد و ما باید برای کارهای خود در پی اسباب و وسیله باشیم، ولی این نباید تا به آن حد باشد که سبب آفرین را فراموش کنیم.

جامعه ما، هم به خداوند که مسبب الأسباب است کم توجه می باشد و هم از ولی و جانشین او غفلت می ورزد.

یکی از علل مهمی که باعث غفلت و یا کم توجهی بسیاری از مردم نسبت به امام عصر ارواحنا فداه شده است، عدم آگاهی و شناخت آنان از مقام و شخصیت آن بزرگوار است که در روایات خاندان وحی کاملاً به عظمت آن بزرگوار تصریح شده است.

متأسفانه کسانی که وظیفه داشته اند این حقایق را به مردم برسانند و آنان را به سوی سرور عالم وجود و رهبر جهان هستی متوجه سازند، موفق به انجام این وظیفه مهم شرعی نشدند.

اکنون آنچه را که برادران حضرت یوسف به حضرت یعقوب گفتند، به امام زمان خویش ارواحنا فداه عرض می کنیم و به این وسیله از پیشگاه امام رثوف طلب عفو و بخشش می نمائیم:

﴿ يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ ﴾^۱

ای پدر ما، برای گناهان ما استغفار نما؛ به راستی که ما خطا کار بودیم.

۱. سوره یوسف، آیه ۹۷.

امید است که با عفو و بخشش آن حضرت از گذشته ما، آینده را جبران نموده و به یاد آن بزرگوار باشیم و تا توان داریم دیگران را به سوی ساحت مقدس آن حضرت متوجه سازیم.

انتظار

ترک عادت های اجتماعی و رها شدن از قید و بند غفلت از آثار ارزشمندی که ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه به همراه دارد، انسان را به برترین و بافضیلت ترین مقامات می رساند و در پرتو انتظار ظهور امام عصر صلوات الله علیه نه تنها از قید و بند غفلت از آن حضرت رها می شود بلکه غیبت برای او به منزله مشاهده می شود.

اکنون به این روایت بسیار جالب توجه کنید: حضرت امام سجّاد علیه السلام به ابی خالد کابلی فرمودند:

تمتد الغيبة بولي الله الثاني عشر من أوصياء رسول الله صلوات الله وسلامه عليه والأئمة بعده .

یا ابا خالد؛ إنّ أهل زمان غيبته، القائلين بإمامته، المنتظرين لظهوره أفضل أهل كلّ زمان، لأنّ الله تعالى ذكره أعطاهم من العقول والأفهام والمعرفة ما صارت به الغيبة عندهم بمنزلة المشاهدة وجعلهم في ذلك الزمان بمنزلة المجاهدين بين يدي رسول الله صلوات الله وسلامه عليه بالسيف،

اولئك المخلصون حقاً وشيعتنا صدقاً والدعاة إلى دين الله سرّاً وجهراً .

وقال عليه السلام: انتظار الفرج من أعظم الفرج .^۱

غیبت نسبت به دوازدهمین نفر از اوصیاء رسول خدا ﷺ و امامان بعد از او امتداد پیدا می‌کند و طولانی می‌شود .

ای ابا خالد؛ به راستی که اهل زمان غیبت او که به امامت ایشان معتقدند و منتظر ظهور او می‌باشند برترین اهل هر زمان هستند . زیرا که خداوند - که یارش بزرگ باد - آن چنان به آنان عقل و فهم و معرفت عنایت نموده است، که مسئله غیبت برای آنان به منزله مشاهده گردیده و خداوند آنان را در آن زمان به منزله کسانی قرار داده است که پیشاپیش رسول خدا ﷺ با شمشیر جنگیده‌اند، آنان حقیقتاً صاحبان اخلاص، و شیعیان راستین ما و دعوت کنندگان به دین خدا در نهان و آشکار می‌باشند .

و حضرت سجاد علیه السلام فرمودند: انتظار فرج از بزرگ‌ترین نوع فرج است .

امام سجاد علیه السلام در این روایت کسانی را که در زمان غیبت امام زمان ارواحنا فداه زندگی می‌کنند ولی مسئله غیبت نتوانسته آنان را در قید و بند غفلت اسیر کند و در انتظار ظهور آن بزرگوار به سر می‌برند، برترین مردمان هر زمان معرفی فرموده‌اند، زیرا آنان

توانسته‌اند با عقل و فهم و معرفتی که خداوند به آنان داده است نه تنها گرفتار عادت اجتماعی غفلت از امام زمان ارواحنا فداه نباشند، بلکه توانسته‌اند آن چنان در حالات روحی خود تحول ایجاد کنند که مسأله غیبت برای آنان همچون مشاهده شود .

بنا به فرمایش امام سجاد علیه السلام این گونه افراد شیعیان راستین اهل بیت و پیروان واقعی خاندان وحی ﷺ می‌باشند .

ما اگر خواهان رسیدن به مقامات شیعیان راستین و واقعی هستیم باید مسیری را بپیماییم که آنان پیموده‌اند و در راهی گام برداریم که آنان در آن راه گام برداشته‌اند، و همچون آنان اعتیاد به غفلت را از خود زدوده، و خود را با توجه و انتظار ظهور زینت بخشیم؛ زیرا انتظار پدیدآورنده فکر و اندیشه، نیرو بخش و عمل آفرین است، و بر این اساس پیغمبر اکرم ﷺ فرموده‌اند:

أفضل جهاد أمتي انتظار الفرج .^۱

بافضلیت‌ترین جهاد امت من، انتظار فرج است .

انتظار زمینه‌ای مهم برای برقراری و تسلط حکومت جهانی امام عصر ارواحنا فداه می‌باشد و علت سفارشات فراوان خاندان وحی پیرامون این موضوع، اهمیت آن است .

و حضرت امام صادق علیه السلام یکی از شرایط پذیرفته شدن عبادت

بندگان را انتظار حکومت حضرت قائم ارواحنا فداه برشمرده‌اند، و پس از بیان این موضوع فرموده‌اند:

إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِبُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ، ثُمَّ قَالَ: مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمِحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ، فَإِنْ مَاتَ وَقَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَتْ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أُدْرِكَهٖ، فَجَدُّوا وَانْتَظِرُوا هَسْبِيئاً لَكُمْ أَيَّتُهَا الْعَصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ.^۱

برای ما دولتی است که هرگاه خداوند بخواهد آن را می‌آورد. سپس فرمودند: کسی که دوست دارد از اصحاب (حضرت) قائم (ارواحنا فداه) باشد، باید منتظر ظهور باشد و به ورع و اخلاق نیکو رفتار کند در حالی که در صراط انتظار گام برمی‌دارد؛ پس در این حالت اگر مرگ او فرا رسد و (حضرت) قائم بعد از او قیام کنند، پاداش او همانند کسی است که آن بزرگوار را درک می‌نماید. پس کوشش کنید و منتظر باشید. گوارا باد بر شما ای گروهی که مورد رحمت خداوند هستید.

امام صادق علیه السلام در روایت دیگری در پیرامون وظیفه مردم در زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداه می‌فرماید:

وَانْتَظِرِ الْفَرَجَ صَبَاحاً وَمَسَاءً.^۲

صبح و شام در انتظار فرج و ظهور باش.

و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دارا بودن حالت انتظار را از صفات دوستداران و شیفتگان اهل بیت علیهم السلام می‌دانند و محبین خاندان وحی را به دارا بودن صفت انتظار در هر صبح و شام توصیف می‌نمایند. آن حضرت می‌فرماید:

إِنَّ مُحِبِّينَا يَنْتَظِرُ الرُّوحَ وَالْفَرَجَ كُلَّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ.^۱

به راستی که دوستان ما در هر روز و شب در انتظار فرا رسیدن روز آسایش و راحتی و فرج می‌باشند.

یکی از یاران حضرت امام هادی علیه السلام از آن بزرگوار درباره برنامه عملی و وظیفه عموم شیعیان در زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداه سؤال کرد:

کیف تصنع شيعتك؟

در زمان غیبت، شیعیان شما چه کاری انجام دهند؟

قال علیه السلام: عليكم بالدعاء وانتظار الفرج.^۲

امام هادی علیه السلام فرمودند: بر شما باد به دعا و نیایش و انتظار فرج.

بنابراین، همان گونه که در روایت وارد شده است، انتظار

۱. بحار الأنوار: ۱۲۱/۲۷ و ج ۳۸/۶۸.

۲. مهج الدعوات به نقل بحار الأنوار: ۳۳۶/۹۵.

۱. بحار الأنوار: ۱۴۰/۵۲.

۲. بحار الأنوار: ۱۳۳/۵۲.

ظهور مصلح جهان، از شرایط پذیرفته شدن اعمال مردم و از وظائف پیروان و شیفتگان خاندان رسالت است.

پس شخصی که خود را صالح می پندارد، باید منتظر ظهور مصلح باشد، همان گونه که «خلقی که در انتظار ظهور مصلح بسر می برد، باید خود صالح باشد».

اینک با نقل کلامی گهربار از حضرت جواد الائمه علیه السلام در پیرامون وجوب انتظار حکومت جهانی امام عصر ارواحنفاده بر ارزش کلام می افزائیم. حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام می فرماید:

دخلت علی سیدی محمد بن علی علیه السلام وأنا اريد أن أسأله عن القائم، أهو المهديّ أو غيره؟ فبداني، فقال عليه السلام:
يا أبا القاسم، إن القائم مناهو المهديّ الذي يجب أن ينتظر في غيبته ويطاع في ظهوره وهو الثالث من ولدي، والذي بعث محمدًا بالنبوة وخصنا بالإمامة أنه لو لم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يخرج فيملاً الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً وإن الله تبارك وتعالى يصلح أمره في ليلة كما أصلح أمر كليلة موسى عليه السلام ليقتبس لأهله ناراً فرجع وهو رسول نبيّ.
ثم قال عليه السلام: أفضل أعمال شيعتنا انتظار الفرج.^۱

من به محضر مولایم حضرت جواد علیه السلام وارد شدم و تصمیم داشتم از آن بزرگوار درباره قائم آل محمد علیه السلام سؤال کنم که آیا او همان مهدی است یا دیگری؟ قبل از آن که چیزی بگویم، آن حضرت فرمود: ای ابا القاسم، قائم ما آل محمد، همان مهدی است که واجب است در دوران غیبت انتظار او را کشید و در زمان ظهورش اطاعتش نمود.

او سوّمین نفر از نسل من است. سوگند به آن کسی که محمد صلی الله علیه و آله را به نبوت مبعوث نمود و امامت را به ما اختصاص داد، اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خداوند آن روز را طولانی می کند تا آن حضرت خروج کند و زمین را پر از عدل و داد نماید، همان گونه که از جور و ستم پر شده باشد. خداوند امر او را در یک شب اصلاح می کند، همان گونه که کار کلیم خود حضرت موسی علیه السلام را اصلاح نمود؛ او برای به دست آوردن آتش برای خانواده اش رفت، و در حالی برگشت که دارای مقام نبوت و رسالت بود.

آن گاه حضرت جواد علیه السلام فرمودند: بافضیلت ترین اعمال شیعیان ما، انتظار فرج است.

به امید آن روز که ندای دلربایش در فضا طنین افکن شود و دل های دردناک و آزرده را شفا بخشد و بزرگ مردان الهی که خدا در توصیف شان فرموده است: «أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللهُ جَمِيعاً»^۱ به سوی آن بزرگوار بشتابند و ...

۱. سوره بقره، آیه ۱۴۸: «هر کجا باشید خداوند همه شما را می آورد».

انتظارِ ظهور یا اعتقاد به ظهور؟!

انتظار، تنها به معنای آمادگی برای پذیرش ظهور نیست؛ بلکه علاوه بر آن، در اندیشه آن بودن و آرزو داشتن آن را نیز می‌طلبد. ممکن است بسیاری از افراد آمادگی و امکانات برای پذیرایی از میهمان را داشته باشند ولی از کسی دعوت نکرده و در انتظار آمدن میهمان نباشند. این گونه افراد را تنها به خاطر آمادگی داشتن برای پذیرایی، نمی‌توان منتظر میهمان دانست؛ زیرا نه منتظر آمدن میهمان هستند و نه از نیامدن آن، ناراحت می‌شوند. با این بیان روشن می‌شود که در خودسازی و تهذیب نفس، بدون توجه به مسأله انتظار و فرا رسیدن روزگاری که سراسر جهان از وجود ظلم و ستم پاکسازی می‌شود، کمبود وجود دارد؛ زیرا کسی که این گونه است یکی از وظایف بزرگ خود را که انتظار داشتن برای پاکسازی جهانی و حرکت به سوی آن مقصد است، به دست فراموشی سپرده است.

به عبارت دیگر؛ اصلاح نفس و پاکسازی در صورتی به تکامل و اوج خود می‌رسد که انسان در آرزو و اندیشه پاکسازی سراسر جهان باشد و تنها به تهذیب نفس خویش نیندیشد. پس کسی که برای اصلاح حال خویش تلاش می‌کند باید در انتظار ظهور مصلح جهان باشد و تنها به اعتقاد داشتن به این موضوع بسنده نکند.

بنابراین، نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که: میان انتظارِ ظهور و اعتقاد به آن تفاوت بسیاری وجود دارد. زیرا همه شیعیان بلکه بسیاری از ملت‌های دیگر جهان به ظهور مصلحی که سرانجام سراسر جهان را پر از عدل و داد کند اعتقاد دارند؛ ولی همه آنانی که اعتقاد به این حقیقت دارند در انتظار تحقق آن نیستند!

کسی منتظر ظهور امام زمان ارواحنا فداه می‌باشد که علاوه بر اعتقاد، امید و انتظار درک آن زمان را داشته باشد و بر اساس انتظار و امید، عمل نماید.

تمام روایاتی که مسأله انتظار در آن‌ها ستوده شده است، بر لزوم امیدواری و امکان وقوع و درک ظهور امام عصر ارواحنا فداه دلالت می‌کنند؛ زیرا اگر انتظار و امید نباشد و انسان مأیوس از درک زمان ظهور باشد، چگونه به روایات انتظار که درس امید و آرزو را به انسان‌ها می‌آموزند، عمل کرده است؟!

بنابراین، علاوه بر اعتقاد به مسأله ظهور و آمادگی برای درک آن روزگار - به دلیل روایاتی که درس انتظار را به ما می‌آموزند - هر انسانی وظیفه دارد در اندیشه ظهور بوده و امیدوار به درک آن، و معتقد به امکان فرا رسیدن آن در زمان خود باشد، و برای آن که با عافیت زمان ظهور را درک کند دعا نماید و بداند که خداوند آنچه بخواهد انجام می‌دهد.

معرفت یا راه انتظار

یکی از اموری که درس انتظار را به ما می آموزد و لازم است به آن توجه داشته باشیم، مسأله معرفت و شناخت خداوند و جانشینان او و عظمت مقام آنان می باشد.

کسی که واقعاً در راه معرفت پروردگار و شناخت صحیح ائمه اطهار علیهم السلام گام بردارد و با لطف و عنایت آن بزرگواران، قلبش با انوار تابناک معارف الهیة خاندان وحی روشن شود، به این وسیله و از این طریق، با وظیفه های دیگر خود آشنا می گردد و متوجه می شود که غفلت از امام عصر ارواحنا فداء زشت و ناپسند است.

این نورانیت بر اثر درخشیدن نور امام علیه السلام است؛ زیرا امام علیه السلام در هر زمانی قلب دوستان واقعی خود را نورانی و روشن می سازد.

اکنون به این روایت جالب توجه کنید:

عن أبي خالد الكابلي قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله عزوجل ﴿فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا﴾^۱. فقال: يا أبا خالد؛ النور والله الأئمة من آل محمد عليهم السلام إلى يوم القيامة، وهم والله نور الله الذي أنزل، وهم والله

۱. سورة تغابن، آية ۸.

نور الله في السماوات وفي الأرض.

والله يا أبا خالد؛ لنور الإمام في قلوب المؤمنين أنور من الشمس المضيئة بالنهار، وهم والله ينورون قلوب المؤمنين، ويحجب الله عزوجل نورهم عمّن يشاء فتظلم قلوبهم.

والله يا أبا خالد، لا يحبنا عبد ويتولانا حتى يطهر الله قلبه، ولا يطهر الله قلب عبد حتى يسلم لنا، ويكون سلماً لنا، فإذا كان سلماً لنا سلمه الله من شديد الحساب، وآمنه من فزع يوم القيامة الأكبر^۱.

ابو خالد کابلی می گوید: از امام محمد باقر علیه السلام در مورد آیه شریفه که می فرماید: «پس ایمان بیاورید به خدا و پیامبر او و نوری که فرو فرستادیم» پرسیدم.

حضرت فرمود: ای ابو خالد؛ به خدا سوگند، منظور از نور همان امامان از آل محمد علیهم السلام تا روز قیامت می باشد.

به خدا سوگند؛ آنان همان نور خداوند هستند که فرو فرستاده است.

به خدا سوگند؛ آنان نور خدا در آسمان ها و زمین می باشند. به خدا سوگند ای ابو خالد؛ نور امام در قلب های مؤمنین تابناک تر از خورشید فروزان در روز است.

۱. الکافی: ۱/۱۹۴.

به خدا سوگند؛ آنان قلب‌های مؤمنین را روشن می‌سازند، و خداوند نور آنان را از هر کس که بخواهد پنهان می‌نماید، پس قلب‌های‌شان تاریک می‌شود.

به خدا سوگند ای ابو خالد؛ هیچ بنده‌ای به ما محبت نمی‌ورزد و ولایت ما را نمی‌پذیرد مگر بعد از آنکه خداوند دل او را پاک نماید، و دل هیچ بنده‌ای را خداوند پاک نمی‌گرداند تا این که منقاد و تسلیم ما شود و سرسازش با ما داشته باشد. پس هنگامی که با ما سازش داشت، خداوند او را از سختی‌های حساب (در روز قیامت) سالم نگه می‌دارد، و او را از ترس و وحشت روز بزرگ قیامت ایمن می‌گرداند.

آیا ممکن است کسی قلبش به نور امام زمان ارواحفاده نورانی و روشن شده باشد ولی از آن حضرت غافل باشد؟

احساس حضور، یا نشانی از معرفت

وظیفه مردم در عصر غیبت به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شود:

- ۱- آنچه اختصاص به دوران غیبت دارد.
 - ۲- آنچه تنها به دوران غیبت اختصاص ندارد بلکه انجام آن در زمان غیبت و عصر ظهور و حضور امام علیه السلام لازم است.
- یکی از وظایف و برنامه‌هایی که مربوط به قسم دوم است و تأثیر مهمی در چگونگی زندگی انسان دارد و اگر رعایت شود

تحولی عظیم در زندگی او ایجاد نموده و حیاتی پربار برای انسان به ارمغان می‌آورد اعتقاد به مسئله حضور و عمل کردن بر طبق آن است.

یعنی اگر انسان معتقد باشد همه در محضر خداوند کریم و جانشینان او می‌باشند و او در زمان حضور یا غیبت و یا ظهور آن بزرگواران در محضر آنان می‌باشد. و زمان و مکان برای ما محدودیت می‌آورد نه برای مقامات نورانیه آنان؛ نمی‌تواند حضور آنان را مقید و محدود به زمان و یا مکان خاصی بنماید.

زیرا زمان و مکان از قیود ماده است و مقام نورانیت اهل بیت علیهم السلام که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن را در حدیث نورانیت تشریح فرموده‌اند، فوق ماده است و بلکه محیط بر آنست، بنابراین زمان و مکان نسبت به مقام نورانیت آنان، محدودیت و تقید ایجاد نمی‌نماید.

برای توضیح مطلب می‌توانید به حدیث «نورانیت» که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن را برای جناب سلمان و ابودرّ بیان فرموده‌اند رجوع کنید. و ما به خاطر طولانی بودنش از نقل آن در اینجا خودداری می‌کنیم و روایت مهم دیگری را که حضرت امام باقر علیه السلام بیان فرموده‌اند و به خاطر مختصر بودنش با این بحث مناسب است، نقل می‌کنیم:

ابوبصیر که از اصحاب حضرت امام باقر علیه السلام است می‌گوید:

دخلت المسجد مع أبي جعفر عليه السلام والناس يدخلون ويخرجون.

فقال لي: سل الناس هل يروني؟

فكلّ من لقيتَه قلت له: أ رأيت أبا جعفر عليه السلام فيقول: لا وهو

واقف حتّى دخل أبوهارون المكفوف، قال: سلّ هذا؟

فقلت: هل رأيت أبا جعفر؟ فقال: أليس هو بقائم؟ قال: وما

علمك؟ قال: وكيف لا أعلم وهو نور ساطع.

قال: وسمعته يقول لرجل من أهل الإفریقیّة: ما حال

راشد؟ قال: خلّفته حیّاً صالحاً يقرؤك السلام.

قال: رحمه الله، قال: مات؟ قال: نعم، قال: متی؟ قال:

بعد خروجك بیومین. قال: والله ما مرض ولا كان به علّة،

قال: وإئنا يموت من يموت من مرض أو علّة. قلت: من

الرجل؟ قال: رجل لنا موالٍ ولنا محبّ.

ثمّ قال: أترون أنّه لیس لنا معكم أعیّن ناظرة، أو اسماع

سامعة، لبئس ما رأیتم، والله لا یخفی علینا شیء من

أعمالکم فاحضرونا جمیعاً وعودوا أنفسکم الخیر،

وكونوا من أهله تعرفوا فإني بهذا أمر ولدي وشيعتي^۱.

با امام باقر عليه السلام وارد مسجد شدم، و مردم در حال رفت و آمد

بودند. امام عليه السلام به من فرمودند: از مردم بپرس آیا مرا می بینند؟

من با هر کس ملاقات کردم از او سؤال کردم که آیا امام باقر عليه السلام

را دیدی؟ می گفت: نه؛ در حالی که امام عليه السلام ایستاده بود، تا

فردی نابینا به نام ابوهارون وارد شد.

امام عليه السلام فرمودند: از این مرد سؤال کن. به او گفتم: آیا امام

باقر عليه السلام را دیدی؟

ابوهارون در جواب گفت: مگر ایشان اینجا نایستاده اند؟

ابوبصیر گفت: از او سؤال کردم تو از کجا دانستی که امام عليه السلام

ایستاده است؟

ابوهارون گفت: چگونه به آن علم و آگاهی پیدا نکنم و حال آن

که امام عليه السلام نوری است آشکار و نمایان.

ابو بصیر می گوید: و شنیدم که امام باقر عليه السلام به مردی از اهل

آفریقا می فرمود: حال راشد چگونه است؟

او گفت: از آفریقا که خارج شدم او زنده و سالم بود و به شما

سلام می رساند.

امام باقر عليه السلام فرمودند: خداوند او را رحمت کند. مرد

آفریقایی گفت: او مُرد؟!

امام عليه السلام فرمودند: آری. او پرسید: در چه زمانی؟

امام عليه السلام فرمودند: دو روز بعد از خارج شدن تو از آفریقا مُرد.

آفریقایی گفت: به خدا قسم راشد نه مریض بود و نه هیچ گونه

دردی داشت!

امام عليه السلام به او فرمودند: مگر هر کس که می میرد به خاطر مرض

یا درد می میرد؟

ابوبصیر گفت: از امام علیه السلام پرسیدم: این مرد آفریقایی کیست؟
 امام علیه السلام فرمودند: دوست ما و پیرو ما خاندان است.
 آن گاه امام علیه السلام فرمودند: آیا می‌پندارید برای ما با شما،
 چشمانی نظاره گر و گوش‌هایی شنوا وجود ندارد؟ چه پندار
 نادرستی؛ به خدا قسم بر ما هیچ چیزی از اعمال شما پنهان
 نیست. پس همه ما را حاضر در نزد خود بدانید و نفس‌های
 خود را به کارهای پسندیده عادت دهید و اهل کارهای نیک
 شوید تا به آن شناخته شوید.
 من فرزندان و شیعیان خود را به آنچه گفتم امر می‌کنم.

این روایت مطالب مهمی را دربردارد که برای درک معانی آن،
 لازم است دقت کامل نمود.

نکته مهمی که از این روایت استفاده می‌کنیم، اعتقاد به حضور
 خاندان وحی علیهم السلام می‌باشد، و درک این واقعیت امکان‌پذیر است
 به شرطی که شرایطی را که امام باقر علیه السلام برای درک آن بیان
 فرموده‌اند رعایت شود.

نکته بسیار مهمی که آن حضرت در پایان فرمایش خود
 فرموده‌اند این است که آن بزرگوار شیعیان و فرزندان خود را به آن
 سفارش و امر فرموده‌اند. و این دلیل بر آن است که باید همه برای
 شناخت و دریافت واقعیتی را که بیان فرموده‌اند، سعی و کوشش
 کنند.

بنابراین روایت، هر یک از آن بزرگواران عین الله هستند که

اعمال و رفتار ما را می‌بینند و اذن الله هستند که تمام گفتار ما را
 می‌شنوند. آن گاه امام علیه السلام کسانی را که این حقایق را نپذیرفته‌اند
 مورد خطاب و نکوهش قرار داده و می‌فرمایند واقعاً بد اعتقادی
 دارید به خدا سوگند هیچ چیزی از اعمال شما از ما پوشیده
 نیست.

حضرت امام باقر علیه السلام پس از بیان این نکات به نتیجه‌گیری از
 فرمایشات خود می‌پردازند و به چند نکته تصریح می‌فرمایند:

۱- همه ما را نزد خود حاضر بدانید.

این کلام اشاره به مقام نورانیت اهل بیت علیهم السلام است که آن
 بزرگواران به مقام نورانیت، محیط بر زمان می‌باشند، و فرقی میان
 هیچ یک از آنان نیست و شیعه در هر زمانی که باشد، باید خود را
 نزد همه آن بزرگواران بداند، و همانگونه که انسان باید خود را در
 حضور خداوند ببیند باید احساس کند که در محضر اهل بیت علیهم السلام
 نیز می‌باشد.

بدیهی است کسی که این حقیقت را بفهمد و آن را عملی سازد
 تحوّل بزرگی در رفتار و کردار او ایجاد می‌شود.

۲- نفس‌های خود را به کارهای نیک عادت دهید و از اهل خیر باشید.

بنابراین فرمایش نه تنها انسان باید به کارهای زشت و ناپسند
 عادت نکند بلکه باید به اعمال شایسته و رفتار خوب، نفس خود

را عادت دهد. یعنی آنچه‌ان باید در تهذیب نفس و خودسازی کوشا باشد که نفس او نه تنها از انجام کارهای پسندیده مستنفر و منزجر نباشد، بلکه به آن‌ها خو گرفته و عادت داشته باشد.

نکته قابل توجه در این روایت اینست که عادت کردن به کارهای پسندیده و ارزنده در صورتی ارزش دارد که ذات انسان به آن‌ها عادت کرده باشد یعنی در ذات او اثر گذاشته باشد، لذا عادت کردن به کارهای نیکو و پسندیده در صورتی که در ذات شخص اثری نگذاشته باشد اهمیت چندانی نخواهد داشت؛ زیرا ممکن است انسان بر اثر جوّ جامعه و محیط زندگی به انجام بعضی از کارهای خوب و پسندیده عادت کرده باشد ولی در ذات او رسوخ نکرده باشند، در نتیجه سختی با آنچه انجام می‌دهد نیافته و اهل آن به حساب نیاید. و این نکته دقیقی است که کاملاً باید به آن توجه شود.

برای توضیح مطلب می‌گوئیم: عادت کردن به کارهای پسندیده به دو صورت ممکن است واقع شود:

۱- صورت اول: از راه مخالفت با نفس و مطیع ساختن نفس برای انجام کارهای خوب. اگر منشأ اعتیاد انسان به کارهای نیک این گونه باشد، ذات و سرشت آدمی به رفتار و گفتار خوب خو گرفته و عادت می‌نماید. این گونه عادت کردن، دارای نقش اساسی و اثر حیاتی در پیشرفت و تکامل انسان است.

۲- صورت دوم: این است که انسان به کارهای خوب انس گرفته و به رفتار پسندیده عادت کند نه از راه مخالفت با نفس و خودسازی و آماده ساختن ذات برای انجام این گونه اعمال؛ بلکه بر اثر محیط زیست و اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، به بعضی از کارهای خوب انس گرفته و عادت کرده باشد.

مثلاً چون در خانواده‌ای بوده است که مقید به نماز اول وقت یا نماز جماعت بوده‌اند، او هم به آن عادت کرده است. در این صورت اگر محیط زندگی او تغییر کند چون ذاتاً به آن کار عادت نکرده است، با مرور زمان رفتار او عوض می‌شود و از برنامه قبلی خود دست برمی‌دارد.

این گونه عادت کردن‌ها که تأثیری در ذات او نگذاشته‌اند بلکه بر اثر رنگ گرفتن از محیط می‌باشد، اهمیتی ندارد و با تغییر محیط از دست می‌رود.

به این جهت حضرت باقر العلوم علیه السلام می‌فرمایند: علاوه بر آن که نفس‌های خود را به کارهای خیر عادت می‌دهید، اهل آن نیز باشید؛ نه آن که فقط رنگ افراد خوب را به خود بگیرید؛ زیرا رنگ گرفتن از نیکان بدون آن‌که در ذات و سرشت انسان رسوخ نموده باشد تأثیری در رفتار او ندارد و تحوّل در او به وجود نمی‌آورد و نقشی در درک حقایق نخواهد داشت و هنگامی که در ذات انسان رسوخ کرد و استقرار یافت، این حقایق عظیم و باارزش را درک می‌کند.

معنای حضور چیست؟

نکته دیگری که ممکن است مورد بحث قرار گیرد این است که حضور به چه معنا است، آیا مقصود از حضور، حضور علمی است یا حضور عینی؟

مرحوم علامه مجلسی در بیان روایت فرموده است: اگر «فاحضرونا» از باب افعال باشد معنای روایت چنین است: یعنی بدانید که همه ما نزد شما حاضر هستیم به وسیله علمی که داریم. مقصود مرحوم علامه مجلسی حضور علمی است.^۱

در روایتی حضرت امام رضا علیه السلام درباره حضرت خضر می فرمایند:

إِنَّهُ لِيَحْضُرَ حَيْثُ مَا ذَكَرَ، فَمَنْ ذَكَرَهُ مِنْكُمْ فَلْيَسَلِّمْ عَلَيْهِ.^۲

او هر زمان که یاد شود حاضر می شود، پس هر کس از شماها او را یاد کرد باید بر او سلام کند.

مرحوم آیه الله مستنبط در این باره می نویسد: مقام حضرت خضر علیه السلام که تابع و رعیت امام زمان ارواحنا فداه می باشد در این حد است، پس مقام و عظمت حضرت بقیة الله صلوات الله علیه که امام و پیشوای او است تا چه حد و پایه است؟!^۳

۱. بحار الأنوار: ۲۴۴/۴۶.

۲. کمال الدین: ۳۹۰/۲.

۳. الفطرة: ۵۳۶/۲.

از این روایت، حضور شخصی - در بعضی از زمان ها - استفاده می شود نه حضور علمی.

مسأله حضور از مسائل مهم در معارف اهل بیت علیهم السلام می باشد و نیاز به تفصیل بیشتر دارد. به این جهت این گفتار را با کلامی دلنشین از فرمایشات حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پایان می دهیم:

أحضروا آذان قلوبكم تفهموا!^۱

(اگر خواهان درک حقایق هستید) گوش دل را باز کنید، تا آن را دریابید.

عظمت امام عصر ارواحنا فداه

در کلمات اهل بیت علیهم السلام

آشنایی با عظمت امام عصر ارواحنا فداه و سیله ای بسیار مؤثر برای وارد شدن در صراط انتظار می باشد.

در توضیح کلام می گوئیم: روایاتی که از اهل بیت علیهم السلام درباره شخصیت و عظمت امام عصر ارواحنا فداه به ما رسیده است، آنچنان مهیج و تکان دهنده است که آدمی را شگفت زده می سازد!

چگونه می شود با آن همه سخنانی که در اعماق وجود انسان تأثیر می گذارد، جامعه ما نسبت به آن بزرگوار آن گونه که باید دل

۱. بحار الأنوار: ۲۱۲/۳۴.

ن بسته است و زاغ و زغن را به جای «طاووس بهشت»^۱ برگزیده است؟ این همه غفلت چرا؟ و این همه فراموشی از چه جهت است؟ آیا عالمان و بزرگان دین در این راه کاری که شایسته باشد انجام داده‌اند؟ آیا مهتران و پیشوایان قوم و قدرتمندانی که خود را به آن حضرت نسبت می‌دهند خدمتی نموده‌اند؟ آیا ثروتمندان و توانمندان شیعه در راه کمک به این مسأله که اساسی‌ترین مسأله حیاتی دین است، کوشش کرده‌اند؟ آیا توده مردم با توجه به امام زمان صلوات الله علیه، سرنوشت غمبار خویش را تغییر داده‌اند؟

حقیقت این است که همه اقشار مردم در این غفلت زدگی، کم و بیش سهیم هستند، (اگر چه افرادی بوده‌اند و هستند از عالمان و غیر عالمان، که همچون شقایق داغ بر دل داشته و روزگاری با غم و حسرت می‌گذرانند و به قدر توفیق و توان خویش به احیاء این امر پرداخته و می‌پردازند.) بگذریم که حقیقت تلخ است و دل خودپسندان را می‌آزارد.

اکنون کلماتی را از خاندان وحی می‌آوریم تا ببینید آنان با چه عباراتی از آخرین حجّت الهی حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه یاد نموده‌اند و چگونه کوشش کرده‌اند تا مردم را به سوی آن

۱. بحار الأنوار: ۹۱/۵۱.

حضرت متوجه سازند و چگونه درس بزرگداشت آن حضرت را به ما آموخته‌اند:

۱ - پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

پدرم و مادرم فدای او باد، او هم نام من و شبیه من است.

این کلام را پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام پس از شرح دوران غم‌انگیز و تأسف بار غیبت امام عصر ارواحنا فداه بیان نموده‌اند. اینک به فرمایش آن حضرت توجه کنید:

... سَيَكُونُ بَعْدِي فِتْنَةٌ صَمَاءٌ صَيْلَمٌ يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ وَلِيَّةٍ وَبَطَانَةٍ، وَذَلِكَ عِنْدَ فَقْدَانِ شَيْعَتِكَ الْخَامِسِ مِنَ السَّبَاعِ مِنْ وَوَلَدِكَ، يَحْزَنُ لِفَقْدِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، فَكَمَّ مُؤْمِنٌ وَمُؤْمِنَةٌ مُتَأَسِّفٌ مُتَلَهِّفٌ حَيْرَانَ عِنْدَ فَقْدِهِ.

ثمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَقَالَ: يَا أَبِي وَأُمِّي سَمِيي وَشَبِيهِي وَشَبِيهِي مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، عَلَيْهِ جَلَابِيبُ النُّورِ يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ الْقُدْسِ.^۱

بعد از من فتنه‌ای ایجاد می‌شود بسیار سخت و دشوار و از پا درآورنده، که در آن هر شخص مورد اعتماد و رازداری سقوط می‌کند و این در هنگامی است که شیعیان تو پنجمین نفر از فرزندان تو از هفتمین امام را گم کنند، برای فقدان او اهل آسمان

۱. کفایة الأثر: ۱۵۸، بحار الأنوار: ۳۶/۳۳۷ و ۵۱/۱۰۹.

و زمین غمگین می‌شوند، پس چه بسیارند مردان و زنان باایمانی که در هنگام غیبت او، متأسف و حسرت زده و حیرانند. سپس آن حضرت سر خود را به آرامی پائین برده و آن گاه سر بلند نموده و فرمودند:

پدر و مادرم فدای او باد، هم نام من و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است، بر او پیراهن‌هایی از نور است که از شعاع قدس برافروخته است.

۲ - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره آن حضرت فرمودند:

جانم فدای او باد ...

این کلام را علامه مجلسی رحمته الله علیه به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت داده و فرموده است: در دیوان شعری که منسوب به آن حضرت می‌باشد، از آن بزرگوار نقل شده که فرمودند:

فَتَمَّ يَقُومُ الْقَائِمَ الْحَقِّ مِنْكُمْ وَبِالْحَقِّ يَا تَبِكُمْ وَبِالْحَقِّ يَعْمَلُ
سَمِيَّ نَسَبِيَّ اللَّهُ نَفْسِي فِداؤُهُ فَلَا تَخْذُلُوهُ يَا بَنِي وَعَجَّلُوا

پس در آن هنگام (بعد از حکومت‌های ناشایسته) از شما کسی که حق را به پا می‌دارد قیام می‌کند، و حق را برای شما می‌آورد و به آن عمل می‌کند.

هم‌نام رسول خداوند است، جانم فدای او باد، پس ای فرزندان من؛ مدد‌رسانی به او را ترک نکنید و برای یاریش شتاب کنید.

۳ - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام:

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.^۱

اول مظلوم عالم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از بیان اوصاف جسمانی امام عصر ارواحنا فداه با بیان جمله‌ای که آوردیم، اشتیاق عظیم قلبی خویش را اظهار نموده‌اند.

این روایت را جناب جابر جعفی که از نقباء و از اصحاب سرّ امام باقر و امام صادق علیهما السلام بوده نقل نموده است.

در این روایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به بیان صفات نیکوی جسمانی امام عصر ارواحنا فداه اکتفا کرده‌اند و از تشریح خصلت‌های معنوی و ملکوتی آن حضرت خودداری فرموده‌اند؛ زیرا با کسی سخن می‌گفته‌اند که او علّت اصلی همه تباهی‌ها و فسادها در عالم خلقت است.

اکنون به این روایت توجه کنید: جناب جابر جعفی می‌گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

سایر عمر بن الخطاب امیرالمؤمنین علیه السلام فقال:

۱. حضرت نرجس خاتون علیها السلام شاهزاده بزرگ روم، برای پیوستن به خاندان وحی علیه السلام، لباس کنیزان را پوشید و در میان آنان رفت و افتخار جاودانه مادر شدن برای حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه را نصیب خود ساخت. به جهت پوشیدن لباس کنیزان و اسارت، از ایشان به عنوان بهترین کنیزان در روایات یاد شده است.

أخبرني عن المهديّ ما اسمه ؟

فقال : أمّا اسمه فإنّ حبيبي عهد إليّ أن لا احدثّ باسمه حتّى يبعثه الله .

قال : فأخبرني عن صفته .

قال : هو شابٌّ مَرْبُوعٌ حَسَنُ الْوَجْهِ حَسَنُ الشَّعْرِ ، يَسِيلُ شَعْرُهُ عَلَى مَنْكَبَيْهِ ، وَتُورٌ وَجْهَهُ يَغْلُو سِوَادَ لَحْيَتِهِ وَرَأْسِهِ ، بِأَبِي ابْنِ خَيْرَةَ الْإِمَاءِ^۱ .

عمر بن خطّاب در خدمت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) راه می رفت، به آن بزرگوار عرض کرد: مرا از نام مهدی خبر ده.

حضرت فرمودند: امّا درباره اسم او، حبيب من از من پيمان گرفته است که از نام او سخن نگويم، تا آن زمان که خداوند او را برانگيزد.

عرض کرد: از اوصاف و شمایل او به من خبر ده.

حضرت فرمودند: او جوانی است چهارشانه، نیکو روی و زیباموی که مویش بر شانه اش ریخته و نور صورتش بر سیاهی موی سر و صورتش برتری دارد. پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.

۴ - حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام):

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد .

این کلام را حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) دیگر بار تکرار نموده اند و حارث همدانی آن را از حضرت امیر مؤمنان (علیه السلام) نقل کرده است .

آن بزرگوار در این روایت بیان فرموده اند که پایان ظلم و ستمگری ستمگران با شمشیر انتقامی است که در دست توانای حضرت بقیة الله ارواحنا فداه می باشد، و فرموده اند: جام تلخ زهر را به کام همه ستمگران جهان فرو خواهد ریخت .

اکنون در دنباله مطلب، به کلام آن بزرگوار که دل غمزدگان را شاد می کند توجه کنید :

بأبي ابن خيرة الإمام - يعني القائم من ولده (علیه السلام) - يسومهم حَسَنًا ، وَيُسْقِيهِمْ بِكَأْسٍ مُّصْبِرَةٍ ، وَلَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ هَرَجًا^۱ .

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد - یعنی حضرت قائم که از فرزندان آن حضرت است - خواری و پستی و فرومایگی را بر آنان وارد می سازد و با ظرفی که از صبر (دوایی بسیار تلخ) پر است به آنان (ستمگران) می خوراند و به آنان چیزی حواله نمی کند مگر شمشیر خون ریز را .

آری، در آن روز است که حکومت سقیفه نشینان و وارثان آنان به پایان می رسد و جام تلخ زهر را همه آن ها سر خواهند کشید !

۵- حضرت امیر المؤمنین علیه السلام:

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام این گفتار را دیگر بار در یکی از خطبه‌های خود ایراد فرموده‌اند:

فَانظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَإِن لَّبَدُوا فَالْبَدُوا، وَإِن
اسْتَنْصَرُوكُمْ فَاَنْصُرُوهُمْ، لِيَفْرَجَنَّ اللَّهُ بِرَجُلٍ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ،
بِأَبِي ابْنِ خَيْرَةَ الْإِمَاءِ، لَا يَعْظِيهِمْ إِلَّا السَّيْفُ هَرْجاً هَرْجاً،
مَوْضِعاً عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ^۱.

به اهل بیت پیامبرتان بنگرید؛ اگر آرام گرفتند شما نیز آرام
بگیرید و اگر شما را به یاری طلبیدند آنان را یاری کنید،
خداوند به طور حتم مردی از ما اهل بیت را (برای نابودی
ستمگران) خارج می‌سازد.
پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد، به آنان نمی‌دهد مگر
شمشیر را چه آشوبی؛ چه آشوبی؛ هشت ماه شمشیر را بر
شانه خود می‌نهد.

در این خطبه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام اصلاح جهان و
پاکسازی دنیا را از وجود پلیدان لعنت‌شده نوید می‌دهند، که
مدت هشت ماه جنگ با ستمگران در صحنه گیتی ادامه می‌یابد و
آن‌گاه صلح و صفا در سراسر جهان حاکم می‌شود.

۶- حضرت امیر المؤمنین علیه السلام:

آه، چقدر مشتاقم او را ببینم!

این کلام را حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس از بیان فتنه‌ها و
آشوب‌های آینده و یاد از خصلت‌های امام عصر ارواحنا فداه بیان
نمودند:

هاه- وأوماً بیده إلی صدره- شوقاً إلی رؤیته^۱.

آه- و اشاره به سینه مبارک خود نمودند- چقدر مشتاقم او را ببینم!

زیرا آن بزرگوار با احاطه علمی که بر همه چیز داشتند،
می‌دانستند فتنه‌هایی که سقیفه‌نشینان در سقیفه بذر آن را افشاندند،
همچنان ادامه خواهد یافت و آتش آن سراسرگیتی را تا زمان‌های دور،
سیاه خواهد نمود و سیه‌روزی و بدبختی را نصیب همه مردمان
جهان خواهد کرد و این ظلم و جنایت همچنان ادامه می‌یابد تا آن
روز که منتقم آل محمد علیه السلام حضرت امام عصر ارواحنا فداه همراه با
سیصد و سیزده تن از شخصیت‌های خودساخته، که امر ولایت
در جان و دل آنان ریشه دوانده است با تعدادی دیگر از مؤمنان از
کنار خانه خدا قیام نمایند، و انتقام همه مظلومین جهان را از همه
ستمگران بگیرند.

اگر در روز تاریک سقیفه یاورانی از جان گذشته در کنار

وجود مقدس اول مظلوم عالم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می بودند، دشمنان نمی توانستند خانه وحی را به آتش کشیده و ریسمان به گردن امیر عالم هستی افکنده و چهره ماه را کبود کنند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از خطبه های خود می فرمایند:

فَنظَرْتُ فَإِذَا لَيْسَ لِي مُعِينٌ إِلَّا أَهْلُ بَيْتِي فَضَنَنْتُ بِهِمْ عَنِ الْمَوْتِ، وَأَغْضَيْتُ عَلَى الْقَدَى، وَشَرِبْتُ عَلَى الشَّجْوَى، وَصَبَّيْتُ عَلَى أَخْذِ الْكُظْمِ، وَعَلَى أَمْرٍ مِنْ طَعْمِ الْعَلَقَمِ.

چون مخالفین، خلافت را که حق من بود غصب کردند، (در کار خویش) اندیشه کردم؛ دیدم در آن هنگام به غیر از اهل بیت خود یآوری ندارم، راضی نشدم که آنها کشته شوند، و چشمی که خاشاک در آن رفته بود برهم نهادم؛ با این که استخوان گلویم را گرفته بود، جام تلخ را آشامیدم؛ و خشم خود فرو خوردم و بر چیزهای تلخ تر از طعم علقم (که گیاهی است بسیار تلخ) شکیبایی نمودم.^۱

آری، مظلوم ترین فرد جهان هستی پس از بیان همه ستم هایی که بر او روا شده، آنگاه که از فتنه های آینده یاد می کند و نام پایان دهنده همه ظلم ها و ستم ها را به زبان جاری می سازد می فرماید:

آه، چه قدر مشتاقم او را ببینم!

۷- امام باقر علیه السلام می فرمایند:

اگر در آن زمان باشم، جان خود را برای صاحب این امر نگه می دارم.

این کلام از کسی صادر شده است که شکافنده همه علوم و دانش ها در سراسر هستی و آگاه از همه اسرار خلقت می باشد، آن کسی که آینده و آیندگان، گذشته و گذشتگان، برای ایشان همچون افرادی هستند که در محضرش حاضر می باشند. آن حضرت وقتی که سخن از آینده و آیندگان به میان می آورد، و یکی از قیام هائی را که قبل از ظهور امام عصر ارواحنفاذ واقع می شود بیان می کند، می فرمایند:

... أَمَا إِنِّي لَوُ أَدْرِكْتُ ذَلِكَ، لَا سَتَبَقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ.^۱

آگاه باشید؛ اگر من آن زمان را درک نمایم، جان خود را برای صاحب این امر حفظ می کنم.

مرحوم آیه الله شیخ محمد جواد خراسانی در کتاب خود نوشته است: مقصود حضرت از آن زمان، وقتی است که گروهی از «شیلا» برای گرفتن حق قیام می کنند.

۸- امام باقر علیه السلام:

پدر و مادرم فدای او باد ، او همانم من و دارای کُنیه من است .

پدرم فدای کسی باد که سراسر گیتی را سرشار از عدل و داد می کند همان گونه که پر از ظلم و ستم شده باشد .

این روایت را ابو حمزه ثمالی - که از بزرگان اصحاب آن حضرت است - نقل نموده ؛ او می گوید : روزی در محضر امام باقر علیه السلام بودم ، آنگاه که مردم از خدمت آن بزرگوار مرخص شدند به من فرمودند :

يَا أَبَا حَمَزَةَ : مِنْ الْمَحْتَمِ الَّذِي حَتَمَهُ اللَّهُ قِيَامَ قَائِمِنَا ، فَمَنْ شَكَّ فِيمَا أَقُولُ لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ بِهِ كَافِرٌ .

ثم قال : يَا بِي وَأُمِّي الْمُسَمَّى بِاسْمِي وَالْمَكْنَى بِكُنْيَتِي ، السَّابِعِ مِنْ وُلْدِي ، يَا بِي مَنْ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا .

يَا أَبَا حَمَزَةَ : مَنْ أَدْرَكَهُ فَيَسَلِّمْ لَهُ مَا سَلَّمَ لِمُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ عليهما السلام فَقَدْ وَجِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ ، وَمَنْ لَمْ يُسَلِّمْ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَا وَاه النَّارَ وَيَبْسُ مَثْوَى الظَّالِمِينَ .^۱

ای ابا حمزه ؛ از چیزهایی که خداوند آن ها را حتمی قرار داده

است قیام قائم ما است و کسی که در آنچه می گویم شک کند ، خداوند را ملاقات می کند در حالی که به او کافر است .
پدر و مادرم فدای کسی باد که به نام من نامیده شده و کنیه اش کُنیه من است و هفتمین فرد از نسل من است .
پدرم فدای کسی باد که سراسر زمین را پر از عدل و داد می نماید همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد .

ای ابا حمزه ؛ هر کس در زمان او باشد و تسلیم او گردد همان گونه که تسلیم محمد و علی بوده ، بهشت بر او واجب است ، و کسی که تسلیم او نباشد خداوند بهشت را بر او حرام می کند و جایگاه او آتش می باشد و بد منزلی است جایگاه ستم کاران .

۹- امام صادق علیه السلام:

اگر او را درک کنم ، تا زنده باشم به او خدمت می کنم .

این کلام را امام صادق علیه السلام هنگامی فرمودند که درباره حضرت بقیه الله ارواحنا فداه از آن بزرگوار سؤال شد :

هَلْ وُلِدَ الْقَائِمُ ؟

قال : لا ، وَ لَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَمْتَهُ أَيَّامَ حَيَاتِي .^۱

۱. الغيبة مرحوم نعمانی : ۲۷۳ ، بحار الأنوار : ۱۴۸/۵۱ .

صاحب کتاب «عقد الدرر» این روایت و روایات دیگری را به امام حسین علیه السلام نسبت داده به دلیل سند آن اشتباه است و علت اشتباهش این است که کنیه «ابو عبدالله» را که مشترک است میان امام حسین و امام صادق علیهما السلام ، به امام حسین علیه السلام نسبت داده است . رجوع کنید به کتاب «الصحيفة المباركة المهديّة» .

آیا (حضرت) قائم متولد شده است؟

حضرت فرمودند: نه، و اگر او را درک نمایم در تمام دوران زندگی و حیاتم به او خدمت می‌کنم.

۱۰ - امام صادق (علیه السلام):

برای نور آل محمد (علیهم السلام) دعا نمودم.

عباد بن محمد مداینی می‌گوید: امام صادق (علیه السلام) پس از نماز ظهر دست‌ها را بلند نموده و دعا کردند. گفتم: جانم به فدایتان؛ برای خودتان دعا نمودید؟ فرمودند:

دَعَوْتُ لِنُورِ آلِ مُحَمَّدٍ (علیهم السلام) وَ سَائِرِهِمْ وَ أَلْمُنْتَمِ بِأَمْرِ اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ^۱.

برای نور آل محمد (علیهم السلام) و پیش رو آنان و کسی که به امر خدا از دشمنان آنان انتقام می‌گیرد، دعا نمودم.

البته خاندان وحی (علیهم السلام) همه آنها نور هستند و معرفت آنان به نورانیت معرفت الله است، ولی بنا به فرمایش امام صادق (علیه السلام) در این روایت آن حضرت، نور الأنوار می‌باشند.

۱۱ - امام موسی کاظم (علیه السلام):

پدرم فدای کسی باد که در راه خدا، سرزنش ملامتگران در او تأثیر نمی‌گذارد.

پدرم فدایش باد که به امر خداوند قیام می‌کند.

یحیی بن فضل نوفلی می‌گوید: حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) بعد از نماز عصر دست‌ها را به دعا بلند نموده و دعائی را قرائت کردند.

به آن حضرت عرض کردم: برای چه کسی دعا نمودید؟ حضرت فرمودند:

ذَلِكَ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (علیه السلام).

قال: يَا بِي الْمُنْبَدِحِ الْبَطْنِ، الْمَقْرُونِ الْحَاجِبِينَ، أَحْمَشَ السَّاقِينَ، بَعِيدِ مَا بَيْنَ الْمَنْكِبَيْنِ، أَشْمَرَ اللَّوْنِ، يَعْتَادُهُ مَعَ سَمْرَتِهِ صَفْرَةَ مَنْ سَهَرَ اللَّيْلِ، يَا بِي مَنْ لَيْلُهُ يَرَعَى النَّجْمُومَ سَاجِدًا وَ رَاكِعًا، يَا بِي مَنْ لَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْ مَتَّعَ لَأَيْسَمَ، مِضْبَاحِ الدُّجَى، يَا بِي الْقَائِمِ بِأَمْرِ اللَّهِ^۱.

برای مهدی آل محمد (علیهم السلام).

آن‌گاه فرمودند: پدرم فدای آن وجودی باد که دلی برجسته و ابروانی پیوسته و ساق‌های باریک دارد، و چهار شانه و قوی هیکل و گندم‌گون است، و بر اثر تهجد و شب‌زنده‌داری رنگش زرد است.

پدرم فدای کسی باد که شب‌ها در حال سجده و رکوع، بسر

می برد و به ستارگان می نگرد و آن‌ها را زیر نظر دارد .

پدرم فدای کسی باد که در راه خدا سرزنش ملامتگران در او تأثیر نمی گذارد، او چراغ هدایت در تاریکی های شدید است .
پدرم فدای او که به امر خدا قیام می کند .

۱۲ - حضرت امام رضا علیه السلام :

پدرم و مادرم فدایش باد ، او همانم جدّم علیه السلام و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است .

این کلام را حضرت امام رضا علیه السلام پس از ذکر فتنه های بسیار سختی که از اول زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداه واقع شد ، بیان نموده اند .

این فتنه ها آن چنان سخت و ویرانگر است که افراد بسیار زیرک و فهمیده را نیز به دام خود گرفتار می نماید .

گرچه آنان مدّعی دین و دینداری هستند ، و بر اثر گمراهی آنان ، آنچنان غربت و تنهایی امام عصر ارواحنا فداه را فرا می گیرد که اهل آسمان و زمین بر او می گریند و هر انسان آزاده و دل آگاه برای آن حضرت به گریه می نشیند .

اکنون به کلام حضرت امام رضا علیه السلام توجه کنید :

لَا بُدَّ مِنْ فِتْنَةٍ صَمَاءٍ صَيِّمٍ يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ بَطَانَةٍ وَوَلِيَّةٍ
وَذَلِكَ عِنْدَ فُقْدَانِ الشَّيْبَةِ الثَّالِثِ مِنْ وُلْدِي ، يَبْكِي عَلَيْهِ أَهْلُ

السماء وأهل الأرض وكلّ حرّيّ وحرّان وكلّ حزين ولَهْفان .
ثمّ قال علیه السلام : بِأَبِي وَأُمِّي سَمِيَّ جَدِّي علیه السلام وَشَبِيهِي وَشَبِيه
مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ علیه السلام ، عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ ، يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ
ضِيَاءِ الْقُدُسِ .^۱

ناگزیر فتنه ای بسیار سخت و از یادآورنده واقع می شود که در آن هر فرد رازدار و مورد اعتمادی سقوط می کند و این در زمانی است که شیعیان سوّمین نفر از فرزندان مرا از دست می دهند ، بر او اهل آسمان و زمین می گریند و هر مرد و زنی که تشنه دیدار او باشند و هر غمگین و حسرت زده ای بر او می گرید .

سپس فرمودند: پدر و مادرم فدای او باد، او همانم جدّم علیه السلام و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است ، بر او پیراهن های نور می باشد که از شعاع نور قداست و پاکی فروغ می گیرد .

شبیه این روایت را از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل نمودیم .

«از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده که آن حضرت در مجلسی که در خراسان داشتند هنگام ذکر لفظ «فانم» ایستادند و دو دست خود را بر سر مبارک نهادند و گفتند :

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ .

آن گاه از خصوصیات حکومت آن حضرت صحبت فرمودند .

۱ . الغيبة نعمانی : ۱۸۰ ، کمال الدین : ۳۷۰ ، بحار الأنوار : ۱۵۲ / ۵۱ ، إلیام الناصب : ۲۲۱ / ۱ .

مرحوم محدث نوری در کتاب «نجم الثاقب» می‌فرماید: قیام و تعظیم نمودن مردم به هنگام شنیدن نام امام زمان ارواحنا فداه مخصوصاً لقب مخصوص آن حضرت، سیره و روش همه شیعیان از عرب و عجم و ترک و هند و دیلم و غیر آن در همه بلاد است بلکه اهل سنت نیز به آن عمل می‌کنند.^۱

مرحوم علامه امینی در «الغدیر» می‌نویسد: روایت شده که وقتی دعبل قصیده خود را برای امام رضا علیه السلام خواند و از حضرت حجت علیه السلام یاد نمود:

فلولا الذي أرحوه في اليوم أو غدٍ تقطع نفسي إثرهم حسراتي
خروج إمام لا محالة خارج يقوم على اسم الله والبركات
اگر نبود آنچه برای امروز یا فردا به آن امیدوارم، نفس من از روی حسرت قطع می‌گشت.
و آن خروج امامی است که ناگزیر خروج خواهد کرد و با نام نامی پروردگار و برکات الهی قیام می‌نماید.

حضرت امام رضا علیه السلام دست خود را بر سر نهادند و تواضع نمودند در حالی که برای فرج آن حضرت دعا می‌نمودند.^۲

*** **

۱. إلام الناصب: ۲۷۱/۱.

۲. الغدير: ۳۶۱/۲. شبیه این روایت را علامه مجلسی در «بحار الأنوار: ۱۵۴/۵۱» نقل نموده است.

مقدمه کتاب را با نقل روایتی که در کتاب «تسنیه الخاطر» آورده است پایان می‌دهیم:

از امام صادق علیه السلام از علت ایستادن در وقتی که لفظ «قائم» - که از القاب حضرت حجت صلوات الله علیه است - برده می‌شود، سؤال شد. امام صادق علیه السلام فرمودند:

به این جهت که زیرا برای ایشان غیبتی است طولانی و از شدت رأفت آن حضرت به دوستانش، نظر می‌کند به هر کسی که او را به این لقب - که دلالت بر دولت او و حسرت به غربت او دارد - یاد نماید، و از تعظیم نمودن بنده‌ای که برای صاحب خود خضوع می‌نماید این است که به هنگامی که مولای باجلالت او با دیدگان شریفش به سوی او می‌نگرد، در برابر او بایستد. پس هر کس این نام را به زبان می‌آورد باید بایستد و باید از خداوند بزرگ تعجیل فرج او را طلب نماید.^۱

از خداوند بزرگ می‌خواهیم که ما را از مستظران ظهور آن حضرت صلوات الله علیه قرار دهد و ستایش مخصوص خداوند است که پروردگار جهانیان است.

وما توفيقی إلا بالله

مرتضی مجتهدی سیستانی

۱. إلام الناصب: ۲۷۱/۱.

مطالعه
صحنه

بخش اول

نماز

در این بخش، بعضی از نمازهایی را که از امام زمان ارواحنا فداه روایت شده، یا برای آن حضرت نقل گردیده، می آوریم:



نماز امام زمان عجل الله فرجه

قطب راوندی رحمته می نویسد: نماز امام زمان ارواحنا فداه دو رکعت است؛ در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» را باید خواند و چون به ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ رسید، آن را صد مرتبه باید گفت، و بعد از نماز صد مرتبه بر محمد و آل محمد عليهم السلام صلوات فرستاده، و از خدا حاجتش را بخواهد.^۱

این نماز به زمان و مکان خاصی اختصاص ندارد و خواندن سوره بعد از «حمد» شرط نشده و خواندن دعای مخصوصی بعد از نماز وارد نشده است.

۱. دعوات راوندی: ۸۹.

نماز دیگر امام زمان عجل الله فرجه

سید بن طاووس رحمه الله می فرماید: نماز حضرت حجّت ارواحنا فداه دو رکعت است که در هر رکعت سوره «حمد» را تا ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ می خوانی، و چون به این آیه رسیدی صد مرتبه آن را تکرار می کنی، و بعد بقیه سوره «حمد» را خوانده و بعد از آن سوره اخلاص را یک مرتبه می خوانی و پس از نماز این دعا را می خوانی:

اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءِ، وَبَرِحَ الْخِفَاءِ، وَانْكَشَفَ الْغِطَاءِ،

خداوندا؛ بلا و مصیبت بزرگ شد، و پنهانی برطرف گشت (آنچه پنهان بود آشکار گشت)، و برده کنار زده شد،

وَضَاقَتِ الْأَرْضُ بِمَا وَسَعَتِ السَّمَاءُ، وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ

و زمین (بر ما) تنگ آمد با وجود وسعت آسمان، و شکایت ما تنها به

الْمُشْتَكِي، وَعَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ.

سوی توست، و اعتماد و تکیه ما در هر سختی و سستی بر توست.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الَّذِينَ أَمَرْتَنَا

خداوندا؛ درود بفرست بر محمد و آل محمد، کسانی که ما را به اطاعتشان

بِطَاعَتِهِمْ. وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ، وَأَظْهِرْ

امر کردی. خداوندا؛ فرج آل محمد را به وسیله قائم ایشان تعجیل فرما، و عزّت و بزرگی او را

إِعْزَازَهُ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ كَفِيَانِي

ظاهر کن؛ ای محمد؛ ای علی؛ ای علی؛ ای محمد؛ مرا کفایت کنید

فَإِنَّكُمَا كَفِيَانِي، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ

که شما کفایت کنندگان من هستید. ای محمد؛ ای علی؛ ای علی؛ ای محمد؛

أَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا

مرا یاری کنید، که شما یاری کنندگان من هستید. ای محمد؛ ای علی؛ ای

عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ إِحْفَظَانِي فَإِنَّكُمَا حَافِظَايَ، يَا

علی؛ ای محمد؛ مرا حفاظت کنید که شما حافظ و نگهدار من هستید. ای

مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ

مولای من ای صاحب الزمان؛ ای مولای من ای صاحب

الزَّمَانِ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْغَوْثَ

الزمان؛ ای مولای من ای صاحب الزمان؛ به فریاد رس

الْغَوْثَ الْغَوْثَ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي، الْأَمَانَ

به فریاد رس به فریاد رس، مرا دریاب مرا دریاب مرا دریاب، امانم ده

الْأَمَانَ الْأَمَانَ ۱.

امانم ده امانم ده.

این نماز نیز به زمان و مکان معینی اختصاص ندارد، امّا

خواندن سوره «اخلاص» بعد از قرائت سوره «حمد» و خواندن دعایی که نقل شد، بعد از نماز شرط شده است.



نماز مسجد مقدّس جمکران

حسن بن مثله رضی الله عنه می گوید: مولای مان امام زمان صلوات الله علیه به من فرمودند:

به مردم بگو: باید به این مکان رغبت کنند (بیایند)، و آن را عزیز و بزرگ دارند و در اینجا چهار رکعت نماز گذارند: دو رکعت برای تحیت و احترام مسجد، که در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و هفت مرتبه سوره اخلاص، و در هر رکوع و سجده، ذکر آن را هفت مرتبه بگویند.

و پس از آن دو رکعت برای امام زمان صلوات الله علیه به گونه ای که ذکر می شود انجام دهد: سوره «حمد» را شروع کند، به آیه ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ که رسید آن را صد مرتبه تکرار کند، سپس سوره «حمد» را تمام کرده، سوره «اخلاص» را بعد از آن بخواند و در هر رکوع و سجده ذکر آن را هفت مرتبه بگوید و رکعت دوم را نیز همین گونه بخواند. و چون نماز را به پایان برد تهلیل^۱ گفته و تسبیح حضرت

۱. «لا إله إلا الله» یا «لا إله إلا الله وحده و خده».

فاطمه زهراء رضی الله عنها بگوید و چون از آن فارغ شد به سجده رفته بر محمد و آل محمد صد مرتبه صلوات فرستد. سپس حضرت این کلمات را فرمودند:

فَمَنْ صَلَّى صَلَاتَهَا فَكَأَنَّمَا صَلَّى فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ.

هر کس این نماز را بخواند گویا در بیت عتیق (کعبه) خوانده است.^۱



نماز امام زمان ارواحنا فداه

در مقام آن حضرت در حله و نعمانیه^۲

محدث نوری رضی الله عنه می گوید: فاضل جلیل القدر میرزا عبدالله اصفهانی (مشهور به افندی) در جلد پنجم کتاب «ریاض العلماء» در شرح حال شیخ ابن ابی جواد نعمانی می گوید:

ایشان از کسانی است که در زمان غیبت کبری، امام زمان صلوات الله علیه را دیده است و از آن حضرت حدیث نقل کرده است. من در جای دیگر نقلی از خط شیخ زین الدین علمی بن حسن بن محمد خازن حایری (شاگرد شهید) نیز دیده ام که ابن ابی جواد نعمانی مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداه را دیده و از آن حضرت سؤال

۱. جنة المأوی: ۲۳۱.

۲. نعمانیه؛ شهری بین واسط و بغداد در کشور عراق است.

کرده است: مولای من؛ آیا شما مقامی در نعمانیّه و مقامی در حلّه دارید؛ چه وقت در آن دو مکان حضور دارید؟
حضرت فرمودند:

شب و روز سه شنبه در نعمانیّه هستم، و شب و روز جمعه در حلّه؛ اما اهل حلّه، ادب را در مقام من بجای نمی‌آورند؛ و کسی نیست که با ادب داخل مقام من شود و بارعایت ادب بر من و ائمه سلام کند، و بر من و ایشان، دوازده مرتبه صلوات بفرستد؛ سپس دو رکعت نماز با دو سوره بخواند و با خداوند مناجات کند؛ مگر این که خدا آنچه می‌خواهد به او عنایت کند که یکی از آنها مغفرت و بخشش پروردگار برای اوست.

گفتم: مولای من؛ آن مناجات را به من بیاموز.
حضرت فرمودند: بگو:

اللَّهُمَّ قَدْ أَخَذَ التَّأْدِيبُ مِنِّي، حَتَّى مَسَّنِيَ الضُّرُّ

بارالها؛ مجازات و مکافات اعمالم به سراغم آمد، تا این که به سختی و بدحالی گرفتار آمدم

وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَإِنْ كَانَ مَا اقْتَرَفْتُهُ مِنْ

و تو مهربان‌ترین مهربانانی. و هر چند گناہانی که مرتکب شدم مرا

الذُّنُوبِ اسْتَحِقُّ بِهِ أَضْعَافَ أَضْعَافَ مَا أَدْبَتْنِي بِهِ

سزاوار چندین و چندین برابر این مجازات‌هایی که با آنها مرا ادب فرمودی کرده است،

وَأَنْتَ حَلِيمٌ ذُو أَنْأَةٍ، تَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ حَتَّى يَسْبِقَ

ولی تو بردبار و مدارا کننده‌ای، از گناہان زیاد چشم‌پوشی می‌کنی تا

عَفْوُكَ وَرَحْمَتُكَ عَذَابَكَ.

بخشش و رحمت تو بر عذابت پیشی گرفته باشد.

حضرت این دعا را سه مرتبه برایم تکرار فرمود تا یاد گرفتم.^۱



نماز منسوب به امام زمان ارواحنا فداء

برای برآورده شدن حاجت‌ها

خاتون آبادی رحمتهما این نماز را در «جنات الخلود» به امام زمان

ارواحنا فداء نسبت داده است:

شب قبل از خواب، ظرف تمیزی را که پر از آب پاکیزه است در کنار سر خود بگذارید و با پارچه تمیزی آن را بپوشانید و چون برای نماز شب برخاستید سه جرعه از آن آب بنوشید و با باقی‌مانده آن وضو بسازید. رو به قبله بایستید اذان و اقامه بگویید و دو رکعت نماز با هر سوره‌ای که خواستید بخوانید.

بعد از خواندن سوره به رکوع رفته و بیست و پنج مرتبه بگویید: «يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ» (ای فریاد رس داد خواهان). سپس سر از رکوع برداشته همین ذکر را بیست و پنج مرتبه بگویید و همین

۱. جنة المأوى: ۲۷۰.

کار را در سجده اول و بعد از سجده اول، و در سجده دوم و بعد از سجده دوم تکرار کنید.

سپس برای رکعت دوم برخاسته و همین کار را در رکعت دوم نیز انجام دهید، که در این هنگام سیصد مرتبه این ذکر را گفته‌اید. سپس تشهد خوانده و سلام نماز را می‌گویید، بعد سر را به سوی آسمان بلند کنید و سی مرتبه بگویید: «مِنَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ إِلَى الْمَوْلَى الْجَلِيلِ»؛ (از سوی بنده‌ای خوار به سوی مولایی بزرگوار)، و حاجت خود را بگویید که به اذن خدای متعال زود اجابت می‌شود.^۱ نگارنده گوید: محدث قمی رحمته الله این نماز را تحت عنوان «نماز استغاثه» در کتاب «الباقیات الصالحات» نقل کرده، ولی آن را به امام زمان ارواحفاده نسبت نداده است.



نماز توجّه

به حضرت صاحب الزمان عليه السلام

احمد بن ابراهیم گوید: به ابی جعفر محمد بن عثمان علاقه‌ام را برای دیدن مولای مان صاحب الزمان ارواحفاده عرض کردم. به من گفت: آیا با اشتیاق فراوان دوست داری امام را ببینی؟ گفتم: آری.

۱. جنّات الخلود: ۴۱.

به من گفت: خدا به این اشتیاق پاداش دهد و جمال حضرت را به آسانی و عافیت به تو نشان دهد. اما ای ابا عبدالله؛ التماس نکن که او را ببینی؛ زیرا در ایام غیبت شوق دیدار آن حضرت وجود دارد ولی دیدار او درخواست نمی‌شود^۱، چراکه این اراده خداست و تسلیم در برابر اراده او بهتر است اما با خواندن زیارت به آن حضرت توجّه کن.

اما کیفیت عمل: آنچه به محمد بن علی املا کرده و دیگران از او نسخه برداری کرده‌اند آن توجّه به صاحب الزمان ارواحفاده است با خواندن زیارت بعد از دوازده رکعت نماز که به صورت دو

۱. گفتنی است که برای احمد بن ابراهیم این گونه تقدیر شده است نه برای تمام شیعه؛ چون برخی دیگر از شیعیان چنین حاجتی از شیخ عمری رحمته الله داشته‌اند و اجابت شده است. زهری می‌گوید: خیلی می‌خواستم امام زمان ارواحفاده را ببینم، حتی در این راه مسال زیادی هم خرج کردم تا به شیخ عمری رسیدم و او را خدمت کردم و با اصرار از او خواستم امام زمان ارواحفاده را به من نشان بدهد.

گفت: این کار ممکن نیست؛ به او اصرار کردم تا آن که گفت: فردا صبح بیا. صبح فردا که رفتم شیخ به استقبال آمد در حالی که جوانی در نهایت زیبایی و خوشبویی همراه او بود و در آستینش چیزی داشت که او را به شکل تجّار نشان می‌داد.

چون آن جوان را دیدم به سوی شیخ عمری رفتم، شیخ اشاره کرد که به سوی آن جوان بروم، و من هم به سوی جوان رفتم و از او سئوالاتی پرسیدم که هر چه پرسیدم جواب داد، سپس خواست داخل خانه‌ای شود که به آن اعتنایی نمی‌شد.

شیخ عمری گفت: اگر می‌خواهی از او سئوال کنی پیرس که بعد از این او را نخواهی دید. (الإحتجاج: ۲/۲۹۷).

رکعتی انجام می‌دهی و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را در تمام این رکعت‌ها می‌خوانی، بر محمد و آل محمد صلوات فرستاده و می‌گویی سخن خداوند عزوجل را:

﴿سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ﴾، ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ مِنْ

سلام بر آل یاسین، این همان فضل آشکار است از

عِنْدِ اللَّهِ، وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، إِمَامُهُ مَنْ يَهْدِيهِ

جانب خداوند، و خدا صاحب فضل بزرگ است، پیشوای او کسی است که او را به راه

صِرَاطِهُ الْمُسْتَقِيمِ، قَدْ آتَاكُمْ اللَّهُ خِلَافَتَهُ يَا آلَ يَاسِينَ...^۱

مستقیم خداوند هدایت کند؛ به تحقیق خداوند به شما جانشینی‌اش را داده است ای آل یاسین.



نماز و دعای فَرَج

برای رفع مشکلات مهم

ابو جعفر محمد بن جریر طبری در کتاب «مسند فاطمه (ع)» می‌گوید: ابو حسین کاتب گفت: کاری را از ابی منصور صالحان به عهده گرفتم و چیزی میان من و او پیش آمد که لازم شد مخفی شوم و او در جستجوی من بود و تهدیدم می‌کرد.

۱. بحارالأنوار: ۱۷۴/۵۳. و زیارت را به طور کامل - این شاء الله - در بخش زیارت‌ها ذکر خواهیم کرد.

مدتی از ترس او مخفی شدم و در شب جمعه‌ای که باد و باران می‌وزید به قبرستان قریش رفتم. آنجا برای دعا در حجره‌ای نشستم و از ابن جعفر قیم خواستم که درها را ببندد و کوشش کند تا آن محل خلوت باشد و من برای دعا و نیایش با خدا خلوت کنم، و ایمن باشم از وارد شدن شخصی که نسبت به او ایمن نیستم و از دیدارش بیمناکم. ابن جعفر درها را قفل کرد و شب به نیمه رسید و آن قدر باد و زید و باران بارید که دیگر کسی به آنجا نمی‌توانست بیاید.

من دعا و زیارت و نماز می‌خواندم تا این که در این بین صدای پایی از کنار قبر مولایمان حضرت موسی بن جعفر (ع) به گوشم رسید، در این هنگام مردی را دیدم که زیارت می‌خواند. در زیارتش به حضرت آدم و پیامبران اولوالعزم (ع) و هر یک از ائمه (ع) درود فرستاد تا به امام زمان صلوات الله علیه رسید ولی آن حضرت را یاد نکرد. از این کار او تعجب کردم و با خود گفتم: شاید فراموش کرد یا نمی‌داند یا مذهب این مرد این گونه است.

وقتی زیارتش به پایان رسید دو رکعت نماز خواند و رو کرد به طرف قبر مولایمان ابی جعفر امام جواد (ع) و مثل همان زیارت و سلام را خواند و دو رکعت نماز گزارد. در حالی که من از او بیمناک بودم چون او را نمی‌شناختم. و او را جوانی از بزرگان دیدم که لباس‌های سفیدی بر تن داشت و عمامه‌ای که دارای

تحت الحنك بود و ردایی که بر دوش داشت .

به من گفت: ای اباالحسین پسر ابی العلاء؛ چرا دعای فرج نمی خوانی ؟ گفتم: چگونه است ای سرور من ؟ فرمود:
دو رکعت نماز می خوانی و می گویی :

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ
ای کسی که زیبایی را آشکار کرد و زشتی را بپوشاند، ای آن که به گناه مؤاخذه نکرده

بِالْجَرِيرَةِ وَلَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ، يَا عَظِيمَ الْمَنِّ، يَا كَرِيمَ
و پرده را ندرد، ای آن که احسانش بر بندگان بزرگ و عفو و گذشت او
الصَّفْحِ، يَا مُبْتَدِيَّ النُّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، يَا حَسَنَ
بزرگوارانه است، ای آغازگر نعمتها قبل از استحقاق آن، ای صاحب گذشت نیکو

التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ
و آمرزش فراگیر، ای آن که دستان رحمتش باز است،

بِالرَّحْمَةِ، يَا مُنْتَهَى كُلِّ نَجْوَى، وَيَا غَايَةَ كُلِّ
ای نهایت هر نجوا و رازگوئی، و ای پایان هر شکوه

شَكْوَى، وَيَا عَوْنَ كُلِّ مُسْتَعِينٍ، يَا مُبْتَدِيَّ النُّعْمِ
و شکایت، ای یار هر یاری طلب، ای آغازگر نعمتها

قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، «يَا رَبُّاهُ» ده مرتبه، «يَا سَيِّدَاهُ» ده
قبل از استحقاق آن، ای پروردگارم؛ ای آقا و سرورم؛

مرتبه، «يَا مَوْلَاهُ» ده مرتبه، «يَا غَايَتَاهُ» ده مرتبه، «يَا

ای مولایم، ای نهایت مقصودم؛ ای

مُنْتَهَى رَغْبَتَاهُ» ده مرتبه. أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ،

نهایت اشتیاقم؛ از تو می خواهم به حق این نامها

وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَّا مَا
و به حق محمد و آل پاکش - که بر آنان درود باد - که

كَشَفْتَ كَرْبِي، وَنَفَسْتَ هَمِّي، وَفَرَجْتَ عَنِّي،
بلا و سختی را از من برطرف کنی، و اندوهم را بزدایی، و گشایش در کارم دهی،

وَأَصْلَحْتَ حَالِي .

و حالم را اصلاح نمایی.

بعد از آن هر چه می خواهی دعا کن، و حاجتت را بطلب؛
سپس گونه راست صورت را بر زمین گذاشته و صد مرتبه در
آن حال می گویی:

يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اِكْفِيَانِي فَانْكُمَا

ای محمد ای علی؛ ای علی ای محمد؛ مرا کفایت کنید که همانا شما

كافِيَانِي، وَاَنْصُرَانِي فَانْكُمَا نَاَصِرَانِي .

مرا کفایت کننده اید و یاریم کنید که شما مرا یاری کننده اید.

سپس گونه چپ صورت را بر زمین گذاشته و صد مرتبه
می گویی: «أَدْرِكُنِي» «مرا دریاب» و آن را بسیار تکرار کن . و

سپس به اندازه یک نفس می‌گویی: «الْعَوْتُ [الْعَوْتُ]»
 «به فریادم برس، به فریادم برس، به فریادم برس»؛ بعد سر از
 زمین بردار که خداوند با بزرگواریش حاجتت را برآورده
 می‌کند ان شاء الله.

وقتی به نماز و دعا مشغول شدم او خارج شد. بعد از نماز به
 سراغ ابن جعفر رفتم تا از او درباره آن مرد و چگونگی ورودش
 بپرسم. دیدم درها بسته و قفل هستند.

تعجب کردم و با خود گفتم: شاید او از ابتدای شب این جا
 بوده و من نمی‌دانستم. ابن جعفر قیّم را صدا زدم. ابن جعفر از
 اطاقی که روغن چراغ‌های حرم در آنجا بود آمد.

از او درباره این مرد و چگونگی ورودش سؤال کردم. گفت:
 همان طور که می‌بینی درها بسته است و من آن را باز نکرده‌ام.
 دوباره جریان را از او جويا شدم، گفت:

آن مرد مولای مان امام زمان صلوات‌الله‌علیه بود و من بارها ایشان را
 در مثل امشب و هنگامی که این جا خالی از مردم است دیده‌ام.

با شنیدن این حرف، تأسّف و حسرت فراوان خوردم که چرا
 ندانستم. نزدیک طلوع فجر از آنجا خارج شدم تا به محلی که در
 آن مخفی شده بودم روانه شوم. آفتاب هنوز بالا نیامده بود که
 کسانی از سوی ابن صالحان با امان‌نامه‌ای از وزیر و نامه‌ای به خطّ
 خودش سراغ مرا از دوستانم می‌گرفتند و به دنبال من می‌گشتند.

با یکی از دوستان مطمئن خود نزد او رفتم، برایم برخاست و
 مرا چنان احترام کرد که هرگز مانند آن را به یاد نداشتم.
 رو کرد به من و گفت: حالت آن گونه شد که به امام زمان ارواحنا
 فداء شکایت مرا نمودی؟

گفتم: من تنها دعا و درخواست کردم. گفت: وای بر تو،
 دیشب (شب جمعه) مولایم امام زمان صلوات‌الله‌علیه را در خواب
 دیدم که مرا به نیکی کردن درباره تو امر فرمود و در این مورد چنان
 به من تندی نمود که ترسیدم.

پس گفتم: لا إله إلا الله؛ شهادت می‌دهم که ائمه علیهم‌السلام بر حقّ‌اند
 و حقّ به آنان ختم می‌شود؛ من دیشب آقایم را در بیداری دیدم و
 به من چنین و چنان فرمودند. و آنچه با چشم خود دیده بودم شرح
 دادم.

ابی منصور از آن تعجب کرد و کارهای بزرگ نیکی انجام داد.
 و به برکت مولایمان صاحب الزمان ارواحنا فداء آنچه فکر آن را هم
 نمی‌کردم، از سوی امیر درباره من انجام شد.^۱

علامه شیخ علی اکبر نهاوندی رحمته‌الله‌علیه در «العبقری الحسان»
 می‌گوید: من این دعا را چندین بار تجربه کرده‌ام و در استجابت و
 رسیدن به مقصود مؤثر دیدم. سپس سخن آیه الله عراقی در

۱. تبصرة الولی: ۱۹۲، بحار الأنوار: ۳۴۹/۹۱، دلائل الإمامة: ۵۵۱.

«دارالسلام» را نقل کرده است که آن به این شرح است:

آثار عجیبی از این دعا دیده‌ام و اولین اثر آن را در شهر تهران در سال ۱۲۶۶ مشاهده کردم. من در منزل ملک التجار، مهمان حاج میرزا باقر امام جمعه بودم. ایشان از وطنش تبعید شده بود و از طرف حاکم اجازه نداشت به تبریز برگردد. من هر چند مهمان او بودم و تهیّه خوردنی و آشامیدنی بر من لازم نبود اما به خاطر مخارج دیگر، چون غریب بودم و با اهل آنجا مانوس نبودم قرض برایم امکان نداشت، و لذا به شدت در تنگدستی بودم.

یک روز با امام جمعه در صحن خانه نشسته بودیم. من بلند شدم و به اتاق بالا برای استراحت و نماز رفتم. بعد از خواندن نماز ظهر و عصر کتابی را در اتاق دیدم. آن را برداشتم و دیدم ترجمه جلد سیزدهم «بحار الأنوار» است که در احوالات امام زمان علیه السلام نوشته شده است.

چون کتاب را باز کردم این دعا را در باب معجزات حضرت دیدم. با خود گفتم: آن را امتحان می‌کنم. پس بلند شدم، نماز خواندم و دعا کردم و سجده انجام دادم. سپس پیش شیخ رفتم و در کنارش نشستم که در این هنگام مردی با کاغذی در دست وارد شد و آن را به امام جمعه داد و پارچه سفیدی را در پیش او گذاشت.

امام جمعه بعد از خواندن نامه، آن را به همراه پارچه به من داد و گفت: این مال توست.

وقتی پارچه را باز کردم دیدم تاجر علی اصغر تبریزی بیست تومان در پارچه گذاشته و در نامه نوشته که به من برسانند. به زمان نوشتن نامه که نگاه کردم دیدم درست همان زمانی است که از دعا فارغ شدم. تعجب کردم و در حالی که خدا را تسبیح می‌گفتم تبسمی کردم، امام جمعه علت را از من پرسید و من داستان را برایش گفتم.

امام جمعه گفت: سبحان الله؛ من هم این کار را به خاطر برطرف شدن مشکلم انجام می‌دهم.
به او گفتم: بلند شو و شتاب کن.

به اتاق رفت و پس از خواندن نماز ظهر و عصرش همان کارهایی را که من انجام داده بودم بجا آورد و زمانی نگذشت که حاکمی که او را به تهران احضار کرده بود برکنار شد و شاه از او معذرت‌خواهی کرد و او را با احترام به تبریز برگردانید و از آن پس، این کار ذخیره‌ای برایم در گرفتاری‌ها بود و آثار عجیبی از آن مشاهده کردم.

سالی نیز در نجف، بیماری وبا زیاد شده بود و بسیاری بر اثر آن جان خود را از دست دادند و مردم مضطرب و پریشان‌خاطر گشته بودند. چون این گونه دیدم از شهر بیرون رفته و این کار را انجام دادم و از خدا خواستم وبا را برطرف کند. سپس وارد شهر شدم و به کسی نگفتم چه کاری انجام داده‌ام. ولی به نزدیکانم خبر

برطرف شدن وبا را دادم.

به من گفتند: از کجا می‌گویی؟ گفتم: مستند خود را در این گفتار به شما نمی‌گویم.

گفتند: فلانی و فلانی دیشب به وبا مبتلا شدند. گفتم: این طور نیست به طور حتم، قبل از دیشب مبتلا شده بودند. و بعد از تحقیق درستی گفتارم ثابت شد.

چندین بار دوستانم گرفتار سختی‌ها شدند و من این کار را به آنان یاد دادم و به سرعت مشکلاتشان رفع شد.

روزی در خانه یکی از دوستان بودم، از گرفتاری و سختی حال او اطلاع پیدا کردم و این کار را به او یاد دادم و به خانه‌ام بازگشتم. بعد از زمان کوتاهی صدای کوبیدن درب را شنیدم و همان مرد به خانه من آمد و گفت: از برکت دعای فرج، مشکلم رفع شد و مالی بدست آوردم؛ چه مقدار نیاز داری تا به تو بدهم؟ گفتم: من به برکت این دعا هیچ‌گونه احتیاجی ندارم ولی برایم ماجرایت را بگو.

گفت: جریان این بود که بعد از رفتن تو از خانه‌ام به حرم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مشرف شده و این کار را انجام دادم وقتی از حرم شریف بیرون آمدم مردی را ملاقات کردم و او به اندازه نیازم به من بخشید.

خلاصه این که من اثر این کار را خیلی زود دیدم. اما فقط به کسی که در تنگنا و نیاز شدید باشد این دعا را یاد می‌دهم و خودم انجام نمی‌دهم مگر این که در چنین حالی باشم؛ چون نامگذاری این دعا به دعای فرج توسط امام زمان صلوات الله علیه این مطلب را می‌رساند که در زمان شدت گرفتاری و در تنگنا اثر می‌کند.^۱



نماز استغاثه به امام زمان عجل الله فرجه

سید علیخان رحمته الله در «الکلم الطیب» می‌گوید: این استغاثه به امام زمان ارواحنا فداه است، هر جا باشی دو رکعت نماز با حمد و سوره بجای آور، آن گاه رو به قبله زیر آسمان بایست و بگو:

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلِ التَّامِّ الشَّامِلِ الْعَامِّ، وَصَلَوَاتُهُ

سلام کامل و تمام و شامل و عام خداوند، و درودهای

الدَّائِمَةُ وَبَرَكَاتِهِ الْقَائِمَةُ التَّامَّةُ، عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ

همیشگی و برکات پاینده و کامل خدا، بر حجت خدا

وَوَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ، وَخَلْقَتِهِ عَلَى خَلْقِهِ

و ولی او بر روی زمین و شهرهای او، و جانشین او بر آفریدگان او

۱. العبقريّ الحسان: ۱/۱۲۹ المسك الأذفر و دار السلام عراقی: ۱۹۲ با اندکی تصرف در عبارات.

وَعِبَادِهِ، وَسُلَالَةِ النَّبُوَّةِ، وَبَقِيَّةِ الْعِتْرَةِ وَالصَّفْوَةِ،

و بندگانش و بر نسل پاک نبوت، و باقی مانده عترت و برگزیدگان، حضرت

صاحب الزَّمانِ، وَمُظْهِرِ الْإِيمَانِ، وَمُلْتَمَسِ أَحْكَامِ

صاحب الزمان، و آشکار کننده ایمان، و آموزنده و تعلیم‌گر احکام

الْقُرْآنِ، وَمُطَهِّرِ الْأَرْضِ، وَنَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ

قرآن، و پاک کننده زمین، و نشر دهنده عدل در طول

وَالْعَرْضِ، وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ، الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ

و عرض (جهان)، و حجت قائم مهدی، امام منتظر

الْمَرْضِيِّ، وَابْنِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، الْوَصِيِّ بْنِ

پسندیده، و فرزند پیشوایان پاک، وصی که فرزند

الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ، الْهَادِي الْمَعْصُومِ بْنِ الْأَيْمَةِ

اوصیاء پسندیده است، راهنمای معصومی که فرزند امامان

الْهُدَاةِ الْمَعْصُومِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ

هدایت‌گر معصوم است. سلام بر تو ای عزت‌بخش مؤمنانی که آن‌ها را ضعیف شمرده

الْمُسْتَضْعَفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُدِلَّ الْكَافِرِينَ

و به ناتوانی واداشته‌اند؛ سلام بر تو ای خوارکننده کافران

الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا

متکبر استمگر؛ سلام بر تو ای مولای من ای

صاحبِ الزَّمانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ،

صاحب الزمان؛ سلام بر تو ای فرزند رسول خدا؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان؛ سلام بر تو

يَا بِنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ

ای فرزند فاطمه زهرا سرور زنان جهانیان؛ سلام بر

عَلَيْكَ يَا بِنَ الْأَيْمَةِ الْحُجَجِ الْمَعْصُومِينَ وَالْإِمَامِ

تو ای فرزند امامان که حجت‌های معصوم بودند و ای رهبر و پیشوای

عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامَ

تمام خلایق؛ سلام بر تو ای مولای من؛ سلام کسی که در ولایت برای تو اخلاص دارد

مُخْلِصٍ لَكَ فِي الْوِلَايَةِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ

(تنها ولایت و محبت تو را دارد). شهادت می‌دهم که همانا تو پیشوای هدایت‌شده و هدایت‌گری

قَوْلًا وَفِعْلًا، وَأَنْتَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا،

از جهت گفتار و کردار؛ و تو همان کسی هستی که زمین را از عدل و داد پر خواهی کرد

بَعْدَ مَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا، فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَاجَكَ،

بعد از آن که از جور و ستم پر شده باشد؛ پس خدا در ظهورت تعجیل کند،

وَسَهَّلَ مَخْرَجَكَ، وَقَرَّبَ زَمَانَكَ، وَكَثَّرَ أَنْصَارَكَ

و خروجت را آسان و زمان ظهورت را نزدیک نماید، و یاران و یاوران تو را زیاد گرداند،

وَأَعْوَانِكَ، وَأَنْجَزَ لَكَ مَا وَعَدَكَ، فَهُوَ أَصْدَقُ

و به آنچه به تو وعده داده است وفا کند، که او راستگوترین سخنگویان است

الْقَائِلِينَ «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي

(انجا که می فرماید): «می خواهیم بر اهل ایمانی که در زمین ضعیف شمرده شده اند ممت گذاشته

الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱. يَا

و ایشان را پیشوایان خلق و وارثان زمین قرار دهیم»^۱. ای

مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ، حَاجَتِي

مولای من ای صاحب الزمان، ای فرزند رسول خدا؛ حاجتم

كَذَا وَكَذَا، و به جای «کذا و کذا» حاجت خود را ذکر نمایید،

چنین و چنان است؛

فَأَشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي،

تو در مورد برآورده شدن آن برای من (در پیشگاه خدا) شفاعت کن، که من به شما برای رفع حاجتم

لِعِلْمِي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً، وَمَقَاماً

روی آورده ام؛ چون می دانم که شفاعت تو در پیشگاه خدا پذیرفته شده و برای شما مقام

مَحْمُوداً، فَبِحَقِّ مَنْ اخْتَصَّكُمْ بِأَمْرِهِ، وَارْتِضَاكُمْ

ستوده است؛ پس به حق آن کسی که شما را به امر خودش اختصاص داد و برای

لِسِرِّهِ، وَبِالشَّأْنِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ،

استرار خود برگزید، و به آن شأن و مقامی که نزد خدا برای شما است و ارتباطی که میان شما و

۱. سوره قصص، آیه ۵.

سَلِ اللَّهَ تَعَالَى فِي نُجْحِ طَلِبَتِي، وَإِجَابَةِ دَعْوَتِي،

اوست از خدا بخواهید که خواسته هایم را برآورده ساخته و دعایم را مستجاب گرداند،

وَكَشْفِ كُرْبَتِي. و هر چه دوست داری دعا کن و بخواه که این

و اندوهم را برطرف سازد.

شاء الله برآورده می شود.^۱

عَلَمَهُ شَيْخُ مُحَمَّدٍ عِرَاقِي فِي كِتَابِ «دَارِ السَّلَامِ» - که در آن

جریان کسانی ذکر شده است که به ملاقات و عرض سلام خدمت

امام زمان ارواحنا فداء شرفیاب شده اند - می فرماید: این عمل را

خودم تجربه کرده و آثار عجیبی از آن مشاهده کرده ام، بعضی از

علما از یاد دادن آن به نااهلان خودداری می کردند و از کارهایی

بود که در گرفتاری های بزرگ آن را تجربه کرده بودند.^۲

ایشان در «دار السلام» می فرماید: به نظر می رسد سوره «فتح»

و «نصر» برای بعد از سوره «حمد» تعیین شده و فاضل معاصر آن

را معین فرموده است؛ و بعید نیست که انجام این عمل در نیمه

شب معین شده باشد؛ چون راوی در آن وقت مأمور به انجام شده

بود و اطلاقی در کلام نیست تا غیر آن وقت را هم شامل شود، لذا

قدر متیقن و آن وقت حتمی و یقینی همان نیمه شب است.

۱. مفاتیح الجنان: ۲۴۳، به نقل از الکلم الطیب: ۸۳.

۲. التحفة الرضویة: ۱۳۴.

فاضل معاصر از قول کفعمی رضی الله عنه قبل از نماز و زیارت علاوه بر تعیین این دو سوره، غسل را نیز افزوده است، هر چند در کتاب «مصباح الزائر» سوره معین نشده است.

بنابراین، آنچه از فرمایشات این بزرگواران ظاهر می شود این است که تعیین سوره ها و تعیین وقت گرچه اقوی نیست ولی به احتیاط نزدیک تر می باشد و انجام دادن غسل شرط نشده گرچه آن هم مطابق با احتیاط است.^۱



نماز هدیه خدمت امام زمان عجل الله فرجه

سید جلیل القدر علی بن طاووس رضی الله عنه می فرماید: ابو محمد صیمری گفته است: ابو عبدالله احمد بن عبدالله بجلی با سندی که آن را به ائمه علیهم السلام رسانده، گفته است:

... اگر کسی بتواند علاوه بر نمازهای پنجگانه و نوافل، نماز دیگری بخواند (هر چند هر روز دو رکعت باشد) و آن را به یکی از ائمه علیهم السلام هدیه کند. شروع این نماز در رکعت اول مانند شروع نماز واجب با هفت، یا سه و یا یک تکبیر است و بعد از ذکر رکوع و سجده در هر رکعت سه بار بگوید: «صَلَّى اللهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

۱. دار السلام عراقی: ۱۹۷.

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ»؛ (درود خداوند بر محمد و آل پاک و پاکیزه او باد)، و چون تشهد خواند و سلام داد (بعد از نمازی که به امام زمان ارواحنا فداه هدیه می کند) بگوید:

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، يَا ذَا الْجَلَالِ

بارخداوندا؛ تو سلامی (مایه سلامت و آرامش و ایمنی هستی) و سلام از جانب توست؛ ای صاحب

وَالْأَكْرَامِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ

بزرگی و احترام؛ درود فرست بر محمد و آل محمد که پاکان

الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، وَأَبْلِغْهُمْ مِنِّي أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ

و پاکیزگان و نیکوکارانند، و بهترین سلام و تحیت از طرف من به ایشان

وَالسَّلَامِ. اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَيْكَ

برسان. خدایا؛ همانا این دو رکعت هدیه ای است از من برای

عَبْدِكَ وَابْنِ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ سَبْطِ نَبِيِّكَ

بندهات و فرزند بندهات و ولی تو و فرزند ولی تو، نوه پیامبر و فرستاده ات

فِي أَرْضِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ،

در روی زمین تو و حجتت بر مخلوقات تو؛ ای سرپرست مؤمنان،

يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ.^۱

ای سرپرست مؤمنان، ای سرپرست مؤمنان.

۱. جمال الأسبوع: ۲۹.

اهداء نماز به امام زمان عجل الله فرجه

در روز پنجشنبه

شیخ طوسی رحمته الله در کتاب «مصباح کبیر» خود می‌گوید: روایت شده که برای هدیه کردن نماز به معصومین علیهم السلام به این طریق باید عمل کرد:

روز جمعه هشت رکعت نماز بخواند؛ چهار رکعت هدیه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و چهار رکعت هدیه به فاطمه زهرا علیها السلام.

روز شنبه چهار رکعت هدیه به امیرالمؤمنین علیه السلام و هر روز چهار رکعت هدیه برای یکی از ائمه علیهم السلام تا روز پنج شنبه که چهار رکعت به امام جعفر صادق علیه السلام هدیه می‌کند.

سپس دوباره روز جمعه هشت رکعت نماز بخواند؛ چهار رکعت هدیه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و چهار رکعت هدیه به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام. سپس روز شنبه، چهار رکعت هدیه به امام کاظم علیه السلام و همین کار را ادامه دهد تا روز پنجشنبه، چهار رکعت به امام زمان ارواحنا فدا هدیه کرده و بین دو رکعت نماز این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، وَإِلَيْكَ يَعُودُ

بار خداوندا؛ تو سلامی و سلام از جانب توست، و به سوی تو بازمی‌گردد.

السَّلَامُ، حَيَّنَا رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ . اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ

پروردگارا؛ سلامی از سوی خودت بر ما هدیه کن. خداوندا؛ این

الرَّكَعَاتِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ ۱، فَصَلِّ

چند رکعت نماز هدیه‌ای است از من به حجت بن الحسن، پس بر

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْهُ إِثَابَهَا، وَأَعْطِنِي

محمد و آل محمد درود بفرست و این هدیه را به او برسان و

أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ، وَفِي رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ

به من فزون‌تر از آرزو و آمیدی که در مورد تو و رسولت - که رحمت و درود تو

عَلَيْهِ وَآلِهِ [وَفِيهِ] . و هر چه دوست داری طلب کن و دعا کن. ۲

بر او و آل او باد - [و در مورد حجت] دارم عطا فرما.

نماز استغاثه به امام زمان ارواحنا فدا

در شب‌های پنج شنبه و جمعه

در کتاب «التحفة الرضویة» آمده است: عالم جلیل القدر سید

حسین همدانی نجفی رحمته الله به من فرمود:

۱. نام امامی را که نماز را به او هدیه می‌کنی بگو.

۲. جمال الأسبوع: ۳۴، دعوات راوندی: ۱۰۸، مصباح المتهجد: ۳۲۲.

نماز استغاثه به نحو دیگر

همین نماز را صدر الإسلام همدانی رحمته در کتاب ارزشمندش «تکالیف الأنام في غيبة الإمام» با کیفیت دیگری آورده است: ایشان از سید مورد اعتماد، استاد و عالم ربّانی، حکیم صمدانی، فقیه و مجتهد کامل سید محمد هندی نجفی رحمته و او از عالم بزرگوار سید حسن قزوینی، و او از سید حسین شوشتری - امام جماعت - با سند خود از سید علیخان - شارح صحیفه سجّادیه - نقل کرده‌اند:

در شب پنجشنبه یا شب جمعه دو رکعت نماز در زیر آسمان و بر بالای بام با سر برهنه می‌خوانی و بعد از نماز با سر برهنه «یا حُجَّةُ الْقَائِمِ» به تعداد عدد اَبجدش یعنی ۵۹۵ مرتبه می‌گویی که تجربه شده است.

و بدان که عددش «۱۰ (ی) + ۱ (ا) + ۸ (ح) + ۳ (ج) + ۴۰۰ (ة) + ۱ (ا) + ۳۰ (ل) + ۱۰۰ (ق) + ۱ (ا) + ۱ (ا) + ۱ (ث) + ۴۰ (م)» است که مجموع آن ۵۹۵ می‌شود. ایشان فرموده‌اند: این عمل را (از غیر اهلش) مخفی بدار، چون از اسرار است و من آن را چند بار تجربه کرده‌ام.^۱

۱. تکالیف الأنام في غيبة الإمام: ۲۵۱.

هر کس حاجتی دارد، شب پنجشنبه و جمعه در زیر آسمان با سر و پای برهنه دو رکعت نماز بخواند و بعد از نماز دست‌ها را به سوی آسمان بلند کرده و ۵۹۵ مرتبه بگوید: «یا حُجَّةُ الْقَائِمِ».

سپس به سجده رفته و در سجده هفتاد مرتبه بگوید: «یا ضَاحِبِ الزَّمَانِ اَعْثِنِي»؛ (یا صاحب الزمان به فریادم برس)، و آن‌گاه حاجتش را بخواهد.

این نماز در مورد حاجت‌های مهمّ تجربه شده و اگر در هفته اول حاجتش برآورده نشد هفته بعد آن را بخواند و اگر باز هم برآورده نشد در هفته سوم نماز را بخواند که به طور حتم حاجتش برآورده خواهد شد.

سید محمد علی جواهری حایری به من فرمودند:

برای حاجتی این نماز را خواندم و در همان شب در عالم خواب حضرت مهدی ارواحنا فداه را دیده و حاجت خود را به ایشان عرضه کردم و خداوند به برکت آن حضرت، حاجتم را برآورده ساخت.

و نیز فرموده‌اند که: من خود این نماز را تجربه کرده‌ام.^۱

۱. التحفة الرضویة: ۱۳۵.

سید بن طاووس رحمه الله می فرماید: در کتاب «کنوز النجاح» نوشته ابو علی فضل بن حسن طبرسی رحمه الله آمده است: احمد بن دربی از خزامه و او از ابی عبدالله حسین بن محمد بزوفری روایت کرده است که از ناحیه مقدسه وارد شده است:

هر کس از درگاه ربوبی حاجتی دارد شب جمعه بعد از نصف شب غسل کرده و به جایگاه نماز خود رفته و دو رکعت نماز بخواند. در رکعت اول سوره حمد را بخواند تا برسد به آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» و آن را صد مرتبه تکرار کند و سپس سوره حمد را تا آخر و سوره توحید را یک مرتبه بخواند. سپس به رکوع و سجده رفته و در هر کدام، ذکر آن را هفت مرتبه بگوید.

رکعت دوم را نیز به همین صورت بجا آورد سپس دعایی را که ذکر می شود بخواند، که خدای تعالی به طور قطع حاجتش را هر چه باشد برآورده می کند؛ مگر آن که قطع صلۀ رحم را خواسته باشد.

و دعا (چنین است):

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فَالْمَحْمَدَةَ لَكَ، وَإِنِّي عَصَيْتُكَ

خداوندا؛ اگر تو را اطاعت کردم حمد و سپاس شایسته توست، و اگر تو را نافرمانی کردم حجت

فَالْحُجَّةَ لَكَ، مِنْكَ الرَّوْحُ وَمِنْكَ الْفَرْجُ، سُبْحَانَ مَنْ

و دلیل تو بر من تمام است، آسایش و راحتی و حل مشکلات از ناحیه توست، پاک و منزّه است

أَنْعَمَ وَشَكَرَكَ، سُبْحَانَ مَنْ قَدَرَ وَغَفَرَ. اللَّهُمَّ إِنِّي كُنْتُ

کسی که نعمت داد و شکر گزارم، پاک و منزّه است کسی که قدرت داشت و بخشید. خداوندا؛

قَدْ عَصَيْتُكَ، فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ

اگر معصیت و نافرمانی تو را کردم؛ به راستی که در محبوب ترین چیزها

إِيَّاكَ وَهُوَ الْإِيمَانُ بِكَ، لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَكْدًا، وَلَمْ أَدْعُ

نزد تو که ایمان به توست، تو را اطاعت کرده ام؛ فرزندی برای تو نگرفتم؛ و شریکی برای

لَكَ شَرِيكًا، مَتًّا مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لَا مَتًّا مِنِّي بِهِ عَلَيْكَ،

نخواندم؛ و اینها متنی از تو بر من است نه متنی باشد از من بر تو؛

وَقَدْ عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ، وَلَا

خدای من؛ تو را نافرمانی کردم نه از روی گردنکشی، و نه برای

الْخُرُوجِ عَنْ عِبُودِيَّتِكَ، وَلَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ،

خارج شدن از مرتبه بندگی تو، و نه برای انکار ربوبیت تو؛

وَلَكِنْ أَطَعْتُ هَوَايَ، وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ، فَلَكَ

بلکه از هوای نفسم پیروی کردم و شیطان مرا دچار لغزش ساخت؛ پس

الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَالْبَيَانُ، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرِ

حجت و بیان تو بر من تمام است، پس اگر عذابم کنی به خاطر گناهانم می‌باشد و تو

ظالم، وَإِنْ تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي، فَإِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ،

ستمگر نیستی و اگر مرا بیامیزی و ترحم نمایی همانا تو بخشنده بزرگواری،

يَا كَرِيمٌ يَا كَرِيمٌ، (این کلمه را به قدر یک نفس تکرار کند)،

ای بزرگواری ای بزرگواری

سپس بگوید: يَا آمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَكُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ

ای آن که از هر چیزی در ایمن هستی و همه از تو

خَائِفٌ حَذِرٌ، أَسْأَلُكَ بِأَمْنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَخَوْفِ

ترسان و بیمناکند؛ از تو می‌خواهم امنیت و امان تو از هر چیز و ترس

كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

هر چیز از تو، که بر محمد و آل محمد درود بفرستی

وَأَنْ تُعْطِيَنِي أَمَانًا لِنَفْسِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي، وَسَائِرِ

و به من در مورد خودم و خانواده و فرزندانم و دیگر نعمت‌هایی که به من داده‌ای امنیت و

مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، حَتَّى لَا أَخَافَ أَحَدًا، وَلَا أَخْذَرَ

آسودگی عطا کنی، تا هرگز از کسی نترسم و از چیزی بیمناک

مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَحَسْبُنَا

نیاشم؛ همانا تو بر هر کاری قادر و توانایی. و خداوند، ما را بس است

اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، يَا كَافِيَّ إِبْرَاهِيمَ نَمْرُودَ، يَا كَافِيَّ

و او خوب وکیلی است. ای کفایت‌کننده ابراهیم از شر نمرود، و ای کفایت‌کننده

مُوسَى فِرْعَوْنَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

موسی از شر فرعون، از تو می‌خواهم که بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُكْفِيَنِي شَرَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ.

محمد درود بفرستی و مرا از شر «فلانی فرزند فلانی» کفایت کنی.

پس به خواست خدا، دعاکننده از شر کسی که از او می‌ترسد در امان خواهد بود. آن گاه سجده کرده و حاجتش را می‌طلبد و به سوی خدا تضرع و ناله می‌کند.

هیچ زن و مرد مؤمنی نیست که این نماز را بخواند و با خلوص نیت دعا کند مگر این که برای او درهای آسمان برای اجابت باز شده و در همان وقت و همان شب هر که باشد دعایش اجابت می‌شود و این از فضل خداوند بر ما و مردم است.^۱

۱. مهج الدعوات: ۳۵۱، المصباح: ۵۲۲ با اندکی تفاوت.

نماز دیگر امام زمان عجل الله فرجه

نمازی که ذکر شد در کتاب «نجم الثاقب» از کتاب سید فضل الله راوندی به عنوان نماز مولایمان حضرت بقیة الله ارواحنا فداء نقل شده و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام ذکر شده است. دعای دیگری بعد از نماز گفته نشده و زمان خاصی برای آن معین نشده است.^۱

نماز روز بیست و هفتم ماه رجب

ابوالعباس احمد بن علی بن نوح رضی الله عنه می گوید: ابواحمد محسن بن عبدالحکم سجری به من فرمود و من از اصل کتابش نوشتم که در کتاب ابی نصر جعفر بن محمد بن حسن بن هیثم نوشته شده که این نماز از ابوالقاسم حسین بن روح رضی الله عنه نقل شده است: نماز روز بیست و هفتم ماه رجب، دوازده رکعت است و در هر رکعت سوره «حمد» را با هر سوره‌ای که توانست می خواند و بعد از هر دو رکعت سلام می دهد و این دعا را می خواند:

۱. مکمال المکارم: ۴۱۱/۲.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ

ستایش خدایی را که فرزندی نگرفته و شریکی در ملک و سلطنت

فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبْرَهُ تَكْبِيرًا،

ندارد، و برایش سرپرست و یاری از جهت خواری و ذلت نمی باشد، و او را به عظمت و بزرگی یاد

يَا عُدَّتِي فِي مُدَّتِي، وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي، وَيَا

کن. ای سازوپرگ من در مدت زندگی، و ای همدم من در سختی و گرفتاریم، و ای

وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، يَا غِيَاثِي فِي رَغْبَتِي، يَا مُجِيبِي فِي

سرپرست من در نعمتم، ای فریادرس من در هر نیازم، ای اجابتگر من

حَاجَتِي، يَا حَافِظِي فِي غَيْبَتِي، يَا كَالِيَّ فِي وَحْدَتِي،

در درخواست من، ای حافظ من در غیاب من، ای نگهدار من

يَا أَنْسِي فِي وَحْشَتِي. أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي، فَلَكَ

در تنهایی من، ای مونس من در وحشت من. تنها تو پوشاننده زشتی های من هستی؛

الْحَمْدُ، وَأَنْتَ الْمُقْبِلُ عَثْرَتِي، فَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ

پس ستایش تو راست و تو از لغزش هایم درمی گذاری؛ پس حمد، تنها سزاوار توست،

الْمُنْفَسُ صَرَعتِي، فَلَكَ الْحَمْدُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

و تنها تو برطرف کننده زمین افتادم هستی. پس حمد تنها سزاوار توست، بر

مُحَمَّدٍ، وَآسْتُرْ عَوْرَتِي، وَآمِنْ رَوْعَتِي، وَأَقْلِنِي

محمد و آل محمد درود بفرست و عیوب مرا بپوشان، و مرا از ترس ایمنی بخش،

عَثْرَتِي، وَاصْفَحْ عَنْ جُرْمِي، وَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِي

و از لغزشم درگذر، و از جرمم چشم‌پوشی کن، و از گناهانم

فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَّ الصَّدَقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ.

در گذر و در میان اهل بهشت که وعده‌ی صدق به آنان دادند (مرا داخل گردان).

وقتی از نماز فارغ شدی و دعا را تمام کردی، هر کدام از

سوره‌های «حمد»، ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾، ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾،

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾، ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾، ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ

الْقَدْرِ﴾ و «آیه‌ی الکرسی» را هفت مرتبه می‌خوانی، سپس هفت

مرتبه می‌گویی:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا

مَعْبُودِي جِزَّ خِدا نِیست و خِدا بزرگ‌تر و منزّه است و جنبشی و

قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

نیروی نیست مگر به سبب خدا.

و هفت بار نیز می‌گویی: اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي، لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا.

خدا، خداپروردگار من است، به او چیزی را شریک نسازم.

و بعد در مورد هر چه دوست داری دعا می‌کنی.^۱

۱. إقبال الأعمال: ۱۸۱.

۱۶

نماز شب نیمه ماه شعبان

ابو یحییٰ صنعانی و سی نفر از افراد مورد اعتماد، از امام باقر و

امام صادق علیهما السلام روایت کرده‌اند که آن دو بزرگوار فرمودند:

هر گاه شب نیمه شعبان شد چهار رکعت نماز، در هر رکعت

«حمد» یک مرتبه و «قل هو الله أحد» صد مرتبه می‌خوانی، و

چون نمازت تمام شد، می‌گویی:

اللَّهُمَّ إِنِّي فَقِيرٌ وَمِنْ عَذَابِكَ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ. اللَّهُمَّ

خداوندا! من فقیر و محتاجم و از عذابت ترسان و به تو پناهنده‌ام. خداوندا!

لَا تُبَدِّلْ اسْمِي، وَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي، وَلَا تُجْهِدْ بِلَائِي،

نامم را (با نام دیگری) عوض مکن، و بدنم را دگرگون مساز، و بلایم را سخت مگردان،

وَلَا تُشْمِتْ بِي أَعْدَائِي، أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ،

و دشمنانم را سرزنش کننده من قرار مده. از کيفرت به بخشش پناه می‌برم،

وَأَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ، وَأَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ

و از عذابت به رحمتت پناه می‌برم و از خشم تو به خشنودیت پناه می‌برم

سَخَطِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، جَلَّ ثَنَاؤُكَ، أَنْتَ كَمَا

و از تو به خودت پناه می‌برم، ستایش تو والا است؛ تو، آن چنانی

أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ ۱.

که خودت خود را ستوده‌ای و برتر از گفتار گویندگانی.



نماز دیگر در شب نیمه شعبان

ابو یحیی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که از امام باقر علیه السلام درباره فضیلت شب نیمه شعبان سؤال شد، حضرت فرمودند:

شب نیمه شعبان بعد از شب قدر، برترین و بافضیلت‌ترین شب‌ها است. در این شب خدا فضل و رحمتش را شامل حال بندگانش می‌گرداند و ایشان را به بزرگواری خود می‌بخشد. در این شب سعی کنید به خدا تقرب جوید.

زیرا شیی است که خداوند بر خود لازم کرده و قسم یاد نموده که هیچ درخواست کننده‌ای را رد نکند مگر این که درخواست معصیت و حرامی بکند. و شیی است که خدا در عوض شب قدر که برای پیغمبرمان صلی الله علیه و آله قرار داد، آن را برای ما اهل بیت قرار داده است.

پس در دعا و ستایش خدا تلاش کنید؛ زیرا هر کس در این شب صد مرتبه خدا را تسبیح نموده یعنی «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید و صد مرتبه او را ستایش نموده یعنی «الْحَمْدُ لِلَّهِ»

بگوید و صد مرتبه او را به بزرگی یاد کرده یعنی «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، خداوند گناهان گذشته‌اش را می‌بخشد و از حاجات دنیا و آخرت آنچه را خواهد، و آنچه نیازمند آن باشد. هر چند آن را نخواهد. خداوند به خاطر بزرگواری و رحمتش بر بندگان، آن‌ها را برآورده می‌سازد.

ابو یحیی می‌گوید: به سرورم امام صادق علیه السلام عرض کردم: بهترین دعا در این شب چیست؟ حضرت فرمودند:

هنگامی که نماز عشا را بجا آوردی دو رکعت نماز بخوان. در رکعت اول بعد از سوره حمد، یک مرتبه سوره «جحد» یعنی «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ»، و در رکعت دوم بعد از سوره حمد، یک مرتبه سوره «توحید» را بخوان. وقتی سلام دادی سی و سه مرتبه: «سُبْحَانَ اللَّهِ»، و سی و سه مرتبه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، و سی و چهار مرتبه: «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو، و سپس این دعا را بخوان:

يَا مَنْ إِلَيْهِ مَلَجَ الْعِبَادِ فِي الْمُهْمَاتِ، وَإِلَيْهِ يَفْرَعُ

ای کسی که پناهگاه بندگان در سختی‌ها و مشکلات به سوی او است، و مخلوقات

الْخَلْقُ فِي الْمُلِمَاتِ، يَا عَالِمَ الْجَهْرِ وَالْخَفِيَّاتِ، وَيَا

در بلا و مصیبت به او پناه می‌برند؛ ای دانای هر چه آشکار و پنهان است، ای

مَنْ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ خَوَاطِرُ الْأَوْهَامِ وَتَصَرَّفُ الْخَطَرَاتِ،

کسی که خطور فکر و اندیشه‌ها و رفت و آمد خیالات و خاطرات بر او پنهان نیست؛

يَا رَبَّ الْخَلَائِقِ وَالْبَرِيَّاتِ، يَا مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ

ای پروردگار خلایق و آفریدگان؛ ای کسی که ملکوت

الْأَرْضَيْنِ وَالسَّمَاوَاتِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أُمَّتٌ

زمین‌ها و آسمان‌ها به دست قدرت اوست؛ تو آن خدایی هستی که جز تو خدایی نیست؛ من به

إِلَيْكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، فَبِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اجْعَلْنِي فِي

وسیلهٔ «لا إله إلا الله» تو را قصد می‌کنم و به تو روی می‌آورم، پس به خاطر این که اعتقاد دارم جز تو خدایی نیست،

هَذِهِ اللَّيْلَةِ مِمَّنْ نَظَرَتْ إِلَيْهِ فَرَحِمْتَهُ، وَسَمِعَتْ دُعَاءَهُ

در این شب مرا از کسانی قرار بده که نظر لطف به او کرده پس به حالش ترحم فرموده‌ای و دعایش را شنیده پس آن را

فَأَجَبْتَهُ، وَعَلِمْتَ اسْتِقَالَتَهُ فَأَقْلَتَهُ، وَتَجَاوَزْتَ عَنْ

اجابت کرده‌ای، و درخواست گذشت او را دانسته پس از او درگذشتی، و از

سَالِفِ خَطِيئَتِهِ، وَعَظِيمِ جُرْأِيَّتِهِ، فَقَدْ اسْتَجَرْتُ بِكَ

خطاهای گذشته و گناهان بزرگ او گذشت کردی. پس من از گناهانم به تو پناه آورده‌ام

مِنْ ذُنُوبِي، وَلَجَأْتُ إِلَيْكَ فِي سِتْرِ عُيُوبِي. اللَّهُمَّ

و برای پوشاندن زشتی‌هایم به تو پناهنده گشتم. ای خدا؛

فَجِدْ عَلَيَّ بِكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ، وَاحْطُطْ خَطَايَايَ

تو به فضل و کرمت بر من بخشش و احسان فرما و با

بِحِلْمِكَ وَعَفْوِكَ، وَتَعَمَّدْنِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ بِسَابِغِ

بردباری و عفو و گناهانم را بریز و مرا در این شب با کرمات و بزرگواری فراوانت غرق احسانت نما.

كَرَامَتِكَ، وَاجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ اجْتَبَيْتَهُمْ

و مرا در این شب از دوستانت قرار بده که آن‌ها را برای

لِطَاعَتِكَ، وَاخْتَرْتَهُمْ لِعِبَادَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ خَالِصَتَكَ

فرمان‌برداری از خودت برگزیدی، و برای عبادت انتخاب فرمودی و از خالصان

وَاصِفَاتِكَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ سَعَدَ جَدُّهُ، وَتَوَفَّرَ

و خالصان خود قرار دادی. خداوندا؛ مرا از آنان قرار بده که از کوشش خود به سعادت رسیدند و

مِنَ الْخَيْرَاتِ حَظُّهُ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ سَلِمَ فَنِعَمَ وَفَازَ

از خیرات و خوبی‌ها بهره‌کامل بردند؛ و از آنان که در زندگی سالم ماندند پس منتعم گردیدند و پیروز گشتند

فَعَنِمَ، وَاكْفَيْ شَرَّ مَا أَسْلَفْتُ، وَاعْصِمْنِي مِنَ الْأَزْدِيَادِ

پس غنیمت یافتند؛ و مرا از شر کارهای گذشته‌ام کفایت فرما و از این که در آینده

فِي مَعْصِيَتِكَ، وَحَبَّبْ إِلَيَّ طَاعَتَكَ وَمَا يُقَرِّبُنِي مِنْكَ

بر نافرمانی تو بفرمایم حفظ فرما، و فرمان‌برداری از خودت را و آن چه را باعث نزدیک شدن به حضرت توست

وَيُزِلُّنِي عِنْدَكَ. سَيِّدِي إِلَيْكَ يَلْجَأُ الْهَارِبُ، وَمِنْكَ

و به من نزد تو منزلت می‌دهم محبوب من گردان. ای آقای من؛ گریختگان به سوی تو پناهنده می‌شوند

يَلْتَمِسُ الطَّالِبُ، وَعَلَى كَرَمِكَ يُعَوَّلُ الْمُسْتَقِيلُ

و جویندگان به درگاه تو التماس می‌کنند، و آنان که طلب گذشت می‌کنند و توبه‌کار شدند

التَّائِبُ، أَدَّبْتَ بِالتَّكْرُمِ وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ،

اعتقادشان بر کرم توست؛ تو بندگان را با رفتار بزرگوته‌ات در حالی که بزرگواریتین کریمان هستی، ادب کردی؛

وَأَمَرْتَ بِالْعَفْوِ عِبَادَكَ وَأَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. اللَّهُمَّ

و به بندگانت دستور بخشش دادی در حالی که خودت بخشنده و مهربانی. ای خدا؛

فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ مِنْ كَرَمِكَ، وَلَا تُؤَيِّسْنِي مِنْ

مرا از امیدی که به بزرگواریات دارم محروم مکن، و از

سَابِعِ نِعَمِكَ، وَلَا تُخَيِّبْنِي مِنْ جَزِيلِ قِسْمِكَ فِي هَذِهِ

نعمت فراگیر و فراوانت ناامید مگردان، و از قسمت‌های بزرگت برای فرمان‌بردارانت

اللَّيْلَةَ لِأَهْلِ طَاعَتِكَ، وَاجْعَلْنِي فِي جُنَّةٍ مِنْ شِرَارِ

در این شب مرا هم ناکام مساز، و مرا از آفریدگان شرور و بدرفتارت درحفظ خود بدار.

بَرِيَّتِكَ. رَبِّ، إِنْ لَمْ أَكُنْ مِنْ أَهْلِ ذَلِكَ فَأَنْتَ أَهْلُهُ

بارپروردگارا؛ اگر من قابل آنچه درخواست کردم نیستم، لیکن تو اهل

الْكَرَمِ وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَجُدْ عَلَيَّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ لَا

بزرگواری و بخشش و آمرزشی؛ بر من به آنچه سزاوار مقام توست کرامت فرما؛ نه

بِمَا اسْتَحِقُّهُ فَقَدْ حَسُنَ ظَنِّي بِكَ، وَتَحَقَّقْ رَجَائِي لَكَ،

آنچه شایسته من است؛ چون به تو خوشگمان بوده و امیدم به سوی توست،

وَعَلِقْتُ نَفْسِي بِكَرَمِكَ، فَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَأَكْرَمُ

و جانم به کرامتت بسته است؛ چون عقیده دارم که تو مهربان‌ترین مهربانان و بزرگوارترین

الْأَكْرَمِينَ. اللَّهُمَّ وَاخْصُصْنِي مِنْ كَرَمِكَ بِجَزِيلِ

بزرگواران هستی. بارالها؛ مرا از راه بزرگواریات به قسمت‌های

قِسْمِكَ، وَأَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَاغْفِرْ لِي

بزرگ خویش مخصوص گردان، من از کيفرت به بخشش تو پناه می‌برم.

الذَّنْبَ الَّذِي يَحْسِبُ عَلَيَّ الْخُلُقَ، وَيُضَيِّقُ عَلَيَّ

آن دسته از گناهان مرا ببخش که خوی و سرشت را بر من محبوس و

الرِّزْقَ حَتَّى أَقُومَ بِصَالِحِ رِضَاكَ، وَأَنْعَمَ بِجَزِيلِ

روزی را بر من تنگ می‌سازد، تا به خشنودی نیکوی تو پردازم و با بخشش بزرگت بهره‌مند شوم

عَطَائِكَ، وَأَسْعِدَ بِسَابِعِ نِعْمَائِكَ، فَقَدْ لَذْتُ بِحَرَمِكَ،

و به نعمت‌های فراوانت نیک‌بخت گردم؛ زیرا، من به حریم قدس تو پناه آورده

وَتَعَرَّضْتُ لِكَرَمِكَ، وَاسْتَعَدْتُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ،

و خود را در معرض بزرگواریات درآورده‌ام؛ و از کيفر و مجازاتت به بخششت

وَبِحِلْمِكَ مِنْ غَضَبِكَ، فَجُدْ بِمَا سَأَلْتُكَ، وَأَنْلِ مَا

و از خشمتم به بردباریات پناه جسته‌ام؛ پس مرا آنچه خواستم عطا فرما و به آنچه

الْتَمَسْتُ مِنْكَ، أَسْأَلُكَ لِابِشْيَاءٍ هُوَ أَعْظَمُ مِنْكَ.

از تو التماس نموده‌ام برسان، من از تو چیزی را می‌خواهم که از تو بزرگ‌تر نیست.

سپس به سجده می‌روی و بیست مرتبه: «يَا رَبُّ»، هفت

مرتبه: «يَا اللَّهُ»، هفت مرتبه: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، و

ده مرتبه: «مَا شَاءَ اللَّهُ»، و ده مرتبه: «لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» گفته

و بر پیامبر و آل پیامبر ﷺ صلوات می‌فرستی و از خدا حاجتت را می‌طلبی.

به خدا سوگند؛ اگر به تعداد قطرات باران از خدا حاجت
بطلبی، از بزرگواری و فضلش تو را به حاجاتت می‌رساند.^۱

مؤلف می‌گوید: چهار رکعت نماز وارد شده که در ظهر روز
عاشورا خوانده می‌شود و بعد از نماز، دعایی قرائت می‌شود که به
مناسبت دعاهای هر ماه آن را در بخش ادعیه ماه‌ها ص ۴۱۹ بیان
می‌کنیم. و نیز در بخش یازدهم، نمازی را برای وسعت رزق، از
جناب محمد بن عثمان رضی الله عنه نقل می‌کنیم.



بخش دوم

بخش دوم



دعاهای قنوت

دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء
در قنوت هر نماز

شهید اول علیه السلام در کتاب «ذکر» می‌گوید: ابن ابی عقیل، این دعا را که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده برای خواندن در قنوت انتخاب کرده است:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ شَخَصَتِ الْأَبْصَارُ، وَتُقَلَّتِ الْأَقْدَامُ،

بارالها! چشم‌ها، به تو دوخته شده است، گام‌ها به سوی تو برداشته شده،

وَرُفِعَتِ الْأَيْدِي، وَمُدَّتِ الْأَعْنَاقُ، وَأَنْتَ دُعِيتَ

دست‌ها به سوی تو بالا آمده، گردن‌ها به سوی تو کشیده شده است. تویی که با زبان‌ها،

بِالْأَلْسُنِ، وَإِلَيْكَ سِرُّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ فِي الْأَعْمَالِ،

فراخوانده می‌شوی؛ و کارهای پنهانی و رازهای (مردم) به طرف توست؛

رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ

پروردگارا؛ بین ما و قوم ما به حق حکم کن، که تو بهترین حکم کننده و

الْفَاتِحِينَ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ غَيْبَةَ نَبِيِّنَا، وَقِلَّةَ

قضاوت کننده هستی. بارالها؛ از عدم حضور پیامبرمان، کمی نفرت‌مان، فراوانی

عَدَدِنَا، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَتَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا،

دشمنان‌مان، و پشتیبانی دشمنان‌مان از یکدیگر علیه ما و وجودفتنه‌های فراوان برای ما؛ به توشکایت

وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا، فَفَرِّجْ ذَلِكَ اللَّهُمَّ بَعْدَلٍ تُظْهِرُهُ،

می‌کنیم. بارالها؛ باعدالتی که آشکارش می‌کنی، و امام و پیشوای راستینی که به همگان معرفی می‌کنی،

وَإِمَامٍ حَقٌّ تَعْرِفُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

این گرفتاری‌ها را برطرف کن و گشایشی فرما؛ ای معبود به حق، اجابت کن؛ ای پروردگار جهانیان.

وی می‌افزاید: روایتی به من رسیده است که امام صادق علیه السلام

همواره به شیعیان خود دستور می‌فرمودند پس از کلمات فرج،

در قنوت این دعا را بخوانند.^۱



قنوت حضرت امام سجّاد علیه السلام

برای برطرف شدن ظلم و ستم از جهان

این قنوت را سؤمین نایب امام زمان ارواحنا فداه، جناب حسین

بن روح نوبختی، از نایب دوّم یعنی جناب محمد بن عثمان رضوان

الله علیهما نقل فرموده است:

اللَّهُمَّ إِنَّ جِبِلَّةَ الْبَشَرِيَّةِ، وَطِبَاعَ الْإِنْسَانِيَّةِ، وَمَا

بارخدا؛ به راستی که سرشت بشری، و طبیعت آدمی، و آن چه

جَرَتْ عَلَيْهِ تَرْكِيبَاتُ النَّفْسِيَّةِ، وَأَنْعَقَدَتْ بِهِ عُقُودُ

از ترکیبات روانی بر آن عارض گشته، و امور وراثتی که آغاز خلقت بر آن بسته شده؛

النَّشِيَّةِ [النَّسَبِيَّةِ، خ]، تَعْجِزُ عَنْ حَمْلِ وَاِرْدَاتِ

نمی‌توانند احکام فضا و قدرت را تحمل کنند؛

الْأَقْضِيَّةِ إِلَّا مَا وَقَفَتْ لَهُ أَهْلَ الْأَصْطِفَاءِ، وَأَعْنَتْ

مگر در مواردی برگزیدگان را موفق ساخته و

عَلَيْهِ ذَوِي الْأَجْتِبَاءِ. اللَّهُمَّ وَإِنَّ الْقُلُوبَ فِي قَبْضَتِكَ،

نخبگان را بر آن باری نمودی. بارالها؛ به خوبی اگاهم که قلب‌ها در اختیار توست

وَالْمَشِيَّةَ لَكَ فِي مَلَكَتِكَ، وَقَدْ تَعَلَّمُ أَيُّ رَبِّ مَا

و تصمیم‌گیری در دائره فرمان‌روایات برای تو می‌باشد. و خودت خوب می‌دانی - ای پروردگار من - که آنچه

الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ فِي كَشْفِهِ وَاقِعَةً لِأَوْقَاتِهَا بِقُدْرَتِكَ،

را که مشتاق برطرف شدنش هستم، در زمان مقرّر و با قدرت و توان خودت به وقوع می‌پیوندد،

وَأَقِفَةً بِحَدِّكَ مِنْ إِزَادَتِكَ، وَإِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّ لَكَ دَارَ

و همان جایی که خواست و اراده تو تعیین کرده، متوقف گشته و من به خوبی می‌دانم که تو سرایی

جَزَاءٍ مِنْ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ مَثُوبَةً وَعُقُوبَةً، وَأَنَّ لَكَ

برای پاداش خوبی‌ها و کیفر بدی‌ها داری؛ و

يَوْمًا تَأْخُذُ فِيهِ بِالْحَقِّ، وَأَنَّ أَنْتَ أَشْبَهُ الْأَشْيَاءِ

روزی را برپا می‌کنی که در آن، به حق مؤاخذه می‌کنی. و این که مهلت دادن تو، شبیه‌ترین چیزی‌ها

بِكْرَمِكَ، وَأَلْيَقُهَا بِمَا وَصَفْتَ بِهِ نَفْسَكَ فِي عَطْفِكَ

به کرامت و بزرگواریت، و شایسته‌ترین آن‌ها به چیزی است که خود را به آن توصیف فرموده‌ای و

وَتَرَاءُفِكَ، وَأَنْتَ بِالْمِرْضَادِ لِكُلِّ ظَالِمٍ فِي وَحْيٍ

آن لطف و مهریانی تو است؛ و تو در کمینگاه هستی برای هر ستمگری که او را به پایان و سرنوشتی

عُقْبَاهُ وَسُوءِ مَثْوَاهُ. اللَّهُمَّ وَإِنَّكَ قَدْ أَوْسَعْتَ خَلْقَكَ

بسیار ناهنجار و جایگاهی بد دچار کنی. بارالها؛ تو، رحمت و بردباریت را برای همه مخلوقات

رَحْمَةً وَحِلْمًا، وَقَدْ بَدَّلْتَ أَحْكَامَكَ، وَغَيَّرْتَ سُنَنُ

فراگیر نمودی؛ با این که دستورات تو عوض شده، و سنت‌های پیامبرت تغییر داده شده،

نَبِيِّكَ، وَتَمَرَّدَ الظَّالِمُونَ عَلَى خُلُصَائِكَ، وَاسْتَبَاحُوا

و ستمکاران، نسبت به سفارشات در مورد برگزیدگان خالصت، سرپیچی کرده‌اند، و

حَرِيْمَكَ، وَرَكِبُوا مَرَائِبَ الْأِسْتِمْرَارِ عَلَى الْجُرْأَةِ

حریم تو را شکستند، و به طور دائم و پیوسته بر تو با مرکب جرأت و پرویی

عَلَيْكَ. اللَّهُمَّ فَبَادِرْهُمْ بِقَوَاصِفِ سَخَطِكَ، وَعَوَاصِفِ

تاختند. خداها؛ هرچه سریع‌تر آن‌ها را با صداهای سخت خشمت، و طوفان‌های

تَنكِيلَاتِكَ، وَاجْتِنَاثِ غَضَبِكَ، وَطَهِّرِ الْبِلَادَ مِنْهُمْ،

عقوبت و تنبیه شدیدت، و غضب ریشه‌کن‌کننده‌ات گرفتار کن، و سرزمین‌ها را از آن‌ها پاکسازی کن،

وَاعْفُ عَنْهَا آثَارَهُمْ، وَاحْطُطْ مِنْ قَاعَاتِهَا وَمَظَانِّهَا

و آثار بجای مانده ایشان را از آن محو کن، و فرو بریز از دشت‌ها و راه‌ها،

مَنَارَهُمْ، وَاصْطَلِمَهُمْ بِبِوَارِكَ حَتَّى لَا تُتْبِقَ مِنْهُمْ دِعَامَةٌ

نشانه‌های ایشان را، و آن‌ها را به هلاکت و نابودی ریشه‌کن ساز تا باقی نماند تکیه‌گاهی از آنان

لِنَاجِمٍ، وَلَا عِلْمًا لِأُمَّ، وَلَا مَنَاصًا لِقَاصِدٍ، وَلَا رَائِدًا

برای جستجوکننده و پرچمی برای روی آورنده و گریزی برای قصدکننده و پیشرو و راهنمایی

لِمُرْتَادٍ. اللَّهُمَّ امْحُ آثَارَهُمْ، وَاطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ

برای آنهایی که از دنبال می‌آیند. بارالها؛ نشانه‌های‌شان را محو و نابود ساز، و دارایی‌ها

وَدِيَارِهِمْ، وَامْحَقْ أَعْقَابَهُمْ، وَافْكُكْ أَصْلَابَهُمْ،

وسرزمین‌شان را ناپدیدگردان، و نسل‌شان را هلاک‌گردان، و کمرمردان‌شان را سست و گسسته ساز،

وَعَجِّلْ إِلَى عَذَابِكَ السَّرْمَدِ انْقِلَابَهُمْ، وَأَقِمْ لِلْحَقِّ

و بازگشت ایشان را به سرعت به طرف عذاب همیشگی‌ات بگردان. منصب‌های حق را

مَنَاصِبُهُ، وَأَقْدَحُ لِلرَّشَادِ زِنَادَهُ، وَأَثْرُ لِلثَّارِ مَثِيرُهُ،

برپا کن، و شعله‌های هدایت و کمال را فروزان ساز و برای انتقام و خونخواهی منتقم را برانگیز،

وَأَيْدٍ بِالْعَوْنِ مُرْتَادَهُ، وَوَفَّرَ مِنَ النَّصْرِ زَادَهُ، حَتَّى

و کمک‌جویان را یاری برسان، و پیروزی‌های پی در پی را توشه‌اش ساز؛ تا

يَعُودَ الْحَقُّ بِجِدَّتِهِ، وَتَنْبِيرَ مَعَالِمِ مَقَاصِدِهِ، وَيَسْلُكَهُ

حق دوباره به تازگی و شادابی‌اش بازگردد، و نشانه‌ها و چراغ‌های اهدافش روشن گردد، و

أَهْلُهُ بِالْأَمْنَةِ حَقَّ سُلُوكِهِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. ۱

حق جویان با آرامش و به طوری که شایسته است راه حق را ببینند؛ به راستی که تو بر هر کاری توانایی.



قنوت حضرت امام باقر علیه السلام

این قنوت را مرحوم سید بن طاووس در «مهج الدعوات» و

مرحوم کفعمی در «البلد الامین» از امام باقر علیه السلام نقل کرده‌اند:

يَا مَنْ يَعْلَمُ هَوَاجِسَ السَّرَائِرِ، وَمَكَامِنَ الضَّمَائِرِ،

ای کسی که نسبت به خطورات نهان، و آنچه در اندرون و باطن‌ها مخفی شده است،

وَحَقَائِقَ الْخَوَاطِرِ، يَا مَنْ هُوَ لِكُلِّ غَيْبٍ حَاضِرٌ،

و حقیقت و واقعیت آنچه در خاطر افراد است؛ آگاه هستی. ای کسی که برای هر پنهانی، حضور داری؛

۱. مهج الدعوات: ۶۹، البلد الامین: ۶۵۰ با اندکی تفاوت.

وَلِكُلِّ مَنْسِيٍّ ذَاكِرٌ، وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَادِرٌ، وَإِلَى الْكُلِّ

هر فراموش شده‌ای را به یاد داری؛ بر هر چیزی توانایی و بر همه نظارت و

نَاطِرٌ، بَعْدَ الْمَهْلِ، وَقَرَبَ الْأَجَلِ، وَضَعْفَ الْعَمَلِ،

سرپرستی می‌کنی؛ زمان پیشی‌جویی در خیر و نیکی دور گشت، و مرگ نزدیک گردید، و عمل‌ها ضعیف و ناتوان

وَأَرَابَ الْأَمَلِ، وَأَنَّ الْمُتَنَقِّلُ. وَأَنْتَ يَا اللَّهُ الْآخِرُ كَمَا

شده‌اند، و آرزوها به ناامیدی کشیده شده‌اند، و زمان انتقال به جهان دیگر فرا رسید. تو، ای خدا؛ همان‌گونه که آغاز

أَنْتَ الْأَوَّلُ، مُبِيدٌ مَا أَنْشَأْتَ، وَمُصِيرٌهُمْ إِلَى الْبَلِي،

هستی، پایان نیز تو هستی؛ هر چه را که ایجاد کرده‌ای خودت نیز نابود می‌سازی، و به فرسوده شدن و پوسیدن

وَمُقَدِّدٌهُمْ أَعْمَالَهُمْ، وَمُحَمِّلٌهَا ظُهُورَهُمْ إِلَى وَقْتِ

می‌کشانی، و اعمال و رفتارشان را هم چون قلاده‌ای برگردن‌شان می‌آوری، و بر پشت‌شان بار می‌کنی؛ تا

نُشُورِهِمْ مِنْ بَعْتَةِ قُبُورِهِمْ عِنْدَ نَفْخَةِ الصُّورِ، وَأَنْشِقَاقِ

آن‌گاه که با دمیدن در صور اسرافیل از قبرها برانگیخته و پراکنده شوند؛ همان زمان که

السَّمَاءِ بِالنُّورِ، وَالْخُرُوجِ بِالْمَنْشَرِ إِلَى سَاحَةِ الْمُحْشَرِ،

آسمان، به سبب نورروشنی شکافته می‌شود، و پس از اعلام‌گردد هم آبی از قبر به میدان محشر می‌آیند؛

لَا تَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ أَبْصَارُهُمْ وَأَقْدَتُهُمْ هَوَاءٌ. مُتْرَاطِمِينَ فِي

چشمان‌شان به سوی‌شان نمی‌گردد، و دل‌های‌شان هواس‌ت. پیوسته در اندوه

عُمَّةٍ مِمَّا أَسْلَفُوا، وَمُطَابِلِينَ بِمَا احْتَقَبُوا، وَمُحَاسِبِينَ

و غم رفتارهای ناشایست گذشته خود غرق‌اند، و به خاطر تباهی‌های گذشته‌شان مورد بازخواست قرار می‌گیرند،

هُنَاكَ عَلَى مَا ارْتَكَبُوا، الصَّحَائِفُ فِي الْأَعْنَاقِ

و در این جاست که بر آنچه مرتکب شده‌اند مورد حساب قرار می‌گیرند. نامه عمل‌ها به‌گردن‌ها

مَنْشُورَةٌ، وَالْأَوْزَارُ عَلَى الظُّهُورِ مَأْزُورَةٌ، لَا انْفِكَالَ

آویخته شده، و بارهای سنگین بر پشت هر کس نهاده شده، و هیچ جدایی

وَلَا مَنَاصَ وَلَا مَحِيصَ عَنِ الْقِصَاصِ قَدْ أَفْحَمْتَهُمْ

و رهایی و گریزی از قصاص وجود ندارد. حجت و دلیل روشن الهی، همه آن‌ها را ساکت و لال کرده

الْحُجَّةُ، وَحَلُّوا فِي حَيْرَةِ الْمَحَجَّةِ وَهَمْسِ الصَّجَّةِ،

است و ضجه‌کنان گرفتار حیرت و سردرگمی در برابر دلیل‌های خداوند شده‌اند.

مَعْدُولٌ بِهِمْ عَنِ الْمَحَجَّةِ إِلَّا مَنْ سَبَقَتْ لَهُ مِنَ اللَّهِ

آن‌ها را از راه برگردانند؛ مگر کسی که از پیش‌تر (دنیا)، مورد لطف و نیکی خداوند قرار گرفته باشد؛

الْحُسْنَى، فَنَجَا مِنْ هَوْلِ الْمَشْهَدِ وَعَظِيمِ الْمَوْرِدِ، وَلَمْ

چنین شخصی، از هراس و ترس چنین محلی که بسیار مهم و جایگاه حضور است، نجات می‌یابد.

يَكُنْ مِمَّنْ فِي الدُّنْيَا تَمَرَّدَ، وَلَا عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ تَعَنَّدَ،

او در دنیا از کسانی نبود که سرپیچی کرده‌اند و بر اولیای الهی عناد ورزیدند،

وَلَهُمْ اسْتَبَعَدَ، وَعَنْهُمْ بِحُقُوقِهِمْ تَفَرَّدَ. اللَّهُمَّ فَإِنَّ

و از آنان دوری کردند، و حق‌شان را مخصوص خودشان دانستند. بارالها! واقعیت آن است که

الْقُلُوبَ قَدْ بَلَغَتِ الْحَنَاجِرَ، وَالتُّنُوسَ قَدْ عَلَتِ التَّرَاقِي،

قلب‌ها به حنجره‌ها رسیده است؛ روان‌ها به گلوگاه بالا آمده؛

وَالْأَعْمَارَ قَدْ نَفِدَتْ بِالْإِنْتِظَارِ، لَا عَنْ نَقْضِ اسْتِبْصَارٍ،

و عمرها، با انتظار رو به پایان است؛ این نه از روی نقض کردن و برهم زدن بینش است،

وَلَا عَنْ اتِّهَامِ مِقْدَارٍ، وَلَكِنْ لِمَا تُعَانِي مِنْ رُكُوبِ

و نه به خاطر درگیری با تقدیر؛ بلکه، به خاطر

مَعَاصِيكَ، وَالْخِلَافِ عَلَيْكَ فِي أَوْامِرِكَ وَنَوَاهِيكَ،

گناه‌های فراوان، مخالفت با دستورات و نواهی تو،

والتَّلَعُّبِ بِأَوْلِيَائِكَ وَمُظَاهَرَةِ أَعْدَائِكَ. اللَّهُمَّ فَتَقَرَّبْ

به بازی گرفتن اولیایت، و پشتیبانی کردن از دشمنانت می‌باشد. خدایا، گرچه فرج و ظهور نزدیک است، ولی

مَا قَدْ قَرَّبَ، وَأُورِدَ مَا قَدْ دَنَى، وَحَقَّقَ ظُنُونَ الْمُوقِنِينَ،

نزدیک‌ترش ساز؛ و اگرچه به نزدیکی ما رسیده است، ولی آن را برسان؛ و گمان اهل یقین را محقق ساز؛

وَبَلَّغِ الْمُؤْمِنِينَ تَأْمِيلَهُمْ، مِنْ إِقَامَةِ حَقِّكَ، وَنَصْرِ

مؤمنان را به آرزوی‌شان که برپایی حق تو، و یاری

دِينِكَ، وَإِظْهَارِ حُجَّتِكَ، وَالْإِنتِقَامِ مِنْ أَعْدَائِكَ. ١

دین تو، و آشکار شدن حجت تو و انتقام گرفتن از دشمنان توست برسان.

قنوت حضرت امام رضا علیه السلام

این قنوت و سه قنوت بعد را نیز آن دو بزرگوار از امام رضا علیه السلام نقل کرده‌اند:

الْفَرْعُ الْفَرْعُ إِلَيْكَ يَا ذَا الْمُحَاضِرَةِ، وَالرَّغْبَةُ الرَّغْبَةُ

پناه، پناه، به سوی توست ای خدایی که همه را در حضور دارد؛ اشتیاق، اشتیاق،

إِلَيْكَ يَا مَنْ بِهِ الْمُفَاخَرَةُ، وَأَنْتَ اللَّهُمَّ مُشَاهِدٌ هُوَ اجِسْ

به سوی توست ای خدایی که تنها به او می‌توان افتخار کرد. خدایا؛ تو به خطورات

النُّفُوسِ، وَمُرْاصِدُ حَرَكَاتِ الْقُلُوبِ، وَمُطَالِعُ مَسَرَّاتِ

روان‌ها شاهدی؛ و مراقب و در کمین حرکت‌های قلب آدم (به این سو و آن سو) هستی؛

السَّرَائِرِ مِنْ غَيْرِ تَكْلُفٍ وَلَا تَعَسْفٍ، وَقَدْ تَرَى اللَّهُمَّ

و بدون هیچ زحمتی و مشقتی از پنهان‌کاری‌های درون‌ها، اطلاع داری. خدایا؛ به خوبی آن چه را که از

مَا لَيْسَ عَنكَ بِمُنْطَوِيٍّ، وَلَكِنَّ حِلْمَكَ آمَنَ أَهْلَهُ عَلَيْهِ

تو پیچیده نشده است می‌بینی؛ لیکن حلم و بردباری تو ایمنی بخشیده به افرادی که چنین بد کرداری‌هایی

جُرْئَةٌ وَتَمَرُّدًا وَعَتْوًا وَعِنَادًا، وَمَا يُعَايِنُهُ أَوْلِيَاؤُكَ

دارند، و باعث شده بیشتر جرأت و سرپیچی و لجبازی و دشمنی با تو کنند؛ و می‌بینی رنج‌هایی را که اولیای تو

مِنْ تَعْفِيَةِ آثَارِ الْحَقِّ، وَدُرُوسِ مَعَالِمِهِ، وَتَزْيِيدِ

می‌کنند به خاطر نابودی آثار حق و ناپدید گشتن نشانه‌های آن، و افزایش یافتن

الْفَوَاحِشِ، وَاسْتِمْرَارِ أَهْلِهَا عَلَيْهَا، وَظُهُورِ الْبَاطِلِ

فحشا و کارهای زشت، و ادامه‌دادن بدکاران بر زشتی‌های خود، و آشکار شدن باطل و نادرستی،

وَعُمُومِ التَّغَاشُمِ، وَالتَّرَاضِي بِذَلِكَ فِي الْمُعَامِلَاتِ

و ظلم و ستم همگانی، و راضی شدن طرفین به ظلم و ستم در معاملات

وَالْمُتَصَرِّفَاتِ مُذْجَرَتْ بِهِ الْعَادَاتُ، وَصَارَ كَالْمَفْرُوضَاتِ

و کارها که عادات به آن جاری گشته است و همانند واجبات

وَالْمَسْنُونَاتِ. اللَّهُمَّ فَبَادِرْنَا مِنْكَ بِالْعَوْنِ الَّذِي مَنْ

و مستحبات شده است. خداوندا؛ به سرعت، ما را دریاب به امدادی که هر کس را

أَعْتَنَهُ بِهِ فَازَ، وَمَنْ أَيْدَتَهُ لَمْ يَخَفْ لَمَزَ لَمَازٍ، وَخُذِ

با آن مدد رسانی رستگار شود، و هر کس را موفق گردانی دیگر از عیب‌جویی هیچ کس نمی‌ترسد،

الظَّالِمَ أَخْذًا عَنيفًا، وَلَا تَكُنْ لَهُ رَاحِمًا وَلَا بِهِ رَوْوْفًا.

ستمگر را به شدت گرفتار کن، و هیچ رحم و مهربانی نیز در حقش روا مدار.

اللَّهُمَّ اللَّهُمَّ اللَّهُمَّ بَادِرْهُمْ. اللَّهُمَّ عَاجِلْهُمْ. اللَّهُمَّ

خدایا؛ خدایا؛ خدایا؛ شتاب کن. خدایا؛ (در مورد آن‌ها) عجله کن. خدایا؛

لَا تُمْهِلْهُمْ. اللَّهُمَّ غَادِرْهُمْ بُكْرَةً وَهَجِيرَةً وَسُحْرَةً

مهلت‌شان مده. خدایا؛ آن‌ها را بامدادان و در وسط روز و در سحرها

وَبَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ، وَضَحَى وَهُمْ يَلْعَبُونَ، وَمَكْرَأَ

و شب هنگام که در خواب هستند و هنگام روز که سرگرم‌اند و مشغولند گرفتارشان کن؛ و فریشان بده، و وقتی حيله

وَهُمْ يَمْكُرُونَ، وَفُجَاءَةً وَهُمْ آمِنُونَ. اللَّهُمَّ بَدِّدْهُمْ،

می‌کنند، بر آن‌ها مکر کن؛ و هنگامی که خود را در آرامش می‌بینند، ناگهان گرفتارشان ساز. خدایا؛ خودشان

وَبَدِّدْ أَعْوَانَهُمْ، وَأَقْلِلْ أَعْضَادَهُمْ، وَاهْزِمْ جُنُودَهُمْ،

و کمک‌کارشان را پراکنده و در مانده ساز، و هم‌دستانشان را شکست بده، و سپاهیان‌شان را فراری بده،

وَأَقْلِلْ حُدُودَهُمْ، وَاجْتَثِّ سَنَامَهُمْ، وَأَضْعِفْ عَزَائِمَهُمْ.

و تیزی شمشیرهاشان را بشکن، و سران آن‌ها را ریشه کن ساز، و اراده‌های قوی آن‌ها را ناتوان ساز.

اللَّهُمَّ امْتَحِنَا أَكْنَافَهُمْ، وَمَلِكْنَا أَكْنَافَهُمْ، وَبَدِّلْهُمْ

خدایا؛ لطف کن و آنان را اسیر ما گردان، و سرزمین‌هایشان را به تصرف ما درآور؛ و

بِالنَّعْمِ النَّقْمَ، وَبَدِّلْنَا مِنْ مُحَاذَرَتِهِمْ وَبَعِيهِمُ السَّلَامَةَ،

نعمت‌های‌شان را به بدبختی‌ها تبدیل کن؛ و به جای ترس ما از آن‌ها و ستم‌شان، سلامت و راحتی را جایگزین فرما؛

وَاعْنِمْنَاهُمْ أَكْمَلَ الْمَعْنَمِ. اللَّهُمَّ لَا تَرُدَّ عَنْهُمْ بِأَسَاكٍ

و کامل‌ترین بهره‌ها و غنیمت‌های جنگی را از آنان به ما برسان. خدایا؛ سختی و عذابت را از آنان

الَّذِي إِذَا حَلَّ بِقَوْمٍ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ ۱.

برمگير؛ همان عذابی که به هر گروهی برسد، بدبخت بدر روزگار می‌شوند.



قنوت حضرت امام جواد علیه السلام

اللَّهُمَّ مَنَائِحِكَ مُتَّابِعَةٌ، وَأَيَادِيكَ مُتَوَالِيَةٌ، وَنِعْمَتِكَ

خدایا؛ بخشش‌های خاص تو، پی‌درپی است، خوبی‌هایت یکی پس از دیگری می‌رسد؛ نعمت‌هایت

سَابِعَةٌ، وَشُكْرُنَا قَصِيرٌ، وَحَمْدُنَا يَسِيرٌ، وَأَنْتَ

فراگیر و فراوان است؛ سپاسگزاری ما نارسا و اندک، و ستایش ما نسبت به تو بسیار ناچیز است؛ و تو،

بِالتَّعَطُّفِ عَلَيَّ مَنْ اعْتَرَفَ جَدِيرٌ. اللَّهُمَّ وَقَدْ غُصَّ

سزاواری که اگر کسی اعتراف (به بدی‌هایش) کرد، به او مهربانی کنی. خدایا؛ به راستی که

أَهْلُ الْحَقِّ بِالرَّبِّيقِ، وَارْتَبَكَ أَهْلُ الصَّدَقِ فِي الْمَضِيقِ،

اهل حق آب دهان از گلویشان (به خاطر شدت ناراحتی) پایین نمی‌رود؛ و راستگويان، به شدت گرفتارند و در تنگنا

وَأَنْتَ اللَّهُمَّ بَعِيدُكَ وَذَوِي الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ شَفِيقٌ،

قرار دارند؛ و تو - خداوندنا - نسبت به بندگان و مشتاقان مهربان و دلسوزی؛ و به حقیقت نسبت به

وَبِاجَابَةِ دُعَائِهِمْ وَتَعْجِيلِ الْفَرَجِ عَنْهُمْ حَقِيقٌ. اللَّهُمَّ

پاسخ دادن به درخواست‌شان و شتاب کردن در گشایش کارشان شایسته و سزاواری. خدایا؛

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَادِرْنَا مِنْكَ بِالْعَوْنِ

بر محمد و آل محمد درود بفرست؛ و کمک و امداد سریعی از ناحیه خودت به ما برسان که دیگر بعد

الَّذِي لَا خِذْلَانَ بَعْدَهُ، وَالتَّصْرِ الَّذِي لَا بَاطِلَ يَتَكَادَهُ،

از آن خواری و بیچارگی نباشد؛ و آن گونه پیروز گردان که هیچ باطلی نتواند آن را دچار مشکل سازد؛

وَأَتِحَ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ مُتَاحاً فَيَاحاً يَأْمَنُ فِيهِ وَلِيُّكَ،

و چنان راحتی از ناحیه والا و گسترده خود برسان که ولی و دوست در آن ایمن باشد،

وَيَخِيبُ فِيهِ عَدُوَّكَ، وَيُقَامُ فِيهِ مَعَالِمُكَ، وَيَظْهَرُ

ولی دشمنیت ناکام شود؛ آثار و نشانه‌های تو برپا گردد، و

فِيهِ أَوْامِرُكَ، وَتَتَكَفَّفُ فِيهِ عَوَادِي عِدَاتِكَ. اللَّهُمَّ

دستورات آشکار شود، و بهره‌هایی که وعده دادی فراهم و آماده گردد. خدایا؛

بَادِرْنَا مِنْكَ بِدَارِ الرَّحْمَةِ، وَبَادِرْ أَعْدَاكَ مِنْ بَأْسِكَ

شتاب کن نسبت به ما شتاب رحمت، و شتاب کن نسبت به دشمنان از روی خشم و غضب،

بِدَارِ النَّقْمَةِ. اللَّهُمَّ أَعِنَّا وَأَعِزَّنَا، وَارْفَعْ نَقْمَتَكَ عَنَّا،

شتاب انتقام و مجازات. بارالها؛ به ما کمک کن و به فریادمان برس؛ و گرفتاری و کيفر و خشم را از ما بردار،

وَأَحِلِّهَا بِالْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۱.

و آن را نصیب گروه‌های ستمگر کن.



دعای دیگر امام جواد علیه السلام در فنون

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ بِلَا أَوْلِيَّةٍ مَعْدُودَةٍ، وَالْآخِرُ بِلَا

بارالها؛ تو اول هستی، ولی اولیت تو شمارش شده عددی نیست؛ و پایان هستی، ولی

آخِرِيَّةٍ مَحْدُودَةٍ، أَنْشَأْتَنَا لِإِعْلَالِ اقْتِسَاراً، وَاخْتَرَعْتَنَا

انتها و محدودیت نداری؛ به وجود آوردی ما را نه به خاطر علنی از روی اکراه و اجبار، و آفریدی ما

لَا لِحَاجَةٍ اقْتِدَاراً، وَابْتَدَعْتَنَا بِحِكْمَتِكَ اخْتِياراً،

را نه به خاطر حاجتی و نیازی از روی اقتدار و توانمندی و پدید آوردی ما را به حکمت از روی اختیار،

وَبَلَّوْتَنَا بِأَمْرِكَ وَنَهْيِكَ اخْتِياراً، وَأَيَّدْتَنَا بِالْأَلَاتِ،

و با فرمان و نهی خود؛ ما را آزمایش کردی؛ و با وسایلی که در اختیارمان قرار دادی، زمینه موفقیت‌مان را فراهم

وَمَنْحَتْنَا بِالْأَدْوَاتِ، وَكَلَّفْتَنَا الطَّاقَةَ، وَجَشَّمْتَنَا الطَّاعَةَ،

نمودی، و ادوات مختلف به ما بخشیدی؛ تا حدی که توان داریم بر ما تکلیف فرمودی، و فرمان برداری‌ها به ما تکلیف

فَأَمَرْتَنَا تَخِييراً، وَنَهَيْتَنَا تَحْذِيراً، وَخَوَّلْتَنَا كَثِيراً،

کردی؛ دستور دادی ولی ما را در اطاعت مختار کردی، و بازداشتی و ما را بر حذر داشتی؛ نعمت‌های بسیاری دادی،

وَسَأَلْتَنَا يَسِيراً، فَعَصِي أَمْرِكَ فَحَلُمْتُ، وَجَهْلَ قَدْرِكَ

ولی درخواست (عبادت) کمی نمودی؛ دستورت، نافرمانی شد ولی بردباری کردی؛ ارزش و منزلت دانسته نشد، ولی

فَتَكْرَمْتَ. فَأَنْتَ رَبُّ الْعِزَّةِ وَالْبَهَاءِ، وَالْعِظَمَةِ

رفتر بزرگواریه در پیش گرفتی (و مجازات را به تأخیر انداختی). بدین سان، تو پروردگار صاحب عزت و فخر و شکوه و

وَالْكِبْرِيَاءِ، وَالْإِحْسَانِ وَالنَّعْمَاءِ، وَالْمَنْنِ وَالْأَلَاءِ،

عظمت و کبریایی، و احسان و نعمت و لطف و عنایت

وَالْمِنْحِ وَالْعَطَاءِ، وَالْإِنْجَازِ وَالْوَفَاءِ، وَلَا تُحِيطُ

و بخشش و عطا هستی، وعدهات را تحقق میبخشی و وفا می کنی.

الْقُلُوبُ لَكَ بِكُنْهِ، وَلَا تُدْرِكُ الْأَوْهَامُ لَكَ صِفَةً،

قلبها به کنه و حقیقت تو احاطه نمی یابند؛ وهمها و خیالها نمی توانند صفات تو را دریابند؛

وَلَا يُشَبِّهُكَ شَيْءٌ مِنْ خَلْقِكَ، وَلَا يُمَثِّلُ بِكَ شَيْءٌ مِنْ

هیچ یک از آفریدگانت شبیه تو نیستند؛ هیچ یک از ساخته های تو را نمی توان به تو مثال زد؛

صَنَعَتِكَ، تَبَارَكْتَ أَنْ تُحَسَّ أَوْ تُمَسَّ أَوْ تُدْرِكَكَ

بالاتر از آن هستی که حس شوی، یا لمس شوی، یا با

الْحَوَاسِ الْخَمْسِ، وَأَنْتَ يُدْرِكُ مَخْلُوقُ خَالِقِهِ،

حواس پنجگانه دریافت شوی. کجا می تواند آفریده، آفریننده خود را درک کند؟

وَتَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا.

خدایا؛ تو از آن چه ستمکاران می گویند، برتر و بزرگتر هستی.

اللَّهُمَّ أَدِلْ لِأَوْلِيَائِكَ مِنْ أَعْدَائِكَ الظَّالِمِينَ الْبَاغِينَ

بارالها؛ دوستانت را بر دشمنان ستمکار، متجاوز،

النَّاكِثِينَ الْقَاسِطِينَ الْمَارِقِينَ، الَّذِينَ أَضَلُّوا عِبَادَكَ،

پیمان شکن و نابکار و از دین بیرون روندگانت غلبه و چیرگی و استیلا بیخوش؛ دشمنانی که بندگانت را گمراه،

وَحَرَّفُوا كِتَابَكَ، وَبَدَّلُوا أَحْكَامَكَ، وَجَحَدُوا حَقَّكَ،

قرآن را تحریف، دستورات دینیت را عوض کرده، و حق تو را انکار کردند؛

وَجَلَسُوا مَجَالِسَ أَوْلِيَائِكَ، جُرْأَةً مِنْهُمْ عَلَيْكَ، وَظُلْمًا

و جایگاه مخصوص اولیای تو را اشغال کردند، و این کار را از روی بی باکی و جرأت بر تو انجام دادند

مِنْهُمْ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، عَلَيْهِمْ سَلَامُكَ وَصَلَوَاتُكَ

و از روی ستم کردن بر اهل بیت پیامبرت - که درود و سلام و رحمت

وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ، فَضَلُّوا وَأَضَلُّوا خَلْقَكَ، وَهَتَكُوا

و برکاتت بر ایشان نثار باد - انجام دادند. و با این کارشان گمراهی خود را ثابت کرده، مردم را نیز گمراه نمودند،

حِجَابَ سِتْرِكَ عَنْ عِبَادِكَ. وَاتَّخَذُوا اللَّهُمَّ مَا لَكَ دُولًا،

و پرده پوشش تو را از بندگانت دریدند. خدایا؛ این دشمنان پست، دارایی های ویژه تو را به عنوان دولت و سرمایه در

وَعِبَادَكَ حَوْلًا، وَتَرَكَوا اللَّهُمَّ عَالِمَ أَرْضِكَ فِي بَكْمَاءِ

اختیار خود گرفتند، و بندگانت را غلام و کنیز خودشان کردند. خدایا؛ عالم و دانشمندی روی زمینت را رها کردند؛ در

عَمِيَاءَ ظُلْمَاءَ مُدْلَهَمَةً، فَأَعْيَنَهُمْ مَفْتُوحَةً، وَقَلْبُوبَهُمْ

حال کری و کوری و در فضایی که تاریک و فاسد بود. بدین سان، شرایطی پیش آمد که چشمانشان باز بود و می دید،

عَمِيَّةً، وَلَمْ تُبْقِ لَهُمُ اللَّهُمَّ عَلَيْكَ مِنْ حُجَّةٍ، لَقَدْ حَدَّرْتَ

ولی قلبهایشان کور بود. خدای بزرگ؛ حتی بر تو برای ایشان باقی نماند، و آنها را

اللَّهُمَّ عَذَابِكَ، وَبَيَّتَتْ نَكَالِكَ، وَوَعَدَتْ الْمُطِيعِينَ

از عذابت ترسانیدی، و تهدیدهای شدیدت را بیان نمودی؛ به فرمان بردارانت، وعده نیکی و

إِحْسَانِكَ، وَقَدَّمْتَ إِلَيْهِمُ بِالنُّذْرِ فَأَمَنْتَ طَائِفَةً. فَأَيِّدِ

احسان دادی، و پیش تر برای آنان بیم دهندگانی فرستادی و از عذابت ترسانیدی؛ تا در نهایت، گروهی ایمان آوردند.

اللَّهُمَّ الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدْوِكَ وَعَدُوِّ أَوْلِيَائِكَ،

بارالها؛ آن گروهی را که ایمان آوردند بر دشمن خودت و دشمن اولیا و دوستانت تأیید و یاری کن،

فَأَصْبِحُوا ظَاهِرِينَ، وَإِلَىٰ الْحَقِّ دَاعِينَ، وَاللِّامَامِ

تا صبحره و پیروز گردند، و به حق و حقیقت فراخوانند، و دنباله رو پیشوای

الْمُنْتَظَرِ الْقَائِمِ بِالْقِسْطِ تَابِعِينَ، وَجَدِّدِ اللَّهُمَّ عَلَىٰ

موردانتظاری باشند که برای برقراری عدل و داد قیام می‌کند. خدایا؛

أَعْدَائِكَ وَأَعْدَائِهِمْ نَارَكَ وَعَذَابِكَ، الَّذِي لَا تَدْفَعُهُ عَنِ

آتش جهنم و عذاب خود را - که از گروه ستمگران، برطرف نخواهی کرد - را بر دشمنانت و دشمنان

الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

اولیای پیوسته تازه کن. خدایا؛ درود پیوسته‌ات را بر محمد و آل محمد بفرست؛

وَقَوِّ ضَعْفَ الْمُخْلِصِينَ لَكَ بِالْمَحَبَّةِ، الْمَشَاعِرِ لَنَا

و ناتوانی کسانی را که دوستی و محبت خالصانه با تو دارند، تبدیل به قوت‌مندی و نیرو کن؛ همان دوستانی که

بِالْمَوَالَةِ، الْمُتَّبِعِينَ لَنَا بِالتَّصَدِيقِ وَالْعَمَلِ، الْمَوَازِرِينَ

با موالات و دوستی فرمان بردارانه‌شان، از ما پیروی می‌کنند، و با تصدیق زبانی و عملی و قلبی دنباله‌رو ما هستند، و با

لَنَا بِالْمَوَاسَاةِ فِينَا، الْمُحِبِّينَ ذِكْرُنَا عِنْدَ اجْتِمَاعِهِمْ،

مواسات و رفتار دوستانه با یکدیگر به خاطر ما، به ما کمک می‌رسانند، و هرگاه گرد هم می‌آیند عاشق یاد ما هستند.

وَشَدِّدِ اللَّهُمَّ رُكْنَهُمْ، وَسَدِّدِ اللَّهُمَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي

خدایا؛ پایه و اساس ایشان را محکم و قوی فرما و استوار گردان برای ایشان دینشان را

ارْتَضَيْتَهُ لَهُمْ، وَأَتِمِّمْ عَلَيْهِمْ نِعْمَتَكَ، وَخَلِّصْهُمْ

که برای آن‌ها پسندیده‌ای، و نعمتت را بر آن‌ها کامل گردان، و آن‌ها را خالص گردان

وَاسْتَخْلِصْهُمْ، وَسُدِّدِ اللَّهُمَّ فَقْرَهُمْ، وَالْأُمَمِ اللَّهُمَّ شَعَثَ

و برگزین، و نیازشان را برطرف کن، و گرفتاری و بیچارگی و پریشانی فقرشان را جبران فرما.

فَأَقْتِهِمْ. وَاعْفِرِ اللَّهُمَّ ذُنُوبَهُمْ وَخَطَايَاهُمْ، وَلَا تَزِغْ

و گناهان و اشتباهات‌شان را ببخش، و پس از هدایت‌شان

قُلُوبَهُمْ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ، وَلَا تُخْلِهِمْ أَيُّ رَبِّ بِمَعْصِيَتِهِمْ،

دل‌های‌شان را منحرف مساز، و به سبب نافرمانیت - ای پروردگار؛ - تنها و رهایشان مساز،

وَاحْفَظْ لَهُمْ مَا مَنَحْتَهُمْ بِهِ مِنَ الطَّهَارَةِ بِوِلَايَةِ

و پاکی و طهارتی که به واسطه ولایت و دوستی ما (اهل بیت)

أَوْلِيَائِكَ، وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ، إِنَّكَ سَمِيعٌ مُجِيبٌ،

و دشمنی و بی‌زاری از دشمنان ما نصیب‌شان ساختی برای ایشان نگه دار؛ به راستی که تو شنوا و اجابت‌کننده هستی؛

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ. ۱

و خداوند، بر محمد و آل پاک و پاکیزه‌اش درود پیوسته نثار کند.

۱. مهج الدعوات: ۸۰، البلد الأمين: ۶۵۶.

قنوت حضرت امام هادی علیه السلام

اللَّهُمَّ مَنَاهِلُ كَرَامَاتِكَ بِجَزِيلِ عَطِيَّاتِكَ مُشْرَعَةٌ،

بار الها؛ چشمه‌های کرامت و بزرگواری تو، با بخشش‌های شایانت پرآب است؛

وَأَبْوَابُ مُنَاجَاتِكَ لِمَنْ أَمَكَ مُشْرَعَةٌ، وَعَطُوفُ

درهای مناجات و رازگویی تو، برای هر کسی که تو را قصد کرده باز است؛ نگاه‌های

لِحَظَاتِكَ لِمَنْ ضَرَعَ إِلَيْكَ غَيْرُ مُنْقَطِعَةٍ، وَقَدْ أَلْجَمَ

مهربانهات پیوسته به کسانی که در نهایت خواری و فروتنی به درگاہت روی آورده‌اند می‌رسد؛ این

الْحِذَارُ، وَاشْتَدَّ الْأَضْطِرَارُ، وَعَجَزَ عَنِ الْأَضْطِبَارِ

در حالی است که ترس و هراس به نهایت و اضطرار و سردرگمی و بیچارگی شدید گشته،

أَهْلُ الْأَيْتِنَارِ. وَأَنْتَ اللَّهُمَّ بِالْمَرَضِ مِنَ الْمُكَارِ،

و منتظران نیز از صبر بیش‌تر ناتوان شده‌اند. خدایا؛ تو در کمینگاه حيله‌گران هستی،

وَعَيْرُ مَهْمَلٍ مَعَ الْأِمْهَالِ، وَاللَّائِذُ بِكَ آمِنٌ، وَالرَّاعِبُ

و با وجود مهلت‌هایی که می‌دهی ولی کار را رها نکرده‌ای؛ تنها، هر کس به تو تکیه کند در آرامش و امنیت است، و هر

إِلَيْكَ غَانِمٌ، وَالْقَاصِدُ اللَّهُمَّ لِبَابِكَ سَالِمٌ. اللَّهُمَّ فَعَاجِلُ

کس مشتاق تو باشد بهره‌مند است، و تنها هر کس - خدایا - آهنگ دربار تو کرده، سالم می‌ماند. بار الها؛

مَنْ قَدِ امْتَرَّ فِي طُغْيَانِهِ، وَاسْتَمَرَ عَلَى جَهَائْتِهِ لِعُقْبَاهُ

مجازات را زودتر به کسانی برسان که سرکشی را به نهایت رسانیده، و ادامه داده است به خاطر نادانی‌اش نسبت به

فِي كُفْرَانِهِ، وَأَطْمَعَهُ حِلْمَكَ عَنْهُ فِي نَيْلِ إِرَادَتِهِ، فَهُوَ

سرانجام کارش در کفر ورزیدن و ناسپاسی‌اش، و بردباری تو، موجب طمع او نسبت به پیگیری مقاصدش شده

يَتَسَرَّعُ إِلَى أَوْلِيَائِكَ بِمَكَارِهِهِ، وَيُواصِلُهُمْ بِقَبَائِحِ

است و بدین جهت به سرعت نسبت به دوستان و اولیای تو بدی می‌کند، و دام‌های زشت خود را

مَرَاصِدِهِ، وَيَقْصُدُهُمْ فِي مَظَانِهِمْ بِأَذِيَّتِهِ. اللَّهُمَّ اكْشِفْ

پیوسته در راه‌شان فرار می‌دهد، و به قصد اذیت ایشان به موضع و محل آنان می‌رود. خداوندا؛

الْعَذَابَ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ، وَابْعَثْ جَهْرَةً عَلَى الظَّالِمِينَ.

عذاب و کیفر خود را از مؤمنان برطرف کن و به صورت آشکار آن را بر ستمگران برانگیز،

اللَّهُمَّ اكْفِ الْعَذَابَ عَنِ الْمُسْتَجِيرِينَ، وَاصْبِئْهُ عَلَى

بار الها؛ عذابت را از کسانی که به تو پناه آورده‌اند بازدار، و بر سر

الْمُغِيرِينَ. اللَّهُمَّ بَادِرُ عَصْبَةِ الْحَقِّ بِالْعَوْنِ، وَبَادِرُ

تغییردهندگان بریز. خدایا؛ کمک سریعیت را به جمعیت حق و حقیقت برسان،

أَعْوَانَ الظُّلْمِ بِالْقَصْمِ. اللَّهُمَّ أَسْعِدْنَا بِالشُّكْرِ، وَامْتَحِنَا

و شکست و نابودیت را به سرعت نصیب کمک‌رسانان ستم و ظلم کن. خدایا؛ با سپاسگزاری ما را خوشبخت گردان،

النَّصْرَ، وَأَعِدْنَا مِنْ سُوءِ الْبَدَارِ وَالْعَاقِبَةِ وَالْخَيْرِ. ١

و پیروزیت را نصیب ما کن، و از بدی‌های شتابان، و بدی عاقبت، و فریفته‌شدن در امان دار.

دعای امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت

امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت خود این دعا را می خواندند؛ هنگامی که مردم قم از موسی بن بغی به آن حضرت شکایت کردند، دستور فرمود این دعا را (در قنوت) بخوانند: ^۱

۱. در کتاب «مکیال المکارم» می نویسد: این دعای قنوت، از مولای ما، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است، و شیخ طوسی رحمته الله در کتاب «المصباح» و نیز «مختصر المصباح» خود در باب دعاها قنوت نماز و تر یاد آور شده است. سید بن طاووس رحمته الله در کتاب «مهج الدعوات» در باب دعاها قنوت امامان علیهم السلام ذکر کرده است، لیکن بر اساس برخی روایات - به نظر می رسد که این دعا به وقت خاصی تعلق ندارد؛ گرچه بهتر است در اوقات ویژه و مخصوص و دارای فضیلت بیش تر، خوانده شود.

از روایت سید بن طاووس رحمته الله و دیگر روایات برمی آید که این دعا دارای اثری ویژه و کامل برای راندن ستمگر، و گرفتن حق ستمدیدگان از ستمگران است؛ به همین جهت، می توان از این مطلب استفاده کرد که یکی از فایده های این دعا اگر برای درخواست فرج و ظهور و یاری امام زمان علیه السلام خوانده شود آن است که ستمگر و بدی و سلطه او دفع گردد.

سید بن طاووس رحمته الله در مورد این دعا می فرماید: امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت خود این دعا را خوانده و به مردم قم - که از موسی بن بغی شکایت کرده بودند - نیز دستور خواندن این دعا را داد. (پایان سخن سید بن طاووس رحمته الله).

نویسنده کتاب «منح البرکات» - که شرحی است بر کتاب «مهج الدعوات» - از کتاب «إعلام الوری فی تسمیة القرئ» (نوشته ابوسعید اسماعیل بن علی سمعانی حنفی) نقل می کند که: موسی بن بغی بن کلب بن شمر بن مروان بن عمرو بن غطه؛ از یاران متوکل عباسی لعنه الله و از کارگزاران او بود که بر قم فرمان روایی می کرد. این خبیث ناپاک، همان کسی است که متوکل ←

الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا لِنِعْمَائِهِ ، وَاسْتِدْعَاءً لِمَزِيدِهِ ،

سپاس و ستایش سزاوار خداوند است، از جهت شکرگزاری نعمت هایش، و درخواست فزونی آن،

→ ملعون، دستور ویران کردن قبر مولایمان حضرت امام حسین علیه الصلاة والسلام و تبدیل آن جا به یک مزرعه را؛ به او داد.

وی، ستمگری خونریز و حرمت شکن، و حاکم قم بود و بیش از ده سال بر مردم این شهر حکم رانی می نمود. مردم قم به شدت از او می ترسیدند، چون به شدت نسبت به پیشوایان بزرگوار علیهم السلام عناد می ورزید و در میان مردم قم ایجاد فساد می نمود و آن ها را با قتل و کشتار تهدید نموده و بر این امر مصمم بود. تا آن که از او به امام حسن عسکری علیه السلام شکایت کردند، و آن حضرت دستور دادند که مردم قم، «نماز مظلوم» را بخوانند، و موسی بن بغی (حاکم وقت قم) را نفرین کنند و برای نفرین به او این دعا را بخوانند. پس از این که مردم قم این کار را انجام دادند، خداوند حتی به اندازه یک چشم برهم زدن به آن حاکم ستمگر مهلت نداد، و به سختی و مقتدرانه او را نابود کرد.

نویسنده کتاب مزبور می گوید: این گفتار نگارنده کتاب «منح البرکات» را نقل به معنا کردم؛ چون، آن کتاب به زبان فارسی است، وی چگونگی خواندن «نماز مظلوم» را بیان نکرده است؛ لیکن، در بخش نمازها به بیان «نماز مظلوم» که در کتاب «مکارم الأخلاق» یافتیم، می پردازیم. (مکیال المکارم: ۲/ ۸۵).

نویسنده «مکیال المکارم» در بخشی دیگر از کتاب خود می گوید: نماز مظلوم بدین صورت است که دو رکعت نماز - با هر سوره ای که خواستی - می خوانی، و هر قدر توانستی بر محمد و آل محمد علیهم السلام صلوات می فرستی؛ سپس می گویی:

اللَّهُمَّ إِنَّ لَكَ يَوْمًا تَنْتَقِمُ فِيهِ لِلْمَظْلُومِ مِنَ الظَّالِمِ، لَكِنَّ هَلَعِي وَجَزَعِي

بارها! تو، روزی را داری که در آن روز برای ستمدیده از ستمگر انتقام می گیری؛ لیکن، بی صبری و زودرنجی من

لَا يَبْلُغَانِ بِي الصَّبْرَ عَلَى أَنْتَاكَ وَجَلْمِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ فُلَانًا ظَلَمَنِي،

نمی گذارد بتوانم نسبت به مهلت دادن و برداری تو (با ستمگران) صبر کنم و تاب بیاورم، خدایا! به خوبی می دانی که فلان شخص بر من ←

وَاسْتِخْلَاصاً لَهُ وَبِهِ دُونَ غَيْرِهِ، وَعِيَاذاً بِهِ مِنْ كُفْرَانِهِ

و طلب رهایی به سبب آن نه غیر آن، و پناه بردن به سبب آن از ناسپاسی او

وَالْإِلْحَادِ فِي عَظَمَتِهِ وَكِبْرِيَاءِهِ، حَمْدَ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّ مَا

و انکار عظمت و کبریایی‌اش. ستایش کردن کسی که می‌داند

بِهِ مِنْ نِعْمَائِهِ فَمِنْ عِنْدِ رَبِّهِ، وَمَا مَسَّهُ مِنْ عُقُوبَتِهِ

هر نعمتی دارد از پروردگارش است، و هر بدبختی و مجازاتی که به او رسیده است

فَيْسُوءٍ جَنَائِيَةٍ يَدِهِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِهِ

از جنایت و بدکاری‌های خودش است. و خداوند، بر محمد - که بنده

وَرَسُولِهِ، وَخَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ، وَذَرِيعَةِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى

و فرستاده اوست، و برگزیده الهی از بین مخلوقات او می‌باشد، و وسیله مؤمنان برای رسیدن به رحمت خداوند

رَحْمَتِهِ، وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَوَلَاةِ أَمْرِهِ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ نَدَبَتْ

می‌باشد. و نیز بر آل آن حضرت، خاندان پاک‌ی که امر و فرمان الهی را عهده‌دارند درود پیوسته فرستد. بار الهی! به

→ وَاعْتَدِي عَلَيَّ بِقُوَّتِهِ عَلَى ضَعْفِي، فَأَسْأَلُكَ يَا رَبَّ الْعِزَّةِ، وَتَسَامِمِ

ستم روا داشته است؛ و با قدرت و توانی که دارد و با توجه به ناتوانی من در برابر او، نسبت به حقوق من تجاوز کرده است پس ای خدای

الْأَرْزَاقِ، وَتَقَاصِمِ الْجَبَابِرَةِ، وَنَاصِرِ الْمَظْلُومِينَ، أَنْ تُرِيَهُ قُدْرَتَكَ،

صاحب عزت؛ ای تقسیم‌کننده روزی‌ها؛ ای یاور و پیروزکننده ستم‌دیدگان؛ از تو درخواست می‌کنم توان و قدرتت را به او

أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ يَا رَبَّ الْعِزَّةِ، السَّاعَةَ السَّاعَةَ.

بنمایانی و نشان دهی ای پروردگار عزت‌مند؛ تو را سوگند می‌دهم که این کار را همین حالا و در همین ساعت، در همین ساعت، انجام دهی.

(مکیال المکارم: ۲/ ۸۶)

إِلَى فَضْلِكَ، وَأَمَرْتَ بِدُعَائِكَ، وَضَمِنْتَ الْإِجَابَةَ

راستی که تو، تشویق به فضل و احسانت کردی، و دستور دادی تو را بخوانند، و پاسخ مثبت خود را برای بندگانی که

لِعِبَادِكَ، وَلَمْ تُخَيِّبْ مَنْ فَرَعَ إِلَيْكَ بِرَغْبَتِهِ، وَقَصَدَ

دعاکنند تضمین نمودی؛ اگر کسی با اشتیاق خود به تو پناه آورد و برای بلورده شدن حاجت خویش

إِلَيْكَ بِحَاجَتِهِ، وَلَمْ تَرْجِعْ يَدُ طَالِبَتِهِ صِفْراً مِنْ عَطَائِكَ،

به درگاه تو روی آورد او را ناامید نمی‌کنی؛ دستی را که به درخواست به سویت آمده است، خالی از بخشش و عطای

وَلَا خَائِبَةً مِنْ نَحْلِ هِبَاتِكَ، وَأَيُّ رَاحِلٍ رَحَلَ إِلَيْكَ

خود بر نمی‌گردانی، و از هدیه‌های خوبت محروم نمی‌گردانی، تا به حال، کدام کوچ‌کننده‌ای به سوی تو کوچ کرده

فَلَمْ يَجِدْكَ قَرِيباً، أَوْ وَاوِدٍ وَفَدَّ عَلَيْكَ فَاقْتَطَعْتَهُ

است و تو را نزدیک نیافته است؟ یا کدام واردشونده‌ای بر تو وارد شده، او را

عَوَائِقُ الرَّدِّ دُونَكَ، بَلْ أَيُّ مُحْتَفِرٍ مِنْ فَضْلِكَ لَمْ

رد کرده و پذیرایی ننموده‌ای؟ بلکه کدام کسی است که فضل تو را کاوش کند و از

يُمِهُهُ فَيَنْصُ جُودِكَ، وَأَيُّ مُسْتَنْبِطٍ لِمَزِيدِكَ أَكْدَى

سرچشمه جود و بخشش تو سیراب نگردد؟ و کدام کسی است که در جستجوی فزونی از جانب تو باشد،

دُونَ اسْتِمَاحَةِ سِجَالِ عَطِيَّتِكَ. اللَّهُمَّ وَقَدْ قَصَدْتُ

و از عطای فراوان تو بهره‌مند نگردد؟ بارالها! و من با شوق و

إِلَيْكَ بِرَغْبَتِي، وَقَرَعْتُ بَابَ فَضْلِكَ يَدُ مَسْأَلَتِي،

علاقه‌ای وصف‌ناپذیر، به قصد حضرت تو آمدم؛ و با دست خواهش خود، درگاه فضل و فزون‌بخش تو را کوبیدم؛

وَنَاجَاكَ بِخُشُوعِ الْإِسْتِكَانَةِ قَلْبِي، وَوَجَدْتُكَ خَيْرَ

و قلبم در نهایت بیچارگی و خاشعانه به مناجات و رازگویی با تو پرداخته است؛ و تو را بهترین

شَفِيعَ لِي إِلَيْكَ، وَقَدْ عَلِمْتَ مَا يَخْدُثُ مِنْ طَلِبَتِي

واسطه خود برای شفاعت به سوی تو یافتم؛ و به خوبی می‌دانی خواسته‌های نو و تازه‌ام را،

قَبْلَ أَنْ يَخْطُرَ بِفِكْرِي، أَوْ يَقَعَ فِي خَلْدِي، فَصَلِّ

پیش از آن‌که از اندیشه من بگذرد، یا در روان من بیفتد. پس،

اللَّهُمَّ دُعَائِي إِيَّاكَ بِإِجَابَتِي، وَاشْفَعْ مَسْأَلَتِي بِنُجْحِ

- خداوندا - دعایم را به اجابت برسان، و درخواستم را به دست‌یابی به خواهمش برآورده ساز.

طَلِبَتِي. اللَّهُمَّ وَقَدْ شَمَلْنَا زَيْغَ الْفِتَنِ، وَاسْتَوْلَتْ

بارالها؛ فتنه‌های گمراه‌کننده، ما را در بر گرفته است؛ و فرو رفتن در

عَلَيْنَا غَشْوَةُ الْحَيْرَةِ، وَقَارَعَنَا الذُّلُّ وَالصَّغَارُ، وَحَكَمَ

حیرت و سردرگمی بر ما چیره شده است؛ و خواری و کوچکی، ما را درهم کوبیده است؛ و کسانی که

عَلَيْنَا غَيْرُ الْمُأْمُونِينَ فِي دِينِكَ، وَابْتَزَّ أُمُورَنَا مَعَادِنُ

امین در دین تو نیستند، حاکم بر ما شده‌اند؛ و امور ما به دست افرادی از معدن‌های

الْأَبْنِ مِمَّنْ عَطَلَ حُكْمَكَ، وَسَعَى فِي إِتْلَافِ عِبَادِكَ

ابنه و عیب افتاده از کسانی که تعطیل‌کننده دستورات تو، و تلاش‌گر در جهت تلف کردن و نغله کردن بندگان تو،

وَإِفْسَادِ بِلَادِكَ. اللَّهُمَّ وَقَدْ عَادَ فَيْئُنَا دَوْلَةً بَعْدَ الْقِسْمَةِ،

و خراب کردن و به فساد کشیدن شهرهای تو هستند. خدا یا؛ پس از این که غنیمت ما را - بعد از تقسیم میان خود -

وَإِمَارَتُنَا غَلَبَةً بَعْدَ الْمَشُورَةِ، وَعُدْنَا مِيرَاثًا بَعْدَ

مایه چیرگی و استیلای خویش قرار دادند؛ و پس از آن که فرمانروایی را به ما دادی، آن را بر اساس شوری به کسی

الْإِخْتِيَارِ لِلْأُمَّةِ، فَاشْتَرَيْتِ الْمَلَاهِي وَالْمَعَارِفُ بِسَهْمِ

دیگر دادند؛ و پس از آن که برگزیده الهی بودیم به عنوان ارث آن‌ها شدیم. بدین‌سان، وسایل لهو و لعب و

الْيَتِيمِ وَالْأَزْمَلَةِ، وَحَكَمَ فِي أَبْشَارِ الْمُؤْمِنِينَ أَهْلُ

خوشگذرانی با بهره و نصیب یتیمان و بیوه‌زنان از بیت‌المال خریداری شد، و اهل ذمه، حاکم و فرمانروای مؤمنان

الذَّمَّةِ، وَوَلِيَ الْقِيَامَ بِأُمُورِهِمْ فَاسِقُ كُلِّ قَبِيلَةٍ، فَلَا

راستین شدند؛ و فاسقان هر قبیله‌ای، سرپرست امور آن‌ها شدند، دیگر در این شرایط نه کسی بود

ذَائِدَ يَذُودُهُمْ عَنْ هَلَاكَةٍ، وَلَا زَاعَ يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ بَعِينِ

تا ایشان را از نابودشدن و هلاکت نجات بخشد؛ و نه سرپرستی که مراعات کند و با دیده

الرَّحْمَةِ، وَلَا ذُو شَفَقَةٍ يُشْبِعُ الْكَبِدَ الْحَرِيَّ مِنْ مَسْغَبَةٍ،

رحمت به سوی ایشان ننگرد؛ و نه کسی پیداشد تا دلش بسوزد و جگر سوزان آن‌ها را از گرسنگی نجات بخشد و سیر

فَهُمْ أَوْلُوا ضَرْعَ بِدَارٍ مَضْبَعَةٍ، وَأَسْرَاءُ مَسْكَنَةٍ،

کند؛ بدین‌سان، آنان در سرایی تباه‌شده با خواری بسر می‌برند؛ و اسیرانی بیچاره،

وَخَلْفَاءُ كَابَةِ وَذَلَّةٍ. اللَّهُمَّ وَقَدْ اسْتَحْصَدَ زَرْعُ الْبَاطِلِ،

و جانشینیانی غم و اندوه و خوارشده گشتند. بارالها؛ در واقع، زمان برداشت کشتزار باطل و نادرستی فرا رسید،

وَبَلَغَ نَهَايَتَهُ، وَاسْتَحْكَمَ عَمُودَهُ، وَاسْتَجْمَعَ طَرِيدُهُ،

و به نهایت رسید و پایه و ستونش محکم شد و رانده‌شدگان‌شان گردآوری شدند،

وَخَذَرَفَ وَلَيْدُهُ، وَبَسَقَ فَرْعُهُ، وَضُرِبَ بِجِرَانِهِ.

و نسل‌شان زیاد شد، و شاخ و برگ دوآندند، و پایه‌های حکومت‌شان استوار و مستقر گردیدند.

اللَّهُمَّ فَاتِحَ لَهُ مِنَ الْحَقِّ يَدًا حَاصِدَةً تَصَدَعُ قَائِمَهُ،

بارها؛ دست توانایی از حق را برای برکندن ریشه و اساس باطل آماده ساز؛

وَتَهْشُمُ سَوْقَهُ، وَتَجُبُّ سَنَامَهُ، وَتَجْدَعُ مَرَاغِمَهُ،

تا بازارش را کساد، و علو و برتری آن را از بین ببرد، و دماغ‌شان را به خاک بمالد؛

لَيْسَتْخَفِي الْبَاطِلُ بِقُبْحِ صُورَتِهِ، وَيُظْهَرُ الْحَقُّ بِحُسْنِ

تا در نتیجه، باطل مجبور شود چهره زشتش را پنهان کند، و حق و حقیقت نیز چهره زیبا و نیکوی

حُلِيِّهِ. اللَّهُمَّ وَلَا تَدْعُ لِلْجَوْرِ دِعَامَةً إِلَّا قَصَمْتَهَا، وَلَا

خود را آشکار گرداند. خدایا؛ تمام ارکان و پایه‌های باطل را درهم بشکن؛

جُنَّةً إِلَّا هَتَكْتَهَا، وَلَا كَلِمَةً مُجْتَمِعَةً إِلَّا فَرَّقْتَهَا، وَلَا

تمام سپرهایش را دریده، و اجتماع کلمه و اتحادش را پراکنده،

سَرِيَّةً تِقَلُ إِلَّا خَفَّفْتَهَا، وَلَا قَائِمَةً عُلُوًّا إِلَّا حَطَّطْتَهَا،

و لشکر سنگینش را بی‌ارزش (و خلع سلاح) فرما، تمام پایه‌های بلند و برتری‌اش را به زیر کشیده،

وَلَا رَافِعَةَ عِلْمٍ إِلَّا نَكَّسْتَهَا، وَلَا خَضْرَاءَ إِلَّا أَبْرَتَهَا.

و تمام علم‌ها و پرچم‌های برافراشته‌اش را سرنگون، و تمام سبزه‌زارهایش را خشک کن.

اللَّهُمَّ فَكُوِّرْ شَمْسَهُ، وَحُطَّ نُورُهُ، وَاطْمَسَ ذِكْرُهُ،

خدایا؛ خورشید باطل را تاریک و خاموش گردان، و روشنی‌اش را از بین ببر، و یادش را محو و ناپدید گردان؛

وَأَزِمِ بِالْحَقِّ رَأْسَهُ، وَفُضَّ جُيُوشَهُ، وَأَزْعَبَ قُلُوبَ

به واسطه حق و حقیقت، سرش را بیفکن؛ و سپاهیان‌ش را پراکنده ساز؛ و دل‌های آن‌ها را پراز

أَهْلِهِ. اللَّهُمَّ وَلَا تَدْعُ مِنْهُ بَقِيَّةً إِلَّا أَفْنَيْتَ، وَلَا بُنْيَةً إِلَّا

رعب و وحشت کن. خدایا؛ از باطل هیچ‌باقی مانده‌ای نگذار، و همه را نابود ساز؛ تمام‌ساختمان‌هایش

سَوَّيْتِ، وَلَا حَلَقَةً إِلَّا قَصَمْتِ، وَلَا سِلَاحًا إِلَّا أَكَلَلْتِ،

را با خاک یکسان کن؛ تمام حلقه‌های محاصره آن‌ها را بشکن؛ تمام سلاح‌های آن را بی‌اثر کن؛

وَلَا حَدًّا إِلَّا فَلَطْتِ، وَلَا كُرَاعًا إِلَّا اجْتَحْتِ، وَلَا حَامِلَةً

لبه‌های تیز آن‌ها را بشکن؛ تمام چارپایان‌شان را نابود و بیچاره کن؛ و تمام پرچم‌داران‌شان

عَلِمَ إِلَّا نَكَّسْتِ. اللَّهُمَّ وَأَرِنَا أَنْصَارَهُ عِبَادِي بَعْدَ

را بر زمین بزن. خدایا؛ به ما بنمایان که یاران باطل، پس از آن که از یکدیگر جدا نمی‌شدند

الْأَلْفَةِ، وَشَتَّى بَعْدَ اجْتِمَاعِ الْكَلِمَةِ، وَمُقْنِعِي الرُّؤُوسِ

به بردگی رفته‌اند؛ و پس از آن که بایکدیگر وحدت داشتند و هم‌پیمان شده بودند، پراکنده‌گشته‌اند؛

بَعْدَ الظُّهُورِ عَلَى الْأُمَّةِ، وَأَسْفِرْنَا عَنْ نَهَارِ الْعَدْلِ،

و بعد از غلبه و چیرگی بر امت، سرافکننده و خوار شده‌اند. (خدایا؛ روز عدل و دادگری را برای ما آشکار کن،

وَأَرِنَاهُ سَرْمَدًا لَا ظُلْمَةَ فِيهِ، وَنُورًا لَا شُوبَ مَعَهُ،

و آن را به ما بنمایان در حالی که پاینده است و هیچ تاریکی در آن نیست، و روشنی‌اش بدون هیچ شائبه‌ای است،

وَاهْطِلْ عَلَيْنَا نَاشِئَتَهُ، وَأَنْزِلْ عَلَيْنَا بَرَكَتَهُ، وَأَدِلْ

و از باران همیشگی آن بر ما نازل، و برکتش را به ما برسان، و هر کسی

لَهُ مِمَّنْ نَاوَاهُ، وَأَنْصُرُهُ عَلَىٰ مَنْ عَادَاهُ. اللَّهُمَّ وَأَظْهِرِ

قصه بدی راجع به او دارد مغلوبش گردان، و او را بر تمام دشمنانش پیروز گردان. بارالها؛ حق را

الْحَقَّ، وَأَصْبِحْ بِهِ فِي عَسَقِ الظُّلْمِ وَبُهُمِ الْحَيْرَةِ.

آشکار کن، و صبح و پایان تاریکی‌ها و سرگردانی‌ها را برسان.

اللَّهُمَّ وَأَخِي بِهِ الْقُلُوبِ الْمَيِّتَةِ، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ

خدایا؛ به وسیلهٔ او قلب‌های مرده را زنده گردان، و گرایش‌های

الْمُتَفَرِّقَةَ، وَالْأَرَءَاءِ الْمُخْتَلِفَةَ، وَأَقِمْ بِهِ الْحُدُودَ

پراکنده را گرد هم آور، و نظرات متفاوت را یکی کن، و حدود

الْمُعْطَلَةَ، وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، وَأَشْبِعْ بِهِ الْخِمَاصَ

تعطیل‌شده را برپا دار، و دستورات دینی واگذاشته‌شده را دوباره به جریان بینداز، و

السَّاعِبَةَ، وَأَرِحْ بِهِ الْأَبْدَانَ اللَّاعِبَةَ الْمُتَعَبَةَ، كَمَا

گرسنگان را سیر گردان و بدن‌های رنجیده و سختی‌کشیده را آسوده و راحت گردان؛ همان‌گونه که

أَلْهَجْتَنَا بِذِكْرِهِ، وَأَخْطَرْتَ بِإِلَانَا دُعَاءَكَ لَهُ، وَوَقَّفْتَنَا

زبان ما را به یاد او گویا کردی، و بر قلب ما گذراندی که تو را به خاطر او بخوانیم و دعایش کنیم، و موقف‌مان گرداندی

لِلدُّعَاءِ إِلَيْهِ، وَحَيَاشَةَ أَهْلِ الْعَفْلَةِ عَنْهُ، وَأَسْكَنْتَ فِي

تا مردم را به سوی او فرا بخوانیم، و غافلان را از او دور کنیم؛ محبت و دوستی نسبت به او را در

قُلُوبِنَا مَحَبَّتَهُ، وَالطَّمَعَ فِيهِ، وَحُسْنَ الظَّنِّ بِكَ، لِإِقَامَةِ

دل ما جای دادی، و گرایش یافتن و میل کردن به او را، و خوش‌گمانی به خودت نسبت به برپا شدن

مَرَّاسِمِهِ. اللَّهُمَّ فَآتِنَا مِنْهُ عَلَىٰ أَحْسَنِ يَقِينٍ، يَا

دولت او را، در دل‌مان گذاشتی. بارالها؛ بهترین یقین نسبت به او را به ما بده؛ ای

مُحَقِّقِ الظُّنُونِ الْحَسَنَةِ، وَيَا مُصَدِّقَ الْأَمَالِ الْمُبْطِنَةِ.

تحقق‌بخش خوش‌گمانی‌ها؛ ای راست‌آورندهٔ آرزوهای درونی؛

اللَّهُمَّ وَأَكْذِبْ بِهِ الْمُتَأَلِّينَ عَلَيْكَ فِيهِ، وَأَخْلِفْ بِهِ

بارالها؛ به وسیلهٔ او کسانی را که در مورد او علیه تو حکم می‌کنند، تکذیب کن؛ و به واسطهٔ او

ظُنُونِ الْقَانِطِينَ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَالْآيِسِينَ مِنْهُ. اللَّهُمَّ

گمان‌های کسانی را که از رحمت تو ناامید و از او مایوس‌اند، نادرست گردان. خدایا؛

اجْعَلْنَا سَبَبًا مِنْ أَسْبَابِهِ، وَعَلِمًا مِنْ أَعْلَامِهِ، وَمَعْقَلًا

ما را وسیله‌ای از وسایل او و پرچمی از پرچم‌های او و پناهگاهی

مِنْ مَعَاقِلِهِ، وَنَصْرًا وَجُوهَنَا بِتَحْلِيلَتِهِ، وَأَكْرِمْنَا

از پناهگاه‌های او قرار ده؛ و چهره‌های ما را به واسطهٔ زینت‌بخشیدن او زیبا گردان؛ و ما را با

بِنُصْرَتِهِ، وَاجْعَلْ فِينَا خَيْرًا تُظْهِرُنَا لَهُ بِهِ، وَلَا تُشْمِتْ

باری نمودن او گرامی‌بار؛ و خیر و نیکی در ما قرار ده تا به وسیلهٔ آن ما را در نظر او قرار دهی؛ و ما

بِنَا حَاسِدِي النِّعَمِ، وَالْمُتَرَبِّصِينَ بِنَا حُلُولِ النِّدَمِ،

را مورد شمانت و سرزنش کسانی که به نعمت‌های ما حسادت می‌ورزند، و در کمین پشیمان‌شدن و

وَنُزُولِ الْمَثَلِ، فَقَدْ تَرَىٰ يَا رَبُّ بَرَاءَةَ سَاحَتِنَا، وَخُلُوفَ

گرفتار شدن‌مان و نازل شدن عقوبت‌ها هستند قرار مده. پروردگارا؛ تو به خوبی می‌بینی که دل ما پاک است،

ذَرَعْنَا مِنَ الْأِضْمَارِ لَهُمْ عَلَىٰ إِحْنَةٍ، وَالتَّمَنِّي لَهُمْ

و قلب ما از پنهان کردن کینه‌ای نسبت به افراد خالی است، و آرزوی گرفتاری و نابودی‌شان را نیز

وُقُوعَ جَائِحَةٍ، وَمَا تَنَازَلَ مِنْ تَخْصِينِهِمْ بِالْعَافِيَةِ،

نداریم؛ و می‌بینی آنچه را که بر ایشان نازل می‌شود از حفظ‌شدن آنان به وسیله عافیت؛

وَمَا أَضْبُوْنَا لَنَا مِنْ انْتِهَازِ الْفُرْصَةِ، وَطَلَبِ الْوُثُوبِ

و در مقابل، آنان در کمین نشستند تا فرصتی علیه ما به دست آورند، و غافلگیرانه

بِنَا عِنْدَ الْعَقَلَةِ. اللَّهُمَّ وَقَدْ عَرَفْنَا مِنْ أَنْفُسِنَا، وَبَصَّرْنَا

بر ما هجوم آوردند. بارالها؛ خودت را از راه خویش‌نمان به ما شناساندی، و

مِنْ عُيُوبِنَا خِلَالًا نَحْشَىٰ أَنْ تَقْعُدَ بِنَا عَنِ اشْتِهَارِ

عیب‌ها و زشتی‌هایی که ما داشتیم به ما نشان دادی به گونه‌ای که ترسیدیم نگذارند به

إِجَابَتِكَ، وَأَنْتَ الْمُتَفَضَّلُ عَلَىٰ غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّينَ،

پاسخ‌گویی آشکار تو دست یابیم. این در حالی است که تو به کسانی که استحقاق ندارند مهربانی و فضل و بخشش

وَالْمُبْتَدِي بِالْإِحْسَانِ غَيْرِ السَّائِلِينَ، فَاتِ لَنَا مِنْ

می‌کنی؛ و نسبت به کسانی که درخواست نیز نمی‌کنند، خودت شروع به احسان و نیکی می‌کنی. بدین سان،

أَمْرِنَا عَلَىٰ حَسَبِ كَرَمِكَ وَجُودِكَ وَفَضْلِكَ وَامْتِنَانِكَ،

کار ما را بر حسب کرامت و بزرگواری، سخاوت، فضل و منت نهادنت، درست کن.

إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ، وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، إِنَّا إِلَيْكَ

همانا، تو هر کاری بخواهی انجام می‌دهی؛ و به هر چه اراده کنی، حکم می‌کنی. ما به سوی تو

رَاغِبُونَ، وَمِنْ جَمِيعِ ذُنُوبِنَا تَائِبُونَ. اللَّهُمَّ وَالِدَاعِي

اشتیاق داریم، و از تمام گناهان‌مان توبه می‌کنیم. بارالها؛ همان کسی را که تنها به سوی

إِلَيْكَ، وَالْقَائِمُ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبَادِكَ، الْفَقِيرُ إِلَىٰ

تو فرامی‌خواند، و از بین بندگان برای برقراری عدل و داد دست به قیام می‌زند، و خود را نیازمند

رَحْمَتِكَ، الْمُحْتَاجُ إِلَىٰ مَعُونَتِكَ عَلَىٰ طَاعَتِكَ، إِذِ

رحمتت می‌داند، و احتیاج به کمک تو برای فرمان‌برداریت دارد؛ همان کسی

ابْتَدَأَتْهُ بِنِعْمَتِكَ، وَالْبَسْتَهُ أَثْوَابَ كَرَامَتِكَ، وَالْقَيْتَ

که ابتداء نعمت را به او مرحمت کردی، و لباس‌های کرامت و بزرگواری خود را بر او پوشانیدی، و

عَلَيْهِ مَحَبَّةَ طَاعَتِكَ، وَثَبَّتَّ وَطَأَتْهُ فِي الْقُلُوبِ مِنْ

دوست داشتن فرمان‌برداریت را بر دلش افکندی، و از روی محبتت جایگاهش را در قلب‌ها محکم

مَحَبَّتِكَ، وَوَقَّعْتَهُ لِلْقِيَامِ بِمَا أَعْمَضَ فِيهِ أَهْلُ زَمَانِهِ

گردانیدی، و موفق کردی بعضی از دستوراتت را که مردم زمانه از انجامش خودداری

مِنْ أَمْرِكَ، وَجَعَلْتَهُ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ، وَنَاصِرًا

کرده‌اند، انجام دهد؛ و او را گریزگاه و پناه‌گاهی برای بندگان ستم‌دیده‌ات، یاور

لِمَنْ لَا يَجِدُ نَاصِرًا غَيْرَكَ، وَمُجَدِّدًا لِمَا عَطَّلَ مِنْ

کسانی که جز تو یآوری نیافته‌اند، تازه‌کننده احکام تعطیل‌شده و فراموش شده

أَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَمُشَيِّدًا لِمَا رُدَّ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ،

قرانت، و محکم‌کننده آن دسته از نشانه‌های دینت که رد شده است، و محکم‌کننده و برپاکننده

وَسُنَنِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَلَامُكَ وَصَلَوَاتُكَ وَرَحْمَتُكَ

سنت‌ها و روش‌های کنار زده شده پیامبرت - که درود و سلام و رحمت و برکت‌های تو بر او و آل او

وَبَرَكَاتِكَ . فَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ فِي حِصَانَةٍ مِنْ بَأْسِ

باد - قرار دادی. خدایا؛ (بدین جهت‌ها) او را در پناه‌گاهی قرار ده تا از شرّ

الْمُعْتَدِينَ ، وَأَشْرِقْ بِهِ الْقُلُوبَ الْمُخْتَلِفَةَ مِنْ بُعَاةِ

متجاوزان در امان باشد؛ و دل‌هایی را که از ستم ستمگران دچار اختلاف گشته به سبب او روشن

الدِّينِ ، وَبَلِّغْ بِهِ أَفْضَلَ مَا بَلَغْتَ بِهِ الْقَائِمِينَ بِقِسْطِكَ

گردان؛ و او را به برترین چیزهایی برسان، که قیام‌کنندگان برای عدالت - در

مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ . اللَّهُمَّ وَأَذِلِّلْ بِهِ مَنْ لَمْ تُسَيِّمِ لَهُ فِي

بین پیروان پیامبرانت - بدان‌ها دست یافته‌اند. خدایا؛ کسانی که سهمی برای بازگشت به محبت خودت برای ایشان

الرُّجُوعِ إِلَيَّ مَحَبَّتِكَ ، وَمَنْ نَصَبَ لَهُ الْعَدَاوَةَ ، وَارْمِ

قرار ن داده‌ای را به دست آن حضرت، خوار و ذلیل گردان؛ و نیز، کسانی را که بنای دشمنی با او دارند، خوار کن. و

بِحَجَرِكَ الدَّمَاعِ مَنْ أَرَادَ التَّلَاطُبَ عَلَيَّ دِينِكَ بِإِذْنِي ،

بیفکن سنگ عذاب نابودکننده‌ات را به طرف تمام کسانی که قصد دارند با شوراندن مردم علیه دین تو، او را به خواری

وَتَشْتَبِيتِ أَمْرِهِ ، وَأَغْضَبْ لِمَنْ لَا تِرَّةَ لَهُ وَلَا طَائِلَةَ ،

و بیچارگی بکشاند و آموزش را پراکنده کند. (خدایا) غضب نما برای شخصی که طلب‌کنندهٔ خونی برای او نباشد

وَعَادَى الْأَقْرَبِينَ وَالْأَبْعَدِينَ فِيكَ مَتَّامًا مِنْكَ عَلَيْهِ ، لَا

و قوت توانگری برای او نباشد و دشمنی می‌کند با نزدیکان و دوران در راه تو. این کارها را به

مَتَّامًا مِنْهُ عَلَيْكَ . اللَّهُمَّ فَكَمَا نَصَبَ نَفْسَهُ غَرَضًا فِيكَ

عنوان منتی از تو بر او می‌دانیم، نه این که او بر تو منتی داشته باشد. بار الها؛ همان‌گونه که جان خویش را به خاطر

لِلْأَبْعَدِينَ ، وَجَادَ بِيَذْلٍ مُهْجَتِهِ لَكَ فِي الذَّبِّ عَنْ

تو در تیررس مخالفان قرار داد، و سعی نیکو نموده است به بذل خون خود از برای دفاع نمودن از

حَرِيمِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَرَدَّ شَرَّ بُعَاةِ الْمُرْتَدِّينَ الْمُرِيبِينَ

حریم مؤمنان؛ و در ردّ شرّ و بدی ستم‌کاران، بی‌دین‌شدگان و شک‌کنندگان؛

حَتَّى أَخْفَى مَا كَانَ جُهْرَ بِهِ مِنَ الْمَعْاصِي ، وَأَبْدَا مَا

تا جایی که گناهی که آشکار شده بود پنهان کرد و چیزهایی را آشکار کرد

كَانَ نَبَذَهُ الْعُلَمَاءُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ مِمَّا أَخَذَتْ مِيثَاقَهُمْ

که دانشمندان دینی پیمان داده بودند آن چیزها را

عَلَى أَنْ يَبْسُتُوهُ لِلنَّاسِ وَلَا يَكْتُمُوهُ ، وَدَعَا إِلَيَّ إِفْرَادِكَ

برای مردم تبیین و روشن کنند و کتمان نکنند؛ ولی آن امور را به فراموشی سپرده بودند؛ و مردم را

بِالطَّاعَةِ ، وَاللَّهِ يَجْعَلُ لَكَ شَرِيكًا مِنْ خَلْقِكَ يَعْلُو أَمْرُهُ

تنها به فرمان‌برداری از تو فراخواند، و اینکه کسی از مخلوقات را برای تو شریک قرار ندهد و دستورش

عَلَى أَمْرِكَ ، مَعَ مَا يَتَجَرَّعُهُ فِيكَ مِنْ مَرَارَاتِ الْغَيْظِ

را برتر از دستور تو قرار ندهد. افزون بر آن چه گفته شد، تلخی سختی‌ها

الْجَارِحَةِ بِحَوَاسِّ [بِمَوَاسِي خ] الْقُلُوبِ ، وَمَا يَعْتَوِرُهُ

و رنج‌های خمشی را که قلب را مجروح می‌کند، در راه تو جرعه‌جرعه می‌نوشد؛ غم‌هایی را که

مِنَ الْعُمُومِ ، وَيَفْرَعُ عَلَيْهِ مِنْ أَحْدَاثِ الْخُطُوبِ ،

پیوسته به او می‌رسد، تحمل می‌کند؛ امور دردناکی که تازه به او می‌رسد که هر لحظه تازه‌تر

وَيَسْرِقُ بِهِ مِنَ الْغَصَصِ الَّتِي لَا تَبْتَلِعُهَا الْحُلُوقُ

می‌شود؛ غصه‌هایی که در گلو مانده و از حلقوم فرو نمی‌رود،

وَلَا تَحْنُو عَلَيْهَا الضُّلُوعُ عِنْدَ نَظَرِهَا إِلَى أَمْرٍ مِنْ أَمْرِكَ ،

و پهلوی انسان توان تحملش را ندارد؛ تحمل می‌کند. این‌ها در هنگامی است که به دستوری از دستورات و کارهای

وَلَا تَنَالُهُ يَدُهُ بِتَغْيِيرِهِ وَرَدَّهُ إِلَى مَحَبَّتِكَ . فَاشْدُدْ

تو می‌نگرد، ولی دستش کوتاه است و نمی‌تواند آن دستور دگرگون‌شده را تغییر دهد و آن‌گونه که تو دوست داری

اللَّهُمَّ أَرْزُرْهُ بِنَصْرِكَ ، وَأَطِلْ بَاعَهُ فِيمَا قَصَرَ عَنْهُ مِنْ

قارش دهد. خدایا! با یاریت پشتش را محکم گردان، و توانائی‌اش بده در مورد آنچه نتوانسته انجام دهد

إِطْرَادِ الرَّاتِعِينَ فِي حِمَاكَ ، وَزِدْهُ فِي قُوَّتِهِ بَسْطَةَ مَنْ

از دور کردن خوشگذران‌ها در راه حرام و معصیت تو؛ و نیروی او را از جهت باز شدن دستش با

تَأْيِيدِكَ ، وَلَا تُوحِشْنَا مِنْ أَنْسِهِ ، وَلَا تَخْتَرِمَهُ دُونَ

تأیید خودت افزایش بده؛ ما را از آس گرفتن با او مگریزان (به وحشت مینداز)؛ آرزویش را - که

أَمَلِهِ مِنَ الصَّلَاحِ الْفَاشِي فِي أَهْلِ مِلَّتِهِ ، وَالْعَدْلِ

درستی و اصلاح فراگیر امور مردمش و عدالت آشکار در بین‌شان است - بر باد مده

الظَّاهِرِ فِي أُمَّتِهِ . اللَّهُمَّ وَشَرِّفْ بِمَا اسْتَقْبَلَ بِهِ مِنْ

و نامیدش مساز. خدایا! هنگام حساب و کتاب بندگان، جایگاه او را به خاطر آنچه استقبال کرد از

الْقِيَامِ بِأَمْرِكَ لَدِي مَوْقِفِ الْحِسَابِ مَقَامَهُ ، وَسِرِّ نَبِيِّكَ

برپا داشتن فرمانات، شرافت‌مند گردان؛ پیامبرت حضرت

مُحَمَّدًا صَلَّى صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْتِهِ ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى

محمد را - که درود تو بر او و آل او باد - بادیدن آن بزرگوار و کسانی که دعوتش را پذیرفته و از او پیروی

دَعْوَتِهِ ، وَأَجْزِلْ لَهُ عَلَى مَا وَأَيْتَهُ قَائِمًا بِهِ مِنْ أَمْرِكَ

کردند؛ شادمان گردان. و به خاطر این که به دستور تو قیام کرده و دستورات را اجرا می‌کند، ثوابش

ثَوَابَهُ ، وَابْنِ قُرْبٍ دُنُوهُ مِنْكَ فِي حَيَاتِهِ ، وَارْحَمْ

را بر آنچه وعده کرده‌ای افزون و شایسته گردان؛ در زمان زندگانش نیز او را به مقام قرب خود نزدیک گردان،

اسْتِكَانَتَنَا مِنْ بَعْدِهِ ، وَاسْتِخْذَاءَنَا لِمَنْ كُنَّا نَقْمَعُهُ بِهِ

و به بیچارگی و بدبختی ما پس از او رحم کن. (خدایا!) به ما رحم کن آن‌گاه که پس از کم کردن روی مبارک او، مجبور

إِذَا فَقَدْتَنَا وَجْهَهُ ، وَبَسَطْتَ أَيْدِي مَنْ كُنَّا نَبْسُطُ

به فروتنی در برابر کسانی شویم که با او نابودشان می‌کردیم؛ و کسانی که ما برایشان مسلط

أَيْدِينَا عَلَيْهِ لِنَرُدَّهُ عَنْ مَعْصِيَتِهِ ، وَافْتِرَاقَنَا بَعْدَ الْأُلْفَةِ

شده بودیم تا آنها را از نافرمانی آن حضرت باز داریم، بر ما مسلط شوند؛ رحم کن بر ما

وَالْإِجْتِمَاعِ تَحْتَ ظِلِّ كَنَفِهِ ، وَتَلَهَّفْنَا عِنْدَ الْفَوْتِ عَلَى

که پس از هماهنگی و دوستی و گرد آمدن در زیر سایه حمایت او، دوباره پراکنده شویم؛ رحم کن حسرت خوردن

مَا أَقْعَدْتَنَا عَنْهُ مِنْ نُصْرَتِهِ ، وَطَلَبْنَا مِنَ الْقِيَامِ بِحَقِّ

ما را - هنگام از دست دادن - بر آنچه ما را بازداشتی از یاری او و طلب برپائی حق آنچه برای ما

مَا لَّا سَبِيلَ لَنَا إِلَىٰ رَجْعَتِهِ . وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ فِي أَمْنٍ مِّمَّا

راهی به سوی بازگشت آن نیست. خدا یا؛ او را در امان بدار از چیزهایی

يُشْفَقُ عَلَيْهِ مِنْهُ ، وَرُدَّ عَنْهُ مِنْ سِهَامِ الْمَكَائِدِ مَا

که برایش می‌ترسیم؛ و از او دور گردان تیرهای نیرنگی را که

يُوجِّهُهُ أَهْلُ الشَّنْتَانِ إِلَيْهِ وَإِلَىٰ شُرَكَائِهِ فِي أَمْرِهِ ،

کینه‌توزان و بدخواهانش پرتاب می‌کنند به سوی او (و همراهان و

وَمُعَاوِنِيهِ عَلَىٰ طَاعَةِ رَبِّهِ ، الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ سِلَاحَهُ

کمک‌رسانان او در راه فرمان‌برداری از پروردگارش)؛ همان مددکارانی که آنان را اسلحه،

وَحِصْنَهُ وَمَفْرَعَهُ وَأُنْسَهُ ، الَّذِينَ سَلَوْا عَنِ الْأَهْلِ

دژ، پناهگاه و مونس آن حضرت قرار داده‌ای؛ همان عزیزان و یاورانی که از خانواده

وَالْأَوْلَادِ ، وَجَفَوْا الْوَطْنَ ، وَعَطَّلُوا الْوَثِيرَ مِنَ الْمِهَادِ ،

و فرزندان‌شان دست کشیده، و وطن را ترک کردند، و از بستر و خواب آرام گذشتند،

وَرَفَضُوا تِجَارَاتِهِمْ ، وَأَضْرَبُوا بِمَعَايِشِهِمْ ، وَقَفَدُوا فِي

و تجارت‌ها و بازرگانی خود را رها کردند، و به کسب و کار خویش ضرر و زیان وارد کردند؛ و بدون

أَنْدِيَّتِهِمْ بِغَيْرِ غَيْبَةٍ عَنْ مِصْرِهِمْ ، وَخَالَلُوا الْبَعِيدَ مِمَّنْ

پنهان‌شدن از شهرشان در مجالس و محافل عمومی و مهم‌شان پیدایشان نشد؛ و با افراد دوردستی که نسبتی

عَاذَهُمْ عَلَىٰ أَمْرِهِمْ ، وَقَلَّوْا الْقَرِيبَ مِمَّنْ صَدَّ عَنْ

نداشتند، به خاطر کمک و یاری آنها در کارشان، رابطه دوستی برقرار کردند؛ و نزدیکی را که سد‌آشان می‌شدند،

وَجْهَتِهِمْ ، فَاتْتَلَفُوا بَعْدَ التَّدَابُرِ وَالتَّقَاطُعِ فِي دَهْرِهِمْ ،

کنار گذاشتند؛ و پس از آن همه اختلاف و دشمنی و قطع رابطه در روزگارشان، گروهی تشکیل دادند؛

وَقَطَعُوا الْأَسْبَابَ الْمُتَّصِلَةَ بِعَاجِلِ حُطَامِ الدُّنْيَا .

و همه وسیله‌هایی را که آن‌ها را به خار و خاشاک زودگذر دنیا می‌رسانید از بیخ و بن برکنند.

فَاجْعَلْهُمُ اللَّهُمَّ فِي أَمْنٍ حِرْزِكَ وَظِلِّ كَنْفِكَ ، وَرُدَّ

بارالها؛ بدین ترتیب، ایشان را در امان نگهداریت، و سایه حمایت خودت قرار بده؛

عَنْهُمْ بِأَسْ مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِمْ بِالْعِدَاوَةِ مِنْ عِبَادِكَ ،

و بدی و شرّ هر یک از بندگان را که قصد دشمنی با آنان را دارد، از ایشان برگردان؛

وَأَجْزِلْ لَهُمْ عَلَىٰ دَعْوَتِهِمْ مِنْ كِفَايَتِكَ وَمَعُونَتِكَ ،

و به خاطر دعوتشان به سوی تو، سرپرستی و امداد خویش را برای آن‌ها زیاد کن؛

وَأَمِدَّهُمْ بِتَأْيِيدِكَ وَنَصْرِكَ ، وَأَزْهِقْ بِحَقِّهِمْ بَاطِلَ

و با توفیق و یاری و پیروزی، حمایت‌شان کن؛ و به وسیله حقّ و حقیقت آن‌ها باطل را

مَنْ أَرَادَ إِطْفَاءَ نُورِكَ . اللَّهُمَّ وَاْمَلًا بِهِمْ كُلُّ أَقْبٍ مِنْ

از کسانی که قصد خاموش کردن نور تو را دارند، نابود گردان. بارالها؛ به وسیله ایشان، تمام

الْأَفَاقِ ، وَقَطِّرِ مِنَ الْأَقْطَارِ قِسْطًا وَعَدْلًا وَمَرْحَمَةً

افق‌های هستی، و تمام گوشه‌ها و اقطار جهان را، پر از داد و عدل و رحم و مهربانی

وَفَضْلًا ، وَاشْكُرْهُمْ عَلَىٰ حَسَبِ كَرَمِكَ وَجُودِكَ وَمَا

و احسان گردان، و به ایشان (باران آن حضرت) پاداش بده بر حسب کرامت و سخاوت‌مندی

مَنْتَ بِهِ عَلَى الْفَائِمِينَ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبَادِكَ، وَادَّخَرْتَ

و منت‌هایی که نسبت به بندگان عدالت‌مندت داری، و

لَهُمْ مِنْ ثَوَابِكَ مَا يَرْفَعُهُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ، إِنَّكَ تَفْعَلُ

نواب‌هایی که برای‌شان ذخیره کرده‌ای، و درجه ایشان را به آن بالا می‌بری، به راستی که تو

مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ ۱

هر چه را بخواهی انجام می‌دهی، و آنچه را اراده کنی، حکم می‌فرمایی.

در کتاب «البلد الامین» این عبارات نیز وجود دارد:

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَطْهَارِ .

و خداوند، درود پیوسته‌اش را بر برگزیده مخلوقاتش یعنی حضرت محمد و خاندان پاکش نثار کند.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ هَذِهِ النَّدْبَةَ امْتَحَتْ دَلَالَتُهَا، وَدَرَسَتْ

بارالها؛ این‌گونه فکر می‌کنم که این ندبه و زاری دلالتش محو شده، و

أَعْلَامُهَا، وَعَقَتْ إِلَّا ذِكْرُهَا، وَتِلَاوَةَ الْحُجَّةِ بِهَا .

نشانه‌های آشکارش کهنه شده، و تنها یادش و قرائت‌کردن استدلال به آن مانده.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ مُشْتَبِهَاتٍ تَقْطَعُنِي دُونَكَ،

خدایا؛ من، بین خودم و تو، اشتباهاتی می‌بینم که مرا از تو جدا می‌سازند؛

وَمُبْطِئَاتٍ تَقْعُدُ بِي عَنْ إِجَابَتِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّي

و موانعی که مرا از اجابت تو باز می‌دارند، و به خوبی می‌دانم که من

۱. مهج الدعوات: ۸۵، البلد الامین: ۶۶۰، و مصباح المتهجد: ۱۵۶ با اندکی تفاوت.

عَبْدُكَ وَلَا يُرْحَلُ إِلَيْكَ إِلَّا بِزَادٍ وَأَنْتَ لَا تَحْجُبُ عَنْ

بندهات هستم، و نیز معلوم است که تنها با زاد و توشه می‌توان به سوی تو کوچ کرد؛ تو،

خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ يَحْجِبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ

از مخلوقات فاصله نداری، و این کارهای بندگان است که ایشان را از تو محجوب و محروم می‌سازد. خدا یا؛ به خوبی

أَنَّ زَادَ الرَّاحِلِ إِلَيْكَ عَزْمُ ارَادَةِ يَخْتَارُكَ بِهَا، وَيَصِيرُ

می‌دانم که توشه کوچ‌کننده به سوی تو، همان اراده و تصمیم قطعی است که تو را به آن برمی‌گزیند. تا به سوی

بِهَا إِلَى مَا يُودِّي إِلَيْكَ . اللَّهُمَّ وَقَدْ نَادَاكَ بِعَزْمِ الْإِرَادَةِ

بباید. و بدین وسیله برای رسیدن به سوی تو حرکت می‌کند. بارالها؛ قلب من، با تصمیم قطعی خود تو را ندا

قَلْبِي فَاسْتَبْتَنِي نِعْمَتِكَ بِفَهْمِ حُجَّتِكَ لِسَانِي وَمَا

می‌دهد؛ پس، نعمتت را برایم به سبب فهمیدن حجتت پایدار کن،

تَيْسَّرَ لِي مِنْ إِرَادَتِكَ . اللَّهُمَّ فَلَا أُخْتَرُكَ عَنْكَ وَأَنَا

و هر چه ممکن است با اراده خودت برایم فراهم کن. بارالها؛ من تو را قصد کردم؛ پس، مرا از خود

أَمُّكَ، وَلَا أُحْتَلَجَنُّ عَنْكَ وَأَنَا أَتَحْرَاكَ . اللَّهُمَّ وَأَيُّدُنَا

جدا مساز؛ و من در جستجوی تو هستم، پس مگذار از تو بریده شوم. خدا یا؛

بِمَا نَسْتَخْرِجُ بِهِ فَاقَةَ الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِنَا، وَتَنْعَشُنَا مِنْ

به طوری ما را موفق گردان که فقر و نیاز دنیوی را از قلب‌مان بیرون کنیم؛ و ما را بلند کن از

مَصَارِعِ هَوَانِهَا، وَتَهْدِمِ بِهٖ عَنَّا مَا شِيدَ مِنْ بُنْيَانِهَا،

محل‌های سقوط پست و بی‌ارزش دنیایی؛ و پایه‌های محکم علاقه به دنیا درون ما را ویران ساز؛

وَتَسْقِينَا بِكَاسِ السَّلْوَةِ عَنْهَا حَتَّى تُخَلِّصَنَا لِعِبَادَتِكَ،

و به ما جامی از جدایی و رهایی از آن بنوشان تا برای بندگیات ما را خالص گردانی.

و تُورِثَنَا مِيرَاثَ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ ضَرَبْتَ لَهُمُ الْمَنَازِلَ

و میراث جاودانهٔ دوستان خود را نصیب مان کن، همان دوستانی که جایگاه‌هایی برای رسیدن به

إِلَىٰ قَصْدِكَ، وَآنَسْتَ وَحَشْتَهُمْ حَتَّىٰ وَصَلُوا إِلَيْكَ.

خودت برای‌شان درست کردی، و وحشت‌شان را تبدیل به آس و آرامش نمودی تا در نهایت به وصال تو رسیدند.

اللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَ هَوَىٰ مِنْ هَوَى الدُّنْيَا أَوْ فِتْنَةٌ مِنْ

خدایا؛ اگر از خواهش‌ها یا فتنه‌ها و فریبندگی‌های دنیایی،

فِتْنَتِهَا عَلِقَ بِقُلُوبِنَا حَتَّىٰ قَطَعْنَا عَنْكَ أَوْ حَجَبْنَا عَنْ

باز هم چیزی به دل‌مان چسبیده بود تا ما را از تو جدا سازد یا از

رِضْوَانِكَ، وَقَعَدَ بِنَا عَنْ إِجَابَتِكَ، فَاقْطَعْ اللَّهُمَّ كُلَّ

رضوان و خشنودی‌ات محروم سازد، و از دست‌یابی به اجابت تو بازمان دارد؛ (خدایا) هر رشته

حَبْلٍ مِنْ حِبَالِهَا جَذَبْنَا عَنْ طَاعَتِكَ، وَأَعْرَضَ بِقُلُوبِنَا

علاقهٔ دنیایی را که بخواهد ما را از فرمان‌برداری تو برگیرد و جذب دنیا کند، یا قلب‌های ما را از

عَنْ أَدَاءِ فَرَائِضِكَ، وَاسْقِنَا عَنْ ذَلِكَ سَلْوَةً وَصَبْرًا

انجام واجبات تو باز داشته و روگردان کند؛ از بیخ و بن برکن. و جام‌رهایی و استقامت در برابر آن را

يُورِدُنَا عَلَىٰ عَفْوِكَ، وَيُقَدِّمُنَا عَلَىٰ مَرْضَاتِكَ، إِنَّكَ

به ما بنوشان که ما را به عفو و بخشش تو برساند، و ما را وارد دارد تا به رضوان و خشنودیت دست یابیم؛ به راستی که

وَلِيَّ ذَلِكَ. اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنَا قَائِمِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِنَا

اختیار این کارها در دست باکفایت توست. بار الها؛ ما را چنان کن که خود را وادار

بِأَحْكَامِكَ حَتَّىٰ تُسْقِطَ عَلَيْنَا مَوْؤُونَ الْمَعْاصِي، وَأَقْمِعْ

به انجام دستورات و احکامت کنیم تا رنج و سنگینی گناهان را نیز از ما بیندازد؛ و

الْأَهْوَاءَ أَنْ تَكُونَ مُسَاوِرَةً، وَهَبْ لَنَا وَطْءَ آثَارِ

هوس‌های مان را از این که همواره به ما حمله‌ور باشند، سرکوب کن؛ و پیمودن راه و روش حضرت

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَاللَّهُ حَقٌّ بِهِمْ

محمد و آل او را - که درودت بر او و ایشان باد - و ملحق شدن به آن بزرگواران را بر ما ارزانی بدار،

حَتَّىٰ يَرْفَعَ الدِّينَ أَعْلَامَهُ ابْتِغَاءَ الْيَوْمِ الَّذِي عِنْدَكَ.

تا در نهایت، دین، پرچم‌هایش را برافرازد؛ به امید روزی که نزد تو باشد.

اللَّهُمَّ فَمَنْ عَلَيْنَا بِوَطْءِ آثَارِ سَلْفِنَا، وَاجْعَلْنَا خَيْرَ

بار الها؛ این منت را بر ما بگذار که آثار و آنچه بجای مانده از گذشتگان (و پیشوایان) مان را بماییم؛ و ما را بهترین

فَرَطٍ لِمَنْ ائْتَمَّ بِنَا، فَإِنَّكَ عَلَىٰ ذَلِكَ قَدِيرٌ وَذَلِكَ

پیشگامان برای کسانی قرار ده که می‌خواهند دنباله‌رومان باشند. به راستی که تو هم توان این کار را داری،

عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ

و هم انجام آن برایت آسان است؛ و تو، مهربان‌ترین مهربانان هستی؛ و خداوند، درود

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ سَيِّدِنَا وَآلِهِ الْأَبْرَارِ وَسَلَّمَ. ۱

و سلام پیوسته‌اش را بر محمد - سرور ما - و خاندان نیک‌رفتارش، نثار کند.

دعای قنوت حضرت بقیة الله عجل الله فرجه

این قنوت را سید بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» و کفعمی رحمه الله در «البلد الامین» از حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه نقل نموده اند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَكْرِمِ أَوْلِيَاءَكَ

بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود فرست؛ و اولیا و دوستانت را با عمل به وعدهات

باینجاز و عِدِّكَ، وَبَلِّغْهُمْ دَرَكَ مَا يَأْمُلُونَهُ مِنْ نَصْرِكَ،

گرامی بدار و آنان را به دستیابی آنچه آرزو دارند از یاری تو برسان؛

وَإِكْفُفْ عَنْهُمْ بِأَسْ مَنْ نَصَبَ الْخِلَافَ عَلَيْكَ،

و باز بدار از ایشان سختی و شکنجه و عذاب کسی را که بنای مخالفت با تو را دارد،

وَتَمَرِّدَ بِمَنْعِكَ عَلَى رُكُوبِ مُخَالَفَتِكَ، وَاسْتَعَانَ

و از منع تو نسبت به ارتکاب گناه و مخالفت سرپیچی نموده، و به کمک و عطای تو یاری جسته بر

بِرِفْدِكَ عَلَى فُلِّ حَدِّكَ، وَقَصَدَ لِكَيْدِكَ بِأَيْدِكَ،

شکستن حرمتت؛ و به وسیله خوبیها و نعمتهایی که از توست، قصد مکر و فریب دادن تو را دارد.

وَوَسِعَتْهُ حِلْمًا لِيَتَّخِذَهُ عَلَى جَهْرَةٍ، وَتَسْتَأْصِلَهُ عَلَى

البیته تو نسبت به این مخالف خود بردباری کرده‌ای تا ناگهان و آشکارا او را گرفتار کنی، و با وجود قدرتی که

عِزَّةٍ. فَإِنَّكَ اللَّهُمَّ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ حَتَّى إِذَا

یافته - او را به سختی مستأصل و بیچاره کنی. خداوند؛ تو در قرآن فرموده‌ای و گفته‌ی تو حقیقت دارد: «تا آن که

أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْيَبَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ

زمین آراسته و دارای زر و برق شد، و اهلس گمان کردند که

قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهُمْ

قدرت و توانایی بر آن را دارند؛ - در این حال - دستور ما، شبانه یا به هنگام روز در رسید، و آن‌ها را

حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ

دروشده ساختیم؛ به گونه‌ای که گویا دیروز هیچ نداشته است؛ این گونه نشانه‌ها را برای کسانی که اهل

لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ^۱، وَقُلْتَ فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا

تفکر و اندیشه باشند، به تفصیل بیان می‌کنیم. و نیز فرموده‌ای: وقتی ما را به خشم آورده و ناراحت کردند،

مِنْهُمْ^۲، وَإِنَّ الْغَايَةَ عِنْدَنَا قَدْ تَنَاهَتْ، وَإِنَّا لِعَظِيمِكِ

از ایشان انتقام گرفتیم. (خدا یا) واقعیت آن است که ما به آخر خط رسیده‌ایم و تحمل نداریم، ما با خشم تو

غَاضِبُونَ، وَإِنَّا عَلَى نَصْرِ الْحَقِّ مُتَعَاصِبُونَ، وَإِلَى

به خشم می‌آییم، و برای یاری حق و حقیقت به هم پیوسته‌ایم، و

وَرُودِ أَمْرِكَ مُشْتَأِقُونَ، وَإِلَّا نُبْجَازِ وَعَدِكَ مُرْتَقِبُونَ،

مشتاق رسیدن دستورت هستیم، و انتظار محقق شدن وعدهات را می‌کشیم،

وَلِحُلُولِ وَعَيْدِكَ بِأَعْدَائِكَ مُتَوَقِّعُونَ. اللَّهُمَّ فَأَذِّنْ بِذَلِكَ،

و انجام تهدیدهایت علیه دشمنانت را متوقع هستیم. بارالها؛ اجازه این کار را صادر کن،

وَافْتَحْ طُرُقَاتِهِ، وَسَهِّلْ خُرُوجَهُ، وَوَطِّئْ مَسَالِكَهُ،

و راه‌های آن را بگشا، و قیام او را آسان گردان، و محل پیمودنش را آماده و هموار ساز،

۱. سوره یونس، آیه ۲۴. ۲. سوره زخرف، آیه ۵۵.

وَأَشْرِعْ شَرَائِعَهُ، وَأَيِّدْ جُنُودَهُ وَأَعْوَانَهُ، وَبَادِرْ بِأَسْكَ

و راه‌های او را آشکار ساز، و سپاهیان و یارانش را نیرومند و قوی گردان، و ستم‌کاران

الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، وَأَبْسُطْ سَيْفَ نَقِمَتِكَ عَلَى أَعْدَائِكَ

را به سرعت گرفتار شکنجه و عذابت کن، و شمشیر انتقامت را بر دشمنانت که آگاهانه مخالفت

الْمُعَانِدِينَ، وَخُذْ بِالثَّارِ، إِنَّكَ جَوَادٌ مَكَارٌ ۱.

و سربیزی می‌کنند مسلط ساز و انتقام را بگیر، که تو بخشنده چاره‌جویی هستی.



دعای دوّم حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه

در قنوت

این قنوت را سیّد بن طاووس رحمته الله در «مهج الدعوات» و کفعمی رحمته الله در «البلد الامین» از امام زمان ارواحنا فداه نقل نموده‌اند:

[قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ،

بگو: خدایا؛ مالک و اختیاردار جهانی؛ فرمان‌فرمایی را به هر کسی که بخواهی می‌دهی؛

وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ، وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ، وَتُذِلُّ

و از هر که بخواهی می‌گیری؛ هر کسی را که بخواهی عزیز می‌گردانی؛ و هر که را بخواهی

مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،

خوار می‌کنی؛ خیر و خوبی تنها در دست توست؛ به راستی که تو بر هر چیز توانایی.

۱. مهج الدعوات: ۹۰، البلد الامین: ۶۶۴.

يَا مَاجِدُ يَا جَوَادُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا بَطَّاشُ

ای شکوه‌مند؛ ای سخاوت‌مند؛ ای دارنده قدر و عظمت و بخشش و بزرگواری؛ ای بسیار سخت‌گیر؛

يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، يَا فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ، يَا ذَا الْقُوَّةِ

ای صاحب سخت‌گیری شدید؛ ای انجام دهنده هر چه می‌خواهد؛ ای صاحب

الْمَتِينِ، يَا رَوْوْفُ يَا رَحِيمُ، يَا لَطِيفُ يَا حَيُّ حِينَ لَا

نیروی قوی و محکم؛ ای رؤوف؛ ای مهربان؛ ای لطف‌کننده؛ ای زنده، در زمانی که هیچ زنده‌ای

حَيٌّ. أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ الْحَيِّ

نبود؛ از تو می‌خواهم به واسطه اسمت که ذخیره‌شده، پنهان، زنده

الْقَيُّومِ، الَّذِي اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ لَمْ

و پایدار است؛ که در دانش پنهان خود، مخفیست کرده‌ای

يَطَّلِعَ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

و هیچ کس از آفریدگانت بدان آگاهی ندارد؛ و از تو درخواست می‌کنم به واسطه آن اسمت که

تُصَوِّرُ بِهِ خَلْقَكَ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ تَشَاءُ، وَبِهِ

آفریدگانت را با آن در رحم مادران، هر گونه بخواهی صورت می‌بخشی؛

تَسْؤِقُ إِلَيْهِمْ أَرْزَاقَهُمْ فِي أَطْبَاقِ الظُّلُمَاتِ، مِنْ بَيْنِ

و روزی ایشان را در طبقه‌های تاریک، از بین

الْعُرُوقِ وَالْعِظَامِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَلْقَتْ بِهِ

رگ‌ها و استخوان‌ها به ایشان می‌رسانی؛ و از تو درخواست می‌کنم به واسطه آن اسمت که با آن

بَيْنَ قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ، وَأَلْفَتْ بَيْنَ الثَّلْجِ وَالنَّارِ، لَا

بین دل‌های دوستانت پیوند و آلفت برقرار کردی؛ و برف و آتش را باهم گرد آوردی،

هَذَا يُذِيبُ هَذَا، وَلَا هَذَا يُطْفِئُ هَذَا. وَأَسْأَلُكَ

به گونه‌ای که نه آتش برف را آب کند، و نه برف آتش را خاموش نماید؛ و از تو درخواست می‌کنم

بِاسْمِكَ الَّذِي كَوَّنْتَ بِهِ طَعْمَ الْمِيَاهِ، وَأَسْأَلُكَ

به واسطه آن اسمت که با آن به آبها طعم بخشیدی، و از تو درخواست می‌کنم

بِاسْمِكَ الَّذِي أَجْرَيْتَ بِهِ الْمَاءَ فِي عُرُوقِ النَّبَاتِ

به آن اسمت که با آن آب را در بین لایه‌های زمین در ریشه‌های گیاه جاری ساختی،

بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى، وَسُقَّتَ الْمَاءُ إِلَى عُرُوقِ

و از میان سنگ‌های سخت، آب را به سوی ریشه

الْأَشْجَارِ بَيْنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

درختان روان نمودی، و از تو درخواست می‌کنم به آن اسمت که به وسیله آن

الَّذِي كَوَّنْتَ بِهِ طَعْمَ الثَّمَارِ وَأَلْوَانَهَا. وَأَسْأَلُكَ

طعم و رنگ‌های مختلف به میوه‌ها دادی؛ و از تو درخواست می‌کنم

بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تُبْدِي وَتُعِيدُ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

با آن نامی که با آن، آغاز می‌کنی و باز می‌گردانی؛ و از تو درخواست می‌کنم

الْفَرْدِ الْوَاحِدِ، الْمَتَفَرِّدِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، الْمَتَوَحِّدِ

با آن اسم یکتای یگانه‌ات، اسمی که به یکتائی اشاره دارد، و برای

بِالصَّمَدَانِيَّةِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَجَّرْتَ بِهِ

بی‌نیازی، یگانه است؛ و از تو می‌خواهم به واسطه نامی که با آن، آب را با نیرو و فشار از

الْمَاءِ مِنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ، وَسُقَّتَهُ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ.

تکه‌سنگ‌های سفت و محکم بیرون آوردی، و از هر جایی که خواستی روان ساختی؛

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ خَلْقَكَ، وَرَزَقْتَهُمْ

و از تو می‌خواهم به واسطه اسمی که با آن، آفریدگانت را آفریدی و هر گونه که خواستی و هر گونه

كَيْفَ شِئْتَ وَكَيْفَ شَأَوْوَا، يَا مَنْ لَا يُعَيِّرُهُ الْإَيَّامُ

که خواستند، آنان را روزی دادی؛ ای کسی که روزها

وَاللَّيَالِي، أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ حِينَ نَادَاكَ

و شب‌ها، در او دگرگونی ایجاد نمی‌کنند؛ می‌خوانم تو را با همان دعایی که نوح هنگامی که تو را ندا

فَأَنْجَيْتَهُ وَمَنْ مَعَهُ، وَأَهْلَكَتَ قَوْمَهُ، وَأَدْعُوكَ بِمَا

داد خواند، پس او را با همراهانش نجات بخشیدی، و قوم (ستمگر)ش را نابود کردی؛ و تو را

دَعَاكَ بِهِ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُكَ حِينَ نَادَاكَ فَأَنْجَيْتَهُ

می‌خوانم با همان دعایی که ابراهیم - دوست - هنگامی که تو را ندا داد دعا کرد، پس او را نجات دادی،

وَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا، وَأَدْعُوكَ بِمَا

و آتش را برایش سرد و سلامت گردانیدی، و تو را می‌خوانم با همان دعایی که

دَعَاكَ بِهِ مُوسَى كَلِيمُكَ حِينَ نَادَاكَ فَفَلَقْتَ لَهُ الْبَحْرَ

موسی - هم‌سخن - هنگامی که تو را ندا داد، با آن دعا تو را خواند، پس دریا را برایش شکافتی

فَأَنْجَيْتَهُ وَبَنِي إِسْرَائِيلَ، وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ

و او را با بنی اسرائیل نجات دادی، و فرعون و سپاهش را در آب غرق فرمودی؛

فِي الْيَمِّ. وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عِيسَى رُوحَكَ حِينَ

و تو را می خوانم با دعایی که عیسی - روح تو - هنگامی که تو را ندا داد، با آن دعا تو را خواند، و در

نَادَاكَ فَنَجَّيْتَهُ مِنْ أَعْدَائِهِ وَإِلَيْكَ رَفَعْتَهُ، وَأَدْعُوكَ

نتیجه او را از دست دشمنانش نجات دادی، و به سوی خودت بالا بردی؛ و تو را می خوانم با

بِمَا دَعَاكَ بِهِ حَبِيبِكَ وَصَفِيكَ وَنَبِيِّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى

همان دعایی که حضرت محمد همان دوست، برگزیده و پیامبرت - که درود خدا بر

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَمِنَ الْأَحْزَابِ نَجَّيْتَهُ،

او و آل او باد - با آن دعا تو را خواند، پس به او پاسخ مثبت دادی، و از گروه های متشکل نجاتش

وَعَلَى أَعْدَائِكَ نَصْرَتَهُ. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا

بخشیدی، و بر دشمنانت یاری اش نمودی؛ و از تو می خواهم با آن نامت که هر گاه

دُعِيتَ بِهِ أَجَبْتَ، يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ، يَا مَنْ

با آن خوانده شوی به طور حتم پاسخ می دهی. ای کسی که

أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، يَا مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ

آفرینش و دستور و حکم فرمایی، از آن اوست؛ ای کسی که دانشش همه چیز را فرا گرفته است؛

عَدَدًا، يَا مَنْ لَا تُعَيِّرُهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي، وَلَا تَتَشَابَهُ

ای کسی که تعداد همه چیز را می داند؛ ای کسی که روزها و شبها در او دگرگونی ایجاد نمی کند؛ و

عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ، وَلَا تَخْفَى عَلَيْهِ اللُّغَاتُ، وَلَا يُبْرِمُهُ

صدا های مختلف او را به اشتباه نمی اندازد؛ و لغت ها بر او پنهان نیست؛ اصرار و پافشاری

إِلْحَاحُ الْمُلْحِحِّينَ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

اصرارکنندگان او را به ستوه نمی آورد؛ از تو درخواست می کنم بر حضرت محمد و آل

مُحَمَّدٍ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ

محمد که برگزیدگان از آفریدگانت هستند درود بفرستی. پس بر آنان به برترین درودهایت درود

صَلَوَاتِكَ، وَصَلِّ عَلَيَّ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ،

بفرست. و بر تمام پیامبران و فرستادگان خود که راهنمایی های تو را به درستی و به طور کامل به

الَّذِينَ بَلَّغُوا عَنْكَ الْهُدَى، وَأَعْقَدُوا لَكَ الْمَوَاقِبَ

بندگان رساننده و پیمان های محکم برای فرمان برداری با تو بستند؛ درود بفرست،

بِالطَّاعَةِ، وَصَلِّ عَلَيَّ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ. يَا مَنْ

و بر تمام بندگان شایسته و نیکوکار درود فرست. ای کسی که

لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَاجْمَعْ لِي

خلاف وعده اش رفتار نمی کند؛ وعده ای را که به من دادی، وفا کن؛ و تمام یارانم را برایم

أَصْحَابِي وَصَبِّرْهُمْ، وَأَنْصُرْنِي عَلَيَّ أَعْدَائِكَ

گرد آور، و به ایشان صبر و استقامت عطا کن، و مرا بر دشمنان خودت و

وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ، وَلَا تُخَيِّبْ دَعْوَتِي، فَإِنِّي عَبْدُكَ،

دشمنان پیامبرت - حضرت محمد ﷺ - پیروز فرما؛ و دعایم را بی بهره مگردان؛ که من بنده

إِبْنُ عَبْدِكَ، إِبْنُ أُمَّتِكَ، أَسِيرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، سَيِّدِي أَنْتَ

تو و فرزند بنده تو، و فرزند کنیز تو هستم، در پیشگاه تو اسیرم، سرور و آقای من؛ تویی

الَّذِي مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهَذَا الْمَقَامِ وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ دُونَ

که چنین مقام و منزلتی را بر من منت نهاده‌ای و مرا به وسیله آن از

كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

بسیاری از آفریدگانت برتری داده‌ای، از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنْجِزَ لِي مَا وَعَدْتَنِي، إِنَّكَ أَنْتَ الصَّادِقُ

محمد درود فرستی، و به وعده‌ای که به من دادی وفا کنی، که به راستی تو راست‌گو هستی،

وَلَا تُخَلِّفُ الْمِيعَادَ، وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. ۱

و خلاف وعده‌ات رفتار نمی‌کنی؛ و تو بر هر چیزی توانایی داری.

۱۱

دعای سوّم آن حضرت در قنوت

آية الله سيّد نصر الله مستنبط رحمته، در حرم حضرت امير المؤمنين عليه السلام به دیدار امام زمان ارواحفاده شرفیاب شد، در حالی که آن حضرت نماز می‌خواند؛ به آنچه آن حضرت می‌خواندند گوش فرا داد و شنید که آن حضرت در قنوتش این گونه دعا می‌کرد:

۱. مهج الدعوات: ۹۱، البلد الأمين: ۶۶۵.

اللَّهُمَّ إِنَّ مُعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ قَدْ عَادَى عَلِيَّ بْنَ

بارالها؛ به راستی که معاویه پسر ابوسفیان، با علی بن

أَبِي طَالِبٍ، فَالْعَنَهُ لَعْنًا وَبِيلاً. ۱

ابی طالب علیه السلام دشمنی سرسختانه‌ای کرد؛ پس او را به شدت لعنت کن.

۱۲

دعا در قنوت نماز جمعه

برای ظهور آن بزرگوار عليه السلام

پسر مقاتل روایت نموده که امام رضا علیه السلام فرمود:

در قنوت نماز جمعه چه می‌گوئید و چه دعایی می‌کنید؟

گفتم: همان دعاهایی که مردم می‌خوانند.

فرمود: آن طور که آن‌ها دعا می‌کنند، دعا مکن؛ بلکه بگو:

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَخَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ

بارالها؛ به وسیله آنچه که کار پیامبران و فرستادگانت را اصلاح فرمودی، امور بنده و جانشینت (امام

أَنْبِيَاءِكَ وَرُسُلِكَ، وَحَفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَأَيِّدْهُ بِرُوحِ

عصر علیه السلام) را نیز اصلاح فرما؛ و با فرشتگانت گرداگردش را فرا بگیر؛ و او را با روح القدس

الْقُدْسِ مِنْ عِنْدِكَ، وَأَسْلِكُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ

از جانب خودت، تأییدش گردان؛ و مراقب و نگهبانی در پیش رو و از

۱. معجم رجال الفكر والأدب في التجف خلال ألف عام: ۱۱۹۹/۳.

خَلْفِهِ رَصْدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ، وَأَبْدِلُهُ مِنْ بَعْدِ

پشت سرش بگمار، تا نگذارند هیچ بدی به او برسد؛ و پس از شرایط

خَوْفِهِ أَمْنًا، يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا، وَلَا تَجْعَلُ

ترسناکی که دارد، محیطی سراسر آرامش برایش فراهم کن، تا تو را بپرستند و چیزی را شریک تو نگردانند؛ و

لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلِيٍّ وَوَلِيِّكَ سُلْطَانًا، وَأُذِنَ لَهُ فِي

و چیرگی و قدرت برای هیچ یک از آفریدگانت بر ولایت قرار مده؛ و به او اجازه

جِهَادِ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ، إِنَّكَ

بده تا با دشمن تو و دشمن خودش به نبرد برخیزد؛ و مرا نیز از یاران آن حضرت قرار ده؛ همانا، تو

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^۱

بر هر چیزی توانا هستی.

بخش سوم

بخش سوم



ادعیه بعد از نمازها



دعا برای ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه
بعد از هر نماز واجب

در کتاب «جمال الصالحین» از مولایمان امام صادق علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمودند:

همانا از حقوق ما بر شیعیان ما این است که بعد از هر نماز واجب دست هایشان را بر چانه گذاشته و سه مرتبه بگویند:

يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ عَجَلُ فَرَجِ آلِ مُحَمَّدٍ، يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ

ای پروردگار محمد؛ فرج و گشایش امور آل محمد را تعجیل فرما؛ ای پروردگار محمد؛

اخْفِظْ غَيْبَةَ مُحَمَّدٍ، يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ انْتِمِمْ لَابْنَةِ مُحَمَّدٍ علیها السلام!

محافظت کن (دین را در) غیبت محمد صلی الله علیه و آله؛ ای پروردگار محمد؛ انتقام دختر محمد علیها السلام را بگیر.

دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه

پس از نمازهای واجب

امام جواد علیه السلام فرمودند:

وقتی از نماز واجب فارغ شدی بگو:

رَضِيتُ بِاللّٰهِ رَبًّا ، وَبِالْاِسْلَامِ دِيْنًا ، وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا ،

خشنودم که خداوند پروردگار من اسلام دین من، قرآن کتابم،

وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَبِيًّا ، وَبِعَلِيٍّ وَوَلِيِّيَّ ، وَبِالْحَسَنِ

حضرت محمد صلی الله علیه و سلم پیامبرم، حضرت علی علیه السلام سرپرست و صاحب اختیارم، حسن

وَالْحُسَيْنِ ، وَعَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ،

و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی

وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ، وَعَلِيٍّ بْنِ

و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن

مُوسَى ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، وَعَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ ،

موسی و محمد بن علی و علی بن محمد

وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ، وَالْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ

و حسن بن علی و حجّت بن الحسن بن علی

أَيَّمَةً . اَللّٰهُمَّ وَلِيُّكَ الْحُجَّةُ فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ ،

امامان و پیشوایان من باشند. خداوندا! ولی تو حضرت حجّت است، پس او را از رو به رو

وَمِنْ خَلْفِهِ ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ ، وَمِنْ فَوْقِهِ

و پشت سرش و از طرف راست و چپش، و از بالا

وَمِنْ تَحْتِهِ ، وَاْمُدُّ لَهُ فِي عُمْرِهِ ، وَاَجْعَلْهُ الْقَائِمَ

و پایین حفظ فرما، و عمرش را طولانی کن، و او را قیامکننده

بِأَمْرِكَ ، اَلْمُنْتَصِرَ لِدِيْنِكَ ، وَاْرِهِ مَا يُحِبُّ وَتَقَرُّ بِهِ

به امرت قرار بده، تا یاری‌گر دینت باشد؛ و به او نشان ده آنچه دوست می‌دارد و باعث

عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ وَفِي ذُرِّيَّتِهِ ، وَاَهْلِهِ وَمَالِهِ ، وَفِي

چشم روشنی‌اش می‌شود در مورد خودش و فرزندانش و خانواده‌اش و مالش و

شَيْعَتِهِ وَفِي عَدُوِّهِ ، وَاْرِهِمْ مِنْهُ مَا يَحْذَرُونَ ، وَاْرِهِ

پیروان و دشمنانش، و آنچه دشمنانش در مورد او پرهیز دارند به آنان نشان ده،

فِيْهِمْ مَا يُحِبُّ وَتَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ ، وَاَشْفِ بِهِ صُدُوْرَنَا

و آنچه آن حضرت در مورد دشمنانش دوست دارد و چشمش به آن روشن می‌شود به او نشان ده،

وَصُدُوْرَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِيْنَ .

و سینه‌های ما را و سینه‌های مؤمنان را به وسیله او شفا بخش.

این حدیث، دعا کردن برای فرج مولایمان حضرت حجّت

ارواحنا فداه را بعد از هر نماز واجب مورد تأکید قرار می‌دهد.^۱

۱. میکال المکارم: ۳/۲، و مانند آن در «نزّهة الزاهد: ۹۱» وارد شده است.



دعا برای تشرّف خدمت حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء

که بعد از نمازهای واجب خوانده می شود

روایت شده است:

هر کس بعد از نمازهای واجب این دعا را بخواند و بر آن مواظبت کند، آن قدر عمرش طولانی شود و زندگیش ادامه یابد که از زندگی دلتنگ شود و به سبب این دعا به دیدار حضرت صاحب الأمر (عجل الله فرجه) مشرف گردد.

آن دعا چنین است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنَّ

خداوندا؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست. خدای من؛ همانا

رَسُولَكَ الصَّادِقَ الْمُصَدِّقَ صَلَّوْا تُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ

رسول راستگو و تأیید شده‌ات - که درودهای تو بر او و آل او باد - گفته است:

إِنَّكَ قُلْتَ مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدْتُ فِي

که همانا تو فرموده‌ای: در مورد هیچ کدام از کارهایی که انجام می‌دهم مثل

قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ، يَكْرَهُهُ الْمَوْتُ وَأَنَا أَكْرَهُهُ

قبض روح بنده مؤمنم، دچار تردید نشده‌ام؛ زیرا او مرگ را خوش نمی‌دارد و من ناراحتی او

مَسَاءَتَهُ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

او را نمی‌پسندم. خداوندا؛ پس بر محمد و آل محمد درود بفرست

وَعَجَّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ، وَالنَّصْرَ وَالْعَافِيَةَ، وَلَا تَسْؤُنِي

و فرج و گشایش کار ولایت و پیروزی و عافیتش را تعجیل فرما، و موجبات

فِي نَفْسِي، وَلَا فِي فُلَانٍ.

ناراحتی مرا در مورد خودم و فلانی فراهم مساز.

فرمود: و هر که را که می‌خواهی به جای «فلانی» نام ببر.^۱



دعای دیدار امام زمان ارواحنا فداء

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

هر کس بعد از هر نماز واجب این دعا را بخواند، همانا او

حضرت حجت علیه السلام را در بیداری یا خواب می‌بیند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، أَيُّنَمَا كَانَ وَحَيْثُمَا

خداوندا؛ به مولایمان صاحب الزمان هر کجا و هر گونه که باشد

۱. مکارم الأخلاق: ۳۵/۲، و در مصباح المتهجد: ۵۸ و الصحيفة الصادقية: ۱۷۸ با اندکی تفاوت.

كَانَ، مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا

در شرق و تحتی از طرف من و والدینم و از سوی فرزندانم و برادرانم

وَجِبَلِهَا، عَنِّي وَعَنْ وَالدَيِّ، وَعَنْ وُلْدِي وَإِخْوَانِي

و کوه آن؛ درود و تحتی از طرف من و والدینم و از سوی فرزندانم و برادرانم

التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ، وَزِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ،

به تعداد آفریدگان خدا و سنگینی عرش الهی،

وَمَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ، وَأَخَاطَ عِلْمُهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أجدُّ

و آنچه کتابش دربردارد و دانشش به آن احاطه دارد؛ برسان. خداوندا؛ همانا من

لَهُ فِي صَبِيحَةِ هَذَا الْيَوْمِ، وَمَا عِشْتُ فِيهِ مِنْ أَيَّامٍ

در بامداد امروز و دیگر روزهای زندگیم، با او

حَيَاتِي، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي، لَا أَحُولُ

عهد و پیمان و بیعتی را که از او برگردنم است تجدید می‌کنم و هرگز از این بیعت دگرگون

عَنْهَا وَلَا أَزُولُ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَنُصَارِهِ

نمی‌شوم و کنار هم نمی‌زنم. خداوندا؛ مرا از یارانش و جان‌نثارانی که از او

الذَّابِّينَ عَنْهُ، وَالْمُمْتَلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَنَوَاهِيهِ فِي

دفاع می‌کنند قرار بده، و از آنان که دستورات و نهی‌هایش را در دوران

أَيَّامِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ. اللَّهُمَّ فَإِنْ حَالَ

حکومتش فرمان می‌برند و نیز از شهادت‌جویان در رکابش قرار بده. خداوندا؛

بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِكَ حَتْمًا

اگر بین من و او مرگ فاصله انداخت؛ - مرگی که برای بندگانت حتمی و قطعی

مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَزِرًا كَفَنِي، شَاهِرًا

قرار داده‌ای - پس مرا از قبرم خارج کن در حالی که کفنم را به کمر بسته،

سَيْفِي، مُجَرِّدًا قَنَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي

شمشیرم کشیده، نیزه‌ام آماده و بیرون کشیده شده و دعوت دعوت‌کننده را در

الْحَاضِرِ وَالْبَادِي. اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلَعَ الرَّشِيدَةَ

شهر باشم یا صحرا، لبتیک گویم. خداوندا؛ به من طلعت راه‌گشا

وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَاكْحُلْ بَصْرِي بِنَظْرَةِ مَنِّي إِلَيْهِ،

و چهره ستوده‌شده را نشان بده، و با نگاهی از من به سوی او چشمم را سرمه کن،

وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ. اللَّهُمَّ اشْدُدْ أَرْزَهُ،

و فرجش را تعجیل فرما، و خروجش را آسان گردان. خداوندا؛ پشتش را محکم،

وَقَوِّ ظَهْرَهُ، وَطَوِّلْ عُمُرَهُ، وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ،

و کمزش را قوی و نیرومند گردان و عمرش را طولانی کن و -خداوندا - به وسیله او، سرزمین‌هایت را آباد گردان

وَأَخِي بِهِ عِبَادَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ﴿ظَهَرَ

و به واسطه او بندگانت را زنده گردان؛ زیرا تو گفتی در حالی که سخن تو حق است:

الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ﴾^۱،

«فساد در خشکی و دریا ظاهر شده به واسطه آنچه مردم با دست خود انجام دادند».

۱. سوره روم، آیه ۴۱.

دعای بعد از نماز صبح

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمته الله علیه در کتاب «مصباح الزائر» می‌نویسد: این دعایی است که هر روز پس از نماز صبح مولایمان امام زمان ارواحنا فداه با آن زیارت می‌شود:

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ
 خداوندا؛ برسان به مولایم صاحب الزمان - که دروهای خدا بر او باد -

عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، فِي مَشَارِقِ
 از سوی تمام مردان و زنان مؤمن در شرق

الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا
 و غرب زمین و در خشکی و دریا و بیابان

وَجَبَلِهَا، حَيْثُمْ وَمَيِّتِهِمْ، وَعَنْ وَالِدَيْيَ وَوُلْدِي،
 و کوه، زنده و مرده آنها، و از سوی پدر و مادر و فرزندانم و

وَعَنِّي مِنَ الصَّلَوَاتِ وَالتَّحِيَّاتِ، زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ،
 خودم درود و تحیتی همسنگ عرش الهی؛

وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَمُنْتَهَى رِضَاهُ، وَعَدَدَ مَا أَحْصَاهُ
 و گستردگی کلمات او و نهایت رضایتش، و آن مقدار که کتابش گرد آورده

فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيِّكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، الْمُسَمَّى

پس خداوندا؛ ولی خود و فرزند دختر پیامبرت را - که همانم است با رسولت

بِاسْمِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى لَا يَظْفَرَ

که دروهای تو بر او و آل او باد - برای ما ظاهر کن تا بر

بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرْقَهُ، وَيُحَقِّقَ اللَّهُ الْحَقَّ

چیزی از باطل دست نیابد مگر آن که آن را پاره کند، و خدا به کلماتش، حق را ثابت کند

بِكَلِمَاتِهِ وَيُحَقِّقَهُ. اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ

و آن را محقق سازد. خداوندا؛ این گرفتاری و اندوه را از این

الْأُمَّةِ بظُهُورِهِ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً، وَنَرَاهُ قَرِيباً،

امت با ظهورش برطرف ساز که همانا آنان (مخالفان) آن را دور می‌بینند و ما نزدیک می‌بینیم؛

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. ۱.

و خدا بر محمد و آل محمد درود بفرستد.

كِتَابُهُ، وَأَخَاطَ بِهِ عِلْمُهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّدُ لَهُ فِي هَذَا

و علمش به آن احاطه دارد. بارالها؛ در امروز و

الْيَوْمِ، وَفِي كُلِّ يَوْمٍ، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً [لَهُ] فِي

در هر روز، عهد (زبانی) و پیمان (قلبی) و بیعت (عملی) که نسبت به او بر گردنم است تجدید

رَقَبَتِي. اللَّهُمَّ كَمَا شَرَّفْتَنِي بِهَذَا التَّشْرِيفِ،

می‌کنم. خداوندا؛ همان گونه که مرا به این شرافت سرافراز کردی،

وَفَضَّلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ، وَخَصَّصْتَنِي بِهَذِهِ النِّعْمَةِ،

و به این فضیلت برتری دادی، و به این نعمت مخصوص گرداندی،

فَصَلِّ عَلَيَّ مَوْلَايَ وَسَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ،

پس بر مولایم و آقایم صاحب الزمان درود فرست

وَأَجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَشْيَاعِهِ، وَالذُّابِّينَ عَنْهُ،

و مرا از یاوران و پیروان و مدافعانش قرار بده،

وَأَجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، طَائِعًا غَيْرَ

و مرا از شهدات طلبان در پیشگاه و رکاب همایونی او قرار بده که با تمام شوق آرزوی شهادت

مُكْرَهُ، فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ،

می‌کنند نه با اجبار؛ در صفی که اهل آن را در قرآنت وصف کرده‌ای

فَقُلْتَ «صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ»^۱ عَلَيَّ

و گفتی: «صف بسته‌اند، گویی اینان بنیانی آهنین هستند» در

۱. سوره صف، آیه ۴.

طَاعَتِكَ وَطَاعَةَ رَسُولِكَ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. اللَّهُمَّ

فرمان‌برداری تو و رسالت و آل او - که بر ایشان درود باد - خداوندا؛

هَذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۱.

این بیعتی است برای او در گردنم تا روز قیامت.



دعا برای ظهور امام زمان عجل الله فرجه

در تعقیب نماز صبح

شیخ بهایی رحمته الله در تعقیب نماز صبح می‌گوید: در حالی که

محاسن خود را در دست راست گرفته‌ای و کف دست چپ را رو

به آسمان بالا برده باشی، هفت مرتبه می‌گویی:

يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

ای پروردگار محمد و آل محمد؛ بر محمد و آل محمد درود فرست، و در

مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ۲.

فرج محمد و آل محمد شتاب فرما.

۱. زاد المعاد: ۴۸۷، مصباح الزائر: ۴۵۴.

بعضی از بزرگان این دعا را در «بخش زیارت‌ها» ذکر کرده‌اند؛ زیرا این دعا به منزله بیعت با

امام زمان صلوات الله علیه است.

۲. مفتاح الفلاح: ۲۰۶، مصباح المنتهجد: ۵۳ (با کمی تفاوت).

دعای دیگر برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداء

پس از نماز صبح

در «منهاج العارفين» آمده است: مستحب است نمازگزار بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.^۱

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرجشان تعجیل فرما.

دعا برای حضرت بقیة الله عجل فرجه

بعد از نماز صبح

علامه مجلسی رحمته الله در کتاب «مقباس» در تعقیب نماز صبح روایت می‌کند: پیش از آن که کلامی بر زبان بیاورد صد مرتبه بگوید:

يَا رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَ

ای پروردگار من! بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج و راحتی

آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.^۲

آل محمد شتاب فرما، و مرا از آتش رها و آزاد کن.

۱. منهاج العارفين: ۱۰۸. ۲. مکیال المکارم: ۱۳/۲.

دعاهایی که حضرت بقیة الله ارواحنا فداء

برای برطرف شدن مشکلات شدید به مردی آموختند

محدث نوری رحمته الله در «دار السلام» می‌گوید: عالم عامل ملاً فتحعلی سلطان آبادی رحمته الله به من گفت که: فاضل مقدس پرهیزگار ملاً محمد صادق عراقی رحمته الله در نهایت فقر و تنگدستی و در سختی و بلا بود و گرفتاری و بدبختی از هر سو به او رو آورده بود.

روزگاری به همین ترتیب گذشت و گشایش در کارش حاصل نشد و تنگدستی او برطرف نشد تا این که شبی در خواب دید که گویا در بیابانی است و در آن بیابان خیمه بزرگی برپا می‌باشد و قبه‌ای بر بالای آن است.

شیخ از صاحب آن خیمه پرسش نمود. به او گفته شد: در این خیمه، پناهگاه محکم و استوار، فریادرس گرفتار بیچاره، حاجت قائم، حضرت مهدی و امام منتظر مرضی - که خداوند تعالی در راحتی و فرجش شتاب کند و خروجش را آسان فرماید - حضور دارند. شیخ به سرعت به سمت خیمه رفت؛ زیرا برطرف شدن گرفتاریش را در آن یافته بود.

وقتی به حضور حضرت رسید، از پریشانی و فشار زمان و سختی حال خانواده‌اش شکایت کرد و از حضرت دعایی خواست

که با آن غم و اندوه از او برداشته شده و گرفتاریش برطرف شود . حضرت او را به سیدی از فرزنداناش حواله کرد و به خیمه‌اش اشاره کرد . شیخ از حضور حضرت مرخص شده و به آن خیمه رفت . در آنجا سید سند دانشمند مورد اعتماد ، عالم والا مقام و مورد تأیید جناب سید محمد سلطان آبادی را دید که بر سجاده‌اش نشسته و در حال نیایش است .

بعد از سلام ، آنچه حجّت پروردگار حواله کرده بود عرض کرد و سید دعایی که رفع تنگدستی و سختی کند و موجب افزایش روزی باشد به او آموخت .

در این هنگام شیخ از خواب بیدار شد ، در حالی که دعا در ذهنش مانده بود . سپس به سوی خانه سید محمد روانه شد با آن که قبل از آن خواب به دلیللی که ذکر نمی‌کرد از سید کناره می‌گرفت و نمی‌خواست او را ببیند .

وقتی به خانه سید رسید و داخل شد سید را دید که بر روی سجاده نمازش - همان گونه که در خواب دیده بود - نشسته و ذکر خدا می‌گوید و استغفار می‌کند .

به سید سلام کرد و او جواب داد در حالی که خنده‌ای بر لب داشت ، گویا قضیه را می‌داند و از اسرار پنهانی آگاه است . شیخ آنچه در خواب پرسیده بود از سید پرسید و سید همان دعا را به او آموخت .

شیخ مدت کمی آن دعا را خواند و دنیا از هر طرف به او روی آورد . همیشه استاد ما دام ظلّه آن سید را با احترام تعریف می‌نمود ، در حالی که او را در اواخر عمرش درک کرده و زمان کوتاهی شاگردی ایشان نموده بود .

آنچه سید رحمته در خواب و بیداری به شیخ آموخت ، سه چیز است :

۱ - بعد از نماز صبح در حالی که دستش را بر روی سینه گذاشته هفتاد مرتبه « یا فتّاح » بگوید .

کفعمی رحمته نیز در کتاب « مصباح » می‌گوید : هر کس به این شکل این ذکر را بگوید خداوند تعالی حجاب را از قلبش برطرف کند .

۲ - آنچه کلینی در کتاب کافی آن را روایت کرده است که : یکی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله چند روزی به خدمت ایشان نرسید و هنگامی که حضور حضرت رسید ، رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمودند :

چه چیزی تو را از دیدار ما در این چند روز باز داشت ؟
مرد گفت : بیماری و فقر .

حضرت فرمود : آیا نمی‌خواهی به تو دعایی بیاموزم که خدا فقر و بیماری را به وسیله آن از تو دور کند ؟
مرد گفت : البتّه ، ای رسول خدا .
حضرت فرمودند : بگو :

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ [الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ]، تَوَكَّلْتُ

هیچ جنبش و توانایی نیست مگر به سبب خداوند [بلندمرتبه بزرگ]؛ توکل کردم

عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ

بر (خدای) زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد، و حمد و ستایش مخصوص خدایی است که

يَتَّخِذُ [صَاحِبَةً وَلَا] وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي

[همسر و] فرزندی ندارد، و در فرمان‌روایی شریکی برایش نیست،

الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ، وَكَبُرَتْهُ تَكْبِيرًا.

و برای او از روی خواری و ذلت ولی و سرپرستی نیست؛ و به بزرگی از او یاد کن.

راوی گوید: زمان اندکی گذشت که آن مرد صحابی نزد رسول

خدا ﷺ بازگشت و گفت: ای رسول خدا؛ خداوند بیماری و

فقر را از من برطرف کرد.

۳- آنچه ابن فهد حلی در کتاب «عدّة الداعی» از رسول

خدا ﷺ روایت کرده است:

هر کس این دعا را هر روز بعد از نماز صبح بخواند، هیچ

حاجتی از خدای تعالی نخواهد مگر آن که به آسانی برآورد

شود و خداوند کارهای مهم او را کفایت نماید:

بِسْمِ اللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَفْوَضُ

به نام خدا و خداوند بر محمد و آل محمد درود فرستد، و

أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ، فَوَقِيَهُ اللَّهُ

کارم را به خدا واگذار می‌کنم؛ همانا خدا نسبت به بندگان بیناست. پس خدا او را از

سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي

بدی‌های آنچه مکر و حيله کرده‌اند محفوظ داشت؛ هیچ خدایی جز تو نیست؛ پاک و منزهی تو، همانا من

كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ

از گروه ستمگران بودم؛ پس دعای او را اجابت کردیم و او را از غم و اندوه رهانیدیم

وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ

و این گونه مؤمنان را نیز نجات می‌بخشیم و خدا ما را کفایت می‌کند و او خوب

الْوَكِيلُ، فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ، وَفَضْلٍ لَمْ

وکیلی است. پس با نعمتی از سوی خدا و فضل و احسان در حالی که هیچ بدی به آنان نرسید

يَمَسُّهُمْ سُوءٌ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ،

دگرگون شدند. آنچه خدا بخواهد همان شود و هیچ جنبش و توانایی نیست مگر به سبب خدا؛

مَا شَاءَ اللَّهُ لَا مَا شَاءَ النَّاسُ، مَا شَاءَ اللَّهُ وَإِنْ كَرِهَ

هر چه خدا بخواهد همان شود نه آنچه مردم بخواهند؛ هر چه خدا بخواهد همان شود؛ هر

النَّاسِ. حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ، حَسْبِيَ

چند مردم خوش نداشته باشند. پرورش‌دهنده، مرا از پرورش‌یافتگان کفایت می‌کند؛

الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ، حَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ

آفریننده، مرا از آفریدگان کفایت می‌کند؛ روزی‌دهنده مرا از

الْمَرْزُوقِينَ، حَسْبِيَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، حَسْبِيَ مَنْ

روزی خواران کفایت می‌کند؛ خدایی که پروردگار جهانیان است مرا کفایت می‌کند. کفایت می‌کند

هُوَ حَسْبِي، حَسْبِي مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي، حَسْبِي مَنْ

مرا آن کسی که برایم کافی است؛ کفایت می‌کند مرا آن که همیشه کفایت می‌کند؛ کفایت می‌کند مرا

كَانَ مُذْ كُنْتُ [لَمْ يَزَلْ] حَسْبِي، حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

آنکه از ابتدایی که بودم پیوسته مرا کفایت می‌کند؛ خدایی مرا کفایت می‌کند که جز او خدایی

هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

نیست؛ تنها بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است.

مواظبت در مداومت این اوراد شایسته است؛ زیرا که فهم و درایت و خیر، این اذکار و دعاها را تصدیق کرده است.^۱

۱۲

دعا برای ظهور آن حضرت

پس از نماز صبح و ظهر در هر روز

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: هر کس بعد از نماز صبح و ظهر،

در روز جمعه و دیگر روزها بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

خداوندا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج و راحتی ایشان تعجیل فرما،

۱. دار السلام: ۲/۲۶۶.

نمی‌میرد تا این که حضرت قائم مهدی (صلوات الله علیه) را درک کند.^۱

۱۳

دعا برای ظهور آن بزرگوار ارواحنا فداه

پس از نماز ظهر در هر روز

در کتاب «فلاح السائل» آمده است: از اذکار مهم در تعقیب

نماز ظهر، اقتدا کردن به امام صادق علیه السلام در دعا کردن برای حضرت مهدی صلوات الله علیه است.

امامی که رسول خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله در روایات صحیح به امتش بشارت او را داده است و به آن‌ها وعده داده که آن حضرت در آخر الزمان ظهور می‌کند.

محمد بن رهبان دبیلی روایت کرده است: ابو علی محمد بن حسن بن محمد بن جمهور قمی گفت: پدرم از پدرش محمد بن جمهور و او از احمد بن حسین سگری و او از عبّاد بن محمد مدائنی نقل کرد که: در مدینه بر امام صادق علیه السلام وارد شدم هنگامی که از نماز ظهر فارغ شده بود، آن حضرت دست‌ها را به سوی آسمان بلند کرده بود و می‌گفت:

۱. مصباح المتهجد: ۳۶۸، بحار الأنوار: ۷۷/۸۶ و ۳۶۳/۸۹، و در «الصحيفة الصادقية: ۱۶۹»

نقل کرده است که این صلوات را صد مرتبه بگوید.

يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ، يَا جَامِعَ (كُلِّ فَوْتٍ)، يَا بَارِيَّ

ای شنونده هر صدا؛ ای گرد آورنده (هر ناپود)؛ ای آفریننده

كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ، يَا بَاعِثُ، يَا وَارِثُ، يَا سَيِّدُ

هر جان و روان بعد از مرگ؛ ای برانگیزاننده؛ ای وارث؛ ای آقا و سرور

السَّادَةِ، يَا إِلَهَ الْآلِهَةِ، يَا جَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ، يَا مَلِكَ

آقایان؛ ای معبود معبودها؛ ای جبار جباران؛ ای پادشاه

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ، يَا مَلِكَ الْمُلُوكِ، يَا

دنیا و آخرت؛ ای پرورش دهنده پرورش دهندگان؛ ای پادشاه پادشاهان؛ ای

بَطَّاشُ، يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، يَا فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ، يَا

بسیار سختگیر؛ ای صاحب سختگیری شدید؛ ای انجام دهنده هر چه می خواهد؛ ای

مُحْصِي عَدَدِ الْأَنْفَاسِ وَنَقْلِ الْأَقْدَامِ، يَا مَنْ السَّرُّ

شمارشگر تعداد نفسها و حرکت و جابجایی قدمها؛ ای کسی که پنهان در

عِنْدَهُ عَلَانِيَةٌ، يَا مُبْدِي، يَا مُعِيدُ. أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ

نزد او آشکار است؛ ای آغازگر آفرینش؛ ای بازگرداننده؛ از تو می خواهم به حق خودت

عَلَى خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَيَحَقُّهُمْ الَّذِي أُوجِبْتَ لَهُمْ

بر بندگان برگزیده ات از میان آفریدگانت، و به حقی که برای ایشان

عَلَى نَفْسِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ

بر خودت لازم کردی؛ که بر محمد و اهل بیتش درود بفرستی که سلام بر او

وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَأَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ السَّاعَةَ السَّاعَةَ

و بر آنان باد، و در همین ساعت در همین ساعت بر من منت گذاشته

بِفِكَائِكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَنْجِزْ لَوْلِيِّكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ

و مرا از آتش، رها کنی؛ و برای ولی خودت و فرزند پیامبر خودت

الدَّاعِي إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ، وَأَمِينِكَ فِي خَلْقِكَ، وَعَيْنِكَ

که دعوت کننده به سوی تو به اجازه تو و امانت داری در میان خلق تو و چشم تو

فِي عِبَادِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ، عَلَيْهِ صَلَوَاتُكَ

در میان بندگان تو، و حجت تو بر آفریدگان تو است - که درودها و

وَبَرَكَاتِكَ وَعَدَّهُ. اللَّهُمَّ أَيِّدُهُ بِنَصْرِكَ، وَأَنْصُرْ

برکات تو بر او باد - وعدهات را انجام بده. خداوندا؛ با یاری خودت او را تأیید کن، و

عَبْدَكَ، وَقَوِّ أَصْحَابَهُ وَصَبِّرْهُمْ، وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ

بندهات را یاری نما، واصحابش را قوت بخش و آنان را صبر و شکیبایی عنایت کن؛ و برای ایشان از

لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَأَمِّكْنَهُ مِنْ

نزد خودت قدرت یاری کننده ای را قرار ده؛ و در راحتی و فرجش تعجیل کن، و او را بر

أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

دشمنانت و دشمنان رسولت مکن و قدرت ببخش، ای مهربان ترین مهربانان.

گفتم: فدایت شوم؛ آیا این طور نیست که برای خویش دعا

نمودید؟

حضرت فرمود:

برای نور آل محمد ﷺ و پیشرو و جلودار و انتقام‌گیرنده از دشمنان آل محمد به امر خدا، دعا کردم.
گفتم: فدایت شوم؛ کی خروج می‌کند؟
حضرت فرمود: هر گاه آن که آفرینش و امور عالم در دست اوست، بخواهد.
گفتم: آیا برای خروج او علامتی هست؟
حضرت فرمود: آری؛ نشانه‌های مختلفی هست.

گفتم: مانند چه چیزی؟

حضرت فرمود: خروج علامت و پرچمی از شرق و پرچمی از غرب و فتنه‌ای که بر اهل «زوراء» سایه می‌افکند، و خروج مردی از فرزندان عمویم زید در یمن، و به تاراج رفتن پردهٔ بیت الحرام^۱، و خداوند هر چه بخواهد، انجام می‌دهد.^۲

در کتاب «مکیال المکارم» آمده است: از این دعا چند چیز استفاده می‌شود:

اول: مستحب است دعا کردن در حق حضرت حجّت صلوات الله علیه و درخواست تعجیل فرج آن حضرت بعد از نماز ظهر.

دوم: مستحب است بالا بردن دست‌ها هنگام دعا برای

حضرت حجّت ارواحنا فداء.

سوم: مستحب است شفیع گرفتن ائمه و درخواست کردن به حق ایشان، قبل از طلب حاجت.

چهارم: مستحب است حمد و ستایش خدای عزّ و جلّ در ابتدای دعا.

پنجم: مستحب است مقدّم داشتن صلوات بر محمد و آل محمد ﷺ بر طلب حاجت.

ششم: پاک کردن روان از گناهان به وسیلهٔ استغفار و مثل آن؛ تا روان پاک و برای اجابت آماده شود. شاهد این مطلب، طلب مغفرت و رهایی از آتش است که امام ﷺ درخواست نموده است.

هفتم: منظور از ولیّ مطلق که بدون اضافه و قید باشد در گفتار ائمه ﷺ و دعای ایشان همان مولای مان صاحب الزمان ارواحنا فداء است.

هشتم: مستحب است دعا کردن در حق اصحاب و یاوران حضرت.

نهم: امام صلوات الله علیه در هر حالی شاهد بر اعمال بندگان است، آن‌ها و رفتارشان را می‌نگرد که جمله «چشم تو در میان بندگان» به آن اشارت و دلالت دارد.

دهم: یکی از القاب حضرت حجّت ارواحنا فداء نور آل

۱. بحار الأنوار: ۶۲/۸۶، فلاح السائل: ۱۷۰، المصباح: ۴۸، البلد الأمين: ۲۷.

۲. مکیال المکارم: ۱۱/۲.

محمد ﷺ است؛ در روایات نیز شاهد بر آن وجود دارد؛ محقق نوری ﷺ بعضی از آن‌ها را در کتابش بنام «نجم الثاقب» ذکر کرده است.

یازدهم: آن حضرت ارواحنا فداء بعد از امیر مؤمنان علی ﷺ، امام حسن و امام حسین ﷺ افضل و برتر از دیگر ائمه ﷺ می‌باشد و روایات دیگری نیز آن را تأیید می‌کند.

دوازدهم: خداوند عَزَّاسَه حضرت را ذخیره فرموده و آمدنش را به تأخیر انداخته است برای انتقام گرفتن از دشمنان خودش و دشمنان رسولش؛ و روایات در این باره متواتر است.

سیزدهم: زمان ظهورش از امور پنهانی است که مصلحت الهی چنین اقتضا کرده است؛ در این مورد هم روایات متواتر است.

چهاردهم: نشانه‌های گفته شده در روایت از علایم حتمی و قطعی نیست؛ به خاطر این جمله که در آخر کلام فرموده است: «و خداوند هر چه بخواهد، انجام می‌دهد».^۱

۱. مکمال المکارم: ۱۱/۲.

دعا برای ظهور امام زمان ﷺ

پس از نماز عصر

سید بن طاووس ﷺ در کتاب «فلاح السائل» می‌نویسد: از اذکار مهم بعد از نماز عصر اقتدا کردن به مولایمان حضرت موسی بن جعفر ﷺ در دعا نمودن برای مولایمان حضرت مهدی صلوات الله علیه است. چنان که یحیی بن فضل نوفلی روایت کرده است که گفت: در بغداد برای الحسن موسی بن جعفر ﷺ - وقتی از نماز عصر فارغ شده بود - وارد شدم. دیدم دست‌ها را به سوی آسمان بلند کرده و شنیدم که می‌گوید:

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ

تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، اول و آخر و ظاهر

والباطن، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِلَيْكَ زِيَادَةٌ

و باطن تویی؛ خدایی هستی که معبودی جز تو نیست؛ فزونی و کاستی

الأشياء ونقصانها، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَ

چیزها در اختیار توست؛ تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست؛ آفرینش را

الْخَلْقَ بِغَيْرِ مَعُونَةٍ مِنْ غَيْرِكَ، وَلَا حَاجَةَ إِلَيْهِمْ، أَنْتَ

بدون کمک دیگران و بدون نیاز به آنان آفریدی؛ تو

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مِنْكَ الْمَشِيئَةُ وَإِلَيْكَ الْبَدْءُ. أَنْتَ

خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، مشیت از توست و آغاز کردن بستگی به تو دارد. تو

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، قَبْلَ الْقَبْلِ وَخَالِقُ الْقَبْلِ، أَنْتَ اللَّهُ

خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، قبل از هر قبلی بوده‌ای و تو آفریدگار قبل هستی؛ تو خدایی

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بَعْدَ الْبَعْدِ وَخَالِقُ الْبَعْدِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ

هستی که معبودی جز تو نیست، بعد از هر بعدی هستی و آفریدگار بعد تویی، تو خدایی هستی که

إِلَّا أَنْتَ، تَمَحُّو مَا تَشَاءُ وَتَثْبِتُ وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ،

معبودی جز تو نیست، هر چه را بخواهی محو یا اثبات می‌کنی و ام کتاب نزد توست،

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، غَايَةُ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثُهُ، أَنْتَ

تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، نهایت و وارث هر چیزی؛ تو

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، لَا يَعْزُبُ عَنْكَ الدَّقِيقُ وَلَا

خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، هیچ چیز کوچک و بزرگ از نظرت پنهان نمی‌ماند؛

الْجَلِيلُ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، لَا يَخْفَى عَلَيْكَ

تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، هیچ لغتی بر تو پوشیده نمی‌ماند

اللُّغَاتُ، وَلَا تَشَابَهُ عَلَيْكَ الْأَصْوَاتُ. كُلُّ يَوْمٍ أَنْتَ

و صداهای مختلف تو را به اشتباه نمی‌اندازد. هر روز تو

فِي شَأْنٍ، لَا يَشْغَلُكَ شَأْنٌ عَنِ شَأْنٍ، عَالِمُ الْغَيْبِ

در شان و کاری هستی که هیچ شانی تو را از شان دیگر باز نمی‌دارد. دانای غیب

وَأَخْفَى، دَيَّانُ الدِّينِ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، بَاعِثُ مَنْ فِي

و پنهانی‌ها، پاداش‌دهنده کار، تدبیرگر امور، برانگیزاننده افرادی که در

الْقُبُورِ، مُحْيِي الْعِظَامِ وَهِيَ رَمِيمٌ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

قبرهایند، زنده‌کننده استخوان‌ها در حالی که پودر و خاکستر شده‌اند تو هستی؛ از تو می‌خواهم به

الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ، الْحَيِّ الْقَيُّومِ، الَّذِي لَا يَخِيبُ

اسم پنهان ذخیره‌شده‌ات، که زنده و پاینده است، که هر کس تو را به آن نام بخواند ناامید

مَنْ سَأَلَكَ بِهِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ

نمی‌شود؛ که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و فرج

تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُتَّقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ، وَأَنْجِزْ لَهُ مَا

و گشایش در کار انتقام‌گیرنده‌ات از دشمنانت را تعجیل فرمایی و آنچه به او وعده داده‌ای

وَعَدْتَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

به جای آوری؛ ای صاحب جلالت و کرامت.

یحیی بن فضل می‌گوید: عرض کردم: برای چه کسی دعا

کردیدی؟ حضرت فرمود:

برای مهدی آل محمد علیهم‌السلام.

آنگاه فرمودند: پدرم فدای آن که دارای شکم سستبر،

ابروهای به هم پیوسته؛ ساق باریک؛ شانه‌های پهن؛ و رنگ

گندمگون دارد که به خاطر شب زنده‌داری کمی مایل به

رنگ زرد است.

پدرم فدای آن کسی که با رکوع و سجده شب را به صبح می‌رساند؛ پدرم فدای آن کسی که در راه خدا از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌هراسد؛ چراغ فروزنده در تاریکی‌ها است؛ پدرم فدای قیام‌کننده به امر خدا باد.

گفتم: چه وقت خروج می‌کند؟ حضرت فرمود:

هنگامی که دیدی لشکریان به ساحل فرات و صرات و دجله آمده‌اند و پل کوفه ویران شد و بعضی از خانه‌های کوفه سوزانده شد، هنگامی که این نشانه‌ها را مشاهده کردی، بدان که خداوند آنچه بخواهد انجام می‌دهد و کسی نیست که بر امر خدا غلبه کند و یا حکمش را به تأخیر بیندازد.^۱

۱۵

دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه

بعد از دو رکعت اول نماز شب

شیخ طوسی اعلی الله مقامه می‌گوید: مستحب است در تعقیب این

دو رکعت نماز، این دعا خوانده شود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَلَمْ يُسْأَلْ مِثْلَكَ، أَنْتَ مَوْضِعُ

خداوندا! همانا من از تو می‌خواهم، در حالی که کسی مانند تو نیست که سؤال شود. تو محل

۱. فلاح السائل: ۱۹۹، و در المصباح: ۵۱ و البلد الأمين: ۳۵ با تفاوتی.

مَسْأَلَةِ السَّائِلِينَ وَمُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاعِبِينَ، أَدْعُوكَ

خواستۀ درخواست‌کنندگانی و نهایت شوق مشتاقانی؛ تو را صدا می‌زنم در حالی

وَلَمْ يُدْعَ مِثْلَكَ، وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ وَلَمْ يُرْغَبْ إِلَيَّ

که مثل تو کسی نیست که خوانده شود، و به سوی تو مشتاقم در حالی که کسی چون تو نیست

مِثْلَكَ، أَنْتَ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَأَرْحَمُ

که به او میل شود؛ تو اجابت‌گر دعای بیچارگانی و مهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ. أَسْأَلُكَ بِأَفْضَلِ الْمَسَائِلِ وَأَنْجَحِهَا

مهربانانی. از تو می‌خواهم به برترین خواسته‌ها و کامیاب‌ترین

وَأَعْظَمِهَا، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ يَا رَحِيمٌ وَيَا سَمَائِكَ

و بزرگ‌ترین خواسته‌ها. ای خدا؛ ای بخشنده؛ ای مهربان؛ و به نام‌های

الْحُسْنَى، وَأَمْثَالِكَ الْعُلْيَا، وَنِعْمِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى.

نیکویت و مثل‌های بلندمرتبهات و نعمت‌هایت که به شمارش نیاید،

وَيَا كَرَمِ أَسْمَائِكَ عَلَيْكَ، وَأَحَبِّهَا إِلَيْكَ، وَأَقْرَبِهَا

و به گرمی‌ترین نام‌هایت، و محبوب‌ترین آن‌ها نزد تو و نزدیک‌ترین آن‌ها

مِنْكَ وَسَيْلَةً، وَأَشْرَفِهَا عِنْدَكَ مَنْزِلَةً، وَأَجْزَلِهَا

از نظر وسیله‌بودن به سوی تو، و باشرافت‌ترین آن‌ها نزد تو از نظر قدر و منزلت،

لَدَيْكَ ثَوَابًا، وَأَسْرَعِهَا فِي الْأُمُورِ إِجَابَةً، وَبِاسْمِكَ

و فراوان‌ترین آن‌ها از نظر پاداش، و سریع‌ترین آن‌ها در امور از نظر اجابت، و به نام

۱. بحار الأنوار: ۶۱/۸۶.

الْمَكْتُونِ الْأَكْبَرِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَعْظَمِ الْأَكْرَمِ، الَّذِي

پنهان بزرگتر، عزیزتر، بزرگوارتر، عظیم‌تر و گرامی‌تر که آن را دوست

تُحِبُّهُ وَتَهْوَاهُ، وَتَرْضَى بِهِ عَمَّنْ دَعَاكَ، فَاسْتَجَبْتَ

می‌داری و می‌خواهی و به واسطه آن از کسی که با آن نام، تو را بخواند راضی و خشنود می‌شوی

لَهُ دُعَاءُهُ، وَحَقُّ عَلَيْكَ أَنْ لَا تَحْرِمَ سَائِلَكَ وَلَا تَرُدَّهُ.

و دعایش را اجابت می‌کنی، و بر تو سزاوار است که خواننده خود را محروم نساخته و او را رد نکنی.

وَبِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ

و به هر اسمی که برای توست در تورات، انجیل، زبور

وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَبِكُلِّ اسْمٍ دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةٌ عَرْشِكَ

و قرآن عظیم؛ و به هر اسمی که حاملان عرش

وَمَلَائِكَتِكَ، وَأَنْبِيَاؤُكَ وَرُسُلُكَ، وَأَهْلُ طَاعَتِكَ مِنْ

و فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و مخلوقات فرمانبرداری تو را به

خَلْقِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعَجِّلَ

آن اسم می‌خوانند؛ که بر محمد و آل محمد درود فرستی و در فرج

فَرَجٍ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، وَتُعَجِّلَ خِزْيَ أَعْدَائِهِ.

و گشایش کار ولی و فرزند ولی خود تعجیل کنی و در خواری و ذلت دشمنانش شتاب نمایی.

در این جا هر چه دوست داری دعا کن.^۱

۱. مصباح المنتهجد: ۱۳۹.

در کتاب «مکیال المکارم» آمده است: در کتاب «جمال

الصالحین» اضافه‌ای برای این دعا یافتیم که چنین است:

وَتَجْعَلُنَا مِنْ أَصْحَابِهِ وَأَنْصَارِهِ، وَتَرْزُقُنَا بِهِ

و ما را از اصحاب و یارانش قرار بدهی و به واسطه او امید ما را برآورده

رَجَاءَنَا، وَتَسْتَجِيبَ بِهِ دُعَاءَنَا.^۱

و ارزانی داری، و دعای ما را اجابت کنی.

مرحوم کفعمی گوید: مستحب است که این دعا بعد از هر دو

رکعت از نمازهای شب خوانده شود.^۲

۱۶

دعا برای ظهور آن حضرت ﷺ

بعد از رکعت چهارم نماز شب

بعد از رکعت چهارم نماز شب، دو سجده شکر می‌گذاری و

در آن دو سجده صد مرتبه می‌گویی: «مَا شَاءَ اللَّهُ، مَا شَاءَ اللَّهُ»؛

سپس این دعا را می‌خوانی:

۱. مکیال المکارم: ۱۴/۲.

۲. المصباح: ۷۵.

يَا رَبِّ، أَنْتَ اللَّهُ، مَا شِئْتَ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ، فَصَلِّ

ای پروردگار من؛ تو خداوندی، هر چه از امور بخواهی انجام می‌شود؛ پس

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ لِي فِيهَا تَشَاءُ أَنْ

بر محمد و آل محمد درود فرست، و برایم در آنچه می‌خواهی این را قرار بده که

تُعَجَّلَ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ،

فرج آل محمد را تعجیل فرمایی - که خدا بر آن حضرت و آنان درود فرستد -

وَتَجْعَلَ فَرَجِي وَفَرَجَ إِخْوَانِي مَقْرُونًا بِفَرَجِهِمْ،

و گشایش کار مرا و گشایش کار برادرانم را همراه با فرج آل محمد قرار دهی

وَتَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا. و برای هر چه دوست داری دعا کن.^۱

و برای من (چنین و چنان) کنی.

در بخش چهارم دعایی را که بعد از نماز صبح در روز جمعه

خوانده می‌شود و نیز دعای دیگری را که بعد از نماز جمعه

خوانده می‌شود نقل می‌کنیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بخش چهارم

بخش چهارم



دعای ایام هفته



دعا برای ظهور امام زمان عجل الله فرجه

در روزهای پنجشنبه

سید بن طاووس رحمه الله می نویسد: از جمله وظایف روز پنجشنبه آن است که مستحب است انسان هزار بار بر پیغمبر صلوات الله علیه صلوات بفرستد، و مستحب است که بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ ۱.

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود بفرست و فرج ایشان را تعجیل فرما.



صلوات برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداء

از عصر روز پنجشنبه تا پایان روز جمعه

شیخ طوسی رحمه الله می نویسد: مستحب است بعد از نماز عصر

۱. جمال الأسبوع: ۱۲۱.

دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه

در شب جمعه

شیخ ابو جعفر طوسی رحمته الله علیه در کتاب «مختصر المصباح» وقتی وظایف شب جمعه را نقل می‌کند می‌فرماید:

صد مرتبه یا هر اندازه که می‌توانی این گونه بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم صلوات می‌فرستی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج ایشان را

فَرَجَهُمْ، وَأَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ، مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنْ

تعجیل فرما و دشمنان آنان را از جن و انس از

الأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ.^۱

اولین و آخرین هلاک گردان.

روز پنجشنبه تا آخر روز جمعه بسیار صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به این گونه:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج ایشان را

فَرَجَهُمْ، وَأَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنْ

تعجیل فرما و دشمنان آنان را از جن و انس از

الأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ.

اولین و آخرین هلاک گردان.

و اگر آن را صد مرتبه بگویند فضیلت بسیاری دارد.^۱

کفعمی رحمته الله علیه نیز می‌گوید:

مستحب است که انسان در روز پنجشنبه هزار مرتبه سوره

قدر را بخواند و هزار مرتبه بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و آل او صلوات

بفرستد؛ بعد دعایی که ذکر کردیم بخواند.^۲

۱. مصباح المتهجد: ۲۶۵، و ص ۲۵۷ با کمی تفاوت.

۲. المصباح: ۱۷۷.

۱. مکیال المکارم: ۲/۳۱.

حکایت دعای علوی مصری

سید جلیل القدر رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» می‌گوید:

دعای علوی مصری را در کتابی قدیمی - که نویسنده اش خود را حسین بن علی بن هند معرفی کرده و گفته آن را در شوال سال سیصد و نود و شش نوشته‌ام - یافتم، نویسنده سند دعایش را این گونه بیان کرده است:

دعایی است که مولای مان امام منتظر صلوات الله علیه به مردی از شیعیان خود که گرفتار ظلم و ستم بود در خواب آموخته است و خداوند برای او گشایشی ایجاد کرد و دشمنش را کشت ...

سید اجل فرموده است: دعای معروف به دعای علوی مصری برای هر کار سخت و بزرگ خوانده می‌شود.

سید بن طاووس رحمه الله به دو طریق این دعا را نقل می‌کند و می‌فرماید: ابوالحسن علی بن حماد بصری گفت: ابوعبدالله حسین بن محمد علوی به من خبر داد که: محمد بن علی علوی حسینی مصری برایم گفت: غم و اندوه شدید و پیش آمد ناگواری از طرف یکی از ملوک دیارم به من رسید به طوری که تمام فکرم را به خود مشغول کرده بود و بسیار هراسناک بودم و هرگز امیدي برای رهائی خویش نداشتم.

به زیارتگاه سرورانم و پدرانم رحمهم الله در عراق رفتم، و پناهنده به ایشان و قبورشان گشتم، و از بلای بزرگ کسی که از او می‌ترسیدم به آن جا پناه آوردم و پانزده روز در حالی که شب و روز دعا و گریه و ناله می‌کردم در آن جا اقامت کردم که قائم زمان و ولی رحمان علیه و علی آبانه افضل التحية والسلام در بین خواب و بیداری نزد آمد و خود را به من نشان داد و فرمود: ای فرزندم؛ آیا از فلانی می‌ترسی؟

گفتم: آری، به من چنین و چنان قصدی نموده است و من به سروران و موالیانم رحمهم الله روی آورده و به ایشان شکایت می‌کنم تا مرا از شر او خلاص کنند.

حضرت فرمود: چرا خدا را که پروردگار تو و پروردگار پدرانت می‌باشد با دعاهایی که اجدادم پیامبران صلوات الله علیهم هنگام شدت و گرفتاری می‌خواندند و رفع گرفتاری از آن‌ها می‌شد نمی‌خوانی و دعا نمی‌کنی؟

گفتم: آن‌ها چگونه دعا می‌کردند تا من هم دعا کنم؟

حضرت فرمودند: چون شب جمعه شد برخیز و غسل کن و نمازت را بخوان و چون از سجده شکر فارغ شدی در حالی که بر سر دو زانویت نشسته‌ای، این دعا را با تضرع و ناله بخوان.

محمد بن علی گفت: آن حضرت، پنج شب پیاپی نزد من آمد و این دعا را برایم تکرار کرد تا آن که حفظ کردم و آمدنش را در شب جمعه قطع کرد؛ پس برخاستم و غسل کردم و لباسم را

عوض کرده و خود را خوشبو نمودم و آن چه از نماز شب بر من لازم بود بجا آوردم و بر زانوهایم نشستیم و خدا را با این دعا خواندم.

شب شنبه نیز به صورت شب‌های گذشته آن حضرت نزد من آمد و به من فرمود: ای محمد؛ دعایت مستجاب شد و دشمنت کشته شد، و چون از دعا فارغ شدی خداوند عزوجل او را هلاک کرد.

محمد بن علی گفت: چون صبح شد هیچ اندوهی نداشتم مگر غم وداع سرورانم علیه السلام و بازگشتن به سوی منزلی که از آن گریخته بودم. وقتی مقداری از راه را طی کردم فرستاده فرزندانم را دیدم و نامه‌های آنان به دستم رسید که نوشته بودند:

مردی که از او گریختی در مجلسی که برقرار کرده بود گروهی را جمع کرد و بعد از آن که همه خوردند و نوشیدند و پراکنده شدند، او با غلامان خود آن جا خوابیدند.

صبح که شد هیچ حس و حرکتی از او شنیده نشد؛ پرده از صورتش کنار زدند و دیدند که از پشت سر ذبح شده است و خونش روان است و این حادثه در شب جمعه اتفاق افتاده است و نمی‌دانند چه کسی آن کار را کرده است؟

فرزندانم از من خواسته بودند هرچه سریع‌تر به خانه برگردم. وقتی به خانه رسیدم درباره زمان این حادثه پرسیدم و دانستم

درست هنگام فراغ من از دعا بوده است.^۱



دعای علوی مصری از امام زمان ارواحنا فداه

که در گرفتاری‌های شدید خوانده می‌شود

دعایی است شریف که امام زمان ارواحنا فداه به علوی مصری تعلیم فرمودند، و آن دعا چنین است:

رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي دَعَاكَ فَلَمْ تُجِبْهُ، وَمَنْ ذَا الَّذِي

پروردگارا؛ چه کسی است که تو را خوانده و تو او را جواب ندادی؟ و چه کسی است که از تو

سَأَلَكَ فَلَمْ تُعْطِهِ، وَمَنْ ذَا الَّذِي نَاجَاكَ فَخَيَّبْتَهُ، أَوْ

درخواست کرد و به او عطا نکردی؟ و چه کسی است که با تو مناجات کرده و او را ناامید ساختی

تَقَرَّبَ إِلَيْكَ فَأَبْعَدْتَهُ. وَرَبِّ هَذَا فِرْعَوْنُ ذُو

یا به تو نزدیک شده پس او را دور گردانیدی؟ ای پروردگار من؛ این فرعون، صاحب

الْأُوتَادِ، مَعَ عِنَادِهِ وَكُفْرِهِ وَعُتُوِّهِ وَإِذْعَانِهِ

قوت‌هاست که با وجود انحرافش از حق و کفرش و سرکشی‌اش و ادعای

الرُّبُوبِيَّةِ لِنَفْسِهِ، وَعِلْمِكَ بِأَنَّهُ لَا يُتُوبُ، وَلَا يَرْجِعُ

ربوبیت برای خودش و با آگاهی تو به این که توبه نمی‌کند و باز نمی‌گردد

۱. مهج الدعوات: ۳۳۴، جنة المأوى: ۲۲۷.

وَلَا يُتُوبُ، وَلَا يُؤْمِنُ وَلَا يَخْشَعُ، اسْتَجَبْتَ لَهُ

و نمی‌آید و ایمان نمی‌آورد و خشوع نمی‌کند، دعایش را اجابت کردی

دُعَاَهُ، وَأَعْطَيْتَهُ سُؤْلَهُ، كَرَمًا مِنْكَ وَجُودًا، وَقِلَّةَ

و خواسته‌اش را عطا نمودی، به جهت بزرگواری و بخششی که داشته‌ای و کم

مِقْدَارٍ لِمَا سَأَلَكَ عِنْدَكَ، مَعَ عِظْمِهِ عِنْدَهُ، أَخْذًا

مقدار بودن آنچه خواسته بود در نزد تو، با وجود بزرگیش در نزد او؛

بِحُجَّتِكَ عَلَيْهِ، وَتَأْكِيدًا لَهَا حِينَ فَجَرَ وَكَفَرَ،

تا حجّت را بر او تمام ساخته و تأکید کرده باشی وقتی که تباهی و فساد کرد و کفر ورزید

وَاسْتِطَالَ عَلَى قَوْمِهِ وَتَجَبَّرَ، وَيَكْفُرِهِ عَلَيْهِمْ

و بر قومش زورگویی کرد و سرکشی نمود و به کفر خود برای‌شان

افْتَخَرَ، وَبِظُلْمِهِ لِنَفْسِهِ تَكَبَّرَ، وَبِحِلْمِكَ عَنْهُ

فخر کرد و به ظلمش بر نفس خود، تکبر و زبرد و به سبب بردباری تو درباره‌اش

اسْتَكْبَرَ، فَكَتَبَ وَحَكَمَ عَلَى نَفْسِهِ جُرْأَةً مِنْهُ، أَنْ

سرپیچی و گردنکشی نمود، پس مقرر کرد و بر خود باجرات حکم کرد که همانا

جَزَاءً مِثْلِهِ أَنْ يُعْرَقَ فِي الْبَحْرِ، فَجَزَيْتَهُ بِمَا حَكَمَ بِهِ

کیفر مثل او (در کفر و تکبر) این است که در دریا غرق شود؛ پس او را کیفر دادی به آنچه خود

عَلَى نَفْسِهِ. إِلَهِي وَأَنَا عَبْدُكَ، ابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ

بر خودش حکم کرد. خدای من؛ و من بنده تو هستم؛ فرزند بنده و فرزند

أَمَّتِكَ، مُعْتَرِفٌ لَكَ بِالْعِبُودِيَّةِ، مُقِرٌّ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ

کنیز تو؛ به بندگی تو اعتراف می‌کنم؛ اقرار دارم به این که تو خدای آفریننده من

خَالِقِي، لَا إِلَهَ لِي غَيْرُكَ، وَلَا رَبَّ لِي سِوَاكَ، مُوقِنٌ

هستی؛ هیچ معبودی برایم جز تو نیست؛ و هیچ پروردگاری برایم غیر از تو نیست؛ یقین دارم

بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ رَبِّي، وَإِلَيْكَ مَرَدِّي وَإِيَابِي، عَالِمٌ

که همانا تو خداوندی و پروردگار من هستی و بازگشت و رجوعم به سوی توست؛ می‌دانم

بِأَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ

که بر هر چیزی توانایی و هر چه بخواهی انجام می‌دهی و هر چه اراده کنی حکم

مَا تُرِيدُ، لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِكَ، وَلَا رَادًّا لِقَضَائِكَ،

می‌نمایی؛ به تأخیراندازنده‌ای نیست حکم تو را و ردکننده‌ای نیست فرمان تو را؛

وَأَنَّكَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ، لَمْ تَكُنْ مِنْ

و می‌دانم همانا تو اول و آخر و ظاهر و باطن هستی؛ از چیزی به وجود نیامدی

شَيْءٍ، وَلَمْ تَبْنِ عَنْ شَيْءٍ، كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ،

و از چیزی ساخته نشدی؛ پیش از هر چیزی بودی

وَأَنْتَ الْكَائِنُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَالْمُكُونُ لِكُلِّ شَيْءٍ،

و تو بعد از هر چیز خواهی بود؛ و ایجادکننده هر چیزی هستی؛

خَلَقْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِتَقْدِيرٍ، وَأَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ.

هر چیزی را به اندازه و مقدار آفریدی و تو شنوای بینایی.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ كَذَلِكَ كُنْتَ وَتَكُونُ، وَأَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ،

و گواهی می‌دهم که تو این گونه بودی و خواهی بود؛ و تو زنده پاینده‌ای؛

لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ، وَلَا تُوصَفُ بِالْأَوْهَامِ، وَلَا

چرت و خواب تو را فرا نمی‌گیرد؛ و با خیالات و توهم‌ها وصف نمی‌گردد؛

تُدْرِكُ بِالْحَوَاسِّ، وَلَا تُقَاسُ بِالْمَقْيَاسِ، وَلَا تُشَبَّهُ

و با حواس درک نمی‌شود؛ و با مقیاسی قیاس نمی‌شود؛ و به مردم تشبیه نمی‌گردد؛

بِالنَّاسِ، وَأَنَّ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ عِبِيدُكَ وَإِمَاؤُكَ، أَنْتَ

و این که تمام آفریدگان، بندگان و کنیزان تو هستی؛ تو

الرَّبُّ وَنَحْنُ الْمَرْبُوبُونَ، وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَنَحْنُ

پروردگاری و ما پرورش‌یافتگان تو، و تو آفریننده‌ای و ما

الْمَخْلُوقُونَ، وَأَنْتَ الرَّازِقُ وَنَحْنُ الْمَرْزُوقُونَ.

آفریده‌شده؛ و تو روزی دهنده‌ای و ما روزی خوار.

فَلَاكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي، إِذْ خَلَقْتَنِي بَشَرًا سَوِيًّا،

پس حمد و ستایش تو راست ای خدای من؛ چون مرا بشری درست و بی‌عیب آفریدی

وَجَعَلْتَنِي غَنِيًّا مَكْفِيًّا، بَعْدَ مَا كُنْتُ طِفْلاً صَبِيًّا،

و مرا بی‌نیاز و کفایت‌شده قرار دادی بعد از آن که کودکی کوچک بودم،

تَقَوُّتَنِي مِنَ الثَّدْيِ لَبَنًا مَرِيئًا، وَغَذَيْتَنِي غَدَاءً طَيِّبًا

شیر گوارا را از پستان خوراک من قرار دادی، و با غذای پاک لذیذ گوارا مرا تغذیه کردی

هَنِيئًا، وَجَعَلْتَنِي ذَكَرًا مِثْلًا سَوِيًّا. فَلَاكَ الْحَمْدُ حَمْدًا

و مرا مردی به شکلی متناسب و هماهنگ قرار دادی. پس حمد مخصوص توست؛ حمدی که

إِنْ عُدَّ لَمْ يُحْصَ، وَإِنْ وُضِعَ لَمْ يَتَّسِعْ لَهُ شَيْءٌ،

اگر شمرده شود به شمارش نیاید و اگر (در محلی) گذاشته شود چیزی گنجایش آن را

حَمْدًا يَفُوقُ عَلَى جَمِيعِ حَمْدِ الْخَامِدِينَ، وَيَعْلُو

ندارد؛ ستایشی که بالاتر از تمام ستایش‌های ستایشگران باشد و

عَلَى حَمْدِ كُلِّ شَيْءٍ، وَيَفْخُمُ وَيَعْظُمُ عَلَى ذَلِكَ كَلِّهِ،

بر ستایش هر چیزی برتری یابد و بر تمام آن‌ها بلندمرتبه‌گی و بزرگی کند؛

وَكَلَّمَا حَمِدَ اللَّهُ شَيْءًا. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ

و هرگاه چیزی خدا را ستایش کند. و حمد و ستایش خدا راست آن طور که خدا دوست می‌دارد که

يُحَمِّدَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ، وَزِنَةَ مَا خَلَقَ،

حمد شود، و حمد و ستایش مخصوص خداست به تعداد مخلوقات او و هم‌وزن آنچه آفرید

وَزِنَةَ أَجَلٍ مَا خَلَقَ، وَبِوزْنِ أَحَفِّ مَا خَلَقَ، وَبِعَدَدِ

و هم‌وزن بزرگ‌ترین چیزی که خلق کرد و به وزن سبک‌ترین چیزی که آفرید و به تعداد

أَصْغَرِ مَا خَلَقَ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَتَّى يَرْضَى رَبُّنَا وَبَعْدَ

کوچک‌ترین مخلوقاتش. و حمد و ستایش خدا راست به قدری که پروردگاران راضی شود و پس از

الرِّضَا، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

رضایت و خشنودیش؛ و از خدا می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستد

وَأَنْ يَغْفِرَ لِي ذَنْبِي، وَأَنْ يَحْمَدَ لِي أَمْرِي، وَيَتُوبَ

و گناه‌ها را ببخشد و کارم را سپاس گزارد، و توبه‌ام را بپذیرد؛

عَلَيَّ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. إِلَهِي وَإِنِّي أَنَا أَدْعُوكَ

همانا او توبه‌پذیر مهربان است. خدای من؛ همانا من تو را می‌خوانم

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ صَفْوَتُكَ أَبُو نَا أَدَمَ

و از تو می‌خواهم - به آن نامت که (بنده) برگزیده‌ات پدرمان آدم

عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَهُوَ مُسِيءٌ ظَالِمٌ حِينَ أَصَابَ

- که بر او درود باد - تو را به آن نام خواند و در حالی که گناهکار و ستم‌کننده بر نفس شد وقتی که

الْخَطِيئَةَ، فَغَفَرْتَ لَهُ خَطِيئَتَهُ، وَتَبَّتْ عَلَيْهِ،

خطا از او سر زد پس خطایش را بخشیدی و توبه‌اش را پذیرفتی

وَأَسْتَجِبْتَ لَهُ دَعْوَتَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ،

و دعایش را اجابت نمودی و به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُغْفِرَ لِي

- که بر محمد و آل محمد درود فرستی و خطایم را ببخشی

خَطِيئَتِي وَتَرْضَى عَنِّي، فَإِنْ لَمْ تَرْضَ عَنِّي فَاعْفُ

و از من راضی و خشنود شوی؛ و اگر از من راضی نمی‌شوی، پس مرا مورد عفو خود قرار دهی

عَنِّي، فَإِنِّي مُسِيءٌ ظَالِمٌ خَاطِئٌ عَاصٍ، وَقَدْ يَعْفُو

که همانا من گناه‌کار ظالم، خطاکار سرکش هستم؛

السَّيِّدُ عَنْ عَبْدِهِ، وَلَيْسَ بِرَاضٍ عَنَّهُ، وَأَنْ تُرْضِيَ

و اقا بنده‌اش را عفو می‌کند در حالی که از او راضی نیست؛ و (می‌خواهم) که

عَنِّي خَلْقَكَ، وَتُمِيطَ عَنِّي حَقَّكَ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ

آفرینگانت را از من راضی گردانی و حقت را از من برداری. خدای من؛ و از تو می‌خواهم

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِدْرِيسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ،

به آن نامت که به وسیله آن، ادریس - که بر او درود باد - تو را خواند؛

فَجَعَلْتَهُ صِدِّيقاً نَبِيّاً، وَرَفَعْتَهُ مَكَاناً عَلِيّاً،

پس او را تصدیق‌کننده و پیامبر قرار دادی، و در مرتبه بلندی بالا بردی؛

وَأَسْتَجِبْتَ دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ، أَنْ

و دعایش را اجابت نمودی و توبه او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می‌خواهم) که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ مَآبِي

بر محمد و آل محمد درود فرستی، و محل بازگشتم را به سوی

إِلَى جَنَّتِكَ، وَمَحَلِّي فِي رَحْمَتِكَ، وَتُسَكِّنَنِي فِيهَا

بهشت خویش قرار دهی، و جایگاهم را در رحمت خود قرار داده و در آن مرا با گذشت

بِعَفْوِكَ، وَتُرْوِّجَنِي مِنْ حُورِهَا، بِقُدْرَتِكَ يَا قَدِيرٌ.

خویش ساکن گردانی، و از حوریه‌اش برایم تزویج کنی، با توانایی‌ات ای خدای توانا.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ، إِذْ نَادَى

خدای من؛ و از تو می‌خواهم به واسطه آن نامت که نوح به آن نام تو را خواند؛ آن هنگام که

رَبِّهِ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ * فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ

پروردگارش را ندا داد: «من شکست خورده‌ام پس یاری برسان * در این هنگام درهای آسمان را

بِمَاءٍ مِنْهُمْ * وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ

با آبی فراوان و ریزان گشودیم * و زمین را شکافتیم و چشمه‌های زیادی بیرون فرستادیم و این

عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ^۱، وَنَجَّيْتَهُ عَلَى ذَاتِ الْأَوَاحِ

آبها به اندازه مقدر باهم آمیختند و سوار بر چیزی که دارای تخته‌ها

وَدُسُرٍ، فَاسْتَجَبَتْ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا

و میخ‌ها بود (کشتی) نجاتش دادی، پس دعایش را اجابت نمودی و تو پیوسته به او نزدیک بودی،

قَرِيبٌ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

ای نزدیک؛ (می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی و

تُنَجِّنِي مِنْ ظُلْمٍ مَنْ يُرِيدُ ظُلْمِي، وَتَكْفَ عَنِّي

مرا از ستم آن که می‌خواهد به من ستم کند نجات دهی، و مرا از شر و

بَأْسٍ مَنْ يُرِيدُ هُزْمِي، وَتَكْفِينِي شَرَّ كُلِّ سُلْطَانٍ

عذاب آن که شکستم را می‌خواهد، نگه داری، و مرا کفایت کنی از شر هر سلطان

جَائِرٍ، وَعَدُوِّ قَاهِرٍ، وَمُسْتَخِفِّ قَادِرٍ، وَجَبَّارٍ عَنِيدٍ،

ستم‌پیشه و منحرف، و دشمن چیره‌شونده، و خوارکننده پرتوان، و زورگوی ستیزه‌گر،

وَكَلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، وَإِنْسِيٍّ شَدِيدٍ، وَكَيْدٍ كُلِّ

و هر شیطان سرکش و نافرمان، و هر انسان سخت‌گیر، و مکر هر

مَكِيدٍ، يَا حَلِيمُ يَا وَدُودٌ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

حیله‌گر، ای بردبار؛ ای بسیار مهربان؛ خدای من؛ از تو می‌خواهم به واسطه آن نامت

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيِّكَ صَالِحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ

که به آن نام بنده و پیامبر تو حضرت صالح - که بر او درود باد - تو را خواند؛

فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْخَسْفِ، وَأَعْلَيْتَهُ عَلَى عَدُوِّهِ،

پس او را از فرو رفتن (خواری و نقصان) نجات دادی، و بر دشمنانش برتری بخشیدی،

وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ

و دعایش را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می‌خواهم) که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُخَلِّصَنِي مِنْ

بر محمد و آل محمد درود فرستی، و مرا از

شَرِّ مَا يُرِيدُنِي أَعْدَائِي بِهِ، وَسَعَى بِي حُسَادِي،

شر آنچه دشمنانم نسبت به من می‌خواهند و حسودانم تلاش می‌کنند رها گردانی،

وَتَكْفِينِيهِمْ بِكَفَايَتِكَ، وَتَتَوَلَّانِي بِوِلَايَتِكَ،

و به کفایت خود مرا از آنان کفایت کنی، و به ولایت خود مرا سرپرستی نمایی،

وَتَهْدِي قَلْبِي بِهُدَاكَ، وَتُوَيِّدُنِي بِتَقْوَاكَ،

و قلبم را به هدایت خود هدایت سازی، و به تقوای خود مرا نیرو بخشی،

وَتُبَصِّرَنِي (وَتَنْصُرَنِي) بِمَا فِيهِ رِضَاكَ، وَتُعِينَنِي بِغِنَاكَ

و مرا در آنچه رضای توست بینا و آگاه گردانی، و به بی‌نیازی خود مرا بی‌نیاز سازی،

يَا حَلِيمُ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

ای بردبار؛ خدای من؛ از تو می‌خواهم به واسطه آن اسمت که به آن اسم،

عَبْدُكَ وَنَبِيِّكَ وَخَلِيلِكَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، حِينَ

بنده و پیامبر و دوستت حضرت ابراهیم - که بر او درود باد - تو را خواند، هنگامی که

أَرَادَ نَمْرُودُ إِتْقَانَهُ فِي النَّارِ، فَجَعَلَتْ لَهُ النَّارَ بَرْدًا

نمرود خواست او را در آتش بیندازد؛ پس، آتش را بر او سرد

وَسَلَامًا، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا

و سلامت قرار دادی، و دعایش را اجابت کردی، و تو به او نزدیک بودی ای

قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

نزدیک، (می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و

تُبَرِّدَ عَنِّي حَرَّ نَارِكَ، وَتُطْفِئَ عَنِّي لَهَبَهَا،

حرارت آتشت را بر من سرد گردانی، و شعله آن را از من خاموش کنی

وَتَكْفِينِي حَرَّهَا، وَتَجْعَلَ نَائِرَةَ أَعْدَائِي فِي

و از حرارتش مرا کفایت کنی، و آتش فتنه‌انگیز دشمنانم را در

شِعَارِهِمْ وَدِثَارِهِمْ، وَتَرُدَّ كَيْدَهُمْ فِي نُحُورِهِمْ،

لباس‌های زیر و رویشان (ظاهر و باطن ایشان) قرار دهی، و نیرنگ‌شان را به خودشان باز گردانی،

وَتُبَارِكَ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَنِيهِ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَيْهِ وَعَلَيَّ

و در آنچه به من عطا فرمودی برکت دهی؛ همچنان که بر او و بر

إِلَهِي، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ. إِلَهِي

دودمانش برکت دادی؛ همانا تو بسیار بخشنده، ستوده شده و باشکوه و عظمتی. خدای من؛

وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِ

از تو می‌خواهم به آن نامی که به واسطه آن، اسماعیل - که بر او

السَّلَامُ، فَجَعَلْتَهُ نَبِيًّا وَرَسُولًا، وَجَعَلْتَ لَهُ حَرَمَكَ

درود باد - تو را خواند؛ پس او را پیامبر و رسول قرار دادی، و حرمت را برایش

مَنْسَكًا وَمَسْكَنًا وَمَأْوَى، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ،

محل عبادت و منزلگاه و پناهگاه قرار دادی، و دعایش را اجابت نمودی،

وَنَجَيْتَهُ مِنَ الدَّبْحِ، وَقَرَّبْتَهُ رَحْمَةً مِنْكَ، وَكُنْتَ

و او را از قربانی شدن نجات بخشیدی، و از رحمت و لطف خود وی را مقرب ساختی، و تو

مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می‌خواهم) بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَفْسَحَ لِي فِي قَبْرِي، وَتَحْطَّ عَنِّي

محمد درود فرستی و قبرم را وسعت دهی و بار سنگین گناه را از من برداری

وَزْرِي، وَتَشُدَّ لِي أَرْزِي، وَتَغْفِرَ لِي ذَنْبِي،

و پشتم را محکم سازی، و گناهم را ببخشی

وَتَرْزُقَنِي التَّوْبَةَ بِحَطِّ السَّيِّئَاتِ، وَتَضَاعِفَ

و توبه را روزیم کنی با فروریختن زشتی‌ها و بدی‌ها و افزودن خوبی‌ها و

۱. الدَّبْح - به فتح ذال - یعنی کشته شدن، و به کسر ذال: یعنی چیزی که کشته می‌شود.

الْحَسَنَاتِ، وَكَشَفِ الْبَلِيَّاتِ، وَرَبِحِ التَّجَارَاتِ،

نیکی‌ها و برطرف کردن بلاها، و سود تجارت‌ها،

وَدَفْعِ مَعْرَةِ السَّعَايَاتِ، إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ،

و دور کردن بدی‌ها و اذیت‌های سخن‌چینی‌ها؛ همانا تو اجابت‌گر دعاها

وَمُنْزِلُ الْبَرَكَاتِ، وَقَاضِي الْحَاجَاتِ، وَمُعْطِي

و فرو فرستنده برکت‌ها، و برآورنده حاجت‌ها، و بخشنده

الْخَيْرَاتِ، وَجَبَّارُ السَّمَاوَاتِ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِمَا

خیرات و خوبی‌ها، و جبار و حاکم آسمان‌هایی. خدای من؛ از تو می‌خواهم به آنچه که

سَأَلْتُكَ بِهِ ابْنُ خَلِيلِكَ إِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، الَّذِي

به واسطه آن از تو خواست فرزند دوست اسماعیل - که بر او درود باد - آن کسی که

نَجَّيْتَهُ مِنَ الذَّبْحِ، وَفَدَيْتَهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ، وَقَلَّبْتَ لَهُ

او را از کشته شدن نجات بخشیدی، و قربانی بزرگ را از طرف او فدیه قرار دادی و برای او

الْمِشْقَصَ حِينَ (حَتَّى) نَاجَاكَ مُوقِنًا بِذَبْحِهِ، رَاضِيًا

کرد را برگرداندی؛ هنگامی که با تو مناجات کرد در حالی که یقین به کشته شدن خود داشت و

بِأَمْرِ وَالِدِهِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا

راضی به امر پدرش بود؛ پس دعایش را برای او اجابت نمودی و تو به او نزدیک بودی،

يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

ای نزدیک؛ (می‌خواهم) بر محمد و آل محمد درود فرستی و

تُجِيبَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَبَلِيَّةٍ، وَتَصْرِفَ عَنِّي كُلَّ

مرا از هر بدی و بلایی نجات دهی و هر

ظُلْمَةٍ وَخِيَمَةٍ، وَتَكْفِينِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أُمُورِ دُنْيَايَ

تاریکی شدید را از من بازگردانی، و کفایت کنی آنچه را از امور دنیا

وَأَخْرَتِي، وَمَا أَحَازِرُهُ وَأَخْشَاهُ، وَمِنْ شَرِّ خَلْقِكَ

و آخرتم که مرا اندوهگین ساخته است، و آنچه از آن پرهیز می‌کنم و می‌ترسم، و از شر همه

أَجْمَعِينَ، بِحَقِّ آلِ يَسَّ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

آفریدگانت به حق آل محمد ﷺ. خدای من؛ از تو می‌خواهم به آن نامت

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ لُوطٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَنَجَّيْتَهُ وَأَهْلَهُ

که به واسطه آن، لوط - که بر او درود باد - تو را خواند، پس او و اهلیش را

مِنَ الْخَسْفِ وَالْهَدْمِ وَالْمَثَلَاتِ وَالشَّدَّةِ وَالْجُهْدِ،

از فرورفتن (در زمین) و ویران شدن (خانه‌ها) و شکنجه‌ها و سختی و مشقت نجات دادی

وَأَخْرَجْتَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ

و او و اهلیش را از گرفتاری بزرگ رهانیدی، و دعایش را اجابت نمودی،

دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می‌خواهم) بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَأْذَنَ لِي بِجَمِيعِ مَا شِئْتَ

محمد و آل محمد درود فرستی، و مرا اذن دهی به جمع نمودن تمام کارهای

مِنْ شَمْلِي، وَتُقِرَّ عَيْنِي بِوَلَدِي وَأَهْلِي وَمَالِي،

پراکندهام، و دیده‌ام را به فرزندم و خانواده‌ام و مالم روشن گردانی،

وَتُصْلِحَ لِي أُمُورِي، وَتُبَارِكَ لِي فِي جَمِيعِ

و امورم را اصلاح کنی، و تمام حالاتم را مبارک گردانی،

أَحْوَالِي، وَتُبَلِّغَنِي فِي نَفْسِي آمَالِي، وَأَنْ تُجِبَّرَنِي

و مرا به آرزوهایم در مورد خودم برسانی، و از آتش پناهم دهی،

مِنَ النَّارِ، وَتَكْفِينِي شَرَّ الْأَشْرَارِ بِالْمُصْطَفِينَ

و مرا کفایت کنی از بدی بدکاران، به واسطه برگزیدگان

الْأَخْيَارِ، الْأَيِّمَةَ الْأَبْرَارِ، وَنُورِ الْأَنْوَارِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

نیکان، (یعنی) امامان نیکوکار، و روشنی‌بخش روشنی‌ها، محمد و آل او

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، الْأَيِّمَةَ الْمُهْدِيَّيْنَ،

که پاکان و پاکیزگان و نیکان‌اند، پیشوایان هدایت‌گر،

وَالصُّفْوَةَ الْمُنتَجَبِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ،

و برگزیدگان نجیبان - که دروهای خدا بر تمامشان باد - هستند.

وَتَرْزُقَنِي مُجَالَسَتَهُمْ، وَتَمَنَّ عَلَيَّ بِمُرَافَقَتِهِمْ،

و همنشینی آنان را روزی من گردانی، و بر من به رفاقت و همراهی آنان منت گذاری،

وَتَوْفِّقَ لِي صُحْبَتَهُمْ، مَعَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ،

و مرا موفق به همدمی و همنشینی ایشان نمایی، با پیامبران رسالت داده‌شده،

وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَأَهْلٍ

و فرشتگان مقربت، و بندگان نیکوکار و صالحت، و تمام

طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ، وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَالْكَرُوبِيِّينَ.

فرمانبرداران تو و حاملان عرش و فرشتگان کروییان.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي سَأَلْتُكَ بِهِ يَعْقُوبُ، وَقَدْ

خدای من؛ از تو می‌خواهم به آن نامت که به واسطه آن، یعقوب از تو درخواست کرد، در حالی

كُنْتُ بَصْرُهُ، وَشِئْتَ شَمْلَهُ (جَمْعُهُ)، وَقَفِدَ قَرَّةُ عَيْنِهِ

که چشمش کور شده و اجتماعش پراکنده شده، و نور چشمش (یعنی) پسرش گم شده بود؛

إِبْنُهُ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَجَمَعْتَ شَمْلَهُ،

پس دعایش را اجابت نمودی و پراکندگی او را جمع نمودی،

وَأَقْرَرْتَ عَيْنَهُ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ، وَكُنْتُ مِنْهُ قَرِيبًا يَا

و چشمش را روشن کردی، و گرفتاریش را برطرف نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای

قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

نزدیک؛ (می‌خواهم) بر محمد و آل محمد درود فرستی و

تَأْذَنَ لِي بِجَمِيعِ مَا تَبَدَّدَ مِنْ أَمْرِي، وَتُقِرَّ عَيْنِي

مرا در جمع نمودن آنچه از امرم پراکنده شده اذن دهی و چشمم را

بِوَلَدِي وَأَهْلِي وَمَالِي، وَتُصْلِحَ شَأْنِي كُلَّهُ، وَتُبَارِكَ

به فرزندم و خانواده‌ام و مالم روشن نمایی، و تمام کارهایم را اصلاح کنی، و

لِي فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي، وَتُبَلِّغَنِي فِي نَفْسِي آمَالِي،

همه حالات و تحولات زندگی را برایم مبارک گردانی، و مرا به تمام آرزوهایم در مورد خودم برسانی.

وَتُصَلِّحْ لِي أَفْعَالِي، وَتَمَنَّ عَلَيَّ يَا كَرِيمٌ، يَا ذَا

و کارهایم را اصلاح کنی، و بر من منت گذاری ای بزرگوار؛ ای صاحب

الْمَعَالِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. إِلَهِي

بزرگی‌ها و برتری‌ها؛ به رحمت تو ای مهربان‌ترین مهربانان. خدای من؛

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ

از تو می‌خواهم به آن اسمت که به واسطه آن نام، بنده و پیامبرت

يُوسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَنَجَّيْتَهُ مِنْ

یوسف - که بر او درود باد - تو را خواند پس دعایش را اجابت کردی، و او را از

غِيَابَتِ الْجُبِّ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ، وَكَفَيْتَهُ كَيْدَ إِخْوَتِهِ،

اعماق چاه نجات دادی، و گرفتاریش را برطرف نمودی، و او را از مکر برادرانش کفایت

وَجَعَلْتَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا، وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ،

کرده و بعد از بندگی و بردگی او را پادشاه قرار دادی، و دعایش را اجابت نمودی،

وَكَنتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک، (می‌خواهم) بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَدْفَعَ عَنِّي كَيْدَ كُلِّ كَائِدٍ، وَشَرَّ كُلِّ

و آل محمد درود فرستی، و نیرنگ هر حيله‌گر، و شر هر

خَاسِدٍ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ

حسود را از من دور کنی، همانا تو بر هر چیزی توانایی. خدای من؛ از تو می‌خواهم

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ مُوسَى بْنُ

به آن نامت که به آن نام، بنده و پیامبرت موسی بن

عِمْرَانَ إِذْ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ «وَنَادَيْنَاهُ مِنْ

عمران تو را خواند آن هنگام که گفتی - ای پاک و بلندمرتبه - : «ما او را از

جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا»^۱، وَضَرَبْتَ لَهُ

طرف راست کوه طور فرا خواندیم و او را برای رازگویی، به خود نزدیک ساختیم؛ و

طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا، وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ مَعَهُ مِنْ بَنِي

راهی خشک در دریا برایش گشودی، و او و همراهانش از بنی‌اسرائیل را نجات دادی،

إِسْرَائِيلَ، وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا،

و فرعون و هامان و سپاهیان‌شان را غرق کردی،

وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَكَنتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ،

و دعای موسی را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

(می‌خواهم) بر محمد و آل محمد درود فرستی، و

تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ، وَتُقَرِّبَنِي مِنْ عَفْوِكَ،

مرا از شر آفریدگانت در پناه خود نگه داری، و مرا با گذشتت مقرب خود گردانی،

۱. سورهٔ مریم، آیهٔ ۵۲.

وَتَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ مَا تُعِينِي بِهِ عَنْ جَمِيعِ

و از فضل خود بر من گسترش دهی آن قدر که مرا از تمام خلق بی‌نیاز کند،

خَلْقِكَ، وَيَكُونُ لِي بَلَاغًا أَنَالُ بِهِ مَغْفِرَتَكَ

و برایم به قدر کفایت باشد که به واسطه آن به آمرزش

وَرِضْوَانِكَ، يَا وَلِيِّيَ وَوَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ. إِلَهِي

و رضوان تو برسم، ای صاحب اختیار من و صاحب اختیار مؤمنان. خدای من؛

وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيِّكَ

از تو می‌خواهم به آن نامی که به واسطه آن، بنده و پیامبرت

دَاوُودُ، فَاسْتَجِبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَسَخَّرْتَ لَهُ الْجِبَالَ،

داود تو را خواند، پس دعایش را اجابت کردی، و کوهها را مسخر و تحت فرمان او ساختی،

يُسَبِّحُنَ مَعَهُ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ، وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً

که با او در شام‌گاهان و صبح‌گاهان تسبیح گویند، و پرندگانی که پیرامون او بودند

كُلُّ لَهُ أَوَابٍ، وَشَدَّدْتَ مُلْكَهُ، وَآتَيْتَهُ الْحِكْمَةَ

همگی را فرمانبردار او گرداندی، و سلطنتش را محکم نمودی، و حکمت

وَفَصَلَ الْخِطَابِ، وَأَنْتَ لَهُ الْحَدِيدَ، وَعَلَّمْتَهُ صَنْعَةَ

و فصل الخطاب (حکم فاطمی که باعث تمام‌شدن اختلاف گردد) را به او عطا کردی، و آهن را برایش نرم گرداندی، و

لَبُوسٍ لَهُمْ، وَغَفَرْتَ ذَنْبَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا

صنعت زره‌سازی را به او آموختی، و گناهش را بخشودی، و تو به او نزدیک بودی، ای

قَرِيبُ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

نزدیک. از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی،

وَأَنْ تُسَخِّرَ لِي جَمِيعَ أُمُورِي، وَتُسَهِّلَ لِي تَقْدِيرِي،

و تمام امورم را تحت فرمانم قرار دهی، و تقدیرم را برای من آسان سازی،

وَتَرْزُقَنِي مَغْفِرَتَكَ وَعِبَادَتَكَ، وَتَدْفَعَ عَنِّي ظُلْمَ

و آمرزش و عبادت خود را روزیم کنی، و از من دور کنی ستم

الظَّالِمِينَ، وَكَيْدَ الْكَاذِبِينَ، وَمَكْرَ الْمَاكِرِينَ،

ستمگران، و نیرنگ حيله‌گران، و مکر مکاران،

وَسَطَوَاتِ الْفَرَاغَةِ الْجَبَّارِينَ، وَحَسَدَ الْحَاسِدِينَ،

و یورش‌های فرعون‌های زورگو، و حسد حسودان را.

يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ، وَجَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ، وَثِقَةَ

ای ایمنی‌بخش بیمناکان، و امان‌دهنده پناه‌جویان، و محل اطمینان

الْوَاتِقِينَ، وَذَرِيعَةَ الْمُؤْمِنِينَ، وَرَجَاءَ الْمُتَوَكِّلِينَ،

اعتماد‌کنندگان، و دستاویز مؤمنان، و امید توکل‌کنندگان،

وَمُعْتَمَدَ الصَّالِحِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. إِلَهِي

و محل اعتماد نیکوکاران، ای مهربان‌ترین مهربانان. خدای من؛

وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْإِسْمِ الَّذِي سَأَلْتَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيِّكَ

از تو می‌خواهم بار پروردگارا؛ به آن اسمی که بنده و پیامبرت

سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُودَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، إِذْ قَالَ رَبِّ

سلیمان فرزند داوود - که بر هر دو درود باد - تو را خواند هنگامی که گفت: «بارالها!

اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي

مرا ببخش و مرا سلطنتی عطا فرما که پس از من کسی سزاوار آن نباشد

إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»^۱، فَاسْتَجَبَتْ لَهُ دُعَاؤُهُ، وَأَطَعَتْ

که همانا تو بسیار بخشنده‌ای! پس دعایش را اجابت نمودی، و

لَهُ الْخَلْقَ، وَحَمَلَتْهُ عَلَى الرِّيحِ، وَعَلَّمَتْهُ مَنْطِقَ

آفریدگان را مطیع او ساختی، و او را سوار بر باد کردی، و زبان پرندگان را به او آموختی،

الطَّيْرِ، وَسَخَّرَتْ لَهُ الشَّيَاطِينَ مِنْ كُلِّ بَنَاءٍ

و شیاطین - بناکننده و فرورونده در آب - را مسخر او ساختی،

وَعَوَاصِ، وَآخِرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ، هَذَا

و دیگران را در بند و زنجیر او کشیدی؛ این،

عَطَاؤُكَ لَا عَطَاءَ غَيْرِكَ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ،

بخشش توست نه بخشش غیر تو؛ و توبه او نزدیک بودی، ای نزدیک؛

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَهْدِيَ لِي

(می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و قلبم را برایم هدایت کنی،

قَلْبِي، وَتَجْمَعَ لِي لُبِّي، وَتَكْفِينِي هَمِّي، وَتُوِّمِنَ

و عقلم را برایم متمرکز گردانی، و اندوهم را کفایت کنی، و

خَوْفِي، وَتَفُكَّ أَسْرِي، وَتَشُدَّ أَرْزِي، وَتُمْهَلَنِي

ترسم را ایمن گردانی، و از بند اسارتم رها کنی، و پشتم را محکم گردانی، و مرا مهلت دهی،

وَتَنْفُسْنِي، وَتَسْتَجِيبَ دُعَائِي، وَتَسْمَعَ نِدَائِي،

و آسوده خاطر سازی، و دعایم را اجابت کنی، و ندایم را بشنوی،

وَلَا تَجْعَلَ فِي النَّارِ مَأْوَايَ، وَلَا الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّي،

و جایگاهم را در آتش قرار ندهی، و دنیا را بزرگ‌ترین مقصود من قرار ندهی،

وَأَنْ تُوسِّعَ عَلَيَّ رِزْقِي، وَتُحَسِّنَ خُلُقِي، وَتُعْتِقَ

و روزی‌ام را برایم وسعت دهی، و اخلاقم را نیکو گردانی، و

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَوْمَلِي.

مرا از آتش آزاد کنی؛ همانا تو آقای من و مولای من و نهایت آرزوی من هستی.

الْهِي وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ،

خدای من؛ از تو می‌خواهم، پروردگارا؛ به آن اسمت که به آن اسم، ایوب تو را خواند،

لَمَّا حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ بَعْدَ الصَّحَّةِ، وَنَزَلَ السَّقَمُ مِنْهُ

هنگامی که بلا بعد از صحت به او رسید، و بیماری جای

مَنْزِلَ الْعَافِيَةِ، وَالضِّيقُ بَعْدَ السَّعَةِ وَالْقُدْرَةِ،

عافیت او نشست و تنگی و شدت بعد از فراخی و توانایی بر او روی آورد؛

فَكَشَفَتْ ضُرَّهُ، وَرَدَدَتْ عَلَيْهِ أَهْلَهُ، وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ،

پس گرفتاریش را برطرف کردی، و خانواده‌اش و مثل ایشان را که با ایشان بودند به او بازگرداندی،

حِينَ نَادَاكَ ، دَاعِيَا لَكَ ، رَاغِبَا إِلَيْكَ ، رَاغِبِيَا لِفَضْلِكَ ،

هنگامی که تو را ندا داد، در حالی که دعاکننده برای تو و روی آورنده به سوی تو، و امیدوار به بخشش تو،

شَاكِيَا إِلَيْكَ رَبِّ ۙ إِنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ

و شکوه کننده به سوی تو بود (وگفت): ای پروردگار من! همانا بیچارگی بر من رسیده و تو مهربان ترین

الرَّاحِمِينَ ۙ ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ ،

مهربانانی! پس، دعایش را اجابت کردی و بیچارگی او را برطرف نمودی

وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ . أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک. (می خواهم) که بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَكْشِفَ ضُرِّي ، وَتُعَافِيَنِي فِي

و آل محمد درود فرستی، و بیچارگی مرا برطرف کنی، و در

نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي فِيكَ ،

جان و خانواده و مال و فرزند و برادران دینی ام عافیت دهی،

عَافِيَةً بَاقِيَةً شَافِيَةً كَافِيَةً ، وَافِرَةً هَادِيَةً نَامِيَةً ،

عافیت پایدار، شفا بخش، کفایتگر، فراوان و فراگیر، هدایتگر، رشد دهنده،

مُسْتَعْنِيَةً عَنِ الْأَطْبَاءِ وَالْأَدْوِيَةِ ، وَتَجْعَلَهَا شِعَارِي

بی نیاز کننده از پزشکان و دواها؛ و آن را لباس زیر

وَدِثَارِي ، وَتَمَتِّعَنِي بِسَمْعِي وَبَصْرِي ، وَتَجْعَلَهُمَا

و روبم قرار دهی (کنایه از اینکه همواره با من همراه باشد)، و مرا به چشم و گوشم بهره مند سازی،

الْوَارِثِينَ مِنِّي ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . إِلَهِي

و آن دو را وارثان من قرار دهی؛ که همانا تو بر هر چیزی توانایی. خدای من؛

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يُونُسُ بْنُ مَتَّى فِي

از تو می خواهم به آن اسمت که به واسطه آن اسم، یونس پسر متی در

بَطْنِ الْحُوتِ حِينَ نَادَاكَ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ۙ أَنْ لَا

شکم ماهی تو را خواند، هنگامی که تو را در تاریکی های سه گانه خواند (وگفت): «هیچ

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ۙ ۱

معبودی نیست غیر از تو، تو پاک و منزهی؛ همانا من از ستمگران - بر خویش - هستم»

وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ ، وَأَنْبَتَ

و (حال آنکه) تو مهربان ترین مهربانانی؛ پس دعایش را اجابت نمودی، و

عَلَيْهِ شَجَرَةٌ مِنْ يَاقُوتٍ ، وَأَرْسَلْتَهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ

بوته ای از کدو برایش رویاندی؛ و او را به سوی صد هزار نفر یا

يَزِيدُونَ ، وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ ، أَنْ تُصَلِّيَ

بیشتر فرستادی، و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک، (می خواهم) که

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَسْتَجِيبَ دُعَائِي ،

بر محمد و آل محمد درود فرستی، و دعایم را اجابت کنی،

وَتُدَارِكَنِي بِعَفْوِكَ ، فَقَدْ غَرِقْتُ فِي بَحْرِ الظُّلْمِ

و با گذشت خود گذشته ام را جبران کنی؛ زیرا، در دریایی از ستم بر خویش، غرق شده ام؛

لِنَفْسِي، وَرَكِبْتَنِي مَظَالِمَ كَثِيرَةً لِّخَلْقِكَ عَلَيَّ، صَلِّ

و حَقِّ و حقوق بسیاری برای بندگانت به دوش من است،

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاسْتُرْنِي مِنْهُمْ، وَأَعْتِقْنِي

بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا از آنان پنهان دار، و مرا

مِنَ النَّارِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ عِتْقَائِكَ وَطُلُقَائِكَ مِنْ

از آتش رهایی بخش، و مرا از آزادشدگان و رهایی یافتگان از

النَّارِ، فِي مَقَامِي هَذَا، بِمَنِّكَ يَا مَنَّانُ. إِلَهِي

آتش در همین مقام و موقعیتم قرار بده؛ به خاطر لطف و احسانت - ای بسیار احسان کننده - . خدای من؛

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيِّكَ

از تو می‌خواهم به آن اسمت که به واسطه آن اسم بنده و پیامبرت

عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذْ أَيْدَتْهُ بِرُوحِ

عیسی پسر مریم تو را خواند - که بر هر دو درود باد - در آن هنگام که او را با روح القدس نیرو

الْقُدْسِ، وَأَنْطَقْتَهُ فِي الْمَهْدِ، فَأَخْبِي بِهِ الْمَوْتَى،

بخشیدی، و در گهواره گویا نمودی، و به وسیله او، مردگان زنده شدند،

وَأَبْرَأَ بِهِ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ، وَخَلَقَ مِنَ الطِّينِ

به وسیله او با اجازه تو کور مادرزاد و بیمار پیسی‌گرفته شفا یافت، و از گل،

كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَصَارَ طَائِرًا بِإِذْنِكَ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا

شکل پرندهای را درست کرد پس به اذن تو پرند و پروازکننده گردید؛ و تو به او نزدیک بودی،

يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

ای نزدیک، (می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی و

تُفَرِّغَنِي لِمَا خُلِقْتُ لَهُ، وَلَا تَشْغَلَنِي بِمَا قَدْ تَكَلَّفْتَهُ

مرا برای آنچه آفریده شده‌ام (از مشغولیتات) فارغ بداری، و مرا مشغول نکنی به آنچه برایم عهده‌دار

لِي، وَتَجْعَلَنِي مِنْ عِبَادِكَ وَزُهَّادِكَ فِي الدُّنْيَا،

گشته‌ای، و مرا از عبادت پیشه‌گان و زاهدان خود در دنیا قرار دهی،

وَمِمَّنْ خَلَقْتَهُ لِلْعَافِيَةِ، وَهَنَاتُهُ بِهَا مَعَ كَرَامَتِكَ يَا

و از آنان که برای عافیت و سلامت آن‌ها را آفریده‌ای، و به بزرگواری‌ات، زندگی را با داشتن عافیت برایشان بوارا

كَرِيمٍ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمٍ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

گرداندی؛ ای بخشنده، ای بلندمرتبه؛ ای بزرگ. خدای من؛ از تو می‌خواهم به خاطر آن اسمت که

دَعَاكَ بِهِ آصَفُ بْنُ بَرَخِيَا عَلَى عَرْشِ مَلِكَةِ سَبَا،

به واسطه آن، آصف پسر برخیا بر (احضار) تخت ملکه سبا تو را خواند؛

فَكَانَ أَقَلَّ مِنْ لَحْظَةِ الطَّرْفِ، حَتَّى كَانَ مُصَوَّرًا بَيْنَ

پس در کمتر از چشم برهم گذاشتنی در پیش چشمش حاضر شد، به گونه‌ای که وقتی ملکه،

يَدَيْهِ، فَلَمَّا رَأَتْهُ «قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكَ قَالَتْ كَأَنَّهُ

آن را دید «به او گفته شد: آیا تخت تو چنین است؟ (بلقیس) گفت: گویا

هُوَ» فَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ،

همین است» پس دعایش را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک،



أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتُكْفِّرَ عَنِّي

(می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و گناهان و

سینتاتی، و تقبل مینی حسناتی، و تقبل توبتی،

بدی‌هایم را ببوشانی، و کارهای نیکویم را از من قبول کنی، و توبه‌ام را بپذیری،

و تتوب عليّ، و تغني فقري، و تجبر كسري،

و بر من روی آوری، و فقرم را برطرف سازی، و شکست مرا را جبران کنی،

و تحيي فؤادي بذكرك، و تحييني في عافية،

و قلبم را با یاد خود زنده کنی، و مرا در عافیت زنده بداری

و تمپتني في عافية. الهي وأسألك بالاسم الذي

و در عافیت بمیرانی. خدای من؛ از تو می‌خواهم به آن اسمی که

دعاك به عبدك ونبئك زكريا عليه السلام حين

به واسطه آن اسم، بنده و پیامبرت زکریا - که بر او درود باد - تو را خواند؛ هنگامی که از

سألك، داعياً لك، راغباً إليك، راغباً لفضلك، فقام

تو درخواست نمود در حالیکه دعاکننده بود، و اشتیاق به سوی تو و امیدواری به بخشش تو داشت،

في المحراب ينادي نداءً خفياً، فقال ربّ هب لي

پس در محراب عبادت ایستاد در حالی که با ندای پنهانی که می‌داد گفت: پروردگارا؛

من لذنك ولياً * يرثني ويرث من آل يعقوب

از نزد خود، جانشین (و فرزندی) به من عطا کن؛ که از من و آل یعقوب ارث ببرد،

و اجعله ربّ رضيعاً فوهبت له يحيى، واستجبت

و او را وارثی صالح و پسندیده قرار ده؛ پس یحیی را به او بخشیدی، و دعایش

له دعاءه، و كنت منه قريباً يا قريب، أن تصلي

را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می‌خواهم) که

عليّ محمد و آل محمد، وأن تبقي لي أولادي،

بر محمد و آل محمد درود فرستی، و فرزندانم را برابم نگه داری،

وأن تمتعني بهم، و تجعلني وإياهم مؤمنين لك،

و مرا از وجود ایشان بهره‌مند سازی، و من و آنان را از ایمان اورندگان به خودت؛

راغبين في ثوابك، خائفين من عقابك، راغبين لما

و از مشتاقان ثوابت، بیمناکان از کیفرت، امیدواران به آنچه

عندك، آيسين مما عند غيرك حتى تحيينا حياةً

نزد توست، ناامیدان از آنچه نزد غیر توست قرار دهی؛ تا ما را به زندگی پاک و پاکیزه زنده داری

طيبة، و تمپتنا ميتةً طيبة، إنك فعالم لما تريد.

و به مرگ پاک و پاکیزه بمیرانی؛ همانا تو هر چه خواهی انجام می‌دهی.

الهي وأسألك بالاسم الذي سألتك به امرأة

خدای من؛ از تو می‌خواهم به آن اسمی که به واسطه آن، همسر

فرعون، إذ قالت ربّ ابن لي عندك بيتاً في الجنة

فرعون تو را خواند «وقتی گفت: بارالها؛ برابم در نزد خود خانه‌ای در بهشت بنا کن

وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ

و مرا از فرعون و کارگزارانش نجات ده و مرا از گروه ستمکاران رهایی بخش!

الظَّالِمِينَ^۱، فَاسْتَجِبْتَ لَهَا دُعَائِهَا، وَكُنْتَ مِنْهَا

پس دعایش را اجابت نمودی، در حالی که تو به او نزدیک بودی،

قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

ای نزدیک؛ (می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی،

وَأَنْ تُقَرَّرَ عَيْنِي بِالنَّظَرِ إِلَى جَنَّتِكَ، وَوَجْهِكَ الْكَرِيمِ

و دیده‌ام را با نظر به بهشت خود، و به دیدن لطف کریمانه خود

وَأَوْلِيَائِكَ، وَتَفَرَّجَنِي بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتُوَسِّنِي بِهِ

و اولیای خود روشن کنی، و به واسطه محمد و آل محمد مرا به گشایش و راحتی برسانی، و مرا با

وَبِآلِهِ، وَبِمُصَاحِبَتِهِمْ وَمُرَافَقَتِهِمْ، وَتُمْكِّنْ لِي

او و آل او، و هم‌صحبتی و همراهی ایشان مانوس گردانی؛ و مرا در بهشت جای دهی و متمکن

فِيهَا، وَتُنَجِّنِي مِنَ النَّارِ، وَمَا أَعَدَّ لِأَهْلِهَا مِنْ

سازی؛ و از آتش نجاتم بخشی، و از آنچه که برای اهل آتش آماده شده است از

السَّلَاسِلِ وَالْأَغَالِلِ، وَالشَّدَائِدِ وَالْأَنْكَالِ، وَأَنْوَاعِ

زنجیرها و غل‌ها، و نیز سختی‌ها و فشارها، و انواع عذاب‌ها رهایی بخشی؛

الْعَذَابِ، بِعَفْوِكَ يَا كَرِيمٌ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

با گذشت خودت، ای بخشنده بزرگوار؛ خدای من؛ از تو می‌خواهم به آن اسمی که

الَّذِي دَعَيْتَكَ بِهِ عَبْدَتُكَ وَصَدِّقَتُكَ مَرْيَمُ الْبُتُولُ

به واسطه آن اسم، بنده و تصدیق کننده‌ات مریم پاکدامن

وَأُمُّ الْمَسِيحِ الرَّسُولِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، إِذْ قُلْتَ

و مادر مسیح رسول - که بر هر دو درود باد - تو را خواند؛ هنگامی که گفتی:

﴿وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا

﴾ - یاد آر - حال مریم دختر عمران را که عورت خود را حفظ کرد؛ پس آن گاه

فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقْتَ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ

در آن از روح قدسی خویش بدمیدیم؛ و مریم نیز کلمات و کتاب‌های پروردگارش را

وَكَانَتْ مِنَ الْقَائِمِينَ^۱ فَاسْتَجِبْتَ لَهَا دُعَائِهَا،

با کمال ایمان تصدیق کردی، و از فرمانبرداران خدا بوده پس دعای او را اجابت نمودی

وَكَنْتَ مِنْهَا قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

در حالی که تو به او نزدیک بودی ای نزدیک، (می‌خواهم) که بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُحْصِنَنِي بِحِصْنِكَ الْحَصِينِ،

و آل محمد درود فرستی و مرا با حصار محکم خودت نگهداری کنی،

وَتَحْجُبَنِي بِحِجَابِكَ الْمَنِيْعِ، وَتُحْرَزَنِي بِحِرْزِكَ

و با پوشش بازدارنده‌ات مرا بیوشانی، و به حرز محکم مرا حفظ و حراست نمایی،

الْوَثِيقِ، وَتَكْفِينِي بِكَفَايَتِكَ الْكَافِيَةِ، مِنْ شَرِّ كُلِّ

و مرا به کفایت کافی خودت کفایت کنی؛ از شر هر

طَاغٍ، وَظَلَمَ كُلِّ بَاغٍ، وَمَكَّرَ كُلِّ مَاكِرٍ، وَغَدَرَ كُلِّ

سَرَكَشٍ، وَسَتَمَ هَر تَجَاوُزْگَرٍ، وَ مَكْرَ وَ نَبِرَنگَ هَر حِيلَه‌گَرٍ، وَ خِيَانَتَ هَر

غَادِرٍ، وَ سِحْرٍ كُلِّ سَاحِرٍ، وَ جَوْرٍ كُلِّ سُلْطَانٍ جَائِرٍ،

خِيَانَت‌كَارٍ، وَ جَادُوی هَر جَادُوگَرٍ، وَ سَتَمَ هَر سُلْطَانِ سَتَمْگَرٍ؛

بِمَنْعِكَ يَا مَنْبِعُ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِالْأَسْمِ الَّذِي دَعَاكَ

بَا بَازْدَارَنگِی وَ نَگْهَداری خُودت، ای بَازْدَارَنده؛ خدای من؛ از تو می‌خواهم به آن اسمی که

بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيُّكَ، وَ صَفِيُّكَ وَ خَيْرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ،

بَا آن اسم، بنده و پیامبر و برگزیده و منتخب از میان مخلوقات،

وَ أَمِينُكَ عَلَيَّ وَ حَيْكَ، وَ بَعِيْتُكَ إِلَيَّ بِرَبِّيَّتِكَ،

وَ اَمین بر وحیت، و برانگیخته‌شده به سوی آفریدگانت،

وَ رَسُولُكَ إِلَيَّ خَلْقِكَ مُحَمَّدٌ خَاصَّتُكَ وَ خَالِصَّتُكَ،

وَ فرستاده‌ات به سوی خلقت، محمد، بنده خاصّی و خالصّی تو

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، فَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ،

- که درود و سلام خدا بر او و آل او باد - تو را خواند؛ پس دعایش را اجابت نمودی

وَ أَيْدَتَهُ بِجُنُودٍ لَمْ يَرَوْهَا، وَ جَعَلْتَ كَلِمَتَكَ الْعُلْيَا،

وَ با سپاهیان‌ی که آنها را نمی‌دیدند، او را تأیید کرده و یاری رساندی، و کلمه خود را برتر قرار دادی،

وَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى، وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا

وَ کلمه آنان را که کفر ورزیدند پست و پایین قرار دادی؛ در حالی که تو به او نزدیک بودی، ای

قَرِيبُ. أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، صَلَاةً

نزدیک. (می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی؛ درودهای

زَاكِيَةً طَيِّبَةً، نَامِيَةً بَاقِيَةً مُبَارَكَةً، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ

پاک و پاکیزه، رشدکننده، پایدار، مبارک؛ چنان که بر

أَبِيهِمْ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَ بَارَكْتَ عَلَيْهِمْ كَمَا

پدرشان ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی؛ و بر آنان مبارک گردان هم‌چنان که بر

بَارَكْتَ عَلَيْهِمْ، وَ سَلَّمْتَ عَلَيْهِمْ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَيْهِمْ،

آل ابراهیم مبارک گرداندی؛ و بر آل محمد سلام برسان چنان که بر آل ابراهیم سلام رساندی؛

وَ زِدْتَهُمْ فَوْقَ ذَلِكَ كُلَّهُ زِيَادَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَ اخْلُطْنِي

و بهره ایشان را از جانب خودت فوق آنچه گفته شد زیاد کن؛ و مرا آمیخته با

بِهِمْ، وَ اجْعَلْنِي مِنْهُمْ، وَ احْشُرْنِي مَعَهُمْ، وَ فِي

ایشان و از آنان قرار بده، و با ایشان محشور کن، و در

زُمْرَتِهِمْ حَتَّى تَسْقِيَنِي مِنْ حَوْضِهِمْ، وَ تَدْخُلْنِي فِي

زمره ایشان قرار بده، تا از حوض (کوثر) آنان مرا سیراب کنی، و در گروه آنان وارد کنی،

جَمَلَتِهِمْ، وَ تَجْمَعْنِي وَإِيَّاهُمْ، وَ تُقَرِّرَ عَيْنِي بِهِمْ،

و مرا با آنان در یکجا جمع نمایی، و چشم مرا به ایشان روشن سازی،

وَ تُعْطِيَنِي سُؤْلِي، وَ تُبَلِّغْنِي آمَالِي فِي دِينِي

و خواسته‌ام را عطا کنی، و مرا به آرزوهایم در دین

وَدُنْيَايَ وَأَخِرَتِي، وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي، وَتُبَلِّغْهُمْ

و دنیا و آخرتم و در زندگی و مرگم برسانی؛ و سلام مرا به ایشان برسانی،

سَلَامِي، وَتَرُدَّ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ

و پاسخ از آنان به من برگردانی؛ سلام

وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ. إِلَهِي وَأَنْتَ الَّذِي تُنَادِي فِي

و رحمت و برکات خدا بر ایشان باد. خدای من؛ تو همانی که در

أَنْصَافٍ كُلِّ لَيْلَةٍ هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأَعْطِيهِ، أَمْ هَلْ مِنْ

نیمه‌های هر شب ندا می‌دهی: آیا درخواست کننده‌ای هست تا به او عطا کنم؟ آیا

دَاعٍ فَأُجِيبُهُ، أَمْ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ، أَمْ هَلْ مِنْ

دعاکننده‌ای هست تا او را اجابت نمایم؟ آیا استغفار کننده‌ای هست تا او را ببامرزم؟ آیا

رَاجٍ فَأُبَلِّغَهُ رَجَاهُ، أَمْ هَلْ مِنْ مُؤَمِّلٍ فَأُبَلِّغَهُ أَمَلَهُ، هَا

امیدواری هست تا او را به امیدش برسانم؟ آیا آرزومندی هست تا او را به آرزویش برسانم؟ اینک

أَنَا سَائِلُكَ بِفِنَائِكَ، وَمِسْكِينُكَ بِبَابِكَ، وَضَعِيفُكَ

من در درگاهت درخواست‌کننده از تو هستم، و بیچاره توأم در درب خانه تو، و ناتوان توأم

بِبَابِكَ، وَفَقِيرُكَ بِبَابِكَ، وَمُؤَمِّلُكَ بِفِنَائِكَ، أَسْأَلُكَ

به درب خانه‌ات، و بینوای توأم به درب خانه‌ات، و آرزومند در درگاه تو هستم؛ از تو

نَائِلُكَ، وَأَرْجُو رَحْمَتَكَ، وَأُوَمِّلُ عَفْوَكَ، وَالْتَمِسُ

عطا و بخشش تو را می‌خواهم؛ و امیدوار رحمت تو؛ و آرزومند گذشت تو هستم؛ و

عُفْرَانِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَأَعْطِنِي

آمرزش تو را تمنا می‌نمایم؛ پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و

سُؤْلِي، وَبَلِّغْنِي أَمَلِي، وَاجْبُرْ فَقْرِي، وَارْحَمْ

خواسته‌ام را عطا کن؛ و مرا به آرزویم برسان؛ و فقرم را جبران کن، و به

عَصِيَانِي، وَاعْفُ عَن ذُنُوبِي، وَفُكَّ رَقَبَتِي مِنْ

عصیان و سرکشی‌ام رحم کن؛ و از گناهانم درگذر؛ و حق و حقوقی که از

الْمَظَالِمِ لِعِبَادِكَ رَكِبْتَنِي، وَقَوِّ ضَعْفِي، وَأَعِزِّ

بندگانم بر عهده من است، مرا از آن رها کن؛ و ناتوانیم را قوت بخش؛ و

مَسْكِنَتِي، وَثَبِّتْ وَطْأَتِي، وَاعْفِرْ جُرْمِي، وَأَنْعِمْ

ببیچارگی‌ام را عزت بخش؛ و گام‌هایم را محکم و استوار گردان؛ و جرمم را ببخش؛ و

بَالِي، وَأَكْثِرْ مِنَ الْحَلَالِ مَالِي، وَخِرْ لِي فِي جَمِيعِ

فکر و ذهنم را رشد بده؛ و مالم را از حلال زیاد کن؛ و در تمام امور و کارهایم برایم خیر و خوبی

أُمُورِي وَأَفْعَالِي، وَرَضِّنِي بِهَا، وَارْحَمْنِي وَوَالِدَيَّ

مقدّر فرما؛ و مرا به آن‌ها راضی و خشنود گردان؛ و رحم کن بر من و پدر و مادرم

وَمَا وَلَدًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ

و فرزندان آنان از مردان و زنان مؤمن، و مردان

وَالْمُسْلِمَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، إِنَّكَ سَمِيعٌ

و زنان مسلمان، زندگان از آن‌ها و مردگان از آن‌ها؛ همانا تو شنونده

الدَّعَوَاتِ ، وَالْهَمْنِي مِنْ بَرِّهِمَا مَا اسْتَحِقُّ بِهِ ثَوَابَكَ

دعاهایی. به من الهام کن از نیکی کردن نسبت به آن دو (پدر و مادر) آنچه با آن شایستگی ثواب

وَالْجَنَّةَ ، وَتَقَبَّلْ حَسَنَاتِهِمَا ، وَاعْفِرْ سَيِّئَاتِهِمَا ،

و بهشت تو را پیدا کنم، و کارهای نیک آن‌ها را قبول فرما، و بدی‌های آن‌ها را ببخش،

وَاجْزِهِمَا بِأَحْسَنِ مَا فَعَلَا بِي ثَوَابَكَ وَالْجَنَّةَ . إِلَهِي

و به خاطر خوبی‌هایی که آن دو درباره من کرده‌اند پاداشت و بهشتت را نصیب آن دو فرما. خدای

وَقَدْ عَلِمْتُ يَقِينًا أَنَّكَ لَا تَأْمُرُ بِالظُّلْمِ وَلَا تَرْضَاهُ ،

من؛ به یقین می‌دانم تو دستور به ستم نمی‌دهی، و به آن راضی نیستی،

وَلَا تَمِيلُ إِلَيْهِ وَلَا تَهْوَاهُ وَلَا تَحِبُّهُ وَلَا تَعْشَاهُ ، وَتَعْلَمُ

و میل به آن نمی‌نمایی، و آن را نمی‌خواهی و دوستش نمی‌داری، و نمی‌پوشانی آن را؛ و می‌دانی

مَا فِيهِ هُوَ لَاءِ الْقَوْمِ مِنْ ظُلْمِ عِبَادِكَ وَبَغْيِهِمْ عَلَيْنَا ،

آنچه را که این قوم از ظلم به بندگان و تجاوزگری آن‌ها بر علیه ما،

وَتَعَدَّى يَهُمْ بِغَيْرِ حَقٍّ وَلَا مَعْرُوفٍ ، بَلْ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا

و تعدی و تجاوز ناحق و نامعروفشان که از روی ظلم و دشمنی

وَزُورًا وَبُهْتَانًا ، فَإِنْ كُنْتَ جَعَلْتَ لَهُمْ مُدَّةً لَابِدًا مِنْ

و زور و تهمت آن را انجام می‌دهند؛ پس اگر بر ایشان مدتی قرار دادی که باید آن مدت

بُلُوغِهَا ، أَوْ كَتَبْتَ لَهُمْ آجَالًا يَنَالُونَهَا ، فَقَدْ قُلْتَ

بسر آید؛ یا مهلت‌هایی بر ایشان نوشتی و معین کردی که باید به پایان برسد، پس تو گفتی

وَقَوْلِكَ الْحَقُّ وَعَدُّكَ الصِّدْقُ ﴿يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾

- و سخنت حق و وعدهات راست است - : «آنچه را خدا بخواهد محو و نابود می‌کند

وَيُثِبْتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ ۱ . فَأَنَا أَسْأَلُكَ بِكُلِّ مَا

و آنچه را بخواهد ثابت می‌دارد؛ و ام کتاب نزد اوست». پس من از تو می‌خواهم، به واسطه تمام

سَأَلُكَ بِهِ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلُونَ وَرُسُلِكَ ، وَأَسْأَلُكَ بِمَا

آنچه به آن، پیامبران مرسل - که رسالت تبلیغ داشتند - و رسولانت از تو خواستند، و از تو می‌خواهم

سَأَلُكَ بِهِ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ، وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ ،

به واسطه آنچه بندگان صالح و شایسته‌ات و فرشتگان مقربت با آن از تو خواستند؛ که

أَنْ تَمْحُوَ مِنْ أُمَّ الْكِتَابِ ذَلِكَ ، وَتَكْتُبَ لَهُمْ

از ام کتاب (لوح محفوظ)، آن مدت و مهلت را محو کنی و

الْأَضْمِحْلَالَ وَالْمَحَقَّ ، حَتَّى تُقَرِّبَ آجَالَهُمْ ،

نابودی و پراکندگی و از هم پاشیدگی را برای‌شان بنویسی تا اجل‌های‌شان را نزدیک سازی،

وَتَقْضِيَ مُدَّتَهُمْ ، وَتُذْهِبَ أَيَّامَهُمْ ، وَتُبْتِرَ

و مدت‌شان را پایان دهی، و روزهای‌شان را سپری سازی، و رشته

أَعْمَارَهُمْ ، وَتُهْلِكَ فُجَارَهُمْ ، وَتَسْلُطَ بَعْضُهُمْ عَلَى

عمرشان را پاره کنی، و فاسقان‌شان را هلاک سازی، و بعضی از آنها را بر بعضی دیگر مسلط سازی؛

بَعْضٍ ، حَتَّى لَا تَبْقِيَ مِنْهُمْ أَحَدًا ، وَلَا تُنْجِيَ مِنْهُمْ

تا آن که یک نفر از آنان را باقی نگذاری، و احدی از آنان را نجات ندهی،

۱. سوره رعد، آیه ۳۹.

أَحَدًا، وَتُفَرِّقَ جُمُوعَهُمْ، وَتَكِلَ سِلَاحَهُمْ، وَتُبَدِّدَ

و اجتماعشان را متفرق سازی؛ و سلاحشان را ناتوان و بی‌اثر، و

شَمْلَهُمْ، وَتُقَطِّعَ آجَالَهُمْ، وَتُقَصِّرَ أَعْمَارَهُمْ،

جمع آنان را پراکنده کنی، و مهلت ایشان را قطع، و عمرشان را کوتاه،

وَتُرْزِلَ أَقْدَامَهُمْ، وَتُطَهِّرَ بِلَادَكَ مِنْهُمْ، وَتُظْهِرَ

و قدم‌هایشان را متزلزل کنی؛ و سرزمین‌هایت را از وجودشان پاک، و

عِبَادَكَ عَلَيْهِمْ، فَقَدْ غَيَّرُوا سُنَّتَكَ، وَنَقَضُوا عَهْدَكَ،

بندگانگت را بر آنان مسلط سازی؛ چرا که آنان سنت تو را تغییر دادند، و عهدت را شکستند،

وَهَتَكُوا حَرِيمَكَ، وَأَتَوْا عَلَىٰ مَا نَهَيْتَهُمْ عَنْهُ،

و حریمت را هتک کردند، و آنچه نهی کردی انجام دادند

وَعَتَوْا عَتْوًا كَبِيرًا كَبِيرًا، وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا،

و (از فرمان‌های تو) سرپیچی نمودند؛ سرپیچی و نافرمانی بزرگ بزرگ، و گمراه شدند گمراهی عمیق،

فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَذِّنْ لِجَمْعِهِمْ

پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و بر جمع و اجتماع آنان

بِالشَّتَاتِ، وَلِحَيِّهِمْ بِالْمَمَاتِ، وَلَا زَوَاجِهِمْ

پراکندگی را، و برای زنده آنان مرگ راه، و برای زوج‌هایشان

بِالنَّهْبَاتِ، وَخَلِّصْ عِبَادَكَ مِنْ ظُلْمِهِمْ، وَاقْبِضْ

غارت و چپاول را اراده کن و فرمان بده؛ و بندگانگت را از ستم آنان رهایی ده، و با

أَيْدِيَهُمْ عَن هَضْمِهِمْ، وَطَهِّرْ أَرْضَكَ مِنْهُمْ، وَأَذِّنْ

شکستشان دست‌هایشان را ببند، و زمینت را از آنان پاک گردان، و فرمان بده به

بِحَصْدِ نَبَاتِهِمْ، وَاسْتِطْصَالِ شَاقَتِهِمْ، وَشَتَاتِ

درو شدن و نابودی زراعتشان و به از بین رفتن اموالشان و پراکندگی

شَمْلِهِمْ، وَهَدِّمْ بُنْيَانَهُمْ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

امورشان و نابودی اصل و اساس‌شان؛ ای صاحب شکوه و بزرگواری.

وَأَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَإِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ، وَرَبِّي وَرَبَّ كُلِّ

و از تو می‌خواهم ای معبود من؛ و ای معبود هر چیزی؛ و ای پروردگار من و پروردگار هر

شَيْءٍ، وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عَبْدَاكَ وَرَسُولَاكَ،

چیزی؛ تو را می‌خوانم با آنچه دو بنده و دو فرستاده

وَنَبِيِّكَ وَصَفِيَّكَ مُوسَىٰ وَهَارُونَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ،

و دو پیامبر و برگزیده‌ات موسی و هارون - که بر آنان درود باد - تو را خوانند؛

حِينَ قَالَا، دَاعِيَيْنِ لَكَ، رَاجِعِينَ لِفَضْلِكَ، رَبَّنَا إِنَّكَ

آن هنگام که گفتند - در حالت دعاگویی به درگاهت و امیدواری به فضلت - : «پروردگارا؛ تو، به

آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

فرعون و گروهش در زندگی دنیا زیور و اموال بسیار بخشیدی که با آن

رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَن سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ

بندگانگت را از راه تو گمراه کن؛ پروردگارا؛ اموال آنان را نابود گردان،

وَأَشَدُّ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ

و دل‌هایشان را سخت‌گردان، که اینان ایمان نیاورند، تا هنگامی که عذاب دردناک تو را مشاهده

الْأَلِيمِ^۱، فَمَنْتَ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِمَا بِالْإِجَابَةِ لَهُمَا

کنند» پس بر آنان با اجابت دعای‌شان ممت گذارده و نعمت دادی؛

إِلَى أَنْ قَرَعْتَ سَمْعَهُمَا بِأَمْرِكَ، فَقُلْتَ اللَّهُمَّ رَبِّ

تا این که فرمانت را به گوش آنان رساندی، پس گفتمی: - ای خدا و ای پروردگار من؛ -

﴿قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ

دعای شما را مستجاب کردم؛ پس هر دو استقامت بورزید، و پیروی از راه

الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۲. أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

مردم جاهل نکنید». (می‌خواهم) که بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَطْمِسَ عَلَيَّ أَمْوَالِ هَؤُلَاءِ الظَّلْمَةِ،

محمد درود فرستی، و اموال این ستمگران را محو و نابود کنی؛

وَأَنْ تَشُدَّ عَلَى قُلُوبِهِمْ، وَأَنْ تَخْسِفَ بِهِمْ بَرِّكَ،

و بر قلوبشان سخت‌گردانی، و آنان را به بیابان خود فرو بری،

وَأَنْ تُغْرِقَهُمْ فِي بَحْرِكَ، فَإِنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

و در دریای خودت آنان را غرق کنی؛ همانا آسمان‌ها و زمین

وَمَا فِيهِمَا لَكَ، وَأَرِ الْخَلْقَ قُدْرَتَكَ فِيهِمْ، وَبَطْشَتَكَ

و آنچه در آنهاست در اختیار توست، و قدرت خود را در مورد آنان، و سخت‌گیریت را

عَلَيْهِمْ، فَافْعَلْ ذَلِكَ بِهِمْ، وَعَجِّلْ لَهُمْ ذَلِكَ، يَا خَيْرَ

بر ایشان به مردم نشان بده؛ این کار را درباره آنان انجام ده و برای آنان در این کار شتاب کن؛ ای بهترین

مَنْ سَأَلَ، وَخَيْرَ مَنْ دُعِيَ، وَخَيْرَ مَنْ تَذَلَّلَتْ لَهُ

کسی که از او چیزی درخواست شده؛ و بهترین کسی که خوانده شده؛ و بهترین کسی که برای او

الْوُجُوهُ، وَرَفِعَتْ إِلَيْهِ الْأَيْدِي، وَدُعِيَ بِاللُّسْنِ،

چهره‌ها به خاک مذلت افتاده؛ و دست‌ها به سوی او بالا رفته؛ و با زبان‌ها خوانده شده؛

وَشَخَّصَتْ إِلَيْهِ الْأَبْصَارُ، وَأَمَّتْ إِلَيْهِ الْقُلُوبُ،

و نگاه‌ها به سوی او دوخته شده؛ و قلب‌ها به سوی او روی آورده؛

وَنَقَلَتْ إِلَيْهِ الْأَقْدَامُ، وَتُحَوِّكَمَ إِلَيْهِ فِي الْأَعْمَالِ.

و قدم‌ها به سوی او برداشته شده؛ و داوری در کارها به سوی او برده شده است.

إِلَهِي وَأَنَا عَبْدُكَ أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَبْهَائِهَا، وَكُلُّ

خدای من؛ من بنده‌ات هستم که از تو می‌خواهم با شکوه‌مندترین نام‌هایت؛ البته تمام

أَسْمَائِكَ بِهِي، بَلْ أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا، أَنْ تُصَلِّيَ

نام‌های تو باشکوه و زیباست بلکه از تو به واسطه تمام نام‌هایت می‌خواهم که

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُرَكِّسَهُمْ عَلَيَّ أُمَّ

بر محمد و آل محمد درود فرستی، و اهل ستم را با مغز سرشان

رُؤْسِهِمْ فِي زُبَيْتِهِمْ، وَتُرْزِدِيَهُمْ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِمْ،

در حفره و گودالی که روی آن را پوشیده‌اند و ازگون کنی، و آنان را در عمق حفره‌های‌شان بیندازی،

وَأَرْمِهِمْ بِحَجَرِهِمْ، وَذَكَرَهُمْ بِمَشَاقِصِهِمْ، وَاكْتَبَهُمْ

و با سنگ‌شان آنان را بزنی، و آنان را بکشی با تیرهای‌شان، و با

عَلَىٰ مَنَاخِرِهِمْ، وَاخْتَقَهُمْ بِوَتَرِهِمْ، وَارْدُدْ كَيْدَهُمْ

بینی‌شان بر زمین بکویی، و با زه‌کمان‌هاشان آنان را خفه کنی، و نیرنگ‌شان را به

فِي نُحُورِهِمْ، وَأَوْبِقَهُمْ بِنَدَامَتِهِمْ، حَتَّىٰ يَسْتَخْذِلُوا

خودشان بازگردانی، و با پشیمانی‌شان آن‌ها را هلاک سازی، تا بعد از غرورشان خوار و ذلیل

وَيَتَضَاءُ لَوْا بَعْدَ نِحْوَتِهِمْ، وَيَنْقِمُوا بَعْدَ اسْتِطْلَاتِهِمْ،

شوند، و پس از این همه خودبرتری‌های خرد و کوچک شوند و بعد از گردن‌کشی خوار شوند،

أَدِلَاءَ مَا سُورِينَ فِي رَبِّقِ حَبَائِلِهِمْ، الَّتِي كَانُوا

در حالی که ذلیل‌های اسیر شده در بند طناب‌های‌شان باشند - همان طناب‌هایی که

يَوْمًا لَوْ أَنَّ يَرُونَا فِيهَا، وَثَرِينَا قُدْرَتِكَ فِيهِمْ،

آرزو داشتند ما را در آن ببینند - و به ما قدرت خود را در مورد آنان،

وَسُلْطَانِكَ عَلَيْهِمْ، وَتَأْخُذَهُمْ أَخْذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ

و سلطنت خود بر آنان را نشان بده، و آنان را مجازات کن همانند مجازات بلده‌هایی

ظَالِمَةٌ، إِنْ أَخَذَكَ الْأَلِيمُ الشَّدِيدُ، وَتَأْخُذَهُمْ يَا رَبِّ

که اهل آن ظالم بودند؛ همانا مجازات دردناک و شدید است؛ ای پروردگار من؛ آنان را مجازات کن

أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ، فَإِنَّكَ عَزِيزٌ مُّقْتَدِرٌ، شَدِيدٌ

مانند مجازات فرد باعزت و مقتدر، زیرا تو نیرومند غالب و باقتداری،

الْعِقَابِ، شَدِيدُ الْمِحَالِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ

کیفر تو سخت و توانایی تو شدید است. خدای من؛ بر محمد و

وآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ أِيرَادَهُمْ عَذَابِكَ الَّذِي أَعْدَدْتَهُ

آل محمد درود فرست، و در وارد کردن (ظالمان) به عذابت که

لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَمْثَالِهِمْ، وَالطَّاغِينَ مِنْ نُظَرَائِهِمْ،

برای ستمکارانی مثل آن‌ها، و سرکشانی نظیر آنان آماده کرده‌ای تعجیل کن؛

وَأَرْفَعْ حِلْمَكَ عَنْهُمْ، وَاحْلُلْ عَلَيْهِمْ غَضَبِكَ الَّذِي

و می‌خواهم که بردباری خود را از آنان برداری و بر آنان غضبت را روا داری؛ غصبی که

لَا يَقُومُ لَهُ شَيْءٌ، وَأْمُرْ فِي تَعْجِيلِ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ

چیزی در برابر آن مقاومت و ایستادگی ندارد؛ و در تعجیل غضبت بر آنان دستور بده،

بِأَمْرِكَ الَّذِي لَا يَرُدُّ وَلَا يُؤَخِّرُ، فَإِنَّكَ شَاهِدٌ كُلُّ

دستوری که بر نمی‌گردد و به تأخیر نمی‌افتد؛ همانا تو شاهد هر

نَجْوَىٰ، وَعَالِمٌ كُلِّ فَحْوَىٰ، وَلَا تَخْفَىٰ عَلَيْكَ مِنْ

گفتگو و رازی، و آگاه از معنا و مفهوم هر کلامی، و پنهان‌کاری آنان در کارهای‌شان بر تو

أَعْمَالِهِمْ خَافِيَةٌ، وَلَا تَذْهَبُ عَنْكَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ

مخفی نمی‌ماند؛ و هیچ یک از اعمال خائنانه آنان دور از نظرت نمی‌ماند؛

خَائِنَةٌ، وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ، عَالِمٌ بِمَا فِي الضَّمَائِرِ

و تو نسبت به آنچه پنهان است بسیار دانایی، و به آنچه در خاطرها و نهادهای

وَالْقُلُوبِ . وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ وَأُنَادِيكَ بِمَا نَادَاكَ بِهِ

و دل‌ها است آگاهی؛ و خدای من؛ از تو می‌خواهم و ندا می‌دهم به آنچه که ندا داد تو را به آن

سَيِّدِي ، وَسَأَلَكَ بِهِ نُوحٌ ، إِذْ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ

سرور من؛ و به واسطه آن نوح از تو درخواست نمود آن هنگام که گفتی - ای که پاک و منزّه و بلندمرتبه‌ای -:

«وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ»^۱ ، أَجَلِ اللَّهُمَّ يَا

«و به راستی نوح ما را ندا داد پس ما چه خوب اجابت‌کنندگان هستیم»، آری؛ خدای من؛ ای

رَبِّ أَنْتَ نِعْمَ الْمُجِيبُ ، وَنِعْمَ الْمَدْعُوُّ ، وَنِعْمَ

پروردگار من؛ تو بهترین اجابت‌کننده‌ای، و بهترین خواننده شده‌ای، و بهترین

الْمَسْئُولُ ، وَنِعْمَ الْمُعْطِي ، أَنْتَ الَّذِي لَا تُخِيبُ

درخواست‌شده هستی و بهترین عطاکننده‌ای؛ تو همان کسی هستی که

سَأَلِكَ ، وَلَا تَرُدُّ رَاجِيكَ ، وَلَا تَطْرُدُ الْمَلِحَّ عَنْ

درخواست‌کننده‌ها را ناامید نمی‌کنی، و امیدوار به خودت را رد نمی‌کنی، و اصرارکننده را از

بَابِكَ ، وَلَا تَرُدُّ دُعَاءَ سَائِلِكَ ، وَلَا تَمَلُّ دُعَاءَ مَنْ

دریارت نمی‌رانی، و دعای سؤال‌کننده‌ها را رد نمی‌کنی، و از دعای آرزومندت، گرفته و دلگیر

أَمَلَّكَ ، وَلَا تَتَّبِرُّمُ بِكَثْرَةِ حَوَائِجِهِمُ إِلَيْكَ ، وَلَا

نمی‌شوی، و از زیادی خواسته‌هایشان، و به خاطر برآوردن

بِقَضَائِهَا لَهُمْ ، فَإِنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِ جَمِيعِ خَلْقِكَ إِلَيْكَ

خواسته‌هایشان به ستوه نمی‌آیی؛ همانا برآوردن حاجات تمام آفریدگانت در نزد تو

۱. سورة صافات، آیه ۷۵.

فِي أَسْرَعِ لَحْظٍ مِنْ لَمَحِ الظَّرْفِ ، وَأَخَفُ عَلَيْنِكَ ،

سریع‌تر است از چشم بر هم زدن، و سبک‌تر و

وَأَهْوَنُ عِنْدَكَ مِنْ جَنَاحِ بَعُوضَةٍ . وَحَاجَتِي يَا

و آسان‌تر است بر تو از بال پشه. و حاجت من ای

سَيِّدِي وَمَوْلَايَ ، وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي ، أَنْ تُصَلِّيَ

آقا و مولای من، و تکیه‌گاه و امید من؛ این است که می‌خواهم

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي ، فَقَدْ

بر محمد و آل محمد درود فرستی، و گناهم را ببخشی؛ زیرا به درگاهت

جِئْتُكَ ثَقِيلَ الظَّهِرِ بِعَظِيمِ مَا بَارَزْتُكَ بِهِ مِنْ

امدم در حالی که پشتم از بارگناهانم سنگین شده؛ گناهان بزرگی که به واسطه آنها با تو به مبارزه

سَيِّئَاتِي ، وَرَكَبَنِي مِنْ مَظَالِمِ عِبَادِكَ مَا لَا يَكْفِينِي ،

برخواستم، و حقوق زیادی از بندگانت بر عهده من است که جز تو کفایت نمی‌کند،

وَلَا يَخْلُصُنِي مِنْهَا غَيْرُكَ ، وَلَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ ،

و جز تو مرا از آنها رهایی نمی‌دهد، و بر آن توان ندارد،

وَلَا يَمْلِكُهُ سِوَاكَ ، فَاْمَحْ يَا سَيِّدِي كَثْرَةَ سَيِّئَاتِي

و در اختیار کسی جز تو نیست، پس از بین ببر ای آقای من؛ زیادی گناهانم را

بِيسِيرِ عِبْرَاتِي ، بَلْ بِقَسَاوَةِ قَلْبِي ، وَجُمُودِ عَيْنِي ،

با کمی اشک‌هایم؛ بلکه با سنگدلی و خشکی چشمم؛

لَا بَلَّ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَأَنَا شَيْءٌ،

نه، بلکه به خاطر رحمت خودت که هر موجودی را فرا گرفته است، و من نیز یکی از آن موجودات

فَلْتَسْعِنِي رَحْمَتُكَ، يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمٌ، يَا أَرْحَمَ

هستم، پس رحمتت شامل من نیز هست، ای بخشنده؛ ای مهربان؛ ای مهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ، لَا تَمْتَحِنِّي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِشَيْءٍ مِنْ

مهربانان؛ در این دنیا با محنت‌ها و دشواری‌ها مرا امتحان مکن،

الْمِحْنِ، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَزِحْمُنِي، وَلَا تُهْلِكْنِي

و کسی را که بر من رحم نمی‌کند بر من مسلط مکن، و به وسیله گناهانم هلاکم مساز،

بِذُنُوبِي، وَعَجِّلْ خَلَاصِي مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ، وَادْفَعْ

و در رهاییم از هر ناپسند و ناخوش‌آیند تعجیل فرما،

عَنِّي كُلَّ ظُلْمٍ، وَلَا تَهْتِكْ سِتْرِي، وَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ

و هر ستمی را از من دور کن و پرده‌ام را مدر، و در روزی که

جَمْعِكَ الْخَلَائِقَ لِلْحِسَابِ، يَا جَزِيلَ الْعَطَاءِ

آفریدگانت را برای حساب گرد می‌آوری مرا رسوا مکن، ای بسیار عطا کننده

وَالثَّوَابِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

و پاداش دهنده؛ از تو می‌خواهم بر محمد و آل محمد درود فرستی،

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُحْيِيَنِي حَيَاةَ السُّعْدَاءِ، وَتُمِيتَنِي مِيتَةَ

و مرا به زندگانی سعادت‌مندان زنده بداری، و به مرگ

الشُّهَدَاءِ، وَتَقْبَلَنِي قَبُولَ الْأَوْدَاءِ، وَتَحْفَظَنِي فِي

شهیدان بمیرانی، و مانند پذیرش دوستداران مرا بپذیری، و در

هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ، مِنْ شَرِّ سَلَاطِينِهَا وَفُجَّارِهَا،

این دنیای پست، مرا از شر پادشاهان دنیا و بدکاران آن

وَشِرَارِهَا وَمُحِبِّيَّهَا، وَالْعَامِلِينَ لَهَا وَمَا فِيهَا، وَقِنِي

و شروران و دوست‌داران آن، و عمل‌کنندگان برای دنیا و آنچه در آن است؛ حفظ کنی، و مرا از

شَرِّ سِرْكَانِهَا وَحُسَادِهَا، وَبَاغِي الشُّرْكِ فِيهَا، حَتَّى

شر سرکشان دنیا و حسودان آن، و طالب شرک در آن، نگه داری، تا

تَكْفِينِي مَكْرَ الْمَكْرَةِ، وَتَفْقَأَ عَنِّي أَعْيُنَ الْكُفْرَةِ،

مرا از مکر مکاران کفایت کنی، و چشم‌های کفار را نسبت به من کور نمایی،

وَتُفْحِمَ عَنِّي أَلْسُنَ الْفَجْرَةِ، وَتَقْبِضَ لِي عَلَى أَيْدِي

و زبان بدکاران را از من کوتاه و لال گردانی، و دست‌های ستمگران را برایم ببندی،

الظُّلْمَةِ، وَتُوَهِّنَ عَنِّي كَيْدَهُمْ، وَتُمِيتَهُمْ بِغَيْظِهِمْ،

و نقشه‌ها و مکر ایشان را بر من سست و بی‌پایه کنی، و آنان را با خشم درونی‌شان بمیرانی؛

وَتَشْغَلَهُمْ بِأَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأَفْئِدَتِهِمْ،

و آنان را به گوش‌ها و چشم‌ها و دل‌هایشان مشغول سازی؛

وَتَجْعَلَنِي مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فِي أَمْنِكَ وَأَمَانِكَ، وَحِرْزِكَ

و مرا از تمام آن‌ها در امن و امان خودت، و حفظ

وَسُلْطَانِكَ، وَحِجَابِكَ وَكَنْفِكَ، وَعِيَاذِكَ وَجَارِكَ،

و سلطنتت، و پوشش و حمایت، و پناه و جوارت قرار دهی؛

وَمِنْ جَارِ السُّوءِ وَجَلِيسِ السُّوءِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ

و از همسایهٔ بد و همنشین بد نیز در امان داری؛ همانا تو بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ، إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهِ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ

چیزی توانایی؛ «همانا سرپرست من خدایی است که کتاب را فرستاد و او

يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ»^۱. اَللّٰهُمَّ بِكَ اَعُوذُ، وَبِكَ الْوَدُ،

سرپرست صالحان است». خدای من؛ به تو پناه آورده‌ام و به تو پناهنده‌ام

وَلَكَ اَعْبُدُ، وَاِيَّاكَ اَرْجُو، وَبِكَ اَسْتَعِينُ، وَبِكَ

و برای تو عبادت می‌کنم و امیدوار به لطف تو هستم و از تو کمک می‌جویم و از تو

اَسْتَكْفِي، وَبِكَ اَسْتَعِيْثُ، وَبِكَ اَسْتَنْقِذُ، وَمِنْكَ

درخواست کفایت می‌کنم و از تو دادخواهی می‌نمایم و به وسیلهٔ تو رهایی می‌طلبم؛ و از تو

اَسْأَلُ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ،

می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی،

وَلَا تَرُدَّنِيْ اِلَّا بِذَنْبٍ مَّغْفُوْرٍ، وَسَعِيْ مَشْكُوْرٍ،

و مرا باز مگردانی مگر با گناه بخشوده شده و تلاش سپاسگزاری شده

وَتِجَارَةٌ لَّنْ تَبُوْرَ، وَاَنْ تَفْعَلَ بِيْ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ،

و تجارتی که هرگز کساد نشود؛ و با من آنچه تو اهلش هستی انجام دهی،

۱.سورهٔ اعراف، آیهٔ ۱۹۶.

وَلَا تَفْعَلْ بِيْ مَا اَنَا اَهْلُهُ، فَاِنَّكَ اَهْلُ التَّقْوٰى وَاَهْلُ

و با من آنچه اهلش هستم انجام مدهی که همانا تو اهل تقوا و اهل

الْمَغْفِرَةِ، وَاَهْلُ الْفَضْلِ وَالرَّحْمَةِ. اِلٰهِيْ وَقَدْ اَطَلْتُ

امرزش و اهل فضل و رحمت هستی، خدای من؛ به راستی که دعایم را طول دادم

دُعَائِيْ، وَاَكْثَرْتُ خِطَابِيْ، وَضَيْقُ صَدْرِيْ حَدَانِيْ

و خطابم را زیاد کردم، که تنگی و فشار سینه‌ام

عَلٰى ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَحَمَلَنِيْ عَلَيْهِ، عَلِمًا مِّنِّيْ بِاَنَّهُ

بر تمام این‌ها مرا کشاند، و مرا بر آنها وادار کرد، با اینکه می‌دانم از تمام این‌ها

يُجْزِيْكَ مِنْهُ قَدْرُ الْمِلْحِ فِي الْعَجِيْنِ، بَلْ يَكْفِيْكَ

فقط به اندازهٔ نمک خمیر، تو را کفایت می‌کند؛ بلکه

عَزْمُ اِرَادَةٍ وَاَنْ يَقُوْلَ الْعَبْدُ بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَّلِسَانٍ

قصد خواستن و این که بنده با نیت راست و زبان

صَادِقٍ يَا رَبِّ، فَتَكُوْنَ عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِكَ بِكَ، وَقَدْ

صادق بگوید؛ ای پروردگار من؛ کافی است که تو نزدگمان بنده‌ات به تو حضور داری. به راستی که

نَاجَاكَ بِعَزْمِ الْاِرَادَةِ قَلْبِيْ، فَاَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى

قلبم به قصد خواستن با تو مناجات کرد؛ پس از تو می‌خواهم بر

مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تُقْرَنَ دُعَائِيْ بِالْاِجَابَةِ

محمد و آل محمد درود فرستی و دعایم را قرین اجابت خود سازی،

مِنْكَ، وَتُبَلِّغَنِي مَا أَمَلْتُهُ فِيكَ، مِنْتَ مِنْكَ وَطَوَلًا،

و مرا به آرزوهایی که نسبت به تو دارم از جهت لطف و احسانی که به من داری

وَقُوَّةً وَحَوْلًا، لَا تُقِيمُنِي مِنْ مَقَامِي هَذَا إِلَّا بِقَضَاءِ

و قدرت و توانی که در تو هست برسانی، از جایم برمخیزان مگر به برآوردن تمام آنچه از تو

جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ، فَإِنَّهُ عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَخَطَرُهُ عِنْدِي

خواستم؛ همانا این کار بر تو آسان است و قدر و ارزش آن در نزد من

جَلِيلٌ كَثِيرٌ، وَأَنْتَ عَلَيْهِ قَدِيرٌ، يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرٌ.

شکوهمند و زیاد است؛ و در حالی که تو بر این کار توانایی ای شوا؛ ای بینا؛

إِلَهِي وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ، وَالْهَارِبِ

خدای من؛ این جایگاه پناهنده به تو از آتش و گریزنده

مِنْكَ إِلَيْكَ، مِنْ ذُنُوبٍ تَهَجَّمَتْهُ، وَعُيُوبٍ فَضَحَتْهُ،

از (غضب) تو به (رحمت) تو است؛ از گناهایی که بر او هجوم آورده، و عیوبی که او را رسوا کردند؛

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةً

پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و بر من نظر کن نظری از روی

رَحِيمَةً أَفُوزُ بِهَا إِلَى جَنَّتِكَ، وَاعْظِفْ عَلَيَّ عَظْفَةً

لطف و رحمت که به وسیله آن به سوی بهشت تو کامیاب گردم؛ و به من مهربانی کن، نوعی مهربانی

أَنْجُو بِهَا مِنْ عِقَابِكَ، فَإِنَّ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ لَكَ وَبِيَدِكَ،

که با آن از کیفر تو نجات یابم، همانا بهشت و آتش از آن تو و به دست توست

وَمَفَاتِيحَهُمَا وَمَغَالِقَهُمَا إِلَيْكَ، وَأَنْتَ عَلَى ذَلِكَ

و کلیدها و قفل‌هایشان به سوی توست، و تو بر آن

قَادِرٌ، وَهُوَ عَلَيْكَ هَيِّنٌ يَسِيرٌ، فَأَفْعَلْ بِي مَا سَأَلْتُكَ

توانایی، و آن امر بر تو سهل و آسان است، پس آنچه از تو خواستم برای من انجام بده؛

يَا قَدِيرٌ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ،

ای توانا؛ و هیچ جنبش و توانایی نیست مگر به توان خداوند بلندمرتبه بزرگ؛

وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ

و خدا ما را کافی است، و خوب پشتیبانی است؛ خوب سرور، و خوب

النَّصِيرُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ

یاری‌کننده‌ای است، و حمد و ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار جهان است، و خداوند بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ^۱.

سرورمان محمد و آل پاکش درود فرستد.

علی بن حماد می‌گوید: این دعا را از ابو الحسن علی علوی

عریضی گرفتم و او با من شرط کرد که آن را به مخالف ندهم و به

هیچ کس ندهم مگر آن که مذهبش را بدانم، و بدانم که او از

دوست‌داران آل محمد علیهم‌السلام است؛ این دعا پیش من و برادران

دینی‌ام (شیعیان) بود تا آن‌که یک قاضی اهوازی که مخالف مذهب

۱. مهج الدعوات: ۳۳۶.

بود در بصره نزد من آمد. او در گذشته به من احسان کرده بود و در شهرش به او احتیاج پیدا کرده بودم و در خانه‌اش بودم. شاه او را گرفته و بیست هزار درهم از او خواسته بود.

دلم به حالش سوخت، بر او رحم نموده و این دعا را به او دادم. او دعا را خواند، هنوز یک هفته تمام نشده بود که شاه او را بخشید و بیست هزار درهم را از او نخواست و با احترام، او را به شهرش بازگردانید و من او را تا «ابله» مشایعت نمودم و به بصره بازگشتم.

بعد از چند روزی دعا را نیاز داشتم اما نیافتم، و تمام کتاب‌هایم را جستجو نمودم ولی هیچ اثری از آن ندیدم. پس، دعا را از ابو مختار حسینی خواستم که او نیز نسخه‌ای از دعا داشت اما در کتاب‌های او نیز نیافتم؛ تا بیست سال دنبال دعا می‌گشتم اما نمی‌یافتیم؛ فهمیدم که این مجازاتی است از طرف خداوند عزوجل؛ چون دعا را به مخالف مذهب داده بودم؛

بیست سال که گذشت، دعا را در کتاب‌های خود یافتیم در حالی که بارها به دنبال دعا گشته بودیم؛ لذا، با خود عهد کردم جز به کسی که اطمینان به دینش داشته باشم - که از معتقدان به ولایت آل رسول ﷺ است - دعا را ندهم بعد از این که از او هم عهد بگیرم که این دعا را جز به کسی که لایق آن است ندهد و از خدا کمک می‌جوییم و بر او توکل می‌کنیم.^۱

۱. مهج الدعوات: ۳۳۶.

در کتاب «جواهر المثنوره» سید عبدالحسیب علوی، جمالتی بیش از آنچه در «مهج الدعوات» است وارد شده که چنین است:

وَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، وَخَيْرِ الْأَوْلِيَاءِ،

خدای من؛ بر سرور انبیا و بهترین اولیا

وَأَفْضَلِ الْأَصْفِيَاءِ، وَأَعْلَى الْأَزْكَيَاءِ، وَأَكْمَلِ الْأَتْقِيَاءِ،

و برترین برگزیدگان و والاترین پاکان و کامل‌ترین پرهیزکاران

أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا، وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ،

که او را به حقیقت بشارت‌دهنده و ترساننده فرستاده؛ و دعوت‌کننده به سوی خدا به اذن خدا،

وَسِرَاجًا مُنِيرًا، مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَىٰ وَآلِهِ مَفَاتِيحِ أَسْرَارِ

و چراغ روشنگر، یعنی حضرت محمد ﷺ برگزیده و آل او - که کلیدهای اسرار

الْعُلَىٰ، وَمَصَابِيحِ أَنْوَارِ التَّقَىٰ. وَالسَّلَامُ عَلَىٰ مَنْ

بلندمرتبه و چراغ‌های پرنور پرهیزکاری هستند - درود فرست. و سلام بر کسی که

اتَّبَعَ الْهُدَىٰ، وَصَلِّ عَلَىٰ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ

از هدایت پیروی نماید، و درود فرست بر تمام انبیا و رسولان.

وَعَلَىٰ أَهْلِ طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ، مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ

و بر تمام فرمان‌برداران اعم از آسمانیان

وَالْأَرْضِينَ، وَاخْصُصْ مُحَمَّدًا بِأَفْضَلِ الصَّلَاةِ

و زمینیان؛ و محمد ﷺ را مخصوص گردان به برترین درودها

والتَّسْلِيمِ . اللَّهُمَّ ارْحَمْنَا فِيهِمْ ، وَاعْفِرْ لَنَا مَعَهُمْ ،

و سلامها. خدایا؛ ما را در میان ایشان رحمت رسان، و ما را با آنان بیامرز؛

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

به خاطر رحمت خودت، ای مهربان‌ترین مهربانان.

نویسنده کتاب «جواهر المثنو» می‌گوید:

دعایی را که بعد از این ذکر می‌شود به خطّ جدّم محقق داماد رحمته

یافتم و در آخر دعای علوی مصری خوانده می‌شود:

اللَّهُمَّ بِكَ يَصُولُ الصَّائِلُ ، وَيَقْدَرُ تَكَ يَطُولُ الطَّائِلُ ،

خدای من؛ حمله‌کننده به کمک تو حمله می‌کند؛ و به کمک قدرت تو غلبه‌کننده غلبه می‌کند؛

وَلَا حَوْلَ لِكُلِّ ذِي حَوْلٍ إِلَّا بِكَ ، وَلَا قُوَّةَ يَمْتَنِزُهَا

و هیچ جنبش و توانی برای هیچ جنبنده و توانائی نیست، مگر به کمک تو؛ و هیچ قوتی نیست که

ذُو الْقُوَّةِ إِلَّا مِنْكَ ، بِصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ

قدرت‌داری را ممتاز کند، مگر آن که از توست؛ تو را به حق برگزیده خلقت، و انتخاب‌شده از

بَرِيَّتِكَ ، مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعِثْرَتِهِ وَسَلَاتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ

آفریدگانت حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیامبرت و خاندان و دودمانش - که بر او و آنان

السَّلَامُ ، صَلِّ عَلَيْهِمْ ، وَاكْفِنِي شَرَّ هَذَا الْيَوْمِ وَضُرَّهُ ،

درود باد - بر آنان درود فرست، و مرا از شرّ این روز و سختی آن کفایت کن.

وَارْزُقْنِي خَيْرَهُ وَيُمْنَهُ ، وَأَقْضِ لِي فِي مُتَصَرِّفَاتِي

و خیر و خوبی آن را روزیم گردان، و در تمام تصرفات من و کارهایی که انجام می‌دهم

بِحُسْنِ الْعَافِيَةِ ، وَبُلُوغِ الْمَحَبَّةِ ، وَالظَّفَرِ بِالْأُمْنِيَّةِ ،

عافیت نیکو مرحمت فرما و محبت و دست‌یابی به آرزو

وَكَفَايَةِ الطَّاعِيَةِ الْمُعْوِيَةِ ، وَكُلِّ ذِي قُدْرَةٍ لِي عَلَى

و کفایت از سرکشان فریب‌دهنده، و هر صاحب قدرتی که

أَدِيَّةٍ ، حَتَّى أَكُونَ فِي جَنَّةٍ وَعِصْمَةٍ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَنَقْمَةٍ ،

قصد اذیت و آزار مرا دارد؛ مرحمت کن تا در حفظ و پوشش و پناه باشم، از هر بلا و عذابی،

وَأَبْدَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمَخَافِ أَمْنًا ، وَمِنَ الْعَوَاقِقِ فِيهِ

و در کارهایم، هر چیز ترسناکی را به امن و امنیت مبدل کن، و موانع را

يُسْرًا ، حَتَّى لَا يَصُدَّنِي صَادٌّ عَنِ الْمُرَادِ ، وَلَا يَحِلَّ

آسان گردان تا هیچ بازدارنده‌ای مرا از آنچه تصمیم گرفته‌ام باز ندارد، و هیچ

بِي طَارِقٍ مِنْ أَدَى الْبِلَادِ ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ،

پیش‌آمد ناگواری از اذیت و آزار شهرها بر من وارد نشود؛ همانا تو بر هر چیزی توانایی،

وَالْأُمُورُ إِلَيْكَ تَصِيرُ ، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ،

و همه کارها و امور مخلوقات به سوی تو باز می‌گردد. ای کسی که چیزی همانند او نیست،

وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . ۱

و او شنوای بیناست، و حمد و ستایش شایسته خداوند است که پروردگار جهانیان است.

۱. أبواب الجنّات: ۱۴۲.

روز جمعه؛ روز حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه است

ابو سلیمان بن اُورمه می‌گوید: در روزگار متوکل به سامرا رفتم و بر سعید حاجب (دربان) وارد شدم، و متوکل ابا الحسن علیه السلام را به او سپرده بود تا آن حضرت را به قتل برساند. چون بر او داخل شدم، گفتم: آیا دوست داری به سوی خدایت نظر کنی؟ گفتم: پاک و منزّه است خدا؛ خدای من را چشم‌ها درک نمی‌کنند و دیدگان از دیدنش عاجزند.

گفتم: همان که گمان می‌کنید او امام شما است. گفتم: از این دیدن بدم نمی‌آید.

گفتم: دستور قتل او را داده‌ام و فردا او را می‌کشم؛ و در نزد او اکنون پیام‌رسانی است چون خارج شد نزد او برو. کمی که گذشت و آن پیام‌رسان از نزد امام علیه السلام خارج شد رفت، سعید حاجب به من گفتم: نزد او (امام علیه السلام) برو.

داخل خانه‌ای که امام در آن زندانی بود شدم، آن حضرت را دیدم که در کنار قبر حفر شده‌ای هستند؛ داخل شدم و سلام کردم و به شدت گریستم.

حضرت فرمود:

چرا گریه می‌کنی؟

گفتم: به خاطر آن چه می‌بینم.

فرمود: به خاطر آن گریه مکن؛ زیرا این کار به دست آنان انجام نمی‌گیرد.

با فرمایش آن حضرت، اندوهم تسکین یافت. و بعد فرمود: او بیش از دو روز زنده نمی‌ماند تا این که خدا، خون او و دوستش را که دیدی بریزد.

سلیمان می‌گوید: به خدا سوگند، دو روز نگذشت که کشته شد. به ابو الحسن علیه السلام گفتم: این حدیث پیغمبر صلی الله علیه و آله است:

لا تعادوا الأيام فتعادیکم.

با روزها دشمنی نکنید که با شما دشمنی می‌کنند.

حضرت فرمودند:

آری؛ ولی این گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله تأویلی دارد:

شنبه: رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

یکشنبه: امیر المؤمنین علی علیه السلام است.

دوشنبه: امام حسن و امام حسین علیهما السلام است.

سه شنبه: علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد علیهم السلام است.

چهارشنبه: موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی علیهم السلام و من (علی بن محمد) هستیم.

پنجشنبه: فرزندم حسن علیه السلام است.

جمعه: قائم (قیام کننده) ما اهل بیت است.^۱

فضیلت دعای ندبه

صدر الإسلام همدانی اعلی الله مقامه در کتاب «تکالیف الأنام» می‌گوید: از خواص دعای ندبه این است که هرگاه در جایی با حضور قلب و اخلاص تمام و توجه به مضامین عالی آن خوانده شود عنایت و توجه امام زمان ارواحنا فداه را به آن مکان جلب می‌کند بلکه باعث حضور حضرت ارواحنا فداه در آنجا می‌گردد؛ چنان که در بعضی جاها اتفاق افتاده است.^۲

آیه الله شیخ علی اکبر نهاوندی رحمته در کتاب «العبری الحسنان» می‌گوید: در نوشته‌های حجّت الإسلام حاج شیخ مهدی - که از کتاب سیّد جواد نقل کرده بود و او یکی از امام جماعت‌های مورد اطمینان در اصفهان و دارای مقامات عالی معنوی بود «و آسمان بر راستگوتر از او سایه نیفکنده بود» - دیدم که چنین نگاشته بود: روستای «صالح آباد» متعلق به من و چند شریکم بود. عده‌ای تصمیم گرفتند روستا را از ما به زور بگیرند و گروهی را به سوی ما فرستادند و هر چه صحبت کردیم سودی نداشت. عریضه‌ای

برای امام ارواحنا فداه نوشتم و آن را در جوی آبی رها کردم و به «تخت فولاد» رفتم و دعای ندبه را با تضرّع و گریه خواندم و چند بار تکرار کردم «هل إلیک یا بن أحمد سیبیل فتلقی؟»؛ «ای فرزند احمد؛ آیا به سوی تو راهی هست که ملاقات شوی؟»، یک دفعه صدای پای اسبی را شنیدم و عرب اسب سواری را دیدم که به من نظری کرد و از دیده‌ام پنهان شد و قلبم با آن مشاهده آرام گرفت و راحت شد و اطمینان پیدا کردم که کارم درست می‌شود. شب بعد کارم به بهترین شکل درست شد؛ من، آن حضرت صلوات الله علیه را بارها در خواب دیده‌ام و او به همین اوصاف بوده است.^۱

سیّد رضا - که از علمای مورد اطمینان و اعتماد اصفهان است - می‌گوید: به خاطر قرض و فقر فراوان، به اموات متوسّل شدم و از خداوند برای دویست نفر از آنان طلب مغفرت نمودم و آن‌ها را با اسم خاطر نشان ساختم؛ سپس به امام زمان صلوات الله علیه متوسّل شدم و بعضی از عبارت‌های دعای ندبه مثل «هل إلیک یا بن أحمد سیبیل فتلقی؟» را خواندم؛ هنگام خواندن آن، نور خاصی حیره‌ام را روشن کرد که روشن تر از نور خورشید بود و در همان روز برایم گشایش کاملی حاصل شد.^۲

۱. العبری الحسنان: ۱۰۱/۲ الباقوت الأحمر.

۲. العبری الحسنان: ۱۹۸/۲ الباقوت الأحمر.

۱. جمال الأسبوع: ۳۶.

۲. تکالیف الأنام فی غیبة الإمام: ۱۹۷.

محدث نوری رحمته الله می گوید: آغا محمد که شخصی مورد اطمینان و عادل و امین و مجاور حرم عسکرین علیهم السلام است؛ از زبان مادرش - که از زنان صالحه و اهل عبادت بود - برایم چنین نقل کرد: روزی به همراه خانواده مولا سلماسی در سرداب شریف بودم و آقا رحمته الله دعای ندبه می خواند و ما نیز به دنبال او می خواندیم. او همچون فرد آشفته و حیران و محزون گریه می کرد و مانند گرفتاران ضججه می زد و ما نیز با گریه او گریه می کردیم و کسی غیر از ما آن جا نبود.

در همین حال بودیم که بوی مشک در سرداب منتشر شد و فضا و هوای سرداب را معطر کرد و چنان شدید شد که آن حالت از همه ما رفت و سکوت کردیم. «گویا بر سر ما پرنده ای است» و نمی توانیم حرکت کنیم، یا حرفی بزنیم. حیران و متحیر ماندیم تا این که زمان اندکی گذشت و آن بوی خوش رفت و به حال اول برگشتیم و به باقی مانده دعا مشغول شدیم. وقتی به خانه بازگشتیم از آقا رحمته الله علت آن بوی خوش را پرسیدم، امتناع ورزید و گفت: تو را چه به این سؤال؟ و به من جواب نداد.

برادر برگزیده ام، عالم باوفا، و چراغ راه سالکین و عبادت پیشه گان آقا علی رضا اصفهانی رحمته الله چنین به من گفت:

از همین آقای بزرگوار روزی درباره دیدارش با حضرت حجت علیه السلام سؤال کردم - و اعتقاد داشتم که او هم مانند

استادش سید بحر العلوم خدمت امام زمان ارواحنا فداه شرفیاب شده است - ایشان همین جریان را حرف به حرف برایم تعریف کرد والحمد لله أولاً و آخراً.^۱



دعای ندبه

علامه مجلسی رحمته الله در کتاب «زاد المعاد» با سند معتبر از امام صادق علیه السلام روایت می کند: خواندن دعای ندبه در اعیاد چهارگانه یعنی روز جمعه، عید فطر، عید قربان و عید غدیر مستحب است.^۲

علامه مجلسی رحمته الله در «مزار بحار» از سید بن طاووس رحمته الله از بعضی از اصحاب امامیه نقل نموده است: محمد بن علی بن ابی قره گفت: من دعای ندبه را از کتاب «محمد بن حسین بن سفیان بزو فری» نقل کرده ام و افزوده است که آن، دعای امام زمان صلوات الله علیه است که خواندنش در اعیاد چهارگانه مستحب است.

و نیز، این دعا را عالم بزرگوار محدث نوری رحمته الله در «تحیة الزائر» از «مصباح الزائر» سید بن طاووس رحمته الله و «مزار» محمد بن مهدی با همان سند روایت نموده است. و همچنین از کتاب «مزار قدیم» هم نقل کرده و اضافه نموده است که خواندن آن در

۱. دار السلام: ۲۲۴/۲.

۲. زاد المعاد: ۴۹۱.

شب جمعه مستحب است همان گونه که در اعیاد اربعه استحباب دارد.^۱

و دعای این است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا

حمد و سپاس سزاوار پروردگار عالمیان است و درود خدا بر سید و سرور ما

مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ، وَسَلَّم تَسْلِيمًا. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ

(حضرت) محمد، پیامبر خدا و بر آل او سلام و تحیتی کامل. بار پروردگارا؛ سپاس از آن توست

عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَائِكَ، الَّذِينَ

در مورد آنچه که از قضا و قدرت در مورد دوستان، جاری گشت؛ آنهایی که

اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ، إِذِ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ

وجودشان را برای حضرتت، و برای دینت خالص گردانیدی، زیرا که برگزیدی برای آنها

مَا عِنْدَكَ، مِنَ النِّعَمِ الْمُقِيمِ، الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا

چیزهای بالارزشی که نزد تو است، از نعمت‌های پایدار که نابودی

اضْمِحْلَالَ، بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي

و زوال برای آنها نیست. البته پس از آن که زهدورزیدن و بی‌رغبتی را در

دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدِّيْنِيَّةِ، وَزُخْرِفِهَا وَزَبْرِجِهَا،

مورد این دنیای پست و زر و زیور آن با آنها شرط نمودی؛

۱. مکیال المکارم: ۹۳/۲.

فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ، وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ.

آنان نیز متعهد شدند و تو نیز وفاداری ایشان را دانستی.

فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ، وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ،

پس آنان را قبول کردی و به درگاه خویش نزدیکشان ساختی و نامی بلند

وَالثَّنَاءَ الْجَلِيَّ، وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ،

و ستایشی ارجمند به آنها دادی. و فرشتگان را بر آنان فرو فرستادی

وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ، وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ

و آنها را با وحی خود گرامی داشتی و از علم خود بهره‌مند ساختی. و آنان را

الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ، وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ. فَبَعْضُ

وسیله به سوی درگاهت ساختی و واسطه‌ای برای جلب رضایت و خشنودیت قرار دادی. پس بعضی

أَسْكَنْتَهُ جَنَّتِكَ، إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا، وَبَعْضُ

از آنها را در بهشت خود جای دادی تا زمانی که او را از آن بیرون آوردی، و برخی دیگر را

حَمَلْتَهُ فِي فُلْكَ وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ

در کشتی‌ات سوار نمودی و با رحمت خود او و مؤمنین همراهش را از هلاکت رهایی بخشیدی.

بِرَحْمَتِكَ، وَبَعْضُ اتَّخَذَتْهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلًا، وَسَأَلَكَ

و بعضی دیگر را برای خودت دوست قرار دادی و هنگامی که از تو

لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ فَأَجَبْتَهُ، وَجَعَلْتَ ذَلِكَ

لسان صدق و خوش‌نامی بین دیگران را درخواست کرد، اجابتش نمودی و او را بلندآوازه

عَلِيًّا، وَبَعْضُ كَلِمَتِهِ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيمًا، وَجَعَلَتْ لَهُ

قرار دادی، و با بعضی دیگر از طریق درخت هم‌کلام شدی و

مِنْ أَخِيهِ رِذَاءً وَوَزِيرًا، وَبَعْضُ أَوْلَادَتِهِ مِنْ غَيْرِ أَبِي

برادرش را وزیر و یاورش قرار دادی. و برخی دیگر را بدون پدر به وجود آوردی

وَأَتَيْتَهُ الْبَيْنَاتِ، وَأَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ. وَكُلُّ

و به او معجزات و دلایل آشکار عنایت نمودی و با روح‌القدس تأییدش کردی. و برای هر کدام

شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً، وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جَا، وَتَخَيَّرْتَ

(از پیامبران) شریعتی را عنایت کردی و طریقه و راه روشنی معین فرمودی و

لَهُ أَوْصِيَاءَ مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مَدَّةٍ إِلَى

برای هر یک جانشینانی برگزیدی تا یکی پس از دیگری حافظ شریعت باشد؛ در زمان‌های

مُدَّةٍ، إِقَامَةً لِدِينِكَ، وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ، وَلِتَلَّا

معین برای برپاداشتن دین تو و حجت بودن بر بندگان تو تا این که

يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ، وَيَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ،

حق از مدار خود زایل نگردد و باطل بر اهل آن زمان چیره نشود.

وَلَا يَقُولُ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا،

و تا این که کسی نگوید: (خدایا) اگر به سوی ما رسولی می‌فرستادی تا ما را بیم دهد

وَأَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا هَادِيًا، فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ

و برای ما رهبری هدایت‌کننده می‌گماشتی ما پیش از خذلان و رسوایی‌مان، از آیات

نَذِلَّ وَنَخْزَى. إِلَيَّ أَنْ أَنْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَيَّ حَبِيبَكَ

پیروی می‌کردیم. تا این که امر رسالت به حبیبت و رسول

وَنَجِيبَكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكَانَ كَمَا

برگزیده‌ات، محمد - که درود خدا بر او و آل او باد - منتهی گردید؛ پس او همچنان که او را

انْتَجَبْتَهُ سَيِّدًا مَنْ خَلَقْتَهُ، وَصَفْوَةً مَنْ اصْطَفَيْتَهُ،

انتخاب کردی، سرور بندگانت و زبده زبندگان

وَأَفْضَلَ مَنْ اجْتَبَيْتَهُ، وَأَكْرَمَ مَنْ اعْتَمَدْتَهُ، قَدَّمَتَهُ

و برتر از همه برگزیده‌گانت و گرامی‌تر از همه معتمدان تو بود. او را

عَلَى أَنْبِيَائِكَ، وَبَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ،

بر تمام پیامبران مقدم داشتی و بر جن و انس از بندگانت مبعوثش نمودی

وَأَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ، وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ،

و شرق و غرب را زیرپای او و فرمان او قرار دادی، و بُراق را برایش مسخر کردی

وَعَرَجْتَ بِهِ إِلَى سَمَاوَاتِكَ، وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَمَا

و او را به آسمان بالا بردی و دانش آنچه بوده و خواهد بود را

۱. در «مکیال المکارم» آورده است که «عرجت به» موافق نسخه‌ای است که آن را عالم ربّانی

حاج میرزا حسین نوری رحمته‌الله در کتاب «تخية الزائر» از کتاب «مزار قدیم» و «مزار» شیخ محمد

بن المشهدی و «مصباح الزائر» سید بن طاووس رحمته‌الله نقل فرموده است و همه آن‌ها برگرفته شده

از کتاب «محمد بن علی بن ابی‌قرّة» است. ولی در «زاد المعاد» «عرجت بروحه» ذکر شده

است و ظاهراً بر اثر اشتباهی است که در کتاب مصباح واقع شده و مجلسی هم از آن نقل ←

يَكُونُ، إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ، ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرَّعْبِ،

تا سرانجام خلقت، به او سپردی. سپس با ترسی که از او بر دل دشمنانش انداختی، یاریش کردی

وَحَقَّقْتَهُ بِجِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَالْمَسُومِينَ مِنْ

وگرداگرد او را به جبرئیل، میکائیل و فرشتگان دیگر - که هر یک دارای علامت و اسمی هستند -

مَلَائِكَتِكَ، وَوَعَدْتَهُ أَنْ تُظَهِّرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ،

احاطه کردی، و بدو وعده پیروزی دینش را بر تمامی ادیان دادی؛

وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبُوءًا

گرچه مشرکان را خوش نیاید. و این پیروزی بعد از آن بود که پیامبر را به جایگاه

→ نموده است و این مشهور گشته و سبب شبهه برخی کوته نظران و دشمنان گشته است؛ با

این که معراج جسمانی از ضروریات مذهب و بلکه دین می‌باشد و روایات ائمه علیهم السلام در آن متواتر و قرآن به آن گویا است.

تذکر ارزشمند: هنگام تأمل در این عبارت، ملهم شدم که خود دعا، شهادت می‌دهد و دلالت دارد که صحیح همان است که ذکر نمودیم (عرجت به)، و در عبارت «زاد المعاد» تصحیفی واقع شده که چه بسا کار اهل عناد باشد و وجه دلالتش بدین گونه است: این که کلمه «سخرت له البراق» مقترن به «عرجت به» شده است، با توجه کامل برای خردمندان آشکار می‌گردد که همان صحیح است که گفتیم. چرا که عروج روح هیچ احتیاجی به براق ندارد و این بر هر که قلبی سلیم و عاری از شرک و نفاق داشته باشد، واضح است.

اگر گفته شود: «عبارت در مقام شمارش فضایل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و عطف با «واو» اقتضا ندارد که به طور قطع، عروج به آسمان با براق بوده باشد.» در پاسخ می‌گوییم: «اگر هم بپذیریم که «بروحه» صحیح است، این، معراج جسمانی را نفی نمی‌کند؛ زیرا اثبات فضیلتی برای پیامبر صلی الله علیه و آله منافات با ثبوت فضیلت دیگری ندارد. (مکیال المکارم: ۱۰۰/۲).

صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ، وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ «أَوَّلَ بَيْتٍ وَضِعَ

صدقی از خاندانش جای دادی و برای او و آنان «اولین خانه‌ای را که برای (عبادت) مردم قرار

لِلنَّاسِ لِلَّذِي بَيْنَكَ مَبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ * فِيهِ

داده شد که در مکه است بابرکت قرار دادی و باعث هدایت جهانیان گرداندی، و نیز در آن است

آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا ۱،

نشانه‌های آشکار مانند مقام ابراهیم و هر که داخل آن خانه شد، در امان

وَقُلْتَ «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ

خواهد بود». و گفتی: «خداوند اراده فرموده که هر پلیدی و ناپاکی را از شما اهل بیت پیامبر، ببرد

الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ۲. ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ

و شما را کاملاً پاک و پاکیزه گرداند». آن گاه پاداش رسالت حضرت محمد را

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوَدَّتْهُمْ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ «قُلْ

- که درودهای تو بر او و آل او باد - دوستی آنان مقرر نموده و در کتابت فرمودی: «بگو

لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى ۳،

من از شما پاداش نمی‌طلبم مگر دوستی خویشاوندان نزدیکم را».

وَقُلْتَ «مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ ۴، وَقُلْتَ «مَا

و فرمودی: (بگو) «پاداشی که از شما خواستم آن هم برای خودتان و به نفع شما است» و فرمودی:

أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ

(بگو) «من از شما مزد رسالت نمی‌خواهم مگر آن که هر کدام از شما که بخواهد راه خدا را در پیش

۱. سوره آل عمران، آیه ۹۶، ۹۷، ۲. سوره احزاب، آیه ۳۳، ۳. سوره شوری، آیه ۲۳.

سَبِيلًا^۱، فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلَكَ إِلَيَّ

گیرده، پس آن‌ها همان راه به سوی تو هستند و طریق برای خشنودی تو

رِضْوَانِكَ. فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيِّهِ عَلِيِّ بْنِ

می‌باشند. پس وقتی مدّت عمر پیامبر سپری شد، وصی و جانشین خود علی بن

أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِيًا، إِذْ كَانَ

ابی طالب - دروذهای تو بر آن دو و آل آن دو باد - را برای هدایت امت برگزید؛ زیرا که خود او

هُوَ الْمُنْذِرَ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ مَنْ

بیم‌دهنده بود، و برای هر قومی هدایتگری است. پس در حالی که همه در حضور او بودند

كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ

چنین گفت: هر آن که من مولای اویم، پس علی مولای اوست؛ پروردگارا؛ دوستش را دوست بدار و

مَنْ عَادَاهُ، وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ.

دشمنش را دشمن، یاری نما هر که او را یاری نماید و خار گردان هر که او را مخدول نماید.

وَقَالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيِّهُ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ. وَقَالَ أَنَا وَعَلِيٌّ

وگفت: هر که را من پیامبر او هستم، پس علی امیر و فرمانروای اوست. و فرمود: من و علی

مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرَتَيْنِ،

از یک درختیم و دیگر انسان‌ها از درختان مختلفند.

وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مِنِّي

و او را قرار داد در جایگاه هارون نسبت به موسی، پس به او فرمود: تو

۱. سوره سبأ، آیه ۴۷. ۲. سوره فرقان، آیه ۵۷.

بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي،

نسبت به من، همانند هارون برای موسی هستی، جز این که پس از من پیامبری نیست.

وَزَوْجَهُ ابْنَتُهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَأَحَلَّ لَهُ مِنْ

و دخترش را - که سرور و بانوی زنان عالم است - به او تزویج فرمود. و حلال کرد از

مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ، وَسَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ. ثُمَّ

مسجدش برای او، آنچه برای خودش حلال بود. و همه درهای (مسجد) را نیز جز در خانه علی

أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ فَقَالَ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ

بست. آن گاه اسرار علم و حکمتش را نزد او ودیعه نهاد و فرمود: من شهر علمم و علی

بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ وَالْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ

درب آن، پس هر که می‌خواهد به شهر علم و حکمت قدم نهد، باید از

بَابِهَا، ثُمَّ قَالَ أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي، لَحْمِكَ

دروازه آن داخل گردد. سپس فرمود: تو برادر من، وصی من و وارث من هستی، گوشت تو

مِنْ لَحْمِي، وَدَمُكَ مِنْ دَمِي، وَسِلْمُكَ سِلْمِي،

از گوشت من است و خون تو از خون من؛ سازش و آشتی تو، سازش و آشتی من است

وَخَرْبُكَ خَرْبِي، وَالْإِيمَانُ مُخَالِطُ لَحْمِكَ وَدَمِكَ،

و جنگ تو جنگ من است، و ایمان با گوشت و خون تو آمیخته است

وَأَنْتَ غَدَا عَلَى الْحَوْضِ

همان گونه که با گوشت و خون من آمیخته است؛ و فردا (ی قیامت) تو خلیفه من بر حوض

خَلِيفَتِي، وَأَنْتَ تَقْضِي دَيْنِي، وَتُنَجِّزُ عِدَاتِي،

(کوثر) هستی و پس از من، تو هستی که قرض مرا می‌پردازی و به وعده‌های من وفا می‌کنی

وَشِبَعْتِكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ مُبْيَضَّةٍ وَجُوهَهُمْ

و پیروان تو بر منبرهایی از نور با چهره‌های سفید و نورانی

حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ جِيرَانِي. وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ

در اطراف من در بهشتند و آنان همسایه من می‌باشند. ای علی؛ اگر تو نبودی،

لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي، وَكَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنْ

مؤمنان پس از من شناخته نمی‌شدند؛ و به راستی که پس از پیامبر، او امت را از

الضَّلَالِ، وَنُوراً مِنَ الْعَمَى، وَحَبْلَ اللَّهِ الْمَتِينِ،

گمراهی به هدایت و از نابینایی به بصیرت رساند و اوست رشته محکم الهی و راه

وَصِرَاطُهُ الْمُسْتَقِيمَ، لَا يُسْبِقُ بِقَرَابَةٍ فِي رَحِمٍ، وَلَا

مستقیم او؛ هیچ کس در خویشاوندی و نزدیکی با رسول خدا ﷺ به او نمی‌رسد و هیچ کس در

بِسَابِقَةٍ فِي دِينٍ، وَلَا يُلْحَقُ فِي مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ

دین بر او پیشی نگرفته است؛ و کسی نیست که در یکی از اوصاف نیکویش با او برابری کند؛

يَخْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا.

زیرا او گام می‌نهد جای پای رسول خدا که درود خدا بر آن دو و بر اهل بیت آن دو بزرگوار باد.

وَيُقَاتِلُ عَلَى التَّأْوِيلِ، وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ،

و پیکار می‌نمود بر اساس تأویل حقایق و مقاصد قرآن؛ و در راه رضای خدا هیچ ملامتی او را

قَدْ وَتَرَ فِيهِ صُنَادِيَدَ الْعَرَبِ، وَقَتَلَ أَبْطَالَهُمْ،

باز نمی‌داشت؛ به راستی که بزرگان عرب را ترسانید و شجاعان آنها را به خاک و خون کشید

وَنَاوَشَ دُؤُبَانَهُمْ، فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَاداً بَدْرِيَّةً

و با گرگ‌صفتان آنها مقابله کرد؛ به همین جهت دل‌های آنها پراز کینه شد از جنگ‌های بدر،

وَخَيْبَرِيَّةً وَحَيْنِيَّةً وَغَيْرُهُنَّ، فَأَضَبَّتْ عَلَى

خیبر، حنین و دیگر جنگ‌ها. پس دشمنی او را در دل پنهان کردند

عِدَاوَتِهِ، وَأَكْبَتَتْ عَلَى مُنَابِدَتِهِ حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ

و به اختلاف و درگیری روی آوردند تا این که پیمان‌شکنان،

وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ. وَلَمَّا قَضَى نَحْبَهُ وَقَتَلَهُ

ستمگران و از دین بیرون‌رفتگان را به درک واصل کرد. وقتی آجلش به سر آمد و

أَشَقَى الْأَخْرِينَ، يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ، لَمْ يُمْتَلْ أَمْرُ

شقی‌ترین آخرین (امت) که از شقی‌ترین اولین، پیروی کرد، آن حضرت را شهید کرد؛ فرمان

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ

رسول خدا - که درود خدا بر او و آل او باد - درباره هدایتگران امت، یکی

الْهَادِينَ، وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَى

پس از دیگری اطاعت نشد. مردم بر دشمنی با وی اصرار ورزیدند؛ جمع شدند

قَطِيعَةً رَحِمِهِ، وَإِقْصَاءِ وُلْدِهِ إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفِي

تا نسل او را قطع کنند و اولاد او را تبعید و آواره نمایند؛ جز اندکی که در

لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ. فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ، وَسُبِيَ مَنْ

رعایت حق فرزندان رسول خدا، وفا نمودند. پس (بر اثر ظلم و بیداد) گروهی کشته شدند و گروه

سُبِيَ، وَأُقْصِيَ مَنْ أُقْصِيَ، وَجَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا

دیگری اسیر، جمعی دور از وطن و حکم قضا و قدر الهی، بر آن‌ها جاری شد

يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ

به چیزی که امید بهترین ثواب و پاداش از آن، می‌رود. زیرا زمین از آن خداست

يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ،

و آن را به هر یک از بندگانش که بخواهد، ارث می‌دهد؛ و البته پایان نیکو از آن پرهیزکاران است.

وَسُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولًا، وَلَنْ

و منزّه است پروردگار ما؛ به راستی که وعده او انجام‌شده است و هرگز

يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. فَعَلَى

خلف وعده نمی‌کند، و او عزت‌مند حکیم است. پس بر

الْأَطَّابِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ صَلَّى اللَّهُ

پاکیزگان از آل محمد و علی - درود خدا

عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ، وَإِيَّاهُمْ فَلْيَنْدُبْ

بر آن‌ها و اهل بیت آن‌ها - بایستی گریه‌کنندگان اشک بریزند و بر آنان زاری‌کنندگان زاری نمایند

النَّادِبُونَ، وَلِمَثَلِهِمْ فَلْتُدْرِفِ الدَّمُوعُ، وَلْيَصْرُخِ

و برای امثال آن بزرگواران، باید سرشک از دیدگان جاری شود و شیون‌کنندگان شیون از

الصَّارِخُونَ، وَيَضِجَ الضَّاجُونَ، وَيَعِجَّ الْعَاجُونَ.

دل برکشند و ضجه‌کنندگان فریاد بزنند و ناله‌کنندگان ناله جانسوز سر دهند

أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ، أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ،

که حسن کجاست؟ حسین کجاست؟ فرزندان حسین کجا هستند؟

صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَصَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ، أَيْنَ

که هر یک شایسته‌ای پس از شایسته دیگر، و راست‌گویی بعد از راست‌گویی دیگر بودند؛ کجاست

السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ، أَيْنَ الْخَيْرَةُ بَعْدَ الْخَيْرَةِ، أَيْنَ

راه راست پس از راه راست دیگر؟ کجا بعد از برگزیدگان یکی پس از دیگری؟

الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ، أَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ، أَيْنَ

خورشیدهای تابان کجا هستند؟ ماه‌های فروزان کجا هستند؟

الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ، أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ،

ستارگان درخشان کجا هستند؟ نشانه‌ها و راهنمایان دین و پایه‌های دانش کجا هستند؟

أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ، أَيْنَ

باقی‌مانده حجج الهی کجاست؟ کسی که (جهان) از عترت هدایتگر خالی نخواهد بود. کجاست

الْمَعْدُ لِقَطْعِ دَائِرِ الظُّلْمَةِ، أَيْنَ الْمُنتَظِرُ لِاقَامَةِ الْأُمَّتِ

آنکه برای قطع دنباله ستمکاران آماده گشته است؟ کجاست آنکه انتظارش را می‌کشند که کج روی‌ها

وَالْعُوجَ، أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ،

و انحرافات را از بین ببرد؟ کجاست کسی که برای براندازی ظلم و بیدادگری به او امید است؟

أَيْنَ الْمُدَّخِرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَايضِ وَالسَّنَنِ، أَيْنَ

كجاست آن ذخیره الهی برای تازه کردن واجبات و سنت‌های الهی؟

الْمُتَخَيِّرِ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ، أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ

آن منتخب برای بازگرداندن کیش و آیین؟

لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ، أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ

و قرآن و حدودش را زنده کند؟

وَأَهْلِهِ. أَيْنَ قَاصِمِ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ، أَيْنَ هَادِمِ أُنْبِيَاءِ

كجاست او که شوکت ستمکاران را درهم می‌شکند؟

الشُّرَكَ وَالنِّفَاقِ، أَيْنَ مُبِيدِ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ

شُرک و نفاق را ویران می‌کند؟

وَالطُّغْيَانِ، أَيْنَ حَاصِدِ فُرُوعِ الْغِيِّ وَالشُّقَاقِ، أَيْنَ

و طغیانگران را به هلاکت می‌کشاند؟

طَامِسِ آثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ. أَيْنَ قَاطِعِ حَبَائِلِ

كجاست آن که آثار انحراف و هواپرستی را محو می‌نماید؟

الْكَذِبِ وَالْإِفْتِرَاءِ، أَيْنَ مُبِيدِ الْعُتَاةِ وَالْمَرَدَّةِ، أَيْنَ

دروغ و افترا را قطع می‌کند؟

مُسْتَأْصِلِ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ، أَيْنَ مِعْزُ

آن که ریشۀ معاندان، گمراهان و کافران را برکند؟

الْأَوْلِيَاءِ وَمَذِلُّ الْأَعْدَاءِ، أَيْنَ جَامِعِ الْكَلِمَةِ عَلَى

نماید و دشمنان را خوار و ذلیل؟

التَّقْوَى، أَيْنَ بَابِ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى، أَيْنَ وَجْهِ اللَّهِ

پرهیزکاری فراهم آورد؟

الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ، أَيْنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلِ بَيْنَ

(چهره و) اثینۀ تمام‌نمای خداوند که دوستان به سوی او توجه نمایند؟

الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، أَيْنَ صَاحِبِ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِرِ

بین زمین و آسمان است؟

رَايَةِ الْهُدَى، أَيْنَ مُؤَلَّفِ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا.

پرچم هدایت؟

أَيْنَ الطَّالِبِ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، أَيْنَ

كجاست آن که برای خون پیامبران و فرزندان آن‌ها خونخواهی می‌کند؟

الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ أَيْنَ الْمَنْصُورِ عَلَى

به دنبال انتقام خون شهید کربلا است؟

مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى، أَيْنَ الْمُضْطَرِّ الَّذِي

ظالم تجاوزگر دروغگو، پیروزمند است؟

يُجَابُ إِذَا دَعَا، أَيْنَ صَدْرِ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ

دعا کند اجابت می‌شود؟

وَالْتَّقْوَى، أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَابْنُ عَلِيٍّ

تقوا و نیکوکاری؟ کجاست آن فرزند پیامبر مصطفی و فرزند علی

الْمُرْتَضَى وَابْنُ خَدِيجَةَ الْغُرَاءِ وَابْنُ فَاطِمَةَ

مرتضی و فرزند خدیجه آن صاحب سیمای نورانی و فرزند فاطمه

الْكُبْرَى. بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي لَكَ الْوَقَاءُ

کبری؟ پدر و مادرم فدای تو باد و جانم بلاگردان و سپهر

وَالْحِمَى، يَابْنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، يَابْنَ النَّجْبَاءِ

و حامی تو باشد ای فرزند سروران مقرب؛ ای فرزند انسان‌های اصیل و نجیب و

الْأَكْرَمِينَ، يَابْنَ الْهُدَاةِ الْمُهْدِيِّينَ، يَابْنَ الْخَيْرَةِ

بزرگوار؛ ای فرزند هدایت‌گران هدایت‌شده؛ ای فرزند برگزیدگان

الْمُهْدِيِّينَ، يَابْنَ الْعَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ، يَابْنَ

مهذب (خودساخته)؛ ای فرزند سروران شرافتمند، ای فرزند

الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ، يَابْنَ الْخَضَارِمَةِ الْمُنتَجِبِينَ،

نیکوترین پاکان؛ ای فرزند آقایان بسیار بخشنده، همانند دریاهای پرخود؛

يَابْنَ الْقَمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ. يَابْنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ،

ای فرزند مهتران سخاوتمند گرامی؛ ای فرزند ماه‌های تابان؛

يَابْنَ السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ، يَابْنَ الشُّهْبِ الثَّاقِبَةِ، يَابْنَ

ای فرزند چراغ‌های تابان؛ ای فرزند شهاب‌های تابنده؛ ای فرزند

الْأَنْجَمِ الزَّاهِرَةِ، يَابْنَ السَّبِيلِ الْوَاضِحَةِ، يَابْنَ

اختران فروزان؛ ای فرزند راه‌های روشن؛ ای فرزند

الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ، يَابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ، يَابْنَ السُّنَنِ

نشانه‌های آشکار؛ ای فرزند دانش‌های کامل خداوندی؛ ای فرزند شنن و روش‌های

الْمَشْهُورَةِ، يَابْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ، يَابْنَ

پسندیده مشهور (آسمانی)؛ ای فرزند نشانه‌های برجای مانده؛ ای فرزند

الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ، يَابْنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ،

معجزات پایان نیافته و موجود، ای فرزند دلیل‌های دیده شده؛

يَابْنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، يَابْنَ النَّبَاِ الْعَظِيمِ، يَابْنَ

ای فرزند راه راست؛ ای فرزند خیر بزرگ؛ ای فرزند

مَنْ هُوَ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ، يَابْنَ

کسی که در ام کتاب، نزد خداوند، بلندمرتبه و حکیم است. ای فرزند

الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ، يَابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ، يَابْنَ

نشانه‌ها و بیّنات (حجت‌های آشکار خداوند)، ای فرزند دلایل آشکارا، ای فرزند

الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ، يَابْنَ الْحُجَجِ

برهان‌های نمایان و روشن، ای فرزند حجت‌های

الْبَالِغَاتِ، يَابْنَ النَّعْمِ السَّابِغَاتِ، يَابْنَ طُه

رسا، ای فرزند نعمت‌های فراوان و فراخ، ای فرزند طه

وَالْمُحْكَمَاتِ، يَا بْنَ يَسِّ وَالذَّارِيَاتِ، يَا بْنَ الطُّورِ

و آیات محکم قرآن، ای فرزند یاسین و ذاریات، ای فرزند طور

وَالْعَادِيَاتِ، يَا بْنَ مَنْ دَنَى فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ

و عادیات؛ ای فرزند آن که در شب معراج نزدیک شد و درآویخت (به مقام قرب حق تعالی)

قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى،

به اندازه فاصله دو سر کمان و یا نزدیکتر، نزدیک به خدای علی اعلی.

لَيْتَ شِعْرِي أَئِنَّ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى، بَلْ أَيُّ أَرْضٍ

ای کاش می‌دانستم کجا اقامت گزیده‌ای؛ بلکه کدام سرزمین یا منطقه‌ای

تُقَلِّكَ أَوْ تُرِي، أَبْرِضْوِي أَوْ غَيْرِهَا أَمْ ذِي طُوِي،

اقامت داری؛ آیا در کوه رضوی هستی یا غیر آن؟ یا در ذی طوی هستی؟

عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرِي، وَلَا أَسْمَعُ لَكَ

بسیار بر من سخت است که همه را می‌بینم و تو دیده نمی‌شوی؛ و از تو هیچ

حَسِيسًا وَلَا نَجْوِي، عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي

صدا و هیچ رازی را نشنوم؛ بر من گران است که تو تنها در بلا گرفتار باشی

الْبَلْوِي وَلَا يَنَالُكَ مِنِّي ضَجِيجٌ وَلَا شَكْوَى. بِنَفْسِي

و از من هیچ ناله و شکایتی به تو نرسد. جانم فدایت

أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَارِحٍ

تو حقیقت پنهانی هستی که از میان ما بیرون نیستی؛ جانم فدایت گرچه از نظرم دوری

مَا نَزَحَ عَنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ أُمْنِيَّةٌ شَائِقِي يَتَمَنِّي، مِنْ

ولی از ما جدا نیستی؛ جانم فدایت، تو آرمان و آرزوی هر مرد و زن مشتاق

مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ

مؤمن هستی که آرزویت کنند و به یادت ناله سردهند. جانم فدایت، تو آن سرشته عزتی هستی که

عَزٌّ لَا يُسَامِي، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدٍ لَا يُجَارِي،

هم‌طراز از برایت نتوان یافت؛ جانم فدایت، تو از ارکان مجد و شرف و بزرگواری هستی که

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نِعَمٍ لَا تُضَاهِي، بِنَفْسِي أَنْتَ

هم‌قطاری نداری؛ جانم فدایت، تو از نعمت‌های دیرین خدایی هستی که ماندنی نخواهد داشت؛

مِنْ نَصِيفٍ شَرَفٍ لَا يُسَاوِي. إِلَيَّ مَتَى أَحَارُ فَيْكَ يَا

جانم فدایت، تو از خاندان شرافتی هستی که کسی با تو برابری ندارد. تا کی سرگردان تو باشم ای

مَوْلَايَ، وَإِلَيَّ مَتَى وَأَيَّ خِطَابٍ أَصِفُ فَيْكَ وَأَيَّ

مولای من؟ و تا کی و با چه گفتاری به ستایش تو بپردازم؟ و چگونه

نَجْوِي، عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ أَجَابَ دُونَكَ وَأَنَاغِي، عَزِيزُ

راز دل بگویم؟ بر من بسی گران است که غیر تو پاسخم را بدهد؛ و سخنان فریبنده و خوش‌آیند برایم بگوید؛ بسی

عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيكَ وَيَخْذُلُكَ الْوَرِي، عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ

مشکل است بر من که بر دوری تو بگریم و مردم تو را واگذارند؛ گران است بر من که آنچه (از

يَجْرِي عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرِي. هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأُطِيلَ

مشکلات) می‌گذرد، بر تو بگذرد و بر غیر تو نگذرد. آیا کسی هست که مرا کمک کند تا

مَعَهُ الْعَوِيلَ وَالْبُكَاءَ، هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَاسَاعِدْ جَزَعَهُ

همراه با او ناله و شیون طولانی سر دهم؟ آیا کسی هست که بسیار جزع و زاری کند و من هم در

اِذَا خَلَا، هَلْ قَدَيْتَ عَيْنٌ فَسَاعِدْتَهَا عَيْنِي عَلَى

تنهایی او با زاری و گریه یاریش نمایم؟ آیا چشمی خار و خاشاک رفته است تا چشم من در اشک

الْقَدَى، هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقَى، هَلْ

ریختن با او همدم شود؟ ای زاده احمد؛ آیا به سوی تو راهی است که بتوان تو را ملاقات نمود؟

يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ بَعْدِهِ بِعِدَّةٍ فَتَحْطَى. مَتَى نَرُدُّ

آیا روز جدایی ما به فردایی می‌رسد که روز وصال و بهره‌مندی از جمال مقدّست باشد؟ کی می‌شود

مَنَاهِلِكَ الرَّوِيَّةَ فَتَرَوِي، مَتَى نَنْتَقِعُ مِنْ عَدَبِ مَا يَكُ

که بر چشمه‌های سیراب‌کننده‌ات درآییم و سیراب گردیم؟ کی می‌شود که از آب زلال و

فَقَدْ طَالَ الصَّدَى، مَتَى نَغَادِيكَ وَتَرَاوِحِكَ فَتُنْقِرَ

گوارایت بنوشیم که به راستی تشنگی طولانی شد؟ کی می‌شود که با تو صبح و شام کنیم و

عَيْنًا، مَتَى تَرَانَا وَتَرَكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِيَاءَ النَّصْرِ

چشم‌مان روشن گردد؟ کی رسد آن وقت که تو ما را ببینی و ما تو را؛ در حالی که پرچم نصر و

تُرَى. أَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَأَنْتَ تَأْمُ الْمَلَأَ وَقَدْ مَلَأَتْ

ظفرت را گسترده باشی؟ آیا خواهی دید ما را که برگردد تو حلقه زده‌ایم و تو بر مردم امامت کنی

الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأَذَقْتَ أَعْدَائِكَ هَوَانًا وَعِقَابًا،

در حالی که زمین را بر از عدل و داد کرده‌ای، و به دشمنانت خواری و عقوبت را چشاندی باشی

وَأَبْرَتَ الْعُنَاةَ وَجَحْدَةَ الْحَقِّ، وَقَطَعْتَ دَابِرَ

و سرکشان و منکران حق را هلاک کرده باشی، و ریشهٔ متکبران را قطع نموده

الْمُتَكَبِّرِينَ، وَاجْتَثَّتْ أُصُولَ الظَّالِمِينَ، وَنَحْنُ

و اساس ستم‌کاران را از بیخ و بن برکنده باشی و ما

نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَافُ

آن موقع می‌گوییم: سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است؟ بار خدایا؛ تو برطرف‌کننده

الْكُرْبِ وَالْبَلْوَى، وَإِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعُدْوَى،

غم و اندوه و بلاها هستی و به درگاه تو درد دل و تو را به فریاد می‌طلبم که یاری رساندن برای انتقام گرفتن از

وَأَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَالْدُّنْيَا، فَأَعِثْ يَا غِيَاثَ

ظالم نزد توست، و تو پروردگار دنیا و آخرت هستی؛ پس دریاب، ای فریادرس

الْمُسْتَعِيثِينَ عِبِيدَكَ الْمُبْتَلَى، وَأَرِهِ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ

فریاد خواهان؛ بندهٔ کوچک گرفتار خود را؛ و آقایش را نشانش ده ای نیرومند

الْقُوَى، وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى، وَبَرِّدْ غَلِيلَهُ

بسیار مقتدر؛ و به این وسیله غم و اندوه و درد سینه‌اش را از بین ببر و سوز عشقش را آرام کن؛

يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَمَنْ إِلَيْهِ الرَّجْعَى

ای کسی که بر عرش مسلط هستی و بازگشت و پایان کارها به سوی اوست.

وَالْمُنْتَهَى. اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عِبِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَيْهِ وَلِيِّكَ

خدایا؛ ما بندگان توئیم که شیفتهٔ ولی تو هستیم؛ او که

الْمَذْكُرِ بِكَ وَبِنَبِيِّكَ، خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذًا،

یادآور تو و پیامبرت است، و تو او را برای حفظ و نگهداری ما و پناه ما آفریدی.

وَأَقَمْتَهُ لَنَا قِوَامًا وَمَعَاذًا، وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا

و او را برپا داشتی تا پشتیبان و پناهگاه ما باشد و او را برای مؤمنان از ما،

إِمَامًا، فَبَلَّغَهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ

پیشوا قرار دادی؛ پس سلام و تحیت ما را به او برسان، و به وسیله آن، بر کرامت ما بیفز؛ ای

إِكْرَامًا، وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا، وَأَتِمِّمْ

پروردگار ما؛ و جایگاه او را جایگاه و منزلگاه ما قرار ده، و با

نِعْمَتِكَ بِتَقْدِيمِكَ إِلَيْهِ أَمَامَنَا، حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ

مقدم داشتن او را پیشاپیش ما، نعمتت را بر ما کامل گردان؛ تا ما را به بهشت خود وارد نمایی

وَمُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

و هم‌نشین شهیدان مخلصت قرار دهی. خدایا؛ بر

حُجَّتِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ، وَصَلِّ عَلَى جَدِّهِ مُحَمَّدٍ

حجت و ولی امرت درود فرست؛ و درود بفرست بر محمد جد او،

رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ، وَصَلِّ عَلَى أَبِيهِ السَّيِّدِ

پیامبرت، آن بزرگوارترین آقا؛ و بر پدرش علی، آقایی

الْقُسُورِ، وَحَامِلِ اللُّوَاءِ فِي الْمَحْشَرِ، وَسَاقِي

دلیر و سلحشور و شجاع و برپا دارنده پرچم در صحرای محشر؛ و سیراب کننده

أَوْلِيَائِهِ مِنْ نَهْرِ الْكَوْثَرِ، وَالْأَمِيرِ عَلَى سَائِرِ الْبَشَرِ،

دوست‌دارانش از نهر کوثر؛ و فرمانروا بر تمام بشر؛

الَّذِي مَنْ آمَنَ بِهِ فَقَدْ ظَفَرَ وَشَكَرَ، وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ

که هر کس بدو ایمان آورد، پیروزمند و سرفراز گشته است و آن که ایمان نیاورد،

فَقَدْ خَطَرَ وَكَفَرَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أُخِيهِ وَعَلَى

به خطر بزرگ و کفر افتد. درود خدا بر او و بر برادرش و بر

نَجْلِهِمَا الْمَيَامِينِ الْعُرْرِ، مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَمَا أَضَاءَ

فرزندان‌شان که نیکی‌بخشان و بزرگوارند. مادامی که خورشید می‌تابد و ماه نور می‌افشاند.

قَمْرٌ^۱. وَعَلَى جَدَّتِهِ الصِّدِّيقَةِ الْكُبْرَى، فَاطِمَةَ

و درود بر مادر بزرگ او، صدیقه کبری، فاطمه

الزَّهْرَاءِ بِنْتِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، وَعَلَى مَنْ

زهرا دختر محمد مصطفی؛ و بر آنان که تو برگزیدی از

۱. این فقره از دعا در بسیاری از کتب موجود می‌باشد؛ مانند: «إقبال الأعمال» سید بن طاووس

(ص ۶۰۸)، «تحفة الزائر» (چاپ سنگی بدون شماره صفحه)، «زاد المعاد» علامه مجلسی رحمته

(ص ۵۰۲)، «الصحيفة الهادية» عالم بزرگوار شیخ ابراهیم بن محسن کاشانی (ص ۸۷)، «مفتاح

الجنات» عالم بزرگوار سید محسن امین (۲۵۵/۳)، «تکالیف الأنام» صدر الإسلام همدانی (ص ۱۹۵)،

«عمدة الزائر» آية الله سید حیدر کاظمی (ص ۳۵۸)، «فوز اکبر» علامه میرزا محمد باقر فقیه

ایمانی (ص ۱۲۴)، «مکیال المکارم» علامه سید محمد تقی موسوی اصفهانی (۹۹/۲)، «منهاج

العارفین» علامه سمنانی (ص ۱۵۹)، ضیاء الصالحین (ص ۵۴۲)، «الصحيفة الصادقية» (ص ۷۲۸)،

«هدية الزائرین» محدث قمی رحمته (ص ۶۴۸)، و ملحقات «جمال الأسبوع» نشر دار الذخائر.

اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبِرَّةَ، وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ وَأَكْمَلُ

پدران نیکوکارش؛ و بر او بهترین، کامل‌ترین،

وَأَتَمَّ وَأَدْوَمَ وَأَكْثَرَ وَأَوْفَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ

تمام‌ترین، بادوام‌ترین، بیشترین، و فراوان‌ترین درود و رحمتی که بر هر یک از

أَصْفِيَاءِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً

برگزیدگان و نیکان از بندگانت فرستادی نثار باد. و بر او درود فرست؛ درودی که

لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا، وَلَا نِهَايَةَ لِمَدَدِهَا، وَلَا نَفَادَ

بی‌شمار و پایان ناپذیر و بی‌انتهاست و مدتش پایان

لِأَمَدِهَا. اللَّهُمَّ وَأَقِمْ بِهِ الْحَقَّ، وَأَدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ،

ندارد. خدایا؛ حق را به وسیله او برپا دار و باطل را به وسیله او نابود کن

وَأَدِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ، وَأَذِلْ بِهِ أَعْدَاءَكَ، وَصَلِّ اللَّهُمَّ

و دوستانت را توسط او چیره گردان و دشمنانت را به وسیله او خوار و ذلیل نما. خدای من؛

بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَصَلَّةٌ تُؤَدِّي إِلَيَّ مُرَافَقَةَ سَلْفِهِ، وَاجْعَلْنَا

بین ما و او پیوندی برقرار کن که به همنشینی با پیشینیان پاک او منتهی گردد و ما را از

مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ، وَيَمَكْتُ فِي ظِلِّهِمْ، وَأَعِنَّا

کسانی قرار بده که به دامان آنان چنگ زده‌اند و در سایه آنان زندگی می‌کنند. و ما را یاری کن

عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَالْإِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ،

در ادا کردن حقوقش به او، و کوشش کردن در اطاعت از او،

وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ، وَآمْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ، وَهَبْ لَنَا

و دوری کردن از نافرمانی او. و بر ما منت بگذار به خشنودی او و

رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ، وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ، مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً

مهر و رحمت و دعا و خیرش را بر ما ارزانی دار تا بدین وسیله به

مِنْ رَحْمَتِكَ، وَفَوْزاً عِنْدَكَ، وَاجْعَلْ صَلَاتِنَا بِهِ

رحمت واسعة تو دست یابیم و نزد تو به کامیابی نایل شویم، و قرار بده نماز ما را به واسطه او

مَقْبُولَةً، وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً، وَدُعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَاباً،

قبول شده، و گناهان ما را به سبب او آمرزیده شده و دعاهای ما را به وسیله او مستجاب شده،

وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً، وَهُمْومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً،

و روزی‌های ما را به وسیله او وسعت داده شده، و اندوه‌های ما را به واسطه او برطرف شده؛

وَخَوَائِبَنَا بِهِ مَقْضِيَةً، وَأَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ،

و حوایج ما را توسط او برآورده شده، و با چهره کریمانه‌ات به ما توجه کن و روی آور.

وَأَقْبِلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ، وَانْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً

و تقرب و توشل ما را به درگاہت پذیرا باش، و به ما نظر رحمتی بفرما که

نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ، ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا

به واسطه آن، کرامت نزد تو را به کمال رسانیم. سپس با بخشش و بزرگواریت، نظر لطف خود را از

بِجُودِكَ، وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

ما باز مگیر، و از حوض جدش - که درود خدا بر او و آل او باد - سیرابمان ساز

وَاللَّهُ، بِكَأْسِهِ وَبِيَدِهِ رَيًّا رَوِيًّا، هَنِيئًا سَائِعًا، لَا ظَمًا

با جام و کاسه او و به دست او؛ سیراب کردنی کامل و گوارا و خوش که پس از آن تشنگی

بَعْدَهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱.

نباشد؛ ای مهربان‌ترین مهربانان.



دعا در روز جمعه

بعد از نماز صبح برای تعجیل فرج

مستحب است روز جمعه بعد از نماز صبح، صد مرتبه سوره «توحید» بخوانند، و صد مرتبه هم از درگاه خداوند، طلب آمرزش نموده و استغفار کنند؛ صد مرتبه هم بدین صورت بر پیامبر ﷺ صلوات بفرستند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ ۲.

خداوندا؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و فرج ایشان را تعجیل فرما.

۱. تحفة الزائر: چاپ سنگی بدون شماره صفحه، زاد المعاد: ۴۹۱، و مصباح الزائر: ۴۴۶ (با تفاوت اندک).

۲. البلد الأمين: ۱۱۰.



دعا برای ظهور امام زمان ﷺ

در روز جمعه

شیخ طوسی رحمته الله در «مصباح المتهجد» فرموده است: هرگاه کسی خواست روز جمعه بر پیامبر ﷺ صلوات فرستد، چنین بگوید:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَاتِكَ، وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ

خدایا؛ درود و رحمت خود را و درود فرشتگان

وَرُسُلِكَ، عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

و رسولان خود را بر محمد و آل محمد نثار کن و در گشایش کارشان شتاب فرما.

یا بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ ۱.

بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما.

وی در جای دیگر می‌گوید: روایت شده است که صد بار بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ ۲.

بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما.

۱. مصباح المتهجد: ۲۸۴. ۲. مصباح المتهجد: ۳۸۷.



دعای دیگری برای ظهور آن حضرت

در روز جمعه

مستحب است انسان در روز جمعه، صد مرتبه سوره قدر را بخواند و هزار مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما.

و اگر نتوانست صد مرتبه، اگر موفق نشد ده مرتبه، و بالآخره اگر نتوانست هر چه نتوانست بخواند.^۱



صلواتی که هر کس بعد از نماز جمعه بخواند

از اصحاب امام زمان ارواحنا فدا خواهد بود

از مولایمان جعفر بن محمد علیه السلام و او از پدران علیهم السلام روایت کرده که فرمودند:

هر کس پس از نماز جمعه، هفت مرتبه بگوید:

۱. البلد الامین: ۱۱۲، و مانند آن در بحار الأنوار: ۳۳۱/۸۹ وارد شده است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ،

بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج آل محمد تعجیل فرما.

از اصحاب قائم صلوات الله علیه خواهد بود.^۱



دعا برای ظهور آن حضرت علیه السلام

در روز جمعه، عید فطر و عید قربان

از امام ابی جعفر محمد باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

در روز جمعه، عید فطر و قربان، وقتی قصد خروج از منزل نمودی، بگو:

اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فِي هَذَا الْيَوْمِ، أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ

خدایا؛ هر کس در این روز مهیا گشته یا آماده شده یا حاضر شده یا آمادگی یافته

لِوَفَادَةِ إِلِيَّ مَخْلُوقٍ، رَجَاءَ رِفْدِهِ وَجَائِزَتِهِ وَتَوَافِيهِ،

تا نزد مخلوقی برود و امید پاداش و عطیه و بخششی از او دارد؛

فَأَلَيْكَ يَا سَيِّدِي كَأَنْتَ وَفَادَتِي وَتَهَيَّيْتِي وَإِعْدَادِي

پس ای آقای من؛ کوچ کردن من و مهیا شدن من و حاضر گشتن من

وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ، وَجَوَائِزِكَ وَتَوَافِيكَ. اللَّهُمَّ

و آمادگی من به سوی تو به امید پاداش و بخشش تو است. بار خدایا؛

۱. بحار الأنوار: ۶۵/۹۰.

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ،

بر بنده و فرستاده‌ات و برگزیده از بندگانت، محمد ﷺ،

وَعَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِكَ، وَصَلِّ يَا رَبِّ

و بر علی امیر مؤمنان و وصی پیامبرت درود فرست، و ای پروردگرم؛ درود فرست

عَلَى أَيْمَةِ الْمُؤْمِنِينَ، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلَيٍّ وَمُحَمَّدٍ،

بر پیشوایان مؤمنان: امام حسن و امام حسین و امام سجاد و امام باقر ...

و امامان را تا آخر نام ببر تا به نام صاحب (حضرت مهدی ارواحنا

فداه) بررسی و بگو:

اللَّهُمَّ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَاَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا.

خدا یا؛ گشایشی آسان برایش مقرر فرما؛ نصرتی با عزت عنایتش فرما؛

اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ رَسُولِكَ، حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ

خداوند؛ دینت را و نیز سنت پیامبرت را به وسیله او ظاهر فرما تا

بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ. اللَّهُمَّ إِنَّا

هیچ حقی از ترس هیچ کسی پوشیده ندارد. خدا یا؛ ما

نَرَعُبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ،

به سوی تو مشتاق هستیم در مورد دولتی باکرامت، که اسلام و اسلامیان را بدان عزیز نمایی

وَتُذِلُّ بِهَا النُّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى

و نفاق و اهلس را خوار و ذلیل کنی، و ما را در آن دولت، از فراخوانان به

طَاعَتِكَ وَالْقَادَةَ إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقْنَا بِهَا كَرَامَةَ

فرمانبرداریت، و از رهبران راه خودت قرار ده؛ و کرامت

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ مَا أَنْكَرْنَا مِنْ حَقِّ فَعَرَّفْنَاهُ،

دنیا و آخرت را روزیمان فرما. خدا یا؛ آنچه از حق و حقیقت را که نشناختیم، به ما بشناسان

وَمَا قَصَرْنَا عَنْهُ فَبَلَّغْنَاهُ.

و به آنچه دست نیافتیم، ما را به آن برسان.

در این جا برای امام عصر صلوات الله علیه دعا کن، و دشمنانش را نفرین

نما، و حاجتت را درخواست کن، و سخن آخرت این گونه باشد:

اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَذَكَّرُ فِيهِ فَيَذَكَّرُ.

خداوند؛ (دعای ما را) به اجابت برسان، خداوند؛ ما را از کسانی قرار ده که تذکر دهند و متذکر شوند.

حکایت صلوات ضراب اصفهانی

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمته الله علیه می گوید: ذکر صلواتی بر

پیامبر و آل او رحمته الله علیهم اجمعین (در عصر جمعه) که از مولای مان حضرت مهدی

ارواحنا فداه روایت شده است (و به قدری اهمیت دارد که) اگر

تعقیب نماز عصر را به خاطر عذری ترک کردی آن را ترک نکن،

به دلیل جریانی که خداوند ما را بدان مطلع نمود.

گروهی که در چند مورد از آن‌ها پیش از این یاد کردم، با سلسله سندشان به جدم، ابی جعفر طوسی علیه السلام به من خبر دادند که گفت: به من خبر داد حسین بن عبدالله از محمد بن احمد بن داود و هارون بن موسی تلعبری که گفتند: به ما خبر داد ابوالعباس احمد بن علی رازی در آن چه در کتابش «الشفاء والجلاء» روایت کرده از ابی الحسین محمد بن جعفر الأسدی علیه السلام که گفت: حدیث کرد برای من حسین بن محمد بن عامر اشعری قمی، و او گفت: حدیث کرد برای من یعقوب بن یوسف ضرباب غسانی به هنگام بازگشت از اصفهان و گفت:

من در سال ۲۸۱ هـ حج گزاردم در حالی که با گروهی از سنی‌های شهرم بودم. وقتی به مکه رسیدم گروهی از آن‌ها پیش دستی کرده منزلی را در کوچه‌ای میان بازار شب (اسم آن بازار بوده) برای من اجاره نمودند؛ و آن خانه خدیجه و معروف به «دارالرضا» بود، و پیرزنی گندمگون در آن جا سکونت داشت؛ از او (وقتی دانستم که آن جا «دارالرضا» نام دارد) پرسیدم: با صاحبان این خانه چه نسبتی داری؟ و چرا خانه را بدین نام خوانده‌اند؟

پیرزن گفت: من از خدمتگزاران آن‌ها هستم و این، خانه علی بن موسی الرضا علیه السلام بود و امام حسن عسکری علیه السلام مراد در اینجا سکونت داده است و من در خدمتش بودم.

وقتی این سخن را از او شنیدم، آن را از همراهان خود پنهان ساختم و با آن پیرزن مأنوس شدم. شب‌ها وقتی از طواف باز می‌گشتم با آن‌ها در رواق خانه می‌خوابیدم، و درب را می‌بستیم و پشت آن، سنگ بزرگی قرار می‌دادیم.

چند شب نور چراغ را - در رواقی که بودیم - شبیه به نور مشعل دیدم. و دیدم که درب باز شد - بدون این که کسی از ما آن را بگشاید - و مردی چهار شانه و گندم‌گون مایل به زرد که در سیمایش اثر سجده بود و پیراهن و شلواری نازک بر تن داشت و خود را پوشانده بود و نعلین قوس‌داری به پا کرده بود به طرف اتاق همان زن بالا رفت؛ همان اتاقی که پیرزن ما را منع می‌کرد و می‌گفت: دخترش آنجاست.

همان نوری را که در رواق دیدم، هنگام بالا رفتن مرد به طرف اتاق بر روی راه پله و نیز داخل اتاق مشاهده نمودم، بدون این که چراغی را ببینم! و همانند آنچه را که من دیدم آنها هم که با من بودند مشاهده کردند و گمان می‌کردند که مرد برای متعه (ازدواج موقت) با دختر آن زن آمده است.

آنان می‌گفتند: این‌ها علوی هستند و متعه را جایز می‌شمارند (در حالی که در مذهب آن‌ها حرام بود)، به هر حال، آن شخص را می‌دیدم که داخل می‌شود و خارج می‌گردد در حالی که سنگ، هم‌چنان در جای خود بود. ما، در راهم از خوف اموالمان

می بستیم و نمی دیدیم که کسی آن را باز و بسته کند، ولی آن شخص داخل می شد و خارج می گشت؛ سنگ هم همان گونه بود تا آن که وقت خارج شدن خودمان آن را کنار می زدیم.

وقتی این جریان را دیدم، قلبم به طپش افتاد و هیبت آن شخص در دلم واقع شد و با پیرزن مهربانی نمودم و دوست داشتم از حال آن شخص بیشتر بدانم.

به او گفتم: ای زن؛ دوست دارم با تو سخن بگویم ولی دوستانم نباید متوجه شوند؛ بنابراین، اگر مرا در اتاقم تنها دیدی نزد من بیا تا از تو پرسشی نمایم.

زن به سرعت به من گفتم: من نیز می خواهم رازی را با تو بگویم، ولی به دلیل حضور دوستانت چنین فرصتی پیش نیامد.

گفتم: می خواهی چه بگویی؟ گفتم: می گویند: - و نام کسی را نبرد! - با همراهان و شریکانت خشونت و تندی نکن و با آنها به نزاع و کشمکش مپرداز؛ چرا که آنان دشمنان تو هستند و با آنها مدارا کن.

گفتم: چه کسی این ها را می گوید؟

گفتم: من می گویم؛ و دیگر هیبتش نگذاشت که بیش از این بپرسم.

گفتم: حالا کدام همراهم منظور توست؟ (و گمان می کردم

همین همراهم را در سفر می گوید).

گفت: شریکانی که در وطن داری و در این خانه نیز همراه تو می باشند.

در منزل بین من و همراهم گفتگوهای تند و برخورد های خشن نسبت به مسائل دینی اتفاق افتاده بود و آنان در مورد من سخن چینی کردند تا این که فرار نمودم و از آنها پنهان شدم و این گونه بود که فهمیدم مراد او، همان هاست.

سپس به او گفتم: تو با «رضا علیه السلام» چه نسبتی داری؟

گفت: من خدمتکار حسن بن علی علیه السلام بودم. وقتی مطمئن شدم که او راست می گوید، با خود گفتم: از او درباره امام غایب ارواحنا فداه بپرسم.

گفتم: تو را به خدا؛ آیا او را با چشمانت دیدی؟

گفت: ای برادر من؛ من او را با چشمانم ندیدم، وقتی من خارج شدم، خواهرم حامله بود. حسن بن علی علیه السلام به من بشارت داد که امام علیه السلام را در آخر عمرم خواهم دید، سپس به من فرمود: برای او همان گونه باش که برای من هستی.

من از آن روز در مصر سکونت داشتم تا این که نامه ای همراه پول نزد من رسید و او آن را به دست مردی از اهل خراسان - که عربی فصیح نمی دانست - فرستاد؛ پولش سی دینار بود و به من دستور

داد که امسال به حج بیایم، من هم بدین سوی آمدم به شوق این که او را زیارت نمایم.

در این وقت، به دلم افتاد همان شخصی که او را می دیدم آمد و رفت می کند، همو باشد؛ من ده درهم که یکی از آن ها سکه رضویّه بود و با نام امام رضا علیه السلام ضرب شده بود همراه داشتم و آن ها را پنهان کرده بودم که در مقام ابراهیم بیندازم. این گونه نذر کرده بودم و نیت داشتم، ولی گفتم پول را به زن می دهم و از او می خواهم که به یکی از فرزندان فاطمه علیها السلام بدهد که این بهتر از آن نیت قبلی ام است.

پس به او گفتم: این درهم ها را به فرزندی از فرزندان فاطمه علیها السلام که سزاوار باشد، بپرداز؛ چنین می اندیشیدم که او پول ها را به همان شخص خواهد داد. پول ها را گرفت و بالا رفت و بعد از ساعتی پایین آمد و گفت: او می گوید: در این درهم ها برای ما حقی نیست و آن را در همان جا که نیت کرده ای مصرف کن؛ و لکن این سکه رضویّه را بدلتش را از ما بگیر و در مکانی که نیت کرده ای بینداز.

من چنین کردم و با خود گفتم آنچه را پیرزن به من گفت از آن شخص نقل کرده است.

همراه من نسخه تویعی بود که از ناحیه امام علیه السلام برای قاسم بن علاء آذربایجانی صادر شده بود؛ آن را به زن نشان داده گفتم: این

را به کسی عرضه کن که دستخط و توقیعات امام علیه السلام را بشناسد.

گفت: به من بده که من می شناسم. گمان کردم که او خود می تواند آن را بخواند و تشخیص دهد. ولی گفت: من نمی توانم آن را در این مکان بخوانم و به طرف اتاق بالا رفت، سپس باز گشت و گفت: صحیح است.

در توقیع این گونه بود: شما را بشارت می دهم به بشارتی که دیگری را بدان بشارت نداده ام.

زن گفت: او می گوید: هنگامی که بر پیامبرت صلوات می فرستی، چگونه می فرستی؟
گفتم: می گویم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ

خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و بر محمد

و آل محمد، کافضل ما صلیت وبارکت و ترحمت

و آل محمد برکت بده، بهتر از آنچه بر ابراهیم و آل ابراهیم صلوات فرستادی و برکت دادی و ترحم

عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

نمودی؛ زیرا؛ همانا تو ستوده و بزرگوار هستی.

گفت: نه؛ در صلوات، همه آن ها را نام ببر و بر همه آن ها درود فرست. گفتم: باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ

خدایا؛ بر محمد سید رسولان و خاتم

النَّبِيِّينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الْمُتَّجِبِ فِي

پیامبران و حجت پروردگار جهانیان درود فرست، او که در روز پیمان الهی،

الْمِيثَاقِ، الْمُصْطَفَى فِي الظَّلَالِ، الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ

پسندیده شد و در عالم اظلمه اختیار شد، از هر آفتی پاکیزه

آفَةٍ، الْبَرِيِّ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ، الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجَاةِ،

است، و از هر عیبی میرزا؛ همگی برای نجات خود چشم امید به او دارند،

الْمُرْتَجَى لِلسَّفَاعَةِ، الْمَفْوَضِ إِلَيْهِ دِينُ اللَّهِ. اللَّهُمَّ

و امیدوار به شفاعت او هستند؛ دین خداوند بدو واگذار شده است. خداوندا؛

شَرَّفْ بِنْيَانَهُ، وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ، وَأَفْلِحْ حُجَّتَهُ، وَارْفَعْ

بنای هستی او را شرافت ده، و برهانش را بزرگ نما، و حجتش را پیروز فرما، و

دَرَجَتَهُ، وَأَضِيْ نُورَهُ، وَبَيِّضْ وَجْهَهُ، وَأَعْطِهِ

مقامش را بالا ببر؛ و نورش را تابنده کن، و رویش را سفید نما، و به او

الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ، وَالْمَنْزِلَةَ وَالْوَسِيلَةَ، وَالذَّرَجَةَ

فضیلت و برتری و فزونی و مقام و وسیله شفاعت و درجه

فردا که آن زن از غرفه فوقانی پایین آمد، دفتری کوچک
همراهش بود و گفت: او می‌گوید: هرگاه خواستی بر پیامبر و بر
جانشینانش درود بفرستی، بر طبق این نسخه صلوات فرست.

آن را گرفتم و بدان عمل نمودم؛ چند شب او را می‌دیدم که از
اتاق پایین می‌آمد در حالی که نور چراغ، همچنان برپا بود؛ درب
را باز می‌کردم و به دنبال آن نور خارج می‌شدم و من آن نور را
می‌دیدم ولی کسی را نمی‌دیدم تا این که داخل مسجد می‌شد.

گروهی از اشخاص از کشورهای مختلف را می‌دیدم که به
درب این منزل می‌آمدند و بعضی به آن پیرزن، نامه‌هایی می‌دادند
و او نیز به آن‌ها نامه‌هایی می‌داد و با آنان سخن می‌گفت: آن‌ها نیز
با پیرزن سخن می‌گفتند که من متوجه نمی‌شدم و بعضی از آن‌ها را
هنگام بازگشت در راه دیدم تا این که به بغداد رسیدم.^۱

۱۱

صلوات ضرباب اصفهانی

نسخه دفتری که از مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداه روایت

شده است:

۱. جمال الأسبوع: ۳۰۱.

الرَّفِيعَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ

بلند عنایت کن، و او را به مقام پسندیده‌ای مبعوث نما که همگان از اولین

وَالْآخِرُونَ. وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ

و آخرین بر او غبطه خورند. و درود فرست بر امیر مؤمنان و وارث

الْمُرْسَلِينَ، وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَسَيِّدِ

رسولان و پیشوای سفید رویان و سرور همه

الْوَصِيِّينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى

جانشینان و حجت پروردگار جهانیان. و درود فرست بر

الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ

حسن بن علی پیشوای مؤمنان و وارث

الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى

رسولان و حجت پروردگار جهانیان. و درود فرست بر

الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ

حسین بن علی پیشوای مؤمنان و وارث

الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى عَلِيٍّ

رسولان و حجت خداوند جهانیان. و درود فرست بر علی

بْنِ الْحُسَيْنِ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ،

بن الحسین پیشوای مؤمنان و وارث رسولان

وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ،

و حجت پروردگار جهانیان. و درود فرست بر محمد بن علی

إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

پیشوای مؤمنان و وارث پیامبران و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، إِمَامِ

جهانیان. و درود فرست بر جعفر بن محمد پیشوای

الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، إِمَامِ

جهانیان. و درود فرست بر موسی بن جعفر پیشوای

الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى، إِمَامِ

جهانیان. و درود فرست بر علی بن موسی پیشوای

الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ

جهانیان. و درود فرست بر محمد بن علی پیشوای

الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، إِمَامِ

جهانیان. و درود فرست بر علی بن محمد، پیشوای

الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

مؤمنان، و وارث رسولان و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ

جهانیان. و درود فرست بر حسن بن علی، پیشوای

الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى الْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ،

جهانیان. و درود فرست بر بازمانده هدایتگر هدایت شده،

إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَنْبِيَاءِ

جهانیان. خداوندا؛ بر محمد و اهل بیتش درود فرست که پیشوایان

الْهَادِينَ، الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ، الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ،

هدایت‌گر، دانایان راستگو، نیکوکاران پرهیزکار؛

دَعَائِمِ دِينِكَ، وَأَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ، وَتَرَاجِمَةِ وَحْيِكَ،

ستون‌های دینت و ارکان توحیدت و مفترقان وحیت،

وَحُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَخُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ،

و حجت‌های تو بر آفریدگانت و جانشینانت در زمین تو هستند؛

الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ،

آنان که برای خودت ایشان را اختیار کردی و بر تمام بندگانت برگزیدی

وَأَرْتَضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ، وَخَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ،

و آن‌ها را برای دینت پسندیدی و به شناخت خودت آن‌ها را مخصوص گرداندی،

وَجَلَّلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ، وَغَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ، وَرَبَّيْتَهُمْ

و با کرامت خودت بر آنان شکوه و بزرگی بخشیدی و غرق دریای رحمت خود کردی، و آن‌ها را

بِنِعْمَتِكَ، وَغَذَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ، وَالْبَسْتَهُمْ نُورَكَ،

با نعمت خود پرورش دادی، و با حکمت خود به آنان غذای روحی دادی، و به نور خویش ایشان را پوشانیدی،

وَرَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ، وَحَفَفْتَهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ،

و در ملکوتت بالا بردی، و گرداگرد وجود ایشان را به فرشتگانت احاطه نمودی،

وَشَرَّفْتَهُمْ بِبِنْيَتِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ

و به واسطه پیامبرت - که درود تو بر او و آل او باد - به آن‌ها شرافت بخشیدی. خدایا؛

عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ، صَلَوةً زَاكِيَةً نَامِيَةً كَثِيرَةً

بر محمد و بر ایشان درود فرست؛ درودی پاک و فرازنده و فراوان؛

دَائِمَةً طَيِّبَةً لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَلَا يَسْعُهَا إِلَّا

و دایمی و پاکیزه که جز خودت کسی بر آن احاطه پیدا نکند، و جز در

عِلْمِكَ، وَلَا يُخَصِّبُهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ. اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ

دانش تو ننگند و غیر تو کسی نتواند آن را به شماره درآورد. خداوند! بر

وَلِيِّكَ، الْمُحْيِي سُنَّتِكَ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، الدَّاعِي

ولیت درود فرست؛ او که زنده‌کننده سنت توست و قیام‌کننده به امر تو، و دعوت کننده

إِلَيْكَ، الدَّلِيلِ عَلَيْكَ، حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَخَلِيفَتِكَ

به سوی تو، و دلالت کننده بر تو، و حجت تو بر بندگانت و جانشین تو

فِي أَرْضِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ. اللَّهُمَّ أَعِزَّنِي

در زمینت و گواه تو بر بندگان توست. خدا یا! یاری او را تقویت نما

نَصْرَهُ، وَمُدِّفِي عُمُرِهِ، وَزَيْنِ الْأَرْضِ بِطَوْلِ بَقَائِهِ.

و عمرش را طولانی فرما، و با طولانی‌شدن ماندنش زمین را زینت بخش.

اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ، وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ

خدا یا! از ستم حسودان او را کفایت کن، و از شر

الْكَاذِبِينَ، وَازْجُرْ عَنْهُ إِرَادَةَ الظَّالِمِينَ، وَخَلِّصْهُ

حیله‌گران پناهنش ده و اراده ستمکاران را از او دور کن، و او را

مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ. اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ

از دست زورگویان رهایی ده. خداوند! درباره خودش،

وَذُرِّيَّتِهِ، وَشَيْعَتِهِ وَرَعِيَّتِهِ، وَخَاصَّتِهِ وَعَامَّتِهِ

ذریه‌اش، پیروانش، رعیتش، یاران ویژه‌اش، عموم پیروانش،

وَعَدُوَّهُ وَجَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا، مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَتَسْرُّ

دشمنانش و تمام اهل دنیا، آنچه که چشمش را به آن روشن نمایی و روانش

بِهِ نَفْسُهُ، وَبَلَّغَهُ أَفْضَلَ مَا أَمَّلَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،

را به آن شادگردانی، به او عنایت فرما. و او را به برتر از آن چه آرزو دارد در دنیا و آخرت برسان؛

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَنِي

زیرا تو بر هر چیز توانایی. خدا یا! آنچه از دینت محو شده به وسیله او تازه کن.

مِنْ دِينِكَ، وَأَخِي بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ كِتَابِكَ، وَأَظْهِرْ بِهِ

و آنچه از کتابت عوض شده به واسطه او زنده کن و آنچه از

مَا غَيْرٍ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى

احکامت تغییر داده شده به وسیله او ظاهر کن؛ تا این که دینت به وسیله او و با

يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا خَالِصًا مُخْلِصًا لَا شَكَّ فِيهِ، وَلَا

دست او نو و تر و تازه گردد؛ آن گونه که خالص و بی‌آلایش بوده که نه شکّی در آن باشد و نه

شُبُهَةٌ مَعَهُ، وَلَا بَاطِلَ عِنْدَهُ، وَلَا بِدْعَةَ لَدَيْهِ. اللَّهُمَّ

شبهه‌ای به آن راه یابد، و نه باطل و بدعتی کنار آن و نزد آن باشد. خدا یا!

نَوِّرْ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَهْدِّ بِرُكْنِهِ كُلَّ بِدْعَةٍ، وَاهْدِمْ

هر تاریکی را به نور او روشن کن، و هر بدعتی را به واسطه قدرت و قوتش ویران نما، و

بِعِزِّهِ كُلِّ ضَلَالَةٍ، وَاقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ، وَأُخْمِدْ

با عزت او هر گونه گمراهی را منهدم فرما و هر فرد زورگوی گردنکش را به واسطه او هلاک گردان، و

بَسِيفِهِ كُلَّ نَارٍ، وَأَهْلِكَ بِعَدْلِهِ جَوْرَ كُلِّ جَائِرٍ، وَأَجْرِ

با شمشیرش هر آتشی را خاموش کن و ظلم هر ستمگری را به واسطه عدلش نابود کن، و

حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ، وَأَذِلَّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ.

دستور و حکمش را بر هر حکمی جاری ساز و با سلطنتش هر قدرتمندی را ذلیل و خوار ساز.

اللَّهُمَّ أَذِلَّ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ، وَأَهْلِكَ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ،

خدایا! هر که قصد بدی به او کند ذلیل و خوار کن و هر که را که با او دشمنی نماید به هلاکت انداز

وَأَمْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ، وَاسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَهُ حَقَّهُ،

و هر که را با او نیرنگ کند دچار نیرنگ گردان و هر که را منکر حقش باشد

وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ، وَسَعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ، وَأَرَادَ

و امرش را سبک شمارد، و در خاموشی نورش بکوشد و بخواهد

إِخْمَادَ ذِكْرِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى،

نامش و یادش را کم رنگ سازد از ریشه برکن. خدایا! درود فرست بر محمد مصطفی،

وَعَلِيٍّ الْمُرْتَضَى، وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَالْحَسَنِ

و بر علی مرتضی و فاطمه زهرا و حسن صاحب

الرِّضَا، وَالْحُسَيْنِ الْمُصْطَفَى، وَجَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ،

مقام رضا و حسین صاحب مقام برگزیده و خالص و بی‌الایش و همه اوصیا و جانشینان آن حضرت

مَصَابِيحِ الدُّجَى، وَأَعْلَامِ الْهُدَى، وَمَنَارِ التَّقَى،

که چراغ‌های روشن در تاریکی و نشانه‌های هدایت و جلوه‌گاه پرهیزکاری

وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، وَالْحَبْلِ الْمَتِينِ، وَالصِّرَاطِ

و دستاویز مورد اطمینان و ریسمان محکم و راه

الْمُسْتَقِيمِ. وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَوَلَاةِ عَهْدِكَ،

راست هستند. و درود فرست بر ولی خود و عهده‌داران پیمان

وَالْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ، وَمُدِّ فِي أَعْمَارِهِمْ، وَزِدْ فِي

و امامان از فرزندان؛ و بر عمرشان بیفزای و

آجَالِهِمْ، وَبَلِّغْهُمْ أَقْصَى آمَالِهِمْ، دِينًا وَدُنْيَا

مدت آن‌ها را زیاد فرما، و ایشان را به نهایت آرزوهای دینی و دنیوی

وَأَخْرَةً، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^۱

و آخروی‌شان برسان؛ چرا که تو بر هر کاری توانا هستی.

این خبر شریف در تعدادی از کتاب‌های معتبر علمای پیشین، و با سندهای متعدد، روایت شده است؛ برخی از این کتاب‌ها نیز در تمام بخش‌های روایت، عبارت را به صورت «اللهم صل على ...» آورده‌اند.

و نیز، وقت مشخصی برای خواندن این صلوات و دعا، در هیچ

۱. مصباح‌المتجهّد: ۴۰۶، البلد الأمين: ۱۲۰، المصباح: ۷۲۵، دلائل الإمامة: ۵۴۹ و مانند آن

در جمال الأسبوع: ۳۰۱ وارد شده است.

یک از خبرهای مزبور، نیامده است؛ مگر آن که جناب سید بن طاووس رحمته الله در کتاب «جمال الأسبوع» پس از بیان تعقیبات وارد شده پس از نماز عصر روز جمعه می فرماید: «... اگر زمانی به خاطر عذر و بهانه‌ای تعقیبات نماز عصر روز جمعه را انجام ندادی؛ لیکن، به هیچ وجه این صلوات را ترک مکن. به جهت طلبی که خدای بزرگ، ما را از آن آگاه فرموده است.»

از این کلام شریف استفاده می شود که سید بن طاووس، از امام زمان صلوات الله علیه در مورد این صلوات، سفارشی دریافت کرده است. و البته از این بزرگوار بعید نیست؛ چرا که او تصریح می کند، راه رسیدن به آن حضرت ارواحنفا، باز است.^۱

در «مکیال المکارم» آمده است: این دعای شریف، از دعا‌های بزرگی است که شایسته است بر آن مداومت بشود، و در تمام اوقات نسبت به خواندن آن اهمیت داده شود؛ به خصوص، در زمان‌هایی که اختصاص بیشتری به امام عصر صلوات الله علیه دارد؛ همانند: شب نیمه شعبان، روز نیمه شعبان، شب و روز جمعه.

شاید، نویسنده «جمال الصالحین» نیز به همین جهت، این دعا را در اعمال شب نیمه شعبان آورده است؛ با آن که از ظاهر روایتی که ذکر کردیم بر می آید که اختصاص به وقت خاصی نداشته

۱. نجم الناقب: ۷۷۰.

باشد، بلکه برای همه اوقات وارد شده است.^۱



صلوات و دعا در عصر روز جمعه

برای ظهور حضرت بقیة الله ارواحنفا

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

در روز قیامت، خدای تعالی روزها را برمی انگیزد؛ و روز جمعه را مانند عروسی - که دارای زیبایی و کمال باشد و به شخصی ثروت مند و دین داری هدیه گردد - پیشاپیش آنها می آورد، و روز جمعه (در حالی که دیگر روزها در پشت سرش قرار دارند) جلو درب بهشت می ایستد؛ و برای تمام کسانی که بر محمد و آل محمد درود و صلوات بسیار فرستاده‌اند، شفاعت می کند.

عبدالله بن سنان می گوید: پرسیدم: بسیار؛ در مورد صلوات، یعنی چند تا؟ و صلوات فرستادن در کدام ساعت‌های روز جمعه، از فضیلت بیشتری برخوردار است؟

حضرت فرمود:

صد مرتبه، پس از عصر.

۱. مکیال المکارم: ۷۳/۲.



عبدالله بن سنان پرسید: چگونه باید صلوات بفرستم؟ فرمود:

می‌گویی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

بارالها؛ درود پیوسته بر حضرت محمد و آل محمد نثار کن، و در فرج و راحتی ایشان شتاب فرما.

و آن را صد مرتبه تکرار می‌کنی.^۱



فضیلت خواندن سوره بنی اسرائیل

در هر شب جمعه

در پایان این بخش روایتی را که در «تفسیر برهان» از کتاب «تفسیر عیاشی علیه السلام» و «ثواب الأعمال»، از امام صادق علیه السلام نقل شده است می‌آوریم، آن حضرت فرمود:

هر کس سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند، نمی‌میرد تا امام قائم (حضرت مهدی صلوات الله علیه) را درک کند، و از اصحاب آن بزرگوار باشد.^۲



۱. جمال الأسبوع: ۲۷۷، الصحیفة الصادقیة: ۹۲۹.

۲. مکیال المکارم: ۳۷۸/۲، المصباح: ۵۸۵، ثواب الأعمال: ۱۰۷، تفسیر برهان: ۷/۶ ح

۱ و ۲، تفسیر عیاشی: ۲/۲۷۶ ح ۱.

بخش پنجم

بخش پنجم



دعای همراه



دعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه

در ظهر روز عاشورا

عبدالله بن سنان می گوید: در روز عاشورا، نزد آقایم امام صادق علیه السلام رفتم، و آن حضرت را با رنگی پریده و چهره‌ای اندوهگین یافتم، و دیدم اشک از چشمان مبارکش چون مرواریدهای غلطان، جاری بود. گفتم: ای فرزند رسول خدا؛ چرا گریه می کنی؟ خدا چشمانت را هرگز نگریاند.

حضرت فرمود:

مگر غافلئ؟ مگر نمی دانی که در چنین روزی حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسیده است؟

گفتم: آقای من، دربارهٔ روزهٔ امروز چه می فرمایید؟

حضرت فرمود:

امساک کن بدون این که نیت روزه کرده باشی؛ و افطار نما،

بدون آن که غذاهای لذیذ بخوری . تمام روز را روزه مدار و ساعتی پس از نماز عصر با جرعه‌ای از آب ، افطار کن . همانا در چنین ساعتی از روز عاشورا جنبش و هیاهوی دشمن تمام و جنگ و خونریزی شدید آنها با خاندان پیامبر خاتمه یافت ، و در روی زمین سی کشته از آنها در میان جسدهای پاک دوستان و هم‌پیمانانشان به خاک و خون افتاد . بر رسول خدا ﷺ این مصیبت بسیار گران و سخت است ؛ اگر آن حضرت اکنون زنده بود خودش صاحب عزای آنان بود .

عبدالله می‌گوید : حضرت چنان گریه کرد که محاسن مبارکش از اشک دیده‌اش آغشته شد ؛ سپس چنین فرمود :

خداوند عزّوجلّ آفرینش نور را در روز جمعه - اوّلین روز ماه مبارک رمضان - در تقدیرش قرار داد؛ و تاریکی را در روز چهارشنبه (روز عاشورا) دهمین روز محرّم مانند چنین روزی آفرید . و برای هر یک از آن روزها ، راه و شیوه‌ای قرار داد . ای عبدالله ؛ بهترین کاری که در این روز می‌توانی انجام دهی این است که لباس‌های پاکیزه‌ات را بپوشی و تسلّب نمایی . عرض کردم : تسلّب چیست ؟

فرمود : گریبان‌ت را باز کن و همانند عزا داران آستین خود را بالا بزن ؛ سپس به بیابان بی‌آب و علف یا مکانی برو که کسی تو را نبیند ، یا منزل خلوتی اختیار کن ، یا به خلوتگاه دیگری برو و هنگام بالا آمدن آفتاب ، چهار رکعت نماز با

رکوع و سجود نیکو بجای آور ، و بین هر دو رکعتی سلام بده ؛ در رکعت اوّل سوره «حمد» و «قل یا ایها الکافرون» ، و در رکعت دوّم سوره «حمد» و «قل هو الله أحد» را بخوان .

سپس دو رکعت دیگر را بجای آور ؛ در رکعت اوّل «حمد» و سوره «احزاب» ، و در رکعت دوّم «حمد» و «منافقون» را بخوان ، یا سوره‌های دیگری را که می‌توانی بخوانی ، اختیار کن . سپس نماز را تمام کرده و به طرف قبر و بارگاه امام حسین علیه السلام رو می‌کنی و در نظر آور قتلگاه آن حضرت را و کسانی که با آن بزرگوار بودند - از فرزندان و اهل بیت ایشان - و بر او سلام و درود فرست ، و دشمنانش را نفرین نما و از کارهای شان بیزاری بجوی ؛ با این عمل ، خداوند تو را به مراتب بالایی در بهشت نایل کند و گناهانت را فرو ریزد . سپس از جایی که در بیابان یا هر محلّ خلوت دیگری که هستی ، چند قدم بردار و بگو :

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ ، رِضًا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَتَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ» .
همانا ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم ؛ راضی به قضا و حکم اویم ، و تسلیم فرمانش هستیم .

در آن حال ، باید حزن و اندوه در چهره‌ات آشکار باشد ؛ هر چه می‌توانی یاد خدا کن ؛ آیه استرجاع (إِنَّا لِلَّهِ ...) را بخوان . وقتی این کار را انجام دادی و این راه را رفتی به جایی که ابتدا در آن نماز گزاردی باز گرد ، و چنین بگو :

اللَّهُمَّ عَذِّبِ الْفَجْرَةَ، الَّذِينَ شَاقُّوا رَسُولَكَ، وَحَارَبُوا

خداوندا؛ فاجران و تبهکاران را به عذاب خود گرفتار کن؛ آنها که با پیامبرت دشمنی ورزیدند و با

أَوْلِيَاءِكَ، وَعَبَدُوا غَيْرَكَ، وَاسْتَحَلُّوا مَحَارِمَكَ،

دوستانت به جنگ برخاستند، و غیر از تو را بندگی کردند، و حرام‌هایت را حلال شمردند.

وَالْعِنِ الْقَادَةَ وَالْأَتْبَاعَ، وَمَنْ كَانَ مِنْهُمْ، فَخَبَّ وَأَوْضَعَ

(خداایا؛) سران و پیروان آن‌ها را لعنت کن و هر که با آن‌ها بوده پس فریب خورده و با آنان پست

مَعَهُمْ، أَوْ رَضِيَ بِفِعْلِهِمْ لِعْنَا كَثِيراً. اللَّهُمَّ وَعَجَّلْ

گردیدند، یا به کردار آنان راضی گشتند، بسیار نفرین فرما. خداایا؛ در

فَرَجِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ،

فرج و راحتی آل محمد شتاب فرما، و درود و رحمتت را بر پیامبر و ایشان قرار ده،

وَاسْتَنْفِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي الْمُنَافِقِينَ الْمُضِلِّينَ، وَالْكَفَرَةِ

و آنان را از دست منافقین گمراه‌کننده رهایی ده؛ و از شر کافران

الْجَاهِدِينَ، وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحاً يَسِيراً، وَأَتِحْ لَهُمْ رَوْحاً

و منکران خودت نجات بخش، و برای آنان گشایشی آسان مقدر فرما، و فرج و آسایش نزدیک

وَفَرَجاً قَرِيباً، وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى عَدُوِّكَ

برای ایشان فراهم نما، و از جانب خودت بدان‌ها سلطه و حکومتی مقتدرانه بر دشمنان خود

وَعَدُوِّهِمْ سُلْطَاناً نَصِيراً.

و دشمنان ایشان، عنایت فرما.

سپس دستانت را بلند کن و با این دعا برای خدا فروتنی کن؛

و در حالی که به دشمنان خاندان پیامبر ﷺ اشاره می‌کنی،

چنین دعا کن:

اللَّهُمَّ إِنَّ كَثِيراً مِنَ الْأُمَّةِ نَاصَبَتِ الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ

خداایا؛ گروه زیادی از امت، نسبت به امامان - که حافظ دین و شریعت‌اند - عداوت ورزیده‌اند؛

الْأُمَّةِ، وَكَفَرَتْ بِالْكَلِمَةِ، وَعَكَفَتْ عَلَى الْقَادَةِ

و به کلمه (حق) کافر گشتند؛ و بر رهبران ستمگر روی آوردند و ملازم گشتند؛

الظُّلْمَةِ، وَهَجَرَتِ الْكِتَابَ وَالسُّنَّةَ، وَعَدَلَتْ عَنِ

و از کتاب خدا و سنت پیامبر دور شدند و کناره گرفتند؛ و از

الْحَبْلَيْنِ اللَّذَيْنِ أَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمَا، وَالتَّمَسُّكِ بِهِمَا،

دو ریسمان محکمی که به اطاعت‌شان دستور دادی (یعنی: قرآن و عترت پیامبر ﷺ) روی گردانند.

فَأَمَاتَتِ الْحَقَّ، وَجَارَتْ عَنِ الْقَصْدِ، وَمَالَاتِ

در نتیجه حق را میراندند و از راه اعتدال و میانه‌روی منحرف شدند؛ و

الْأَحْزَابِ، وَحَرَفَتِ الْكِتَابَ، وَكَفَرَتْ بِالْحَقِّ لَمَّا

احزاب را یاری کردند؛ کتاب تو را تحریف و دگرگون ساختند، و به آن چه از حق و حقیقت بدان‌ها

جَاءَتْهَا، وَتَمَسَّكَتِ بِالْبَاطِلِ لَمَّا اعْتَرَضَهَا، وَضَيَّعَتْ

عرضه شد کفر ورزیدند؛ و به هر باطلی که بر آنان عرضه شد، تمسک جستند؛ و

حَقَّكَ، وَأَضَلَّتْ خَلْقَكَ، وَقَتَلَتْ أَوْلَادَ نَبِيِّكَ، وَخَيْرَةَ

حق تو را ضایع ساختند، و بندگان را گمراه نمودند، و فرزندان پیامبرت، بهترین

عِبَادِكَ، وَحَمَلَةَ عِلْمِكَ، وَوَرَثَةَ حِكْمَتِكَ وَوَحْيِكَ.

بندگان، حاملان علمت و وارثان وحی و حکمت را کشتند.

اللَّهُمَّ فَزَلِّزْ أقدامَ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ وَأَهْلِ

خداوندا؛ قدم‌های دشمنان خود و دشمنان پیامبرت و دشمنان اهل

بَيْتِ رَسُولِكَ. اللَّهُمَّ وَأَخْرِبْ دِيَارَهُمْ، وَأَفْلُ

بیت پیامبرت را لرزان فرما. خدایا؛ سرزمین آنان را ویران کن، و

سِلَاحَهُمْ، وَخَالَفِ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ، وَفُتِّ فِي أَعْضَادِهِمْ،

سلاح‌هایشان را از کار بینداز، و اتحاد آن‌ها را از بین ببر، و در میان مددکاران آن‌ها پراکندگی و پریشانی ایجاد

وَأَوْهِنْ كَيْدَهُمْ، وَأَضْرِبْ بِهِمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ، وَارْمِهِمْ

کن، و مکر و حيله‌شان را سست گردان، و آن‌ها را به شمشیر برآنت دچار کن، و

بَحَجْرِكَ الدَّمَاعِ، وَطَمَّهُمْ بِالْبَلَاءِ طَمًّا، وَقَمَّهُمْ

با سنگ هلاک‌کننده‌ها سنگ‌باران بنما، و آن‌ها را به شدت غرق بلا گردان، و

بِالْعَذَابِ قَمًّا، وَعَذِبْهُمْ عَذَابًا نُكْرًا، وَخُذْهُمْ بِالسِّنِينَ

عذاب فراگیرت را بر آنان مسلط فرما، و مجازات‌های زشت و دشوارت را گریبان‌گیر آن‌ها بساز؛ و آن‌ها را با

وَالْمَثَلَاتِ الَّتِي أَهْلَكْتَ بِهَا أَعْدَائِكَ، إِنَّكَ ذُو نِقْمَةٍ

فحطی و عقوبت‌ها گرفتار کن همان‌گونه که دشمنانت را با آن‌ها هلاک گرداندی. همانا، تو انتقامی

مِنَ الْمُجْرِمِينَ. اللَّهُمَّ إِنَّ سُنَّتَكَ ضَائِعَةٌ، وَأَحْكَامَكَ

بس شدید از مجرمان خواهی گرفت. خدایا؛ سنت و طریقت تو از بین رفته است، احکام

مُعْطَلَةٌ، وَعِترَةٌ نَبِيِّكَ فِي الْأَرْضِ هَائِمَةٌ. اللَّهُمَّ فَأَعِنِ

(حیات یخشت) تعطیل گشته است، و عترت پیامبرت در زمین سرگشته گردیده است. ای خدا؛

الْحَقَّ وَأَهْلَهُ، وَأَقْمَعَ الْبَاطِلَ وَأَهْلَهُ، وَمَنْ عَلَيْنَا

حق و اهل آن را یاری کن، و باطل و اهل آن را نابود کن، و با رهایی ما از دست آنان

بِالتَّجَاةِ، وَاهْدِنَا إِلَى الْإِيمَانِ، وَعَجِّلْ فَرَجَنَا، وَانظِمَّهُ

بر ما منت بگذار، و به راه ایمان هدایت‌مان فرما؛ و در فرج و گشایش امور ما تعجیل نما، و فرج ما را

بِفَرَجِ أَوْلِيَائِكَ، وَاجْعَلْهُمْ لَنَا وَدًّا، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ وَفْدًا.

با فرج اولیایت سر و سامان ده، آنان را دوست‌دار ما قرار ده، و ما را گروه پیام‌رسان ایشان گردان.

اللَّهُمَّ وَأَهْلِكَ مَنْ جَعَلَ يَوْمَ قَتْلِ ابْنِ نَبِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ

بار خدایا؛ هلاک گردان کسی را که روز شهادت فرزند پیامبرت و برگزیده‌ها را

عِبْدًا، وَاسْتَهَلَّ بِهِ فَرَحًا وَمَرَحًا، وَخُذْ آخِرَهُمْ كَمَا

عبد قرار داده است، و اظهار شادی و سرور را در آن روز مرسوم کرده است؛ با دست انتقامت، گریبان آخرشان را

أَخَذْتَ أَوْلَهُمْ، وَأَضْعِفِ اللَّهُمَّ الْعَذَابَ وَالتَّنْكِيلَ

بگیر، همان‌طور که اولشان را گرفتار ساختی، و عذاب و عقوبت را بر آنان

عَلَى ظَالِمِي أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَأَهْلِكَ أَشْيَاعَهُمْ

که بر اهل بیت پیامبرت ستم ورزیدند دوچندان بگردان؛ و رهبران و پیروان آنان را هلاک گردان؛

وَقَادَتَهُمْ، وَأَبْرِ حُمَاتَهُمْ وَجَمَاعَتَهُمْ. اللَّهُمَّ وَضَاعِفِ

و حمایت‌کنندگان و همه جمعیت ایشان را ریشه‌کن نما و نابود فرما. خدایا؛

صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَى عِترَةِ نَبِيِّكَ ،

درود و رحمت و برکات را بر عترت پیامبرت، بیش از پیش نازل کن؛

الْعِترَةِ الضَّائِعَةِ الخَائِفَةِ المُسْتَذَلَّةِ ، بَقِيَّةِ الشَّجَرَةِ

عترتی که حقیقتاً ضایع شد و از شر دشمنان همواره ترسان بوده، و در میان مردم به خواری کشیده شدند؛ و باقی مانده

الطَّيْبَةِ الزَّاكِيَةِ الْمُبَارَكَةِ . وَأَعْلِ اللَّهُمَّ كَلِمَتَهُمْ ، وَأَفْلِحْ

درخت پاک و پاکیزه و پربرکت (شجره طیبه) بودند. خدا یا؛ کلمه آنها را عالی و بلندمرتبه گردان، و

حُجَّتَهُمْ ، وَاكْشِفِ الْبَلَاءَ وَاللَّأْوَاءَ ، وَخَنَادِسَ الْأَبَاطِيلِ

حجتشان را غالب و پیروز نما؛ و بلا و سختی و تاریکی‌های باطل و ناروا

وَالْعَمَى عَنْهُمْ ، وَثَبَّتْ قُلُوبَ شِبَعَتِهِمْ وَحِزْبِكَ عَلَى

و کوری را از آنان دفع کن؛ و دل‌های پیروان آنها و حزب خودت را بر

طَاعَتِهِمْ وَوَلَايَتِهِمْ وَنَصْرَتِهِمْ وَمُؤَالَاتِهِمْ ، وَأَعْنِهِمْ

فرمان‌بری، دوستی، یاری و موالات آنها ثابت و استوار بدار؛ و آنان را کمک کن

وَأْمِنْهُمْ الصَّبْرَ عَلَى الْأَذَى فَيْكَ ، وَاجْعَلْ لَهُمْ أَيَّامًا

و در برابر اذیت‌هایی که در راه تو به آنها می‌رسد صبر و شکیبایی به ایشان عنایت فرما؛ و برای آنان روزهای

مَشْهُودَةً ، وَأَوْقَاتًا مَحْمُودَةً مَسْعُودَةً ، يُوشِكُ فِيهَا

تاریخی، و اوقاتی نیک و پسندیده قرار ده که فرج و گشایش امور آنها، بسی نزدیک باشد؛

فَرَجُهُمْ ، وَتُوجِبُ فِيهَا تَمْكِينَهُمْ وَنَصْرَهُمْ ، كَمَا

و قدرت یافتن و پیروزی‌شان برسد و آنان را بر امور مسلط نمایی،

ضَمِنْتَ لِأَوْلِيَائِكَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ ، فَإِنَّكَ قُلْتَ

که این حقیقت را خود در کتابت تضمین فرموده‌ای و چنین گفته‌ای

وَقَوْلِكَ الْحَقُّ ۖ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا

و گفته تو حق مطلق است : «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام

الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ

داده‌اند وعده داده است که در زمین خلافت دهد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ

نیز خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و ایینی را که برای آنان پسندیده پابرجا و برقرار سازد

لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي

و ترس‌شان را به امنیت و آرامش مبدل کند (آن چنان) که تنها مرا پرستش کنند

لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ۗ اَللَّهُمَّ فَاكْشِفِ غَمَّتَهُمْ ، يَا مَنْ

و چیزی را شریک من قرار ندهند. خداوندا؛ غم و اندوه آنها را برطرف کن؛ ای کسی که

لَا يَمْلِكُ كَشْفَ الضَّرِّ إِلَّا هُوَ ، يَا أَحَدًا يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ ،

جز او، کس دیگری بیچارگی و سختی را نمی‌زداید؛ ای خدای یگانه و همواره زنده و پاینده؛

وَأَنَا يَا إِلَهِي عَبْدُكَ الْخَائِفُ مِنْكَ ، وَالرَّاجِعُ إِلَيْكَ ،

ای خدای من؛ همانا من بنده ترسان از تو هستم و به سوی تو بازمی‌گردم

السَّائِلُ لَكَ ، اَلْمُقْبِلُ عَلَيْكَ ، اَللَّاجِئُ إِلَىٰ فِتْنَائِكَ ،

و از تو درخواست می‌کنم و به درگاه تو رو می‌آورم و به آستان امن تو پناه می‌برم

اَلْعَالِمُ بِاَنَّهُ لَا مَلْجَاَ مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ . اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْ دُعَائِيْ ،

و نیک می‌دانم که از ترس تو، جز به خودت نمی‌توان پناه برد. خدایا؛ دعایم را بپذیر؛

وَ اَسْمَعْ يَا اِلٰهِيْ عَلَانِيَّتِيْ وَ نَجْوَايَ ، وَ اجْعَلْنِيْ مِمَّنْ

ای خدای من؛ به سخن آشکار و راز پنهان من گوش فرا ده، و مرا از آنان قرار ده که

رَضِيَتْ عَمَلُهُ ، وَ قَبِلَتْ نُسْكُهُ ، وَ نَجِيَّتُهُ بِرَحْمَتِكَ ،

از کردارش خشنود هستی و اعمالش را می‌پذیری و با رحمت خودت (او را از ورطه‌های زندگی) نجات می‌دهی؛

اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْكَرِيْمُ . اَللّٰهُمَّ وَصَلْ اَوْلَاَّ وَ اٰخِرَاَّ

همانا تو خدای شکست‌ناپذیر بخشنده‌ای. خداوند؛ در ابتدا و انتها

عَلِيْ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ بَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

بر محمد و آل محمد درود فرست، و برای محمد و آل محمد برکت و فزونی عطا کن؛

مُحَمَّدٍ ، وَ اَرْحَمَ مُحَمَّدًا وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، بِاَكْمَلِ وَ اَفْضَلِ

و بر محمد و آل محمد رحم نما به نوعی کامل‌تر و برتر

مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلٰى اَنْبِيَاءِكَ وَ رُسُلِكَ ،

از درود و برکت و رحمتی که بر پیامبران و رسولان

وَ مَلَائِكَتِكَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ بِاِلٰهٍ اِلَّا اَنْتَ . اَللّٰهُمَّ

و فرشتگان و حاملان عرش فرستاده‌ای؛ به حرمت این واقعیت که جز تو خدایی نیست. خدایا؛

وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنِيْ وَ بَيْنَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ

میان من و محمد و آل محمد - که درود تو بر او و ایشان باد - جدایی ميفکن؛

عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ ، وَ اجْعَلْنِيْ يَا مَوْلَايَ مِنْ شِيْعَةِ مُحَمَّدٍ

و ای مولای من؛ مرا از شیعیان و پیروان محمد

وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ ذُرِّيَّتِهِمْ

و علی و فاطمه و حسن و حسین و اولاد

الطَّاهِرَةِ الْمُنتَجَبَةِ ، وَ هَبْ لِي التَّمَسُّكَ بِحَبْلِهِمْ ،

پاک و نیک‌نژاد و شریف آن‌ها قرار ده و به من توفیق عنایت کن که به ریسمان آن‌ها چنگ زنم،

وَ الرَّضَا بِسَبِيْلِهِمْ ، وَ الْاِحْذَاءَ بِطَرِيقَتِهِمْ ، اِنَّكَ جَوَادُ كَرِيْمٌ .

و به راهشان خشنود گردم و روش آنان را در پیش گیرم؛ همانا تو بسیار کریم و بخشنده هستی.

سپس صورت به خاک بمال و بگو:

يَا مَنْ يَحْكُمُ مَا يَشَاءُ وَيَفْعَلُ مَا يُرِيدُ اَنْتَ حَكَمْتَ ،

ای کسی که آنچه‌می‌خواهد حکم می‌کند، و هر چیزی را که اراده کند انجام می‌دهد؛ حکم از آن توست؛

فَلَكَ الْحَمْدُ مَحْمُودًا مَشْكُورًا ، فَعَجَّلْ يَا مَوْلَايَ

پس حمد و ستایش سزوار تو است در حالی که ستایش شده و سپاسگزاری شده هستی. ای مولای من؛

فَرَجَهُمْ ، وَ فَرَجْنَا بِهِمْ ، فَاِنَّكَ ضَمِنْتَ اِعْزَازَهُمْ بَعْدَ

در فرج آنان و فرج ما که به سبب آنان تحقق پیدا می‌کند تعجیل کن، همانا تو عزت آن‌ها را پس از

الذَّلَّةِ ، وَ تَكْثِيْرَهُمْ بَعْدَ الْقِلَّةِ ، وَ اِظْهَارَهُمْ بَعْدَ الْخُمُولِ ،

خواری، و فزونی آنان را پس از کمی، و جلوه‌کردن‌شان را پس از گمنامی ضمانت کرده‌ای؛

يَا أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. فَاسْأَلُكَ

ای راست‌گوترین راست‌گویان؛ ای مهربان‌ترین مهربانان؛

يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي، مُتَضَرِّعاً إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ،

ای خدای من؛ ای آقای من؛ از تو با تضرع و گریه و زاری به درگاه کرم و بخشش، درخواست می‌کنم

بَسْطَ أَمَلِي وَالتَّجَاوُزَ عَنِّي، وَقَبُولَ قَلِيلِ عَمَلِي

که آرزوهایم را تحقق بخشی، و از گناهانم درگذری، و کم و زیاد عملم را بپذیری؛

وَكَثِيرِهِ، وَالزِّيَادَةَ فِي أَيَّامِي وَتَبْلِيغِي ذَلِكَ الْمَشْهَدَ،

و در مدت عمرم زیاد مرا بدان حرم مطهر و بارگاه شریف شرفیاب گردانی.

وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدْعَى فَيُجِيبُ إِلَى طَاعَتِهِمْ

مرا از کسانی قرار ده که برای یاری، دوستی و فرمان‌برداری ایشان خوانده می‌شوند

وَمُؤَالَاتِهِمْ وَنَصْرِهِمْ، وَتُرِينِي ذَلِكَ قَرِيباً سَرِيعاً

و بی‌درنگ پاسخ می‌دهند، و این زمان را هر چه زودتر

فِي غَافِيَةٍ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

با عافیت و سریع به من بنمایان که همانا تو بر آنچه بخواهی توانایی.

سپس سرت را به طرف آسمان بلند کن و بگو:

أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ مِنَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَكَ،

خدایا؛ به تو پناه می‌برم از این که از آنانی باشم که به روزهای (بزرگ) تو امید ندارند؛

فَاعْذُنِي يَا إِلَهِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ ذَلِكَ.

پس به رحمت مرا از این گرفتاری پناه ده.

ای پسر سنان؛ این دعا از چندین حج و عمره مستحبتی که ثروت را در آن راه مصرف کنی و بدنت را به زحمت بیندازی و از خانواده‌ات جدا شوی، برتر است.

و آگاه باش که خدای تعالی به هر کس که در این روز این نماز را به جای آورد و این دعا را خالصانه بخواند و این عمل را با یقین و تصدیق (به خدا و ائمه عليهم السلام) انجام دهد، ده ویژگی عطا می‌کند:

از مرگ بد او را حفظ می‌کند؛ از مشکلات و فقر در امانش می‌دارد؛ تا زنده است دشمن را بر او چیره نمی‌گرداند؛ خودش و فرزندانش را تا چهار نسل از دیوانگی، جذام و پیسی می‌رهاند؛ بر او و فرزندانش تا چهار پشت، راهی برای شیطان و همکارانش باقی نمی‌گذارد.

پسر سنان می‌گوید: از نزد امام رفتم در حالی که می‌گفتم: سپاس خدای را که با معرفت و دوستی شما بر من منت نهاد، و از او یاری می‌طلبم که با منت و رحمتش، بر اطاعت شما - که خدا بر من واجب کرده است - موفقم بدارد.^۱

۱. مصباح‌المنتهجد: ۷۸۲، بحار الأنوار: ۳۰۳/۱۰۱.

دعای دیگری در روز عاشورا

«صالح بن عقبه» از پدرش از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که

فرمود:

آن کس که در دهمین روز محرم، حسین بن علی علیه السلام را زیارت کند و تمام روز را نزد قبر مطهرش گریان باشد؛ روزی که خدا را ملاقات می‌کند ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار غزوه (جهاد) دارد که ثواب هر غزوه و حج و عمره آن مانند ثواب کسی است که با پیامبر و امامان هدایتگر، حج و عمره بجای آورده و جهاد کند.

گفتم: فدایت شوم، اگر کسی در نقطه‌ای دور دست بود که امکان رسیدن به قبر امام حسین علیه السلام را در این روز نداشت چه کند؟ فرمود:

اگر آن گونه بود، به صحرایی برود و یا به مکان بلندی در خانه‌اش رود و با اشاره (به حضرت امام حسین علیه السلام) سلام کند و در لعن و نفرین بر قاتلانش، تلاش کند و پس از آن دو رکعت نماز بگذارد؛ و باید این اعمال را در آغاز روز، قبل از زوال خورشید انجام دهد.

سپس بر امام حسین علیه السلام گریه و ندبه کند و به هر کس که در

خانه‌اش حضور دارد (جز کسی که از او تقیه می‌کند) امر کند که بر آن حضرت بگریند و با اظهار جزع و بی‌تابی بر این مصیبت در خانه‌اش عزاداری بپا نماید و به یکدیگر تعزیت بگویند. اگر این کارها را انجام دهد من ضمانت می‌کنم که همه آن اجرها را نزد خداوند بلند مرتبه، داشته باشد.

گفتم: فدایت گردم، آیا شما برای ایشان این گونه ضمانت می‌کنی؟

فرمود: آری، من ضامن هستم و عهده‌دار برای کسی که آن را انجام دهد.

گفتم: چگونه به یکدیگر تعزیت بگوییم؟

فرمود: بگویید:

أَعْظَمَ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ، وَجَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ

خداوند اجرهای ما را بر مصیبت‌مان بر حسین، بزرگ گرداند، و ما و شما را

مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ

از انتقام‌جویان خونش همراه با ولیش، امام و پیشوای هدایت‌شده از آل

مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ۱.

محمد - که سلام بر آنان باد - قرار دهد.

۱. مصباح‌المتجهّد: ۷۷۲، المصباح: ۶۴۰، و مانند همین روایت در «کامل‌الزیارات: ۳۲۵» آمده

دعای ایام ماه رجب

که از ناحیه مقدسه امام زمان ارواحفاده صادر شده است

ابن عیاش می‌گوید: از دعایی که از ناحیه مقدسه امام عصر ارواحفاده به دست شیخ ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید رسیده، دعایی است که هر روز از ماه رجب خوانده می‌شود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعِ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وُلاةُ

پروردگارا؛ از تو درخواست می‌کنم به معانی تمام آنچه را که اولیاء امورت، تو را به آن می‌خوانند؛

أَمْرِكَ، أَلْمَامُونَ عَلَى سِرِّكَ، أَلْمُسْتَبْشِرُونَ

آنان که بر سر تو امین و به امر تو خشنود و مفتخرند،

بِأَمْرِكَ، أَلْوَاصِفُونَ لِقُدْرَتِكَ، أَلْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِكَ،

آن‌ها که قدرت تو را توصیف و عظمت تو را نشان می‌دهند؛

أَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ مَشِيئِكَ، فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ

درخواست می‌کنم به آنچه مشیت تو درباره آن‌ها ناطق است، پس آن‌ها را معدن

لِكَلِمَاتِكَ، وَأَزْكَانًا لِتَوْحِيدِكَ وَأَيَاتِكَ وَمَقَامَاتِكَ

کلمات، و ارکان توحید خود ساختی و نشانه‌ها و مقامات خویشتن قرارشان دادی؛ نشانه‌ها و

الَّتِي لَا تَعْطِيلَ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ يَعْرِفُكَ بِهَا مَنْ

مقاماتی که تعطیلی برای آن‌ها در هیچ مکانی نیست، هر که تو را شناخت به آن آیات و نشانه‌ها

عَرَفَكَ، لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ

شناخته است؛ میان تو و آنان تفاوتی نیست جز آن که آن‌ها بندگان تو

وَخَلْقُكَ، فَتَقُّهَا وَرَتَّقُهَا بِيَدِكَ، بَدُّوْهَا مِنْكَ وَعَوْدُهَا

وآفریده تو هستند. باز و بسته‌شدن امور آن‌ها در دست تو است، ابتدا و انتهای آن‌ها از تو و برگشت

إِلَيْكَ، أَعْضَادُ وَأَشْهَادُ وَمَنَاةٌ وَأَذْوَادٌ وَحَفَظَةٌ

ایشان به سوی توست. (آنان) پشتیبان و یاور تو و گواهان (بر خلق) و حامیان و مدافعان و نگهبانان

وَرُؤَادٌ، فِيهِمْ مَلَائِةٌ سَمَاءُكَ وَأَرْضُكَ حَتَّى ظَهَرَ أَنَّ

و پیشوایان تو هستند. پس از وجود ایشان آسمان و زمینت را پر کردی تا آشکار شود که:

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، فَبِذَلِكَ أَسْأَلُكَ وَبِمَوَاقِعِ الْعِزِّ مِنْ

معبودی جز تو نیست. پس به واسطه آن و به جایگاه والای عزت از

رَحْمَتِكَ، وَبِمَقَامَاتِكَ وَعَلَامَاتِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

مهربانی تو، و به واسطه مقامات و نشانه‌هایت از تو درخواست می‌کنم که بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَزِيدَنِي إِيمَانًا وَتَثْبِيئًا، يَا بَاطِنًا

محمد و آل او درود فرستی، و ایمان و استواری مرا فزونی بخشی؛ ای نهانی

فِي ظُهُورِهِ وَظَاهِرًا فِي بَطُونِهِ وَمَكُونِهِ، يَا مُفَرِّقًا

که در عین پنهان بودن آشکاری، و ای آشکاری که در عین آشکار بودن پنهانی؛ ای جداکننده

بَيْنَ النُّورِ وَالذَّيْجُورِ، يَا مَوْصُوفًا بِغَيْرِ كُنْهِ،

میان نور و تاریکی؛ ای آن که وصف شده‌ای ولی نه با کنه ذات؛

وَمَعْرُوفًا بِغَيْرِ شَبِيهِ، حَادِّ كُلِّ مَحْدُودٍ، وَشَاهِدَ كُلِّ

وای آن که شناخته شده‌ای اما نه به وسیله تشبیه و همانند؛ ای تعیین کننده حد و اندازه؛ و ای گواه هر

مَشْهُودٍ، وَمَوْجِدَ كُلِّ مَوْجُودٍ، وَمُحْصِيَ كُلِّ

مشهود؛ و ای ایجاد کننده هر موجود؛ و ای شمارشگر هر

مَعْدُودٍ، وَفَاقِدَ كُلِّ مَفْقُودٍ، لَيْسَ دُونَكَ مِنْ مَعْبُودٍ

شمرده شده؛ و ای نابودکننده هر نابود شده؛ جز تو معبودی نیست؛ و تو

أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْجُودِ، يَا مَنْ لَا يُكَيِّفُ بِكَيْفٍ،

اهل کبریا و بزرگواری و بخشش هستی. ای خدایی که به چگونگی و کیفیت توصیف نگردد،

وَلَا يُؤَيِّنُ بَأْيِنٍ، يَا مُحْتَجِبًا عَنْ كُلِّ عَيْنٍ، يَا دَيْمُومٌ

و از جا و مکان او پرسش نشود؛ ای آن که از چشمها پنهانی؛ ای وجود دائم،

يَا قَيُّومٌ، وَعَالِمٌ كُلِّ مَعْلُومٍ، صَلِّ عَلَى عِبَادِكَ

ای پاینده، ای دانای هر معلوم، درود فرست بر بندگان

الْمُنْتَجِبِينَ، وَبَشْرِكَ الْمُحْتَجِبِينَ، وَمَلَائِكَتِكَ

برگزیده‌ات؛ و انسان‌های پرده‌دارت؛ و بر فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ، وَالْبُهْمِ الصَّافِينَ الْحَاقِقِينَ، وَبَارِكْ لَنَا فِي

مقربت؛ و آن خاموشان به صف ایستاده و احاطه کنندگان. و

شَهْرِنَا هَذَا الْمُرَجَّبِ الْمَكْرَمِ، وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَشْهُرِ

این ماه گرامی رجب و نیز ماه‌های حرام بعد از آن را بر ما مبارک گردان؛

الْحُرْمِ، وَأَسْبِغْ عَلَيْنَا فِيهِ النِّعَمَ، وَأَجْزِلْ لَنَا فِيهِ

و در آن، نعمت‌هایت را بر ما فرو ریز، و بهره‌های ما را در این ماه بسیار گردان،

الْقِسْمَ، وَأَبْرِزْ لَنَا فِيهِ الْقَسَمَ، بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ

و سوگند ما را در آن صادق قرار بده، به خاطر بزرگ‌ترین،

الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى النَّهَارِ

بزرگ‌ترین، باشکوه‌ترین و گرامی‌ترین نامت؛ نامی که چون بر روز نهادی

فَأَضَاءَ، وَعَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ، وَاعْفِرْ لَنَا مَا تَعْلَمُ مِنَّا

روشن شد و وقتی بر شب قرار دادی، تاریک گشت. خداوندا؛ آنچه از گناهان ما را که تو می‌دانی

وَمَا لَنَعْلَمُ، وَاعْصِمْنَا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرِ الْعِصَمِ،

و ما نمی‌دانیم بر ما ببخش؛ و ما را به بهترین وجه از گناهان نگهداری کن و حفظ فرما؛

وَإَكْفِنَا كَوَافِي قَدْرِكَ، وَآمِنُنْ عَلَيْنَا بِحُسْنِ نَظْرِكَ،

و ما را با تقدیر کفایت‌کننده خود بسنده باش؛ و با نگاه نیکویت بر ما منت بگذار.

وَلَا تَكِلْنَا إِلَىٰ غَيْرِكَ، وَلَا تَمْنَعْنَا مِنْ خَيْرِكَ، وَبَارِكْ

و به غیر خودت وامگذار، و از خیر و خوبیت محروم‌مان مفرما؛

لَنَا فِيمَا كَتَبْتَهُ لَنَا مِنْ أَعْمَارِنَا، وَأَصْلِحْ لَنَا خَسِيئَةَ

و به عمری که برای ما مقدر داشته‌ای برکت عنایت کن، و درون و باطن‌مان را اصلاح فرما،

أَسْرَارِنَا، وَأَعْطِنَا مِنْكَ الْأَمَانَ، وَاسْتَعْمِلْنَا بِحُسْنِ

و برای ما از سوی خود امان بده، و ما را با ایمان نیکو و

الْإِيمَانِ، وَبَلَّغْنَا شَهْرَ الصِّيَامِ، وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَيَّامِ

کردار نیک به کار گیر، و ما را به ماه مبارک رمضان و روزها و سال‌های پس از آن، برسان؛

وَالْأَعْوَامِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ۱.

ای دارای شکوه و بزرگواری.

نگارنده کتاب «عمدة الزائر» در مورد دعای فوق، چنین توضیح می‌دهد: صاحبان امر و حکومت الهی، محمد و آل محمد علیهم‌السلام هستند که بدین صفات زیبا، موصوف گشته‌اند؛ آنان، دارای مقاماتی هستند که در هیچ مکانی تعطیل نخواهد گشت؛ هرگاه با آن معانی و حقایقی که نزدشان ذخیره و پنهان است، خدا را بخوانند یا هر دعا کننده دیگری به وسیله آن‌ها خدا را بخواند، و یا خدا را به آن دعاهایی که آن بزرگواران در جایی و بر هر چیزیی خوانده‌اند بخواند، خداوند دعایشان را اجابت می‌کند بدون این که دعای آنها رد شود. زیرا خداوند فیض رسان است، و آن عزیزان قابلیت دارند؛ لذا به برکت آن‌هاست که بر هر دعا کننده‌ای بلکه بر همه مخلوقات فیض نازل می‌شود.

این است راز این مطلب که باید در هر حاجت و نیازی بر آن‌ها صلوات فرستاد و به خداوند از طریق آنان توسل جست. چرا که هر کس بر آنان درود فرستد، درخواستش رد نخواهد شد. ۲

۱. المصباح: ۷۰۱، مصباح المتعبد: ۸۰۳، بحار الأنوار: ۳۹۲/۹۸، إقبال الأعمال: ۱۴۵.

۲. عمدة الزائر: ۱۷۴.



دعای دیگر در ایام ماه رجب

که از ناحیه مقدسه رسیده است

ابن عیاش می‌گوید: این دعا نیز از ناحیه مقدسه به دست حسین بن روح رضی الله عنه رسیده است که در هر روز از ماه رجب خوانده می‌شود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ

خدا یا؛ از تو درخواست می‌کنم به حق دو تولد یافته در ماه رجب، یعنی محمد بن

عَلِيِّ الثَّانِي، وَابْنِهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْمُنتَجَبِ،

علی دوم (حضرت جواد علیه السلام) و فرزندش علی بن محمد که برگزیده شده است؛

وَأَتَقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرْبِ، يَا مَنْ إِلَيْهِ

و به وسیله آن دو به سوی تو به بهترین وجهی تقرب می‌جویم. ای کسی که هر

الْمَعْرُوفُ طَلِبَ، وَفِيمَا لَدَيْهِ رُغَبٌ. أَسْأَلُكَ سُؤَالَ

نیکی از او درخواست می‌شود، و به آنچه نزد اوست رغبت می‌شود. از تو درخواست می‌کنم

مُعْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ أَوْبَقَّتْهُ ذُنُوبُهُ، وَأَوْثَقَتْهُ عُيُوبُهُ،

همانند گناهکاری که به جرمش اعتراف می‌کند، و گناهانش او را به هلاکت و عیب‌هایش او را در بند

فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا دُؤُوبُهُ، وَمِنَ الرَّزَايَا خُطُوبُهُ،

کشیده؛ دیر زمانی است که بر اشتباه‌کاری‌ها عادت کرده و کارش با مصیبت‌های بزرگ می‌گذرد؛

دعای سوّم در ایّام ماه رجب

از محمّد بن عبدالرحمان (شوشتری) روایت شده است که گفت: روزی از بنی رواس گذشتم، یکی از دوستانم به من گفت: اگر دوست داری همراه ما به سوی مسجد صعصعه بیا، تا در آنجا نماز بخوانیم، زیرا این ماه، ماه رجب است و زیارت این مکان‌های شریف که اولیاء ما قدم گذاشته‌اند، و آن بزرگواران در آنجا نماز گزارده‌اند ثواب دارد؛ و مسجد صعصعه یکی از آن اماکن می‌باشد.

محمّد بن عبدالرحمان می‌گوید: با هم به سوی مسجد صعصعه رفتیم و در این هنگام شتری را دیدیم که جلوی درب مسجد خوابانده شده بود؛ داخل مسجد شدیم و به مردی برخورد کردیم که پیراهن حجازی بر تن و عمامه‌ای شبیه عمامه آن‌ها به سر داشت و در حالی که نشسته بود این دعا را می‌خواند؛ من و همراهم نیز آن را حفظ کردیم. آن دعا این است:

(شیخ طوسی اعلی الله مقامه می‌فرماید: در هر روز از ماه رجب مستحب است این دعا خوانده شود:)

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَنَنِ السَّابِغَةَ، وَالْأَلَاءِ الْوَازِعَةَ،

خدایا؛ ای کسی که دارای لطف و احسان فراوان، و نعمت‌های گسترده،

يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ، وَحُسْنَ الْأُوبَةِ، وَالتُّزُوعَ عَنِ

از تو درخواست توبه و بازگشت نیکو و بیرون آمدن از

الْحَوْبَةِ، وَمِنَ النَّارِ فَكَأَنَّكَ رَقِيبَتِهِ، وَالْعَفْوَ عَمَّا فِي

گناه می‌کند، و می‌خواهد آزادی از آتش جهنم و بخشش از آنچه در بند اوست را نصیب

رَبِّقَتِهِ، فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ أَعْظَمُ أَمَلِهِ وَثِقَتِهِ. اللَّهُمَّ

سازی. ای مولای من؛ تو بزرگ‌ترین آرزو و مایه اطمینان او هستی. بار خدایا؛

وَأَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ، وَوَسَائِلِكَ الْمُنِيفَةِ، أَنْ

از تو به حق درخواست‌های شرافت‌مندانانه، و دستاویزهای والایت؛ درخواست می‌کنم که

تَتَعَمَّدَنِي فِي هَذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَاسِعَةٍ،

مرا در این ماه در رحمت بی‌کرات غرق گردانی، و بر من نعمت‌های

وَنِعْمَةٍ وَازِعَةٍ، وَنَفْسٍ بِمَا رَزَقْتَهَا قَانِعَةٍ إِلَى نُزُولِ

فراوان عطا کنی، و به من نفسی عطا کنی که تا روزی که در قبر فرود آیم و در منزل

الْحَافِرَةِ، وَمَحَلِّ الْأَخِرَةِ، وَمَا هِيَ إِلَيْهِ صَائِرَةٌ. ۱

آخرت سکونت گزینم و آنجا که روانم به سوی آن می‌شاید، نسبت به آنچه نصیب آن نمودی قانع باشم.

وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ، وَالْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ، وَالنِّعَمِ

و رحمت فراگیر، و قدرت جامع و کامل، و نعمت‌های

الْجَسِيمَةِ، وَالْمَوَاهِبِ الْعَظِيمَةِ، وَالْأَيَادِي الْجَمِيلَةَ،

عظیم، و بخشش‌های بزرگ، و هدیه‌های زیبا، و عطایای

وَالْعَطَايَا الْجَزِيلَةَ. يَا مَنْ لَا يُنْعَتُ بِتَمَثِيلٍ، وَلَا يُمَثَّلُ

فراوان هستی. ای کسی که به وسیله تمثیل وصف نمی‌شود، و به هیچ موجودی به عنوان نظیر مثال‌زده نمی‌شود،

بِنظِيرٍ، وَلَا يُغْلَبُ بِظَهِيرٍ، يَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقًا، وَاللَّهِمَّ

و به کمک پشتیبان، مغلوب نمی‌شود؛ ای کسی که موجودات را خلق کرد؛ سپس به آنان رزق و روزی داد؛ و به آنان الهام

فَأَنْطَقَ، وَابْتَدَعَ فَشَرَعَ، وَعَلَا فَارْتَفَعَ، وَقَدَّرَ

کرد؛ پس به سخن درآورد؛ و نوآوری نمود، سپس تشریح کرد؛ و برتری یافت، پس رفیع و بلندمرتبه گردید؛ و تقدیر

فَأَحْسَنَ، وَصَوَّرَ فَأَثَقَنَ، وَاحْتَجَّ فَأَبْلَغَ، وَأَنْعَمَ

کرد، پس نیکو گردانید؛ و تصویر کرد، پس محکم نموده؛ و با دلیل استدلال کرد، پس زسا گردانید و نعمت داد،

فَأَسْبَغَ، وَأَعْطَى فَأَجْزَلَ، وَمَنَحَ فَأَفْضَلَ. يَا مَنْ سَمَا

پس کامل کرد؛ و عطا نمود، پس آن را بیشتر کرد؛ و بخشش نمود، و آن را فزونی داد. ای کسی

فِي الْعِزِّ فَفَاتَ نَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ، وَدَنَا فِي اللَّطْفِ

که اوج گرفت در عزت و توانمندی، و به همین خاطر دیدگاه‌های چشمان نتوانست به سوی او راه

فَجَارَ هُوَ اجْسَ الْأَفْكَارِ، يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ فَلَا نِدَّ

یابد؛ و آن قدر به لطافت نزدیک شده که از هر آنچه به ذهن خطور می‌کند می‌گذرد؛ ای کسی که در پادشاهی

لَهُ فِي مَلَكَوَتِ سُلْطَانِهِ، وَتَفَرَّدَ بِالْأَلَاءِ وَالْكَبْرِيَاءِ،

تنها هستی؛ پس همتایی برای او در قدرت و سلطنت بر هستی نیست؛ و در نعمت‌ها و شکوه و عظمت، یگانه

فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي جَبْرُوتِ شَأْنِهِ، يَا مَنْ حَارَتْ فِي

و بی‌مانند هستی؛ پس در مقام جبروت و استیلاء ضدی برای او نیست؛ ای کسی که

كِبْرِيَاءِ هَيْبَتِهِ دَقَائِقُ لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ، وَأَنْحَسَرَتْ

لطایف و دقت‌ها و ریزبینی‌های افکار و تصوّرات و نیروی خیال در هیبت و شکوه او حیران و سرگردان، و در

دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ خَطَائِفُ أَبْصَارِ الْأَنْامِ. يَا مَنْ

ادراک کمترین مرتبه بزرگی او دیدگان جستجوگر مردم ناتوان شده. ای کسی که

عَنَتِ الْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ، وَخَضَعَتِ الرَّقَابُ لِعَظَمَتِهِ،

صورتها به خاطر عظمت و جلال او خوار و دلیل گردید و از بین رفت، و گردن‌ها به خاطر عظمت او خم شد و خاشع

وَوَجَلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ خِيفَتِهِ، أَسْأَلُكَ بِهَذِهِ الْمِدْحَةِ

گشت، و قلب‌ها از ترس او لرزان و هراسان شد؛ به خاطر این، مدح و ثنایی

الَّتِي لَا تَنْبَغِي إِلَّا لَكَ، وَبِمَا وَأَيْتَ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ

که هیچ کس به غیر تو سزاوار و شایسته آن نیست؛ و به خاطر آنچه

لِدَاعِيكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِمَا ضَمِنْتَ الْإِجَابَةَ فِيهِ

برای مؤمنانی که تو را می‌خوانند، بر خودت وعده داده‌ای؛ و به خاطر آنچه برای

عَلَى نَفْسِكَ لِلدَّاعِينَ. يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، وَأَبْصَرَ

دعاکنندگان، اجابت‌کردن را ضامن شده‌ای؛ از تو طلب می‌کنم. ای شنواترین شنوندگان، و بیناترین

النَّاطِرِينَ، وَأَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ،

بینندگان، و سریع‌ترین محاسبه‌کنندگان؛ ای صاحب نیرو و توان محکم؛

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ

بر پایان‌بخش پیامبران حضرت محمد ﷺ و اهل بیت او

[الْأَيُّمَةِ الصَّادِقِينَ]، وَأَقْسِمُ لِي فِي شَهْرِنَا هَذَا خَيْرَ

- که پیشوایان راستگو هستند - درود بفرست؛ و در این ماه، بهترین

مَا قَسَمْتُ، وَأَحْتِمُ لِي فِي قَضَائِكَ خَيْرَ مَا حَتَمْتُ،

قسمت‌ها را برای من قرار بده؛ و بهترین حکم را در قضا و قدر خودت برای من حتمی گردان.

وَأَحْتِمُ لِي بِالسَّعَادَةِ فِيمَنْ خَتَمْتُ، وَأَحْيِي لِي مَا

و پایان کار مرا به سعادت ختم کن، در میان کسانی که کارشان را به پایان رسانیدی، و تا مادامی که

أَحْيَيْتَنِي مَوْفُوراً، وَأَمِثْنِي مَسْرُوراً وَمَغْفُوراً،

مرا زنده نگه می‌داری نعمتت را بر من زیاد و فراوان بگردان؛ و مرا در حالی که شادان و بخشیده شده‌ام، بمیران؛

وَتَوَلَّ أَنْتَ نَجَاتِي مِنْ مُسَائِلَةِ الْبُرْزَخِ، وَادْرَأْ عَنِّي

و خودت نجات از پرسش‌های برزخ مرا بر عهده بگیر؛ و

مُنْكَرًا وَنَكِيرًا، وَأَرِ عَيْنِي مُبَشِّرًا وَبَشِيرًا، وَاجْعَلْ

نکیر و منکر را از من دور کن؛ و مبشّر و بشیر را به من نشان بده؛ و

لِي إِلَى رِضْوَانِكَ وَجَنَانِكَ مَصِيرًا وَعَيْشًا قَرِيبًا،

بازگشت مرا به سوی بهشت و رضوان خودت قرار بده؛ و زندگی خوش و کامیاب،

وَمُلْكًا كَبِيرًا، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَثِيرًا.

و دارایی بزرگ برایم قرار بده؛ و بر محمد و آل او درود فراوان بفرست.

سپس آن مرد سجده‌ای طولانی کرد، و از جایش برخاست و شترش را سوار شد و از آنجا رفت. دوستم به من گفت: به نظر ما او حضرت خضر عليه السلام بود؛ چه شد که با او صحبت نکردیم؟ گویا زبان ما را از صحبت کردن باز داشته بودند!

از مسجد خارج شدیم و در راه پسرابی رواد روایی را دیدیم؛ او به ما گفت: از کجا می‌آیید؟

گفتم: از مسجد صعصعه؛ و جریان را نیز برایش بازگو کردیم. او گفت: این سوار دو سه روز یک بار به مسجد صعصعه می‌آید، و هیچ حرف نمی‌زند؛ به او گفتیم که: او کیست؟

گفت: شما فکر می‌کنید چه کسی باشد؟

گفتم: گمان می‌کنیم حضرت خضر عليه السلام باشد.

گفت: به خدا سوگند، فکر می‌کنم او کسی است که حضرت خضر عليه السلام هم محتاج دیدار او است. بروید که سعادت‌مند شدید.

دوستم به من گفت: به خدا سوگند؛ آن شخص امام زمان ارواحنا فداء بود.^۱

نگارنده می‌گوید: سیّد بزرگوار جناب علی بن طاووس

۱. المصباح: ۶۹۹، مزار شهید: ۲۷۷، بحار الأنوار: ۴۴۶/۱۰۰، إقبال الأعمال: ۱۴۳.

می فرماید: این دعا از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است، ولی به خاطر این که در ایام ماه رجب خوانده می شود آن را در این جا (بخش ادعیه ماهها) نقل کردیم. و در بخش اول (نمازها، ص ۲۰۰) دوازده رکعت نماز را در روز بیست و هفتم ماه رجب با دستور آن نقل کردیم، به آنجا مراجعه کنید.



دعای روز سوّم ماه شعبان

علامه مجلسی رحمته الله در کتاب «بحار الأنوار» می فرماید: وکیل امام حسن عسکری علیه السلام - قاسم بن علاء همدانی - نامه ای از ناحیه مقدّسه دریافت کرد که در آن فرموده بودند:

همانا مولای ما امام حسین علیه السلام در روز پنجشنبه سوّم شعبان به دنیا آمدند؛ آن روز را روزه بگیر، و این دعا را بخوان^۱.

و در کتاب «زاد المعاد» می فرماید: امام زمان صلوات الله علیه این دستور را صادر فرمودند:

روز سوّم ماه شعبان را روزه بگیر و این دعا را بخوان؛ زیرا این روز، روز ولادت امام حسین علیه السلام است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ،

ای خدا؛ از تو درخواست می کنم به حقّ مولود در این روز که

الْمَوْعُودِ بِشَهَادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ وَوِلَادَتِهِ، بَكْتُهُ

پیش از آنکه چهره اش ظاهر شود و متولّد گردد به شهادت او وعده داده شده، کسی که

السَّمَاءِ وَمَنْ فِيهَا، وَالْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهَا، وَلَمَّا يَطَأُ

بر او آسمان و هر که در آن است و زمین و هر که بر روی آن است بر (مظلومیت) او گریستند، در

لَابْتِيهَا قَتِيلِ الْعَبْرَةِ وَسَيِّدِ الْأُسْرَةِ، الْمَمْدُودِ

حالی که هنوز قدم به این دنیا نگذاشته بود؛ او کشته گریه و سرور خاندان است؛

بِالنُّصْرَةِ يَوْمَ الْكُرَّةِ، الْمَعْوِضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْأَيْمَةَ

که با انتقام خون پاکش در رجعت آل محمّد نصرت و ظفر پایدار خواهد یافت، و در عوض شهادتش امامان

مِنْ نَسْلِهِ، وَالشِّفَاءِ فِي تُرْبَتِهِ، وَالْفَوْزَ مَعَهُ فِي

و پیشوایان دین از نسل پاک آن حضرت، و شفای هر درد و مرضی در تربت اوست، و رستگاری و پیروزی

أُوبْتِهِ، وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ عِثْرَتِهِ، بَعْدَ فَائِمِهِمْ وَعَيْبَتِهِ،

همراه اوست به هنگام رجعتش، و اوصیا از عترت او هستند، پس از حضرت مهدی علیه السلام و بعد از غیبت آن

حَتَّى يُدْرِكُوا الْأَوْتَارَ، وَيَثَارُوا الشَّارَ، وَيَرْضُوا

حضرت تا این که به خونخواهی آن حضرت برخیزند و انتقام گیرند، و خداوند

الْجَبَّارَ، وَيَكُونُوا خَيْرَ أَنْصَارٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ، مَعَ

جبار را از خودشان خشنود کنند، و از بهترین یاوران (دین خدا) باشند. درود خدا بر آنان تا

اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ. اللَّهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ إِلَيْكَ أَتَوَسَّلُ،

زمانی که روز و شب در رفت و آمد هستند. بار خدایا؛ به حق آنان به درگاه تو توسل می‌جویم،

وَأَسْأَلُ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ [وَأَمُغْتَرِفٍ]، مُسِيءٍ إِلَى

و از تو درخواست می‌کنم مانند گناهکاری که اعتراف به گناهان خود می‌کند؛ به خود بدی

نَفْسِهِ، مِمَّا فَرَطَ فِي يَوْمِهِ وَأَمْسِيهِ، يَسْأَلُكَ الْعِصْمَةَ

نموده به خاطر این که در روز و شب خود کوتاهی کرده است، از تو درخواست می‌کند که

إِلَى مَحَلِّ رَمْسِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَتْرَتِهِ،

او را تا هنگام مرگ از گناه محفوظ بداری. خدایا؛ بر حضرت محمد و عترت پاکش درود فرست،

وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ، وَبَوِّئْنَا مَعَهُ دَارَ الْكِرَامَةِ،

و ما را در زمره آن بزرگوار محشور فرما، و در سرای کرامت یعنی بهشت

وَمَحَلِّ الْإِقَامَةِ. اللَّهُمَّ وَكَمَا أَكْرَمْتَنَا بِمَعْرِفَتِهِ،

و محل اقامت ابدی، مرا با او همنشین گردان. خدایا؛ همانطور که ما را با معرفت و شناخت او گرامی

فَأَكْرِمْنَا بِزُلْفَتِهِ، وَارْزُقْنَا مُرَافَقَتَهُ وَسَابِقَتَهُ، وَاجْعَلْنَا

داستی، پس با تقرب به او نیز گرامی دار؛ دوستی، همراهی و شتافتن به سوی او را روزی ما بگردان،

مِمَّنْ يُسَلِّمُ لِأَمْرِهِ، وَيَكْثُرُ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ،

و ما را از کسانی قرار ده که در برابر امر او تسلیم است و در هنگام یاد نمودن از او درود

وَعَلَى جَمِيعِ أَوْصِيَائِهِ وَأَهْلِ اصْطِفَائِهِ، الْمَمْدُودِينَ

بسیار بر او و تمامی اوصیا و برگزیدگان او می‌فرستد، آنان که از طرف تو پیوسته آمده‌اند،

مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْإِثْنَيْ عَشَرَ، النَّجُومِ الزُّهَرِ، وَالْحُجَجِ

و تعدادشان دوازده تن می‌باشد؛ همه آنها ستارگان درخشان، و

عَلَى جَمِيعِ الْبَشَرِ. اللَّهُمَّ وَهَبْ لَنَا فِي هَذَا الْيَوْمِ خَيْرَ

برای تمامی انسان‌ها حاجت می‌باشند. خدایا؛ در این روز، بهترین بخشش خود را به ما ببخش؛

مَوْهَبَةٍ، وَأَنْجِحْ لَنَا فِيهِ كُلَّ طَلِبَةٍ، كَمَا وَهَبْتَ

و در این روز، تمامی حاجات ما را برآورده کن، همان طور که امام حسین علیه السلام را

الْحُسَيْنِ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَاذَ

به جدش حضرت محمد - که درود خدا بر او و آل او باد - هدیه دادی و طفرس

فُطْرُسُ بِمَهْدِهِ، فَتَحْنُ عَائِدُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ،

- فرشته الهی - به گهواره‌اش پناه برد؛ ما نیز پس از شهادتش به قبر او پناه می‌بریم و در نزد تربت

نَشْهَدُ تُرْبَتَهُ، وَنَنْتَظِرُ أَوْبَتَهُ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. ۱

او حاضر می‌شویم و منتظر بازگشتش می‌باشیم؛ ای پروردگار هستی؛ دعای ما را مستجاب کن.

فضیلت شب نیمه شعبان

سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس رحمته الله علیه می‌فرماید:

سزاوار است تعظیم این شب به خاطر ولادت حضرت مهدی

ارواحفاده نزد مسلمانان و کسانی که اعتراف به حقوق امامت ایشان

دارند - به مقداری که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را ذکر فرموده‌اند - و

۱. زاد المعاد: ۵۷، مصباح‌المتجهّد: ۸۲۶، المصباح: ۷۲۰، إقبال الأعمال: ۲۰۲.

سعادت‌مندان از امت پیامبر ﷺ آن را بشارت داده‌اند؛ باشد. همان طور که روزگار و زندگانی برای مسلمانان تنگ و تاریک شد و لشکریان دشمن بر آنان مسلط شدند و بدیمنی و شومی گناهان‌شان آنان را احاطه کرد؛ پس خداوند مولودی را به دنیا آورد که آنان را از اسارت و بردگی آزاد کند و آنان را بر حقوق از دست رفته ایشان قدرت و توانایی می‌دهد و به تمامی افراد بشر آنچه را که مستحق آن هستند، اعطا می‌کند؛ سفره رحمت خود را در شرق و غرب عالم می‌گستراند؛ سفره‌ای که همگان به طور یکسان از آن بهره‌مند می‌شوند.

کامل‌کننده الطاف خداوند با اوصافی نیکو است. او بر آن سفره مانند پدری دلسوز نسبت به فرزندان عزیزش یا مانند حاکمی مهربان و بزرگوار نسبت به رعیت و زیردستانش می‌نشیند و آن حضرت از مقدمات نشانه‌های سرور و بشارت‌های خیر و نیکی نسبت به جهان پایدار را به آن‌ها نشان می‌دهد؛ آنچه را که حاضر آن گواهی بر غایب آن می‌دهد و دل‌ها را به سوی اطاعت پروردگار می‌کشاند.

سید بن طاووس رحمته‌الله در ادامه می‌افزاید: تمامی انسان‌ها باید برای شکرگزاری از آنچه خداوند به وسیله آن حضرت بر آنان منت گذاشته و به آنان عطا کرده، و به خاطر این که خداوند آنان را از رعیت و سربازان آن حضرت قرار داده تا برای یاری اسلام و

ایمان، و ریشه‌کن کردن کفر و سرکشی و دشمنان اسلام، و برپا کردن خیمه‌های سعادت در تمامی عالم از شرق تا غرب و در دورترین نقاط جهان، او را یاری دهند، این شب را گرامی بدارند و به عبادت بپردازند.

و آن‌ها را در خدمت خداوندی که کسی به ذات او پی نمی‌برد قرار خواهد داد و نیز در خدمت رسول خدا ﷺ - که سبب این ولادت و سعادت و شرافت دادن به ریاست آن حضرت است - و نیز تشکری و خدمتی برای پدران پاک آن حضرت؛ آنان که اصل و ریشه این ولادت مبارک و یاوران آن حضرت در برپا داشتن حرمت و حفظ احترامش می‌باشند، و نیز تشکری و خدمتی به خود آن حضرت نماید.

همان گونه که واجب است هر بنده‌ای در برابر زمامدار خود که باعث استواری و پایداری او گردیده و سعادت او را تأمین نموده خدمت کند و گمان نمی‌کنم که قوت بشری قادر بر قیام به این حقوق عظیم و پسندیده باشد مگر با نیروی الهی.

پس هر بنده‌ای از بندگان سعادت‌مند به خاطر نعمت‌هایی که به وسیله آن حضرت و به خاطر طفیل وجود ایشان به او می‌رسد، باید با قدرت و جدّیت به شکرگزاری قیام کند.

از جمله دعاها و سوگندهایی که در شب نیمه شعبان به واسطه این مولود عالی‌مقام و ارزشمند، به خدای تعالی می‌دهیم؛ این دعاست:

دعای شب نیمه شعبان

اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَمَوْلُودِهَا، وَحُجَّتِكَ

خدایا؛ به حق امشب ما و مولود آن، و حجت تو

وَمَوْعُودِهَا، الَّتِي قَرَنْتَ إِلَيَّ فَضْلَهَا فَضْلاً فَتَمَّتْ

و وعده داده شده آن، که برتری دیگری بر برتری آن مقرون ساختی و پیوسته نمودی؛ پس کامل

كَلِمَتِكَ صِدْقاً وَعَدْلاً، لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِكَ، وَلَا

گردید کلمه تو به راستی و عدالت، که دگرگون کننده‌ای برای کلمات تو نیست، و نه

مُعَقَّبَ لآيَاتِكَ، نُورِكَ الْمُتَأَلِّقُ، وَضِيَاؤُكَ الْمُشْرِقُ،

پس‌زنده‌ای بر آیات نیست؛ او نور درخشان تو و روشنایی تابان تو

وَالْعَلَمُ النُّورُ فِي طَخِيَاءِ الدِّيَجُورِ، الْغَائِبُ

و پرچم نور در تاریکی شب سیاه، (که جمالش) پنهان و

الْمَسْتُورُ. جَلَّ مَوْلِدُهُ، وَكَرَّمَ مَحْتَدُهُ، وَالْمَلَائِكَةُ

پوشیده است. ولادتش شکوه‌مند، و نژادش شریف است، و فرشتگان

شُهِدَهُ، وَاللَّهُ نَاصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ، إِذَا آتَى مِيعَادَهُ،

شاهدان اویند، و خداوند یاری‌کننده و تأییدکننده اوست؛ هنگامی که زمان وعده‌اش فرا رسد،

وَالْمَلَائِكَةُ أَمْدَادُهُ، سَيْفُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَنْبُو، وَنُورُهُ

و فرشتگان مددکاران اویند. او شمشیر خداوندی است که کند نشود، و نور خداوندی است

الَّذِي لَا يَخْبُو، وَذُو الْحِلْمِ الَّذِي لَا يَصْبُو، مَدَارُ

که هرگز خاموش نگردد، و صاحب بردباری است که از جا در نرود. محور و مرکز چرخش

الدَّهْرِ، وَنَوَامِيسُ الْعَصْرِ، وَوَلَاةُ الْأَمْرِ، وَالْمُنَزَّلُ

روزگار، و ناموس‌های زمانه، و کارداران فرمان الهی؛ و کسانی که نازل گشته

عَلَيْهِمُ الذِّكْرُ، وَمَا يَنْزِلُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَأَصْحَابُ

بر ایشان ذکر یعنی قرآن و آنچه در شب قدر نازل گردد، و صاحبان

الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ، تَرَاجِمَةٌ وَحِيَّةٌ، وَوَلَاةُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ.

گردآوری و پراکندگی، بیان‌کننده پیام آسمانی او؛ و عهده‌داران امر و نهی او می‌باشند.

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ خَاتِمِهِمْ وَقَائِمِهِمْ، الْمَسْتُورِ عَنِ

بار خدایا؛ بر آخرین، و قیام‌کننده ایشان درود بفرست که از عوالم ایشان پوشیده است؛

عَوَالِمِهِمْ (عَوَالِمِهِمْ)، وَأَدْرِكْ بِنَايَاتِهِمْ وَظُهُورَهُمْ وَقِيَامَهُمْ،

و ما را موقت به درک روزگار و دوران ظهور و قیامش بگردان؛

وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ، وَاقْرِنْ ثَارَنَا بِثَارِهِ، وَاکْتُبْنَا

و ما را از یاران آن حضرت قرار بده؛ و خونخواهی ما را به خونخواهی او پیوسته گردان؛ و ما را در

فِي أَعْوَانِهِ وَخُلَصَائِهِ، وَأَحِينَا فِي دَوْلَتِهِ نَاعِمِينَ،

گروه یاران و مخلصان بی‌الایشانش بنویس؛ و ما را در دولت آن حضرت، برخوردار از نعمت زنده بار

وَبِصُحْبَتِهِ غَانِمِينَ، وَبِحَقِّهِ قَائِمِينَ، وَمِنَ الشُّوْءِ

و به همراهی او بهره‌مند، و به ادای حَقِّش پابرجا، و از بدی نیز

سَالِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

برکنار بدار؛ ای مهربان‌ترین مهربانان؛ و ستایش مخصوص پروردگار

الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

جهانیان است؛ و درود او بر حضرت محمد خاتم پیامبران

وَالْمُرْسَلِينَ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ وَعِوَرْتِهِ

و رسولان و بر اهل بیت راستگو و عترت

النَّاطِقِينَ، وَالْعَنَ جَمِيعَ الظَّالِمِينَ، وَاحْكُم بَيْنَنَا

سخن‌گوی اندیشمند او باد. خدایا؛ به همه ستم‌کاران لعنت کن، و خودت بین ما

وَيَبْنِهِمْ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ ۱.

و آن‌ها داوری کن؛ ای بهترین داوران.

نگارنده می‌گوید: سزاوار است صلوات ضراب اصفهانی که آن را در صفحه ۴۰۵ این کتاب نقل کردیم، در شب نیمه شعبان و روزش، خوانده شود.

فضیلت (دعای خضر علیه السلام معروف به) دعای کمیل

در آن شب

کمیل بن زیاد می‌گوید: با مولایم امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مسجد بصره نشسته بودم و گروهی از اصحاب نیز همراه آن حضرت بودند، پس بعضی از آنان از ایشان سؤال کردند که معنای این فرمایش خداوند: ﴿ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ﴾^۱؛ «که در آن شب هر امری با حکمت معین گردد»، چیست؟

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

مراد، شب نیمه شعبان است؛ قسم به آن کس که جان علی در دست اوست، هیچ بنده‌ای نیست مگر این که تمامی خیر و شری که در طول سال تا شب نیمه شعبان آینده بر او می‌گذرد، در آن شب برای او تقسیم می‌شود؛ و هیچ بنده‌ای نیست که این شب را با شب زنده‌داری سپری کند و دعای حضرت خضر علیه السلام را بخواند مگر این که اجابت شود.

امام علیه السلام از مسجد بیرون رفتند، من شب هنگام در پی ایشان به راه افتادم؛ حضرت فرمودند: ای کمیل؛ چه باعث شده که اینجا آمده‌ای؟ گفتم: ای امیر مؤمنان؛ دعای حضرت خضر علیه السلام را می‌خواهم. حضرت فرمودند:

۱. سوره دخان، آیه ۴.

۱. اقبال الأعمال: ۲۱۸، زاد المعاد: ۶۳، المصباح: ۷۲۴، مصباح الزائر: ۳۱۵.

ای کمیل؛ بنشین؛ هنگامی که این دعا را حفظ کردی، هر شب جمعه یا در ماه یک مرتبه و یا در طول سال یک مرتبه یا در طول عمرت یک مرتبه این دعا را بخوان که تو را کفایت و یاری می‌کند، و روزی تو را زیاد می‌گرداند، و آمرزش الهی را هیچ‌گاه از دست نمی‌دهی.

ای کمیل؛ دوستی و همنشینی طولانی تو با ما، تو را سزاوار نموده که آنچه می‌خواهی به تو بخشش نمایم.^۱

حضرت، «دعای کمیل» را به او آموختند که این دعا را در صفحه ۱۰۵۷ این کتاب نقل می‌کنیم. و در بخش اول (نمازها، ص ۲۰۳ و ۲۰۴) نمازهایی را که در شب نیمه شعبان خواننده می‌شوند، نقل کردیم به آنجا رجوع کنید.



دعای افتتاح

علامه مجلسی رحمته الله می‌گوید: با سند معتبر روایت شده که: امام عصر ارواحنا فداه خطاب به شیعیان مرقوم فرمودند:

این دعا را در تمام شب‌های ماه مبارک رمضان بخوانید؛ زیرا فرشتگان به آن گوش فرا می‌دهند و برای خواننده آن، طلب بخشش می‌کنند.

دعا این است: **اللَّهُمَّ إِنِّي أفتَحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ، وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ**

بارالها! من ثناگویی تو را با ستایش و حمدت آغاز می‌کنم؛ و تو به لطف و احسانت هر کار

لِلصَّوَابِ بِمَنْكَ، وَأَيَّقِنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

راست و درستی را استوارکننده‌ای؛ و یقین دارم که تو در جایگاه بخشش و

فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي

مهربانی، مهربان‌ترین مهربانان هستی؛ و در جایگاه انتقام و عقوبت نیز

مَوْضِعِ النَّكَالِ وَالنَّقْمَةِ، وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ فِي

سخت‌ترین کیفرکننده‌ای؛ و در جایگاه بزرگی و عظمت، بزرگ‌ترین

مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ. اللَّهُمَّ أذْنْتُ لِي فِي

قدرت و شوکت را دارا هستی. بارالها! به من اجازه دادی تو را دعا کنم

دُعَائِكَ وَمَسْئَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يَا سَمِيعُ مِدْحَتِي،

و از تو درخواست نمایم؛ بنابراین، ای شنونده؛ به ثناگویی من گوش بده؛

وَأَجِبْ يَا رَحِيمُ دَعْوَتِي، وَأَقِلْ يَا غَفُورٌ عَثْرَتِي،

و ای مهربان؛ دعایم را اجابت کن؛ و ای آمرزنده؛ از لغزشم درگذر.

فَكَمْ يَا إِلَهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَجْتَهَا، وَهَمُومٍ قَدْ

خدای من؛ چه اندوه جانکاه بسیاری که تو برطرف نمودی؛ و چه مصیبت‌هایی که

كشفتها، وَعَثْرَةٍ قَدْ أَقَلْتَهَا، وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا،

تو کنار زدی؛ و چه لغزش‌هایی که درگذشتی؛ و چه رحمت و لطفی که تو گسترانیدی؛

وَحَلَقَةٍ بِلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتُهَا . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ

و چه حلقه‌های بلایی که از هم گسستی؛ ستایش ویژه‌ی خدایی است که

صَاحِبَةً وَلَا وِلْدًا ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ ،

همسر و فرزندی ندارد، و در فرمان‌فرمایی او نیز شریکی نیست،

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبْرَهُ تَكْبِيرًا . الْحَمْدُ لِلَّهِ

و هیچ ولی و سرپرستی از روی ذلت و ناتوانی اختیار نکرده است، و خدای را در نهایت بزرگی یاد کن. ستایش

بِجَمِيعِ مَا حَامِدِهِ كُلُّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ كُلُّهَا . الْحَمْدُ

به تمام انواع آن در مورد تمام نعمت‌هایش، مخصوص خداست. ستایش ویژه

لِلَّهِ الَّذِي لَا مُضَادَّ لَهُ فِي مُلْكِهِ ، وَلَا مُنَازِعَ لَهُ فِي

خدایی است که در فرمان‌فرمایی او هیچ‌کس نمی‌تواند با او ضدیت کند، و در فرمانش کشمکش

أَمْرِهِ . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ ، وَلَا

کننده‌ای برای او نیست. ستایش ویژه‌ی خدایی است که در خلقت و آفرینش شریکی ندارد، و در

شَبِيهِهُ لَهُ فِي عَظَمَتِهِ . الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ

عظمت و بزرگی‌ش ماندنی ندارد. ستایش ویژه‌ی خدایی است که فرمان او و ستایش او در بین

أَمْرُهُ وَحَمْدُهُ ، الظَّاهِرِ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ ، وَالْبَاسِطِ

آفریدگان، آشکار و شکوهش به واسطه‌ی کرامت و بزرگواریش هوبدا است، و دستش با

بِالْجُودِ يَدُهُ ، الَّذِي لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ ، وَلَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ

سَخاوت‌مندی همواره گشوده است؛ همان خدایی که گنجینه‌هایش کم نمی‌شود، و بخشش زیادش تنها

الْعَطَاءِ إِلَّا جُودًا وَكَرَمًا ، إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ .

باعث افزایش بخشش و کرم و بزرگواری او می‌شود؛ همانا او، تنها عزتمند بسیار بخشنده است.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ

بارالها؛ از تو می‌خواهم اندکی از بسیار را به طوری که به این اندک بسیار نیازمندم؛

عَظِيمَةٍ ، وَغِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ ، وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ ، وَهُوَ

و تو از قدیم بی‌نیاز از این‌ها بوده‌ای، و این اندک نزد من بسیار زیاد و ارزشمند است و برای تو

عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ . اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَن ذَنْبِي ،

(برآوردنش) هیچ کاری ندارد و کم و آسان می‌باشد. بارالها؛ واقعیت آن است که بخشش تو نسبت به گناه من،

وَتَجَاوُزُكَ عَن خَطِيئَتِي ، وَصَفْحَاكَ عَن ظُلْمِي ،

و گذشت تو از اشتباه من، و چشم‌پوشی تو از ستم من،

وَسَتْرُكَ عَلَيَّ قَبِيحِ عَمَلِي ، وَحِلْمُكَ عَن كَثِيرِ

و پوشش تو بر رفتار زشت من، و بردباری تو نسبت به جرم سنگین و بسیار من

جُرْمِي ، عِنْدَ مَا كَانَ مِنْ خَطِيئِي وَعَمْدِي ، أَطْمَعَنِي

چه از روی عمد انجام داده‌ام، و چه به طور اشتباهی مرتکب شده‌ام؛ باعث شده است باز هم طمع

فِي أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ ، الَّذِي رَزَقْتَنِي

کنم و اقدام به درخواست چیزی از تو نمایم که سزاوار آن نیستیم؛ همان چیزی که

مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَأَرَيْتَنِي مِنْ قُدْرَتِكَ ، وَعَرَفْتَنِي مِنْ

از رحمتت نصیبم ساختی، و از قدرتت نشانم دادی، و از پاسخ‌گویت که به من

إِجَابَتِكَ، فَصِرْتُ أَدْعُوكَ آمِنًا. وَأَسْأَلُكَ مُسْتَأْنِسًا لَا

شناساندی؛ بدین‌سان، با آرامش تو را می‌خوانم. و نیز از تو می‌خواهم در حالت آنس با تو، نه

خَائِفًا وَلَا وَجَلًا، مُدِلًّا عَلَيْكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ

با ترس و هراس، و با اطمینان خاطر به سوی تو در آنچه به خاطر آن آهنگ تو کردم،

إِلَيْكَ، فَإِنْ أَبْطَأَ عَنِّي عَتَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ، وَلَعَلَّ

پس اگر دیر پاسخم را دادی، با نادانیم بر تو عتاب و سرزنش کنم؛ با آن که احتمال قوی

الَّذِي أَبْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي، لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ،

می‌رفت چیزی که در دادنش به من تأخیر کردی برایم بهتر باشد؛ زیرا، تو پایان همه کارها را

فَلَمْ أَر مَوْلَى كَرِيمًا أَصْبَرَ عَلَى عَبْدٍ لَيْيَمٍ مِنْكَ عَلَيَّ

می‌دانی. پروردگارا؛ هیچ مولای کریم و بزرگواری را بر بنده پستی‌شکبیاتر از تو بر خود ندیدم.

يَا رَبِّ، إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأَوْلِي عَنكَ، وَتَتَحَبَّبُ إِلَيَّ

تو مرا دعوت می‌کنی، ولی من روی می‌گردانم؛ تو به من محبت می‌کنی

فَأَتَبَعُضُ إِلَيْكَ، وَتَتَوَدَّدُ إِلَيَّ فَلَا أَقْبَلُ مِنْكَ، كَأَنَّ لِي

ولی من با تو دشمنی می‌کنم، تو به من مهر می‌ورزی ولی من از تو نمی‌پذیرم؛ گویا من از تو

التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ، فَلَمْ يَمْنَعَكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي،

طلبکارم و نسبت به تو برتری دارم؛ ولی این هم باعث نمی‌شود تو از مهربانی

وَالْإِحْسَانِ إِلَيَّ، وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ،

و احسان و فزون‌بخشیدن با سخاوتمندی و بزرگواریت نسبت به من، دست برداری.

فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ، وَجُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ،

بنابرین (خدایا) به این بنده نادانت رحم کن؛ و با فزونی احسانت بر او بخشش فرما؛

إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ. الْحَمْدُ لِلَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ، مُجْرِي

راستی که تو بخشنده و بزرگواری. ستایش ویژه خداست که صاحب فرمانروایی است،

الْفُلْكِ، مُسَخِّرِ الرِّيَّاحِ، فَالِقِ الْأَصْبَاحِ، دَيَّانِ

کشتی را در دریا روان می‌سازد، بادها را در اختیار دارد، شکافنده صبح است، پاداش دهنده

الدِّينِ، رَبِّ الْعَالَمِينَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حِلْمِهِ بَعْدَ

روز جزا است، پروردگار جهانیان است؛ ستایش ویژه خداست که با وجود آگاهیش بردباری

عِلْمِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ، وَالْحَمْدُ

می‌کند، و ستایش ویژه خداست که با وجود قدرت و تواناییش عفو و بخشش می‌کند. و ستایش

لِلَّهِ عَلَى طَوْلِ أَنَاتِهِ فِي غَضَبِهِ، وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى مَا

ویژه خداست که در حال خشم نیز مهلت طولانی می‌دهد، با این که می‌تواند هر کاری که اراده کند

يُرِيدُ. الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الْخَلْقِ، بَاسِطِ الرِّزْقِ، فَالِقِ

انجام بدهد؛ ستایش ویژه خداست که آفریننده مخلوقات است؛ گستراننده روزی است؛ شکافنده

الْأَصْبَاحِ، ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَالْفَضْلِ

صبح است؛ شکوه‌مند و ارجمند است؛ دارای فضل و احسان و

وَالْإِنْعَامِ، الَّذِي بَعْدَ فَلَا يُرَى، وَقَرَبَ فَشَهْدِ

و نعمت‌بخشی است؛ همان خدای که دور است پس به چشم نمی‌آید، و نزدیک است که

النَّجْوَى، تَبَارَكَ وَتَعَالَى. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ

صحبت‌های درگوشی را نیز می‌شنود؛ پاک و بلندمرتبه است. ستایش ویژه‌ی خدایی است که برایش

مُنَازَعٌ يُعَادِلُهُ، وَلَا شَبِيهٌ يُشَاكِلُهُ، وَلَا ظَهِيرٌ

ستیزه‌جویی نیست که با او برابری کند؛ و شبیهی ندارد که با او همانندی نماید؛ و کمک‌کاری

يُعَاوِدُهُ، قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الْأَعْزَاءَ، وَتَوَاضَعَ لِعَظَمَتِهِ

ندارد که او را یاری برساند، با اقتدار خودش بر قدرتمندان چیره‌گشته؛ و بزرگان، در برابر عظمت او

الْعُظْمَاءَ، فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

فروتنی و کوچکی‌کنند؛ و بدین‌سان دست‌قدرتش بر آنچه بخواهد رسا است. ستایش ویژه‌ی خداست که

يُجِيبُنِي حِينَ أُنَادِيهِ، وَيَسْتُرْ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَأَنَا

وقتی او را صدا می‌زنم پاسخم را می‌دهد؛ و در حالی که من او را نافرمانی می‌کنم تمام عیوب و زشتی‌هایم را

أَعْصِيهِ، وَيَعْظُمُ النِّعْمَةَ عَلَيَّ فَلَا أُجَازِيهِ، فَكَمْ مِنْ

پنهان می‌دارد؛ و نعمت‌هایش را برایم زیاد می‌کند ولی من جواب خوبی به این نعمت‌بخشی‌ها نمی‌دهم. چه

مَوْهَبَةٍ هَنِيئَةٍ قَدْ أَعْطَانِي، وَعَظِيمَةٍ مَخُوفَةٍ قَدْ

بخشش گوارایی که به من نمود، و چه امور بزرگ ترسناکی که مرا از آن‌ها

كَفَانِي، وَبَهْجَةٍ مُونِقَةٍ قَدْ أَرَانِي، فَأَثْنِي عَلَيْهِ

کفایت کرد، و چه بسیار خوشی‌های دوست‌داشتنی که به من نشان داد، به این جهات پیوسته او را با

حَامِداً، وَأَذْكُرُهُ مُسَبِّحاً. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُهْتَكُ

ستایش خود ثناگویی می‌کنم، و همیشه با تسبیح کردن او به یادش می‌باشم. ستایش ویژه‌ی خدایی است

حِجَابُهُ، وَلَا يُغْلَقُ بَابُهُ، وَلَا يَرُدُّ سَائِلُهُ، وَلَا يُخَيِّبُ

که پرده و حجاب از او دریده نمی‌شود؛ درگاهش بسته نمی‌شود؛ گدایش رد نمی‌شود؛

أَمَلُهُ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ، وَيُنَجِّي

آرزومندش، ناامید برنمی‌گردد. ستایش ویژه‌ی خدایی است که بیمناکان را ایمنی می‌بخشد،

الصَّالِحِينَ، وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِينَ، وَيَضَعُ

صالحان و شایستگان را رها می‌سازد، ناتوان‌شمرده‌شدگان را والا و بالا می‌برد، و

الْمُسْتَكْبِرِينَ، وَيُهْلِكُ مُلُوكًا، وَيَسْتَحْلِفُ آخِرِينَ.

تکبرکنندگان را بر زمین می‌زند، و پادشاهانی را نابود می‌کند و به جای ایشان افراد دیگری را می‌نشانند.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ الْجَبَّارِينَ، مُبِيرِ الظَّالِمِينَ، مُدْرِكِ

و ستایش ویژه‌ی خدایی است که درهم‌شکننده‌ی زورگویان، نابودکننده‌ی ستمگران، به چنگ آورنده‌ی

الْهَارِبِينَ، نَكَالِ الظَّالِمِينَ، صَرِيخِ الْمُسْتَضْرِحِينَ،

فراریان، کیفر دهنده‌ی ستمگران، فریادرس دادخواهان،

مَوْضِعِ حَاجَاتِ الظَّالِمِينَ، مُعْتَمِدِ الْمُؤْمِنِينَ. الْحَمْدُ

پاسخ‌گوی حاجت‌خواهان و مورد اعتماد مؤمنان است. ستایش

لِلَّهِ الَّذِي مِنْ خَشْيَتِهِ تَرَعَدُ السَّمَاوَاتُ وَسُكَّانُهَا،

ویژه‌ی خدایی است که آسمان و ساکنانش از ترس و هراس او می‌غزند،

وَتَرْجُفُ الْأَرْضُ وَعُمَّارُهَا، وَتَمْوجُ الْبِحَارُ وَمَنْ

و زمین و آبادگرانش به لرزه درمی‌آیند، و دریاها و هر که در اعماق آن شناور

يَسْبِيحُ فِي غَمْرَاتِهَا. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا،

است دچار موج گردند. ستایش ویژه‌ی خدایی است که ما را به این (راه خودش) هدایت فرمود،

وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

و اگر او هدایت‌مان نمی‌کرد به هیچ وجه هدایت نمی‌شدیم. ستایش ویژه‌ی خدایی است که

يَخْلُقُ وَلَمْ يَخْلُقْ، وَيَرْزُقُ وَلَا يُرْزَقُ، وَيُطْعِمُ

می‌آفریند و آفریده نشده است، و روزی می‌دهد و خود روزی داده نمی‌شود و طعام می‌دهد

وَلَا يُطْعَمُ، وَيَمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى، وَهُوَ

و خود طعام نمی‌خورد، و زنده‌ها را می‌میراند و مردگان را زنده می‌کند، و او

حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

زنده‌ای است که نخواهد مرد، خیر و خوبی، تنها در دست اوست؛ و او بر هر چیزی

قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ،

توانایی دارد. بار الها؛ بر حضرت محمد - که بنده، فرستاده،

وَأَمِينِكَ وَصَفِيكَ، وَحَبِيبِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ،

امانت‌دار، برگزیده، دوست، منتخب تو از آفریدگانت،

وَخَافِظِ سِرِّكَ، وَمُبَلِّغِ رِسَالَاتِكَ، أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ

نگهدارنده‌ی اسرار، و رساننده‌ی رسالت‌های توست - درودی پیوسته نثار کن؛ برترین، نیکوترین،

وَأَجْمَلَ وَأَكْمَلَ وَأَزْكَى وَأَنْمَى وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ

زیباترین، کامل‌ترین، خوب‌ترین، رشدکننده‌ترین، پاک‌ترین و پاکیزه‌ترین،

وَأَسْنَى وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ،

والاثرین و بیشترین از درودها، برکت‌ها، رحمت‌ها

وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ، عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَأَنْبِيَائِكَ

و مهربانی‌ها، و سلامت‌بخشی‌هایی باشد که بر هر یک از بندگان خاص خود، پیامبران،

وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ، وَأَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ

رسولان، برگزیدگان، و گرامی داشته‌شدگان در بین مخلوقات تو؛ نثار فرموده باشی.

خَلْقِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

بار الها؛ بر حضرت علی عليه السلام فرمانروای مؤمنان،

وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ،

و وصی و جانشین فرستاده‌ی پروردگار جهانیان، بنده تو، ولی تو،

وَأَخِي رَسُولِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَآيَتِكَ

برادر رسول تو، حجت تو بر آفریدگانت، بزرگ‌ترین آیت و نشانهات،

الْكُبْرَى، وَالنَّبِيَّ الْعَظِيمِ، وَصَلِّ عَلَى الصَّدِيقَةِ

و آن خیر بزرگ؛ درود پیوسته نثار کن. و بر حضرت صدیقه

الطَّاهِرَةِ، فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى

طاهره، فاطمه زهرا عليها السلام، سرور زنان جهانیان، درود فرست. و بر دو

سِبْطَيْ الرَّحْمَةِ، وَإِمَامِي الْهُدَى، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ

نواده‌ی ارجمند پیامبر رحمت، دو امام و پیشوای هدایت؛ یعنی امام حسن و امام حسین عليهما السلام

سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ . وَصَلِّ عَلَيَّ أَيْمَّةَ

که سرور جوانان بهشتی هستند؛ درود فرست. و بر پیشوایان

الْمُسْلِمِينَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ،

مسلمانان، یعنی: علی بن الحسین (سجاد)، محمد بن علی (باقر)،

وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ، وَعَلِيِّ بْنِ

جعفر بن محمد (صادق)، موسی بن جعفر (کاظم)، علی بن

مُوسَى ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ،

موسی (رضا)، محمد بن علی (جواد)، علی بن محمد (هادی)

وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ، وَالْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ ،

حسن بن علی (عسکری) و بازمانده او که راهنما و راه یافته است (مهدی)؛

حُجَجِكَ عَلَيَّ عِبَادِكَ ، وَأَمْنَائِكَ فِي بِلَادِكَ ، صَلَوَةٌ

که همگی حجت‌های تو بر بندگانت، و امانت‌داران تو در شهرهایت می‌باشند؛ صلوات و

كَثِيرَةٌ دَائِمَةٌ . اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ وَلِيِّ أَمْرِكَ ، الْقَائِمِ

درودی فراوان و دائمی نثار کن. خدایا؛ درود فرست بر ولی امرت، قیام‌کننده مورد

الْمُؤَمِّلِ ، وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ ، وَحِفْهُ بِمَلَائِكَتِكَ

آرزو، و عدالت محض که همه در انتظارش بوده و هستند؛ و با فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ ، وَأَيَّدَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ .

مقربیت او را در برگیر؛ و با روح القدس تأییدش کن؛ ای پروردگار جهانیان.

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَيَّ كِتَابِكَ ، وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ ،

بار الها؛ او را فرا خواننده مردم به سوی قرآن، و برپاکننده دین و آیینت قرار ده؛

اسْتَخْلِفْهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ ،

او را همانند دیگران که در زمین خلافت بخشیدی و جانشین خودت کردی، جانشین ساز؛

مَكِّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ ، أَبَدِلْهُ مِنْ بَعْدِ

دینی را که برای او پسندیده‌ای قدرتمند و ارزشمند ساز؛ پس از شرایط

خَوْفِهِ أَمْنًا ، يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا . اللَّهُمَّ اعِزَّهُ

ترسناکی که دارد، او را به آرامش و ایمنی برسان، تا در نتیجه تو را بپرستد و در هیچ چیزی با تو شریک نکند. خدایا؛

وَأَعِزِّزْ بِهِ ، وَأَنْصُرْهُ وَأَنْتَصِرْ بِهِ ، وَأَنْصُرْهُ نَصْرًا

او را عزیز کن، و به وسیله او (مؤمنان را) عزت ببخش؛ او را یاری و پیروز کن، و (مؤمنان را) به واسطه او پیروز فرما؛

عَزِيزًا ، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا ، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ

و یاری عزتمندت را بدو برسان، و برایش گشایش و پیروزی شایان و آسانی فراهم کن، و از جانب خودت برایش

سُلْطَانًا نَصِيرًا . اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ

قدرت و سلطنتی پیروز مقرر دار. بار الها؛ آیین خودت، و سنت پیامبرت را به وسیله او آشکار ساز؛

حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ

به گونه‌ای که از ترس فردی، هیچ بخشی از حق و حقیقت را پنهان نکند.

الْخَلْقِ . اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ ، تُعِزُّ

بار الها؛ واقعیت آن است که ما مشتاق دولت کریمه آن حضرت هستیم که (در سایه حضور پیشوای

بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ،

معصومان) اسلام و اسلامیان را عزیز و نیرومند گردانی، و نفاق و منافقین را خوار و ذلیل نمایی؛

وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَالْقَادَةَ إِلَى

و در آن حکومت و دولت، ما را از کسانی قرار دهی که مردم را به فرمان برداری از تو فرا بخوانیم؛ و همه را به

سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. اَللّٰهُمَّ

راه تور هبری کنیم، و به واسطهٔ این دولت شکوهمند، کرامت دنیا و آخرت را به ما ارزانی داری. بارالها؛

مَا عَرَّفْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَحَمَلْنَا، وَمَا قَصْرْنَا عَنْهُ

حقیقت‌هایی را که به ما شناساندی، توان تحملش را نیز بده تا آن‌ها را باور کنیم؛ و هر چه را به آن دست نیافته‌ایم،

فَبَلِّغْنَا. اَللّٰهُمَّ اَلْمُمْ بِهٖ شَعْتْنَا، وَاَشَعَبَ بِهٖ صَدَعْنَا،

خودت ما را بدان‌ها برسان. خدایا؛ به واسطهٔ آن حضرت پراکندگی ما را سامان بخش؛ اختلاف میان ما را اصلاح کن

وَارْتُقِ بِهٖ فَتَقْنَا، وَكَثِّرْ بِهٖ قِلَّتْنَا، وَاَعَزِّزْ بِهٖ ذَلَّتْنَا،

گسستگی ما را تبدیل به پیوستگی فرما؛ کمی تعداد ما را تبدیل به بسیاری گردان؛ خواری و ذلت ما را تبدیل به عزت

وَأَعْنِ بِهٖ عَائِلْنَا، وَاَفْضِ بِهٖ عَن مَّعْرَمِنَا، وَاَجْبِرْ بِهٖ

کن؛ فقیران ما را بی‌نیاز و ثروتمند ساز؛ بدهی ورشکستگان و بدهکاران ما را ادا کن؛ فقر و

فَقْرُنَا، وَسُدِّ بِهٖ خَلَّتْنَا، وَيَسِّرْ بِهٖ عُسْرُنَا، وَبَيِّضْ بِهٖ

نیازمندی ما را جبران فرما؛ نقص و خلل‌های ما را بر کن؛ سختی ما را تبدیل به راحتی کن؛

وَجُوهِنَا، وَفَكَ بِهٖ اَسْرُنَا، وَاَنْجِحْ بِهٖ طَلِبَتْنَا، وَاَنْجِرْ

رخسارمان را سپید و نیکو گردان؛ اسیرانمان را آزاد ساز؛ خواسته‌های ما را برآور؛ وعده‌های مان

بِهِ مَوَاعِدُنَا، وَاَسْتَجِبْ بِهٖ دَعْوَتَنَا، وَاَعْطِنَا بِهٖ

را محقق کن؛ دعای ما را پاسخگو باش؛ خواسته‌های ما را عطا کن؛

سُؤْلُنَا، وَبَلِّغْنَا بِهٖ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اَمَانَنَا، وَاَعْطِنَا

ما را به آرمان‌ها و آرزوهای دنیوی و آخروی برسان؛ و برتر از آنچه بدان مایلیم

بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا. يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَاَوْسَعَ

به ما عطا کن. ای بهترین کسی که از او درخواست می‌شود؛ ای دارای فراگیرترین

الْمُعْطِينَ، اِشْفِ بِهٖ صُدُورَنَا، وَاَذْهَبْ بِهٖ غَيْظَ

بخشش و عطا؛ سینه‌های ما را به وسیلهٔ او شفا بخش؛ خشم قلب‌مان را به وسیلهٔ او برطرف کن؛

قُلُوبِنَا، وَاَهْدِنَا بِهٖ لِمَا اَخْتَلَفَ فِيهٖ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِكَ،

به کمک او و به واسطهٔ حضور او، با اذن و خواست خودت ما را در مورد حقیقت‌هایی که در آن اختلاف شده،

اِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ، وَاَنْصُرْنَا

راهنمایی و هدایت فرما؛ به راستی، تو هر که را خودت بخواهی به راه راست رهنمون می‌شوی، ما را به واسطهٔ او بر

بِهِ عَلَيْ عَدُوِّكَ وَعَدُوَّنَا، اِلٰهَ الْحَقِّ اٰمِيْنَ. اَللّٰهُمَّ اِنَّا

دشمنان خودت و دشمن ما، یاری فرما؛ ای معبود به حق؛ دعای‌مان را مستجاب گردان. بارالها؛ واقعیت آن است که

نَشْكُو اِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ، وَغَيْبَةَ

ما به تو شکایت می‌کنیم به خاطر فقدان و عدم حضور پیامبران - که درودت بر او و آل او باد -؛ و از پنهان بودن

وَلَيْتْنَا، وَكَثْرَةَ عَدُوَّنَا، وَقِلَّةَ عَدَدِنَا، وَشِدَّةَ الْفِتَنِ

سرپرست‌مهربان مان، و از بسیاری دشمنان مان، و کمی تعداد خودمان، و از فتنه‌ها و آشوب‌های سختی

بِنَا، وَتَظَاهِرَ الزَّمَانَ عَلَيْنَا، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

که دچارشان هستیم؛ و به خاطر ظاهر شدن روزگار بر علیه ما. پس بر محمد و آل او درودی پیوسته نثار کن.

وَأَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَبِضُرٍّ تَكْشِفُهُ،

و ما را در این گرفتاری‌ها کمک کن توسط پیروزی و گشایشی که در آن شتاب می‌کند؛ و ضرر و زبانی که برطرف

وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ، وَسُلْطَانٍ حَقٌّ تُظْهِرُهُ، وَرَحْمَةٍ مِنْكَ

می‌سازی، و یاری‌کردنی که با آن عزت می‌بخشی، و قدرتمند حقی که آشکارش می‌نمایی، و رحمتی که

تُجَلِّلُنَاهَا، وَعَافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُنَاهَا، بِرَحْمَتِكَ يَا

با آن به ما بزرگی و شکوه می‌دهی و لباس عافیتی که بر ما می‌پوشانی، به حق رحمت، ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۱.

مهربان‌ترین مهربانان.



دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه

بعد از هر نماز در ماه مبارک رمضان

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

هر کس این دعا را در ماه رمضان بعد از نمازهای واجب

بخواند، گناهانش تا روز قیامت بخشیده می‌شود:

۱. زاد المعاد: ۱۱۰، المصباح: ۷۷۰، مصباح المتهجد: ۵۷۷، إقبال الأعمال: ۳۲۲.

اللَّهُمَّ أَدْخِلْ عَلَيَّ أَهْلَ الْقُبُورِ السُّرُورَ. اللَّهُمَّ أَعِنِّي

خداوندا؛ بر ساکنان گورها، شادمانی و خوشی عطا فرما؛ خداوندا؛

كُلَّ فَقِيرٍ. اللَّهُمَّ أَشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ. اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ

تمام نیازمندان را بی‌نیاز گردان. خداوندا؛ تمام گرسنگان را سیر کن. خداوندا؛ هر

عُرْيَانٍ. اللَّهُمَّ اقْضِ دَيْنَ كُلِّ مَدِينٍ. اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنِّي

عربانی را بیپوشان. خداوندا؛ قرض هر مقروضی را ادا فرما؛ خداوندا؛ اندوه

كُلِّ مَكْرُوبٍ. اللَّهُمَّ رُدِّ كُلَّ غَرِيبٍ. اللَّهُمَّ فَكِّ كُلَّ

هر اندوهناکی را برطرف کن. خداوندا؛ هر غریبی را به (وطن) بازگردان؛ خداوندا؛ هر اسیری را

أَسِيرٍ. اللَّهُمَّ أَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ.

آزاد کن. خداوندا؛ هر امر فاسدی را از امور مسلمانان اصلاح فرما.

اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ. اللَّهُمَّ سُدِّ فَقْرَنَا بِغِنَاكَ.

خداوندا؛ هر مریضی را شفا مرحمت کن. خداوندا؛ فقر و تهیدستی ما را با بی‌نیازی خودت برطرف کن.

اللَّهُمَّ غَيِّرْ سُوءَ حَالِنَا بِحُسْنِ حَالِكَ. اللَّهُمَّ اقْضِ عَنَّا

خداوندا؛ بدی حال ما را به خوبی حال خودت تغییر بده. خداوندا؛ قرض ما را ادا فرما.

الدَّيْنَ، وَأَعِنَّا مِنَ الْفَقْرِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^۱.

و ما را از فقر به توانگری برسان؛ همانا تو بر هر چیزی توانایی.

بر خواننده بزرگوار پوشیده نیست که مضمون این دعا تنها در

۱. بحار الأنوار: ۹۸/۱۲۰، منهاج العارفين: ۲۱۴.

دوران حکومت الهی و دولت حضرت مهدی ارواحنا فداه محقق می‌شود، و برای این دعا قضیه و داستانی است که به مناسب بودن دعا در این زمینه دلالت می‌کند؛ ولی در این کتاب مجالی برای ذکر آن نیست.



دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه

در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمته الله علیه برای این روز، این دعا را

نقل کرده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَوَلَايَتِكَ، وَوَلَايَةِ

بار خدایا؛ همانا من گردن می‌نهم به اطاعت و ولایت تو، و ولایت

مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ، وَوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَبِيبِ نَبِيِّكَ،

حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیامبر تو، و ولایت امیر مؤمنان (حضرت علی رضی الله عنه) دوست پیامبر،

وَوَلَايَةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، سِبْطِي نَبِيِّكَ وَوَلَايَةِ

و ولایت امام حسن و امام حسین دو نوه پیامبر و دو سرور

شَبَابِ أَهْلِ جَنَّتِكَ. وَأَدِينُكَ يَا رَبِّ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ

جوانان اهل بهشت. و گردن می‌نهم (ای پروردگارا)؛ به ولایت علی بن

الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

حسین (سجاد) و محمد بن علی (باقر) و جعفر بن محمد (صادق)

وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ

و موسی بن جعفر (کاظم) و علی بن موسی (رضا) و محمد بن

عَلِيِّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَسَيِّدِي

علی (جواد) و علی بن محمد (هادی) و حسن بن علی (عسکری) و آقایم

وَمَوْلَايَ صَاحِبِ الزَّمَانِ. أَدِينُكَ يَا رَبِّ بِطَاعَتِهِمْ

و مولایم صاحب زمان (عجل الله فرجه). گردن می‌نهم ای پروردگارا؛ به اطاعت

وَوَلَايَتِهِمْ، وَبِالتَّسْلِيمِ بِمَا فَضَّلْتَهُمْ، رَاضِيًا غَيْرَ

و ولایت آنان و تسلیم شدن نسبت به آنچه فضیلت و برتری داده‌ای ایشان را؛ در حالی که راضی

مُنْكَرًا وَلَا مُسْتَكْبِرًا، عَلِي مَا أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ.

و خشنود هستم، و انکار نمی‌کنم، و استکبار نمی‌ورزم بر آنچه که در قرآن نازل کردی.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَادْفَعْ عَنَّا

خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست؛ و دور کن (هر شری) را از

وَلِسِيكَ وَخَلِيفَتِكَ وَلِسَانِكَ وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ،

ولایت و جانشین و زبان گویای خودت و قیام‌کننده به عدلت،

وَالْمُعْظَمِ لِحُرْمَتِكَ، وَالْمُعَبَّرِ عَنْكَ، وَالنَّاطِقِ

و بزرگ دارنده حرمتت و بیان کننده از جانب خودت، و گوینده

بِحُكْمِكَ، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةَ، وَأُذُنِكَ السَّامِعَةَ،

احکامت، و چشم بینایت، و گوش شنوایت،

و شَاهِدِ عِبَادِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَالْمُجَاهِدِ

و گواه بندگانت، و حجّت تو بر آفریدگانت، و جهادکننده

فِي سَبِيلِكَ، وَالْمُجْتَهِدِ فِي طَاعَتِكَ. وَاجْعَلْهُ فِي

در راهت، و کوشش کننده در اطاعت و پیرویت. او را در جمله

وَدِيْعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيْعُ، وَأَيِّدُهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ، وَأَعِنِّهُ

امانت‌های خودت که ضایع نمی‌شود قرار بده، و او را به وسیله سپاهیان پیروز خودت یاری برسان؛ و او را یاری

وَأَعِنْ عَنَّهُ، وَاجْعَلْنِي وَوَالِدِيَّ وَمَا وَلَدًا وَوُلْدِي مِنْ

کن و از او حمایت کن؛ و من و پدر و مادر و فرزندان‌شان و فرزندان مرا از

الَّذِينَ يَنْصُرُونَهُ، وَيَنْتَصِرُونَ بِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،

کسانی قرار بده که آن حضرت را یاری می‌کنند، و به وسیله او در دنیا و آخرت یاری می‌شوند؛

إِشْعَبَ بِهِ صَدْعَنَا، وَارْتُقِ بِهِ فَتَقْنَا. اللَّهُمَّ أَمِتْ بِهِ

و پراکندگی ما را به وسیله او اصلاح کن، و گسستگی ما را به وسیله او تبدیل به پیوستگی فرما. بار خدایا؛ به وسیله آن

الْجَوْرَ، وَدَمْدِمِ بِمَنْ نَصَبَ لَهُ، وَأَقْصِمِ رُؤُوسَ

حضرت، ستم و جور را بمیران؛ و غضب کن بر کسانی که علیه ایشان هستند، و سران

الضَّلَالَةِ حَتَّى لَا تَدَعَ عَلَى الْأَرْضِ مِنْهُمْ دِيَّارًا. ۱.

گمراهی را درهم بشکن تا هیچ کسی از آنان بر روی زمین باقی نماند.

۱. إقبال الأعمال: ۴۲۶، بحار الأنوار: ۳۷/۹۸، باب السعادة: ۸۵.

۱۱

دعای دیگر

در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمته الله دعای دیگری را برای این

روز نقل کرده است:

اللَّهُمَّ إِنَّ الظُّلْمَةَ جَحْدُوا آيَاتِكَ، وَكَفَرُوا بِكِتَابِكَ،

خدایا؛ همانا ستمگران آیات و نشانه‌های تو را انکار کردند، و به کتابت یعنی قرآن کفر ورزیدند،

وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ، وَاسْتَكْفَرُوا عَنْ عِبَادَتِكَ، وَرَغِبُوا عَنْ

و فرستادگانت را تکذیب کردند، و از بندگی تو سرباز زدند، و از

مِلَّةِ خَلِيلِكَ، وَبَدَلُوا مَا جَاءَ بِهِ رَسُولُكَ، وَشَرَّرَعُوا

آیین خلیل تو روی گردانند، و آنچه را که فرستاده‌ات آورده است دگرگون ساختند، و غیر از دین

غَيْرِ دِينِكَ، وَاقْتَدُوا بِغَيْرِ هُدَاكَ، وَاسْتَتُوا بِغَيْرِ سُنَّتِكَ،

تو را تشریع نمودند، و به غیر از راه هدایت تو اقتدا کردند، و به غیر از سنت و آیین تو عمل کردند،

وَتَعَدَّوْا حُدُودَكَ، وَسَعَوْا مُعَاجِزِينَ فِي آيَاتِكَ،

و از حدّ و مرزهای تو تجاوز کردند، و با آیات تو به مقابله برخاستند و سعی کردند آن‌ها را ناتوان جلوه دهند.

وَتَعَاوَنُوا عَلَى إِطْفَاءِ نُورِكَ، وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِكَ،

برای خاموشی نور تو با یکدیگر همکاری کردند، و از پیمودن راه تو جلوگیری نمودند،

وَكَفَرُوا نِعْمَاءَكَ، وَشَاقُّوا وِلَاةَ أَمْرِكَ، وَوَالَوْا

و نعمت‌های را ناسپاسی کردند، و با اولیای امور تو به سختی دشمنی کردند، و با دشمنانت

أَعْدَاءَكَ، وَعَادُوا أَوْلِيَاءَكَ، وَعَرَفُوا ثَمَّ أَنْكُرُوا

دوستی و هم‌عهدی کردند و با دوستانت دشمنی ورزیدند؛ با این‌که نعمت‌های را شناختند، آن‌ها را

نِعْمَتَكَ، وَلَمْ يَذْكُرُوا آلاءَكَ، وَأَمِنُوا مَكْرَكَ، وَقَسَتْ

انکار کردند، و خوبی‌های را یادآور نشدند، و خودشان را از مکر و حيلة تو ایمن دانستند، و

قُلُوبُهُمْ عَنْ ذِكْرِكَ، وَاسْتَحَلُّوا حَرَامَكَ، وَحَرَّمُوا

دل‌هایشان نسبت به یاد تو سخت و محکم شد، و حرام تو را حلال شمردند، و حلال تو را حرام کردند،

حَلَالَكَ، وَاجْتَرَأُوا عَلَى مَعْصِيَتِكَ، وَلَمْ يَخَافُوا مَقْتَكَ،

و در انجام نافرمانی تو جرأت پیدا کردند، و از دشمنی و نفرت تو هراسی نداشتند، و انتقام تو

وَنَسُوا نِقْمَتَكَ وَلَمْ يَحْذَرُوا بَأْسَكَ، وَاعْتَرُّوا بِنِعْمَتِكَ.

را فراموش کردند و از سختی‌ها و عذابت خود را بر حذر نداشتند، و به وسیله نعمت‌هایی که تو به آنان داده‌ای مغرور شدند.

اللَّهُمَّ فَاصْبِرْ مِنْهُمْ، وَاصْبِرْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ،

خدایا؛ نعمت‌های را برای آنان از بین ببر، و عذابت را بر آنان فرود آور،

وَاسْتَأْصِلْ شَاقَّتَهُمْ، واقْطَعْ دَابِرَهُمْ، وَضَعْ عِزَّهُمْ

و آن‌ها را ریشه‌کن نما، و دنباله آنان را قطع کن، و عزت و بزرگی آنان را خوار

وَجَبِّرْ وَتَهُمْ، وَانزِعْ أَوْتَارَهُمْ، وَزَلْزِلْ أَقْدَامَهُمْ،

و پست کن، و ستم‌های آن‌ها را بکن، و قدم‌هایشان را متزلزل کن.

وَأَرْعِبْ قُلُوبَهُمْ. اللَّهُمَّ اتَّخَذُوا دِينَكَ دَغْلًا،

و در دل‌های آن‌ها ترس و وحشت بینداز. خدایا؛ همانا ایشان دین تو را وسیله گول‌زدن و حيله‌گری گرفتند،

وَمَا لَكَ دُولًا، وَعِبَادَكَ خَوْلًا. اللَّهُمَّ اكْفِهِمْ بِأَسْهُمِ،

و اموال تو را وسیله چیرگی و استیلاي خودشان قرار دادند، و بندگان تو را بنده و برده خود کردند. خدایا؛ بندگان را از عذاب

وَأَقْلِلْ حَدَّهُمْ، وَأَوْهِنْ كَيْدَهُمْ، وَأَشْمِتْ عَدُوَّهُمْ،

و شکنجه آنها بازدار، و شمشیر تیز آنان را بشکن و نابود کن، و مکر و حيله‌هایشان را سست و بی اثر کن، و دشمنان‌شان را شاد

وَأَشْفِ صُدُورَ الْمُؤْمِنِينَ. اللَّهُمَّ افْتَتِ أَعْضَادَهُمْ،

کن، و سینه مؤمنان را شفا بده نیرو و توان بازوهایشان (دشمنان) را از بین ببر،

وَاقْهَرْ جَبَابِرَتَهُمْ، وَاجْعَلِ الدَّائِرَةَ عَلَيْهِمْ، واقْضُ

و شوکت و قدرت‌شان را مورد قهر و غلبه قرار بده، و آنان را در حلقه محاصره قرار بده،

بُنْيَانَهُمْ، وَخَالَفِ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ، وَفَرِّقْ جَمْعَهُمْ، وَشَتِّتْ

و بنیان و ریشه آن‌ها را درهم بکوب، و اتحاد کلمه ایشان را بر هم بزن، و اجتماع ایشان را پراکنده

أَمْرَهُمْ، وَاجْعَلْ بِأَسْهُمِ بَيْنَهُمْ، وَابْعَثْ عَلَيْهِمْ عَذَابًا

ساز، و کارهای‌شان را آشفته و پراکنده کن، و سختی و عذاب ایشان را بین خودشان قرار بده؛

مِنْ فَوْقِهِمْ، وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ، وَاسْفِكْ بِأَيْدِي

از بالای سرشان و از زیر پایشان عذابت را بر ایشان بفرست؛ خون ایشان را به دست

الْمُؤْمِنِينَ دِمَائِهِمْ، وَأَوْرِثِ الْمُؤْمِنِينَ أَرْضَهُمْ

مؤمنان بریز، و مؤمنان را وارث زمین‌ها

وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ. اللَّهُمَّ أَضِلْ أَعْمَالَهُمْ، واقطع

و خانه‌ها و اموال آنان قرار بده. خدايا؛ اعمال ایشان را تباه کن؛

رَجَاءَهُمْ، وَأَذِضْ حُجَّتَهُمْ، وَاسْتَدْرِجَهُمْ مِنْ حَيْثُ

امید ایشان را قطع کن، و حجت و برهان ایشان را باطل کن، و آنان را به تدریج و از جایی که

لَا يَعْلَمُونَ، وَائْتِبِهِم بِالْعَذَابِ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ،

نمی‌دانند در هم بیچنان، و بر ایشان عذاب بفرست به طوری که نفهمند که از کجا آمده است؛

وَأَنْزِلْ بِسَاحَتِهِمْ مَا يَحْذَرُونَ، وَخَاسِبِهِمْ حِسَاباً

و آن چیزی را که از آن بیم دارند، به سرای آن‌ها نازل کن؛ و به حساب آنان با سخت‌گیری رسیدگی

شَدِيداً، وَعَذِّبِهِمْ عَذَاباً نُكْرًا، وَاجْعَلْ عَاقِبَةَ أَمْرِهِمْ

کن، و آنان را به عذاب سخت گرفتار کن، و عاقبت آنان را

خُسْرًا. اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ اشْتَرَوْا بِآيَاتِكَ ثَمَنًا قَلِيلاً، وَعَتَوْا

زبان قرار بده. بارخدايا؛ همانا، ایشان آیات را به قیمت کمی فروختند؛ و

عَتَوْا كِبِيرًا. اللَّهُمَّ فَخْذُهُمْ أَخْذًا وَبِطَالًا، وَدَمَّرَهُمْ

گردنکشی‌های بسیار کردند. خدايا؛ به شدت گرفتارشان کن، و آنان را

تَدْمِيرًا، وَتَبَّرَهُمْ تَتْبِيرًا، وَلَا تَجْعَلْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ

درهم کوب و نابودشان فرما، و برای آنان در روی زمین

نَاصِرًا، وَلَا فِي السَّمَاءِ عَازِرًا، وَالْعَنَّهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا.

یاور، و در آسمان عذرخواهنده قرار مده، و بر ایشان نفرین فراوان بفرست.

اللَّهُمَّ فَخْذُهُمْ أَخْذًا وَبِطَالًا. اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ أَضَاعُوا

خدايا؛ آن‌ها را به شدت در چنگ خود گرفتارشان کن. بارخدايا؛ همانا ایشان

الصَّلَاةَ، وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ، وَعَمِلُوا السَّيِّئَاتِ. اللَّهُمَّ

نماز را ضایع و تباه کردند، و از شهوت‌ها پیروی کردند، و انواع گناهان را مرتکب شدند. خدايا؛

فَخْذُهُمْ بِالْبَلِيَّاتِ، وَاحْلُلْ بِهِمُ الْوَيَالَاتِ، وَأَرِهِمْ

آنان را دچار بلاها کرده، و مصیبت‌ها و هلاکت‌ها به ایشان وارد کن،

الْحَسْرَاتِ، يَا اللَّهُ إِلَهَ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ. اللَّهُمَّ

و حسرت و افسوس خوردن را بر آنان حاکم فرما. ای خدا؛ ای پروردگار آسمان‌ها و زمین‌ها. خدايا؛

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْنَا بِرَحْمَتِكَ يَا

بر حضرت محمد و آل محمد درود فرست، و ما را به رحمت مورد ترحم قرار بده؛ ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ يَا رَبِّ بِطَاعَتِكَ،

مهربان‌ترین مهربانان. بار خدايا؛ من به اطاعت تو گردن می‌نهم،

وَلَا نُنْكِرُ وَلَا يَةَ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى

و ولایت حضرت محمد ﷺ فرستاده تو را - که درود تو بر او و

أَهْلِ بَيْتِهِ، وَوَلَا يَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

اهل بیت او باد - انکار نمی‌کنم؛ هم‌چنین ولایت امیر مؤمنان (حضرت) علی بن ابی طالب -

عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَوَلَا يَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا

که سلام بر او باد - و امام حسن و امام حسین علیهما السلام - که بر آن دو

السَّلَامُ، سِبْطِي نَبِيَّكَ وَوَلَدِي رَسُولِكَ عَلَيْهِمَا

سلام باد - دو نواده پیامبر و دو فرزند رسولت را - که بر آن دو

السَّلَامُ، وَوَلَايَةَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ مِنْ ذُرِّيَّةِ

سلام باد - انکار نمی‌کنم، هم‌چنین، ولایت پاکان معصوم از نسل امام

الْحُسَيْنِ، عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ

حسین علیه السلام؛ یعنی حضرت علی بن حسین (امام سجاد علیه السلام)، محمد بن علی (امام باقر علیه السلام)، جعفر

ابنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى

ابن محمد (امام صادق علیه السلام)، موسی بن جعفر (امام کاظم علیه السلام)، علی بن موسی (امام رضا علیه السلام)،

وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ

محمد بن علی (امام جواد علیه السلام)، علی بن محمد (امام هادی علیه السلام)، حسن بن علی (امام حسن

سَلَامُ اللهُ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَوَلَايَةَ الْقَائِمِ،

عسکری علیه السلام) - که سلام و برکت‌های الهی نثارشان باد - و ولایت قائم (حضرت مهدی علیه السلام)

السَّابِقِ مِنْهُمْ بِالْخَيْرَاتِ، الْمَفْتَرَضِ الطَّاعَةِ، صَاحِبِ

که پیشی‌گیرنده است به خوبی‌ها از ایشان، و اطاعتش واجب بوده و صاحب

الزَّمَانِ سَلَامُ اللهُ عَلَيْهِ. أَدِينُكَ يَا رَبِّ بِطَاعَتِهِمْ

عصر و زمان می‌باشد را می‌پذیرم که سلام خدا بر او باد. بارپروردگارا؛ من با اطاعت از آنان و قبول

وَوَلَايَتِهِمْ، وَالتَّسْلِيمِ لِفَرَضِهِمْ، رَاضِيًا غَيْرَ مُنْكَرٍ

ولایتشان و تسلیم شدن در برابر اوامر و نواهی ایشان، تو را پرستش می‌کنم؛ در حالی که از این امر راضی هستم،

وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَنْكِفٍ، عَلِيٍّ مَعْنَى مَا أَنْزَلْتَ فِي

نه انکار می‌کنم و نه استکبار می‌ورزم و نه آن را ننگ می‌دانم؛ بر معانی و مفاهیمی که

كِتَابِكَ، عَلِيٍّ مَوْجُودٍ مَا أَتَانَا فِيهِ، رَاضِيًا مَا رَضَيْتَ

در کتابت نازل کردی و طبق آن موجودی که به من رسیده. به آنچه تو را راضی می‌کند من نیز راضی هستم،

بِهِ، مُسَلِّمًا مُقَرَّرًا بِذَلِكَ يَا رَبِّ، رَاهِبًا لَكَ، رَاغِبًا فِيمَا

و در برابر آنان تسلیم بوده و به آن اقرار می‌کنم؛ بار پروردگارا؛ در حالی که من از تو ترسان هستم، و به آنچه نزد

لَدَيْكَ. اَللّٰهُمَّ ادْفَعْ عَنَّا وَلِيَّكَ وَابْنَ نَبِيِّكَ، وَخَلِيفَتِكَ

توست مشتاقم. بارخدایا؛ از ولایت و فرزند پیامبرت، و جانشین

وَحُجَّتِكَ عَلِيٍّ خَلْقِكَ، وَالشَّاهِدِ عَلِيٍّ عِبَادِكَ،

و حجّت بر بندگانت، و گواه بر آنان؛

الْمُجَاهِدِ الْمُجْتَهِدِ فِي طَاعَتِكَ، وَوَلِيِّكَ وَأَمِينِكَ فِي

تلاش‌کننده‌ای کوشا در اطاعت از تو، و ولی و امانت‌دار تو بر روی

أَرْضِكَ، فَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ، وَاجْعَلْهُ فِي

زمینت؛ بلا را دور کن. او را از شرّ آن چه که آفریده‌ای و به وجود آورده‌ای، پناه بده؛

وَدَائِعِكَ الَّتِي لَا يَضِيعُ مَنْ كَانَ فِيهَا، وَفِي جِوَارِكَ

او را از جمله سپرده‌های ضایع‌شدنیت قرار بده؛ او را در جوار خود

الَّذِي لَا يُقْهَرُ، وَأَمْنَهُ بِأَمَانِكَ، وَاجْعَلْهُ فِي كَنْفِكَ،

که شکست نمی‌خورد قرار بده؛ و او را به امان خود ایمن گردان و در کنف حمایت خود قرار ده،

وَأَنْصُرُهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ، يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ

و او را به نصرت قوی و نیرومندت یاری ده؛ ای پروردگار جهانیان. بار خدایا؛

اعْصِمُهُ بِالسَّكِينَةِ، وَأَلَيْسُهُ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ، وَأَعِنِّهُ

او را با وقار و آرامش حفظ کن؛ و به او زره محکم خود را بیوشان؛ و او را مدد کن

وَأَنْصُرُهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ نَصْرًا عَزِيزًا، وَاْفْتَحْ لَهُ فَتْحًا

و به نصرت قوی و نیرومندت به نوعی مقتدرانه یاری فرما؛ و گشایش آسان برایش مقرر فرما؛

يَسِيرًا، وَاَجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا. اللَّهُمَّ

و از نزد خودت برای او قدرت و نیروی یاری شده‌ای قرار بده. خدایا؛

وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ،

دوست بدار هرکسی او را دوست می‌دارد، و دشمن بدار هرکسی را که با او دشمنی می‌ورزد، و یاری کن هر که او را یاری می‌کند

وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ. اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ صَدْعَنَا، وَارْتُقْ

و هر کس قصد خوار کردنش را دارد خوار و ذلیلش کن. بار خدایا؛ جدایی بین ما را به وسیله او اصلاح کن، و گسستگی ما را به وسیله

بِهِ فَتَقْنَا، وَالْمُمْ بِهِ شَعْتْنَا، وَكَثِّرْ بِهِ قِلَّتْنَا، وَأَعِزِّزْ بِهِ

او پیوسته فرما و پراکندگی و نابسامانی ما را به وسیله او سامان بخش، و کمی ما را به وسیله او زیاد فرما، و ذلت و خواری ما را به

ذَلَّتْنَا، وَاَقْضِ بِهِ عَن مَّغْرَمِنَا، وَاَجْبِرْ بِهِ فَقْرَنَا، وَسُدِّ

وسیله او به عزت و ابر و مندی مبطل فرما و بدهکاری‌های ما را به وسیله او ادا فرما، و فقر و ناداری ما را به وسیله او جبران فرما، و

بِهِ خَلَّتْنَا، وَأَغْنِ بِهِ فَاقْتَنَا، وَيَسِّرْ بِهِ عُسْرَتَنَا، وَكُفِّ

نیازمندی و حاجتمندی ما را به وسیله او برطرف کن، و تنگدستی ما را به وسیله او تبدیل به دارایی و ثروت کن، و مشکلات ما را به

بِهِ وُجُوهُنَا، وَأَنْجِحْ بِهِ طَلِبَتَنَا، وَاسْتَجِبْ بِهِ دُعَائَنَا،

وسیله او آسان فرما؛ ابروی ما را به وسیله او نگاه دار، و خواسته‌های ما را به وسیله او برآورده فرما، و دعای ما را به وسیله او

وَأَعْظِنَا بِهِ فَوْقَ رَغَبَتِنَا، وَاشْفِ بِهِ صُدُورَنَا، وَاهْدِنَا

مستجاب فرما، و برای ما به وسیله او بیشتر از آن چه که میل و رغبت ماست، عطا فرما؛ سینه‌های ما را به وسیله او شفا بده، و در

لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ يَا رَبِّ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ

اموری که در آن اختلاف وجود دارد ما را به حق هدایت فرما. ای پروردگار؛ همانا، تو هر که را

تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. اللَّهُمَّ أَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ،

بخواهی به راه راست هدایت می‌کنی. خدایا؛ به وسیله او ظلم و ستم را بمیران،

وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَقَوِّ نَاصِرَهُ، وَاخْذُلْ خَاذِلَهُ، وَدَمِّرْ

و عدل و داد را ظاهر کن، و یاری کننده او را قدرت بده، و خوارکننده او را خوار و ذلیل فرما،

مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَأَهْلِكَ مَنْ غَشَّهُ، وَاقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ

و هر کسی که دشمنی یا بدی را برای او آشکار کند نابود فرما، و هر کسی به او خیانت می‌کند هلاک فرما؛ و به وسیله

الْكُفْرِ، وَاقْصِمْ رُؤُوسَ الضَّالَّةِ، وَسَائِرِ أَهْلِ الْبِدْعِ،

آن حضرت، سران کفر را نابود فرما، و رؤسای ضلالت و گمراهی و تمام بدعت‌گذاران و

وَمُقَوِّيَةِ الْبَاطِلِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَابِرَةَ، وَأَبِرْ بِهِ الْكَافِرِينَ

تقویت‌کنندگان باطل و نادرستی را درهم بشکن، و زورگویان را به وسیله او به ذلت و خواری بیفتان؛ و به واسطه او کافران

وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ

و منافقان و منحرفان از دین را در شرق

وَمَغَارِبِهَا، بَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، لَا تَذَرُ

و غرب زمین، و در خشکی و دریای آن، و در کوه و بیابان آن؛ هلاک فرما، و

عَلَى الْأَرْضِ مِنْهُمْ دِيَارًا، وَلَا تُبْقِ لَهُمْ آثَارًا. اَللّٰهُمَّ

هیچ یک از ایشان را بر روی زمین باقی نگذار و اثری از آنها بجای نگذار. بار خدایا؛

أَظْهَرُهُ، وَافْتَحْ عَلَيَّ يَدَيْهِ الْخَيْرَاتِ، وَاجْعَلْ فَرَجَنَا

او را ظاهر فرما و درهای خیر و برکت را به دست او بگشای، و گشایش امور ما را

مَعَهُ وَبِهِ. اَللّٰهُمَّ اَعِنَّا عَلَى سُلُوكِ الْمَنَاهِجِ، مِنْهَاجِ

به وسیله او و با فرج او قرار بده. بار خدایا؛ ما را یاری کن تا راه‌های روشن و واضح را ببیم، راه

الْهُدَى، وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةِ الْوَسْطَى،

هدایت و راه روشن و واضح عظیم‌تری که راه میانه و معتدل می‌باشد و هیچ کجی در آن نیست؛

الَّتِي يَرْجِعُ اِلَيْهِ الْعَالِي، وَيَلْحَقُ بِهِ التَّالِي، وَوَقَّفْنَا

راهی که هر افراط‌گری دوباره به سوی آن برمی‌گردد، و هر عقب‌مانده‌ای به آن ملحق می‌شود. ما را

لِمُتَابَعَتِهِ، وَادَاءِ حَقِّهِ. وَامْنُنْ عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ فِي

موفق به تبعیت و پیروی و ادای حق آن حضرت بفرما. بر ما منت بگذار به پیروی از آن حضرت در

الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ، وَاجْعَلْنَا مِنَ الطَّالِبِينَ رِضَاكَ

سختی‌ها و رنج‌ها؛ و ما را از جویندگان رضایت خودت

بِمُنَاصَحَتِهِ، حَتَّى تَحْشُرَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي اَعْوَانِهِ

با خیرخواهی برای آن حضرت، قرار بده؛ تا این که ما را روز قیامت در زمره کمک‌رسانان

وَأَنْصَارِهِ، وَمَعُونَةِ سُلْطَانِهِ. وَاجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا

و یاران و مددکاران حکومتیش محشور فرمایی. آن چه گفتیم را برای ما خالص

مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ، وَرِيَاءٍ وَسَمْعَةٍ لَانَطْلُبُ بِهِ

از هر شک و شبهه‌ای و خالی از خودنمایی و شهرت گردان؛ که به وسیله آن

غَيْرَكَ، وَلَا نُرِيدُ بِهِ سِوَاكَ، وَتُحِلَّنَا مَحَلَّهُ، وَتَجْعَلْنَا

کسی غیر از تو را طلب نکنیم، و جز تو را اراده نکنیم، و ما را در نزد او جای بده، و ما را

فِي الْخَيْرِ مَعَهُ، وَاصْرِفْ عَنَّا فِي أَمْرِهِ السَّامَةَ

در بهره و خیرها همراه او قرار بده؛ در انجام اوامر آن حضرت، تنبلی و

وَالْكَسَلَ وَالْفُتْرَةَ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا، فَإِنَّ

و سستی و سهل‌انگاری کردن را از ما دور کن، کسی را نیز به جای ما جایگزین مفرما؛ زیرا

اسْتَبْدَلْنَاكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَعَلَيْنَا عَسِيرٌ، وَقَدْ

عوض کردن جای ما با دیگران برای تو آسان است ولی برای ما مشکل و دشوار می‌باشد؛ با

عَلِمْنَا بِفَضْلِكَ وَإِحْسَانِكَ يَا كَرِيمٌ، وَصَلَّى اللهُ عَلَيَّ

و جودی که ما نسبت به فضل و احسان تو آگاه هستیم؛ ای بزرگوار؛ درود و سلام خدا به طور دائم بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ۱.

آقای ما حضرت محمد و اهل بیت آن حضرت نثار باد.

دعا هنگام وقوع صیحه

از ابن مسعود روایت است که پیامبر ﷺ فرمودند:

وقتی در ماه مبارک رمضان، صدایی به گوش مردم رسید، همانا فتنه در ماه شوال است، و در ماه ذیقعد نیز قبیله‌ها از یکدیگر جدا می‌شوند، و در ماه‌های ذیحجه و محرم خون‌ریزی‌های زیادی صورت می‌پذیرد؛ چه محرمی؛ خدا می‌داند که مردم بسیار زیادی در آن به قتل می‌رسند.

گفته شد: ای رسول خدا؛ صیحه چیست؟

رسول خدا ﷺ فرمودند:

صدایی^۱ است که در نیمه ماه مبارک رمضان، و روز جمعه هنگام برآمدن خورشید خواهد شد. در آن سال، شروع ماه رمضان نیز در شب جمعه خواهد بود. این صدا به قدری مهیب است که هر کس را که خواب باشد بیدار می‌کند، و کسانی را که ایستاده‌اند می‌نشانند و عروسان را از حجله‌هایشان ناخودآگاه به بیرون می‌کشد.

این جریانات در شب جمعه اتفاق می‌افتد و در آن سال زلزله‌ها و سرمای شدید زیاد پدیدار خواهد شد. بدین سان، هرگاه هلال ماه مبارک رمضان آن سال در شب جمعه دیده شود، وقتی که نماز صبح روز جمعه نیمه ماه مبارک رمضان را به جای آوردید به خانه‌های خود بروید، و درب‌ها را ببندید و قفل کنید، و پنجره‌ها را نیز ببندید، و خودتان را پنهان داشته و گوش‌های‌تان را نیز ببندید. پس از احساس وقوع صدا در برابر خدای متعال به سجده بیفتید و بگویید:

سُبْحَانَ الْقُدُّوسِ ، سُبْحَانَ الْقُدُّوسِ رَبِّنَا .

خدای قُدُّوس و پاک، ستوده و منزه است؛ خدای پاک، ستوده است و پروردگار ماست.

زیرا، هر کس این کارها را انجام دهد رهایی می‌یابد، و هر که انجام ندهد به هلاکت می‌رسد.^۱

این دعا را در این بخش نقل کردیم چون در ماه رمضان خوانده

می‌شود؛ هر چند در تمام ماه‌های رمضان خوانده نمی‌شود.

۱. التشریف بالمنن معروف به ملاحم و فتن: ۲۸۴ از عالم جلیل القدر سید بن طاووس. این روایت را در ص ۱۰۰ همان کتاب با تفاوت مختصری نقل نموده است.

۱. در روایت «الهدّة» تعبیر شده است که به معنای صدای عجیبی است که از افتادن شیتی از آسمان به زمین ایجاد شود!

دعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه
در روز هیجدهم ماه مبارک رمضان

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمته الله برای روز هیجدهم ماه مبارک رمضان، این دعا را نقل کرده است:

اللَّهُمَّ إِنَّ الظُّلْمَةَ كَفَرُوا بِكِتَابِكَ، وَجَحَدُوا آيَاتِكَ،
بار خدایا؛ همانا ستمکاران نسبت به قرآن تو کفر ورزیدند، و آیات را انکار کردند،
وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ، وَبَدَّلُوا مَا جَاءَ بِهِ رَسُولُكَ، وَشَرَعُوا
و فرستادگانت را تکذیب نمودند، و آنچه را که پیامبر تو آورده است دگرگون کردند، و
غَيْرَ دِينِكَ، وَسَعَوْا بِالْفُسَادِ فِي أَرْضِكَ، وَتَعَاوَنُوا
غیر دین تو را قانون نهادند، و در روی زمین فساد را رواج دادند، و برای
عَلَى إِطْفَاءِ نُورِكَ، وَشَاقُّوا وُلاةَ أَمْرِكَ، وَوَالَوْا
خاموش کردن نور هدایت تو یا یکدیگر هم‌کاری کردند، و با سرپرستان امور تو مخالفت و دشمنی کردند، و با
أَعْدَاءِكَ، وَعَادُوا أَوْلِيَاءِكَ، وَظَلَمُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ.

دشمنانت دوستی و هم‌عهدی نمودند، و با دوستانت دشمنی ورزیدند و بر اهل بیت پیامبرت ظلم و ستم کردند.
اللَّهُمَّ فَانْتَقِمْ مِنْهُمْ، وَاصْبِ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ، وَاسْتَأْصِلْ
بار خدایا؛ از آنان انتقام بگیر و عذابت را بر آنان سرازیر کن، و آنان را از ریشه برکن.

شَأْفَتَهُمْ. اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا دِينَكَ دَغْلًا، وَمَالِكَ

خدایا؛ همانا ایشان دین تو را وسیله گول‌زدن و حيله‌گری گرفتند، و اموال تو را وسیله چیرگی و غلبه خودشان قرار دادند،

دُولًا، وَعِبَادَكَ خَوْلًا، فَكَفَفْ بِأَسْهُمِ، وَأَوْهِنْ كَيْدَهُمْ،

و بندگان تو را بنده و برده خود کردند. پس بندگان را از عذاب و شکنجه آنان باز بدار، و مکر و حيله‌هایشان را سست و

وَاشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ الْمُؤْمِنِينَ، وَخَالَفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ،

بی‌اثر کن، و سینه مؤمنان را از آنان شفا بده و بین دل‌های آنان (دشمنان) اختلاف ایجاد کن،

وَسَتِّتْ أَمْرَهُمْ، وَاجْعَلْ بِأَسْهُمِ بَيْنَهُمْ، وَاسْفِكْ بِأَيْدِي

و کارهای‌شان را آشفته و پراکنده ساز، و سختی‌های‌شان را بین خودشان قرار ده، و خون‌شان را به

الْمُؤْمِنِينَ دِمَائِهِمْ، وَخُذْهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ.

دست مؤمنان بریز، و آن‌ها را گرفتار کن؛ به طوری که نتوانند بفهمند از کجا گرفتار شدند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْهَدُ

بار خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست. خدایا؛ ما در

يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَيَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ، أَنَّهُمْ لَمْ يُذْنِبُوا

روز قیامت و روز فرا رسیدن بلای بزرگ، گواهی می‌دهیم که ایشان هرگز

لَكَ ذَنْبًا، وَلَمْ يَرْتَكِبُوا لَكَ مَعْصِيَةً، وَلَمْ يُضَيِّعُوا لَكَ

گناهی انجام نداده‌اند، و نافرمانی تو را مرتکب نشدند، و هرگز طاعتی از تو را ضایع نکرده‌اند؛

طَاعَةً، وَأَنَّ مَوْلَانَا وَسَيِّدَنَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْهَادِي

و به راستی که مولای ما و آقای ما و صاحب روزگار ما، هدایت‌کننده

المُهْتَدِي، التَّيْبِيُّ النَّقِيُّ الزَّكِيُّ الرَّضِيُّ، فَاسْلُكْ بِنَا

هدایت‌شده، و پرهیزکار، پاک و آراسته، صالح و پسندیده می‌باشد. پس، ما را به وسیله

عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَا جِ الْهُدَى، وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى، وَقَوْنَا

آن حضرت در راه هدایت، و راه آشکار بزرگ بپر؛ و ما را قدرت بده تا از

عَلَى مُتَابَعَتِهِ، وَأَدَاءِ حَقِّهِ، وَاحْشُرْنَا فِي أَعْوَانِهِ

آن حضرت پیروی کنیم، و حقش را ادا کنیم؛ و ما را در زمره یاران و مددکاران

وَأَنْصَارِهِ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ. ۱

و یاوران آن حضرت محشور فرما؛ همانا تو شنونده دعا هستی.

۱۴

دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه

در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان

این دعا ضمن اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، در

بعضی از کتاب‌ها وارد شده است:

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَجْدِ الشَّامِخِ وَالسُّلْطَانِ الْبَادِخِ، صَلِّ

بار خدایا؛ ای صاحب شکوه و عظمت رفیع و سلطنت والا؛

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَكُنْ لَوْلِيَّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ

بر محمد و آل محمد درود فرست، و برای ولی و فرزند ولی خود

مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمُهْدِيِّ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَلِيًّا

محمد بن حسن حضرت مهدی علیه السلام در این ساعت سرپرست

وَخَافِظًا، وَقَائِدًا وَنَاصِرًا، وَدَلِيلًا وَعَوْنًا، وَعَيْنًا

و محافظ و پیشوا و یاور و راهنما و مددکار و دیده‌بان

وَمُعِينًا، حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا

و کمک‌رسان باش؛ تا او را از روی میل و رغبت بر روی زمینت ساکن گردانی، و بهره‌مندی او را

طَوِيلًا. يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ، يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ، يَا

طولانی گردانی. ای تدبیرکننده کارها؛ ای برانگیزاننده هر که در قبرهاست؛ ای

مُجْرِي الْبُحُورِ، يَا مُلَيِّنَ الْحَدِيدِ لِدَاوُودَ عَلَيْهِ

جاری کننده دریاها؛ ای نرم کننده آهن برای حضرت داوود - که

السَّلَامُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي

درود بر او باد -؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست، و برای من انجام بده

كَذَا وَكَذَا.

چنین و چنان.

و به جای «کذا و کذا» حاجت خود را از خدا بنخواه^۱.

دعای دیگر برای ظهور آن حضرت
در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان

علامه مجلسی رحمته الله فرموده است که محمد بن عیسی بن عبید با سند خود از یکی از معصومین علیهم السلام نقل کرده که فرمود:

در شب بیست و سوم از ماه مبارک رمضان؛ این دعا را در حالت ایستاده یا نشسته و در هر حالی، و در تمام ماه مبارک رمضان، و هر طور که برایت ممکن و مقدور است، و در تمام دورات دوران عمرت تکرار کن؛ و بعد از تکریم و بزرگداشت خداوند متعال، و درود بر پیامبر و اهل بیت او علیهم السلام بگو:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ

بارخدايا؛ برای ولی خود - او که برای اجرای اوامر تو قیام می‌کند - حضرت محمد بن الحسن

الْمَهْدِيِّ، عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ،

المهدی که بر او و بر پدرانش برترین سلام‌ها و درودها باد،

فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا

در این ساعت و در هر ساعت، سرپرست و محافظ و پیشوا

و ناصراً و دليلاً و مؤيداً، حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً،

و باور و راهنما و تأییدکننده باش؛ تا زمانی که او را از روی میل و رغبت بر روی زمینت ساکن گردانی،

و تَمَتَّعَهُ فِيهَا طَوَّلاً وَعَرَضاً، وَتَجْعَلَهُ وَذُرِّيَّتَهُ مِنْ

و او را در طول و عرض زمین بهره‌مند گردانی؛ و او و فرزندان او را از

الْأَيَّامَةِ الْوَارِثِينَ. اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ، وَاجْعَلِ

پیشوایانی که وارثان اصلی خلافت و امامت هستند، قرار دهی. بارخدايا؛ او را یاری کن و ما را به وسیله او یاری

النَّصْرَ مِنْكَ عَلَى يَدِهِ، وَاجْعَلِ النَّصْرَ لَهُ وَالْفَتْحَ عَلَى

ده، و نصرت و پیروزی خود را به دست او قرار بده؛ و پیروزی را برای او و گشایش را در راه او

وَجْهِهِ، وَلَا تُوجِّهِ الْأَمْرَ إِلَى غَيْرِهِ. اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ

قرار بده؛ و کار را به غیر او حواله نکن. خدايا؛

دِينِكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ، حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ

دین خودت و سنت پیامبرت را به وسیله آن حضرت نمودار کن؛ تا این که هیچ حقی

مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي

را به خاطر ترس از فردی از مردم پنهان نسازد. بارخدايا؛ همانا من

دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعْزُبُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُدَلُّ بِهَا النِّفَاقَ

مشاق دولت کریمه آن حضرت هستیم که اسلام و اهلس را به واسطه آن عزیز کنی، و نفاق

وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ،

و اهلس را ذلیل و خوار گردانی، و ما را در آن از فراخوانان به طاعت خویش

وَالْقَادَةَ إِلَى سَبِيلِكَ، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي

و رهبرانی به سوی راه خودت قرار دهی؛ و در دنیا

الْآخِرَةَ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ، وَاجْمَعْ لَنَا خَيْرَ

و آخرت به ما خیر و خوبی عطا فرما، و ما را از عذاب جهنم محفوظ بدار، و برای ما خوبی‌های

الدَّارَيْنِ، وَاقْضِ عَنَّا جَمِيعَ مَا تُحِبُّ فِيهِمَا، وَاجْعَلْ

هر دو جهان را گرد آور؛ و برای ما تمامی آنچه را که در دو جهان دوست داری از طرف ما انجام بده؛

لَنَا فِي ذَلِكَ الْخَيْرَةَ بِرَحْمَتِكَ وَمَنَّا فِي عَافِيَةٍ، آمِينَ

و برای ما در این چیزها، آنچه خیر است به واسطه مهربانی و ممت دیرینهات در عافیت قرار بده، اجابت کن

رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَيَدِكَ الْمَلَأُ، فَإِنَّ كُلَّ

ای پروردگار جهانیان؛ و از فضل و فزون بخشی خودت و دست پرخیر و برکت بر ما افزون گردان؛ پس همانا هر

مُعْطٍ يَنْقُصُ مِنْ مُلْكِهِ، وَعَطَاؤُكَ يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ. ۱

بخشنده‌ای، دارایی و توانایش، در اثر بخشیدن به تدریج کم می‌شود، ولی بخشش تو، توانایی و داراییت را زیاد می‌کند.

۱۶

دعای سوّم برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه

در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان

شیخ بزرگوار کفعمی رحمته الله می‌نویسد: از ائمّه معصومین عليهم السلام به

ما رسیده است که:

در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان، این دعا را در حال

سجده یا ایستاده یا نشسته، و در هر حالی و در تمامی ماه

مبارک، و هر طور که برایت امکان دارد و در تمام دوران

عمرت تکرار کن؛ و بعد از بزرگداشت و ادای احترام به

خداوند متعال، و درود بر پیامبرش صلى الله عليه وآله بگو:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ، (صَلِّوْا تَكَ عَلَيْهِ

بار خدایا؛ برای ولایت حضرت حجّة بن الحسن، (که درود تو بر او

وَعَلَى آبَائِهِ)، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا

و بر پدران او باد)، در این ساعت و در هر ساعت، سرپرست

و حَافِظًا، وَقَائِدًا وَنَاصِرًا، وَدَكِيلاً وَعَيْنًا، حَتَّى

و محافظ و پیشوا و یاور و راهت‌ما و دیده‌بان باش، تا

تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا. ۱

او را از روی میل و رغبت بر روی زمینت به ساکن گردانی، و بهره‌مندی او را در زمین طولانی فرما.

از ادب شیعه نسبت به امام زمان عجل الله فرجه

در روز عید فطر

سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس رحمته الله در بخشی از

کتابش به عنوان «ادب بنده در روز عید نسبت به کسی که معتقد

است که او امام و دارای این مقام والا است»؛ می‌فرماید:

پس می‌گویم: بدان هنگامی که عید فطر فرا رسد پس اگر

صاحب حکومت و امور (امام زمان ارواحنا فداه) در ملت و مملکتش تصرف داشت و رعیت او آن گونه بودند که مولای شان خواسته بود، پس به آن حضرت به خاطر این که خدا به او رو کرده و به خاطر سلطنت و قدرتی که به او احسان نموده تهنیت گو، سپس به خودت و کسی که نزد تو عزیز است و برای دنیا و اهل آن و برای هر کسی که به امامت آن حضرت سعادت مند شده و از وجودش و امامتش و یمن او و هدایتش و بهره های دولتش بهره مند است تبریک بگو.

و اگر کسی که معتقد به وجوب اطاعتش هستی از تصرف در آنچه مقتضای ریاست او است منع شده باشد باید اثر خشم و غضب الهی بر تو نمودار باشد و بر آنچه از فضل و احسان او از تو فوت شده حسرت و اندوه داشته باشی.

پس همانا روایت کرده ایم با سند خود به شیخ صدوق رحمته الله علیه از کتاب «من لا یحضره الفقیه» و غیر آن با سند او به حنّان بن سدید از عبدالله بن دینار از امام باقر رحمته الله علیه؛ که حضرت فرمودند:

ای عبدالله؛ برای مسلمانان هیچ عید قربان و فطری نیست مگر این که در آن روز برای آل محمد رحمته الله علیهم حزن و اندوه تازه می شود.

عبدالله گوید: عرض کردم برای چه؟

حضرت فرمودند: برای این که ایشان رحمته الله علیهم حقّ خودشان را در دست دیگران می بینند.

می گویم: اگر احوال زمان ظهور را می دانستی و مستحضر بودی که در آن هنگام چگونه پرچم های اسلام به عدل و عدالت باز و احکام مردمان به فضل و دانش آشکار گشته و اموال در راه خدا به بندگان او بذل و بخشش می شود و آرزوها شاداب و خندان و برآورده شده، و امنیّت و آرامش شامل نقاط دور و نزدیک می شود؛ و نصرت و پیروزی، انسان های ضعیف و ذلیل و غریب را فرا گرفته است، و خورشید خوشبختی در دنیا طلوع کرده است و دنیا را روشن ساخته، و خوشبختی و اقبال در زمین های پست و بلند گسترده گردیده، و حکم روشن خداوند و سلطنت نیرومند او چنان ظاهر شده که خردها نشاط یافته و دل ها شادمان و همه کرانه ها را نور فرا گرفته، به راستی عیدی که به فرارسیدنش مسرور گشته ای بر تو مکدر می گشت و می فهمیدی که از کرم خدا و الطاف او چه مقدار از دست داده ای و گریه و سوز دل و آه و حسرت بر تو غالب می گشت و این سزاوارتر است و به وفانسیبت به کسی که نزد تو عزیز است نزدیک تر است.

با ذکر این مطالب مختصری پرده را برایت کنار زدیم و ولی آن گونه که باید شرح و توضیح ندادم و آن چه که ما آن را ذکر کردیم به نحو آگاه کردن و اشاره بود؛ به خاطر این که عبارات برای شرح آن چه که ما می خواهیم آن را بیان کنیم، عاجز می باشد.

و بدان که همانا صفا و صمیمیّت و وفاداری برای صاحبان حق هنگام جدایی و دوری نیکوتر است از صفا و صمیمیّتی که در حال

نزدیکی و حضور باشد؛ پس، صفا و صمیمیت و وفاداری باید شعار قلب تو برای مولایت باشد؛ و پروردگارت برگشودن و برطرف کردن حزن و اندوه و مشقت تو قادر است.^۱

۱۷

دعای روز عید غدیر

کسی که آن را بخواند مانند کسی است که زیر پرچم

حضرت قائم صلوات الله علیه و در خیمه آن حضرت باشد

علامه مجلسی رحمته الله می فرماید: ابوهارون عبدی گفت: در روز هیجدهم ذی الحجّه خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم در حالی که آن حضرت روزه دار بود، به من فرمودند:

همانا این روز، روزی است که خدا حرمتش را بین مؤمنان زیاد کرده است؛ چون خداوند در این روز دین آنها را کامل کرده و نعمتش را بر آنان تمام نموده است، و عهد و پیمانی که از ایشان در عالم ذر گرفته، برای آنان تجدید کرده است؛ زیرا آن موقف را از یاد آنها برده بود و خداوند آنان را توفیق داده که آن عهد و پیمان را از او قبول کنند، و خداوند آنان را از کسانی که این امر را انکار می کردند، قرار نداد.

۱. إقبال الأعمال: ۵۸۴. دعای روز عید فطر را در بخش ۱۲ ص ۱۰۴۴ می آوریم به خاطر مناسبت دعا با آن بخش.

من به آن حضرت عرض کردم: جانم فدای شما باد؛ ثواب روزه گرفتن در این روز چیست؟ حضرت فرمودند:

همانا این روز، روز عید، شادی، سرور و روزه گرفتن به خاطر سپاسگزاری از خداوند می باشد. روزه گرفتن در این روز معادل شصت ماه روزه گرفتن در ماه های حرام می باشد. در این روز هر موقع که خواست، (گرچه بهترین وقت آن نزدیک ظهر می باشد؛ و آن ساعتی است که حضرت علی علیه السلام در غدیر خم برای جانشینی پیامبر معین شد و مردم در آن وقت به منزل نزدیک شده بودند) دو رکعت نماز بخواند، سپس سجده کند و صد مرتبه خدا را شکر کند (و شُكْرًا لِلَّهِ بگویند) و بعد از سجده این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، وَخَدَكَ لَا شَرِيكَ

بار خدایا؛ من از تو درخواست می کنم (با گواهی این) که حمد و ستایش مخصوص تو می باشد که

لَكَ، وَأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ، لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ، وَلَمْ

تنها و بی شریک می باشی، و همانا تو یگانه، تنها و بی نیاز هستی؛ نه فرزند کسی هستی و نه کسی

يَكُنْ لَكَ كُفُوًا أَحَدٌ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ

فرزند توست، و نه هیچ کس همتای توست و همانا حضرت محمد بنده و فرستاده توست؛

صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ،

که سلام و درود تو بر او و آل او باد؛ ای کسی که هر روز برای او شأنی و امری است،

كَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ تَفْضَلْتَ عَلَيَّ، بِأَنْ جَعَلْتَنِي

همچنان که از شأن توست که بر من تفضل فرموده و مرا از

مِنْ أَهْلِ إِجَابَتِكَ، وَأَهْلِ دِينِكَ وَأَهْلِ دَعْوَتِكَ،

پاسخ‌دهندگان به تو، و اهل دین و دعوت خویش قرار دادی؛

وَوَفَّقْتَنِي لِذَلِكَ فِي مُبْتَدَأِ خَلْقِي، تَفْضُلاً مِنْكَ

و مرا در آفرینش اولیام (عالم ذر) بر این کار از روی فضل

وَكْرَمًا وَجُودًا. ثُمَّ أَرَدَفْتَ الْفَضْلَ فَضْلاً، وَالْجُودَ

و جود و کرم موفق کردی. سپس فضلی در بی فضل دیگر، و جود و بخششی در بی

جُودًا، وَالْكَرَمَ كَرَمًا، رَأْفَةً مِنْكَ وَرَحْمَةً إِلَيَّ أَنْ

جود و بخشش دیگر، و کرامتی در بی کرامت دیگر از رأفت و رحمت خود تفضل فرمودی تا آن که

جَدَّدْتَ ذَلِكَ الْعَهْدَ لِي تَجْدِيدًا بَعْدَ تَجْدِيدِكَ خَلْقِي

این عهد را بر من تازه کردی، بعد از آن که مرا آفرینش جدیدی فرمودی؛

وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا نَاسِيًّا سَاهِيًّا غَافِلًا، فَأَتَمَمْتَ

و با آن که من به کلی فراموش شده و در سهو و نسیان و غفلت بودم، پس

نِعْمَتَكَ بِأَنْ ذَكَّرْتَنِي ذَلِكَ، وَمَنْنْتَ بِهِ عَلَيَّ،

نعمتت را بر من کامل کردی به این که مرا یادآور آن عهد و پیمان کردی؛ و با آن بر من منت گذاشتی؛

وَهَدَيْتَنِي لَهُ. فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي

و به سوی آن هدایت فرمودی. پس باید از شأن تو این باشد ای خدای من؛ و سرور من؛

وَمَوْلَايَ، أَنْ تُتِمَّ لِي ذَلِكَ، وَلَا تَسْلُبْنِيهِ، حَتَّى

و مولای من؛ که آن نعمت را بر من کامل گردانی و از من زایل نگردانی تا آن که

تَتَوَفَّانِي عَلَى ذَلِكَ وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ، فَإِنَّكَ أَحَقُّ

مرا با آن عقیده و پیمان بمیرانی، و تو از من خوشنود باشی؛ همانا تو سزاوارترین

الْمُنْعِمِينَ أَنْ تُتِمَّ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ. اللَّهُمَّ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا،

نعمت‌بخشان هستی که نعمتت را بر من کامل گردانی. خدایا؛ (عهد تو را) شنیدیم و اطاعت کردیم؛

وَأَجَبْنَا دَاعِيكَ بِمَنِّكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ غُفْرَانُكَ رَبَّنَا

و همچنین دعوت‌کننده‌ات را که بر ما فرستادی، به لطف و کرم تو اجابت کردیم، پس حمد و سپاس بر تو باد، امروزش

وَأِلَيْكَ الْمَصِيرُ، آمِنًا بِاللَّهِ، وَحُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ،

تو را خواهانم ای پروردگار ما؛ و بازگشت همه به سوی توست؛ ما به خدای یکتا و بی‌شریک

وَبِرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَصَدَّقْنَا

و به فرستاده او حضرت محمد - که سلام و درود خدا بر او و آل او باد - ایمان آوردیم و

وَأَجَبْنَا دَاعِيَ اللَّهِ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فِي مَوَالِدِ مَوْلَانَا

دعوت‌کننده‌ی خدایی را تصدیق و اجابت کردیم و او را فرستاده او را در مورد دوستی و اطاعت از مولا پیمان

وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي

و مولای مؤمنان، امیر مؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام پیروی کردیم؛

طَالِبٍ، عَبْدِ اللَّهِ وَأَخِي رَسُولِهِ، وَالصِّدِّيقِ الْأَكْبَرِ،

او که بنده خدا، و برادر فرستاده او، و راست‌گوی بزرگ،

وَالْحُجَّةَ عَلَىٰ بَرِّيَّتِهِ، أَلْمُؤَيَّدِ بِهِ نَبِيِّهِ وَدِينَهُ الْحَقَّ

و حجت خدا بر خلق اوست؛ او تأییدکننده پیامبر خدا و دین اوست که حقایق آن آشکار

الْمُبِينِ، عَلِمًا لِدِينِ اللَّهِ، وَخَازِنًا لِعِلْمِهِ، وَعَائِبَةً

و واضح است، او علم و نشانه دین خدا و گنجینه دانش خدا، و صندوق

غَيْبِ اللَّهِ، وَمَوْضِعَ سِرِّ اللَّهِ، وَأَمِينَ اللَّهِ عَلَىٰ خَلْقِهِ،

رازهای خدا، و محل سر خدا و امین خدا بر آفریدگان او،

و شَاهِدَةً فِي بَرِّيَّتِهِ. اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا اِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا

و گواه او بر بندگانش می‌باشد. بار خدایا؛ «ای پروردگار ما؛ همانا ما صدای ندادهنده‌ای

يُنَادِي لِاِيْمَانٍ اَنْ اٰمَنُوْا بِرَبِّكُمْ فَاٰمَنَّا رَبَّنَا

که ندا سر داد که به پروردگارتان ایمان آورید را شنیدیم و به پروردگارمان ایمان آوردیم؛

فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكُفْرَنَا عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ

پس گناهان ما را ببخش و بدی‌های ما را بپوشان و ما را همراه با نیکان عالم بمیران.

الْاَبْرَارِ * رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ

پروردگار ما؛ بر ما آنچه را که بر رسولانت وعده داده‌ای عطا فرما،

وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْمِيعَادَ * ۱

و ما را در روز قیامت خوار و ذلیل نفرما؛ که همانا تو از وعده‌های خود تخلف نمی‌کنی.

فَاَمَّا رَبَّنَا بِمَنَّاكَ وَّلَطْفِكَ، اَجَبْنَا دَاعِيَكَ، وَاتَّبَعْنَا

پس ای پروردگار ما؛ ما به لطف و کرم تو ایمان آوردیم، و دعوت‌کننده به سوی تو را اجابت کردیم، و

الرَّسُولَ وَصَدَقْنَاهُ وَصَدَقْنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ،

از فرستاده‌ات تبعیت کردیم و او و مولای مؤمنان را تصدیق کردیم،

وَكَفَرْنَا بِالْحَبِيبِ وَالطَّاغُوتِ، فَوَلَّانَا مَا تَوَلَّيْنَا،

و به جبت و طاغوت کفر ورزیدیم. پس تو ولی و سرپرست ما کن آن را که ما به ولایت برگزیدیم؛

وَاحْشُرْنَا مَعَ اٰمِنَتِنَا، فَاِنَّا بِهَمِّ مُؤْمِنُونَ مُوقِنُونَ،

و ما را با پیشوایان مان محشور فرما. زیرا ما به آنان ایمان آورده‌ایم و به امامت آنان یقین داریم،

وَلَهُمْ مُسْلِمُونَ، اٰمَنَّا بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ، وَشَاهِدِهِمْ

و تسلیم آنان هستیم. ما به نهان و آشکار آن‌ها، شاهد

و غَائِبِهِمْ، وَحَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ، وَرَضِينَا بِهَمِّ اٰئِمَّةٍ،

و غایب آن‌ها، و زنده و مرده آن‌ها ایمان آورده‌ایم؛ و به پیشوایی و رهبری و سروری آنان راضی و

و قَادَةَ وِسَادَةٍ، وَحَسَبْنَا بِهَمِّ بَيْنِنَا وَبَيْنَ اللَّهِ دُونَ

خشنود هستیم؛ و برای وساطت بین ما و خدای ما، آنان کفایت می‌کنند؛ و نیازی به غیر ایشان

خَلْقِهِ، لَا نَتَّبِعِي بِهَمِّ بَدَلًا، وَلَا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ

از آفریدگانش نیست؛ و به جای آن‌ها جایگزین نمی‌جوییم؛ و غیر آنان را تکیه‌گاه خود نمی‌گیریم.

و لِيَجْزِيَ، وَبَرَرْنَا اِلَى اللَّهِ مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرْبًا،

و به درگاه خدا از هر کسی که با آنان به مبارزه و جنگ می‌پردازند، بی‌زاری می‌جوییم؛

مِنَ الْجِنَّ وَالْاِنْسِ، مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ، وَكَفَرْنَا

چه آن افراد از جن باشند؛ یا از انسان‌ها، از پیشینیان باشند یا از افراد آخر الزمان؛ و به

بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ، وَالْأَوْثَانِ الْأَرْبَعَةِ، وَأَشْيَاعِهِمْ

جبت و طاغوت کفر می‌ورزیم؛ و همچنین به بت‌های چهارگانه و دنباله‌روها و پیروانشان؛

وَأَتْبَاعِهِمْ، وَكُلِّ مَنْ وَالَاهُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، مِنْ

و هر کسی که آنان را دوست دارند؛ چه از جنیان باشند و چه از انسان‌ها؛ از

أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْهَدُكَ أَنَّا نَدِينُ بِمَا

اول خلقت تا آخر آن، کفر می‌ورزیم. بار خدایا؛ ما تو را گواه می‌گیریم که ما به دینی که

دَانَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ،

حضرت محمد و آل محمد - که درود خدا بر او و آنان باد - به آن متدین هستیم، گرویدیم؛

وَقَوْلُنَا مَا قَالُوا، وَدِينُنَا مَا دَانُوا بِهِ، مَا قَالُوا بِهِ قُلْنَا،

و گفتار ما گفتار آنان؛ و دین ما دین آنان می‌باشد؛ آنچه آنان گفتند، ما می‌گوییم؛ و به آنچه

وَمَا دَانُوا بِهِ دِنًا، وَمَا أَنْكَرُوا أَنْكَرْنَا، وَمَنْ وَالَاؤَا

انان عقیده دارند، ما هم معتقدیم؛ و آنچه را که آنان منکر شدند، ما هم منکر آن هستیم؛ و هر کسی را آنان دوست داشتند،

وَالَيْنَا، وَمَنْ عَادُوا عَادِينَا، وَمَنْ لَعَنُوا لَعَنَّا وَمَنْ

ما هم دوست داریم؛ و با هر کسی آنان دشمنی کردند، ما هم با آنان دشمنی می‌کنیم؛ و هر کسی را لعن و نفرین کردند، ما

تَبَرَّءُوا مِنْهُ تَبَرَّأْنَا مِنْهُ، وَمَنْ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ تَرَحَّمْنَا

هم لعن و نفرین می‌کنیم؛ و از هر کسی بیزارى جستند، ما هم بیزارى می‌جوییم؛ و هر کسی را مورد رحمت قرار دادند ما هم

عَلَيْهِ، آمَنَّا وَسَلَّمْنَا وَرَضِينَا، وَاتَّبَعْنَا مَوَالِينَا

مورد رحمت قرار می‌دهیم؛ به امامان خودمان ایمان آوردیم، و در برابر آنها تسلیم هستیم؛ و راضی و خشنود می‌باشیم؛ و از

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ. اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لَنَا ذَلِكَ وَلَا تَسْلُبْنَاهُ،

ایشان پیروی می‌کنیم؛ که سلام خدا بر آنان باد. بار خدایا؛ این ایمان و عقیده ما را کامل گردان، و آن را از ما مگیر،

وَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرًّا ثَابِتًا عِنْدَنَا، وَلَا تَجْعَلْهُ مُسْتَعَارًا،

و آن را برای ما مستقر و ثابت گردان، و آن را به صورت عاریه برایمان قرار مده؛

وَأَحِينَا مَا أَحْيَيْتَنَا عَلَيْهِ، وَأَمِتْنَا إِذَا أَمِتْنَا عَلَيْهِ، آلُ

و ما را بر این عقیده زنده بدار، و بر آن بمیران هر گاه ما را بمیرانی؛ آل

مُحَمَّدٍ أَيْمَتُنَا، فِيهِمْ نَأْتُمُّ، وَإِلَيْهِمْ نُوَالِي، وَعَدُوَّهُمْ

محمد ﷺ پیشوایان ما هستند؛ پس به آنان اقتدا می‌کنیم و فقط آنان را به سرپرستی می‌پذیریم، و دشمنان‌شان را

عَدُوَّ اللَّهِ نُعَادِي، فَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنْ

- که دشمنان خداوند هستند - دشمن می‌داریم. پس ما را در دنیا و آخرت با آنان و از

الْمُقَرَّبِينَ، فَإِنَّا بِذَلِكَ رَاضُونَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

مقربان و نزدیکان درگاه خودت قرار بده؛ زیرا ما به این کار راضی و خشنود هستیم؛ ای مهربان‌ترین مهربانان.

سپس سجده نموده و صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید، و در

حالت سجده صد مرتبه خدا را شکر نموده بگوید: «شُكْرًا

لِلَّهِ». همانا هر کسی این عمل را انجام دهد مانند کسی است

که در آن روز (غدیر) حاضر بوده و با حضرت پیامبر ﷺ بر

آن امر بیعت کرده است.

مقام آن شخص، مقام صادقان - کسانی که با دوست داشتن

دوست خدا و رسولش در آن روز، خدا و رسولش را تصدیق

کردند - می‌باشند.

و مانند کسی است که بارسول خدا ﷺ و حضرت علی ﷺ
و امام حسن و امام حسین ﷺ حاضر بوده و ایشان را درک
نموده است. و مانند کسی است که زیر پرچم امام زمان
ارواحنا فداه و در خیمه او، در بین نجباء و نقباء می باشد.^۱



تسبیح حضرت امام زمان ارواحنا فداه

از روز هجدهم تا آخر هر ماه

علامه مجلسی رحمته الله علیه در «بحار الأنوار» ضمن نقل تسبیح چهارده
معصوم رحمته الله علیهم از «دعوات راوندی» تسبیح مولای مان امام زمان
ارواحنا فداه را چنین نقل می نماید:

سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ رِضَىٰ نَفْسِهِ ،

پاک و منزّه است خداوند، به تعداد موجوداتی که آفریده است؛ پاک و منزّه است خداوند، به مقدار رضایت خودش؛

سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ [اللَّهُ] زِينَةَ عَرْشِهِ ،

پاک و منزّه است خداوند، به گستردگی و پهنای کلماتش؛ پاک و منزّه است خداوند، به بزرگی عرش او؛

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ .^۲

حمد و سپاس مخصوص خداوند است، همانند آن چه گفته شد.

این دعا از روز هجدهم تا آخر هر ماه خوانده می شود.

۱. بحار الأنوار: ۲۹۸/۹۸، زاد المعاد: ۳۴۱.

۲. دعوات راوندی: ۹۴، بحار الأنوار: ۲۰۷/۹۴.

بخش هشتم

بخش هشتم



دعایابی که مخصوص روز معینی
از ایام هفته نیست



دعای عهد

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

هر کس با این عهد، چهل روز به درگاه خداوند دعا کند از یاران قائم ما خواهد بود، و اگر هم پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند (در وقت ظهور) او را از قبرش خارج خواهد ساخت. و به ازای هر کلمه، هزار حسنه به او عطا می کند و هزار گناه را (از کارنامه اعمالش) محو می کند؛ آن عهد چنین است:^۱

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ،

خدایا؛ ای پروردگار روشنی بزرگ؛ ای پروردگار جایگاه بلندمرتبه.

۱. بحار الأنوار: ۴۱/۹۴.

وَرَبِّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ، وَمُنْزِلِ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ

ای پروردگار دریای متلاطم؛ و ای فرو فرستنده تورات و انجیل

وَالزَّبُورِ، وَرَبِّ الظُّلِّ وَالْحُرُورِ، وَمُنْزِلِ الْقُرْآنِ

و زبور؛ و ای پروردگار سایه و گرمی آفتاب؛ و ای فرو فرستنده قرآن

الْعَظِيمِ، وَرَبِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَالْأَنْبِيَاءِ

بزرگ؛ و ای پروردگار فرشتگان مقرب؛ و ای پروردگار پیامبران

وَالْمُرْسَلِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ،

و رسولان؛ بار خدایا؛ من از تو درخواست می‌کنم به ذات کریمت،

وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، يَا حَيُّ يَا

و به روشنی رخ روشنی‌بخش، و فرمانروایی بی‌آغازت؛ ای زنده؛ ای

قَيُّوْمٌ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ

پایدار؛ درخواست می‌کنم به واسطه نامت، همان نامی که آسمان‌ها

وَالْأَرْضُونَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ الْأَوَّلُونَ

و زمین‌ها به سبب آن روشن گردید؛ همان نامی که پیشینیان

وَالْآخِرُونَ، يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ

و آیندگان با آن اصلاح می‌شوند. ای زنده پیش از هر زنده؛ و ای زنده پس از هر

حَيٍّ، وَيَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ، يَا مُخَيِّي الْمَوْتَى وَمُمِيتَ

زنده؛ و ای زنده‌ای که زنده بودی در حالی که هیچ زنده نبود؛ ای زنده‌کننده مردگان؛ ای میراننده

الْأَحْيَاءِ، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا

زندگان؛ ای زنده‌ای که جز تو معبودی نیست؛ بار خدایا؛ به مولای ما، یعنی

الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ

پیشوای هدایت‌گر هدایت‌شده‌ای که به دستور تو قیام می‌کند - درود خدا

عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ، عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ

بر او و بر تمام نیاکان پاکیزه‌اش باد - سلام برسان؛ سلام و درودی از طرف همه

وَالْمُؤْمِنَاتِ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا

مردان و زنان بالیمان که در شرق و غرب زمین، بیابان

وَجَبَلِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدَيْ، مِنْ

و کوهسار، دریا و یا خشکی زمین هستند. سلامی از طرف من و پدر و مادرم؛

الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَمَا

سلام‌ها و درودهایی که هم‌سنگ عرش الهی و به قدر گستردگی کلمات او باشد. آن قدر که

أَخْصَاهُ عِلْمُهُ، وَأَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَهُ

علم خدا آن را شماره کند، و کتاب الهی به آن احاطه دارد. بار خدایا؛ من در این

فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا، وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي،

صبحدم و در ابتدای این روز نو، و تمامی ایام زندگانیتم،

عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي، لَا أَحُولُ عَنْهَا،

عهد (زبانی) و پیمان (قلبی) و بیعت (عملی) را با آن عزیز تجدید می‌کنم که هیچگاه و به هیچ وجه از آن

وَلَا أَرْوُلُ أَبَدًا. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ،

برخواهم گشت و هرگز آن را از بین نمی‌برم. خداوندا! مرا از یاران و کمک‌رسانان و حمایت‌کنندگان و مدافعان

وَالذَّابِقِينَ عَنْهُ، وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ

آن بزرگوار قرار ده؛ جزو گروهی که به سرعت برای انجام خواسته‌های او به سویش می‌شتابند؛ جزو دسته‌ای

وَالْمُمْتَثِلِينَ لِأَوْامِرِهِ، وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ، وَالسَّابِقِينَ

که دستورات او را بدون کم و زیاد انجام می‌دهند؛ جزو حمایت‌کنندگان از او و پیشی‌گیرندگان برای

إِلَى إِزَادَتِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ. اللَّهُمَّ إِنِّ

انجام امور دلخواه او و شهادت‌طلبان در پیش‌روی او قرار ده. بار خدایا؛ از

حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ

تو می‌خواهم که اگر مرگ - که آن را یک امر حتمی و قطعی برای بندگان قرار

حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي، مُؤْتَرِرًا كَفَنِي،

داده‌ای - بین من و آن عزیز حایل شد، مرا از قبرم در حالی خارج کن که کفنم را به کمر بسته‌ام،

شَاهِرًا سَيْفِي، مُجَرِّدًا قَنَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي،

شمشیرم را کشیده و بالا برده‌ام، نیزه‌ام را آماده کرده‌ام و فراخوانی شخصی را که دعوت‌کننده به سوی اوست لبیک

فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي. اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ،

گفته و پاسخ مثبت می‌دهم؛ فراخوانی همان کسی که در شهرها و صحراها ندا می‌دهد. بار خدایا؛ آن رخسار زیبای

وَالغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَاکْحُلْ نَاطِرِي بِنَظْرَةِ مَنِّي إِلَيْهِ،

جذاب، و روی نورانی دوست‌داشتنی را به من نشان بده؛ و سرمه دیده‌ام را نگاهی بر آن عزیز قرار ده.

وَعَجَلُ فَرَاجِهِ، وَسَهْلُ مَخْرَجِهِ، وَأَوْسَعُ مَنْهَجِهِ،

و در فرج و گشایش امورش شتاب کن، و شرایط قیام او را آسان گردان، و راهش را برای دستیابی به مقاصدش

وَأَسْأَلُكَ بِي مَحَجَّتَهُ، وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ، وَاشْدُدْ أَرْزَهُ.

گسترش ده، و مرا در راه روشن او راه ببر، و فرمان او را مطاع و قابل اجرا گردان، و پشتش را محکم کن.

وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ، وَأَخِي بِهِ عِبَادَكَ، فَإِنَّكَ

خدایا؛ با حضور او سرزمین‌ها و شهرهای را آباد گردان، و بندگان را زنده گردان؛ زیرا، تو

قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ ﴿۱﴾ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

فرموده‌ای - به خوبی نیز می‌دانم که گفته‌های تو حق است - که «۱- پیش از آنکه آن بزرگوار ظهور فرماید - فساد در

بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ ﴿۱﴾، فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ،

خشکی و دریا آشکار شده که به دست مردمان به بار آمده است؛ پس، ای خدا، ولی و نماینده خودت را

وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، الْمَسْمُومِ بِاسْمِ رَسُولِكَ، حَتَّى

که پسر دختر پیامبرت می‌باشد و هم‌نام فرستاده تو - محمد ﷺ - است؛ برای ما آشکار کن تا

لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرْقَهُ، وَيُحِقِّ الْحَقَّ

هر باطل و نادرستی را نابود کند و بر آن پیروز گردد، و حق را پایدار

وَيُحَقِّقَهُ. وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ،

و محقق فرماید. بار خدایا؛ او را پناه بندگان ستم‌دیده‌ات،

وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ، وَمُجَدِّدًا لِمَا

و یار و یاور کسانی قرار ده که جز تو یآوری برای خود نمی‌یابند، و خدایا؛ او را تجدیدکننده

عُطِّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَمُشَيِّدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ

آن دستورات کتابت (قرآن) قرار ده که تعطیل شده است؛ و محکم‌کننده

أَعْلَامِ دِينِكَ، وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

نشانه‌های آشکار دینت، و روش‌های نیکوی پیامبرت - که درود بر او و آل او باد - قرار ده.

وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنَتْهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ.

خدای من؛ او را جزو کسانی قرار ده که از بدی و عذاب تجاوزکاران در امان می‌داری.

اللَّهُمَّ وَسِرِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

خدایا؛ پیامبرت حضرت محمد - که درود بر او و آل او باد - را با دیدن این فرزند شایسته‌اش

بِرُؤُوسِهِ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ، وَارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا

و کسانی که از دعوت او پیروی نموده‌اند، شاد و خوشحال فرما؛ و به بیچارگی ما که با غیبت او به

بَعْدَهُ. اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنِ هَذِهِ الْأُمَّةِ

وجود آمده است، رحم کن. خدا یا؛ این اندوه و افسردگی را با حضور آن عزیز پنهان شده، از این امت

بِحُضُورِهِ، وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا،

بر طرف کن؛ و در ظهور و آشکار شدن او شتاب کن؛ چرا که آن‌ها (دشمنان تو) زمان ظهور او را دیر وقت می‌پندارند،

وَنَرِيهِ قَرِيبًا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ولی ما آن را نزدیک می‌دانیم؛ البته، به امید رحمت و مهربانی تو؛ ای مهربان‌ترین مهربانان.

آن گاه سه مرتبه دست بر ران راست خود می‌زنی و در هر

مرتبه می‌گویی:

الْعَجَلِ، الْعَجَلِ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ۱.

بشتاب؛ بشتاب؛ ای مولای من؛ ای صاحب اختیار زمان.

معنای بیعت با حضرت مهدی ارواحنا فداه

معنای بیعت بین طرفین؛ تعهد بیعت کننده، و پیمان محکم و میثاق استوار اوست به این که با جان و مال خود، کسی را که با او بیعت کرده است یاری کند، و هر چه از دستش برمی آید نسبت به او کوتاهی نکند، و هر گونه یاری که می‌تواند نسبت به او انجام دهد، و جان و مال خودش را سپر بالای او گرداند و فدای او کند. و بیعت به این معنی در دعای عهدی که هر روز آن را باید خواند، و در دعای عهدی که خواندن آن به مدت چهل صبح وارد شده، مطرح شده است.

و پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در خطبه غدیر که در کتاب «الإحتجاج» روایت شده است همه مردم را - چه حاضر در آن مکان و چه آنان که در آنجا نبودند - به این گونه بیعت با ائمه طاهرين عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فرا خوانده است.

بدون شک، بیعت به این معنا، از لوازم و نشانه‌های ایمان

۱. مفاتیح الجنان: ۱۰۶۱، زاد المعاد: ۴۸۸، البلد الأمين: ۱۲۴، مصباح الزائر: ۴۵۵، المصباح:

۷۲۹، الصحيفة الصادقية: ۲۰۴، باب السعادة: ۲۱۴.

است؛ بلکه ایمان بدون آن محقق نمی شود.

بیعت کننده (و فروشنده)، مؤمن است؛ و مشتری نیز خداوند عزوجل است. لذا، در قرآن فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ...﴾^۱.

همانا خداوند از مؤمنان جان و مالشان را خریده است؛ و در عوض آن، بهشت را به آنان ارزانی می دارد.

خداوند، پیامبران و رسولان خود را فرستاد تا این بیعت را تجدید نمایند، و بر آن تأکید و رزند؛ بنابراین، هر کس با آنان بیعت کند، با خداوند بیعت نموده است؛ و هر کس از آنان روی بگرداند، از خدا روی گردانده است. لذا، خداوند فرمود:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسِيئَةٌ تَبِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾^۲.

همانا کسانی که با تو بیعت نمایند، با خداوند بیعت کرده اند؛ و البته دست خدا بالای دست آنهاست؛ پس هر کس پیمان شکنند، پیمان را علیه خودش شکسته است، و

۱. سوره توبه، آیه ۱۱۱.

۲. سوره فتح، آیه ۱۰.

هر کس وفا کند به آنچه با خدا عهد نموده است، البته خداوند به او پاداش بزرگی عنایت خواهد کرد.

این آیه دلالت دارد بر این که مراد از بیعت، همان پیمان محکم و میثاق استوار با خدا و رسولش است و به آنان که بدین عهد وفا کنند، اجری بزرگ وعده داده شده است. این بیعت با دو چیز کامل می شود:

۱- تصمیم استوار و پاینده قلبی بر اطاعت فرمان امام ع، و یاری آن حضرت با بذل جان و مال؛ آن گونه که خداوند به آن در این آیه شریفه اشاره فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ...﴾.

چون بر فروشنده واجب است که آن چه را به مشتری فروخته است، هنگام مطالبه او، بدون فکر و اندیشه و تأخیر به او واگذارد و آنچه در ضمیر و نهان خود قرار گذاشته محقق سازد.

۲- اظهار قصد درونی و به زبان آوردن اراده قلبی؛ امر دومی است که هنگام بیعت باید مورد توجه قرار گیرد؛ و این گونه، بیعت کامل می گردد. همان طور که «عقد بیع» در سایر موارد، به دو چیز کامل می شود:

الف) قصد انشا و ایجاد آن به مقتضای آنچه دو طرف معامله قرار گذاشته اند.

ب) بسه زبان آوردن آنچه اراده کرده‌اند و در باطن به آن معتقدند.

گاهی به دست دادن بیعت گفته می‌شود؛ همان طور که در بین عرب‌ها در بعضی از زمانها مرسوم بوده که وقتی معامله تمام می‌شد دست یکدیگر را می‌فشردند.

از اطلاق آیه شریفه هم استفاده می‌شود که لفظ «ید» (دست) بر این مطلب دلالت دارد: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ...﴾.

اضافه بر این که در روایات نیز وارد شده است که آن‌ها با پیامبر اکرم ﷺ با دست‌شان بیعت می‌کردند.^۱



دعای عهد دیگر

جابر بن یزید جعفی گوید: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

هر کس در همه عمرش یک بار این دعا را بخواند، در زمره بندگان نوشته می‌شود و در دفتر حضرت قائم (صلوات الله علیه) بالا برده می‌شود؛ وقتی قائم ما، خروج کرد آن شخص را به اسم خودش و پدرش می‌خواند، و این نامه را به او

۱. مکیال المکارم: ۲/۲۳۰.

می‌دهد و می‌گوید: بگیر؛ این نامه عهدی است که در دنیا با ما بسته‌ای. این سخن خداوند عزوجل نیز به همین اشاره دارد: ﴿إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾^۱؛ «جز آن کسی که نزد خدای بخشنده پیمانی فراهم کرده باشد».

با طهارت، این دعا را بخوانید:

اللَّهُمَّ يَا إِلَهَ الْآلِهَةِ، يَا وَاحِدٌ، يَا أَحَدٌ، يَا آخِرَ

خدایا؛ ای معبود معبودان؛ ای خدای یگانه؛ و ای خدای یکتا؛ ای از همه پیشینیان

الْآخِرِينَ، يَا قَاهِرَ الْقَاهِرِينَ، يَا عَلِيٌّ يَا عَظِيمٌ، أَنْتَ

پیشین‌تر؛ ای چیره‌شونده و غالب بر همه قدرتمندان؛ ای برتر و ای بزرگ؛ تو

الْعَلِيُّ الْأَعْلَى، عَلَوْتَ فَوْقَ كُلِّ عُلُوٍّ، هَذَا يَا سَيِّدِي

خدای برتر و بلندمرتبه هستی، و برتری یافتی بر هر برتری؛ این است عهد من، ای سرور من؛

عَهْدِي وَأَنْتَ مُنْجِزٌ وَعَدِي، فَصِلْ يَا مَوْلَايَ

و تو وفاکننده وعده من هستی؛ پس مولای من؛ این عهد مرا به مقصد برسان،

عَهْدِي، وَأَنْجِزْ وَعْدِي، آمَنْتُ بِكَ. وَأَسْأَلُكَ

و به وعدهام وفا فرما که من به تو ایمان دارم. و از تو مسألت می‌کنم

بِحِجَابِكَ الْعَرَبِيِّ، وَبِحِجَابِكَ الْعَجَمِيِّ، وَبِحِجَابِكَ

به حجاب عربیت، و به حجاب عجمیت، و به حجاب

۱. سوره مریم، آیه ۸۷.

الْعَبْرَانِيَّ، وَبِحِجَابِكَ السَّرْيَانِيَّ، وَبِحِجَابِكَ

عبرانیت، و به حجاب سریانیت، و به حجاب

الرُّومِيَّ، وَبِحِجَابِكَ الْهِنْدِيَّ، وَأَثَبْتَ مَعْرِفَتَكَ

رومیت، و به حجاب هندی؛ و با عنایات اولیّات، معرفت را در

بِالْعِنَايَةِ الْأُولَى، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا تُرَى، وَأَنْتَ

وجود من ثابت گردان؛ زیرا تو خدایی هستی که دیده نمی‌شوی، و تو

بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى. وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِرَسُولِكَ الْمُنْذِرِ

در چشم‌انداز برتری هستی. به تو تقرب می‌جویم به وسیله رسول و فرستاده بيم‌دهنده تو

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ

- که درود خدا بر او و آل او باد - ؛ و به حضرت علی امیر مؤمنان - درود

اللَّهُ عَلَيْهِ الْهَادِي، وَبِالْحَسَنِ السَّيِّدِ وَبِالْحُسَيْنِ

خدا بر او باد - که هدایت‌کننده بود؛ و به حسن، آقا و سرور؛ و به حسین،

الشَّهِيدِ سِبْطِي نَبِيِّكَ، وَبِفَاطِمَةَ الْبَتُولِ، وَبِعَلِيِّ بْنِ

شهید؛ دو سبط پیامبرت و به فاطمه بتول؛ و به علی بن

الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ ذِي الثَّنَاتِ، وَ[بِ] مُحَمَّدِ بْنِ

الحسین، زینت عبادت پیشه‌گان، و صاحب پینه‌ها(بی که بر اثر عبادت بر بدنش عارض شده بود)؛ و به محمد

عَلِيِّ الْبَاقِرِ عَنْ عِلْمِكَ، وَبِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ

بن علی، شکافنده علم تو؛ و به جعفر بن محمد

الصَّادِقِ، الَّذِي صَدَّقَ بِمِيثَاقِكَ وَبِمِيعَادِكَ،

صادق، که میثاق و میعاد تو را تصدیق نمود؛

وَبِمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْحَصُورِ الْقَائِمِ بِعَهْدِكَ، وَبِعَلِيِّ

و به موسی بن جعفر، که پارسا بود و به پیمان تو قیام کرد؛ و به علی

بْنِ مُوسَى الرَّضَا الرَّاضِي بِحُكْمِكَ، وَبِمُحَمَّدِ بْنِ

بن موسی، حضرت رضا که راضی به حکم تو بود؛ و به محمد بن

عَلِيِّ الْحَبْرِ الْفَاضِلِ، الْمُرْتَضَى فِي الْمُؤْمِنِينَ،

علی، دانشمند بافضیلت، و مورد پسند در میان مؤمنان؛

وَبِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْأَمِينِ الْمُؤْتَمَنِ، هَادِي

و به علی بن محمد، امین و امانت‌دار، هدایت‌کننده

الْمُسْتَرَشِدِينَ، وَبِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ،

هدایت جوین؛ و به حسن بن علی، پاک و پاکیزه،

خَزَانَةَ الْوَصِيِّينَ. وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْإِمَامِ الْقَائِمِ

گنجینه رازهای اوصیا. و به تو تقرب می‌جویم (ای خدا)؛ به وسیله امام قیام‌کننده

الْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ الْمَهْدِيِّ، إِيمَانًا وَابْنِ إِيمَانًا

عدل‌گستر؛ همان هدایت‌شده‌ای که مورد انتظار است؛ که او امام ما و فرزند امام ماست؛

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. يَا مَنْ جَلَّ فَعَظْمُ

درودهای خدا بر همه آنان باد. ای آن‌که باشکوه و بزرگ است، پس شایسته این جلالت و عظمت است؛

و[هُوَ] أَهْلُ ذَلِكَ فَعَفَى وَرَحِمَ، يَا مَنْ قَدَرَ فَلَطَّفَ،

در عین حال به بندگانش ترحم می‌کند و آنان را عفو می‌نماید؛ ای آن که تقدیر می‌نماید و تقدیرش دقیق است؛

أَشْكُو إِلَيْكَ ضَعْفِي، وَمَا قَصَرَ عَنْهُ عَمَلِي مِنْ

از ضعف خود، و از کوتاهی عملم نسبت به

تَوْحِيدِكَ، وَكُنْهِ مَعْرِفَتِكَ، وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِالتَّسْمِيَةِ

توحید و کنه شناخت تو، به تو شکایت می‌برم؛ و به تو رو می‌کنم به وسیله نامیدن

الْبَيْضَاءِ، وَبِالْوَحْدَانِيَّةِ الْكُبْرَى، الَّتِي قَصَرَ عَنْهَا

سبید، و به یگانگی بزرگ؛ که کسی که بدان

مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى. وَأَمَنْتُ بِحِجَابِكَ الْأَعْظَمِ،

پشت کند نمی‌تواند بدان دست یازد. ایمان آوردم به بزرگترین حجاب،

وَبِكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الْعُلْيَا، الَّتِي خَلَقْتَ مِنْهَا دَارَ

و به کلمات کامل عالی‌رتبهات؛ که از آنها این دار دنیا و بلا را خلق نمودی،

الْبَلَاءِ، وَأَحَلَلْتَ مَنْ أَحْبَبْتَ جَنَّةَ الْمَأْوَى، وَأَمَنْتُ

و آن که را دوست داشتی به منزل بهشتی وارد گردانیدی. ایمان آوردم

بِالسَّابِقِينَ وَالصَّادِقِينَ، أَصْحَابِ الْيَمِينِ مِنْ

به سبقت‌جویان و راست‌گویان؛ آنان که از میان مؤمنان، اصحاب یمن و سعادت‌یافتگان‌اند؛

الْمُؤْمِنِينَ، [وَ] الَّذِينَ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ

و نیز به آنها که عمل شایسته و صالح را با عمل ناشایسته مخلوط کرده‌اند،

سَيِّئًا إِلَّا تَوَلَّيْتَنِي غَيْرَهُمْ، وَلَا تُفَرِّقَ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ غَدًا

این که سرپرست مرا غیر آنها قرار ندهد، و بین من و آنها جدایی میفکند؛ در فردایی

إِذَا قَدَّمْتَ الرِّضَا بِفَضْلِ الْقَضَاءِ. آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ

که رضا و خشنودی را مقدم داری با تمام‌شدن حکم و داوری. من به نپهان

وَعَلَانِيَتِهِمْ وَخَوَاتِيمِ أَعْمَالِهِمْ، فَإِنَّكَ تَخْتِمُ عَلَيْهَا

و آشکار و پایان اعمال‌شان، ایمان آوردم. پس همانا تو کار آنها را ختم خواهی کرد

إِذَا شِئْتَ، يَا مَنْ أَتَحَفَنِي بِالْإِفْرَارِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ،

هرگاه که خواستی؛ ای آن که بر من منت نهادی و به یکتایی خویش، مقرر و معترفم نمودی؛

وَحَبَانِي بِمَعْرِفَةِ الرَّبُّوبِيَّةِ، وَخَلَصَنِي مِنَ الشَّكِّ

و با شناخت مقام ربوبی خودت بر من لطف کردی؛ و مرا از شک و کوردلی رهانیدی؛

وَالْعَمَى، رَضِيتُ بِكَ رَبًّا، وَبِالْأَصْفِيَاءِ حُجْبًا،

راضی گشتم به این که تو پروردگارم باشی؛ و برگزیدگانت، حجت‌های من باشند؛

وَبِالْمَحْجُوبِينَ أَنْبِيَاءَ، وَبِالرُّسُلِ أَدْلَاءَ، وَبِالْمُتَّقِينَ

و افراد محجوب، پیامبران من باشند؛ و رسولان تو راهنمایان من گردند؛ و پرهیزگاران نیز

أَمْرَاءَ، وَسَامِعًا لَكَ مُطِيعًا.^۱

فرمانروایان من باشند؛ که آگاهانه، حرف‌شنو و مطیع تو هستم.

۱. مهج الدعوات: ۳۹۸، بحار الأنوار: ۳۳۷/۹۵، نجم الثاقب: ۷۸۲.

دعای زمان غیبت

دعای روزگار غیبت که مولای مان حضرت امام هشتم علیه السلام امر به خواندن آن نموده است.

سید بزرگوار جناب رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «جمال الأسبوع» چنین می گوید:

در بیان اعمال شبانه روز ذکر کردیم که امامان ما علیهم السلام اهتمام زیادی به دعا نسبت به حضرت مهدی صلوات الله علیه داشته اند؛ به گونه ای که این مهم را از وظایف اساسی مسلمانان و مؤمنان دانسته اند. از میان اعمال شبانه روز، در تعقیب نماز ظهر، دعای امام صادق علیه السلام را ذکر نمودیم که در آن برای حضرت مهدی ارواح فداه بهتر و بیشتر از دعا برای خودشان، دعا نموده اند. نیز در تعقیب نماز عصر از اعمال شبانه روز، فصل زیبایی از دعای امام کاظم علیه السلام را نقل کردیم که آن بزرگوار برای حضرت مهدی ارواح فداه بیشتر از برای خودشان دعا می کردند.

و این دلیل است برای اقتدای به این دو امام علیهم السلام برای کسی که مقام و منزلت دینی آنها را بدانند؛ و علاوه بر آن، دستور امام رضا علیه السلام و غیر آن حضرت مبنی بر دعای برای حضرت مهدی ارواح فداه را ذکر خواهیم کرد و دعای آن حضرت را نیز بیان می کنیم.

این دعا را جدّ من «ابو جعفر طوسی» با چند طریق از یونس بن عبدالرحمان روایت کرده است که حضرت امام رضا علیه السلام پیوسته به دعا کردن برای امام زمان ارواح فداه به وسیله خواندن این دعا امر می فرمود:

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّيكَ وَخَلِيفَتِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ

خدایا؛ (هر بلایی را) دفع بفرما از ولایت؛ و خلیفات و حجت بر

خَلْقِكَ، وَلِسَانِكَ الْمُعَبَّرِ عَنكَ بِإِذْنِكَ، اَلنَّاطِقِ

بندگان؛ و زبان گویای تو که با اجازه تو، از طرف تو مطالب را بیان می کند؛ آن که زبانش

بِحِكْمَتِكَ، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ عَلَيَّ بِرَبِّيَّتِكَ، وَشَاهِدِكَ

به حکمت تو گویا است؛ و چشم بینی تو است که بر بندگان نظارت دارد؛ او که شاهد تو

عَلَيَّ خَلْقِكَ، اَلْجَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ، اَلْعَائِدِ بِكَ

بر آفریده های تو و از مهتران مجاهد در راه توست؛ او که نزد تو به تو پناه می برد.

عِنْدَكَ. وَأَعِذُهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ،

او را در پناه خود قرار ده از شرّ هر آنچه آفریده و پدید آوردی،

وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ

و ایجاد کردی، و صورت و شکل بخشیدی؛ او را از رو به رو،

خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ

پشت سر، طرف راست و طرف چپ، و از بالای سرش و

تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ ، وَاحْفَظْ

زیر پایش، حفظ کن به نگهداری و حفظی که وقتی کسی را به آن حفظ کنی ضایع و تباه نمی‌شود، و حفظ کن

فِيهِ رَسُولَكَ وَأَبَاءَهُ ، أَيْمَتَكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ . وَاجْعَلْهُ

در وجود او رسول خودت و پدران او را؛ که امامان تو و ستون‌های دین تو هستند. و قرار ده او را

فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ ، وَفِي جِوَارِكَ الَّذِي

در ودیعه خودت که از بین‌رفتنی نیست، و در همسایگی خود که

لَا يُخْفَرُ ، وَفِي مَنَعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُفْهَرُ ، وَآمِنُهُ

مورد خیانت قرار نگیرد، و در حمایت و سایه عزت خودت که مقهور نگردد. و او را

بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ ، الَّذِي لَا يُخَذَلُ مَنْ آمَنَتْهُ بِهِ ،

در امان محکم خود ایمن بدار؛ که هرگز آن که در سایه امن تو باشد ذلیل و خوار نگردد.

وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ ، وَأَيِّدْهُ

و او را در کنف حمایت خویش قرار ده؛ زیرا حمایت‌شده تو هرگز مورد سوء قصد کسی قرار نخواهد گرفت؛ و او را

بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ ، وَقَوِّهِ

با یاری شکست‌ناپذیرت کمک فرما، و با سپاه پیروزمندت تأییدش کن، و با نیروی خود نیرومندش

بِقُوَّتِكَ ، وَأَرِدْفُهُ بِمَلَائِكَتِكَ ، وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ ، وَعَادِ

فرما، و فرشتگانت را با او همراه ساز؛ و دوستش را دوست دار، و دشمنش را

مَنْ عَادَاهُ ، وَأَلْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ ، وَحُفِّهِ

دشمن بدار؛ و زره محکم و محافظ خود را بر او ببوشان؛ و

بِالْمَلَائِكَةِ حَفًّا . اللَّهُمَّ وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ مَا بَلَغْتَ

فرشتگان را گرداگرد او درآور. بار خدایا؛ او را به برترین مرتبه‌ای برسان که هر یک از

الْقَائِمِينَ بِقِسْطِكَ مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ . اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ

برایکنندگان قسط و عدل از پیروان پیامبران را بدان مرتبه رسانیدی. خداوندا؛ اختلاف‌ها را به واسطه وجود

الصَّدَقِ ، وَارْتُقِ بِهِ الْفَتْقَ ، وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ ، وَأَظْهِرْ

مقدسش برطرف گردان و تفرقه‌ها و پراکندگی‌ها را به واسطه او از میان بردار، و ظلم و ستم را به وسیله او بمیران، و

بِهِ الْعَدْلَ ، وَزَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ ، وَأَيِّدْهُ

عدل را به وسیله او آشکار ساز، و زمین را با باقی‌ماندن طولانی‌اش زینت و کمال بخش؛ و او را به

بِالنَّصْرِ ، وَأَنْصُرْهُ بِالرَّعْبِ ، وَقَوِّ نَاصِرِيهِ ، وَاخْذُلْ

یاری خودت تأیید کن، و با رعب‌افکندن بر دل دشمنانش پیروزش گردان، و یارانش را نیرومند ساز، و خوارکنندگان

خَاذِلِيهِ ، وَدَمِّدْ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ ، وَدَمِّرْ مَنْ عَشَّهٗ .

او را خوار و ذلیل گردان، و آن‌که رودر رویش به جنگ ایستد به هلاکت برسان، و آن‌که با او مکر و خدعه کند نابودش

وَاقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ ، وَعُمْدَهُ وَدَعَائِمَهُ ، وَاقْصِمْ

ساز، و با دست توانایش ستمگران و کافران و سردهسته‌ها و ارکان آنان را به خاک هلاکت انداز، و

بِهِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ وَشَارِعَةَ الْبِدْعِ ، وَمُمَيِّتَةَ السُّنَّةِ ،

پشت سران گمراهی، بدعت‌گذاران و نابود کنندگان سنت الهی

وَمُقَوِّتَةَ الْبَاطِلِ ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ ، وَأَبِرْ بِهِ

و تقویت‌کنندگان باطل را به واسطه او بشکن. با وجود شریفش، زورگویان متکبر را ذلیل کن، و

الْكَافِرِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ

همه کافران و ملحدان را - در شرق

وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَتَّى

و غرب، دریا و خشکی، کوه و دشت - ریشه کن فرما؛ تا

لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَاراً، وَلَا تَبْقِيَ لَهُمْ آثَاراً. اللَّهُمَّ طَهِّرْ

کسی از آنان بر جای نهمی، و اثری از آنان باقی نگذاری. بار خدایا؛

مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ، وَأَعِزِّ بِهِ

سرزمینت را از وجود آنها پاک گردان، و قلب بندگانت را با نابودی آنها شفا ده؛ و به واسطه آن وجود مقدس،

الْمُؤْمِنِينَ، وَأُخِي بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ، وَدَارِسَ

اهل ایمان را عزیز گردان، و سنت‌های رسولان و آنچه از

حِكْمَةِ النَّبِيِّينَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ،

حکمت‌های پیامبران مندرس گشته به وسیله او زنده کن، و آنچه از دین تو که از بین رفته

وَبَدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ، وَعَلَى

از احکامت که دگرگون شده به وسیله او بازسازی کن؛ تا دین حقیقی خود را به وسیله او و به دست توانای او،

يَدِيهِ غَضًّا مَحْضًا صَاحِبًا، لَا عِوَجَ فِيهِ، وَلَا بِدْعَةَ

به گونه‌ای تازه و بی‌لایش و صحیح اعاده کنی و بازگردانی؛ که هیچ کجی در آن نباشد و هیچ بدعتی با آن

مَعَهُ، وَحَتَّى تُنِيرَ بَعْدَلِهِ ظِلَمَ الْجَوْرِ، وَتُطْفِئَ بِهِ

آمیخته نباشد. و تاریکی‌های ظلم و بیداد با عدل او روشن گردد، و آتش کفر به وسیله او خاموش

نيرانِ الْكُفْرِ، وَتُوضِحَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَمَجْهُولَ

شود، و در نتیجه، پیچیدگی‌های حق آشکار گردد، و اساس عدل و قسط - که مجهول مانده است -

الْعَدْلِ. فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ،

معلوم و روشن شود. زیرا آن حضرت، بنده توست که برای خودت خالصش گردانیدی،

وَاصْطَفَيْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ،

و از میان بندگانت او را برگزیدی، و بر آنها اختیار کردی،

وَأَتَمَمْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ،

و او را برای سپردن غیب خودت، امین یافتی؛ و از گناهان، نگاهداشتی،

وَبَرَأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ، وَسَلَّمْتَهُ

و از هر عیبی پیراسته‌اش کردی، و از هر پلیدی آراسته‌اش گردانیدی، و از هر

مِنَ الدَّنَسِ. اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَيَوْمَ

ناپاکی رهایش ساختی. خدایا؛ ما در روز قیامت و آن حادثه بزرگ محشر، گواهی می‌دهیم

حُلُولِ الطَّامَّةِ، أَنَّهُ لَمْ يُذْنَبْ ذَنْبًا وَلَا أَتَى حَوْبًا، وَلَمْ

که او هرگز گناهی نکرده، و جرمی انجامی نداده، و

يَرْتَكِبَ مَعْصِيَةً، وَلَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً، وَلَمْ يَهْتِكْ

معصیتی مرتکب نشده، و طاعتی را از تو ضایع نساخته، و حرمتی را از تو هتک

لَكَ حُرْمَةً، وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً، وَلَمْ يُغَيِّرْ لَكَ

نکرده، و فریضه‌ای از تو را دگرگون ننموده، و قانونی از دین تو تغییر نداده است.

شَرِيعَةً، وَأَنَّهُ الْهَادِي الْمَهْدِي الطَّاهِرُ التَّقِيُّ النَّعِيُّ

و او هدایت‌گر انسان‌ها، و هدایت‌یافته پاک سیرت باتقوای پاکیزه

الرَّضِيِّ الزَّكِيِّ. اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ، وَوَلَدِهِ

پسندیده آراسته است. خدایا؛ برای او نسبت به خودش، اهلس، فرزندانش،

وَذُرِّيَّتِهِ، وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ، مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ،

آمت و همه زبردستانش، چیزی عطا کن که چشمش را به آن روشن نمایی

وَتَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ، وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكُ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا،

و روانش را به آن شاد گردانی؛ و حکومت سراسر کشورهای

قَرِيبَهَا وَبَعِيدَهَا، وَعَزِيزَهَا وَذَلِيلَهَا، حَتَّى يَجْرِيَ

نزدیک و دور؛ سرفراز و خوار را به او عطا فرما؛

حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ، وَيَغْلِبَ بِحَقِّهِ كُلُّ بَاطِلٍ.

تا حکمش بر حکم هر حکمرانی جاری گردد، و حق او بر هر باطلی غالب گردد.

اللَّهُمَّ اسْأَلُكَ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجِ الْهُدَى، وَالْمَحَجَّةِ

خدایا؛ ما را به دست او، بر طریقت هدایت، و بر راه روشن

الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى، الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا

عظیم و راه میانه و اعتدال سالک گردان؛ راهی که هر افراط‌گر

الْغَالِي، وَيَلْحَقُ بِهَا التَّالِي، وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ،

پیشی‌گیرنده، و هر کوتاه‌نظر عقب‌مانده، باید بدان باز گردد. و ما را بر طاعتش قوی گردان.

وَتَثَبُّنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ، وَآمَنُنْ عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ،

و بر پیرویش ثابت‌قدم بدار؛ و با نعمت پیرویش بر ما منت بگذار،

وَاجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ، الصَّابِرِينَ مَعَهُ،

و ما را در سپاه او قرار ده؛ که اجراکننده فرمان اویند، و در راهش صابر و شکیبا هستند،

الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ، حَتَّى تَحْشُرَنَا يَوْمَ

و از خیرخواهی او فقط رضا و خشنودی تو را طالبانند؛ تا در روز رستاخیز

الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَمَقْوِيَةِ سُلْطَانِهِ. اللَّهُمَّ

ما را در میان یاران و مددکاران و تقویت‌کنندگان حکومت بابرکتش محشور فرمایی. خدایا؛

وَاجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ وَرِيَاءٍ

این را از ما، خالص و به دور از هر شک و شبهه و ریا و سمعه قرار بده؛

وَسُمْعَةٍ، حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا

آن گونه که با این کار به غیر تو اعتماد نکنیم؛ و از این کار جز تو را نطلبیم؛

وَجْهَكَ، وَحَتَّى تُحِلَّنَا مَحَلَّهُ، وَتَجْعَلْنَا فِي الْجَنَّةِ

و تا این که به لطفت ما را به محل و مقام او وارد نمایی؛ و در بهشت با او و در

مَعَهُ، وَأَعِدُّنَا مِنَ السَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفِثْرَةِ،

جوار او جای دهی؛ و ما را از خستگی و تنبلی و سستی در طاعت، در پناه خویش قرار دهی؛

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ، وَتُعَزُّ بِهِ نَصْرَ

و ما را از کسانی قرار دهی که دینت را به سبب او یاری می‌دهی و یاری ولایت را تقویت می‌گردانی.

وَلِيَّكَ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا، فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا

و کسی را غیر از ما جایگزین ما مفرما، زیرا که این جایگزینی

غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْنَا عَسِيرٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ

برای تو بسی سهل و آسان است؛ ولی برای ما بسیار گران و سنگین می‌باشد. خدایا؛ رحمت فرست

عَلَىٰ وُلاةِ عَهْدِهِ، وَالْأئِمَّةِ مِنْ وُلدِهِ، وَبَلِّغْهُمْ

بر فرمانداران او؛ و پیشوایان از فرزندان او؛ و آنان را به

أَمْالِهِمْ، وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ، وَأَعِزِّ نَصْرَهُمْ، وَتَمِّمْ

آرزوهایشان برسان، و بر عمرهایشان بیفزای، و نصرت باعزت به آنها عنایت فرما،

لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ فِي أَمْرِكَ لَهُمْ، وَثَبَّتْ

و آنچه از امر دین خود را مربوط به آنان فرمودی به حد کمال و اتمام برسان؛

دَعَائِمَهُمْ، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا، وَعَلَىٰ دِينِكَ

و اساس حکومت آنها را ثبات و پایداری عنایت کن؛ و ما را، برای آنان یار و برای دینت

أَنْصَارًا، فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ، وَأَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ،

یاور قرار بده؛ زیرا آنان معدنهای کلمات تو، و پایه‌های توحید تو،

وَدَعَائِمُ دِينِكَ، وَوُلاةُ أَمْرِكَ، وَخَالِصَتُكَ مِنْ

استوانه‌های دین تو، و سرپرستان امر از طرف تو، و خالصان از

عِبَادِكَ، وَصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَوْلِيَاؤُكَ وَسَلَائِلُ

بندگان تو، و برگزیده از خلق تو، و دوستان تو، و فرزندان

أَوْلِيَاءِكَ، وَصَفْوَةُ أَوْلَادِ رُسُلِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ

اولیای تو و برگزیده از فرزندان پیامبران تو هستند، و درود بر آنها

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ۱.

و رحمت و برکات الهی بر آنان نثار باد.



دعای زمان غیبت

به روایتی دیگر

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمته الله علیه چنین می‌گوید: یونس بن

عبدالرحمان از امام رضا رحمته الله علیه روایت می‌کند که آن حضرت پیوسته

دستور به دعا برای صاحب الزمان ارواحنا فداه می‌داد و از جمله

دعاهای ایشان برای حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه این دعاست:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَادْفَعْ عَنَّا وَلِيَّكَ

خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و از ولی

وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَلِسَانِكَ الْمُعَبَّرِ

و خلیفیات و حجتت بر بندگانت، (هر بلایی را) دفع فرما. همان کسی که با اجازه تو زبان گویا

۱. جمال الأسبوع: ۳۰۷، و در مصباح المتعجد: ۴۰۹، المصباح: ۷۲۶، و البلد الأمين: ۱۲۲

تفاوتی اندک. نیز، سید بن طاووس رحمته الله علیه با کمی کاستی و افزونی همین را در کتاب «مصباح الزائر:

۴۵۷» نقل کرده است.

عَنْكَ بِإِذْنِكَ، النَّاطِقِ بِحِكْمَتِكَ، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ فِي

و بیان‌کننده حقایق از طرف تو است، و با حکمت تو سخن می‌گوید؛ و چشم بینای تو در

بَرِيَّتِكَ، الشَّاهِدِ عَلَى عِبَادِكَ، الْجَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ

میان بندگانت است؛ گواه بر آن‌ها است؛ آن مجاهد

الْمُجْتَهِدِ، عَبْدِكَ الْعَائِدِ بِكَ. اللَّهُمَّ وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ مَا

کوشا و بنده‌ای که به تو پناه آورده است. بار خدایا؛ او را از شر هر آنچه

خَلَقْتَ وَذَرَأْتَ، وَبَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ

خلق کردی و آفریدی و پدید آوردی و ایجاد نمودی و صورت و شکل بخشیدی، و او را حفظ فرما

مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ،

از مقابلش و پشت سرش و راست و چپش

وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ

و از بالای سرش و زیر پایش؛ به حفظی که هر که را به آن حفظ کنی ضایع نگردد.

حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَوَصِيَّ رَسُولِكَ

و با این محافظت، پیامبر و وصی پیامبر

وَأَبَائِهِ، أَيْمَتِكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ

و پدرانش را - آنان که ائمه تو و استوانه‌های دین تو هستند - حفظ فرما، درود تو بر همه

أَجْمَعِينَ، وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ، وَفِي

آنان باد؛ و قرار بده او را در ودیعه خویش که از بین نمی‌رود؛ و در

جَوَارِكَ الَّذِي لَا يُحْتَقَرُ، وَفِي مَنَعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي

جوار رحمت که حقیر و پست نمی‌شود؛ و در حمایت و پناه عزت که

لَا يُقْهَرُ. اللَّهُمَّ وَأَمِنْهُ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ الَّذِي لَا يُخْذَلُ

هرگز مقهور نمی‌شود. خدایا؛ او را در نگاهبانی محکم خود ایمن دار؛ که هر کس در آن نگاهبانی

مَنْ أَمَّنْتَهُ بِهِ، وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ مَنْ

درآید مخدول و مغلوب نشود. او را در احاطه و سایه لطف خود که هر کس در آن قرار گیرد مورد

كَانَ فِيهِ، وَأَنْصُرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ

ستم واقع نشود قرار بده، او را با یاری قدرت‌مندت یاری کن، و با سپاه غالبت تأییدش فرما،

الْغَالِبِ، وَقَوِّهِ بِقُوَّتِكَ، وَأَرِدْهُ بِمَلَائِكَتِكَ. اللَّهُمَّ

و با قوت لایتناهی خود نیرومندش گردان، و فرشتگانت را با او همراه ساز. خدایا؛

وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَالْأَسْبَسُ دِرْعَكَ

دوستش را دوست بدار، و دشمنش را دشمن بدار، و زره محکم خود را بر او بیوشان؛

الْحَصِينَةَ، وَحُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ حَقًّا. اللَّهُمَّ وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ

و گرداگرد وجودش را با فرشتگان، احاطه کن. خداوندا؛ او را به برترین مرتبه‌ای که

مَا بَلَغْتَ الْقَائِمِينَ بِقِسْطِكَ مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ. اللَّهُمَّ

هر برپاکننده عدلی را - از پیروان پیامبران - رسانیده‌ای برسان. بار خدایا؛

أَشْعَبُ بِهِ الصَّدْعَ، وَارْتُقِ بِهِ الْفَتْقَ، وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ،

اختلاف‌ها را به واسطه وجود مقدسش برطرف گردان، و تفرقه‌ها و پراکنگی‌ها را به واسطه او از میان بردار. ستم را به وسیله او

وَأَظْهَرِ بِهِ الْعَدْلَ، وَزَيِّنْ بِطُولِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ، وَأَيِّدْهُ

بمیران و عدل را ظاهر فرما، و با ماندن طولانی‌اش زمین را زینت بخش، و با

بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْهُ بِالرُّعْبِ، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا،

یاری خود تأییدش کن، و با رعب انداختن بر دل دشمنانش نصرتش بده؛ و فتح و گشایشی آسان بدو نصیب فرما،

وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ سُلْطَانًا

و از جانب خودت سلطنت و قدرتی ظفرمندانه بر دشمنان خود و دشمنان او، به او مرحمت فرما.

نَصِيرًا. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الْقَائِمَ الْمُتَنْظَرِ، وَالْإِمَامَ الَّذِي

خدا یا؛ او را همان برپاکندنده عدل و داد قرار ده، که مورد انتظار همگان است؛ و او را امامی قرار ده

بِهِ تَتَّصِرُ، وَأَيِّدْهُ بِنَصْرِ عَزِيزٍ وَفَتْحِ قَرِيبٍ، وَوَرِّثْهُ

که به وسیله او ما را یاری می‌نماید؛ و با نصرتی باعزت و گشایشی زود هنگام تأییدش بفرما.

مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا اللَّاتِي بَارَكْتَ فِيهَا،

مشرق و مغرب زمینت را به او ارث بده؛ البته قلمروی که برایش مبارک قرار داده باشی؛

وَأَخِي بِهِ سُنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَّى عَلَيْهٖ وَآلِهٖ، حَتَّىٰ

به واسطه او سنت پیامبرت را - که درود خدا بر او و آل او باد - حیاتی دیگر بخش، تا این که

لَا يَسْتَخْفِي بِشَيْءٍ مِّنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِّنَ الْخَلْقِ،

چیزی از حق را از ترس کسی، پنهان ندارد.

وَقَوَّ نَاصِرَهُ، وَاخْذُلْ خَاذِلَهُ، وَدَمِّمْ عَلَىٰ مَنْ نَصَبَ

یاورش را قوی گردان، و کسی را که خذلان و خواریش را خواهد، مخدول و مغلوب فرما؛ کسی که با او دشمنی

لَهُ، وَدَمِّرْ عَلَىٰ مَنْ غَشَّهٖ. اللَّهُمَّ وَأَقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ

آشکار نماید مورد خشم خویش قرار بده؛ آن که را با او نیرنگ کند نابود کن. خداوندا؛ به واسطه او

الْكُفْرِ وَعُمُدَهُ، وَدَعَائِمَهُ وَالْقَوَامَ بِهِ، وَأَقْصِمْ بِهِ

کافران زورگو و ارکان و سردسته‌های آن‌ها و هر آن که باعث دوام و قوام آن‌ها باشد را نابود کن.

رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ، وَشَارِعَةَ الْبِدْعَةِ، وَمُمَيِّتَةَ السُّنَّةِ،

سران گمراهی، و سرچشمه‌های بدعت و هر که سنت را بمیراند

وَمُقَوِّتَةَ الْبَاطِلِ، وَأَذِلُّ بِهٖ الْجَبَّارِينَ، وَأَبِرْ بِهِ

و باطل را تقویت کند، با نیروی الهی‌اش درهم شکن. سرکشان ستمگر را به وسیله او ذلیل کن

الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ، وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ، حَيْثُ

و کافران و دورویان و همه ملحدان را به واسطه او هلاک نما؛ در هر

كَانُوا وَأَيْنَ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا،

زمان و هر مکانی که باشند؛ مشرق و مغرب،

وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَتَّىٰ لَا تَدَعَ مِنْهُمْ

دریا و خشکی، کوه و دشت؛ تا این که از آنان، کسی باقی نگذاری

دِيَارًا، وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا. اللَّهُمَّ وَطَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ،

و اثری بجا نماند. خدا یا؛ سرزمین خود را از وجود آن‌ها پاک کن

وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ، وَأَعِزِّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَخِي بِهِ

و قلب مؤمنان را با نابودی آنان شفا بخش؛ و به واسطه آن حضرت، مؤمنان را عزیز فرما، و

سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ، وَدَارِسَ حِكْمِ النَّبِيِّينَ، وَجَدَّدَ بِهِ مَا

سنت‌های رسولان و فرستادگانت را، و احکام پیامبران را - که رو به نابودی رفته است - بار دیگر زنده نما، و

مُحِيٍّ مِنْ دِينِكَ، وَبَدَّلَ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ

هر آن چه از دینت محوشده و از احکامت دگرگون گشته است، تازه و نوگردان؛ تا این که دین حقیقی تو

بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا صَاحِبًا مَحْضًا، لَا عِوَجَ

به دست او؛ شاداب، تازه، جدید، خالص و صحیح بدون هیچ کژی

فِيهِ، وَلَا بَدْعَةَ مَعَهُ، حَتَّى تُنْبِرَ بِعَدْلِهِ ظَلَمَ الْجَوْرِ،

و بدعتی گردانی. تا آن که تاریکی‌های ستم را با نور عدلش روشن گردانی،

وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ، وَتُظْهِرَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ،

و آتش فتنه‌های کفران را به وسیله او خاموش گردانی، و گره‌خوردگی‌ها و پیچیدگی‌های حق را به وسیله او آشکار گردانی

وَمَجْهُولِ الْعَدْلِ، وَتُوضِحَ بِهِ مُشْكَالَاتِ الْحُكْمِ. اللَّهُمَّ

و عدل و دادگم‌شده و ناشناخته را به وسیله او ظاهر گردانی؛ مشکلات و دشواری‌های احکام را - با پرتوهای نورافشان او - مواضح

وَأِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ

گردانی. بار خدایا؛ همانا او بنده‌ای از بندگان توست که برای خود خالصش گردانیدی، و از میان

مِنْ خَلْقِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ، وَاسْتَمْتَنَتْهُ عَلَى

آفریدگانت او را برگزیدی، و او را بر بندگانت برگزیدی، و او را برای سپردن

غَيْبِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ،

غیب خود امین یافتی، و از گناهان معصومش داشتی، و از عیب‌ها مبرايش کردی،

وَطَهَّرْتَهُ [مِنَ الرَّجْسِ]، وَصَرَّفْتَهُ عَنِ الدَّنَسِ،

و از هر گونه آلودگی پاکیزه‌اش کردی، و از ناپاکی و پلیدی به دورش گردانیدی،

وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الرَّيْبِ. اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ،

و از هر شک و شبهه‌ای سلامتت فرمودی. خدایا؛ ما در روز قیامت - و روز

وَيَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ، أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ وَلَمْ يَأْتِ حَوْبًا،

برپا شدن حادثه عظیم محشر - گواهی می‌دهیم که او گناهی نکرده است؛ جرمی انجام نداده

وَلَمْ يَرْتَكِبْ لَكَ مَعْصِيَةً، وَلَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً، وَلَمْ

و معصیتی مرتکب نشده است؛ طاعتی را تباه نکرده است؛

يَهْتِكَ لَكَ حُرْمَةً، وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً، وَلَمْ يُغَيِّرْ

حرمتی را هتک نکرده است؛ و واجبی را عوض ننموده است؛ و

لَكَ شَرِيْعَةً، وَأَنَّهٗ الْإِمَامُ التَّقِيُّ الْهَادِي الْمُهْدِي الطَّاهِرُ

قانونی را تغییر نداده است؛ او امامی پرهیزکار، هدایت‌گر، رهبری هدایت‌شده، پاک سرشت،

التَّقِيُّ الْوَفِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى

با تقوا، با وفا، پسندیده و نیک سیرت است. خداوندا؛ بر او

آبَائِهِ، وَأَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَوَلَدِهِ، وَأَهْلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ

و پدرانش درود فرست، و در مورد خودش، فرزندان و خانواده‌اش،

وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ، مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَتَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ،

امت و رعیتش، چیزی عطا کن که چشمش را به آن روشن نمایی و روانش را به آن شاد گردانی؛

وَتَجْمَعُ لَهُ مَلِكَ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا، قَرِيبَهَا وَبَعِيدَهَا،

و حکومت همه ممالک - اعم از دور و نزدیک،

و عَزِيزَهَا وَذَلِيلَهَا، حَتَّى يَجْرِيَ حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ

قوی و ضعیف - تحت سیطره او درآید، و فرمانش بر هر حکمی نافذ باشد،

حُكْمٍ، وَيَغْلِبُ بِحَقِّهِ عَلَى كُلِّ بَاطِلٍ. اَللّٰهُمَّ وَاَسْأَلُكَ

و کلمه حقش، بر هر باطلی غالب گردد. خدایا؛ به دست

بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجِ الْهُدَى، وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى،

مبارکش ما را بر طریق هدایت روان کن، و بر شاهراه روشن

وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى، الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْغَالِي، وَيَلْحَقُ

و راه میانه و اعتدال - که هر افراطگر پیشرو و هر تفریط پیشفقط مانده باید بدان بازگردد استوار فرما.

بِهَا التَّالِي. اَللّٰهُمَّ وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَتَبَتَّنَا عَلَى

خدایا؛ ما را بر طاعتش نیرومند گردان، و بر پیرویش ثابت قدم بدار،

مُشَايَعَتِهِ، وَامْنُنْ عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ

و با نعمت پیروی از او بر ما منت بگذار، و ما را جزو گروه او

الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ، الصَّابِرِينَ مَعَهُ، الطَّالِبِينَ رِضَاكَ

که عهده‌دار امر او هستند قرار ده که به فرمانش، سرفرودمی‌آورند، و در راهش صبر پیشه می‌کنند،

بِمُنَاصَحَتِهِ، حَتَّى تَحْشُرَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ

و از خیرخواهی او رضای تو را می‌طلبند. تا در نهایت، در روز قیامت، ما را در گروه یاران

وَأَعْوَانِهِ، وَمُقَوِّيَةِ سُلْطَانِهِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و مددکاران و تقویت‌کنندگان حکومت بابرکتش، محشور نمایی. خدایا؛ بر محمد

و آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنَّا لَكَ خَالِصًا مِنْ

و آل محمد درود فرست، و همه اینها را از ما خالص و به دور از

كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ، حَتَّى لَانَعْتَمِدَ بِهِ

هر شک و شبهه و ریا و سمعه قرار بده؛ آن گونه که با این کار، به غیر تو اعتماد نکنیم

غَيْرِكَ، وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ، وَحَتَّى تُحِلَّنَا مَحَلَّهُ،

و از این کار، جز تو را نطلبیم؛ باشد که ما را در محل و جایگاه آن حضرت وارد نمایی،

وَتَجْعَلْنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ، وَلَا تَبْتَلِنَا فِي أَمْرِهِ بِالسَّامَةِ

و ما را در بهشت همراه او گردانی، و در انجام فرمان او ما را به تنبلی،

وَالْكَسَلِ وَالْفَتْرَةِ وَالْفَشْلِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ

سستی، ضعف و گسستگی مبتلا نسازی؛ و ما را از کسانی قرار ده که

لِدِينِكَ، وَتُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا،

دینت را به وسیله آنان یاری می‌کنی، و یاری ولایت را به او تقویت می‌کنی، کسی را جایگزین ما مکن؛

فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْنَا كَبِيرٌ،

زیرا، این جایگزینی بر تو آسان است، ولی بر ما بسی سنگین و دشوار.

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وِلَاةِ

باور دارم که تو بر هر چیزی توانایی. خدایا؛ بر فرماندارانش رحمت فرست،

عُهُودِهِ، وَبَلَّغُهُمْ آمَالَهُمُ، وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ وَأَنْصُرْهُمْ

و به آرزوهای (مقدس‌شان) برسان، و بر عمرشان بیفز، و یاریشان فرما،

و تَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِ دِينِكَ، وَاجْعَلْنَا

و آن چه از امر دینت به آن‌ها مربوط ساختی، کامل و تمام گردان، و ما را از

لَهُمْ أَعْوَانًا وَعَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا، وَصَلِّ عَلَى آبَائِهِ

مددکاران آنان قرار ده، و از یاری‌کنندگان دینت مقتر فرما. بر پدران

الطَّاهِرِينَ الْأَيِّمَةَ الرَّاشِدِينَ. اللَّهُمَّ فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ

پاکش، امامان رشید و راهنمای بشر، درود فرست. بارخدا یا؛ آنان، معدن‌های

كَلِمَاتِكَ، وَخُرَّانُ عِلْمِكَ، وَوَلَاةُ أَمْرِكَ، وَخَالِصَتِكَ

کلمات تو، و گنجینه‌های دانش، و علوم تو، و سرپرستان امر تو، و بندگان مخلص تو،

مِنْ عِبَادِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَوْلِيَّائِكَ وَسَلَائِلُ

و نیکوکاران از میان بندگان تو، و دوستان تو و فرزندان

أَوْلِيَّائِكَ، وَصَفْوَتِكَ وَأَوْلَادُ أَصْفِيَّائِكَ، صَلِّوْا تَكَ

اولیای تو، و برگزیدگان و فرزندان برگزیدگان تو هستند. درود

وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. اللَّهُمَّ وَشَرَّكَأَوْه

و رحمت و برکت‌های تو بر آنان نثار باد. خدایا؛ آنان که در امر او شریک‌اند،

فِي أَمْرِهِ، وَمُعَاوَنُوهُ عَلَى طَاعَتِكَ، الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ

و بر طاعت تو مددکاران اویند؛ کسانی که تو

حِصْنَهُ وَسِلَاحَهُ وَمَمْفَزَعَهُ وَأَنْسَهُ، الَّذِينَ سَلَوْا عَنِ

دژ، اسلحه، پناهگاه و مأیة انس او قرارشان دادی؛ آن‌هایی که از

الْأَهْلِ وَالْأَوْلَادِ، وَتَجَافَوْا الْوَطْنَ، وَعَطَّوْا الْوَثِيرَ مِنْ

اهل و اولاد خود بریدند، و ترک وطن گفتند، و تخت‌های استراحت را رها کردند؛

الْمِهَادِ، قَدْ رَفَضُوا تِجَارَاتِهِمْ، وَأَضَرُّوا بِمَعَايِشِهِمْ،

تجارت‌ها را کنار گذاشتند؛ و به معیشت‌های خودشان ضرر زدند؛

وَفَقِدُوا فِي أَنْدِيَّتِهِمْ بَغَيْرِ غَيْبَةٍ عَنْ مِصْرِهِمْ، وَخَالَفُوا

و بدون این‌که از شهرهای‌شان خارج شوند، به عزلت و گوشه‌نشینی افتادند؛ و با هر کس که در

الْبَعِيدِ مِمَّنْ عَاذَهُمْ عَلَى أَمْرِهِمْ، وَخَالَفُوا الْقَرِيبَ

کارها یاری‌شان نماید پیمان بستند؛ گرچه نسبتی دور با آن‌ها داشتند، و با نزدیکانی

مِمَّنْ صَدَّ عَنْ وَجْهِتِهِمْ، وَاتْتَلَفُوا بَعْدَ التَّدَابُرِ وَالتَّقَاطُعِ

که آن‌ها را از مقصودشان بازدارد مخالفت ورزیدند؛ بعد از جدایی‌ها

فِي دَهْرِهِمْ، وَقَطَّعُوا الْأَسْبَابَ الْمُتَّصِلَةَ بِعَاجِلِ حُطَامِ

گردهم آمدند و اسباب به هم پیوسته دنیوی را که وسیله بهره‌بردن اندک از دنیا بود،

مِنَ الدُّنْيَا. فَاجْعَلْهُمُ اللَّهُمَّ فِي حِرْزِكَ وَفِي ظِلِّ كَنَفِكَ،

قطع نمودند. بدین سان، خدایا؛ آن‌ها را در حفظ و حراست خود، و در سایه لطف و حمایت خویش قرار ده،

وَرُدَّ عَنْهُمْ بِأَسْ مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِمْ بِالْعِدَاوَةِ مِنْ خَلْقِكَ،

و شر هر آن که قصد بدی به آن‌ها را دارد، از آنان باز گردان؛

وَأَجْزَلُ لَهُمْ مِنْ دَعْوَتِكَ مِنْ كِفَايَتِكَ وَمَعُونَتِكَ لَهُمْ،

و کفایت و کمک و تأیید و یاریت را نسبت به آنها زیاد کن،

وَتَأْيِيدِكَ وَنَصْرِكَ إِيَّاهُمْ، مَا تُعِينُهُمْ بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ،

آنچه ایشان را بر طاعت تو یاری‌شان کند،

وَأَزْهِقْ بِحَقِّهِمْ بَاطِلَ مَنْ أَرَادَ إِطْفَاءَ نُورِكَ، وَصَلِّ

و به واسطه حقانیت ایشان باطل هر کسی را که می‌خواهد نور تو را خاموش کند نابودگردان، و

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. وَامْلَأْ بِهِمْ كُلَّ أَفْقٍ مِنَ الْأَفَاقِ،

بر محمد و آل او درود فرست. خدایا؛ به وسیله آنها تمام آفاق‌های عالم

وَقُطْرٍ مِنَ الْأَقْطَارِ قِسْطًا وَعَدْلًا وَرَحْمَةً وَفَضْلًا،

و اقطار دنیا را از عدل و قسط و رحمت و فضل خودت، پر کن،

وَأَشْكُرْ لَهُمْ عَلَى حَسَبِ كَرَمِكَ وَجُودِكَ، وَمَا مَنَنْتَ

و از آنان به اندازه کرم و بخشش خودت و آن گونه که

بِهِ عَلَى الْقَائِمِينَ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبَادِكَ، وَادْخُرْ لَهُمْ

بر برپاکندگان عدل و داد از میان بندگانت منت گذاردی سپاسگزاری کن،

مِنْ ثَوَابِكَ مَا تَرَفَعُ لَهُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ، إِنَّكَ تَفْعَلُ

و برای آنها ثوابی ذخیره‌ساز که به وسیله آن به درجات و مرتبه‌های رفیع برسند؛ همانا تو هر آنچه

مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. ۱

را بخواهی انجام می‌دهی، و بدان چه اراده‌نمایی حکم می‌کنی؛ ای پروردگار عالمیان؛ این دعاها را اجابت فرما.

سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس رحمته الله می‌فرماید: این روایت، شامل بخشی از دعاست که روایت اولی آن را نداشت. پس، اگر می‌خواهی از اهل سعادت گردی این دعا را بخوان، و در این دعاها جانب پروردگار را حفظ کن، و در پیشگاه او کمال ادب را به جای آور. ۱

کفعمی رحمته الله در «المصباح» چنین می‌گوید: یونس بن عبدالرحمان از امام رضا علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت، پیوسته بر دعا کردن برای صاحب الامر صلوات الله علیه با خواندن این دعا دستور می‌داد: «اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنَّا وَلِيَّتِكَ وَخَلِيفَتِكَ...» وی، دعا را مانند آنچه گذشت تا عبارت «وهو علينا كبير» ادامه داده، سپس این قسمت را نقل کرده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلاةِ عَهْدِهِ وَالْأئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ،

خدایا؛ بر والیان عهدش و پیشوایان پس از او رحمت فرست،

وَبَلِّغُهُمْ آمَالَهُمْ، وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ، وَأَعِزِّ نَصْرَهُمْ،

و به آرزوهای‌شان برسان، و بر عمرشان بیفز، و یاری ایشان را تقویت فرما،

وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِكَ لَهُمْ، وَثَبَّتْ

و آنچه از دینت را به آنها مربوط ساختهای کامل نما، و

دَعَائِمَهُمْ، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا، وَعَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا،

پایه‌های آنها را استوار کن، و ما را یاران آنها و یاوران دینت قرار ده.

فَانَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ، وَخُزَانُ عِلْمِكَ، وَأَرْكَانُ

همانا آن‌ها معدن‌های کلمات تو، گنجینه‌های علم و دانش تو، استوانه‌های

تَوْحِيدِكَ، وَدَعَائِمُ دِينِكَ، وَوَلَاةُ أَمْرِكَ، وَخَالِصَتُكَ

توحید تو، پایه‌های دین تو، سرپرستان امر تو، بندگان خالص تو،

مِنْ عِبَادِكَ، وَصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَوْلِيَاؤُكَ

برگزیده از میان بندگان تو، دوستان

وَسَلَائِلُ أَوْلِيَائِكَ، وَصَفْوَةُ أَوْلَادِ نَبِيِّكَ، وَالسَّلَامُ

و فرزندان دوستان تو، و برگزیدگان فرزندان پیامبر تو هستند؛ درود و سلام

عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ۱.

و رحمت خداوند و برکت‌های او بر همه آنان نثار باد.



دعای معرفت

در زمان غیبت

سید بزرگوار، جناب علی بن طاووس رحمته‌الله در کتاب «جمال

الأسبوع» می‌فرماید: دعای دیگری است برای حضرت صاحب

الزمان صلوات الله علیه که سزاوار است آن دعا ترک نشود؛ گرچه همه

۱. بحار الأنوار: ۱۱۵/۱۰۲.

تعقیبات و دعاهایی را که برای عصر روز جمعه ذکر کردیم به

خاطر داشتن عذر ترک شود.

و این سرّی دارد که خداوند ما را از فضل و احسان ویژه خود با

آن آشنا نموده است. پس به آن اعتماد کن و آن را انجام بده.

این دعای شریف به دو طریق از «محمد بن همام» روایت شده

و او گفته است که: شیخ ابو عمرو و عمری رحمته‌الله این دعا را به او املا

نموده و دستور به خواندن آن داده است؛ و آن، دعایی است برای

زمان غیبت قائم آل محمد رحمته‌الله:

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ

بارخدا!؛ خود را به من بشناسان؛ زیرا اگر خود را به من نشناسانی

أَعْرِفَكَ، وَلَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي

تو و پیامبرت را نمی‌شناسم. خدا!؛ پیامبرت را به من معرفی فرما؛

رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ

زیرا اگر پیامبرت را به من نشناسانی، حجت تو را نخواهم شناخت.

حُجَّتَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي

خداوند!؛ حجتت را به من بشناسان؛ زیرا اگر حجتت را به من نشناسانی،

حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي. اللَّهُمَّ لَا تَمِثْنِي مِثَّةَ

نسبت به دینم گمراه می‌گردم. خدا!؛ مرا به مرگ جاهلیت نمانان

جَاهِلِيَّةً ، وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي . اَللّٰهُمَّ فَكَمَا

و پس از آن که هدایتیم نمودی قلبم را دچار انحراف و تردید مساز. ای خدا؛ همان گونه

هَدَيْتَنِي لَوْلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَيَّ مِنْ وَّلَاةِ

که مرا به ولایت و دوستی آن کس که طاعتش را بر من واجب نمودی - یعنی: سرپرستان

أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ صَلَّوْا تَكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، حَتَّى

امرت پس از رسول گرامیت که درود تو بر او و آل او باد - رهنمون شدی، تا

وَالْيَتِ وَّلَاةِ أَمْرِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي

صاحبان حقیقی خلافت و والیان امرت یعنی: امیر مؤمنان علی بن ابی

طَالِبٍ ، وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا

طالب، حسن، حسین، علی، محمد، جعفر،

وَمُوسَى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُجَّةَ

موسی، علی، محمد، علی، حسن و حجت

الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ صَلَّوْا تَكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ . اَللّٰهُمَّ

قائم مهدی - که درودهای تو بر همه آنان باد - را دوست بدارم. ای خدا؛

تَبَثَّنِي عَلَى دِينِكَ ، وَاسْتَعْمَلَنِي بِطَاعَتِكَ ، وَلَيِّنْ

مرا بر دین خودت ثابت بدار، و مرا بر طاعت خویش بکار گیر، و قلبم را

قَلْبِي لَوْلِيٍّ أَمْرِكَ ، وَعَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ ،

برای صاحب امرت مطیع و نرم کن، و مرا در عرصه‌های امتحان‌هایی که از بندگانت به عمل می‌آوری عافیت ببخش،

وَتَبَثَّنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ ، الَّذِي سَتَرْتَهُ عَن

و در فرمان‌برداری از صاحب فرمانت استوارم ساز؛ همان کسی که از

خَلْقِكَ ، فَبَاذِنَكَ غَابَ عَن بَرِيَّتِكَ ، وَأَمْرِكَ يَسْتَنْظِرُ ،

بندگانت پنهانش گرداندی؛ پس با اجازه تو از میان خلق پنهان شد، و منتظر فرمان توست؛

وَأَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ مُعَلَّمٍ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرٍ

در حالی که تو آگاهی - بدون اینکه کسی تو را آگاه کند - به زمانی که در آن کار ولایت را اصلاح

وَلِيَّتِكَ ، فِي الْأَذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَكَشْفِ سِرِّهِ ،

فرمایی، و آن وقت به او اجازه فرمایی که امرش را آشکار نماید و از اسرارش پرده بردارد.

وَصَبَّرْنِي عَلَى ذَلِكَ ، حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا

و مرا بدان شکیبیا فرما تا شتاب در چیزی را نخواهم که تو تأخیرش را

أَخَّرْتَ ، وَلَا تَأْخِرَ مَا عَجَّلْتَ ، وَلَا أَكْشِفَ عَمَّا

می‌خواهی، و تأخیر چیزی را مطالبه نکنم که تو تعجیلش را اراده نموده‌ای، و پرده برندارم از آنچه

سَتَرْتَ ، وَلَا أَبْحَثَ عَمَّا كَتَمْتَ ، وَلَا أَنْازِعَكَ فِي

تو پنهانش کرده‌ای، و چیزی را کاوش نکنم که تو پوشیده‌اش فرموده‌ای، و نسبت به تدبیر تو (در کار عالم)

تَدْبِيرِكَ ، وَلَا أَقُولَ لِمَ وَكَيْفَ وَمَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ

با تو نزاع و مجادله نکنم، و در برابر اراده تو چون و چرا نکنم، و نگویم که چه شده و چرا صاحب الامر

لَا يَظْهَرُ وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ ، وَأَفْوَضَ

ظهور نمی‌کند - با این که زمین پر از ظلم و ستم گشته است؟! - (بلکه)

أُمُورِي كُلُّهَا إِلَيْكَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِينِي وَلِيَّ

همه کارها و امور عالم را به محضر مقدس تو وامی گذارم . بار خدا یا! از تومی خواهم که جمال صاحب

أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذَ الْأَمْرِ ، مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ

امرت را آشکارا به من بنمایانی در حالی که امرش در عالم، نافذ است؛ با علم و آگاهی به این که سلطنت،

وَالْقُدْرَةَ ، وَالْبُرْهَانَ وَالْحُجَّةَ ، وَالْمَشِيئَةَ وَالْحَوْلَ

قدرت، برهان، دلیل رسا، مشیت نافذه، نیرو

وَالْقُوَّةَ ، فَافْعَلْ ذَلِكَ بِي وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ ، حَتَّى

و توانایی واقعی از آن توست . پس این لطف را به من و به همه مؤمنان بفرما تا

نَنْظُرَ إِلَىٰ وَلِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، ظَاهِرَ الْمَقَالَةِ ،

به ولایت - که درود تو بر او و آل او باد - آشکارا بنگریم، در حالی که با گفتار آشکار

وَاضِحَ الدَّلَالَةِ ، هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ ، شَافِيًا مِنْ

و دلالت روشنش، از گمراهی به راه هدایت رهنمون شویم، و از

الْجَهَالَةِ ، وَأَبْرِزْ يَا رَبُّ مُشَاهَدَتَهُ ، وَثَبَّتْ قَوَاعِدَهُ ،

جهالت نجات پیدا کنیم . پروردگارا! مشاهده او را آشکار فرما، و پایه های حکومتش را محکم گردان،

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَيْتِهِ ، وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ ،

و ما را از کسانی قرار ده که با دیدن جمالش، چشمش روشن گردد، و ما را به خدمت او بپا دار،

وَتَوَقَّنَا عَلَىٰ مِلَّتِهِ ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ . اللَّهُمَّ أَعِذْهُ

و بر ملت و آیین او بمیزان، و روز قیامت نیز در گروه او محشور فرما . خدا یا! پناه بده او را

مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ ، وَذَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ

از شر هر چه خلق کردی و پدید آوردی، آفریدی و ایجاد کردی،

وَصَوَّرْتَ ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ ، وَعَنْ

و صورت و شکل بخشیدی، و حفظ فرما او را از مقابلش، پشت سرش،

يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ ، بِحِفْظِكَ

سمت راست و چپش، و از بالای سرش و زیر پایش، به نگهداری و حفظی

الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ

که وقتی کسی را به آن گونه حفظ کنی ضایع و تباہ نمی شود، و با حفظ وجود او پیامبرت

وَوَصِيَّ رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ . اللَّهُمَّ وَمُدَّ فِي

و وصی پیامبرت را - که درود بر ایشان باد - را حفظ کن . خداوندا! عمرش را طولانی کن،

عُمُرِهِ ، وَزِدْ فِي أَجَلِهِ ، وَأَعِنُّهُ عَلَىٰ مَا وَلَّيْتَهُ

و بر مدت زندگانش بیفزای، و در ولایت و حکومتی که بدو عنایت کردی و واگذار نمودی

وَاسْتَرْعَيْتَهُ ، وَزِدْ فِي كَرَامَتِكَ لَهُ ، فَإِنَّهُ الْهَادِي

و نگهدار ساختی کمکش فرما، و در کرامت نسبت به او بیفزای؛ زیرا او هدایت کننده بشر

الْمَهْدِيِّ ، وَالْقَائِمُ الْمُهْتَدِيُّ ، الطَّاهِرُ النَّقِيُّ الزَّكِيُّ

و هدایت یافته و قیام کننده برای هدایت خلق است؛ گوهر پاک، با تقوا، پاک سرشت، پاک سیرت،

النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ الصَّابِرُ الشُّكُورُ الْمُجْتَهِدُ .

صاحب مقام رضا و خشنودی، و شکبیا در بلا و مصایب، شکرگزار، مجاهد و تلاشگر است.

اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ،

خدایا؛ به واسطه دراز شدن زمان غیبتش

وَأَنْتَقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا، وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَأَنْتِظَارَهُ،

و قطع شدن خبرش از ما، یقین ما را زایل مگردان؛ و از یاد ما مبر یادش را و انتظارش را،

وَالْإِيمَانَ بِهِ، وَقُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ، وَالِدُعَاءَ لَهُ

و ایمان به او را، و یقین استوار بر ظهورش را، و دعا کردن برای (وجود نازنینش)،

وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ، حَتَّى لَا يُقَنِّطَنَا طُولُ غَيْبَتِهِ مِنْ

و درود فرستادن (بر آن حضرت) را؛ تا طولانی شدن زمان غیبتش

[ظُهُورِهِ وَ] قِيَامِهِ، وَيَكُونَ يَقِينًا فِي ذَلِكَ كَيَقِينُنَا

ما را از ظهور و قیام بر حقش ناامید نسازد؛ و یقین و باور ما به قیام او و ظهور او همانند یقین ما

فِي قِيَامِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَا جَاءَ

به قیام پیامبر خدا - که درود خدا بر او و آل او باد - و

بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزِيلِكَ، وَقَوِّ قُلُوبَنَا عَلَى الْإِيمَانِ

وحی و کتاب نازل شده بر او محکم و استوار باشد. و قلبهای ما را بر ایمان به او تقویت

بِهِ، حَتَّى تَسْلُكَ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى

کن؛ تا به دست مبارکش راه هدایت

وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى، وَقَوْنَا

و شاهراه روشن و مسیر اعتدال را ببیماییم. و ما را بر اطاعت

عَلَى طَاعَتِهِ، وَتَبَتُّنَا عَلَى مُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي

و فرمانبرداری از او نیرو بخش، و بر پیرویش ثابت بدار، و ما را در

حَزْبِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ،

گروه او و یاران و یاورانش و کسانی که به کار او خشنودند؛ قرار بده.

وَلَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا، وَلَا عِنْدَ وَفَاتِنَا، حَتَّى

و این ایمان و عقیده را در زندگی و مرگ ما از ما مگیر، تا در حالی ما

تَتَوَفَّانَا وَنَحْنُ عَلَى ذَلِكَ لَا شَاكِينَ وَلَا نَاكِبِينَ، وَلَا

را بمیرانی که نه دچار شک و تردید شده، و نه پیمان شکسته باشیم، و نه

مُرْتَابِينَ وَلَا مُكَذِّبِينَ. اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَأَيِّدْهُ

در مورد آن دودل بوده و نه آن را تکذیب کنیم. خداوندا؛ در فرجش تعجیل فرما، و

بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَدَمِّمْ

با یاریت تأییدش کن، و یارانش را یاری کن، و آنان را که ترک یاری او می کنند ذلیل و خوار بنما، و

عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَكَذَّبَ بِهِ، وَأَظْهَرُ بِهِ الْحَقَّ،

هر آن که رودررویش به جنگ بایستد و او را تکذیب کند نابودش کن، و حق را به واسطه او آشکار نما،

وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَاسْتَنْقِذْ بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ

و ستم را به وسیله او بمیران، و بندگان مؤمنت را به واسطه او از خواری و

الذُّلِّ، وَانْعَشْ بِهِ الْبِلَادَ، وَاقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرَةِ،

ذلت برهان، و عالم را به وجودش آباد گردان، و سرکشان کافر را توسط او هلاک کن،

وَأَقْصِمَ بِهِ رُؤُوسَ الضَّالَّةِ، وَذَلَّلَ [بِهِ] الْجَبَّارِينَ

و سران گمراهی را به وسیله او درهم شکن، و طغیان‌پیشگان

وَالْكَافِرِينَ، وَأَبْرَ بِهِ الْمُنَافِقِينَ وَالنَّاكِثِينَ، وَجَمِيعَ

و کافران را (توسط او) ذلیل فرما. و همه منافقان و عهدشکنان، و تمام

الْمُخَالِفِينَ وَالْمُلْحِدِينَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ

مخالفان و ملحدان بی‌دین را - در شرق

وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَتَّى

و غرب عالم، در دریا و خشکی، در کوه‌ها و دشت‌ها به وسیله او هلاک فرما؛ تا

لَا تَدَعُ مِنْهُمْ دِيَارًا، وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا، وَطَهَّرَ

کسی از آنان وانگداری، و اثری از آن‌ها باقی نگذاری. و سرزمین‌های را

مِنْهُمْ بِأَدَاكَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ. وَجَدَّدَ

از لوٲ وجود آنان پاک گردان، و سینهٔ بندگانت را با هلاکت دشمنان، شفا عنایت فرما. و

بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ، وَأَصْلَحَ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ

آنچه از دینت محو شده است به وسیله او بازسازی کن؛ و هر آنچه از احکامت دگرگونی یافته،

حُكْمِكَ، وَغَيْرَ مِنْ سُنَّتِكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ

و از سنت تو تغییر داده شده است اصلاح کن؛ تا دین تو به

وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا صَحِيحًا لَا عِوَجَ فِيهِ، وَلَا

دست مبارکتش به صورت تازه و نو و صحیح اعاده‌گردد به گونه‌ای که هیچ کژی در آن نباشد و هیچ

بِدْعَةٍ مَعَهُ، حَتَّى تُطْفِئَ بِعَدْلِهِ نِيرَانَ الْكَافِرِينَ،

بدعتی به همراه آن نباشد تا با عدل و داد او، آتش فتنه‌های کافران را خاموش نمایی؛

فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَأَزَتْضَيْتَهُ

زیرا او بندهٔ مخلص توست که برای خودت خالص گردانیدی، و

لِنُصْرَةِ دِينِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنْ

برای یاری دینت او را پسندیدی، و با علم بی‌نهایت او را برگزیدی، و از گناهان او را باز داشتی و

الذُّنُوبِ، وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَأَطْلَعْتَهُ عَلَى

نگهداری کردی، و از عیب‌ها پیراسته‌اش کردی، و بر پنهانی‌ها مطلعش ساختی،

الْعُيُوبِ، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ،

و بر او نعمت ارزانی داشتی، و از هر گونه پلیدی پاکش گردانیدی،

وَتَقَيَّتَهُ مِنَ الدَّنَسِ. اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آبَائِهِ

و از هر نوع آلودگی پاکیزه‌اش ساختی. بار خدایا؛ بر او و پدرانش

الْأَيْمَّةَ الطَّاهِرِينَ، وَعَلَىٰ شَيْعَتِهِ الْمُتَتَجِبِينَ،

- آن پیشوایان پاک - و بر پیروان نیک‌نژادش رحمت فرست؛

وَبَلَّغُهُمْ مِنْ آمَالِهِمْ أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُونَ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ

و آن‌ها را به آرزوهایشان به برتر از آنچه امید دارند برسان، و این دعا را

مِنَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبُهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسَمْعَةٍ، حَتَّى

از ما، خالص و به دور از شک و شبهه و ریا و سمعه قرار بده؛ آن گونه که

لَا تُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا تَطْلُبْ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ. اللَّهُمَّ إِنَّا

با این کار، غیر تو را اراده نکنیم و از این کار، جز تو را نطلبیم. خداوندا؛ ما

نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا، وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا، وَشِدَّةَ الزَّمَانِ

به تو شکایت می‌بریم از فقدان پیامبران؛ و از غیبت ولی‌مان، و سختی دوران

عَلَيْنَا، وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا، وَتَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ [عَلَيْنَا]،

بر ما، و وقوع فتنه‌های گوناگون نسبت به ما، و تظاهر و پشتیبانی دشمنان از یکدیگر علیه ما،

وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَقِلَّةَ عَدَدِنَا. اللَّهُمَّ فَفَرِّجْ ذَلِكَ بِفَتْحِ

و زیادی دشمن ما و کمی جمعیت خودمان. خدایا؛ با فتح و گشایشی از جانب خویش ما را

مِنْكَ تَعْجَلْهُ، وَنَصْرٍ مِنْكَ تُعِزُّهُ، وَإِمَامٍ عَدَلٍ تُظْهِرُهُ،

از این اندوه‌ها به سرعت رهایی بخش، و یاری با عزت و ظهور پیشوای عادل را نصیب‌مان فرما؛

إِلَهَ الْحَقِّ [آمِينَ] رَبَّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ

ای خدای به حق، و پروردگار جهانیان؛ این دعا را اجابت کن. خدایا؛ از درگاہت می‌خواهیم که

تَأْذَنَ لَوْلِيِّكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ، وَقَتْلِ

به ولایت اجازه دهی تا عدلت را در میان خلقت آشکار نماید، و

أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ، حَتَّى لَا تَدَعَ لِلْجَوْرِ يَا رَبِّ

دشمنانت را در سرزمین‌هایت هلاک گرداند؛ تا هیچ پایگاه و رکنی برای ستم باقی‌نگذاری ای پروردگار

دِعَامَةً إِلَّا قَصَمْتَهَا، وَلَا بَقِيَّةَ إِلَّا أَفْنَيْتَهَا، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا

من؛ و همه پایگاه‌های آنان را درهم شکنی، و بقایای آنان را نابود گردانی، و نیروهای‌شان را

أَوْهَنْتَهَا، وَلَا رُكْنَاً إِلَّا هَدَمْتَهُ، وَلَا حَدّاً إِلَّا فَالْتَهُ، وَلَا

سست نمایی، و پایه‌های آن‌ها را ویران سازی، و تیزی و سختی آن‌ها را کند و بی‌اثر گردانی، و

سِلَاحاً إِلَّا أَكَلْتَهُ، وَلَا رَايَةً إِلَّا نَكَّسْتَهَا، وَلَا شُجَاعاً

سلاح‌شان را از کار بیندازی، و پرچم آن‌ها را سرنگون سازی، و شجاعان آن‌ها را

إِلَّا قَتَلْتَهُ، وَلَا جَيْشاً إِلَّا خَذَلْتَهُ، وَارْمِهِمْ يَا رَبِّ

نابود کنی، و سپاه‌شان را شکست‌خورده و خوار سازی. پروردگارا؛

بِحَجْرِكَ الدَّامِغِ، وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ،

سنگ نابودکننده‌ات را به سوی ایشان رها کن، و شمشیر برآنت را بر ایشان فرود آور،

وَبَأْسِكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ، وَعَذْبِ

و آنها را دچار عذابی کن که هر گروه مجرم از آن رهایی ندارند. و

أَعْدَائِكَ، وَأَعْدَاءَ دِينِكَ وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ

و دشمنانت و دشمنان دین و پیامبرت - درود تو

عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِيَدِ وَلِيِّكَ، وَأَيْدِي عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ.

بر او و آل او باد - را به دست ولایت و بندگان مؤمنت، معذب فرما.

اللَّهُمَّ اكْفِ وَلِيِّكَ وَحُجَّتَكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ،

خداوندا؛ ولی و حجت خویش را بر زمین از ترس دشمنانش،

وَكَيْدَ مَنْ كَادَهُ، وَامْكَرَ بِمَنْ مَكَرَ بِهِ، وَاجْعَلْ دَائِرَةَ

و از مکر حيله‌گران کفایت فرما، و با آن کسی که با او مکر کند مکر کن، و حلقه

السَّوْءِ عَلَى مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا، وَاقْطَعْ عَنْهُ مَا دَتَّتَهُمْ،

بدی را برای بدخواهانش قرار بده، و اصل و اساس آن‌ها را از وجود مقدسش قطع کن.

وَأَرِعِبْ لَهُ قُلُوبَهُمْ، وَزَلِّزْ لَهُ [لَهُ] أَقْدَامَهُمْ، وَخُذْهُمْ

و ترس و هبیتش را در دل‌های ایشان ایجاد گردان؛ و قدم‌هایشان را سست و لرزان قرار ده، و به قهر

جَهْرَةً وَبَغْتَةً، وَشَدِّدْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ، وَأَخْرِجْهُمْ فِي

ناگهانیت بطور آشکار گرفتارشان کرده و عذابت را بر آن‌ها شدید نما، و در بین بندگانت خوار و

عِبَادِكَ، وَالْعَنَّهُمْ فِي بِلَادِكَ، وَأَسْكِنَهُمْ أَسْفَلَ

دل‌شان فرما، و در میان شهرها آن‌ها را مورد لعن قرار بده، و در پست‌ترین نقطه

نَارِكَ، وَأَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ، وَأَصْلِحْهُمْ نَارًا،

جهنم سکونت‌شان بده، و اطراف آن‌ها را با سخت‌ترین عذابت احاطه کن، و به آتش دوزخ بیفکن،

وَاحْشُ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَارًا، وَأَصْلِحْهُمْ حَرَّ نَارِكَ،

و قبرهای مردگان آن‌ها را پر از آتش گردان، و حرارت و سوزندگی آتش را به آن‌ها بچشان؛

فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ، وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ، وَأَضَلُّوا

زیرا آن‌ها نماز را تباه کردند، از شهوت‌ها پیروی کردند، و بندگانت را گمراه ساختند.

عِبَادَكَ. اللَّهُمَّ وَأَخِي بُولِيِّكَ الْقُرْآنَ، وَأَرِنَا نُورَهُ

خدا یا؛ با وجود ولایت (صاحب الامر علیه السلام) قرآن را زنده کن، و نور جمال او را به طور دائم و همیشگی

سَرْمَدًا، لَا ظُلْمَةَ فِيهِ، وَأَخِي [بِهِ] الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ،

به ما بنمایان؛ به گونه‌ای که هرگز تاریکی گرد آن نور را نگیرد. و به واسطه او قلب‌های مرده را حیات

وَأَشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوَعِرَةَ، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ

بخش، و سینه‌های سوخته را شفا بده، و هواهای گوناگون و نظرات

الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ، وَأَقِمِّ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ،

مختلف را با رأی او بر محور حق جمع بگردان. و حدود الهی تعطیل‌شده

وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ، وَلَا

و احکام ترک‌شده را به وسیله او برپا بدار؛ تا حقی نماند مگر این که ظاهر گردد، و

عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ، وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ وَمُقَوِّبَةِ

عدلی نماند مگر این که درخشنده شود. بارپروردگارا؛ ما را از یاران او و تقویت‌کنندگان

سُلْطَانِهِ وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ،

حکومتش و فرمان‌بران دستورش و از آنانی که به کار آن حضرت خشنود هستند،

وَالْمُسَلِّمِينَ لِأَحْكَامِهِ، وَمِمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ

و در برابر احکام و فرامین او تسلیمند، و نیازی به تقیه‌کردن از آنها در میان بندگانت ندارد قرار ده.

مِنْ خَلْقِكَ، أَنْتَ يَا رَبِّ الَّذِي تَكْشِفُ الضَّرَّ،

ای پروردگارا؛ تو هستی که هر اندوه و بلایی را برطرف می‌کنی، و هر

وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ، وَتُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ

مضطّر بیچاره‌ای را که تو را بخواند، اجابت می‌فرمایی، و از سختی و اندوه بزرگ نجاتش می‌دهی؛

الْعَظِيمِ، فَاكْشِفِ الضَّرَّ عَنِّي وَوَلِيِّكَ، وَاجْعَلْهُ خَلِيفَتَكَ

پس ناراحتی را از وجود ولایت برطرف کن و او را جانشینت

فِي أَرْضِكَ كَمَا ضَمِنْتَ لَهُ . اللَّهُمَّ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ

در زمینت قرار ده؛ همان گونه که این امر را تضمین فرموده‌ای. خداوندا؛ مرا از

خُصْمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ

خصومت‌گران آل محمد - که سلام و درود بر آن‌ها باد - قرار مده، و مرا در زمره

أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ

دشمنان آل محمد - که سلام و درود بر آنها باد - مقرر نکن؛ و مرا از انانی قرار مده که نسبت

أَهْلِ الْحَقِّ وَالْغَيْظِ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ،

به آل محمد - که سلام و درود بر آن‌ها باد - کینه و خشم دارند؛

فَاتِي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَأَعِزَّنِي ، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ

چرا که من از این امر به تو پناه می‌برم پس پناهم ده، و از تو امان می‌طلبم

فَأَجِرْنِي . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ،

پس امانم بده. خدا یا؛ بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست،

وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزاً عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَمِنْ

و مرا در دنیا و آخرت به واسطه ایشان از رستگاران و مقربان درگاهت

الْمُقَرَّبِينَ ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ .^۱

قرار ده. ای پروردگار جهانیان؛ این دعاها را اجابت فرما.

صاحب کتاب «مکیال المکارم» نگاشته است: سید بزرگوار

۱. جمال الأسبوع: ۳۱۵، و در مصباح المنهجد: ۴۱۱، و مصباح الزائر: ۴۲۵ با اندکی تفاوت.

علی بن طاووس رحمته الله در «جمال الأسبوع» هنگام ذکر دعای مذکور و

تشویق و ترغیب به خواندن آن در عصر روز جمعه می‌نویسد:

«اگر در مورد اعمالی که ذکر کردیم عذری داری، پس حذر کن

که این دعا را در تعقیب نماز عصر روز جمعه ترک کنی؛ زیرا ما آن

را با فضل الهی که به ما مخصوص گردانیده است شناختیم؛ پس

همواره بر آن اعتماد کن».

سپس دعا را با همان اسنادی که گذشت ذکر می‌کند؛ و این

عبارت دلالت دارد که دستوری در مورد این دعا از ناحیه حضرت

صاحب الزمان عجل الله فرجه صادر شده است؛ البته نقل چنین مطلبی

از مقامات عالیه سید، بعید نیست. امیدوارم خدا از بهترین

برکاتش او را بهره‌مند سازد.^۱

دعای دیگر در زمان غیبت

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمته الله در «مهج الدعوات» می‌فرماید:

به سند خود روایت می‌کنم از محمد بن احمد جعفی حدیثی را که

او با سند خویش روایت نموده است و در آن، از غیبت حضرت

مهدی ارواحنا فداه یاد کرده است.

گفتم: شیعه باید در آن زمان چه کند؟ فرمود:

بر شما باد دعا کردن و انتظار فرج؛ زیرا به زودی برای شما نشانه‌ای آشکار خواهد شد و هرگاه نشانه بر شما آشکار گشت خدای را سپاس گوئید، و بدان تمسک جوئید.

گفتم: چه دعایی بخوانیم؟

فرمود: می‌گویی:

اللَّهُمَّ أَنْتَ عَرَفْتَنِي نَفْسَكَ، وَعَرَفْتَنِي رَسُولَكَ،

خدایا؛ تو خود را به من شناساندی و فرستاده‌ات را به من معرفی کردی،

وَعَرَفْتَنِي مَلَائِكَتَكَ وَعَرَفْتَنِي نَسَبِكَ، وَعَرَفْتَنِي

و فرشتگان را شناساندی و پیامبرت را معرفی کردی و

وَلَاةَ أَمْرِكَ. اللَّهُمَّ لَا آخِذَ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ، وَلَا وَاقِيَ

سرپرستان امرت را به من شناساندی. خدایا؛ گیرنده (عطایی) نیست مگر آنچه را تو عطا کنی، و

إِلَّا مَا وَقَيْتَ. اللَّهُمَّ لَا تُغَيِّبْنِي عَنْ مَنَازِلِ أَوْلِيَائِكَ،

بازدارنده‌ای نیست جز از آنچه تو باز داری. خداوندا؛ مرا از مرتبه و جایگاه اولیای پنهان مدار،

وَلَا تُرْغِ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي. اللَّهُمَّ اهْدِنِي لِوَلَايَةِ

و قلبم را پس از هدایت دچار انحراف مگردان. خدایا؛ مرا به ولایت کسی راهنمایی کن

مَنْ افْتَرَضَتْ طَاعَتَهُ^۱.

که طاعتش را بر من واجب گردانیدی.

۱. مهج الدعوات: ۳۹۵.



دعای دیگری نیز در زمان غیبت

شیخ کلینی رحمته الله از زراره، و او از امام صادق رحمته الله روایتی را نقل

می‌کند که مضمون آن چنین است:

چاره‌ای برای او نیست مگر این که غایب شود.

من گفتم: چرا چنین است؟

حضرت فرمودند: می‌ترسد - و با دست مبارکش به شکمش

اشاره فرمود - و او جوان امام منتظر می‌باشد که انتظارش را

باید کشید، و او کسی است که مردم در ولاتش شک

می‌کنند، پس عده‌ای از آنان می‌گویند که ایشان هنوز متولد

نشده است و عده‌ای دیگر می‌گویند که پدر ایشان از دنیا

رفته و جانشینی نداشته است و گروه دیگری می‌گویند که

ایشان دو سال قبل از فوت پدرشان به دنیا آمده است.

زراره گفت: به حضرت گفتم: اگر آن زمان را درک کردم، به

چه چیزی مرا امر می‌کنید؟ فرمود:

خدا را به این دعا بخوان:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ

بار خدایا؛ خودت را به من بشناسان، پس اگر تو خودت را به من شناسانی، من هرگز

أَعْرِفَكَ . اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَبِيَّكَ ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي

تو را نمی‌توانم بشناسم، بار خدایا؛ پیامبرت را به من بشناسان، پس اگر تو پیامبرت را به من

نَبِيَّكَ لَمْ أَعْرِفْهُ [قَطُّ] . اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ، فَإِنَّكَ

نشناسانی، من هرگز نمی‌توانم او را بشناسم، بار خدایا؛ حجت خودت را به من بشناسان، پس اگر

إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي^۱ .

تو او را به من نشناسانی، از دین خود گمراه می‌شوم.



دعای غریق در زمان غیبت

سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «مهج الدعوات» از عبدالله بن سنان نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمودند:

به زودی شبیهه‌ای شما را فرا می‌گیرد، پس شما بدون راهنما و امامی هدایت‌کننده باقی خواهید ماند و نجات پیدا نمی‌کند، مگر کسی که به وسیله «دعای غریق» خدا را بخواند.

عبدالله بن سنان گفت: دعای غریق چگونه است؟

حضرت فرمودند: می‌خوانی:

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ ، يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ

ای خدا، ای مهربان، ای بخشنده، ای دگرگون‌کننده قلب‌ها، قلب مرا بر دین خود

قَلْبِي عَلَى دِينِكَ .

(ولزوم پیروی از آن) ثابت بدار.

پس گفتم: يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ، ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ .

ای دگرگون‌کننده قلب‌ها و دیده‌ها؛ قلب مرا در پیروی از دین خود استوار کن.

پس حضرت فرمودند:

همانا خداوند بلند مرتبه، «دگرگون‌کننده قلب‌ها و دیده‌ها می‌باشد»، ولی تو آن طور که من می‌خوانم، بخوان، یعنی به این صورت: يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ .

سید رحمه الله می‌فرماید: شاید مراد از فرمایش حضرت در مورد «الأبصار» این باشد که دگرگونی قلب‌ها و دیده‌ها مربوط به قیامت است؛ به خاطر این که ترس و وحشت در آن روز بسیار شدید می‌باشد ولی ترس در زمان غیبت، از دگرگون شدن دل‌ها است نه دیده‌ها.^۱

دعایی مناسب با زمان غیبت

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمته الله علیه می فرماید: در خواب کسی را دیدم که دعایی را به من آموخت و مناسب است در زمان غیبت خوانده شود و الفاظ آن چنین بود:

يَا مَنْ فَضَّلَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ إِسْرَائِيلَ عَلَى الْعَالَمِينَ

ای کسی که به انتخاب و اختیار خود آل ابراهیم و آل اسرائیل را بر عالمیان فضیلت و برتری دادی

بِاخْتِيَارِهِ، وَأَظْهَرَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

و در ملکوت آسمانها و زمین عزت و اقتدار خویش را آشکار کردی و

عِزَّةَ اقْتِدَارِهِ، وَأَوْدَعَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

اسرار شکفت خود را در نزد حضرت محمد و اهل بیت پاکش - که درود و سلام خدا بر او

و أَهْلَ بَيْتِهِ غَرَائِبَ أَسْرَارِهِ، [صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ]،

و اهل بیت او باد - به امانت گذاشتی، بر محمد و آل او درود بفرستی

وَأَجْعَلَنِي مِنْ أَعْوَانِ حُجَّتِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَأَنْصَارِهِ.

و مرا از مددکاران حجّتت بر بندگانت و از یاوران او قرار بده.

دعای نجات از فتنه‌های آخر الزمان

در کتاب «سلاح المؤمنین» این دعا برای رهایی و نجات از فتنه‌های آخر الزمان نقل شده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ،

خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج ایشان را نزدیک فرما،

(يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ هفت مرتبه تکرار شود). اللَّهُمَّ عَمَّ

ای مهربان‌ترین مهربانان خدایا؛

أَعْدَاءِ آلِ نَبِيِّكَ وَظَالِمِيهِمْ وَأَعْدَاءِ شَيْعَتِهِمْ، وَأَعْدَاءِ

بدی و بدبختی را بر سر دشمنان و ستمگران بر آل پیامبر و دشمنان

مَوَالِيهِمْ بِالشَّرِّ عَمًّا، وَطَمَّهِمْ بِالشَّرِّ طَمًّا، وَاطْرُقَهُمْ

شیعیان و موالیان آنان فرود آور، و بر آنان فراگیر کن، و آنان را در یک شب درهم بکوب

بِلَيْلَةٍ لَا أُخْتَّ لَهَا، وَسَاعَةَ لَا مَنْجِي مِنْهَا، وَأَنْتَقِمَ

که نظیری نداشته باشد، و در یک ساعت آنان را درهم بکوب که محل نجاتی برای آنان نباشد و

مِنْهُمْ اِنْتِقَامًا عَاجِلًا، وَأَخْرِقْ قُلُوبَهُمْ بِنَارِ غَضَبِكَ.

از آنان به زودی انتقام بگیر و قلب‌هایشان را با آتش غضب خودت بسوزان.

اللَّهُمَّ شَتَّتْ شَمْلَهُمْ، وَفَرَّقْ جَمْعَهُمْ، وَقَلِّبْ تَدْبِيرَهُمْ

خدایا؛ اجتماع آنان را پراکنده و جمع ایشان را متفرق ساز، و چاره‌اندیشی‌ها و نقشه‌های آن‌ها را دگرگون کن.

وَنَكِّسْ أَعْلَامَهُمْ، وَخَرِّبْ بُنْيَانَهُمْ، وَقَرِّبْ آجَالَهُمْ،

و پرچم‌های‌شان را واژگون فرما و ریشه و بنیان آنها را برکن، و زمان مرگ آنان را نزدیک فرما،

وَأَلِّقْ بِأَسْهُمِ بَيْنَهُمْ، وَاجْعَلْنَا مِنْ بَيْنِهِمْ سَالِمِينَ،

و سختی‌های‌شان را بین خودشان بینداز، و ما را در بین آنان سالم و محفوظ بدار،

وَخُذْهُمْ أَحْذَ عَزِيزٍ مُقْتَدِرٍ. اللَّهُمَّ أَلِقِ الْأَوْجَاعَ

و آنان را گرفتار کن گرفتار شخص قدرتمند باقتدار. بارخدایا؛ دردها

وَالْأَسْقَامَ فِي أَيْدِيهِمْ، وَضَيِّقْ مَسَالِكَهُمْ، وَاسْلُبْهُمْ

و بیماری‌ها را بر بدن‌های آنان مسلط فرما و راه‌های آنان را تنگ نما و کشورهای تحت سلطه آنها را از

مَمَالِكَهُمْ، وَحَيِّرْهُمْ فِي سُبُلِهِمْ، وَاقْطَعْ عَنْهُمْ الْمَدَدَ،

دست ایشان خارج کن، و آنان را در راه‌ها و نقشه‌هایشان متحیر و سرگردان کن و کمک‌رسانی را از ایشان قطع

وَأَنْقُصْ مِنْهُمْ الْعِدَّةَ. اللَّهُمَّ وَاحْفَظْ مَوَالِيَ آلِ بَيْتِ

کن، و تعداد آنان را کم کن. بار خدایا؛ دوستان اهل بیت

نَبِيِّكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ شُرُورِهِمْ، وَسَلِّمْهُمْ مِنْ

رسولت - که بر آنان درود باد - را از شرّ آنان محفوظ بدار، و آن‌ها را از

مَكْرِهِمْ، وَخَدَعِهِمْ وَضُرِّهِمْ، وَأَنْصُرْهُمْ عَلَيْهِمْ

مکر و خدعه و نیرنگ و زیان آنان سالم نگه دار، و آن‌ها را با کمک خود بر آنان

بِنَصْرِكَ، وَاجْمَعْ كَلِمَتَهُمْ، وَأَلِّفْ جَمْعَهُمْ، وَدَبِّرْ

پیروز فرما، و بین ایشان وحدت و یکپارچگی برقرار فرما، و جمع ایشان را گردآوری کن، و

أَمْرَهُمْ، وَعَرِّفْهُمْ مَا يَجْهَلُونَ، وَعَلِّمُهُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ

امور ایشان را تدبیر فرما، و آنها را با آنچه‌اشنایی ندارند، آشنا فرما؛ و آنچه رانمی‌دانند، به آنها بیاموز؛

وَبَصِّرْهُمْ مَا لَا يُبْصِرُونَ، وَأَعْلِ كَلِمَتَهُمْ، وَاجْعَلْهَا

و با آنچه که نسبت به آن بصیرت و آگاهی ندارند، آگاه فرما؛ و حکم و اراده ایشان را والا و آن را

الْعُلْيَا، وَاجْعَلْ كَلِمَةَ الْأَعْدَاءِ السُّفْلَى. ۱.

برتر قرار بده، و حکم و اراده دشمنان را پایین‌تر قرار بده.

۱۱

دعای امام جواد علیه السلام

برای رفع ظلم و ستم از جهان

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمته الله این دعا را در کتاب «مهج

الدعوات» از مولای‌مان امام جواد علیه السلام نقل می‌کند که عبارتست از:

اللَّهُمَّ إِنَّ ظُلْمَ عِبَادِكَ قَدْ تَمَكَّنَ فِي بِلَادِكَ حَتَّى أَمَاتَ

بار خدایا؛ همانا ظلم و ستم بندگانت در سرزمین‌های تو قدرت و توانایی یافته و عدالت را از بین

الْعَدْلَ، وَقَطَعَ السَّبِيلَ، وَمَحَقَ الْحَقَّ، وَأَبْطَلَ الصَّدْقَ،

برده و راه‌های هدایت را قطع کرده و حق و حقیقت را از بین برده و صدق و راستی را نابود کرده

وَأَخْفَى الْبِرَّ، وَأَظْهَرَ الشَّرَّ، وَأَخَمَدَ التَّقْوَى، وَأَزَالَ

و خیر و نیکی را مخفی کرده و شرارت و بدبختی را آشکار کرده و نور تقوا را خاموش کرده و هدایت و

الْهُدَى، وَأَزَاحَ الْخَيْرَ، وَأَثَبَتَ الضَّيْرَ، وَأَنَمَى الْفَسَادَ،

خوشبختی را نابود کرده و خیر و برکت کنار گذاشته شده و کجی و خروج از حق را تثبیت کرده و فساد و تباهی را رشد داده

وَقَوَّى الْعِنَادَ، وَبَسَطَ الْجَوْرَ، وَعَدَى الطُّورَ. اللَّهُمَّ

و کدورت و کینه‌توزی را در بین مردم تقویت نموده و ستمگری را گسترش داده و از حد تجاوز کرده است. بار خدایا؛

يَا رَبِّ لَا يَكْشِفُ ذَلِكَ إِلَّا سُلْطَانُكَ، وَلَا يُجِيرُ مِنْهُ

ای پروردگار عالمیان؛ هیچ کس و هیچ چیزی جز سلطنت و قدرت تو آن‌ها را برطرف نمی‌کند و هیچ کس قادر به نجات مردم

إِلَّا اِمْتِنَانُكَ. اللَّهُمَّ رَبِّ فَايْتِرِ الظُّلْمَ، وَبُثِّ حِبَالَ

از دست آنان نیست مگر لطف و بخشش تو. بار پروردگارا؛ ریشه ظلم و ستم را قطع کن، و طناب

الْعُشْمِ، وَأَخْمِدْ سُوقَ الْمُنْكَرِ، وَأَعِزَّ مَنْ عَنَّهُ يَنْزَجِرُ،

ستمگری و بیدادگری را پاره پاره کن و بازار شرارت و بدی را کساد کن و کسانی را که از آنها نفرت دارند، عزیز گردان

وَاحْصِدْ شَافَةَ أَهْلِ الْجَوْرِ، وَأَلْبِسْهُمْ الْحَوْرَ بَعْدَ

و ریشه گروه ستمکاران را از بیخ و بن برکن و آنان را بعد از ناز و نعمت

الْكُورِ، وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ إِلَيْهِمُ الْبَيَاتَ، وَأَنْزِلْ عَلَيْهِمُ

و فراوانی به کمبود و نقصان دچار فرما و به حمله و شیخون زدن و غافلگیری آنان شتاب کن؛ و عقوبت‌های سخت را بر آنان

الْمَثَلَاتِ، وَأَمِتْ حَيَاةَ الْمُنْكَرِ لِيُؤْمَنَ الْمَخُوفُ،

نازل فرما؛ و بدی‌ها و بدکاران را بمیران تا آنان که از دست آنان در ترس و وحشت سر می‌برند، آرام گیرند

وَيَسْكُنَ الْمَلْهُوفُ، وَيَشْبَعِ الْجَائِعُ، وَيَحْفَظَ الضَّائِعُ،

و انسان‌های دلسوخته و اندوهگین به آرامش برسند و گرسنه‌ها سیر شوند و چیزهایی که دچار تباهی شدند، محفوظ

وَيَأْوِي الطَّرِيدُ، وَيَعُودَ الشَّرِيدُ، وَيَغْنَى الْفَقِيرُ،

بمانند و فراری‌ها مأوی گیرند و آواره‌ها برگردند و فقرا غنی شوند

وَيُجَارَ الْمُسْتَجِيرُ، وَيُوقَّرَ الْكَبِيرُ، وَيُرْحَمَ الصَّغِيرُ،

و به امان خواهان، امان داده شود، و پیران تکریم شوند و اطفال مورد ترحم واقع شوند

وَيَعَزَّ الْمَظْلُومُ، وَيُذَلَّ الظَّالِمُ، وَيُفْرَجَ الْمَغْمُومُ،

و مظلوم عزیز شود و ستمگر خوار و ذلیل شود و غم‌های انسان‌های اندوهگین برطرف شود

وَتَفْرَجَ الْعَمَاءُ، وَتَسْكُنَ الدَّهْمَاءُ، وَيَمُوتَ الْأَخْتِلَافُ،

و دشواری‌ها راحتی یابند و شورش‌ها آرام شود و اختلاف و دوگانگی از میان برود؛

وَيَعْلُو الْعِلْمُ، وَيَشْمَلُ السَّلْمُ، وَيُجْمَعُ الشَّتَاتُ،

و علم و دانش برتری پیدا کند؛ و صلح و آشتی فراگیر شود و تفرقه و پراکندگی به اتحاد و اجتماع مبدل شود

وَيَقْوَى الْإِيْمَانُ، وَيُتْلَى الْقُرْآنُ، إِنَّكَ أَنْتَ الدِّيَّانُ

و ایمان قدرت بگیرد و قرآن تلاوت گردد، همانا تو پادشاه‌دهنده

الْمُنْعِمِ الْمَتَّانُ ۱

روزی‌ده و بسیار احسان‌کننده هستی.

۱. مهج الدعوات: ۳۱۵.

دعا برای حفظ شدن از شرّ دجال

از معاذ بن جبل روایت شده است که گفت: روزی حضرت پیامبر ﷺ مرا به سوی عبدالله بن سلام فرستاد در حالی که نزد پیامبر ﷺ عده‌ای از اصحابش حضور داشتند، عبدالله بن سلام نزد پیامبر ﷺ حاضر شد، حضرت پیامبر ﷺ فرمودند:

ای عبدالله؛ برای من خبر بده در مورد ده کلمه‌ای که خداوند به حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام در روزی که می‌خواستند او را به آتش بیندازند آموخت، آنان را یافته‌ای که در تورات نوشته شده باشد؟

عبدالله گفت: ای رسول خدا؛ پدر و مادرم فدای شما، آیا برای شما در مورد آن ده کلمه چیزی نازل شده است؟ همانا من ثواب قرائت آن‌ها را در تورات یافتم ولی کلمات آن را نیافتم و آن ده عدد دعا بود که در تمامی آن‌ها اسم اعظم خداوند وجود داشت. پیامبر ﷺ فرمودند: آیا خداوند آن‌ها را به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام آموخت؟

عبدالله گفت: خداوند آن‌ها را به کسی جز حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام نیاموخت.

پیامبر ﷺ فرمودند: چه چیزی در مورد ثواب آن در تورات دیده‌ای؟

عبدالله گفت: ای رسول خدا؛ چه کسی توانایی دارد که به آن ثواب‌ها برسد؟ من در تورات دیدم که نوشته شده است:

هیچ بنده‌ای نیست که خداوند بر او منت گذارد و این کلمات را در قلب او قرار دهد مگر این که نور را در چشمان او و یقین را در قلبش قرار دهد و سینه‌اش را برای ایمان بگشاید و نوری برای او قرار دهد که از جایی که نشسته به سوی عرش تسلّو کند و خداوند روزی دو بار به او بر فرشتگان مباحث کند و حکمت را در زبانش قرار دهد و حفظ کتابش را به او عطا فرماید؛ گرچه نسبت به این امر حریص نباشد، و او را در دین، فقیه و دانشمند قرار دهد و محبت او را در قلب‌های بندگانش بیفکند و او را از عذاب قبر و فتنه دجال و ترس و هراس بزرگ روز قیامت ایمن گرداند.

و او را در گروه شهدا محشور فرماید و خداوند او را احترام و تکریم کند و آنچه به کرامت و بزرگواری خویش به رسولانش عطا کرده، به او نیز عطا کند و چنین شخصی روزی که همه مردم می‌ترسند، نمی‌ترسد و روزی که تمام مردم غمگین هستند غمگین نمی‌باشد، و نام او در نزد خداوند به عنوان صدیق (تصدیق‌کننده) نوشته شود و در روز قیامت محشور شود در حالی که قلبش آرام و مطمئن باشد و تحت پوشش بزرگان همراه حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام در روز قیامت باشد.

به برکت این دعا، بنده آنچه از خداوند بخواهد به او عطا فرماید و اگر خداوند را سوگند دهد، خداوند به سوگند او عمل کند و در مجاورت پروردگار مهربان در جایگاه باشکوه (بهشت) استقرار پیدا کند و برای او ثواب هر شهیدی که از ابتدای آفرینش دنیا به شهادت رسیده‌اند، نوشته شود.

پیامبر ﷺ فرمودند: ای ابن سلام؛ مراد از جایگاه باشکوه چیست؟

ابن سلام گفت: مراد بهشت عدن می‌باشد و آن، محلّ عرش پروردگار با عظمت و در جوار خداوند می‌باشد.

ابن سلام گفت: ای رسول خدا؛ آن (دعا) را به ما یاد بده و همان گونه که خداوند به شما احسان نموده، شما نیز به ما احسان فرما.

پیامبر ﷺ فرمودند: برای خداوند به سجده بیفتید. معاذ بن جبل گفت: آنان همگی به سجده افتادند، و چون سر از سجده برداشتند، پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: بخوانید:

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، أَنْتَ الْمَرْهُوبُ مِنْكَ جَمِيعُ [خَلْقِكَ]،

خدا، خدا، خدا، تو کسی هستی که تمامی مخلوقات از تو هراسان و ترسان هستند،

يَا نُورَ التُّورِ، أَنْتَ الَّذِي احْتَجَبَتْ دُونَ خَلْقِكَ

ای روشنی‌بخش نور، تو کسی هستی که از خلق خود در حجاب و پنهان هستی

فَلَا تُدْرِكُ نُورَكَ نُورٌ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، أَنْتَ الرَّفِيعُ

و نور هم نمی‌تواند نورانیت تو را درک کند، خدا، خدا، خدا؛ تو بلندمرتبه‌ای هستی

الَّذِي ارْتَفَعَتْ فَوْقَ عَرْشِكَ مِنْ فَوْقِ سَمَائِكَ،

که بر عرش خودت که بالاتر از آسمان‌هایت می‌باشد استیلا و برتری یافتی،

فَلَا يَصِفُ عَظَمَتَكَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، يَا نُورَ التُّورِ قَدْ

پس عظمت و جلال تو را هیچ یک از مخلوقات نمی‌تواند وصف کند، ای روشنی‌بخش نور،

اسْتَنَارَ بِنُورِكَ أَهْلُ سَمَائِكَ، وَاسْتَضَاءَ بِضَوْوِكَ أَهْلُ

همانا اهل آسمان‌ها از نور تو، نور گرفته‌اند و اهل زمین در پرتو روشنایی تو روشنی یافتند.

أَرْضِكَ . يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، أَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ،

خدا؛ خدا؛ خدا؛ تو کسی هستی که غیر تو خدایی نیست،

تَعَالَيْتَ عَنِ أَنْ يَكُونَ لَكَ شَرِيكٌ، وَتَعَظَّمْتَ عَنِ أَنْ

تو بالاتر از آن هستی که برایت شریکی باشد و بزرگ‌تر از آن هستی که

يَكُونَ لَكَ وَكَلْدٌ، وَتَكَرَّمْتَ عَنِ أَنْ يَكُونَ لَكَ شَبِيهُ،

برایت فرزندی باشد و بزرگوارتر از آن هستی که برایت همانند و شبیهی باشد

وَ تَجَبَّرْتَ عَنِ أَنْ يَكُونَ لَكَ ضِدٌّ، فَأَنْتَ اللَّهُ الْمَحْمُودُ

و برتر از آن هستی که برایت ضدّ و مخالفی باشد، پس تو خدایی هستی که به تمامی زبان‌ها

بِكُلِّ لِسَانٍ، وَأَنْتَ الْمَعْبُودُ فِي كُلِّ مَكَانٍ، وَأَنْتَ

ستایش شده‌ای و کسی که در تمامی مکان‌ها عبادت و پرستش شده‌ای و کسی هستی که

الْمَذْكُورُ فِي كُلِّ أَوَانٍ وَزَمَانٍ، يَا نُورَ النُّورِ، كُلُّ نُورٍ

در تمامی ساعات و لحظات یاد شده‌ای، ای روشنی‌بخش نور؛ تمامی نورها

خَامِدٌ لِنُورِكَ، يَا مَلِيكَ كُلِّ مَلِيكِ، يَفْنِي غَيْرِكَ يَا

با وجود نور تو خاموش هستند، ای صاحب ملک هر مالکی؛ غیر تو همه چیز فانی و نابود می‌شود، ای

دَائِمٌ، كُلُّ حَيٍّ يَمُوتُ غَيْرِكَ. يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ

کسی که ابدی هستی و تمامی زنده‌ها - غیر از تو - می‌میرند. خدایا؛ خدایا؛ خدایا؛

الرَّحْمَانُ الرَّحِيمُ، إِزْحَمْنِي رَحْمَةً تُطْفِئُ بِهَا غَضَبَكَ،

ای بخشنده مهربان؛ آن گونه مرا مورد مهر و رحمت خویش قرار بده که آتش خشم و غضب تو را خاموش کند

وَتَكْفُفْ بِهَا عَذَابَكَ، وَتَرْزُقْنِي بِهَا سَعَادَةً مِنْ عِنْدِكَ،

و عذابت را از من بازدارد و از جانب تو سعادت و خوشبختی را رزق و روزی من فرماید

وَتَحْلُنِي بِهَا دَارَكَ الَّتِي تَسْكُنُهَا خَيْرُ ثَلَاثٍ مِنْ خَلْقِكَ،

و به وسیله آن در جایگاهی که بندگان نیکوکار در آنجا ساکن هستند، ساکن شوم،

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ، وَسَتَرَ

ای مهربان‌ترین مهربانان. ای کسی که زیبایی را آشکار می‌کند و زشتی را می‌پوشانی،

الْقَبِيحِ، يَا مَنْ لَمْ يُوَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ، وَلَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ،

ای کسی که بنده‌ها را به گناهش مؤاخذه نمی‌کند و پرده‌داری نمی‌کند،

يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ،

ای دارای عفو عظیم؛ ای کسی که گذشت نیکو داری، ای کسی که مغفرت و بخشش او فراگیر است،

يَا بِاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى،

ای کسی که دست رحمت او برای همه باز است، ای صاحب تمامی رازها

وَيَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ، يَا عَظِيمَ

و ای پایان تمامی شکایت‌ها (دادرسی تمامی شکایت‌ها به او ختم می‌شود)، ای صاحب الطاف بزرگ، ای بزرگ‌ترین

الْمَنِّ، يَا مُبْتَدِئًا بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، يَا رَبَّاهُ يَا

بخشنده، ای کسی که به بندگان قبل از استحقاق آنان نعمت بخشیدی، پروردگارا؛

رَبَّاهُ، وَيَا سَيِّدَاهُ وَيَا أَمْلَاهُ، وَيَا غَايَةَ رَغْبَتَاهُ،

پروردگارا؛ ای آقا و سرور؛ ای کعبهٔ آمال و آرزوها و ای نهایت اشتیاق.

أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْ لَا تُشَوِّهَ خَلْقِي فِي النَّارِ.

خدایا؛ خدایا؛ خدایا؛ از تو می‌خواهم که هیأت مرا در آتش جهنم زشت و بدترکیب نکند.

ابن سلام گفت: ای رسول خدا؛ ثواب کسی که این کلمات را

بخواند، چیست؟

حضرت فرمودند:

هیبت‌ها، هیبت‌ها، امکان ندارد که آن را به قلم آورد، اگر

فرشتگان هفت آسمان و زمین جمع شوند و بخواهند آن را

تا روز قیامت توصیف کنند، هرگز نمی‌توانند یک جزء از هزار

جزء ثواب آن را بیان کنند.

سپس حضرت پیامبر ﷺ برای این کلمات ثواب‌ها و فضایل

بسیاری ذکر فرمودند، که در اینجا مجال ذکر آنها نیست و به همین مقدار به خاطر این که مطلب طولانی نشود، اکتفا می‌کنیم.^۱



دعای فرج (إلهي عظم البلاء)

مرحوم کفعمی در کتاب «البلد الامین» دعایی را برای حضرت امام زمان ارواحنا فداه نقل می‌فرماید که آن حضرت آن دعا را به مردی که زندانی بود یاد می‌دهند و بعد از خواندن، او از زندان آزاد می‌شود:

إلهي عظم البلاء، و برح الخفاء، و انكشفت الغطاء،

بارخدايا؛ بلا و مصیبت بزرگ شد و پنهانی برطرف گشت (آنچه پنهان بود آشکار شد) و پرده (از کار ما) برداشته شد

و انقطع الرجاء، و ضاقت الأرض، و منعت السماء،

و امید قطع شد و زمین (بر ما) تنگ آمد و آسمان (رحمتش را از ما) دریغ کرد

و أنت المستعان، و إليك المشتكى، و عليك المعول

و تنها تویی که از تو یاری خواسته می‌شود و شکایت نزد تو آورده می‌شود و

في الشدة والرخاء. اللهم صل على محمد وآل

در سختی و سستی بر تو اعتماد می‌شود. خدايا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست،

مُحَمَّدٍ، أُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضَتْ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ،

همان صاحبان امری که اطاعت آنها را بر ما واجب کردی

وَعَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ، فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا

و به این وسیله، مقام و منزلت آنان را برای ما شناساندی، پس به حق آنان برای ما گشایش فوری

قَرِيبًا كَلَّمَحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا

و نزدیکی چون چشم بر هم زدن یا نزدیکتر از آن مرحمت فرما، ای محمد؛ ای علی؛ ای علی؛ ای

عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِ، وَأَنْصُرَانِي

محمد؛ مرا کفایت کنید که همانا شما کفایت‌کنندگان من هستید و مرا یاری کنید

فَإِنَّكُمَا نَاصِرَانِ، يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ،

که همانا شما یاری‌کنندگان من هستید، ای مولای ما، ای صاحب الزمان؛

الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي،

به فریاد رس، به فریاد رس، به فریاد رس، مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب،

السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ، الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ،

هم اکنون، هم اکنون، هم اکنون، به شتاب، به شتاب، به شتاب،

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.^۱

ای مهربان‌ترین مهربانان، به حق حضرت محمد و آل پاکش.

۱. البلد الامین: ۶۰۷، مزار شهید: ۲۳۱، المصباح: ۲۳۵، منهاج العارفين: ۴۸۳.

۱. بحار الأنوار: ۳۵۵/۹۵.

دعا برای ظهور امام زمان عجل الله فرجه
در حرم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام

در پایین پای حضرت توقف می‌کنی و می‌خوانی:

اللَّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ، وَبِرْحِ الْخَفَاءِ، وَانْكَشَفَ الْغَطَاءِ،

بار خدایا؛ بلا و مصیبت بزرگ شد و پنهانی برطرف گشت (آنچه پنهان بود آشکار شد) و پرده (از کار ما) برداشته شد

وَضَاقَتِ الْأَرْضُ، وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ، وَأَنْتَ يَا رَبِّ

و پهنای زمین تنگ شد، و آسمان (رحمتش را از ما) دریغ کرد و تویی ای پروردگار

الْمُسْتَعَانُ، وَإِيكَ يَا رَبِّ الْمُشْتَكِي. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

آن کس که از او یاری خواسته می‌شود، و شکایت نزد تو آورده می‌شود. بار خدایا؛ بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ، وَعَرَفْتَنَا بِذَلِكَ

محمد و آل او درود فرست، آنان که اطاعت ایشان را واجب کردی و مقام و مرتبه آنان را بدین وسیله

مَنْزِلَتَهُمْ، وَفَرَّجْ عَنَّا كَرْبَنَا قَرِيباً كَلْمَحِ الْبَصْرِ، أَوْ هُوَ

به ما شناساندی و اندوه ما را برطرف کن به زودی مانند یک چشم بر هم زدن یا

أَقْرَبُ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ،

زودتر از چشم بر هم زدن، ای بیناترین بیننده و ای شنواترین شنونده

وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ. يَا مُحَمَّدُ

و ای سریع‌ترین محاسبه‌کننده و ای حکیم‌ترین حکیمان. ای محمد

يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، يَا مُصْطَفَى يَا مُرْتَضَى،

ای علی، ای علی ای محمد، ای برگزیده شده (مصطفی)، ای راضی شده (مرتضی)،

يَا مُرْتَضَى يَا مُصْطَفَى، أَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ،

ای راضی شده، ای برگزیده شده، مرا یاری کنید که شما یاری‌کنندگان من هستید

وَإَكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ، يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ،

و مرا کفایت کنید که شما کفایت‌کنندگان من هستید، ای صاحب الزمان،

الْعَوْتُ الْعَوْتُ الْعَوْتُ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي،

به فریاد رس، به فریاد رس، به فریاد رس، مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب،

این جمله (آدرکنی) را می‌گویی تا نفس قطع شود، سپس حاجت

خود را درخواست می‌کنی که به خواست خداوند برآورده می‌شود.^۱

دعا برای ظهور امام زمان عجل الله فرجه

در سجده شکر

شیخ الطائفه، طوسی رحمته الله در کتاب «مصباح المتهجد» می‌فرماید:

سجده شکر بجا آور و بخوان آنچه را که حضرت امام کاظم علیه السلام برای

عبدالله بن جنذب نوشت: در سجده سه مرتبه این دعا را بخوان:

۱. مصباح الزائر: ۳۸۶.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ، وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَأَنْبِيَاءَكَ وَرُسُلَكَ

بار خدایا؛ من تو را و فرشتگان و رسولانت

وَجَمِيعَ خَلْقِكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ رَبِّي، وَالْإِسْلَامُ دِينِي،

و تمامی مخلوقات را شاهد و گواه می‌گیرم که تو پروردگار من و اسلام دین من

و مُحَمَّدٌ نَبِيِّ، وَعَلِيٌّ وَوَلِيِّي، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ

و حضرت محمد ﷺ پیامبر من و حضرت علی علیه السلام ولی و سرپرست من می‌باشد و امام حسن، امام حسین

وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَجَعْفَرُ بْنُ

امام علی بن الحسین، امام جواد، امام باقر، امام صادق،

مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَعَلِيُّ بْنُ مُوسَى وَمُحَمَّدُ

امام محمد کاظم، امام رضا،

ابْنُ عَلِيٍّ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَالْخَلْفُ

امام جواد، امام هادی، امام عسکری و جانشین

الصَّالِحُ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَيْمَتِي، بِهِمْ أَتَوَلَّى، وَمِنْ

صالح ایشان که درود تو بر تمامی ایشان باد، پیشوایان و امامان من هستند. به ایشان اظهار ارادت و ولایت دارم و از

عَدُوِّهِمْ أَتَبَرَّءُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أُنشِدُكَ دَمَ الْمَظْلُومِ.

دشمنان ایشان بیزاری می‌جویم و با آنان دشمنی می‌کنم. خدایا؛ من به خون مظلوم تو را سوگند می‌دهم.

و سَهْ مَرْتَبَةٍ مِيْ كَوِيِي: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اُنشِدُكَ بِوَايِكَ عَلٰى نَفْسِكَ

بار خدایا؛ تو را به وعده‌ای که به اولیا و دوستان خود فرموده‌ای

لِأَوْلِيَائِكَ، لِنُظْهِرَ نَهْمَ عَلِيٍّ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ

که آنان را حتماً بر دشمنان خویش و دشمنان ایشان چیره گردانی سوگند می‌دهم که

عَلِيٍّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ.

بر حضرت محمد ﷺ و نگهبانان دینت از آل محمد درود فرستی.

و سه مرتبه می‌گویی: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اُنشِدُكَ بِاِبْوَائِكَ عَلٰى

بار خدایا؛ تو را به عهده‌ی که در مورد

نَفْسِكَ لِأَعْدَائِكَ، لَتُهْلِكَنَّهُمْ وَلَتُخْزِيَنَّهُمْ بِأَيْدِيهِمْ

دشمنانت با خود نموده‌ای که آن‌ها را هلاک و نابود کنی و به دست خودشان

وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلِيٍّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى

و به دست مؤمنان، آنان را به خواری و دلّت بکشانی سوگند می‌دهم که بر حضرت محمد ﷺ و بر

الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ.

نگهبانان دینت از آل محمد درود فرستی.

و سه مرتبه می‌گویی: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ. ۱

بار خدایا؛ من از تو آسایش و راحتی را بعد از سختی و مشقت می‌خواهم.

دعای هنگام عطسه

در کتاب «جنات الخلود» آورده است: هنگام عطسه کردن، مستحب است که انگشت اشاره را روی سر بینی قرار داده و آنچه را که امام زمان ارواحفاده قرائت فرموده است، بخواند:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ

ستایش، ویژه خداست، که پروردگار جهانیان است؛ و درود خدا، بر محمد

وآله عبداً ذاکراً لله، غَيْرَ مُسْتَكْفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ. ۱

و آل او باد. در حالی که بنده‌ای هستم، که همواره به یاد خدا می‌باشم، و روگردان نیستم و استکبار نمی‌ورزم.

دعای سفر در ساعت مخصوص

به حضرت بقیة الله ارواحفاده

سید بن طاوس رحمه الله در کتاب «الأمان» آورده است: ما در کتاب خود به نام «الأسرار المودعة فی ساعات اللیل و النهار» گفتیم که هر ساعتی از روز، ویژه یکی از امامان علیهم السلام است، و هر ساعتی نیز دو دعا دارد. یکی را از دستخط جدم شیخ طوسی رحمه الله نقل کردم، و

دیگری را از دستخط منسوب به ابن مقله روایت نمودم.

از روایات استفاده می‌شود که هر یک از امامان علیهم السلام، در ساعتی که به ایشان اختصاص دارد، نگاهبان و حمایت‌کننده از شیعیان، خواهند بود:

ساعت اول، اختصاص دارد به مولای ما امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام است.

و ساعت دوم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام حسن علیه السلام؛ و ساعت سوم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام حسین علیه السلام؛

و ساعت چهارم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام زین العابدین علیه السلام؛

و ساعت پنجم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام باقر علیه السلام؛

و ساعت ششم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام صادق علیه السلام؛

و ساعت هفتم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام کاظم علیه السلام؛

و ساعت هشتم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام رضا علیه السلام؛

و ساعت نهم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام جواد علیه السلام؛

و ساعت دهم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام هادی علیه السلام؛

و ساعت یازدهم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام عسکری علیه السلام؛

و ساعت دوازدهم که اختصاص به امام دوازدهم حضرت مهدی صلوات الله علیه دارد.

انسان، در هر یک از ساعت‌های دوازده گانه یاد شده، دعای ویژه آن ساعت را می‌خواند؛ و تفاوتی ندارد که روز بلند تابستانی، یا روز کوتاه زمستانی باشد؛ زیرا از روایات برمی‌آید که روز به هر اندازه باشد باید به دوازده بخش تقسیم شود و دعاهای مخصوص نیز دوازده بخش هستند.

بدین سان، هرگاه تصمیم به مسافرت گرفتی، هنگام حرکت در هر یک از ساعت‌های دوازده گانه که قرار داشتی - و آن ساعت به هر یک از امامان عزیزی که خدا او را حمایت‌کننده و وسیله نجات قرار داده اختصاص داشت - این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا فَلَانًا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنِّي أَسَلُّمُ

یا اله! به مولای ما، (نام امامی را بپر که آن ساعت به او اختصاص دارد) - که درودهایت بر او نثار باد - این خبر را برسان که من بر

عَلَيْهِ، وَإِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ بِإِقْبَالِكَ عَلَيْهِ، فِي أَنْ

او درود و سلام می‌فرستم، و چون تو روی به ایشان داری من نیز به ایشان روی آورده‌ام؛ تا به

يَكُونُ خَفَارَتِي وَحِمَايَتِي وَسَلَامَتِي وَكَمَالُ سَعَادَتِي

ضمانت تو، مرا در حمایت و پناه و امنیت خویش بدارند و سعادت و خوشبختی کامل

ضِمَانَهَا بِكَ عَلَيْهِ، حَيْثُ قَدْ تَوَجَّهْتُ فِي السَّاعَةِ

نصیبم شود؛ زیرا من در ساعتی آغاز به کار می‌کنم

الَّتِي جَعَلْتَهُ كَالْخَفِيرِ فِيهَا وَحَدِيثُهَا فِي ذَلِكَ إِلَيْهِ.

که آن حضرت را نگاهبان و امان‌دهنده در آن ساعت قرار داده‌ای.

به نظر می‌رسد که مناسب است هرگاه به توقفگاهی در بین راه رسیدی، در هر ساعتی که بود دعای ویژه آن ساعت را بخوانی؛ همچنین، هنگام حرکت از توقفگاه نیز به امامی که آن ساعت ویژه اوست، عرض سلام و ادب کنی، تا روح با او انس بیشتر بگیرد، و او را ضامن خود بسازی که از آن ساعت پیش‌آمدی برایت رخ ندهد.

اگر خداوند بزرگ این کار را از تو نمی‌خواست، این مطالب را نمی‌آموختی. البته با این کار، تمام کارهایت در مسافرت‌هایت، عنوان عبادت خواهد یافت و ذخیره‌ای برای آن جهان خواهد شد.^۱

۱. الأمان من اخطار الأسفار والأزمان: ۱۰۱.

دعا برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه

در ساعت دوازدهم روز

این دعا مخصوص ساعت دوازدهم - یعنی از هنگام زردی آفتاب تا غروب آن - در هر روز برای امام زمان ارواحنا فداه است:

يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِنَفْسِهِ عَنِ خَلْقِهِ ، يَا مَنْ غَنِيَ عَنِ خَلْقِهِ

ای کسی که خود را از آفریدگانش جدا ساخته؛ ای کسی که به آفریده‌اش از آفریدگانش بی‌نیاز

بصُنْعِهِ ، يَا مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ خَلْقَهُ بِلُطْفِهِ ، يَا مَنْ سَلَكَ

است؛ ای کسی که خود را با لطف و مهربانی به آفریدگانش شناسانده؛ ای کسی که

بِأَهْلِ طَاعَتِهِ مَرْضَاتَهُ ، يَا مَنْ أَعَانَ أَهْلَ مَحَبَّتِهِ عَلَى

فرمانبرداریش را به شاهراه خشنودی‌های خود گشانده؛ ای کسی که دوست‌داران خود را برای سیاس‌گزاریش

شُكْرِهِ ، يَا مَنْ مَنَّ عَلَيْهِمْ بِدِينِهِ ، وَلَطَّفَ لَهُمْ بِنَائِلِهِ .

باری نموده؛ ای کسی که با آیین خویش بر دوست‌دارانش منت نهاده، و با نعمت‌ها و بخشش‌های خود به آن‌ها لطف کرده است؛

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ الْخَلْفِ الصَّالِحِ ، بِقَبِيَّتِكَ فِي أَرْضِكَ ،

از تو درخواست می‌کنم، به واسطه ولی خود و آن جانشین صالح؛ که یادگار و باقی‌مانده حجت‌های تو در زمینت می‌باشد،

الْمُنْتَقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ ، وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ ، بِقِيَّةِ آبَائِهِ

و از دشمنان تو و پیامبرت، انتقام می‌گیرد؛ هم او که یادگار اجداد

الصَّالِحِينَ ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ ، وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ بِهِ ،

شایسته‌اش است، یعنی محمد فرزند حسن؛ و به واسطه او نزد تو تضرع و زاری می‌کنم،

وَأَقْدَمُهُ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي وَرَغْبَتِي إِلَيْكَ . أَنْ تُصَلِّيَ

و او را پیشاپیش حاجت‌ها و خواسته‌هایم نزد تو قرار می‌دهم؛ (از تو می‌خواهم) که

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا ، وَأَنْ

بر محمد و آل محمد درود بفرستی، و نسبت به من چنین و چنان کنی. و (می‌خواهم که)

تُذَارِكَنِي بِهِ ، وَتُنَجِّبَنِي مِمَّا أَخَافُهُ وَأَخْذَرُهُ ، وَأَلِّسَنِي

به واسطه او مرا دریایی، و از آنچه برایم ترسناک و هولناک است و از آن پرهیز می‌کنم، نجاتم دهی.

بِهِ عَافِيَتِكَ وَعَفْوِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَكُنْ لَهُ وَلِيًّا

و به واسطه آن وجود شریف، لباس عافیت و عفو و بخشش خود را در دنیا و آخرت به من بپوشانی. نیز، برای او سرپرست

وَخَافِظًا ، وَنَاصِرًا وَقَائِدًا ، وَكَالِيًّا وَسَاتِرًا ، حَتَّى

و نگهدارنده و یاور و راهبر و نگهدارنده و پوشش‌دهنده باش، تا آن که

تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا ، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا ، يَا أَرْحَمَ

او را از روی میل بر روی زمین ساکن‌گردانی و در آن برای مدت طولانی بهره‌مند نمایی؛ ای مهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ،

مهربانان؛ به خوبی می‌دانم که هیچ جنبش و نیرویی جز به واسطه تو (ای خدای بلندمرتبه با عظمت) نیست؛

فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

پس به زودی خداوند تو را از ایشان کفایت می‌کند، و اوست که شنوا و دانا است. خدا یا؛ بر

دعای دیگر در ساعت مخصوص

به آن حضرت ارواحنفاذاه

در کتاب «مفتاح الفلاح» این دعا برای ساعت مخصوص امام زمان ارواحنفاذاه در هر روز نقل شده است:

اللَّهُمَّ يَا خَالِقَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ، وَالْمِهَادِ الْمَوْضُوعِ،

بارالها؛ ای به وجود آورنده آسمان برافراشته، و زمین گسترده؛

وَرَازِقَ الْعَاصِي وَالْمُطِيعِ، الَّذِي لَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ

ای روزی بخش گناهکار و فرمانبر؛ ای کسی که هیچ سرپرستی ندارد، و کسی جز

وَلِيِّ وَلَا شَفِيعٍ. أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي إِذَا سُمِّيَتْ

او قادر به شفاعت نیست؛ از تو درخواست می‌کنم، به واسطه نام‌هایت که اگر

عَلَى طَوَارِقِ الْعُسْرِ عَادَتْ يُسْرًا، وَإِذَا وُضِعَتْ

بر راه‌های صعب و دشوار خوانده شود، آسان می‌گردند؛ و اگر

عَلَى الْجِبَالِ كَانَتْ هَبَاءً مَنثورًا، وَإِذَا رُفِعَتْ إِلَى

بر کوه‌ها نهاده شود، از هم پاشیده و پراکنده می‌شوند؛ و اگر به سوی آسمان بالا برده شود،

السَّمَاءِ تَفْتَحَتْ لَهَا الْمَغَالِقُ، وَإِذَا هُبِطَتْ إِلَى

تمامی بسته‌ها فرارویش گشوده شوند؛ و اگر به

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الَّذِينَ أَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمْ، وَأَوْلِي

محمد و آل محمد درود بفرست؛ همان بزرگوارانی که دستور به اطاعت از ایشان داده‌ای؛ همان

الْأَرْحَامِ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِصِلَتِهِمْ، وَذَوِي الْقُرْبَى

عزیزان و خویشان نسبی پیامبر، که فرمان دادی به ایشان ببیوندیم؛ همان نزدیکان پیامبر

الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ، وَالْمَوَالِي الَّذِينَ أَمَرْتَ

که امر فرمودی تا با ایشان اظهار مهربانی و دوستی کنیم؛ همان فرمان‌فرمایانی که دستور فرمودی

بِعِزْفَانِ حَقِّهِمْ، وَأَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ

به شناخت حق آنان؛ همان اهل بیت پیامبر که پلیدی و ناپاکی را از آن‌ها دور ساخته

الرَّجْسَ وَطَهَّرَتْهُمْ تَطْهِيرًا. أَسْأَلُكَ بِهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ

و بدین سان پاکیزگی و پاکی کامل ظاهری و باطنی را بر ایشان مقرر داشته، به واسطه ایشان از تو درخواست می‌کنم

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَغْفِرَ ذُنُوبِي كُلَّهَا يَا

که بر محمد و آل محمد درود بفرستی، و تمام گناهانم را ببخشی؛ ای

عَفَّارُ، وَتَتُوبَ عَلَيَّ يَا تَوَّابُ، وَتَرْحَمَنِي يَا رَحِيمُ،

بسیار بخشنده؛ و از من درگذری و بازگشتم را بپذیری؛ ای بسیار توبه‌پذیر؛ و به من رحم کنی؛ ای رحیم‌کننده؛

يَا مَنْ لَا يَتَعَاطَمُهُ ذَنْبٌ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. ۱

ای کسی که گناه هیچ کس ضرری به عظمت و بزرگی او نمی‌رساند؛ و این در حالی است که بر هر چیز تواناست.

۱. البلد الأمين: ۲۱۱. المصباح: ۱۹۳. منهاج العارفين: ۱۲۷. همچنین، در دو کتاب «مصباح

المجتهد: ۵۱۷» و «بحار الأنوار: ۳۵۴/۸۶» با اندکی تفاوت آمده است.

ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ اتَّسَعَتْ لَهَا الْمَضَائِقُ، وَإِذَا دُعِيَتْ

تاریکی‌های زمین فرو فرستاده شود، تمامی تنگی‌ها فرا رویش گسترده شوند؛ و اگر

بِهَا الْمَوْتَى انْتَشَرَتْ مِنَ اللَّحُودِ، وَإِذَا نُودِيَتْ بِهَا

بر مردگان خوانده شود، از قبرها به درآیند؛ و اگر بر نیست و

الْمَعْدُومَاتُ خَرَجَتْ إِلَى الْوُجُودِ، وَإِذَا ذُكِرَتْ عَلَى

نابودشدگان دمیده شود، به عرصه وجود درآیند؛ و اگر بر دل‌ها یادآوری شود،

الْقُلُوبِ وَجَلَّتْ خُشُوعاً، وَإِذَا قُرِعَتِ الْأَسْمَاعُ

از روی خشوع به لرزه درآیند؛ و اگر بر گوش‌ها خوانده شوند، اشک شوق از

فَاضَتْ الْعُيُونُ دُمُوعاً. أَسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِكَ

دیدگان سرازیر خواهد شد. از تو درخواست می‌کنم به واسطه حضرت محمد ﷺ رسول و

الْمُؤَيَّدِ بِالْمُعْجَزَاتِ، الْمَبْعُوثِ بِمُحْكَمِ الْآيَاتِ،

فرستاده‌ات که با معجزه‌هایت او را تأیید نمودی، و او را با نشانه‌های محکم و استوار برانگیختی،

وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، الَّذِي اخْتَرْتَهُ

و از تو درخواست می‌کنم به واسطه امیر مؤمنان علی بن ابی طالب؛ که

لِمُؤَاخَاتِهِ وَوَصِيِّهِ، وَاصْطَفَيْتَهُ لِمُصَافَاتِهِ

برای برادری و جانشینی آن حضرت اختیار کردی، و او را برای دوستی خالص

وَمُضَاهَرَتِهِ، وَبِصَاحِبِ الزَّمَانِ الْمَهْدِيِّ، الَّذِي

ودامادی پیامبرت، برگزیدی، و نیز به واسطه حضرت مهدی -صاحب زمان روزگار- از تو درخواست

تَجْمَعُ عَلَى طَاعَتِهِ الْأَرَاءُ الْمُتَفَرِّقَةَ، وَتُؤَلَّفُ بِهِ بَيْنَ

می‌کنم همان عزیزی که دیدگاه‌های پراکنده را بر فرمان برداری از او گرد می‌آوری؛ و به واسطه او

الْأَهْوَاءِ الْمُخْتَلِفَةَ، وَتَسْتَخْلِصُ بِهِ حُقُوقَ أَوْلِيَائِكَ،

خواسته‌های مختلف را به هم پیوند می‌دهی؛ و حق دوستانت را به واسطه اولیای می‌ستانی و برمی‌گردانی؛

وَتَنْتَقِمُ بِهِ مِنْ شَرِّ أَعْدَائِكَ، وَتَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا

و از بدترین دشمنانت، به واسطه آن بزرگوار انتقام می‌گیری؛ و به وسیله او، زمین را پر از عدل و داد

وَإِحْسَانًا، وَتُوسِّعُ عَلَى الْعِبَادِ بِظُهُورِهِ فَضْلًا

و نیکی می‌کنی؛ و با ظهور او، فضل و احسانت را بر بندگانت توسعه می‌دهی و فراوان

وَأَمْتِنَانًا، وَتُعِيدُ الْحَقَّ إِلَى مَكَانِهِ عَزِيزًا حَمِيدًا،

می‌گردانی؛ و حق و راستی را به جایگاه او در حالی که عزیز و نیرومند و ستوده باشد باز می‌گردانی؛

وَتُرْجِعُ الدِّينَ عَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا، أَنْ تُصَلِّيَ

و دین و آیین راستین خود را به دست باکفایت او تر و تازه می‌گردانی. (از تو می‌خواهم) که

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، فَقَدْ اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ،

بر محمد و آل محمد درود بفرستی، واقعیت آن است که من ایشان را شفیع خود ساخته‌ام

وَقَدَّمْتَهُمْ أَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي، وَأَنْ

و آنان را پیشاپیش خود و پیشاپیش حوائجم به درگاه تو آورده‌ام، تا خواسته‌هایم را برآورده سازی،

تُوزِعَنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ، فِي التَّوْفِيقِ لِمَعْرِفَتِهِ،

و (از تو می‌خواهم) سیاست‌گری نعمت خودت را نصیب کنی؛ در اینکه مرا به شناخت آن حضرت توفیق داده

وَالْهُدَايَةَ إِلَى طَاعَتِهِ، وَتَزِيدَنِي قُوَّةً فِي التَّمَسُّكِ

و به فرمان‌بری از او رهنمون گشته‌ای، و نیرویم را برای چنگ زدن

بِعِصْمَتِهِ وَالْإِقْتِدَاءِ بِسُنَّتِهِ، وَالْكَوْنِ فِي زُمْرَتِهِ،

به نگهبانی ویژه او و پیروی از روش‌های او، و بودن جزو همراهان و یارانش فزونی بخشی.

إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.^۱

راستی که تو شنوای دعا هستی، به خاطر مهربانیت، ای مهربان‌ترین مهربانان.

علامه خواجه‌ی در تعلیقه خود آورده است: این که فرموده: «الَّذِي تَجْمَعُ عَلَى طَاعَتِهِ الْأَرَءَاءِ الْمُتَفَرِّقَةَ»؛ «دیدگاه‌های مختلف و پراکنده را بر فرمان‌برداری از او گرد می‌آوری»، دلالت بر این مطلب دارد که در زمان دولت و حکومت مقتدرانه و فراگیر آن حضرت، دیدگاه‌ها و خواسته‌ها با هم تفاوت ندارند و یکی می‌شوند؛ تا جایی که هر که سخن و نظری می‌گوید، در راستای فرمان‌برداری از آن حضرت است.

امام عصر صلوات الله علیه، رئیس و فرمان‌روایی مورد قبول و مورد اطاعت همگان است، و هر کس به حق خود می‌رسد، خمس در جای خود مصرف می‌شود، و زکات، غنیمت، انفال، دیه‌ها، قصاص و دیگر احکام نیز به درستی انجام می‌شوند و به مصرف می‌رسند.

۱. مفتاح الفلاح: ۴۹۸، المصباح: ۱۹۴ (با اندکی تفاوت).

فدک، به صاحبان واقعی اش می‌رسد، و از تمام دشمنان خدا، به نفع دوستان خدا انتقام گرفته می‌شود؛ چه زندگان آن‌ها و چه مردگان آن‌ها، که با زنده کردنشان برای آن‌ها از دشمنان انتقام گرفته می‌شود.

دلیل مطالبی که عرض شد، روایت‌های فراوانی است که در خصوص این موضوعات آمده است.

از جمله حدیث‌های یادشده می‌توان اشاره کرد به این حدیث که خداوند به زودی گروهی را هنگام ظهور حضرت مهدی صلوات الله علیه به دنیا برمی‌گرداند، که جزو شیعیان بوده‌اند و ایمانی خالص داشته‌اند، و از دنیا رفته‌اند. برگرداندن ایشان به جهت دست‌یابی به ثواب یاری و کمک‌رسانی به امام عصر صلوات الله علیه، و نیز شادکامی خودشان از دیدن برپایی دولت آن حضرت است.

نیز، گروهی را که کفرشان کامل بوده به دنیا برمی‌گرداند تا از ایشان انتقام بکشد، و بخشی از عذاب و رنجشی را که حق‌شان است - یعنی کشته شدن به دست شیعیان - به ایشان برسد؛ و با مشاهده اقتدار و حکمرانی نیرومند آن حضرت، به خواری و رسوایی کشیده شوند.

در آن زمان شریف، عدل و داد و نیکی در شرق و غرب هستی برپا می‌شود؛ چنان که خداوند در قرآن به این موضوع امر فرموده است.

همچنین، بندگان خداوند، توانگر و پر روزی خواهند شد، و هر چه برای زندگی مادی و نیز امور آخرتشان نیاز دارند، برایشان فراهم خواهد بود.

در آن روزگار، حقیقت و راستی به جایگاه ارزشمند و شایسته خود می‌رسد، و آیین‌های بخش اسلام نیز - با وجود از بین رفتنش - دوباره برمی‌گردد و از نو مطرح می‌شود؛ بدین سان، مسلمانان، اسلام تازه را اختیار می‌کنند، و در این روزگار است که حکومت زمین به طور کامل در اختیار نمایندگان الهی قرار می‌گیرد. خوشا به حال اهل آن روزگار؛ خوشا به حالشان.

بارها؛ در ظهورش شتاب فرما، و کار قیام او را آسان گردان، و ما را از کسانانی قرار بده که در زیر خیمه گاه‌های حکومت او درآیند، و به شرف دیدار او و دوستانش نایل می‌شوند، و پیش روی او به مبارزه می‌پردازند و دشمنان او را می‌کشند و خود نیز کشته می‌شوند تا فرمان او بلند مرتبه شود و آیین او قدرتمند گردد به حق محمد و آل و عترتش، که دروهای الهی نثارشان باد.^۱

۱. مفتاح الفلاح: ۵۰۲.

صلوات بر امام زمان ارواحنا فداه

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَائِيكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ، الَّذِينَ فَرَضْتَ

بارها؛ درود بفرست بر نماینده‌ات که فرزند نمایندگان ویژه توست؛ همان بزرگوارانی که فرمان‌برداری از ایشان

طاعتهم، وَأَوْجِبَتْ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ،

را فرض و واجب فرمودی، و رعایت حق ایشان را بر همگان لازم کردی، و رجس و پلیدی را از ایشان زدودی،

وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً. اللَّهُمَّ أَنْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ، وَأَنْصُرْ

و بدین سان به طور کامل پاک و پاکیزه نگاهشان داشتی. خدایا؛ او را یاور و پیروزگر دینت قرار ده، و

بِهِ أَوْلِيَائِكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ، وَاجْعَلْنَا

دوستانت را و دوستان و شیعیان و یاران باوفای او را به واسطه او یاری برسان؛ ما را نیز جزو این

مِنْهُمْ. اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ، وَمِنْ شَرِّ

یاری‌شوندگان بگمار. خدایا؛ آن عزیز را از زیان و بدی تمام ستمگران و طاغوت‌ها و سرکشان و از بدی و

جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ

زیان همه آفریدگانت در پناه خودت بدار. و او را از پیش روی، پشت سر،

يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَآخِرُسُهُ وَأَمْنَعُهُ أَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِ

راست و چپ نگهبانی کن، و پاسداری و نگهدارنده‌اش باش تا هیچ‌گزند و بدی بدو نرسد؛

دعایی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه

در آغاز نمازها

سید حمیری رحمته الله در ضمن نامه‌ای به محضر مقدس امام عصر ارواحنا فداه از حضرتش پرسید: آیا در آغاز نماز به عنوان توجّه می‌توان گفت: «علی ملّة ابراهیم و دین محمد صلی الله علیه و آله»؟

در توضیح این سؤال نیز بیان داشت که برخی از عالمان اظهار داشته‌اند که این بدعت است که گفته شود: «علی دین محمد صلی الله علیه و آله» به این دلیل که در این مورد تنها یک حدیث در کتاب‌های مربوط آمده، و آن نیز در کتاب قاسم بن محمد موجود است که از جدش حسن بن راشد نقل کرده که امام صادق علیه السلام به او فرمودند:

چگونه شروع به نماز می‌کنی؟

گفت: می‌گویم: «لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ».

«خدایا؛ دعوت تو را پاسخ می‌گویم و از این باب خوشبختم.»

امام صادق علیه السلام فرمودند:

پرسشم این نبود؛ پرسشم این است که این عبارت را هنگام

شروع نماز چگونه می‌گویی:

وَجْهَتُ وَجْهِي لِلذِّي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا مُسْلِمًا.

بِسُوءٍ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُوكَ وَآلَ رَسُوكَ، وَأَظْهَرُ

و بدین سان، پیامبرت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و آل رسولت را نیز محافظت فرما. خدایا؛

بِهِ الْعَدْلَ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ

عدل و داد را به دست او آشکار فرما، و او را با یاریات تأیید و موفق گردان، و یارانش را یاری کن، و

خَاذِلِيهِ، وَأَقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرَةِ، وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ

مخالفان و بدخواهانش را خوار و رسوا کن؛ و به واسطه او ستمگران کافر را درهم بکوبان، و کافران

وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ

و منافقان و جمیع المُلحدین را کجایند که باشند

مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَأَمَلًا

- در شرق و غرب هستی و خشکی و دریای جهان - به واسطه او نابود فرما.

بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأَظْهَرُ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ

به دست باکفایتش زمین را پر از عدل و داد کن، و آیین راستین پیامبرت را - که بر او و آل او

السَّلَامُ. وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِيهِ،

درود باد - را دوباره آشکار ساز. خدایا؛ مرا جزو یاران و کمک‌رسانان به آن عزیز،

وَأَتْبَاعِهِ وَشَيْعَتِهِ، وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ مَا يَأْمُلُونَ،

و تابعان و پیروان آن بزرگوار مقرر فرما؛ و به من نشان بده در مورد آل محمد آنچه را ایشان آرزو دارند

وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ. ۱

و در مورد دشمنان‌شان آنچه را از آن پرهیز می‌کنند و می‌ترسند. ای معبود راستین؛ اجابت فرما.

روی به کسی آوردم که آسمان‌ها و زمین را آفرید؛ در حالی که تسلیم و پرستشگر او هستم؟

حسن بن راشد گفت: همان را می‌گویم.

حضرت فرمودند: این عبارت را این گونه بگو:

عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَمِنْهَاجِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَالْإِيْتِمَامَ بِآلِ مُحَمَّدٍ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ .

بر آیین ابراهیم و دین محمد و راه و روش علی بن ابی طالب، و پذیرش پیشوایی آل محمد - نماز می‌گزارم، در حالی که پرستشگر و تسلیم خدا هستم، و شرک نمی‌ورزم.

امام زمان صلوات الله علیه در پاسخ حمیری فرمودند:

توجه (یعنی خواندن این دعا در آغاز نماز) واجب نیست؛ و مستحب مؤکد در این باره - که همانند اجماع مورد قبول همگان می‌باشد - این عبارت است:

وَجْهَتْ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا

روی به کسی آورده‌ام که آسمان‌ها و زمین را بیافرید؛

مُسْلِمًا عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ وَهُدًى أَمِيرٍ

در حالی که من تنها او را می‌پرستم و تسلیم او هستم، بر آیین حضرت ابراهیم، و دین حضرت محمد ﷺ، و هدایت

الْمُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي

امیر مؤمنان علی علیه السلام - هستم و به خدا نیز شرک نمی‌ورزم. به راستی که نماز،

وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ

عبادت، زندگانی و مرگ من برای خداست که پروردگار جهانیان است و هیچ

أَمْرٌ تُؤْتِيهِ مِنَّا إِلَّا خَيْرٌ أَلَلَّهُمْ أَجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ،

شریکی ندارد. من دستور یافته‌ام که چنین باشم و من جزو مسلمانان هستم. بار الها؛

أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ،

مرا جزو مسلمانان قرار بده؛ از شیطان رانده‌شده به خدای شنوای دانا پناه می‌برم،

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، و پس از آن، حمد را می‌خواند. ۱

به کمک نام خدای بخشنده مهربان.



دعای حضرت صاحب الامر علیه السلام

سید بزرگوار، علی بن طاووس رحمته الله در «مهج الدعوات» این دعا

را از جمله دعا‌های امام زمان ارواحنا فداه نقل کرده است:

إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَاجَاكَ، وَبِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ

خدایا؛ از تو درخواست می‌کنم به حق هر کسی که با تو نجوا کرده است، و به حق هر کسی که در

وَالْبَحْرِ، تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

خشکی و دریا تو را خوانده است؛ که نسبت به مردان و زنان فقیر مؤمن لطف کنی و

۱. بحار الأنوار: ۳۵۹/۸۴، به نقل از الإحتجاج: ۳۰۷/۲.

بِالْغِنَاءِ وَالثَّرْوَةِ، وَعَلَى مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ

توان‌گری و دارائی را روزیشان گردانی؛ به مردان و زنان مریض مؤمن،

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَالصَّحَّةِ، وَعَلَى أَحْيَاءِ

شفا و سلامتی ارزانی بداری؛ و به مردان و زنان مؤمن که در قید

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَالْكَرَمِ، وَعَلَى

حیات هستند نیکی و بزرگواریت را مرحمت کنی؛

أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ،

و به مردگان مؤمن - اعم از زن و مرد - آمرزش و رحمت (گسترده‌ات) را ببخایی؛

وَعَلَى غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرِّدِّ إِلَى

و غریبان مؤمن را - اعم از زن و مرد - در کمال

أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ، بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ. ۱

سلامتی و بهره‌مندی، به وطن‌هاشان بازگردانی؛ به واسطه حضرت محمد و آل او.

۲۳

دعای سهم‌اللیل، از امام زمان ارواحنا فداء

این دعا از حضرت صاحب‌الزمان صلوات‌الله‌علیه روایت شده

است:

۱. مهج الدعوات: ۳۵۲.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَزِيزِ تَعَزُّزِ اعْتِزَالِ عِزَّتِكَ، بِطَوْلِ

خدا یا؛ همانا از تو درخواست می‌کنم به واسطه عزتمندی راستین و عزت‌بخشت؛ به واسطه توانایی

حَوْلِ شَدِيدِ قُوَّتِكَ، بِقُدْرَةِ مِقْدَارِ اقْتِدَارِ قُدْرَتِكَ،

نیروی بزرگ قدرت؛ به واسطه توان اندازه‌های توانایی قدرت؛

بِتَأْكِيدِ تَحْمِيدِ تَمْجِيدِ عَظَمَتِكَ، بِسُمُوِّ نُمُوِّ عُلُوِّ

به واسطه بزرگیت که بسی جای سپاس و شکوهمندی حقیقی دارد؛ به واسطه رفعت

رَفْعَتِكَ، بِدَيْمُومِ قِيَوْمِ دَوَامِ مُدَّتِكَ، بِرِضْوَانِ غُفْرَانِ

و‌الایبت که بسی والا و بلندمرتبه است؛ به واسطه دایمی‌بودنت که مدت بسی پایدار و استوار است؛ به واسطه خشنودی آمرزش

أَمَانِ رَحْمَتِكَ، بِرَفِيعِ بَدِيعِ مَنِيْعِ سَلْطَنَتِكَ، بِسُعَاةِ

که امنیت رحمت را به همراهی آورد؛ به واسطه پادشاهی نوآور و استوارت که بسیار والا مرتبه است و با همه متفاوت و از همه

صَلَاةِ بَسَاطِ رَحْمَتِكَ، بِحَقَائِقِ الْحَقِّ مِنْ حَقِّ حَقِّكَ،

بهر است؛ به واسطه گستره رحمت تو به کوشندگان نماز؛ به واسطه حقیقت حق تو که دارای حقایقی راستین است؛

بِمَكْنُونِ السِّرِّ مِنْ سِرِّ سِرِّكَ، بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عِزِّ عِزِّكَ،

به واسطه آن بخش از راز و رموزها که آن را نیز در پرده راز نهاده‌ای؛ به واسطه آن بخش از عزت و اقتدارت که پایه‌های عزت

بِحَنْبِنِ أَنْبِنِ تَسْكِينِ الْمُرِيدِ بِنِ، بِحَرَاقَاتِ خَضَعَاتِ

توست؛ به واسطه ناله‌های پنهانی و شکوه‌های ارادتمندانت؛ به واسطه آه‌های آتشین

رَفْرَاتِ الْخَائِفِينَ، بِأَمَالِ أَعْمَالِ أَقْوَالِ الْمُجْتَهِدِ بِنِ،

و فروتنانه کسانی که از تو می‌ترسند؛ به واسطه آرزوها، کارها، گفتار کوشش‌کنندگان؛

بِتَخَشُّعٍ تَخَضُّعٍ تَقَطُّعِ مَرَارَاتِ الصَّابِرِينَ ، بِتَعَبُدٍ

به واسطه خشوع و خضوع شکیبایان که در هنگام تلخی‌ها از خود نشان می‌دهند؛ به واسطه عبادت‌ها،

تَهَجُّدٍ تَمَجُّدٍ تَجَلُّدٍ الْعَابِدِينَ . اَللّٰهُمَّ ذَهَلَتْ الْعُقُولُ ،

شیزنده‌داری‌ها و ثنا و ستایش‌گویی‌ها و نشاط‌کسانی که به عبادت و پرستش تومشغول‌اند؛ خدای من؛ عقل‌ها و خردها از کار

و انْحَسَرَتِ الْاَبْصَارُ ، وَضَاعَتِ الْاَفْهَامُ ، وَحَارَتِ

افتادند، و چشم‌ها ناتوان شدند، و فهم و درک‌ها تباه شده و به ناپودی گرایید، و خیال‌ها

الْاَوْهَامُ ، وَقَصُرَتِ الْخَوَاطِرُ ، وَبَعَدَتِ الظُّنُونُ عَنْ

و اندیشه‌های ژرف‌نگر سرگردان شدند، و خاطر‌ها نتوانستند ادامه‌ راه را بروند، و گمان‌ها در

اِدْرَاكِ كُنْهِ كَيْفِيَّةِ مَا ظَهَرَ مِنْ بَوَادِي عَجَائِبِ اصْنَافِ

دوردست‌ها ناکام ماندند؛ ولی هیچ یک نتوانستند به طور کامل این را دریابند که شگفتی‌های

بِدَايِعِ قُدْرَتِكَ ، دُونَ الْبُلُوغِ اِلَى مَعْرِفَةِ تَلَاؤِ لَمَعَانِ

آغازین و نوآوری‌های گوناگون قدرتت چگونه است؟ و نتوانستند به این شناخت دست یابد که چگونه

بُرُوقِ سَمَائِكَ . اَللّٰهُمَّ مُحَرِّكَ الْحَرَكَاتِ ، وَمُبْدِيَّ

آسمان تو به نورافشانی و درخشندگی برق خودمی‌پردازد. بارالها؛ ای جنباننده‌جنبنده‌ها؛ ای آغازگر

نَهَايَةِ الْعَالِيَاتِ ، وَمُخْرِجِ يَنَابِيعِ تَفْرِيعِ قُضْبَانِ النَّبَاتِ ،

پایان مقصودها؛ ای کسی که چشمه‌ها ساقه‌های گیاهان را بیرون می‌آورد؛

يَا مَنْ شَقَّ صَمَّ جَلَامِيدِ الصُّخُورِ الرَّاسِيَّاتِ ، وَأَتْبَعَ

ای کسی که سنگ‌های سخت و به زمین چسبیده را شکافت و از

مِنْهَا مَاءً مَعِينًا حَيَاةً لِّلْمَخْلُوقَاتِ ، فَأَحْيَى مِنْهَا

آن‌ها آبی گوارا که باعث زندگانی آفریدگان است بیرون آورد و از آن آب نیز

الْحَيَوَانَ وَالنَّبَاتِ ، وَعَلِمَ مَا اخْتَلَجَ فِي سِرِّ اَفْكَارِهِمْ

حیوان‌ها و گیاهان را زندگی بخشید؛ و آن چه را در اندیشه‌های پنهان‌شان - همانند برق -

مِنْ نُطْقِ اِشَارَاتِ خَفِيَّاتِ لُغَاتِ التَّمَلِّ السَّارِحَاتِ .

می‌گذرد آگاهی دارد، چنان که از گفتاری که مورچگان با اشاره‌های رمزی (به عنوان لغت و زبان) دارند آگاه است؛

يَا مَنْ سَبَّحَتْ وَهَلَّلَتْ وَقَدَّسَتْ وَكَبَّرَتْ وَسَجَدَتْ

ای کسی که فرشتگان هفت آسمان برای شکوه زیبایی گفتارهای بزرگ‌مرتبه

لِجَلَالِ جَمَالِ اَقْوَالِ عَظِيمِ عِزَّةِ جَبْرُوتِ مَلَكَوتِ

عزت جبروت پادشاهی استوارش، زبان به تسبیح و تهلیل

سَلْطَنَتِهِ مَلَائِكَةِ السَّمَاوَاتِ ، يَا مَنْ دَارَتْ

و تقدیس و تکبیر گشوده‌اند و به سجده افتاده‌اند؛ ای کسی که

فَأَضَاءَتْ وَأَنَارَتْ لِدَوَامِ دَيْمُومِيَّتِهِ النُّجُومِ الزَّاهِرَاتِ ،

ستارگان پر توفشان، در برابر دایمی بودن راستین او به چرخش درآمده‌اند و به نورافشانی پرداخته‌اند؛

وَأَحْصَى عَدَدَ الْاَحْيَاءِ وَالْاَمْوَاتِ ، صَلَّى عَلٰى مُحَمَّدٍ

ای کسی که تعداد زندگان و مردگان را می‌داند و به شماره درآورده است؛ بر محمد

و آلِ مُحَمَّدٍ خَيْرِ الْبَرِيَّاتِ ، وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا .

و آل محمد - که بهترین مردم هستند - درود بی‌پایان را نثار فرما؛ و این کارم را برای من انجام بده.

و به جای «کذا و کذا» حاجات خود را مسألت می‌کنی.^۱



دعای دیگر از امام زمان عجل الله فرجه

این دعای شریف نیز از وجود مبارک حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه روایت شده است:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ،

بار الها! توفیق فرمان برداری از خودت را روزیمان گردان؛ (و نیز، توفیق) دوری از گناه و نافرمانی،

وَصِدْقَ النَّيِّةِ، وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ، وَأَكْرَمَنَا بِالْهُدَى

تیت درست و راستین، شناخت حریم ممنوعه خود را نصیب ما بفرما، و ما را با هدایت

وَالْإِسْتِقَامَةِ، وَسَدِّدْ أَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ،

و پایداری گرامی بدار. و زبان‌های ما را با سخنان درست و حکیمانه، استوار گردان.

وَأَمَلًا قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ، وَطَهِّرْ بَطُونَنَا مِنْ

و دل‌های ما را از علم و معرفت پر کن؛ و شکم‌های ما را از

الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ، وَاكْفِفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرِقَةِ

حرام و شبهه‌ناک پاک گردان؛ و دستان ما را از ستم و دزدی باز بدار؛

۱. المصباح: ۳۵۴، البلد الأمين: ۴۷۹.

وَاعْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ، وَاسْدُدْ

و چشمانمان را از خیانت و تبه‌کاری فرو بند؛ و دروازه

أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَالْغِيْبَةِ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَائِنَا

گوش‌های ما را بر شنیدن مطالب بیهوده و غیبت ببند. و به عالمان ما

بِالزُّهُدِ وَالنَّصِيْحَةِ، وَعَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ،

زهد و خیرخواهی مرحمت کن؛ و به دانش‌پژوهان تلاش، کوشش و اشتیاق کرم کن؛

وَعَلَى الْمُسْتَمْعِينَ بِالْإِتِّبَاعِ وَالْمَوْعِظَةِ، وَعَلَى مَرْضَى

و شنوندگان را موفق به پیروی و پندپذیری بگردان، و به بیماران

الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ

مسلمان شفا و راحتی از بیماری عنایت فرما؛ و مسلمانانی را که از دنیا رفته‌اند با آغوش رأفت

وَالرَّحْمَةِ، وَعَلَى مَشَائِخِنَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ،

و مهربانی خاص خودت ببذیر؛ و پیران ما را دارای وقار و متانت و آرامش کن؛

وَعَلَى الشَّبَابِ بِالْإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ، وَعَلَى النِّسَاءِ

جوانان‌مان را موفق به توبه و بازگشت به درگاهت ساز؛ و به زنان

بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ، وَعَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَّاضِعِ وَالسَّعَةِ،

حیا و پاکدامنی مرحمت فرما؛ و ثروتمندان ما را متواضع و دست‌ودل‌باز گردان؛

وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَنَاعَةِ، وَعَلَى الْعُرَاةِ

و فقیران ما را موفق کن تا شکیبایی و قناعت را پیشه کنند؛ و جنگجویان ما را

بِالنُّصْرِ وَالْغَلْبَةِ، وَعَلَى الْأَسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَالرَّاحَةِ،

به پیروزی و چیرگی برسان؛ و اسیران ما را به رهایی و راحتی از دست دشمن نایل کن؛

وَعَلَى الْأُمَرَاءِ بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ، وَعَلَى الرَّعِيَّةِ

و فرمان‌فرمایان ما را دادگر و دلسوز گردان؛ و رعیت را نیز دارای

بِالْإِنصَافِ وَحُسْنِ السَّيْرِ، وَبَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَالزُّوَّارِ

انصاف و خوش‌رفتاری گردان؛ و زاد و توشه حاجیان و زائران را

فِي الزَّادِ وَالنَّفَقَةِ، وَأَقْضِ مَا أُوجِبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ

ببرکت گردان، و موفق‌شان کن تا حج و عمره‌ای را که بر آنان واجب نموده‌ای به درستی به

وَالْعُمْرَةِ، بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۱

انجام برسانند همه این‌ها را به خاطر لطف و احسان و مهربانیت بر ما ارزانی دار، ای مهربان‌ترین مهربانان.

۲۵

دعای «یا نور النور»

از امام زمان عجل الله فرجه

این دعای شریف را مرحوم کفعمی در کتاب «المصباح» از

مولایمان امام زمان ارواحنا فداه نقل شده است:

۱. البلد الأمين: ۴۸۰، المصباح: ۳۷۴.

يَا نُورَ النُّورِ، يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ، يَا بَاعِثَ مَنْ فِي

ای روشنی‌بخش روشنی‌ها؛ ای تدبیرکننده کارها؛ ای کسی که تمام مردگان درون

الْقُبُورِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ لِي

قبرها را برمی‌انگیزی؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست، و گشایشی برای من،

وَلِشَيْعَتِي مِنَ الضِّيْقِ فَرَجًا، وَمِنَ الْهَمِّ مَخْرَجًا،

و پیروان من فراهم کن تا از این تنگنا رها شویم، و از اندوه‌ها به درآییم؛

وَأَوْسِعْ لَنَا الْمَنَهِجَ، وَأَطْلِقْ لَنَا مِنْ عِنْدِكَ مَا يُفَرِّجُ،

و مسیر و راه ما را وسیع گردان، و از نزد خودت به گونه‌ای برای ما رهایی مقرر کن که گشایشی در تمام امورمان حاصل

وَأَفْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيمٌ. ۱

شود؛ و آن گونه که تو سزاوارش هستی - ای بزرگوار؛ - با ما رفتار کن.

در روایت است که:

هر کس این دعا را همیشه بخواند، با امام عصر صلوات الله علیه

محشور خواهد شد. ۲

۱. المصباح: ۴۰۷، جنات الخلود: ۴۱، ضياء الصالحين: ۵۳۳، الجنة الواقية والجنة الباقية

۲. منتخب الأثر: ۵۲۱.

(مخطوط): ۵۹.

دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه

برای رفع مشکلات

این دعای شریف برای رفع مشکلات، در کتاب «قصص الأنبياء» از مولایمان امام زمان ارواحنا فداه نقل شده است:

يَا مَنْ إِذَا تَضَايَقَتِ الْأُمُورُ فَتَحَ لَنَا بَابًا لَمْ تَذْهَبِ إِلَيْهِ

ای کسی که وقتی کارها بر ما تنگ آید دری را به روی ما می‌گشاید که به خیال و اندیشه هیچ کس

الْأَوْهَامُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْتَحْ لِي أُمُورِي

نرسید باشد؛ بنابراین، از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و دری فراروی کارهای

الْمُتَضَايِقَةِ بَابًا لَمْ يَذْهَبِ إِلَيْهِ وَهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۱

گره‌خورده و بسته‌شده‌ام بگشایی که هیچ ذهنی بدان نرسیده باشد؛ ای مهربان‌ترین مهربانان.

در کتاب «التحفة الرضویة» آورده است: علامه پرهیزگار جناب سید حسن فرزند سید علی آقا شیرازی، این دعا را برایم روایت کرد و گفت که: از امام زمان عجل الله تعالی فرجه روایت شده است.

این کلام را بعضی از بزرگان مورد اعتماد از ایشان نقل کرده‌اند.

وی گفت: برای برطرف شدن مشکلات و نیز دست‌یابی به خواسته‌ها و آرزوها، پس از نمازهای پنجگانه - و نیز در دیگر حالات - باید خوانده شود، و آن دعا این است:

يَا مَنْ إِذَا تَضَايَقَتِ الْأُمُورُ فَتَحَ لَهَا بَابًا لَمْ تَذْهَبِ إِلَيْهِ

ای کسی که وقتی کارها بر ما تنگ آید دری را به روی آن می‌گشاید که به خیال و

الْأَوْهَامُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْتَحْ لِي أُمُورِي

اندیشه هیچ کس نرسید باشد؛ بنابراین، از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و دری فراروی کارهای

الْمُتَضَايِقَةِ بَابًا لَمْ يَذْهَبِ إِلَيْهِ وَهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۱

گره‌خورده و بسته شده‌ام بگشایی که هیچ ذهنی بدان نرسیده باشد؛ ای مهربان‌ترین مهربانان.

دعای مهم دیگر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه

برای برآورده شدن حاجت‌ها

سید علی خان در کتاب شریف «الکلم الطیب» می‌گوید:

این دعای ارزشمندی است از امام زمان صلوات الله علیه برای کسی که چیزی از او ضایع گشته یا حاجتی دارد؛ لذا شخصی که خواسته یا مشکل مهمی دارد باید این دعا را بسیار بخواند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مُبْدِئُ الْخَلْقِ وَمُعِيدُهُمْ

تو آن خدایی هستی که جز تو معبودی نیست؛ آغازگر و بازگرداننده آفریدگان هستی.

وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ،

و تویی آن خدایی که جز تو معبودی نیست، تدبیرکننده کارها هستی،

وَبَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا

و هر که را در قبرهاست برمی‌انگیزی؛ تو همان خدای یکتایی هستی که جز تو معبودی نیست؛

أَنْتَ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ، وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا

تنگ گیرنده و گستراننده هستی؛ و تو آن خدایی هستی که جز تو معبودی نیست؛

أَنْتَ، وَارِثُ الْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهَا. أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

و وارث زمین و ساکنان آن هستی. از تو درخواست می‌کنم به واسطه نامت که هر گاه

الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَبْتَ، وَإِذَا سُئِلَ بِهِ أُعْطِيَ،

بدان خوانده شدی پاسخ دادی، و هرگاه بدان وسیله از تو درخواست شده عطا کردی؛

وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي

و به حق محمد و اهل بیت او، و به واسطه حقی که

أَوْجَبْتَهُ عَلَيَّ نَفْسِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

برای ایشان بر خود واجب ساخته‌ای از تو درخواست می‌کنم تا بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ،

محمد درود بفرستی و حاجتم را برآورده سازی؛ همین ساعت، همین ساعت

يَا سَيِّدَاهُ، يَا مَوْلَاهُ، يَا غِيَاثَاهُ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ

ای آقای من؛ ای مولای من؛ ای فریادرس من؛ از تو می‌خواهم به واسطه تمامی نام‌هایی

سَمَّيْتَهُ بِهِ نَفْسِكَ، وَاسْتَأْثَرْتُ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ

که خویشتن را بدان نامیده‌ای، و آن را در دانش پنهانیت نزد خود نگه داشته‌ای؛

عِنْدَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

که بر محمد و آل محمد درود بفرستی، و در

تُعَجِّلَ خَلَاصَنَا مِنْ هَذِهِ الشَّدَّةِ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ

رهایی ما از این گرفتاری و سختی، شتاب کنی. ای دگرگون‌کننده دل‌ها

وَالْأَبْصَارِ، يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ

و چشم‌ها؛ ای شنوای دعا؛ به راستی که تو بر هر چیزی

قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۱.

توانا هستی؛ به واسطه رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.

برای شفاء از بیماری‌ها

محدث نوری رحمه الله می‌فرماید: «شیخ بزرگوار جناب کفعمی رحمه الله در کتاب «البلد الامین» از حضرت مهدی صلوات الله علیه روایت می‌کند:

کسی که این دعا را با تربت امام حسین علیه السلام در ظرف نو بنویسد، و آن را بشوید و بنوشد، از بیماریش رهایی می‌یابد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، بِسْمِ اللَّهِ دَوَاءٌ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

به نام خداوند بخشنده مهربان، گفتن «بسم الله» دواست؛ و «الحمد لله»

شفاست، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كِفَاءً ، هُوَ الشَّافِي شِفَاءً ، وَهُوَ

شفاست؛ و «لا اله الا الله» موجب کفایت است؛ و «هو الشافي» شفا است و «هو

الکافي کففاءً ، أَذْهَبِ الْبَأْسَ بِرَبِّ النَّاسِ ، شِفَاءً

الکافی» کفایت است؛ تو را به پروردگار مردم سوگند می‌دهم که بدی را دور گردانی و شفایی بدهی

لَا يُغَادِرُهُ سَقَمٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ النَّجَبَاءِ .

که هیچ بیماری در پی آن نباشد. و درود پیوسته خداوند بر محمد و آل نجیبش نثار باد.

محدث نوری رحمه الله در ادامه می‌افزاید: دستخطی از سید زین

الدین علی بن حسین حسینی دیدم که بیان داشته است: این دعا را مردی از ساکنان کربلا در عالم خواب از حضرت مهدی ارواحنا فداه آموخته بود.

وی بیمار بود، و از بیماری خود به حضرت مهدی صلوات الله علیه شکایت کرد و آن حضرت دستور فرمود این دعا را بنویسد و بشوید و بنوشد. وی چنان کرد و فوراً بیماریش برطرف شد.^۱

دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه

برای رهایی از سختی‌ها و حفظ شدن از دزدان

مرحوم آیه الله شیخ علی اکبر نهاوندی می‌نویسد: شیخ علی اکبر تهرانی - ساکن مشهد مقدس - برای ما قضیه‌ای تعریف کرد و گفت:

عالم متقی شیخ محمد تقی تربتی - که از دانشمندان بزرگ و علمای اخلاق و از شاگردان علامه میرزا حبیب الله رشتی بود و اجازه‌ای از ایشان داشت - فرمود: یکی از شاگردان متدین من - که از سادات شهر تربت بود - برای من تعریف کرد و گفت: از زیارت عتبات عالیات که برمی‌گشتم، همراه طلبه‌ای از

۱. جنة المأوی: ۲۲۶، دار السلام: ۱/ ۲۸۸.

خانقین خارج شدم و پیاده به دنبال قافله به طرف قصر شیرین حرکت کردیم، از شدت تشنگی و خستگی ناتوان شده، و با زحمت زیاد خود را به قافله رساندیم، دیدیم قافله را دزدها غارت کرده و اموالشان را برده بودند، افرادی مجروح شده و در بیابان افتاده بودند، و محمل‌ها شکسته و روی زمین افتاده بود.

ما از ترس به کناری رفته و به بالای تپه‌ای رفتیم، ناگاه دیدیم سید بزرگوار کنار ما ایستاده، به ما سلام فرمود، بعد هفت دانه خرما می‌زاهدی به من داد و فرمود: چهار دانه را خودت بخور، و سه دانه آن را به شیخ بده.

چون خرماها را خوردیم تشنگی ما برطرف شد، و فرمود: این دعا را به جهت رهایی از سختی‌ها، و محفوظ بودن از شرّ دزدها بخوانید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَخَافُكَ، وَأَخَافُ مِمَّنْ يَخَافُكَ، وَأَعُوذُ بِكَ

بارالها! من از تو می‌ترسم؛ و از هر کسی که از تو می‌ترسد نیز می‌ترسم؛ و از کسانی که

مِمَّنْ لَا يَخَافُكَ .

از تو نمی‌ترسند به خودت پناه می‌برم.

پس از آن؛ اندکی با آن سید بزرگوار راه رفتیم، ناگاه اشاره کرد و فرمود: این منزل شماست.

نگاه کردیم، دیدیم منزل پایین آن تپه بود، و چون وارد منزل

شدیم از شدت خستگی خواب بر ما غلبه کرد، خوابیدیم، و متوجه آنچه برای ما اتفاق افتاده بود نشدیم، چون بیدار شدیم دانستیم که آن بزرگوار حضرت ولی عصر، صاحب الزمان عجل الله فرجه بوده است.^۱



دعای دیگری از امام زمان عجل الله فرجه

برای رهایی از سختی‌ها و مشکلات

در کتاب «الکلم الطیب» آورده است که: دستخطی از یکی از دوستان بزرگوار و صالح و مورد اعتماد و ثابت قدم خود - که جزو سادات نیز هست - مشاهده کردم که چنین نوشته بود:

در ماه رجب سال یکهزار و نود و سه، برادر دینی و دوست بسیار دوست‌داشتنی، دانشمند اهل عمل، دارای مراحل کمال انسانی، و صفات الهی، امیر اسماعیل بن حسین بیک بن علی بن سلیمان جابری انصاری برایم گفت:

از شیخ نیکوکار و پرهیزگار و اهل احتیاط در رفتار، جناب حاج شیخ علی مکی شنیدم که فرمود:

من به شدت دچار گرفتاری و مشکلات شدم و دشمنانم نیز

۱. العبقري الحسن: ۱/۱۱۷ المسلك الأذفر.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

رَبِّ أَسْأَلُكَ مَدَدًا رُوحَانِيًّا تَقْوَى بِهِ قُوَايَ الْكُلِّيَّةُ

بار پروردگارا! مدد و کمک روحانی از تو درخواست می‌کنم که نیروهای کلی

وَالْجُزْئِيَّةُ، حَتَّى أَقْهَرَ بِمَبَادِي نَفْسِي كُلِّ نَفْسٍ

و نیز جزئی مرا با آن تقویت و نیرومند گردانی؛ تا این که بتوانم با امکانات خویشتن هر کسی هر چه

قَاهِرَةً، فَتَنْقِضَ لِي إِشَارَةَ دَقَائِقِهَا، إِنْ قَبَاضًا تَسْقُطُ

توانمند باشد شکست بدهم؛ به گونه‌ای که دقیق‌ترین و حساس‌ترین حرکت‌های او در اختیار

بِهِ قُوَاهَا، حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْكَوْنِ ذُو رُوحٍ إِلَّا وَنَارٌ

قرار گیرد و بدین سان نیروهای او از کار بیفتند. تا جایی که هیچ موجود دارای روحی در هستی

قَهْرِي قَدْ أَحْرَقَتْ ظُهُورَهُ. يَا شَدِيدُ، يَا شَدِيدُ، يَا

نباشد، جز آن که آتش قهر من نمود او را بسوزاند. ای سخت‌گیر؛ ای سخت‌گیر؛ ای

ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، يَا قَاهِرُ يَا قَاهِرُ، أَسْأَلُكَ بِمَا

صاحب سخت‌گیری شدید؛ ای دارای سلطه؛ ای دارای غلبه و چیرگی فراوان؛ به واسطه آن نام‌های

أَوْدَعْتَهُ عِزْرَائِيلَ مِنْ أَسْمَائِكَ الْقَهْرِيَّةِ، فَاَنْفَعَلْتَ لَهُ

قهری که به عزرائیل سپرده‌ای و تمام جان‌ها خواه ناخواه تحت تأثیر قهر و غلبه او هستند، از تو

النُّفُوسِ بِالْقَهْرِ، أَنْ تُودِعَنِي هَذَا السَّرِّ فِي هَذِهِ

درخواست می‌کنم تا در همین ساعت از زندگانیم آن راز (که به عزرائیل سپرده‌ای) را به من نیز عنایت

پیوسته حقوق مرا پایمال می‌کردند، تا جایی که ترسیدم جانم را نیز از کف بدهم و کشته شوم. در همین اوضاع دعایی را دیدم که داخل جیبم بود - در حالی که کسی آن را به من نداده بود -.

از این جریان در شگفت شدم و پیوسته حیران بودم تا آن که در عالم خواب شخصی را در قیافه صالحان و زاهدان دیدم که به من گفت:

آن دعا را، ما به تو دادیم؛ آن را بخوان که از گرفتاری و مشکلات رهایی یابی، و برایم روشن نشد که گوینده آن کیست؟ و این جریان بر شگفتی و حیرتم افزود؛ تا آن که امام عصر ارواحنا فداه را در خواب دیدم که به من فرمود:

دعایی را که به تو عطا کردم بخوان، و به هر کسی که می‌خواهی بیاموز.

من بارها آن دعا را تجربه کردم و هر بار گشایشی سریع در کارم مشاهده کردم تا آن که آن را برای مدتی گم کردم و پیوسته تأسف می‌خوردم و از رفتار بد خویش استغفار می‌کردم؛ تا این که شخصی نزد من آمد و گفت: این دعا در فلان جا از تو افتاده است. البته من به خاطر نداشتم که آنجا رفته باشم، ولی به هر حال آن را پیدا کردم و برداشتم و سجده شکر الهی به جای آوردم. و دعا این است:

السَّاعَةِ، حَتَّىٰ الْيَنِّ بِهٖ كُلِّ صَعْبٍ، وَأُذِلَّ بِهٖ كُلُّ

فرمایی؛ تا در نتیجه هر سخت دشواری را نرم کنم، و هر نیرومندی را خوار و در اختیار قرار دهم؛

مَنْعِ، بِقُوَّتِكَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ .

به کمک نیرویت، ای دارای نیروی استوار.

این دعا هنگام سحر - در صورت امکان - سه مرتبه، و هنگام صبح سه مرتبه، و در شب نیز سه مرتبه خوانده شود.

البته اگر مشکلات خواننده این دعا بسیار سخت و غیر قابل تحمل است پس از قرائت دعا، سی مرتبه این دعا را نیز بخواند:

يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ

ای بخشنده؛ ای مهربان حقیقی؛ ای مهربان‌ترین مهربانان؛ از تو

اللُّطْفَ بِمَا جَرَّتْ بِهٖ الْمَقَادِيرُ .^۱

لطف را نسبت به آنچه جاری گشته به آن مقدرات تقاضا دارم.

۳۱

حرز امام زمان عجل الله فرجه

سید بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات»، و کفعمی رحمه الله در «البلد الأمين» حرز مولای مان امام زمان ارواحفاده را چنین نقل کرده‌اند:

۱. الکلم الطیب: ۱۰، جته المأوی: ۲۲۵، دار السلام: ۲۸۸/۱.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

يَا مَالِكَ الرَّقَابِ، وَهَازِمَ الْأَحْزَابِ، يَا مُفْتِحَ الْأَبْوَابِ،

ای صاحب اختیار همگان؛ ای شکست دهنده حزب‌های متحد شده؛ ای گشاینده درها؛

يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ، سَبِّبْ لَنَا سَبَبًا لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلَبًا،

ای سبب‌ساز حقیقی تمام سبب‌ها؛ سببی برای ما بساز که توان دست‌یابی و جستجویش را نداریم؛

بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

به حق کلمه شهادتین: «لا اله الا الله»، «محمد رسول الله»؛ که صلوات و درودهای الهی

عَلَيْهِ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ .^۱

پیوسته بر او و تمام آل او نثار باد.

۳۲

دعای حجاب (پنهان بودن)

از امام عصر عجل الله فرجه

اللَّهُمَّ اخْجِبْنِي عَنْ عُيُونِ أَعْدَائِي، وَاجْمَعْ بَيْنِي

بار الهی؛ مرا از دیده دشمنانم بپوشان، و مرا

وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي، وَأَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَاحْفَظْنِي

با دوستانم گرد هم بیاور، و آن چه را به من وعده فرموده‌ای به انجام برسان، و مرا

۱. مهج الدعوات: ۶۴، المصباح: ۴۰۷.

فِي غَيْبَتِي إِلَىٰ أَنْ تَأْذَنَ لِي فِي ظُهُورِي، وَأَخِي بِي مَا

در زمان غیبت و پنهانیم - تا آن گاه که اجازه اشکار شدنم را صادر می‌فرمایی - در حفظ و نگهداری خود بدار،

دَرَسَ مِنْ فُرُوضِكَ وَسُنَنِكَ، وَعَجَّلَ فَرَجِي، وَسَهَّلَ

و واجبات و مستحباتی که کهنه شده‌اند به دست من زنده کن، و در گشایش امرم شتاب فرما، و شرایط

مَخْرَجِي، وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا،

قیام مرا آسان و فراهم گردان، و از جانب خودت برایم سلطنتی یاری‌کننده مقرر دار،

وَافْتَحْ لِي فَتْحًا مُبِينًا، وَاهْدِنِي صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا،

و پیروزی آشکاری نصیبم ساز، و مرا در راه راست رهنمون باش،

وَاقْنِي جَمِيعَ مَا أُحَاذِرُهُ مِنَ الظَّالِمِينَ، وَاحْجُبْنِي

و مرا از ستمگرانی که حذر می‌کنم در حفظ و حراست بدار، و مرا

عَنْ أَعْيُنِ البَاغِضِينَ، التَّاصِبِينَ العَدَاوَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ

از دیده‌کینه‌توزان و دشمنان سرسخت آل پیامبرت که پرچم دشمنی به دوش دارند پنهان بدار،

نَبِيِّكَ، وَلَا يَصِلْ مِنْهُمْ إِلَيَّ أَحَدٌ بِسُوءٍ. فَإِذَا أَدْنَتْ

و مگذار هیچ گزندی از هیچ کسی به من رسد. آن گاه که اجازه

فِي ظُهُورِي فَأَيِّدْنِي بِجُنُودِكَ، وَاجْعَلْ مَنْ يَتَّبِعُنِي

ظهور و آشکار شدن مرا دادی نیز با سپاهیان خودت موفق و تأییدم فرما، و پیروانم را که

لِنُصْرَةِ دِينِكَ مُؤَيِّدِينَ، وَفِي سَبِيلِكَ مُجَاهِدِينَ،

برای یاری دینت گرداگرد من هستند و در راه تو جهاد می‌کنند نیز تأیید کن و موفق فرما؛

وَعَلَىٰ مَنْ أَرَادَنِي وَأَرَادَهُمْ بِسُوءٍ مَنصُورِينَ،

(این دوستانم را) بر بدخواهان من و ایشان یاری کن.

وَوَقِّفْنِي لِإِقَامَةِ حُدُودِكَ، وَأَنْصُرْنِي عَلَىٰ مَنْ تَعَدَّى

مرا موفق کن تا حدود تو را برپاگردانم، و بر هر کسی که پا از مرز و حدود تو فراتر گذاشته است

مَحْدُودَكَ. وَأَنْصُرِ الْحَقَّ، وَأَرْهِقِ الْبَاطِلَ، إِنَّ الْبَاطِلَ

مرا یاری فرما و غالب گردان. حق و راستی را یاری کن، و باطل را نابود و نیست گردان؛ چرا که باطل

كَانَ زَهُوقًا، وَأُورِدْ عَلَيَّ مِنْ شَيْعَتِي وَأَنْصَارِي مَنْ

رفتاری است. آن دسته از دوستان و پیروان و یاران مرا که موجب

تَقَرُّ بِهَمِّ الْعَيْنِ، وَيَشُدُّ بِهِمُ الْأَزْرُ، وَاجْعَلْهُمْ فِي

چشم‌روشنی و پشت‌گرمی هستند، نزد من بیاور؛ و ایشان را نیز در

حَزْزِكَ وَأَمْنِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۱

نگهبانی و امنیت و بیزهات قرار بده؛ (این کارها را) با رحمت خود انجام بده، ای مهربان‌ترین مهربانان.

سید بزرگوار جناب علی بن طاووس رحمته الله در کتاب «مهج

الدعوات» بعد از نقل این دعای حجاب و حجاب‌های دیگر

فرموده است: این حجاب‌ها، از جمله چیزهایی هستند که به ما

خواندن آنها الهام شد هنگامی که سیل آمد و موجب غرق شدن

عده‌ای شد و آب همه جا را فرا گرفته بود و به سختی می‌توانستیم

جان سالم به در ببریم، و شدت سیل باعث ویرانی مناطق سیل زده شده بود. با اجابت این دعاها امکان ماندن ما در آن جا و دفع شدن این گرفتاری‌ها حاصل شد و ضامن سلامتی ما از این حوادث گشت. و خداوند را سپاس.^۱



دعا برای فرج در روز ظهور

شیخ نعمانی رحمته الله در کتاب «الغیبة» این دعا را از یونس بن ظبیان نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی شب جمعه فرا می‌رسد، خدای تعالی فرشته‌ای را به آسمان دنیا می‌فرستد؛ پس از دمیدن صبح، آن فرشته بر عرش نشسته و بر بالای بیت المعمور قرار می‌گیرد، و منبرهایی از نور برای حضرت محمد، حضرت علی، امام حسن و امام حسین علیهم السلام آماده می‌کند، و آن‌ها بر فراز منبرها می‌روند و فرشتگان و پیامبران و مؤمنان گرداگرد ایشان در می‌آیند و درهای آسمان گشوده می‌شود.

هنگامی که ظهر فرا رسد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض می‌کند: پروردگارا؛ زمان انجام وعده تو که در قرآن فرموده‌ای کی فرا می‌رسد. (و آن وعده، این آیه شریفه است):

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾^۱.

خدا به مؤمنانی که اعمال شایسته دارند وعده داده که به طور حتم ایشان را - همانند پیشینیان که به خلافت رسانید - به خلافت و حکومت بر زمین گمارد، و شرایط اجرای دینی را که برای شان پسندیده است فراهم سازد، و به جای خوف و هراسی که در روزگار برای ایشان به وجود آمده است امنیت و آرامش را جایگزین سازد.

پس از این، فرشتگان و پیامبران نیز همین دعا را می‌کنند؛ سپس حضرت محمد و علی و حسن و حسین علیهم السلام به سجده می‌افتند، و عرضه می‌دارند:

يَا رَبِّ اغْضَبْ، فَإِنَّهُ قَدْ هُتِكَ حَرِيمُكَ، وَقُتِلَ

پروردگارا؛ خشم کن؛ زیرا، حرمت شکسته شد، و برگزیدگان کشته شدند،

أَصْفِيَاءُكَ، وَأَذِلَّ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ.

و بندگان صالح و شایسته تو به خواری کشیده شدند.

خداوند دعای آنان را می‌پذیرد و «روز معلوم» همان روز است.^۲

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

۲. مکیال المکارم: ۱/۳۹۳، از الغیبة مرحوم نعمانی: ۲۷۶.

دعای حضرت بقیة الله ارواحنا فداه در اول ظهور

در روایتی آمده است که مفضل از امام صادق علیه السلام پرسید: ای آقای من؛ از کجا و چگونه (حضرت مهدی صلوات الله علیه) آشکار می شود و ظهور می فرماید؟
حضرتش فرمود:

ای مفضل؛ او به تنهایی آشکار می شود؛ به تنهایی نزد خانه کعبه می آید؛ به تنهایی داخل خانه کعبه می شود. تنهاست که تاریکی شب او را فرا می گیرد؛ و آن گاه که چشمان مردم به خواب رفت و تاریکی شب زیادتر گشت، جبرئیل و میکائیل و دیگر فرشتگان، در صف های منظم به خدمتش شرفیاب می شوند و جبرئیل به آن بزرگوار عرضه می دارد: ای آقای من؛ گفتارت پذیرفته شد، و اجازه کار (ظهور) به تو عطا شد.

آن امام بزرگوار، در این حال دستان مبارکش را بر چهره شریف خود می کشد و می گوید:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ، وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ،

سیاس ویژه خداست که وعده خویش را نسبت به ما انجام داد، و ما را وارث زمین گردانید،

تَبَوَّءُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ، فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿۲۱﴾

تا هر کجا که بخواهیم در بهشت ساکن گردیم؛ بنابراین، چه نیکوست پاداش کسانی که اهل عمل هستند.

دعای شیعه

در هنگام خروج حضرت قائم ارواحنا فداه

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

اگر می خواهی از غرق شدن و آتش سوزی و سرقت در امان باشی، در هنگام صبح بگو:

بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا اللَّهُ، بِسْمِ اللَّهِ

به نام خدا؛ هر چه خدا بخواهد، (همان خواهد شد) جز خدا، کسی نمی تواند بدی را برطرف و دور کند. به نام

اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا يَسُوقُ الْخَيْرَ إِلَّا اللَّهُ، بِسْمِ اللَّهِ مَا

خدا؛ هر چه خدا بخواهد، (همان خواهد شد) جز خدا کسی نمی تواند خیر و خوبی را بکشد. به نام خدا؛ هر چه

شَاءَ اللَّهُ، مَا يَكُونُ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ، بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ

خدا بخواهد، (همان می شود) هر نعمتی که وجود داشته باشد از خداست. به نام خدا؛ هر چه

اللَّهُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ

خدا بخواهد (همان خواهد شد) هر نیرو و جنبشی، تنها به واسطه خدای بلندمرتبه بزرگوار خواهد بود. به نام خدا؛

مَا شَاءَ اللَّهُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ.

هر چه خدا بخواهد، (همان خواهد شد؛) و خدا بر محمد و آل بسیار پاکش درود بفرستد.

هر کس این دعا را در بامداد هر روز، سه مرتبه بخواند، از غرق شدن و آتش سوزی و سرقت در امان خواهد بود تا آن گاه که شب فرا رسد؛ و اگر آن را شامگاهان سه بار بخواند، تا صبح از این بلاها در امان است.

خضر و الیاس علیهم السلام هر ساله یکدیگر را در مراسم حج ملاقات می کنند، و هنگام خداحافظی با خواندن این دعا از یکدیگر جدا می شوند.

این، شعار شیعیان من است، و در زمان قیام حضرت قائم ارواحنا فداه نیز دوستان و دشمنانم با این عبارات از یکدیگر شناخته و جدا می شوند.^۱

۳۶

دعای آن حضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

هنگام عبور از وادی السلام

حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه می فرماید:

گویا او (حضرت بقیة الله ارواحنا فداه) را می بینم که سوار بر اسبی آراسته که پیشانی آن از سفیدی می درخشد، از وادی

۱. مکیال المکارم: ۱۹۳/۱.

السلام عبور می کند و به سوی رودخانه سهله می رود و این

دعا را می خواند:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَصِدْقًا، لَا

به حقیقت و واقعیت اعتراف می کنم که جز خدا معبودی نیست؛ ایمان دارم و تصدیق می کنم که هیچ معبودی جز خدا نیست؛

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعْبُدًا وَرِقًا. اللَّهُمَّ مَعِزَّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَوَحِيدٍ،

از روی بندگی و سلب اختیار از خود در برابر خدا، عرضه می دارم که جز او معبودی نیست. بارالها! ای عزتبخش هر مؤمن غریب

وَمُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، أَنْتَ كَنْفِي حَسْبِنَا تُعِينِنِي

و تنها؛ ای کسی که هر ستمگر زورگوی کینه توزی را تو خوار می کنی؛ تو تنها پناهگاه و حامی من هستی؛ آن گاه که

الْمَذَاهِبُ، وَتَضِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا رَحِبَتْ.

راههای گوناگون مرا به رنج افکند؛ و زمین با این همه گستره و پهنا، بر من تنگ آید.

اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي وَكُنْتَ غَنِيًّا عَن خَلْقِي، وَلَوْلَا نَصْرُكَ

بارالها؛ تو مرا آفریده ای در حالی که بی نیاز از آفرینش من بودی؛ اگر جز یاری رساندن تو بود،

إِيْيَايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يَا مُنْشِرَ الرَّحْمَةِ مِنْ

به طور حتم من نیز از شکست خورده گان بودم. ای خدایی که رحمت و مهربانی خویش را از جایگاههای آن می پراکنی؛

مَوَاضِعِهَا، وَمُخْرِجَ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا، وَيَا مَنْ

ای خدایی که برکتها را از معدنهای آن بیرون می آوری؛ ای خدایی که

خَصَّ نَفْسَهُ بِشُمُوحِ الرَّفْعَةِ، فَأَوْلِيَاؤُهُ بَعِزُّهُ يَتَعَزَّرُونَ،

بلند مرتبگی و والایی را به خویش اختصاص داد، و بدین سان دوستانش به واسطه عزت او عزت مند می شوند؛

صلوات بر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام
(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَأَبِيهَا ...)

یکی از صلوات‌های مجرب و مؤثر در گرفتن حاجت، صلوات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است به اینگونه که پانصد و سی مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَأَبِيهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا
خداوندا؛ درود فرست بر فاطمه و پدر بزرگوارش و همسر گرامیش و فرزندان عزیزش
[وَالسِّرُّ الْمُسْتَوْدَعُ فِيهَا] بِعَدَدِ مَا أَخَاطَ بِهِ عِلْمَكَ .
(و به آن رازی که در وجود او به ودیعه نهادی) به تعداد آنچه که دانش تو بر آن احاطه دارد.

این ختم در کتب قدیمه دعا ذکر نشده و از زمان شیخ اعظم انصاری رحمته الله در میان زبان‌ها افتاده و معروف شده است. ما به خاطر دو جهت این صلوات را نقل نمودیم:

۱- اگرچه این صلوات در کتب قدیمه وجود ندارد و از مرحوم شیخ انصاری شنیده شده ولی به خاطر ارتباطی که آن بزرگوار با حضرت بقیة الله ارواحنا فداه داشته است به احتمال قوی این دعا از حضرت صاحب الأمر ارواحنا فداه صادر شده است.

۲- مقصود از «السِّرُّ الْمُسْتَوْدَعُ فِيهَا» حضرت حجّت علیه السلام می‌باشد.^۱

۱. رجوع کنید به: «الصحيفة المباركة المهدية».

يَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَدَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ،

ای که تمام پادشاهان، یوغ خواری و ذلت را بر گردن خویش در برابر تو افکنده‌اند،

فَهُمْ مِنْ سَطْوَتِهِ خَائِفُونَ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

و از خشم تو و هیبت پیوسته بیمناک هستند؛ به واسطه آن نامت از تو درخواست می‌کنم که

فَطَرْتَ بِهِ خَلْقَكَ، فَكُلُّ لَكَ مُذْعِنُونَ. أَسْأَلُكَ أَنْ

آفریدگانت را با آن آفریدی، و همه به فرمان برداریت گردن نهاده‌اند. از تو درخواست می‌کنم که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُنَجِّزَ لِي أَمْرِي، وَتُعَجِّلَ

بر محمد صلوات الله علیه درود بفرستی، و کار مرا به انجام برسانی، و در گشایش و

لِي فِي الْفَرَجِ، وَتَكْفِينِي وَتُعَافِينِي وَتَقْضِي

فرج کار من شتاب فرمایی، و مرا کفایت کنی و عافیت و سلامتی ببخشی و خواسته‌هایم را برآورده

حَوَائِجِي، أَلْسَاعَةَ السَّاعَةِ، أَلَّيْلَةَ اللَّيْلَةِ، إِنَّكَ عَلَيَّ

سازی؛ در همین ساعت؛ در همین ساعت؛ همین امشب؛ همین امشب؛ به راستی که تو بر

كُلُّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۱.

هر چیزی توانایی.

۱. العدد القوية: ۷۵، دلائل الإمامة: ۴۵۸ (با تفاوتی اندک).

ثواب خواندن سوره مبارکه «کهف»

در این بخش از کتاب، به برخی از ویژگی‌های سوره‌های قرآن می‌پردازیم، که با موضوع کتاب نیز بی‌ارتباط نیستند.

۱- پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

هر که سوره مبارکه «کهف» را بخواند، تا هشت روز از هر فتنه‌ای در امان خواهد بود؛ بدین سان، اگر دجال نیز در آن هشت روز خروج کند، خداوند متعال او را از فتنه دجال محافظت خواهد داشت.

۲- در حدیث دیگری نیز از آن بزرگوار روایت شده است که

فرمود:

هر که ده آیه از سوره «کهف» را از حفظ بخواند، فتنه دجال به او ضرری نخواهد رسانید؛ و کسی که تمام سوره را بخواند، داخل بهشت می‌شود.

۳- در حدیث دیگری، حضرت می‌فرمایند:

هر که ده آیه از ابتدای سوره مبارکه «کهف» را حفظ کند، و پس از آن دجال را درک کند ضرر و زبانی به وی نخواهد رسید. و هر که آیات پایانی این سوره را حفظ کند در روز قیامت نوری روشنی‌بخش برایش خواهد بود.^۱

۱. مکیال المکارم: ۱/۱۶۶.

از خواص سوره «یس»

یکی از اهل علم که مورد اعتماد من است قضیه‌ای را در فضیلت سوره مبارکه «یس» برایم نقل کرد:

یکی از بندگان خدا در شهر یزد گرفتاری سختی داشت، خدمت حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه شرفیاب می‌شود، در حالی که آن بزرگوار را نمی‌شناسد، حضرت به او می‌فرمایند:

سوره «یس» را بخوان، چون به کلمه «مبین» که در شش مورد آمده است، رسیدی حاجت خود را نیت کن و پس از قرائت سوره، حاجت خود را درخواست کن، تا خداوند دعای تو را مستجاب نماید.

گفت: چون در سوره «یس» تأمل کردم، دیدم کلمه «مبین» در هفت مورد از این سوره آمده است، از این مسئله تعجب کردم، ولی چون دقت نمودم، فهمیدم که در شش مورد کلمه «مبین» بدون «الف و لام» آمده است و در یک مورد با «الف و لام» است، آن‌گاه سوره را همان طوری که حضرت فرموده بودند خواندم، و خداوند متعال دعایم را مستجاب کرد.

فضیلت سوره‌های «مَسْبَحَات»

جابر از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که :

هر که سوره‌های مَسْبَحَه را پیش از خواب بخواند، پیش از مرگ حضرت مهدی (صلوات الله علیه) را درک خواهد کرد، و اگر بمیرد نیز در همسایگی پیامبر خواهد بود.^۱

طریحی علیه السلام سوره‌های مَسْبَحَه را سوره‌هایی می‌داند که با تسبیح الهی آغاز شده باشند. ملاً محمد صالح مازندرانی علیه السلام می‌گوید: مَسْبَحَات سوره‌هایی هستند که در آغازشان کلمه‌های «سَبَّح» یا «یَسْبَح» یا «سَبَّح» یا «سُبْحان» آمده باشد.

بنابراین احتمال، این سوره‌ها هفت سوره هستند: سوره اسراء، سوره حدید، سوره حشر، سوره صف، سوره جمعه، سوره تغابن و سوره مبارکه اعلی.

ولی مرحوم کفعمی در حاشیه «مصباح» خود پس از بازگو کردن روایت مذکور، می‌گوید:

مَسْبَحَات؛ نام پنج سوره قرآنی است. و جز سوره اسراء و

اعلی، بقیه را نام برده است. شیخ صدوق علیه السلام در فضیلت سوره تغابن به عنوان آخرین سوره مَسْبَحَه، این روایت را آورده است و از کلامش برمی‌آید که وی نیز این سوره‌ها را پنج تا می‌داند.

مجلسی علیه السلام در «حلیة المتقین»، و نیز فیض کاشانی علیه السلام در کتاب «وافی» تصریح کرده‌اند که تعداد این سوره‌ها پنج سوره است.

یکی از فضلاء می‌گوید: بهتر است بدانید که برای تحقق شرط مزبور در روایت فوق، خواندن این سوره‌ها برای یک مرتبه هم کفایت می‌کند و مراد - یعنی درک زمان حضرت مهدی صلوات الله علیه یا همسایگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم - حاصل خواهد شد.

لیکن، در این مقام که مقصود تشویق به خواندن این سوره‌ها و عادت کردن به تلاوت آن‌هاست، ظاهر آن است که درک آن حضرت یا همسایگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با تکرار و عادت کردن به تلاوت سوره‌های یاد شده خواهد بود.

البته، پر واضح است که ترک آن در بعضی از اوقات، ضرری به تکراری که لازمه ادراک آن حضرت یا جوار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است نمی‌زند.

از سویی در ظاهر مراد از درک آن حضرت، درک با آگاهی و شناخت آن حضرت است.

سببش نیز می‌تواند یا این باشد که این سوره‌ها در مورد حضرت مهدی صلوات الله علیه و ویژگی‌ها و حالت‌های اوست؛

اگرچه ما آن را ندانیم و یا خاصیت خواندن این سوره‌ها این خواهد بود. این مطلب در مورد سوره‌های دیگری که ثواب و پاداش معینی دارند نیز صدق می‌کند.^۱

مؤلف گوید: درباره «آیه الکرسی» و آیه شریفه «نور» و آیه «رَبِّ أَدْخِلْنِي» و آیات دیگر ختوماتی ذکر شده است که مناسب با این موضوع است، ولی از نقل آن‌ها صرف نظر نمودیم.

باید توجه داشته باشیم که عالی‌ترین راه برای تشرّف به محضر مقدّس حضرت بقیّة الله الأعظم ارواحنا فداه جلب توجه و رضایت کامل آن بزرگوار می‌باشد.



خواندن سوره «القارعة»

سبب ایمنی از فتنه دجال است

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که می‌فرماید:

هر کسی که سوره مبارکه «قارعه» را تلاوت کند خداوند او را از فتنه دجال از این که به او بگردد و نیز از سختی جهنم در امان نگاه می‌دارد.^۲

۱. دار السلام: ۹۱/۳.

۲. المصباح: ۶۰۰، ثواب الأعمال: ۱۲۵.

بخش هفتم

بخش هفتم



توسل به حضرت بقیة اللہ

(ارواحنا فداہ)

علامه مستنبط رضوان الله علیه چنین می فرماید: از نظر عقل و نقل بر ما لازم است که به الطاف حضرت حجّت ارواحفداه چنگ زنیم و در سختی ها و مشکلات به او پناه بریم.

چرا که آن بزرگوار، سلطان زمان و امام و پیشوای عصر حاضر است؛ گرچه از دیدگان ما غایب است، همانا او ما را می بیند ولی ما او را نمی بینیم، یا او را می بینیم ولی نمی شناسیم. به هر حال خورشید عنایتش بر ما می تابد، حاجت هر کسی را که به او توسّل جوید، برآورده می سازد.

ایشان می افزایند: از این توسّل آثار و نتایج عجیبی یافتیم و هرگز خلاقی از آن مشاهده نکردم.

آری؛ هر کس لذت توسّل به دامن باکرامتش را نچشیده باشد از این حقایق بی بهره است؛ «بنفسي [أنت] من مغيب لم يخل منا»؛ «جانم فدایت؛ تو آن غایبی هستی که از میان ما خارج نمی باشی».^۱

۱. التحفة الرضویة: ۱۶۰.

جریان دعای توسل خواجه نصیر رحمته الله

مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی اهل قریه جهرود ساوه بوده و ولادت باسعادت او در یازدهم جمادی الاولی سال پانصد و نود و هفت در شهر طوس اتفاق افتاده که ماده تاریخ او با آیه کریمه «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»^۱ موافق است و در هیجدهم ماه ذیحجه سال ششصد و هفتاد و دو از این جهان درگذشت و مجموع عمر شریفش هفتاد و پنج سال بوده است.

علامه عراقی در کتاب «دار السلام» می نویسد: بنا بر آنچه در زبانها افتاده و در بعضی از کتابها نوشته شده: خواجه نصیر مدت بیست سال کتابی در مناقب اهل بیت عصمت علیهم السلام تألیف نمود و آن را با خود به بغداد برد که به نظر خلیفه عباسی برساند.

اتفاقاً وقتی رسید که خلیفه با ابن حاجب برای تفریح و تماشا در کنار شط بغداد بودند.

خواجه آن کتاب را نزد خلیفه نهاد و او آن را به ابن حاجب داد و چون آن ناصبی نظر به مناقب ائمه اطهار علیهم السلام نمود از شدت بغض، آن کتاب را در آب انداخت و از روی استهزا گفت: «أعجبني تلمه»؛ یعنی: صدای افتادن این کتاب در آب، مرا به تعجب درآورد.

۱. سوره اسراء، آیه ۸۱.

پس رو به آن جناب کرد و گفت: اهل کجایی؟

خواجه فرمود: اهل طوسم.

گفت: از گاوان یا از خران آن محل هستی؟

خواجه فرمود: از گاوان آن محلم!

ابن حاجب گفت: پس ساخت در کجاست؟

خواجه فرمود: شاخم را در طوس گذاشته ام می روم و آن را

می آورم!

پس خواجه مهموم و مغموم و محروم روی به دیار خود نهاد، اتفاقاً شبی در خواب بقعه ای را دید که در مکانی قرار گرفته و در آن بقعه مقبره ای است که بر آن مقبره صندوقی نهاده اند و بر آن صندوق دعایی را که معروف است به دعای توسل خواجه نصیر نوشته اند و حضرت حجّت عجل الله فرجه در آن بقعه می باشد.

پس آن بزرگوار آن دعا و کیفیت ختم آن را تعلیم خواجه فرمود. چون از خواب بیدار شد قسمتی از آن را فراموش کرده بود.

بار دیگر خوابید و همان جریان را دو مرتبه در خواب دید و قسمت فراموش شده را از آن بزرگوار یاد گرفت.

چون بیدار شد مجموع آن را که در خاطرش محفوظ مانده بود به رشته تحریر درآورد، و برای تلافی عمل خلیفه و ابن حاجب و انتقام گیری از آنها مشغول انجام آن ختم گردید، تا آن که دعایش

به اجابت مقرون شد، و حضرت صاحب الأمر صلوات الله علیه او را بشارت داد که حاجتت به دست کودکی روا می‌گردد و تو باید آن کودک را تربیت کنی تا در آینده به قدرت برسد، و به شهر و بلد او اشاره فرمود.

پس خواجه با رمل، محله آن کودک را تعیین کرد و خانه او را جستجو نمود. زنی را در آن خانه دید که دو طفل داشت، آن دو طفل را از او درخواست کرد و به تربیت آنها پرداخت و به فراست دانست که پادشاه آینده کدام یک از ایشان است و آن هلاکوخان بود. پس در تربیت او نهایت اهتمام را نمود تا هلاکو به حد رشد رسید.

روزی به او گفت: اگر تو پادشاه شوی زحمت مرا چگونه جبران می‌کنی؟

هلاکو گفت: تو را وزیر خود می‌کنم.

خواجه گفت: لازم است آنچه را می‌گویی بنویسی.

هلاکو آن را نوشت و به خواجه داد. پس از مدّت زمانی هلاکو حاکم خراسان را کشت و به جای او نشست و خواجه را وزیر خود کرد. پس از استیلاء بر خراسان، به سوی شهرهای دیگر لشکر کشید و شهر به شهر را در حیطه تصرف خود درآورد تا آن که به بغداد هجوم آورد و مستعصم خلیفه عباسی را دستگیر نموده و او را کشت و با مردم آن دیار به عدالت رفتار کرد.

ابن حاجب چون واقعه را چنان دید در خانه شخصی پنهان شد و طشتی را پراز خون کرد و بر آن طشت چیزی گذاشت و روی آن نشست تا از دلالت رمل خواجه در امان بماند.

خواجه چون رمل انداخت ابن حاجب را در بالای دریایی از خون دید و حیران ماند هر چند از او جويا شد اثری نیافت؛ آخر الأمر در این مورد تدبیر و اندیشه نمود که تعدادی گوسفند وزن کند و بین اهل بغداد تقسیم نماید و با آنان شرط کند هر کس گوسفندی را که گرفته باید به همان وزن اوّل تحویل دهد، و گوسفندی هم به میزبان ابن حاجب داد.

او در این مورد که آن گوسفند را چگونه نگهداری کند تا در وقت تسلیم در وزن آن تفاوتی نباشد با ابن حاجب مشورت کرد. ابن حاجب گفت: باید بیچه گرگی به دست آوری و هر روز از صبح تا شام گوسفند را علوفه کافی داده و چون شب شود گرگ را به او نشان دهی تا هر چه در آن روز فریه گشته با دیدن گرگ از او کم شود و با مداومت بر این عمل تا زمانی که گوسفند نزد تو باشد در آن تفاوتی ظاهر نمی‌شود.

پس آن مرد به دستور ابن حاجب عمل کرد تا آن که گوسفند را رد کرد، دیدند همه آن گوسفندها تفاوت وزن پیدا کرده‌اند مگر گوسفندی را که در دست میزبان ابن حاجب بوده است.

خواجه به زیرکی و فراست دانست که ابن حاجب در خانه آن

شخص است و این تدبیر او بوده است.

غلامان را به دنبال ابن حاجب فرستاد و آن‌ها او را گرفته و نزد خواجه و هلاکو آوردند، خواجه به او گفت: شاخ من این پادشاه است که در طوس بود و من وعده آوردن او را به تو دادم.

بعد او را با خود به کنار شطّ برد و دستور داد همه کتاب‌های او را حاضر کردند؛ آنگاه تمام تألیفات او را جز شافیه، وافیه و مختصر که برای مبتدیان علم صرف و نحو مفید است، در آب انداخت و گفت: «أعجبنی تلّمه»؛ یعنی صدای به آب افتادن آن، مرا به تعجب درآورد، و سپس دستور قتل او را صادر کرد.^۱

این جریان را دربارهٔ صدور این دعا از حضرت بقیة الله ارواحنا فداه ذکر نموده‌اند، ولی همان گونه که در «دار السلام» به آن تصریح شده درستی این قضیه مورد تردید است؛ زیرا تاریخ فتح بغداد با زمان فوت ابن حاجب موافقت ندارد و در جریان حمله هلاکو به بغداد که با تدبیر و اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی انجام شد و نیز در تاریخ این قضیه، نکاتی وجود دارد که صحّت جریان مذکور را خدشه‌دار می‌کند:

۱- آن گونه که در تاریخ ثبت شده است، مرگ ابن حاجب در اسکندریه^۲ واقع شده است نه در بغداد آن هم با خصوصیات که

۱. دار السلام عراقی: ۳۳۳.

۲. العلامة الخواجة نصیرالدین الطوسی: ۷۹.

در این قضیه نقل شده است.

۲- مرگ او نه سال قبل از فتح بغداد صورت گرفته است و در هنگام ورود هلاکو و خواجه نصیرالدین طوسی علیه السلام زنده نبوده است تا محتاج به نشستن در طشت پر خون باشد.

۳- همان گونه که خواجه نصیرالدین علیه السلام بر اثر استفاده از رمل، شهر و محلّ هلاکو را بدست آورد آیا نمی‌توانست از طریق رمل بفهمد که ابن حاجب در کجاست و خون‌هایی که بالای آن‌ها نشسته در کجا و کدام مکان قرار دارد؟ و اگر رمل، طشت خون را دریای خون نشان دهد آیا می‌توان از آن استفاده نمود؟

از همه این‌ها گذشته خواجه می‌توانست با رمل، گوسفندی را که در خانه میزبان ابن حاجب بوده معین کند و نیازی به شرط کردنِ عدم تغییر در وزن نداشت.

با این همه، در اهمیت دعای توسّل منسوب به خواجه هیچ گونه تردیدی نیست و مؤلف این کتاب در حلّ برخی از مشکلات از این دعا نتیجه گرفته است.

از مرحوم شیخ بهایی نقل شده که ایشان فرموده‌اند: از مقدّس اردبیلی سؤال شد که چه چیزی سبب شد تا به مقامات عالیّه نایل شوی؟

ایشان در جواب فرمودند: مداومت به دعای توسّل خواجه

نصیر.



دعای توسّل

معروف به دعای توسّل خواجه نصیر رحمته اللہ علیہ

این دعا را سید بزرگوار، علی بن طاووس رحمته اللہ علیہ در «مهج الدعوات» نقل نموده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ

خداوندا؛ درود و سلام و افزونی و برکت را بر پیامبر فرو فرست آن پیامبر آمی،

الْعَرَبِيِّ الْهَاشِمِيِّ الْقُرَشِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ الْأَبْطَحِيِّ

از مردم عرب از فرزندان هاشم، از قبیله قریش، از مکه و مدینه، پیامبر ابطحی

التَّهَامِيِّ، السَّيِّدِ الْبَهِيِّ، السَّرَّاجِ الْمُضِيِّ، الْكَوْكَبِ

و تهامی آن سید خوش‌سیما و چراغ درخشان و ستاره

الدَّرِّيِّ، صَاحِبِ الْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ، الْمَدْفُونِ

تابان، صاحب متانت و آرامش، مدفون

بِالْمَدِينَةِ، الْعَبْدِ الْمُؤَيَّدِ، وَالرَّسُولِ الْمُسَدَّدِ،

در شهر مدینه، بنده تأییدشده (از خدا) و فرستاده محکم و استوار شده،

الْمُصْطَفَى الْأَمَّجِدِ، الْمَحْمُودِ الْأَحْمَدِ، حَبِيبِ إِلَهِي

آن برگزیده دارای شکوه و عظمت و پسندیده ستوده، مورد محبت خدای

الْعَالَمِينَ، وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَشَفِيعِ

جهانیان و آقای رسولان و پایان بخش پیامبران و شفاعت کننده

الْمُذْنِبِينَ، وَرَحْمَةِ الْعَالَمِينَ، أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ

گناه‌کاران و رحمت برای عالمیان، ابوالقاسم محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

درود خدا بر او و آل او باد. درود و سلام بی‌کران بر تو ای

أَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ، يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ، يَا شَفِيعَ

ابوالقاسم؛ ای رسول خدا؛ ای پیشوای رحمت؛ ای شفیع

الْأُمَّةِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا

امت؛ و ای حجت خداوند بر تمام بندگانش؛ ای آقا و مولای ما؛ ما

تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيْ اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ

به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته‌ایم و تو را

بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا

در دنیا و آخرت پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم. ای ابرومند

عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ

نزد خدا؛ برای ما، نزد خداوند شفاعت فرما. خداوندا؛ سلام و صلوات

وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْمُطَهَّرِ، وَالْإِمَامِ الْمُظَفَّرِ،

و برکات فراوان را بر سید پاک سرشت و امام پیروز

وَالشُّجَاعِ الْغَضَنَفَرِ، أَبِي شُبَيْرٍ وَشَبْرَ، قَاسِمِ طُوبَى

و شجاع دلیر، پدر شبیر و شبر، قسمت‌کننده بهشت

وَسَقَرٍ، الْأَنْزَعِ الْبَطِينِ، الْأَشْجَعِ الْمَتِينِ، الْأَشْرَفِ

و دوزخ، بریده شده از شرک و سرشار از دانش، شجاعت‌پیشه بامنان، شرافتمند

الْمَكِينِ، الْعَالِمِ الْمُمِينِ، النَّاصِرِ الْمُعِينِ، وَلِيِّ

صاحب جاه و منزلت، عالم آشکار و یار و مددکار (بیچارگان)، ولی و سرپرست

الدِّينِ، الْوَالِيِّ الْوَلِيِّ، السَّيِّدِ الرَّضِيِّ، الْإِمَامِ

دین، حاکم و زمامدار دوست داشته‌شده و سید پسندیده؛ امام

الْوَصِيِّ، الْحَاكِمِ بِالنَّصِّ الْجَلِيِّ، الْمَخْلِصِ الصَّنْفِيِّ،

جانشین و پیشوای منصوب به نص آشکار، مخلص پاکیزه،

الْمَدْفُونِ بِالْغَرِيِّ، لَيْثِ بَنِي غَالِبٍ، مَظْهَرِ الْعَجَائِبِ،

دفن‌شده در سرزمین نجف، شیری از تبار فرزندان همیشه غالب، مظهر و محل ظهور و بروز شگفتی‌ها

و مَظْهَرِ الْغَرَائِبِ، وَ مُفَرِّقِ الْكُتَائِبِ، وَالشُّهَابِ

و آشکارکننده شگفتی‌ها و غرایب، پراکنده کننده غارت‌گران، و شهاب

الثَّقِيبِ، وَالْهَزَبِ السَّالِبِ، نُقْطَةِ دَائِرَةِ الْمَطَالِبِ،

فروزان، شیر بیشه‌ای که از کافران همه چیز را می‌گیرد، نقطه پرگار دایره همه مقصدها،

أَسَدِ اللَّهِ الْغَالِبِ، غَالِبِ كُلِّ غَالِبٍ، وَمَطْلُوبِ كُلِّ

شیر همیشه پیروز خدا، چیره‌شونده بر هر چیره‌ای، و مطلوب هر

طَالِبٍ، صَاحِبِ الْمَفَاخِرِ وَالْمَنَاقِبِ، إِمَامِ الْمَشَارِقِ

جوینده، صاحب افتخارات و مناقب، امام و پیشوای مشارق

وَالْمَغَارِبِ، مَوْلَانَا وَمَوْلَى الْكُوثَيْنِ، الْإِمَامِ أَبِي

و مغارب، مولا و آقای ما و مولای هر دو جهان، پیشوا پدر

الْحَسَنِينِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

حسنین، امیر مؤمنان، حضرت علی بن ابی طالب نازل فرما.

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ. الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا

درود خدا بر او باد. درود و سلام بر تو ای ابوالحسن؛

الْحَسَنِ، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ،

ای امیر مؤمنان؛ ای علی بن ابی طالب؛

يَا أَخَ الرَّسُولِ، يَا زَوْجَ الْبُتُولِ، يَا أَبَا السَّبْطَيْنِ، يَا

ای برادر رسول خدا و همسر زهرای بتول و پدر دو سبط رسول خدا؛ ای

حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا يَا مَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا

حجت خدا بر بندگانش؛ ای اقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده

وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ

و شفاعت طلبیده و توسل جسته‌ایم و تو را

يَدَي حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهاً عِنْدَ

در دنیا و آخرت پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم. ای ابرومند نزد

اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. اَللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ

خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت فرما. بار خداها؛ سلام و درود و برکت را

عَلَى السَّيِّدَةِ الْجَلِيلَةِ الْجَمِيلَةِ، اَلْمَعْصُومَةِ

بر سیده بزرگوار نیکوسیرت نازل فرما؛ آن بانوی معصوم از گناه و خطا و

اَلْمَظْلُومَةِ، اَلْكَرِيمَةِ النَّبِيلَةِ، اَلْمَكْرُوبَةِ اَلْعَلِيَّةِ،

مورد ستم قرارگرفته، شریف و بزرگوار، غم و اندوه دیده که سختی‌ها و مصائب دنیا وجود

ذَاتِ الْاَحْزَانِ الطَّوْبَةِ فِي الْمُدَّةِ الْقَلِيلَةِ، الرَّضِيِّةِ

مقتسش را آزار داد و در اندک زمانی، طولانی‌ترین غصه‌ها و مصیبت‌ها را تحمل نمود، بانوی پسندیده

اَلْحَلِيمَةِ، اَلْعَفِيفَةِ السَّلِيمَةِ، اَلْمَجْهُوْلَةِ قَدْرًا،

بردار و پاکدامن، صاحب قلب سلیم که قدر و مقامش ناشناخته

وَالْمُخْفِيَةِ قَبْرًا، اَلْمَدْفُونَةِ سِرًّا، وَالْمَعْصُومَةِ جَهْرًا،

و قبرش پنهان مانده و پنهانی مدفون گردید ولی آشکارا حقش غضب گردید،

سَيِّدَةِ النِّسَاءِ، اَلْاِنْسِيَّةِ الْحَوْرَاءِ، اُمِّ الْاَيْمَةِ النَّقْبَاءِ

سرور زنان و حوریه‌ای در قالب انسان، مادر امامان بزرگوار

النُّجَبَاءِ، بِنْتِ خَيْرِ الْاَنْبِيَاءِ، اَلطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ،

و نیک نژادان، دختر بهترین پیامبران، پاک و پاکیزه،

اَلْبَتُولِ الْعَذْرَاءِ، فَاطِمَةَ التَّقِيَّةِ الزَّهْرَاءِ عَلِيَّهَا

آن که از تعلقات دنیوی بریده و به سوی معبودش روی آورد و چون مروارید ناسفته تالو می‌نمود، فاطمه پرهیزکار و

السَّلَامِ. اَلصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ذُرِّيَّتِكَ يَا

ستاره درخشان آسمان پیامبر که درود و سلام بر او باد. صلوات و سلام بر تو و بر ذریه تو؛

فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، أَيَّتُهَا

ای فاطمه زهرا؛ ای دخت گرامی حضرت محمد ﷺ رسول خدا؛ ای

اَلْبَتُولُ، يَا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ، يَا بَضْعَةَ النَّبِيِّ، يَا اُمَّ

بتول؛ و ای نور چشم پیامبر؛ ای پاره تن رسول خدا؛ و ای مادر

السَّبْطَيْنِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَتَنَا

دو سبط رسول خدا، ای حجّت خدا بر بندگانش؛ ای سیده

وَمَوْلَاتَنَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى

و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جست‌ایم

اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَي حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا

و تو را پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا

وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

و آخرت. ای ابرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما.

اَللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْمُجْتَبَى،

خداوند؛ بر سرور برگزیده، سلام صلوات و برکات خویش را نازل فرما؛ پیشوایی که امید

وَالْإِمَامِ الْمُزْتَجِي، سِبْطِ الْمُصْطَفَى، وَابْنِ

(کرم و رحمت) از درگاهش می‌رود، سبط پیامبر مصطفی و فرزند

الْمُرْتَضَى، عِلْمِ الْهُدَى، الْعَالِمِ الرَّفِيعِ، ذِي

علی مرتضی، پرچم هدایت و عالم بلندمرتبه و آن که دارای

الْحَسَبِ الْمَنِيْعِ، وَالْفَضْلِ الْجَمِيْعِ، وَالشَّرَفِ

حسنی گرامی و ارجمند و جامع فضیلت‌ها و صاحب شرافت

الرَّفِيعِ، الشَّفِيعِ ابْنِ الشَّفِيعِ، الْمَقْتُولِ بِالسَّمِّ التَّقِيْعِ،

رفیع است، شفاعت‌کننده‌ای از زادگان شفاعت‌کننده، کشته شده با زهر کشنده،

الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ الْبَقِيْعِ، الْعَالِمِ بِالْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ،

و مدفون در سرزمین بقیع، عالم و دانشمند نسبت به واجبات و مستحبات دین،

صَاحِبِ الْجُوْدِ وَالْمِنَنِ، كَاشِفِ الضَّرِّ وَالْبَلَوَى

صاحب بخشش و احسان، برطرف‌کننده بیچارگی‌ها و سختی‌ها

وَالْمِحَنِ، مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ، الَّذِي عَجَزَ عَنْ

و محنت‌ها، از آشکار و نهان، آن که

عَدُّ مَدَائِحِهِ لِسَانَ اللّٰسِنِ، الْإِمَامِ بِالْحَقِّ الْمُؤْتَمَنِ،

زبان مادحان از شمارش خوبی‌هایش عاجز و ناتوان باشد، امام بر حق راستین،

أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ).

حضرت ابامحمد امام حسن (که درودها و سلام‌های خدا بر او باد).

الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، يَا حَسَنَ بْنَ

درود و سلام بر تو ای ابامحمد؛ ای حسن بن

عَلِيِّ، أَيُّهَا الْمُجْتَبَى، يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا بْنَ

علی؛ ای امام برگزیده؛ ای زاده رسول خدا؛ ای زاده

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا بْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ

امیر مؤمنان و فاطمه زهرا؛ ای حجت خداوند

عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، يَا سَيِّدَنَا

بر آفریدگانش، ای سرور جوانان اهل بهشت؛ ای آقا

وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيَّ

و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته‌ایم

اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا

و تو را پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا

وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

و آخرت. ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت نما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الزَّاهِدِ،

خداوندا؛ سلام و صلوات و برکات خویش را بر آن سرور زهدپیشه

وَالْإِمَامِ الْعَابِدِ، الرَّكَعِ السَّاجِدِ، وَلِيِّ الْمَلِكِ

و امام عبادت‌کننده فرو فرست او که همواره در رکوع و سجود بود، سرپرست از طرف پادشاه

الْمَاجِدِ، وَقَتِيلِ الْكَافِرِ الْجَا حِدِ، زَيْنِ الْمَنَابِرِ

صاحب‌اختیار باشکوه و عظمت، و کشته شده توسط کافر عنادپیشه، زینت منبرها

وَالْمَسَاجِدِ، صَاحِبِ الْمِحْنَةِ وَالْكَرْبِ وَالْبَلَاءِ،

و مساجد، صاحب سختی و اندوه و بلا،

الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ كَرْبَلَاءَ، سَبِطِ رَسُولِ الثَّقَلَيْنِ،

دفن‌شده در سرزمین کربلا، سبط پیامبر جن و انس،

وَنُورِ الْعَيْنَيْنِ، مَوْلَانَا وَمَوْلَى الْكَوْنَيْنِ، الْأِمَامِ

و نور چشمان، مولای ما و مولای دو جهان، امام

بِالْحَقِّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ

بر حق حضرت ابا عبدالله الحسین - درودها و رحمت‌های خدای

عَلَيْهِ). الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، يَا

بر او باد - درود و سلام به محضر مقدس تو ای ابا عبدالله؛ ای

حُسَيْنَ بْنِ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الشَّهِيدُ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا بِنَ

حسین بن علی؛ ای شهید راه خدا و ای زاده پیامبر او؛ ای فرزند

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا بِنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، يَا سَيِّدَ شَبَابِ

امیر مؤمنان و فاطمه زهرا. ای سرور جوانان

أَهْلِ الْجَنَّةِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا

اهل بهشت؛ و ای حجت خدا بر آفریدگانش؛ ای آقا

وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى

و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جستاریم

اللَّهِ، وَقَدَّمَ نَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا

و تو را پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا

وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

و آخرت. ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت نما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى أَبِي الْأَيْمَةِ،

بار خدایا؛ درود و سلامت را بر پدر امامان

وَسِرَاجِ الْأُمَّةِ، وَكَاشِفِ الْغَمِّ، وَمُحْيِي السَّنَةِ،

و چراغ امت اسلام و برطرف‌کننده غم و اندوه و احیاکننده سنت فرو فرست،

وَسِنِّي الْأُمَّةِ، وَرَفِيعِ الرَّثْبَةِ، وَأَنْبَسِ الْكُرْبَةِ،

آن بزرگمرد بلندهمت و عظیم‌الشان که همواره با اندوه فراوان همدم بود

وَصَاحِبِ النُّدْبَةِ، الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ طَبِيبَةَ، الْمُبَرَّرِ

و نوحه و ناله داشت، در زمین پاکیزه مدینه مدفون گشت و او

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَأَفْضَلِ الْمُجَاهِدِينَ، وَأَكْمَلِ

از هر عیب و زشتی به دور بود، برترین مجاهدان و کامل‌ترین

الشَّاكِرِينَ وَالْحَامِدِينَ، شَمْسِ نَهَارِ الْمُسْتَغْفِرِينَ،

شکرگزاران و ستایشگران بود، خورشید تابنده روزهای توبه‌کنندگان

وَقَمَرٍ لَيْلَةٍ الْمُتَهَجِّدِينَ، الْأِمَامِ بِالْحَقِّ زَيْنِ

و ماه فروزنده شبهای متعهدان. پیشوای بر حق و زینت

الْعَابِدِينَ، أَبِي مُحَمَّدٍ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (صَلَوَاتُ

عبادتکنندگان حضرت ابا محمد علی بن حسین - درودها

اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمَا). الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

و سلامهای خدای بر او باد .- درود و سلام بی‌کران خداوند بر تو باد ای

أَبَا مُحَمَّدٍ، يَا عَلِيُّ بْنَ الْحُسَيْنِ، يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ،

ابا محمد؛ ای علی بن حسین؛ ای زینت عبادتکنندگان.

أَيُّهَا السَّجَادُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

ای بسیار سجدهکننده در درگاه خداوند؛ ای زاده پیامبر خدا؛ ای فرزند امیر مؤمنان؛

يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا

ای حجت خدا بر بندگانش؛ ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده

وَأَسْتَشْفَعُنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ

و شفاعت طلبیده و توسل جسته‌ایم و تو را پیشاپیش

يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ

حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا و آخرت. ای ابرومند نزد

اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ

خدا، برای ما نزد خداوند شفاعت نما. خداوند! سلام و رحمت و برکاتت را

عَلَى قَمَرِ الْأَقْمَارِ، وَنُورِ الْأَنْوَارِ، وَقَائِدِ الْأَخْيَارِ،

بر ماه ماهرویان و روشنی‌بخش روشنائی‌ها و پیشرو نیکوکاران

وَسَيِّدِ الْأَبْرَارِ، وَالطُّهْرِ الطَّاهِرِ، وَالْبَدْرِ الْبَاهِرِ،

و آقای خوبان فرو فرست، آن پاک و پاکیزه سرشت و ماه شب چهارده فروزان

وَالنَّجْمِ الزَّاهِرِ، وَالْبَحْرِ الزَّاهِرِ، وَالذُّرِّ الْفَاخِرِ،

و ستاره درخشان. دریای بی‌کران (علم و دانش)، و دُرّ فاخر و گرانبها

الْمَلَقَبِ بِالْبَاقِرِ، أَلْسَيِّدِ الْوَجِيهِ، أَلْإِمَامِ النَّسَبِيهِ،

و ملقب به باقر، آقای ابرومند و پیشوای شریف و آگاه،

الْمَدْفُونِ عِنْدَ جَدِّهِ وَأَبِيهِ، الْحَبْرِ الْمَلِيِّ عِنْدَ الْعَدُوِّ

مدفون در نزد جد و پدرش، آن دانشمند سرشار از علم و دانش، نزد دوست و دشمن،

وَالْوَلِيِّ، الْأِمَامِ بِالْحَقِّ الْأَزَلِيِّ، أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ

امام بر حق همیشگی حضرت ابا جعفر محمد بن

عَلِيِّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

علی که بر هر دوی آن‌ها درود خدا باد. درود و رحمت خدا بر تو ای

أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الْبَاقِرُ يَا بَنَ رَسُولِ

ابا جعفر؛ ای محمد بن علی؛ ای شکافنده علوم؛ و ای زاده رسول

اللَّهِ، يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا

خدا؛ و ای فرزند امیر مؤمنان؛ ای حجت خدا بر بندگانش؛ و ای

سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ

آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جستیم

إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا

و تو را پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا

وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

و آخرت، ای ابرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت فرما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الصَّادِقِ

خداوندا؛ درود و رحمت فرست بر آقای راستگوی

الصَّادِقِ، الْعَالِمِ الْوَثِيقِ، الْحَلِيمِ الشَّفِيقِ، الْهَادِي

تصدیق‌کننده، و دانشمند مورد اطمینان، بردبار دلسوز و هدایت‌کننده

إِلَى الطَّرِيقِ، السَّاقِي شِبَعَتَهُ مِنَ الرَّحِيقِ، وَمُبَلِّغِ

به راه حق، او که شبعانش را از شراب طهور سیراب می‌سازد و

أَعْدَائِهِ إِلَى الْحَرِيقِ، صَاحِبِ الشَّرَفِ الرَّفِيعِ،

دشمنانش را به آتش جهنم سرازیر می‌نماید. صاحب شرافتی بلند

وَالْحَسْبِ الْمَنِيعِ، وَالْفَضْلِ الْجَمِيعِ، الشَّفِيعِ ابْنِ

و حسبی برجسته و فضل و دانش جامع، آن که خود و پدرش هر دو

الشَّفِيعِ، الْمَدْفُونِ بِالْبَقِيعِ، الْمَهْدَبِ الْمُؤَيَّدِ، الْإِمَامِ

شفاعت‌کننده‌اند، او که در قمع مدفون است، آن تهذیب‌شده تأییدگشته، پیشوای

الْمُمَجَّدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (صَلَوَاتُ اللَّهِ

عظیم الشأن، حضرت ابا عبدالله جعفر بن محمد - درودها و سلام خدا

وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ). الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ

بر او باد - . درود و سلام بر تو ای ابا عبدالله؛

اللَّهِ، يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، أَيُّهَا الصَّادِقُ يَا بَنَ رَسُولِ

ای جعفر بن محمد؛ ای صادق راستگو و ای زاده پیامبر؛

اللَّهِ، يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا

و ای فرزند امیر مؤمنان؛ و حجت خدا بر بندگانش؛ ای

سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ

آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جستیم

إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا

و تو را پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا

وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

و آخرت، ای ابرومند در درگاه خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت فرما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْكَرِيمِ،

بار خدایا؛ درود و رحمت و برکت خویش را بر سید بخشنده

وَالْإِمَامِ الْحَلِيمِ، وَسَمِيِّ الْكَلِيمِ، الصَّابِرِ الْكَبِيرِ،

و پیشوای بردبار، همنام موسی کلیم، شکیبائی که خشمش را فرو می‌برد،

قَائِدِ الْجَيْشِ، الْمَدْفُونِ بِمَقَابِرِ قُرَيْشٍ، صَاحِبِ

فرمانده گروه شیعه فرو فرست، او که در مقبره‌های قریش مدفون گشت، دارای

الشَّرَفِ الْأَنْوَرِ، وَالْمَجْدِ الْأَظْهَرِ، وَالْجَبِينِ الْأَطْهَرِ

شرف نورانی و عظمت آشکار و جبین و پیشانی پاکیزه

[الْأَزْهَرِ ح]، الْأِمَامِ بِالْحَقِّ أَبِي إِبْرَاهِيمَ مُوسَى بْنِ

(درخشان)، پیشوای بر حق حضرت ابا ابراهیم موسی بن

جَعْفَرٍ (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ). الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

جعفر - درودها و سلام خدا بر او باد.. درود و رحمت خدا

عَلَيْكَ يَا أَبَا إِبْرَاهِيمَ، يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، أَيُّهَا

بر تو ای ابا ابراهیم؛ ای موسی بن جعفر؛ ای

الْكَاطِمِ، وَأَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ،

امام کاظم؛ ای بنده شایسته خدا؛ ای زاده رسول خدا؛

يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا

و ای فرزند امیر مؤمنان؛ ای حجت خدا بر بندگانش؛ ای

سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ

آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جستیم

إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا

و تو را پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا

وَالْآخِرَةَ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

و آخرت. ای آبرومند در درگاه خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت نما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْمَعْصُومِ،

بار خدایا؛ درود و رحمت و برکت خود را فرو فرست بر آن سرور معصوم

وَالْإِمَامِ الْمَظْلُومِ، وَالشَّهِيدِ الْمَسْمُومِ، وَالْغَرِيبِ

و امام ستم‌دیده و شهید مسموم و غریب

الْمَعْمُومِ، وَالْقَتِيلِ الْمَحْرُومِ، عَالِمِ عِلْمِ الْمَكْتُومِ،

غمدیده، کشته‌شده‌ای که محروم (از حق خود) گشت، او که به علم غیب و پنهان آگاه بود،

بَدْرِ النُّجُومِ، شَمْسِ الشُّمُوسِ، وَأَنْبَسِ النُّفُوسِ،

ماه ستارگان و خورشید خورشیدها و همدم جانها،

الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ طُوسِ، الرَّضِيِّ الْمُرْتَضَى،

دفن‌شده در سرزمین طوس، آن که همگان از او خوشنود و راضی بودند،

الْمُرْتَجَى الْمُجْتَبَى، الْأِمَامِ بِالْحَقِّ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ

برگزیده‌ای که همگان به لطفش چشم امید دوخته بودند، پیشوای بر حق حضرت ابالحسن علی

ابْنِ مُوسَى الرَّضَا (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ).

این موسی الرضا (که درودها و سلام خدا بر او باد).

الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ، يَا عَلِيَّ بْنَ

سلام و رحمت خدای بر تو ای ابا الحسن؛ ای علی بن

مُوسَى الرَّضَا، يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

موسی الرضا؛ ای زاده پیامبر خدا و ای فرزند امیر مؤمنان؛

يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا

ای حجت خدا بر بندگانش؛ ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده

وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ

و شفاعت طلبیده و توسل جست‌ایم و تو را پیشاپیش

يَدَيْ حَاجَتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ

حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا و آخرت. ای آبرومند نزد

اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ

خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت فرما. بار خدایا؛ درود و سلام

وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْعَادِلِ الْعَالِمِ، الْعَامِلِ الْكَامِلِ،

و برکاتت را بر سرور دادگر دانشمند فرو فرست، آن عامل به کمال رسیده

الْفَاضِلِ الْبَازِلِ، الْأَجْوَدِ الْجَوَادِ، الْعَارِفِ بِأَسْرَارِ

و دارای فضل و بخشنده، بخشنده‌ترین بخشش‌کننده، عارف به اسرار

الْمَبْدِئِ وَالْمَعَادِ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، مَنَاصِ الْمُحِبِّينَ

مبدأ و معاد (آغاز و فرجام عالم) و او که برای قوم، هادی و راهنما بود و پناهگاه دوستدارانش

يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ، الْمَذْكَورِ فِي الْهَدَايَةِ وَالْإِرْشَادِ،

در روز محشر. و آن که در راه راهنمایی و ارشاد امت، راهبر است

الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ بَعْدَادَ، السَّيِّدِ الْعَرَبِيِّ، وَالْإِمَامِ

و در بغداد مدفون گشت. آن سید عرب نژاد و پیشوای

الْأَحْمَدِيِّ، وَالنُّورِ الْمُحَمَّدِيِّ، الْمَلَقَّبِ بِالتَّقِيِّ،

احمدی‌نسب، و نور محمدی که به «تقی» (باتقوا و پرهیزکار) ملقب شد،

الْإِمَامِ بِالْحَقِّ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ

امام بر حق حضرت ابا جعفر محمد بن علی - بر او

السَّلَامُ. الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ، يَا

سلام باد. درود و سلام بر تو ای ابا جعفر؛ ای

مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا التَّقِيُّ الْجَوَادُ، يَا بْنَ رَسُولِ

محمد بن علی؛ ای تقوایشه بخشنده؛ ای زاده رسول

اللَّهِ، يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا

خدا و ای فرزند امیر مؤمنان؛ ای حجت خدا بر بندگانش؛ ای

سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ

آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جست‌ایم

إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَتِنَا فِي الدُّنْيَا

و تو را پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا

وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

و آخرت، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت فرما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى الْأِمَامَيْنِ

خداوندا؛ درود و رحمت و برکات خود را بر دو امام

الْمُهَامَيْنِ، السَّيِّدَيْنِ السَّنَدَيْنِ، الْفَاضِلَيْنِ

بزرگوار نازل فرما. بر دو آقا و پشتیبان امت، بر دو فاضل

الْكَامِلَيْنِ، الْبَادِلَيْنِ الْعَادِلَيْنِ، الْعَالَمَيْنِ الْعَامِلَيْنِ،

کامل و بخشنده عادل، دو دانشمند عملکننده،

الْأَوْزَعَيْنِ الْأَطْهَرَيْنِ، النُّورَيْنِ النَّبِيِّينِ،

و دو پرهیزکارتر پاک‌تر، دو نور درخشنده

وَالشَّمْسَيْنِ الْقَمَرَيْنِ، الْكُوكَبَيْنِ الْأَسْعَدَيْنِ،

و دو خورشید تابنده و دو ماه (هدایت) و دو ستاره سعادتبخش،

وَارِثِي الْمَشْعَرَيْنِ، وَأَهْلِي الْحَرَمَيْنِ، كَهْفِي التَّقَى،

دو وارث مشعر و منی و دو اهل مکه و مدینه و دو استوانه تقوا

عَوْثِي الْوَرَى، بَدْرِي الدُّجَى، طُودِي النَّهَى،

و دو قریادرس مردم و دو ماه درخشنده تاریکی‌ها و دو کوه عقل و خرد،

عَلَمِي الْهُدَى، الْمَدْفُونَيْنِ بِسَرِّ مَنْ رَأَى، كَاشِفِي

و دو بیرق هدایت، آن بزرگوارانی که در سز من رأی (سامرا) دفن گشتند. انانی که

الْبَلْوَى وَالْمِحْنَ، صَاحِبِي الْجُودِ وَالْمِنَنِ، الْأِمَامَيْنِ

بلا و محنت‌ها را برطرف می‌کنند و بر امت، جود و احسان دارند. دو امام

بِالْحَقِّ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ وَأَبِي

بر حق ابوالحسن علی بن محمد نقی (پاکیزه) و ابا

مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمَا).

محمد حسن (درودها و سلام خدا بر هر دوی آنان باد).

الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَيْكُمَا يَا أَبَا الْحَسَنِ وَيَا أَبَا

درود و سلام بر شما ای ابا الحسن؛ و ای ابا

مُحَمَّدٍ، وَيَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَيَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ،

محمد؛ ای علی بن محمد؛ و ای حسن بن علی؛

أَيُّهَا النَّقِيُّ الْهَادِي وَأَيُّهَا الزَّكِيُّ الْعَسْكَرِيُّ، يَا بَنِي

ای امام پاک خالص هدایتگر؛ و ای امام زکی عسکری؛ (پاکیزه سرشت همیشه محصور)

رَسُولِ اللَّهِ، يَا بَنِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا حُجَّتِي اللَّهُ

ای زادگان رسول خدا و ای فرزندان امیر مؤمنان؛ ای حجت‌های خداوند

عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، يَا سَيِّدَيْنَا وَمَوْلَيْنَا إِنَّا

بر بندگانش؛ و ای دو سرور و مولای ما؛

تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكُمْ إِلَى اللَّهِ،

ما به واسطه شما به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جست‌هایم

وَقَدَّمْنَا كَمَا بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،

و شما را پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا و آخرت،

يَا وَجِيهَيْنِ عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعَا لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ

ای آبرومندان نزد خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت کنید. خدای من؛

وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَيَّ صَاحِبِ الدَّعْوَةِ النَّبَوِيَّةِ،

سلام و صلوات و برکات خویش را فرو فرست بر صاحب دعوت نبوی

وَالصَّوْلَةِ الْحَيْدَرِيَّةِ، وَالْعِصْمَةِ الْفَاطِمِيَّةِ، وَالْحِلْمِ

و دلیری حیدری و عصمت فاطمی و بردباری

الْحَسَنِيَّةِ، وَالشُّجَاعَةِ الْحُسَيْنِيَّةِ، وَالْعِبَادَةِ

حسنی و شجاعت حسینی و عبادت و بندگی

السَّجَادِيَّةِ، وَالْمَآثِرِ الْبَاقِرِيَّةِ، وَالْآثَارِ الْجَعْفَرِيَّةِ،

سجادی و آثار بجای مانده باقری، و آثار جعفری

وَالْعُلُومِ الْكَاطِمِيَّةِ، وَالْحُجَجِ الرَّضَوِيَّةِ، وَالْجُودِ

و دانش‌های کاظمی و حجت‌های رضوی و بخشندگی

التَّقْوِيَّةِ، وَالتَّقَاوَةِ النَّقْوِيَّةِ، وَالْهَيْبَةِ الْعَسْكَرِيَّةِ،

تقوی و پاکیزگی نقوی و هیبت عسکری

وَالْغَيْبَةِ الْإِلَهِيَّةِ، الْقَائِمِ بِالْحَقِّ، وَالِدَّاعِيِ إِلَى

و غیبت الهی، آن قیام‌کننده بر حق و فراخواننده به

الصِّدْقِ الْمَطْلُوقِ، كَلِمَةِ اللَّهِ وَأَمَانِ اللَّهِ وَحُجَّةِ اللَّهِ،

راستی مطلق، کلمه خدا و امان خدا و حجت خدا.

الْغَالِبِ بِأَمْرِ اللَّهِ، وَالذَّابِّ عَنِ حَرَمِ اللَّهِ، إِمَامِ السِّرِّ

ظفرمند با امر خدا و حمایت‌کننده از حرم خدا، پیشوای آشکار

وَالْعَلَنِ، دَافِعِ الْكَرْبِ وَالْمِحَنِ، صَاحِبِ الْجُودِ

و نهان، دورکننده اندوه و محنت، دارای بخشندگی

وَالْمِنَّنِ، الْإِمَامِ بِالْحَقِّ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ

و احسان، پیشوای بر حق حضرت ابا القاسم محمد بن

الْحَسَنِ، صَاحِبِ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ، وَخَلِيفَةِ

حسن، صاحب عصر و زمان، و جانشین

الرَّحْمَانِ، وَإِمَامِ الْإِنْسِ وَالْجَانِّ (صَلَوَاتُ اللَّهِ

خدای رحمان و پیشوای انسان‌ها و پریان، (درودها

وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ). الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ

و سلام خدا بر او باد). درود و رحمت بر تو ای وصی

الْحَسَنِ، وَالْخَلْفَ الصَّالِحَ، يَا إِمَامَ زَمَانِنَا، الْقَائِمِ

امام حسن؛ ای جانشین شایسته و ای امام زمان ما؛ قیام‌کننده

الْمُنْتَظَرِ الْمَهْدِيِّ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا

هدایت‌شده‌ای که مورد انتظار همگان است. ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی

وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ

آورده و شفاعت طلبیده و توسل جست‌ایم و

يَدَيَّ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ

در دنیا و آخرت تو را پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم. ای آبرومند نزد

اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.

خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما.

حاجت‌ها را از خداوند بخواهید و سپس دست‌ها را بلند

نموده بگویید:

يَا سَادَتِي وَمَوَالِيَّ، إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ، أَنْتُمْ أُمَّتِي

ای عزیزانی که سرور و سالار من هستید؛ من به شما رو آوردم که شما پیشوایان من هستید

وَعُدَّتِي لِيَوْمِ فَقْرِي وَفَاقَتِي وَحَاجَتِي إِلَى اللَّهِ،

و شما سرمایه من در روز فقر و بیچارگی، و نیازم نزد خداوند هستید

وَتَوَسَّلْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ، وَبِحُبِّكُمْ وَبِقُرْبِكُمْ أَرْجُو النَّجَاةَ

و به وسیله شما به خداوند توسل جسته و با دوستی و تقرب به شما نجات را

مِنَ اللَّهِ، فَكُونُوا عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى رَجَائِي، يَا سَادَاتِي يَا

از درگاه خدا امید دارم. پس نزد خدای بلندمرتبه امید من باشید. ای سروران من؛ ای

أَوْلِيَاءَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ. اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ

دوستان خدا؛ درود خدا بر همگی شما باد. بار خدایا؛ همانا اینان،

أَيْمَنَّا وَسَادَتُنَا وَقَادَتُنَا وَكِبْرَانُنَا وَشُفَعَاءُنَا، بِهِمْ

امامان و سروران و فرماندهان و بزرگان و شفعیان ما هستند، به ایشان

أَتَوَلَّى وَمِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرَّءُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

آرادت و دوستی دارم و از دشمنان‌شان بی‌زاری می‌جویم در دنیا و آخرت.

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُمْ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُمْ، وَأَنْصُرْ مَنْ

خداوندا؛ آنکه آنان را دوست بدارد دوست بدار و آنکه دشمن بدارد دشمن بدار، کسی را که به آنها یاری رساند، یاری

نَصْرَهُمْ، وَآخِذْ مَنْ خَذَلَهُمْ، وَالْعَنْ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُمْ،

کن و کسی که ترک یاری ایشان نمود خوار و ذلیل فرما، و از رحمت خویش دور بدار هر آن که به آنان ستم

وَعَجِّلْ فَرَاجَهُمْ، وَأَهْلِكْ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ

نماید. و در فرج آنان تعجیل فرما، و دشمن ایشان را نابود فرما، چه از جن باشد و چه از انسان،

مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

چه از دوران‌های سابق باشد و چه از دوران‌های بعد از آن ای پروردگار عالمیان؛ این دعا را اجابت فرما.

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا فِي الدُّنْيَا زِيَارَتَهُمْ، وَفِي الْآخِرَةِ

خداوندا؛ در دنیا زیارت آنان و در آخرت شفاعتشان را نصیب ما بفرما،

شَفَاعَتَهُمْ، وَاحْشُرْنَا مَعَهُمْ وَفِي زَمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ

و ما را با آنان محشور کن، و در گروه آنان و در زیر

لِوَائِهِمْ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا فِي

پرچم آنان قرارمان ده. و بین ما و آنان، لحظه‌ای (چشم بهم‌زدنی) جدایی می‌تواند نه در

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۱.

دنیا و نه در آخرت. به رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.



دعای توسّل به حضرت بقیة الله عز وجل

در کتاب «قبس المصباح» دعای مختصری (برای توسّل به مولای مان صاحب الزمان ارواحنا فداء) نقل شده که عبارت است از:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ وَحُجَّتِكَ صَاحِبِ

خداوندا؛ از تو درخواست می‌کنم به حق ولی و حجتت، صاحب

الزَّمانِ إِلَّا أَعَنْتَنِي بِهِ عَلَى جَمِيعِ أُمُورِي، وَكَفَيْتَنِي

زمان، این که به واسطه آن حضرت، مرا در همه کارهایم یاری رسانی و به وسیله او

بِهِ مَوْوَنَةً كُلِّ مُؤَذِّبٍ وَطَاغِ وَبَاغٍ، وَأَعَنْتَنِي بِهِ، فَقَدْ

مرا از شرّ هر طغیانگر و ستمگر و آزاررسانی در امان بداری و کمک کنی. به راستی که

بَلَغَ مَجْهُودِي، وَكَفَيْتَنِي كُلَّ عَدُوٍّ وَهَمٍّ [وَعَمٍّ]

ناتوان گشته و جانم به لب رسیده، و از هر دشمن و (غم و اندوهی) و مشکلات

وَدَيْنٍ، وَوُلْدِي وَجَمِيعِ أَهْلِي وَإِخْوَانِي، وَمَنْ

و قرضی کفایت کنی مرا و فرزندانم و همه اهل و برادرانم را، و هر کس

يُعِينُنِي أَمْرُهُ وَخَاصَّتِي، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.^۱

کار او به من مربوط می‌شود و نیز خاضان مرا، این دعا را بپذیر ای پروردگار جهانیان.

۱. نجم الثاقب: ۷۳۱.

در کتاب «جنّات الخلود» می‌فرماید: فتح و پیروزی بردشمنان در جنگ‌ها و غیر آن، و نیز ادای قرض‌ها، بستگی به توسّل به حضرت مهدی ارواحنا فداء به این طریق دارد.^۱ سپس این دعا را نقل نموده است.



توسّل به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء

در مشکلات

از وظائف بزرگ ما توجّه و توسّل به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء می‌باشد؛ مخصوصاً در هنگام سختی‌ها، مشکلات شدید و بیماری‌های دشوار که بر انسان وارد می‌شود.

در این هنگام وظیفه ما برای حلّ آن مشکلات و رهایی از آنها، توسّل به امام زمان ارواحنا فداء است که سرپرست امور ما است.

بنابراین در همه گرفتاری‌ها مخصوصاً زمانی که بیچارگی و اضطراب سراسر وجودمان را احاطه کرده، باید به منتقم آل الله امام زمان صلوات الله علیه متوسّل شویم و بدانیم همه گرفتاری‌ها و سختی‌هایی که به ما می‌رسد بر اثر غیبت آن حضرت است، و ما موظّف هستیم برای ظهور آن بزرگوار دعا کنیم.

۱. جنّات الخلود: ۴۰.

در «بحار الأنوار» می فرماید: ابوالوفاء شیرازی چنین گوید:
در زندانی محصور بودم و به خاطر آن پریشان بودم و به واسطه
امامان علیهم السلام با خدا به راز و نیاز پرداختم، هنگامی که شب جمعه
رسید پس از نماز خوابیدم و پیامبر صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم.
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را در خواب راهنمایی فرمود که برای هر
حاجتی به کدام امام و چگونه متوسل گردد؟ آن گاه پیغمبر
خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود:

وَأَمَّا صَاحِبُ الزَّمَانِ فَإِذَا بَلَغَ مِنْكَ السَّيْفُ الذَّبِيحَ ، فَاسْتَعِنِ
بِهِ ، فَإِنَّهُ يَعِينُكَ وَوَضِعُ يَدِهِ عَلَى حَلْقِهِ .

و اما صاحب الزمان؛ پس هرگاه شمشیر به گلوگاهت رسید - و
دستش را بر حلقش نهاده بود - از او یاری بخواه که یاریت
می رساند.

(ابو الوفاء می گوید:) در خواب صدا زدم:

يَا مَوْلَايَ ؛ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ؛ أَذْرِكُنِي فَقَدْ بَلَغَ مَجْهُودِي .
ای مولای من؛ ای صاحب الزمان؛ مرا دریاب که همانا جانم به
لب رسیده است.

و ناگهان بیدار شدم و دیدم که زندان بانان، زنجیر از من باز
می کنند.^۱

در «سلاح المؤمنین» می فرماید: پدرم چنین فرمود:

إِنَّ دَنَا مِنْ نَحْرِكَ السَّيْفُ اسْتَعِثْ بِوَلِيِّ الْعَصْرِ مَوْلَاكَ وَقُلْ :
يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَغْنِنِي ، يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَذْرِكُنِي
فَهُوَ يُسَابُ اللَّهَ وَالرَّحْمَةَ وَالْغَوْثُ وَابْنُ الْمُصْطَفَى فَخَرِ الرَّسُولِ

هنگامی که شمشیر بر گردنت نهادند استغاثه کن و یاری بخواه
از مولایت ولی عصر و چنین بگو: ای صاحب الزمان؛ به فریادم
برس، ای صاحب الزمان؛ مرا دریاب.

او باب خدا و رحمت الهی و فریادرس و زاده مصطفی فخر
پیامبران است.^۱

محدث نوری رحمته الله علیه می فرماید: ظاهراً مقصود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
از این سخن این نیست که فقط در هنگام گرفتاری در دست
دشمنان - که قصد کشتن و نابودی شما را دارند - به امام عصر ارواحنا
فداه متوسل شوید، بلکه کنایه از این است که باید به آن حضرت
توسل جست هر وقت سختی به حد آخر رسیده باشد و اسباب
مادّی و امید به مخلوقین از بین رفته باشد و صبر انسان لبریز
گردد. و تفاوتی نمی کند که بلا و مصیبت دینی باشد یا دنیوی، از
شرّ انسان باشد یا از شرّ جن، چنان که از دعای مذکور (در ص
۶۷۰)، این مطلب روشن می گردد.

بنابراین، وظیفه مضطر، بیچاره و ناتوان، دادخواهی و کمک خواستن از آن وجود مقدس ارواحنا فداه است و اجابت و فریاد رسی از منصب‌های الهی آن بزرگوار می‌باشد.

و چنانچه شخص مضطر از شدت پریشانی و بیچارگی‌اش نتواند با زبان اظهار کند و دعایی که از اهل بیت علیهم‌السلام رسیده بخواند و به حضرت استغاثه کند، کافی است با زبان حال از او یاری بخواهد یعنی بداند و اقرار کند که او ولی و امامش می‌باشد و مربی او و واسطه فیض خدا، فقط وجود مقدس اوست و چراغ هدایت در تاریکی‌های بیابان غیبت فقط اوست.

پس بفهمد و بشناسد که آن‌هایی که در سفر طاعت مثل مسافرت حج و زیارت استغاثه می‌کنند، کسی جز امام زمان که فریادرس دوران است، آن‌ها را نجات نمی‌دهد و به فریادشان نمی‌رسد.

شاهد بر این ادعا آن است که «غوث» از لقب‌های اختصاصی آن حضرت است که در زیارت‌های معتبر وارد شده است و معنای آن فریاد رس است. و البته بدیهی است این لقب خدادادی مجرد اسم نیست و طبعاً صاحب این لقب باید بتواند صدای هر کسی را از هر جایی بشنود و به هر زبانی هم که فریاد رسی از او شود، باید بداند.

بلکه علمی داشته باشد که به حالات فریاد طلبان و دادخواهان احاطه داشته باشد بدون این که آنان استغاثه‌ای نمایند، همان‌گونه

که در توقیعی به شیخ مفید رحمته‌الله چنین می‌فرماید.

و او قدرت دارد که در صورت صلاحدید، استغاثه کننده را از دریای گرفتاری و بلانجات دهد به هر حالی که باشد و به هر زبانی که فریاد برآورد و لایق این مقام نیست مگر کسی که از مقام والای امامت برخوردار است و قدم بر بساط ولایت نهاده است. و نیز این سخن را تأیید می‌کند آنچه بین عرب (شهرنشین و بادیه‌نشین) مشهور است که او را «ابا صالح» می‌خوانند و بدو متوسل نمی‌شوند و شکایت به نزدش نمی‌برند و استغاثه و ندبه‌اش نمی‌کنند، مگر به این اسم مقدس یعنی «ابا صالح».^۱



توسل به حضرت بقیة الله عجل‌الله‌فرجه‌الکبری

در مشکلات (یا فارس الحجاز)

روایت شده است که:

هر مؤمنی که امری از امور دنیوی یا آخروی بر او دشوار گردد، به صحرا رود و این دعا را هفتاد مرتبه بخواند، یاری حضرت صاحب‌الأمر ارواحنا فداه به او می‌رسد:

۱. نجم‌الناقب: ۷۳۲.

يَا فَارِسَ الْحِجَازِ أَذْرِكُنِي ، يَا أَبَا صَالِحِ الْمَهْدِيِّ

ای اسب سوار حجاز؛ مرا دریاب، ای ابوالصالح المهدی؛

أَذْرِكُنِي ، يَا أَبَا الْقَاسِمِ أَذْرِكُنِي وَلَا تَدَعْنِي ،

مرا دریاب، ای ابوالقاسم؛ مرا دریاب، مرا دریاب، و مرا رها نکن

فَإِنِّي عَاجِزٌ ذَلِيلٌ .^۱

که همانا من درمانده‌ای ناتوان و خوار هستم.



توسّل دیگر به حضرت بقیة الله ﷺ

در مشکلات (یا محمد یا علی ...)

عالم بزرگوار عراقی ﷺ در کتاب «دار السلام» می‌فرماید: ملأ

قاسم رشتی ﷺ چنین گوید:

به اصفهان رفتم و به مقبره تخت فولاد در روزی غیر از پنجشنبه روانه شدم و چون در آن دیار غریب بودم نمی‌دانستم که مردم آن شهر فقط شبهای جمعه به زیارت اهل قبور می‌روند، و در دیگر ایام، مقبره خالی از مردم است و چیزی در آنجا یافت نمی‌شود. وقتی در خیابان قدم برمی‌داختم، میل داشتم که قلیانی بکشم، خادمی که همراه من بود گفت:

۱. منتخب الخنوم: ۱۹۶.

در این اطراف جز شب‌های جمعه چیزی پیدا نمی‌شود. من هم گفتم: زیارت اهل قبور را برای کشیدن قلیان ترک نمی‌کنم و داخل قبرستان شدم و شروع به قرائت فاتحه کردم که ناگاه مردی را مشاهده نمودم که در گوشه حیاط نشسته بود. آن شخص گفت: ملا قاسم؛ چرا وقتی وارد شدی، طبق سنت پیامبر ﷺ، سلام نکردی؟ شرمنده شدم و از او معذرت خواستم و گفتم: دور بودم و می‌خواستم وقتی نزدیک شدم سلام کنم. گفت: نه، شما اهل علم ادب ندارید.

هیبتش بر دلم افتاد و به او نزدیک شدم و سلامش نمودم. جوابم داد و نام والدین مرا برد گفت: آن‌ها فرزند پسر نداشتند و پدرت نذر کرد که اگر خداوند به او فرزند پسری عنایت کند، او را از اهل حدیث و از نیکان قرار دهد. آن‌گاه خدا تو را به او عنایت کرد و او هم به نذرش وفا نمود.

گفتم: بلی؛ این را شنیده‌ام. سپس گفتم: اگر می‌خواهی قلیان بکشی در کیسه من موجود است، بردار و آماده کن تا باهم بکشیم. اراده کردم که به خادمم دستور دهم، ولی به مجرد این اراده همینکه از دلم خطور کرد به من گفت: نه، خودت آماده کن. گفتم: چشم و قلیان را آماده نمودم و کشیدم، سپس به او دادم، او هم کشید و به من بازگردانید، آن‌گاه چنین گفت: چند روز قبل به اینجا آمدم و هیچ میلی به اهل این شهر و به داخل شدن در این

شهر نداشتیم و همانا دوستی در مازندران دارم و می‌خواهم به زیارت او بروم. سپس به من گفت: در این مقبره، قبور عدّه‌ای از پیامبران است، برخیز و آن‌ها را همراه من زیارت کن.

پس برخاست و کیسه‌اش را برداشت و باهم رفتیم تا به جایی رسیدیم، گفت: اینجا، قبور انبیا است و آن‌گاه زیارتی خواند که من هرگز در کتاب‌ها آن را ندیده بودم، به هر حال، همراه او خواندم، سپس از قبرها دور شد و گفت: من عازم مازندران هستم، می‌توانی از من چیزی بخواهی.

از او خواستم که به من علم کیمیا را بیاموزد.

گفت: آن را به تو نمی‌آموزم، اصرار ورزیدم.

گفت: رزق و روزی هرکسی مقدر و معین شده، و آنچه

می‌خواهی در اواخر عمرت به تو می‌رسد.

گفتم: چه می‌شود اگر من از فقر و فلاکت نجات یابم؟

گفت: دنیا ارزشی ندارد.

گفتم: به خاطر دوستی و حبّ دنیا این تقاضا را از تو نکردم.

گفت: پس چرا فقط از امور دنیوی تقاضا نمودی؟ ولی من

همچنان به خواسته خود پافشاری کردم.

گفت: اگر در مسجد سهله مرا دیدی، خواسته‌ات را برمی‌آورم.

گفتم: پس دعایی به من تعلیم نما.

گفت: دو تا دعا به تو یاد می‌دهم؛ یکی به تو اختصاص دارد و

دیگری برای همگان، و اگر مؤمن گرفتاری آن را بخواند حتماً مؤثر واقع می‌شود، سپس آن دعاها را برایم خواند.

گفتم: متأسفانه قلمی ندارم تا دعاها را بنویسم و قدرت حفظ کردن آن را هم ندارم.

گفت: در کیسه من قلم و کاغذ است، بردار.

دست در کیسه نمودم و با تعجب دیدم که قلیان و دیگر وسایلی که قبلاً بود، در آن نیست و فقط دوات و قلم و کاغذی به اندازه نیاز و نوشتن آن دو دعا موجود است. بسی شگفت‌زده شدم! با تندى به من گفت: زود باش و معطلم نکن که می‌خواهم بروم.

مضطرب شدم و سر به طرف زمین نهاده مهبّای نوشتن شدم. دعای اوّلی را املاء کرد و من نوشتم. به دعای دوّم که رسید این گونه قرائت کرد:

يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا فَاطِمَةُ، يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

ای محمّد، ای علی، ای فاطمه، ای صاحب زمان،

أَدْرِكْنِي وَلَا تُهْلِكْنِي.

مرا دریاب و هلاکم نکن.

من در عبارت دعا تأملی کردم و او که دید به فکر فرو رفته‌ام

گفت: آیا عبارت را غلط می‌دانی؟

گفتم: آری، زیرا خطاب به چهار نفر است و فعل آن باید جمع باشد.

گفت: اشتباه نمودی، اکنون نظم دهنده این عالم، امام زمان ارواحنا فداه است و غیر او در عالم تصرف نمی‌کند و در دعا آن سه بزرگوار یعنی حضرت محمد، علی و فاطمه علیهم‌السلام را شفیعان نزد امام عصر ارواحنا فداه قرار می‌دهیم و فقط از او استمداد می‌کنیم.^۱ دیدم سخن متینی می‌گوید، پس دعا را نوشتیم ولی وقتی سر بلند کردم کسی را ندیدم. از خادم درباره او سؤال کردم.

گفت: من کسی را ندیدم، با حالتی که در من سابقه نداشت به شهر باز گشتم و وارد خانه حاجی کرباسی شدم. او گفت: آیا تیبی بر تو عارض گشته است؟ گفتم: خیر، و ماجرا را برایش تعریف کردم.

او گفت: این دعا را شیخ محمد بیدآبادی به من یاد داد و من در پشت کتاب دعا آن را نوشتم. برخاست و کتاب را آورد ولی در آن چنین بود: «أدرکونی ولا تهلکونی»، آن را پاک کرد و نوشت: «أدرکونی ولا تهلکونی».^۲

۱. از این عبارت معلوم می‌شود که آن شخص، امام زمان ارواحنا فداه نبوده است.

۲. دار السلام عراقی: ۳۱۷.



توسّل دیگر به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه

(یا صاحب الزّمان)

روایت شده است که:

هر که را شدّت و مصیبتی برسد هفتاد بار بگوید:

يَا اللَّهُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيَّ يَا فَاطِمَةَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ،

ای خدا، ای محمد، ای علی؛ ای فاطمه، ای صاحب الزمان.

أَدْرِكْنِي وَلَا تُهْلِكْنِي.^۱

مرا درباب و هلاکم نکن.



توسّل دیگر به آن حضرت صلوات الله علیه

در کتاب «التحفة الرضویّه» آمده است: بعد از نافله مغرب صد مرتبه

صلوات بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام بفرست، سپس هفتاد مرتبه بگو:

يَا اللَّهُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيَّ يَا فَاطِمَةَ يَا حَسَنَ يَا حُسَيْنَ،

ای خدا؛ ای محمد؛ ای علی؛ ای فاطمه؛ ای حسن؛ ای حسین؛

۱. منهاج العارفين: ۴۸۳.

يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، أَدْرِكْنِي يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ .

ای صاحب الزمان؛ مرا دریاب ای صاحب الزمان.

سپس صد مرتبه دیگر بر پیامبر صلوات بفرست و آن گاه حاجت خود را طلب کن.

صاحب کتاب «التحفة الرضویة» در ادامه می نویسد:
سید علامه، حضرت والد فرموده است: این دعا برای برطرف شدن مشکلات و سختی های مهم تجربه شده است.^۱



توسّل دیگر به حضرت حجّت ارواحنا فداه

(یا حجة القائم)

از سید بزرگوار و استاد معظّم، عالم ربّانی و حکیم و فقیه بلندمرتبه سید محمد هندی نجفی دام ظلّه و او از دانشمند محترم سید حسن قزوینی و او از سید حسین شوشتری که از امامان جماعت بود و او از اساتیدش نقل می کند که:

(در سختی ها و مشکلات) سر برهنه رو به قبله بایست و پانصد و هفتاد مرتبه بگو: «يَا حُجَّةَ الْقَائِمِ»، و این عمل تجربه شده است.^۲

۱. التحفة الرضویة: ۱۵۰.

۲. تکالیف الأنام في غیبة الإمام: ۲۵۱.



توسّل برای رفع بیماری

توسّل به اسمی که مولای مان حضرت بقیة الله ارواحنا فداه در دعا برای پایان یافتن دوران غیبت می خوانند:

داوود بن زربی می گوید: در مدینه شدیداً مریض شدم و خبر مریضی من به امام صادق علیه السلام رسید. حضرت به من چنین نوشت:

خبر مریضی تو به من رسید. یک صاع^۱ گندم بخر، آنگاه بر پشت بخواب و گندم را به روی سینه ات بریز هر گونه که ریخته شد و چنین بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا سَأَلَكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ

بار خدا یا؛ از تو درخواست می کنم به آن اسمت که هرگاه مضطر (امام زمان علیه السلام) به آن اسم تو را بخواند،

كشفت ما به من ضرّاً، ومكنت له في الأرض،

مشکلتش را برطرف می کنی و در زمین توانایی و قدرتش می دهی

وجعلته خليفتك على خلقك، أن تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و خلیفه خود بر بندگانت قرارش می دهی، (از تو می خواهم) که بر محمد

وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَنْ تُعَافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي .

و اهل بیتش درود فرستی و مرا از این بیماریم عافیت بخشی.

۱. یک صاع، ۳۹ سیر است که قریب یک من می باشد.

سپس بنشین و گندم را جمع کن و همین دعا را بخوان .
سپس گندم را یک مدّ ، یک مدّ (که هر مدّ ده سیر است)
تقسیم کن و به هر مسکینی یکی از آن را بده و باز همان دعا
را بخوان .

داوود می گوید : این کار را که انجام دادم ، گویی از بند آزاد
شدم و عده ای دیگر هم این دستور را عمل کردند و از آن بهره مند
گردیدند .^۱

پیوسته



بخش هشتم

بخش هشتم



عریضه ما

نوشتن عریضه و نامه حاجت به محضر مولای کریم حضرت مهدی ارواحنا فداه یکی از انواع توسل‌ها و استغاثه‌های مؤثر است و اثر عجیبی در برآمدن حاجت دارد؛ زیرا، مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداه - چنان که در روایات نیز بیان شده است - نسبت به دوستانش بسیار لطف و رأفت دارد و مهربان است. این جانب، بارها به محضر مقدّس آن حضرت نامه نوشته و آثار و فواید عجیبی مشاهده کرده‌ام.

در این بخش، چگونگی چند نوع نامه حاجت را یادآور شده و برخی از داستان‌هایی را که برای برخی از بزرگان پیش آمده است، بیان می‌کنیم.

در کتاب «التحفة الرضویة» می‌فرماید: علامه سید محمد تقی اصفهانی رحمته الله در فصلی از کتابش که در مورد معجزه‌های امام زمان ارواحنا فداه ترتیب داده است می‌نویسد: یکی از معجزه‌ها و

کرامت‌های آشکار آن حضرت این است که با انداختن رقعۀ حاجت و درخواست از آن حضرت، حاجت‌ها برآورده می‌شود؛ و این مطلبی است که با چشم مشاهده گردیده و تجربه شده است. علامۀ بزرگوار مرحوم شیخ عبدالحسین امینی نیز حکایت عجیبی را که در اثر توسل به آن حضرت برایش رخ داده بود برای من بازگو کرد که مجاز نیستم آن را در کتاب بنویسم؛ ولی همین قدر بگویم که با نامه نوشتن به ناحیۀ مقدّسه آن حضرت، آن جریان برایش پیش آمده بود.

سپس افزود: توسل به حضرت مهدی ارواحنفاده را برای کارهای مهم و برآورده شدن حاجت‌ها تجربه کرده‌ام.^۱

جریانی در مورد نوشتن نامه

به محضر امام زمان ارواحنفاده

محدّث نوری علیه السلام در کتاب «جَنَّة المأوی» می‌نویسد:

شخصی بود عابد، نیکوکار و بانقوا به نام جناب سیّد محمّد عاملی، فرزند سیّد عبّاس (از خاندان عبّاس شرف الدین) که در روستای جشیث^۲ در نزدیکی جبل عامل لبنان می‌زیست.

۱. التحفة الرضویة: ۱۵۹.

۲. این کلمه، ترکیب شده است از کلمۀ «جَبّ» و «شِیث»؛ که نام چاهی است که منسوب به حضرت شیث پیامبر علیه السلام است.

داستانی دارد که در اثر تجاوز افراد به حقوقش و ستم بر او، مجبور شد از وطنش با وجود فقر شدید و ناتوانی‌ها به دلیل ترس و وحشت فرار کند. با این که در هنگام خارج شدن از وطن، حتّی به قدری که بتواند خرج یک روز خود را تأمین کند نداشت؛ با این همه، آن قدر آبروداری می‌کرد که به خود اجازه نمی‌داد از کسی درخواست کمک کند.

وی، مدّتی از عمر خود را به جهانگردی پرداخت و در این دوران، در عالم خواب و بیداری جریاناتی شگفت‌انگیز برایش اتفاق افتاد؛ تا این که در نهایت به نجف اشرف رسید و مجاورت آن را اختیار کرد و در یکی از اتاق‌های طبقه بالای صحن مقدّس آن حضرت سکونت گزید.

در آن روزها نیز فقر شدیدی او را رنج می‌داد و جز چند تن، کسی او را نمی‌شناخت و محل سکونتش را نمی‌دانست. و سرانجام پس از پنج سال که از روستای خودش بیرون رفت، در شهر مقدّس نجف دارفانی را وداع گفت.

در ایام زندگانش گاهی با من رفت و آمد داشت و بسیار باعفت و با شرم و ادب بود، و در مراسم عزاداری اهل بیت علیهم السلام نیز نزد من حاضر می‌شد. گاهی برای برطرف شدن تنگدستی خود، برخی از کتاب‌های دعا را از من به امانت می‌گرفت.

زندگی او به گونه‌ای بود که برای غذای روزانه خود جز چند

دانه خرما چیزی در اختیار نداشت. وی، پیوسته دعا‌های درخواست روزی و توسعه آن را می‌خواند و از هیچ ذکر و دعایی در این مورد فروگذار نکرد.

در برخی از ایام نیز به نوشتن نامه حاجت به امام زمان ارواحنا فداه اقدام کرد و تا چهل روز این کار را ادامه داد و هر روز پیش از طلوع آفتاب از درب کوچکی که به طرف دریا باز می‌شود از شهر خارج می‌شد و یک فرسخ یا بیشتر از طرف راست حرکت می‌کرد به گونه‌ای که هیچ کس او را نمی‌دید. پس از آن، نامه خود را گل اندود می‌نمود و آن را به یکی از چهار نایب بزرگوار می‌سپرد، و آن را در آب می‌انداخت. بالأخره سی و هشت یا سی و نه روز گذشت، و در آن روز نیز کار هر روز را انجام داد و برگشت.

او برایم گفت: آن روز بسیار اندوهگین بودم و حالم گرفته بود؛ سرم را پایین انداخته و راه می‌رفتم که در بین راه ناگهان مردی را دیدم که از پشت سر به طرف من آمد و طرز لباس پوشیدنش نیز همانند عرب‌ها بود.

وی بر من سلام کرد و من سلام او را بسیار کوتاه پاسخ دادم، و به دلیل کسالت روحیم به او توجهی نکردم، او مقداری راه را به همراه من آمد؛ در حالی که من همچنان افسرده بودم. و آنگاه با لهجه مردم روستای خودم به من فرمود:

سید محمد؛ حاجت شما چیست؟ سی و هشت (یا سی و نه) روز

است که پیش از طلوع آفتاب از نجف اشرف بیرون می‌آیی و به فلان مکان می‌روی و عریضه‌ات را به آب می‌افکنی و گمان می‌کنی که امام تو، حاجت تو را نمی‌داند و از آن بی‌اطلاع است!؟

سید محمد گوید: از سخنان او در شگفت شدم؛ زیرا من این جریان خود را برای هیچ کس بازگو نکرده بودم، و حتی یک نفر مرا ندیده بود؛ از همه مهم‌تر آن که از اهالی جبل عامل، کسی در نجف نبود که من او را نشناسم! به خصوص که برخی از لباس‌هایی که آن بزرگوار پوشیده بود در منطقه ما - جبل عامل - مرسوم نبود.

به خاطر گذشت که من به مهم‌ترین آرزوی خود - که دست‌یابی به بزرگ‌ترین نعمت بود - دست یافته‌ام و این شخص، همان حجّت خداوند بر مردم، یعنی امام عصر صلوات‌الله‌علیه است.

البته پیش از این شنیده بودم که دست مبارک آن حضرت در نرمی و لطافت به گونه‌ای است که دست هیچ یک از مردم همانند آن نیست؛ لذا، با خود گفتم: من با ایشان دست می‌دهم و مصافحه می‌کنم؛ اگر دستش همان گونه باشد که شنیده‌ام، آن‌طور که شایسته آن حضرت است رسم ادب را به جای می‌آورم.

در همین اندیشه بودم که دست خود را دراز کردم و آن بزرگوار نیز دست مبارکش را به طرف من آورد و با وی مصافحه کردم و دریافتم که همان خصوصیت در دست مبارکش می‌باشد.

لذا، یقین کردم که کامیاب و رستگار شده‌ام. سرم را بلند کرده و روبروی آن حضرت قرار گرفته و خواستم دست مبارکش را بیوسم که دیگر کسی را ندیدم.^۱

جریان دیگر در مورد نوشتن نامه

به حضرت بقیة الله عنه السلام

محدث نوری رحمته الله می‌فرماید: دانشمند گران قدر، دارنده فضیلت‌ها و فضل‌ها و توانمندی‌های معنوی، پیش‌کسوت در میان هم‌رتبگان، جناب آمیرزا ابراهیم شیرازی حایری - که خداوند آینده‌اش را اصلاح و خواسته‌هایش را برآورده کند - فرمود:

خواسته‌های مهمی در شیراز برایم پیش آمد که فکرم را سرگردان و سینه‌ام را تنگ کرده بود؛ از جمله این خواسته‌ها زیارت سرور و سالارم حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام بود. در این زمینه، چاره‌ای جز توسل به محضر مقدس و دریای کرامت امام حاضر ارواحنفاده ندیدم. همو که دیدگان هر بیننده‌ای که کمتر او را ببیند زیان می‌بیند، بر او سلام خدا باد که آگاه از همه رازهاست. خواسته‌هایم را با استفاده از «عریضة حاجت» که از امامان علیهم السلام روایت شده است؛ نوشتم و نزدیک غروب به طور پنهانی از شهر

شیراز بیرون رفتم و به جایی رسیدم که آب فراوانی گرد آمده بود که فارس‌ها بدان استخر می‌گویند.

در آن جا ایستادم و از بین نایبان خاص، جناب ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی رحمته الله را ندا دادم و همان طوری که در احادیث وارد شده است به وی سلام کردم و نامه را به او سپردم و درخواست کردم تا به سرور خود و سرور همه مردمان برساند، و نامه را به آب افکندم.

آن‌گاه بازگشتم و کسی جز خدای تعالی رفت و آمد مرا و کاری را که انجام دادم، ندید. پس از غروب به شهر رسیدم و از دروازه دیگری وارد شدم و به خانه‌ام رفتم و جریان را با کسی بازگو نکردم.

صبحگاهان، نزد استاد حدیثم رفتم و با جماعتی دیگر در محضر او اجتماع کردیم، همین که مجلس آراسته گردید سیدی خوش سیما و محترم که لباس خادمان حرم امام حسین علیه السلام را بر تن داشت، وارد شد و سلام کرد و نزدیک استاد نشست. من و سایر شاگردان، او را از پیش نمی‌شناختیم و پس از آن نیز نه در شیراز و نه در خارج آن او را ندیدیم.

آن‌گاه رو به من کرد و مرا با نامم صدا زد و گفت: ای فلانی؛ نامه‌ات را به مولای مان حضرت مهدی ارواحنفاده تسلیم کردم و آن را به ایشان رسانیدم.

من از این سخن مبهوت شدم؛ و دیگران معنای سخن او را نفهمیدند و بدین جهت از آن آقا درخواست کردند تا بی پرده سخن بگوید.

وی فرمود: شب گذشته گروه زیادی را در خواب دیدم که دور سلمان محمدی گرد آمده بودند، در حالی که نامه‌های بسیاری در دست داشت و مشغول نگرستن به نامه‌ها بود. وقتی مرا دید، ندایم کرد و گفت: برو نزد فلان شخص - اسم و فامیل مرا یاد کرد - و به او بگو: (در حالی که دستش را بلند کرد) این نامه تو است.

من دیدم که بالای آن نامه مهر خورده است یعنی به محضر امام زمان ارواحنا فداه رسیده است و پس از آن مهر خورده است؛ لذا، دانستم که هر کس حاجتش برآورده شده باشد نامه‌اش مهر می‌خورد، و کسانی که درخواستشان رد شده باشد، نامه‌شان به همان شکل - بدون مهر - برمی‌گردد.

کسانی که در مجلس درس حضور داشتند به من گفتند: آیا خواب این مرد راست است؟ من جریان را برای‌شان گفتم و نزدشان سوگند یاد کردم که هیچ کس از این جریان اطلاع نداشته است. دوستانم به من بشارت دادند که درخواست‌هایم برآورده شده است و جریان همان گونه شد که آن‌ها بشارت دادند.

چندی نگذشت که به کربلای حسینی ع مهاجرت کردم و هم اکنون نیز ساکن کربلا هستم. ناگفته نماند، سایر خواسته‌هایم

که در آن عریضه نوشته بودم نیز به طور کامل برآورده شدند. ستایش سزاوار خداوند است و درود بر اولیاء خداوند.^۱

مرحوم علامه شیخ علی اکبر نهانندی می‌فرماید: مرحوم علامه حاج میرزا علی قاضی طباطبایی نجفی، استاد بزرگ اخلاق، در عصر روز جمعه اول ماه ربیع الاول سال ۱۳۵۸ هجری قمری در شهر نجف اشرف برایم فرمود:

یکی از دوستانش - که نامش را نبردم - در شب نیمه شعبان المعظم، نامه حاجتی به محضر مقدس امام عصر صلوات الله علیه ارسال کرد و آن را در آب افکند؛ هم چنان که در آن شهر مرسوم بود.

پس از چند روز مردی نزد او آمده و گفت: نامه تو به امام زمان ارواحنا فداه رسید و من در شب عاشورا نزد تو می‌آیم تا تو را به خدمت امام ارواحنا فداه برسانم. من تلاش کردم و تا جایی که در توان داشتم به عبادت‌های مختلف پرداختم تا اندکی لیاقت برای رسیدن به محضر امام صلوات الله علیه را پیدا کنم.

در شب موعود - یعنی شب عاشورا - ناگهان آن مرد آمد و در چشم برهم زدنی، مرا به جزیره‌ای برد که محل سکونت امام ع بود.

در آن جا چیزهایی را به چشم دیدم که فراتر از توصیف و بیان

است. در آن جزیره، ارواح مطهر پیامبران و اوصیای ایشان حضور داشتند و آثار عظمت الهی را مشاهده کردم؛ به گونه‌ای که بیهوش شدم، و نمی‌دانم آیا امام ارواحنا فداه را نیز مشاهده کردم یا نه؛ سپس آن مرد - در کمتر از چشم برهم زدن - مرا به خانه‌ام باز گرداند.^۱



کیفیت نوشتن نامه

به محضر امام عصر علیه السلام

بعضی از قضایا و فوائد را در زمینه نوشتن نامه حاجت به پیشگاه امام عصر ارواحنا فداه ذکر کردیم و اکنون به کیفیت و چگونگی عریضه می‌پردازیم:

عباراتی را که در پی می‌آید در کاغذی نوشته و آن را بر روی قبر یکی از امامان علیهم السلام می‌افکنی.

یا آن را بسته و مهرکن و در میان گل پاکی که ساخته‌ای قرار ده؛ سپس آن را در جوی آب یا چاهی عمیق یا برکه آبی بینداز که نامه به محضر مقدس امام عصر ارواحنا فداه خواهد رسید و آن حضرت، خودش عهده‌دار برآوردن خواسته‌ات می‌گردد.

کیفیت نوشتن نامه بدین صورت است:

۱. العبرئ الحسنان: ۱/ ۱۲۸ المسک الأذفر.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

كَتَبْتُ يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ مُسْتَعِيثًا،

ای مولای من - که درود خدا بر تو باد - به پیشگاه مقدس می‌نویسم در حالی که تو را به فریاد می‌طلبم

وَشَكَوْتُ مَا نَزَلَ بِي مُسْتَجِيرًا بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، ثُمَّ

و به تو از مشکلی که بر این پیش آمده شکوه و شکایت می‌نمایم، در حالی که به خداوند و تو پناه آورده‌ام،

بِكَ مِنْ أَمْرٍ قَدْ دَهَمَنِي، وَأَشْغَلَ قَلْبِي، وَأَطَالَ

از مصیبتی که تحملش برای من مشکل است و قلبم را به خود واداشته است، و اندیشه‌ام

فِكْرِي، وَسَلَبَنِي بَعْضَ لُبِّي، وَغَيَّرَ خَطِيرَ نِعْمَةِ اللَّهِ

در موردش به درازا کشیده است، و مقداری از عقل و خرد مرا زایل گردانده، و نعمت ارزشمندی را که خدا به

عِنْدِي، أَسْلَمَنِي عِنْدَ تَخِيلِ وُرُودِهِ الْخَلِيلُ، وَتَبَرَّأَ

من داده است دگرگون ساخته است. هنگام گمان ورود این مشکل، دوست صمیمی من، مرا وا گذاشت، و خویشاوند

مِنِّي عِنْدَ تَرَائِي إِقْبَالِهِ إِلَيَّ الْحَمِيمُ، وَعَجَزَتْ عَنِّي

صمیمی من نیز وقتی متوجه شد این مشکل در راه است از من بی‌زاری جست. چاره‌جویی‌های من در مقابله با این

دِفَاعِهِ حِبَلْتِي، وَخَانَنِي فِي تَحْمَلِهِ صَبْرِي وَقَوَاتِي.

گرفتاری راه به جایی نبرده است، و بردباری و نیروی من قادر به تحمل آن نیست و به وظیفه خود عمل نکرده

فَلَجَأْتُ فِيهِ إِلَيْكَ، وَتَوَكَّلْتُ فِي الْمَسْأَلَةِ لِلَّهِ جَلَّ

است. بدین‌سان، چاره‌ای ندیدم جز آنکه به سرعت به آستان مقدس پناه آورم، و برای درخواست از خداوند - که ستایش

تَنَاوُهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْكَ فِي دِفَاعِهِ عَنِّي ، عِلْمًا بِمَكَانِكَ

شکوهمند، از آن اوست - به خداوند و همچنین به حضرت توکل کردم تا این گرفتاری را از من دور کنی. این گفتارهای من، از

مِنَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَلِيِّ التَّدْبِيرِ وَمَالِكِ الْأُمُورِ ،

(روی بی‌دقتی نیست؛ بلکه) علم دارم به جایگاه با عظمت تو نزد خداوندی که پروردگار جهانیان است، صاحب تدبیر و مالک همه

وَإِثْقَاءَ بَكَ فِي الْمُسَارَعَةِ فِي الشَّفَاعَةِ إِلَيْهِ جَلَّ تَنَاوُهُ

امور است. در این حالات روحانی به تو اطمینان دارم و امیدوارم که برای شفاعت نزد خداوند - که ستایش او شکوهمند باد -

فِي أَمْرِي ، مُتَيْقِنًا لِإِجَابَتِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِيَّاكَ

در مورد انجام کارهای مربوطه به من شتاب می‌کنی؛ و از سویی نیز یقین و اعتقاد دارم که خداوند - که مرتب‌اش والا و مبارک

بِإِعْطَائِي سُؤْلِي . وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ جَدِيرٌ بِتَحْقِيقِ

است - درخواست تو را با پروردگارت درخواست من اجابت می‌فرماید. ای سرور و سالار من؛ خودت نیز آن قدر بزرگوار و سزاوار

ظَنِّي وَتَصْدِيقِ أَمَلِي فِيكَ فِي أَمْرِ كَذَا وَكَذَا (در این

هستی که مطمئن هستم گمانم را محقق می‌سازی و آرزویم را به واقعیت پیوند می‌دهی؛ در مورد این کارها ...

قسمت حاجت نوشته شود) ، فِيمَا لَا طَاقَةَ لِي بِحَمَلِهِ ،

که برایم سخت شده است و دیگر طاقت تحمل آن‌ها را ندارم،

وَلَا صَبْرَ لِي عَلَيْهِ ، وَإِنْ كُنْتُ مُسْتَحِقًّا لَهُ وَلَا ضَعْفًا فِيهِ

و شکیم در این موارد تمام شده است؛ البته به خوبی می‌دانم که همه این مشکلات، حق من است و سزاوار چند

بِقَبِيحِ أَفْعَالِي وَتَفْرِيطِي فِي الْوَأْجِبَاتِ الَّتِي لِلَّهِ

برابرش نیز هستم؛ چرا که کارهای زشت من، و کوتاهی و کندی در انجام واجباتی که برای خداوند - شکوهمند

عَزَّوَجَلَّ ، فَأَعِثْنِي يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ عِنْدَ

بزرگ - است نتیجه‌ای جز این مشکلات در برنخواهد داشت. ای سرور و آقای من؛ - که درود خداوند نثار باد - با این همه، در

اللَّهْفِ ، وَقَدِّمِ الْمَسْأَلَةَ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي أَمْرِي ، قَبْلَ

این دل‌سوختگی و اندوه به فریادم برس، و در پیشگاه الهی درخواست انجام کارهای من و برطرف شدن مشکلم را تقدیم کن، و

حُلُولِ التَّلَفِ ، وَشِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ ، فَبِكَ بَسِطَتِ النِّعْمَةَ

زودتر این کار را انجام بده؛ پیش از آنکه تلفاتی به بار آید، و دشمنان به مسخرگی و شماتت من بپردازند؛ زیرا، تنها به خاطر

عَلَيَّ ، وَاسْأَلِ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ لِي نَصْرًا عَزِيزًا ، وَفَتْحًا

توست که این همه نعمت بر من گسترده شده است. نیز، از خداوند - شکوهمند - درخواست کن که یاری بزرگ و ارزشمند، و فتح و

قَرِيبًا ، فِيهِ بُلُوغُ الْأَمَالِ ، وَخَيْرُ الْمَبَادِي ، وَخَوَاتِيمُ

پیروزی نزدیک و سریع خود را نصیب من فرماید؛ به گونه‌ای که به آرزوهایم برسیم و آغاز و پایان

الْأَعْمَالِ ، وَالْأَمْنُ مِنَ الْمَخَافِ كُلِّهَا فِي كُلِّ حَالٍ ،

کارها نیز به نیکی باشد؛ و در هر حال از تمام ترسناک‌ها در امان باشم. اعتقادم بر این است که

إِنَّهُ جَلَّ تَنَاوُهُ لِمَا يَشَاءُ فَعَالٌ ، وَهُوَ حَسْبِي وَنِعْمَ

خداوند - که ستایشش شکوهمند باد - هر چه بخواهد به طور کامل انجام می‌دهد؛ و کفایت‌گر من و

الْوَكِيلُ فِي الْمَبْدِئِ وَالْمَالِ .

وکیل نیکوی من نیز در دنیا و آخرت، تنها خداست.

پس از آماده شدن نامه، به طرف جوی آب یا برکه (یا چاه)

می‌روی و یکی از چهار نایب خاص حضرت بقیة الله ارواحنا فداه

یعنی: جناب عثمان بن سعید، پسرش محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی، و علی بن محمد سمیری رضی الله عنهما (که راه‌های دستیابی و واسطه ما به آن حضرت هستند) را انتخاب می‌کنی و با این عبارات او را صدا زده و می‌گویی:

يَا فُلَانُ بَنَ فُلَانٍ، سَلَامٌ عَلَيْكَ، أَشْهَدُ أَنَّ وَفَاتَكَ فِي

إِي (فُلَانُ فِرْزَنُ فُلَانٍ)؛ سَلَامٌ وَ دَرُودٌ بَرِ تَو. گواهی می‌دهم که درگذشت تو در

سَبِيلِ اللَّهِ، وَأَنَّكَ حَيٌّ عِنْدَ اللَّهِ مَرْزُوقٌ، وَقَدْ خَاطَبْتُكَ

رَاهِ خُدا بُوْدِه، و اِيْنَك تُو نَزْد خُداوَنْد زَنْدِه هَسْتِي وَ رُوْزِي خَاصُّ او رَا دَرِيَاْفَت مِي‌كْنِي. وَ بَدِيْن‌سَان،

فِي حَيَاتِكَ الَّتِي لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَلٌّ وَعَزٌّ، وَهَذِهِ رُقْعَتِي

مِنْ دَر حَيَاتِي كِه نَزْد خُدا دَارِي تُو رَا مَخَاطَب قَرَار مِي‌دِهْم، وَ اِيْن نَامِه وَ عَرِيْضَه وَ دَرخُواسْت

وَخَاجَتِي إِلَى مَوْلَانَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَسَلِّمْنَا إِلَيْهِ،

حَاجَت مَن بِه سُرُور مَان حَضْرَت مَهْدِي عَلِيْهِ السَّلَام اسْت، پَس اَنْ رَا بِه حَضْرَتَش تَسْلِيْم كُن.

فَأَنْتَ الثَّقَةُ الْأَمِينُ.

بِه رَاسْتِي كِه تُو مَورِد اَطْمِيْنَان وَ اَمَانْت‌دَار هَسْتِي.

آن‌گاه نامه را در جوی آب یا درون چاه یا برکه بینداز که به خواست خداوند، خواسته‌ات برآورده خواهد شد.^۱
ناگفته نماند: علامه مجلسی رحمه الله پس از این عبارت افزوده

است: در این حالات روحانی، در اندیشه‌ات این‌گونه باشد که نامه را به دست آن حضرت تسلیم کرده‌ای؛ زیرا، نامه به دست مبارکش می‌رسد و به خواست خدا، حاجت و خواسته برآورده می‌شود.^۱
محدث نوری رحمه الله فرموده است: از این روایت شریف استفاده می‌شود که این چهار بزرگوار، که در زمان غیبت صغری و اولیة امام زمان ارواحنا فداه به عنوان واسطه بین امام و شیعیانش بودند و خواسته‌ها و نامه‌ها را عرضه می‌داشتند و پاسخ‌ها و نامه‌های آن امام عزیز را نیز به صاحبانش می‌رساندند؛ در زمان غیبت طولانی و کبرای امام زمان ارواحنا فداه نیز در رکاب گرامی و ارزشمند آن حضرت هستند و این مقام (واسطه بودن) را هنوز در اختیار دارند.

و نیز از این روایت شریف برمی‌آید که سفره احسان، بخشش، بزرگواری، کرم، لطف و نعمت امام زمان ارواحنا فداه در سراسر کره زمین برای هر پریشان‌ناتوان، و نیز برای هر گمگشته سرگردان و هر حیرت‌زده ناآگاه و گناهکار حیران‌گسترده و در دسترس است.

این درگاه الهی برای همه باز و گشوده است و این هدایت و دستگیری فراگیر برای همه وجود دارد. البته، به شرط صداقت، اضطرار، نیاز، تصمیم و اراده، صفای درون، اخلاص و بی‌غل و غش بودن فراهم است.

وقتی که شخص نا آگاه و نادان از او درخواست و التماس کند که به علم و دانش او دست یابد، و خود را گمگشته و سرگردان ببیند، مسلّم است که آن بزرگوار او را به سر منزل و راه اصلی می‌رساند، و اگر بیمار باشد، لباس سلامتی را بر تنش می‌پوشاند. چنان که از داستان‌هایی که پیشتر نقل کردیم برمی‌آید.

نتیجه‌ای که در این جا مقصود است آن است که امام بزرگوار، حضرت صاحب الأمر ارواحنا فداه در بین بندگان حضور دارد و به شیعیان و نیز سایر افرادی که تحت حکومت او هستند نظاره می‌کند، و قدرت و توان بر طرف کردن بلاها را دارد، و از رازها و امور پنهانی آگاه است، و پنهان شدن او از چشم مردم و غیبت او، به معنای کناره‌گیری از مقام خلافت و حکومت الهی نیست. آن حضرت، از لوازم و آداب ریاست الهی اش دست برنداشته است، و نیروی الهی و ربّانی که در اختیار دارد به ناتوانی نگراییده است.

هر گاه بخواهد مشکلی را حل کند و گرهی را بگشاید، راه حلّ آن را در قلب‌ها می‌افکند به گونه‌ای که چشمی ندیده و گوش‌ی نشنیده باشد. گاهی دل را به سوی کتاب یا عالمی که دوا ی درد شخص در آن کتاب یا نزد آن عالم است مایل می‌کند؛ و گاهی آن حضرت دعایی را به او تعلیم می‌نماید و یا در خواب دوا ی دردش را بیان می‌فرماید.

و آنچه دیده شده و شنیده شده است که بیچارگان و مضطّرّان و

نیازمندان با حالت عجز و ناتوانی و زاری و تضرع، به آن حضرت شکایت می‌کنند و درخواست دفع گرفتاری می‌نمایند؛ ولی اثری از پاسخ و بر طرف شدن بلا مشاهده نمی‌کنند! دلیلش این است که گاهی مانعی برای دعا و نیز پذیرش دعا هست که بیشتر این موانع به شخص درخواست کننده مربوط می‌شود؛ از طرفی امکان دارد شخص اشتباه کرده باشد و خود را مضطّرّ گمان کرده در حالی که این گونه نباشد، و گاهی شخص خود را تباه شده و سرگردان می‌بیند، در حالی که راه روشن در پیش رویش می‌باشد و برایش مشخص است.

همانند کسی که می‌گوید که من حکم خدا را در فلان مورد نمی‌دانم در حالی که امام ارواحنا فداه از پیش فرموده است که نزد عالمان به آن احکام برو. نظیر آنچه در توفیق و نامه‌ای که در پاسخ پرسش‌های اسحاق بن یعقوب مرقوم فرمودند آمده است:

در حادثه‌هایی که پیش می‌آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجّت من بر شما هستند، و من نیز حجّت الهی می‌باشم.

بدین سان، روشن است که کسی که احکام را نمی‌داند، تا زمانی که دسترسی به عالم ربّانی دارد - حتی اگر لازم باشد مسافرت کند یا به کتاب آن عالم مراجعه کند - دیگر مضطّرّ به حساب نمی‌آید.

هم چنین، تا زمانی که دانشمند دینی می تواند با استفاده از منابع و مصادر احکام یعنی قرآن و سنت و اجماع به حل اشکالات و دفع شبهه ها و نیز برطرف شدن حیرت خود در مسایل دینی اقدام کند؛ دیگر مضطرّ و وامانده و ناتوان به حساب نمی آید.

مطلب دیگر آنکه کسانی که از حدود و دستورات الهی تجاوز کرده و در چگونگی زیستن خود و استفاده از وسایل مختلف در زندگی زیاده روی کرده اند، و به مقداری که در شرع مقدّس اسلام نیکو دانسته است اکتفا و قناعت نکرده اند؛ این افراد نیز وامانده به حساب نمی آیند؛ چرا که چیزهایی که درخواست کرده اند از چیزهایی نیست که پایه زندگی بر آن استوار است و چنین چیزهایی اضطراری نیست.

گاهی نیز شخص خود را مضطرّ و وامانده فرض می کند؛ در حالی که پس از دقت راستین برایش آشکار می شود که مضطرّ نیست، و اگر هم اضطراری در کار است یک چیززی است که مصلحت او یا مصلحت عمومی در آن است که دعایش اجابت نمی شود. از سویی، به تمام مضطرّان و واماندگان نیز وعده رهایی داده نشده است.

درست است که جز خدا و جانشینان او، بیچارگان را پاسخ نمی دهند و رهایی نمی بخشند، ولی این دلیل نمی شود که تمام واماندگان را نجات دهند.

در زمان حضور و ظهور امامان علیهم السلام، در شهرهای مدینه، مکه و کوفه و دیگر شهرها شیعیان و محبّان بسیاری بودند که گرفتار و وامانده و ناتوان بودند، و بسیاری از ایشان درخواست رفع مشکلات را داشتند ولی اجابت نمی شدند. لذا، آن گونه نیست که هر ناتوانی در هر زمانی، هر چیزی را که می خواهد با اجابت دعایش بتواند به دست آورد و واماندگیش را برطرف سازد.

زیرا، در این صورت اختلال و بی نظمی در نظام هستی به وجود می آید، و از سویی نیز پاداش و ثواب های ارزش مند و با عظمتی که برای تحمّل مصیبت ها و بلاها در نظر گرفته شده است، از بین می رود. به راستی که مصیبت دیدگان و بلا زدگان این دنیا، وقتی در جهان آخرت به پاداش های بزرگ و ثواب هایی که در ازای تحمّل مشکلات به آنها عطا می شود، نظاره می کنند، آرزو می کنند و می گویند: ای کاش؛ در دنیا گوشت های بدن ما را با قیچی تگّه تگّه می کردند.

از این توضیحات به این نتیجه می رسیم که خدای تعالی - با وجود توان و قدرت کامل و بی نیازی مطلق خود، و آگاهیش از تمام ذره های جهان هستی و موجودات ظریف آن - این رفتار را با بندگانش نمی کند (که به همه آنان هر چه می خواهند عنایت کند).^۱

۱. نجم الناقب: ۷۹۰.

عریضه ای به خداوند

که در عریضه حضرت بقیة الله ارواحفاده قرار داده می شود

مرحوم علامه مجلسی در کتاب «بحار الأنوار» می نویسد:

این رقعہ را نوشته و آن را می بندی، سپس نامه دیگری به محضر امام زمان صلوات الله علیه می نویسی، سپس آن نامه و عریضه به خداوند را درون نامه ای که برای امام ارواحفاده نوشتی قرار می دهی، سپس آن را گل اندود کرده و درون دریا یا چاه آب می افکنی.

متن عریضه به خداوند چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ، رَبِّ الْأَرْبَابِ،

(این نامه ای است) به سوی خداوندی که منزّه و نامهایش مقدّس و پاک است؛ پروردگار و پرورش دهنده پرورش دهندگان،

وَقَاصِمِ الْجَبَابِرَةِ الْعِظَامِ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَكَاشِفِ الضُّرِّ،

درهم کوبنده سرکشان بزرگ؛ دانای پنهانی ها، و بر طرف کننده گرفتاری ها؛

الَّذِي سَبَقَ فِي عِلْمِهِ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ، مِنْ عِبْدِهِ

خدایی که هر چه اتفاق افتاده است و هر چه در آینده به وقوع خواهد پیوست بیشتر در آگاهی و علم و دانش او بوده است. از

الذَّلِيلِ الْمَسْكِينِ، الَّذِي انْقَطَعَتْ بِهِ الْأَسْبَابُ، وَطَالَ

بنده بیچاره و خوار و ناتوانش، که تمام سببها و وسیلهها را از دست داده است، و

عَلَيْهِ الْعَذَابُ، وَهَجَرَهُ الْأَهْلُ، وَبَايَنَهُ الصَّدِيقُ الْحَمِيمُ

عذاب و شکنجه ای طولانی بر او وارد شده است، و خانواده اش او را رها کردند، و دوست صمیمی اش

فَبَيْعِي مُرْتَهَنًا بِذَنْبِهِ، قَدْ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ، وَطَلَبَ النَّجَاةَ [۱]

اورا وا گذاشته پس در گرو گناه و خطایش مانده است، و جرم بزهش او را هلاک گردانیده است؛ و به دنبال راه نجات نیز

فَلَمْ يَجِدْ مَلْجَأً وَلَا مُلْتَجًا، غَيْرَ الْقَادِرِ عَلَى حَلِّ الْعَقْدِ،

رفته است، ولی هیچ پناهگاه و تکیه گاهی پیدا نکرده است؛ جز خدایی که بر گشودن گره و بر طرف کردن مشکل توانایی دارد

وَمُؤَبَّدِ الْأَبَدِ، فَفَزَعِي إِلَيْهِ وَاعْتِمَادِي عَلَيْهِ، وَلَا لِحَا

و او جاودانگی را ابدیت بخشیده است، پس به سوی او پناه آوردم و بر او تکیه نمودم که پناهی

وَلَا مُلْتَجًا إِلَّا إِلَيْهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ الْمَاضِي،

و تکیه گاهی جز به سوی او نیست. بارالها؛ به واسطه دانش و آگاهی قاطعت

وَبِنُورِكَ الْعَظِيمِ، وَيَوْجِهِكَ الْكَرِيمِ، وَبِحُجَّتِكَ الْبَالِغَةِ،

و به واسطه روشنی بزرگ و با عظمتت، و به خاطر قدر و منزلت کریمانهات و به واسطه حجّت و دلیل رسایت؛

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَأْخُذَ

از تو درخواست می کنم بر محمد و آل محمد درود بفرستی؛ دستم را بگیری؛

بِيَدِي وَتَجْعَلَنِي مِمَّنْ تَقْبَلُ دَعْوَتَهُ، وَتُقِيلُ عَثْرَتَهُ،

مرا جزو کسانی که دعایش پذیرفته، و لغزشش مورد گذشت واقع شده است،

وَتَكْشِفُ كُرْبَتَهُ، وَتُزِيلُ تَرْحَتَهُ، وَتَجْعَلُ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ

و گرفتاریش برطرف گشته، و واماندگی او از بین رفته، قرار دهی؛ و برای او در کارش

فَرَجًا وَمَخْرَجًا، وَتَرُدُّ عَنِّي بِأَسْ هَذَا الظَّالِمِ الغَاشِمِ،

کشایش و گریزگاهی فراهم نمایی، و اذیت و آزار این ظالم ستمگر و آزار

وَبَأْسِ النَّاسِ يَا رَبَّ الْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ، حَسْبِي أَنْتَ

همه مردمان را از من برطرف کنی؛ ای پروردگار فرشتگان و انسان‌ها. تو برایم کافی هستی

وَكَفِي مَنْ أَنْتَ حَسْبُهُ، يَا كَاشِفَ الْأُمُورِ الْعِظَامِ،

و هر کس تو برایش بی‌نیاز کننده و کفایتگر باشی همه امورش کفایت شده و درست است. ای برطرف‌کننده مشکلات بزرگ؛

فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ .

واقعیت و باورم این است که هیچ جنبش و نیرویی نیست جز آن‌که از تو سرچشمه می‌گیرد.

پس از این نامه، نامه درخواست حاجت از مولای مان صاحب

الزمان ارواحناده را چنین می‌نویسی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

تَوَسَّلْتُ بِحُجَّةِ اللَّهِ الْخَلْفِ الصَّالِحِ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ

به حجت خداوند و جانشین شایسته و نیک، (حضرت) محمد فرزند حسن توسل جسته‌ام،

ابنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ

او که فرزند علی فرزند محمد فرزند موسی فرزند جعفر فرزند

مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ،

محمد فرزند علی فرزند حسین فرزند علی بن ابی طالب می‌باشد؛

النَّبِيِّ الْعَظِيمِ، وَالصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، وَالْحَبْلِ الْمَتِينِ،

که همان خبر بزرگ و راه راست، و ریمان محکم الهی است

عِصْمَةِ الْمَلْجَأِ، وَقَسِيمِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ. أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ

و پناهگاهی مطمئن و تقسیم‌کننده بهشت و دوزخ است. من به سوی تو توسل می‌جویم

بِآبَائِكَ الطَّاهِرِينَ الْخَيْرِينَ الْمُنتَجِبِينَ، وَأُمَّهَاتِكَ

به واسطه پدران پاک و نیکوکار و برگزیده‌ات، و نیز به واسطه مادران

الطَّاهِرَاتِ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ، الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي

پاکت؛ که همگی باقی‌ماندگان نیکوکار و شایسته‌اند؛ همان‌هایی که خداوند - این بهترین و عزیزترین

كِتَابِهِ، فَقَالَ عَزَّ مَنْ قَائِلٌ ﴿الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ﴾ ۱،

گوینده - در کتابش از آنان یاد کرده است و فرموده است: «آنچه باقی‌می‌ماند و نیک و شایسته است»،

وَبِجَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَخَلِيلِهِ وَحَبِيبِهِ

نیز به واسطه جد بزرگوارت رسول خدا - درود بر او و آل او - کسی که خدا را دوست دارد و خدا او را دوست دارد

وَخَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ، أَنْ تَكُونَ وَسِيلَتِي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

و برگزیده مخلوقاتش است؛ در این توسل‌ها، درخواست من آن است که شما وسیله و واسطه من باشید تا خدای - عز و جل -

فِي كَشْفِ ضُرِّي، وَحَلِّ عَقْدِي، وَفَرَجِ حَسْرَتِي،

گرفتاریم را برطرف کند، و گره از کارم بگشاید، و این همه آه و حسرت را از من دور کند،

وَكَشَفِ بَلِيَّتِي، وَتَنْفِيسِ تَرْحَتِي، وَبِكَهَيْعِصِ وَبَيْسِ

و بلاها را از من بزدايد، و اندوه و واماندگيم را از بين ببرد. درخواست مي‌کنم، به واسطه کهيحص و بيس

وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، وَبِالْكَلِمَةِ الطَّيِّبَةِ، وَبِمَجَارِي الْقُرْآنِ،

و قرآن الحكيم، و نيز به واسطه كلمه طيبه و پاکيزه الهي، و مجاری قرآنی،

وَبِمُسْتَقَرِّ الرَّحْمَةِ، وَبِجَبْرُوتِ الْعِظَمَةِ، وَبِاللُّوحِ

و به قرارگاه رحمت، و بزرگی عظمت، و لوح

الْمَحْفُوظِ، وَبِحَقِيقَةِ الْإِيمَانِ، وَقَوَامِ الْبُرْهَانِ، وَبِنُورِ

محفوظ، و حقيقت ايمان، و پايندگی برهان، و روشنی

النُّورِ، وَبِمَعْدَنِ النُّورِ، وَالْحِجَابِ الْمَسْتُورِ، وَالْبَيْتِ

نور، و معدن نور، و به واسطه حجاب پنهان داشته شده، و بيت

الْمَعْمُورِ، وَبِالسَّبْعِ الْمِثْنَانِيِّ، وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَفَرَائِضِ

المعمور (طوافگاه اهل آسمان)، و سبع المثنائي (سوره حمد)، و قرآن باعظمت، و واجبات

الْأَحْكَامِ، وَالْمُكَلَّمِ بِالْعِبْرَانِيَّةِ، وَالْمُتَرَجِّمِ بِالْيُونَانِيَّةِ،

احكام، و آن چه به زبان عبرانی گفتگو شده، و آن چه به یونانی ترجمه شده،

وَالْمُنَاجِي بِالسَّرِّيَانِيَّةِ، وَمَا دَارَ فِي الْخَطَرَاتِ، وَمَا

و آن چه به سریانی راز و نیاز شده، و آن چه در خاطرها و خطورها وارد شده، و

لَمْ يُحِطْ بِهِ لِلظُّنُونِ، مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ، وَبِسِرِّكَ

به واسطه آن چه گمانها آن را دربر نمی‌گیرند؛ یعنی دانش پنهانی تو، و راز

الْمَصُونِ، وَالتَّوْرَةِ وَالْأَنْجِيلِ وَالزَّبُورِ. يَا ذَا الْجَلَالِ

محفوظت، و تورات و انجیل و زبور؛ به واسطه همه آن چه عرض شد از تو درخواست می‌کنم - ای صاحب شکوه

وَالْإِكْرَامِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخُذْ بِيَدِي، وَفَرِّجْ

و بزرگواری؛ - که بر محمد و آل او درود بفرستی؛ و دستم را بگیر، و به واسطه

عَنِّي بِأَنْوَارِكَ وَأَقْسَامِكَ وَكَلِمَاتِكَ الْبَالِغَةِ، إِنَّكَ

روشنی‌ها و انوارت و قسم‌هایت و کلمه‌های رسایت در کارم گشایشی کنی. باور دارم که تو

جَوَادُ كَرِيمٍ، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَلَا حَوْلَ

بخششگر بزرگواری هستی؛ خداوند برای ما بس است و خوب وکیلی است. هیچ جنبش

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَصَلَوَاتُهُ وَسَلَامُهُ

و نیرویی نیست جز آن که به واسطه خداوند والای بزرگ به وجود می‌آید. درودها و سلام‌های ویژه الهی

عَلَيَّ صَفْوَتِهِ مِنْ بَرِيَّتِهِ مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ.

بر برگزیده‌اش از بین مردم یعنی حضرت محمد و نسل پاکش نثار باد.

پس از نوشتن نامه دوم، هر دو نامه را خوشبو کرده و نامه اول

را (که به خداوند نوشته شد) در میان نامه دوم (که به امام ارواحفداه

نوشته شد) قرار داده و هر دو را در آب روان یا چاه آب می‌افکنی.

البته پیش از این کار، نامه‌ها را در گل نرم (یعنی بدون سنگریزه)

قرار ده. سپس دو رکعت نماز گزارده و به واسطه محمد و آل

محمد ﷺ به خدای تعالی روی می‌آوری، و انداختن نامه‌ها در

آب، باید در شب جمعه باشد.

یادآور می‌شود که این عریضه نویسی را برای آزمایش انجام مده، بلکه باور داشته باش که خواسته‌ات اجابت می‌شود. و تنها در مورد سختی‌ها و کارهای بسیار دشوار انجام شود.

هم چنین، کسی را که شایستگی ندارد از این جریان مطلع مکن و این نامه را برایش ننویس؛ زیرا فایده‌ای برایش ندارد.

از طرفی این نامه‌ها، امانتی است که بر عهده‌توست که آن را حفظ کنی و در مورد آن بازخواست خواهی شد.

پس از انداختن نامه‌ها، این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي لَحِظْتَ بِهَا الْبَحْرَ

بارها؛ از تو می‌خواهم به قدرتت؛ همان قدرتی که دریاها را با آن ملاحظه فرمودی،

الْعِجَاجَ، فَأَزْبِدْ وَهَاجَ وَمَاجَ، وَكَانَ كَاللَّيْلِ الدَّاجِ،

پس به خروش و موج و اداشتی، و همانند شبی تاریک شدند؛

طَوْعًا لِأَمْرِكَ، وَخَوْفًا مِنْ سَطْوَتِكَ، فَأَقْتَقْ أَجَاجَهُ،

این همه، از سر فرمانبرداری دریاها از تو، و نیز از ترس و هیبت تو بود. بدین سان، آب شور دریاها شکافته،

وَأَتْتَلِقَ مِنْهَا جُهُ، وَسَبَّحَتْ جَزَائِرُهُ، وَقَدَسَتْ جَوَاهِرُهُ،

و راه‌هایش زینت داده شد، و جزائر آن تسبیح گفتند، و جواهر آن تقدیس نمودند.

تُنَادِيكَ حَيْثَانَهُ بِاخْتِلَافِ لُغَاتِهَا، إِلَهَنَا وَسَيِّدَنَا مَا الَّذِي

ماهیان دریاها با زبان‌ها و لغات مختلف تو را ندا دادند: خدای ما؛ آقای ما؛ چه چیزی

نَزَلَ بِنَا، وَمَا الَّذِي حَلَّ بِبَحْرِنَا فَقُلْتَ لَهَا أُسْكِنِي،

بر ما فرود آمد؟ چه چیزی در دریای ما پیش آمد؟ و به ماهی‌ها فرمودی: آرام باش؛

سَأُسْكِنُكَ مَلِيًّا، وَأُجَاوِرُ بِكَ عَبْدًا زَكِيًّا، فَسَكَنَ

(و به دریا فرمودی:) به زودی تو را به آرامش می‌رسانم؛ و بنده‌ای شایسته و پاک را مجاور تو می‌گردانم؛ پس آرام گرفت

وَسَبَّحَ وَوَعَدَ بِضَمَائِرِ الْمَنَحِ. فَلَمَّا نَزَلَ بِهِ ابْنُ مَتَّى

و تسبیح گفت و به بخشش‌های نهانی وعده داده شد. آن‌گاه که یونس پسر متی در آنجا فرود آمد چون

بِمَا أَلِمَ الظُّنُونُ، فَلَمَّا صَارَ فِي فِيهَا سَبَّحَ فِي أَمْعَانِهَا،

گرفتار مصیبت‌هایی شد که حتی تصور آن‌ها دردناک است، و آن‌گاه که وارد دهان آن ماهی شد و درون شکم آن ماهی رفت، به

فَبَكَتِ الْجِبَالُ عَلَيْهِ تَلَهُفًا، وَأَشْفَقَتْ عَلَيْهِ الْأَرْضُ

تسبیح‌گویی تو پرداخت و در این شرایط، کوه‌ها غصه‌ او را خوردند و به گریه افتادند؛ و زمین برای

تَأْسَفًا، فَيُونُسُ فِي حُوتِهِ كَمُوسَى فِي تَابُوتِهِ لِأَمْرِكَ

او متأسف شد و برایش دلسوزی کرد. پر واضح است که حال یونس در شکم ماهی همانند موسی در میان تابوتش

طَائِعٌ، وَلَوْ جِهَكَ سَاجِدٌ خَاضِعٌ، فَلَمَّا أَحْبَبْتَ أَنْ

بود؛ هر دو اطاعت دستور تو کردند، و به خاطر ذات پاکت به سجده و فروتنی پرداختند. در نهایت، آن‌گاه که خواستی

تَقِيَهُ أَلْقَيْتَهُ بِشَاطِئِ الْبَحْرِ شَلَوْا لَا تَنْظُرْ عَيْنَاهُ،

او را نگه داری، به کنار دریایش افکندی در حالی که چشمانش، توان دیدن نداشت،

وَلَا تَبْطِشُ يَدَاهُ، وَلَا تَرْكُضُ رِجْلَاهُ، وَأَنْبَتَ مِنَّةٌ

و دستان و پاهایش قادر به حرکت نبودند؛ که در این هنگام بر او منت نهادی

مِنْكَ عَلَيْهِ شَجَرَةٌ مِنْ يَتْقِينِ ، وَأَجْرِيَتْ لَهُ فُرَاتًا مِنْ

و درختی از کدو برایش رویاندی، و آبی گوارا را برایش جاری ساختی.

مَعِينِ ، فَلَمَّا اسْتَعْفَرَ وَتَابَ خَرَقَتْ لَهُ إِلَى الْجَنَّةِ بَابًا ،

آن گاه که درخواست آمرزش و بازگشت کرد نیز راهی به سوی بهشت برایش گشودی.

إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ .

در واقع، تو تنها کسی هستی که بسیار بخشنده است.

در پایان، هر یک از چهارده معصوم علیهم السلام را نیز یاد می‌کنی و بر

یکایک آنان سلام می‌دهی.^۱



عریضة استغاثه دیگری

به امام زمان علیه السلام

محدث نوری علیه السلام می‌فرماید: رقعۀ استغاثه به امام عصر

ارواخدا فداه به نام‌های مختلف روایت شده است، و در کتاب‌های

مشهور دعا موجود است؛ لیکن، نسخه‌ای که من یافتم در آن

کتاب‌ها نیست، حتّی در کتاب مزار «بحار الأنوار» نیز نیامده

است.

۱. بحار الأنوار: ۲۷/۹۴.

در کتاب دعای «بحار الأنوار» نیز - که در آن، سعی در

جمع‌آوری دعاها شده است - به آن اشاره نشده است؛ و چون این

روایت، کم استنساخ شده و تعداد نسخه‌آن اندک است، بدین

جهت لازم دیدم که آن را در اینجا نقل کنم.

فاضل متبحّر، جناب محمّد بن محمّد طیب - که از علمای

دوره صفویه بوده است - در کتاب خود به نام «انیس العابدین» از

کتاب «السعادات» این عبارت را نقل کرده است:

دعای توسّل برای تمام کارهای مهمّ و خواسته‌ها:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

تَوَسَّلْتُ إِلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ

به تو توسّل جسته‌ام ای ابوالقاسم؛ ای محمّد فرزند حسن فرزند

عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ

علی فرزند محمّد فرزند علی فرزند موسی فرزند جعفر فرزند

مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ،

محمّد فرزند علی فرزند حسین فرزند علی بن ابی طالب؛

النَّبِيِّ الْعَظِيمِ ، الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ ، وَعِصْمَةِ الْأَجِينِ .

که خبر بزرگ، و راه راست، و پناه پناه‌آوردگان است؛

بِأُمَّكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَبِآبَائِكَ الطَّاهِرِينَ،

(به تو توستل می‌جویم) به واسطهٔ مادرت سرور زنان جهانیان؛ و نیز به واسطهٔ پدران پاک،

وَبِأُمَّهَاتِكَ الطَّاهِرَاتِ، بِيَاسِينَ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ،

و مادران طاهره و پاکت؛ به واسطهٔ یاسین و قرآن حکیم،

وَالْجَبْرُوتِ الْعَظِيمِ، وَحَقِيقَةِ الْإِيمَانِ، وَنُورِ النُّورِ،

و بزرگی جبروت الهی، و حقیقت ایمان، و روشنی‌بخش نورها،

وَكِتَابِ مَسْطُورٍ، أَنْ تَكُونَ سَفِيرِي إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

و کتاب نگاشته‌شده، از درخواست می‌کنم و متوسل می‌شوم؛ تا به عنوان سفیر و فرستاده من به سوی خدای تعالی

فِي الْحَاجَةِ لِفُلَانٍ، أَوْ هَلَاكِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ.

در مورد برآوردن حاجت (... یا هلاک کردن و نابودی دشمنم یعنی فلانی فرزند فلانی؛ این درخواست را انجام بده.

این نامه را در خاک پاک، گل اندود کرده، و آن را در آب جاری

یا چاه آب می‌افکنی و در این هنگام می‌گویی:

يَا سَعِيدَ بْنَ عَثْمَانَ، وَيَا مُحَمَّدَ بْنَ عَثْمَانَ، أَوْ صِلَا

ای سعید بن عثمان و ای محمد بن عثمان؛ از شما دو نفر درخواست می‌کنم که این جریان

قَصَّتِي إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ.

و داستان کار مرا به حضرت صاحب‌الزمان - که دورد خدا بر او نثار باد - برسانید.

نسخهٔ روایت یاد شده به این شکل بود که گفتیم؛ لیکن، اگر روایات دیگر و نیز روش دیگر عریضه‌نویسی‌ها را بنگریم، درمی‌یابیم که صحیح باید چنین باشد که هنگام افکندن نامه به آب، گفته شود: «یا عثمان بن سعید و یا محمد بن عثمان...» البته، خداوند از واقعیت آگاه است^۱.

۱. نجم الثاقب: ۴۲۰.

۲. مؤلف می‌گوید: شکی نیست که در نسخهٔ روایت یاد شده اشتباه رخ داده است و صحیح همان است که مرحوم محدث نوری تصریح فرموده است؛ زیرا، نایب اول و دوم امام علیه السلام همان عثمان بن سعید و محمد بن عثمان هستند.

این جانب، در برخی از کتاب‌ها دیده‌ام که روایت رقعۀ مورد بحث را با کمی تفاوت آورده‌اند و در آخرش آمده است که هنگام به آب انداختن نامه بگو: «یا عثمان بن سعید؛ أوصل قصتی هذه إلى صاحب الزمان علیه السلام...».

در این جا این روایت را نیز به طور کامل نقل می‌کنیم:

نامهٔ حاجت، به محضر مولای مان امام زمان ارواحنا فداه

تَوَسَّلْتُ إِلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ

ای ابو القاسم؛ ای محمد فرزند حسن فرزند علی فرزند محمد فرزند

عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ

علی فرزند موسی فرزند جعفر فرزند محمد فرزند علی فرزند حسین فرزند علی بن

أَبِي طَالِبٍ، النَّبِيِّ الْعَظِيمِ وَالصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، وَعِصْمَةِ الْأَجْبِينَ،

ابی طالب؛ که خیر بزرگ، و راه راست، و پناه پناهجویان است؛ ←

→ بِأُمَّكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَيَا بَائِكَ الطَّاهِرِينَ، وَبِسَامَّهَاتِكَ

به واسطه مادرت فاطمه زهرا - که سرور و خانم زنان جهان است - و به واسطه پدران پاکت، و به واسطه مادران

الطَّاهِرَاتِ، وَحَقِيقَةَ الْإِيمَانِ، وَتُورِ التُّورِ، وَكِتَابِ مَسْطُورٍ أَنْ تَكُونَ

پاکت، و اصل و حقیقت ایمان و باور، و روشنی بخش نورها، و کتاب نگاشته شده؛ به تو تو شل می جویم و از تو درخواست

سَفِيرِي إِلَى اللَّهِ فِي الْحَاجَةِ .

می کنم که فرستاده و سفیر من به سوی خداوند در مورد خواسته و حاجتم، باشی .

در پایان، نام خود و پدرت را نیز بنویس و نامه را در خاک پاکی گل اندود کن، و آن را در چاه

یا آب روان بیفکن؛ و در این هنگام رو به قبله بایست و بگو:

يَا عُمَانَ بْنَ سَعِيدٍ، أَوْصِلْ قِصَّتِي هَذِهِ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ .

ای عثمان بن سعید؛ این نامه را که جریان خود را در آن نوشته ام به امام زمان عجل الله فرجه برسان .

بخش نهم

بخش نهم



استخاره

در این بخش کتاب به مطالبی می‌پردازیم^۱ که موجب چشم‌روشنی و آرامش قلبی خواننده محترم شود؛ نسیم‌هایی از جهان پنهان^۲ که موجب دست‌یابی شما به کلیدگشایش و فرج^۳، و رسیدن به مقام روشنی بخشیدن^۴ می‌شود و توان و نیرویی به شما برای گشودن درهای بسته می‌دهد.

خداوند تعالی این منت را بر ما نهاد تا به راهنمایی شخص

۱. مؤلف محترم در مقدمه این بخش نیز همچون مقدمه کتاب از فنون بلاغت یعنی براءت استهلال استفاده نموده، و در ضمن مقدمه، اسامی کتاب‌هایی که دانشمندان اسلامی در مورد استخاره تألیف کرده‌اند؛ نام برده است. (ویراستار)

۲. کتاب «روایح الغیب فی رفع التردد و الريب»؛ تألیف: مولا عبد‌النبی بن عبدالرزاق رحمته‌الله.

۳. کتاب «مفتاح الفرج فی الإستخارات»؛ تألیف: امیر محمد حسین خاتون آبادی رحمته‌الله.

۴. کتاب «الإنارة عن معانی الإستخارة»؛ تألیف: شیخ محمد بن فیض کاشانی رحمته‌الله.

۵. کتاب «فتح الأبواب بین ذوی الألباب و بین ربّ الأرباب فی الإستخارات»؛ تألیف: سید بزرگوار علی بن طاووس رحمته‌الله.

حقیقت جو^۱ بپردازیم. و روایاتی را که در مورد استخاره‌ها^۲ از سرور و سالار جهان مادیات و معنویات نقل شده برای شما بیان کنیم برای هدایت شدن هدایت خواهان^۳، و اگر شما از علاقه‌مندان هستید اینها کلیدهای غیب^۴ است که اکنون در دست شماست، آن‌ها را گرفته و غنیمت شمارید.

البته لازم‌هاش این است که شرایط استخاره^۵ را یاد بگیری تا راه و روش استخاره‌گیرنده^۶ را بشناسی و از کلیدهای پنهان و چراغ وحی^۷ استفاده کنی.

۱. کتاب «إرشاد المستبصرين في الإستخارات»؛ تألیف: سید عبدالله شبیر رحمته.
 ۲. «الإستخارات»؛ نام چند کتاب است که علما و دانشمندان اسلامی آن‌ها را تألیف کرده‌اند؛ از جمله: الف) شیخ احمد بن صالح بحرانی رحمته؛ ب) احمد بن عبدالسلام بحرانی رحمته؛ ج) شیخ ابوالحسن سلیمان ماحوزی بحرانی رحمته؛ د) سید علی بن محمد حسینی مبینی یزدی رحمته؛ ه) شیخ میرزا ابوالمعالی کلباسی رحمته؛ و) سید میرزا محمد حسین حسینی مرعشی معروف به شهرستانی رحمته.
 ۳. کتاب «هدایة المسترشدين في الإستشارة و الإستخارة»؛ تألیف: حسن بن محمد صالح نصیری طوسی رحمته.
 ۴. کتاب «مفاتیح الغیب في الإستخارة»؛ تألیف: علامه مجلسی رحمته.
 ۵. کتاب «الإستخارة»؛ تألیف: ابوالنضر محمد بن مسعود عیاشی رحمته (صاحب تفسیر عیاشی).
 ۶. کتاب «منهاج المستخیر»؛ تألیف: حاج میرزا محمد حسین حسینی تبریزی رحمته.
 ۷. کتاب «مفتاح الغیب و مصباح الوحي»؛ تألیف: سید مهدی عُرُفی رحمته.
- جهت اطلاع بیشتر از کتاب‌هایی که در مورد «استخاره» نوشته شده، به مقدمه کتاب «فتح الأبواب» رجوع شود.

از آن جا که استخاره نیز نوعی دعاست، و آداب دعا را در مقدمه همین کتاب بیان کردیم، به مقدمه کتاب مراجعه فرمایید تا آگاهی شما افزایش یابد؛ جهت تأکید بر این مطلب، تذکراتی لازم است:

از مهم‌ترین چیزهایی که لازم است دعا کننده و استخاره کننده رعایت کند، پاک کردن دل از چیزهایی است که باعث خشم خداوند می‌شود، و نیز به دست آوردن یقین و اطمینان است؛ زیرا اساس دعا و توسل همین است، و اگر استخاره با آداب و شرایط آن انجام شود، گرفتن قبضه تسبیح به اختیار استخاره‌گیرنده نیست بلکه به اختیار خداوندی است که از او طلب خیر شده است.

بدین سان، اگر استخاره به گونه‌ای صحیح انجام شود، گرفتن قبضه تسبیح، یا انتخاب یکی از رقعها (در استخاره ذات الرقاع)، یا باز کردن یکی از صفحات قرآن؛ همگی، با خواست و اراده خداوند خواهد بود نه به اختیار و برگزیدن استخاره‌گیرنده؛ و اگر با آداب و شرایط لازم انجام نشود بی اعتبار خواهد بود.

بنابراین، استخاره‌گیرنده باید قلب خود را پاک گرداند، و یقین داشته باشد؛ تا بتواند به خدای تعالی روی آورد؛ و بدون یقین و اعتقاد، استخاره‌اش بی فایده است.

سید جلیل جناب علی بن طاووس رحمته در مورد حالات برخی

از مردم می نویسد: برخی از مردم عوام، در دل شان یقین و نیروی شناخت و اطمینان به مالک روز قیامت را ندارند؛ زیرا، روان این دسته، تنها نظر مشورتی کسی را می پذیرد که او را با چشم مشاهده کنند و با او مانوس بوده و بشناسند و چنین شخصی نیز باید از بین مردم باشد؛ چرا که خداوند را نمی توان با چشم مشاهده کرد، و نیز این افراد نمی توانند او را بشناسند تا با او انس بگیرند، و از لذت اعتماد به خداوند نیز بهره مند نیستند؛ از همه مهم تر، از بس که کوتاه فکرند فایده ای در مشورت با خداوند نمی بینند!

وَمَنْ يَكُ ذَا فَمٍ مَرٍّ مَرِيضٍ يَجِدُ مَرًّا بِهَ الْمَاءِ الزَّلَالَا

کسی که دهانش (در اثر بیماری) تلخ باشد آب گوارا و زلال را نیز تلخ می یابد.

این افراد، از جمله کسانی هستند که مولای بزرگوار ما امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام در برخی از خطبه های گهربارش به بیان حال ایشان پرداخته می فرماید:

هَمَّجُّ رَعَاعٍ، لَا يَعْبَأُ اللَّهُ بِهِمْ، أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ وَنَاعِقَةٍ.

مردم پست و فرومایه؛ خداوند تعالی توجهی به ایشان نمی کند؛ دنباله رو هر سر و صدایی هستند و از آن پیروی خواهند کرد.^۱

۱. فتح الأبواب: ۳۰۰.

دعای استخاره

آخرین توقیعی بود که از ناحیه مقدسه صادر شد

سید بن طاووس رحمته الله علیه می فرماید: از دعاهای پیامبر و امامان علیهم السلام در مورد استخاره دریافتم که آن حضرات، عنایت و توجه و افری به استخاره داشته اند و آن را بزرگ می شمرده اند؛ تا آن جا که استخاره را از اسرار خداوند عزوجل یافتیم که در شب معراج به پیامبر صلی الله علیه و آله آموخت، و از مهم ترین امور است، و دریافتم که دعای استخاره آخرین مرقوم و نوشته ای است که از ناحیه مقدسه امام زمان ارواحنا فداه صادر شده است، و این دلیلی رسا و گویا، نزد عارفان به حساب می آید.^۱

دعای استخاره

که از امام عصر ارواحنا فداه روایت شده است

دعایی که در مورد استخاره از ناحیه مقدسه رسیده است و آخرین توقیعی می باشد که در زمان غیبت صغری صادر شده است.
محمد بن علی بن محمد در کتاب جامعش چنین می نگارد:

۱. فتح الأبواب: ۱۹۲.

«استخاره اسماء» که علما بدان عمل می‌کنند و در نماز حاجت و دیگر نمازها خوانده می‌شود، و ابودلف محمد بن مظفر رضی الله عنه آن را آخرین توفیق امام عصر ارواحنا فداه در غیبت صغری می‌داند، بدین شرح است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَزَمْتَ بِهِ عَلَيَّ

بارها؛ از تو درخواست می‌کنم به آن نامت که با آن اراده کردی نسبت

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَقُلْتَ لَهُمَا إِنِّي طَوْعاً أَوْ كَرْهاً

به آسمان‌ها و زمین، پس به آن دو فرمودی: «از در اطاعت یا از روی ناخرسندی، بیاید؛

قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ»^۱، وَبِاسْمِكَ الَّذِي عَزَمْتَ بِهِ عَلَيَّ

آن دو گفتند: از سر اطاعت درخواست می‌آید» و به آن نامت که نسبت به

عَصَا مُوسَى، «فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ»^۲، وَأَسْأَلُكَ

عصای موسی اراده کردی، «پس، ناگهان آن چه را که افکنده بودند بلعید». و از تو درخواست می‌کنم

بِاسْمِكَ الَّذِي صَرَفْتَ بِهِ قُلُوبَ السَّحَرَةِ إِلَيْكَ، حَتَّى

به آن نامت که با آن، دل‌های جادوگران را به سوی خویش برگرداندی تا آن که

«قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ»^۳ رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ^۳،

«گفتند: به پروردگار جهان؛ پروردگار موسی و - برادرش - هارون؛ ایمان آوردیم»

۱. سوره فصلت، آیه ۱۱. ۲. سوره اعراف، آیه ۱۱۷. ۳. سوره اعراف، آیه ۱۲۱ و ۱۲۲.

أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، وَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي تُبْلِي

پروردگار جهانیان، تویی ای خداوند؛ و از تو درخواست می‌کنم به آن نیرویی که

بِهَآكُلِّ جَدِيدٍ، وَتُجَدِّدُ بِهَآكُلِّ بَالٍ. وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ

هر تازه‌ای را با آن کهنه می‌کنی، و چیزهای قدیمی و کهنه را با آن نو می‌سازی. و از تو درخواست می‌کنم به حق

كُلِّ حَقٍّ هُوَ لَكَ، وَبِكُلِّ حَقٍّ جَعَلْتَهُ عَلَيْكَ، إِنْ كَانَ هَذَا

تمام حقوقی که برای تو است و به واسطه هر حقی که بر عهده خود قرار دادی، که اگر

الْأَمْرُ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، أَنْ تُصَلِّيَ

کاری که در نظرم است برایم خیر و خوبی، از نظر دین و دنیا و آخرت دارد،

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا،

بر محمد و آل محمد درود بفرستی، و سلامی شایسته بر ایشان نثار کنی؛ و کار مورد نظرم را

وَتُهَيِّئْ لِي، وَتُسَهِّلْهُ عَلَيَّ، وَتَلَطِّفْ لِي فِيهِ بِرَحْمَتِكَ

برای من آماده و راحت و آسان گردانی، و در مورد این کار به من لطف کنی و آن را نرم و هموار گردانی، به واسطه رحمت،

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. وَإِنْ كَانَ شَرًّا لِي فِي دِينِي

ای مهربان‌ترین مهربانان؛ از سویی، اگر بدی و ناهنجاری دینی،

وَ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

دنیایی و آخرتی برایم دارد نیز بر محمد و آل محمد درود

وَتُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا، وَأَنْ تَصْرِفَهُ عَنِّي بِمَا شِئْتَ،

و سلامت را نثار کنی، و هر گونه که می‌خواهی و به هر وسیله که می‌خواهی (و هر مکان

وَكَيْفَ شِئْتَ، (وَحَيْثُ شِئْتَ)، وَتُرْضِيَنِي بِقَضَائِكَ،

و زمان که می‌خواهی) آن را از من دور کنی، و مرا به حکم و فرمانت و آنچه انجام می‌دهی خشنود و راضی گردانی

و تَبَارِكَ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ شَيْءٍ

و در تقدیرت برایم برکت قرار دهی؛ به گونه‌ای که شتاب در آن چه به

أَخَّرْتَهُ، وَلَا تَأْخِرْ شَيْءٍ عَجَلْتَهُ، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

تأخیر افکندی، و تأخیر در آن چه زود قرار دادی را نخواهم و دوست نداشته باشم. زیرا هیچ نیرو و جنبشی

إِلَّا بِكَ، يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمٌ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.^۱

جز از ناحیه تو نیست؛ ای بلند مرتبه؛ ای بزرگ؛ ای صاحب بزرگی و بزرگواری.

نکته حایز اهمیت!

سید بن طاووس حسنی رحمته الله می‌فرماید: شاید این گونه به ذهن برخی خطور کند که مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداه مقارن رسیدن زمان غیبت و پنهان شدن طولانی‌شان، این (دعای استخاره) را یاد داده‌اند تا شیعیان آگاه، به جای ملاقات و مشورت حضوری با آن حضرت، بتوانند از آن راه با خدای تعالی مشورت کنند و بدین وسیله نیز ارزش فراوان مشورت با خداوند جل‌جلاله و طلب خیر و خوبی از او را به دوستان خود یادآور شده‌اند.

۱. فتح الأبواب: ۲۰۵، المصباح: ۵۲۱، مفاتیح الغیب: ۲۵.

نکنه مهمی در این جا هست که من مدرکی نیافتم تا ثابت کند این دعا را کسی از امام صلوات الله علیه درخواست کرده باشد، بلکه از ناحیه خود حضرت و بدون درخواست دیگری صادر شده است و آخرین یادگاری که (به عنوان هدیه) عنایت فرموده‌اند، همین دعاست؛ و آگاهان و متدینان، این را به خوبی درمی‌یابند.^۱



دعا برای ظهور آن حضرت عجل الله فرجه

در دعای استخاره با قرآن

سید بن طاووس رحمته الله در کتاب «فتح الأبواب» می‌نگارد: بدر بن یعقوب مقرئ اعجمی رحمته الله در کاظمین، سه روایت در مورد تقال - و استخاره - با قرآن (بدون نمازگزاردن برای آن)^۲ برایم گفت.

روایت اول:

قرآن را برمی‌داری و این دعا را می‌خوانی:

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ مِنْ قَضَائِكَ وَقَدْرِكَ أَنْ تَمَنَّ عَلَيَّ أُمَّةَ نَبِيِّكَ

بارالها؛ اگر از جمله قضا و قدر تو آن است که

۱. فتح الأبواب: ۲۰۶.

۲. در برخی روایات آمده است که پیش از استخاره، نماز جعفر طیار رحمته الله خوانده شود.

بِظُهُورٍ وَلِيٍّ خَدُّوهُ وَفَرْزَنْدِ دَخْتَرِ بِيْعَمِيْرَتِ، بِرِ اَمْتِ بِيَامِيْرَتِ مَمْتٍ بَكْغَارِي؛ بِسِ دَرِ اِيْنِ كَارِ بَشْتَابِ، وَ اَنْ رَا سَهْلٍ

وَيَسِّرُهُ وَكَمَلُهُ، وَأَخْرَجَ لِي آيَةً اسْتَدِلُّ بِهَا عَلَيَّ أَمْرٍ

وَأَسَانٍ وَكَامِلٍ كَرْدَانِ، وَ بِيْرِي مِنْ آيَةِ وَنَشَانِهَائِي بِيَاوَرِ كِهْ اِكْرُ دَرِ چِيْزِي كِهْ مُوْرِدِ نَظْمِ اسْتِ اَمْرِي كِنِي

فَأَتْتَمِرُ، أَوْ نَهِي فَأَنْتَهِي (أَوْ مَا تُرِيدُ الْفَالَ فِيهِ) فِي عَافِيَةٍ.

اَنْ رَا اَنْجَامِ دَهْمِ، وَ اِكْرُ نَهِي مِي كِنِي اَنْ رَا اَنْجَامِ نَدَهْمِ (يَا دَرِ اَنْجِهْ كِهْ تَغَالُ مِي زَمِ) وَ دَرِ عَافِيَتِ وَ سَلَامَتِي اِيْنِ كَارِ اَنْجَامِ شُوْد.

آن گاه هفت ورق از قرآن را می شماری؛ سپس، در طرف دوم ورق هفتم نیز شش سطر را می شماری و از سطر هفتم مطلب مورد نظر خود را درمی آوری.

روایت دوم:

پس از قرائت دعای یاد شده، قرآن را گشوده و هفت ورق را بشمارد و در طرف دوم از ورق هفتم و نیز در طرف اول از ورق هشتم، هر چه اسم خداوند جل جلاله تکرار شده است را شمرده، آن گاه به تعداد آن، ورق های قرآن را بشمارد. سپس از طرف دوم آخرین ورقی که در پیش روی قرار دارد شروع به شمردن سطور به اندازه اسم هایی که قبل از این شمرده بود، کند و از آخرین سطر، مطلب (و تغال) خود را در بیاورد.

روایت سوم:

پس از دعای یاد شده، هشت ورق را شمرده، آن گاه در صفحه

اول از ورق هشتم، یازده سطر را شمرده و فال و خواسته مورد نظر را در همان سطر یازدهم جستجو کند.

این (سه روایت) را در مورد تغال به قرآن همان گونه که شنیده بودیم نقل کردیم.^۱



استخاره با رقعہ

که از حضرت بقیة الله عليه السلام روایت شده است

این استخاره از حضرت حجّت عليه السلام روایت شده است:

در دو کاغذ می نویسی: «خَيْرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةٍ» «خیرخواهی از خدا و رسولش برای فلان شخص (نام شخص) فرزند فلان زن (نام مادرش)؛ و در یکی از کاغذها می نویسی: «(أَفْعَلُ)»؛ «انجام بده»، و در دیگری می نویسی «(لَا تَفْعَلُ)»؛ «انجام مده».

دو کاغذ را پس از آماده شدن در قالب گلی قرار می دهی و در ظرف آبی می اندازی. سپس وضو ساخته نماز می گذاری و پس از آن، این دعا را می خوانی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ خِيَارَ مَنْ فَوَّضَ إِلَيْكَ أَمْرَهُ،

بارالها؛ در واقع، من از تو طلب خیر می کنم مانند کسانی که کارشان را به تو واگذار کرده اند و

۱. فتح الأبواب: ۲۷۸.

وَأَسْلَمَ إِلَيْكَ نَفْسَهُ، وَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ فِي أَمْرِهِ، وَاسْتَسْلَمَ

خويشتن را تسلیم تو داشته‌اند، و در کارشان بر تو توکل کرده‌اند، و در هر چه به ایشان رسیده است

بِكَ فِيمَا نَزَلَ بِهِ مِنْ أَمْرِهِ. اللَّهُمَّ خِرْ لِي وَلَا تَخِرْ عَلَيَّ،

تسلیم بوده‌اند. بارالها! برایم نیک بخواه و بد مخواه؛

وَأَعِنِّي وَلَا تُعِنِّ عَلَيَّ، وَمَكِّنِّي وَلَا تُمَكِّنْ مِنِّي،

کمکم کن و دیگران را علیه من کمک مکن؛ مرا توانایی بده و کسی را بر من مسلط مکن؛

وَاهْدِنِي لِلْخَيْرِ وَلَا تُضِلَّنِي، وَأَرْضِنِي بِقَضَائِكَ،

مرا به خوبی و نیکی راهنمایی کن و مگذار گمراه شوم؛ به قضایات راضی و خشنودم کن

وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ، وَتُعْطِي

و در تقدیرت برایم برکت و مبارکی قرار بده؛ به راستی تو هر چه را اراده کنی انجام می‌دهی و هر چه

مَا تُرِيدُ. اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتِ الْخَيْرَةُ لِي فِي أَمْرِي هَذَا

را بخواهی عطا می‌فرمایی. بارالها! اگر خیر و خوبی در کار مورد نظر

وَهُوَ كَذَا وَكَذَا، فَمَكِّنِّي مِنْهُ، وَأَقْدِرْ لِي عَلَيْهِ،

من هست؛ پس، آن را در اختیار من قرار بده و توان و نیروی انجام آن را بر من ارزانی بدار،

وَأْمُرْنِي بِفِعْلِهِ، وَأَوْضِحْ لِي طَرِيقَ الْهُدَايَةِ إِلَيْهِ،

و دستور انجامش را به من بده، و راه هدایت به سوی آن را برایم روشن فرما.

وَإِنْ كَانَ اللَّهُمَّ غَيْرَ ذَلِكَ فَاصْرِفْهُ عَنِّي إِلَى الَّذِي هُوَ

بارالها! اگر جز این است، آن را از من دور کن و تبدیل به چیزی کن که

خَيْرٌ لِي مِنْهُ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ،

برایم بهتر است؛ زیرا تو توانایی داری نه من؛ و تو می‌دانی، نه من؛

وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و تو به طور کامل از پنهانی‌ها خبر داری؛ ای مهربان‌ترین مهربانان.

سپس به سجده رفته و صد مرتبه در حالت سجده می‌گویی:

«أَسْتَخِيرُ اللَّهَ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ»؛ «از خداوند، خیر و نیکی با

عافیت درخواست می‌کنم». سپس سرت را از سجده برداشته

و منتظر می‌شوی تا یکی از آن‌ها از قالب گِل خارج شود، هر

یک از آن‌ها زودتر خارج شد به آن عمل کن.^۱

انواع استخاره با تسبیح

که از حضرت بقیة الله ارواحنا فداه روایت شده است



استخاره اول

علامه حلی رحمته الله در کتاب «مصباح» می‌فرماید: این استخاره از

صاحب الامر ارواحنا فداه روایت شده است؛ بدین شکل: ده مرتبه یا

سه مرتبه یا یک مرتبه سوره «حمد» بخواند، و پس از آن ده مرتبه

سوره «قدر» بخواند، و پس از آن سه مرتبه این دعا را بخواند:

۱. فتح الأبواب: ۲۶۵.





استخاره دوّم

علامه مجلسی اعلی الله مقامه در کتاب «بحار الأنوار» می فرماید:
از پدرم شنیدم که این روایت را از شیخ بهایی نورالله ضریحه روایت کرده است که گفت:

با اساتیدم گفت و گویی داشتیم که ایشان فرمودند: از امام قائم ارواحفاده در مورد استخاره با تسبیح نقل است که فرمود:

تسبیح را برداشته و پس از سه مرتبه صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد علیهم السلام قطعه‌ای از تسبیح را گرفته و دو تا دو تا دانه‌های آن را می‌شمرد و در نهایت، اگر یک دانه باقی ماند یعنی کار مورد نظر را انجام بده؛ و اگر دو دانه باقی ماند، یعنی انجام مده.^۱



استخاره سوّم

در کتاب «المختار من کلمات الإمام المهدي علیه السلام» آمده است:
در مورد استخاره با تسبیح، استخاره‌ای را اجازه داریم که از حضرت مهدی ارواحفاده روایت شده است، یکی از علما نیز در

۱. بحار الأنوار: ۲۵۰/۹۱.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ، وَأَسْتَشِيرُكَ

بارالها! به راستی من از تو طلب خیر می‌کنم؛ چرا که تو پایان تمام کارها را می‌دانی. نیز با تو مشورت می‌کنم؛

لِحُسْنِ ظَنِّي بِكَ فِي الْمَأْمُولِ وَالْمَحْذُورِ. اللَّهُمَّ إِنَّ كُنَّ

زیرا، به تو خوش‌گمان هستم و خوش‌گمانی‌ام در مورد همه چیزهایی است که آرزویم را دارم که انجام شود یا از وقوع آن

الْأُمُورِ الْفُلَانِي وَكَارِخُودِ رَانَامِ مِي بَرْدِ بِمَا قَدْ نِيَطَتْ بِالْبَرَكَةِ

ترسانم. بارالها! اگر کاری که در نظر دارم انتها و ابتدای آن به برکت پیوندد خورده و در

أَعْجَازُهُ وَبَوَادِيهِ، وَحَفَّتْ بِالْكَرَامَةِ أَيَّامُهُ وَلِيَالِيهِ،

تمامی روزها و شبهایش کرامت او را دربرگرفته است؛

فَخِرْ لِي يَا اللَّهُمَّ فِيهِ خَيْرَةٌ تَرُدُّ شُمُوسَهُ ذُلُولًا، وَتَقْعُضُ

پس، به گونه‌ای برایم انتخاب کن که چموشی آن از بین رفته و رام گردد، و

أَيَّامَهُ سُورُورًا. اللَّهُمَّ إِمَّا أَمْرٌ فَأَتَمِّرْ، وَإِمَّا نَهْيٌ فَأَنْتَهِي.

دارای ایامی خوش و روشن باشد. خدایا! اگر دستور می‌دهی تا انجام دهم؛ و اگر می‌گویی: نه، تا اجتناب کنم.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِرَحْمَتِكَ خَيْرَةٌ فِي عَافِيَةٍ.

خدای من؛ به راستی که من به واسطه رحمت و مهربانی‌ات از تو طلب خیر می‌کنم، خیری که با عافیت همراه باشد.

پس از خواندن دعا، مقداری از تسبیح را - در حالی که خواسته‌اش را نیز در نظر آورده است - می‌گیرد و می‌شمرد. پس از شمردن دانه‌هایی که در آن مقدار از تسبیح قرار دارند؛ اگر تعدادشان عدد فرد بود، کار را انجام بدهد، و اگر عدد زوج بود، انجام ندهد.^۱

۱. البلد الأمين: ۲۳۱، المصباح: ۵۱۵، و مانند آن در الصحیفة الصادقیة: ۴۲۰ وارد شده است.

مورد انجام این استخاره به من اجازه داده‌اند تا هم خودم انجام بدهم و هم بتوانم به دیگران اجازه انجام آن را بدهم؛ لذا، با توجه به اجازه‌ای که از ایشان دارم، ضمن بیان چگونگی این استخاره، اجازه آن را به همگان می‌دهم تا به این کیفیت استخاره کنند:

ابتدا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ گفته؛ سپس سه مرتبه صلوات فرستاده سپس دعای مختصری بخواند مثل اینکه بگوید: «يَا مَنْ يَعْلَمُ إِهْدِنَا مَنْ لَا يَعْلَمُ»؛ «ای کسی که می‌داند؛ کسی را که نمی‌داند راهنمایی کن»، یا بگوید: «يَا رَبِّ خِزْلِي مَا هُوَ الصَّالِحُ»؛ «پروردگارا؛ آنچه شایسته و صلاح من است برایم انتخاب کن» یا دعاهایی از این قبیل. پس از این دعای کوتاه، قسمتی از تسبیح را به دست گرفته و بشمرد؛ اگر فرد بود انجام دهد و اگر زوج بود ترک کند.^۱



استخاره چهارم

در برخی از کتاب‌های کهن دیدم که این استخاره را نیز به امام عصر ارواحنا فداه نسبت داده است: ابتدا سوره حمد را تا ﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ قرائت کرده، و پس از آن سه مرتبه صلوات فرستاده و پس از آن نیز سه مرتبه بگو: «يَا مَنْ يَعْلَمُ إِهْدِنَا مَنْ لَا يَعْلَمُ»؛ «ای کسی که می‌داند؛ کسی را که نمی‌داند راهنمایی کن» یا بگوید: «يَا رَبِّ خِزْلِي مَا هُوَ الصَّالِحُ»؛ «پروردگارا؛ آنچه شایسته و صلاح من است برایم انتخاب کن» یا دعاهایی از این قبیل. پس از این دعای کوتاه، قسمتی از تسبیح را به دست گرفته و بشمرد؛ اگر فرد بود انجام دهد و اگر زوج بود ترک کند.^۱

۱. المختار من کلمات الإمام المهدي عليه السلام: ۲/ ۵۳۹.

لَا يَعْلَمُ»، سپس، قبضه‌ای از تسبیح را با دست گرفته و دانه‌های آن را شمرده اگر عدد فرد بود یعنی خوب است و آن را انجام بده و اگر زوج بود آن را انجام مده.

اگر می‌خواهی بدانی کار مورد نظرت که برای آن استخاره می‌کنی بسیار بسیار خوب است یا خیر؛ پس از این استخاره، استخاره‌ای دیگر به نیت ترک کار مورد نظرت بگیر. در نتیجه اگر اصل کار خوب بود و در استخاره دوم که برای ترک انجام آن بود، زوج آمد که بد است؛ بنابراین، کار مورد نظر در نهایت خیر و نیکی خواهد بود. و اگر در ترک آن فرد آمد که خوب است، معلوم می‌شود که انجام دادن یا انجام ندادن کار مورد نظر فرقی ندارند. از سویی، اگر استخاره برای اصل کار بد بود و برای ترک کار خوب بود نیز، باید آن کار را ترک کرده و به طور جدی از انجام آن صرف نظر کنی؛ ولی اگر فعل و ترک، هر دو بد بود از انجام آن کار نهی شده ولی نه مثل استخاره قبل.



استخاره پنجم

فقیه بزرگوار، صاحب کتاب «جواهر الکلام» در آن کتاب می‌فرماید: استخاره دیگری هست که برخی از علمای زمان ما از

آن استفاده می‌کنند، و گویا به امام عصر ارواحنا فداه نسبت داده می‌شود؛ و کیفیت آن چنین است:

پس از این که آیه و دعا خواند، قبضه‌ای از تسبیح را می‌گیرد و هشت دانه هشت دانه می‌شمرد؛ اگر یک دانه باقی بماند، یعنی کمی خوب است؛ اگر دو تا بماند، یعنی در انجام آن کار یک نهی وجود دارد؛ اگر سه دانه تسبیح باقی بماند، یعنی صاحب استخاره خودش صاحب اختیار است، چرا که انجام آن کار و انجام ندادن آن مساوی است یعنی میانه است؛ اگر چهار دانه تسبیح باقی بماند به معنای وجود دو نهی و بدی در آن کار است؛ اگر پنج تا باقی بماند نزد بعضی به معنای این است که در آن کار سختی وجود دارد و برخی نیز به وجود سرزنش در آن کار معتقدند؛ اگر شش دانه باقی بماند به معنای نیکی و خیر کامل در آن کار است به گونه‌ای که باید در انجامش شتاب کرد؛ اگر هفت دانه از تسبیح باقی بماند همانند آن است که پنج دانه باقی مانده باشد که در آن دو رأی یاد و روایت وجود دارد؛ و اگر هشت دانه باقی بماند کار مورد نظر در نهایت بدی است و چهار نهی در آن وجود دارد.^۱

۱. الباقیات الصالحات حاشیة کتاب مفاتیح الجنان: ۴۱۱.

بخش دهم

بخش دهم



دعایابی که حضرت بقیة اللہ ارواحنا فداہ
از پدران بزرگوار خود نقل فرموده اند



دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سختی ها

به نقل از حضرت بقیة الله ارواحنا فداه

دعایی با اجابت فوری از ناحیه خداوند تعالی که حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام خواندن آن را در مورد سختی ها و هنگامه حادثه های خطرناک ، سفارش فرموده اند .

جناب سید بن طاووس رحمته الله این دعا را بدون اشاره به نام راوی آن نقل کرده است ؛ لکن علامه مجلسی رحمته الله گفته است : سند دیگری برای این دعا دارم که بسیار عالی است ؛ گرچه خالی از غرابت نیست .

من این دعا را از پدرم نقل می کنم و ایشان توسط یکی از صالحان - بدون واسطه - از حضرت مهدی ارواحنا فداه نقل کرده است .^۱

۱. بحار الأنوار: ۲۶۶/۹۵.

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنَا

بارالها؛ تو فرمانروایی راستین هستی که جز تو معبودی نیست، و من نیز

عَبْدُكَ، ظَلَمْتُ نَفْسِي وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي، فَاعْفُرْ لِي

بنده تو هستم؛ بر خود ستم کردم، و به گناهم اعتراف دارم؛ پس، گناهان مرا ببخش؛

الذُّنُوبَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا غَفُورٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ

جز تو خدایی نیست، ای آمرزنده. بارالها؛ تو را می ستایم

وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ، عَلَى مَا حَصَصْتَنِي بِهِ مِنْ مَوَاهِبِ

در حالی که می دانم تو سزاوار ستودن هستی؛ چرا که هر چه میل آن را داشته ام

الرَّغَائِبِ، وَوَصَلَ إِلَيَّ مِنْ فُضَائِلِ الصَّنَائِعِ، وَعَلَى مَا

بر من ارزانی داشته ای، و نیکویی ها و احسان فراوانی که به من رساندی، و بر آنچه

أَوْكَيْتَنِي بِهِ، وَتَوَلَّيْتَنِي بِهِ مِنْ رِضْوَانِكَ، وَأَنْلَتَنِي مِنْ

به من لطف نمودی، و از رضوان خود به من واگذار نمودی، و مرا

مِنْكَ الْوَأَصِلَ إِلَيَّ، وَمِنَ الدَّفَاعِ عَنِّي، وَالتَّوْفِيقِ لِي،

از منت خویش برخوردار گردانیدی؛ و همیشه از من دفاع فرمودی و توفیقم دادی،

وَالْإِجَابَةِ لِدُعَائِي، حَتَّىٰ أَنَاجِيكَ رَاغِبًا، وَأَدْعُوكَ

و دعایم را اجابت فرمودی؛ تا آن که با شوق و رغبت به مناجات بپردازم و با

مُصَافِيًا، وَحَتَّىٰ أَرْجُوكَ فَأَجِدُكَ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا

صفای باطن تو را بخوانم؛ نیز، به گونه ای رفتار کرده ای که به تو امید ببندم، و در همه جا تو را

لِي جَابِرًا، وَفِي أُمُورِي نَاطِرًا، وَلِذُنُوبِي غَافِرًا،

نسبت به خود مهربان، و در کارهایم ناظر، و برای گناهانم آمرزنده،

وَلِعَوْرَاتِي سَاتِرًا، لَمْ أَعْدِمْ خَيْرَكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ مُدًّا

و نسبت به عیبها و زشتی هایم پرده پوش بیایم. به اندازه یک چشم برهم زدن نیز - از زمانی که در دنیا که محل آزمایشات است

أَنْزَلْتَنِي دَارَ الْأَخْتِبَارِ، لَتَنْتَظَرَ مَاذَا أَقْدَمُ لِدَارِ الْقَرَارِ.

مرا منزل دادی نیکی های تو از من دریغ نشده است تا این که بنگری برای سرای آخرت که محل همیشگی و زندگی جاودان من

فَأَنَا عَتَيْتُكَ اللَّهُمَّ مِنْ جَمِيعِ الْمَصَائِبِ وَاللَّوَاظِبِ،

است، چه پیش خواهم فرستاد؟ بدین سان - خدایا؛ - من یکی از آرزودگان تو هستم در مورد تمام مصیبت ها و بدبختی ها،

وَالْغُمُومِ الَّتِي سَاوَرَتْنِي فِيهَا الْهُمُومُ، بِمَعَارِضِ

و غصه هایی که در آن نا آرامی ها و اندوه ها بر من هجوم آورده است؛ در مورد پیش آمده های (بد)

الْقَضَاءِ، وَمَصْرُوفِ جُهْدِ الْبَلَاءِ، لَا أَذْكَرُ مِنْكَ إِلَّا

قضا و نیز رخ دادن سختی های بلا؛ همیشه، تنها از تو

الْجَمِيلِ، وَلَا أَرَى مِنْكَ غَيْرَ التَّفْضِيلِ. خَيْرُكَ لِي

زیبایی و رفتار نیک سراغ داشته و جز فضل و رفتار بزرگوارانه از تو ندیده ام. نیکی و خیرت مرا

شَامِلٌ، وَفَضْلُكَ عَلَيَّ مُتَوَاتِرٌ، وَنِعْمَتُكَ عِنْدِي مُتَّصِلَةٌ،

در بر گرفته، و فضل و احسانت یکی پس از دیگری به من رسیده، و نعمت هایت پیوسته و بدون لفظهای درنگ در اختیار من قرار

سَوَابِغٌ لَمْ تُحَقِّقْ حِذَارِي، بَلْ صَدَّقْتَ رَجَائِي،

گرفته است. نعمت فراوانی که محقق نساختی بر حذر شدنم (نا امیدیم) را، بلکه امیدم را صادق قرار دادی؛

وَصَاحِبَتَ أَسْفَارِي، وَأَكْرَمَتَ أَحْضَارِي، وَشَفِيَّتَ

و در سفرها همراهی‌ام کرده‌ای، و در زمان حضور در وطنم نیز مرا بزرگ داشتی،

أَمْرَاضِي، وَعَاقِيَّتَ أَوْصَابِي، وَأَحْسَنَتَ مُنْقَلَبِي

بیماری‌هایم را شفا بخشیدی و درد و الم مرا عاقبت بخشیدی و نیکوگرداندی حال حرکتم را

وَمَثْوَايَ، وَلَمْ تُشْمِثْ بِي أَعْدَائِي، وَرَمَيْتَ مَنْ

و آرام گرفتتم را، و مرا مورد شماتت و سرزنش دشمنانم قرار ندادی؛ هر کس مرا هدف گرفت تو نیز او را هدف تیر

رَمَانِي، وَكَفَيْتَنِي شَرَّ مَنْ عَادَانِي. اللَّهُمَّ كَمْ مِنْ

انتقام خود قرار دادی، و در نهایت از شر و بدی تمام کسانی که با من دشمنی کردند مرا کفایت کردی. بارالها؛ چه بسیار

عَدُوٌّ أَنْتَضَى عَلَيَّ سَيْفَ عِدَاوَتِهِ، وَشَحَذَ لِقَتْلِي

دشمنانی داشتم که شمشیر کینه و دشمنی‌اش را بر روی من کشید، و

ظُبَّةَ مُدْيَتِهِ، وَأَرْهَفَ لِي شِبَا حَدِّهِ، وَدَافَ لِي قَوَاتِلَ

نوک نیزه‌اش را برای کشتن من تیز کرد، و تیزی لبه شمشیرش را برای من آماده کرد، و کشنده‌ترین

سُمُومِهِ، وَسَدَّدَ لِي صَوَائِبَ سِهَامِهِ، وَأَضْمَرَ أَنْ

زهرهایش را برایم مهیّا ساخته، و تیرهای دقیقش را بر من نشانه گرفت، و در دل نهان داشته بود

يَسُومَنِي الْمَكْرُوهَ، وَيُجَرِّعَنِي ذُعَافَ مَرَارَتِهِ،

که مرا گرفتار ناخوشی‌ها و ناملایمات کند، و تلخی‌ها را جرعه‌ها جرعه به کام من کند؛

فَنظَرْتَ يَا إِلَهِي إِلَى ضَعْفِي عَنِ احْتِمَالِ الْفَوَاحِ،

لیکن، ای خدای من؛ به ناتوانی و ضعف من در برابر تحمل مشکلات،

وَعَجَزِي عَنِ الْإِتِّصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِهِ،

و عجز و بیچارگی‌ام و عدم توانم برای پیروزی در برابر کسی که به قصد جنگ با من آمد،

وَوَحْدَتِي فِي كَثِيرٍ مَنْ نَاوَانِي، وَأَرْصَدَ لِي فِيمَا لَمْ

و تنهایی‌ام در میان آن همه دشمن قسم‌خورده که در خیال ستیز با من بودند، و چنان در کمین من بودند که حتی

أَعْمَلُ فِكْرِي فِي الْإِتِّصَارِ مِنْ مِثْلِهِ. فَأَيَّدْتَنِي يَا

فکر نمی‌کردم بتوانم در مقابل‌شان در چنان مواردی پیروز و کامیاب شوم؛ نگرستی، و با کمک خودت مرا تأیید و کمک

رَبِّ بَعُونِكَ، وَشَدَدْتَ أَيْدِي بِنَصْرِكَ، ثُمَّ قَلَلْتَ لِي

کردی، و با یاریت دستانم را نیرومند ساختی؛ آن‌گاه، تیزی (لبه شمشیرها و) سختی‌ها را به

حَدَّهُ، وَصَيَّرْتَهُ بَعْدَ جَمْعِ عَدِيدِهِ وَحَدَّهُ، وَأَعْلَيْتَ

نفع من کند کردی، و پس از آن همه توانایی و یارانی که دشمنم گرد آورده بود او را تنها گردانیدی، و در نهایت

كَعْبِي عَلَيْهِ، وَرَدَدْتَهُ حَسِيرًا لَمْ تَشْفِ غَلِيلَهُ، وَلَمْ

نیز مرا براو برتری دادی و سلاحم را براو توان بخشیدی، تا آن‌که با اندوه و حسرت او را برگرداندی

تُبَرِّدُ حَزَازَاتِ غَيْظِهِ، وَقَدْ غَضَّ عَلَيَّ شَوَاهُ، وَآبَ

به گونه‌ای که کینه درونی‌اش برطرف نشد و خشم افروخته‌اش نسبت به من سرد نگردد؛

مَوْلِيًّا قَدْ أَخْلَفْتَ سَرَائِيَاهُ، وَأَخْلَفْتَ آمَالَهُ. اللَّهُمَّ

با این‌که بر من چنگ انداخته بود، ولی در حالی‌که تو خواب و خیال‌هایش را بر باد دادی، بازگشت. بارالها؛

وَكَمَ مِنْ بَاغِ بَغِيٍّ عَلَيَّ بِمَكَائِدِهِ، وَنَصَبَ لِي شَرَكَ

چه دشمنان و ستمگرانی که با نیرنگ‌های خود بر من جفا کرده، و دام‌های خود را برایم

مَصَائِدِهِ، وَضَبّاً إِلَيَّ ضُبُوءَ السَّبْعِ لَطْرٍ يَدْتِيهِ، وَأَنْتَهَزَ

گسترده، همانند درنده‌ای که برای طعمه و شکار خود کمین می‌کند برای من کمین کرده

فُرْصَتَهُ، وَاللَّحَاقَ لِفَرِيَسَتِهِ، وَهُوَ مُظْهِرٌ بِشَاشَةِ

و فرصت به دست آورده را استفاده کرده و به تندی و شتاب بر شکار خود می‌جهد، در حالی که

الْمَلَقِ، وَيَبْسُطُ إِلَيَّ وَجْهًا طَلِقًا. فَلَمَّا رَأَيْتَ يَا إِلَهِي

خوشروئی منافقانه از خودش آشکار می‌کند و با چهره‌ای باز نه درهم کشیده برخورد می‌کند؛ لیکن، ای خدای من؛

دَغَلَ سِرِّيرَتِهِ، وَقُبِحَ طُوبِيَّتِهِ، أَنْكَسْتَهُ لِأَمِّ رَأْسِهِ فِي

وقتی دیدی چه نیرنگی برایم در سینه دارد، و چه تبت زشتی در سر دارد، او را در

زُبَيْتِهِ، وَأَزَّ كَسْتَهُ فِي مَهْوِي حَفِيرَتِهِ، وَأَنْكَصْتَهُ عَلَيَّ

دام خودش سرنگون ساختی، و او را در گودالی که برای من کنده بود افکندی و وادار به

عَقْبِيهِ، وَرَمَيْتَهُ بِحَجْرِهِ، وَنَكَأْتَهُ بِمَشْقَصِهِ، وَخَنَقْتَهُ

عقب‌نشینی کردی، و با سنگی که داشت بر خودش زد، و با تیر خودش او را مجروح کردی، و با

بُوتَرِهِ، وَرَدَدْتَ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ، وَرَبَقْتَهُ بِسَدَامَتِهِ

زه کماش او را خفه ساختی، و نیرنگش را به حلقوم خودش برگرداندی، و آن متکبر را به پشیمانی تمام گریبان‌گیر

فَاسْتَخَذَلَّ وَتَضَاعَلَ بَعْدَ نِخْوَتِهِ، وَبَخَعَ وَأَنْقَمَعَ بَعْدَ

نمودی و پس از آن همه ادعای چیرگی و غرور و تکبر او را سرافکننده نمودی، و بعد

اسْتِطَالَتِهِ، ذَلِيلًا مَأْسُورًا فِي حَبَائِلِهِ الَّتِي كَانَ يُحِبُّ

از سرکشی ذلیل و مغلوب کردی، در حالی که با ذلت و خواری در دام‌هایی که می‌خواست

أَنْ يَرَانِي فِيهَا، وَقَدْ كِدْتُ لَوْ لَا رَحْمَتَكَ أَنْ يَحِلَّ بِي

مرا در آن ببیند گرفتارش کردی؛ این همه در شرایطی بود که اگر رحمت شامل من نمی‌شد زود بود که بر من وارد شود

مَا حَلَّ بِسَاحَتِهِ، فَالْحَمْدُ لِرَبِّ مُقْتَدِرٍ لَا يُنَازِعُ،

آنچه نسبت به او وارد شده است؛ بنابراین، حمد و ستایش را مخصوص پروردگاری می‌دانم که دارای قدرتی لا ینازع و بی‌رقیب

وَلَوْلِيٍّ ذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، وَقَيُّومٍ لَا يَغْفُلُ، وَحَلِيمٍ

است، سرپرستی که مهلت‌دهنده است و شتاب نمی‌کند؛ پایداری که غفلت نمی‌کند؛ و بردباری که

لَا يَجْهَلُ. نَادَيْتُكَ يَا إِلَهِي مُسْتَجِيراً بِكَ، وَائْتَقَا

از هیچ چیز بی‌اطلاع نیست. ای خدای من؛ در حالی تو را ندا در می‌دهم که پناهنده‌ات هستم؛

بِسُرْعَةٍ إِجَابَتِكَ، مُتَوَكِّلاً عَلَيَّ مَا لَمْ أَزَلْ أَعْرِفُهُ مِنْ

به اجابت و پاسخ‌دادن سرعت اطمینان دارم؛ با اعتماد بر آنچه از دیرباز شناخته‌ام

حُسْنِ دِفَاعِكَ عَنِّي، عَالِمًا أَنَّهُ لَنْ يُضْطَهَدَ مَنْ آوَى

که تو به خوبی از من دفاع می‌کنی؛ می‌دانم که هر کس در سایه کفایت تو درآید

إِلَى ظِلِّ كِفَايَتِكَ، وَلَا يَفْرَعُ الْقَوَارِعُ مَنْ لَجَأَ إِلَيَّ

شکست نمی‌خورد؛ و هر کس به تو پناه برد ستیزه‌گران با او ستیزه نمی‌کنند

مَعْقِلِ الْإِنتِصَارِ بِكَ، فَخَلَّصْتَنِي يَا رَبِّ بِقُدْرَتِكَ

و او را نمی‌کوبند؛ بنابراین، ای پروردگار من؛ با قدرت و توان وصف‌ناپذیرت مرا خلاصی بخشیدی،

وَنَجَيْتَنِي مِنْ بَأْسِهِ بِتَطَوُّلِكَ وَمَنَّكَ. أَللَّهُمَّ وَكَمْ مِنْ

و با منت و نعمت بخش الهیات مرا از بدی و آزار او نجات دادی. بار خدایا؛ چه بسیار

سَحَائِبَ مَكْرُوهٍ جَلَّيْتَهَا، وَسَمَاءٍ نِعْمَةٍ أَمْطَرْتُهَا،

ابرهای ناخوشایندی که راندى و دور کردى، و چه آسمان‌های نعمت‌بارى که به بارش درآوردى،

وَجَدَاوِلَ كَرَامَةٍ أَجْرَيْتَهَا، وَأَعْيُنَ أَحْدَاثٍ طَمَسْتَهَا،

و چه نهرهای کرامت و بزرگواری که روان نمودى، و چشمه‌های حادثه‌های ناگوار که ناپدید ساختى،

وَنَاشِي رَحْمَةٍ نَشَرْتُهَا، وَغَوَاشِي كُرْبٍ فَرَجْتُهَا،

و رحمت‌هایی که گستردى، و مصیبت‌های فراگیرى که برطرف کردى

وَعُمَمٍ بَلَاءٍ كَشَفْتُهَا، وَجَنَّةٍ عَافِيَةٍ أَلْبَسْتُهَا، وَأُمُورٍ

و بلاهایی که رفع کردى، و لباس عافیتی که بر من پوشانیدى، و چیزهای

حَادِثَةٍ قَدَّرْتُهَا، لَمْ تُعْجِزْكَ إِذْ طَلَبْتُهَا، فَلَمْ تَمْتَنِعْ

تازه‌ای که برای آینده در نظر گرفتی؛ آن گونه که هنگام جستجوی آنها ناتوان نیستى و بدین جهت

مِنْكَ إِذْ أَرَدْتُهَا. اللَّهُمَّ وَكَمْ مِنْ حَاسِدٍ سُوِّءٍ تَوَلَّيْتُ

وقتی اراده کنی نیز سرپیچی نمی‌کنند. بار خدایا؛ چه بسیار حسود بداندیشی که

بِحَسَدِهِ، وَسَلَفَنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ، وَوَحَزَنِي بِقَرَفِ عَيْبِهِ،

با حسادت مرا گرفتار کرد، و به تندى زبانش مرا آزرده ساخت، و با عیب‌نهادنش مرا به درد آورد،

وَجَعَلَ عِرْضِي غَرَضًا لِمَرَامِيهِ، وَقَلَدَنِي خِلَالًا لِمِ

و ابرویم را مورد هدف خود قرار داد، و قلاده‌ای به گردنم افکنده است که همواره تو

تَزَلُ فِيهِ كَفَيْتَنِي أَمْرَهُ. اللَّهُمَّ وَكَمْ مِنْ ظَنَّ حَسَنٍ

امر او را بر من کفایت نمودى. بار الها؛ چه خوش‌گمانی‌هایی که تاکنون به تو داشتم و آنها

حَقَّقْتَ، وَعَدُمَ إِمْلَاقٍ ضَرَّنِي جَبْرَتَ وَأَوْسَعْتَ، وَمِنْ

به وقوع پیوست، و چه بسیار تنگدستی که به من زیان زد و تو جبران کردى و توان‌گرى بخشیدى، و چه بسیار که بر زمین

صَرَعَةَ أَقَمْتَ، وَمِنْ كُرْبِيَةِ نَفَسْتِ، وَمِنْ مَسْكَنَةِ

افتادم و سقوط کردم و تو مرا برپا کردى، و چه بسیار حادثه‌های اندوه‌بارى که از آن رهایی بخشیدى، و چه بیچارگی‌هایی

حَوَّلْتَ، وَمِنْ نِعْمَةٍ حَوَّلْتَ، لَا تُسْأَلُ عَمَّا تَفْعَلُ، وَلَا

که از بین بردى، و چه نعمت‌هایی که ارزانی داشتى؛ در مورد آن چه انجام می‌دهى از تو پرس و جو نمی‌شود،

بِمَا أُعْطِيتَ تَبْخَلُ، وَلَقَدْ سَأَلْتُ فَبَدَلْتُ، وَلَمْ تُسْأَلْ

در عطایت بخل نمی‌ورزی؛ همانا، از تو درخواست شد و بلافاصله بخشیدى، و چیزهایی را که درخواست نشد

فَابْتَدَأْتَ وَاسْتُمِيعَ فَضْلُكَ فَمَا أَكْهَدَيْتَ، أَبَيْتَ إِلَّا

پیش از درخواست تو احسان کردى، از تو بخشش و بزرگواری درخواست شد و تو دریغ نورزیدى؛

إِنْغَامًا وَامْتِنَانًا وَتَطَوُّلاً، وَأَبَيْتَ إِلَّا تَقَحُّمًا عَلَى

و نخواستنه‌ای که جز نعمت بخشیدن و منت نهادن و بهره‌مند ساختن، کار دیگری نکنی؛ در مقابل - چنان که از اعمالم

مَعَاصِيكَ، وَأَنْتِهَا كَأَلِحْرُمَاتِكَ، وَتَعَدِيًّا لِحُدُودِكَ،

بی‌داست - من نیز سرباز زدم جز مرتکب‌شدن گناهان و هتک حرمت نسبت به تو و تجاوز و گذشتن از مرزها و حدودت،

وَعَفْلَةً عَن وَعِيدِكَ، وَطَاعَةً لِعَدُوِّي وَعَدُوِّكَ، لَمْ

و بی‌توجهی نسبت به وعده‌های عذابت فرمانبردارى از دشمن‌مشترک من و خودت‌کاری انجام ندادم؛

تَمْتَنِعَ عَن إِتْمَامِ إِحْسَانِكَ، وَتَتَابِعَ امْتِنَانِكَ، وَلَمْ

تو نیز با این وجود دست از کامل‌کردن نعمت و پی در پی فرستادن خوبی‌ها و منت نهادن‌هایت، برداشته‌ای؛

يَحْجُزُنِي ذَلِكَ عَنِ ارْتِكَابِ مَسَاخِطِكَ . اَللّٰهُمَّ فَهَذَا

لیکن اینها نیز باعث بازداشتن من از انجام گناهان و دست برداشتن از خشم تو نشده؛ بار خدایا! این جایگه،

مَقَامُ الْمُعْتَرِفِ لَكَ بِالتَّقْصِيرِ عَنْ اَدَاءِ حَقِّكَ ، اَلشَّاهِدِ

جایگاه کسی است که دارد اعتراف می‌کند در ادای حق تو کوتاهی کرده است؛ خودش گواهی

عَلَى نَفْسِهِ بِسُبُوغِ نِعْمَتِكَ ، وَحُسْنِ كِفَايَتِكَ ، فَهَبْ

بر ضدّ خودش می‌دهد که نعمت تو کامل و نگاهداری و حفاظت تو از او نیز به نیکی انجام شده است؛ پس،

لِي اَللّٰهُمَّ يَا اِلٰهِي مَا اَصِلُ بِهٖ اِلَى رَحْمَتِكَ ، وَاَتَّخِذُهٗ

ای خدای من؛ ای معبود من؛ به من ببخش آنچه را که به سبب آن به رحمت تو برسم، و آن را

سَلَمًا اَعْرِجُ فِيهٖ اِلَى مَرْضَاتِكَ ، وَاَمْنٌ بِهٖ مِنْ عِقَابِكَ ،

نردبانی برای بالا آمدن به سوی کارهای خشنودکننده و رضای تو قرار دهم و بدان وسیله از کیفر تو در امان بمانم.

فَاِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ ، وَاَنْتَ عَلٰى

به راستی، تو هر چه بخواهی انجام داده، به هر کاری بخواهی دستور می‌دهی و تو بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ . اَللّٰهُمَّ حَمْدِي لَكَ مُتَوَاصِلٌ ، وَثَنَائِي

هر کاری توانایی. خدایا؛ سپاس من پی در پی به درگاه تو واصل، و ثنا و ستایشم

عَلَيْكَ دَائِمٌ ، مِنْ الدَّهْرِ اِلَى الدَّهْرِ بِالْاَوَانِ التَّسْبِيْحِ ،

به‌طور دایم نثار آستان تو، از روزگاری تارو زگار دیگر است؛ و این تسبیحاتم به‌شکل‌های گوناگون بوده،

وَفُنُونِ التَّعْدِيسِ ، خَالِصًا لِذِكْرِكَ ، وَمَرْضِيًّا لَكَ

و تقدیس تو را از راه‌های مختلف به‌جای می‌آورم؛ خالصانه به یاد توام،

بِنَاصِعِ التَّوْحِيدِ ، وَمَحْضِ التَّحْمِيدِ ، وَطَوْلِ التَّعْدِيْدِ

و با یگانه‌دانستن و سپاس بی‌شائبه‌ات و به وسیله دروغ‌گو شمردن همیشگی و پیوسته آن‌هایی که

فِي اِكْذَابِ اَهْلِ التَّنْذِيْدِ . لَمْ تُعَنْ فِي شَيْءٍ مِنْ

برای تو مثل و مانند و همتا قائلند؛ سعی دارم مورد رضایت و خشنودیت قرار گیرم.

قُدْرَتِكَ ، وَلَمْ تُشَارِكْ فِي الْهَيْبَةِ ، وَلَمْ تُعَايِنْ اِذْ

در قدرت‌مندیت کسی به تو یاری نمی‌رساند، و در خدایت کسی با تو شریک نیست، و هنگامی که

حَبَسْتَ الْاَشْيَاءَ عَلٰى الْعَرَائِزِ الْمُخْتَلِفَاتِ ، وَفَطَرْتَ

اشیاء را بر غریزه‌های گوناگون پوشش دادی و نگهداری کردی کسی تو را معاینه و مشاهده نمی‌کرد،

الْخَلَائِقَ عَلٰى صُنُوفِ الْهَيْئَاتِ ، وَلَا خَرَقَتْ الْاَوْهَامُ

و آن‌گاه که هر مخلوقی را در صنف و هیئت‌ویژهای خلق کردی کسی تو را نمی‌دید. (عقل و وهم و قوای

حُجَبِ الْغُيُوبِ اِلَيْكَ ، فَاعْتَقَدْتَ مِنْكَ مَحْدُوْدًا فِي

باطنیته هیچ کس، یاری دریدن پرده‌های پنهانی به سوی تو را ندارد، تا در نتیجه تو را در

عَظَمَتِكَ ، وَلَا كَيْفِيَّةً فِي اَزَلَّتِكَ ، وَلَا مُمَكِّنًا فِي

عظمتت محدود باور دارد، و نمی‌تواند برای ازلیت تو کیفیتی و برای قدیمیت تو امکانی فرض کند.

قِدَمِكَ ، وَلَا يَبْلُغُكَ بَعْدُ الْهَمَمِ ، وَلَا يَنَالُكَ غَوْصُ

هر چه همت کسی عالی باشد به‌گفته حقیقت تو نمی‌رسد، و ژرفاندیشی و زیرکی

الْفِطْنِ ، وَلَا يَنْتَهِي اِلَيْكَ نَظْرُ النَّاظِرِيْنَ فِي مَجْدِ

هیچ کسی به تو دست نمی‌یازد، و نگرش هیچ کسی به منتهای

جَبْرُوتِكَ، وَعَظِيمِ قُدْرَتِكَ. إِرْتَفَعَتْ عَنْ صِفَةِ

جبروت و نیروی عظیم تو نخواهد رسید. صفت و ویژگی

الْمَخْلُوقِينَ صِفَةً قُدْرَتِكَ، وَعَلَا عَنْ ذَلِكَ كِبْرِيَاءُ

قدرت تو برتر از توصیف آفریدگان، و عظمت کبریایی تو بلندمرتبه‌تر از آن‌هاست؛

عَظَمَتِكَ، وَلَا يَنْتَقِصُ مَا أَرَدْتَ أَنْ يَزِدَادَ، وَلَا يَزِدَادُ

آنچه را که اراده کنی زیاد گردد کم نمی‌شود، و اگر

مَا أَرَدْتَ أَنْ يَنْتَقِصَ، وَلَا أَحَدٌ شَهِدَكَ حِينَ فَطَرْتَ

کمی چیزی را اراده کنی توان افزایش ندارد؛ در هنگام آفرینش مخلوقات هیچ کس گواه تو نبود،

الْخَلْقَ، وَلَا ضِدُّ حَضْرِكَ حِينَ بَرَأْتَ النُّفُوسَ. كَلَّتِ

و در زمان خلقت جان‌دارها نیز هیچ کس که با تو ضدیت داشته باشد نزدت حضور نداشت.

الْأَلْسُنُ عَنْ تَبْيِينِ صِفَتِكَ، وَأَنْحَسَرَتْ الْعُقُولُ عَنْ

زبان‌ها از روشنگری در مورد صفت تو عاجز و ناتوانند، و عقل‌ها در حسرت رسیدن

كُنْهِ مَعْرِفَتِكَ، وَكَيْفَ تُدْرِكُكَ الصِّفَاتُ، أَوْ تَحْوِيكَ

به کُنْه و نهایت شناخت تو در مانده‌اند؛ آخر، چگونه صفت‌ها تو را درمی‌یابند؟ و به چه صورت،

الْجِهَاتُ، وَأَنْتَ الْجَبَّارُ الْقُدُّوسُ الَّذِي لَمْ تَزَلْ أَرْبَابًا

جهت‌ها می‌توانند تو را در بگیرند؟ در حالی که تو جبار و قدوس (پاک و در نهایت پاک) هستی؛

دَائِمًا فِي الْغُيُوبِ وَحَدِّكَ، لَيْسَ فِيهَا غَيْرُكَ، وَكَمْ

همان که پیوسته، و همیشگی و به طور دایم تنها در غیب مطلق هستی، جز تو در آن نیست، و

يَكُنْ لَهَا سِوَاكَ. حَارَتْ فِي مَلَكَوتِكَ عَمِيقَاتُ

غیر از تو کسی شایسته‌شان نیست. در ملکوت تو نیز عمیق‌ترین

مَذَاهِبِ التَّفَكِيرِ، وَحَسَرَ عَنْ إِدْرَاكِكَ بَصَرَ الْبَصِيرِ،

راهروهای اندیشه، حیران شده‌اند؛ دیده‌ ژرف‌نگر و باز، از ادراک حقیقت تو خسته و در مانده است؛

وَتَوَاضَعَتِ الْمُلُوكُ لِهَيْبَتِكَ، وَعَنْتِ الْوُجُوهُ بِذُلِّ

پادشاهان در برابر هیبت تو فروتن اند؛ ابروداران در برابر

الْإِسْتِكَانَةِ لِعِزَّتِكَ، وَأَنْقَادَ كُلِّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِكَ،

عزت تو سر خواری و بیچارگی فرود آورده‌اند؛ همه چیز شگفتاد و سرافکنده در برابر عظمت و بزرگی تو است؛

وَأَسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِكَ، وَخَضَعَتِ الرَّقَابُ

هر چیزی در برابر نیرو و قدرت تو سر تسلیم فرود آورده است؛ با سلطنت و چیرگی تو، تمام‌گردن‌ها

بِسُلْطَانِكَ، فَضَلَ هُنَالِكَ التَّدْبِيرُ فِي تَصَارِيفِ

به خضوع و افتادگی درآمده است، و در این جاست که هر تدبیر و چاره‌جویی در پیدا کردن

الصِّفَاتِ لَكَ، فَمَنْ تَفَكَّرَ فِي ذَلِكَ رَجَعَ طَرْفُهُ إِلَيْهِ

صفاتی برای تو، دچار گمراهی و سرگردانی شده است؛ هر کس در مورد صفات اندیشه کند

حَسِيرًا، وَعَقْلُهُ مَبْهُوتًا مَبْهُورًا، وَفِكْرُهُ مُتَحِيرًا.

در مانده و خسته از این کار برمی‌گردد، و عقلش ناتوان و شگفت‌زده و اندیشه‌اش سرگردان می‌شود؛

اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مُتَوَاتِرًا مُتَوَالِيًا مُتَسِقًا

ای خدا؛ پس، تمام حمد و سپاس‌ها را مخصوص تو می‌دانم؛ حمد و سپاسی پی در پی، متصل، همراه

مُسْتَوْتَقاً يَدُومٌ وَلَا يَبِيدُ غَيْرَ مَفْقُودٍ فِي الْمَلَكُوتِ ،

و محکم به هم چسبیده، که دایمی باشد و قطع نشود و در ملکوت نیز ناپدید نشود،

وَلَا مَطْمُوسٍ فِي الْعَالَمِ ، وَلَا مُنْتَقَصٍ فِي الْعِرْفَانِ ،

و در جهان آفرینش محو و نابود نشود، و از نظر شناخت نیز کم نداشته باشد؛

فَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا تُحْصَى مَكَارِمُهُ فِي اللَّيْلِ إِذَا

پس، سپاس و ستایشی که مکرمتها و خوبی‌هایش را نتوان برشمرد سزاوار توست،

أَدْبَرَ ، وَفِي الصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ ، وَفِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ،

و تو را سپاس هنگامی که شب پشت می‌کند و هنگامی که صبح طلوع می‌کند؛ در دریا و خشکی،

وَبِالْغَدُوِّ وَالْأَصَالِ ، وَالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ، وَالظَّهْرِ

و صبح و شام، و در شبانگاه و بامدادن و در ظهر

وَالْأَسْحَارِ . اللَّهُمَّ بِتَوْفِيقِكَ أَحْضَرْتَنِي النَّجَاةَ ،

و سحرگاهان. بارالها؛ با توفیقت مرا نجات بخشیدی،

وَجَعَلْتَنِي مِنْكَ فِي وَلَايَةِ الْعِصْمَةِ ، لَمْ تُكَلِّفْنِي فَوْقَ

و در دائرة حفظ و حراست خود سرپرستی و نگهداری کردی، بیش از طاقت و

طَاقَتِي إِذْ لَمْ تَرْضَ مِنِّي إِلَّا بِطَاعَتِي ، فَلَيْسَ شُكْرِي

توانم برای من وظیفه‌ای نگذاشتی؛ زیرا، تنها فرمان‌برداریت را از من خواستی تا مورد رضایت قرار گیرم. بنابراین، سپاسگزاری

وَإِنْ دَأْبَتْ مِنْهُ فِي الْمَقَالِ ، وَبَالَغَتْ مِنْهُ فِي الْفِعَالِ

و تشکر من از تو (هر چند در گفتار خسته شوم، و نهایت توانم را در انجام آن به کار بگیرم) نخواهد

بِبَالِغِ أَدَاءِ حَقِّكَ ، وَلَا مُكَافِ فَضْلِكَ ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا

توانست حقت را ادا کند و هم‌پایه فضل تو باشد؛ زیرا، تو خدایی هستی که

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، لَمْ تَغِبْ عَنْكَ غَائِبَةٌ ، وَلَا تَخْفَى عَلَيْكَ

معبودی جز تو نیست؛ هیچ پنهان‌شده‌ای از تو پنهان نشده است، و هیچ چیز پوشیده و مخفی نیز

خَافِيَةٌ ، وَلَا تَضِلُّ لَكَ فِي ظُلْمِ الْخَفِيَّاتِ ضَالَّةٌ ، إِنَّمَا

بر تو پوشیده نیست، و در تاریکی‌های پنهان، گم‌شده‌ای از نظر تو گم نمی‌شود.

أَمْرُكَ إِذَا أَرَدْتَ شَيْئًا أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ . اللَّهُمَّ

شان تو چنین است که هرگاه چیزی را اراده کنی به آن می‌گویی: (انجام) شو! آن نیز (بلافاصله) انجام می‌شود. بارالها؛

لَكَ الْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَمِدْتَ بِهِ نَفْسَكَ ، وَحَمْدَكَ بِهِ

تو را سپاس به همان‌گونه که خود را ستوده‌ای؛ و همان‌گونه که تمام

الْحَامِدُونَ ، وَمَجْدَكَ بِهِ الْمُمَجِّدُونَ ، وَكَبْرَكَ بِهِ

ستایشگران تو را حمد و سپاس گفته‌اند، و تمام ثناگوینان تو را ثنا و تمجید نموده‌اند،

الْمُكَبِّرُونَ ، وَعَظَمَكَ بِهِ الْمُعْظِمُونَ ، حَتَّى يَكُونَ لَكَ

و بزرگ‌دارندگان تو را بزرگ داشته‌اند، و به عظمت یادکنندگان تو را تعظیم کرده‌اند؛ تا جایی که

مِنِّي وَخَدِي فِي كُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ ، وَأَقَلِّ مِنْ ذَلِكَ ، مِثْلُ

من در هر چشم به هم زدن و بلکه در زمانی کمتر از آن، به تنهایی به اندازه

حَمْدِ جَمِيعِ الْحَامِدِينَ وَتَوْحِيدِ أَصْنَافِ الْمُخْلِصِينَ ،

تمام ستایشگران تو را ستایش کنم، و به اندازه تمام مخلصان تو را یگانه بخوانم،

وَتَقْدِيسِ أَحِبَّائِكَ الْعَارِفِينَ، وَتَنَاءِ جَمِيعِ الْمُهْلَلِينَ،

و به اندازه تمام دوستان عارف تو را تقدیس کنم، و به اندازه تمام تهلیل‌گویان تو را ثناگویی کنم؛

وَمِثْلُ مَا أَنْتَ عَارِفٌ بِهِ، وَمَحْمُودٌ بِهِ مِنْ جَمِيعِ

همانند آنچه که تو خودت نسبت به آن شناخت داری، و با آن ستایش‌شونده‌ای از تمام

خَلْقِكَ مِنَ الْحَيَوَانِ وَالْجَمَادِ. وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ

مخلوقاتت اعم از حیوان و جمادات. بارالها؛ اشتیاق دارم

فِي شُكْرِ مَا أَنْطَقْتَنِي بِهِ مِنْ حَمْدِكَ، فَمَا أَيْسَرَ مَا

شکر و سپاس تمام ستایش‌هایی را که زبانم را بدان گویا کردی نیز به جای آورم. چه قدر آسان است

كَلَّفْتَنِي مِنْ ذَلِكَ، وَأَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي عَلَى شُكْرِكَ،

انجام آن چه مرا بدان موظف نمودی، و چه عظیم است وعده‌هایی که برای سپاسگزاریت به من دادی؛

إِبْتِدَاءُ تَنِي بِالنِّعَمِ فَضْلاً وَطَوَّلاً، وَأَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ حَقّاً

از راه فضل و دوستی و لطف شروع به نعمت‌بخشیدن به من کردی، و به من دستور دادی که در مقابل آن نعمت‌ها - چنان‌که حق توست و

وَعَدَلاً، وَوَعَدْتَنِي عَلَيْهِ أضعافاً وَمَزِيداً، وَأَعْطَيْتَنِي

عدالت نیز همین را اقتضا می‌کند - به شکرگزاریت پیراوم؛ نیز به من وعده فرمودی که در مقابل شکر و سپاسگزاریت نیز چند برابر به من

مِنْ رِزْقِكَ اعْتِبَاراً وَامْتِحَاناً، وَسَأَلْتَنِي مِنْهُ فَرَضاً

ببخشی و پاداش بدهی. از روزی و رزقت جهت عبرت‌جویی و آزمایش، به من ارزانی داشتی، ولی در مقابل مقدار کم و

يَسِيراً صَغِيراً، وَوَعَدْتَنِي عَلَيْهِ أضعافاً وَمَزِيداً

کوچک از آن را از من درخواست کردی و باز هم در مقابل پرداخت آن، وعده پاداش‌های چند برابر

وَإِعْطَاءٍ كَثِيراً، وَعَافَيْتَنِي مِنْ جُهْدِ الْبَلَاءِ، وَلَمْ

و نیز بخشش‌های بسیار به من دادی. و مرا از سختی بلا عافیت و سلامت دادی و

تُسَلِّمَنِي لِلسُّوءِ مِنْ بَلَائِكَ، وَمَنْحَتَنِي الْعَافِيَةَ،

به بدی‌های بلایت رها نکردی، و عافیت و سلامتی را به من احسان نمودی،

وَأَوْلَيْتَنِي بِالْبَسْطَةِ وَالرَّخَاءِ، وَضَاعَفْتَ لِي الْفَضْلَ

و مرا با گستردگی و رفاه یاری کردی و برای من فضل و احسان را

مَعَ مَا وَعَدْتَنِي بِهِ مِنَ الْمَحَلَّةِ الشَّرِيفَةِ، وَبَشَّرْتَنِي

- با این که در محل بزرگواری برای من وعده دادی - چندین برابر قرار دادی، و به وسیله او مرا

بِهِ مِنْ الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الْمَنِيَعَةِ، وَأَصْطَفَيْتَنِي بِأَعْظَمِ

به درجه رفیع و والا بشارت دادی، و مرا به بزرگ‌ترین

النَّبِيِّينَ دَعْوَةً، وَأَفْضَلِهِمْ شَفَاعَةً مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

پیامبران از نظر فراخوان و برترین آنان از نظر شفاعت یعنی حضرت محمد - که درود خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَسَعُهُ إِلَّا مَغْفِرَتُكَ،

بر او و آل او باد - برگزیدی. بار خدایا؛ ببامرز برای من آنچه را که جز آمرزش تو آن را توان ندارد،

وَلَا يَمَحِّقُهُ إِلَّا عَفْوُكَ، وَهَبْ لِي فِي يَوْمِي هَذَا

و جز عفو تو آن را محو و نابود نکند؛ امروز و در

وَسَاعَتِي هَذِهِ يَقِيناً يَهْوَنُ عَلَيَّ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا

ساعت حاضر یقینی به من ببخشی که مصیبت‌ها

وَأَحْزَانَهَا، وَيُشَوِّقُنِي إِلَيْكَ، وَيُرْغِبُنِي فِيمَا عِنْدَكَ،

و اندوه‌های دنیا را بر من آسان گرداند، و مرامشاق تو کند، و ترغیب به چیزهایی که نزد توست بنماید.

وَ اكْتُبْ لِي الْمَغْفِرَةَ، وَ بَلِّغْنِي الْكِرَامَةَ، وَ ارْزُقْنِي شُكْرَ

مغفرت و آموزش خویش را برای من بنویس، و مرا به کرامت برسان، و شکر و سپاسگزاری بر

مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الرَّفِيعُ

نعمت‌هایت را که بر من عنایت کردی، روزیم کن؛ زیرا، تو خدای یکتای والای

الْبَدِيِّ الْبَدِيعِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ الَّذِي لَيْسَ لِأَمْرِكَ

آغازگر نوآور شنوای دانا هستی؛ خدایی که هیچ چیزی نمی‌تواند دستورت را

مَدْفَعٌ، وَلَا عَنْ قَضَائِكَ مُمْتَنِعٌ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَبِّي

برگرداند، و از قضا و نظر تو جلوگیری کند؛ و گواهی می‌دهم که تو پروردگار من

وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمٌ

و پرورش‌دهنده تمام چیزی‌هایی؛ آفریننده آسمان‌ها و زمینی؛ دانای

الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالُ. اللَّهُمَّ إِنِّي

پنهانی‌ها و دیدنی‌ها؛ بلندمرتبه، بزرگ و والامقام. بار خدایا؛ به راستی من

أَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ، وَالْعَزِيمَةَ فِي الرُّشْدِ،

از تو درخواست ثبات و پایداری را در ولایت، و عزم راسخ در انجام خوبی‌ها،

وَإِلْهَامَ الشُّكْرِ عَلَى نِعْمَتِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ جَوْرِ كُلِّ

و الهام به من برای سپاسگزاری بر نعمت‌هایت دارم. از جور و ستم تمام

جَائِرٍ، وَبَغْيِ كُلِّ بَاغٍ، وَحَسَدِ كُلِّ حَاسِدٍ. اللَّهُمَّ بِكَ

جائران و ستم‌کاران، از جفاکاری زورگویان، و از حسد حسادت‌کنندگان به تو پناه می‌آورم. بارالها به واسطه تو

أَصُولٌ عَلَى الْأَعْدَاءِ، وَإِيَّاكَ أَرْجُو لِأَيَّةِ الْأَحْبَاءِ، مَعَ

می‌خواهم بر دشمنان ظفر و چیرگی یابم؛ و تنها از تو ولایت و دوستی و دوستان را امید دارم؛ با

مَا لَا أَسْتَطِيعُ إِحْصَاءَهُ مِنْ فَوَائِدِ فَضْلِكَ، وَأَصْنَافِ

این که هنوز نمی‌توانم موارد فضل سودمندی، و انواع

رِفْدِكَ، وَأَنْوَاعِ رِزْقِكَ، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

پذیرایی و روزیات را به شماره درآورم. همانا، تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست

الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ حَمْدُكَ، الْبَاسِطُ بِالْجُودِ يَدُكَ،

و ستایش در بین خلقت گسترده و آشکار است، و دست جود و بخشش باز و گسترده است،

لَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ، وَلَا تُتَنَازَعُ فِي سُلْطَانِكَ وَمُلْكِكَ،

و در حکم و فرمان تو با تو ضدیت نمی‌توان کرد، و در سلطنت و فرمان‌روایی، کسی نمی‌تواند به جنگ تو بیاید،

وَلَا تُرَاجَعُ فِي أَمْرِكَ، تَمْلِكُ مِنَ الْأَنْامِ مَا شِئْتَ،

و امر و دستور تو بازگردانده نمی‌شود، هر چه از مردم را بخواهی ملک توست؛

وَلَا يَمْلِكُونَ إِلَّا مَا تُرِيدُ. اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُنْعِمُ الْمُفْضِلُ

لیکن هر چه آن‌ها بخواهند - جز با اراده تو - بدست نمی‌آورند. بارالها؛ تو نعمت‌بخش، فضل و فزونی‌بخش،

الْقَادِرُ الْقَاهِرُ الْمُقَدَّسُ فِي نُورِ الْقُدْسِ، تَرَدَّدَيْتَ

توانا، چیره و غالب و پاکیزه دانسته‌شده در نور پاک هستی؛ لباس

بِالْعِزَّةِ وَالْمَجْدِ، وَتَعَظَّمْتَ بِالْقُدْرَةِ وَالْكَبْرِيَاءِ،

عزت و بزرگواری بر تن داری، و با قدرت و کبریایت ابراز بزرگی می‌کنی،

وَعَشَّيْتَ النُّورَ بِالْبَهَاءِ، وَجَلَّلْتَ الْبَهَاءَ بِالْمَهَابَةِ.

و نور را به زیبایی و درخشندگی پوشانده‌ای، و درخشندگی را با هیبت جلالت بخشیده‌ای.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ الْعَظِيمُ، وَالْمَنْ الْقَدِيمُ، وَالسُّلْطَانُ

بار خدایا؛ ستایش فراوان از آن توست؛ ممت دیرینه مخصوص توست؛ سلطنت

الشَّامِخُ، وَالْحَوْلُ الْوَاسِعُ، وَالْقُدْرَةُ الْمُقْتَدِرَةُ،

رفیع و پابرجا مال توست؛ جنبش و توان فراگیر، قدرت شایان،

وَالْحَمْدُ الْمُتَابِعُ الَّذِي لَا يَنْفَدُ بِالشُّكْرِ سَرْمَدًا

و ستایش بی در پی که پایان نپذیرد و تا ابدیت نیز

وَلَا يَنْقُضِي أَبَدًا، إِذْ جَعَلْتَنِي مِنْ أَفْضَلِ بَنِي آدَمَ،

از بین رفتنی نیست، سزاوار توست؛ زیرا، تو مرا از بافضیلت‌ترین فرزندان حضرت آدم قرار دادی،

وَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا صَاحِبًا سَوِيًّا مُعَافًا لَمْ

و مرا شنوای، بینا، سالم درست اندام، با عافیت و سلامتی قرار دادی

تَشْغَلْنِي بِنُقْصَانٍ فِي بَدَنِي، وَلَا بِآفَةٍ فِي جَوَارِحِي،

و در بدنم کمبودی نیست تا مرا به خودمشغول کند، و اعضا و جوارحم نیز دچار آفت و بیماری نیستند،

وَلَا عَاهَةَ فِي نَفْسِي وَلَا فِي عَقْلِي، وَلَمْ يَمْنَعَكَ

و در روان و عقلم نیز آسیبی وجود ندارد. کرامت

كَرَامَتِكَ إِيَّايَ، وَحُسْنُ صُنْعِكَ عِنْدِي، وَفَضْلُ

و بزرگواری تو بر من، و کارهای نیکی که برایم می‌کنی، و فزونی

نِعْمَائِكَ عَلَيَّ إِذْ وَسَّعْتَ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا، وَفَضَّلْتَنِي

نعمت‌هایت تو را باز نداشت که نعمت‌هایت را در این دنیا بر من گسترانندی، و مرا

عَلَى كَثِيرٍ مِنْ أَهْلِهَا تَفْضِيلًا، وَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا أَعْي

بر بسیاری از اهل دنیا برتری و فضیلت بخشیدی، و مرا شنوای قرار دادی تا به

مَا كَلَّمْتَنِي، بِصَبْرًا أَرَى قُدْرَتَكَ فِيهَا ظَهَرَ لِي،

وظایفم گوش فرادهم، و مرا بینا قرار دادی تا قدرت تو را که برایم آشکار ساختی ببینم،

وَاسْتَرَعَيْتَنِي وَاسْتَوْدَعْتَنِي قَلْبًا يَشْهَدُ بِعَظَمَتِكَ،

و مرا مراعات کردی و قلبی به من دادی تا با این ودیعه ارزشمند بتوانم عظمت تو را مشاهده کنم،

وَلِسَانًا نَاطِقًا بِتَوْحِيدِكَ، فَإِنِّي لِفَضْلِكَ عَلَيَّ حَامِدٌ،

و زبانی گویا به یگانگی‌ات، ارزانی‌ام کردی. لذا، من تو را جهت فضل و فزونی که بر من بخشیدی ستایش‌گرم،

وَلَتَوْفِيقِكَ إِيَّايَ بِحَمْدِكَ شَاكِرٌ، وَبِحَقِّكَ شَاهِدٌ،

و به خاطر این که توفیق ستایشت را به من دادی شکرگزارم و به حق تو گواهی‌دهنده‌ام

وَإِنَّكَ فِي مُلَمِّي وَمَهْمِي ضَارِعٌ، لِإِنَّكَ حَيٌّ قَبْلَ كُلِّ

و در امور سخت و مهم به تو تضرع‌کننده‌ام؛ زیرا تو قبل از هر زنده‌ای

حَيٌّ، وَحَيٌّ بَعْدَ كُلِّ مَيِّتٍ، وَحَيٌّ تَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ

زنده بوده‌ای، و پس از هر که بمیرد نیز زنده خواهی بود، و زنده‌ای هستی که وارث زمین و هر که

عَلَيْهَا، وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ. اللَّهُمَّ لَا تَقْطَعْ عَنِّي خَيْرَكَ

بر آن قرار دارد می‌باشی، و تو بهترین وارثان هستی. خدایا؛ خیر و نیکیات را

فِي كُلِّ وَقْتٍ، وَلَمْ تُنْزِلْ بِي عُقُوبَاتِ النَّقَمِ، وَلَمْ

هیچ‌گاه از من قطع مکن، و کیفرهای انتقامی‌ات را بر من مفرست، و

تُغَيِّرْ مَا بِي مِنَ النِّعَمِ، وَلَا أَخْلِيْتَنِي مِنْ وَثِيقِ الْعِصَمِ،

نعمت‌هایی را که بر من ارزانی داشته‌ای تغییر مده، و از حفاظت‌گاه‌های محکم و مطمئن مرا خالی مگردان؛

فَلَوْ لَمْ أَذْكَرْ مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ وَإِنْعَامِكَ عَلَيَّ إِلَّا عَفْوَكَ

زیرا، اگر من از احسان و نعمت‌بخشی‌ات بر من، جز عفو و بخششت

عَنِّي، وَالْإِسْتِجَابَةَ لِدُعَائِي، حِينَ رَفَعْتُ رَأْسِي

و پاسخ‌دادن به دعاها - هنگامی که سر بلندکردم

بِتَحْمِيدِكَ وَتَمْجِيدِكَ، لَا فِي تَقْدِيرِكَ جَزَيْلَ حَظِّي

برای ستایش و بزرگ‌شماریت - را یاد نمی‌کردم، با قراردادن بهره فراوان،

حِينَ وَقَرَّتْهُ انْتَقَصَ مُلْكُكَ، وَلَا فِي قِسْمَةِ الْأَرْزَاقِ

چیزی از فرمان‌روایی تو کم نمی‌گشت، و در تقسیم‌نمودن رزق و روزی‌ها نیز

حِينَ قَتَّرْتَ عَلَيَّ تَوَفَّرَ مُلْكُكَ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ

با کم‌گذاشتن سهمیه من چیزی بر پادشاهی‌ات افزون نمی‌شد. خدایا؛ حمد و ستایش را به تعداد

مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَعَدَدَ مَا أَدْرَكَتَهُ قُدْرَتُكَ،

آنچه علم و دانش تو بر آن احاطه دارد، مخصوص تو دانم؛ به تعداد آنچه قدرت و توان تو آن را درک کند و دریابد؛

وَعَدَدَ مَا وَسِعَتْهُ رَحْمَتُكَ، وَأَضْعَافَ ذَلِكَ كُلِّهِ، حَمْدًا

به تعداد آنچه رحمت تو آن را شامل و فراگیرد؛ بلکه چندین برابر همه آن چه گفتم، حمد و

وَأَصِلًا مُتَوَاتِرًا مُتَوَازِيًا لِأَلَائِكَ وَأَسْمَائِكَ. اللَّهُمَّ

ستایش رسنده پی در پی هم‌راستا بر نعمت‌ها و نام‌هایت (نشانه‌هایت) نثار می‌کنم. بار پروردگارا؛

فَتَمِّمِ إِحْسَانَكَ إِلَيَّ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي، كَمَا أَحْسَنْتَ

احسان و نیکیات را بر من در باقی‌مانده دوران زندگانی‌ام تمام گردان، همان‌گونه که در

إِلَيَّ [مِنْهُ] فِيمَا مَضَى، فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِتَوْحِيدِكَ

گذشته زندگانی‌ام نیز چنین کردی؛ زیرا من با یگانه‌دانستن تو،

وَتَهْلِيلِكَ وَتَمْجِيدِكَ وَتَكْبِيرِكَ وَتَعْظِيمِكَ، وَأَسْأَلُكَ

و تهلیل‌گفتن و ثناگوئی تو و گرامی‌داشتن و تعظیم تو به تو توسل می‌جویم، (و تو را می‌خوانم

بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَهُ مِنْ ذَلِكَ فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَّا

به واسطه نامی که از آن آفریدی و از تو جز به سوی خودت خارج نخواهد شد).

إِلَيْكَ]. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الرُّوحِ الْمَكْنُونِ الْحَيِّ

و تو را می‌خوانم به واسطه اسمت، روح پنهان، زنده

الْحَيِّ الْحَيِّ وَبِهِ وَبِهِ وَبِهِ، وَبِكَ وَبِكَ وَبِكَ، أَللَّهُ

زنده زنده، و به او، و به او، و به او؛ و به تو، و به تو، و به تو؛ که

تَحْرَمَنِي رِفْدَكَ، وَفَوَائِدَ كَرَامَتِكَ، وَلَا تُؤَلِّنِي غَيْرَكَ،

مرا از جایزه و کرامت‌های سودمندت محروم مگردانی، و سرپرستی‌ام را به دست کسی جز خودت مسپار،

وَلَا تُسَلِّمَنِي إِلَىٰ عَدُوِّي، وَلَا تَكِلْنِي إِلَىٰ نَفْسِي،

و مرا به دست دشمنم تسلیم مکن، و به خودم نیز مسپار و وامگذار؛

وَأَحْسِنُ إِلَيَّ أَتَمَّ الْأِحْسَانِ عَاجِلًا وَآجِلًا، وَحَسِّنْ

و کامل‌ترین احسان را در حال حاضر و به زودی و نیز در آینده‌ها بر من فرو فرست، و در زمان‌های

فِي الْعَاجِلَةِ عَمَلِي، وَبَلِّغْنِي فِيهَا أَمَلِي وَفِي الْأَجَلَةِ،

نزدیک باعث نیکی عملم، و در نزدیک و دور زمانه، مرا به آرزوهایم برسان،

وَالْخَيْرِ فِي مُنْقَلَبِي، فَإِنَّهُ لَا تُفْقِرُكَ كَثْرَةُ مَا يَنْدَفِقُ بِهِ

و در بازگشتن نیز به من خیر برسان؛ زیرا، جوشش زیاد فضل و احسان تو نیازمندت نخواهد کرد؛

فَضْلُكَ، وَسَيَبُ الْعَطَايَا مِنْ مَنَّاكَ، وَلَا يُنْقِصُ جُودَكَ

بخشش‌ها از ناحیه تو می‌رسد، و کوتاهی من در

تَقْصِيرِي فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ، وَلَا تُجِمُّ خَزَائِنَ نِعْمَتِكَ

سیاسگزاری نعمت تو باعث کاستی در بخشش و جودت نمی‌گردد، و گنجینه‌های نعمت را نعمت‌ها

النِّعَمِ، وَلَا يُنْقِصُ عَظِيمَ مَوَاهِبِكَ مِنْ سِعَتِكَ الْأَعْطَاءِ،

زیاد و انبوه نمی‌گرداند، و بخشش‌های بزرگ تو باعث کاستی در عطا‌های فراگیرت نمی‌شود،

وَلَا تُؤَثِّرُ فِي جُودِكَ الْعَظِيمِ الْفَاضِلِ الْجَلِيلِ مِنْحِكَ،

و عطا‌های خاص تو تأثیری در سخاوت بزرگ و افزون و شکوه‌مندت ندارد،

وَلَا تَخَافُ ضَيْمَ إِمْلَاقٍ فَتُكْدِي، وَلَا يَلْحَقُكَ خَوْفٌ

و از تنگدستی نمی‌هراسی تا دست نگره داری، و ترس از

عُدْمَ فَيَنْقُصَ فَيْضُ مُلْكِكَ وَفَضْلِكَ . اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي

بی‌چیزی به تو نمی‌رسد تا از فیض پادشاهی و فضلت کم کند. بار خدایا؛

قَلْبًا خَاشِعًا، وَيَقِينًا صَادِقًا، وَبِالْحَقِّ صَادِعًا،

قلبی خاشع، یقینی راستین و حقیقت‌جو، و سخن حق را آشکارکننده نصیبم کن؛

وَلَا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ، وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تَهْتِكَ

و کاری کن که خود را از مکررت در امان ندانم، و یادت را از یادم مبر، و

عَنِّي سِتْرَكَ، وَلَا تُؤَلِّنِي غَيْرَكَ، وَلَا تُقَنْطِنِي مِنْ

پرده‌پوشات را از من برمدار، و سرپرستی‌ام را به دیگری مسپار، مرا از

رَحْمَتِكَ بَلِّغْ تَعَمُّدِي بِفَوَائِدِكَ، وَلَا تَمْنَعْنِي جَمِيلَ

رحمتت ناامید مساز بلکه با سودبخشیت مرا بهره‌مند گردان، و از بهره‌های زیبایت

عَوَائِدِكَ، وَكُنْ لِي فِي كُلِّ وَحْشَةٍ أَنْيَسًا، وَفِي كُلِّ

محروم مساز، و در هر وحشتی انیس من باش، و در هر

جَزَعٍ حِصْنًا، وَمِنْ كُلِّ هَلَاكَةٍ غِيَاثًا، وَنَجِّنِي مِنْ كُلِّ

بی‌تابی و ناشکیبایی جای امن و حصن من باش، و از هر هلاکتی دادرس من باش، و از همه

بَلَاءٍ، وَاعْصِمْنِي مِنْ كُلِّ زَلَلٍ وَخَطَاةٍ، وَتَمِّمْ لِي

بلا‌ها نجاتم بخش، و از هر لغزش و اشتباهی نگاهم دار، و

فَوَائِدِكَ، وَقِنِي وَعَيْدِكَ، وَاصْرِفْ عَنِّي أَلِيمَ عَذَابِكَ

سودبخشیت را برایم کامل کن، و عذاب دردناکت

وَتَدْمِيرَ تَنكِيلِكَ، وَشَرَّفَنِي بِحِفْظِ كِتَابِكَ، وَأَصْلِحْ

و هلاکت عقوبت و مجازات را از من دور گردان، و با نگرهبانی از کتابت به من شرافت ببخش، و

لِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي، وَوَسِّعْ

و دین و دنیا و آخرت و اهل و فرزندم را برایم اصلاح کن، و

رِزْقِي، وَأَدِرَّهُ عَلَيَّ، وَأَقْبِلْ عَلَيَّ، وَلَا تُعْرِضْ عَنِّي.

رزقم را وسعت بده، و روزیم را ریزان گردان، و به من رو کن و روی مبارکت را از من مگردان.

اللَّهُمَّ ارْفَعْنِي وَلَا تَضَعْنِي، وَارْحَمْنِي وَلَا تُعَذِّبْنِي،

بارالها؛ مرا بالا ببر و پست مگردان، و به من رحم کن و مرا عذاب مکن،

وَأَنْصُرْنِي وَلَا تَخْذُلْنِي، وَآثِرْنِي وَلَا تُؤْثِرْ عَلَيَّ،

و یاریم کن و خواری مکن، و مرا بر دیگران ترجیح بده و دیگران را بر من ترجیح مده،

وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي يُسْرًا وَفَرَجًا، وَعَجِّلْ إِجَابَتِي،

و در کارم راحتی و گشایش بیاور، و در پاسخ مثبت دادن به من شتاب کن،

وَاسْتَنْفِذْنِي مِمَّا قَدْ نَزَلَ بِي، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ

و از مشکلاتی که بر من وارد شده است رهاییم بخش؛ اعتقاد و باورم آن است که تو بر هر چیزی

قَدِيرٌ، وَذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ.^۱

توانایی، و این کارها برایت آسان است، و تو سخاوتمندی بزرگوار هستی.

۱. بحار الأنوار: ۲۵۹/۹۵، مهج الدعوات: ۱۶۱.

حکایت حرز یمانی

در «دار السلام» نقل فرموده است: دستخط علامه مجلسی
اول علیه السلام را در پشت دعایی که معروف به حرز یمانی است چنین
یافتم:

به نام خداوند بخشنده مهربان، ستایش مخصوص خداوندی
است که پروردگار جهانیان است، و درود بر شرافتمندترین
پیامبران مرسل محمد صلی الله علیه و آله و عترت پاک او باد.

و بعد؛ سید نجیب و ادیب بزرگوار، برگزیده بزرگواران و
نقیبان ارجمند، جناب امیر محمد هاشم - که خداوند تأیید و
توفیقش را به واسطه مقام ارجمند محمد و آل پاکش علیهم السلام ادامه
دهد - از من خواست تا اجازه حرز یمانی را که به امیر مؤمنان علیه السلام و
امام پرهیزگاران و بهترین مخلوقات پس از آقا و سرور پیامبران
(که درودها و سلام‌های الهی تا آن گاه که بهشت، جایگاه
شایستگان خواهد ماند، بر آن دو بزرگوار نثار باد) نسبت داده
می‌شود، به او بدهم.

به این خاطر، اجازه روایت این دعا را به او می‌دهم؛ با سندم که
از سید عابد و زهد پیشه ارجمند امیر اسحاق استرآبادی (که
نزدیک قبر آقای تمام جوانان اهل بهشت در کربلا دفن شده است)

و او از امام و مولای ما و مولای جنّ و انس ، جانشین خدای تعالی ، حضرت صاحب العصر و الزمان که بر او و پدران پاکش درود الهی نثار باد - نقل می کند .

آن سیّد بزرگوار فرمود : در راه مکه بودم که گم شدم و از قافله عقب ماندم و کارم به جایی رسید که از زندگی ام نا امید شدم و همانند کسی که در حال مرگ است شدم و شروع به گفتن شهادتین کردم . ناگهان مشاهده کردم مولای ما و مولای جهان یعنی جانشین خداوند بر تمام مردم روی زمین ، بالای سرم است .

آن حضرت فرمودند : ای اسحاق ؛ برخیز . برخاستم و ایستادم ، در حالی که تشنه بودم ، مرا سیراب فرمود و در پشت سرش بر مرکب سوار کرد ، پس شروع به خواندن این حرز نمودم و آن حضرت که درود خداوند بر ایشان باد اشتباهات آن را اصلاح می نمود تا دعا به پایان رسید ؛ در این هنگام مشاهده کردم که در «ابطح» هستم ؛ از مرکب پیاده شدم و آن بزرگوار غایب شدند ، و کاروان من نیز پس از گذشت نه روز بدان جا رسید .

در بین اهل مکه مشهور شد که من با طئی الأرض به مکه آمده ام ؛ لذا ، پس از انجام مناسک حجّ پنهان شدم .

مرحوم مجلسی اول می فرماید : ایشان (امیر اسحاق استرآبادی) چهل بار با پای پیاده به حجّ رفته بود . وقتی در اصفهان به خدمتش

رسیدم ، از کربلا آمده بود تا به زیارت آقای دو جهان یعنی امام علیّ بن موسی الرضا صلوات الله علیهما مشرف شود . وی هفت تومان مهریه همسرش بر گردنش بود ، و همین مقدار را نیز از یکی از ساکنان مشهد مقدّس طلب داشت .

از سوئی ، در خواب دیده بود که مرگش نزدیک شده ، سیّد فرمود : من پنجاه سال در کربلا ساکن بودم تا در آن جا بمیرم ، و حالا می ترسم مرگ در غیر کربلا مرا در یابد و در شهر دیگری بمیرم . وقتی یکی از دوستان ما این جریان را دانست ، هفت تومان به سیّد داد و یکی از برادران دینی را به همراهش روانه کرد .

آن شخص می گوید : وقتی سیّد امیر اسحاق به کربلا رسید و قرضش (مهریه همسرش) را ادا کرد ، بیمار شد و در روز نهم بیماریش از دنیا رفت و در خانه خویش دفن شد . کرامت های زیادی از این قبیل ، در مدّتی که ایشان در اصفهان بودند ، از وی مشاهده کردم .

من چندین اجازه برای روایت این دعای شریف دارم که به همین یک اجازه بسنده کردم ؛ از ایشان (امیر محمّد هاشم) درخواست می کنم در جاهایی که بیشتر احتمال اجابت دعا هست مرا از یاد مبرد ، و از وی می خواهم که این دعا را مگر برای رضای خدای تعالی قرائت نکند ، و اگر دشمنش از مؤمنان است هیچ گاه

دعا را به قصد هلاک آن مؤمن نخواند اگرچه گناهکار یا اهل ستم باشد. و نیز این دعا را برای اندوختن دنیای پست به کار نبرد، بلکه شایسته است تنها برای نزدیک شدن به خدای تعالی و برای رد کردن زیان‌های شیطان‌های جنّی و آدمی از خودش و از تمام مؤمنان، این دعا را بخواند، اگر بتواند چنین نیّتی داشته باشد؛ و اگر نمی‌تواند این گونه نیّت کند، بهتر است هیچ نیّتی جز نزدیک شدن به خدای تعالی نداشته باشد.

ایمن مطالب را محتاج‌ترین بندگان به رحمت پروردگار بی‌نیازش، یعنی محمد تقی فرزند مجلسی اصفهانی نوشت؛ در حالی که خدا راستایش، و بر سرور و سالار پیامبران و جانشینان نجیب و برگزیده‌اش ﷺ درود می‌فرستد. پایان کلام ایشان که خداوند جایگهش را در بهشت ابدی بالا ببرد.

فرزندش مرحوم علامه ابتدای این داستان را که در مورد دیدار حضرت مهدی ارواحنا فداء توسط امیر اسحاق بود، در جلد سیزدهم «بحار الأنوار» آورده است، ولی اختلاف زیادی با این حکایت دارد.^۱

علامه مجلسی رحمته الله می‌فرماید: از جمله دعاهای مشهور، دعای «حرز یمانی» - که معروف به دعای سیفی نیز هست - می‌باشد. این

۱. دار السلام: ۱۲/۲.

دعا چند طریق و روایت مختلف دارد که طریق مهم آن را نقل می‌کنیم، إن شاء الله:

ابو عبدالله حسین بن ابراهیم بن علی فتی معروف به ابن خیاط به ما گزارش داد و گفت: ابو محمد هارون بن موسی تلعکبری برایم گفت:

ابو القاسم عبد الواحد (عبدالله، خ) بن یونس موصلی در حلب برایم نقل کرد که علی بن محمد بن احمد معروف به مستنجد برایم حدیث گفت که: ابو الحسن کاتب برایم نقل کرد که عبد الرحمان بن علی بن زیاد گفت: عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر گفتند:

روزی در هنگامی که ما نزد مولایمان امیر مؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام بودیم، به ناگاه حسن بن علی علیه السلام وارد شد و عرض کرد:

ای امیر مؤمنان؛ مردی آمده است و اجازه ورود می‌طلبد و بوی مُشک می‌دهد.
فرمود: بگو بیاید.

مردی تنومند و خوش سیما وارد شد که چهره‌ای گیرا داشت و بزرگ‌منش بود و لهجه‌ای فصیح و خوش داشت و لباس پادشاهان بر تن داشت؛ گفت:

السلام عليك يا أمير المؤمنين ورحمة الله وبركاته. من مردی هستم که از دورترین مناطق سرزمین یمن آمده‌ام و از بزرگان عرب‌های منسوب به شما (شیعیان) می‌باشم، من ملکی عظیم و نعمتی فراوان به جای نهاده‌ام و دارای زندگانی خوش و حالی آسوده و اموالی با رشد و ترقی داشتم، و جریانات را آزموده بودم و روزگار مرا ورزیده ساخته بود و دشمنی دارم که بسیاری سرسخت است و با سپاهیان فراوانش و نیروهای بزرگی که به کمک گرفته بود بر من حمله کرد و پیروز شد و راه‌های حسیله و فرار از آن مرا درمانده ساخت.

شبی، به خواب رفته بودم که شخصی ندا داد: ای مرد؛ برخیز و به سوی بهترین خلق خدا پس از رسول او یعنی علی بن ابی طالب امیر و فرمان‌روای مؤمنان صلوات الله علیه وعلی آله برو و از آن حضرت درخواست کن تا دعایی به تو بیاموزد که حبیب خداوند و برگزیده و انتخاب شده از مخلوقاتش، یعنی حضرت محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب صلوات الله علیه وعلی آله به او آموخته است؛ زیرا در آن دعا، اسم (ویژه) خدای عزوجل است؛ با آن دعا خدا را بخوان و دشمنت را که با تو به نبرد پرداخته است، نفرین کن.

ای امیر مؤمنان؛ من از خواب بیدار شدم و به سرعت به همراه چهارصد بنده نزد تو آمدم، و خدا و رسول او و تو را گواه می‌گیرم که تمام‌شان را آزاد کردم و این کار را تنها برای خاطر خدای بزرگ

انجام دادم. حالا با تنی لاغر و رنجور از راهی پریپچ و خم و سرزمین دور نزدت آمدم؛ پس بر من منت بگذار و به خاطر فضل و بزرگواریت، و نیز به خاطر حق پدری و خویشاوندیت دعایی را که در خواب از آن مطلع شدم و مأمور شدم برای دریافت آن به خدمت شما برسم، به من بیاموز.

مولای مان حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود:

باشد؛ این کار را انجام می‌دهم إن شاء الله.

آن‌گاه، دوات و کاغذی خواست و این دعا را برای آن مرد نوشت:



حرز یمانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَنَا

بارالها؛ تو پادشاه راستینی هستی که جز تو معبودی نیست؛ و من

عَبْدُكَ، ظَلَمْتُ نَفْسِي، وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي، وَلَا يَغْفِرُ

بنده تو هستم؛ بر خود ستم کردم، و به گناهم اعتراف دارم؛ در حالی که (می‌دانم) جز تو

الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، فَاغْفِرْ لِي يَا غَفُورٌ يَا شَكُورٌ.

کسی گناهان را نمی بخشد، پس بخشش و آمرزشش را شامل من گردان، ای آمرزنده؛ ای یاداش دهنده؛

اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ، وَأَنْتَ لِاحْمَدِ أَهْلٌ، عَلَيَّ مَا

بارالها؛ من تو را ستایش می‌کنم، و می‌دانم که تو شایسته ستایش هستی. ستایش بر

خَصَصْتَنِي بِهِ مِنْ مَوَاهِبِ الرَّغَائِبِ، وَمَا وَصَلَ إِلَيَّ

بخشش‌های خوش‌آیندی که به من اختصاص دادی، و فضل و احسان فراوانی که

مِنْ فَضْلِكَ السَّابِغِ، وَمَا أَوْلَيْتَنِي بِهِ مِنْ إِحْسَانِكَ

به من رسانیدی، و نیکی و احسان که بر من ارزانی داشتی،

إِلَيَّ، وَبَوَّأْتَنِي بِهِ مِنْ مَظَنَّةِ الْعَدْلِ، وَأَنْلَتَنِي مِنْ

و آنچه از جایگاه عدل برای من جای دادی، و از

مَنَّكَ الْوَأَصِلِ إِلَيَّ، وَمِنْ الدَّفَاعِ عَنِّي، وَالتَّوْفِيقِ

لطف و احسان پیاپی‌ات به من رسانیدی، و از من دفاع کردی، و توفیق دادی،

لِي، وَالْأَجَابَةِ لِدُعَائِي حَيْثُ أُنَاجِيكَ دَاعِيًا.

و دعایم را مستجاب می‌کنی هنگامی که در حال دعا با تو مناجات می‌کنم؛

وَأَدْعُوكَ مُضَامًا، وَأَسْأَلُكَ فَأَجِدُكَ فِي الْمَوَاطِنِ

و هنگامی که تو را می‌خوانم در حالی که ستم‌دیده‌ام. و درخواست می‌کنم و می‌بینم که در همه جا

كُلِّهَا لِي جَابِرًا، وَفِي الْأُمُورِ نَاطِرًا، وَلِلذُّنُوبِ

نسبت به من مهربان و نیکوکاری، و در تمام کارها نظاره‌گر من هستی، و گناهانم را می‌بخشی،

غَافِرًا، وَلِعَوْرَاتِي سَاتِرًا، لَمْ أَعْدَمْ خَيْرَكَ طَرْفَةَ

و عیب‌هایم را می‌پوشانی؛ از ابتدای ورود به دنیا (که منزلگاه اختیار است) حتی به قدر یک چشم

عَيْنٍ مُنْذُ أَنْزَلْتَنِي دَارَ الْإِخْتِيَارِ^۱، لَتَنْظُرَ مَا أَقْدَمَ لِدارِ

برهم‌زدن نیز سراغ ندارم که خیر و خوبی‌ات به من نرسیده باشد. چنین کردی تا ببینی برای خانه

الْقَرَارِ، فَأَنَا عَتِيقُكَ مِنْ جَمِيعِ الْأَفَاتِ وَالْمَصَائِبِ،

همیشگی‌ام (آخرت) چه چیزی می‌فرستم (ای خدا) بدین سان، من آزاد شده‌ام تو از تمام آسیب‌ها

فِي اللَّوَازِبِ وَالْعُجُومِ الَّتِي سَاوَرْتَنِي فِيهَا الْهُمُومُ،

و مصیبت‌ها، در سختی‌ها و اندوه‌هایی هستم که ناراحتی‌ها را بر من حمله‌ور ساخته؛

بِمَعَارِضِ أَصْنَافِ الْبَلَاءِ، وَمَصْرُوفِ جُهْدِ الْقَضَاءِ،

به پیش‌آمدن بلاهای گوناگون، و رخ دادن سختی‌های قضا.

لَا أَذْكَرُ مِنْكَ إِلَّا الْجَمِيلَ، وَلَا أَرَى مِنْكَ غَيْرَ

از تو جز خوبی و زیبایی به یاد ندارم، و جز مهربانی و فضل، از تو نمی‌بینم.

التَّفْضِيلِ. خَيْرُكَ لِي شَامِلٌ، وَفَضْلُكَ عَلَيَّ مُتَوَاتِرٌ،

خیر و نیکی تو مرا فرا گرفته است، و فضل و فزون‌بخشی تو بی در پی به من می‌رسد،

وَنِعْمَتُكَ عِنْدِي مُتَّصِلَةٌ، وَسَوَابِقُ لَمْ تُحَقِّقْ حِذَارِي،

و نعمتت به طور متصل به من می‌رسد، و سابقه‌هایی که محقق نساختی برحذر شدنم (ناامیدیم) را،

بَلْ صَدَّقْتَ رَجَائِي، وَصَاحَبْتَ أَسْفَارِي، وَأَكْرَمْتَ

بلکه امیدم را به راستی رسانده‌ای، و در سفرها همراهم بودی، و در وطن نیز با کرامت و بزرگواری

۱. دَارَ الْإِخْتِيَارِ: «منزلگاه آزمایش»، بحار الأنوار: ۲۴۲/۹۵.

أَحْضَارِي، وَشَفَيْتَ أَمْرَاضِي وَأَوْهَانِي، وَعَافَيْتَ

با من رفتار کردی، و بیماری‌ها و سستی‌هایم را شفا بخشیدی، و

مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ، وَلَمْ تُشْمِتْ بِي أَعْدَائِي، وَرَمَيْتَ

پناهگاه و آرامگاهم را عافیت بخشیدی، و دشمنان مرا اجازه شمانت کردن نسبت به من ندادی، و هر که مرا هدف

مَنْ رَمَانِي، وَكَفَيْتَنِي مَوْوَنَةً مِنْ عَادَانِي. فَحَمْدِي

گرفت او را هدف گرفتی، و سختی و رنج دشمنانم را از من کفایت نمودی. بنابراین، ستایشم

لَكَ وَاصِلٌ، وَثَنَائِي عَلَيْكَ دَائِمٌ، مِنْ الدَّهْرِ إِلَى

به تو پیوسته و ثناگویی‌ام بر تو همیشگی است، از هر زمانی تا

الدَّهْرِ، بِالْأَوَانِ التَّسْبِيحِ، خَالِصاً لِدُكْرِكَ، وَمَرْضِيّاً

زمان دیگر، با تسبیح‌گویی‌های گوناگون، و فقط به خاطر یاد تو و جلب خشنودی

لَكَ بِنَاصِعِ التَّوْحِيدِ^۱، وَإِمْحَاضِ التَّمْجِيدِ بِطُولِ

تو به توحید ناب و ستایشگری خالص، با طولانی‌شدن

التَّعْدِيدِ، وَمَزِيَّةِ أَهْلِ الْمَزِيدِ، لَمْ تُعَنْ فِي قُدْرَتِكَ،

شمارش و فزونی اهل افزایش خواهم بود، کسی در تواناییت یاریت نکرده است،

وَلَمْ تُشَارِكْ فِي الْهَيْبَةِ، وَلَمْ تُعَلِّمْ لَكَ مَا يَبْتَغِي فَتَكُونَ

و در خدایت نیز شریک نشده، و چگونگی و ماهیتی برای تو ندانسته‌اند

۱. این کلمه به تعبییرات مختلف وارد شده: بِنَاصِعِ التَّوْحِيدِ، بِنَاصِعِ التَّمْجِيدِ، بِنَاصِعِ التَّوْحِيدِ، ولی

نسخه‌ای که در متن ذکر کرده‌ایم صحیح‌تر است.

لِلْأَشْيَاءِ الْمُخْتَلِفَةِ مُجَانِساً، وَلَمْ تُعَايِنِ إِذْ حَبَسْتَ

تا هم‌جنس اشیای مختلف باشی، و هنگامی که به هر چیزی غریزه

الْأَشْيَاءِ عَلَى الْغَرَائِزِ، وَلَا خَرَقْتَ الْأَوْهَامَ حُجْبَ

خاصی عطا می‌کردی دیده نشده‌ای، و اوهام و خیال‌ها نتوانسته‌اند پرده‌های عالم

الْغُيُوبِ، فَتَعْتَدُ فِيكَ مَحْدُوداً فِي عَظَمَتِكَ، فَلَا

پنهان را بدرند تا اعتقاد به محدودیتی در مورد عظمت تو پیدا کنند. بنابراین،

يَبْلُغُكَ بَعْدُ الْهَمَمِ، وَلَا يَنَالُكَ غَوْصُ الْفِكْرِ،

همت‌های والا توان رسیدن به تو را ندارند، و اندیشه‌های ژرف‌نگر نمی‌توانند به تو دست یازند،

وَلَا يَنْتَهِي إِلَيْكَ نَظَرٌ نَاطِرٌ فِي مَجْدِ جَبْرُوتِكَ،

و نگرش کسانی که بر شکوه جبروت تو چشم دوخته‌اند به تو منتهی نمی‌شود،

ارْتَفَعَتْ عَنِ صِفَةِ الْمَخْلُوقِينَ صِفَاتُ قُدْرَتِكَ،

ویژگی‌های قدرت برتر از توصیف آفریدگان است،

وَعَلَا عَنِ ذَلِكَ كِبْرِيَاءُ عَظَمَتِكَ، لَا يَنْقُصُ مَا أَرَدْتَ

و بزرگی کبریایت برتر از آن‌هاست. چیزی را که اراده کرده‌ای تا افزون باشد کم نمی‌شود

أَنْ يَزْدَادَ، وَلَا يَزْدَادُ مَا أَرَدْتَ أَنْ يَنْقُصَ، لَا أَحَدٌ

و چیزی که خواسته‌ای کم باشد افزون نمی‌گردد. هیچ کس،

حَضَرَكَ حِينَ بَرَأْتَ النُّفُوسَ، كَلَّتِ الْأَوْهَامُ عَنِ

در هنگام آفرینش جان‌ها نزد تو حضور نداشته است، اندیشه و خیال از تفسیر

تَفْسِيرِ صِفَتِكَ، وَأَنْحَسَرَتِ الْعُقُولُ عَنْ كُنْهِ

و بیان وصف تو درمانده‌اند، و عقل‌ها در دست‌یابی به کنه و عمق حقیقت

عَظَمَتِكَ، وَكَيْفَ تُوصَفُ وَأَنْتَ الْجَبَّارُ الْقُدُّوسُ،

بزرگی تو درمانده‌اند؛ چگونه قابل وصف هستی، در حالی که بسیار قدرتمند و در نهایت پاکی هستی؟

الَّذِي لَمْ تَزَلْ أَرْلِيًّا دَائِمًا فِي الْغُيُوبِ وَحَدَاكَ لَيْسَ

که همیشه و به طور دایم، به تنهایی در پنهانی‌ها هستی و کسی

فِيهَا غَيْرُكَ وَلَمْ يَكُنْ لَهَا سِوَاكَ، حَارَ فِي مَلَكُوتِكَ

جز تو نمی‌تواند چنین باشد. ژرف‌ترین راه‌های اندیشه در ملکوت تو

عَمِيقَاتٍ مَذَاهِبِ التَّفَكِيرِ، فَتَوَاضَعَتِ الْمُلُوكُ

سرگردان شده است؛ و بدین سان، پادشاهان برای عظمت تو

لِهَيْبَتِكَ، وَعَنْتِ الْوُجُوهُ بِذُلِّ الْإِسْتِكَانَةِ لَكَ، وَانْقَادَ

به فروتنی افتاده‌اند، و آبرومندان با ذلت و بیچارگی صورت بر خاک نهاده‌اند؛ و هر چیزی منقاد

كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِكَ، وَاسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِكَ،

و سلفکنده عظمت توست، و هر چیزی در برابر توان و قدرت تو تسلیم و بندگی فرودآورده است،

وَخَضَعَتْ لَكَ الرَّقَابُ، وَكُلُّ دُونَ ذَلِكَ تَخْبِيرُ

و گردن‌ها در برابر تو فروتن و کج شده است، و لغات را یاری رسیدن به آن نیست،

اللُّغَاتِ، وَضَلَّ هُنَالِكَ التَّدْبِيرُ فِي تَصَارِيفِ

و تدبیر عقلا در چگونگی صفات تو دچار سرگردانی شده است.

الصِّفَاتِ، فَمَنْ تَفَكَّرَ فِي ذَلِكَ رَجَعَ طَرْفُهُ إِلَيْهِ

بدین‌سان، هر کس در آن تفکر کند چشمش در حالی که خسته و درمانده گشته به سوی او

حَسِيرًا، وَعَقْلُهُ مَبْهُورًا، وَتَفَكَّرُهُ مُتَحِيرًا. اَللّٰهُمَّ

برمی‌گردد، و عقلش مبهوت و اندیشه‌اش سرگردان می‌شود. بارالها؛

فَلَكَ الْحَمْدُ مَتَوَاتِرًا مُتَوَالِيًا مُتَسِقًا مُسْتَوْتِقًا، يَدُومُ

تو را ستایش می‌کنم به طور پی در پی و پیوسته و محکم و متصل؛ به گونه‌ای که دایمی باشد

وَلَا يَبِيدُ غَيْرَ مَفْقُودٍ فِي الْمَلَكُوتِ، وَلَا مَطْمُوسٍ

و از بین نرود و در ملکوت نیز گم نشود، و در مکان‌های مخصوص آن محو و نابود نشود،

فِي الْمَعَالِمِ، وَلَا مُنْتَقِصٍ فِي الْعِرْفَانِ، وَلَكَ الْحَمْدُ

و از نظر شناخت نیز کمبودی نداشته باشد. و ستایش مخصوص توست

مَا لَا تُحْصِي مَكَارِمُهُ فِي اللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ، وَالصُّبْحِ إِذَا

آن چنان که خوبی‌های آن قابل شمارش نیست در آن هنگام که شب پایان می‌رسد

أَسْفَرَ، وَفِي الْبِرَارِيِّ وَالْبِحَارِ، وَالْعُدُودِ وَالْأَصَالِ،

و صبحگاهان طلوع می‌کند و در خشکی‌ها و دریاها و صبح و شام

وَالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ، وَفِي الظَّهَائِرِ وَالْأَسْحَارِ. اَللّٰهُمَّ

و شبانگاهان و بامدادان و در نیمه‌های روز و سحرگاهان. بارالها؛

بِتَوْفِيقِكَ قَدْ أَحْضَرْتَنِي الرَّغْبَةَ، وَجَعَلْتَنِي مِنْكَ فِي

با توفیقت مرا به اشتیاق آوردی، و در حفظ و

وَلَا يَهِ الْعِصْمَةَ لَمْ أَبْرَحْ فِي سُبُوحِ نَعْمَائِكَ، وَتَتَابِعِ

سرپرستی خودت قرار دادی به گونه‌ای که همیشه در نعمت‌های بی‌شمارت به سر برده‌ام و

الْأَيْكَ مَحْفُوظًا لَكَ فِي الْمَنْعَةِ وَالِدَّفَاعِ مَحُوظًا بِكَ

خوبی‌های پیوسته‌ات به من رسیده است، و در قلعه حفظ و حراست تو محفوظ بوده و

فِي مَثْوَايَ وَمُنْقَلَبِي، وَلَمْ تُكَلِّفْنِي فَوْقَ طَاقَتِي، إِذْ

در حال اقامت گرفتنم و حرکتیم در احاطه تو بودم، بیش از توانم نیز برای من وظیفه مقررنفر موده‌ای؛ زیرا،

لَمْ تَرْضَ مِنِّي إِلَّا طَاعَتِي، وَلَيْسَ شُكْرِي وَإِنْ

تنها فرمان برداری از خودت را سبب خشنودیت از من قرار دادی، با این که سپاسگزاری من - هر

أَبْلَغْتُ فِي الْمَقَالِ وَبَالِغْتُ فِي الْفِعَالِ بِبَالِغِ أَدَاءِ

چند در گفتن بکوشم و با تمام توانم کار کنم - نمی‌تواند

حَقِّكَ، وَلَا مُكَافِيًا لِفَضْلِكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا

حق تو را ادا کند، و پاداش فضل و احسان تو باشد؛ زیرا، تو خدایی هستی که

إِلَهًا إِلَّا أَنْتَ، لَمْ تَغِبْ وَلَا تَغِيبُ عَنْكَ غَائِبَةٌ،

جز تو معبودی نیست؛ هیچ گاه چیزی که غایب است برای تو غایب نبوده و نخواهد بود،

وَلَا تَخْفَى عَلَيْكَ خَافِيَةٌ، وَلَمْ تَضِلَّ لَكَ فِي ظُلْمِ

و هیچ چیز پنهانی برای تو پنهان نیست؛ و هیچ گم‌شده‌ای در

الْخَفِيَّاتِ ضَالَّةٌ، إِنَّمَا أَمْرُكَ إِذَا أَرَدْتَ شَيْئًا أَنْ تَقُولَ

تاریکی‌های پنهانی، برای تو گم‌شده نیست. فرمان تو این گونه است که هرگاه به چیزی بفرمایی:

لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَمِدْتَ بِهِ

باش؛ می‌شود. بار الها؛ ستایش مخصوص توست به همان شکلی که تو خودت را ستوده‌ای،

نَفْسِكَ، وَحَمْدِكَ بِهِ الْحَامِدُونَ، وَمَجْدَكَ بِهِ

و ستایشگران به ستایشت پرداخته‌اند، و ثناگویان تو را

الْمُمَجِّدُونَ، وَكَبْرَكَ بِهِ الْمُكَبِّرُونَ، وَعَظَمَكَ بِهِ

بزرگ شمرده‌اند، و تکبیر گویان به بیان بزرگی تو پرداخته‌اند، و

الْمُعَظِّمُونَ، حَتَّى يَكُونَ لَكَ مِنِّي وَخُدِي بِكُلِّ

تعظیم‌کنندگان در پیشگاه تو به تعظیم پرداخته‌اند؛ به طوری که از من به تنهایی به اندازه

طَرْفَةِ عَيْنٍ، وَأَقَلِّ مِنْ ذَلِكَ مِثْلُ حَمْدِ الْحَامِدِينَ،

چشم به هم زدن و حتی کمتر از چشم بر هم زدن، قدر ستایش ستایشگران،

وَتَوْحِيدِ أَصْنَافِ الْمُخْلِصِينَ، وَتَقْدِيسِ أَجْنَاسِ

و یگانه‌دانستن تمام مخلصان نسبت به تو، و منزّه دانستن تمام

الْعَارِفِينَ، وَثَنَاءِ جَمِيعِ الْمُهَلِّلِينَ، وَمِثْلُ مَا أَنْتَ بِهِ

عارفان نسبت به ساحت تو، و ثناگویی تمام تهلیل‌گویان، و همانند آن چه تو از تمام

عَارِفٌ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ مِنَ الْحَيَوَانِ، وَأَزْغَبُ إِلَيْكَ

مخلوقات زنده‌ات سراغ داری؛ باشد. و از طرفی مشتاق تو

فِي رَغْبَةٍ مَا أَنْطَقْتَنِي بِهِ مِنْ حَمْدِكَ، فَمَا أَيْسَرَ مَا

هستم که ستایش‌هایی را که بر زبانم آوردی برایت به جای آوردم. بدین سان، چه قدر آسان است

كَلَّفْتَنِي بِهِ مِنْ حَقِّكَ ، وَأَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي عَلَيَّ

وظیفه‌ای که برای ادای حقتّ برایم معین فرمودی، و چه قدر وعده پاداش تو نسبت به من در

شُكْرِكَ ، اِبْتَدَأْتَنِي بِالنَّعْمِ فَضْلاً وَطَوَّلاً ، وَأَمَرْتَنِي

مقابل ستایشم، عظیم است. با فضل و احسان خود شروع به نعمت‌بخشی به من کردی، و از آنچه

بِالشُّكْرِ حَقّاً وَعَدَلاً ، وَوَعَدْتَنِي عَلَيْهِ أَضْعَافاً

که حقّ تو بود و عدالت اقتضا می‌کرد به من فرمودی که سپاسگرای از نعمت‌هایت را به جای آورم، و وعده فرمودی که

وَمَزِيداً ، وَأَعْطَيْتَنِي مِنْ رِزْقِكَ اِعْتِبَاراً وَفَضْلاً ،

چند برابر سپاسگرای من، به من پاداش خواهی داد؛ و از رزق و روزیت به من اعتبار و ارزش و فرونی عطا کردی

وَسَأَلْتَنِي مِنْهُ يَسِيراً صَغِيراً ، وَأَعْفَيْتَنِي مِنْ جُهْدِ

و در مقابل، مقدار کوچک و کمی از آن را از من خواستی؛ و از سختی و رنج

الْبَلَاءِ وَلَمْ تُسَلِّمْ لِي السُّوءَ مِنْ بَلَاءِكَ مَعَ مَا أَوْلَيْتَنِي

گرفتاری‌ها عافیتم بخشیدی، و مرا به بلاهای بدت وانگذاشتی؛ به خاطر عافیتی که با آن مرا

مِنَ الْعَافِيَةِ ، وَسَوَّغْتَ مِنْ كِرَائِمِ النَّحْلِ ، وَضَاعَفْتَ

سرپرستی نمودی، و از عطاپای کریمانهات بخشیدی، و

لِي الْفَضْلَ مَعَ مَا أَوْدَعْتَنِي مِنَ الْمَحَجَّةِ الشَّرِيفَةِ ،

فضل و احسان را بر من دوجندان نمودی با آنچه از طریقه شرافتمندانه در وجودم ودیعه نهادی،

وَيَسَّرْتَ لِي مِنَ الدَّرَجَةِ الْعَالِيَةِ الرَّفِيعَةِ ،

و درجه والا و بلندمرتبه‌ای را برایم فراهم فرمودی؛

وَاصْطَفَيْتَنِي بِأَعْظَمِ النَّبِيِّينَ دَعْوَةً ، وَأَفْضَلِهِمْ

و برگزیدی مرا در دوران پیامبری که از جهت فراخوانی، بزرگترین انبیا و از جهت

شَفَاعَةً ، مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . اللَّهُمَّ فَاعْفُرْ

شفاعت، برترین آنها است؛ یعنی حضرت محمد که درود خدا بر او و آل او باد. بار خدایا؛ بیامرز

لِي مَا لَا يَسَعُهُ إِلَّا مَغْفِرَتُكَ ، وَلَا يَمَحِقُهُ إِلَّا عَفْوُكَ ،

برای من آن چه را که جز آمرزش تو فراگیر آن نباشد، و جز عفو و بخشش تو آن را نابود نکند،

وَلَا يُكَفِّرُهُ إِلَّا فَضْلُكَ ، وَهَبْ لِي فِي يَوْمِي يَقِيناً

و جز فضل تو آن را نبوشاند. و امروز به من یقینی عطا کن که

تُهَوِّنُ عَلَيَّ بِهِ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا وَأَحْزَانَهَا بِشَوْقٍ

با آن تمام مصیبت‌ها و غصه‌های دنیا را به واسطه اشتیاق به سوی خودت

إِلَيْكَ ، وَرَغْبَةٍ فِيمَا عِنْدَكَ ، وَاکْتُبْ لِي عِنْدَكَ

و میل و علاقه به نعمت‌هایی که نزد تو است آسان گردانی؛ و برایم نزد خودت

الْمَغْفِرَةَ ، وَبَلِّغْنِي الْكِرَامَةَ ، وَارْزُقْنِي شُكْرَ مَا

بخشش و مغفرت را بنویس، و مرا به کرامت برسان، و سپاسگزاری از

أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ ، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الرَّفِيعُ

نعمت‌های ارزانی‌شدهات را نصیب کن؛ زیرا تو خدای یکتا، والا،

الْبَدِيُّ الْبَدِيعُ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ، الَّذِي لَيْسَ لِأَمْرِكَ

آغازگر، نو آور، شنوا و دانا هستی؛ خدایی که دستورت قابل

مَدْفَعٌ، وَلَا عَن قَضَائِكَ مُمْتَنِعٌ، أَشْهَدُ أَنَّكَ رَبِّي

رد شدن نیست؛ و بازدارنده‌ای از حکم و قضای تو وجود ندارد. گواهی می‌دهم که پروردگار من

وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ، فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمٌ

و پروردگار هر چیزی تو هستی؛ آسمان‌ها و زمین را آفریدی؛ آگاه از

الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

پنهانی و آشکاری؛ بلندمرتبه و بزرگ هستی. خدایا؛ به راستی از تو

الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ، وَالْعَزِيمَةَ عَلَى الرَّشْدِ، وَالشُّكْرَ

ثبات و پایداری در امر دین و ولایت، و اراده قوی بر کامل شدن، و سپاسگزاری

عَلَى نِعْمَتِكَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَوْرِ كُلِّ جَائِرٍ، وَبَعْغِي

نعمت‌هایت را درخواست می‌کنم. به تو پناه می‌آورم از جور و ستم هر ستمگر، و از تجاوز و ستم

كُلِّ بَاغٍ، وَحَسَدِ كُلِّ حَاسِدٍ، بِكَ أَصُولُ عَلَى

هر ستم‌پیشه و حسادت هر حسود. با کمک تو بر دشمنانم هجوم می‌آورم و

الْأَعْدَاءِ، وَبِكَ أَرْجُو وَلا يَهِ الْأَحْبَاءِ مَعَ مَا لَا اسْتَطِيعُ

چیره می‌شوم، و سرپرستی دوستان را نیز از تو امید دارم، با این که نمی‌توانم

إِحْصَاءَهُ، وَلا تَعْدِيدَهُ مِنْ عَوَائِدِ فَضْلِكَ، وَطَرْفِ

فضل و عایدات تو، و نصیب‌های خوش‌آیند،

رِزْقِكَ، وَأَلْوَانِ مَا أَوْلَيْتَ مِنْ إِرْفَادِكَ، فَإِنَّكَ أَنْتَ

و بخشش نمودن رنگارنگ تو را به شماره درآورم. راستی که تو

اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ رِفْدُكَ،

خدایی هستی که جز تو معبودی نیست؛ بخششت نسبت به همه مخلوقات آشکار است،

الْبَاسِطُ بِالْجُودِ يَدُكَ، وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ،

و دست مبارکت به جود و بخشش گسترده است؛ و در دستورت کسی به ضدیت با تو نمی‌تواند برخیزد (تا انجام

وَلَا تُتَنَازَعُ فِي أَمْرِكَ، تَمْلِكُ مِنَ الْأَنْامِ مَا تَشَاءُ،

نشود)؛ در فرمانت کسی را یارای نزاع و جدال با تو نیست؛ از مردم آنچه خواهی می‌گیری،

وَلَا يَمْلِكُونَ إِلَّا مَا تُرِيدُ. ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ

ولی آنان، جز آن چه را تو اراده کرده باشی در اختیار نخواهند داشت. «بگو؛ پروردگارا؛ ای

تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ، وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ،

صاحب فرمان‌روایی و حکومت؛ به هر که خواهی فرمانروایی را می‌دهی، و از هر که خواهی

وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ

می‌گیری، و هر که را خواهی عزت می‌بخشی و هر که را خواهی به ذلت و خواری می‌کشانی؛ خیر و

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ

خوبی، تنها در دست توست؛ راستی که تو بر هر کاری توانایی. شب را در روز وارد می‌کنی، و

النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتَخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتَخْرِجُ

روز را وارد شب می‌گردانی؛ و زنده را از مرده بیرون می‌آوری،

الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿١﴾

و مرده را از زنده خارج می‌کنی؛ و هر که را خواهی بدون حساب، روزی می‌بخشی.»

أَنْتَ الْمُنْعِمُ الْمُفْضِلُ الْخَالِقُ الْبَارِيُّ الْقَادِرُ الْقَاهِرُ

تو نعمت‌بخش فزونی‌دهنده، آفریننده و به وجود آورنده، توانا، چیره،

الْمُقَدَّسُ فِي نُورِ الْقُدْسِ، تَرَدَّدَيْتَ بِالْمَجْدِ وَالْعِزِّ،

و تقدیس‌شده در روشنی قدس هستی؛ ردای عزت و بزرگواری را بر تن کرده‌ای،

وَتَعَزَّظْتَ بِالْكَبْرِيَاءِ، وَتَعَشَّيْتَ بِالنُّورِ وَالْبَهَاءِ،

و با کبریایی عظمت داری، و با روشنی و شکوه و جلال خود را پوشانده‌ای،

وَتَجَلَّلْتَ بِالْمَهَابَةِ وَالسَّنَاءِ، لَكَ الْمَنُّ الْقَدِيمُ،

و باهویت و عظمت خود را بزرگ نموده‌ای، منت دیرینه،

وَالسُّلْطَانُ الشَّامِخُ، وَالْجُودُ الْوَاسِعُ، وَالْقُدْرَةُ

پادشاهی بلندمرتبه، و بخشش فراگیر و توان و قدرت و اقتدار

الْمُقْتَدِرَةُ، جَعَلْتَنِي مِنْ أَفْضَلِ بَنِي آدَمَ، وَجَعَلْتَنِي

واقعی از آن توست، مرا از برترین فرزندان آدم قرار دادی،

سَمِيعاً بَصِيراً، صَاحِباً سَوِيّاً مُعَافَاً، لَمْ تَشْغَلْنِي

مرا شنوا و بینا و صحیح و درست اندام و سالم قرار دادی، مرا گرفتار

بِنُقْصَانٍ فِي بَدَنِي، وَلَمْ تَمْنَعْكَ كَرَامَتِكَ إِيَّايَ،

کم و کاستی در اندامم نکردی، و کرامت و بزرگواری تو، نسبت به من و بهترین

وَحُسْنُ صَنِيعِكَ عِنْدِي، وَفَضْلُ إِنْعَامِكَ عَلَيَّ، أَنْ

رفتار تو با من و فزون‌ترین بخشش‌هایت به من، مانع نشد که

وَسَعَتَ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا، وَفَضَّلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ

در دنیا مرا توانگر گردانی و مرا بر بسیاری از

أَهْلِيهَا، فَجَعَلْتَ لِي سَمْعاً يَسْمَعُ آيَاتِكَ، وَفُؤَاداً

اهل دنیا برتری دهی، پس گوش به من دادی تا آیات تو را بشنوم، و قلبی عطا کردی تا

يَعْرِفُ عَظَمَتِكَ، وَأَنَا بِفَضْلِكَ حَامِدٌ، وَبِجَهْدِ يَقِينِي

بتوانم به کمک آن عظمتت را بشناسم؛ و من به ستایش فضل تو می‌پردازم؛ و در نهایت یقین و باور،

لَكَ شَاكِرٌ، وَبِحَقِّكَ شَاهِدٌ. فَإِنَّكَ حَيٌّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ،

به سپاسگزاری‌ات مشغول و گواه حقیقت تو هستم. راستی که تو زنده پیش از هر زنده،

وَحَيٌّ بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، وَحَيٌّ لَمْ تَرِثِ الْحَيَاةَ مِنْ حَيٍّ،

و زنده پس از هر زنده‌ای هستی، و زنده‌ای هستی که زنده بودن را از زنده‌ای دیگر به ارث نبرده‌ای؛

وَلَمْ تَقْطَعْ خَيْرَكَ عَنِّي طَرْفَةَ عَيْنٍ فِي كُلِّ وَقْتٍ،

و خیر و خوبی‌هایت را برای یک چشم بر هم زدن در هیچ لحظه‌ای از من قطع نکرده‌ای؛

وَلَمْ تُنْزِلْ بِي عُقُوبَاتِ النَّقْمِ، وَلَمْ تُغَيِّرْ عَلَيَّ دَفَائِقَ

و کیفر انتقامت را بر من فرو نفرستادی؛ و حراست‌ها و نگهبانی‌های دقیقت را از من دگرگون

الْعِصْمِ، فَلَوْ لَمْ أَذْكَرْ مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَّا عَفْوَكَ، وَإِجَابَةَ

نموده‌ای. اگر از احسانت جز عفو بخشش تو و پاسخ مثبت تو را نسبت به دعای من

دُعَائِي حِينَ رَفَعْتُ رَأْسِي بِتَحْمِيدِكَ وَتَمْجِيدِكَ،

- در هنگام بلند کردن سرم برای ستایش و بزرگداشت تو - یاد نکنم؛

وَفِي قِسْمَةِ الرِّزَاقِ حِينَ قَدَّرْتَ ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ

و اگر جز تقسیم روزی در هنگام تقدیر برابرم نبود، لازم می‌دانستم تا ستایش

مَا حَفَظَهُ عِلْمُكَ ، وَعَدَدَ مَا أَحَاطَتْ بِهِ قُدْرَتُكَ ،

به اندازه و تعداد آن چه دانش تو در حفظ دارد، و به اندازه و تعداد آن چه در حیطه قدرت توست،

وَعَدَدَ مَا وَسِعَتْهُ رَحْمَتُكَ . اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ إِحْسَانَكَ فِيمَا

و به عدد آن چه در دامنه رحمت تو قرار دارد؛ نثار تو کنم. بارالها؛ احسان و نیکی‌ات را در

بَقِي ، كَمَا أَحْسَنْتَ فِيمَا مَضَى ، فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ

باقی‌مانده عمرم بر من کامل گردان چنان که در گذشته نیز چنین کردی؛ چرا که من به واسطه

بِسْتَوْحِيدِكَ وَتَمَجِيدِكَ ، وَتَحْمِيدِكَ وَتَهْلِيلِكَ ،

یگانه دانستن تو و ثنا گفتن تو، و ستایش و «لا اله الا الله» گفتن،

وَتَكْبِيرِكَ وَتَعْظِيمِكَ ، وَبِنُورِكَ وَرَأْفَتِكَ ، وَرَحْمَتِكَ

و تکبیر و بزرگداشت تو؛ و به واسطه نور و مهربانی، و رحمت

وَعُلُوِّكَ ، وَجَمَالِكَ وَجَلَالِكَ ، وَبَهَائِكَ وَسُلْطَانِكَ ،

و والایی، و زیبایی و بزرگی و شکوه، و پادشاهی،

وَقُدْرَتِكَ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ ، أَلَّا تَحْرِمَنِي

و قدرتت به تو متوسل می‌شوم و به واسطه محمد و آل پاک او از تو می‌خواهم که

رِفْدَكَ وَفَوَائِدَكَ ، فَإِنَّهُ لَا يَعْتَرِيكَ لِكثْرَةِ مَا يَتَدَفَّقُ

مرا از عطا و بخشش و سودبخشی‌هایت محروم مساز؛ چون، تو را به خاطر بخشش فراوانت بازدارندگی

بِهِ عَوَائِقُ الْبُخْلِ ، وَلَا يَنْقُصُ جُودَكَ تَقْصِيرٌ فِي شُكْرِ

بخل فرا نمی‌گیرد، و کوتاهی در سپاسگزاری نعمت تو، باعث کم و کاستی در جود و سخاوت تو

نِعْمَتِكَ ، وَلَا تُفْنِي خَزَائِنَ مَوَاهِبِكَ النِّعَمِ ، وَلَا تَخَافُ

نمی‌شود، و نعمت بخشیدن‌ها باعث از بین رفتن گنجینه‌های بخشش تو نمی‌گردد؛

ضَيْمٍ اِمْلَاقٍ فَتُكْدِي وَلَا يُلْحَقُكَ خَوْفٌ عَدَمٍ فَيَنْقُصُ

تو را ترس تنگدستی فرا نمی‌گیرد تا دست از بخشش برداری، و ترس ناداری نیز به تو راه نمی‌یابد

فَيُضُّ فَضْلِكَ . اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْبًا خَاشِعًا ، وَيَقِينًا

که باعث کاستی در ریزش فضلت گردد. بار خدایا؛ به من قلبی باخشوع و فروتن، و یقین و باوری

صَادِقًا ، وَلِسَانًا ذَاكِرًا ، وَلَا تُؤَمِّنِي مَكْرَكَ ،

راستین و زبانی گویا به ذکرت، ارزانی دار؛ مرا ایمن از مکر خود مگردان،

وَلَا تَكْشِفْ عَنِّي سِتْرَكَ ، وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ ،

و پرده‌پوشی‌ات را از من برمگیر؛ و یادت را از یاد من مبر؛

وَلَا تُبَاعِدْنِي مِنْ جَوَارِكَ ، وَلَا تَقْطَعْ عَنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ ،

و از جوار رحمتت دورم مکن؛ و از رحمتت جدایم مساز؛

وَلَا تُؤَيِّسْنِي مِنْ رَوْحِكَ ، وَكُنْ لِي أُنَيْسًا مِنْ كُلِّ

و از یاری و مهربانی خویش ناامیدم مگردان؛ و همواره در تمام وحشت‌ها، همدم من باش؛

وَخَشْيَةٍ ، وَاعْصِمْنِي مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ ، وَنَجِّنِي مِنْ كُلِّ

و مرا از هر هلاکتی حفظ کن؛ و از هر بلا و گرفتاری نجاتم بخش؛

بَلَاءٍ، فَإِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْأَمْعَادَ. اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي

زیرا، واقعیت آن است که تو خلاف وعدهات عمل نمی‌کنی. بار الها؛ مرا سرافراز کن

وَلَا تُضَعِّبْنِي، وَزِدْنِي وَلَا تَنْقُصْنِي، وَارْحَمْنِي

و سرافکنده مگردان؛ برایم افزون کن و کم مگردان؛ و به من رحم کن

وَلَا تُعَذِّبْنِي، وَأَنْصُرْنِي وَلَا تَخْذُلْنِي، وَآثِرْنِي

و عذابم مکن؛ و یاریم کن و خوارم مگردان؛ و مرا ترجیح بده

وَلَا تُؤْثِرْ عَلَيَّ، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و دیگران را بر من ترجیح مده؛ و بر محمد و آل

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

پاک و پاکیزه‌اش درود بفرست و بسیار بسیار سلام خود را نثارشان کن.

ابن عباس، ادامه کلام امام علیه السلام را چنین نقل می‌کند:

مراقب باش که حفظ کنی، و باید تمام این دعا در یک روز

خوانده شود؛ و همانا من امیدوارم در حالی به سرزمینت

برسی که خداوند دشمنت را نابود و هلاک فرموده باشد.

راستی من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: اگر مردی

این دعا را با نیتی راستین و قلبی خاشع و فروتن بخواند، آن

گاه به کوه‌ها دستور بدهد که همراه او حرکت کنند، به طور

حتم به دنبالش حرکت خواهند کرد؛ و اگر به دریا دستور

دهد می‌تواند بر روی آن راه برود.

آن مرد به طرف وطنش حرکت کرد، و پس از چهل روز

نامه‌اش به امیر مؤمنان علیه السلام رسید که در آن گفته بود: واقعیت آن

است که خداوند تعالی دشمنم را به هلاکت رساند؛ به گونه‌ای که

حتی یک مرد از آنان در سرزمین ما باقی نمانده است؛

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز فرمودند:

این را می‌دانستم؛ و این حقیقت را رسول خدا صلی الله علیه و آله به من

آموخته است؛ هیچ کاری نیز به من دشوار نمی‌شود، جز آن

که با این دعا آسان می‌شود.^۱



دعای حریق

که صبحگاهان خوانده می‌شود^۲

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أُشْهِدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيداً، وَأُشْهِدُ

بارها؛ من صبح کرده‌ام در حالی که تو را گواهی‌گیرم و البته تو برای گواه بودن، بسنده و کافی هستی -

مَلَائِكَتِكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكَّانَ سَمَائِكَ

و فرشتگان و حاملان عرش و ساکنان آسمان‌های هفت‌گانه

۱. بحار الأنوار: ۲۴۰/۹۵، و مهج الدعوات: ۱۳۷ (با تفاوت اندک).

۲. این دعا از امام سجّاد علیه السلام، از پدران علیهم السلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله، از خدای تعالی نقل شده

است؛ و قسمتی که بر آن افزوده شده از مولایمان امام زمان ارواحنا فداء است.

وَأَرْضِيكَ وَأَنْبِيَاءَكَ وَرُسُلَكَ وَوَرَثَةَ أَنْبِيَاءِكَ وَرُسُلِكَ

و زمین‌هایت؛ و پیامبران و رسولان و وارثان انبیا و فرستادگانت،

وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ ، فَاشْهَدْ لِي

و بندگان شایسته‌ات، و تمام مخلوقات را نیز گواه می‌گیرم؛ پس تو گواه و شاهد من باش

وَكَفَى بِكَ شَهِيداً أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

-و گواهی تو، بسنده و کافی است -که من بآبآوری راستین گواهی می‌دهم که همانا تو خدایی هستی که جز تو خدایی نیست

أَنْتَ الْمَعْبُودُ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى

و تنها معبود حقیقی و شایسته پرستش تویی؛ یگانه‌ای؛ شریک نداری؛ و محمد - که

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ ، وَأَنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِمَّا

بر او و آل او درود الهی نثار باد - بنده و فرستاده توست؛ هر پرستش‌شونده‌ای که از

دُونَ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ السَّابِعَةِ السُّفْلَى بَاطِلٌ

زیر عرش تو تا طبقه هفتم پایینی زمین باشد، باطل

مُضْمَحِلٌّ مَا خَلَا وَجْهَكَ الْكَرِيمَ ، فَإِنَّهُ أَعَزُّ وَأَكْرَمُ

و ناپود است جز ذات بزرگوار تو؛ زیرا، آن عزت‌مندتر، کریم‌تر،

وَأَجَلُّ وَأَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَصِفَ الْوَاصِفُونَ كُنْهَ جَلَالِهِ أَوْ

شکوه‌مندتر و عظیم‌تر از آن است که توصیف‌کنندگان بتوانند کنه و نهایت شکوهش را توصیف کنند؛ یا

تَهْتَدِي الْقُلُوبُ إِلَى كُنْهِ عَظَمَتِهِ ، يَا مَنْ فَاقَ مَدْحَ

دل‌ها و قلب‌ها بتوانند به حقیقت عظمت او راه یابند. ای کسی که ارزش و سربلندی مدح

الْمَادِحِينَ فَخْرُ مَدْحِهِ ، وَعَدَا وَصَفَ الْوَاصِفِينَ مَا تَرَاهُ

و ستایش او برتر از مدح و ستایش ستایشگران است، و ستایش‌های شایسته او از وصف توصیف‌کنندگان

حَمْدِهِ ، وَجَلَّ عَنْ مَقَالَةِ النَّاطِقِينَ تَعْظِيمُ شَأْنِهِ ، صَلَّ

گذشته است، و بزرگداشت شأن او از گفتار گویندگان بالاتر و شکوه‌مندتر است؛

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَافْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ ، يَا

بر محمد و آل محمد درود فرست و آن گونه که شایسته و بایسته مقام توست با ما رفتار کن؛ ای

أَهْلَ التَّقْوَى وَأَهْلَ الْمَغْفِرَةِ سه مرتبه .

کسی که شایستگی مقامش تقواست و مغفرت شیوه رفتار او می‌باشد.

سپس یازده مرتبه این بخش خوانده شود: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ

جز خداوند معبودی نیست؛ یگانه

لَا شَرِيكَ لَهُ ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ

و بی‌شریک است؛ خداوند منزّه و پاک است و مشغول حمد و ستایش او هستیم؛ از او طلب بخشش می‌کنم و به سوی او

إِلَيْهِ ، مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ

باز می‌گردم؛ هر چه او بخواهد می‌شود؛ و هر توان و حرکتی تنها به سبب خداوند است، او اول و آخر

وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ، يُحْيِي

و ظاهر و باطن است، فرمان‌روایی تنها از آن اوست و ستایش تنها برای اوست، او زنده می‌کند

وَيُمِيتُ ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ ، بِيَدِهِ

و می‌میراند، و می‌میراند و زنده می‌کند، و او زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد،

الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

همه خیرات به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.

سپس یازده مرتبه می‌گویی: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ

إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ

جز خدائست، و خدا بزرگتر از آن است که وصف شود، از خدا طلب آمرزش نموده و به سوی او باز می‌گردم، آنچه او بخواهد

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

می‌شود، هر توان و حرکتی تنها به سبب خداوند است، که بردبار بزرگوار، بلندمرتبه، بزرگ،

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْحَقِّ الْمُبِينِ، عَدَدَ

بخشنده، مهربان، پادشاه، در نهایت پاکی، و حق آشکار است. این ثناگویی را به تعداد

خَلْقِهِ وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمِلَأَ سَمَاوَاتِهِ وَأَرْضِيهِ، وَعَدَدَ مَا

مخلوقاتش و به وزن عرش و به اندازه پر شدن آسمان‌ها و زمین‌هایش، و به تعداد آن چه

جَرَى بِهِ قَلَمُهُ وَأَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَمِدَادُ كَلِمَاتِهِ وَرِضَا نَفْسِهِ.

قلمش به آن جاری گشته، و کتابش در برگرفته، و به قدر کلمات و به اندازه رضایت خودش، انجام می‌دهم.

سپس بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ

بارالها؛ بر محمد و اهل بیت

الْمُبَارَكِينَ، وَصَلِّ عَلَى جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ،

پربرکتش درود بفرست، و بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل

وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ أَجْمَعِينَ، وَالْمَلَائِكَةَ الْمُتَقَرَّبِينَ.

و تمامی حاملان عرش و فرشتگان مقرب درود بفرست.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا، وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ

بارالها؛ آن قدر بر ایشان درود بفرست که به رضایت‌شان برسانی، و پس از

الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ

رضایت نیز آن چه شایسته و بایسته مقام توست به ایشان افزون کنی؛ ای مهربان‌ترین مهربان. بارالها؛

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَى مَلِكِ الْمَوْتِ

بر محمد و آل محمد درود بفرست؛ و بر فرشته مرگ

وَأَعْوَانِهِ، وَصَلِّ عَلَى رِضْوَانَ وَخَزَنَةِ الْجَنَانِ،

و یارانش درود بفرست، و بر جناب رضوان و خزانه‌داران بهشت درود بفرست؛

وَصَلِّ عَلَى مَالِكِ وَخَزَنَةِ النَّيْرَانِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ

و بر جناب مالک و دیگر خزانه‌داران جهنم نیز درود بفرست. بارالها؛ آن قدر بر ایشان درود بفرست

حَتَّى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا، وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ

که به مقام رضا و خشنودی تو برسانی و پس از رضایت نیز آن گونه که شایسته و بایسته مقام توست

أَهْلُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْكِرَامِ

بر ایشان فزونی بخش؛ ای مهربان‌ترین مهربانان. بارالها؛ بر فرشتگان بزرگوار

الْكَاتِبِينَ، وَالسَّفَرَةَ الْكِرَامِ الْبَرَّةَ، وَالْحَفْظَةَ لِبَنِي

نویسنده؛ بر سفیران بزرگوار و نیکوکار؛ و بر نگهبانان بنی

آدَمَ، وَصَلِّ عَلَى مَلَائِكَةِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ،

آدم درود بفرست؛ و بر فرشتگان هوا و آسمان‌های بالا؛

وَمَلَائِكَةِ الْأَرْضِ وَالرُّسُلِ، وَمَلَائِكَةِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ،

بر فرشتگان زمین‌های پایین و بر فرشتگان شب و روز،

وَالْأَرْضِ وَالْأَقْطَارِ، وَالْبَحَارِ وَالْأَنْهَارِ، وَالْبُرَارِ

و زمین و کرانه‌ها، دریاها و نهرها، خشکی‌ها

وَالْقَلَوَاتِ وَالْقِفَارِ، وَصَلِّ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الَّذِينَ

و دشت‌ها و بیابان‌های بی‌آب و علف؛ درود بفرست، و بر فرشتگانی که ایشان را

أَغْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ بِتَسْبِيحِكَ وَتَقْدِيرِكَ

به وسیله تسبیح‌گویی و تقدیس‌گویی و پرستش از خوردن و آشامیدن بی‌نیاز کردی درود بفرست.

وَعِبَادَتِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا،

بارالها؛ آن قدر بر ایشان درود بفرست که ایشان را به مقام رضا برسانی،

وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و پس از رضایت نیز برای ایشان افزون کنی آن گونه که شایسته و بایسته مقام توست؛ ای مهربان‌ترین مهربانان.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَى آبِنَا

بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست؛ و بر پدرمان

آدَمَ، وَأُمَّنَا حَوَاءَ وَمَا وَلَدَا مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصُّدِّيقِينَ

حضرت آدم و مادرمان حواء، و آن دسته از فرزندان‌شان که پیامبر، صدیق،

وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّى

شهید و صالح و شایسته بودند؛ درود بفرست. بارالها؛ بر آنان درود بفرست آن چنان که

تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا، وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ،

به مقام رضا دست یابند و پس از رضایت نیز آنچه شایسته و بایسته تراست بر ایشان افزون کن؛

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ

ای مهربان‌ترین مهربانان. بارالها؛ بر محمد و اهل

بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ، وَعَلَى أَصْحَابِهِ الْمُتَتَجِبِينَ، وَعَلَى

بیت پاک او؛ بر یاران نجیبش، و

أَزْوَاجِهِ الْمُطَهَّرَاتِ، وَعَلَى ذُرِّيَّةِ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى كُلِّ

همسران پاک او، و بر نسل و فرزندان محمد، و بر هر

نَبِيٍِّّ بَشَّرَ بِمُحَمَّدٍ، وَعَلَى كُلِّ نَبِيٍِّّ وَلَدَ مُحَمَّدًا، وَعَلَى

پیامبری که بشارت به آمدن او داد، و بر هر پیامبری که جزو اجداد محمد بود، و بر

كُلِّ مَنْ فِي صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ رِضَى لَكَ وَرِضَى لِنَبِيِّكَ

هر کسی که درود فرستادن تو بر او باعث رضایت تو و باعث رضایت پیامبرت

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّى

حضرت محمد - که درود خدا بر او و آل او باد - است، درود بفرست. بارالها؛ بر آنان درود بفرست

تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا، وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ،

آن چنان که به مقام رضا برسانی و پس از رضایت نیز آن چنان که شایسته و بایسته توست بر ایشان افزونی بخش؛

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

ای مهربان‌ترین مهربانان. بارالها؛ بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَارْحَمْ

محمد درود بفرست؛ و بر محمد و آل محمد برکت بفرست؛ و رحمت خویش را

مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ

بر محمد و آل محمد نازل فرما؛ برتر از آنچه درود و برکت

وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ ، إِنَّكَ حَمِيدٌ

و رحمت خویش را بر ابراهیم و آل ابراهیم مقرر فرمودی؛ همانا، تو ستوده

مَجِيدٌ . اللَّهُمَّ أَعْظِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

و شکوه‌مند هستی. بارالها؛ وسیله را به محمد - که درود بر او و آل او باد - عطا فرما،

الْوَسِيلَةَ وَالْفَضْلَ ، وَالْفَضِيلَةَ وَالذَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ ،

و فضل و فضیلت و درجه والا به او بخش؛

وَأَعْطِهِ حَتَّى يَرْضَى ، وَزِدْهُ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ ،

آن قدر به او عنایت کن که خوشودیش فراهم شود، و پس از رضایت او هر چه شایسته و بایسته مقام توست بر او افزون کن؛

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

ای مهربان‌ترین مهربانان. بارالها؛ بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ ، كَمَا أَمَرْتَنَا أَنْ نُصَلِّيَ عَلَيْهِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

محمد درود بفرست، چنان که به ما دستور فرمودی بر او درود بفرستیم. بارالها؛ بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، كَمَا يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نُصَلِّيَ عَلَيْهِ .

محمد و آل محمد درود بفرست، آن گونه که برای ما سزاوار است که بر او درود بفرستیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ مَنْ صَلَّيْ

بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود فرست به عدد کسانی که بر او درود فرستاده‌اند.

عَلَيْهِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ مَنْ

بارالها؛ نیز بر محمد و آل محمد درود بفرست به تعداد کسانی که

لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بر محمد و آل محمد درود نفرستاده‌اند. بارالها؛

بَعْدَ كُلِّ حَرْفٍ فِي صَلَاةٍ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ . اللَّهُمَّ صَلِّ

به عدد هر حرف در درودهایی که بر او فرستاده شده بر محمد و آل محمد درود بفرست. بارالها؛ به

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ مَنْ صَلَّيَ عَلَيْهِ وَمَنْ

تعداد تمام کسانی که بر محمد و آل محمد صلوات فرستادند و به تعداد تمام کسانی که

لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بر محمد و آل محمد صلوات نفرستاده‌اند، بر محمد و آل محمد درود بفرست. بارالها؛

بَعْدَ كُلِّ شَعْرَةٍ وَلَفْظَةٍ وَلِحْظَةٍ وَنَفْسٍ وَصِفَةٍ وَسُكُونٍ

به تعداد تمام موی‌ها، کلمه‌ها، لحظه‌ها، نفس‌ها، ویژگی‌ها، ایست‌ها و جنبش‌های تمام

وَحَرَكَةٍ مِمَّنْ صَلَّيَ عَلَيْهِ ، وَمِمَّنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ ،

کسانی که بر محمد صلوات فرستاده‌اند و نیز تمام کسانی که صلوات نفرستاده‌اند؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست.

وَبَعْدِ سَاعَاتِهِمْ وَدَقَائِقِهِمْ، وَسُكُونِهِمْ وَحَرَكَاتِهِمْ،

نیز به اندازه تمام ساعتها و دقیقه‌های عمرشان، و ایستها و حرکت‌هایشان،

وَحَقَائِقِهِمْ وَمِيقَاتِهِمْ، وَصِفَاتِهِمْ وَأَيَّامِهِمْ، وَشُهُورِهِمْ

و حقیقت‌ها و وعده‌گاه‌هایشان، و ویژگی‌ها و روزهایشان، و ماه‌ها

وَسِنِّيهِمْ، وَأَشْغَارِهِمْ وَأَبْشَارِهِمْ، وَبَعْدِ زَنَةِ ذَرِّ مَا

و سال‌هایشان، و موها و پوست‌های بدنشان؛ و به عدد وزن ذرات آنچه

عَمِلُوا، أَوْ يَعْمَلُونَ أَوْ بَلَّغَهُمْ أَوْ رَأَوْا أَوْ ظَنُّوا أَوْ

عمل کرده‌اند یا عمل می‌کنند یا به ایشان رسیده یا دیده‌اند یا گمان کرده‌اند یا

فَطِنُوا، أَوْ كَانَ مِنْهُمْ، أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ،

با فطانت و زیرکی آگاه شده‌اند، یا از ایشان سر زده است یا از ایشان تا روز قیامت سر خواهد زد؛

وَكَأَضْعَافِ ذَلِكَ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، يَا

بلکه چندین برابر آنها تا روز قیامت؛ (به تعداد و اندازه تمام چیزهایی که گفته شد) بر محمد و آل او درود بفرست؛ ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

مهربان‌ترین مهربانان. بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست

بَعْدِ مَا خَلَقْتَ، وَمَا أَنْتَ خَالِقُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ،

به تعداد تمام چیزهایی که آفریده‌ای و آنچه که تا روز قیامت خواهی آفریدی؛

صَلَاةً تَرْضِيهِ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَالثَّنَاءُ وَالشُّكْرُ،

آن چنان درودی که موجب رضایت و خشنودی آن بزرگوار شود. بارالها؛ ستایش و ثناگویی و سپاسگزاری

وَالْمَنُّ وَالْفَضْلُ، وَالطُّوْلُ وَالْخَيْرُ وَالْحُسْنَى وَالنُّعْمَةُ،

و ممت و برتری، و احسان و نیکی و خوبی و نعمت،

وَالْعِظَمَةُ وَالْجَبْرُوتُ، وَالْمُلْكُ وَالْمَلَكَوتُ، وَالْقَهْرُ

و عظمت و قدرت و شوکت، و عالم ظاهر و عالم باطن، و چیرگی محض

وَالسُّلْطَانُ، وَالْفَخْرُ وَالسُّودْدُ، وَالْإِمْتِنَانُ وَالْكَرَمُ،

و سلطنت، و افتخار و ریاست و آقایی، و ممت نهادن، و بزرگواری

وَالْجَلالُ وَالْإِكْرَامُ، وَالْجَمالُ وَالْكَمَالُ، وَالْخَيْرُ

و شکوه و کرامت کردن، و زیبایی و کمال، و خیر

وَالتَّوْحِيدُ وَالتَّمْجِيدُ، وَالتَّحْمِيدُ وَالتَّهْلِيلُ وَالتَّكْبِيرُ

و یکتادانستن و بزرگ شمردن، و ستایش کردن و تهلیل گفتن و تکبیرگویی

وَالتَّقْدِيسُ، وَالرَّحْمَةُ وَالمَغْفِرَةُ وَالكِبْرِيَاءُ وَالعِظَمَةُ.

و مقدس دانستن، و رحمت و بخشش، و کبریایی و بزرگ‌مرتبه‌ای اختصاص به تو دارد.

وَلَكَ مَا زَكِي وَطَابَ وَطَهَرَ مِنَ الثَّنَاءِ الطَّيِّبِ،

بارالها؛ خالص‌ترین، پاک‌ترین و پاکیزه‌ترین مدح و ثنای ارزنده،

وَالْمَدِيحِ الْفَاخِرِ، وَالقَوْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ الَّذِي

گفتار نیک و زیبایی که باعث رضایت تو از گوینده‌اش شود

تَرْضِي بِهِ عَن قَائِلِهِ، وَتَرْضِي بِهِ قَائِلُهُ وَهُوَ رَضِي

و تو نیز گوینده‌اش را راضی کنی و آن گفتار نیز موجب رضایت تو باشد؛ اختصاص به تو دارد.

لَكَ، يَتَّصِلُ حَمْدِي بِحَمْدِ أَوَّلِ الْخَامِدِينَ، وَتَنَائِي

و این باعث شود ستایش من به ستایش اولین ستایشگران تو متصل گردد. و ثناگویم

بِنَاءِ أَوَّلِ الْمُثْنِينَ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ مُتَّصِلًا ذَلِكَ

به ثناگوئی نخستین ثناگو بر پروردگار جهان اتصال یابد، حمد و ثنایم نیز به یکدیگر وصل شوند؛

بِذَلِكَ، وَتَهْلِيلِي بِتَهْلِيلِ أَوَّلِ الْمُهْلَلِينَ، وَتَكْبِيرِي

تهلیل و «لا إله إلا الله» گفتنم به تهلیل اولین تهلیل‌گر اتصال یابد، و تکبیرگوئی

بِتَكْبِيرِ أَوَّلِ الْمُكْبِّرِينَ، وَقَوْلِي الْحَسَنُ الْجَمِيلُ بِقَوْلِ

و بزرگداشت من به تکبیرگوئی اولین تکبیرگویان، و گفتار نیکو و زیبای من به گفتار

أَوَّلِ الْقَائِلِينَ الْمُجْمَلِينَ الْمُثْنِينَ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ،

اولین خوش‌گفتار زیباگوی ثناگوی پروردگار جهان اتصال یابد

مُتَّصِلًا ذَلِكَ بِذَلِكَ، مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ. وَبِعَدَدِ

و هر یک نیز به دیگری وصل شوند؛ از ابتدای روزگار تا آخرش. به تعداد

زِنَةِ ذَرِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَالرَّمَالِ وَالتَّلَالِ

و هم‌سنگ تمام ذره‌های موجود در آسمان‌ها و زمین‌ها و سنگریزه‌ها و تپه‌ها

وَالْجِبَالِ، وَعَدَدِ جُرْعِ مَاءِ الْبِحَارِ، وَعَدَدِ قَطْرِ الْأَمْطَارِ،

و کوه‌ها؛ و به تعداد جرعه‌های آب دریاها، و به تعداد دانه‌های باران،

وَوَرَقِ الْأَشْجَارِ، وَعَدَدِ النُّجُومِ، وَعَدَدِ الثَّرَى

و برگ درختان، و تعداد ستارگان، و تعداد ذرات خاک

وَالْحَصَى وَالتَّوَى وَالْمَدَرِ، وَعَدَدِ زِينَةِ ذَلِكَ كُلِّهِ،

و سنگریزه‌ها و دانه‌ها و هسته‌ها و کلوخ‌ها؛ و هم‌سنگ تمام آن چه گفته شد،

وَعَدَدِ زِينَةِ ذَرِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَمَا فِيهِنَّ وَمَا

و هم‌سنگ ذره‌های آسمان‌ها و زمین‌ها، و آنچه در آن‌ها و

بَيْنَهُنَّ وَمَا تَحْتَهُنَّ، وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا فَوْقَهُنَّ إِلَى يَوْمِ

بین آن‌هاست، و در زیر آن‌ها قرار داد؛ و باز آن چه مابین آن‌ها، و بالای آن‌ها قرار دارد تا روز

الْقِيَامَةِ، مِنْ لَدُنِ الْعَرْشِ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ السَّابِعَةِ

قیامت، از جایگاه عرش الهی تا پایین‌ترین جای زمین هفتم

السُّفْلَى. وَبِعَدَدِ حُرُوفِ الْأَفَاظِ أَهْلِهِنَّ، وَعَدَدِ أَرْوَاقِ

پایینی‌ات؛ و به تعداد حروف لفظ‌هایی که اهل این جاها استفاده می‌کنند، و به تعداد زمان‌ها

وَدَقَائِقِهِمْ وَشَعَائِرِهِمْ وَسَاعَاتِهِمْ وَأَيَّامِهِمْ، وَشُهُورِهِمْ

و دقیقه‌ها و علامت‌های‌شان، ساعت‌ها و روزهای‌شان، ماه‌ها

وَسِنِّيهِمْ، وَسُكُونِهِمْ وَحَرَكَاتِهِمْ، وَأَشْعَارِهِمْ

و سال‌های‌شان، ایست‌ها و حرکت‌های‌شان، موها

وَأَبْشَارِهِمْ. وَعَدَدِ زِينَةِ ذَرِّ مَا عَمِلُوا أَوْ يَعْمَلُونَ أَوْ

پوست‌های بدن‌شان؛ تو را می‌ستایم. نیز به تعداد هم‌سنگ هر ذره عملی که انجام داده یامی‌دهند

بَلَّغَهُمْ أَوْ رَأَوْا أَوْ ظَنُّوا أَوْ فَطِنُوا أَوْ كَانَ مِنْهُمْ أَوْ

از آن خبردار شده‌اند یا دیده‌اند یا گمان کرده‌اند یا با فطانت و زیرکی آگاهی یافته‌اند یا از ایشان بوده است یا

يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَعَدَدِ زِنَةِ ذَرِّ ذَلِكَ وَأَضْعَافِ

تا روز قیامت از ایشان سر خواهد زده و عدد ذرات آن بلکه چندین برابر آن چه گفته شد، و نیز چندین برابر

ذَلِكَ، وَكَأَضْعَافِ ذَلِكَ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً لَا يَعْلَمُهَا

این‌ها، به گونه‌ای که جز تو کسی را یارای دانستن

وَلَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَأَهْلُ ذَلِكَ

و شمارش آن‌ها نباشد - ای صاحب شکوه و کرامت؛ - ستایشت می‌کنم. البته تو شایسته این‌ها

أَنْتَ، وَمُسْتَحِقُّهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ مِنِّي وَمِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ

هستی، و بایسته مقام تو و سزاوار آستان تو می‌باشد؛ این ستایش‌ها از من و از تمام آفریدگانت نثار تو باد؛

يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَسْتَ بِرَبِّ

ای آفریننده و پدیدآور آسمان‌ها و زمین؛ بارخدا یا؛ تو پروردگاری نیستی که

اسْتَحَدَّثْنَاكَ، وَلَا مَعَكَ إِلَهٌ فَيَشْرَكَكَ فِي رُبُوبِيَّتِكَ،

ما تو را به تازگی خوانده باشیم؛ و معبودی نیز همراه تو نیست که در پروردگاریت با تو شرکت داشته باشد؛

وَلَا مَعَكَ إِلَهٌ أَعَانَكَ عَلَى خَلْقِنَا، أَنْتَ رَبُّنَا كَمَا تَقُولُ

و خدای نیز با تو نیست که برای آفریدن ما یاریت کرده باشد. تو پروردگار ما هستی همان گونه که خودت می‌گویی؛

وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

و بالاتر از آنچه گویندگان می‌گویند؛ از تو می‌خواهم بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعْطِيَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

محمد و آل محمد درود بفرستی، و به محمد - که درود بر او

وآلِهِ أَفْضَلَ مَا سَأَلْتُكَ، وَأَفْضَلَ مَا سَأَلْتَنِي، وَأَفْضَلَ مَا

و آل او باد - فزون‌تر از آنچه که از تو درخواست می‌کنم، و برتر از آنچه که مورد درخواست قرار می‌گیری، و

أَنْتَ مَسْئُولٌ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. أُعِيدُ أَهْلَ بَيْتِ

برتر از آن چه تا روز قیامت از تو برای او خواسته می‌شود عطا فرمایی. می‌سپارم اهل بیت

النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَنَفْسِي وَدِينِي

پیغمبر اکرم - که درودت بر او و ایشان باد - و خودم، و دینم،

وَذُرِّيَّتِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي وَقَرَابَاتِي وَأَهْلِي

و نسلم، و دارایی و فرزندم و اهل من، و خویشانم و

بَيْتِي وَكُلِّ ذِي رَحِمٍ لِي دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ، أَوْ يَدْخُلُ

خاندانم و تمام کسانی که با من نسبتی دارند در اسلام وارد شده یا وارد می‌شوند

إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَحُزَانَتِي وَخَاصَّتِي، وَمَنْ قَلَدَنِي

تا روز قیامت، و عیالات من، و مخصوصان من، و تمام کسانی که واگذار نموده‌اند به من

دُعَاءً أَوْ أَسَدَى إِلَيَّ يَدًا، أَوْ رَدَّ عَنِّي غَيْبَةً، أَوْ قَالَ فِيَّ

دعا کردن را یا به من نیکی و بخششی کرده‌اند، یا از غیبت من جلوگیری کرده، یا در مورد من زبان

خَيْرًا، أَوْ اتَّخَذَتْ عِنْدَهُ يَدًا أَوْ صَنِيعَةً، وَجِيرَانِي

به نیکی گشوده، یا از او کمک خواسته‌ام یا کاری برایم کرده است؛ و نیز همسایگان

وَإِخْوَانِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، بِاللَّهِ وَبِأَسْمَائِهِ

و برادران و خواهران مؤمن خود را، به خدا و به نام‌های

التَّامَّةِ الْعَامَّةِ الشَّامِلَةِ الْكَامِلَةِ الطَّاهِرَةِ الْفَاضِلَةِ

کامل، عمومی، فراگیر، کامل، پاک، فزون بخش،

الْمُبَارَكَةِ الْمُتَعَالِيَةِ الزَّكِيَّةِ الشَّرِيفَةِ الْمُنْبَعَةِ الْكَرِيمَةِ

بابرکت، بلندمرتبه، خالص و پاکیزه، شرافت‌مند، بازدارنده، بزرگوارانه،

الْعَظِيمَةِ الْمَخْزُونَةِ الْمَكُونَةِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ

عظیم، پنهان و ذخیره‌شده الهی - نام‌هایی که هیچ شخصی نیک

وَلَا فَاجِرٌ، وَبِأَمِّ الْكِتَابِ وَخَاتِمَتِهِ، وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ

و بدی از آن‌ها درنگزد - و به ام‌الکتاب (سوره حمد که ابتدای قرآن است) و به انتهای آن، و آنچه بین این دو

سُورَةٍ شَرِيفَةٍ، وَآيَةٍ مُحْكَمَةٍ، وَشِفَاءٍ وَرَحْمَةٍ،

بخش از سوره‌های شریفه و آیات محکمه و شفا و رحمت

وَعَوْدَةٍ وَبَرَكَتٍ، وَبِالتَّوْرِيَّةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ

و تعوید و برکت وجود دارد، و به تورات و انجیل و زبور

وَالْفُرْقَانِ وَصُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى، وَبِكُلِّ كِتَابٍ

و فرقان (قرآن) و صحیفه‌های ابراهیم و موسی، و به تمام کتاب‌هایی که

أَنْزَلَهُ اللَّهُ، وَبِكُلِّ رَسُولٍ أَرْسَلَهُ اللَّهُ، وَبِكُلِّ حُجَّةٍ

خداوند تعالی فرو فرستاده است، و به تمام رسولانی که خداوند فرستاده است، و به تمام براهین و دلیل‌های آشکاری

أَقَامَهَا اللَّهُ، وَبِكُلِّ بُرْهَانٍ أَظْهَرَهُ اللَّهُ، وَبِكُلِّ نُورٍ

که خداوند اقامه کرده است، و به تمام دلایل قاطع و روشنی که خداوند آشکار کرده است، و به تمام روشنی‌هایی

أَنَارَهُ اللَّهُ، وَبِكُلِّ آيَةٍ اللَّهِ وَعَظْمَتِهِ. أُعِيدُ وَأُسْتَعِيدُ

که خداوند روشن گردانیده است، و به تمام نعمت‌ها و عظمت الهی. پناه می‌برم و پناه می‌جویم

مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَمِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَأَخْذَرُ،

(از خداوند) نسبت به هر چیزی که شر و بدی دارد، و از بدی و شر تمام چیزهایی که می‌ترسم و از آن حذر می‌کنم؛

وَمِنْ شَرِّ مَا رَبِّي مِنْهُ أَكْبَرُ، وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ

و از شر تمام چیزهایی که پروردگارم از آن‌ها بزرگ‌تر است، و از شر فاسقان و گناهکاران عرب

وَالْعَجَمِ، وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالشَّيَاطِينِ

و عجم، و از شر فاسقان جنی و انسی، و از شر شیاطین

وَالسَّلَاطِينِ، وَإِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَأَتْبَاعِهِ،

و پادشاهان، و ابلیس (شیطان بزرگ) و لشکرش و پیروان و دنباله‌روان او،

وَمِنْ شَرِّ مَا فِي التُّورِ وَالظُّلْمَةِ، وَمِنْ شَرِّ مَا دَهَمَ أَوْ

و از شر تمام چیزهایی که در روشنی یا تاریکی قرار دارند، و از شر پیشامدهایی که دامنگیر (انسان) می‌شود یا

هَجَمَ أَوْ أَلَمَّ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ غَمٍّ وَهَمٍّ وَآفَةٍ وَنَدَمٍ

هجوم می‌آورد یا باعث درد و الم می‌شود، و از شر هر حزن و اندوه و گزند و پشیمانی

وَنَازِلَةٍ وَسَقَمٍ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

و مصیبت و مریضی. نیز، از شر چیزهایی که در روز و شب پدید می‌آیند و مقدر می‌گردند،

وَتَأْتِي بِهِ الْأَقْدَارُ، وَمِنْ شَرِّ مَا فِي النَّارِ، وَمِنْ شَرِّ مَا

و از شر تمام چیزهایی که در آتش‌اند، و از شر تمام چیزهایی که

فِي الْأَرْضِينَ وَالْأَقْطَارِ وَالْفَلَوَاتِ وَالْقِفَارِ وَالْبِحَارِ

در زمین‌ها و کرانه‌ها و خشکی‌ها و بیابان‌ها

وَالْأَنْهَارِ، وَمِنْ شَرِّ الْفُسَاقِ وَالْفُجَّارِ وَالْكُهَّانِ

و زمین‌های بی‌آب و دریاها و رودها هستند، و از شرّ تمام فاسقان و بدکاران و کاهنان

وَالسُّحَّارِ وَالْحُسَّادِ وَالذُّعَّارِ وَالْأَشْرَارِ، وَمِنْ شَرِّ

و جادوگران و حسودان و ترس ایجادکنندگان و شروران؛ و از شرّ تمام چیزهایی که

مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ، وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَمَا يَنْزِلُ مِنَ

در زمین فرو می‌روند، و از شرّ چیزهایی که از زمین درمی‌آیند، و آن چه از

السَّمَاءِ، وَمَا يَعْرُجُ إِلَيْهَا، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ،

آسمان فرو می‌آید، و آن چه به سمت آسمان بالا می‌رود، و از شرّ و بدی هر چه شرّ و بدی دارد،

وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى

و از شرّ تمام جنبندگان که پروردگارم زمام او را به دست دارد پناه می‌آورد؛ به راستی پروردگارم بر

صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ

صراط مستقیم استقرار دارد؛ پس اگر روگرداندند بگو: خدا مرا بس است، جز او معبودی

إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ، وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

نیست، تنها بر او توکل دارم، و او پروردگار عرش با عظمت است.

وَأَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ مِنَ الْهَمِّ وَالْغَمِّ وَالْحُزْنِ، وَالْعَجْزِ

خدایا؛ به تو پناه می‌برم از اندوه و غم و غصه و ناتوانی

وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ، وَمِنْ ضَلَعِ الدِّينِ وَغَلْبَةِ

و کسالت و ترس و بخل و گرفتاری قرض و چیرگی

الرِّجَالِ، وَمِنْ عَمَلٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ عَيْنٍ لَا تَدْمَعُ، وَمِنْ

بزرگان؛ نیز از عملی که سودمند نیفتد، و چشمی که نگرید و اشک نریزد، و

قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، وَمِنْ نَصِيحَةٍ

قلبی که خاشع نگردد، و دعایی که شنیده نشود، و نصیحتی که

لَا تَنْجَعُ، وَمِنْ صَحَابَةٍ لَا تَزِدُّعُ، وَمِنْ إِجْمَاعٍ عَلَى

مؤثر نیفتد، و یارانی که باز گردانده نشوند؛ و پناه می‌برم از تجمع بر

نُكْرٍ وَتَوَدُّدٍ عَلَى خُسْرٍ أَوْ تَوَاقُذٍ عَلَى خُبْثٍ، وَمِمَّا

زشتی و ناپسندی، و دوستی نمودن زبان‌بار، و داد و ستد ناپاک؛ نیز از

اسْتِعَاذَ مِنْهُ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبُونَ وَالْأَنْبِيَاءُ الْمُرْسَلُونَ،

تمام چیزهایی که فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل

وَالْأَيُّمَةُ الْمُطَهَّرُونَ، وَالشُّهَدَاءُ وَالصَّالِحُونَ،

و امامان پاک، و شهیدان و صالحان

وَعِبَادِكَ الْمُتَّقُونَ. وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

و بندگان پرهیزگارت از آن‌ها به تو پناه برده‌اند به تو پناه می‌برم. خدایا؛ از تو درخواست می‌کنم بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعْطِنِي مِنَ الْخَيْرِ مَا سَأَلُوا،

محمد و آل محمد درود فرستی، و خیر و خوبی‌هایی را که ایشان از تو خواسته‌اند به من نیز عطا فرمایی،

وَأَنْ تُعِذَنِي مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذُوا، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مِنْ

و مرا از شر چیزهایی که آن‌ها به تو پناه برده‌اند پناه دهی؛ خدایا؛ و از تو درخواست می‌کنم

الْخَيْرِ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ،

تمام خیرها را به من برسانی، شتابان و مدت‌دارش را؛ آن چه را می‌دانم و آن چه را نمی‌دانم،

وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَعُوذُ بِكَ

پروردگارا؛ از وسوسه‌های شیطان‌ها به تو پناه می‌برم؛ و ای

رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ. بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ

پروردگارا؛ از این که مرا حاضر سازند به تو پناه می‌آورم. از نام خدا کمک می‌گیرم بر اهل بیت پیامبرم،

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى نَفْسِي

که درود خدا بر او و آل او باد. از نام خدا کمک می‌گیرم بر خودم

وَدِينِي، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِي وَمَالِي، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى كُلِّ

و دینم. از نام خدا کمک می‌گیرم بر خانواده و دارائی‌ام؛ از نام خدا کمک می‌گیرم بر تمام

شَيْءٍ أَعْطَانِي رَبِّي، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَحِبَّتِي وَوَلَدِي

چیزهایی که پروردگارم به من عطا فرموده است. از نام خدا کمک می‌گیرم بر دوستان و فرزندانم

وَقَرَابَاتِي، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى جِيرَانِي وَإِخْوَانِي، وَمَنْ

و خویشاوندانم. از نام خدا کمک می‌گیرم بر همسایگان و برادرانم، و کسانی که

قَلَدَنِي دُعَاءً، أَوْ اتَّخَذَ عِنْدِي يَدًا، أَوْ ابْتَدَأَ إِلَيَّ بَرَاءً

سفارش به دعا کرده‌اند یا از من کمک گرفته‌اند و تمام زنان و مردان مؤمنی که نسبت به من کار

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقَنِي

خوبی را بدون سابقه آغاز کرده‌اند؛ از نام خدا کمک می‌گیرم بر آن چه پروردگارم نصیبم فرموده

رَبِّي وَيَرْزُقُنِي، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ

است یا در آینده نصیبم خواهد کرد؛ از نام خدایی کمک می‌گیرم که با نامش هیچ چیزی

فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

در زمین و آسمان نمی‌تواند ضرر و زیانی برساند؛ و او شنوای داناست.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى جَمِيعِ مَا

بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود فرست؛ و آن چه

سَأَلْتُكَ عِبَادُكَ الْمُؤْمِنُونَ، أَنْ تَصَلِّهُمْ بِهِ مِنَ الْخَيْرِ،

بندگان مؤمن از تو درخواست کرده‌اند تا از خیرات به ایشان هدیه بدهی، به من نیز احسان کنی؛

وَاصْرِفْ عَنِّي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ عِبَادُكَ الْمُؤْمِنُونَ، أَنْ

و از تمام آنچه بندگان مؤمن از تو درخواست کرده‌اند که

تَصْرِفَهُ عَنْهُمْ مِنَ السُّوءِ وَالرَّدَى، وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ

بلاها و پستی‌ها را از آن‌ها بازگردانی از من نیز بازگردان و دور کن، و به واسطه فضل‌ت

مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَوَلِيِّهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ

و آن‌گونه که شایسته و بایسته مقام توست و تو سرپرستی‌اش را بر عهده داری، بر من بیغزای مهربان‌ترین مهربانان. بارالها؛

عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ، وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ

بر محمد و اهل بیت پاکیزه‌اش درود فرست، و در

فَرَجَهُمْ وَفَرَجِي وَفَرَجٍ عَنْ كُلِّ مَهْمُومٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

فرج و راحتی ایشان و من شتاب کنی؛ و در کار هر اندوهگینی از مردان

وَالْمُؤْمِنَاتِ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ ،

و زنان باایمان فرج و گشایش عنایت کن. بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود فرست؛

وَارْزُقْنِي نَصْرَهُمْ ، وَأَشْهَدْنِي أَيَّامَهُمْ ، وَاجْمَعْ بَيْنِي

و یاری ایشان را نصیبم کن، و مرا شاهد روزگار حکومت‌شان فرما، و من

وَيَبْنِهِمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَاجْعَلْ مِنْكَ عَلَيْهِمْ وَاقِيَّةً

و ایشان را در دنیا و آخرت گرد هم آور؛ و از جانب خودت نگهبانی برای‌شان قرار ده

حَتَّى لَا يُخَلَّصَ إِلَيْهِمْ إِلَّا بِسَبِيلِ خَيْرٍ ، وَعَلَيَّ مَعَهُمْ ،

تا جز خیر و خوبی به ایشان نرسد، و برای من

وَعَلَى شِيعَتِهِمْ وَمُحِبِّيهِمْ ، وَعَلَى أَوْلِيَائِهِمْ ، وَعَلَى

و شیعیان و دوست‌داران‌شان و موالیان‌شان و

جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

تمام مردان و زنان باایمان نیز چنین نگهبانی مقرر فرما؛ همانا تو بر هر چیزی

قَدِيرٌ . بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ ، وَلَا غَالِبَ إِلَّا

توانایی داری. به نام خدا، به کمک خدا، از جانب خدا، به سوی خدا؛ و پیروزمندی جز

اللَّهُ ، مَا شَاءَ اللَّهُ ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، حَسْبِيَ اللَّهُ ، تَوَكَّلْتُ

خدا نیست؛ هر چه خدا بخواهد همان می‌شود؛ نیرویی جز به واسطه خداوند نیست؛ خدا مرا بس است؛

عَلَى اللَّهِ ، وَأَفْوِضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ ، وَأَلْتَجِي إِلَى اللَّهِ

بر خدا توکل دارم؛ کارم (سرپرستی‌ام) را به خدا واگذار می‌کنم؛ به خدا پناهنده می‌شوم،

وَبِاللَّهِ أُحَاوِلُ وَأُصَاوِلُ وَأُكَاثِرُ وَأُفَاخِرُ وَأَعْتَزُّ وَأَعْتَصِمُ ،

و به کمک خداوند، طلب نیرو و چیرگی و بسیاری و افتخار و عزت‌مندی و نگهبانی می‌کنم؛

عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابٌ ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَيُّ

تنها بر او توکل دارم و بازگشتم نیز تنها به سوی اوست؛ جز خداوند زنده

الْقَيُّومُ ، عَدَدَ الثَّرَى وَالنُّجُومِ ، وَالْمَلَائِكَةِ الصُّفُوفِ

پابنده، معبودی نیست؛ به تعداد ذرات خاک و ستارگان و فرشتگان صف‌کشیده؛

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ،

جز خداوند معبودی نیست، یکی است و شریکی ندارد بلندمرتبه و عظیم است؛ جز

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ .۱

خداوند معبودی نیست؛ خدایا؛ تو منزهی؛ واقعیت آن است که، من از ستمکاران بوده‌ام.

امام عصر ارواح‌فاده این عبارات را به دعای حریق افزوده‌اند که

توسط محمد بن صلت قمی رحمته الله رسیده است:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ ، وَرَبَّ

بارالها؛ ای پروردگار نور و روشنی باعظمت؛ و پروردگار کرسی و جایگاه والا و بلندمرتبه؛ و پروردگار

الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْانْجِيلِ ، وَرَبَّ

دریای بی‌پایان؛ و ای فروفرستنده تورات و انجیل؛ و پروردگار

۱. البلد الأمين: ۹۱، مصباح‌المتجهّد: ۲۲۰ (با تفاوتی اندک).

الظِّلِّ وَالْحَرُورِ، وَمُنْزِلَ الزُّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَرَبِّ

سایه و افتاب؛ و فرستنده زبور و قرآن با عظمت، و پروردگار

الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ الْمُرْسَلِينَ. أَنْتَ إِلَهٌ مَنْ

فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل؛ تو، معبود

فِي السَّمَاءِ، وَاللَّهُ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَا إِلَهَ فِيهِمَا غَيْرُكَ،

اهل آسمان و معبود اهل زمین هستی. جز تو معبودی در زمین و آسمان نیست؛

وَأَنْتَ جَبَّارٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ، وَجَبَّارٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ،

تو متسلط بر ساکنان آسمان و زمین هستی؛

لَا جَبَّارَ فِيهِمَا غَيْرُكَ، وَأَنْتَ خَالِقٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ،

جز تو جبار و متسلطی در آن دو وجود ندارد؛ تو آفریننده هر چه در آسمان

وَخَالِقٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَا خَالِقَ فِيهِمَا غَيْرُكَ، وَأَنْتَ

و زمین است می‌باشی، جز تو آفریننده‌ای در آسمان و زمین نیست؛ تو

حَكَمٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ، وَحَكَمٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَا

حکم‌کننده ساکنان آسمان و زمین هستی و جز

حَكَمَ فِيهِمَا غَيْرُكَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ

تو حکم‌کننده و داوری در این دو وجود ندارد. بار الها؛ به واسطه ذات بزرگوارت

الْكَرِيمِ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ، وَمَمْلِكِكَ الْقَدِيمِ، يَا

از تو درخواست می‌کنم؛ به واسطه نور روشنی‌بخشت، و فرمان‌روایی دیرینه‌ات؛ ای

حَيِّ يَا قَيُّوْمُ، اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي اَشْرَقَتْ بِهِ

زنده؛ ای پایدار؛ به واسطه آن نامت از تو درخواست می‌کنم که

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضُونَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ

آسمان‌ها و زمین‌ها بدان روشنی یافتند؛ و با آن اسمی از تو درخواست می‌کنم که

الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ، يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا

مخلوقات پیشین و آیندگان با آن صالح و شایسته می‌گردند و اصلاح می‌شوند؛ ای زنده

بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا حَسْبَ لَنَا حَيٍّ، وَيَا مُخَيَّبِي

پیش از هر زنده؛ ای زنده پس از هر زنده؛ ای زنده، آن‌گاه که زنده‌ای وجود نداشت؛ ای زنده‌کننده

الْمَوْتَى، وَيَا حَيًّا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ.

مردگان؛ ای زنده که جز تو معبودی وجود ندارد؛ ای زنده؛ ای پایدار؛

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنِي

از تو درخواست می‌کنم بر محمد و آل محمد درود بفرستی، و

مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ رِزْقًا وَاسِعًا

از آن جا که گمان آن را داشته‌ام، و از آن جا که فکرش را هم نمی‌کنم، روزی و نصیب فراوانی

حَلَالًا طَيِّبًا، وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كُلَّ غَمٍّ وَهَمٍّ، وَأَنْ

و حلال و پاکیزه‌ای به من برسانی، و تمام اندوه‌ها و مشکلات و گرفتاری‌ها را از من برطرف فرمایی،

تُعْطِيَنِي مَا أَرْجُوهُ وَأَمْلُهُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و آن چه امید و آرزویم را دارم به من عطا کنی؛ به راستی تو بر هر چیزی توانایی.

۱. البلد الأمين: ۹۷، مصباح المتهجد: ۲۲۷.

دعای الحاح از امام صادق علیه السلام

به نقل از حضرت بقیة الله ارواحنا فداه

ابو نعیم انصاری می‌گوید: در مکه، کنار رکن مستجار بودم و گروهی از طایفه مقصره نیز حضور داشتند. محمودی و علان کلینی و ابو هیثم دیناری و ابو جعفر احوال همدانی در میان آنان بودند و در مجموع حدود سی نفر بودند و جز محمد بن قاسم علوی عقیقی، شیعه مخلصی در بین شان نمی‌شناختم.

روز ششم ذیحجه سال ۲۹۳ هجری بود که در آن جا بودیم، ناگهان جوانی که مشغول طواف بود و با دو پارچه احرام بسته بود و کفش هایش را در دست داشت، به طرف ما آمد که هیبت و شکوهش ما را گرفت و بی اختیار از جا برخاستیم؛ همه ما بدون استثنا از جا برخاستیم و بر او سلام کردیم؛ آن گاه نشست و به طرف راست و چپ نگریست و فرمود:

آیا می‌دانید، امام صادق علیه السلام در دعای الحاح (اصرار) چه می‌گفت؟

گفتیم: چه می‌گفت؟

فرمود: ایشان چنین می‌گفتند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تَقُومُ السَّمَاءُ،

بارالها؛ همانا من از تو درخواست می‌کنم به آن نام مقدست که آسمان با آن برپاست

وَبِهِ تَقُومُ الْأَرْضُ، وَبِهِ تُفَرَّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ،

و زمین با آن برپاست، و حق و باطل را به سبب آن از هم جدا می‌کنی.

وَبِهِ تَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ، وَبِهِ تُفَرِّقُ بَيْنَ الْمُجْتَمِعِ،

و پراکنده‌ها را با آن گرد می‌آوری، و با آن بین گردآمده‌ها جدایی می‌افکنی،

وَبِهِ أَحْصَيْتَ عَدَدَ الرِّمَالِ، وَزِنَةَ الْجِبَالِ، وَكَوَيْلَ

و تعداد سنگریزه‌ها را به شماره درمی‌آوری؛ و وزن کوه‌ها و پیمانۀ

الْبَحَارِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

دریاها را می‌دانی؛ می‌خواهم بر محمد و آل محمد درود فرستی، و در

تَجْعَلَ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجاً وَمَخْرَجاً.^۱

کار من گشایش و گریزگاهی قرار دهی.

در کتاب «جنته الواقیه» روایت می‌کند که امام عصر ارواحنا فداه

فرموده‌اند: امام صادق علیه السلام این دعا را هر روز صبح می‌خواندند.^۲

۱. کمال الدین: ۴۷۰. البحار: ۱۵۷/۹۵، الصحيفة الصادقية: ۳۶۳. دلائل الإمامة: ۵۴۳.

۲. الجنة الواقية، منسوب به میر داماد (چاپ سنگی، قطع جیبی): گفتنی است که برخی

می‌گویند: این کتاب از تألیفات مرحوم کفعمی است، ولی علامه مجلسی رحمته الله در نسبت این

کتاب به شیخ کفعمی رحمته الله تردید نموده، و در «بحار الأنوار: ۱/۱۷» می‌گوید: کتاب «الجنة

الواقية» تألیف بعضی از متأخرین است، و چه بسا به شیخ کفعمی رحمته الله نسبت داده شده است، و

مولا افندی نیز در «الریاض: ۱/۲۳» در نسبت این کتاب به کفعمی رحمته الله تردید کرده است.

(المقام الأسنى: ۱۳).

دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از نماز واجب

به نقل از حضرت بقیة الله ارواحنا فداه

ابو نعیم انصاری می‌گوید: سپس آن جوان برخاست و به طواف کنندگان پیوست؛ ما به خاطر برخاستن ایشان برخاستیم و فراموش کردیم نامش را بپرسیم.

فردای آن روز نیز در همان وقت، از طواف به سمت ما آمد؛ ما همانند روز گذشته بدون اختیار برخاستیم. وی در آن میان نشست و به راست و چپ نگرست و فرمود:

آیا می‌دانید امیرالمؤمنین علیه السلام پس از نمازهای واجب چه می‌گفت؟

گفتیم: چه می‌گفت؟ فرمود: می‌گفت:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ رُفِعَتِ الْأَصْوَاتُ، [وَدُعِيَتِ الدَّعَوَاتُ]،

بارها؛ صداها، تنها به سوی تو بالا برده می‌شود [و دعاها خوانده می‌شود]

وَلَكَ عَنَتِ الْأُجُوهُ، وَلَكَ خَضَعَتِ الرَّقَابُ، وَإِلَيْكَ

و روی‌ها تنها برای تو خوار و فروتن شد، و گردن‌ها تنها در برابر تو خمیده می‌شوند، و

التَّحَاكُمُ فِي الْأَعْمَالِ، يَا خَيْرَ مَسْئُولٍ وَخَيْرَ مَنْسُوقٍ

حکومت و داوری در کارها تنها به سوی تو است. ای بهترین درخواست‌شونده و بهترین کسی که

أَعْطَى، يَا صَادِقُ يَا بَارِيُّ، يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ،

چیزی عطا می‌کند؛ ای راستگو؛ ای ایجادکننده؛ ای کسی که برخلاف وعده عمل نمی‌کند؛

يَا مَنْ أَمَرَ بِالدُّعَاءِ وَتَكَفَّلَ بِالْإِجَابَةِ. يَا مَنْ قَالَ

ای کسی که دستور به دعا کردن داد، و خودش نیز برآوردن دعا را به عهده گرفت؛ ای کسی که گفت:

﴿أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾^۱، يَا مَنْ قَالَ ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ

«مرا بخوانید؛ پاسخ مثبت به شما می‌دهم»، ای کسی که فرمود: «و هنگامی که

عِبَادِي عَنِّي قَانِي قَرِيبٌ أَحِبُّ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ

بندگانم در مورد من از تو پرسیدند (بگو) همانا من نزدیک هستم، دعای دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند پاسخ می‌دهم؛

فَلَيْسَتْ جِيبُوا لِي وَلِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾^۲، يَا

پس، از من درخواست اجابت کنند، و به من ایمان آورند؛ شاید به راه نیک و درست درآیند. ای

مَنْ قَالَ ﴿يَا عِبَادِي الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ

کسی که گفت: «ای بندگان من که در مورد خویشتن زیاده‌روی کردند؛

لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

از رحمت الهی نومید مشوید؛ (زیرا) واقعیت آن است که خداوند، تمام گناهان را می‌بخشد؛

إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾^۳.

همانا، او بخشنده مهربان است.

۱. سوره غافر، آیه ۶۰. ۲. سوره بقره، آیه ۱۸۶.

۳. سوره زمر، آیه ۵۳. ۴. کمال الدین: ۴۷۰.

در «بحار الأنوار» آمده است (که ادامه این دعا چنین است):

لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ، هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ، أَلْمُسْرِفُ

خدایا؛ دعوتت را شنیدم و پاسخ می‌گویم این منم که در پیش رویت هستم؛ همان که در مورد

عَلَى نَفْسِي، وَأَنْتَ الْقَائِلُ ﴿لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ

خویشتن زیاده‌روی کرده است؛ در حالی که تو می‌فرمایی: «از رحمت الهی نومید مشوید؛

إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً»^۱.

(زیرا) واقعیت آن است که خداوند، تمام گناهان را می‌بخشد».



دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سجده شکر

به نقل از حضرت بقیة الله ارواحنا فداه

(در ادامه روایت پیشین آمده است): آن گاه - پس از این دعا - به

سمت راست و چپ نگرست و فرمود:

آیا می‌دانید امیرالمؤمنین علیه السلام در سجده شکر چه می‌گفت؟

گفتیم: چه می‌گفت؟

فرمود: می‌گفت:

يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ إِلَّا جُوداً وَكَرَمًا، يَا

ای کسی که اصرار اصرارکنندگان، تنها سخاوت‌مندی و کرامت او را افزون می‌کند؛ ای

۱. بحار الأنوار: ۲۷/۸۶.

مَنْ لَهُ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ

کسی که گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین برای اوست؛ ای کسی که گنجینه‌ها و ذخیره‌گاه‌های هر

مَا دَقَّ وَجَلَّ، لَا تَمْنَعُكَ إِسَاءَتِي مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ.

چیز کوچک و بزرگ برای اوست؛ (به خوبی می‌دانم که) بدرفتاری من، از احسان و نیکی تو به سوی من جلوگیری نمی‌کند.

إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَأَنْتَ أَهْلُ

در واقع، من از تو درخواست می‌کنم آن چنان‌که شایسته و بایسته مقام توست با من رفتار کنی؛ این

الْجُودِ وَالْكَرَمِ وَالْعَفْوِ يَا رَبُّاهُ يَا اللَّهُ، أَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ

نیز روشن است که شایسته و بایسته مقام تو، سخاوت‌مندی و کرامت و عفو و بخشش است؛ پروردگارا؛ خدایا؛ آن گونه که

أَهْلُهُ، فَأَنْتَ قَادِرٌ عَلَى الْعُقُوبَةِ وَقَدْ اسْتَحَقَقْتَهَا، لَا

شایسته مقام توست با من رفتار کن؛ تو می‌توانی مجازات کنی و من به راستی سزاوار عقوبتم، هیچ

حُجَّةَ لِي، وَلَا عُدْرَ لِي عِنْدَكَ، أَبُوءُ إِلَيْكَ بِذُنُوبِي

حجت و دلیلی نیز ندارم (که دفاع از خود کنم)؛ و هیچ عذر و بهانه‌ای نیز نزد تو نمی‌توانم بیاورم

كُلُّهَا، وَأَعْتَرِفُ بِهَا كَيْ تَغْفُوَ عَنِّي، وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا

تمام گناهانم را در پیشگاهت آورده به همه آن‌ها اعتراف می‌کنم به خاطر این که مرا عفو کنی؛ این در حالی است که تو از

مِنِّي، بُوْتُ إِلَيْكَ بِكُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَبِكُلِّ خَطِيئَةٍ

من بهتر می‌دانی چه گناهی کرده‌ام. تک تک گناهان، تک تک

أَخْطَأْتُهَا، وَبِكُلِّ سَيِّئَةٍ عَمِلْتُهَا، يَا رَبِّ اغْفِرْ لِي

آستباهات و تک تک بدرفتاری‌هایم را که انجام داده‌ام، به آن اعتراف و اقرار می‌کنم؛ ای پروردگارا؛ مرا ببخش؛

وَارْحَمَ وَتَجَاوَزَ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ^۱.

رحم کن؛ بگذر از تمام چیزهایی که می‌دانی؛ در واقع این تویی که عزت‌مندترین و باکرامت‌ترین هستی.



دعای سجده امام سجاد علیه السلام در مسجد الحرام

به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه

(در ادامه حدیث پیشین) ابو نعیم (انصاری) می‌افزاید: آن شخص برخاست و به طواف مشغول شد و ما دوباره به احترام ایشان برخاستیم.

فردای آن روز و در همان وقت، دوباره تشریف آورد و ما برای استقبال از ایشان - همانند روزهای گذشته - برخاستیم و احترام کردیم؛ در میانه مجلس نشست و به راست و چپ نگاه کرد و فرمود:

حضرت امام علی بن الحسین سید العابدین علیه السلام در سجده‌اش در این مکان - آن‌گاه به سوی سنگی که در طرف ناودان بود اشاره فرمود - می‌گفت:

عُبَيْدُكَ بِفِنَائِكَ، [فَقِيرُكَ بِفِنَائِكَ]، مِسْكِينُكَ بِبَابِكَ،

بنده کوچکت به درگاهت آمده است؛ [نیازمندت به درگاهت آمده است]؛ بیچاره‌ات بر درت است؛

۱. کمال الدین: ۴۷۱، دلائل الإمامة: ۵۴۴.

أَسْأَلُكَ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ سِوَاكَ.

از تو درخواست می‌کنم آنچه را که جز تو، توان (انجام) آن را نداشته باشد.

دوباره به راست و چپ نگاه کرد و به محمد بن قاسم علوی نگرست و فرمود:

ای محمد بن قاسم؛ تو در مسیر صحیحی هستی این شاء الله.

آن‌گاه برخاست و به طواف مشغول شد. هر یک از ما دعاهایی را که بیان فرمود یاد گرفتیم، ولی همگی فراموش کردیم در مورد او باهم صحبت کنیم مگر در روز آخر.

محمودی به ما گفت: ای دوستان؛ آیا این مرد را می‌شناسید؟ گفتیم: نه.

گفت: به خدا سوگند، این صاحب الزمان صلوات الله علیه است.

گفتیم: از کجا این مطلب را می‌گویی، ای ابو علی!؟

وی گفت که: مدت‌ها است در آنجا مانده و پروردگار را می‌خواند و درخواست می‌کند که صاحب الأمر ارواحنا فداه را به او نشان دهد و هفت سال است به این کار ادامه داده است.

(وی افزود): در شامگاه روز عرفه، ناگهان همین شخص را

دیدم دعایی را خواند. از او پرسیدم: این دعا از چه کسی است؟

فرمود: از مردم.

گفتم از کدام مردم؛ عرب یا عجم؟

فرمود: عرب.

عرض کردم: از چه طایفه‌ای از آن‌ها؟

فرمود: از باشرافت‌ترین و والاترین آن‌ها.

گفتم: مقصودت کیست؟

فرمود: بنی هاشم.

گفتم: کدام یک از بنی هاشم؟

فرمود: از برترین و بلند مرتبه‌ترین شان.

گفتم: یعنی کدام شان؟

فرمود: کسی که سرهای کفار را می‌شکافت و به فقرا غذا

می‌داد، و در نیمه‌های شب که مردم خواب بودند به نماز

می‌ایستاد.

با این سخنان متوجه شدم که او از فرزندان حضرت علی علیه السلام

است و بدین جهت نسبت به او محبت پیدا کردم، ولی در حالی که

در پیش رویم بود او را گم کردم؛ نفهمیدم به آسمان بالا رفت یا به

زمین وارد شد. از مردمی که در اطرافش بودند پرسیدم: آیا این

شخص علوی را می‌شناسید؟

گفتند: آری؛ هر سال با پای پیاده و به همراه ما به سفر حج

می‌آید.

گفتم: سبحان الله؛ به خدا سوگند، اثری از پیاده‌روی در او

مشاهده نکردم. پس از آن به مزدلفه رفتم و بسیار اندوهگین شدم

که چرا از او جدا شدم.

آن شب به خواب رفتم و در عالم خواب رسول خدا صلی الله علیه و آله را

دیدم که فرمود: ای محمد؛ به خواسته مهم خود که دنبالش

می‌گشتی رسیدی و او را مشاهده کردی.

گفتم: ای آقای من؛ چه کسی را می‌گویی؟

فرمود: همان که امشب او را دیدی؛ او امام زمان شما بود.^۱

حکایت دعای عبرات

علامه حلی رحمته الله در آخر کتاب «منهاج الصلاح» در مورد دعای

عبرات می‌فرماید: این دعای مشهوری است که از امام صادق جعفر

بن محمد علیه السلام روایت شده است.

سید سعادت‌مند جناب رضی الدین محمد بن محمد بن

محمد آوی رحمته الله در مورد این دعا جریانی دارد که مشهور است و

یکی از فضلاء در حاشیه آن دعا نوشته است:

مولای سعادت‌مند جناب فخرالدین محمد بن شیخ جمال

الدین از پدر بزرگوارش، از جد فقیهش یوسف، از همان سید

۱. کمال الدین: ۴۷۱.

رضی الدین روایت می‌کند که فرمود:

مدّتی طولانی در زندان یکی از فرمانداران سلطان جرماغون گرفتار بود و به شدت در تنگنا و سختی به سر می‌برد. تا آن که در خواب، جانشین شایسته پیامبر، یعنی صاحب الزمان ارواحناده را زیارت کرد و با گریه عرضه داشت: ای مولای من؛ برای نجات من از دست این ستمکاران، نزد خدا شفاعت کن.

فرمود: دعای عبرات را بخوان.

گفت: دعای عبرات چیست؟

فرمود: در کتاب مصباح تو هست.

عرض کرد: ای مولای من؛ در کتاب مصباح من نیست.

فرمود: در مصباح نگاه کن آن را می‌یابی.

وی از خواب بیدار شد و نماز صبح را گزارد و کتاب مصباح را گشود، و دید که در بین برگ‌های کتاب، برگی قرار داده شده که دعای عبرات روی آن نوشته شده است؛ و این دعا را چهل بار خواند.

فرماندار یادشده دو همسر داشت؛ یکی عاقل و دارای تدبیر در امور بود، و همین زن نزد فرماندار از اعتماد ویژه‌ای برخوردار بود.

نوبت این زن شد و فرماندار نزد او آمد. زن به او گفت: آیا یکی

از فرزندان امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام را زندانی کرده‌ای؟

گفت: چرا چنین سؤالی می‌پرسی؟

زن گفت: شخصی را دیدم که گویا نور خورشید از چهره‌اش می‌درخشید با دو انگشتش حلقوم مرا گرفت و گفت: می‌بینم شوهرت فرزند مرا زندانی کرده است، و در آب و غذا به او سخت‌گیری می‌کند!؟ گفتم: شما کیستید، ای سرور من؟

فرمود: من علی بن ابی طالب علیه السلام هستم؛ به همسرت بگو: اگر فرزندم را آزاد نکند، به طور حتم خانه‌اش را ویران می‌کنم.

این خواب تأثیر زیادی در حاکم گذاشت و گفت: من از این جریان بی‌خبرم؛ آن‌گاه، نمایندگان خود را فرا خواند و پرسید: آیا کسی را زندانی کرده‌اید؟

گفتند: همان پیرمرد علوی که دستور دادی او را بگیریم.

گفت: رهایش کنید، و اسبی به او بدهید تا بر آن سوار شود و راه را نیز به او نشان دهید تا به خانه‌اش برود. (پایان داستان)

سید بزرگوار جناب علی بن طاووس رحمته الله علیه در آخر کتاب «مهج الدعوات» آورده است: از جمله آن‌ها، جریانی است که دوست و برادر عزیزم جناب محمد بن محمد بن قاضی آوی - که خدای بزرگ بر خوشبختی‌اش بیفزاید و عاقبت به خیرش کند - برایم بازگو کرد و جریان شگفت و بی‌نظیری در آن مورد گفت.

جریان از این قرار است: حادثه‌ای برای ایشان پیش آمده بود، تا آن‌که این دعا را دید که در برگ‌هایی نوشته شده است و در کتابش قرار گرفته است (با این که این کاغذها را او در کتابش نگذاشته بود). از روی آن برگ‌ها نسخه‌برداری کرد و پس از بازنویسی، نسخه اصلی که یافته بود گم شد. ایشان در ادامه، دعا را بیان کرده و نسخه دیگری از طریق دیگر نیز ذکر کرده است که با این نسخه تفاوت دارد.^۱



دعای عبرات^۲

ما، در این جا «دعای عبرات» را از کتاب «بلد الامین» مرحوم کفعمی اعلی الله مقامه نقل می‌کنیم، ایشان فرموده است: این، دعایی بزرگ و با ارزش است که از امام قائم صلوات الله علیه روایت شده است و در امور مهم و مشکلات بزرگ خواننده می‌شود؛ این دعا را «دعای عبرات» نامیده‌اند. (و دعا این است:)

۱. جنة المأوی: ۲۲۱.

۲. از علامه حلی نقل کردیم که دعای عبرات مربوط به مولایمان حضرت امام صادق علیه السلام است و امام عصر صلوات الله علیه به سید رضی الدین آوی علیه السلام دستور قرائت آن را داد. البته برخی از بزرگان گمان کرده‌اند که این دعا را از ابتدا، حضرت مهدی ارواحنا فداء فرموده‌اند.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا رَاحِمَ الْعَبْرَاتِ، وَيَا كَاشِفَ

بارها؛ از تو درخواست می‌کنم ای رحم کننده بر قطرات اشکها و ای برطرف کننده

الزَّفَرَاتِ، أَنْتَ الَّذِي تَقْشَعُ سَحَابَ الْمِحْنِ، وَقَدْ

سوز دل‌ها؛ تو کسی هستی که ابرهای محنت و اندوه را پراکنده می‌کنی در حالی که

أَمْسَتْ ثِقَالًا، وَتَجْلُو ضَبَابَ الْفِتَنِ، وَقَدْ سَحَبْتَ

بسیار سنگین و پربار شده‌اند؛ و ابرهای فتنه را در حالی که دامن بر زمین کشیده‌اند برطرف

أَذْيَالًا، وَتَجْعَلُ زَرْعَهَا هَشِيمًا، وَبُنْيَانَهَا هَدِيمًا،

می‌کنی، و کشته آنها را خشک و شکننده قرار می‌دهی، و پایه‌اش را نابود و منهدم می‌گردانی،

وَ عِظَامَهَا رَمِيمًا، وَتَرُدُّ الْمَغْلُوبَ غَالِبًا، وَالْمَطْلُوبَ

و استخوان‌هایش را پوسیده می‌کنی، و شکست خورده را پیروز می‌گردانی، و طلب‌شده را

طَالِبًا، وَالْمَقْهُورَ قَاهِرًا، وَالْمَقْدُورَ عَلَيْهِ قَادِرًا. فَكَمْ

طلب‌کننده می‌گردانی؛ و کسی را که بر او چیره شده‌اند چیره‌شونده می‌گردانی، و کسی را که بر او توانایی و قدرت داشته‌اند،

مِنْ عَبْدٍ نَادَاكَ رَبِّ إِنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ، فَفَتَحَتْ لَهُ

قدرتمند می‌کنی. چه بسیار بنده‌ای که تو را ندا داد و عرض کرد: پروردگارا! واقعیت آن است که من شکست خورده‌ام؛ پس، مرا

مِنْ نَصْرِكَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مِنْهُمْ، وَفَجَّرَتْ لَهُ

یاری کن. و تو برای یاری‌کردنش درهای آسمان را با آبی ریزان باز کردی؛ و

مِنْ عَوْنِكَ عَيْونًا، فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرِ قَدِيرٍ،

چشمه‌هایی از مددکاری خود برای او گشود، پس آب بر امری که مقدر شده و اندازه‌گیری شده پیوست؛

وَحَمَلْتَهُ مِنْ كِفَايَتِكَ عَلَى ذَاتِ الْأَوَاحِ وَدُسْرٍ، رَبِّ إِنِّي

و او را از کفایت خودت بر چیزی که دارای تخته‌ها و میخ‌ها است (گشتی) سوار کردی پروردگارا؛ من

مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ سَهْ مَرْتَبَةً تَكَرَّرَ شُود. رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ

شکست خورده‌ام؛ پس یاری کن. پروردگارا؛ بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْتَحْ لِي مِنْ نَصْرِكَ أَبْوَابَ

محمد و آل محمد درود بفرست، و در یاری من درهای

السَّمَاءِ بِمَاءٍ مِنْهُمْ، وَفَجِّرْ لِي مِنْ عَوْنِكَ عُيُونًا

آسمان را با آبی ریزان بگشا، و چشمه‌هایی از مددکاری خود برای من بگشا

لِيَلْتَقِيَ مَاءٌ فَرَجِي عَلَيَّ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ، وَاحْمِلْنِي يَا

تا ملاقات کند مایه فرج و گشایش بر امری که تقدیر شده، مرا نیز

رَبِّ مِنْ كِفَايَتِكَ عَلَى ذَاتِ الْأَوَاحِ وَدُسْرٍ. يَا مَنْ إِذَا

از کفایت خودت بر چیزی که دارای تخته‌ها و میخ‌ها است (گشتی) سوار کن. ای کسی که وقتی

وَلَجَّ الْعَبْدُ فِي لَيْلٍ مِنْ حَيْرَتِهِ يَهِيمُ، وَلَمْ يَجِدْ لَهُ

بنده در شب وارد شود که از تحیر سرگردان گردد، و هیچ فریادری

صَرِيحًا يَصْرُخُهُ مِنْ وَلِيِّ وَلَا حَمِيمٍ، وَجَدَ يَا رَبِّ مِنْ

از دوست و خویشاوند برای فریادری‌اش نیابد؛ ای پروردگارا؛ کمک تو را

مَعُونَتِكَ صَرِيحًا مُعِيثًا، وَوَلِيًّا يَطْلُبُهُ حَثِيثًا، يُنْجِيهِ

فریادرس خود می‌یابد و یار و سرپرستی که شتابان او را طلب می‌کند تا او را

مِنْ ضَيْقِ أَمْرِهِ وَحَرَجِهِ، وَيُظْهِرُ لَهُ أَعْلَامَ فَرَجِهِ.

از گرفتاری و رنجش نجات بخشد و نشانه‌های گشایش و راحتی را برایش آشکار کند.

اللَّهُمَّ فَيَا مَنْ قُدْرَتُهُ قَاهِرَةٌ، وَأَيَاتُهُ بَاهِرَةٌ، وَنِقْمَاتُهُ

بارها؛ ای کسی که توانش نیرومند و پیروز، و نشانه‌هایش آشکار و روشن است، و انتقامش

قَاصِمَةٌ لِكُلِّ جَبَّارٍ، دَامِغَةٌ لِكُلِّ كَفُورٍ خَتَّارٍ، صَلِّ يَا

تمام جباران و سرکشان را هلاک می‌کند، و هر کافر مکار و حیله‌گر را از بین می‌برد؛

رَبِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْظُرْ إِلَيَّ يَا رَبِّ

بر محمد و آل محمد درود بفرست، و - ای پروردگارا؛ - به من نگاه کن

نَظْرَةً مِنْ نَظْرَاتِكَ رَحِيمَةً، تَجْلِي بِهَا عَنِّي ظُلْمَةً

نگاهی از نگاه‌های پر محبت و مهتر تا برطرف شود تاریکی

عَاكِفَةً مُقِيمَةً مِنْ عَاهَةِ جَفَّتْ مِنْهَا الضُّرُوعُ، وَتَلَفَتْ

بایدار و دیرینه‌ای را که مرا گرفتار کرده است؛ از قبیل آفتی که از آن سینه‌ها بخشکد، و

مِنْهَا الزُّرُوعُ، وَأَنْهَمَلَتْ مِنْ أَجْلِهَا الدُّمُوعُ، وَاشْتَمَلَ

کشت و زرع‌ها تباه گردد، و خاطر آن اشک‌ها سرازیر گردد، و

لَهَا عَلَى الْقُلُوبِ الْيَأْسُ، وَخَرَّتْ بِسَبَبِهَا الْأَنْفَاسُ.

نامیدی بر قلب‌ها احاطه کند، و به سبب آن نفس‌ها بند آید.

إِلَهِي فَحِفْظًا حِفْظًا لِعَرَائِسَ غَرْسُهَا بِيَدِ الرَّحْمَانِ،

بار خدا یا؛ درخت‌هایی را که با دست خدای مهربان نشانه شده،

وَشُرْبُهَا مِنْ مَاءِ الْحَيَوَانِ، وَنَجَاتُهَا بِدُخُولِ الْجِنَانِ،

و با آب زندگی بخش آبیاری شده، و با ورود به بهشت نجات می‌یابد، حفظ کن و نگه دار

أَنْ تَكُونَ بِيَدِ الشَّيْطَانِ تُحَزُّ، وَبِفَأْسِهِ تُقَطَّعُ وَتُجَزُّ.

که به دست شیطان بریده نشود و با تبر او تکه‌تکه نشود.

إِلٰهِي فَمَنْ أَوْلَىٰ مِنْكَ بِأَنْ يَكُونَ عَنْ حَرِيمِكَ دَافِعًا،

بار خدایا؛ چه کسی سزاوارتر از توست برای این که از حریم خود دفاع کند؟

وَمَنْ أَجْدَرُ مِنْكَ بِأَنْ يَكُونَ عَنْ حِمَاكَ حَارِسًا وَمَانِعًا.

و چه کسی شایسته‌تر از توست برای این که حراست و نگهبانی از نزدیکان خود را بر عهده گیرد؟

إِلٰهِي إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ هَالَ فَهَوِّنْهُ، وَخَشِنَ فَالْسِّنْهُ، وَإِنَّ

خدای من؛ کار مشکل شده است، پس آسانش گردان؛ و کارها سخت و خشن شده‌اند، پس آنها را به نرمی و ملایمت بگردان؛

الْقُلُوبَ كَاعَتْ فَطَمِّئْنَهَا، وَالنُّفُوسَ ارْتَاعَتْ فَسَكِّئْنَهَا.

دل‌ها، سست و لرزان شده است، آنها را آرام گردان؛ و نفس‌ها (جان‌ها) دچار ترس و دلهره شده‌اند، پس آنها را به آرامش و

إِلٰهِي تَدَارِكْ أَقْدَامًا زَلَّتْ، وَأَفْكَارًا فِي مَهَامَةٍ

سکون برسان. خدایا؛ خدایا؛ قدم‌های لغزان را دریاب؛ اندیشه‌های گم‌شده

الْحَيْرَةِ ضَلَّتْ، بِأَنْ رَأَتْ جَبْرَكَ عَلَىٰ كَسِيرِهَا،

در سرگردانی‌ها را دریاب که ببینند شکست‌شان را جبران کرده‌ای،

وَإِطْلَاقَكَ لِأَسِيرِهَا، وَإِجَارَتَكَ لِمُسْتَجِيرِهَا أَجْحَفَ

و اسیران‌شان را آزاد کرده‌ای، و پناه‌جویان‌شان را پناه ده، که بیچارگی

الضَّرُّ بِالْمَضْرُورِ، وَكَلْبِي دَاعِيهِ بِالْوَيْلِ وَالثُّبُورِ.

بیش از توان و طاقت به خسارت دیده ضرر وارد کرده، و فراخوان خود را با وای و ناله پاسخ داده.

فَهَلْ يَحْسُنُ مِنْ عَدْلِكَ يَا مَوْلَايَ أَنْ تَدَعَهُ فَرِيْسَةً

ای مولای من؛ آیا از عدل تو نیکو است کسی را که

الْبَلَاءِ وَهُوَ لَكَ رَاجٍ، أَمْ هَلْ يَجْمَلُ مِنْ فَضْلِكَ أَنْ

به تو امیدوار است طعمهٔ بلا گردانی؟! یا از فضل تو زیباست

يَخُوضَ لُجَّةَ الْعَمَاءِ وَهُوَ إِلَيْكَ لَاجٍ. مَوْلَايَ لَسِنَّ

کسی را که به تو پناهنده شده است در گرداب غم و غصه فرو رود؟! ای مولای من؛ اگر چه من برای

كُنْتُ لَا أَشَقُّ عَلَىٰ نَفْسِي فِي التَّقَىٰ، وَلَا أَبْلُغُ فِي

رعایت پرهیزگاری و تقوا بر خود سخت نگرفته‌ام، و آن چنان

حَمَلِ أَعْبَاءِ الطَّاعَةِ مَبْلَغِ الرِّضَىٰ، وَلَا أَنْتَظِمُ فِي

که موجب رضایت تو شود به فرمان‌برداریت نپرداخته‌ام، و در

سَلِكِ قَوْمٍ رَفَضُوا الدُّنْيَا فَهُمْ حُمُصُ الْبَطُونِ مِنْ

زمرهٔ گروهی درنیامده‌ام که دنیا را رها کرده‌اند و در نتیجه شکم‌های‌شان از گرسنگی

الطَّوَىٰ، ذُبُلُ الشُّفَاهِ مِنَ الظَّمَاءِ، وَعَمَشُ الْعُيُونِ مِنْ

تو رفته است و از تشنگی لب‌های‌شان خشک شده است و چشمان‌شان از

الْبُكَاءِ، بَلْ أَتَيْتُكَ بِضَعْفٍ مِنَ الْعَمَلِ، وَظَهَرَ ثَقِيلٍ

گریه رنجور شده است؛ (بلکه) در عمل و رفتارهای دینی ضعیف بوده‌ام، و پشتم از بار

بِالْخَطَايَا وَالزَّلَلِ، وَنَفْسٍ لِلرَّاحَةِ مُعْتَادَةٍ، وَلِدَوَاعِي

گناهان و لغزش‌ها سنگین شده، و روانم را به راحتی و خوشی عادت داده‌ام، و تسلیم انگیزه‌های

الشَّهْوَةِ مُنْقَادَةً. أَمَا يَكْفِينِي يَا رَبِّ وَسِيلَةَ إِلَيْكَ،

شهوت هستم، با این وجود، ای پروردگار من؛ آیا از جهت وسیله و واسطه

وَذَرِيعَةً لَدَيْكَ، أَنَّنِي لِأَوْلِيَاءِ دِينِكَ مُوَالٍ، وَفِي

و سبب که به سوی تو راه پیدا کنم کافی نیست که من، اردتمند اولیا و سرپرستان دینت هستم، و در

مَحَبَّتِهِمْ مُغَالٍ، وَلِجَلْبَابِ الْبَلَاءِ فِيهِمْ لَابِسٌ، وَلِكِتَابِ

دوستی‌شان سعی فراوان می‌کنم، و لباس بلا را در مورد ایشان بر تن می‌کنم. و کتاب

تَحْمَلِ الْعَنَاءِ بِهِمْ دَارِسٌ. أَمَا يَكْفِينِي أَنْ أُرُوحَ فِيهِمْ

تحمل سختی را به سبب آنان فراگیرنده‌ام. آیا برایم بس نیست که به خاطر آن بزرگواران

مَظْلُومًا، وَأَعْدُو مَكْظُومًا، وَأَقْضِي بَعْدَ هُمُومٍ

مظلوم واقع شده‌ام، و سکوت کرده‌ام و خشم خود را بازداشته‌ام،

هُمُومًا، وَبَعْدَ وُجُومٍ وَوُجُومًا، أَمَا عِنْدَكَ يَا مَوْلَايَ

و پیوسته گرفتار اندوه هستم؟ و از شدت ترس پیوسته گرفتار خاموشی‌ام؟ ای مولای من؛

بِهَذِهِ حُرْمَةً لَا تُضَيِّعُ، وَذِمَّةً بِأَذْنَاهَا تُقْتَتَعُ، فَلِمَ

ایا این باعث نمی‌شود که برای من حرمتی باشد که ضایع نشود و تباه نگردد، و باعث حقی شود که هر چند کم باشد

لَا تَمْنَعُنِي يَا رَبِّ وَهَا أَنَا ذَا غَرِيقٍ، وَتَدَعُنِي هَكَذَا

ولی نجات‌بخش است؟ ای پروردگار من؛ می‌بینی که من غرق شده‌ام پس چرا از غرق شدن نگاهم نمی‌داری؟

وَأَنَا بِنَارِ عَدُوِّكَ حَرِيقٌ. مَوْلَايَ أَتَجْعَلُ أَوْلِيَاءَكَ

می‌بینی که با آتشی که دشمنت افروخته است آتش گرفته‌ام، (پس چرا مرا این گونه رها می‌کنی؟) مولای من؛ آیا دوستانت

لِأَعْدَائِكَ طَرَائِدَ، وَلِمَكْرِهِمْ مَصَائِدَ، وَتَقْلُدُهُمْ مِنْ

را جلوی دشمنانت می‌اندازی؟ و آن‌ها را گرفتار مکر و حيله‌شان قرار می‌دهی؟ و از

خَسْفِهِمْ قَلَائِدَ، وَأَنْتَ مَالِكٌ نَفْسِهِمْ، أَنْ لَوْ قَبَضْتَهَا

خواری و فرومایگی آنان، حلقه‌ای برگردن ایشان می‌افکنی؟ در حالی که صاحب‌اختیار جان همه‌شان تویی، به گونه‌ای که

جَمَدُوا، وَفِي قَبْضَتِكَ مَوَادُّ أَنْفُسِهِمْ، أَنْ لَوْ قَطَعْتَهَا

اگر جان‌شان را بگیری جماد و بی‌جان می‌گردند؛ از طرفی مایه نفس‌کشیدن‌شان در دست توست، و اگر آن را قطع کنی

خَمَدُوا، فَمَا يَمْنَعُكَ يَا رَبِّ أَنْ تَكْفَّ بِأَسْهُمٍ، وَتَنْزِعَ

می‌میرند؛ پس - پروردگار من؛ - چه چیزی مانع جلوگیری تو از بدرفتاری آن‌هاست،

عَنْهُمْ مِنْ حِفْظِكَ لِبِاسِهِمْ، وَتَعْرِيبِهِمْ مِنْ سَلَامَةِ بِهَا

تا لباس نگهداری خودت را از تن‌شان بیرون کنی، و سلامتی را که به واسطه آن

فِي أَرْضِكَ يَسْرَحُونَ، وَفِي مَيْدَانِ الْبُغْيِ عَلَى عِبَادِكَ

در زمین تومی‌گردند از آن‌ها بگری؛ همان سلامتی که به واسطه آن در میدان تجاوز و ستم بر بندگانت

يَمْرَحُونَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

با تکتب و خودپسندی راه می‌روند؟! بار الها؛ بر محمد و آل محمد درود فرست،

وَأَدْرِكُنِي وَلَمَّا يُدْرِكُنِي الْغَرَقُ، وَتَدَارِكُنِي وَلَمَّا

و مرا دریاب تا غرق نشده‌ام؛ پیش از آن‌که خورشید عمرم غروب شود و

غَيْبَ شَمْسِي الشَّفَقُ، إِلَهِي كَمْ مِنْ خَائِفٍ إِلْتَجَى

غروب زندگانیام فرا رسد مرا تدارک کن. خدای من؛ چه بسیار ترسان‌هایی که

إِلَى سُلْطَانٍ قَابَ عَنْهُ مَحْفُوظًا بِأَمْنٍ وَأَمَانٍ، أَفَأَقْصِدُ

به پادشاهی پناه برده‌اند و با امنیت و ایمنی از پیش آن پادشاه بازگشتند؛

يَا رَبِّ أَعْظَمَ مِنْ سُلْطَانِكَ سُلْطَانًا، أَمْ أَوْسَعَ مِنْ

پروردگار من؛ آیا با عظمت‌تر از سلطنت و قدرت تو سلطانی هست که به طرف او بروم؟ آیا از

إِحْسَانِكَ إِحْسَانًا، أَمْ أَكْبَرَ مِنْ إِقْتِدَارِكَ إِقْتِدَارًا، أَمْ

احسان تو احسانی فراگیرتر هست؟ آیا از اقتدار تو اقتداری بزرگ‌تر هست؟ آیا

أَكْرَمَ مِنْ انْتِصَارِكَ انْتِصَارًا، مَا عُدْرِي يَا إِلَهِي إِذَا

از یاری‌رساندن تو یاری‌رساندنی‌گرمی‌تر هست؟ خدای من؛ اگر تو کسی را که

حَرَمْتَ مِنْ حُسْنِ الْكِرَامَةِ نَائِلَكَ، وَأَنْتَ الَّذِي

نزدت آمده است از رفتار بزرگوارانه و نیکویت‌محروم‌گردانی دیگر من چه عذری دارم؟ البته توهیج‌گاه

لَا تُخَيِّبُ أَمْلَكَ، وَلَا تَرُدُّ سَائِلَكَ. إِلَهِي إِلَهِي أَيْنَ أَيْنَ

آرزومندت را ناامید و درخواست‌کننده‌ات را رد نمی‌کنی. خدای من؛ خدای من؛ کجاست، کجاست

كِفَايَتِكَ الَّتِي هِيَ نُصْرَةُ الْمُسْتَضْعِفِينَ مِنَ الْأَنْبَاءِ،

کفایت و بسندگی تو که یاری‌گر مردم مستضعف است؟

وَأَيْنَ أَيْنَ عِنَايَتِكَ الَّتِي هِيَ جُنَّةُ الْمُسْتَهْدِفِينَ بِجَوْرِ

کجاست، کجاست عنایت و توجه تو که سپری نگهبان برای کسانی است که هدف جور و ستم

الْأَيَّامِ، إِلَيَّ إِلَيَّ بِهَا يَا رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ،

روزگار قرار می‌گیرند؟ آن را به من بده، آن را به من بده، ای پروردگار من؛ از گروه ستم‌پیشگان نجاتم بخش؛

إِنِّي مَسْنِي الضُّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. مَوْلَايَ تَرَى

واقعیت آن است که من بیچاره‌ام، و این در حالی است که تومهربان‌ترین مهربانان هستی. مولای من؛

تَحِيرِي فِي أَمْرِي، وَتَقْلُبِي فِي ضُرِّي، وَأَنْطَوَايَ

سرگردانی مرا در کارهایم می‌بینی، و دست و پا زدن در گرفتاری و بیچارگی‌ام را می‌نگری،

عَلَى حُرْقَةِ قَلْبِي، وَحَرَارَةِ صَدْرِي، فَصَلِّ يَا رَبِّ

و قلب سوخته و آتش گرفته، و گداختگی سینه مرا شاهد هستی؛ پس، بر

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَجُدْ لِي يَا رَبِّ بِمَا أَنْتَ

محمد و آل محمد درود بفرست، و - ای پروردگار؛ - آن گونه که تو

أَهْلُهُ فَرَجًا وَمَخْرَجًا، وَيَسِّرْ لِي يَا رَبِّ نَحْوَ الْبُشْرَى

شایسته آن هستی برایم گشایشی و گریزگاهی مرحمت کن، و - ای پروردگار من؛ - راهی روشن به

مَنْهَجًا، وَاجْعَلْ يَا رَبِّ مَنْ يَنْصِبُ لِي الْحِبَالَةَ

شادمانی فرارویم بگشای و رسیدن به آن را برایم آسان کن، ای پروردگار؛ هر کسی برایم دامی

لِيَصْرَعَنِي بِهَا صَرِيحَ مَا مَكَرَ، وَمَنْ يَخْفِرُ لِي الْبُئْرَ

می‌افکند تا با حيله‌اش مرا در آن بیفکند، خودش را گرفتار دام و حيله‌اش گردان؛ هر کس برایم چاهی می‌کند

لِيُوقِعَنِي فِيهَا وَقَعًا فِيمَا حَفَرَ، وَاصْرِفِ اللَّهُمَّ عَنِّي

تا مرا در آن بیندازد، خودش را در آن چاه بینداز؛ و خدایا؛

مِنْ شَرِّهِ وَمَكْرِهِ وَفَسَادِهِ وَضُرِّهِ، مَا تَصْرِفُهُ عَنِ

شَرِّ و مکر و حيله و تباهی و ضرر و زيانش را از من برطرف کن، آن چنان که

الْقَوْمِ الْمُتَّقِينَ، وَعَمَّنْ قَادَ نَفْسَهُ لِدِينِ الدِّيَانِ،

از پرهیزکاران برطرف می‌کنی؛ و از کسانی که خویشتن را تسلیم محض دین

وَمُنَادٍ يُنَادِي لِلْإِيمَانِ. إِلَهِي عَبْدُكَ عَبْدُكَ أَجَبٌ

و تسلیم منادی ایمان کرده است، برطرف می‌کنی. خدای من؛ بنده‌ات؛ بنده‌ات؛

دَعْوَتُهُ، ضَعِيفُكَ ضَعِيفُكَ فَرِّجْ عُصْمَتَهُ، فَقَدْ انْقَطَعَ بِهِ

خواهشش را پاسخ بده، ضعیف، ناتوان؛ اندوهش را برطرف کن.

كُلُّ حَبْلٍ إِلَّا حَبْلَكَ، وَتَقَلَّبَ عَنْهُ كُلُّ ظِلٍّ إِلَّا ظِلَّكَ.

هر دستاویزی جز رشته اتصال تو را از دست داده است، و جز سایه رحمت تو هر سایه‌ای از سرش رفته است.

مَوْلَايَ دَعْوَتِي هَذِهِ إِنْ رَدَدْتَهَا أَيْنَ تُضَادِفُ مَوْضِعَ

مولای من؛ اگر این خواهش و دعایم را رد کنی، پس در کجا به هدف

الْإِجَابَةِ، وَمَخِيلَتِي هَذِهِ إِنْ كَذَّبْتَهَا أَيْنَ تُلَاقِي مَوْضِعَ

اجابت برسد؟ این خوش‌گمانی مرا اگر راست مگردانی در کجا به جایگاه

الْإِعَانَةِ، فَلَا تَرُدُّ عَنْ بَابِكَ مَنْ لَا يَعْلَمُ غَيْرَهُ بَابًا،

کمک خواهد رسید؟ پس کسی که جز درگاه تو دری را بلد نیست، هیچ‌گاه از درگاهت برمگردان؛

وَلَا تَمْنَعْ دُونَ جَنَابِكَ مَنْ لَا يَعْلَمُ سِوَاهُ جَنَابًا.

و کسی که جز آستان حضرت تو سراغ ندارد، از آستان سخاوت‌مندت محروم نفرما.

سپس به سجده برو و بگو: إِلَهِي إِنْ وَجَّهًا إِلَيْكَ فِي رَغْبَتِهِ

معبود من؛ اعتقادم بر این است، رویی که با اشتیاق به

تَوَجَّهَ خَلْقٌ بِأَنْ تُجِيبَهُ، وَإِنْ جَبِينَا لَكَ بِإِثْمَالِهِ سَجَدًا

سوی تو آمده است سراوار پاسخ مثبت نوست؛ و پیشانی که با نهایت تضرع و زاری در برابرت سجده کرده است

حَقِيقٌ أَنْ يَبْلُغَ مَا قَصَدَ، وَإِنَّ خَدًّا لَدَيْكَ بِمَسْئَلَتِهِ تَعَفَّرَ

شایسته است به نیت و مقصودش برسد؛ و گونه‌ای که به خاطر درخواستش، در پیشگاه تو خود را به خاک مالیده

جَدِيرٌ أَنْ يَفُوزَ بِمُرَادِهِ وَيُظْفَرَ، وَهَذَا أَيْ يَا إِلَهِي قَدْ

است، لایق آن است که با دست‌یابی به آن چه اراده کرده است کامیاب و پیروز شود؛ ای خدای من؛

تَرَى تَعْفِيرَ خَدِّي وَاجْتِهَادِي فِي مَسْئَلَتِكَ وَجِدِّي،

این منم که می‌بینی گونه‌ام را بر خاک نهاده‌ام و تلاش و کوششم را برای درخواست از تو، بکار برده‌ام.

فَتَلَقَّ يَا رَبِّ رَغْبَاتِي بِرَحْمَتِكَ قَبُولًا، وَسَهَّلْ إِلَيَّ

ای پروردگار من؛ به خاطر رحمت و مهربانیت آن چه را مشتاق هستم بپذیر، و مرا با

طَلِبَاتِي بِرَأْفَتِكَ وَوُضُولًا، وَذَلَّلْ قُطُوفَ ثَمَرَةِ اجَابَتِكَ

رأفت و مهربانی ویژه‌ات، به آسانی به آن چه خواستم برسان؛ و چیدن میوه اجابت را برایم فراهم

لِي تَذَلِّيلًا. إِلَهِي فَإِذَا قَامَ ذُو حَاجَةٍ بِحَاجَتِهِ شَفِيعًا،

گردان. معبود من؛ هنگامی که حاجت‌خواهی برای حاجت و خواسته‌اش شفیعی معرفی می‌کند،

فَوَجَدْتَهُ مُمْتَنِعَ النَّجَاحِ سَهْلَ الْقِيَادِ مُطِيعًا، فَإِنِّي

پس می‌یابی او را در حالی که ستگاریش ممتنع است کسی که به آسانی منقاد و مطیع می‌گردد، من نیز

أَسْتَشْفَعُ إِلَيْكَ بِكَرَامَتِكَ، وَالصَّفْوَةِ مِنْ أُنَامِكَ الَّذِينَ

کرامت و بزرگواریت را، و برگزیدگانت از بین مردم را شفیع می‌گردانم؛ همان‌هایی

أَنْشَأَتْ لَهُمْ مَا تُظِلُّ وَتُقِلُّ، وَبَرَأْتَ مَا يَدُقُّ وَيَجَلُّ.

که هر آنچه سایه می‌افکند و هر چیز کوچک و بزرگ را برای‌شان خلق کرده‌ای.

أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِأَوَّلِ مَنْ تَوَجَّهَتْ تَاجَ الْجَلَالَةِ، وَأَخْلَلْتَهُ

به تو تقرب می‌جویم به واسطهٔ اوّل شخصیتی که تاج شکوه‌مندی را بر سرش نهاده‌ای، و

مِنَ الْفِطْرَةِ الرَّوْحَانِيَّةِ مَحَلَّ السَّلَالَةِ، حُجَّتِكَ فِي

فطرت و سرشت روحانیت را برایش قرار دادی؛ یعنی حجت و دلیل آشکار تو در

خَلْقِكَ، وَأَمِينِكَ عَلَى عِبَادِكَ، مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ صَلَّى

آفریدگانت، و امین تو بر بندگانت، حضرت محمد، فرستاده‌ات - که درود

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِمَنْ جَعَلْتَهُ لِنُورِهِ مُغْرَباً، وَعَنْ

خدا بر او و آل او باد - را شفیع گردانیدم. هم‌چنین شفیع خود را کسی قرار دادم که برای نور پیامبر ﷺ پگاه است؛

مَكْنُونِ سِرِّهِ مُغْرَباً، سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ وَإِمَامِ الْأَتْقِيَاءِ،

و کسی که راز پوشیدهٔ آن حضرت را به گونه‌ای فصیح بیان کرد؛ یعنی، سالار و سرور جان‌شینان،

يَعْسُوبِ الدِّينِ، وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَأَبِي

و پیشوای پرهیزکاران، پادشاه دین، و زمامدار روسفیدان، و پدر

الْأئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

امامان رشید درستکار، حضرت علیّ امیر مؤمنان - که بر او درود و سلام باد - .

وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِخَيْرَةِ الْأَخْيَارِ، وَأُمِّ الْأَنْوَارِ، الْأَنْسِيَّةِ

نیز به تو تقرب می‌جویم به واسطهٔ شفیع قرار دادن بهترین نیکان به اصل و اساس نورها، حوریت

الْحَوْرَاءِ، الْبَتُولِ الْعُذْرَاءِ، فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَبِقُرَّتِي

انسان‌نما، بتول پاک پاک، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام). هم‌چنین با شفیع قرار دادن دو نور

عَيْنِ الرَّسُولِ، وَثَمَرَتِي فُوَادِ الْبَتُولِ، أَلْسَيْدَيْنِ

دیدۀ رسول، دو میوهٔ قلب حضرت زهرا بتول، یعنی دو آقا

الْإِمَامَيْنِ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ،

و دو امام حضرت ابو محمد حسن و حضرت ابو عبدالله امام حسین، (علیهم السلام)

وَبِالسَّجَادِ زَيْنِ الْعِبَادِ، ذِي الثَّفَنَاتِ، رَاهِبِ الْعَرَبِ،

و نیز با شفیع قرار دادن حضرت سجاد، زینت عبادت‌کنندگان، صاحب پینه‌ها (در سجده‌گاه‌ها)، راهب در میان قوم عرب،

عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ. وَبِالْإِمَامِ الْعَالِمِ، وَالسَّيِّدِ الْحَاكِمِ،

یعنی علی بن الحسین (علیه السلام) و نیز با امام و پیشوای دانشمند، آقای حکم‌کننده،

النَّجْمِ الزَّاهِرِ، وَالْقَمَرِ الْبَاهِرِ مَوْلَايَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ

ستارهٔ درخشنده، ماه روشن و زیباروی، مولای من حضرت محمد بن علیّ

الْبَاقِرِ، وَبِالْإِمَامِ الصَّادِقِ، مُبَيِّنِ الْمَشْكَالَاتِ،

امام باقر (علیه السلام)؛ و نیز با امام راستگو که بیان‌کنندهٔ مسائل مشکل،

مُظْهِرِ الْحَقَائِقِ، الْمُنْفِجِ بِحُجَّتِهِ كُلِّ نَاطِقٍ، مُخْرِسِ

آشکارکنندهٔ حقیقت‌ها، کسی که با حجت و دلیلش هر گوینده‌ای را ساکت و خاموش می‌کند، و

أَلْسِنَةَ أَهْلِ الْجِدَالِ، مَسَاكِينَ الشَّقَاقِشِ مَوْلَايَ جَعْفَرَ

زبان کسانی را که به جدال و ستیزه برمی‌خواستند لال می‌کرد، کسی که بهترین جایگاهها را داشت یعنی حضرت امام

ابنِ مُحَمَّدِ الصَّادِقِ، وَبِالْإِمَامِ التَّقِيِّ وَالْمُخْلِصِ

جعفر بن محمد صادق (علیه السلام)، هم‌چنین با شفیع قرار دادن امام پرهیزگار باخلاص

الصَّفِيِّ، وَالتُّورِ الْأَحْمَدِيِّ، التُّورِ الْأَنْوَرِ، وَالضِّيَاءِ

برگزیده، نور احمدی، روشنی روشنی‌ها، پرتو

الْأَزْهَرِ مَوْلَايَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرَ، وَبِالْإِمَامِ الْمُرْتَضَى،

درخشنده، مولایم حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام)؛ نیز به واسطه امام برگزیده شده،

وَالسَّيْفِ الْمُتَنَضَّى، وَالرَّاضِي بِالْقَضَا مَوْلَايَ عَلِيٍّ

شمشیرکشیده از نیام، کسی که به حکم و قضای الهی راضی است یعنی مولایم حضرت علی

ابنِ مُوسَى الرِّضَا، وَبِالْإِمَامِ الْأَمَّجِدِ، وَالْبَابِ

ابن موسی الرضا (علیه السلام) و نیز به واسطه امام بزرگ، بهترین باب الهی که مورد توجه و

الْأَقْصَدِ، وَالطَّرِيقِ الْأَرْشَدِ، وَالْعَالِمِ الْمُؤَيَّدِ، يَنْبُوعِ

قصد و هدف است، بهترین راه به سوی رشد و کمال و هدایت، دانشمند مورد تأیید، سرچشمه

الْحِكْمِ، وَمِصْبَاحِ الظُّلَمِ، سَيِّدِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ،

حکمت‌ها، چراغ تاریکی‌ها، آقا و سرور عرب و عجم،

الْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ، وَالْمَوْفِقِ بِالتَّأْيِيدِ وَالسَّدَادِ

هدایت‌کننده به سوی راه درست، و کسی که با تأیید و موفقیت و راستی و درستی و استواری زندگی کرد

مَوْلَايَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ، وَبِالْإِمَامِ مِْنْحَةَ

یعنی مولایم حضرت محمد بن علی الجواد (علیه السلام)، نیز با شفیع قرار دادن امام بزرگوار، هدیه

الْجَبَّارِ، وَوَالِدِ الْأَيْمَّةِ الْأَطْهَارِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ

الهی، پدر امامان پاک، حضرت علی بن محمد

الْمَوْلُودِ بِالْعَسْكَرِ، الَّذِي حَذَرَ بِمَوَاعِظِهِ وَأَنْذَرَ،

که در لشکرگاه دشمن به دنیا آمد، و با پند و اندرزهای خود بیم داد و ترسانید؛

وَبِالْإِمَامِ الْمُنَزَّهِ عَنِ الْمَآثِمِ، الْمُطَهَّرِ مِنَ الْمَظَالِمِ،

نیز به واسطه امام منزّه و پاک از بدی‌ها، به دور از ستم‌ها،

الْحَبْرِ الْعَالِمِ، رَبِّيعِ الْأَنَامِ، وَبَدْرِ الظُّلَامِ، التَّقِيِّ

دانشمند کامل، بهار دل مردمان، ماه روشنی‌بخش تاریکی‌ها، پرهیزگار

التَّقِيِّ الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ، مَوْلَايَ أَبِي مُحَمَّدِ الْحَسَنِ بْنِ

پاکیزه پاک خالص، مولایم حضرت امام ابو محمد حسن بن

عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْحَفِيفِ الْعَلِيمِ

علی عسکری؛ به سوی تو نزدیک می‌شوم و تقرب می‌جویم. هم‌چنین، به واسطه کسی که او را نگهبان و دانای

الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ، وَالْأَبِ الرَّحِيمِ

کنجینه‌ها و پنهانی‌های زمین خود قرار دادی، و او را پدری مهربان قرار دادی

الَّذِي مَلَكَتْهُ أَرْمَةٌ الْبَسِطِ وَالْقَبْضِ، صَاحِبِ النَّقِيبَةِ

و زمام هر گشایش و بستگی را در اختیارش گذاشتی؛ صاحب پیشوایی و ریاست

الْمَيْمُونَةِ، وَقَاصِفِ الشَّجَرَةِ الْمَلْعُونَةِ، مُكَلِّمِ النَّاسِ

مبارک، برکنندهٔ درخت لعنت‌شده (بنی‌امیه)، سخن‌گوی

فِي الْمَهْدِ، وَالِدَالِّ عَلَى مِنْهَاجِ الرَّشْدِ، الْغَائِبِ عَنِ

گهواره با مردمان، راهنما به راه روشن کمال و درستی، پنهان از

الْأَبْصَارِ، الْحَاضِرِ فِي الْأَمْصَارِ، الْغَائِبِ عَنِ الْعُيُونِ،

دیدگان، کسی که همیشه در شهرها حضور دارد ولی از چشم مردم پنهان می‌باشد،

الْحَاضِرِ فِي الْأَفْكَارِ، بَقِيَّةِ الْأَخْيَارِ، الْوَارِثِ لِدَيِ

لیکن در اندیشه‌ها حضور دارد، باقی‌ماندهٔ نیکوکاران، ارث‌برندهٔ

الْفِقَارِ، الَّذِي يَظْهَرُ فِي بَيْتِ اللَّهِ ذِي الْأَسْتَارِ، الْعَالِمِ

دو الفقار، که در خانهٔ خدا - که صاحب پرده‌ها است - ظهور می‌فرماید، دانشمند

الْمُطَهَّرِ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِمُ أَفْضَلُ التَّحِيَّاتِ

پاک و پاکیزه، حضرت محمد فرزند حسن، که بر تمام آن بزرگواران برترین

وَأَعْظَمُ الْبَرَكَاتِ، وَأَتَمُّ الصَّلَوَاتِ. اللَّهُمَّ فَهَوْلَاءِ

و بافضیلت‌ترین برکت‌ها و تحیت‌ها و کامل‌ترین درودها نثار باد. بار خدایا! این عزیزان

مَعَاقِلِي إِلَيْكَ فِي طَلِبَاتِي وَوَسَائِلِي، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

پناهگاه و وسیلهٔ من برای عرضهٔ درخواست‌هایم در محضر تو هستند؛ پس درودی نثارشان کن که

صَلْوَةٌ لَا يَعْرِفُ سِوَاكَ مَقَادِيرَهَا، وَلَا يَبْلُغُ كَثِيرُهُمْ

مقدارهایش را جز تو نداند، و هر چه مردم با همت‌های بسیار بالا تلاش کنند نتوانند

الْخَلَائِقِ صَغِيرَهَا، وَكُنْ لِي بِهِمْ عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّي،

به کوچک‌ترین مقدار درودهایت برسند. از طرفی نیز به واسطهٔ ایشان نیک‌ترین گمان‌هایم را برآورده،

وَحَقِّقْ لِي بِمَقَادِيرِكَ تَهَيِّئَةَ التَّمَنِّي. إِلَهِي لَا رُكْنَ لِي

و آرزوهایم را محقق گردان. خدای من؛ رکن و پایه و جایگاهی

أَشَدُّ مِنْكَ، فَأَوِي إِلَيْ رُكْنٍ شَدِيدٍ، وَلَا قَوْلَ لِي أَسَدُّ

محکم‌تر از تو ندارم، پس به این پایگاه و جایگاه محکم پناهنده می‌شوم؛ گفتاری نیک‌تر و استوارتر

مِنْ دُعَائِكَ، فَاسْتَظْهِرْكَ بِقَوْلٍ سَدِيدٍ، وَلَا شَفِيعَ لِي

از خواندن تو ندارم. پس با بهترین گفتار از تو کمک می‌جویم؛ و شفیع و واسطه‌ای

إِلَيْكَ أَوْجَهُ مِنْ هَوْلَاءِ فَأَتِيكَ بِشَفِيعٍ وَدَيْدٍ، وَقَدْ

آبرومندتر از این بزرگواران (محمد و آل محمد عليهم السلام) ندارم، پس با واسطه‌ای دوست‌داشتنی نزدت می‌آیم؛

أَوَيْتُ إِلَيْكَ، وَعَوَّلْتُ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِي عَلَيْكَ،

حال به سوی تو پناه آورده‌ام، و برای برآوردن خواسته‌هایم به تو اعتماد کرده‌ام،

وَدَعَوْتُكَ كَمَا أَمَرْتَ، فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَ،

و همان‌گونه که دستور داده‌ای تو را خواندم؛ پس دعا‌ی مرا نیز طبق وعده‌ات پاسخ مثبت بده.

فَهَلْ بَقِيَ يَا رَبِّ غَيْرَ أَنْ تُجِيبَ وَتَرْحَمَ مِنِّي الْبُكَاءِ

ای پروردگار من؛ آیا با این شرایط، جز پاسخ‌گویی به خواستهٔ من و جز رحم‌کردن به گریه

وَالنَّحِيبِ. يَا مَنْ لَا إِلَهَ سِوَاهُ، يَا مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ

و ناله‌های جاسوز من، کار دیگری باقی مانده است؟! ای کسی که جز او معبود پرستش شونده‌ای نیست؛ ای کسی که پاسخ‌شخص

إِذَا دَعَاهُ، يَا كَاشِفَ ضُرِّ أَيُّوبَ، يَا رَاحِمَ عَبْرَةَ

درمانده که او را می‌خواند، می‌دهد؛ ای کسی که بیماری و گرفتاری حضرت ایوب را برطرف فرمود؛ ای کسی که به اشک‌های

يَعْقُوبَ، اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَأَنْصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ

چشم یعقوب پیامبر رحم کرد؛ مرا ببخش و به من رحم کن، و مرا بر گروه

الْكَافِرِينَ، وَافْتَحْ لِي وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ، وَالطُّفُ

کافران یاری ده؛ و برایم پیروزی عنایت فرما که تو بهترین پیروزکنندگان هستی.

بِي يَا رَبِّ وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، يَا ذَا

ای پروردگار من؛ به من لطف و مرحمت کن، و به تمام مردان و زنان مؤمن نیز لطف فرما. ای صاحب

الْقُوَّةِ الْمُتَمِّينِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَالْحَمْدُ

نیروی محکم. با رحمت و مهربانیت ای مهربان‌ترین مهربانان؛ و تمام ستایش‌ها

لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

اختصاص به خداوند پروردگار جهانیان دارد. و درود خداوند بر سرور و سید ما حضرت محمد ﷺ

النَّبِيِّ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ ١.

پیامبر خدا و خاندان پاکش نثار باد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بخش یازدهم

بخش یازدهم



زیارت‌ها

استحباب زیارت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه

در هر زمان و مکان

علامه مجلسی رحمته الله علیه می فرماید: زیارت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه همیشه و در همه جا مستحب است؛ و در سرداب مقدس (سامرا)، و نزد قبرهای اجداد پاکش صلوات الله عليهم اجمعین، از فضیلت و ارزش بیشتری برخوردار است.

و نیز در زمان‌های شریف به خصوص شب میلادش یعنی نیمه شعبان (بنا بر صحیح‌ترین روایات)، و شب قدر (که فرشتگان و روح در آن شب نزد آن حضرت می آیند) مناسبت بیشتری دارد.^۱ در این جا روایتی را که این مطلب از آن استفاده می شود، نقل می کنیم:

سلیمان بن عیسی از پدرش روایت می کند که گفت:

۱. بحار الأنوار: ۱۰۲/۱۱۹.

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: هنگامی که نتوانم به زیارت شما بیایم و نزدتان حاضر شوم، چگونه شما را زیارت کنم؟
حضرت فرمود:

ای عیسی؛ هنگامی که نتوانستی نزدم بیایی، در روز جمعه غسل کن یا وضو بگیر، و بر پشت بام خانهات برو، و دو رکعت نماز بخوان، و به طرف من توجه کن (و زیارت بخوان)؛ زیرا هر کس در زمان زندگانیم مرا زیارت کند، گویا پس از رحلت مرا زیارت کرده است، و هر کس پس از وفاتم مرا زیارت کند گویا در زمان زندگانیم زیارتم نمود است.

بیان و توضیح مطلب: این خبر دلالت دارد بر این که زیارت امام زنده نیز به این شکل جایز است. لذا، این سند و دلیلی می باشد بر این که در هر مکانی که خواست امام قائم ارواحنفاده را زیارت کند، رو به سوی سرداب مقدّس کند و آن حضرت را زیارت نماید.^۱
شیخ بزرگوار جناب کفعمی رحمته الله علیه می فرماید: مستحبّ است در هر مکان و زمانی، امام مهدی صلوات الله علیه زیارت شود، و برای تعجیل و سرعت بخشیدن به فرج آن حضرت نیز در هنگام زیارتش دعا شود. البتّه زیارت آن بزرگوار در سرداب مقدّس در شهر سرّ من رأی (سامرا) بیش تر مورد تأکید قرار گرفته است.^۲

۱. بحار الأنوار: ۱۰۱/۳۶۶.

۲. البلد الأمين: ۴۳۲.

زیارت حضرات معصومین علیهم السلام

و هدیه ثواب آن به پیشگاه حضرت بقیّة الله ارواحنفاده

می توان ثواب هر زیارتی را به پیامبر صلی الله علیه و آله یا به یکی از امامان علیهم السلام هدیه کرد.

شیخ طوسی رحمته الله علیه با سند خود از داود صرمی روایت می کند که گفت:

به امام بزرگوار امام هادی علیه السلام عرض کردم: من پدرت را زیارت کردم، و - ثواب - آن را برای شما قرار دادم.

حضرت فرمود:

با این کار، خداوند برای تو پاداش و ثواب بزرگ قرار داد، و ما تشکر می کنیم.^۱

بنابراین، اکنون که شیعیان در دوران غیبت امام زمان ارواحنا فداه، در هجران آن بزرگوار به سر می برند و در عصر حضور و ظهور حضرتش نیستند و نمی توانند همیشه در مکان های مقدّسی که مربوط به آن بزرگوار است مانند سرداب مقدّس، مسجد کوفه، مسجد سهله و مسجد جمکران و... شرفیاب شوند؛ می توانند این کمبود و خسارت را با اهداء ثواب زیارت اماکن

۱. مفتاح الجنّات: ۵۳۱/۱.

مقدّسه دیگر به آن حضرت جبران کنند.

و همچنین با خواندن زیارت‌های آن بزرگوار در حرم و زیارتگاهی که هستند به تقرّب خود نزد خداوند مهربان بیفزایند و عنایات آن حضرت را به سوی خود جلب نمایند.

تا کنون افراد بسیاری از دوستان خاندان وحی در سرداب مقدّس و همچنین اماکن مقدّسه دیگر مورد عنایت امام زمان ارواحنا فداه قرار گرفته‌اند که در کتاب‌های متعدّد ذکر شده و نمونه‌هایی از آن‌ها را در این کتاب نقل کرده‌ایم.

آداب زیارت

از آن جا که هدیه کردن ثواب زیارت اهل بیت علیهم‌السلام به پیشگاه صاحب الزمان ارواحنا فداه مستحبّ است؛ در این جا به بیان «آداب زیارت» می‌پردازیم:

محدّث قمی رحمته‌الله نقل کرده‌است: آداب زیارت بسیار است و در اینجا به چند چیز اکتفا می‌شود:

اوّل: پیش از بیرون رفتن برای سفر زیارت غسل نماید.

دوّم: کلام بیهوده و لغو و دعوا و مجادله را در راه ترک کند.

سوّم: برای زیارت هر امامی غسل نماید و دعایی که در هنگام غسل وارد شده است بخواند.

چهارم: با طهارت باشد.

پنجم: جامه‌های پاک و پاکیزه و نو بپوشد، و خوب است رنگ لباسی که می‌پوشد سفید باشد.

ششم: در وقت رفتن به روضه مقدّسه گام‌ها را کوتاه برداشته و به آرامی و وقار سیر نموده و خاضع و خاشع باشد و سر به زیر اندازد و به بالا و اطراف خود التفات ننماید.

هفتم: در غیر زیارت امام حسین علیه‌السلام خود را خوش بو نماید.

هشتم: در وقت رفتن به حرم مطهّر زبان را به ذکر تکبیر و تحمید و تسبیح و تهلیل و تمجید مشغول نماید و به صلوات فرستادن بر محمّد و آل محمّد علیهم‌السلام دهان خود را معطر سازد.

نهم: بر در حرم شریف ایستاده و طلب اذن ورود به حرم نماید و سعی در تحصیل رقت قلب و خضوع و شکستگی خاطر نماید، و در عظمت و جلالت قدر صاحب آن مرقد منور فکر کند، و باور داشته باشد که می‌بیند ایستادن او را، و می‌شنود کلام او را، و جواب می‌دهد سلام او را؛ چنانچه به همه این‌ها شهادت می‌دهد در وقت خواندن اذن دخول.

و اندیشه کند در محبّت و لطفی که به شیعیان و زائران خود دارند و تأمل کند در خرابی حال خود و جفایی که به آن بزرگواران کرده و فرموده‌های بی‌شماری که از ایشان نشنیده و آزارها و

اذیت‌ها که از او به ایشان یا به خاصان و دوستان ایشان رسیده که برگشت آن به آزدن ایشان است و اگر بر راستی در خود نگیرد قدم‌هایش از رفتن باز ایستد و قلبش خاشع گردد و چشمش گریان شود و این روح آداب زیارت است.

دهم: بوسیدن عتبه عالیه و آستانه مبارکه است.^۱

۱. مؤلف گوید: درباره عتبه بوسی و بوسیدن درگاه مطهر آستان مقدس ائمه اطهار علیهم‌السلام در کلمات اهل بیت عصمت علیهم‌السلام عبارات بسیار مهمی وارد شده است.

در زیارت وداع ائمه اطهار علیهم‌السلام که مرحوم علامه مجلسی آن را در بحار الانوار نقل کرده وارد شده است:

... وا شوقاه إلی تقبیل أعتابکم، والولوج بإذنکم لأبوابکم، وتعفیر الخدّ علی اریح ترابکم، واللیاذ بعرضاتکم، ومحالّ أبدانکم وأشخاصکم، المحفوفة بالملائکة الکرام، والمتحفوفة من الله بالرحمة والرضوان ... «بحار الأنوار»: ۲۰۵/۱۰۲.

چقدر شوق دارم به بوسیدن آستانه درگاه شما و وارد شدن با اذن شما به خانه شما و خاک آلود نمودن گونه‌ام را با خاک خوش بوی شما و پناه بردن به سرای شما را و مکانهای ایدان و اشخاص شما که از ملائکه کرام احاطه شده و مشمول رحمت و سلام از سوی خداوند شده است.

بنابراین، بوسیدن درگاه مقدس و خاک آلود نمودن گونه خود با خاک مشک بوی آستان مقدس آنان و پناه بردن به حرم‌های مطهر آن بزرگواران، نه تنها مورد تأیید آن بزرگواران است، بلکه آرزو و اشتیاقی آن نیز باعث تقرب به خداوند متعال می‌شود.

نکته بسیار مهمی که در هنگام عتبه بوسی باید به آن توجه داشت این است که عتبه حرم اهل بیت عصمت علیهم‌السلام قدمگاه حضرت بقیة الله الأعظم ارواحنا فداه است، که حضرتش در طول

←

→ غیبت صغری و کبری، مکّرر بر عظمت و شرافت آن مکان‌های مقدّس افزوده‌اند و با قدم خود آن‌ها را مورد توجه و عظمت بیشتر قرار داده‌اند.

ما جلد قرآن را به خاطر قرآن می‌بوسیم، به خاطر احترامی که برای قرآن مجید قائل هستیم، همین گونه عتبه حرم‌های مطهر ائمه اطهار و اهل بیت عصمت علیهم‌السلام را می‌بوسیم هم به خاطر شرافتی که برای آنان قائل هستیم و هم به این جهت که آنجا محلّ رفت و آمد حضرت بقیة الله الأعظم ارواحنا فداه و قدمگاه محترم آن بزرگوار و همچنین جای قدم اولیاء خدا است.

مگر نه این است که در مدّت سال‌های طولانی، عتبه مقدّسه اهل بیت علیهم‌السلام محلّ رفت و آمد و جایگاه قدم مبارک امام عصر ارواحنا فداه بوده و می‌باشد، پس چرا این مکان‌های مقدّس را نبوسیم؟

مرحوم آیه الله سیّد احمد مستنبط فرموده است: از آداب زیارت، بوسیدن عتبه مقدّسه است و ما در رساله خود یاد آور شدیم که این از مصداق سجده خارج است، بلکه از باب محبت و مهر ورزیدن است مانند آن که انسان برای بوسیدن فرزند خود خم شود، زیرا کسی گمان نمی‌کند که این کار سجده (یا رکوع) برای اوست.

و نقل شده است که از مرحوم آیه الله شیخ انصاری سؤال شد درباره بوسیدن عتبه‌های مقدّسه ائمه اطهار علیهم‌السلام، ایشان فرمودند:

من عتبه حرم حضرت ابوالفضل العباس علیه‌السلام را می‌بوسم تا چه رسد به عتبه حرم ائمه اطهار علیهم‌السلام آن هم به خاطر این است که آنجا، قدمگاه زوّار حضرت ابوالفضل علیه‌السلام است.

از بعضی از علماء ریّانی دیده شده که عتبه زیارتگاه حرّ بن یزید ریاحی رضوان الله علیه را می‌بوسید. (الزیارة والبشارة: ۱۳/۱).

و نیز ایشان فرمودند: از آداب زیارت بوسیدن زمین در برابر امام علیه‌السلام است. به خاطر روایتی که در وسائل از کتاب «عیون» در باب ۱۲۹ از ابواب «عشرة» از کتاب حجّ با سند از صفوان

←

و مرحوم شهید علیه السلام فرموده است: اگر زیارت کننده سجده کند و نیت کند که از برای خدا سجده می‌کنم به شکرانه این که مرا به این مکان رسانیده بهتر خواهد بود.

یازدهم: پای راست را در وقت داخل شدن مقدم داشته و پای چپ را در وقت بیرون آمدن مقدم بدارد، مانند آنچه در وارد شدن و خارج شدن از مسجد عمل می‌کند.

دوازدهم: نزد ضریح مطهر بایستد به گونه‌ای که خود را بتواند به آن بچسباند. و توهم آن که دور ایستادن ادب می‌باشد و هم است؛ زیرا که چسبیدن به ضریح و بوسیدن آن در روایت وارد شده است. **سیزدهم:** در وقت زیارت پشت به قبله و رو به قبر منور

→ بن یحیی نقل شده است که ایشان گفت:

ابو قرة مصاحب جاثلیق به من گفت که او را به حضور امام رضا علیه السلام برسانم، من از آن بزرگوار در این باره اذن خواستم، فرمودند: او را بیاور. چون بر حضرت وارد شد، بساط حضرت را بوسید و عرض کرد در دین ما بر ما لازم است که نسبت به بزرگان عصر خود این گونه رفتار کنیم. امام علیه السلام او را از این کار منع نفرمودند. و معلوم است که سکوت در برابر امر منکر از معصوم علیه السلام صادر نمی‌شود.

و همین گونه روایت دیگری متضمن این مطلب است که قافله‌ای از قم خدمت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه رسیدند و آن حضرت از علامت و نشانه‌های اموالی که آورده بودند به آن آنان خبر دادند. آنان خود را به عنوان شکر الهی به زمین افکنده و زمین را در برابر آن حضرت از باب احترام بوسیدند. (الزیارة والبشارة: ۱/ ۱۷).

بایستد، و ظاهراً این ادب مختص به زیارت معصوم است و چون از خواندن زیارت فارغ شد گونه راست را به ضریح بگذارد و به حال تضرع دعا کند پس گونه چپ را بگذارد و بخواند خدا را به حق صاحب قبر که او را از اهل شفاعت آن بزرگوار قرار دهد و در دعا مبالغه نموده و اصرار نماید. پس به سمت سر مطهر برود و رو به قبله بایستد و دعا کند.

چهاردهم: در وقت خواندن زیارت - اگر عذری ندارد از ضعف و درد کمر و درد پا و غیر این‌ها - بر روی پا بایستد.

پانزدهم: در هنگام دیدن قبر مطهر پیش از شروع در خواندن زیارت تکبیر بگویند، و در خبریست که هر که تکبیر بگوید پیش روی امام علیه السلام و بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» نوشته شود برای او خشنودی خدای بزرگ.

شانزدهم: زیارت‌هایی که از ائمه علیهم السلام روایت شده بخواند و خواندن زیارت‌های ساختگی که بعضی از بی‌خردان از عوام آن‌ها را با بعضی از زیارات تلفیق کرده و نادانان را به آن مشغول ساخته‌اند، ترک نماید.

شیخ کلینی علیه السلام روایت کرده از عبدالرحیم قصیر که گفت: وارد شدم بر حضرت صادق علیه السلام و گفتم: فدایت شوم از پیش خود دعایی اختراع کردم.

حضرت فرمود:

واگذار مرا از اختراع خود، هر گاه تو را حاجتی روی دهد به حضرت رسول ﷺ پناه بر و دو رکعت نماز بخوان و هدیه کن آن را به سوی آن حضرت الخ.

هفدهم: نماز زیارت را بخواند، و اقل آن دو رکعت است.

مرحوم شهید فرموده: که اگر زیارت پیغمبر ﷺ است نماز را در روضه مطهره بجا آورد و اگر در حرم یکی از ائمه علیهم السلام است در بالای سر بجا آورد و اگر آن دو رکعت را در مسجد آن مکان یعنی مسجد حرم انجام دهد جایز است.

و علامه مجلسی رحمه الله فرموده: به نظر من اگر نماز زیارت و غیر آن را در پشت قبر یا بالای سر انجام دهد بهتر است. (و نماز خواندن جلوتر از قبر امام علی علیه السلام چون بی احترامی و بی ادبی نسبت به مقام مقدس آن بزرگوار است، جایز نیست).

هیجدهم: در رکعت اول سورة «یس» و در رکعت دوم سورة «الرحمن» را بخواند؛ اگر کیفیت مخصوصی برای نماز زیارتی که می خواند وارد نشده باشد، و بعد از نماز به آنچه وارد شده یا به آنچه در خاطر او می رسد برای دین و دنیای خود و برای عموم مؤمنین دعا کند؛ زیرا که آن به اجابت نزدیک تر است.

نوزدهم: مرحوم شهید رحمه الله فرموده: اگر کسی داخل حرم مطهر

شود و ببیند نماز جماعت منعقد شده است اول نماز بخواند پیش از آنکه زیارت نماید. (در صورتی که شرایط شرکت در نماز جماعت برای او وجود داشته باشد)....

بیستم: مرحوم شهید از جمله آداب زیارت، تلاوت کردن قرآن را نزد ضریح های مطهره و هدیه کردن آن را به روح مقدس آن امام یا آن که زیارت می شود بر شمرده و گفته است که این کار فایده اش به زیارت کننده بر می گردد و نوعی احترام و بزرگداشت کسی است که زیارت می شود.

بیست و یکم: ترک نمودن سخنان ناشایسته و کلمات لغو و بیهوده و ترک اشتغال به صحبت های دنیوی که همیشه در هر جا مذموم و قبیح و مانع رزق و باعث قساوت قلب است خصوص در این بقعه های مطهره و زیر این گنبد های بلند مرتبه و ارزشمند که خدای تعالی خبر می دهد از بزرگی و جلالت آن ها در سورة نور ﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ﴾^۱ تا آخر آیه.

بیست و دوم: صدای خود را در وقت زیارت بلند نکنند، چنانچه در «هدیة الزائرین» ذکر کردم.

بیست و سوم: وقتی می خواهد مراجعت کند و از شهر خارج شود، با امام علی علیه السلام وداع کند به آنچه در روایات آمده یا به غیر آن.

۱. سورة نور، آیه ۳۶.

بیت و چهارم: به سوی خدا بازگردد و از گناهان خویش استغفار نماید و کردار و گفتار خود را بعد از زیارت نسبت به پیش از آن بهتر نماید.

بیت و پنجم: به قدر توان بر خادمان آستانه شریفه انفاق نماید، و سزاوار است که خدام آن مکان شریف از اهل خیر و صلاح و صاحب دین و مروّت باشند و تحمّل نمایند آنچه از زائرین می‌بینند و خشم خود را بر آنها فرو نشانند و غلظت و درشتی بر آنها ننمایند و بر قضاء حوائج محتاجین اقدام کنند و افراد غریب و نا آشنا را راهنمایی و دلالت کنند اگر راه را گم نمایند، و خلاصه باید خدام به حقیقت و راستی در خدمات لازمه از نظیف و حراست و محافظت زائران و غیره، مشغول باشند.

بیت و ششم: انفاق و احسان نماید بر مجاورین آن بقعه مبارکه که دچار فقر و ناداری هستند ولی آبرومندند؛ خصوصاً سادات و اهل علم که ترک دیار کرده‌اند و به تلخی غربت و تنگدستی مبتلایند و همواره پرچم تعظیم شعائر الهی را برپا نموده، و جهاتی را دارا هستند که ملاحظه هر یک از آنها کافی در لزوم اعانت به آنها و رعایت حالشان است.

بیت و هفتم: مرحوم شهید فرموده که از جمله آداب این است که وقتی از زیارت بهره‌مند گردید، زودتر از آن مکان شریف بیرون رود، برای مزید تعظیم و احترام و شدت شوق به رجوع و

نیز فرموده که در وقتی که زن‌ها می‌خواهند زیارت کنند باید از مردان جدا باشند و تنها زیارت کنند و اگر در شب زیارت کنند اولی است و باید که وضع خود را تغییر دهند، یعنی لباس خوب و عالی را به لباس پست بدل کنند که شناخته نشوند و مخفی و پنهان بیرون آیند که کسی کمتر ایشان را ببیند و بشناسد و اگر با مردان زیارت کنند نیز جایز است اگرچه مکروه است.

از این گفتار معلوم شد کثرت قبح و زشتی آنچه متعارف شده که زن‌ها به اسم تشرف به زیارت خود را آرایش نموده با لباس‌های نفیس از خانه‌ها بیرون می‌آیند و در حرم‌های مطهره با نامحرمان برخورد می‌نمایند.

زنانی که در طرف قبله مردان می‌نشینند و با رفتار خود حواس مردم را پریشان می‌کنند، و زائرین و نمازگزاران و گریه‌کنندگان را از عبادت باز می‌دارند از گروهی شمرده می‌شوند که راه خدا را می‌بندند. در واقع این گونه زیارت زنان از منکرات شمرده می‌شود نه از عبادات، و وسیله هلاکت است نه تقرب.

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به اهل عراق فرمود:

يا أهل العراق؛ تبئت أن نساءكم يوافين الرجال في الطريق أما تستحيون؟

ای اهل عراق؛ به من خبر رسیده که زنهای شما در راه به مردان می‌رسند یعنی در کوچه و بازار به نامحرمان برمی‌خورند، آیا شماها حیا نمی‌کنید؟

وقال: لعن الله من لا یغار.

و فرمود: خداوند لعنت کند کسی را که غیرت ندارد.

بیست و هشتم: سزاوار است وقتی که زوار بسیارند کسانی که خود را زودتر به ضریح رسانده‌اند زیارت را کم نموده و کنار روند تا دیگران نیز مثل آنها به نزدیک شدن به ضریح فائز گردند.^۱ بیست و نهم: هنگام تشرّف به اماکن مقدّسه و حرم‌های مطهر اهل بیت علیهم‌السلام بهترین موقعیت از لحاظ مکان و حال زائر برای دعا نمودن برای تعجیل ظهور امام زمان ارواحنا فداه وجود دارد؛ بنابراین زائرین محترم باید به این وظیفه اساسی خود در همه اماکن مقدّسه توجه داشته باشند.

سی‌ام: چون انسان از هر کجا که بخواهد می‌تواند امام زمان ارواحنا فداه را زیارت کند، سزاوار است پس از خواندن زیارت در حرم‌های مطهر، به امام عصر ارواحنا فداه توجه نموده و با خواندن زیارت آن حضرت نیز قلب خود را صفا بخشیده و وظیفه خود را انجام دهد.

۱. مفاتیح الجنان: ۶۱۵.

اکنون بعضی از زیارت‌های آن حضرت را نقل می‌کنم:



زیارت آل یس

شیخ بسزرگوار جناب طبرسی رحمته‌الله در کتاب «الإحتجاج» می‌گوید: از ناحیه مقدّسه حضرت مهدی ارواحنا فداه - پس از پاسخ به سؤالات جناب محمد حمیری - صادر گردید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به نام خداوند بخشنده مهربان

لَا لِأَمْرِهِ تَعْتَلُونَ، وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةٌ

نه در مورد امر او اندیشه می‌کنید، و نه از اولیای الهی می‌پذیرید؛ حکمتی است

بِالْغَةِ فَمَا تُغْنِي النَّذْرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ، أَلْسَلَامٌ

کامل و رسا، ولی بیم دادن‌ها، برای کسانی که ایمان نیاورده‌اند، فایده‌ای ندارد؛ سلام

عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

بر ما و بر بندگان شایسته خداوند.

هرگاه خواستید به واسطه ما، به خداوند تعالی و نیز به سوی ما توجه کرده و روی آورید؛ همان‌گونه که خدای تعالی فرموده است، بگویید:

﴿سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسَ﴾^۱، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ

«سلام بر آل یاسین»، سلام بر تو ای دعوت کننده مردم به سوی خدا

وَرَبَّانِي آيَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدِيَانَ

و پرورنده آیات او؛ سلام بر تو ای باب رحمت خداوند و حاکم و مدبّر

دِينِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ،

دین او؛ سلام بر تو ای جانشین خداوند و یاری کننده حق او؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای حجت خدا و دلیل و راهنمای اراده او؛ سلام

عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای تلاوت کننده کتاب خداوند و بازگو کننده مقصود آن؛ سلام بر تو

فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

در تمام لحظه های شب و در همه بخش های روزت؛ سلام بر تو ای

بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي

باقی مانده (حجت های) خدا در زمینش؛ سلام بر تو ای عهد و پیمان خداوند که آن را (از مردم)

أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي

گرفت و آن را مورد تأکید قرار داد؛ سلام بر تو ای وعده الهی که

ضَمِنَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ

خدا آن را ضمانت کرد؛ سلام بر تو ای پرچم برافراشته؛ و دانش

۱. سورة صافات، آیه ۱۳۰.

الْمَضْبُوبُ، وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ، وَعَدَاً غَيْرَ

ریزان و فراگیر، و فریادرس، و رحمت گسترده بر اساس وعده ای که

مَكْذُوبٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

دروغ نیست. سلام بر تو آن وقتی که بیامی خیزی، سلام بر تو

حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ، السَّلَامُ

هنگامی که می نشینی، سلام بر تو آن هنگامی که قرائت (قرآن) می کنی، و آن را بیان می نمایی،

عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَتَقْنُتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ

سلام بر تو هنگامی که نماز می گزاری و قنوت می نمایی، سلام بر تو آن هنگامی

تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكْسِبِرُ،

که رکوع و سجود می کنی؛ سلام بر تو در وقتی که خدا را به یکتایی و بزرگی می ستایی،

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو آن هنگامی که حمد و ستایش و طلب بخشش می کنی، سلام بر تو

حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا

آن هنگامی که صبح می کنی و شام می نمایی؛ سلام بر تو در شب آن هنگام که

يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ

همه جا را تاریکی فرا گیرد، و در روز آن هنگام که روشنی اش جلوه گر شود، سلام بر تو ای امام

الْمَأْمُونُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ،

مورد اعتماد و اطمینان؛ سلام بر تو ای جلودار و آرزو شده؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ . أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ

سلام بر تو به سلام‌های گوناگون و فراگیر. ای مولایم؛ تو را گواه می‌گیرم

أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَأَنَّ

که من شهادت می‌دهم معبودی جز خداوند نیست یگانه‌ای که شریکی ندارد؛ و این که

مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ، لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ ،

محمد بنده و فرستاده او است؛ جز او و اهلش هیچ محبوبی وجود ندارد.

وَأَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ ،

و تو را گواه می‌گیرم ای مولای من که علی علیه السلام امیر و فرمانروای مؤمنان، حجت خداوند

وَالْحَسَنَ حُجَّتَهُ ، وَالْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ ، وَعَلِيَّ بْنَ

است؛ و امام حسن حجت اوست، و امام حسین حجت اوست، و امام سجاد حجت اوست،

الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ ، وَجَعْفَرَ بْنَ

و امام باقر حجت اوست، و امام صادق حجت اوست،

مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتَهُ ، وَعَلِيَّ بْنَ

و امام کاظم حجت اوست، و امام رضا حجت اوست،

مُوسَى حُجَّتَهُ ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ ، وَعَلِيَّ بْنَ

و امام جواد حجت اوست، و امام هادی حجت اوست،

مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ ، وَأَشْهَدُ

و امام حسن عسکری حجت اوست، و گواهی می‌دهم که تو حجت خداوند هستی.

أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ . أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ ، وَأَنَّ رَجَعْتَكُمْ

شما آغاز و پایان هستید؛ و رجعت و بازگشت همه شما به دنیا حقیقتی است که هیچ شک و تردیدی

حَقُّ لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ

در آن راه ندارد، در آن روزی که ایمان کسی که از پیش ایمان نیاورده یا در ایمانش خیر و بهره‌ای به

أَمَّتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا ، وَأَنَّ

دست نیاورده است، برایش سودی ندارد. (و اعتقاد این است که) به راستی مرگ حق است، و (دو

الْمَوْتَ حَقٌّ ، وَأَنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ ، وَأَشْهَدُ أَنَّ

فرشته قبر) نکیر و منکر حق هستند، و گواهی می‌دهم که پراکنده شدن از قبرها حق است و

النَّشْرَ حَقٌّ ، وَالْبَعْثَ حَقٌّ ، وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ ،

برانگیخته شدن موجودات (در روز قیامت) حق است، و به راستی که صراط (و راه بهشت) حق است،

وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ ، وَالْمِيزَانَ حَقٌّ ، وَالْحَشْرَ حَقٌّ ،

و مرصاد (و جایگاه مراقبت) حق است، و میزان (و سنجش اعمال) حق است، و گردآمدن حق است،

وَالْحِسَابَ حَقٌّ ، وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ ، وَالْوَعْدَ

و حساب (روز جزا) حق است و بهشت و جهنم حق است، و وعده و بیم نسبت به بهشت

وَالْوَعْدَ بِهَمَا حَقٌّ . يَا مَوْلَايَ شَقِيَّ مَنْ خَالَفَكَ ،

و جهنم حق است. مولای عزیزم؛ هر کس با شما مخالفت کند بدبخت است،

وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكَ ، فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا أَشْهَدُكَ

و هر کس از شما فرمانبری نماید خوشبخت است؛ پس، تو گواه باش بر آنچه تو را گواه گرفتم؛

عَلَيْهِ، وَأَنَا وَلِيُّ لَكَ، بَرِيءٌ مِنْ عَدُوِّكَ، فَالْحَقُّ مَا

این‌ها در حالی است که من ارادتمند تو هستم، از دشمنت بیزارم؛ پس اعتقاد دارم که حق و درستی همان چیزی

رَضِيْتُمُوهُ، وَالْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ، وَالْمَعْرُوفُ مَا

است که شما از آن راضی باشید، و باطل و نادرستی چیزی است که شما نسبت به آن ناخشنود باشید؛ و کار خیر آن

أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ، فَفَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ

کاری است که شما دستور بدان داده‌اید، و کار زشت همان است که شما از آن باز داشته‌اید. پس روان و جان من ایمن

بِاللَّهِ وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِرَّسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

به خدای یگانه بی‌شریک دارد، و به فرستاده‌اش حضرت محمد ﷺ، و به امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام

وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَأَخْرِكُمْ، وَنُصْرَتِي مُعَدَّةٌ

و به شما (اهل بیت)، ای مولای من؛ به اولین تا آخرین شما اعتقاد و ایمان دارم. و پارم آماده است برای

لَكُمْ، وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ آمِينَ آمِينَ.

شما، و دوستی خاص و اظهار محبت خالص من تنها برای شماست؛ برآورده کن ای پروردگار؛ برآورده کن ای پروردگار.

دعای پس از زیارت:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ

بار الها؛ از تو می‌خواهم و درخواست می‌کنم که بر محمد پیامبر

رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةِ نُورِكَ، وَأَنْ تَمَلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ،

رحمتت، و کلمه تام نورت درود بفرستی، و قلبم را از نور یقین و باور پر گردانی،

وَصَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ، وَفِكْرِي نُورَ النِّيَّاتِ،

و سینه‌ام را از روشنی ایمان، و اندیشه‌ام را از نور و روشنی نیت‌ها،

وَعَزَمِي نُورَ الْعِلْمِ، وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ، وَلِسَانِي

و تصمیم و اراده مرا از نور دانش، و نیرویم را از نور و روشنی کردار، و زبانم را

نُورَ الصِّدْقِ، وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ،

از نور راستگویی، و دینم را از روشنی بینش‌هایی که از جانب خودت است،

وَبَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ، وَسَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ،

و چشمم را از نور هدایت، و گوش مرا از نور و روشنی حکمت،

وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمَوَالَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ،

و مودت و دوستی خالص مرا از نور موالات و دوستی نسبت به حضرت محمد و آل او - که درود

حَتَّى أَلْقَاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ، فَتَغَشَّيْنِي

بر ایشان باد - پُر کنی؛ تا در نتیجه، با حالتی تو را ملاقات کنم که به عهد و پیمان تو وفا کرده

رَحْمَتَكَ، يَا وَلِيَّيَ يَا حَمِيدُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

باشم، و در پایان نیز رحمت تو مرا فراگیرد، ای سرپرست؛ ای ستوده. بار الها؛ بر محمد درود فرست؛

حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ، وَالِدَاعِي

همان کسی که حجت تو در زمینت، و جانشینت در سرزمین‌هایت، و فراخوان

إِلَى سَبِيلِكَ، وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ، وَالثَّائِرِ بِأَمْرِكَ، وَوَلِيِّ

به راهت، و بهادارنده قسط و عدلت، و برانگیخته به دستورت است؛ سرپرست

الْمُؤْمِنِينَ، وَبَوَارِ الْكَاْفِرِينَ، وَمَجْلِي الظُّلْمَةِ،

مؤمنان، و نابود کننده کافران، و روشنی بخش تاریکی،

و مُنِيرِ الْحَقِّ، وَالنَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ، وَكَلِمَتِكَ

و نورانی کننده حقیقت، و گوینا به حکمت و راستی، و کلمه

التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ، الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ، وَالْوَلِيِّ

تام و کامل تو در زمینت، چشم به راه و هراسان، و سرپرست

النَّاصِحِ، سَفِينَةِ النَّجَاةِ، وَعَلِمِ الْهُدَى، وَتُورِ أَبْصَارِ

خبرخواه، کشتی نجات، و نشانه هدایت، و روشنی دیدگان

الْوَرَى، وَخَيْرٍ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدَى، وَمَجْلَى الْعَمَى،

مردم، و بهترین کسی که پیراهن و عبا بر تن گرفت، و برطرف کننده کوری و نابینایی،

الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا مَلَأْتَ ظُلْمًا

(بالآخره) کسی که زمین را از عدل و داد پر می کند؛ چنان که از ستم و جور پر شده است،

وَجَوْرًا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

راستی که تو بر هر چیزی توانایی داری. بارخدا یا؛ بر

وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ، الَّذِينَ فَرَضَتْ طَاعَتَهُمْ،

ولی خودت و فرزند اولیایت درود فرست. همان اولیایی که فرمانبری از ایشان را واجب و

وَأَوْجَبَتْ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ، وَطَهَّرَتْهُمْ

مسلم گردانیدی، و حق شان را لازم شمردی، و رجس و پلیدی را از وجود ایشان دور ساخته و آنان

تَطْهِيرًا. اللَّهُمَّ انصُرْهُ، وَأَنْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ، وَأَنْصُرْ

را پاک و پاکیزه نمودی. بارالها؛ او را یاری کن، و به کمک او دینت

بِهِ أَوْلِيَائِكَ وَأَوْلِيَاءَهُ، وَشَيْعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ، وَاجْعَلْنَا

و دوستانت و دوستانش و پیروانش و یارانش را نیز یاری کن، و ما را نیز

مِنْهُمْ. اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ، وَمِنْ شَرِّ

از این افراد قرار بده. بار الها؛ او را از شر هر جفاکار سرکش، و از شر

جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ،

تمام آفریدگانت پناه داده و نگه دار؛ و او را از پیش روی مبارکش، از پشت سر،

وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَاحْرُسْهُ وَأَمْنَعْهُ مِنْ أَنْ

از طرف راست و چپ حفظ کن؛ و او را از این که هر ناخوش آیند و بدی

يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ

به ساحت قدس او برسد نگاهش دار، و با این حفظ، رسولت و آل

رَسُولِكَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْ

رسولت را حفاظت کن، و عدل و داد را به واسطه او آشکار گردان، و با یاریت تأییدش کن، و

نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ، (وَاقْصِمْ قَاصِمِيهِ)، وَاقْصِمْ

یارانش را یاری کن، و کسانی را که او را وا می گذارند واگذار، (و بشکن پشت کسانی را که آن حضرت

بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ

را درهم می شکنند،) و تمام قدرت کافران زورگو را به واسطه او درهم شکن، و تمام کافران و منافقان



زیارت ندبه

علامه مجلسی رحمته الله می فرماید: ابو علی حسن بن اشناس گفت: ابوالفضل محمد بن عبدالله شیبانی خبر داد که ابو جعفر جناب محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری برایش روایت کرد - و اجازه داده است به او که آنچه را او روایت کرده است روایت کند - که نامه‌ای از ناحیه مقدسه - که خداوند نگهبانش باد - برایش ارسال شد، و در آن نامه پس از پاسخ به سؤالاتی چند که داشته است، درباره نماز و توجه به این شرح وارد شده است:^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

لَا لِأَمْرِ اللَّهِ تَعْقُلُونَ، وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةٌ

نه در مورد امر خدا اندیشه می‌کنید، و نه از اولیای الهی می‌پذیرید؛ حکمتی

بِالْغَةِ فَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ،

کامل و رساست، ولی نشانه‌ها و بیم دادن‌ها، برای کسانی که ایمان نیاورده‌اند، فایده‌ای ندارد؛

وَالسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

سلام بر ما و بر بندگان شایسته خداوند.

۱. مرحوم علامه مجلسی دستور نماز را در اینجا نقل فرموده ولی ما آن را در بخش نمازها بیان کرده‌ایم.

وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ، حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ

و همه ملحدان را در هر جایی که باشند؛ در مشرق زمین

وَمَغَارِبِهَا، بَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَأَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا،

و مغرب آن، خشکی آن و دریای آن؛ به قتل برسان؛ و به واسطه او زمین را پر از عدل و داد فرما،

وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي

و دین پیامبرت را - که درود خدا بر او و آل او باد - به خوبی ظاهر و آشکار گردان. و مرا نیز

اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَأَتَّبِعْهُ وَشِبَعَتِهِ،

- بار الهی؛ - از یاران و مددکاران و پیروان و شیعیان او قرار بده؛

وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُرُونَ،

و در مورد آل محمد - سلام بر آنان باد - آن چه را ایشان آرزو دارند به من بنمایان،

وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ، يَا ذَا

و در مورد دشمنان‌شان نیز آن چه می‌ترسند و از آن حذر دارند به من بنمایان؛ ای معبود حقیقی؛ بپذیر و قبول کن.

الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱.

ای صاحب شکوه و بزرگواری؛ ای مهربان‌ترین مهربانان.

۱. الإحتجاج: ۳۱۶/۲، بحار الأنوار: ۲/۹۴، معادن الحکمة: ۲/۲۹۱.

پس هرگاه قصد توجه به خداوند و ما، به واسطه ما را داشتید، همان گونه که خدای تعالی فرموده است، بگویید:

﴿سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ﴾، ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ، وَاللَّهُ

«سلام بر آل یاسین»، این، همان فضل آشکار است؛ و خداوند

ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، لِمَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطُهُ الْمُسْتَقِيمَ،

صاحب فضل و فزون بخشی بزرگ است (البته) برای کسی که او را به راه مستقیم خود هدایت

قَدْ آتَاكُمْ اللَّهُ يَا آلَ يَاسِينَ خِلَافَتَهُ، وَعِلْمَ مَجَارِي

می‌کند. ای آل یاسین؛ خداوند، جانشینی‌اش را به شما داد، و دانش مجراهای امر خودش را

أَمْرِهِ، فِيمَا قَضَاهُ وَدَبَّرَهُ وَرَتَّبَهُ وَأَرَادَهُ فِي مَلَكُوتِهِ،

به شما عطا کرد. در مورد چیزهایی که قضا، تدبیر، ترتیب، و اراده‌اش در ملکوتش بدانها تعلق گرفته

فَكَشَفَ لَكُمْ الْغِطَاءَ، وَأَنْتُمْ خَزَنَتُهُ وَشُهَدَاؤُهُ،

بود. بدین سان، پرده از همه چیز برای شما برداشت. و شما خازنان و شاهدان

وَعُلَمَاؤُهُ وَأَمْنَاؤُهُ، سَاسَةُ الْعِبَادِ، وَأَرْكَانُ الْبِلَادِ،

و عالمان و امینان الهی می‌باشید؛ اداره کننده امور بندگان خدا و ارکان و اساس

وَقُضَاةُ الْأَحْكَامِ، وَأَبْوَابُ الْإِيمَانِ، وَسُلَالَةُ النَّبِيِّينَ،

سرزمین و قاضیان احکام، و درهای ایمان، و نسل و زاده پیامبران،

وَصَفْوَةُ الْمُرْسَلِينَ، وَعِثْرَةٌ خَيْرَةٌ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

و منتخب و برگزیده رسولان، و خاندان بهترین برگزیده از جانب پروردگار جهانیان هستید.

وَمِنْ تَقْدِيرِهِ مَنَائِحَ الْعَطَاءِ بِكُمْ إِنْفَاذَهُ مَحْتُومًا

و از تقدیر الهی است که نافذ شدن بخشش‌های هدیه (به خلاق) به وسیله شما حتمی شده و به

مَقْرُونًا، فَمَا شَيْءٌ مِنْهُ إِلَّا وَأَنْتُمْ لَهُ السَّبَبُ، وَالْإِيَّاهُ

آنان می‌رسد، هیچ چیزی نیست مگر آن که سببش شما، و راه به سوی او شما هستید؛

السَّبِيلُ، خِيَارُهُ لَوْلِيَّكُمْ نِعْمَةٌ، وَأَنْتِقَامُهُ مِنْ عَدُوِّكُمْ

چیزی که برای دوستان برگزیند نعمت است، و انتقام او از دشمنان

سَخِطَةٌ، فَلَا نَجَاةَ وَلَا مَفْرَعٍ إِلَّا أَنْتُمْ، وَلَا مَذْهَبَ

خشم است. پس جز شما هیچ راه نجات و پناهگاهی نیست، و هیچ راه و چاره‌ای جز این وجود

عَنْكُمْ، يَا أَعْيُنَ اللَّهِ النَّاطِرَةِ، وَحَمَلَةَ مَعْرِفَتِهِ،

ندارد؛ ای دیدگان بینای خداوند؛ و ای حاملان و دربردارندگان معرفت او؛

وَمَسَاكِينَ تَوْحِيدِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ. وَأَنْتَ يَا

ای منزلگاه یگانه پرستی او در زمین و آسمان؛ و تو نیز ای

حُجَّةَ اللَّهِ وَبَقِيَّتَهُ كَمَالُ نِعْمَتِهِ، وَوَارِثُ أَنْبِيَائِهِ

حجت خداوند، و باقی‌مانده حجت‌های او؛ حدّ نهایی و کمال نعمت او؛ و وارث پیامبران

وَخُلَفَائِهِ مَا بَلَغْنَا مِنْ دَهْرِنَا، وَصَاحِبُ الرَّجْعَةِ

و جانشینان او تا این زمان هستی، تو صاحب رجعت و بازگشت

لِوَعْدِ رَبَّنَا الَّتِي فِيهَا دَوْلَةُ الْحَقِّ وَفَرَجُنَا وَنَصْرُ اللَّهِ

برای وعده پروردگار ما می‌باشی که در آن، دولت حق و راحتی و گشایش در کار ما و یاری خداوند

لَنَا وَعِزُّنَا. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ،

به ما و عزت ما است. سلام بر تو، ای پرچم برافراشته،

وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ، وَالْعَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ،

و دانش ریزان و فراگیر، و دادرس و رحمت گسترده،

وَعَدًّا غَيْرَ مَكْذُوبٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ

بر اساس وعده‌ای که دروغ نیست؛ سلام بر تو ای صاحب

الْمَرَأَى وَالْمَسْمَعِ، الَّذِي بَعَيْنِ اللَّهِ مَوَاطِئُهُ، وَبِيَدِ

دیدگاه و شنیدگاه، که عهد و پیمان‌هایش در محضر خداوند، و تعهداتش به دست

اللَّهِ عُهُودُهُ، وَبِقُدْرَةِ اللَّهِ سُلْطَانُهُ. أَنْتَ الْحَلِيمُ الَّذِي

خدا، و پادشاهی‌اش با قدرت و توان خداوند است. تو، همان بردباری هستی که

لَا تُعَجِّلُهُ الْعَصِيَّةُ^۱، وَالْكَرِيمُ الَّذِي لَا تُبْخِلُهُ

تعصب باعث شتابزدگی‌اش نمی‌شود؛ و بزرگواری و صاحب‌کرامتی هستی که غضب و خشم موجب بخل

الْحَفِيفَةُ، وَالْعَالِمُ الَّذِي لَا تُجْهَلُهُ الْحَمِيَّةُ،

او نمی‌شود؛ و دانشمندی هستی که غیرت باعث نادانی‌اش نمی‌گردد؛

مُجَاهِدَتِكَ فِي اللَّهِ ذَاتُ مَشِيئَةِ اللَّهِ، وَمُقَارَعَتِكَ فِي

جهاد تو در راه خداوند همان خواست خداوندی است؛ و کوبندگی تو در

اللَّهِ ذَاتُ انْتِقَامِ اللَّهِ، وَصَبْرِكَ فِي اللَّهِ ذُو أَنَاةِ اللَّهِ،

راه خدا همان انتقام الهی است؛ و صبر و بردباری تو در راه خدا همان صبر خداوندی و مهلت

۱. الغضب، المعصية خ.

وَشُكْرِكَ لِلَّهِ ذُو مَزِيدِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

اوست؛ و سپاسگزاری تو از خدا همان فزون‌بخشی و رحمت الهی است. سلام بر تو ای

مَحْفُوظًا بِاللَّهِ، اللَّهُ نُورٌ أَمَامِهِ وَوَرَائِهِ، وَيَمِينِهِ

کسی که به وسیله خداوند حفاظت و نگهداری شده است؛ خداوند، روشنی‌بخش پیش‌روی و پشت سرش و راست

وَشِمَالِهِ، وَفَوْقِهِ وَتَحْتِهِ، يَا مَحْرُوزًا فِي قُدْرَةِ اللَّهِ،

و چپش و بالای سر و زیر پایش است؛ ای کسی که جایگاه استواری در سایه قدرت خدا دارد؛

اللَّهُ نُورٌ سَمِعِهِ وَبَصَرِهِ، وَيَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ،

خداوند، روشنی گوش و چشم اوست. ای وعده تضمین شده الهی؛

وَيَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

و ای پیمان و میثاق خداوند که آن را (از مردم) پیمان گرفت و آن را مورد تأکید قرار داد؛ سلام بر تو ای

دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّنِي آيَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ

فراخوان به خدا و ای پرورنده آیات الهی؛ سلام بر تو ای درگاه خداوندی

وَدِيَانَ دِينِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ

و ای حاکم و مدبّر دین او؛ سلام بر تو ای جانشین خداوند و یاری‌گر

حَقِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ،

حقّ او؛ سلام بر تو ای حجّت خدا و دلیل و راهنمای اراده و خواست او؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا و بیانگر مقصود آن؛ سلام

عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ، السَّلَامُ

بر تو در لحظه‌های شب و بخش‌های روزت. سلام

عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ

بر تو ای باقی‌ماندهٔ حجت‌های خداوند در زمین او؛ سلام بر تو هنگامی که

تُقُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ

بپای‌خیزی، سلام بر تو هنگامی که می‌نشینی، سلام بر تو هنگامی که

تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَتَقْنُتُ،

می‌خوانی و بیان می‌کنی، سلام بر تو هنگامی که نماز می‌گذاری و قنوت می‌خوانی،

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو هنگامی که رکوع و سجده می‌کنی، سلام بر تو

حِينَ تُعَوِّذُ وَتُسَبِّحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ

هنگامی که تعویذ و تسبیح می‌گویی، سلام بر تو هنگامی که خدا را به یکتایی

وَتُكَبِّرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ،

و بزرگی می‌ستایی، سلام بر تو هنگامی که حمد و استغفار می‌کنی،

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُمَجِّدُ وَتَمْدَحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو هنگامی که مدح و ثناء الهی را بجا می‌آوری، سلام بر تو

حِينَ تُمْسِي وَتُصْبِحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا

هنگامی که صبح می‌کنی و شب می‌نمایی. سلام بر تو در شب هنگامی که تاریکی

يَغْشَى، وَ[فِي] النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، وَالْآخِرَةَ

همه جا را می‌پوشاند، و در روز که روشنی‌اش همه جا را فرا گرفته و جلوه‌گر می‌شود، و در آخرت

وَالْأُولَى. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا حُجَجَ اللَّهِ وَرُعَاتِنَا،

و دنیا. سلام بر شما ای حجت‌های خداوند و سرپرستان ما،

وَهُدَاتِنَا وَدُعَاتِنَا، وَقَادَتِنَا وَأَكْمَتِنَا، وَسَادَتِنَا

و هدایت‌گران و فراخوانان و رهبران و امامان و سروران و آقایان

وَمَوَالِينَا، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَنْتُمْ نُورُنَا، وَأَنْتُمْ جَاهُنَا

و سرپرستان ما. سلام بر شما؛ شما نور و روشنی ما هستید؛ شما مواجه ما در

أَوْقَاتِ صَلَاتِنَا (صَلَوَاتِنَا)، وَعِصْمَتِنَا بِكُمْ لِدُعَائِنَا

هنگام نمازهای ما هستید. و بازدارندهٔ ما از خطا در هنگام دعا،

وَصَلَاتِنَا، وَصِيَامِنَا وَاسْتِغْفَارِنَا، وَسَائِرِ أَعْمَالِنَا،

نماز، روزه، استغفار و دیگر کارهای ما، شما هستید.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای پیشوای مورد اعتماد و اطمینان؛ سلام بر تو

أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ

ای پیشوای مقدم و آرزو شده؛ سلام بر تو به سلام‌های گوناگون و فراگیر.

السَّلَامُ. أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا

مولای من؛ تو را گواه می‌گیرم بر این که من شهادت می‌دهم جز خداوند معبودی نیست،

اللَّهُ، وَحُدَّهُ وَحُدَّهُ وَحُدَّهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا

یگانه، یگانه و یکتاست؛ بی‌شریک است؛ و این که حضرت محمد ﷺ

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ، وَأَنَّ

بنده و فرستاده اوست؛ جز او و اهلس هیچ محبوی وجود ندارد؛ و این

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ، وَأَنَّ الْحَسَنَ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ

که امیر مؤمنان علی علیه السلام حجت الهی است؛ و امام حسن حجت اوست، و

الْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ

امام حسین حجت اوست، و امام سجاد حجت اوست، و

مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ،

امام محمد باقر حجت اوست، و امام صادق حجت اوست،

وَأَنَّ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى

و امام کاظم حجت اوست، و امام رضا حجت اوست،

حُجَّتَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ

و امام جواد حجت اوست، و امام هادی حجت اوست،

مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَأَنْتَ

و امام حسن عسکری حجت اوست و نیز تو حجت الهی هستی،

حُجَّتَهُ، وَأَنَّ الْأَنْبِيَاءَ دُعَاةٌ وَهُدَاةٌ رُشِدِكُمْ. أَنْتُمْ

و پیامبران فراخوانان و راهنمایان به سوی نیکی شما بودند. شما

الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَخَاتِمَتُهُ، وَأَنَّ رَجَعْتَكُمْ حَقٌّ لَا شَكَّ

آغاز و پایان و ختم‌کننده‌اش هستید؛ به راستی رجعت و بازگشت شما یک امر ثابتی است که در

فِيهَا يَوْمٌ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ

آن شکی نیست در روزی که اگر کسی ایمان از پیش نداشته یا از ایمان خود بهره و خیری بدست

أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ،

نیآورده باشد هیچ سودی برایش ندارد که در آن روز ایمان بیاورد. - گواهی می‌دهم که - مرگ حق

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُنْكَرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ، وَأَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ

است، و گواهی می‌دهم (دو فرشته قبر) تکبر و منکر حق است، و پخش شدن موجودات حق است،

وَالْبُعْثَ حَقٌّ، وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ، وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ،

و برانگیخته شدن موجودات حق است، و صراط (بلی که بر روی دوزخ کشیده شده) حق است، و مرصاد (و جایگاه مراقبت)

وَأَنَّ الْمِيزَانَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ، وَأَنَّ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ

حق است، و ترازوی سنجش اعمال حق است، و حسابرسی اعمال حق است، و بهشت و جهنم حق است،

حَقٌّ، وَالْجَزَاءَ بِهِمَا لِلْوَعْدِ وَالْوَعْدِ حَقٌّ. وَأَنْتُمْ

و پاداش دادن به وسیله بهشت و جهنم بر اساس وعده و تهدید حق است. و به راستی شما سزاوار

لِلشَّفَاعَةِ حَقٌّ، لَا تَرُدُّونَ وَلَا تَسْبِقُونَ بِمَشِيئَةِ اللَّهِ،

راستین برای شفاعت هستید و بازگردانده نمی‌شوید، نسبت به خواست خداوند پیشی نمی‌گیرید،

وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَلِلَّهِ الرَّحْمَةُ وَالْكَلِمَةُ الْعُلْيَا،

و تنها به دستور او رفتار می‌کنید، و رحمت و کلمه والا تنها به خدا اختصاص دارد،

وَبِيَدِهِ الْحُسْنَى، وَحُجَّةُ اللَّهِ التُّعْمَى (الْعُظْمَى)، خَلَقَ

و هر خیر و خوبی تنها در دست اوست، و حجت خدا از همه مبارک‌تر (بزرگتر) است؛

الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لِعِبَادَتِهِ، أَرَادَ مِنْ عِبَادِهِ عِبَادَتَهُ

جنیان و آدمیان را برای پرستش خود آفرید؛ از بندگانش پرستش را خواست

فَشَقِيٌّ وَسَعِيدٌ، قَدْ شَقِيَّ مَنْ خَالَفَكُمْ، وَسَعِدَ مَنْ

پس برخی سعادتمند و برخی بدبخت شدند؛ بدبخت کسی است که با شما مخالفت کند و سعادتمند کسی است که از

أَطَاعَكُمْ. وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ فَاشْهَدْ بِمَا أَشْهَدُكَ

شما فرمان ببرد، و تو ای مولای من؛ به آنچه تو را گواه گرفتم گواه باش،

عَلَيْهِ، تَخْزُنُهُ وَتَحْفَظُهُ لِي عِنْدَكَ، أَمُوتْ عَلَيْهِ،

و آن را نزدت برای من ذخیره و نگه‌داری کن، تا بر آن اعتقاد بمیرم، و با همین اعتقاد

وَأَنْشُرْ عَلَيْهِ، وَأَقِفْ بِهِ وَلِيًّا لَكَ، بَرِيئًا مِنْ عَدُوِّكَ،

نیز برانگیخته شوم، و در پیشگاه الهی بیایستم در حالی که ولایت شما را دارم و از دشمن تو بیزار باشم، و نسبت به کسی که

مَاقِتًا لِمَنْ أَبْغَضَكُمْ، وَاذًا لِمَنْ أَحَبَّكُمْ، فَالْحَقُّ مَا

با شما دشمنی کند دشمنی سرسختانه داشته باشم، و نسبت به کسی که دوست شماست دوستی ویژه‌ای برقرار کنم. پس حق،

رَضِيْتُمُوهُ، وَالْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ، وَالْمَعْرُوفُ مَا

همان چیزی است که شما از آن خوشنود باشید، و باطل و نادرستی، همان چیزی است که شما از آن ناخشنود باشید؛ و

أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ، وَالْقَضَاءُ الْمُنْتَبِتُ

خوبی و نیکی همان چیزی است که بدان دستور فرمایید، و بدی و زشتی، همان چیزی است که شما از آن باز دارید، و

مَا اسْتَأْتَرْتُ بِهِ مَشِيَّتِكُمْ، وَالْمَمْحُورُ مَا لَا اسْتَأْتَرْتُ

قضای محکم الهی همان است که خواست شما بدان تعلق پذیرد، و آنچه از بین‌رونده است همان چیزهایی

بِهِ سُنَّتِكُمْ. فَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، مُحَمَّدٌ

است که سنت شما بر آن تعلق نگرفته باشد. پس، معبودی جز خداوند نیست که شریک ندارد؛ محمد،

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، عَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ، الْحَسَنُ

بنده و فرستاده‌اش است؛ حضرت علی فرمان‌روای مؤمنان حجت اوست، امام حسن

حُجَّتُهُ، الْحُسَيْنُ حُجَّتُهُ، عَلِيٌّ حُجَّتُهُ، مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ،

حجت اوست، امام حسین حجت اوست، امام سجاد حجت اوست، امام باقر حجت اوست،

جَعْفَرُ حُجَّتُهُ، مُوسَى حُجَّتُهُ، عَلِيٌّ حُجَّتُهُ، مُحَمَّدٌ

امام صادق حجت اوست، امام کاظم حجت اوست، امام رضا حجت اوست، امام جواد

حُجَّتُهُ، عَلِيٌّ حُجَّتُهُ، الْحَسَنُ حُجَّتُهُ، أَنْتَ حُجَّتُهُ،

حجت اوست، امام هادی حجت اوست، امام عسکری حجت اوست و تو، حجت او هستی؛

أَنْتُمْ حُجَجُهُ وَبِرَاهِينُهُ. أَنَا يَا مَوْلَايَ مُسْتَبْشِرٌ

شما، همگی حجت‌های خداوند هستید و دلیل‌های آشکار او می‌باشید. مولای من؛ من، خشنود و بشارت‌یافته

بِالْبَيْعَةِ الَّتِي أَخَذَ اللَّهُ عَلَيَّ شَرْطَهُ قِتَالًا فِي سَبِيلِهِ

از بیعتی هستم که خداوند بر من مقرر فرمود تا در راه او به جنگ بپردازم

أَشْتَرِي بِهِ أَنْفُسَ الْمُؤْمِنِينَ، فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ

و در آن نبرد خداوند جان مؤمنان را از ایشان می‌خرد؛ بدین سان، روان من به خداوند

وَحَدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِرَّسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

یگانه بی شریک ایمان دارد، و به رسول خدا، و امیر مؤمنان،

وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ، أَوْلَكُمْ وَأَخْرِكُمْ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ

و نیز به شما ای مولای عزیزم؛ از اول تا آخرتان ایمان دارد. و یاریم آماده برای شماست،

مُعَدَّةٌ، وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ، وَبِرَائَتِي مِنْ أَعْدَائِكُمْ

و ابزار محبت خالصانهام برای شماست؛ و بیزاریم از دشمنان شما که اهل ستیز و

أَهْلِ الْحَرَدَةِ وَالْجِدَالِ ثَابِتَةٌ، لِثَارِكُمْ أَنَا وَلِيِّي وَحَيْدٌ،

دعوايנד، دایم و همیشگی است؛ من، به تنهایی دوستی هستم که طالب انتقام خون شمایم (بدون این که به دیگران کاری داشته

وَاللَّهُ إِلَهُ الْحَقِّ يَجْعَلُنِي كَذَلِكَ، آمِينَ آمِينَ. مَنْ لِي إِلَّا

باشم)، و خداوندی را معبود راستین می دانم و می خواهم که مرا چنان که می گویم قرار دهد؛ ای خدا؛ پاسخ بده بپذیر. چه کسی جز

أَنْتَ فِيمَا دَنْتُ، وَاعْتَصَمْتُ بِكَ فِيهِ، تَحْرُسُنِي فِيمَا

تو برای من هست در آنچه اعتقاد دارم و در آن به تو تمسک جسته ام؛ در این امور،

تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ، يَا وَفَايَةَ اللَّهِ وَسِتْرَهُ وَبَرَكَتَهُ، أَعْشِي

که با آن ها خود را به تو نزدیک کردم مرا نگهبانی و حفظ می کنی، ای نگه دارنده و پوشش و برکت الهی؛ بفریادم بر،

[أَدْنِي، أَعْنِي] أَدْرِكُنِي، صَلِّنِي بِكَ وَلَا تَقْطَعْنِي.

مرا نزدیک کن، کمک کن، مرا دریاب، مرا به خودت پیوند ده و جدا مفرما.

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بِهِمْ تَوَسَّلِي وَتَقَرُّبِي. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

بار الها؛ تو تسل و تقرب من به تو، تنها به وسیله آنان (محمد و آل محمد ﷺ) است؛ بار الها؛ بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصَلِّنِي بِهِمْ وَلَا تَقْطَعْنِي. اللَّهُمَّ

محمد و آل او درود بفرست؛ و مرا به ایشان پیوند ده و جدا مکن. بار الها؛

بِحُجَّتِكَ وَأَعْصِمْنِي، وَسَلِّمْكَ عَلَى آلِ يَسَّ، مَوْلَايَ

به وسیله حجّت مرا حفظ کن، و بر آل یاسین سلام بفرست، مولای من؛

أَنْتَ الْجَاهُ عِنْدَ اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي، [إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ].

تو آبرودار نزد خدا که پروردگار من و توست می باشی؛ راستی، او ستوده و شکوه مند است.

دعای پس از زیارت: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

بار الها؛ در واقع من به واسطه اسمت از تو درخواست می کنم همان اسمی

خَلَقْتَهُ مِنْ كُلِّكَ (ذَلِكَ) فَاسْتَقِرَّ فِيكَ، فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ

که آن را از تمامیت خود آفریدی و تنها در وجود تو قرار گرفته است و

إِلَى شَيْءٍ أَبَدًا، أَيَا كَيْنُونَ أَيَا مَكُونُونَ، أَيَا مُتَعَالُونَ، أَيَا

هرگز به سوی چیز دیگری از ذات تو بیرون نمی رود. ای وجود حقیقی؛ ای پنهان؛ ای والا مرتبه؛ ای

مُتَقَدِّسُونَ، أَيَا مُتَرَحِّمُونَ، أَيَا مُتَرَيِّفُونَ، أَيَا مُتَحَنِّنُونَ. أَسْأَلُكَ

متقدس و پاکیزه؛ ای رحم کننده؛ ای رأفت مآب؛ ای مهربان عزیز؛ از تو درخواست می کنم

كَمَا خَلَقْتَهُ غَضًّا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ،

همان گونه که آن نام را با شکوفایی آفریدی، بر محمد - پیامبر رحمت،

وَكَلِمَةِ نُورِكَ، وَوَالِدِ هُدَاةِ رَحْمَتِكَ، وَآمِلًا قَلْبِي

و کلمه نورت، و پدر راهنمایان به رحمت - درود فرستی؛ و قلبم را

نُورَ الْيَقِينِ، وَصَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ، وَفِكْرِي نُورَ

از روشنی یقین پر کنی، و سینه‌ام را از نور ایمان، و اندیشه‌ام را از نور

الثَّبَاتِ، وَعَزْمِي نُورَ التَّوْفِيقِ، وَذُكَايِي نُورَ الْعِلْمِ،

پایداری، و تصمیمم را از نور موفقیّت، و هوشمندی‌ام را از نور و روشنی دانش،

وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ، وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ، وَدِينِي

و نیرویم را از روشنی عمل، و زبانم را از نور راست‌گویی، و دینم را

نُورَ الْبُصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ، وَبَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ،

از روشنی آگاهی‌بخش‌های خودت، و دیده‌ام را از روشنی هدایت،

وَسَمْعِي نُورَ وَعْيِ الْحِكْمَةِ، وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمَوَالَاةِ

و گوشم را از روشنی حفظ کردن حکمت، و دوستی خالصم را از نور دوستی

لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَيَقِينِي قُوَّةَ الْبِرَاءَةِ

محمد و آل او - که درود بر ایشان باد - و یقینم را از نیروی بی‌زاری

مِنْ أَعْدَاءِ مُحَمَّدٍ وَأَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ، حَتَّى الْفُتَاكِ

از دشمنان محمد و دشمنان آل محمد پر گردانی؛ تا در نتیجه تو را

وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ، فَلْتَسْعِنِي رَحْمَتِكَ،

با وفای به عهد و پیمانته دیدار کنم، و باعث فراگیری رحمتت نسبت به من گردد.

يَا وَلِيَّيْ يَا حَمِيدٌ، بِمَرَاكَ وَمَسْمَعِكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ

ای سرپرست؛ ای ستوده؛ ای حجت خدا؛ دعای من در محل دیدن و شنیدن تو است؛

دُعَائِي، فَوْقَنِي مُنْجِزَاتِ إِجَابَتِي، أَعْتَصِمُ بِكَ،

پس وعده‌های اجابتت را به من وفا کن و کامل گردان؛ به تو تکیه می‌کنم.

مَعَكَ مَعَكَ مَعَكَ سَمْعِي وَرِضَائِي يَا كَرِيمٌ ۱.

گوش من و خشنودی من با توست، با توست، با توست، ای بزرگواری.



زیارت امام زمان ارواحنا فداه

در روز جمعه

سید جلیل القدر، علی بن طاووس رحمته الله این زیارت را در روز

جمعه برای مولایمان امام زمان ارواحنا فداه نقل کرده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای حجت خدا در زمینش؛ سلام بر تو

يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي

ای چشم خدا در میان آفریدگانش؛ سلام بر تو ای نور خدا، که

يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ، وَيَفْرَجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ،

هدایت جویان با آن هدایت می‌یابند، و به وسیله آن بر مؤمنان گشایش و راحتی داده می‌شود؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُهَذَّبُ الْخَائِفُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای پاک‌شده بی‌الایش و ترسان؛ سلام بر تو

۱. المزار الكبير: ۵۶۷، بحار الأنوار: ۳۶/۹۴، مصباح الزائر: ۴۳۰ (با تفاوتی اندک).

أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النَّجَاةِ،

ای سرپرست خیرخواه؛ سلام بر تو ای کشتی نجات؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ صَلَّى

سلام بر تو ای چشمه حیات و زندگانی؛ سلام بر تو؛ درود پیوسته

اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ،

خدا بر تو و بر آل پاکیزه و پاک تست؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ عَجَّلَ اللَّهُ لَكَ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ

سلام بر تو، خداوند هر چه زودتر به تو ارزانی دارد آن چه را به تو وعده داده که یاریت کند

و ظُهُورِ الْأَمْرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، أَنَا مَوْلَاكَ،

و حکومت تو را آشکار گرداند. سلام بر تو ای مولای من؛ من ارادتمند تو هستم؛

عَارِفٌ بِأَوْلَاكَ وَأَخْرَاكَ، أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ

با آغاز و پایانت آشنایم؛ به واسطه تو و آل تو به

وِبِأَلِ بَيْتِكَ، وَأَنْتَظِرُ ظُهُورَكَ وَظُهُورَ الْحَقِّ عَلَى

سوی خدا نزدیک می‌شوم، و منتظر ظهور تو و آشکار شدن حق

يَدَيْكَ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

و حقیقت به دست تو هستم؛ از خدا درخواست می‌کنم که بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي مِنَ الْمُنتَظِرِينَ لَكَ، وَالتَّابِعِينَ

محمد درود بفرستد، و مرا از منتظران تو قرار دهد، و جزو پیروان

وَالنَّاصِرِينَ لَكَ عَلَى أَعْدَائِكَ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ

و یاران تو بر ضد دشمنانت قرار دهد، و مرا در زمره کسانی که در پیش روی تو

يَدَيْكَ فِي جُمْلَةِ أَوْلِيَائِكَ. يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ

و جزو دوستان تو طالب شهادت می‌باشند قرار دهد. ای مولای من؛ ای صاحب

الزَّمَانِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ، هَذَا

الزمان؛ درود خداوند بر تو و بر آل تو نثار باد. امروز،

يَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَهُوَ يَوْمُكَ الْمُتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ،

جمعه است؛ همان روزی که انتظار می‌رود ظهورت در چنین روزی به وقوع بپیوندد،

وَالْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدَيْكَ، وَقَتْلُ الْكُافِرِينَ

و به دست تو مؤمنان از گرفتاری نجات یابند؛ و شمشیر باکفایت تو کافران را بکشد.

بِسَيْفِكَ، وَأَنَا يَا مَوْلَايَ فِيهِ ضَيْفُكَ وَجَارُكَ، وَأَنْتَ

و من ای مولای من؛ در این روز میهمان و پناهنده تو هستم؛ و تو

يَا مَوْلَايَ كَرِيمٌ مِنْ أَوْلَادِ الْكِرَامِ، وَمَأْمُورٌ

ای مولا و سرورم؛ بزرگوار و از فرزندان بزرگواران هستی، و دستور الهی به تو آن است که

بِالضِّيَافَةِ وَالْإِجَارَةِ، فَأَضْفِنِي وَأَجِرْنِي، صَلَوَاتُ

میهمان را بپذیری و پناه دادن را انجام دهی؛ پس، مرا میهمان نما و پناه بده. درود

اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ.

دایم خداوند بر تو و اهل بیت پاکت باد.

سید بزرگوار جناب رضی الدین علی بن طاووس حسنی رحمه الله
می فرماید: من پس از این زیارت، با اشاره و کنایه به حضرتش
عرض می کنم:

نَزِيلُكَ حَيْثُ مَا اتَّجَهْتُ رِكَابِي وَضَيْفُكَ حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْبِلَادِ^۱

هر جا مرکبم روی نماید بر خوان احسان تو فرود آیم، و در هر
شهری که باشم مهمان تو هستم.



زیارت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء

که در مشکلات و سختی ها خوانده می شود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ الْحُجَّةَ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای محمد بن حسن، ای حجت (خدا)؛ سلام

عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْأَمْرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ

بر تو ای صاحب امر و فرمان؛ سلام بر تو ای صاحب

التَّدْبِيرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ،

تدبیر و چاره اندیشی؛ سلام بر تو ای مولای ما؛ ای صاحب زمان؛

۱. جمال الأسبوع: ۴۱.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَمَامُ الْمُتَنْتِظَرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای امام مورد انتظار؛ سلام بر تو

أَيُّهَا الْقَائِمُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْخَلْفُ الصَّالِحُ لِلْأُمَّةِ

ای قیام کننده؛ سلام بر تو ای جانشین شایسته امامان

الْمَعْصُومِينَ الْمُطَهَّرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ

معصوم و پاک؛ سلام بر تو ای پیشوای

الْمُسْلِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

مسلمانان؛ سلام بر تو ای ولی خدا؛ سلام بر تو

يَا خَلِيفَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ

ای جانشین راستین رسول خدا که درود خدا بر او و آل او باد؛ سلام

عَلَيْكَ يَا فِلْدَةَ كَبِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

بر تو ای جگرگوشه پیامبر خدا که درود خدا بر او و آل او باد؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَضْعَةَ

سلام بر تو ای حجت خدا؛ سلام بر تو ای پاره تن

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَادَةَ

رسول خدا که درود خدا بر او و آل او باد؛ سلام بر تو ای راهی که به

اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غَوْثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، السَّلَامُ

خدا می رسد؛ سلام بر تو ای فریادرس فریاد کنندگان؛ سلام

زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز یکشنبه
 که از حضرت بقیة الله علیه السلام روایت شده است

زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، بنا بر روایت شخصی که در حال بیداری - نه خواب - امام زمان ارواحنافداه را زیارت کرد و مشاهده نمود که در روز یکشنبه - که متعلق به امیر مؤمنان علی علیه السلام است - این گونه آن حضرت را زیارت نمود:

السَّلَامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ، وَالذَّوْحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ

سلام بر شجره مبارکه نبوت؛ و سایبان بزرگ فروزنده هاشمی،

الْمُضَيَّبَةِ، الْمُثْمَرَةِ بِالنُّبُوَّةِ، الْمُنَوَّعَةِ بِالْإِمَامَةِ،

که میوه اش نبوت و شاخ و برگش امامت است.

وَعَلَى ضَجِيعِكَ آدَمَ وَنُوحَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى

سلام بر دو نفری که پهلوی تو یعنی آدم و نوح آرمیده اند. سلام بر تو

أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى

و اهل بیت پاک پاکیزه ات؛ سلام بر تو و

الْمَلَائِكَةِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ وَالْحَافِينَ بِقَبْرِكَ. يَا مَوْلَايَ

فرشتگانی که گرداگرد تو و دربرگیرنده قبر تو هستند. ای مولای من؛

عَلَيْكَ يَا غَوْثَ الْمَلْهُوفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَوْنَ

بر تو ای فریادرس دلسوختگان؛ سلام بر تو ای یاور

الْمَظْلُومِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قُطْبَ الْعَالَمِ، السَّلَامُ

ستمیدگان؛ سلام بر تو ای محور جهان هستی؛ سلام

عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمَسِيحِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَدِيلَ الْخَيْرِ،

بر تو ای امام و پیشوای حضرت (عیسی) مسیح؛ سلام بر تو ای هم‌سنگ خوبی‌ها؛

أَدْرِكُنِي، أَدْرِكُنِي، أَدْرِكُنِي، أَعْنِي وَلَا تُعِنْ عَلَيَّ،

مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب؛ کمک کن و بر علیه من کمک مکن؛

وَأَنْصُرْنِي وَلَا تَنْصُرْ عَلَيَّ، كُنْ مَعِيَ وَلَا تُفَارِقْنِي،

یاریم رسان و مخالفانم را یاری مکن؛ همراهم باش و بر علیه من کمک مکن؛

تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ شَاكِرًا وَمُصَلِّيًا وَهُوَ حَسْبِي وَنِعْمَ

بر خدا توکل کردم در حالی که او را سپاسگزاری می‌کنم و نماز می‌خوانم؛ او مرا بس است و

الْوَكِيلُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ۱.

وکیل خوبی است؛ و درود پیوسته خداوند بر آقای ما حضرت محمد و آل او، نثار باد.

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، هَذَا يَوْمُ الْأَحَدِ ، وَهُوَ يَوْمُكَ

ای فرمانروای مؤمنان؛ امروز، یکشنبه است؛ و آن، روز تو

وَبِاسْمِكَ ، وَأَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ وَجَارُكَ ، فَأَضِفْنِي يَا مَوْلَايَ

و به نام توست؛ من نیز مهمان و پناهنده تو در این روز هستم؛ پس مرا به مهمانی بپذیر - ای مولای من -

وَأَجْرَنِي ، فَإِنَّكَ كَرِيمٌ تُحِبُّ الضِّيَافَةَ ، وَمَأْمُورٌ

و پناهم ده؛ زیرا، تو بزرگواری هستی که مهمانی کردن و پذیرایی را دوست می‌داری، و از جانب خداوند دستور

بِالْأَجَارَةِ ، فَافْعَلْ مَا رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ ، وَرَجَوْتُهُ مِنْكَ

پناه‌دادن مردم را داری. بنابراین، امروز آنچه من بدان اشتیاق دارم و امید دارم که تو انجام دهی برایم انجام بده؛

بِمَنْزِلَتِكَ ، وَآلِ بَيْتِكَ عِنْدَ اللَّهِ وَمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكُمْ ، وَبِحَقِّ

به خاطر جایگاه خودت و خاندانت نزد خداوند، و جایگاه و ارزشی که خداوند نزد شما دارد، و نیز به حق

ابْنِ عَمِّكَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَجْمَعِينَ .^۱

پسرعمویت رسول خدا؛ درود پیوسته الهی نثار او و همه شما باد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. جمال الأسبوع: ۳۸، جنة المأوى: ۲۷۱.



زیارت ناحیه مقدسه

علامه مجلسی رحمته الله در «بحار الأنوار» می‌گوید: شیخ مفید رحمته الله

روایت کرده است: هرگاه خواستی امام حسین علیه السلام را در روز

عاشورا زیارت کنی، نزد آن حضرت بایست، و بگو:

السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صِفْوَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر آدم، برگزیده خداوند از بین آفریدگانش؛ سلام بر

شَيْثٍ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى إِدْرِيسَ الْقَائِمِ

حضرت شیث ولی خدا و انتخاب‌شده او، سلام بر جناب ادريس پريدارنده

لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى نُوحِ الْمُجَابِ فِي دَعْوَتِهِ ،

حجت الهی؛ سلام بر نوح پاسخ داده شده در دعایش؛

السَّلَامُ عَلَى هُودِ الْمَمْدُودِ مِنَ اللَّهِ بِمَعُونَتِهِ ، السَّلَامُ

سلام بر هود که از طرف خداوند کمک‌های بسیار به او شد؛ سلام

عَلَى صَالِحِ الَّذِي تَوَجَّهَ اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى

بر صالح که خداوند به او تاج کرامت و بزرگواری بخشید؛ سلام بر

إِبْرَاهِيمَ الَّذِي حَبَّاهُ اللَّهُ بِخُلَّتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى

ابراهيم که خداوند مقام خلّت و دوستی ویژه خود را به او بخشید؛ سلام بر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِسْمَاعِيلَ الَّذِي فَدَاهُ اللَّهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ مِنْ جَنَّتِهِ ،

اسماعیل که خداوند قربانی بزرگی از بهشت را فدیة او قرار داد (و او را آزاد نمود)؛

السَّلَامُ عَلَى إِسْحَاقَ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ النُّبُوَّةَ فِي

سلام بر اسحاق که خداوند پیامبری و نبوت را در

ذُرِّيَّتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى يَعْقُوبَ الَّذِي رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ

نسل او قرار داد؛ سلام بر یعقوب که خداوند با رحمتش نور

بَصَرَهُ بِرَحْمَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى يُوسُفَ الَّذِي نَجَّاهُ اللَّهُ

چشمانش را به وی بازگردانید؛ سلام بر یوسف که خداوند

مِنَ الْجَبِّ بِعَظَمَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى مُوسَى الَّذِي فَلقَ

به عظمتش او را از چاه نجات بخشید؛ سلام بر موسی که

اللَّهُ الْبَحْرَ لَهُ بِقُدْرَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى هَارُونَ الَّذِي

خداوند دریا را با نیروی خودش برای او شکافت؛ سلام بر هارون که

خَصَّهُ اللَّهُ بِنُبُوَّتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى شُعَيْبٍ الَّذِي نَصَرَهُ

خداوند او را به پیامبری خود مخصوص گردانید؛ سلام بر شعیب که

اللَّهُ عَلَى أُمَّتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى دَاوُدَ الَّذِي تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ

خدا او را بر آمتش پیروز کرد؛ سلام بر داود که خدا توبه او را از

مِنْ خَطِيئَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى سُلَيْمَانَ الَّذِي ذَلَّتْ لَهُ

خطا و اشتباهش پذیرفت؛ سلام بر سلیمان که جتیان به واسطه

الْجَنُّ بِعِزَّتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى أَيُّوبَ الَّذِي شَفَاهُ اللَّهُ مِنْ

عزتش، در مقابلش فروتن شدند؛ سلام بر ایوب که خدا از بیماری

عَلِيَّتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى يُونُسَ الَّذِي أَنْجَزَ اللَّهُ لَهُ

و گرفتاری بهمودش بخشید؛ سلام بر یونس که خداوند وعده‌اش را برای او

مَضْمُونَ عِدَّتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى عُزَيْرٍ الَّذِي أَحْيَاهُ اللَّهُ

وفا کرد؛ سلام بر عذیر که خداوند او را

بَعْدَ مَيِّتَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى زَكَرِيَّا الصَّابِرِ فِي مِحْنَتِهِ ،

پس از مردن دوباره زنده کرد؛ سلام بر زکریا که در محنت و اندوهش شکیبایی ورزید؛

السَّلَامُ عَلَى يَحْيَى الَّذِي أَرْزَلَهُ اللَّهُ بِشَهَادَتِهِ ،

سلام بر یحیی که خدا با مقام شهادتش او را منزلت داد؛

السَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ وَكَلِمَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر عیسی که روح خدا و کلمه الهی بود؛ سلام بر

مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ وَصِفْوَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ

حضرت محمد که محبوب و برگزیده پروردگار است؛ سلام بر امیر

الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الْمَخْصُوصِ بِأُخُوَّتِهِ ،

مؤمنان حضرت علی فرزند ابو طالب که برادری پیامبر ویژه او شد؛

السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ابْنَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى أَبِي

سلام بر حضرت فاطمه زهرا، دختر رسول خدا؛ سلام بر حضرت ابو

مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَصِيَّ أَبِيهِ وَخَلِيفَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى

محمد امام حسن که وصی پدرش و جانشین او بود؛ سلام بر

الْحُسَيْنِ الَّذِي سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى

امام حسین که نفسش بزرگواری نمود با ریختن خون او (در راه خدا)؛ سلام بر

مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ

کسی که خدا را در پنهان و آشکارا فرمانبرداری کرد؛ سلام بر کسی که

جَعَلَ اللَّهُ الشِّفَاءَ فِي تَرْبِيَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ الْأَجَابَةُ

خداوند شفا را در خاک قبرش قرار داد؛ سلام بر کسی که اجابت و پاسخگویی خداوند به دعاها

تَحْتَ قَبْرِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ الْأَيْمَةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ،

در زیرگنبد شریفش حتمی است؛ سلام بر کسی که امامان و پیشوایان اسلام از نسل او هستند،

السَّلَامُ عَلَى ابْنِ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ

سلام بر فرزند آخرین پیامبران، سلام بر فرزند

سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ،

سرور جانشینان، سلام بر فرزند حضرت فاطمه زهرا،

السَّلَامُ عَلَى ابْنِ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ

سلام بر فرزند خدیجه کبری، سلام بر فرزند

سِدْرَةِ الْمُنتَهَى، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ جَنَّةِ الْمَأْوَى،

سدره المنتهی (بالاترین مکان در بهشت)، سلام بر فرزند بهشتی که جایگاه آسایش است،

السَّلَامُ عَلَى ابْنِ زَمْزَمَ وَالصَّفَا، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر فرزند زمزم و صفا، سلام بر

الْمُرْمَلِ بِالِدِّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَهْتُوكِ الْخِبَاءِ،

کسی که در خونش غلتید، سلام بر کسی که خیمه‌گاهش هتک حرمت شد،

السَّلَامُ عَلَى خَامِسِ أَصْحَابِ أَهْلِ الْكِسَاءِ، السَّلَامُ

سلام بر پنجمین نفر از اصحاب کساء؛ سلام

عَلَى غَرِيبِ الْعُرَبَاءِ، السَّلَامُ عَلَى شَهِيدِ الشُّهَدَاءِ،

بر غریب غریبان، سلام بر شهید شهیدان،

السَّلَامُ عَلَى قَتِيلِ الْأَدْعِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ

سلام بر کشته شده به دست حرام‌زادگان؛ سلام بر ساکن

كَرْبَلَاءَ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَكَتَهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ،

کربلا؛ سلام بر کسی که فرشتگان آسمان بر او گریستند؛

السَّلَامُ عَلَى مَنْ ذُرِّيَّتُهُ الْأَزْكَيَاءُ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر کسی که فرزندان پاک‌ترین و ناب‌ترین انسان‌ها بودند، سلام بر

يَعْسُوبِ الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَى مَنَازِلِ الْبَرَاهِينِ،

پادشاه و پیشوای دین؛ سلام بر منزلگاه‌های دلایل روشن الهی،

السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ السُّادَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْجُيُوبِ

سلام بر امامان والا و شرافتمند؛ سلام بر گریبان‌های

الْمُضَرَّجَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الشُّفَاهِ الذَّابِلَاتِ، السَّلَامُ

خون آلوده؛ سلام بر لب‌های خشکیده، سلام

عَلَى النَّفُوسِ الْمُصْطَلَمَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَزْوَاحِ

بر جان‌های بلا دیده، سلام بر روح‌های

الْمُخْتَلَسَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَادِ الْغَارِيَاتِ،

از بدن رها شده، سلام بر پیکرهای عریان شده،

السَّلَامُ عَلَى الْجُسُومِ الشَّاحِبَاتِ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر جسم‌های رنگ پریده، سلام بر

الدَّمَاءِ السَّائِلَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَعْضَاءِ

خون‌های جاری شده، سلام بر عضوهای

الْمَقْطَعَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الرَّؤُوسِ الْمُشَالَاتِ،

قطعه قطعه شده، سلام بر سرهای به نیزه رفته،

السَّلَامُ عَلَى النَّسْوَةِ الْبَارِزَاتِ، السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ

سلام بر زنانی که نمودار گشته (از خیمه بیرون آمده)، سلام بر حجت

رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ

پروردگار جهانیان، سلام بر تو (ای حسین) و بر پدران

الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَبْنَائِكَ

پاکت، سلام بر تو و بر فرزندان

الْمُسْتَشْهَدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ذُرِّيَّتِكَ

شهادت‌طلبیت، سلام بر تو و بر نسل

النَّاصِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ

یاری‌کننده‌ات، سلام بر تو و بر فرشتگان

الْمُضَاجِعِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْقَتِيلِ الْمَظْلُومِ، السَّلَامُ

کنار آرامگاهت، سلام بر کشته ستم‌دیده، سلام

عَلَى أَخِيهِ الْمَسْمُومِ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ الْكَبِيرِ،

بر برادر مسمومش (امام حسن)، سلام بر علی بزرگ (علی اکبر)،

السَّلَامُ عَلَى الرَّضِيعِ الصَّغِيرِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَبْدَانِ

سلام بر آن شیرخوار کوچک؛ سلام بر بدن‌هایی که (جامه‌های آنان)

السَّلَامُ عَلَى الْعِتْرَةِ الْقَرِيبَةِ (الْغَرِيبَةِ)، السَّلَامُ

به تاراج رفته؛ سلام بر خاندان نزدیک به پیامبر، سلام بر

عَلَى الْمُجَدَّلِينَ فِي الْفَلَوَاتِ، السَّلَامُ عَلَى النَّازِحِينَ

روی زمین افتادگان در بیابان‌ها؛ سلام بر دور شدگان از

عَنِ الْأَوْطَانِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَدْفُونِينَ بِلَا أَكْفَانٍ،

سرزمین خویش، سلام بر خاک سپرده‌شدگان بی‌کفن،

السَّلَامُ عَلَى الرَّؤُوسِ الْمَفْرَقَةِ عَنِ الْأَبْدَانِ، السَّلَامُ

سلام بر سرهای جدا شده از بدن‌ها، سلام

عَلَى الْمُحْتَسِبِ الصَّابِرِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَظْلُومِ بِإِلَا

بر کسی که مصایبش را به حساب خدا گذارد و شکیبا بود، سلام بر ستمدیده

نَاصِرٍ، السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ التُّرْبَةِ الزَّكِيَّةِ، السَّلَامُ

بی‌یاور، سلام بر کسی که در خاک پاک سکونت گزید، سلام

عَلَى صَاحِبِ الْقُبَّةِ السَّامِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ طَهَّرَهُ

بر صاحب گنبدی بلندمرتبه، سلام بر کسی که خدای بزرگ او را پاک نمود،

الْجَلِيلُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ افْتَخَرَ بِهِ جِبْرَائِيلُ، السَّلَامُ

سلام بر کسی که جبرئیل به او افتخار می‌کرد، سلام

عَلَى مَنْ نَاغَاهُ فِي الْمَهْدِ مِكَائِيلُ، السَّلَامُ عَلَى

بر کسی که در گهواره میکائیل برایش لالائی می‌گفت، سلام بر

مَنْ نُكِّتَتْ ذِمَّتُهُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ هُتِكَتْ حُرْمَتُهُ،

آن که پیمانش را شکستند، سلام بر کسی که حرمتش را هتک نمودند،

السَّلَامُ عَلَى مَنْ أُرِيقَ بِالظُّلْمِ دَمُهُ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر کسی که خورش را به ناحق و با ستمکاری ریختند، سلام بر

الْمُغْسَلِ بِدَمِ الْجِرَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُجْرَعِ

کسی که با خون جراحاتش شستشو داده شد، سلام بر کسی که از

بِكَاسَاتِ الرِّمَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُضَامِ الْمُسْتَبَاحِ،

کاسه‌های نیزه‌ها جرعه نوشید، سلام بر کسی که بروی ستم‌کرده و ریختن خونش را حلال شمردند؛

السَّلَامُ عَلَى الْمَنْحُورِ فِي الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَى مَنْ

سلام بر او که جلو روی همه مردم سرش را از تن جدا کردند - و کسی چیزی نگفت - ، سلام بر آن

دَفَنَهُ أَهْلُ الْقُرَى، السَّلَامُ عَلَى الْمَقْطُوعِ الْوَتِينِ،

آقای بزرگ‌زاده‌ای که روستانشینان (بنی‌اسد) دفنش کردند؛ سلام بر آن که رگ گردن مبارکش بریده شد،

السَّلَامُ عَلَى الْمُحَامِي بِإِلَا مُعِينٍ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر آن حمایتگر بی‌یاور، سلام بر

الشَّيْبِ الْخَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الْخَدِّ التَّرِيبِ،

محاسن با خون خضاب شده، سلام بر آن گونه و رخسار خاک آلوده،

السَّلَامُ عَلَى الْبَدَنِ السَّلِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الثَّغْرِ

سلام بر آن بدنی که لباس‌هایش به تاراج رفته، سلام بر آن دندان

الْمَقْرُوعِ بِالْقَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ،

مبارکی که با چوب (خیزران) کوبیده شد، سلام بر آن سری که بر بالای نیزه رفت،

السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَامِ الْعَارِيَّةِ فِي الْفَلَوَاتِ،

سلام بر بدن‌هایی که بدون پوشش در بیابان‌ها افتاده بودند،

تَهَشُّهَا الذُّنَابُ الْعَادِيَاتُ، وَتَخْتَلِفُ إِلَيْهَا السَّبَاعُ

گرگ‌های متجاوز آن‌ها را دریدند و درندگان وحشی پیرامون‌شان

الضَّارِيَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَعَلَى

رفت و آمد می‌کردند. سلام بر تو ای مولای من؛ و

الْمَلَائِكَةِ الْمَرْفُوفِينَ حَوْلَ قَبْتِكَ، الْحَافِينَ بِتُرْبَتِكَ،

فرشتگانی که گرداگرد گنبد شریف بال گشوده‌اند؛ خاک پاک قبرت را در برگرفته‌اند؛

الطَّائِفِينَ بِعَرْصَتِكَ، الْوَارِدِينَ لِزِيَارَتِكَ، السَّلَامُ

به طواف حرمت مشغول اند، و برای زیارتت وارد می‌شوند. سلام

عَلَيْكَ فَإِنِّي قَصَدْتُ إِلَيْكَ، وَرَجَوْتُ الْفَوْزَ لَدَيْكَ،

بر تو؛ من به قصد زیارت تو آمده‌ام و امیدوارم نزد تو رستگار شوم.

السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامَ الْعَارِفِ بِحُرْمَتِكَ، الْمَخْلِصِ

سلام بر تو؛ سلام کسی که عارف و آشنا به حرمت تو، و اخلاص دارنده

فِي وِلَايَتِكَ، الْمُتَقَرِّبِ إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِكَ، الْبَرِيِّ مِنْ

در ولایت تو، تقرب جوینده به سوی خدا با محبت تو، و بی‌زاری جوینده از

أَعْدَائِكَ، سَلَامَ مَنْ قَلْبُهُ بِمُضَابِكِ مَقْرُوحٌ، وَدَمْعُهُ

دشمنانت می‌باشد، سلام کسی که دلش از مصیبت تو جریحه‌دار، و اشکش

عِنْدَ ذِكْرِكَ مَسْفُوحٌ، سَلَامَ الْمَفْجُوعِ الْحَزِينِ الْوَالِهِ

با یاد تو ریزان است؛ سلام دردمندی اندوهگین و سرگشته‌ای

الْمُسْتَكِينِ، سَلَامَ مَنْ لَوْ كَانَ مَعَكَ بِالطُّفُوفِ لَوْكَ أَكَّ

بیچاره؛ سلام کسی که اگر در آن صحرای کربلا همراهت بود به طور حتم تو را

بِنَفْسِهِ حَدَّ السُّيُوفِ، وَبَدَلَ حُشَاشَتَهُ دُونَكَ

با جان خود در برابر تیزی شمشیرها نگهداری می‌کرد، و نیمه جانی را که در پیکرش باقی مانده برای تو در معرض

لِلْحُتُوفِ، وَجَاهِدَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَنَصَرَكَ عَلَى مَنْ

مرگ قرار می‌داد؛ و در پیشگاه تو به نبرد می‌پرداخت، و در مقابل

بَعِيْ عَلَىكَ، وَقَدَاكَ بِرُوحِهِ وَجَسَدِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ،

ستمکاران بر تو، یاریت می‌کرد؛ و روح و جسم و دارایی و فرزندان خود را فدایت می‌ساخت،

وَرُوحَهُ لِرُوحِكَ فِدَاءً، وَأَهْلَهُ لِأَهْلِكَ وَقَاءً. فَلَيْسَ

و روحش را فدای روح شریفت می‌کرد و خانواده‌اش را به حفظ و نگهداری خانواده‌ات می‌گماشت. پس

أَحْرَثَنِي الدُّهُورُ، وَعَاقَنِي عَنْ نَصْرِكَ الْمَقْدُورُ،

اگر روزگار مرا از زمان تو دور داشته، و مقدرات مرا از یاریت بازداشت،

وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِبًا، وَلِمَنْ نَصَبَ لَكَ

و نبودم که با جنگجویانی که به جنگ تو آمدند بجنگم، و با

الْعَدَاوَةَ مُنَاصِبًا، فَلَا تُدْبِتُكَ صَبَاحًا وَمَسَاءً،

دشمنانت بستیزم؛ لیکن، هر صبح و شام بر تو ناله و زاری و شیون می‌کنم،

وَلَا بُكَيْنَ لَكَ بَدَلَ الدَّمُوعِ دَمًا، حَسْرَةً عَلَىكَ،

و به جای اشک، برایت خون می‌گیریم؛ از حسرتی که بر تو می‌خورم،

وَتَأْسَفًا عَلَى مَا دَهَاكَ، وَتَلَهْفًا حَتَّى أَمُوتَ بِلَوْعَةِ

و تأسفی که بر رنج تو دارم و در سوز و گداز می‌مانم تا زمانی که

الْمُضَابِ، وَغُصَّةِ الْإِكْتِيَابِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ

از این مصیبت و غصه و اندوه بمیرم. گواهی می‌دهم که تو نماز را برپا داشتی،

الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ،

و زکات را پرداختی، و به معروف و نیکی فرمان دادی،

وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْعُدْوَانِ، وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَمَا

و از بدی‌ها و ستمکاری‌ها باز داشتی، و از خدا فرمان بردی و نافرمانی نکردی،

عَصِيَّتَهُ، وَتَمَسَّكَتَ بِهِ وَبِحَبْلِهِ فَأَرْضِيَّتَهُ وَخَشِيَّتَهُ،

و به خدا و ریسمان او چنگ زدی تا آن‌که او را از خود راضی و خشنود کردی در حالی‌که از او ترس داشتی؛

وَرَأَقَبْتَهُ وَاسْتَجَبْتَهُ، وَسَنَنْتَ السُّنْنَ، وَأَطَفَأْتَ

و مراقب و مواظب او بودی و او را پاسخ دادی، و به سنت‌ها و مستحبات عمل کردی و

الْفِتْنَ، وَدَعَوْتَ إِلَى الرَّشَادِ، وَأَوْضَحْتَ سُبُلَ

فتنه‌ها را خاموش نمودی، و به رشد و تکامل فرا خواندی، و راه‌های

السَّدَادِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ. وَكُنْتَ لِلَّهِ

استوار را اشکار ساختی، و آن‌گونه‌که حق جهاد و تلاش بود انجام دادی. و تو فرمان‌برداری نیک

طَائِعاً، وَلِجَدِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَابِعاً،

برای خداوند بودی، و از جدّت حضرت محمد - که درود خدا بر او و آل او باد - پیروی می‌کردی،

وَلِقَوْلِ أَبِيكَ سَامِعاً، وَإِلَى وَصِيَّتِهِ أَخِيكَ مُسَارِعاً،

و به گفتار پدرت گوش فرا می‌دادی، و برای انجام وصیت برادرت شتاب می‌نمودی،

وَلِعِمَادِ الدِّينِ زَافِعاً، وَلِلطُّغْيَانِ قَامِعاً، وَلِلطُّغَاةِ

و ستون‌های دین را بالا بردی، و سرکشی را در هم کوبیدی، و طغیان‌گران را

مُقَارِعاً، وَلِلْأُمَّةِ نَاصِحاً، وَفِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ

نابود کردی، و برای آمت اسلام خیرخواهی می‌کردی، و در سكرات مرگ

سَابِحاً، وَلِلْفُسَاقِ مُكَافِحاً، وَبِحُجَجِ اللَّهِ قَائِماً،

شناور بودی، و فاسقان را به مبارزه می‌طلبیدی، و حجت‌های الهی را بر پا داشتی

وَلِلْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ رَاحِماً، وَلِلْحَقِّ نَاصِراً،

و برای اسلام و مسلمانان مهربان و رحم‌کننده، و یار حق بودی،

وَعِنْدَ الْبَلَاءِ صَابِراً، وَلِلدِّينِ كَالِئْتاً، وَعَنْ حَوْزَتِهِ

و در بلاها و گرفتاری‌ها شکیبا، و برای دین نگهبان، و از حوزه و حریم دینی

مُرَامِياً. تَحُوطُ الْهُدَى وَتَنْصُرُهُ، وَتَبْسُطُ الْعَدْلَ

دفاع‌کننده بودی. نگهبان هدایت و یاری‌کننده آن و گستراننده عدل

وَتَنْشُرُهُ، وَتَنْصُرُ الدِّينَ وَتُظْهِرُهُ، وَتَكْفُ الْغَابِثَ

و نشر دهنده آن، و یاری‌کننده دین و اشکارکننده آن هستی، و بازیچه‌شمارنده دین را از کارش

وَتَزْجُرُهُ، وَتَأْخُذُ لِلدِّينِ مِنَ الشَّرِيفِ، وَتُسَاوِي

باز داشته و او را منع نمودی؛ و حق زبردستان را از ثروتمندان و اشراف می‌گرفتی،

فِي الْحُكْمِ بَيْنَ الْقَوِيِّ وَالضَّعِيفِ. كُنْتَ رَبِيعَ

و بین قوی و ضعیف به مساوات حکم می‌کردی. تو بهار

الْأَيْتَامِ، وَعِصْمَةَ الْأَنَامِ، وَعِزَّ الْإِسْلَامِ، وَمَعْدِنَ

یتیمان و پناهگاه مردم، و عزت و سربلندی اسلام و معدن

الْأَحْكَامِ، وَحَلِيفَ الْإِنْعَامِ، سَالِكاً طَرَائِقَ جَدِّكَ

احکام و هم‌پیمان بخشش و احسان بودی. پوینده راه جد

وَأَبِيكَ، مُشْبِهاً فِي الْوَصِيَّةِ لِأَخِيكَ، وَفِي الذَّمِّ،

و پدرت بودی، و همانند برادرت در وصیت پدرت بودی. وفاکننده به عهدها و پیمان‌ها، دارای

رَضِيَ الشَّيْمِ، ظَاهِرَ الْكَرَمِ، مُتَهَجِّداً فِي الظُّلَمِ،

خصلتها و خوی‌های نیکو، آشکارکننده بزرگواری‌ها، کوشش‌کننده در عبادت به هنگام تاریکی (شب زنده‌دار)،

قَوِيمَ الطَّرَائِقِ، كَرِيمَ الْخَلَائِقِ، عَظِيمَ السَّوَابِقِ،

دارنده روش‌های استوار، و اخلاق بزرگ منشی و بخشندگی، با پیشینه‌ای بزرگ و درخشان،

شَرِيفَ النَّسَبِ، مُنِيفَ الْحَسَبِ، رَفِيعَ الرَّتَبِ، كَثِيرَ

نژادی شریف، حسبی برتر، درجانی عالی و رفیع،

الْمَنَاقِبِ، مَحْمُودَ الضَّرَائِبِ، جَزِيلَ الْمَوَاهِبِ.

افتخاراتی فراوان، سرشت‌های ستوده، موهبت‌ها و بخشش‌های بسیار بود.

حَلِيمَ رَشِيدٍ مُنِيبٍ، جَوَادٍ عَلِيمٍ شَدِيدٍ، إِمَامٍ شَهِيدٍ،

بردار، کمال یافته، انابه‌کننده به سوی خدا، بخشنده، دانا، قدرتمند، پیشوا، شهید،

أَوَاهٍ مُنِيبٍ، حَبِيبٍ مَهِيْبٍ. كُنْتَ لِلرَّسُولِ صَلَّى اللهُ

شیون‌کننده و انابه‌کننده، دوست‌دارنده، باهویت هستی. تو برای حضرت پیامبر - که درود خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَوَلَدِهِ، وَلِلْقُرْآنِ سَنَدًا، وَلِلْأُمَّةِ عَضُدًا،

بر او و آل او باد - فرزند، و برای قرآن پشتیبان، و برای امت بازویی توانا و باور بودی،

وَفِي الطَّاعَةِ مُجْتَهِدًا، حَافِظًا لِعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ،

و در فرمانبرداری از دستورات الهی کوشا، نگهبان و نگه‌دارنده پیمان و تعهد عالم ذر،

نَاكِبًا عَنِ سُبُلِ الْمُسَاقِ، [وَ] بَاذِلًا لِلْمَجْهُودِ، طَوِيلَ

کناره‌گیر از راه مردمان فاسق و تبه‌کار، و بکار برنده تمام سعی و کوشش خود بودی. دارای

الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ، زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا زُهْدَ الرَّاحِلِ

رکوع و سجود طولانی بودی، و نسبت به دنیا بی‌اعتنا و بی‌رغبت بودی، همچون کسی که می‌خواهد

عَنْهَا، نَاظِرًا إِلَيْهَا بِعَيْنِ الْمُسْتَوْحِشِينَ مِنْهَا، آمَالِكَ

آن را رها کند و از آن کوچ کند و همواره به آن به دیده وحشت‌زدگان می‌نگریستی. از آرزوهای

عَنْهَا مَكْفُوفَةٌ، وَهَمَّتْكَ عَنْ زِينَتِهَا مَصْرُوفَةٌ،

دنیویت دل‌کنده، و همت تو از زینت‌های آن روگردان شده،

وَأَلْحَاطُكَ عَنْ بَهْجَتِهَا مَطْرُوفَةٌ، وَرَغَبَتُكَ فِي

و نگاهت از سرور و شادمانی آن پوشیده شده، و شوق و اشتیاق تو

الْآخِرَةِ مَعْرُوفَةٌ، حَتَّى إِذَا الْجَوْرُ مَدَّ بَاعَهُ، وَأَسْفَرَ

به آخرت معروف بود؛ تا آن که ستم، دست ستمگرش را دراز کرد و

الظُّلْمُ قِنَاعَهُ، وَدَعَا الْغِيَّ أَتْبَاعَهُ، وَأَنْتَ فِي حَرَمِ

ظلم، نقاب از چهره افکنند، و گمراهی پیروان خویش را فرا خواند؛ و در حالی که تو در حرم

جَدِّكَ قَاطِنٌ، وَلِلظَّالِمِينَ مُبَايِنٌ، جَلِيسُ الْبَيْتِ

جدت ساکن و از ستمگران دوری گزیده بودی، مونس

وَالْمِحْرَابِ، مُعْتَزِلٌ عَنِ اللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ، تُنْكِرُ

محراب و خانه گشته و از شهوت‌ها و لذت‌ها دوری گزیده، و

الْمُنْكَرَ بِقَلْبِكَ وَلِسَانِكَ، عَلَى حَسَبِ طَاقَتِكَ

در حدّ طاقت و امکانت با قلب و زبانت زشتی را زشت شمردی،

وَأَمْكَانِكَ، ثُمَّ اقْتَضَاكَ الْعِلْمُ لِلْإِنْكَارِ، وَلَزِمَكَ أَنْ

سپس اقتضا کرد علم و آگاهی، تو را بر انکار؛ و بر تو لازم شد با

تُجَاهِدَ الْفُجَّارَ، فَسِرْتَ فِي أَوْلَادِكَ وَأَهْلِيكَ،

فاجران و بدکاران جهاد کنی؛ پس با فرزندان و خاندان

وَشَيْعَتِكَ وَمَوَالِيكَ، وَصَدَعْتَ بِالْحَقِّ وَالْبَيِّنَةِ،

و پیروان و دوستانت به راه افتادی، و حقّ و حقیقت را با برهان‌های الهی آشکار ساختی،

وَدَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ،

و مردم را با حکمت و پند نیکو به سوی خدا فرا خواندی،

وَأَمَرْتَ بِإِقَامَةِ الْحُدُودِ، وَالطَّاعَةِ لِلْمَعْبُودِ، وَنَهَيْتَ

و امر به برپایی حدود الهی و اطاعت پروردگار، و نهی

عَنِ الْخَبَائِثِ وَالطُّغْيَانِ، وَوَأَجْهوكَ بِالظُّلْمِ

از پلیدی‌ها و سرکشی‌ها نمودی، و آنان با ستم و عدوان با تو مقابله

وَالْعُدْوَانِ. فَجَاهَدْتَهُمْ بَعْدَ الْإِپْعَاطِ لَهُمْ، وَتَأْكِيدِ

نمودند. پس از آن که آن‌ها را پند داده و از کار خود بازداشتی، و

الْحُجَّةِ عَلَيْهِمْ، فَانْكُثُوا ذِمَامَكُمْ وَبَيْعَتَكُمْ، وَأَسْخَطُوا

اتمام حجّت نمودی، با آنان جهاد کردی؛ پس آنان پیمان و بیعت تو را شکستند، و

رَبِّكَ وَجَدَّكَ، وَبَدَّوْكَ بِالْحَرْبِ، فَثَبَّتَ لِطُغْنِ

پروردگار تو و جدّت را خشمگین کردند، و با تو شروع به جنگ نمودند؛ پس تو در برابر ضربات

وَالضَّرْبِ، وَطَحْنَتَ جُنُودِ الْفُجَّارِ، وَاقْتَحَمْتَ

(شمشیرها و نیزه‌ها) استوار ماندی، و لشکریان بدکاره را درهم کوبیدی،

قَسَطَلَ الْعُغْبَارِ، مُجَالِدًا بِذِي الْفِقَارِ، كَأَنَّكَ عَلِيٌّ

و در گرد و غبار برخاسته در میدان جهاد با ذوالفقار آنگونه وارد شدی که گویا تو همان علی

الْمُخْتَارُ. فَلَمَّا رَأَوْكَ ثَابِتَ الْجَاشِ، غَيْرَ خَائِفٍ وَلَا

برگزیده خدا هستی. پس، هنگامی که تو را ثابت‌قدم و دلیر دیدند، در حالی که هیچ‌گونه ترس

خَاشٍ، نَصَبُوا لَكَ غَوَائِلَ مَكْرِهِمْ، وَقَاتَلُوكَ

و هراسی در تو نبود برای تو دام‌های مکرشان را نصب کردند، و با

بِكَيْدِهِمْ وَشَرِّهِمْ، وَأَمَرَ اللَّعِينُ جُنُودَهُ، فَمَنْعُوكَ

مکر و شرّشان به جنگ با تو پرداختند؛ و آن شخص ملعون به لشکریانش دستور داد، پس

الْمَاءَ وَوُرُودَهُ، وَنَاجَزُوكَ الْقِتَالَ، وَعَاجَلُوكَ

تو را از آب و وارد شدن به آن باز داشتند، و به مبارزه با تو پرداخته و در این امر شتافتند،

النِّزَالَ، وَرَشَقُوكَ بِالسَّهَامِ وَالنَّبَالِ، وَبَسَطُوا إِلَيْكَ

و تیرها و سنگ‌ها را به تو پرتاب کردند، و

أَكْفَ الْأِصْطِلَامِ، وَلَمْ يَزْعُوا لَكَ ذِمَاماً، وَلَا رَاقِبُوا

دست‌های ویرانگر خود را به سوی تو گشودند، و حق تو را مراعات نکردند، و

فِيكَ آثَاماً، فِي قَتْلِهِمْ أَوْلِيَاءَكَ، وَنَهَبِهِمْ رِحَالَكَ،

در کشتن عزیزان تو و غارت زاد و توشه تو هیچ ترسی از جزای گناه خویش به خود راه ندادند؛

وَأَنْتَ مُقَدَّمٌ فِي الْهَبَوَاتِ، وَمُحْتَمِلٌ لِلْأَذْيَاتِ، قَدْ

و در میان گرد و غبار میدان به پیش می‌تاختی، و آزار و اذیت‌ها را تحمل می‌کردی، که به راستی

عَجِبْتَ مِنْ صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ. فَأَخَذَقُوا

فرشتگان آسمان از صبر تو در شگفت آمدند. پس آنان (دشمنان)

بِكَ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ، وَأَثَخَوْكَ بِالْجِرَاحِ، وَحَالُوا

از هر سو اطراف تو را گرفتند؛ و زخم‌های عمیقی بر تو وارد کردند و میان تو و بین

بَيْنَكَ وَبَيْنَ الرُّوْحِ، وَلَمْ يَسْبِقْ لَكَ نَاصِرٌ، وَأَنْتَ

راحتی و نجات فاصله انداختند (یعنی نگذاشتند کار به شبانگاه برسد)، و تو را هیچ یآوری باقی نمانده بود،

مُحْتَسِبٌ صَابِرٌ، تَذُبُّ عَنْ نِسْوَتِكَ وَأَوْلَادِكَ، حَتَّى

و تو کار را به حساب خدا واگذار کرده و صبر نمودی، و از زنان و اولادت دفاع می‌کردی، تا

نَكَسُوكَ عَنْ جَوَادِكَ، فَهَوَيْتَ إِلَى الْأَرْضِ جَرِيحاً،

آن که تو را از اسب سرنگون ساختند، و با بدنی مجروح بر زمین افتادی؛

تَطَوُّكَ الْخَيُْولُ بِحَوَافِرِهَا، وَتَعْلُوكَ الطُّغَاةُ بِبَوَاتِرِهَا.

اسب‌ها با سم‌هایشان تو را لگدکوب کردند و طغیان‌گران تو را با شمشیرهایشان ضربه می‌زدند.

قَدْ رَشَحَ لِلْمَوْتِ جَبِينُكَ، وَاخْتَلَفْتَ بِالْإِنْتِقَابِضِ

عرق مرگ بر پیشانی‌ت نشست، و راست و چپ بدن مبارکت را با جمع کردن

وَالْأَنْبِطِاطِ شِمَالُكَ وَيَمِينُكَ، تُدِيرُ طَرْفًا خَفِيًّا إِلَى

و گشودن جابجا می‌کردی، و با گوشه چشم به خیام و حرمت نگاه می‌کردی،

رَحْلِكَ وَبَيْتِكَ، وَقَدْ شَغَلَتْ بِنَفْسِكَ عَنْ وُلْدِكَ

و مصیبتی که بر تو وارد می‌شد تو را از فرزندان

وَأَهْلِكَ، وَأَسْرَعَ فَرَسُكَ شَارِداً، إِلَى خِيَامِكَ

و اهل بیئت به خود مشغول ساخته بود، و اسب تو شیون‌کنان

قَاصِداً، مُحَمِّمًا بَاكِياً، فَلَمَّا رَأَيْنَ النِّسَاءَ جَوَادِكَ

و گریه‌کنان با سرعت به سوی حرمت آمد، هنگامی که زنان اسبت را

مَخْزِياً، وَنَظَرْنَ سَرْجَكَ عَلَيْهِ مَلُویاً، بَرَزْنَ مِنْ

شرمسار دیدند و به زین واژگونش نظر افکندند، از

الْخُدُورِ، نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُودِ، لِاطْمَاتِ

خیمه‌ها بیرون آمدند، موهای‌شان را بر چهره‌های‌شان پریشان کرده، بر

الْوُجُوهِ سَافِرَاتٍ، وَبِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتٍ، وَبَعْدَ الْعِزِّ

چهره‌های بدون نقابشان سیلی می‌زدند، و با صدای بلند ناله می‌زدند و تو را می‌خواندند، و آنان بعد از عزت

مُذَلَّلَاتٍ، وَإِلَى مَصْرَعِكَ مُبَادِرَاتٍ. وَالشُّمْرُ

ذلیل شده بودند، و به سوی قتلگاه تو شتافتند، در حالی که شمر (لعنة الله عليه)

جَالِسٌ عَلَى صَدْرِكَ، وَمَوْلَعٌ سَيْفَهُ عَلَى نَحْرِكَ،

بر روی سینهات نشسته بود و شمشیرش را بر گودی زبر گلوی تو فرو برده

قَابِضٌ عَلَى شَيْبَتِكَ بِيَدِهِ، ذَابِحٌ لَكَ بِمُهْنَدِهِ، قَدْ

و محاسنت را به دست گرفته بود، سرت را با شمشیر تیز خود می‌برد؛

سَكَنْتَ حَوَاشِيكَ، وَخَفَيْتَ أَنْفَاسَكَ، وَرَفَعَ عَلَى

در آن حالت حواست از حرکت ایستاد، و نفس‌هایت پنهان شد،

الْقَنَاةِ رَأْسُكَ، وَسَبَى أَهْلَكَ كَالْعَبِيدِ، وَصَفَدُوا فِي

و سرت بر بالای نیزه بلند شد، و اهل بیت تو مانند بندگان و بردگان اسیر شدند، و در

الْحَدِيدِ، فَوْقَ أَقْتَابِ الْمَطِيَّاتِ، تَلْفَحُ وَجُوهُهُمْ حَرُّ

غل و زنجیر به بند کشیده شدند. در فراز پالان‌های جهاز شتران، چهره‌های‌شان را گرمای

الْمُهَاجِرَاتِ، يُسَاقُونَ فِي الْبَرَارِيِّ وَالْفَلَوَاتِ،

شدید می‌سوزاند، و در بیابان‌ها و دشت‌ها پیش برده می‌شدند؛

أَيْدِيهِمْ مَعْلُومَةٌ إِلَى الْأَعْنَاقِ، يُطَافُ بِهِمْ فِي

دست‌هایشان به گردن‌هایشان آویخته و بسته بود، و آن‌ها را دور

الْأَسْوَاقِ. فَالْوَيْلُ لِلْعَصَاةِ الْفُسَّاقِ، لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكَ

بازارها می‌چرخاندند. پس، وای بر آن گناهکاران فاسق که به راستی با کشتن تو

الْإِسْلَامَ، وَعَطَّلُوا الصَّلَاةَ وَالصِّيَامَ، وَنَقَضُوا السَّنَنَ

اسلام را کشتند، و نماز و روزه را رها کردند، و سنت‌ها

وَالْأَحْكَامَ، وَهَدَمُوا قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ، وَحَرَّفُوا آيَاتِ

و احکام را شکستند، و ستون‌های دین و ایمان را منهدم کردند، و آیات الهی

الْقُرْآنِ، وَهَمَلَجُوا فِي الْبَغْيِ وَالْعُدْوَانِ. لَقَدْ أَصْبَحَ

قرآن را تحریف نمودند، و در دشمنی و ظلم و ستم پیش تاختند. آن‌گاه که تو را شهید کردند به

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوْثُورًا، وَعَادَ كِتَابُ

راستی رسول خدا - که درود خدا بر او و آل او باد - خون‌خواه تو شد، و بار دیگر کتاب

اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَهْجُورًا، وَغَوَدَرَ الْحَقُّ إِذْ قَهَرَتْ

خدا متروک و دور افتاده شد؛ و حق، مورد خیانت قرار گرفت؛ چون تو

مَقْهُورًا، وَفُقِدَ بِفَقْدِكَ التَّكْبِيرُ وَالتَّهْلِيلُ، وَالتَّحْرِيمُ

شکست خوردی؛ و با نبود تو، بانک «الله اکبر» و «لا إله إلا الله» و حرام

والتَّحْلِيلُ، وَالتَّنْزِيلُ وَالتَّأْوِيلُ، وَظَهَرَ بَعْدَكَ

و حلال خدا و تنزیل و تاویل قرآن، ناپدید شد؛ و بعد از تو،

التَّغْيِيرُ وَالتَّبْدِيلُ، وَالْإِلْحَادُ وَالتَّعْطِيلُ، وَالْأَهْوَاءُ

تغییر و دگرگونی (در احکام الهی) و کفر و بی‌دینی، و کنار گذاشتن سنت‌ها و هواهای نفسانی،

وَالْأَضَالِيلُ، وَالْفِتْنُ وَالْأَبَاطِيلُ. فَقَامَ نَاعِيكَ عِنْدَ

و گمراهی‌ها و فتنه‌ها و باطل‌ها پدیدار گشت. پس، خبردهندهٔ شهادت تو نزد

قَبْرِ جَدِّكَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَتَعَاكَ إِلَيْهِ

قبر جد تو رسول خدا - درود خدا بر او و آل او باد - ایستاد، و

بِالدَّمْعِ الْهَطُولِ، قَائِلًا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَتَلَ سِبْطُكَ

با اشک ریزان خبر شهادت تو را به پیامبر داد؛ در حالی که می‌گفت: ای رسول خدا؛ نوه

وَفَتَاكَ، وَاسْتَبِيحَ أَهْلُكَ وَحِمَاكَ، وَسَيَّيْتُ بَعْدَكَ

و جوان تو کشته شد، و حرمت اهل بیت تو شکسته و مباح شمرده شد؛ و فرزندان

ذُرَّارِيكَ، وَوَقَعَ الْمَحْذُورُ بِعِثْرَتِكَ وَذَوِيكَ.

و ذریه تو را بعد تو اسیر کردند، و خانواده و اطرافیانت در گرفتاری افتادند.

فَأَنْزَعَجَ الرَّسُولُ، وَبَكَى قَلْبُهُ الْمَهُولُ، وَعَزَّاهُ بِكَ

پس، پیامبر اشفته گردید، و قلب وحشت‌زده‌اش گریست؛ و به خاطر تو

الْمَلَائِكَةُ وَالْأَنْبِيَاءُ، وَفُجِعَتْ بِكَ أُمَّكَ الزَّهْرَاءُ،

فرشتگان و پیامبران بر او تسلیت گفتند؛ و به خاطر تو مادرت زهرا علیها السلام سوگوار و مصیبت‌زده شد؛

وَاخْتَلَفَتْ جُنُودُ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، تُعْزِي أَبَاكَ

و لشکریان فرشتگان مقرب الهی برای تسلیت گفتن به پدرت

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَأُقِيمَتْ لَكَ الْمَمَاتِمُ فِي أَعْلَى

امیر مؤمنان آمد و شد کردند، و در اعلیٰ علیین برای تو ماتم برپا شد،

عَلِيِّينَ، وَلَطَمَتْ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعِينُ، وَبَكَتِ السَّمَاؤُ

و به خاطر تو حورالعین سیلی بر صورت خود زدند، و آسمان

وَسُكَّانُهَا، وَالْجِنَانُ وَخَزَائِنُهَا، وَالْهَضَابُ وَأَقْطَارُهَا،

و ساکنان آن، و بهشت و خزانه‌داران آن، و کوهها و دامنه‌هایشان،

وَالْبِحَارُ وَحَيْثَانُهَا، وَالْجِنَانُ وَوِلْدَانُهَا، وَالسَّبِيْتُ

و دریا و ماهیانش، و بهشت و پسران آن، و خانه خدا،

وَالْمَقَامُ، وَالْمَشْعَرُ الْحَرَامُ، وَالْحِلُّ وَالْأَحْرَامُ^۱.

و مقام، و مشعرالحرام و خارج خانه خدا و اطراف آن، همه گریه کردند.

اللَّهُمَّ فَبِحُرْمَةِ هَذَا الْمَكَانِ الْمُئِنِّفِ، صَلِّ عَلَيَّ

خدایا؛ پس، به خاطر حرمت و احترام این مکان شریف، بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ،

محمد و آل محمد درود فرست؛ و مرا در زمره آنان محشور فرما،

وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ

و مرا به شفاعت آنان داخل بهشت نما. خدایا؛ به تو توسل پیدا می‌کنم؛

يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، وَيَا أَحْكَمَ

ای سریع‌ترین حساب‌گران؛ و ای کریم‌ترین کریمان؛ و ای بااقتدارترین

الْحَاكِمِينَ، بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، رَسُولِكَ إِلَيَّ

حاکمان؛ و به محمد خاتم پیامبران، فرستاده تو بر

الْعَالَمِينَ أَجْمَعِينَ، وَبِأَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ الْأَنْزَعِ

همه جهانیان؛ و به برادر و پسرعمویش که از شرک و بت‌پرستی جدا شده

الْبَطِينِ، الْعَالِمِ الْمَكِينِ، عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

و درونش انباشته از دانش بود، آن عالم و دانشمند والامقام یعنی حضرت علی امیر مؤمنان؛

۱. آحرام-جمع حرم-: به اطراف خانه خدا گفته می‌شود.

وَبِفَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَبِالْحَسَنِ الزَّكِيِّ

و به فاطمه سرور زنان جهانیان، و به حسن، که پاکیزه

عِصْمَةَ الْمُتَّقِينَ، وَبِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ الْأَكْرَمِ

و پناه پرهیزکاران است؛ و به ابی عبدالله الحسین، گرامی‌ترین

الْمُسْتَشْهَدِينَ، وَبِأَوْلَادِهِ الْمَقْتُولِينَ، وَبِعِزَّتِهِ

شهادت‌جویان و به فرزندان شهیدش و به خاندان

الْمَظْلُومِينَ، وَبِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ،

مظلومش؛ و به علی بن الحسین زینت عبادت‌کنندگان؛

وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قِبْلَةَ الْأَوَابِينَ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

و به محمد بن علی، قبله‌گاه توبه‌کنندگان؛ و به جعفر بن محمد،

أَصْدَقِ الصَّادِقِينَ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ مُظْهِرِ

راست‌گوترین راست‌گویان؛ و به موسی بن جعفر، آشکار کننده

الْبُرَاهِينِ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى نَاصِرِ الدِّينِ، وَمُحَمَّدِ

حجت‌ها؛ و به علی بن موسی یاری‌کننده دین؛ و به محمد

بْنِ عَلِيٍّ قُدْوَةَ الْمُهْتَدِينَ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ أَزْهَدِ

بن علی، اسوه هدایت‌کنندگان؛ و به علی بن محمد، زاهدترین

الزَّاهِدِينَ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَارِثِ الْمُسْتَخْلَفِينَ،

زاهدان؛ و به حسن بن علی وارث جانشینان،

وَالْحُجَّةِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

و حجت بر همه خلق خدا؛ اینکه درود فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الصَّادِقِينَ الْأَبْرَرِينَ، آلِ طَهٍ

محمد و آل محمد آن راست‌گویان نیکوکاران، آل طه

وَيْسَ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي فِي الْقِيَامَةِ مِنَ الْأَمِنِينَ

و یس؛ و این که مرا در قیامت از جمله امان‌یافتگان

الْمُطْمَئِنِّينَ الْفَائِزِينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبْشِرِينَ. اللَّهُمَّ

و آسودگان و رستگاران و شادمانان و بشارت‌یافتگان قرار دهی. خدایا؛

اَكْتُبْنِي فِي الْمُسْلِمِينَ، وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ،

مرا از جمله مسلمانان قرار ده، و مرا به صالحان بپیوند،

وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ، وَأَنْصُرْنِي

و برای من در میان آیندگان سخن راست قرار ده، و مرا

عَلَى الْبَاغِينَ، وَاكْفِنِي كَيْدَ الْخَاسِدِينَ، وَاصْرِفْ

بر ستمگران پیروز فرما، و مرا از مکر حسودها کفایت کن، و

عَنِّي مَكْرَ الْمَاكِرِينَ، وَأَقْبِضْ عَنِّي أَيْدِي الظَّالِمِينَ،

از من حيلة مکاران را باز گردان، و دست ستمکاران را از من کوتاه کن،

وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ، فِي أَعْلَى

و مرا با سروران فرخنده در اعلا

عَلِيِّنَ، مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ، مِنَ النَّبِيِّينَ

علیّین؛ با آنان که بر آنها نعمت ارزانی داشتی - از پیامبران

وَالصَّادِقِينَ، وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا

و راستگویان و شهدا و صالحان - جمع نما؛ به رحمت ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْسِمُ عَلَيْكَ بِنَبِيِّكَ

مهربان‌ترین مهربانان. خدایا؛ تو را سوگند می‌دهم به حق پیامبرت

الْمَعْصُومِ، وَبِحُكْمِكَ الْمَحْتُومِ، وَنَهْيِكَ الْمَكْتُومِ،

که معصوم از گناه است و به آن حکم حتمیت، و نهی پوشیده‌ای؛

وَبِهَذَا الْقَبْرِ الْمَلْمُومِ، أَلْمُوسَدِ فِي كَنَفِهِ، الْأِمَامِ

و به این قبر شریف که به زیارت آن آمد و شد می‌شد، و امام

الْمَعْصُومِ الْمُقْتُولِ الْمَظْلُومِ، أَنْ تَكْشِفَ مَا بِي مِنْ

معصومی که در سایه آن آرمیده است، که مظلومانه کشته شده؛ این که آنچه از

الْغُيُومِ، وَتَصْرِفَ عَنِّي شَرَّ الْقَدَرِ الْمَحْتُومِ،

غم دارم برطرف سازی، و از من شرّ قضا و قدر حتمی را باز گردانی،

وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ ذَاتِ السَّمُومِ. اللَّهُمَّ جَلِّلْنِي

و از آتش گرم و سوزان جهنّم مرا پناه دهی. خدایا؛ مرا

بِنِعْمَتِكَ، وَرَضْنِي بِقِسْمِكَ، وَتَغَمَّدْنِي بِجُودِكَ

به نعمت خودت بزرگی بخش، و مرا به قسمت راضی نما، و مرا غرق جود

وَكَرَمِكَ، وَبَاعِدْنِي مِنْ مَكْرِكَ وَنِقْمَتِكَ. اللَّهُمَّ

و کرمت فرما، و مرا از مکر و مجازات خود دور نما. خدایا؛

اعْصِمْنِي مِنَ الزَّلَلِ، وَسَدِّدْنِي فِي الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ،

مرا از لغزشها محفوظ بدار، و مرا در قول و عمل استوار گردان،

وَأَفْسَحْ لِي فِي مُدَّةِ الْأَجَلِ، وَأَعْفِنِي مِنَ الْأَوْجَاعِ

و وسعت و فراخی در دوران عمرم برابم قرار بده، و از دردها و مریضی‌ها مرا عافیت بخش،

وَالْعَلَلِ، وَبَلِّغْنِي بِمَوَالِيٍّ وَبِفَضْلِكَ أَفْضَلَ الْأَمَلِ.

و به حق اولیایم، و به بخشش و کرمت، مرا به بهترین آرزوهایم برسان.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَقْبَلْ تَوْبَتِي،

خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست، و توبه مرا قبول فرما؛

وَارْحَمْ عَبْرَتِي، وَأَقِلْنِي عَثْرَتِي، وَنَفْسَ كُرْبَتِي،

و بر گریه‌ام رحم نما، و از لغزشم درگذر، و اندوهم را برطرف کن،

وَأَعْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي. اللَّهُمَّ

و گناهان مرا ببخش، و نسل مرا از صالحان قرار ده. خدایا؛

لَا تَدْعَ لِي فِي هَذَا الْمَشْهَدِ الْمُعْظَمِ، وَالْمَحَلِّ

برای من و امگدار در این حرم شریف و بارگاه

الْمُكْرَّمِ ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ، وَلَا غَمًّا

باکرامت هیچ گناهی را مگر آن که آن را ببخشی، و هیچ عیبی را مگر آنکه بپوشانی، و هیچ غمی را

إِلَّا كَشَفْتَهُ، وَلَا رِزْقًا إِلَّا بَسَطْتَهُ، وَلَا جَاهًا إِلَّا

مگر آن که برطرف کنی، و هیچ رزق و روزی را مگر آن که گسترده گردانی، و هیچ منزلت و مقامی را مگر

عَمْرَتَهُ، وَلَا فَسَادًا إِلَّا أَصْلَحْتَهُ، وَلَا أَمَلًا إِلَّا بَلَّغْتَهُ،

آن که آن را آباد کنی، و هیچ فساد را مگر آن که آن را اصلاح فرمایی؛ و هیچ آرزویی را مگر آن که مرا به آن برسانی،

وَلَا دُعَاءً إِلَّا أَجَبْتَهُ، وَلَا مَضِيقًا إِلَّا فَرَّجْتَهُ، وَلَا شَمَلًا

و هیچ دعایی را مگر آن که آن را اجابت فرمایی، و هیچ تنگی و فشاری را مگر آن را گشایش دهی، و هیچ تنگ و پراکندگی را

إِلَّا جَمَعْتَهُ، وَلَا أَمْرًا إِلَّا أَتَمَمْتَهُ، وَلَا مَالًا إِلَّا كَثَّرْتَهُ،

مگر آن که آن را به اجتماع مبتدل گردانی، و هیچ کاری را مگر آن که آن را تمام کنی، و به پایان رسانی؛ و هیچ مالی را مگر آن

وَلَا خُلُقًا إِلَّا حَسَّنْتَهُ، وَلَا انْفِاقًا إِلَّا أَخْلَفْتَهُ، وَلَا حَالًا

که آن را زیادش کنی، و هیچ اخلاقی را مگر آن که آن را نیکو فرمایی، و هیچ انفاقی را مگر آن که جایگزین برایش قرار دهی

إِلَّا عَمَّرْتَهُ، وَلَا حَسُودًا إِلَّا قَمَعْتَهُ، وَلَا عَدُوًّا إِلَّا

و هیچ دگرگونی حالی را مگر آن که آن را خوب و آباد نمایی؛ و هیچ حسودی را مگر آن که آن را ریشه کن نمایی، و هیچ دشمنی

أَرَدَيْتَهُ، وَلَا شَرًّا إِلَّا كَفَيْتَهُ، وَلَا مَرَضًا إِلَّا شَفَيْتَهُ،

را مگر آن که آن را از میان ببری، و هیچ شرّ و بدی را مگر آن که کفایت کنی، و هیچ مرضی را مگر آن که آن را شفا دهی،

وَلَا بَعِيدًا إِلَّا أَدْنَيْتَهُ، وَلَا شَعْنًا إِلَّا لَمَمْتَهُ، وَلَا سُؤَالَ

و هیچ دوری را مگر آن که آن را نزدیک فرمایی، و هیچ پراکندگی را مگر آن که آن را سامان دهی، و هیچ درخواستی را

إِلَّا أَعْطَيْتَهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْعَاجِلَةِ، وَثَوَابَ

مگر آن که آن را عطا نمایی. خدایا؛ از تو می‌خواهم خیر و خوبی حاضر و ثواب و پاداش

الْآجِلَةِ. اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنِ الْحَرَامِ، وَبِفَضْلِكَ

آینده را. خدایا؛ مرا به واسطه حلالیت از حرام بی‌نیاز فرما، و با فضل و کرمیت

عَنْ جَمِيعِ الْأَنْامِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا،

از تمام مردم بی‌نیاز ساز. خدایا؛ از تو می‌خواهم علمی که سودمند باشد،

وَقَلْبًا خَاشِعًا وَيَقِينًا شَافِيًا، وَعَمَلًا زَاكِيًا، وَصَبْرًا

و قلبی که خاشع باشد، و یقینی را که قاطع باشد، و عملی که پاک باشد، و صبری را که

جَمِيلًا، وَأَجْرًا جَزِيلًا. اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ

زیبا باشد، و اجری را که زیاد باشد. خدایا؛ شکر و سپاس نعمت را که

عَلَيَّ، وَزِدْ فِي إِحْسَانِكَ وَكَرَمِكَ إِلَيَّ، وَاجْعَلْ قَوْلِي

بر گردن من است روزیم فرما، و احسان و کرمیت را بر من زیاد نما، و سخنم را

فِي النَّاسِ مَسْمُوعًا، وَعَمَلِي عِنْدَكَ مَرْفُوعًا،

در میان مردم پذیرفته‌شده قرار ده، و عملم را در نزد خودت بالا ببر و بپذیر،

وَأَثْرِي فِي الْخَيْرَاتِ مَتْبُوعًا، وَعَدُوِّي مَقْمُوعًا.

و اثر مرا در خیرات مورد پیروی دیگران قرار بده، و دشمنم را ریشه کن نما.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَخْيَارِ، فِي

خدایا؛ دورد فرست بر محمد و آل محمد، که نیکوکاران (در میان بندگان) هستند، در

آثَارِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ، وَكَفِّنِي شَرَّ الْأَشْرَارِ،

تمامی لحظات شب و روز؛ و از من دور نما شرّ اشخاص شرور و بدکاران را،

وَطَهَّرَنِي مِنَ الذُّنُوبِ وَالْأَوْزَارِ، وَأَجْرَنِي مِنَ

و مرا از گناهان و بار گران آنها پاک فرما، و از آتش جهنم پناهم ده،

النَّارِ، وَأَحِلَّنِي دَارَ الْقَرَارِ، وَاعْفِرْ لِي وَلِجَمِيعِ

و در خانه بهشت وارد کن، و مرا و تمامی

إِخْوَانِي فِيكَ وَأَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ،

برادران و خواهران مؤمنی که در راه تو آنها را یافته‌ام

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

به رحمت بیامرز، ای مهربان‌ترین مهربانان.

سپس رو به قبله کن و دو رکعت نماز به جای آور؛ در رکعت

اول بعد از حمد، سوره «انبیاء»، و در رکعت دوم بعد از حمد،

سوره «حشر» را بخوان، و در قنوت بگو:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ

هیچ معبودی جز خدای بردبار و کریم نیست؛ هیچ معبودی جز خدای بلندمرتبه

الْعَظِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ،

و بزرگ نیست، هیچ معبودی نیست جز خدایی که پروردگار آسمان‌های هفت‌گانه

وَالْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، خِلَافًا

و زمین‌های هفت‌گانه و آنچه در آنها و میان آنهاست؛ برخلاف

لِأَعْدَائِهِ، وَتَكْذِبًا لِمَنْ عَدَلَ بِهِ، وَإِقْرَارًا

دشمنانش، و تکذیب کسانی که از او روی برتافته‌اند، و اقرار

لِرُبُوبِيَّتِهِ، وَخُضُوعًا لِعِزَّتِهِ، الْأَوَّلُ بِغَيْرِ أَوَّلٍ،

به ربوبیت او، و خضوع در برابر عزت او. او اول و ابتدایی است که آغاز ندارد،

وَالْآخِرُ إِلَى غَيْرِ آخِرٍ، الظَّاهِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

و آخری است که هیچ انتهایی ندارد، و او، غلبه دارد بر هر چیز

بِقُدْرَتِهِ، الْبَاطِنُ دُونَ كُلِّ شَيْءٍ بِعِلْمِهِ وَلَطْفِهِ،

به سبب قدرتش، و با دانش و دقتش از درون هر چیز آگاه است.

لَا تَقِفُ الْعُقُولُ عَلَى كُنْهِ عَظَمَتِهِ، وَلَا تُدْرِكُ الْأَوْهَامُ

عقل‌ها بر کنه بزرگی و عظمت او راه ندارند، و او‌هام

حَقِيقَةَ مَا هِيَ بِهِ، وَلَا تَتَصَوَّرُ الْأَنْفُسُ مَعَانِيَ كَيْفِيَّتِهِ،

حقیقت ذات او را درک نمی‌کنند، و جان‌ها کیفیت و چگونگی او را نمی‌توانند تصور کنند،

مُطَّلِعًا عَلَى الضَّمَائِرِ، عَارِفًا بِالسَّرَائِرِ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ

بر امور نهانی آگاه و بر پنهانی‌ها آشنا است؛ خیانت

الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ

چشم‌ها و آن چه در سینه‌ها پنهان است می‌داند. خدایا؛ تو را گواه می‌گیرم

عَلَى تَصَدِيقِي رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

بر تصدیقم نسبت به پیامبرت - که درود خدا بر او و آل او باد -

وَإِيمَانِي بِهِ، وَعِلْمِي بِمَنْزِلَتِهِ، وَإِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ

و ایمانم به او؛ و آگاهیم نسبت به مقام و منزلتش؛ و شهادت می‌دهم که همانا او

النَّبِيُّ الَّذِي نَطَقَتِ الْحِكْمَةُ بِفَضْلِهِ، وَبَشَّرَتِ

پیامبری است که حکمت به فضل و دانش او گویا گشت، و

الأنبياءُ به، وَدَعَتُ إِلَى الْأَقْرَارِ بِمَا جَاءَ بِهِ، وَحَثَّتْ

پیامبران به آمدن او بشارت دادند، و دعوت به اقرار به آن چه آورده است، کردند و تشویق

عَلَى تَصْدِيقِهِ بِقَوْلِهِ تَعَالَى ﴿الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا

به تصدیقش نمودند؛ همان گونه که خداوند فرمود: «کسی که نامش را

عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ

در تورات و انجیل نوشته شده می‌باید، او آن‌ها را به کارهای نیکو امر می‌کند

وَيَنْهِيهِمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ

و از کارهای زشت باز می‌دارد و پاک‌ها را برای آن‌ها حلال می‌کند، و

عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ

الودگی‌ها و یلیدی‌ها را برای آن‌ها حرام می‌نماید؛ و برمی‌دارد از دوش ایشان سنگینی و بارگراں و

الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ﴿١﴾ . فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ

غل و زنجیری را که بر گردن دارند». پس، درود فرست بر محمد رسول و فرستاده‌ات

إِلَى الثَّقَلَيْنِ، وَسَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ الْمُصْطَفَيْنِ، وَعَلَى

به سوی جن و انس و سید و سرور انبیای برگزیده‌ات؛ و درود فرست بر

أَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ الَّذِينَ لَمْ يُشْرِكَا بِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ

برادرش و پسرعمویش، آن دو که حتی برای یک لحظه و یک چشم به هم زدن برای تو شرک

أَبَدًا، وَعَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،

نورزیدند؛ و بر فاطمه زهرا، سیده و سرور زن‌های جهانیان؛

وَعَلَى سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ،

و بر دو سرور جوانان اهل بهشت، حسن و حسین،

صَلَاةَ خَالِدَةَ الدَّوَامِ، عَدَدَ قَطْرِ الرَّهَامِ، وَزِنَةَ

درودی که جاودانی و دایمی باشد؛ به تعداد قطره‌های باران، و به سنگینی

الْجِبَالِ وَالْأَكَامِ مَا أَوْزَقَ السَّلَامِ، وَاخْتَلَفَ الضِّيَاءِ

کوه‌ها و تپه‌ها تا وقتی که سلام برگ (و نتیجه) می‌دهد؛ و تا وقتی که نور

وَالظَّلَامِ، وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ، الْأَيُّمَةَ الْمُهْتَدِينَ،

و ظلمت (شب و روز) در رفت و آمدند؛ و سلام بر آل پاک او، امامان هدایت شده

الذَّائِدِينَ عَنِ الدِّينِ، عَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى

- آن مدافعان دین - یعنی علی و محمد و جعفر و موسی

وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُجَّةَ الْقَوَامِ

و علی و محمد و علی و حسن و حجت؛ که بپادارندگان

بِالْقِسْطِ وَسُلَالَةِ السَّبْطِ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ

عدالت و قسطاند، و از نسل سبط پیامبرند. خدایا؛ از تو می‌خواهم به حق

هَذَا الْإِمَامِ، فَرَجًا قَرِيبًا، وَصَبْرًا جَمِيلًا، وَنَصْرًا

این امام، گشایش نزدیک و صبر جمیل و یاری

عَزِيزًا، وَغِنَى عَنِ الْخَلْقِ، وَثَبَاتًا فِي الْهُدَى،

باعزت، و بی‌نیازی از خلق، و پایداری در هدایت،

والتَّوْفِيقَ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى، وَرِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا،

و توفیق بر آنچه آن را دوست داری، و می‌پسندی؛ و رزق و روزی گسترده، حلال،

طَيِّبًا مَرِيئًا، دَارًا سَائِغًا، فَاضِلًا مَفْضَلًا، صَبًّا صَبِيًّا،

پاک، گوارا، قطع‌نشدنی، خوش‌گوار، فراوان، زیاد شده، و پیوسته ریزان

مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلَا نَكْدٍ وَلَا مِنَّةٍ مِنْ أَحَدٍ، وَعَافِيَةً مِنْ

بدون زحمت و سختی، و بی‌هیچ منتی از کسی، و مصون از

كُلِّ بَلَاءٍ وَسُقْمٍ وَمَرَضٍ، وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ

هر بلا و بیماری و مرضی، و شکرگزاری بر سلامت و عافیت

وَالنَّعْمَاءِ، وَإِذَا جَاءَ الْمَوْتُ فَاقْبِضْنَا عَلَى أَحْسَنِ مَا

و نعمت را به من عنایت کنی. و هنگامی که مرگ فرا رسید جان ما را در بهترین حال،

يَكُونُ لَكَ طَاعَةً، عَلَى مَا أَمَرْتَنَا مُحَافِظِينَ، حَتَّى

از نظر اطاعت و فرمانبرداری بگیرد؛ در حالتی که رعایت‌کننده و اجراکننده فرامین تو باشیم؛ تا

تُؤَدِّينَا إِلَى جَنَّاتِ النَّعِيمِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

این که ما را به بهشت پر نعمت برسانی؛ به رحمتت، ای مهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

مهربانان. خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست،

وَأَوْحِشْنِي مِنَ الدُّنْيَا، وَأَنْسِنِي بِالْآخِرَةِ، فَإِنَّهُ

و مرا از دنیا وحشت‌زده و با آخرت مأنوس گردان؛

لَا يُؤْحِشُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا خَوْفُكَ، وَلَا يُؤْنِسُ بِالْآخِرَةِ

چرا که به هراس از دنیا نمی‌اندازد مگر هراس از تو؛ و با آخرت مأنوس نمی‌سازد

إِلَّا رَجَاؤُكَ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحُجَّةُ لِعَلَيْكَ، وَإِلَيْكَ

مگر امید به تو. خدایا؛ حجت و برهان به نفع توست، نه بر ضرر تو؛ و

المُشْتَكَى لِمِنْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِنِّي

شکوه‌ها به سوی توست، نه شکوه از تو باشد؛ پس، درود فرست بر محمد و آل او؛ و مرا

عَلَى نَفْسِي الظَّالِمَةِ الْعَاصِيَةِ، وَشَهْوَتِي الْعَاقِلَةِ،

بر نفس ستمگر و سرکشم، و بر شهوت چیره‌شونده‌ام یاری نما؛

وَاحْتِمِ لِي بِالْعَافِيَةِ. اللَّهُمَّ إِنَّ اسْتِغْفَارِي إِلَيْكَ وَأَنَا

و با عافیت‌کارم را به پایان برسان. خدایا؛ همانا طلب آمرزشم از تو، در حالی که بر

مُصِرٌّ عَلَى مَا نَهَيْتَ قَلَّةَ حَيَاءٍ، وَتَرْكِي الْإِسْتِغْفَارَ

آن چه از من نهی فرمودی پافشاری می‌کنم، از کمی حیا و شرم من است؛ و ترک کردن من استغفار

مَعَ عِلْمِي بِسَعَةِ حِلْمِكَ تَضْيِيعٌ لِحَقِّ الرَّجَاءِ. اللَّهُمَّ

را، با علم من به گسترش بردباری تو، از بین‌برنده حق امیدواری است. بارالها؛

إِنَّ ذُنُوبِي تُؤَيِّسُنِي أَنْ أَرْجُوكَ، وَإِنَّ عِلْمِي بِسَعَةِ

همانا گناهانم مرا از امیدوار بودن به تو ناامید ساخته، و علم من بر زیادی

رَحْمَتِكَ يَمْنَعُنِي أَنْ أَخْشَاكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

رحمت مرا از هراس از تو باز می‌دارد؛ پس درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَصَدِّقْ رَجَائِي لَكَ، وَكَذِّبْ خَوْفِي مِنْكَ،

محمد، و امید مرا بر خودت صادق و به جا و به مورد قرار بده، و ترسم را از تو بی‌مورد و بی‌جا فرما،

وَ كُنْ لِي عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّي بِكَ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ.

و برای من آن گونه که به تو خوش‌گمان هستم باش؛ ای کریم‌ترین کریم‌ها؛

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَيِّدْنِي

خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا

بِالْعِصْمَةِ، وَأَنْطِقْ لِسَانِي بِالْحِكْمَةِ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ

با بازداشتن از گناه تأیید کن، و زبانم را به حکمت گویا نما، و مرا از کسانی قرار ده

يَنْدُمُ عَلَيَّ مَا ضَيَّعَهُ فِي أَمْسِهِ، وَلَا يَغْبِنُ حَظَّهُ فِي

که بر گذشته ضایع‌شده خود پشیمان‌اند، و نسبت به بهره‌امروزشان مغبون نگشته‌اند؛

يَوْمِهِ، وَلَا يَهْمُ لِرِزْقِ غَدِهِ. اللَّهُمَّ إِنَّ الْغَنِيَّ مَنْ

و اهمتمایی به روزی فردا ندارند. بار الها؛ دارا کسی است که

اسْتَعْنَى بِكَ وَافْتَقَرَ إِلَيْكَ، وَالْفَقِيرَ مَنْ اسْتَعْنَى

به واسطه تو بی‌نیازی بجوید و خود را نیازمند تو بداند؛ و نیازمند و فقیر، کسی است که به جای تو

بِخَلْقِكَ عَنكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

از خلق و آفریدگانت بی‌نیازی بجوید؛ پس، بر محمد و آل محمد درود بفرست،

وَاعْنِنِي عَنْ خَلْقِكَ بِكَ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ لَا يَبْسُطُ كَفًّا

و مرا به وسیله خودت از آفریدگانت بی‌نیاز گردان، و مرا از کسانی قرار ده که دستش را جز به سوی

إِلَّا إِلَيْكَ. اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ قَطَطَ وَأَمَامَهُ التَّوْبَةُ،

تو دراز نکند. بار خدایا؛ به راستی، بدبخت و بد عاقبت کسی است که ناامید باشد از درگاه تو در حالی که پیش روی

وَوَرَاءَهُ الرَّحْمَةُ، وَإِنْ كُنْتُ ضَعِيفَ الْعَمَلِ فَإِنِّي فِي

توبه و پشت سرش رحمت باشد، و گر چه من دارای ضعف و سستی در عمل به دستورات هستم،

رَحْمَتِكَ قَوِيٌّ الْأَمَلِ، فَهَبْ لِي ضَعْفَ عَمَلِي لِقُوَّةِ

لیکن نسبت به رحمت تو آرزو و امیدم قوی است؛ پس ضعف رفتارم را به خاطر قوت

أَمَلِي. اللَّهُمَّ إِنَّ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ مَا فِي عِبَادِكَ مَنْ هُوَ

آرزو و امیدم بر من ببخشای. خدایا؛ اگر در بین بندگانت

أَفْسَى قَلْبًا مِنِّي، وَأَعْظَمُ مِنِّي ذَنْبًا، فَإِنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا

سنگدل‌تر از من و گناهکارتر از من سراغ نداشته باشی؛ من هم به خوبی می‌دانم که

مَوْلِي أَعْظَمُ مِنْكَ طَوْلًا، وَأَوْسَعُ رَحْمَةً وَعَفْوًا،

مولا و سروری بخشنده‌تر، و دارای رحمت و عفو و بخشش فراگیرتر از تو وجود ندارد؛

فَيَا مَنْ هُوَ أَوْحَدٌ فِي رَحْمَتِهِ، إِغْفِرْ لِمَنْ لَيْسَ بِأَوْحَدٍ

پس، ای کسی که در رحمتش بی‌نظیر است، بیامرز؛ کسی را که در گناهش تنها و یکه‌تاز نیست.

فِي خَطْبَتِهِ . اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَمَرْتَنَا فَعَصَيْنَا ، وَنَهَيْتَ فَمَا

بارالها؛ تو به ما دستور دادی ولی نافرمانی کردیم؛ و ما را بازداشتی ولی اجتناب

انتهینا ، وَذَكَرْتَ فَتَنَّا سَيْنَا ، وَبَصَّرْتَ فَتَعَامَيْنَا ،

نکردیم؛ و یادآوری کردی، و ما خود را به فراموشی زدیم؛ و ما را بینا کردی، ولی ما خود را به کوری زدیم؛

وَ حَذَّرْتَ فَتَعَدَّيْنَا ، وَمَا كَانَ ذَلِكَ جَزَاءَ اِحْسَانِكَ

و ما را برحذر داشتی، و ما تجاوز کردیم؛ و به خوبی می‌دانم که این کارها پاداش احسان و نیکی تو

اِلَيْنَا ، وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِمَا اَعْلَنَّا وَاَخْفَيْنَا ، وَاَخْبِرُ بِمَا

نسبت به ما نمی‌باشد؛ و تو بهتر از ما، از کرده‌های پنهان و آشکارمان آگاهی؛ و آن چه را انجام

نَأْتِي وَمَا اَتَيْنَا ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاَلِ مُحَمَّدٍ ، وَلَا

خواهیم داد و در گذشته انجام داده‌ایم بهتر می‌دانی؛ پس، بر محمد و آل محمد درود بفرست

تُواخِذْنَا بِمَا اَخْطَاْنَا وَنَسِينَا ، وَهَبْ لَنَا حُقُوقَكَ

و ما را مؤاخذه مکن به جهت گناهان و اشتباهات و فراموش کاری‌هایمان، و هر حقی که برگردن ما

لَدَيْنَا ، وَاَتِمَّ اِحْسَانَكَ اِلَيْنَا ، وَاَسْئَلُ رَحْمَتَكَ عَلَيْنَا .

داری ببخش؛ و احسان و نیکی‌هایت را بر ما کامل و تمام گردان؛ و رحمتت را بر ما سرازیر کن.

اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِهَذَا الصِّدِّيقِ الْاِمَامِ ،

بارالها؛ ما، به واسطه این امام صدیق و راستگوی راستین، به تو توسل می‌جوئیم

وَنَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ لهُ ، وَلِجَدِّهِ رَسُوْلِكَ ،

و از تو درخواست می‌کنیم به خاطر حقی کهمخصوص او قرار دادی ومخصوص جدش رسول خودت

وَالاَبُوَيْهِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ اَهْلِ بَيْتِ الرَّحْمَةِ ، اِذْ رَارَ

و مخصوص پدرش علی و مادرش فاطمه، آن اهل بیت رحمت قرار دادی؛

الرِّزْقِ الَّذِي بِهِ قِوَامُ حَيَاتِنَا ، وَصَلَاحُ اَحْوَالِ عِيَالِنَا ،

رزق و روزی ما را که پابرجائی زندگی‌مان و اصلاح امور خانواده‌مان به آن بستگی دارد، افزون

فَاَنْتَ الْكَرِيْمُ الَّذِي تُعْطِي مِنْ سَعَةٍ ، وَتَمْنَعُ مِنْ

گردان؛ زیرا تو کریم و بزرگواری هستی که با توانگری می‌بخشی، و از

قُدْرَةٍ ، وَنَحْنُ نَسْأَلُكَ مِنَ الرِّزْقِ مَا يَكُوْنُ صَلاَحًا

روی قدرت بازمی‌داری؛ و ما از رزق و روزی، مقداری می‌خواهیم که موجب صلاح

لِلدُّنْيَا ، وَبِلاَغًا لِلاٰخِرَةِ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاَلِ

دنیا و وسیله سعادت آخرت ما شود. بار خدایا؛ بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لَنَا وَلِوَالِدَيْنَا ، وَلِجَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ

محمد درود فرست و ما و پدر و مادر ما، و تمام زنان

وَالْمُؤْمِنَاتِ ، وَالْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ ، الْاَحْيَاءِ

و مردان مؤمن و مسلمان را که زنده

مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ ، وَاَتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي

و یا مرده‌اند بیامرزد؛ و در دنیا و آخرت، به ما خیر

الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً ، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ .

و نیکی عطا فرما، و از جهنم نگاه دار.

وقتی قنوت تمام شد، رکوع و سجده نموده و می‌نشیند و تشهد و سلام نماز را انجام می‌دهد و پس از آن که تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را گفتی، دو طرف صورتت را خاک آلود نموده و چهل بار بگو:

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»

خدا منزّه است، ستایش ویژه اوست، و جز او معبودی نیست، و او بزرگ است.

سپس از خدای تعالی بخواه که تو را از ارتکاب گناه باز دارد، و از عذاب خود نجات دهد و ببخشد، و توفیق انجام کارهای نیک که موجب تقرب به خدا می‌شود و باعث جلب رضایت او می‌گردد و پذیرش آن‌ها را عطا کند. آنگاه نزد سر مطهر بایست و دو رکعت نماز مانند نمازی که پیش از این گفتیم به جای آور و پس از نماز، خود را به روی قبر مطهر بینداز و آن را ببوس و بگو:

زَادَ اللَّهُ فِي شَرَفِكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

خداوند شرافت شما را بیفزاید، و سلام و رحمت و برکات خداوند نیز به طور دائم نثار شما باد.

آن گاه برای خودت، پدرت، مادرت، و هر کسی که می‌خواهی دعا کن.^۱

علامه مجلسی رحمته الله می‌فرماید: نویسنده کتاب «المزار الکبیر» می‌گوید: زیارت دیگری برای امام حسین علیه السلام در روز عاشورا هست که از ناحیه مقدسه امام زمان ارواحنا فداه به یکی از نواب خویش صادر شده: نزد قبر آن حضرت می‌ایستی و می‌گویی: **السَّلَامُ عَلَيَّ أَدَمَ**

صَفْوَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقَتِهِ، و زیارت را مانند آنچه نقل شد ادامه می‌دهد. بدین سان روشن می‌شود که این زیارت به راستی از حضرت مهدی ارواحنا فداه روایت شده است. البته احتمال دارد که این زیارت به روز عاشورا اختصاص نداشته باشد؛ چنان که سید مرتضی اعلی الله مقامه نیز همین اعتقاد را داشته است.^۱

آیه الله سید احمد مستنبط رحمته الله نیز می‌نویسد: روایت زیارت ناحیه مقدسه دلالتی ندارد که خواندن آن، به روز عاشورا اختصاص داشته باشد.^۲



زیارت رجبیه

که در حرم‌های مطهر اهل بیت علیهم السلام در ماه رجب خوانده می‌شود

جناب ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی رحمته الله (سومین نایب خاص امام عصر ارواحنا فداه) می‌فرماید: اگر کسی این زیارت را در یکی از حرم‌ها و زیارتگاه‌های اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بخواند، حتماً با برآورده شدن حاجتش از آنجا باز خواهد گشت و دعای او در مورد دین و دنیا به اجابت خواهد رسید. اگر قصد این زیارت را داشتی، بر درگاه حرم مطهر امام علیه السلام بایست و بگو:

۱. بحار الأنوار: ۱۰۱/۳۲۸.

۲. الزيارة والبشارة: ۲/۴۸۸.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدْنَا مَشْهَدًا أَوْلِيَاءِهِ فِي رَجَبٍ،

ستایش ویژه خداوندی است که ما را در این ماه رجب به زیارتگاه و محل حضور اولیای خود حاضر گردانید،

وَأَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ، وَصَلَّى اللَّهُ

و حقوقی چند که از حق ایشان بر ما لازم بود، واجب نمود؛ و درود پیوسته خداوند

عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُنتَجَبِ، وَعَلَى أَوْصِيَاءِهِ الْحُجُبِ.

بر محمد برگزیده، و بر اوصیای او که پرده‌دار حريم الهی هستند، نثار باد.

اللَّهُمَّ فَكَمَا أَشْهَدْنَا مَشْهَدَهُمْ، فَأَنْجِزْ لَنَا مَوْعِدَهُمْ،

بارالها؛ همان گونه که ما را به حضور ایشان حاضر گردانیدی، پس وعده ایشان را نیز برای ما وفا کن.

وَأُورِدْنَا مَوْرِدَهُمْ غَيْرَ مُحَلِّينَ عَنْ وِرْدِ فِي دَارِ

و ما را به محل ورودشان برسان که پس از آن، از ورود به جایگاه

الْمُقَامَةِ وَالْخُلْدِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ إِنِّي قَصَدْتُكُمْ،

بهشت ابدی و جاودانی نیز محروم نشویم. سلام بر شما؛ من به قصد دیدار شما آمده‌ام؛

وَاعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسْأَلَتِي وَحَاجَتِي، وَهِيَ فَكَأَكُ

و در مورد درخواست و نیازم که رهایی من

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَالْمَقَرُّ مَعَكُمْ فِي دَارِ الْقَرَارِ، مَعَ

از جهنم، و ماندگاری من در بهشت در نزد شما، همراه با

شَيْعَتِكُمُ الْأَبْرَارِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ

شیعیان نیکوکار شماست، به شما اعتماد نموده‌ام. سلام بر شما به خاطر آن که شکیبایی ورزیدید و صبر نمودید؛

عُقْبَى الدَّارِ. أَنَا سَأَلْتُكُمْ وَأَمَلْتُكُمْ فِيمَا إِلَيْكُمْ

پس چه خوب است عاقبت این خانه (در آخرت). من خواستار و آرزومند شما در مورد آنچه به شما

التَّوْفِيقُ، وَعَلَيْكُمْ التَّعْوِيقُ، فَبِكُمْ يُجْبَرُ الْمَهِيضُ،

واگذار شده هستیم؛ و آنچه عوض کردن آن به عهده شماست، زیرا تنها به وسیله شما شکسته جبران

وَيُشْفَى الْمَرِيضُ، وَمَا تَزْدَادُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَغِيضُ،

می‌شود، و بیمار بهبود می‌یابد، و به وسیله شما کمی و فزونی در ارحام انجام می‌پذیرد.

إِنِّي بِسِرِّكُمْ مُؤْمِنٌ، وَلِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ، وَعَلَى اللَّهِ بِكُمْ

من به طور واقعی به سر شما ایمان دارم، و تسلیم گفتارشان هستم، و خدا را به شما

مُقْسِمٌ فِي رَجْعِي بِحَوَائِجِي، وَقَضَائِهَا وَإِمْضَائِهَا،

سوگند می‌دهم که تنها با پاسخ مثبت به خواسته‌هایم مرا برگرداند و آن‌ها را برآورده و امضا شده

وَإِنْجَاحِهَا وَإِبْرَاحِهَا، وَبِشَوْنِي لَدَيْكُمْ وَصَلَاحِهَا.

و حتمی و انجام شده نماید و همه کارهایم نزد شما را اصلاح فرماید.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ سَلَامٌ مُودِعٌ، وَلكُمْ حَوَائِجُهُ

و سلام بر شما، سلام کسی که دارد خداحافظی می‌کند و خواسته‌هایش را نزد شما

مُودِعٌ، يَسْأَلُ اللَّهُ إِلَيْكُمْ الْمَرْجِعَ، وَسَعْيُهُ إِلَيْكُمْ غَيْرُ

سپرده، تا برآورده شود. از خدا می‌خواهد که دوباره نزد شما بیاید، و رفت و آمد او به این مکان

مُنْقَطِعٌ، وَأَنْ يَرْجِعَنِي مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ،

مبارک و نزد شما پیوسته باشد، و مرا برگرداند از حضورتان به بهترین بازگشت

زیارت حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه

در حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای صاحب عصر و زمان؛ سلام بر تو ای

خَلِيفَةَ الرَّحْمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَرِيكَ الْقُرْآنِ،

جانشین خدای رحمان؛ سلام بر تو ای شریک و همسنگ قرآن؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَاطِعَ الْبُرْهَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای دارای دلیل و برهان قاطع؛ سلام بر تو ای

إِمَامَ الْإِنْسِ وَالْجَانِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ

امام آدمیان و جتیان؛ سلام بر تو و بر اجداد

الطَّيِّبِينَ، وَأَجْدَادِكَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ وَرَحْمَةً

پاک و پدران پاکیزه‌ها که معصوم بودند؛ و رحمت

اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ . ۱

و برکت‌های الهی نثاران باد.

إِلَى جَنَابِ مُمْرِعٍ، وَخَفْضِ [عَيْشٍ] مُوسَعٍ، وَدَعَاةٍ

به سوی استانه‌ای خرم و سرسبز و باسایش و پروسعت، با راحتی

وَمَهْلٍ إِلَى حِينِ الْأَجَلِ، وَخَيْرِ مَصِيرٍ وَمَحَلِّ فِي

و آسانی تا هنگام مرگ، و بهترین سرانجام و جایگاه در

النَّعِيمِ الْأَزَلِ، وَالْعَيْشِ الْمُقْتَبَلِ، وَدَوَامِ الْأَكْلِ،

بهشت همیشگی، و زندگی خوشی نو و پسندیده، و خوراک همیشگی

و شُرْبِ الرَّحِيقِ وَالسَّلْسَلِ، وَعَلِّ وَنَهْلٍ، لَا سَأَمَ مِنْهُ

و آشامیدنی ناب و خالص و گواری دایم و با خوردنی دوباره و سیراب گشتن بدون این که

وَلَا مَلَلَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ وَتَحِيَّاتِهِ عَلَيْكُمْ،

هیچ خستگی و ملال و دل‌تنگی در آن‌ها باشد. و رحمت و برکات و تحیت‌ها و احترامات خداوندی

حَتَّى الْعُودِ إِلَى حَضْرَتِكُمْ، وَالْفَوْزِ فِي كَرَّتِكُمْ،

تا بازگشت به حضور شما و کامیابی در رجعت شما

وَالْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

و محشور شدن در زمره شما، بر شما نثار باد. و سلام و رحمت و

وَبَرَكَاتِهِ عَلَيْكُمْ، وَصَلَوَاتِهِ وَتَحِيَّاتِهِ، وَهُوَ حَسْبُنَا

برکات الهی بر شما باد؛ و درودها و احترامات ویژه خداوندی نثاران باد. و او برای ما بس است

وَنِعْمَ الْوَكِيلُ . ۱

و چه پشتیبانی شایسته و نیکوست.

اذن ورود به حرم‌های ائمه علیهم‌السلام
و سرداب مقدس^۱

علامه مجلسی رحمته‌الله می‌فرماید: در یک نسخه کهن که مربوط به علمای شیعه است، این عبارت‌ها را یافتیم: طلب اذن برای ورود به سرداب مقدس و نیز حرم امامان علیهم‌السلام:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ بُقْعَةٌ طَهَّرْتَهَا، وَعُقُودٌ شَرَّفْتَهَا،
بارالها! این مکان جایی است که آن را پاکیزه و مطهر گردانیدی، و صحن و سرانی است که شرافت‌مند کردی،
و معالِمُ زَكَّيْتَهَا، حَيْثُ أَظْهَرْتَ فِيهَا أَدِلَّةَ التَّوْحِيدِ،
و نشانه‌هایی است که خالص و ناب قرار داده‌ای؛ زیرا، دلیل‌های یگانه‌پرستی،
و أَشْبَاحَ الْعَرْشِ الْمَجِيدِ، الَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ مُلُوكًا
و نمایندگان عرش شکوه‌مندت را در آن‌ها گذاشتی. همان‌هایی که به عنوان پادشاهان برگزیدی
لِحِفْظِ النُّظَامِ، وَاخْتَرْتَهُمْ رُؤَسَاءَ لِجَمِيعِ الْأَنْامِ،
تا نظام هستی را نگهبان باشند، و به عنوان سرآمد و رئیس تمام مردم انتخاب کردی و برگزیدی،
وَبَعَثْتَهُمْ لِقِيَامِ الْقِسْطِ فِي ابْتِدَاءِ الْوُجُودِ إِلَى يَوْمِ
و برای برپایی عدالت از ابتدای هستی تا روز قیامت برانگیختی.

۱. چون این دعا، اذن دخول برای زیارت حرم‌های ائمه اطهار علیهم‌السلام و سرداب مقدس است در بخش «زیارت‌ها» ذکر کردیم.

الْقِيَامَةِ، ثُمَّ مَنَنْتَ عَلَيْهِمْ بِاسْتِنَابَةِ أَنْبِيَائِكَ لِحِفْظِ

پس از آن نیز بر آنان منت نهادی تا پیامبران را جهت حفظ و نگهداری

شُرَائِعِكَ وَأَحْكَامِكَ، فَأَكْمَلْتَ بِاسْتِخْلَافِهِمْ رِسَالَةَ

شرایع و احکام دینت به عنوان نمایان ایشان بفرستی. پس با این جانشینی نیز رسالت

الْمُنْذِرِينَ، كَمَا أَوْجَبْتَ رِيَاسَتَهُمْ فِي فِطْرِ الْمُكَلَّفِينَ.

بیم‌دهندگان را تکمیل کردی؛ چنان که فطرت و سرشت تمام مکلفان ریاست این بزرگواران را بر خود واجب می‌داند.

فَسُبْحَانَكَ مِنْ إِلَهٍ مَا أَرَأَاكَ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْ

تو منزهی؛ چه خدای مهربان و رؤوفی هستی؛ جز تو معبودی نیست؛

مَلِكٍ مَا أَعْدَلَكَ، حَيْثُ طَابَقَ صُنْعُكَ مَا فَطَرْتَ عَلَيْهِ

چه پادشاه عادل و دادگری هستی؛ چنان که ساختار آفریدگانت با آن چه

الْعُقُولَ، وَوَافَقَ حُكْمُكَ مَا قَرَّرْتَهُ فِي الْمَعْقُولِ

خردها را بر آن سرشته‌ای مطابقت دارد، و حکمت و دستورت در آنچه با عقل و نقل ادراک شود موافق است.

وَالْمَنْقُولِ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى تَقْدِيرِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ،

حمد و ستایش ویژه توست؛ به جهت تقدیر و سرنوشت زیبا و نیکوی تو،

وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى قَضَائِكَ الْمَعْلَلِ بِأَكْمَلِ التَّعْلِيلِ،

و سپاسگزاری مخصوص توست؛ به جهت قضا و سرنوشت تو که به کامل‌ترین علل و اسباب ثابت گردیده.

فَسُبْحَانَ مَنْ لَا يُسْتَسَلُّ عَنْ فِعْلِهِ، وَلَا يُنَازَعُ فِي أَمْرِهِ،

منزه است خدایی که در مورد انجام کارهایش کسی نمی‌تواند از او چیزی بپرسد و دستوراتش مورد چون و چرا قرار

وَسُبْحَانَ مَنْ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ قَبْلَ ابْتِدَاءِ

نمی‌گیرد. منزه است کسی که مهربانی و رحمت را بر خویشتن پیش از شروع به

خَلْقِهِ . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِحُكْمٍ يَتَقَوَّمُونَ

آفرینش مخلوقات لازم فرموده است. ستایش ویژه‌ی خدایی است که بر ما ممت نهاد و حاکمانی مقرر

مَقَامَهُ لَوْ كَانَ حَاضِرًا فِي الْمَكَانِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

کرد که جای او می‌ایستند اگر خداوند در مکان حاضر بود؛ جز خدا معبودی نیست؛

الَّذِي شَرَّفْنَا بِأَوْصِيَاءَ يَحْفَظُونَ الشَّرَائِعَ فِي كُلِّ

خدایی که به ما شرافت بخشید به اوصیا و جانشینانی که دین و آیین الهی را در هر زمان نگهداری

الْأَزْمَانِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي أَظْهَرَهُمْ لَنَا بِمُعْجَزَاتٍ

فرمایند. خدا بزرگ‌تر از این است که توصیف گردد؛ همان که به فرستادگان و نمایندگان معجزاتی داد

يَعْجُزُ عَنْهَا الثَّقَلَانِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

که هیچ یک از جن و انس توان انجام آن معجزات را ندارند. هیچ جنبش و نیرویی جز از خداوند نیست؛

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، الَّذِي أَجْرَأْنَا عَلَى عَوَائِدِهِ الْجَمِيلَةِ

خدای بلندمرتبه و با عظمتی که لطف و مهربانی و احسان زیباییش از

فِي الْأَمَمِ السَّالِفِينَ . اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْتِنَاءُ الْعَلِيِّ

امت‌های پیشین را برای ما نیز ادامه داده است. بارها؛ تنها تو را می‌ستایم و به ثنا گویی و مدح والای تو می‌پردازم؛

كَمَا وَجَبَ لَوْجِهِكَ الْبَقَاءُ السَّرْمَدِيِّ، وَكَمَا جَعَلْتَ

زیرا، بقای همیشگی مخصوص ذات توست؛ و

نَبِينًا خَيْرَ النَّبِيِّينَ، وَمُلُوكَنَا أَفْضَلَ الْمَخْلُوقِينَ،

پیامبر ما را بهترین پیامبران، و پادشاهان و امامان ما را بافضیلت‌ترین مخلوقات قرار دادی،

وَاخْتَرْتَهُمْ عَلَى عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَفَقْنَا لِسَعْيِ

و با علم و آگاهی ایشان را بر همه جهانیان برگزیدی؛ ما را موفق گردان تا برای رسیدن

إِلَى آبَائِهِمُ الْعَامِرَةِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، وَاجْعَلْ أَرْوَاحَنَا

به درگاهشان که آباد است تا قیامت، تلاش کنیم. روح و روان ما را

تَحِنُّ إِلَى مَوْطِي أَقْدَامِهِمْ، وَنُفُوسَنَا تَهْوِي النَّظَرَ

مشتاق و مایل قدمگاهشان کن. جان ما را واله و شیدای نگاه کردن

إِلَى مَجَالِسِهِمْ وَعَرَصَاتِهِمْ، حَتَّى كَانْنَا نَخَاطِبُهُمْ

به مجلس‌ها و صحن و سرای‌شان گردان. به گونه‌ای که گویا حضور عینی دارند

فِي حُضُورِ أَشْخَاصِهِمْ، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سَادَةِ

و ما با آنان گفت‌وگو می‌کنیم. پس خداوند بر این آقایان و سروران

غَائِبِينَ، وَمِنْ سُلَالَةِ طَاهِرِينَ، وَمِنْ أُمَّةٍ مَعْصُومِينَ.

پنهان از دیدگان، از نسل پاکان، و امامان معصوم و دور از گناهان؛ درودی پیوسته نثار کند.

اللَّهُمَّ فَأَذِّنْ لَنَا بِدُخُولِ هَذِهِ الْعَرَصَاتِ الَّتِي اسْتَعْبَدْتَ

بارالها؛ اجازه بفرما تا وارد این صحن و سراها شویم که

بِزِيَارَتِهَا أَهْلَ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ، وَأَرْسِلْ

از ساکنان زمین‌ها و آسمان‌ها خواسته‌ای با زیارت‌شان تو را بپرستند و عبادتت را به جای آورند؛

زیارت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه

در سرداب مقدّس

زیارت امام زمان ارواحنا فداه در سرداب مقدّس را باید پس از زیارت امام حسن عسکری و پدر بزرگوارش امام هادی علیهما السلام انجام دهی. پس از آن که از زیارت آن دو بزرگوار فارغ شدی و بهره کامل بردی، به سوی سرداب مقدّس حرکت کن و بر کنار درب آن بایست و بگو:

إِلٰهِي اِنِّي قَدْ وَقَفْتُ عَلٰى بَابِ بَيْتِ مَنْ يُبْوِتُ نَبِيَّكَ

بارالها؛ همانا، من بر درگاه خانه‌ای از خانه‌های پیامبرت حضرت

مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَقَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ مِنْ

محمد - صلوات و درود تو بر او و آل او - ایستاده‌ام و تو با تأکید مردم را از

الدُّخُولِ اِلَى بُيُوتِهِ اِلَّا بِاِذْنِهِ، فَقُلْتَ ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِيْنَ

این که بدون اجازه وارد خانه‌هایش شوند، بازداشته‌ای و فرموده‌ای: «ای

اٰمَنُوْا لَا تَدْخُلُوْا بُيُوتَ النَّبِيِّ اِلَّا اَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ ۗ»^۱.

ایمان‌آوردگان؛ جز با اجازه، وارد خانه‌های پیامبر نشوید».

۱. سوره احزاب، آیه ۵۳.

دُمُوْعَنَا بِخُشُوْعِ الْمَهَابَةِ، وَذَلَّلْ جَوَارِحَنَا بِذُلِّ

اشک‌های ما را با خشوعی که از هیبت سرچشمه گرفته بریزان، و اعضا و جوارح ما را به فروتنی

الْعِبُوْدِيَّةِ وَفَرَضِ الطَّاعَةِ، حَتَّى تُقَرَّرَ بِمَا يَجِبُ لَهُمْ مِنْ

بندگی و وجوب فرمان‌برداری رام گردان؛ تا بدین وسیله، به

الْاَوْصَافِ، وَنَعْتَرِفَ بِاَنَّهُمْ شُفَعَاءُ الْخَلٰٓئِقِ اِذَا نُصِبَتْ

اوصافی که لازمه وجودی ایشان است اقرار کنیم، و اعتراف نماییم که ایشان در روز شناخته‌شدن (قیامت) که

الْمَوَازِيْنُ فِيْ يَوْمِ الْاَعْرَافِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلَامٌ

میزان سنجش اعمال برقرار می‌شوند شفیعان تمام مخلوقات (لایق شفاعت) هستند. ستایش ویژه خداست؛ و سلام

عَلٰى عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰى مُحَمَّدٌ وَّآلِهِ الطَّاهِرِيْنَ.

بر بندگان برگزیده خداوند، حضرت محمد و آل پاکش.

پس از این دعا؛ آستان راببوس و در حال فروتنی و باگریه و

اشک و آه وارد شو؛ زیرا فروتنی و گریه، علامت این است آن

بزرگواران اجازه ورودت داده‌اند.^۱

۱. بحار الأنوار: ۱۱۵/۱۰۲.

اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ نَبِيِّكَ فِي غَيْبَتِهِ، كَمَا أَعْتَقِدُ

خداوندا؛ به راستی که من به احترام پیامبرت در فقدانش عقیده دارم آنسان که در دوران

فِي حَضْرَتِهِ، وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ أَحْيَاءٌ

حضورش اعتقاد داشتم، و به یقین می‌دانم که پیامبر و جانشینان زنده‌اند

عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرَوْنَ مَكَانِي، وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي،

و در پیشگاه تو روزی‌داده می‌شوند، مکان و جایگاه مرا می‌بینند و سختم را می‌شنوند

وَيُرَدُّونَ سَلَامِي عَلَيَّ، وَأَنَّكَ حَجَبْتَ عَنِّي سَمْعِي

و پاسخ سلامم را مرحمت می‌نمایند، و این تویی که مرا از شنیدن

كَلَامِهِمْ، وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ، فَإِنِّي

کلام آنان بازداشته و درب فهم مرا به لذت مناجات با آنان گشوده‌ای. بدین سان، من

أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوْلَا، وَأَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَوَاتِكَ

ابتدا از تو، آن گاه از رسولت، که صلوات و درود تو

عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا، وَأَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ الْمَفْرُوضَ

بر او و آل او باد، و پس از او از جانشین تو و امام عزیزی که فرمان‌بری از او

عَلَيَّ طَاعَتُهُ، فِي الدُّخُولِ فِي سَاعَتِي هَذِهِ إِلَى بَيْتِهِ،

بر من واجب است؛ کسب اجازه می‌کنم تا در این ساعت وارد خانه‌اش شوم.

وَأَسْتَأْذِنُ مَلَائِكَتَكَ الْمُوَكَّلِينَ بِهَذِهِ الْقِطْعَةِ الْمُبَارَكَةِ

و از فرشتگانی که در این بقعه بابرکت گمارده شده‌اند

الْمُطِيعَةِ السَّامِعَةِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْمَلَائِكَةُ

و فرمانبردار و شنوا هستید نیز کسب اجازه می‌کنم. سلام بر شما، ای فرشتگان

الْمُوكَّلُونَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ الْمُبَارَكِ وَرَحْمَةً

گمارده‌شده در این زیارتگاه بابرکت شرافت‌مند؛ و رحمت

اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ. يَا ذَنْ لِّلَّهِ، وَيَا ذَنْ لِّرَسُولِهِ، وَيَا ذَنْ لِّخُلَفَائِهِ،

و برکات خدا نیز بر شما باد. با اجازه خدا، رسولش، جانشینانش؛

وَيَا ذَنْ لِّهَذَا الْإِمَامِ، وَيَا ذَنْ لِّكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

و با اجازه این امام عزیز، و با اجازه شما فرشتگان - که بر همه شما درود باد -

أَجْمَعِينَ، أَدْخُلُ إِلَى هَذَا الْبَيْتِ مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ بِاللَّهِ

وارد این خانه می‌شوم در حالی که به سوی خداوند تقرب می‌جویم، به کمک خداوند

وَرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَآلِ طَاهِرِينَ، فَكُونُوا مَلَائِكَةَ اللَّهِ

و رسول خدا محمد ﷺ و آل پاک او. حالا، ای فرشتگان الهی؛ شما

أَعْوَانِي، وَكُونُوا أَنْصَارِي، حَتَّى أَدْخُلَ هَذَا الْبَيْتِ،

کمک‌رسان و یاوران من باشید تا بتوانم به درستی وارد این بیت عظیم‌الشان گردم،

وَأَدْعُو اللَّهَ بِغُنُونِ الدَّعَوَاتِ، وَأَعْتَرِفَ لِلَّهِ بِالْعُبُودِيَّةِ،

و به انواع دعاها خدا را بخوانم، و اعتراف کنم به عبودیت و بندگی برای خداوند

وَلِهَذَا الْإِمَامِ وَآبَائِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ بِالطَّاعَةِ.

و اطاعت و فرمانبرداری برای این امام عزیز و پدران بزرگوارش که درود خدا بر ایشان باد.

آنگاه با پای راست وارد می‌شوی و به سمت سرداب مقدّس پایین می‌روی، در حالی که می‌گویی:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ

خدا - که درود خدا بر او و آل او باد - (وارد می‌شوم) و گواهی می‌دهم که جز خدای یگانه

لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. بی‌شریک، معبودی نیست و حضرت محمد ﷺ بنده و فرستاده الهی است.

پس از آن، تکبیر (الله اکبر)، تحمید (الحمد لله)، تسبیح (سبحان الله) و تهلیل (لا اله الا الله) می‌گویی تا وقتی که به محل اصلی سرداب مقدّس برسی. آنگاه رو به قبله بایست و بگو:

سَلَامٌ لِلَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ وَصَلَوَاتُهُ عَلَى مَوْلَايَ سَلَامٌ خَدا و برکت‌ها و احترامات ویژه و درودهای خداوند بر مولایم

صَاحِبِ الزَّمَانِ، صَاحِبِ الضِّيَاءِ وَالنُّورِ، وَالذِّينِ صَاحِبِ الزمان؛ او که دارنده نور و روشنایی، دین

الْمَأْثُورِ، وَاللُّوَاءِ الْمَشْهُورِ، وَالْكِتَابِ الْمَنْشُورِ، راستین بجای مانده از پدران، رایت آشکار، کتاب منتشر شده،

وَصَاحِبِ الدُّهُورِ وَالْعُصُورِ، وَخَلْفِ الْحَسَنِ، صاحب تمام روزگاران و عصراه؛ یعنی فرزند و جانشین امام حسن عسکری،

الْأَمَامِ الْمُؤْتَمَنِ، وَالْقَائِمِ الْمُعْتَمَدِ، وَالْمَنْصُورِ

امام و پیشوای مورد اطمینان، قیام‌کننده مورد اعتماد، یاری‌شونده

الْمُؤَيَّدِ، وَالْكَهْفِ وَالْعُضْدِ، عِمَادِ الْإِسْلَامِ، وَرُكْنِ

مورد تأیید، پناهگاه و پشتیبان، پایه اصلی اسلام، تکیه‌گاه

الْأَنَامِ، وَمِفْتَاحِ الْكَلَامِ، وَوَلِيِّ الْأَحْكَامِ، وَشَمْسِ

مردم، کلید سخن، سرپرست احکام الهی، خورشید

الظَّلَامِ، وَبَدْرِ التَّمَامِ، وَنُضْرَةِ الْأَيَّامِ، وَصَاحِبِ

روشنی‌بخش تاریکی‌ها، ماه کامل تمام، و خزمی و طراوت روزگاران، دارای

الصَّمْصَامِ، وَفَلَاقِ الْهَامِ، وَالْبَحْرِ الْقَمْقَامِ، وَالسَّيِّدِ

شمشیر بزنده و به هدف زننده، شکافته سرها، دریای پرآب، سالار و سرور

الْهَمَامِ، وَحُجَّةِ الْخِصَامِ، وَبَابِ الْمَقَامِ لِيَوْمِ الْقِيَامِ.

دلیر و بخشنده، حجت و دلیل علیه دشمنان، و درگاه آستان الهی در روز قیام و برپایی.

وَالسَّلَامُ عَلَى مُفَرِّجِ الْكُرْبَاتِ، وَخَوَاضِ الْعَمْرَاتِ،

و سلام بر آن کسی که گرفتاری‌ها را برطرف می‌کند، و سختی‌های مرگبار را آسان می‌کند،

وَمُنْفَسِ الْحَسْرَاتِ، وَبَقِيَّةِ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَصَاحِبِ

و حسرت‌ها را از بین می‌برد، و باقی‌مانده حجت‌های خدا در زمین است، و صاحب

فَرَضِهِ، وَحُجَّتِهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ، وَمَوْضِعِ

فرض و دستور اکید الهی است، و حجت خدا بر خلقش است، و جایگاه دانش الهی است، و محل

صِدْقِهِ، وَالْمُنْتَهَى إِلَيْهِ مَوَارِثُ الْأَنْبِيَاءِ، وَلَدَيْهِ

استقرار راستگویی اوست، و میراث پیامبران به او رسیده است، و

مَوْجُودُ آثَارِ الْأَوْصِيَاءِ، وَحُجَّةِ اللَّهِ، وَابْنِ رَسُولِهِ،

آثار اوصیا نیز نزد اوست، و حجّت خدا و فرزند رسول خدا

وَالْقِيَمِ مَقَامَهُ، وَوَلِيِّ سِرْبِ سَمْتِ امْرِئِ اللَّهِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

و قائم مقام اوست، و ولی و سرپرست امر و فرمان الهی است؛ و رحمت و برکات خداوند بر او باد.

اللَّهُمَّ كَمَا أَنْتَجَبْتَهُ لِعِلْمِكَ، وَأَصْطَفَيْتَهُ لِحُكْمِكَ،

بارها؛ همان گونه که او را برای دانشت برگزیدی، و برای حکمت و دستورت انتخاب کردی،

وَخَصَّصْتَهُ بِمَعْرِفَتِكَ، وَجَلَّلْتَهُ بِكَرَامَتِكَ، وَغَشَّيْتَهُ

و مخصوص شناخت ویژهات گردانیدی، و با کرامت خود شکوه‌مندش ساختی و او را

بِرَحْمَتِكَ، وَرَبِّيَّتَهُ بِنِعْمَتِكَ، وَغَدَّيْتَهُ بِحِكْمَتِكَ،

با رحمتت فرا گرفتی، و با نعمت خویش پرورش دادی، و با حکمت خود او را تغذیه نمودی،

وَاخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَاجْتَبَيْتَهُ لِبَأْسِكَ، وَارْتَضَيْتَهُ

و برای خویشتن اختیار و انتخاب کردی، و برای خشم و قدرتت برگزیدی، و

لِقُدْسِكَ، وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ،

برای قدس و پاکت او را پسندیدی، و هدایت‌گری برای بندگان و مخلوقاتی که خواستی قرارش دادی،

وَدَيَانَ الدِّينِ بَعْدَكَ، وَفَضَلَ الْقَضَايَا بَيْنَ عِبَادِكَ.

و او را حاکم و فرمانروای حکومت عادلانه خویش قرار دادی، و برای پایان دادن به داورهای بین مردم برگزیدی،

و وَعَدْتَهُ أَنْ تَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ، وَتُفَرِّجَ بِهِ عَنِ الْأَمَمِ،

و به او وعده دادی وحدت کلمه به وسیله او ایجاد کنی، و امت‌های مختلف را نجات بخشی،

و تُنْبِرَ بِعَدْلِهِ الظُّلْمَ، وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الظُّلْمِ، وَتَقْمَعَ

و تاریکی‌ها را با عدالتش به روشنی بدل سازی و آتش ظلم را با او خاموش کنی، و

بِهِ حَرَّ الْكُفْرِ وَآثَارَهُ، وَتُطَهِّرَ بِهِ بِلَادَكَ، وَتَشْفِي بِهِ

گرمی بازار ناسپاسی و کفر و آثار آن را از بین ببری، و سرزمین‌هایت را به کمک او پاکسازی کنی،

صُدُورَ عِبَادِكَ، وَتَجْمَعَ بِهِ الْأَمْوَالُ كُلُّهَا، قَرِيبَهَا

و سینه بندگان را شفا بخشی، و تمام مملکت‌ها را یکی کنی؛ نزدیک آن را

وَبَعِيدَهَا، عَزِيزَهَا وَذَلِيلَهَا، شَرْقَهَا وَغَرْبَهَا، سَهْلَهَا

و دور آن را، باعزت آن را و زیردست و ذلیل آن را، شرق آن را و غرب آن را، دشت آن را

وَجَبَلَهَا، صَبَاها وَدُبُورَهَا، شِمَالَهَا وَجَنُوبَهَا، بَرَّهَا

و کوه آن را، چراگاه‌های آن را و بیابان‌های آن را، شمال آن را و جنوب آن را، خشکی آن را

وَبَحْرَهَا، حُزُونَهَا وَوُعُورَهَا، يَمَلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا،

و دریای آن را، زمین‌های درشت و برآمده آن را و راه‌های سخت و دشوار آن را؛ همه را پر از عدل و داد می‌گرداند

كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَتُمْكِنُ لَهُ فِيهَا، وَتُنَجِّزُ بِهِ

همان طور که پر از ظلم و جور و ستم شده باشد. نیز، وعده دادی که او را استقرار بخشی و قدرتمند

وَعَدَ الْمُؤْمِنِينَ، حَتَّى لَا يُشْرِكَ بِكَ شَيْئًا، وَحَتَّى

گردانی، وعده مؤمنان را محقق کنی، تا جایی که چیزی شریک تو گرفته نشود،

لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ، وَلَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ، وَحَتَّى

و حقی نماند جز آن که آشکار گردد، و عدلی نماند مگر آن که درخشش نماید،

لَا يَسْتَخْفِي بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ .

و چیزی از حق و حقیقت را به دلیل ترس از هیچ یک از مخلوقات مجبور به پنهان کردن نشود.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُظْهِرُ بِهَا حُجَّتَهُ، وَتُوضِحُ بِهَا

بارالها؛ آن طور بر او درود بفرست که حجت را بدین وسیله ظاهر کنی، و تر و تازگی

بِهَجَّتِهِ، وَتَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتَهُ، وَتُؤَيِّدُ بِهَا سُلْطَانَهُ،

و شادمانی اش را آشکار گردانی، و درجه اش را بالا ببری، و سلطنتش را تأیید و تقویت گردانی،

وَتُعْظِمُ بِهَا بَرْهَانَهُ، وَتُشَرِّفُ بِهَا مَكَانَهُ، وَتُعْلِي بِهَا

و دلیل و برهانش را ارزشمند کنی، و جایگاهش را شریف گردانی، و اساس

بُنْيَانَهُ، وَتُعِزُّ بِهَا نَصْرَهُ، وَتَرْفَعُ بِهَا قَدْرَهُ، وَتَسْمِي

و بنیان او را بلندمرتبه کنی، و یاری او را عزیز و نیرومند بفرمایی، و ارزش او را بالا ببری،

بِهَا ذِكْرَهُ، وَتُظْهِرُ بِهَا كَلِمَتَهُ، وَتُكَثِّرُ بِهَا نَصْرَتَهُ،

و یادش را نمودار کنی، و کلمه اش را آشکار گردانی. هم چنین درود تو باعث افزایش یاریش،

وَتُعِزُّ بِهَا دَعْوَتَهُ، وَتُزِيدُهُ بِهَا اِكْرَامًا، وَتَجْعَلُهُ

عزت مندی دعوتش، افزایش کرامتش، و پیشوا شدن او

لِلْمُتَّقِينَ اِمَامًا، وَتُبَلِّغُهُ فِي هَذَا الْمَكَانِ مِثْلَ هَذَا

برای پرهیزگاران شود. در این جا و این

الْاَوَانِ، وَفِي كُلِّ مَكَانٍ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا، لَا يَبْلَى

لحظه و در هر جای دیگری از ما به او سلام و احترامات ویژه ای را برسانی که

جَدِيدُهُ، [وَلَا يَقْنِي عَدِيدُهُ]. اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ

جدید آن کهنه نگردد و بهره آن از بین نرود. سلام بر تو ای باقی مانده حجت های

اللَّهِ فِي اَرْضِهِ وَبِلَادِهِ، وَحُجَّتَهُ عَلَي عِبَادِهِ، اَلْسَّلَامُ

الهی در زمین و شهرهای آن، و حجت خدای تعالی بر بندگانش؛ سلام

عَلَيْكَ يَا خَلْفَ السَّلَفِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ

بر تو ای جانشین راستین گذشتگان، سلام بر تو ای صاحب

الشَّرَفِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ الْمَعْبُودِ، اَلْسَّلَامُ

شرافت، سلام بر تو ای حجت خدای شایسته پرستش، سلام

عَلَيْكَ يَا كَلِمَةَ الْمَحْمُودِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَمْسَ

بر تو ای کلمه ستوده شده؛ سلام بر تو ای خورشید

الشَّمْسِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَهْدِيَّ الْاَرْضِ وَعَيْنَ

خورشیدها، سلام بر تو ای هدایت شده و هدایت کننده اهل زمین، سلام بر تو ای چشمه

الْفَرَضِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

دین، سلام بر تو ای مولای من و ای صاحب اختیار زمان،

وَالْعَالِي الشَّانِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ الْاَوْصِيَاءِ

و ای دارای مقام و شان والا، سلام بر تو ای پایان بخش اوصیا و جانشینان الهی،

وَإِنَّ الْأَنْبِيَاءَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعِزَّ الْأَوْلِيَاءِ وَمَذِلَّ

ای فرزند پیامبران؛ سلام بر تو ای عزت‌بخش دوستان و ذلیل‌کننده

الْأَعْدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْفَرِيدُ، السَّلَامُ

دشمنان؛ سلام بر تو ای امام تنها، سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُنْتَظَرُ وَالْحَقُّ الْمُشْتَهَرُ، السَّلَامُ

بر تو ای پیشوای مورد انتظار همگان، ای حقیقت‌مشهور و آشکار در بین همگان؛ سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْوَلِيُّ الْمُجْتَبَى وَالْحَقُّ الْمُشْتَهَى،

بر تو ای ولی و سرپرستی که با دقت انتخاب شده است، ای حقیقتی که همه، خواهش دیدارش را دارند،

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ

سلام بر تو ای پیشوایی که برای از بین بردن ستم و تجاوز

وَالْعُدْوَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُبِيدُ لِأَهْلِ

و دشمنی امیدوارش هستیم؛ سلام بر تو ای امام نابودگر

الْفُسُوقِ وَالطُّغْيَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْهَادِمُ

فاسقان و سرکشان؛ سلام بر تو ای امام ویران‌کننده

لِبُنَيَانِ الشُّرْكِ وَالنَّفَاقِ، وَالْحَاصِدُ فُرُوعَ الْغِيِّ

اساس شرک و دورویی؛ ای دروکننده شاخه‌های گمراهی

وَالشَّقَاقِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُدْخِرُ لِتَجْدِيدِ

و بدیختی؛ سلام بر تو ای ذخیره‌شده برای نوسازی

الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا طَامِسَ آثَارِ الزَّيْغِ

واجبات و مستحبات؛ سلام بر تو ای از بین‌برنده نشانه‌های انحراف

وَالْأَهْوَاءِ، وَقَاطِعَ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْفِتَنِ وَالْإِفْتِرَاءِ،

و هواپرستی؛ و قطع‌کننده رشته‌های دروغ و فتنه و تهمت؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُؤَمَّلُ لِأَحْيَاءِ الدَّوْلَةِ الشَّرِيفَةِ،

سلام بر تو ای کسی که برای احیای دولت شریف اسلامی مورد آرزو است.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَامِعَ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى، السَّلَامُ

سلام بر تو ای ایجادکننده وحدت بر اساس تقوا و پرهیزکاری؛ سلام

عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ، السَّلَامُ

بر تو ای باب و درگاه الهی؛ سلام بر تو ای خون خدا؛ سلام

عَلَيْكَ يَا مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِيهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

بر تو ای زنده‌کننده نشانه‌های اصلی دین و زنده‌کننده دین‌داران؛ سلام بر تو ای

قَاصِمَ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَجْهَ اللَّهِ

درهم‌شکننده شکوه تجاورکاران؛ سلام بر تو ای وجه خدا

الَّذِي لَا يَهْلِكُ وَلَا يَبْلَى إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

که نه نابودی دارد و نه کهنه می‌شود؛ تا روز قیامت؛ سلام بر تو

أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، السَّلَامُ

ای سبب اتصال و ارتباط بین زمین (ناسوتیان) و آسمان (عرشیان)؛ سلام

عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْفَتْحِ وَنَاشِرَ رَايَةِ الْهُدَى، السَّلَامُ

بر تو ای دارنده پیروزی و برافرازنده پرچم و نشانه هدایت؛ سلام

عَلَيْكَ يَا مُؤَلَّفَ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا، السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای گردآورنده پراکنگی شایستگی و خشنودی، سلام بر تو

يَا طَالِبَ ثَارِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، وَالثَّائِرِ بِدَمِّ

ای کسی که خون پیامبران و پسران‌شان را طلب می‌کنی، و به خون‌خواهی امام حسین علیه السلام

الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَنْصُورُ عَلَى

که در کربلا کشته شده، به قیام برمی‌خیزی؛ سلام بر تو ای کسی که در مقابله با

مَنْ اعْتَدَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُنْتَظَرُ الْمَجَابُ

کسانی که تجاوز کرده‌اند، یاری می‌شوی؛ سلام بر تو ای کسی که مورد انتظار هستی

إِذَا دَعَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ الْخَلَائِفِ، الْبَرُّ

و هنگامی که دعا کنی پاسخ داده می‌شوی، سلام بر تو ای باقی‌مانده جانشینان الهی، ای نیک‌مرد

التَّقِيُّ، الْبَاقِي لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ، السَّلَامُ

پرهیزکار که برای از بین بردن ستم و تجاوزگری، باقی مانده‌ای؛ سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

بر تو ای فرزند محمد مصطفی، سلام بر تو ای فرزند

عَلِيِّ الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ،

علی مرتضی، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَدِجَةَ الْكُبْرَى، وَابْنَ السَّادَةِ

سلام بر تو ای فرزند خدیجه بزرگ‌ترین زن زمانه‌اش، و فرزند سرورانی که

الْمُقَرَّبِينَ وَالْقَادَةَ الْمُتَّقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ النَّجْبَاءِ

مقرب درگاه ربوبی‌اند، و فرزند فرمانروایان پرهیزکار؛ سلام بر تو ای فرزند نجیبان

الْأَكْرَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَصْفِيَاءِ الْمُهَدَّبِينَ،

بزرگوار، سلام بر تو ای فرزند برگزیدگان پاک،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْهُدَاةِ الْمُهَدَّبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای فرزند هدایت‌گران هدایت‌شده، سلام بر تو

يَا بَنَ خَيْرَةِ الْخَيْرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَادَةِ الْبَشَرِ،

ای فرزند خوب‌ترین خوبان، سلام بر تو ای فرزند سروران بشریت،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْعَطَارِفَةِ الْأَكْرَمِينَ، وَالْأَطَائِبِ

سلام بر تو ای فرزند سروران بزرگواران، و خوبان

الْمُطَهَّرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْبَرَّةِ الْمُنتَجِبِينَ،

پاکیزگان، سلام بر تو ای فرزند نیکان انتخاب‌شده،

وَالْخَضَارِمَةَ الْأَنْجَبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْحُجَجِ

و بسیار عطاکنندگان بزرگواران و بخشندگان. سلام بر تو ای فرزند حجت‌های

الْمُنِيرَةِ، وَالشُّرُجَ الْمُضِيئَةَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

پرتوبخش، و چراغ‌های تابان، سلام بر تو ای فرزند

الشَّهْبِ الثَّاقِبَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ قَوَاعِدِ الْعِلْمِ،

ستارگان درخشان، سلام بر تو ای فرزند پایه‌ها و ارکان دانش حقیقی،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ مَعَادِنِ الْحِلْمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای فرزند معدن‌های حلم و بردباری، سلام بر تو

يَا بْنَ الْكَوَاكِبِ الزَّاهِرَةِ، وَالتُّجُومِ الْبَاهِرَةِ، السَّلَامُ

ای فرزند کوكب‌های درخشنده و ستارگان زیبا و نورانی، سلام

عَلَيْكَ يَا بْنَ الشُّمُوسِ الطَّالِعَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ

بر تو ای فرزند خورشیدهای آشکارشده تابان، سلام بر تو ای فرزند

الْأَقْمَارِ السَّاطِعَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ السُّبُلِ

ماه‌های تابنده، سلام بر تو ای فرزند راه‌های

الْوَاضِحَةِ، وَالْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ

آشکار، و نشانه‌های هویدا، سلام بر تو ای فرزند

السَّنَنِ الْمَشْهُورَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْمَعَالِمِ

سنت‌های مشهور و زبانزد، سلام بر تو ای فرزند نشانه‌های

الْمَأْثُورَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الشَّوَاهِدِ الْمَشْهُودَةِ،

بجای مانده از گذشتگان، سلام بر تو ای فرزند شاهدان گواهی‌شده،

وَالْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الصَّرَاطِ

و معجزاتی که هنوز موجودند، سلام بر تو ای فرزند راه

الْمُسْتَقِيمِ، وَالنَّبِيِّ الْعَظِيمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ

راست، و خبر بزرگ، سلام بر تو ای فرزند

الْآيَاتِ الْبَيِّنَاتِ، وَالذَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

نشانه‌ها و آیه‌های روش‌ت و دلیل‌های آشکار و هویدا؛ سلام بر تو

يَا بْنَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ

ای فرزند برهان‌های نمایان، سلام بر تو ای فرزند

الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ، وَالتَّعَمُّرِ السَّابِغَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

حجت‌ها و دلیل‌های رسا، و نعمت‌های فراوان و فراگیر، سلام بر تو

يَا بْنَ طَهٍ وَالْمُحْكَمَاتِ، وَيَسِّ وَالذَّارِيَاتِ، وَالطُّورِ

ای فرزند طه و آیات محکم الهی، و یاسین و ذاریات، و طور

وَالْعَادِيَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ مَنْ دَنَى فِتْدَلِي

و عادیات، سلام بر تو ای فرزند کسی که آن قدر نزدیک شد

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، وَاقْتَرَبَ مِنَ الْعَلِيِّ

که نزدیکیش با خداوند هم چون دو طرف کمان یا کم‌تر از آن بود، و به خداوند بلندمرتبه و الامقام

الْأَعْلَى. كَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى، أَوْ أَنْتَ

(از جهت معنوی) نزدیک شد؛ ای کاش می‌دانستم در کجا استقرار یافته‌ای، آیا

بِوَادِي طُوًى، عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى،

در وادی طوا هستی؟! چه قدر برایم سخت و تحملش دشوار است که مردم را ببینم ولی تو - محبوبم - را نبینم؛

وَلَا يُسْمَعُ لَكَ حَسِيسٌ وَلَا نَجْوَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ

و حتی هیچ صدای پنهان و صحبت آرامی نیز از تو نشنوم؛ برای من سنگین است که

يُرَى الْخَلْقُ وَلَا تُرَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ

مردم و مخلوقات دیده شوند ولی تو دیده نشوی؛ برای من سنگین است که

الْأَعْدَاءُ، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ مَا غَابَ عَنَّا، بِنَفْسِي

دشمنان تو را احاطه کرده باشند. جانم فدایت ای پنهان شده‌ای که در واقع از ما پنهان نیستی جانم فدایت،

أَنْتَ مِنْ نَارِحِ مَا نَزَحَ عَنَّا وَنَحْنُ نَقُولُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ

ای دوری که در واقع از ما جدا نیستی؛ و ما می‌گوییم: ستایش به خدا،

رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.

پروردگار هستی، اختصاص دارد؛ و خدا درودی پیوسته بر محمد و تمام خاندانش نثار فرماید.

آن‌گاه دو دست خود را به سوی آسمان بلند نموده و می‌گویی:

اللَّهُمَّ أَنْتَ كَاشِفُ الْكُرْبِ وَالْبَلْوَى، وَإِلَيْكَ نَشْكُو

بار الها؛ تو برطرف‌کننده اندوه و بلا و مصیبت‌ها هستی؛ از پنهانی و

غَيْبَةِ إِمَامِنَا، وَابْنِ بِنْتِ نَبِيِّنَا. اللَّهُمَّ فَاغْلِبْهُ بِالْأَرْضِ

غیبت اماممان به تو شکایت می‌کنیم؛ همو که فرزند دختر پیغمبرمان است. بار الها؛ (از تو می‌خواهیم که) زمین را

عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا مُلِئْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا. اللَّهُمَّ صَلِّ

همان‌گونه که پر از ستم‌های آشکار و پنهان است، پر از عدل و داد کنی و این کار را به وسیله او به انجام برسانی. بار الها؛

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَرِنَا سَيِّدَنَا وَصَاحِبَنَا

بر محمد و اهل بیت او درودی پیوسته نثار کن؛ و آقای ما، صاحب اختیار ما،

وإِمَامَنَا وَمَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، وَمَلْجَأَ أَهْلِ عَصْرِنَا،

پیشوای خوب ما، مولای ما، صاحب زمان ما، پناه مردم و موجودات روزگار ما،

وَمَنْجَا أَهْلِ دَهْرِنَا، ظَاهِرَ الْمَقَالَةِ، وَاضِحَ الدَّلَالَةِ،

نجات‌بخش مخلوقات زمانه ما را به ما بنمایان؛ با گفتاری آشکار و دلائلی روشن،

هُدَايَاً مِنَ الضَّلَالَةِ، مُتَقِدًا مِنَ الْجَهَالَةِ، وَأَظْهَرُ

و هدایت‌گری از گمراهی‌ها، و نجات‌بخشی از نادانی‌ها؛ و دستورات و

مَعَالِمَهُ، وَتَبَّتْ قَوَاعِدُهُ، وَأَعَزَّ نَصْرَهُ، وَأَطْلُ عُمْرِهِ،

نشانه‌هایش را آشکار ساز، پایه‌هایش را محکم گردان، یاریش را با عزت و نیرومند گردان، دوران زندگانش را طولانی فرما،

وَأَبْسِطْ جَاهَهُ، وَأَخِي أَمْرَهُ، وَأَظْهَرُ نُورَهُ، وَقَرِّبْ

اعتبار و مقامش را گسترش بده، امر ولایتش را زنده کن، روشنی و نورش را ظاهر کن،

بُعْدَهُ، وَأَنْجِزْ وَعْدَهُ، وَأَوْفِ عَهْدَهُ، وَزَيِّنِ الْأَرْضَ

دوریش را نزدیک فرما، وعده‌اش را جامه عمل ببوشان و به عهد و پیمان او وفا کن، و زمین را به

بَطُولِ بَقَائِهِ، وَدَوَامِ مُلْكِهِ، وَعَلِّوْا رِزْقَهُ وَارْتِفَاعِهِ،

واسطه حضور و باقی‌ماندن طولانیش و پایداری حکومت و دولتش، و بلندی و بلندمرتبه‌گی‌اش مرتزین فرما.

وَأَرِزْ مَشَاهِدَهُ، وَتَبَّتْ قَوَاعِدُهُ، وَعَظَّمْ بُرْهَانَهُ، وَأَمِدْ

مکان‌های حضورش را نورباران کن، پایه‌های حکومتش را محکم و پایدار فرما، دلیل و برهان او را مورد تعظیم قرار بده،

سُلْطَانَهُ، وَأَعْلِ مَكَانَهُ، وَقَوِّأَرْ كَانَهُ، وَأَرِنَا وَجْهَهُ،

سلطنتش را امتداد بده، جایگاهش را رفیع و والا کن، ارکان حکومتش را قوی کن، روی مبارکش را به ما بنمایان،

وَأَوْضِحْ بِهَجَّتِهِ، وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ، وَأَظْهِرْ كَلِمَتَهُ،

تر و تازگی و شادمانی‌اش را آشکار ساز، درجه و رتبه‌اش را بالا ببر، کلمه او را آشکار کن،

وَأَعِزِّ دَعْوَتَهُ، وَأَعْطِهِ سُؤْلَهُ، وَبَلِّغْهُ يَا رَبِّ مَا مَوْلَهُ،

فراخوانی او را عزت‌مند گردان، خواسته‌هایش را به او عطا کن، ای پروردگار من؛ به آرزوهایش به طور کامل برسان،

وَشَرِّفْ مَقَامَهُ، وَعَظِّمْ إِكْرَامَهُ، وَأَعِزِّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ،

مقام و منزلتش را شرافتمند کن، و کرامی داشت او را عظیم گردان، مؤمنان را به وسیله او عزت‌مند کن،

وَأَخِي بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ، وَأَذِلَّ بِهِ الْمُنَافِقِينَ،

سنت‌های رسولان را به وسیله او زنده کن، منافقان را به وسیله او خوار ساز،

وَأَهْلِكَ بِهَ الْجَبَّارِينَ، وَاكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ، وَأَعِدَّهُ

و زورگویان را به وسیله او هلاک کن، و او را از ستم حسودان کفایت کن، و او را

مِنْ شَرِّ الْكَاذِبِينَ، وَارْجُرْ عَنْهُ إِرَادَةَ الظَّالِمِينَ،

از شرّ حيله‌گران پناه بده، اراده و تصمیم ستمکاران را از او دور کن،

وَأَيِّدْهُ بِجُنُودٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ، وَسَلِّطْهُ عَلَى

با سپاهیبانی از فرشتگانی که علامت دارند یاریش کن، و بر تمامی

أَعْدَاءِ دِينِكَ أَجْمَعِينَ، وَأَقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عَسِيدٍ،

دشمنان دینت او را چیره و مسلط فرما. هر کسی را که زورگوی عنادپیشه است به واسطه آن حضرت نابود کن،

وَأَخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ وَقِيدٍ، وَأَنْفِذْ حُكْمَهُ فِي كُلِّ

هر آتش افروخته‌ای را با شمشیر او خاموش کن، دستورش را در تمام جاها نافذ گردان و عملی کن؛

مَكَانٍ، وَأَقِمْ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ، وَأَقْمِعْ بِهِ عَبَدَةَ

با پادشاهی او، هر سلطنتی را ایجاد کن، بت‌پرستان را به واسطه او نابود کن،

الْأَوْثَانَ، وَشَرِّفْ بِهِ أَهْلَ الْقُرْآنِ وَالْإِيمَانِ، وَأَظْهِرْهُ

و اهل قرآن و ایمان را با او شریف گردان، و او را

عَلَى كُلِّ الْأَدْيَانِ، وَأَكْبِتْ مَنْ عَادَاهُ، وَأَذِلَّ مَنْ

بر تمام دین‌ها چیره گردان و نمودار کن؛ و تمام دشمنانش را بیچاره و رسوا کن، و هر که او را هدف بگیرد

نَاوَاهُ، وَاسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ، وَأَنْكَرَ صِدْقَهُ،

و قصد سوء کند خوار گردان، و هر کس حق او را انکار کرد مستأصل و درمانده گردان، و هر کس منکر صداقت او شد

وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ، وَأَرَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ، وَسَعَى فِي

یا دستورش را ضعیف و کوچک به حساب آورد، و در فکر از بین بردن یادش باشد، و در جهت

إِطْفَاءِ نُورِهِ. اللَّهُمَّ تَوَزَّرْ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَاكْشِفْ

خاموشی نورش تلاش کند را وامانده و بدیخت گردان. بارالها؛ یا نور و روشنی او هر تاریکی را به روشنی بدل کن، و

بِهِ كُلَّ غُمَّةٍ، وَقَدِّمْ أَمَامَهُ الرَّعْبَ، وَثَبَّتْ بِهِ الْقُلُوبَ،

هر غم و اندوهی را برطرف گردان، و پیشاپیش او، رعب و وحشت را بفرست؛ دل و قلب مؤمنان را به وسیله او محکم و پایدار

وَأَقِمْ بِهِ نُصْرَةَ الْحَرْبِ، وَاجْعَلْهُ الْقَائِمَ الْمُوَمَّلَ،

گردان، و پیروزی در جنگ را به او برپا دار؛ و او را همان قیام‌کننده‌ای که همه آرزویش را دارند،

وَالْوَصِيَّ الْمَفْضَّلَ، وَالْإِمَامَ الْمُتَنْظَرِ، وَالْعَدْلَ

و برترین وصی و جانشینان و به عنوان پیشوای مورد انتظار و عدالت‌مند

الْمُخْتَبِرَ، وَامْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا مِلَأْتَ

امتحان پس داده، فرارش بده، و به وسیله اوزمین را - که پر از ستم‌های آشکار و پنهان است - پر از عدل

جَوْرًا وَظُلْمًا، وَأَعِنُّهُ عَلَىٰ مَا وَّلَّيْتَهُ وَاسْتَخْلَفْتَهُ

و داد گردان؛ و در مورد انجام چیزهایی که سرپرستی و جانشینی

وَاسْتَرْعَيْتَهُ، حَتَّىٰ يَجْرِيَ حُكْمُهُ عَلَىٰ كُلِّ حُكْمٍ،

و رعایتش را به او واگذار نموده‌ای یاری کن تا به انجام برساند، و در نتیجه حکم و حکومت او بر هر دستوری فایز آید،

وَيَهْدِي بِحَقِّهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ، وَاحْرُسْهُ اللَّهُمَّ بِعَيْنِكَ الَّتِي

و با حقیقتش هر گمراهی را هدایت فرماید. بارالها؛ با آن دیده همیشه بیدارت که خواب برایش مفهوم

لَا تَنَامُ، وَاكْنُفْهُ بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ، وَأَعِزَّهُ بِعِزِّكَ

و معنا ندارد، او را حراست و نگهبانی کن؛ او را در کف رکن رکن و محکم خود که شکسته نمی‌شود درآور؛ با عزت

الَّذِي لَا يُضَامُ، وَاجْعَلْنِي يَا إِلَهِي مِنْ عَدَدِهِ وَمَدَدِهِ،

پایداری که چیزی بر آن چیره نشود، عزت‌مندش کن. مرا نیز - ای خدای من؛ - از جمله لشکریان و در شمار

وَأَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَرْكَانِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَأَتْبَاعِهِ،

یاران او، و جزو انصار و کمک‌رسانان جبهه‌اش و سرداران سپاهش و شیعیان و دنباله‌روان او قرار بده.

وَأَذِقْنِي طَعْمَ فَرَحَتِهِ، وَالْأَيْسَنِي ثَوْبَ بَهْجَتِهِ،

و طعم شادی و سرور او را به من بچشان، و لباس طراوت بهجتش را به من ببوشان،

وَأَحْضِرْنِي مَعَهُ لِبَيْعَتِهِ، وَتَأَكِيدِ عَقْدَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ

و مرا به حضورش برسان، تا در بین رکن و مقام و در کنار

وَالْمَقَامِ عِنْدَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَوَفَّقْنِي يَا رَبِّ لِقِيَامِ

خانه محترمت نزد او باشم و با او بیعت کنم و پیمانی را که با او بستم بر آن تأکید و رزم. بارپروردگارا؛

بِطَاعَتِهِ، وَالْمَثْوَىٰ فِي خِدْمَتِهِ، وَالْمَكْثَ فِي دَوْلَتِهِ،

مرا توفیق بده برای انجام فرمان او، و منزل گرفتن در خدمت او، و درنگ کردن و ماندن در دولت او،

وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي اللَّهُمَّ قَبْلَ ذَلِكَ،

و دوری گزیدن از نافرمانی او. خدایا؛ اگر پیش از تشکیل حکومت او مرا میراندی،

فَاجْعَلْنِي يَا رَبِّ فِي مَنْ يَكْرُهُ فِي رَجْعَتِهِ، وَيَمْلِكُ

از کسانی قرار ده - ای پروردگار من؛ - که در زمان بازگشت او بازمی‌گردند، و

فِي دَوْلَتِهِ، وَيَتِمَّكَنُ فِي أَيَّامِهِ، وَيَسْتَظِلُّ تَحْتَ

در دولت او فرمانروا می‌شوند، و در ایام حکومت او قدرتمند می‌شوند، و در زیر

أَعْلَامِهِ، وَيُحْشَرُ فِي زُمْرَتِهِ، وَتَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَتِهِ،

پرچم‌های او درمی‌آیند، و در زمره او محشور می‌شوند، و چشم‌شان به دیدارش روشن می‌شود.

بِفَضْلِكَ وَإِحْسَانِكَ، وَكَرَمِكَ وَامْتِنَانِكَ، إِنَّكَ ذُو

این همه را با فضل و احسان و کرامت و منت‌بخشی خودت انجام بده. راستی، تو دارای

الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَالْمَنِّ الْقَدِيمِ، وَالْإِحْسَانِ الْكَرِيمِ.

فضل با عظمت، منت دیرینه، و نیکویی و احسان بزرگوارانه هستی.

سپس دوازده رکعت نماز (شش نماز دو رکعتی)، در همان

جایی که هستی بجا می‌آوری، و در آن هر سوره‌ای که خواسته

باشی قرائت نموده و ثوابش را به آن حضرت ارواحنا فداء هدیه می‌کنی. و پس از سلام هر دو رکعت نماز، تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را انجام داده، سپس می‌گویی:

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، وَإِلَيْكَ يَعُودُ

بارالها؛ تو، سلام هستی، و سلام و سلامتی، تنها از توست، و سلام به سوی تو برمی‌گردد؛

السَّلَامُ، حِينَا رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ. اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ

پروردگار ما؛ سلامی از خودت، به ما هدیه کن. بارالها؛ این

الرَّكَعَاتِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَيْكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ وَابْنِ

چند رکعت نماز، هدیه‌ای از جانب من به ولی و دوست تو و فرزند ولایت و فرزند

أَوْلِيَائِكَ، الْإِمَامِ بْنِ الْأَيْمَةِ، الْخَلْفِ الصَّالِحِ، الْحُجَّةِ

اولیای اوستینت است؛ همان پیشوایی که فرزند پیشوایان دین است، جانشین شایسته، حضرت حجت

صَاحِبِ الزَّمَانِ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و صاحب زمانه می‌باشد. پس، بر محمد و آل محمد درود بفرست؛

وَبَلِّغْهُ أَيَّاهَا، وَأَعْظِنِي أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي

و این نمازها را به آن حضرت برسان؛ و به من نیز برترین آرزو و امیدم به تو و

رَسُولِكَ، صَلِّوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ أَجْمَعِينَ وَفِيهِ ۱.

رسولت و امام زمان؛ را عطا کن؛ درودهای بی‌کران تو بر حضرت رسول و تمام آل او نثار باد.

۱. مصباح الزائر: ۴۱۸.

سید بزرگوار جناب سید بن طاووس رحمته الله علیه می‌فرماید: پس از نماز، دعای مشهوری را که در زمان غیبت حضرت قائم ارواحنا فداء خوانده می‌شود، بخوان.^۱



زیارت دوم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداء

این زیارت، به زیارت ندبه معروف است که از ناحیه مقدسه صادر شده و به دست مبارک ابو جعفر محمد بن عبدالله حمیری رحمته الله علیه رسیده است.^۲ و امر فرموده‌اند که این زیارت در سرداب مقدس خوانده شود.^۳



زیارت سوم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداء

زیارت دیگری که مولای ما حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در این مکان مقدس با آن زیارت می‌شود؛ چنین است: دو رکعت نماز خوانده و پس از آن می‌گویی: سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ...^۴ ۵.

۱. این دعا را در ص ۵۴۷ این کتاب نقل نمودیم.

۲. این زیارت در ص ۸۷۳ این کتاب آمده است.

۳. مصباح الزائر: ۴۳۰. ۵. مصباح الزائر: ۴۳۵.

۴. این زیارت نیز در ص ۱۸۵ کتاب آمده است.

زیارت چهارم در سرداب مقدس

سید بن طاووس علیه السلام می فرماید: پیش تر، کیفیت اذن ورود را در ابتدای زیارت آن حضرت ارواحفاده بیان کردیم؛ بدین سان، نیازی نیست که همراه با هر یک از زیارت‌های حضرتش دوباره تکرار شود. پس از اذن ورود هنگامی که به سرداب مقدس وارد شدی بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَخَلِيفَةَ رَسُولِهِ

سلام بر تو ای جانشین خداوند در روی زمینش؛ ای جانشین رسول خدا،

وَأَبَائِهِ الْأَئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ الْمَهْدِيِّينَ، السَّلَامُ

و پدرانش امامان معصوم و هدایت‌شده؛ سلام

عَلَيْكَ يَا حَافِظَ أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای حفظ‌کننده اسرار و رازهای پروردگار جهانیان؛ سلام بر تو

يَا وَارِثَ عِلْمِ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ

ای ارث برنده دانش رسولان الهی؛ سلام بر تو ای باقی‌مانده حجت‌های

مِنَ الصَّفْوَةِ الْمُتَّجِبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَنْوَارِ

انتخاب‌شده و برگزیده الهی؛ سلام بر تو ای فرزند نورهای

الزَّاهِرَةِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَشْبَاحِ الْبَاهِرَةِ،

تابان؛ سلام بر تو ای فرزند اشباح زیبارویان،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الصُّورِ النَّيِّرَةِ الطَّاهِرَةِ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای فرزند چهره‌های نورانی پاک، سلام

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ كَنْزِ الْعُلُومِ الْإِلَهِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

بر تو ای ارث‌برنده گنج‌های دانش خداوندی؛ سلام بر تو ای

حَافِظَ مَكْنُونِ الْأَسْرَارِ الرَّبَّانِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

نگهبان رازهای پنهان ربّانی، سلام بر تو ای

مَنْ خَضَعَتْ لَهُ الْأَنْوَارُ الْمَجْدِيَّةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ

کسی که روشنی‌های شکوه‌مند در برابر او ابراز فروتنی کرده‌اند. سلام بر تو

يَا بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُوتَى إِلَّا مِنْهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

ای درب ورودی به درگاه الهی که جز آن راهی برای رفتن نزد خدا نیست؛ سلام بر تو ای

سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

راه الهی که هر که جز آن را بپیماید نابود و هلاک می‌شود؛ سلام بر تو

يَا حِجَابَ اللَّهِ الْأَزَلِيِّ الْقَدِيمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

ای حجاب دیرینه و پایدار الهی؛ سلام بر تو ای فرزند

شَجَرَةِ طُوبَى وَسِدْرَةِ الْمُنْتَهَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ

درخت طوبا و سدره المنتهی (برترین و بالاترین مکان در بهشت)؛ سلام بر تو ای نور

اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفَأُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ الَّتِي

خدا که هرگز خاموش نمی‌شود؛ سلام بر تو ای حجت خدا که

لَا تُخْفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا لِسَانَ اللَّهِ الْمُعَبَّرَ عَنْهُ،

پنهان نمی‌شود؛ سلام بر تو ای زبان گویای الهی که مقصود او را بیان می‌کند؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَجْهَ اللَّهِ الْمُتَقَلَّبُ بَيْنَ أَظْهُرِ عِبَادِهِ،

سلام بر تو ای روی الهی که در بین پشت‌های بندگانش جایجا شده؛

سَلَامَ مَنْ عَرَفَكَ بِمَا تَعَرَّفْتَ بِهِ إِلَيْهِ، وَنَعَتَكَ بِبَعْضِ

سلام کسی که تو را شناخته است، آن چنان که تو خواستی شناخته شوی و خودت را برای او معرفی فرمودی. سلام کسی که

نُعُوتِكَ الَّتِي أَنْتَ أَهْلُهَا وَفَوْقُهَا. أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ

برخی از صفات و ویژگی‌هایی را که تو شایسته آن بلکه بالاتر از آن هستی توصیف نموده است. گواهی می‌دهم که تو حجت

عَلَى مَنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ، وَأَنَّ حِزْبَكَ هُمُ الْغَالِبُونَ،

بر گذشتگان و باقی‌ماندگان هستی؛ حزب و گروه تو چیره‌شونده و پیروزند؛

وَأَوْلِيَاءُكَ هُمُ الْفَائِزُونَ، وَأَعْدَاءُكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ،

دوستان تو کامیابند، دشمنان تو زیان‌کارند؛

وَأَنَّكَ خَائِرُ كُلِّ عِلْمٍ، وَفَاتِقُ كُلِّ رَثِقٍ، وَسَابِقُ

تو دارای تمام دانش‌ها؛ و گشاینده و شکافنده هر بسته‌ای هستی؛ آن چنان پیشی‌گیرنده‌ای که

لَا يُلْحَقُ، رَضِيتُ بِكَ يَا مَوْلَايَ إِمَامًا وَهَادِيًا، لَا

کسی به او نمی‌رسد؛ تو را - ای مولای من - به عنوان پیشوا و هدایت‌گرم پسندیدم، و کسی را

أَبْتَغِي بَدَلًا، وَلَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِكَ وَلِيًّا، وَأَنَّكَ الْحَقُّ

جایگزین تو نمی‌کنم، و جز تو سرپرستی بر نمی‌گزینم؛ و می‌دانم که تو حقیقت پایدار

الثَّابِتُ، الَّذِي لَا أَغْتَابُ وَلَا أَرْتَابُ لِأَمَدِ الْعَبِيَّةِ،

و ثابت هستی؛ به گونه‌ای که طول کشیدن دوران غیبت و پنهان بودن تو باعث بدگویی و شک و تردید من نشود

وَلَا أَتَحَيَّرُ لِطُولِ الْمُدَّةِ. وَعَدُّ اللَّهِ بِكَ حَقًّا، وَنَصْرَتُهُ

و به درازا کشیدن مدت پنهان بودن تو باعث تحیر و سرگردانی من نشود. وعده‌ای که خدا در موردت داده است حقیقت دارد،

لِدَيْنِهِ بِكَ صِدْقٌ، طُوبَى لِمَنْ سَعِدَ بِوِلَايَتِكَ، وَوَيْلٌ

و این‌که گفته است به وسیله تو دینش را یاری می‌کند راست است؛ خوشا به حال کسی که با ولایت تو سعادت‌مند گشته، و وای

لِمَنْ شَقِيَ بِجُحُودِكَ، وَأَنْتَ الشَّافِعُ الْمُطَاعُ الَّذِي

بر کسی که با انکار تو بدبخت شود. تو همان شفاعت‌کننده اطاعت‌شونده‌ای هستی که

لَا يُدْفَعُ، ذَخَرَكَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِنُصْرَةِ الدِّينِ، وَإِعْزَازِ

شفاعتش رد نمی‌شود، خدای سبحان تو را برای یاری دین، عزت بخشیدن

الْمُؤْمِنِينَ، وَالْإِنْتِقَامِ مِنَ الْجَاهِدِينَ. الْأَعْمَالُ

به اهل ایمان، و انتقام‌گرفتن از منکرین ذخیره کرده است. پذیرش اعمال مردم توسط خداوند،

مَوْقُوفَةٌ عَلَى وِلَايَتِكَ، وَالْأَقْوَالُ مُعْتَبَرَةٌ بِإِمَامَتِكَ،

متوقف بر ولایت تو است، و هر گفتاری تنها به واسطه پذیرش امامت و پیشوایی تو اعتبار دارد؛

مَنْ جَاءَ بِوِلَايَتِكَ وَاعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ قَبِلَتْ أَعْمَالُهُ،

هر کس ولایت تو را داشته باشد و به پیشوایی و امامت تو اعتراف کند اعمالش پذیرفته

وَصَدَّقَتْ أَقْوَالُهُ، تُضَاعَفُ لَهُ الْحَسَنَاتُ، وَتُمْحَى

و گفتارش تصدیق، و نیکی‌هایش چند برابر، و گناهانش محو و نابود

عَنْهُ السَّيِّئَاتُ، وَمَنْ زَلَّ عَنْ مَعْرِفَتِكَ، وَاسْتَبَدَلَ

می‌گردد. و هر کس نسبت به شناخت تو لغزش پیدا کند و منحرف گردد، و کسی دیگر را جایگزین

بِكَ غَيْرِكَ، أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَىٰ مَنْخَرِيهِ فِي النَّارِ، وَلَمْ

تو گرداند خداوند او را به رو در آتش افکند، و

يَقْبَلُ لَهُ عَمَلًا، وَلَمْ يَقْمِ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا. أَشْهَدُ

به هیچ وجه عملی از او را نپذیرد، و روز قیامت برای او وزن و قیمتی قرار ندهد.

يَا مَوْلَايَ أَنْ مَقَالِي ظَاهِرُهُ كِبَاطِنِهِ، وَسِرُّهُ كَعَلَانِيَّتِهِ،

مولای من؛ گواهی می‌دهم که ظاهر گفتارم همانند باطن و درونش است، و پنهانیش همانند آشکاری آن می‌باشد؛

وَأَنْتَ الشَّاهِدُ عَلَيَّ بِذَلِكَ، وَهُوَ عَهْدِي إِلَيْكَ،

و تو خودت به خوبی از این جریان آگاه و گواه هستی. و آن عهد من با تو

وَمِيثَاقِي الْمَعْهُودُ لَدَيْكَ، إِذْ أَنْتَ نِظَامُ الدِّينِ، وَعِزُّ

و پیمان بسته‌شده من نزد تو است؛ زیرا، تو باعث‌سامان‌بخشیدن به آیین الهی هستی، و عزت‌بخش

الْمَوْحِدِينَ، وَيَعْسُوبُ الْمُتَّقِينَ، وَبِذَلِكَ أَمَرَنِي فِيكَ

موحدان، و امیر و فرمان‌روای پرهیزکاران هستی، و پروردگار جهانیان در مورد تو این گونه به

رَبُّ الْعَالَمِينَ. فَلَوْ تَطَاوَلَتِ الدُّهُورُ، وَتَمَادَتِ

من فرمان داده است. پس اگر روزگاران به طول انجامد، و زمان‌ها به درازا

الْأَعْصَارُ، لَمْ أَزِدْ بِكَ إِلَّا يَقِينًا، وَلَكَ إِلَّا حُبًّا،

کشیده شود؛ جز بر یقین من در موردت افزوده نخواهد شد، و تنها باعث فزون‌ی محبت و دوستی من به تو

وَعَلَيْكَ إِلَّا اعْتِمَادًا، وَلِظُهُورِكَ إِلَّا مُرَابَطَةٌ بِنَفْسِي

و اعتمادم بر تو می‌گردد و آمادگی بیشتر برای ظهورت به واسطه مرزداری و جلوگیری از نفوذ

وَمَالِي وَجَمِيعَ مَا أَنْعَمَ بِهِ عَلَيَّ رَبِّي. فَإِنْ أَدْرَكْتُ

دشمن و دفاع و دفع دشمنانت با جان و مال و همه نعمت‌های پروردگارم خواهد گردید. اگر

أَيَّامَكَ الزَّاهِرَةَ، وَأَعْلَامَكَ الْقَاهِرَةَ، فَعَبْدٌ مِنْ عِبِيدِكَ،

روزگار درخشان ظهورت و نشانه‌های پیروزیت را دریايم؛ من نیز یکی از کوچک‌ترین خاکساران درگاهت خواهم

مُعْتَرِفٌ بِأَمْرِكَ وَنَهْيِكَ، أَرْجُو بِطَاعَتِكَ الشَّهَادَةَ

بود، و امر و نهی تو را می‌پذیرم؛ با فرمان‌برداری تو، شهادت

بَيْنَ يَدَيْكَ، وَبِوَلَايَتِكَ السَّعَادَةَ فِي مَا لَدَيْكَ. وَإِنْ

پیشاپیش تو را امیدوار هستم، و می‌خواهم با پذیرش ولایت تو، به دست تو سعادت‌مند شوم. و اگر

أَدْرَكَنِي الْمَوْتُ قَبْلَ ظُهُورِكَ، فَأَتَوَسَّلُ بِكَ إِلَى اللَّهِ

پیش از ظهورت مرگ به سراغ من آمد، به واسطه تو به خدای

سُبْحَانَهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

سبحان توصل می‌جویم تا بر محمد و آل محمد درود فرستد، و

يَجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي ظُهُورِكَ، وَرَجْعَةً فِي أَيَّامِكَ،

مرا در زمان ظهورت بازگرداند، و در زمان دولت و حکومتت رجعت کنم،

لَا بُلْغَ مِنْ طَاعَتِكَ مُرَادِي، وَأَشْفِي مِنْ أَعْدَائِكَ

تا آن چنان که دلم می‌خواهد از دستورات فرمان‌بری کنم، و قلبم را با انتقام‌گیری از دشمنانت شفا

فُوَادِي. يَا مَوْلَايَ وَقَفْتُ فِي زِيَارَتِي إِيَّاكَ مَوْقِفَ

بخشم. مولای من؛ در حال زیارت تو، در جایگاه

الْخَاطِئِينَ الْمُسْتَغْفِرِينَ النَّادِمِينَ، أَقُولُ عَمِلْتُ

خطاکاران آمرزش‌طلبان و پشیمانان فرار گرفته‌ام؛ و به صراحت می‌گویم که

سُوءاً، وَظَلَمْتُ نَفْسِي، وَعَلَى شَفَاعَتِكَ يَا مَوْلَايَ

بدرفتاری کرده‌ام، و بر خود ستم نموده‌ام، و توکل و تکیه‌ام - ای مولای من؛ - تنها بر شفاعت

مُتَّكِلِي وَمُعَوْلِي، وَأَنْتَ رُكْنِي وَتِقْتِي، وَوَسِيلَتِي

تو هست؛ چرا که رکن و تکیه‌گاه و مورد اطمینان من و واسطه من نزد خدا تو هستی؛

إِلَى رَبِّي، وَحَسْبِي بَكَ وَلِيًّا وَمَوْلَى وَشَفِيعاً،

و تو برای سرپرستی و سروری و شفاعت من نزد پروردگار کافی و بس هستی.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي لَوْلَايَتِكَ وَمَا كُنْتُ لِأَهْتَدِي

ستایش ویژه‌خدایی است که مرا هدایت کرد تا ولایت تو را از جان و دل پذیرا باشم، و به هیچ وجه راه را

لَوْلَا أَنْ هَدَانِي اللَّهُ، حَمداً يَقْتَضِي ثَبَاتَ النِّعْمَةِ،

نمی‌یافتم اگر خدا مرا هدایت نمی‌کرد. ستایش می‌کنم ستایشی که باعث پایداری نعمت شود؛

وَشُكْراً يُوجِبُ الْمَزِيدَ مِنْ فَضْلِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

و ستایشی که موجب افزایش فضل و احسان او گردد. سلام بر تو

يَا مَوْلَايَ وَعَلَى آبَائِكَ مَوْلَايَ الْأَنْمَةِ الْمُهْتَدِينَ

ای مولای عزیزم؛ و سلام بر پدران که سرپرستان و پیشوایانی هدایت‌گر بودند؛

وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، وَعَلَيَّ مِنْكُمْ السَّلَامُ.

و رحمت و برکات الهی و سلام و درود من بر شما نثار باد.

سپس، نماز زیارت را که در زیارت اول بیان شد به جای آور و

پس از آن بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْهَادِينَ الْمَهْدِيِّينَ،

بار الها؛ بر محمد و اهل بیت پاک، هدایت‌گر، و هدایت‌یافته‌اش درود فرست؛

الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ، الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ، دَعَائِمِ دِينِكَ،

همان‌هایی که دانشمندان راستگو، و جانشینانی پسندیده بودند. پایه‌های دینت،

وَأَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ، وَتَرَاجِمَةِ وَحْيِكَ، وَحُجَجِكَ عَلَى

ارکان و اساس یگانه‌پرستی تو، و بیان‌کنندگان وحیت، حجت‌های تو بر

خَلْقِكَ، وَخُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ، فَهُمْ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ

آفریدگانت، و جانشینانت در زمین هستند. ایشان کسانی هستند که برای خود اختیار کرده‌ای،

لِنَفْسِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ، وَأَرْتَضَيْتَهُمْ

و بر بندگان خویش برگزیده‌ای، و برای دین خود

لِدِينِكَ، وَخَصَّصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ، وَجَلَّلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ،

پسندیده‌ای، و شناخت کاملت را به ایشان اختصاص دادی، و باکرامت و بزرگواریت شکوه‌مندشان ساختی

وَعَذِّبْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ، وَغَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ، وَزَيَّنْتَهُمْ

و با حکمت خویش تغذیه‌شان کردی، و غرق رحمت خویش ساختی، و

بِنِعْمَتِكَ، وَالْبَسْتَهُمْ مِنْ نُورِكَ، وَرَفَعْتَهُمْ فِي

با نعمت خود آراستی، و روشنی و نورت را برایشان پوشانیدی، و در

مَلَكُوتِكَ، وَحَفَفْتَهُمْ بِمَلَأَيْتَكَ، وَشَرَّفْتَهُمْ بِبَنِيِّكَ.

ملکوت والای خود بالا بردی، و فرشتگانت را گرداگردشان قرار دادی، و به پیامبرت ایشان را شرافت بخشیدی.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ صَلَاةً زَاكِيَةً نَامِيَةً

بار الها! بر محمد ﷺ و بر ایشان درود بفرست درودی خالص، افزون‌شونده،

كَثِيرَةً، طَيِّبَةً دَائِمَةً لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَلَا يَسْعُهَا

و بسیار، پاک، پاکیزه و دائمی، که جز تو هیچ کس را یاری احاطه بر آن نباشد،

إِلَّا عِلْمُكَ، وَلَا يُحْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

و جز دانشت آن را دربرنگیرد، و جز تو هیچ کس تعدادش را به شماره درنیآورد. بار الها! بر

وَلِيِّكَ الْمُحْيِي السَّبِيلِ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، الدَّاعِي إِلَيْكَ،

ولیت درود فرست که راه تو را زنده می‌کند، به دستورت قیام می‌کند، به سوی تو فرامی‌خواند،

الدَّلِيلِ عَلَيْكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي

دلیل بر توست، حجت تو بر بندگان، جانشینت در

أَرْضِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ. اللَّهُمَّ أَعِزَّ نَصْرَهُ،

زمینت، و گواه تو بر بندگانت می‌باشد. بار الها! یاری او را تقویت کن،

وَأَمِّدْهُ فِي عُمُرِهِ، وَزَيِّنِ الْأَرْضَ بِطُولِ بَقَائِهِ. اللَّهُمَّ

عمرش را دراز کن، و با زندگانی طولانی زمین را زینت بده. بار الها!

اَكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ، وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَاذِبِينَ،

از شر و ستم حسودان او را کفایت کن، و از شر حيله‌گران او را پناه بده،

وَأَزْجُرْ عَنْهُ إِزَادَةَ الظَّالِمِينَ، وَخَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي

تصمیم و سوء قصد ستمکاران را از او دور کن، و از دست زورگویان او را رهایی

الْجَبَّارِينَ. اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، وَشَيْعَتِهِ

بخش. بار الها! به او عطا فرما؛ در مورد خودش، ذریه‌اش، شیعیان و پیروانش،

وَرَعِيَّتِهِ، وَخَاصَّتِهِ وَعَامَّتِهِ وَجَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا، مَا

رعیتش، نزدیکان و اطرافیانش، افراد معمولی در خدمتش، و تمام اهل دنیا، آنچه

تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَتَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ، وَبَلَّغَهُ أَفْضَلَ أَمَلِهِ فِي

که چشمش را به آن روشن نمایی و روانش را به آن شاد گردانی؛ و او را به برترین آرزوهایش در

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

دنیا و آخرت برسان؛ راستی، تو بر هر چیز توانایی.

سپس برای هر چه دوست داری دعا کن.^۱

۱. مصباح الزائر: ۴۳۷، و در المزار شهید: ۲۲۶ با تفاوت زیاد.

زیارت پنجم حضرت بقیة الله عز وجل

در کتاب «مصباح الزائر» زیارت دیگری نیز نقل شده است:

السَّلَامُ عَلَى الْحَقِّ الْجَدِيدِ، وَالْعَامِلِ الَّذِي لَا يَبِيدُ^۱،

سلام بر حقیقت تازه، و عمل کننده‌ای که هرگز قدیمی نمی‌شود،

السَّلَامُ عَلَى مُحْيِي الْمُؤْمِنِينَ، وَمُبِيرِ الْكُافِرِينَ،

سلام بر زنده کننده مؤمنان، و هلاک کننده کافران؛

السَّلَامُ عَلَى مَهْدِيِّ الْأُمَمِ، وَجَامِعِ الْكَلِمِ، السَّلَامُ

سلام بر هدایت‌گر امت‌ها، و گردآورنده کلمات، سلام

عَلَى خَلْفِ السَّلَفِ، وَصَاحِبِ الشَّرَفِ، السَّلَامُ عَلَى

بر جانشین گذشتگان، و صاحب شرافت الهی؛ سلام بر

حُجَّةِ الْمَعْبُودِ، وَكَلِمَةِ الْمَحْمُودِ، السَّلَامُ عَلَى مُعِزِّ

حجت پروردگار و کلمه پسندیده و ستوده شده؛ سلام بر عزت‌بخش

الْأَوْلِيَاءِ، وَمَذِلِّ الْأَعْدَاءِ، السَّلَامُ عَلَى وَاثِرِ الْأَنْبِيَاءِ،

دوستان و خوار کننده دشمنان. سلام بر وارث پیامبران،

۱. در مزار شهید چنین آمده است: وَالْعَالَمِ الَّذِي عِلْمُهُ لَا يَبِيدُ؛ «و دانشمندی که

دانشش کهنه نمی‌شود».

وَخَاتَمِ الْأَوْصِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ،

و آخرین جانشینان، سلام بر قیام کننده مورد انتظار،

وَالْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ، السَّلَامُ عَلَى السَّيْفِ الشَّاهِرِ،

و عدالت شهرت یافته، سلام بر شمشیر نمایان،

وَالْقَمَرِ الزَّاهِرِ، السَّلَامُ عَلَى شَمْسِ الظَّلَامِ، وَبَدْرِ

و ماه تابان، سلام بر خورشید تاریکی‌ها و ماه

التَّمَامِ، السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنْامِ، وَفِطْرَةِ الْأَيَّامِ،

کامل و تمام؛ سلام بر بهار انسان‌ها، و سرشت روزها،

السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الصَّمْصَامِ، [وَأَفْلاقِ الْهَامِ،

سلام بر صاحب شمشیر بزان، و شکافنده سرها،

السَّلَامُ عَلَى الدِّينِ الْمَأْثُورِ، وَالْكِتَابِ الْمَسْطُورِ،

سلام بر دین بجای مانده، و کتاب نگاشته شده.

السَّلَامُ عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ، وَحُجَّتِهِ عَلَى عِبَادِهِ،

سلام بر باقی مانده حجت‌های خدا در سرزمین‌هایش، و حجت خداوند بر بندگانش؛

الْمُنْتَهَى إِلَيْهِ مَوَارِثُ الْأَنْبِيَاءِ، وَكَدَيْهِ مَوْجُودٌ

کسی که میراث پیامبران به او رسیده، و نشانه‌ها

آثَارُ الْأَصْفِيَاءِ، أَلْمُؤْتَمَنِ عَلَى السَّرِّ، وَالْوَلِيِّ لِلْأُمَّمِ،

و آثار برگزیدگان نزد اوست، امین سر الهی است، و سرپرست امت‌هاست؛

الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ

همان مهدی که خداوند عزیز و بلندمرتبه به امت‌ها وعده داده است که به سبب او

بِهِ الْكَلِمَ، وَيَلْمُ بِهِ الشَّعْثَ، وَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا

وحدت کلمه ایجاد می‌کند، و پراکنگی را بهم می‌آورد، و زمین را پر از عدل

وَعَدْلًا، وَيُمْكِّنُ لَهُ، وَيُنْجِزُ بِهِ وَعْدَ الْمُؤْمِنِينَ. أَشْهَدُ

و دادمی‌گرداند، و او را توانایی و قدرت می‌بخشد و وعده‌هایی را که به مؤمنان داده محقق می‌گرداند.

يَا مَوْلَايَ إِنَّكَ وَالْأَيْمَةَ مِنْ آبَائِكَ أُمَّتِي وَمَوَالِيَّ فِي

ای مولای من؛ گواهی می‌دهم که تو و امامان دیگر از پدران، پیشوایان من و سرپرستان حقیقی من در

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ، أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ

زندگی دنیا و روز اقامه شهود (قیامت) هستید. از تو درخواست می‌کنم ای مولای من؛

أَنْ تَسْأَلَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي صَلَاحِ شَأْنِي،

تا از خداوند بلندمرتبه بخواهی که کارم را اصلاح کند

وَقَضَاءِ حَوَائِجِي، وَغُفْرَانِ ذُنُوبِي، وَالْأَخْذِ بِيَدِي

و حاجت‌هایم را برآورد، و گناهانم را ببخشد، و دستم را در مورد

فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، لِي وَلَا إِخْوَانِي وَإِخْوَتِي

دینم و دنیا و آخرتم بگیرد؛ برای من و تمام برادران و خواهران

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ كَافَّةً، إِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

مؤمنم، این کارها را انجام دهد. همانا تو بخشنده‌ای مهربان هستی.

سپس نماز زیارت را که در زیارت اول بیان شد به جای آور و

پس از آن بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي

بار الها؛ درود فرست بر حجتت در روی زمینت، و جانشینت در

بِلَادِكَ، الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ، وَالْقَائِمِ الصَّادِعِ

سرزمین‌هایت، فراخوان مردم به طرف راهت، قیام‌کننده‌ای که آشکارکننده (دین تو)

بِالْحِكْمَةِ، وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَالصِّدْقِ، وَكَلِمَتِكَ

با حکمت و موعظه نیکو و راستگویی است. او که کلمه،

وَعَيْبَتِكَ وَعَيْنِكَ فِي أَرْضِكَ، الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ،

محل راز، و چشم تو در زمینت است و چشم به راهی ترسان است،

الْوَلِيِّ النَّاصِحِ، سَفِينَةِ النَّجَاةِ، وَعَلَمِ الْهُدَى، وَنُورِ

و سرپرستی خیرخواه، کشتی نجات، و نشانه هدایت، و نور

أَبْصَارِ الْوَرَى، وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدَى، وَالْوَتْرِ

چشمان مردم، و بهترین کسی که لباس و عبا پوشیده، و خون‌خواه کسی که

الْمَوْتُورِ، وَمُفْرَجِ الْكَرْبِ، وَمُزِيلِ الْهَمِّ، وَكَاشِفِ

انتقامش گرفته نشده، و از بین برنده غم، و زداینده اندوه، و برطرف کننده

الْبَلْوَى. صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الْأَيْمَةِ

بلاست. صلوات خدا بر او و پدرانش که امامانی

الْهَادِينَ، وَالْقَادَةَ الْمَيَامِينَ، مَا طَلَعَتْ كَوَاكِبُ

هدایت‌گر و فرمانروایانی فرخنده هستند، باد؛ تا آن زمان که ستارگان

الْأَشْحَارِ، وَأَوْرَقَتِ الْأَشْجَارُ، وَأَيَّعَتِ الْأَثْمَارُ،

سحری طلوع می‌کنند، و درختان برگ می‌دهند، و میوه‌ها می‌رسند و قابل چیده شدن می‌گردند،

وَاحْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَعَرَّدَتِ الْأَطْيَارُ. اللَّهُمَّ

و شب و روز یکی پس از دیگری در رفت و آمدند، و پرندگان نغمه‌سرایبی و آوازخوانی می‌کنند. بارالها؛

انْفَعْنَا بِحُبِّهِ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَتَحْتَ لِيْوَائِهِ، إِلَهَ

ما را به دوستی او بهره‌مند گردان، و ما را در زمره او و زیر پرچمش محشور کن؛ ای خدای

الْحَقِّ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ۱.

حق و ای پروردگار جهانیان؛ اجابت کن.

ذکر صلوات بر امام زمان ارواحنا فداء

و پس از زیارت می‌گویی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ

بار الها؛ بر محمد و اهل بیتش درود بفرست؛ و بر ولی

الْحَسَنِ وَوَصِيِّهِ وَوَارِثِهِ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، وَالْغَائِبِ

و وصی و وارث امام حسن عسکری درود بفرست؛ که برپا دارنده امر و فرمان تو است، و

فِي خَلْقِكَ، وَالْمُنْتَظِرِ لِذَنْبِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ،

در بین مردم پنهان شده است، و منتظر اجازه توست. بارالها؛ بر او صلوات و درود بفرست،

وَقَرِّبْ بُعْدَهُ، وَأَنْجِزْ وَعْدَهُ، وَأَوْفِ عَهْدَهُ، وَاکْشِفْ

و دوریش را نزدیک کن، و وعده‌اش را محقق گردان، و بر عهد و پیمان‌ش وفا کن، و

عَنْ بَأْسِهِ حِجَابَ الْغَيْبَةِ، وَأَظْهِرْ بَظُهُورِهِ صَحَائِفَ

برده غیبت را از (چهره) ناراحت او برگیر، و با ظهور آن حضرت، دفترهای امتحان و آزمایش را

الْمِخْنَةِ، وَقَدِّمْ أَمَامَهُ الرُّعْبَ، وَثَبِّتْ بِهِ الْقَلْبَ، وَأَقِمْ

پدیدار کن، و پیشاپیش او رعب و وحشت را بفرست، و دل مؤمنان را ثابت و محکم گردان،

بِهِ الْحَرْبَ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ،

و جنگ را به وسیله او برپا کن، و او را با سپاه فرشتگان که نشان دارند تأییدش گردان،

وَسَلِّطْهُ عَلَى أَعْدَاءِ دِينِكَ أَجْمَعِينَ، وَأَلْهِمَّهُ أَنْ

و او را به تمام دشمنان دینت مسلط کن، و به او الهام کن که

لَا يَدْعَ مِنْهُمْ رُكْنًا إِلَّا هَدَاهُ، وَلَا هَامًا إِلَّا قَدَّهُ، وَلَا كَيْدًا

هیچ رکی از آنان را باقی نگذارد مگر این که منهدم کند، و هیچ سری را مگر این که آن را دو نیم کند، و هیچ نیرنگی

إِلَّا رَدَّهُ، وَلَا فَاسِقًا إِلَّا حَدَّهُ، وَلَا فِرْعَوْنَ إِلَّا أَهْلَكَهُ،

را مگر این که باطل سازد و به خودشان برگرداند، و هیچ فاسقی را مگر این که ادب کند، و هیچ فرعونی را مگر این که هلاک گرداند،

وَلَا سِتْرًا إِلَّا هَتَكَهُ، وَلَا عَلَمًا إِلَّا نَكَّسَهُ، وَلَا سُلْطَانًا

و هیچ پرده‌ای را مگر این که بدرد، و هیچ پرچمی را مگر این که سرنگون کند، و هیچ پادشاهی را

إِلَّا كَبَسَهُ، وَلَا رُمَحاً إِلَّا قَصَفَهُ، وَلَا مُطْرِدًا إِلَّا

مگر این که او را مورد هجوم و حمله ناگهانی خویش قرار دهد، و هیچ نیزه‌ای را مگر این که بشکند؛ و هیچ خنجری را مگر

خَرَقَهُ، وَلَا جُنْدًا إِلَّا فَرَقَهُ، وَلَا مَنَبْرًا إِلَّا أَخْرَقَهُ، وَلَا

این که بشکند، و هیچ لشکری را مگر این که پراکنده سازد، و هیچ منبری را مگر این که بسوزاند، و هیچ

سَيْفًا إِلَّا كَسَرَهُ، وَلَا صَنَمًا إِلَّا رَضَّهُ، وَلَا دَمًا إِلَّا

شمشیری را مگر این که بشکند، و هیچ بتی را مگر این که درهم بکوبد و خرد کند، و هیچ خونی را مگر این که

أَرَاقَهُ، وَلَا جَوْرًا إِلَّا أَبَادَهُ، وَلَا حِصْنَآ إِلَّا هَدَمَهُ، وَلَا

بریزد، و هیچ ستمی را مگر این که از بین ببرد، و هیچ دژی را مگر این که فرو بریزد، و هیچ

بَابًا إِلَّا رَدَمَهُ، وَلَا قَصْرًا إِلَّا أَخْرَبَهُ، وَلَا مَسْكَنًا إِلَّا

دری را مگر این که ببندد، و هیچ کاخی را مگر این که ویران سازد، و هیچ منزلگاهی را مگر این که

فَتَشَهُ، وَلَا سَهْلًا إِلَّا وَطِئَهُ، وَلَا جَبَلًا إِلَّا صَعَدَهُ، وَلَا

وارسی کند، و هیچ بیابانی را مگر این که زیر پا بگذارد، و هیچ کوهی را مگر این که بالا رود، و هیچ

كُنْزًا إِلَّا أَخْرَجَهُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱.

کنجی را مگر این که بیرون آورد؛ به واسطه رحمت، ای مهربان‌ترین مهربانان.

۱. مصباح الزائر: ۴۴۲.

ظاهر آن است که زیارت پنجم، دَوْم و سَوْم، اختصاص به سرداب مقدس ندارند، ولی چنان که از نسخه شهید^{علیه السلام} نیز برمی آید، زیارت ششم و زیارت‌های اول و چهارم مخصوص سرداب مقدس‌اند.

زیارت ششم حضرت بقیة الله ارواحنا فداء

پس از زیارت امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام، به سوی سرداب مقدس آمده و همانند کسی که اجازه ورود می‌طلبد درب سرداب را بگیر، و با نام خداوند و با حالت آرامش و وقار و سنگینی، و با ادب کامل پایین برو، و دو رکعت نماز در آستانه سرداب مقدس به جای آور و بگو:

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ

الله اکبر، خدا بزرگ‌تر از آن است که وصف شود؛ جز خدا معبودی نیست؛ الله اکبر، خدا بزرگ‌تر از آن است که وصف شود؛

الْحَمْدُ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَعَرَفْنَا أَوْلِيَاءَهُ

سپاس و ستایش، مخصوص ذات خداوند است؛ ستایش، ویژه خداست؛ خدایی که ما را به این امر، راهنمایی کرده؛ دوستانش

وَأَعْدَاءَهُ، وَوَقَّعْنَا لِيَارَةِ أُمَّتِنَا وَلَمْ يَجْعَلْنَا مِنْ

و دشمنانش را به ما شناساند، و ما را به زیارت پیشوایانمان موفق فرمود، و ما را از

الْمُعَانِدِينَ النَّاصِبِينَ، وَلَا مِنَ الْغُلَاةِ الْمُفَوِّضِينَ،

نواصب و کسانی که دشمنی و سرسختی با آن بزرگواران دارند، یا تدروانی که همانند مفوضه عمل می‌کنند،

وَلَا مِنَ الْمُرْتَابِينَ الْمُقَصِّرِينَ. السَّلَامُ عَلَيَّ وَلِيِّ اللَّهِ

یا کسانی که شک می‌کنند و مقصّرند؛ قرار نداد. سلام بر ولی خدا

وَابْنِ أَوْلِيَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُدَّخِرِ لِكِرَامَةِ اللَّهِ وَبَوَارِ

که فرزند دوستان خدا است، سلام بر ذخیره شده برای بزرگداشت خداوند و خوار و نابودکردن

أَعْدَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى النُّورِ الَّذِي أَرَادَ أَهْلُ الْكُفْرِ

دشمنان خدا؛ سلام بر نوری که کافران خواستند خاموش کنند،

إِطْفَاءَهُ فَأَبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ بِكُرْهِهِمْ، وَأَمَدَهُ

ولی خدا خواست نورش را علیرغم آن‌ها و با ناخشونودی آن‌ها کامل کند، و

بِالْحَيَاةِ حَتَّى يُظْهِرَ عَلَى يَدِهِ الْحَقَّ بِرَغْمِهِمْ، أَشْهَدُ

زندگانی آن حضرت را طولانی کرد تا حق و حقیقت را برخلاف میل باطنی آن‌ها به دست مبارکش آشکار سازد. گواهی

أَنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكَ صَغِيرًا، وَأَكْمَلَ لَكَ عُلُومَهُ كَبِيرًا،

می‌دهم که خدا تو را در سن کم برگزید، و در بزرگی دانش‌هایش را برایت تکمیل فرمود؛

وَأَنَّكَ حَيٌّ لَا تَمُوتُ حَتَّى تُبْطِلَ الْجِبْتَ وَالطَّاغُوتَ .

تو زنده‌ای از دنیا نخواهی رفت تا آن‌گاه که جبت و طاغوت را نابود سازی.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى خُدَامِهِ وَأَعْوَانِهِ عَلَى غَيْبَتِهِ

بارالها؛ بر امام زمان و خادمان و کمک‌رسانان او در زمان غیبت و دوریش، درود بفرست؛

وَنَائِيهِ، وَاسْتُرْهُ سِتْرًا عَزِيزًا، وَاجْعَلْ لَهُ مَعْقَلًا حَرِيزًا،

او را به خوبی و عزتمندی در پوشش و پنهایی خودت قرار ده، و پناهگاهی محکم و استوار برایش بساز،

وَأَشْدِدِ اللَّهُمَّ وَطَأْتِكَ عَلَى مُعَانِدِيهِ، وَاحْرُسْ

و - خداوندا؛ - دشمنانش را با شدت درهم بکوب، و

مَوَالِيَهُ وَزَائِرِيهِ . اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ

دوستان و زائرانش را حفاظت و نگهداری فرما. بارالها؛ همان‌گونه که قلب مرا با یادش

مَعْمُورًا، فَاجْعَلْ سِلَاحِي بِنُصْرَتِهِ مَشْهُورًا، وَإِنْ

آباد گردانیدی، پس اسلحه مرا نیز در یاری او نمایان ساز، و اگر

حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَ لِقَائِهِ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ

مرگ - که یک امری حتمی برای

عِبَادِكَ حَتْمًا، وَأَقْدَرْتَ بِهِ عَلَيَّ خَلْقَتِكَ رَغْمًا،

بندگان است و با آن بر بندگانت تسلط داری - مرا دریافت، و میان من و دیدار او فاصله شد

فَابْعَثْنِي عِنْدَ خُرُوجِهِ ظَاهِرًا مِنْ حُفْرَتِي، مُؤْتِرًا

پس مرا در هنگام قیام او از قبرم بیرون آورده و آشکار ساز، در حالی که

كَفْنِي، حَتَّى أُجَاهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ فِي الصَّفِّ الَّذِي

کفنم بر تنم است؛ تا من نیز در پیش‌روی مبارکش در صفی قرار گیرم که جهاد کنم؛

أَثْنَيْتَ عَلَيَّ أَهْلِيهِ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ ﴿كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ

همان صفی که در کتاب عزیزت قرآن، افرادش را ستوده و فرموده‌ای: «در صف مبارزه با کافران گویی اینان بنیانی

مَرَّصُوصٌ﴾^۱. اللَّهُمَّ طَالَ الْإِنْتِظَارُ، وَشَمِيتَ بِنَا

آهین و بهم‌پیوسته هستند». بارالها؛ انتظار، طولانی شد؛ فاجران و بدکاران ما را

الْفُجَّارُ، وَصَعَبَ عَلَيْنَا الْإِنْتِظَارُ . اللَّهُمَّ أَرِنَا وَجْهَ

به مسخره گرفته و سرزنش می‌کنند؛ منتظرماندن بیش از این برای ما بسیار سخت شده است. بارالها؛ چهره مبارک

۱. سوره صف، آیه ۴.

وَلِيَّكَ الْمَيْمُونَنَ فِي حَيَاتِنَا وَبَعْدَ الْمُنُونِ . اَللّٰهُمَّ اِنِّي

ولیع بزرگواریت را در زمان زندگانی و پس از مرگمان به ما بنمایان. بارالها؛

اَدِينُ لَكَ بِالرَّجْعَةِ بَيْنَ يَدَيْ صَاحِبِ هَذِهِ السَّبْعَةِ ،

تو را دینداری می‌کنم با رجعت و بازگشتن و حضور در پیش‌روی صاحب این بارگاه و گنبد.

الْعَوْثُ الْعَوْثُ الْعَوْثُ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ، قَطَعْتُ فِي

فریاد، فریاد، فریاد، ای امام زمان؛ برای

وَصَلَّتِكَ الْخُلَّانَ ، وَهَجَرْتُ لِرِزْيَارَتِكَ الْاَوْطَانَ ،

رسیدن به تو و با تو بودن از دوستان نزدیکم بریدم، و برای زیارتت از وطنم هجرت کردم،

وَ اَخْفَيْتُ اَمْرِي عَنْ اَهْلِ الْبُلْدَانِ ، لِتَكُونَ شَفِيعًا عِنْدَ

و از مردم شهر مخفی داشتم که می‌خواهم به دیدار تو بیایم؛ این کارها را کردم تا نزد

رَبِّكَ وَ رَبِّي ، وَاِلَى اَبَائِكَ مَوَالِيٍّ فِي حُسْنِ التَّوْفِيقِ ،

پروردگارت و پروردگارم شفیع و واسطه‌ام باشی، و نزد پدرانت که سرپرستان و اولیای من هستند نیز واسطه و شفیع من

وَ اِسْبَاغِ النِّعْمَةِ عَلَيَّ ، وَ سَوْقِ الْاِحْسَانِ اِلَيَّ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ

باش تا به من توفیق نیکو و نعمت فراوان و ریزان، و احسان بی‌کران لطف فرمایند. بارالها؛

عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ ، اَصْحَابِ الْحَقِّ ، وَ قَادَةِ

بر محمد و آل محمد درود بفرست؛ همان حق‌پرستان و رهبران

الْخَلْقِ ، وَ اسْتَجِبْ مِنِّي مَا دَعَوْتُكَ ، وَ اَعْطِنِي مَا لَمْ

خلق؛ و دعایم را پاسخ بده، و آنچه را

اَنْطِقُ بِهِ فِي دُعَائِي ، مِنْ صَلاَحِ دِينِي وَ دُنْيَايَ ، اِنَّكَ

در ضمن دعایم ذکر نکردم ولی صلاح دین و دنیای من در آن است به من عطا فرما؛ راستی تو

حَمِيدٌ مَجِيدٌ ، وَ صَلَّى اللهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ .

ستوده شکوه‌مند هستی؛ و خدا بر محمد و خاندان پاکش درود فرستد.

سپس به داخل جایگاه اصلی سرداب برو، و دو رکعت نماز به

جای آور و بگو:

اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ الزَّائِرُ فِي فِنَاءِ وَلِيِّكَ الْمَرْوَرِ ، الَّذِي

بارالها؛ بنده زائرت به بارگاه ولایت که مورد زیارت من است وارد گشته است؛ همان ولیتی که

فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَيَّ الْعَبِيدِ وَالْاَحْرَارِ ، وَ اَنْقَذْتَ بِهِ

فرمان‌برداری از او را بر بندگان و آزادان واجب و حتمی فرمودی، و

اَوْلِيَاءَكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ . اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا زِيَارَةً

دوستانت را به واسطه او از عذاب دوزخ نجات بخشیدی. بارالها؛ این زیارت را

مَقْبُولَةً ذَاتَ دُعَاءٍ مُسْتَجَابٍ ، مِنْ مُصَدِّقٍ بِوَلِيِّكَ غَيْرِ

پذیرفته و با دعایی مستجاب از زائری قرار ده که ولایت را تصدیق می‌کند

مُرْتَابٍ . اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ بِهِ وَلَا بِزِيَارَتِهِ ،

و در او شکی ندارد. بارالها؛ این را آخرین زیارت من و آخرین تجدید عهد با او قرار مده؛

وَلَا تَقْطَعْ اَثْرِي مِنْ مَشْهَدِهِ وَ زِيَارَةِ اَبِيهِ وَ جَدِّهِ .

اثر و نشانه حضورم را از محل حضور و زیارت خودش و پدرش و جدش برمینداز.

اللَّهُمَّ اخْلُفْ عَلَيَّ نَفَقَتِي ، وَاَنْفَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي فِي

خدایا؛ هزینهام را از خودت جایگزین کن، و آن چه نصیبم فرمودی

دُنْيَايَ وَآخِرَتِي ، لِي وَلِإِخْوَانِي وَأَبْوَيَّ وَجَمِيعِ

برای دنیا و آخرتم سودمند ساز؛ این کارها را برای من، برادرانم؛ پدر و مادرم و جمیع

عِزَّتِي . أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ أَيُّهَا الْإِمَامُ الَّذِي يَقُوزُ بِهِ

خاندانم انجام بده. تو را به خدا می سپارم؛ ای امامی که

الْمُؤْمِنُونَ ، وَيَهْلِكُ عَلَى يَدَيْهِ الْكَافِرُونَ الْمُكْذِبُونَ ،

مؤمنان به واسطه او کامیاب و کافران دروغ پرداز با دستان تو هلاک می گردند؛

يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ، جِئْتُكَ زَائِراً لَكَ

ای مولای من، ای فرزند حسن فرزند علی؛ به عنوان زائری برای تو،

وَلِأَبِيكَ وَجَدِّكَ ، مُتَيْقِناً الْفَوْزَ بِكُمْ ، مُعْتَقِداً إِمَامَتَكُمْ .

پدرت و جدت خدمتتان شرفیاب شدم، در حالی که یقین دارم رستگارم می سازید، و به پیشوایی و امامت شما اعتقاد دارم.

اللَّهُمَّ اكْتُبْ هَذِهِ الشَّهَادَةَ وَالزِّيَارَةَ لِي عِنْدَكَ فِي

بار الها؛ این گواهی و زیارت را در علیین، نزد خودت برایم ثبت کن؛

عَلِيِّينَ ، وَبَلِّغْنِي بِلَاغِ الصَّالِحِينَ ، وَاَنْفَعْنِي بِحُبِّهِمْ ،

و به آن جا که شایستگان نیکوکار می رسند مرا برسان، و مرا به دوستی ایشان بهره مند ساز؛

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ .^۱

ای پروردگار جهانیان.

۱. مصباح الزائر: ۴۴۴.

سید بن طاووس رحمته الله می فرماید: هنگام بازگشت از حرم شریف
عسکریین علیهم السلام، دوباره به سرداب مقدس باز گرد و تا می توانی
نماز بخوان، سپس رو به قبله بایست و بگو: اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَلِيَّكَ
وَخَلِيفَتِكَ ... تا آخر.^۱



چگونگی سلام کردن بر امام زمان

ارواحنا فداه

امام باقر علیه السلام می فرماید:

هر یک از شما شیعیان باقی ماندید و مهدی (علیه السلام) را ملاقات
کردید، در هنگامی که او را می بینید بگویند:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَمَعْدَنَ الْعِلْمِ

سلام بر شما ای اهل بیت پیامبر، و معدن دانش، و جایگاه

وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ .^۲

رسالت الهی.

۱. تمام این دعا را در ص ۵۲۴ نقل کردیم.

۲. بحار الأنوار: ۳۶/۵۱، منتخب الأثر: ۵۱۷.

سلام بر آن حضرت ارواحنا فداه
به شیوه‌ای دیگر

روایت شده است که سلام دادن بر امام قائم صلوات الله علیه بدین گونه است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ۱.

سلام و درود بر تو، ای باقی مانده حجت‌های الهی در روی زمینش.

زیارت امام هادی و امام عسکری علیهما السلام

به این بخش، زیارت دو امام بزرگوار، حضرت هادی و عسکری علیهما السلام و نیز زیارت مادر و عمه محترم امام قائم علیه السلام را ملحق می‌کنیم:

۱- هنگامی که خواستی به حرم امام هادی و امام عسکری علیهما السلام بروی، غسل زیارت می‌کنی و وقتی کنار مرقد پاک‌شان ایستادی بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا وَلِيِّي اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا

سلام بر شما ای دو ولی خدا، سلام بر شما ای

۱. بحار الأنوار: ۳۶/۵۱، منتخب الأثر: ۵۱۷.

نَجِيِّي اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا نُورِي اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ

دو همراز خدا، سلام بر شما ای دو نور خدا در تاریکی‌های

الأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا أَمِينِي اللَّهِ. أَتَيْتُكُمَا

زمین، سلام بر شما ای دو امین خدا. به قصد

زَائِرًا لَكُمَا، عَارِفًا بِحَقِّكُمَا، مُؤْمِنًا بِمَا آمَنْتُمَا بِهِ،

زیارت شما به حضورتان رسیده‌ام، در حالی که به حق شما معرفت و شناخت دارم، به آنچه شما ایمان دارید مؤمنم

كَافِرًا بِمَا كَفَرْتُمَا بِهِ، مُحَقِّقًا لِمَا حَقَّقْتُمَا، مُبْطِلًا لِمَا

و به آنچه شما انکار دارید من نیز انکار دارم، آنچه را شما حق و ثابت می‌دانید حق می‌دانم، و آنچه را باطل

أَبْطَلْتُمَا. أَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمَا أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ

می‌دانید من نیز باطل می‌دانم. از خداوند تبارک و تعالی که پروردگار من و شما است می‌خواهم که بهره مرا

زِيَارَتِكُمَا، الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي

از زیارت شما این قرار دهد که بر محمد و آل او درود فرستد، و

شَفَاعَتِكُمَا، وَلَا يُفَرِّقَ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا، وَلَا يُسَلِّبَنِي

شفاعت شما را روزی من گرداند، و میان من و شما جدایی نیفکند و

حُبَّكُمَا وَحُبَّ آبَائِكُمَا الصَّالِحِينَ، وَأَنْ لَا يَجْعَلَهُ

دوستی شما و پدران صالح و شایسته شما را از من بگیرد، و

آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمَا، وَيَحْشُرَنِي مَعَكُمَا،

این زیارت را آخرین زیارت من از شما قرار ندهد، و مرا با شما محشور گرداند

وَيَجْمَعُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا فِي الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ .

و در بهشت مرا با شما به رحمتش در جمع شما قرار دهد.

سپس خود را بر هر یک از این دو قبر بیفکن، آن را بوسه زن و گونه خود را بر آن بگذار، آنگاه سر بردار و بگو:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّهُمْ، وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِمْ. اللَّهُمَّ

خدایا؛ دوستی اهل بیت علیهم السلام را روزی من گردان، و مرا بر دین و ملت ایشان بمیران. خدایا؛

الْعَن ظَالِمِي آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ، وَأَنْتَقِمَ مِنْهُمْ. اللَّهُمَّ

ستمگران در حق آل محمد را لعنت کن و از آنها انتقام بگیر. خدایا؛

الْعَنِ الْأَوَّلِينَ مِنْهُمْ وَالْآخِرِينَ، وَضَاعِفِ عَلَيْهِمْ

اولین و آخرین، پیشینیان و آیندگان آنان را لعنت کن و عذاب دردناک خود را بر ایشان

الْعَذَابِ الْأَلِيمِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ

دوچندان کن که تو بر هر چیز توانایی. بارالها؛

عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، وَاجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ

در فرج ولایت و فرزند ولایت شتاب فرما، و فرج ما را

فَرَجِهِمْ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

با فرج ایشان مقرون گردان، ای مهربان‌ترین مهربانان.

سپس چهار رکعت نماز و بعد از آن هر چه خواستی بالای سر

آن دو امام علیهم السلام نماز بخوان، و برای خود و پدر و مادرت و برای همه اهل ایمان به آنچه خواهی دعا کن و هنگامی که خواستی بازگردی با ایشان وداع کن و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا وَلِيِّيَ اللَّهُ، أَسْتَوِدُّكُمْ اللَّهُ وَأَقْرَأُ

سلام بر شما ای دو ولی خدا، با شما خداحافظی می‌کنم و

عَلَيْكُمَا السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتُمَا بِهِ

بر شما سلام می‌فرستم، به خدا و رسول و آنچه شما آورده‌اید

وَدَلَّلْتُمَا عَلَيَّهِ. اللَّهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ .

و مرا به آن راهنمایی نموده‌اید ایمان دارم. خدایا؛ نام ما را با گواهی‌دهندگان ثبت فرما.

۲- زیارتی دیگر برای آن دو امام علیهم السلام: وقتی به سامرا وارد شدی،

پیش از آن که به حرم روی، غسل کن و هنگامی که به حرم مطهر شرفیاب شدی، کنار آن دو مرقد رو به قبله بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا وَلِيِّيَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا

سلام بر شما ای دو ولی خدا، سلام بر شما ای

أَمِينِي اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا نُورِي اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ

دو امین خدا و امانتدار او، سلام بر شما ای دو نور خدا در تاریکی‌های

الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا مِنْ مُعْتَمِدٍ بَعْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ

زمین، سلام بر شما از طرف کسی که اعتمادش بعد از خدا

عَلَيْكُمْ مِنْ عَبْدِكُمْ وَزَائِرِكُمْ وَوَلِيِّكُمْ . أَتَيْتُكُمْ

بر شما است، از طرف بنده و زائر و ارادتمند شما.

زَائِرًا لَكُمْ ، عَارِفًا بِحَقِّكُمْ ، مُؤْمِنًا بِمَا آمَنْتُمْ بِهِ ،

به قصد زیارت شما به بارگاهتان آمده‌ام در حالی که به حق شما آشنایم، به آنچه ایمان دارید مؤمنم

كَافِرًا بِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ ، مُحَقِّقًا لِمَا حَقَّقْتُمْ ، مُبْطِلًا لِمَا

به آنچه انکار دارید منکر، آنچه را حق بدانید حق می‌دانم، و آنچه را شما باطل بدانید

أَبْطَلْتُمْ . فَأَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ بِحَقِّكُمْ أَنْ يَجْعَلَ

باطل می‌دانم. پس از خداوند پروردگار من و پروردگار شما می‌خواهم که به حق شما

حَظِّي مِنْ زِيَارَتِكُمْ مَغْفِرَةً ذُنُوبِي ، وَإِعْطَائِي

بهره مرا از این زیارت، آمرزش گناهانم قرار دهد، و

سُؤْلِي ، وَأَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ،

درخواست مرا عطا کند و بر محمد و آل محمد درود فرستد،

وَيَرْزُقَنِي شَفَاعَتَكُمْ ، وَلَا يُفَرِّقَ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ،

و شفاعت شما را روزی من گرداند و میان من و شما جدائی نیفکند،

وَيَجْمَعَنِي وَإِيَّاكُمْ فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ .

و در قرارگاه رحمتش یعنی بهشت مرا در جمع شما قرار دهد.

سپس دست‌ها را به دعا بالا ببر و بگو: **اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّ**

دوستی بارالها؛

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِمْ . اللَّهُمَّ الْعَن

محمد و آل محمد را به من روزی فرما، و مرا بر دین و ملت ایشان بمیران. خداوندا؛

ظَالِمِي آلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْتَقِمَ مِنْهُمْ . اللَّهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ

ظالمان و ستمگران به آل محمد را لعنت کن و از آنان انتقام بگیر. خداوندا؛ در فرج

وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ ، وَاجْعَلْ فَرَجَنَا مَقْرُونًا بِفَرَجِهِمْ .

ولیت و فرزند ولیت شتاب فرما، و فرج و گشایش کار ما را با فرج ایشان مقرون فرما.

سپس در هر مکانی که ایستاده‌ای، چهار رکعت نماز بخوان و آنچه می‌توانی دعا کن.^۱

۱۹

زیارت حضرت نرجس خاتون عليها السلام

سپس مادر امام قائم حضرت نرجس خاتون عليها السلام را که قبر مطهرش پشت قبر منور مولایمان امام عسکری عليه السلام است زیارت کن و بگو:

السَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، الصَّادِقِ

سلام بر رسول خدا - درود خدا بر او و آل او باد - که راستگو

الْأَمِينِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ

و امین بوده است، سلام بر مولایمان امیرالمؤمنین عليه السلام، سلام

۱. المزار الكبير: ۵۵۲.

عَلَى الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، الْحُجَجِ الْمِيَامِينَ، السَّلَامُ

بر امامان پاک که حجت‌های برکت‌آفرین الهی هستند، سلام

عَلَى وَالِدَةِ الْأَمَامِ، وَالْمُودَعَةِ أَسْرَارِ الْمَلِكِ الْعَلَامِ،

بر مادر امام، و کسی که اسرار خداوند بسیار دانا نزد او ودیعه نهاده شد،

وَالْحَامِلَةِ لِأَشْرَفِ الْأَنْامِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا

و او دربردارنده بهترین مخلوقات و ارزشمندترین آنها بود. سلام بر تو ای

الصَّدِيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَبِيهَةَ أُمَّ

دارای ایمان کامل و مقام خشنودی خدا، سلام بر تو ای شبیه مادر

مُوسَى، وَابْنَةِ حَوَارِي عِيسَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا

موسی، و ای دختر یار مسیح، سلام بر تو ای

التَّقِيَّةُ النَّبِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرِّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ.

باتقوای پاکیزه، سلام بر تو ای آن‌که خدا از تو راضی و تو از خدا راضی هستی.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَنْعُوتَةُ فِي الْأَنْجِيلِ، الْمَخْطُوبَةُ

سلام بر تو ای کسی که در انجیل توصیف شده‌ای، و

مِنْ رُوحِ اللَّهِ الْأَمِينِ، وَمَنْ رَغِبَ فِي وَصَلَتِهَا مُحَمَّدٌ

خطبه عقدت را روح‌الآمین (جبرائیل) خواند، و به این وصلت و پیوند حضرت محمد ﷺ که

سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ، وَالْمُسْتَوْدَعَةُ أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

سرور رسولان و فرستاده‌شدگان است مایل بود، و اسرار پروردگار جهانیان به او سپرده شد،

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الْحَوَارِيِّينَ، السَّلَامُ

سلام بر تو و پدرانت که از حواریون و یاران حضرت عیسی بودند، سلام

عَلَيْكَ وَعَلَى بَعْلِكَ وَوَلَدِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى

بر تو و بر همسرت و فرزندت، سلام بر تو و بر

رُوحِكَ وَبَدَنِكَ الطَّاهِرِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنْتِ الْكِفَالََةَ،

روح و جسم پاکت. گواهی می‌دهم که خوب سرپرستی

وَأَدَّيْتِ الْأَمَانَةَ، وَاجْتَهَدْتِ فِي مَرْضَاةِ اللَّهِ، وَصَبَرْتِ

و امانتداری نمودی، و در راه رضای خدا کوشش کردی و

فِي ذَاتِ اللَّهِ، وَحَفِظْتِ سِرَّ اللَّهِ، وَحَمَلْتِ وَلِيَّ اللَّهِ،

در راه او صبر پیشه کردی و پایداری نمودی، و سر الهی را حفظ و نگهداری کردی، و ولی خدا را حامله بودی

وَبَالَغْتِ فِي حِفْظِ حُجَّةِ اللَّهِ، وَرَغِبْتِ فِي وُضْلَةِ

و در نگهداری حجت خدا سعی تمام نمودی، و در پیوند

أَبْنَاءِ رَسُولِ اللَّهِ، عَارِفَةً بِحَقِّهِمْ، مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِمْ،

با فرزندان رسول خدا ﷺ راغب و مایل بودی، در حالی که به حق ایشان عارف بودی و به راستی گفتارشان ایمان

مُعْتَرِفَةً بِمَنْزِلَتِهِمْ، مُسْتَبْصِرَةً بِأَمْرِهِمْ، مُشْفِقَةً

داشتی، و به مقام و مرتبه آنان اعتراف داشتی و به امر ایشان آگاه بودی و نسبت به آنها مهربان و

عَلَيْهِمْ، مُؤَثِّرَةً هَوَاهُمْ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى

دلسوز بودی و خواسته آنان را بر خواسته خودت ترجیح می‌دادی. و گواهی می‌دهم که تو

بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ، مُقْتَدِيَةً بِالصَّالِحِينَ، رَاضِيَةً

نسبت به کاری که اقدام کردی و انجام دادی بیش صحیح داشتی و به شایستگان اقتدا نمودی در حالی که فرمانبردار،

مَرْضِيَّةً، تَقِيَّةً نَقِيَّةً زَكِيَّةً، فَرَضِيَ اللَّهُ عَنْكَ وَأَرْضَاكَ،

پسندیده، باتقوا، خالص و پاکیزه بودی، خداوند از تو خشنود و تو از خدا خشنود بودی،

وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنزِلَكَ وَمَأْوَاكَ، فَلَقَدْ أَوْلَاكَ مِنْ

بهشت را منزل و جایگاه همیشگی تو قرار داد، و به راستی دربارت احسان نمود

الْخَيْرَاتِ مَا أَوْلَاكَ، وَأَعْطَاكَ مِنَ الشَّرَفِ مَا بِهِ

چه احسان نیکویی، و از شرافت و بزرگواری به تو آن قدر عطا کرد که بی‌نیازت نمود،

أَغْنَاكَ، فَهَذَاكَ اللَّهُ بِمَا مَنَحَكَ مِنَ الْكِرَامَةِ وَأَمْرَاكَ .

پس آنچه را خداوند به تو از کرامت و ارزشمندی بخشیده گوارایت باد.

سپس سر بلند کن و بگو: اللَّهُمَّ إِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ، وَلِرِضَاكَ

خداوندا؛ به تو اعتماد نمودم، و رضا و خشنودی تو را

طَلَبْتُ، وَبِأَوْلِيَائِكَ إِيَّاكَ تَوَسَّلْتُ، وَعَلَى عُمْرَانِكَ

جویا گشتم، و به واسطه اولیایت به درگاه تو توسل جستم، و بر امرزش

وَحِلْمِكَ اتَّكَلْتُ، وَبِكَ اعْتَصَمْتُ، وَبِقَبْرِ أُمِّ وَلِيِّكَ لُدْتُ،

و بردباریت تکیه کردم، و به لطف تو جنگ زدم (تا محفوظ بمانم) و به مرقد پاک مادر ولایت پناهنده شدم،

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا،

پس بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا به زیارت این بزرگوار بهره‌مند فرما

وَتَثْبِئْتَنِي عَلَى مَحَبَّتِهَا، وَلَا تُحْرِمْنِي شَفَاعَتَهَا وَشَفَاعَةَ

و بر محبت و دوستی او ثابت بدار، و از شفاعتش و شفاعت

وَلَدِهَا، وَأَرْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا، وَاحْشُرْنِي مَعَهَا وَمَعَ

فرزند عزیزش محروم مگردان، همراهی با او را روزی من گردان، و مرا با آن حضرت و

وَلَدِهَا كَمَا وَقَّعْتَنِي لِزِيَارَةِ وَلَدِهَا وَزِيَارَتِهَا. اَللّٰهُمَّ

فرزند بزرگوارش محشور فرما همان‌گونه که به زیارت فرزندش و به زیارت او موفق ساختی. خداوندا؛

إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِالْأُتَمَّةِ الطَّاهِرِينَ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ

به وسیله ائمه طاهرين عليهم السلام به تو روی آوردم و به

بِالْحَجَجِ الْمِيَامِينَ مِنْ آلِ طه وَيسَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

حجّت‌های فرخنده و بابرکت از آل طه و یس به درگاه تو توسل جستم که بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ

محمد و آل پاک او درود فرستی، و مرا از

الْمُطْمَئِنِّينَ الْفَائِزِينَ، الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبْشِرِينَ،

اطمینان‌دارندگان و بهره‌مندان و شادمانان و بشارت‌داده‌شدگان

الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، وَاجْعَلْنِي

که بیمی بر آنها نیست و دچار غم و غصه نمی‌شوند قرار بده، و

مِمَّنْ قَبِلَتْ سَعْيُهُ، وَيَسَّرَتْ أَمْرَهُ، وَكَشَفَتْ ضُرَّهُ،

از کسانی که تلاش آنها را پذیرفتی، و امر آنان را آسان گرداندی و بیچارگی و اندوهشان را برطرف کردی

زیارت حضرت حکیمه خاتون عَلَيْهَا السَّلَامُ

السَّلَامُ عَلَيَّ جَدِّكَ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَيَّ أَبِيكَ

سلام بر جدت محمد مصطفی، سلام بر پدرت علی

الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا

مرتضی، سلام بر (امام) حسن و (امام) حسین که بر هر دو

السَّلَامُ، السَّلَامُ عَلَيَّ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، السَّلَامُ

سلام باد، سلام بر خدیجه کبری، سلام

عَلَيَّ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ

بر فاطمه زهرا سرور زنان عالمیان، سلام

عَلَيَّ النَّفُوسِ الْفَاخِرَةِ وَشَفَعَائِي فِي الْآخِرَةِ. السَّلَامُ

بر شخصیت‌های ارزشمند و شفاعت‌کنندگان من در آخرت. سلام

عَلَيْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حُجَّةِ

بر تو ای دختر ولی خدا، سلام بر تو ای دختر حجت

اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُخْتَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

خدا، سلام بر تو ای خواهر ولی خدا، سلام بر تو

وَأَمَنْتَ خَوْفَهُ. اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ

و ترس آن‌ها را به ایمنی تبدیل کردی فرار بده. خداوندا؛ به حق محمد و آل محمد

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ

بر محمد و آل محمد درود فرست، و این زیارت را آخرین زیارت من نسبت به این بزرگوار

زِيَارَتِي إِيَّاهَا، وَارْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي،

قرار مده، و تا مادامی که مرا در این جهان باقی داشته‌ای بازگشتن به سوی این بانوی بزرگوار را روزی من گردان،

وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهَا، وَأَدْخِلْنِي فِي

و هنگامی که وفاتم فرارسید مرا در زمره او محشور فرما، و مرا از

شَفَاعَةِ وَلَدِهَا وَشَفَاعَتِهَا. وَاعْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ

شفاعت او و فرزند عزیزش بهره‌مند گردان، و مرا و پدر و مادرم را

وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً

و همه مردان و زنان مؤمن را بیامرز، و در دنیا به ما خیر و خوبی

وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ،

و در آخرت خیر و خوبی مرحمت فرما، و به رحمت گسترده‌ات ما را از عذاب دوزخ حفظ کن،

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَتِي وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. ۱

و سلام و درود و رحمت و برکات خداوند بر شما سروران من باد.

يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ التَّقِيِّ

ای عمه ولی خدا، سلام بر تو ای دختر امام محمد تقی

الْجَوَادِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. أَشْهَدُ

حضرت جواد، سلام و رحمت و برکات خداوندی بر تو باد. گواهی می‌دهم

أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَيَّ بِصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ، رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً،

که تو با بصیرت و آگاهی نسبت به کار خود روزگار گذراندی در حالی که تو از خدا خشنود و خدا از تو خشنود بود

وَتَقِيَّةً نَقِيَّةً زَكِيَّةً، فَرَضِي اللَّهُ عَنْكَ وَأَرْضَاكَ، وَجَعَلَ

با تقوا، خالص و پاکیزه بودی، خداوند از تو خشنود بود و تو را از خود خشنود نمود و

الْجَنَّةَ مَأْوَاكَ وَمَنْزِلَكَ، وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَيْكُمْ

بهشت را منزل و مأوا و جایگاه همیشگیات قرار داد، و درود و سلام

جَمِيعاً وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. ١

و رحمت و برکات بی‌پایان الهی بر همه شما باد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بخش دوازدهم

بخش دوازدهم



زیارت نواب امام عصر ارواحنا فداه
و بعضی از دعائی که اصحاب
آن حضرت نقل نموده اند

نایبان امام زمان ارواحنا فداه در زمان غیبت صغری چهار نفر بودند که به ترتیب عبارتند از: ۱- ابو عمرو عثمان بن سعید بن عمرو عَمَری اسدی، ۲- پسرش ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عَمَری، ۳- جناب ابو القاسم حسین بن روح بن ابو بحر نوبختی، ۴- جناب ابو الحسن علی بن محمد سمري^۱.

این بزرگواران، نایبان امام عصر ارواحنا فداه در زمان غیبت صغری بودند. تمام نامه‌ها و دستورات آن حضرت به واسطه ایشان و بادست ایشان به شیعیان می‌رسید. پس از آن زمان، غیبت کبری پیش آمد و نیابت پایان پذیرفت.

۱. آیه الله سید احمد مستنیر رحمته الله علیه می‌گوید: ممکن است این چهار نفر از اصحاب بقیة الله عجل الله فرجه دارای فضیلت بیشتری بوده، بلکه بعید نیست معصوم باشند. و در حال حاضر نیز واسطه بین امام و شیعیان هستند؛ همان گونه که در دوران غیبت صغری حدود هفتاد سال دارای این مقام بودند. (الزیارة والبشارة: ۱/۱۳۲)

زیارت نَوَّاب امام زمان ارواحنا فداه

شیخ طوسی رحمته الله در کتاب «تهذیب الأحکام» و سید بن طاووس رحمته الله در کتاب «مصباح الزائر» آورده‌اند: مستحب است زیارت کردن نایبان خاص و بزرگوار حضرت مهدی ارواحنا فداه را به زیارتی که به جناب حسین بن روح رضی الله عنه منسوب است. بدین صورت که کنار قبر مطهر جناب عثمان بن سعید رضی الله عنه ایستاده و بگوییم:

السَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

سلام بر رسول خدا؛ سلام بر امیر و فرمانروای مؤمنان،

عَلَيَّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ، السَّلَامُ عَلَيَّ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى،

حضرت علی بن ابی طالب؛ سلام بر حضرت خدیجه، بزرگترین زن؛

السَّلَامُ عَلَيَّ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْحَسَنِ بْنِ

سلام بر حضرت فاطمه زهرا؛ سلام بر امام حسن فرزند

عَلَيَّ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَيَّ

حضرت علی؛ سلام بر امام حسین، فرزند حضرت علی؛ سلام بر

عَلَيَّ بِنِ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ،

علی بن الحسین (امام سجّاد)، سلام بر محمّد بن علی (امام باقر)،

السَّلَامُ عَلَيَّ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُوسَى

سلام بر جعفر بن محمّد (امام صادق)، سلام بر موسی

ابْنِ جَعْفَرٍ، السَّلَامُ عَلَيَّ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى، السَّلَامُ

این جعفر (امام کاظم)، سلام بر علی بن موسی (امام رضا)، سلام

عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَيَّ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ،

بر محمّد بن علی (امام جواد)، سلام بر علی بن محمّد (امام هادی)،

السَّلَامُ عَلَيَّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ

سلام بر حسن بن علی (امام عسکری)؛ سلام بر محمّد بن

الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ صَاحِبِ الزَّمَانِ، السَّلَامُ عَلَيَّ يَا

الحسن، حضرت مهدی صاحب عصر و زمان (عجل الله فرجه). سلام بر تو ای

عُثْمَانَ بْنَ سَعِيدٍ، أَشْهَدُ أَنَّكَ بَابُ الْمَوْلَى، أَدَّيْتَ عَنْهُ

عثمان بن سعید؛ گواهی می‌دهم که تو باب و راه رسیدن به مولایمان هستی؛ پیغام‌ها را از او به دیگران،

وَأَدَّيْتَ إِلَيْهِ، مَا خَالَفْتَهُ وَلَا خَالَفْتَ عَلَيْهِ، قُمتَ خَاصًّا،

و از دیگران به او رسانیدی؛ نه با او مخالفت کردی و نه کسی را علیه او به مخالفت برانگیختی؛ بی‌خاصی در حالی که اولین نایب

وَأَنْصَرَفْتَ سَابِقًا، جِئْتُكَ عَارِفًا بِالْحَقِّ الَّذِي أَنْتَ

خاص بودی و از دنیا رفتی در حالی که بر همه (از نظر عقیده) سبقت گرفتی. در حالی خدمت شرفیاب شده‌ام که حتی راکه تو

عَلَيْهِ، وَأَنَّكَ مَا خُنْتَ فِي التَّأْدِيَةِ وَالسَّفَارَةِ، السَّلَامُ

بر آن هستی می‌شناسم، و می‌دانم که در ادای رسالت و انجام وظیفه سفری بودنت هیچ خیانتی انجام نداده‌ای. سلام

زیارت نایب اول

جناب عثمان بن سعید رضوان الله علیه

علامه مجلسی رحمته الله می فرماید: در یکی از نسخه های کهن از تألیفات عالمان بزرگوار شیعه که مورد اعتماد می باشند، زیارتی برای مولایمان جناب عثمان بن سعید عمری اسدی دیدم که این گونه است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، النَّاصِحُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ

سلام بر تو، ای بنده شایسته که خیرخواهی برای خدا، رسولش و

وَأَوْلِيَّائِهِ، الْمَجِدُّ فِي خِدْمَةِ مُلُوكِ الْخَلَائِقِ، أَمْنَاءِ

اولیایش کردی؛ به طور جدی و فعال، در خدمت پادشاهان حقیقی مخلوقات، یعنی امینان

اللَّهِ وَأَصْفِيَّائِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَابُ الْأَعْظَمُ،

خداوند و برگزیدگانش بودی؛ سلام بر تو ای بزرگترین باب و واسطه،

وَالصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ، وَالْوَلِيُّ الْأَكْرَمُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

و ای راه بسیار استوار، و ای ولی و سرپرست بسیار بزرگوار. سلام بر تو ای

الْمُتَوَجِّعُ بِالْأَنْوَارِ الْأَمَامِيَّةِ، الْمُسْتَرْبِلُ بِالْجَلَابِيبِ

کسی که تاجی از نورهای امامیه بر سر داری؛ کسی که پوشیده شده ای به پوشش های

الْمَهْدِيَّةِ، الْمَخْصُوصُ بِالْأَسْرَارِ الْأَحْمَدِيَّةِ، وَالشَّهْبُ

مهدویت؛ کسی که اختصاص یافتی به اسرار احمدی و ستاره های درخشان

عَلَيْكَ مِنْ بَابٍ مَا أَوْسَعَكَ، وَمِنْ سَفِيرٍ مَا أَمَنَكَ،

بر تو ای در رحمتی که بسیار گسترش داشتی؛ و ای سفیری که بسیار امانت دار و مورد اعتماد بودی؛

وَمِنْ ثِقَةٍ مَا أَمَكَّنَكَ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَصَّكَ بِنُورِهِ

و ای مورد اطمینانی که قدرتت بسیار بالا بود. گواهی می دهم که خداوند تو را به نورش اختصاص داد

حَتَّى غَايَبَتِ الشَّخْصَ، فَأَدَّيْتَهُ عَنْهُ وَأَدَّيْتَهُ إِلَيْهِ.

تا آن که شخص مبارک حضرتش را با چشم دیدی، و بدین سان پیغامها را از او به دیگران و از دیگران به او رسانیدی.

سپس بر پیامبر و امامان علیهم السلام تا امام زمان ارواحنا فداه دوباره سلام

می دهی و می گویی:

جِبَّتِكَ مُخْلِصاً بِتَوْحِيدِ اللَّهِ وَمُؤَالَاةٍ أَوْلِيَّائِهِ، وَالْبِرَاءَةَ

با یگانه دانستن خالصانه خداوند و دوستی و موالات خالصانه اولیای الهی، و بیزاری از

مِنْ أَعْدَائِهِمْ وَمِنَ الَّذِينَ خَالَفُوكَ، يَا حُجَّةَ الْمَوْلَى،

دشمنانشان و بیزاری از کسانی که با تو مخالفت کردند، خدمت شرفیاب شدم. ای دلیل و حجت مولا امام زمان بر ما؛

وَبِكَ اللَّهُمَّ تَوَجَّهِي، وَبِهِمْ إِلَيْكَ تَوَسَّلِي.

با رالها؛ تنها به توری آورده و توجه دارم، و تنها به واسطه این بزرگواران به سوی تو توسل می جویم.

پس از آن هر دعایی که می خواهی بخوان و حاجت و خواسته ات

را از خدای تعالی بخواه. آنگاه دیگر نایبان بزرگوار را نیز همین

گونه زیارت کن، و تنها به جای اسم «عثمان بن سعید»، نام همان

نایبی را که زیارت می کنی بگو.^۱

۱. مفتاح الجنات: ۴۶۲/۱ به نقل از مصباح الزائر: ۵۱۴.

الْعَلَوِيَّةِ، وَالْمَوَالِدِ الْفَاطِمِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قُرَّةَ

علوی، و فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام؛ سلام بر تو ای نور

الْعُيُونِ، وَالسَّرِّ الْمَكْنُونِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَرَجَ

دیدگان و راز پنهان؛ سلام بر تو ای راحتی دلها و گشایش دهنده

الْقُلُوبِ، وَنَهَايَةَ الْمَطْلُوبِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَمْسَ

قلبها، و نهایت خواهشها و خواستهها؛ سلام بر تو ای خورشید

الْمُؤْمِنِينَ، وَرُكْنَ الْأَشْيَاعِ الْمُنْقَطِعِينَ، السَّلَامُ عَلَى

مؤمنان، و تکیه‌گاه شیعیان راه‌گم‌کرده و دور از امام، سلام بر

وَلِيِّ الْأَيَّامِ، وَعَمِيدِ الْجَحَاحَةِ الْكِرَامِ، السَّلَامُ

سرپرست یتیمان (آل محمد علیهم السلام)، و مورد اعتماد سروران بزرگوار؛ سلام

عَلَى الْوَسِيلَةِ إِلَى سِرِّ اللَّهِ فِي الْخَلَائِقِ، وَخَلِيفَةِ

بر وسیله و واسطه دسترسی به سر الهی که در بین مردم است؛ و جانشین

وَلِيِّ اللَّهِ الْفَاتِقِ الرَّاتِقِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَائِبَ قِوَامِ

ولی خدا که به رفق و فتق امور شیعیان و مردم می‌پردازد. سلام بر تو ای نایب کسی که پایداری

الْإِسْلَامِ، وَبَهَاءِ الْأَيَّامِ، وَحُجَّةِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْعَلَامِ

اسلام به واسطه اوست، و روشنی و درخشندگی ایام است؛ و حجت خداوند که صاحب ملک و ملکوت و بسیار دانا است.

عَلَى الْخَاصِّ وَالْعَامِّ، الْفَارُوقِ بَيْنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ،

بر همه مردم از خواص و عوام؛ همان کسی که حلال و حرام را از هم جدا می‌کند،

وَالنُّورِ الزَّاهِرِ، وَالْمَجْدِ الْبَاهِرِ فِي كُلِّ مَوْقِفٍ وَمَقَامٍ.

و روشنی تابان، و شکوه زیبا و درخشان، در هر جایگاه و توقفگاه است؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ بَقِيَّةِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَيْرَةِ آلِهِ السَّمَاءِ،

سلام بر تو ای ولی و نماینده باقی‌مانده پیامبران و برگزیده خدای آسمان؛

الْمَخْتَصِّ بِأَعْلَى مَرَاتِبِ الْمُلْكِ الْعَظِيمِ، الْمُنْجِي مِنْ

که بلندترین مرتبه‌ها در هستی اختصاص به او دارد؛ باعث نجات همگان از

مَتَالِفِ الْعَطَبِ الْعَمِيمِ، ذِي اللِّوَاءِ الْمَنْصُورِ، وَالْعَلَمِ

حوادث هلاکت‌بار فراگیر و همه‌گیر اوست؛ دارای بیرق پیروز، و پرچم

الْمَنْشُورِ، وَالْعِلْمِ الْمَسْتُورِ، وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى،

افراشته و دانش پنهان، و طریقه و راه و روش بزرگ‌مرتبه،

وَالْحُجَّةِ الْكُبْرَى، سُلَالَةِ الْمُقَدَّسِينَ، وَذُرِّيَّةِ الْمُرْسَلِينَ،

و دلیل و برهانی والا، و از نسل سروران پاک و از فرزندان فرستادگان الهی،

وَأَبْنِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَبَهْجَةِ الْعَابِدِينَ، وَرُكْنِ

و فرزند آخرین و ارجمندترین پیامبر، و نشاط و شادمانی پرستش‌گران، و تکیه‌گاه

الْمَوْحِدِينَ، وَوَارِثِ الْخَيْرَةِ الطَّاهِرِينَ، صَلَّى اللَّهُ

یکتاپرستان، و ارث‌برنده از بهترین پاکان است. درود پیوسته الهی

عَلَيْهِمْ صَلَاةٌ لَا تَنْفَدُ وَإِنْ نَفَدَ الدَّهْرُ، وَلَا تَحُولُ وَإِنْ

بر ایشان؛ درودی که پایان نپذیرد، گرچه روزگار پایان یابد؛ درودی که دگرگون نشود گرچه

حَالِ الزَّمَنِ وَالْعَصْرِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اُقَدِّمُ بَيْنَ يَدَيِّ

زمان و عصر دگرگون گردد. بارالها؛ من پیش از عرض حال و درخواستم به پیشگاه مقدس تو،

سؤالِي، اَلْاِعْتِرَافَ لَكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، وَلِمُحَمَّدٍ بِالنُّبُوَّةِ،

اعتراف خود به یگانگی تو را؛ و نیز اعتراف به پیامبر بودن حضرت محمد ﷺ،

وَلِعَلِّيْ بِالْاِمَامَةِ، وَلِذُرِّيَّتَيْهِمَا بِالْعِصْمَةِ وَفَرَضِ

امامت حضرت علی علیه السلام، و عصمت داشتن و واجب

الطَّاعَةِ، وَبِهَذَا الْوَلِيِّ الرَّشِيدِ، وَالْمَوْلَى السَّدِيدِ، اَبِي

الإطاعة بودن نسل پاک این دو بزرگوار را تقدیم و پیشکش می‌کنم. و همچنین به این سرپرست و نماینده راه یافته و

مُحَمَّدٍ عَثْمَانَ بْنِ سَعِيدٍ، اَتَوَسَّلُ اِلَى اللّٰهِ بِالشُّفَاعَةِ

این مولای باثبات و استقامت یعنی جناب ابو محمد عثمان بن سعید، به سبب شفاعت او به سوی خداوند توستل

اِلَيْهِ، لِيُشْفَعَ اِلَيَّ شُفْعَائِهِ، وَاَهْلٍ مَّوَدَّتِهِ وَخُلَصَائِهِ، اَنْ

می‌جویم. تا شفاعت کند نزد شفیعانش و آن‌ها که مودت و دوستی ایشان را دارند و خود را در راه آنان خالص نموده‌اند که

يَسْتَنْقِذُوْنِي مِنْ مَّكَارِهِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ

مرا از ناخوش‌آیندهای دنیا و آخرت نجات بخشند. بارالها؛ من

اَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِعَبْدِكَ عَثْمَانَ بْنِ سَعِيدٍ، وَاَقْدَمُهُ بَيْنَ

به واسطه بنده خوبت جناب عثمان بن سعید، به تو متوسل می‌شوم؛ و او را

يَدَيَّ حَوَائِجِي اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

پیشاپیش حوائجم مقدم می‌دارم که بر محمد و آل محمد

وَشَيْعَتِهِ وَاَوْلِيَائِهِ، وَاَنْ تَغْفِرَ لِي الْخُوبَ وَالْخَطَايَا،

و شیعیان و دوستانشان درود فرستی، و گناهان و اشتباهاتم را ببخشی،

وَتَسْتُرْ عَلَيَّ الزَّلَلَ وَالسَّيِّئَاتِ، وَتَرْزُقْنِي السَّلَامَةَ

و لغزش‌ها و زشتی‌ها را بر من بیوشانی، و سالم ماندن

مِنَ الرَّزَايَا. فَكُنْ لِي يَا وَلِيَّ اللّٰهِ شَافِعًا نَافِعًا، وَرَكْنًا

از مصیبت‌ها را نصیب گردانی. بدین سان، ای ولی خدا؛ واسطه‌گری سودمند، و تکیه‌گاهی

مَنْعِيًا دَافِعًا، فَقَدْ اَلْقَيْتُ اِلَيْكَ بِالْاَمَالِ، وَوَثِقْتُ مِنْكَ

محکم و مدافع برای من باش؛ می‌دانی که با آرزوهای فراوان نزد آمده‌ام، و اطمینان دارم که

بِتَخْفِيْفِ الْاَثْقَالِ، وَقَرَعْتُ بِكَ يَا سَيِّدِي بَابَ الْحَاجَةِ،

سنگینی گناهان مرا کم می‌کنی، و به واسطه تو اقدام به کوبیدن درب حاجت کرده‌ام،

وَرَجَوْتُ مِنْكَ جَمِيْلَ سِفَارَتِكَ، وَحُصُوْلَ الْفَلَاحِ

و از تو امید بهترین پیغام‌رسانی را دارم، و امیدوارم به واسطه شما رستگاری حاصل کنم

بِمَقَامِ غِيَاثٍ اَعْتَمِدُ عَلَيْهِ وَاَقْصِدُ اِلَيْهِ، وَاَطْرَحُ نَفْسِي

به جایگاه دادرسی که به او اعتماد دارم و به قصد دستیابی به او نزد شما آمده‌ام، و جانم را

بَيْنَ يَدَيْهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ.

پیش رویش بیفکنم. سلام و رحمت و برکات خداوند نثار باد.

سپس، نماز زیارت را به جای آورده و به او و دیگر کسانی که در

نیابت با او شریک بوده‌اند هدیه کن، درود خدا بر همه آنان باد. سپس

در حالی که روبه روی ایشان می‌باشی، با آن بزرگوار وداع کن.^۱



نماز برای وسعت رزق

که از جناب محمد بن عثمان رضی الله عنه نقل شده است

مبشر بن عبدالعزیز روایت کرده و می‌گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که یکی از شیعیان وارد شد و عرض کرد: قربانت شوم، من فقیر و نیازمندم.
امام صادق علیه السلام فرمود:

منتظر باش، تا روز چهارشنبه فرا رسد؛ آن روز را و روز پنجشنبه و جمعه را که بعد از آن است روزه بگیر. هنگام ظهر روز جمعه، بر بالای پشت بامت یا به دشت و صحرا برو و به گونه‌ای که هیچ کس تو را نبیند رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کن، آن گاه در همان جا دو رکعت نماز به جای آور.
سپس بر دو زانویت بنشین و آن‌ها را بر زمین بچسبان و در حالی که رو به قبله هستی دست راستت را بالای دست چپت رو به آسمان بالا ببر و بگو:

اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ، انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ، وَخَابَتِ

خدایا؛ تو، تویی؛ امید، جز از تو بریده شد؛ و

۱. بحار الأنوار: ۱۰۲/۲۹۲.

الْأَمَالِ إِلَّا فِيكَ، يَا تَقَةَ مَنْ لَا تَقَةَ لَهُ، لَا تَقَةَ لِي غَيْرُكَ،

آرزوها، جز در مورد تو ناکام گشت؛ ای تنها مورد اطمینان کسی که هیچ شخص مورد اطمینانی ندارد؛ من نیز هیچ شخص مورد

اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا، وَارْزُقْنِي مِنْ

اعتمادی جز تو ندارم؛ در کارم راحتی و گشایش و گریزگاهی قرار بده و از

حَيْثُ أَحْتَسِبُ، وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ.

جایی که گمان می‌برم و حتی از جایی که گمان نیز نمی‌برم به من روزی و نصیب برسان.

سپس روی زمین سجده کن و بگو:

يَا مُغِيثُ، اجْعَلْ لِي رِزْقًا مِنْ فَضْلِكَ.

ای فریادرس؛ برای من روزی و نصیبی از فضلت قرار ده.

پس خورشید روز شنبه طلوع نخواهد کرد مگر با رزق و روزی تازه‌ای که برایت فراهم شده باشد.

احمد بن مابنداذ - راوی این حدیث - می‌گوید: به ابو جعفر جناب محمد بن عثمان بن سعید عمری رضی الله عنه عرض کردم: اگر کسی بخواهد این نماز و دعای درخواست رزق را بخواند و در شهر مدینه نباشد، باید چه کند؟

فرمود: آقا و سرورمان رسول خدا صلی الله علیه و آله را در حرم امامی که در شهر و سرزمین خودش است در قسمت بالای سر آن امام زیارت کند.

عرض کردم: اگر در شهر خودش قبر هیچ یک از امامان نباشد، چه کند؟

فرمود: بعضی از مؤمنان نیکوکار و شایسته را زیارت کند، و سپس به صحرا برود، و در قسمت راست صحرا دستوری را که در روایت آمده است اجرا کند؛ ان شاء الله این کار باعث رستگاری و کامیابی او خواهد بود.^۱



دعای مهم

که جناب محمد بن عثمان رضی الله عنه آن را بسیار عظیم و باارزش دانسته است این دعا را حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و امام باقر و امام صادق علیهم السلام می خوانده اند، دعای حاضر را به جناب ابو جعفر محمد بن عثمان رضی الله عنه عرضه کردند، فرمود: دعایی مانند این دعا وجود ندارد و خواندن این دعا، از باارزش ترین عبادت هاست.

دعا این است:

اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ، آمَنْتُ بِكَ مُخْلِصاً لَكَ

بارالها! تو پروردگار من هستی، و من بنده توام؛ مخلصانه به تو ایمان آوردم،

۱. مصباح المنهجد: ۳۲۹، البلد الأمين: ۴۷۵.

عَلَىٰ عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ

و در حدّ توانم و تا آنجا که توانسته ام بر عهد و پیمانی که با تو دارم هستم؛ از درفتاری هایم توبه کرده

سُوءِ عَمَلِي، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِذُنُوبِي الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا

و به سوی تو باز می گردم، و در مورد گناهانم که جز تو بخشنده ای برای آن ها وجود ندارد، از تو طلب بخشش

غَيْرِكَ، أَصْبَحَ ذَلِي مُسْتَجِيراً بِعِزَّتِكَ، وَأَصْبَحَ فَقْرِي

می کنم. ضعف و ذلت من پناهنده به عزت و قدرت تو گردیده، و برای برطرف شدن نیازم

مُسْتَجِيراً بِغِنَاكَ، وَأَصْبَحَ جَهْلِي مُسْتَجِيراً بِحِلْمِكَ،

به بی نیازی تو پناه آوردم، و نادانی خود را با آویختن به حلم و بردباری تو جبران می کنم،

وَأَصْبَحْتُ قَلَّةً حِيلَتِي مُسْتَجِيراً بِقُدْرَتِكَ. وَأَصْبَحَ

و بیچارگی خود را با پناه آوردن به قدرت تو برطرف می کنم.

خَوْفِي مُسْتَجِيراً بِأَمَانِكَ، وَأَصْبَحَ ذَائِي مُسْتَجِيراً

ترسم به دامن امان و امنیت تو پناه آورده، دردم به

بِدَوَائِكَ، وَأَصْبَحَ سَقْمِي مُسْتَجِيراً بِشِفَائِكَ، وَأَصْبَحَ

دوای تو پناه آورده است؛ بیماریم در پناه شفای تو آمده، از

حَيْنِي مُسْتَجِيراً بِقَضَائِكَ، وَأَصْبَحَ ضَعْفِي مُسْتَجِيراً

هلاکت و نابودی ام دست به دامن قضای تو شده ام، ناتوانی من از

بِقُوَّتِكَ، وَأَصْبَحَ ذَنْبِي مُسْتَجِيراً بِمَغْفِرَتِكَ، وَأَصْبَحَ

نیروی تو کمک می جوید، و گناهانم در پی بخشش تو، و

وَجِهِيَ الْفَانِي الْبَالِي مُسْتَجِبِرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي الدَّائِمِ

رخسار نابودشدنی و کهنه‌شونده‌ام به روی مبارک و همیشگی و پایدار تو

الَّذِي لَا يَبْلَى وَلَا يَفْنَى. يَا مَنْ لَا يُوَارِيهِ لَيْلٌ دَاجٍ، وَلَا

که فنا و کهنگی در آن نیست پناهنده شده است. ای کسی که پنهان نمی‌کند شب تاریک از او چیزی را، و نه

سَمَاءٌ ذَاتُ أَبْرَاجٍ، وَلَا حُجُبٌ ذَاتُ ارْتِجَاجٍ (أَنْزَاجٍ)،

آسمان پر از برج‌ها (مجموعه ستارگان)، و نه حجاب‌های پیوسته

وَلَا مَاءٌ تَجَّاجٌ فِي قَعْرِ بَحْرِ عَجَاجٍ، يَا دَافِعَ السَّطَوَاتِ،

و نه آب‌های ریزان در ژرفای دریا. ای کسی که چیرگی دشمنان را برطرف می‌کند،

يَا كَاشِفَ الْكُرْبَاتِ، يَا مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ

ای کسی که اندوه‌ها را برطرف می‌کند، ای کسی که برکت‌ها را از بالای هفت

سَمَاوَاتٍ. أَسْأَلُكَ يَا فَتَّاحُ يَا نَفَّاحُ يَا مُرْتَّاحُ، يَا مَنْ

آسمان می‌فرستد، ای بسیار گشایش‌گر؛ ای بسیار نعمت‌دهنده؛ ای راحتی؛ ای کسی که

بِيَدِهِ خَزَائِنُ كُلِّ مِفْتَاحٍ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

گنجینه‌های تمام کلیدها در دست توست؛ از تو در خواست می‌کنم بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ الطَّاهِرِينَ الطَّيِّبِينَ، وَأَنْ تَفْتَحَ لِي مِنْ خَيْرِ

محمد - که پاک و پاکیزه‌اند - درود بفرستی و از خیر و خوشی

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَنْ تَحُجِّبَ عَنِّي فِتْنَةَ الْمَوْكَلِ بِي،

دنیا و آخرت برایم گشایش کنی، و هر فتنه‌ای را که دامنگیر من شده است برداری

وَلَا تُسَلِّطْهُ عَلَيَّ فِيهِلِكُنِي، وَلَا تَكِلْنِي إِلَىٰ أَحَدٍ طَرْفَةَ

و بر من مسلطش نکنی که نابودم کند؛ و حتی یک چشم بر هم زدن مرا به کسی (جز

عَيْنٍ فَيَعْجِزَ عَنِّي، وَلَا تَحْرِمْنِي الْجَنَّةَ، وَارْحَمْنِي

خودت) وامگذاری؛ زیرا نمی‌تواند برایم کاری بکند. مرا از بهشت محروم مساز، و به من رحم کن،

وَتَوَفَّنِي مُسْلِمًا، وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ، وَارْحَمْنِي

و مرا مسلمان بمیران، و به صالحان و شایستگان ملحق کن، و

بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ، وَبِالطَّيِّبِ عَنِ الْخَبِيثِ يَا أَرْحَمَ

به سبب حلال از حرام و به سبب پاکی از ناپاکی مرا بی‌نیاز گردان و کفایت کن، ای مهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ. اَللّٰهُمَّ خَلَقْتَ الْقُلُوبَ عَلَيَّ اِرَادَتِكَ،

مهربانان. بارخدا یا؛ دل‌ها را بر اساس اراده خودت آفریدی،

وَفَطَرْتَ الْعُقُولَ عَلَيَّ مَعْرِفَتِكَ، فَتَمَلَّمَتِ الْاَفْتِدَةَ مِنْ

و عقل‌ها را با شناخت خودت به وجود آوردی؛ بدین سان، دل‌ها از

مَخَافَتِكَ، وَصَرَخَتْ الْقُلُوبُ بِالْوَلِّهِ، وَتَقَاصَرَ وُسْعُ

ترس تو ناآرام گردید، و قلب‌ها صدا و فریاد در دادند که حیران شوند، و

قَدَّرِ الْعُقُولِ عَنِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ، وَانْقَطَعَتِ الْاَلْفَاظُ

توان عقل‌ها در ثناگویی تو کم شد، و کلمات تمام شدند و نتوانستند

عَنْ مِقْدَارِ مَحَاسِنِكَ، وَكَلَّتِ الْاَلْسُنُ عَنْ اِحْصَاءِ

اندازه خوبی‌هایت را دریابند، و زبان‌ها از شمارش

نِعْمِكَ ، فَإِذَا وَجَعَتْ بِطُرُقِ الْبَحْثِ عَنِ نِعْتِكَ بَهَرَ تَهَا

نعمت‌هایت خسته شدند و هر گاه خواستند به هر شکلی صفات تو را بازگو کنند

حَيْرَةُ الْعَجْزِ عَنِ إِدْرَاكِ وَصْفِكَ . فَهِيَ تَتَرَدَّدُ فِي

در ناتوانی از درک صفات تو حیرت‌زده شدند. پس آن دچار تردید شد در

التَّفْصِيرِ عَنِ مُجَاوِزَةِ مَا حَدَّدَتْ لَهَا ، إِذْ لَيْسَ لَهَا أَنْ

کوتاهی کردن نسبت به گذشتن از حد مجازی که برایش تعیین کردی؛ چرا که حق ندارد از حد

تَتَجَاوَزَ مَا أَمَرَتْهَا ، فَهِيَ بِالْإِفْتِدَارِ عَلَى مَا مَكَّنْتَهَا

مجازی که به او فرمان داده‌ای عبور کرده و بگذرد، و آن قدرت دارد طبق آنچه به او توانایی داده‌ای

تَحْمَدُكَ بِمَا أَنْهَيْتَ إِلَيْهَا ، وَالْأَلْسُنُ مُنْبَسِطَةٌ بِمَا

تو را ستایش کند به مقداری که به او نیرو رسانیده‌ای، و زبان‌ها تا جایی که

تُمْلِي عَلَيْهَا ، وَلَكَ عَلَى كُلِّ مَنْ اسْتَعْبَدْتَ مِنْ خَلْقِكَ

تو برای‌شان املا کردی گویا هستند. بدین جهت حق تو بر تمام آفریده‌هایی

أَلَّا يَمْلُؤُوا مِنْ حَمْدِكَ ، وَإِنْ قَصُرَتِ الْمَحَامِدُ عَنْ

که باید تو را بپرستند آن است که از ستایش تو خسته و افسرده نشوند؛ با این که

شُكْرِكَ عَلَى مَا أَسْدَيْتَ إِلَيْهَا مِنْ نِعْمِكَ . فَحَمْدُكَ

هر چه تو را بستايند و سپاس گذارند، باز هم ستایش‌ها در مقابل نعمت‌هایت نارسا است. پس ستایشگران

بِمَبْلَغِ طَاقَةِ جُهْدِهِمْ (حَمْدِهِمْ) الْحَامِدُونَ ، وَاعْتَصَمَ

به اندازه توان و کوشش خود تو را ستایش کردند، و مقصران به رشته

بِرَجَاءِ عَفْوِكَ الْمُقْصِرُونَ ، وَأَوْجَسَ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ

عفو و بخشش تو چنگ زدند، و ترسناکان از مقام ربوبیت تو لرزاندند،

الْخَائِفُونَ ، وَقَصَدَ بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ الطَّالِبُونَ ، وَانْتَسَبَ

و آن‌ها که در جستجوی تو با اشتیاق به درگاہت می‌شتابند؛

إِلَى فَضْلِكَ الْمُحْسِنُونَ ، وَكُلُّهُ يَتَّقِي فِي ظِلَالِ تَأْمِيلِ

و نیکوکاران، منتسب به فضل و فزون بخشی تو؛ همگی نیز در سایه آرزوی

عَفْوِكَ ، وَيَضَائِلِ بِالذُّلِّ لِحَوْفِكَ ، وَيَعْتَرِفُ بِالتَّفْصِيرِ

عفوت نشسته‌اند، و در هراس از تو، و به کوتاهی در سپاس تو اعتراف دارند.

فِي شُكْرِكَ . فَلَمْ يَمْنَعَكَ صُدُوفُ مَنْ صَدَفَ عَنْ

آن‌ها که از فرمان‌برداریت رو گردانند، یا به

طَاعَتِكَ ، وَلَا عُكُوفُ مَنْ عَكَفَ عَلَى مَعْصِيَتِكَ أَنْ

نافرمانیت مشغول‌اند، تو را مانع نشد و باز نداشت از این که

أَسْبَعَتْ عَلَيْهِمُ النِّعَمَ ، وَأَجْرَلْتَ لَهُمُ الْقِسْمَ ، وَصَرَفْتَ

نعمت‌هایت را بر ایشان سرازیر کنی، و نصیب و قسمت ایشان را فراوان گردانی؛ و بلاها و

عَنْهُمْ النِّقَمَ ، وَخَوَّفْتَهُمْ عَوَاقِبَ النَّدَمِ ، وَضَاعَفْتَ لِمَنْ

مصیبت‌ها را از آن‌ها بگردانی، و از عاقبت و آینده که دچار ندامت و پشیمانی می‌شوند بترسانی، و برای کسی که نیکی کند

أَحْسَنَ ، وَأَوْجَبْتَ عَلَى الْمُحْسِنِينَ شُكْرَ تَوْفِيقِكَ

چند برابر پاداش دهی. بر نیکوکاران لازم کردی که شکر و سپاس تو را در برابر توفیق

لِلْإِحْسَانِ ، وَعَلَى الْمُسِيءِ شُكْرٌ تَعَطُّفِكَ بِالْإِمْتِنَانِ ،

نیکی‌کاری به جای آوردن، و بر بدکاران نیز واجب کردی تا شکر و سپاس تو را به خاطر مهربانی و ممت نهادن به جای آورند؛

و وَعَدْتَ مُحْسِنَهُمْ بِالزِّيَادَةِ فِي الْإِحْسَانِ مِنْكَ .

البته به نیکی‌کاران نیز وعده دادی احسان و نیکی خود را به ایشان -در برابر سپاس‌شان افزون‌گردانی.

فَسُبْحَانَكَ تُثِيبُ عَلَيَّ مَا بَدَأْتَهُ مِنْكَ ، وَانْتِسَابُهُ إِلَيْكَ ،

ای خدای سبحان؛ تو چه قدر منزّه و بی‌عیب؛ چون پاداشی که می‌دهی در ازای چیزی است که آغازش از ناحیه تو است، و همه

وَالْقُوَّةُ عَلَيْهِ بِكَ ، وَالْإِحْسَانُ فِيهِ مِنْكَ ، وَالتَّوَكُّلُ فِي

می‌دانند از جانب توست، و توان انجام آن را نیز خودت داده‌ای، و این نیکی از جانب توست، و

التَّوْفِيقِ لَهُ عَلَيْكَ ، فَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ مَنْ عَلمَ أَنَّ

توفیق بر انجام آن نیز با توکل بر تو حاصل می‌شود. پس تو را ستایش می‌کنم؛ ستایش کسی که می‌داند

الْحَمْدَ لَكَ ، وَأَنَّ بَدَأَهُ مِنْكَ ، وَمَعَادَهُ إِلَيْكَ حَمْدًا

ستایش‌ها ویژه توست، و آغازش از تو بوده، و بازگشت آن نیز به سوی خودت است؛

لَا يَقْضُرُ عَنْ بُلُوغِ الرِّضَا مِنْكَ ، حَمْدَ مَنْ قَصَدَكَ

ستایشی که مرا به طور حتم به رضایت و خشنودیت می‌رساند؛ ستایش کسی که

بِحَمْدِهِ ، وَاسْتَحَقَّ الْمَزِيدَ لَهُ مِنْكَ فِي نِعْمِهِ ، وَلَكَ

با ستایش خود تو را قصد کرده، و بدین سان استحقاق افزونی نعمت‌هایت را نیز پیدا کرده است. و تو

مُؤَيِّدَاتٍ مِنْ عَوْنِكَ ، وَرَحْمَةً تَخُصُّ بِهَا مَنْ أَحْبَبْتَ

تأییدکنندگانی از راه کمک‌رسانی داری؛ و مرحمتی که به هر یک از آفریدگانت که دوستش داشته

مِنْ خَلْقِكَ . فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَخْصُصْنَا مِنْ

باشی اختصاص خواهی داد. پس بر محمد و آل او درود بفرست، و ما را از آن

رَحْمَتِكَ وَمُؤَيِّدَاتِ لُطْفِكَ ، بِأَوْجِبِهَا لِالْقَالَاتِ ،

رحمت‌ها و الطاف تأییدکننده و موفقیّت بارت ارزانی دار که بیشتر باعث درگذشتن از گناهان،

وَأَعْصِمِهَا مِنَ الْأَضَاعَاتِ ، وَأَنْجِهَا مِنَ الْهَلَكَاتِ ،

و حفظ از تباهی‌ها، و نجات از هلاکت‌ها،

وَأَرْشِدِهَا إِلَى الْهُدَايَاتِ ، وَأَوْقَاها مِنَ الْآفَاتِ ،

و راهنمایی به مسیرهای هدایت، و نگهداری از آفت‌ها،

وَأَوْفِرِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ ، وَأَنْزِلِهَا بِالْبَرَكَاتِ ، وَأَزِيدِهَا

و فراوانی خوبی‌ها و نیکی‌ها، و نزول برکت‌ها، و افزونی

فِي الْقِسْمِ ، وَأَسْبِغِهَا لِلنِّعَمِ ، وَأَسْتَرِهَا لِلْعُيُوبِ ،

قسمت‌ها و سهم‌ها، و ریزش و فراوانی نعمت‌ها، و پوشش عیب‌ها،

وَأَعْفِرِهَا لِلذُّنُوبِ ، إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ . فَصَلِّ عَلَيَّ

و بخشش گناهان گردد. همانا تو نزدیک و پاسخ‌دهنده هستی. پس بر

خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَصَفْوَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ ، وَأَمِينِكَ

بهترین آفریده‌ات، و برگزیده و زبده مخلوقات، و امین

عَلَيَّ وَخِيكَ بِأَفْضَلِ الصَّلَوَاتِ ، وَبَارِكْ عَلَيْهِ بِأَفْضَلِ

و حی خودت، برترین و ارزشمندترین درودها را بفرست و به او به برترین

الْبَرَكَاتِ، بِمَا بَلَغَ عَنْكَ مِنَ الرُّسَالَاتِ، وَصَدَعَ

برکت‌ها برکت بده؛ آن گونه که او نیز رسالت‌ها و پیغام‌های تو را رساند،

بِأَمْرِكَ، وَدَعَا إِلَيْكَ، وَأَفْصَحَ بِالذَّلَالِ لِيَلِّ عَلَيْكَ بِالْحَقِّ

و دستور را آشکار کرد، و به سوی تو فراخواند، و به طور روشن و فصیح و گویا به آنچه حق و

الْمُبِينِ، حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ فِي

آشکار است به دلیل آوردن بر وجود تو پرداخت؛ تا آن که مرگ به سراغش آمد. خدا در

الْأَوَّلِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ، وَعَلَى آلِهِ

ابتدایان بر او درود فرستد، و در آیندگان نیز بر او درود فرستد، و بر آل

وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَاخْلَفَهُ فِيهِمْ بِأَحْسَنِ مَا خَلَفَتْ

و اهل بیت پاکش نیز درود فرستد، و به بهترین چیزی که جایگزین کردی

بِهِ أَحَدًا مِنَ الْمُرْسَلِينَ بِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ

به آن چیز یکی از رسولانت را، در مورد ایشان جایگزین کن؛ ای مهربان‌ترین مهربانان. بارالها؛

لَكَ إِزَادَاتٌ لَا تُعَارِضُ دُونَ بُلُوغِهَا الْغَايَاتُ، قَدْ

تو اراده‌هایی داری که به طور حتم به مقصد و هدف نهایی خواهند رسید و

انْقَطَعَ مُعَارَضَتُهَا بِعَجْزِ الْإِسْطِطَاعَاتِ عَنِ الرَّدِّ لَهَا

کسی را یارای درگیری با اراده تو نیست. اگر به رویارویی و درگیری اراده تو نیز بیایند ناتوان

دُونَ النَّهَايَاتِ، فَأَيَّةُ إِزَادَةٍ جَعَلْتَهَا إِزَادَةً لِعَفْوِكَ،

می‌شوند و به طور حتم به مقصود کامل خود می‌رسی. پس هر اراده‌ای که برای بخشش کرده‌ای،

وَسَبَبًا لِنَيْلِ فَضْلِكَ، وَاسْتِنْزَالًا لِخَيْرِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ

و هر سببی که برای رسیدن به فضلت قرار داده‌ای، و هر چیزی را که باعث فرود آمدن خیرات و برکات است؛ بر

مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّهَا اللَّهُمَّ بِدَوَامٍ،

محمد و اهل بیت محمد درود بفرست، و آن‌ها را به جاودانگی متصل فرما،

وَابْدَأْهَا بِتَمَامٍ، إِنَّكَ وَاسِعُ الْجِبَاءِ، كَرِيمُ الْعَطَاءِ،

و به طور کامل آغاز گردان؛ همانا تو دارای بخشش فراگیر، عطای کریمانه،

مُجِيبُ النَّدَاءِ سَمِيعُ الدُّعَاءِ ۱.

پاسخ دهنده به ندا و شنونده خوبی برای دعا هستی.



دعای سمات

به نقل از نایب دوم جناب محمد بن عثمان رضی الله عنه

محمد بن علی می‌گوید: در مجلس جناب محمد بن عثمان بن

سعید عمری رضی الله عنه حضور داشتیم، ایشان بعد از کلماتی که ذکر کردند

فرمودند: ابو عمرو و محمد بن سعید به من خبر داد، و او از محمد

بن اسلم و او از محمد بن سنان و ایشان از مفضل بن عمر جعفری، و

آن بزرگوار از امام صادق رضی الله عنه روایت کرد.

البته در این روایت چنین آمده است که مستحب است این دعا

۱. بحار الأنوار: ۴۰۲/۹۵، به نقل از مهج الدعوات: ۱۵۳.

در ساعت پایانی روز جمعه خوانده شود.

شیخ طوسی رحمته الله علیه نیز در هنگام بازگو کردن این دعا فرموده است: **دعای سمات**، از جناب **عمری (محمد بن عثمان)** رحمته الله علیه روایت شده است، و مستحب است در ساعت پایانی روز جمعه خوانده شود.

اکنون متن دعا را طبق روایت کفعمی رحمته الله علیه می آوریم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْزَمِ، الْأَعَزِّ

بارِها؛ به واسطه آن نام بزرگ و بزرگتر از تو درخواست می‌کنم؛ همان نامی که

الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ، الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلِيٌّ مَغَالِقِ

عزت‌مندتر و شکوه‌مندتر و گرامی است؛ همان اسمی که هرگاه بر قفل‌های

أَبْوَابِ السَّمَاءِ لِفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ، وَإِذَا دُعِيَ

درهای آسمان به آن اسم خوانده‌شوی اثر می‌کند و با رحمت تودرهای آسمان بازمی‌شود؛ همان نامی

بِهِ عَلِيٌّ مَضَائِقِ أَبْوَابِ الْأَرْضِ لِسَفَرِجِ بِالرَّحْمَةِ

که اگر بر گرفتگی‌های درهای زمین برای گشایش به آن اسم خوانده‌شوی، اثر می‌کند و

انْفَرَجَتْ، وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلِيٌّ الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ تَيْسَّرَ^۱

گشایش ایجاد می‌شود؛ و اگر برای آسان شدن سختی‌ها بدان خوانده‌شوی، راحتی و آسانی دست می‌دهد؛

۱. این فقره از دعا در کتاب‌های ادعیه چنین آمده است: «وإذا دعيت به علي العسر اليسر تيسر».

تیسرت» به صورت تأنیث ولی صحیح «تیسر» می‌باشد.

علامه بزرگوار شیخ علی اکبر نهاوندی رحمته الله علیه در کتاب «العقري الحسن» می‌گوید: ←

وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلِيٌّ الْأَمْوَاتِ لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ، وَإِذَا

و اگر برای برانگیخته‌شدن مردگان، با آن خوانده‌شوی، مردگان برانگیخته می‌شوند؛ و اگر

→ خطیب پرهیزکار حاج میرزا حسن نجل امین الواعظین اردبیلی برای من تعریف کرد و گفت: در سال هزار و سیصد و چهل و سه مشاهد مقدسه عراق را زیارت کردم، تنها آرزوی من و مهم‌ترین حاجتم در این مشاهد مقدسه، تشرف به خدمت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه بود.

در کاظمین رحمته الله علیه) مشرف بودم و طبق برنامه‌ای که داشتم روزهای جمعه غسل می‌کردم و وارد حرم مطهر می‌شدم و بعد از اداء نماز ظهر و عصر اعمال و مستحبات وارده روز جمعه را انجام می‌دادم و تا وقت نماز مغرب و عشاء در حرم می‌ماندم، سپس از حرم مطهر بیرون می‌آمدم.

روز جمعه‌ای به حرم مطهر مشرف شدم، بالاسر مطهر حضرت جواد رحمته الله علیه نشسته و مشغول قرائت شدم تا آن که وقت دعای سمات - ساعت آخر روز - فرارسید، ازدحام جمعیت به جهت درک ثواب آن ساعت زیاد شد، از زیادی جمعیت جا بر من تنگ شد و از طرفی زمان کمی تا غروب مانده بود، با عجله مشغول خواندن دعای سمات شدم.

ناگاه متوجه شدم که شخص درشت اندام زیارویی در کنار من نشسته، او عمامه سفیدی به سر بسته و محاسن سیاهی داشت، قامتی معتدل و لباس و محاسنی معمولی داشت و برگونه راستش خالی بود؛ من دعا می‌خواندم و او گوش می‌کرد و عباراتی را که من غلط می‌خواندم تصحیح می‌نمود.

از آن جمله چون این عبارت را خواندم: «وإذا دعيت بها علي العسر اليسر تيسرت»، فرمود: چرا فعل را مؤنث می‌خوانی در صورتی که فاعل مؤنث نیست؟
گفتم: به جهت رعایت مجانست با افعال ما قبل و ما بعد آن؛ زیرا که افعال در آن‌ها مؤنث آمده است.

فرمود: این مطلب غلط است، البته منظور من از این کلام ایراد به تو نبود، فقط خواستم بدانی، چون تو از اهل علم هستی. ←

دُعِيَتْ بِهِ عَلَى كَشْفِ الْبُأْسَاءِ وَالضَّرَائِ انْكَشَفَتْ،

برای برطرف شدن سختی و بلا و رنج به آن اسم خوانده شوی، برطرف شود.

وَبِجَلَالِ نُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَكْرَمِ الْوُجُوهِ، وَأَعَزِّ

و خدایا؛ تو را به واسطه نور چهره بزرگوارانهات که باکرامت‌ترین رخسارها، و عزت‌مندترین

→ من از او به خاطر این مطلب تشکر نمودم، هنگامی که از جا برخاست، در دلم افتاد که

بینم این آقا با این اوصاف کیست؟ و چگونه در اینجا نشست با این که از زیادی جمعیت کنار

من جایی نبود، دعا را ترک کرده و برخاستم، به دنبال او رفتم تا او را بشناسم؟ و با حدیث

تمام او را جستجو نموده ولی پیدا نکردم.

با حالت تأسف و بقیه دعا را با اشک‌های جاری و ناله تمام کردم، پس از آن هرگاه این

قضیه به یادم می‌افتاد آه می‌کشیدم.

به وطن بازگشتم و این قضیه را فراموش کردم. سه سال گذشت شبی در عالم خواب دیدم که

مشرّف به حرم مطهر کاظمین علیهم‌السلام شده‌ام، حضرت جواد علیه‌السلام نشست است، و آن حضرت

گندم‌گون است، من از آن حضرت پیرامون مسائل مشکله سؤال می‌کردم که برخی از آن‌ها را

فراموش کرده‌ام.

از مسائلی که به یادم مانده این است که از حضرتش پرسیدم: من همیشه در مشاهد مشرفه از

خدای تعالی می‌خواستم و به شما و نیاکان شما - ائمه طاهرين عليهم‌السلام - متوسل می‌شدم که به

دیدار ولی منتظرش سلام الله عليه نائل شوم، ولی دعای من مستجاب نشد.

حضرت فرمود: نه، چنین نیست بلکه تاکنون دو مرتبه آن امام را دیده‌ای: یک مرتبه در راه

سامراء، مرتبه دوم موقعی بود که در حرم کاظمین علیه‌السلام در بالای سر نشسته بودی، و دعای

سمات می‌خواندی، شخصی با اوصافی که در یادت هست، کنار تو نشسته بود، تو فقره‌ای از

دعا را چنین خواندی: «وإذا دعيت به على العسر لليسر تيسرت»، او ایراد گرفت و اشکال

کرد، و فرمود: چرا فعل را مؤنث می‌خوانی در صورتی که فاعل مؤنث نیست؟ او امام زمان تو

بود. این را فرمود و من از خواب بیدار شدم. (العقري الحسان، المسك الأذفر: ۱/۱۲۰)

الْوُجُوهِ، الَّذِي عَنَّتْ لَهُ الْوُجُوهُ، وَخَضَعَتْ لَهُ

آنهاست می‌خوانم؛ همان روی مبارکی که همه روها و همه آبروداران در برابرش خوار و فروتنند

الرِّقَابُ، وَخَشَعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ، وَوَجِلَتْ لَهُ

و گردن‌ها در مقابلش خم شده‌اند، و همه صداها در برابر او به لرزه افتاده‌اند، و

الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِكَ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي بِهَا تُمْسِكُ

دل‌ها از ترس تو در هراسند. و به واسطه قدرتت و نیرو و توانت از تو درخواست می‌کنم؛ نیرویی که

السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِكَ وَتُمْسِكُ

با آن آسمان را از افتادن بر روی زمین نگه داشته‌ای - و این تنها با اذن تو خواهد شد - و

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْ تَزُولَا، وَبِمَشِيَّتِكَ الَّتِي دَانَ

آسمان‌ها و زمین را از نابودی نگه داشتی، و به واسطه مشیت و خواست تو از تو درخواست می‌کنم؛ همان

لَهَا الْعَالَمُونَ، وَبِكَلِمَتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ بِهَا السَّمَاوَاتِ

مشیتی که جهانیان در مقابلش پای بند هستند؛ و نیز تو را می‌خوانم به واسطه کلمه‌ات که آسمان‌ها

وَالْأَرْضِ، وَبِحِكْمَتِكَ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ،

و زمین را به وسیله آن آفریدی؛ و به حکمتی که با آن چیزهای شگفت‌انگیز را ساختی،

وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ وَجَعَلْتَهَا لَيْلًا، وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ

و تاریکی را آفریدی و آن را شب قرار دادی، و شب را مایه

سَكْنًا، وَخَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ نَهَارًا، وَجَعَلْتَ

آرامش قرار دادی؛ و با آن روشنی را آفریده، و آن را روز قرار دادی، و

النَّهَارَ نُشُوراً مُبْصِراً، وَخَلَقْتَ بِهَا الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ

و روز را هنگام جنب و جوش به همراه بینایی قرار دادی؛ و با آن خورشید را به وجود آورده

الشَّمْسَ ضِيَاءً، وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ الْقَمَرَ

و آن را روشنی‌بخش ساختی؛ و با آن ماه را آفریدی و آن را روشنی شب قرار دادی؛

نُوراً، وَخَلَقْتَ بِهَا الْكَوَاكِبَ وَجَعَلْتَهَا نُجُوماً

و با آن ستارگان را خلق کردی و آنها را اختران تابان و

وَبُرُوجاً، وَمَصَابِيحَ وَزِينَةً وَرُجُوماً لِلشَّيَاطِينِ،

برج‌های آسمان و چراغ‌ها، و زینت‌بخش، و برای راندن شیطان‌ها قرار دادی.

وَجَعَلْتَ لَهَا مَشَارِقَ وَمَغَارِبَ، وَجَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ

و برای آن مشرق‌ها و مغرب‌ها، و محل‌های طلوع و

وَمَجَارِي، وَجَعَلْتَ لَهَا فَلَكَاً وَمَسَابِحَ، وَقَدَّرْتَهَا

محل‌های جریان قرار دادی، و برای آن محور و مدار حرکت و محل‌گردش و شناوری قرار دادی. و

فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا، وَصَوَّرْتَهَا

در آسمان برای آنها جایگاه مقرر فرمودی و اندازه‌اش را نیکو قرار دادی، و صورت بخشیدی،

فَأَحْسَنْتَ تَصَوِيرَهَا، وَأَحْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ إِحْصَاءً،

و نیکو صورت‌نگاری کردی؛ و با نام‌هایت به شماره درآوردی،

وَدَبَّرْتَهَا بِحِكْمَتِكَ تَدْبِيراً فَأَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا،

و با حکمتت تدبیر نمودی پس به خوبی تدبیر فرمودی،

وَسَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ وَسُلْطَانِ النَّهَارِ

و تحت سلطه شب و سلطان روز

وَالسَّاعَاتِ، وَعَدَدِ السِّنِّينَ وَالْحِسَابِ، وَجَعَلْتَ

و ساعت‌ها و شماره سال‌ها و حساب آنها را مسخر نمودی؛

رُؤْيُوتَهَا لِجَمِيعِ النَّاسِ مَرَأًى وَاحِداً. وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ

و دیدن آنها را برای تمام مردم، یکسان کردی. بار الهی؛ از تو

بِمَجْدِكَ الَّذِي كَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنِ

به واسطه شکوهت درخواست می‌کنم؛ همان که بدان وسیله با بنده و فرستاده‌ات حضرت موسی پسر

عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُقَدَّسِينَ، فَوْقَ إِحْسَاسِ

عمران - سلام بر او باد - سخن گفתי در میان قدسیان، بالاتر از آن چه

الْكَرُّوبِيِّينَ، فَوْقَ غَمَائِمِ النُّورِ، فَوْقَ تَابُوتِ

کروبیان‌ت قادر به درک آن باشند؛ بالاتر از ابرهای نور و روشنی، بالاتر از صندوق

الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ النَّارِ، وَفِي طُورِ سَيْنَاءَ، وَفِي

گواهی در ستون آتش؛ و در طور و صحرای سینا، و در

جَبَلِ حُورَيْثَ فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ، فِي الْبُقْعَةِ

کوه حوریت، در سرزمین مقدس، و در بقعه‌ای

الْمُبَارَكَةِ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ،

مبارک در جانب راست کوه طور، از درخت مخصوص؛

وَفِي أَرْضِ مِصْرَ بَتْسَعِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ، وَيَوْمَ فَرَقْتُ

و در سرزمین مصر، با نه آیه و نشانه آشکار. و (همچنین) در روزی که

لِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ ، وَفِي الْمُنْبِجَاتِ الَّتِي

دریا را برای بنی‌اسرائیل شکافتی؛ و نیز در چشمه‌های جوشان

صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ فِي بَحْرِ سُوفٍ ، وَعَقَدْتَ مَاءَ

که با آن شکفتی‌ها را به وجود آوردی در دریای سوف، و آب

الْبَحْرِ فِي قَلْبِ الْعَمْرِ كَالْحِجَارَةِ ، وَجَاوَزْتَ بِبَنِي

دریا را در ژرفای اقیانوس همچون سنگ، منجمد کردی؛ و بنی

إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ ، وَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنَىٰ عَلَيْهِمْ بِمَا

اسرائیل را از دریا گذراندی، و نعمت نیکویت را بر آنان تمام و کامل کردی، به دلیل این که

صَبَرُوا ، وَأَوْرَثْتَهُمْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي

شکیبایی ورزیدند. و شرق و غرب جهان را که

بَارَكْتَ فِيهَا لِلْعَالَمِينَ ، وَأَعْرَفْتَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ

موجب برکت برای جهانیان قرار داده بودی به ایشان به ارث رساندی، و فرعون و سپاهش را

وَمَرَاكِبَهُ فِي الْيَمِّ ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ

با مرکب‌های سواری‌شان در دریا غرق کردی. (خدایا!) و با آن اسم بزرگ، بزرگ‌تر، بزرگ‌تر

الْأَعْظَمِ ، الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ ، وَبِمَجْدِكَ الَّذِي

بزرگ‌تر از هر چیز، که عزت‌مندتر، شکوه‌مندتر، گرامی‌تر از هر چیز است، از تو درخواست می‌کنم؛ و نیز به واسطه

تَجَلَّيْتَ بِهِ لِمُوسَىٰ كَلِمِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طُورِ

شکوه و بزرگواریت که با آن برای موسی هم‌گفتارت - که سلام بر او باد - در طور (صحرائ)

سَيْنَاءَ ، وَلَا بُرَاهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ قَبْلُ فِي

سینا تجلی کردی؛ و برای ابراهیم که دوست ویژه‌ات بود، - سلام بر او باد - از پیش‌تر، در

مَسْجِدِ الْخَيْفِ ، وَلَا إِسْحَاقَ صَفِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي

مسجد خیف تجلی فرمودی؛ و برای برگزیده‌ات اسحاق - سلام بر او باد - در

بَيْتِ شَيْعٍ ، وَلِيعْقُوبَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ

چاه شیع جلوه نمودی؛ و برای پیامبرت حضرت یعقوب - سلام بر او باد - در خانه

إِبْرَاهِيمَ ، وَأَوْفَيْتَ لِابْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمِثْقَالِكَ ،

ایل متجلی گشتی؛ و وفا نمودی پیمانت را برای ابراهیم - سلام بر او باد -

وَلَا إِسْحَاقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِحَلْفِكَ ، وَلِيعْقُوبَ

و سوگندت را برای اسحاق - سلام بر او باد - و

بِشَهَادَتِكَ ، وَلِلْمُؤْمِنِينَ بِوَعْدِكَ ، وَلِلدَّاعِينَ

گواهی خود را برای یعقوب، و وعده‌ات را برای مؤمنان، و اجابت خود را برای دعاکنندگان

بِأَسْمَائِكَ فَأَجَبْتَ ، وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ لِمُوسَىٰ بْنِ

با نام‌هایت؛ و نیز به واسطه شکوهت که برای موسی پسر

عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى قُبَّةِ الرَّمَّانِ وَبِآيَاتِكَ الَّتِي

عمران - سلام بر او باد - بر روی گنبد رمان (عبادتگاهش) ظهور کرد؛ و به واسطه آیات و نشانه‌هایت

وَقَعَتْ عَلَى أَرْضِ مِصْرَ بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْغَلْبَةِ،

که در سرزمین مصر با شکوه تمام و عزت‌مندی و برتری و چیرگی واقع شد؛

بِآيَاتٍ عَزِيزَةٍ، وَبِسُلْطَانِ الْقُوَّةِ، وَبِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ،

با آیاتی عزت‌مند، و قدرت و سلطه‌ای توانمند، و عزتی توانا،

وَبِشَأْنِ الْكَلِمَةِ التَّامَّةِ، وَبِكَلِمَاتِكَ الَّتِي تَفَضَّلْتَ بِهَا

و مقام کلمه کامل، و به واسطه کلمات که

عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَهْلِ الدُّنْيَا

بر آسمانیان و زمینیان و اهل دنیا و آخرت تفضل فرمودی،

وَالْآخِرَةِ، وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَيَّ جَمِيعِ

و به واسطه رحمتی که بر تمام

خَلْقِكَ، وَبِاسْتِطَاعَتِكَ الَّتِي أَقَمْتَ بِهَا عَلَيَّ

مخلوقات مت نهادی، و به واسطه توانایی‌ات که با آن تمام

الْعَالَمِينَ، وَبِنُورِكَ الَّذِي قَدْ خَرَّ مِنْ فَرْعِهِ طُورُ

جهانیان را برپا داشته‌ای، و به واسطه نوری که صحرای

سِينَاءَ، وَبِعِلْمِكَ وَجَلَالِكَ وَكِبْرِيَاكَ وَعِزَّتِكَ

سینا از ترسش فرو ریخت، و به واسطه دانش و جلال و کبریایی و عزت‌مندی

وَجَبْرُوتِكَ الَّتِي لَمْ تَسْتَقِلَّهَا الْأَرْضُ، وَانْخَفَضَتْ

و تسلطت که زمین توانش را نداشت، و

لَهَا السَّمَاوَاتُ، وَأَنْزَجَرَ لَهَا الْعُمُقُ الْأَكْبَرُ، وَرَكَدَتْ

آسمان‌ها برای آن فروتنی کرد، و ژرفای بزرگ رانده شد، و

لَهَا الْبِحَارُ وَالْأَنْهَارُ، وَخَضَعَتْ لَهَا الْجِبَالُ،

دریاها و رودها را کد ماندند، و کوه‌ها رام گردیدند،

وَسَكَنتْ لَهَا الْأَرْضُ بِمَنَّا كِبِهَا، وَاسْتَسَلَمَتْ لَهَا

و زمین با کرانه‌هایش آرام گرفت، و

الْخَلَائِقُ كُلُّهَا، وَخَفَّتْ لَهَا الرِّيحُ فِي جَرَيَانِهَا،

تمام آفریدگان تسلیم آن شدند، و جریان وزش بادها بهم ریخت،

وَخَمَدَتْ لَهَا النَّبْرَانُ فِي أَوْطَانِهَا، وَبِسُلْطَانِكَ

و آتش‌ها در جایگاه‌هایشان خاموش گشتند؛ و نیز به واسطه سلطه و پادشاهیت

الَّذِي عُرِفْتَ لَكَ بِهِ الْغَلْبَةُ دَهْرَ الدُّهُورِ، وَخَمَدَتْ بِهِ

که غلبه و چیرگی بر تمام روزگاران با آن شناخته می‌شود، و به وسیله آن

فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ، وَبِكَلِمَتِكَ كَلِمَةَ الصِّدْقِ

در آسمان‌ها و زمین‌ها ستایش شدی؛ و نیز تو را به واسطه کلمات همان کلمه راستی

الَّتِي سَبَقَتْ لِأَبِينَا آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَذُرِّيَّتِهِ

که برای پدرمان آدم - که سلام بر او باد - و نسلش با رحمت پیشی گرفت،

بِالرَّحْمَةِ. وَأَسْأَلُكَ بِكَلِمَتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ كُلَّ شَيْءٍ،

و به واسطه کلمات که بر هر چیز پیروز شد و سلطه یافت؛

وَبُنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكَاةً

و به واسطه نور رخسارت که با آن بر کوه تجلی فرمودی و آن را از هم پاشیدی

وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا، وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ عَلَيَّ طُورِ

و موسی از این جریان بر زمین افتاد و بیهوش شد؛ و نیز به واسطه شکوهت که بر صحرای

سِينَاءَ فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ،

سینا ظاهر شد و با آن بر بنده و فرستادهات موسی پسر عمران سخن گفتی؛

وَبِطَّلَعَتِكَ فِي سَاعِيرٍ، وَظُهُورِكَ فِي جَبَلِ فَارَانَ

و به واسطه پروتوافتکیت در ساعیر، و ظهور نورت در کوه فاران

بِرَبَوَاتِ الْمُقَدَّسِينَ، وَجُنُودِ الْمَلَائِكَةِ الصَّافِينَ،

با نفس‌های مقدسان و سپاهیان صفکشیده فرشتگان،

وَخُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُسَبِّحِينَ، وَبِبرِّ كَاتِكَ الَّتِي

و فروتنی فرشتگان تسبیح‌گوی؛ و نیز به واسطه برکاتت که

بَارَكْتَ فِيهَا عَلَيَّ إِبرَاهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي

برای ابراهیم دوست ویژهات - که سلام بر او باد - در

أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبَارَكْتَ لِإِسْحَاقَ

امت حضرت محمد - درود خدا بر او و آل او باد - برکت دادی؛ و برای اسحاق

صَفِيَّكَ فِي أُمَّةٍ عِيسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَبَارَكْتَ

- که برگزیدهات بود - در امت عیسی - که درود بر هر دو باد - برکت دادی؛

لِيُعْقُوبَ إِسْرَائِيلَ فِي أُمَّةٍ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ،

و برای یعقوب یکتاپرستت در امت موسی - سلام بر هر دو باد - برکت دادی؛

وَبَارَكْتَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي

و برای دوست خودت محمد - که درود بر او و آل او باد - در میان

عِترَتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأُمَّتِهِ. اللَّهُمَّ وَكَمَا غَبْنَا

عترت و نسل او - درود بر آنان باد - و امت او برکت دادی؛ از تو درخواست می‌کنم. بار الها؛ همان‌گونه که ما

عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ نَشْهَدَهُ، وَأَمْنَا بِهِ وَلَمْ نَرَهُ صِدْقًا وَعَدْلًا،

آن حضرت را ندیدیم و در آن زمان حضور نداشتیم، و با این وجود، به او به راستی و درستی ایمان آوردیم؛

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُبَارِكَ عَلَيَّ

از تو درخواست می‌کنم بر محمد و آل محمد درود پیوسته نثار کنی، و برکت

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَرَحَّمْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و رحمت خود را بر محمد و آل محمد و رحمتی بفرستی

كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَيَّ إِبرَاهِيمَ

برتر از آنچه برای ابراهیم و آل ابراهیم درود و برکت و رحمت

وَآلِ إِبرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، فَعَالَ لِمَا تُرِيدُ،

نتارکدی؛ راستی، توستوده‌شکوهمند هستی؛ هر چه بخواهی بدون کم و کاست انجام می‌دهی؛

وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. ۱

و تو بر هر چیز توانایی.

۱. البلد الأمين: ۱۳۴، جمال الأسبوع: ۳۲۱، المصباح: ۵۵۹، مصباح المتهجد: ۴۱۶، الصحيفة الصادقة: ۹۳۰.

پس از دعا نیز می خوانی: **اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ ، وَبِحَقِّ**

بارها؛ به حق این دعا، و به حق

هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا وَلَا يَعْلَمُ بَاطِنَهَا

این اسم‌هایی که تفسیر و معنای باطنش را کسی جز تو نمی‌داند،

غَيْرِكَ، [صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ] اَفْعَلْ بِي مَا

[بر محمد و آل محمد درود فرست و] آن چنان که

أَنْتَ أَهْلُهُ ، وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ ، [وَأَنْتَقِمَ لِي مِنْ

شایسته‌توست با من رفتار کن نه آن چنان که من سزاوارش هستم؛ [و از کسی که نسبت به من

ظَالِمِي، وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَهَلَاكَ أَعْدَائِهِمْ مِنْ

ستمکار است انتقام مرا بگیر، و در راحتی و فرج آل محمد و نابودی دشمنان آنان از

الْجَنِّ وَالْإِنْسِ]، وَأَغْفِرْ لِي مِنْ ذُنُوبِي مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا

آدمیان و جنیان شتاب کن؛] و گناهان گذشته و

تَأَخَّرَ، وَوَسَّعْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ، وَاكْفِنِي مَوْنَةَ

آیندهام را بیامرز، و از روزی و سهمیه حلالت برای من وسعت بده، و از شر

إِنْسَانٍ سَوْءٍ [وَجَارٍ سَوْءٍ وَقَرِيبٍ سَوْءٍ] وَسُلْطَانٍ سَوْءٍ،

آدم بد، [و همسایه و همنشین بد] و سلطان بد، مرا کفایت کن؛

إِنَّكَ عَلَيَّ [كُلِّ شَيْءٍ] قَدِيرٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. ١

راستی تو بر [هر چیز] توان داری، و ستایش مخصوص (تو) پروردگار جهانیان است.

١. المجموع الرائق: ١/٢٥٨.

آن گاه بگو: **اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَاءِ**

بار الها؛ به حق این دعای شریف، نسبت به مرد و زن

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَاءِ وَالثَّرْوَةِ، وَعَلَى مَرَضِي

مؤمن فقیر نیازمند، تفضل کن و آنان را بی‌نیاز و ثروت‌مند گردان؛

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَالصِّحَّةِ، وَعَلَى

و زن و مرد مؤمن مریض را شفا و سلامتی بخش، و هر

أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَالْكَرَامَةِ،

زن و مرد زنده مؤمن را مورد لطف و بزرگواریت قرار ده،

وَعَلَى أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ

و مردگان‌شان را مورد آمرزش

وَالرَّحْمَةِ، وَعَلَى مُسَافِرِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

و رحمت خویش قرار ده، و مسافران‌شان را

بِالرَّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا

سالم و پربهره به سرزمین خودشان بازگردان؛ این همه را با رحمت خویش انجام ده، ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ

مهربان‌ترین مهربانان؛ و درود پیوسته خداوند بر آقا و سرور ما حضرت محمد خاتم

النَّبِيِّينَ وَعَثْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا. ١

پیامبران، و بر عترت پاکش و بسیار بسیار سلام بر آنان باد.

١. بحار الأنوار: ١٠١/٩٠.

در کتاب «جمال الصالحین» این دعا را پس از آن ذکر کرده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ هَذَا الدُّعَاءِ، وَبِمَا فَاتَ مِنْهُ

بارِ الِهَا؛ مِنْ بَعْدِ خَاطِرِ احْتِرَامِ اِيْنِ دَعَا

مِنَ الْأَسْمَاءِ، وَبِمَا يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ مِنَ التَّفْسِيرِ

اسْمِ هَايِ مُحْتَرَمِي كِه دَر اَن ذِكْر نَشْدِه اسْت وَ بَه تَفْسِيرِ

وَالْتَدْبِيرِ الَّذِي لَا يُحِيطُ بِهِ إِلَّا أَنْتَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

وَ تَدْبِيرِي كِه دَر بَرْدَارْد وَ جَزْ تُو كَسِي نَسَبْتِ بَه اَن اِحَاطَه وَ اَطْلَاعِ كَامِلِ نَدَارْد؛ اَز تُو مِي خَوَاهَم كِه بَر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَهُمْ فِي عَافِيَةٍ،

مُحَمَّدِ وَ آلِ مُحَمَّدِ دَرُودِي پِيُوسْتِه بَفَرَسْتِي، وَ دَر فَرَجِ وَ كَشَايِشِ كَارَشَانِ بَا عَافِيَتِ، شَنَابِ كُنِي؛

وَتُهْلِكَ أَعْدَائَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَنْ تَرْزُقَنَا

وَ دَشْمَنَانِ شَانِ رَا دَر دُنْيَا وَ اٰخِرْتِ بَه هَلَاكْتِ وَ نَابُودِي دَجَارِ كُنِي؛ وَ بَه وَاسِطَهٗ اِيْشَانِ

بِهِمْ خَيْرَ مَا نَرْجُو، وَخَيْرَ مَا لَا نَرْجُو، وَتَصْرِفَ بِهِمْ

اَن خَيْرِ وَ خُوبِي هَايِي رَا كِه اَمِيدِ دَارِيمِ، وَ اُنْجِه رَا كِه اَمِيدِ نَدَارِيمِ رُوزِي مَا كَرْدَانِ، وَ اَز مَا

عَنَّا شَرًّا مَا نَحْذَرُ، وَشَرًّا مَا لَا نَحْذَرُ، إِنَّكَ عَلِيُّ كُلِّ

شَرِّ وَ بَدِي اُنْجِه رَا كِه اَز اَن تَرَسَانِمِ وَ شَرِّ وَ بَدِي اُنْجِه رَا كِه اَز اَن حَذِرِ وَ اجْتِنَابِ نَمِي كَرْدَانِ، وَ تُو بَر هَر

شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ. ١

چيزِ تُو نَابايِي؛ وَ تُو بَا كَرَامَتِ تَرِينِ بَزْرگُوَارَانِي.

عالم بزرگوار جناب سید بن طاووس رحمته الله علیه می فرماید: در بین تفسیرهایی که برای کلمات این دعا بود یافتیم که «کوه حوریت» یا «حوریتا» همان کوهی است که خداوند در ابتدا با حضرت موسی عليه السلام سخن گفت و او را مورد گفتگو قرار داد، و تابوت یوسف عليه السلام نیز به یکی از قسمت‌های پایین همین کوه انتقال یافت و در گوشه‌ای از طور سینا قرار داد.

«دریای سوف» را به زبان عبری؛ «یومسوف» می‌گویند و به معنای دریای عمیق است. و «ساعیر» - که به نام کوه «سراء» نیز شناخته می‌شود - کوهی است که حضرت عیسی عليه السلام در آن جا مناجات می‌کرد.

و «جبل فاران»، همان کوهی است که حضرت محمد صلى الله عليه وآله در آن جا به مناجات پروردگار می‌پرداخت؛ و در نزدیکی مکه قرار دارد.^۱ محمد بن علی راشدی می‌گوید: من در هیچ مشکل یا اندوه سختی این دعا را نخواندم مگر آن که با سرعت به اجابت رسید؛ هر کس این دعا را برای هر هدفی که دارد و یا مقصودی که به دنبال آن است بخواند و یا پیشاپیش خروجش به طرف دشمنی که از او می‌ترسد، یا قدرتمندی که از او هراس دارد بخواند، به خواسته‌اش برسد و از کسی نهراسد. البته اگر نمی‌تواند بخواند، آن را بنویسد و همراه خود داشته باشد.

۱. جمال الأسبوع: ۳۲۵.

علامه شیخ محمد باقر بیرجندی رحمته الله در کتاب «فاکهة الذاکرین» می‌گوید: این دعا از نظر اجابت و برآمدن حاجت، بی‌نظیر است. مرحوم سید محمد خامنه تبریزی در یکی از تألیفاتش می‌گوید: خواندن دعای سمات در ساعت پایانی روز جمعه برای برآورده شدن حاجت‌ها به خصوص برای دفع دشمن - مجرب است و این مطلب یقینی است، به خصوص اگر چهل روز جمعه ادامه یابد.^۱



دعای روز عید فطر

که از جناب محمد بن عثمان رضی الله عنه روایت شده است

این دعا را سرورمان جناب محمد بن عثمان رضی الله عنه قرائت می‌فرموده، و در دفترش موجود بوده است؛ که دعاهای ماه مبارک رمضان را نیز در آن یادداشت کرده بودند.

این دعا پس از نماز صبح روز عید فطر خوانده می‌شود:

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ تَوَجَّهْتُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ اُمَامِيْ ، وَعَلِيٍّ مِنْ

بارالها؛ به توری آوردم به واسطه حضرت محمد صلی الله علیه و آله که پیش روی من است، و حضرت علی علیه السلام

خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِيْ ، وَاَيْمَتِيْ عَنْ يَسَارِيْ ، اَسْتَتِرُّ

پشت سر و از سمت راست، و امامانم از سمت چپ، گرداگرد خود این بزرگواران را آورده‌ام تا خود را

۱. التحفة الرضویة: ۱۱۹.

بِهِمْ مِنْ عَذَابِكَ ، وَاتَّقَرَّبُ اِلَيْكَ زُلْفَى لَا اَجِدُ اَحَدًا

به وسیله ایشان از عذابت بیوشانم، و خود را از نظر مرتبه به تو نزدیک گردانم، هیچ کسی را که از نظر رتبه و مقام

اَقْرَبُ اِلَيْكَ مِنْهُمْ ، فَهَمُّ اَيْمَتِيْ ، فَاَمِنْ بِهِمْ خَوْفِيْ مِنْ

از ایشان نزدیک‌تر به تو باشند سراغ ندارم. اینان، پیشوایان من‌اند؛ ترسم از

عِقَابِكَ وَسَخَطِكَ ، وَاَدْخِلْنِيْ بِرَحْمَتِكَ فِيْ عِبَادِكَ

کیفرت و خشمت را به واسطه ایشان تبدیل به آرامش کن؛ و به رحمت مرا در زمره بندگان

الصّٰلِحِيْنَ . اَصْبَحْتُ بِاللّٰهِ مُؤْمِنًا مُّخْلِصًا عَلٰى دِيْنِ

صالح و شایسته‌ات درآور. صبح کردم در حالی که ایمان و اخلاص نسبت به پروردگار دارم و بر دین

مُحَمَّدٍ وَسُنَّتِهِ ، وَعَلٰى دِيْنِ عَلِيٍّ وَسُنَّتِهِ ، وَعَلٰى دِيْنِ

و این حضرت محمد صلی الله علیه و آله، و نیز دین و این حضرت علی علیه السلام، و بر دین و آیین و روش

الْاَوْصِيَاءِ وَسُنَّتِهِمْ ، اَمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَعَالَانِيَّتِهِمْ ،

جانشینان ایشان پایدار و ثابتم؛ به امور پنهان و آشکارشان ایمان دارم،

وَأَرْغَبُ اِلَى اللّٰهِ تَعَالٰى فِيمَا رَغِبَ فِيْهِ اِلَيْهِ مُحَمَّدٌ

و به چیزهایی که حضرت محمد و علی علیه السلام و جانشینان‌شان نسبت به پروردگار مشتاق بودند،

وَعَلِيٌّ وَالْاَوْصِيَاءُ ، وَاَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذُوا

استیاق می‌ورزم، و از شر هر چه ایشان به خدا پناه بردند، من نیز پناه می‌برم؛

مِنْهُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ ، وَلَا عِزَّةَ وَلَا مَنَعَةَ وَلَا

هیچ توان و جنبشی جز به واسطه خداوند نیست؛ هیچ نیرو و بازدارنده‌ای

سُلْطَانَ إِلَّا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ الْمُتَكَبِّرِ،

و قدرتی، جز برای خدای یگانه، چیره، عزت‌مند، جبار و متکبر نیست.

تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ ﴿فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ ﴿۱﴾.

بر خدا توکل می‌کنم؛ (خدا به تنهایی (مرا بس است)؛ همانا خداوند دستورش و خواستش را به طور کامل انجام می‌دهد).

اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُكَ فَارِدُنِي، وَأَطْلُبُ مَا عِنْدَكَ فَيْسِّرْهُ

بار الهی! من قصد و اراده تو کرده‌ام پس تو نیز مرا اراده کن؛ آن چه نزد تو است جستجو می‌کنم، رسیدن به آن

لِي، وَأَقْضِ لِي حَوَائِجِي فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ

را برایم آسان کن؛ حاجت‌هایم را برآور؛ تو در کتابت فرموده‌ای

وَقَوْلِكَ الْحَقُّ ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ

- و گفتارت ثابت و راست است - که: «ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن فرود آمد،

هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ ﴿۲﴾،

تا مردم را راهنمایی کند، و دلیل‌هایی آشکار برای هدایت و جدایی حق از باطل بیاورد».

فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ، بِمَا أُنزِلَتْ فِيهِ مِنْ

پس احترام ماه رمضان را بالا بردی؛ چون، قرآن را در آن فرو فرستادی،

الْقُرْآنِ، وَخَصَّصْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ بِتَصْيِيرِكَ فِيهِ لَيْلَةَ

و با قراردادن شب قدر در ماه رمضان، آن را ویژگی و عظمت بخشیدی؛

الْقَدْرِ، فَقُلْتَ ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾

پس گفتی: «شب قدر، از هزار شب بهتر است؛

۱. سوره طلاق، آیه ۳.

تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةَ وَالرُّوحَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ

فرشتگان، و روح با اجازه خداوند، برای هر کاری در شب قدر فرود می‌آیند؛

أَمْرٍ ﴿سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾ ﴿۱﴾. اللَّهُمَّ وَهَذِهِ

شب قدر، سلام و سلامت است تا طلوع فجر. بار الهی؛

أَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ قَدْ انْقَضَتْ، وَكَيْلَالِيهِ قَدْ تَصَرَّمَتْ،

روزهای ماه رمضان نیز سپری شدند، و شب‌هایش نیز تمام شدند؛

وَقَدْ صِرْتُ مِنْهُ يَا إِلَهِي إِلَىٰ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي،

خدای من؛ خودت بهتر می‌دانی که من چه کردم،

وَأَحْصَىٰ لِعَدَدِهِ مِنْ عَدَدِي، فَاسْأَلُكَ يَا إِلَهِي بِمَا

و عدد آن را بهتر می‌دانی؛ پس، خدایا؛ از تو

سَأَلُكَ بِهٖ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

چیزهایی را درخواست می‌کنم که بندگان صالحت خواسته‌اند؛ که بر محمد

وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ. وَأَنْ تَتَقَبَّلَ

و بر آل محمد و اهل بیت محمد درود پیوسته نثار کنی. و آنچه را

مِنِّي كُلَّمَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ، وَتَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِتَضْعِيفِ

وسیله تقرب خود به درگاهت نمودم از من بپذیری، و با چند برابر نمودن پاداش

عَمَلِي، وَقَبُولِ تَقَرُّبِي وَقُرْبَاتِي، وَاسْتِجَابَةِ دُعَائِي،

اعمالم و پذیرش کارهایی را که به قصد قربت و رضای تو انجام دادم، و اجابت دعایم بر من لطف و احسان کنی،

۱. سوره بقره، آیه ۱۸۵. ۲. سوره قدر، آیه ۳-۵.

وَهَبْ لِي مِنْكَ عِتْقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَمَنْ عَلَيَّ

و این بخشش را به من بنمائی که از آتش رهاییم بخشی، و

بِالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَالْأَمْنِ يَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ فَرَعٍ،

با برخورداری از بهشت و ایمنی از ترس‌های بزرگ قیامت بر من ممت گذاری،

وَمِنْ كُلِّ هَوْلٍ أَعَدَدْتَهُ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ. أَعُوذُ بِحُرْمَةِ

و از تمام هول و هراس‌هایی که برای روز قیامت آماده کرده‌ای در امانم بداری. به حرمت

وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَبِحُرْمَةِ نَبِيِّكَ وَحُرْمَةِ الصَّالِحِينَ،

وجه کریم و بزرگواریت و به حرمت پیامبرت و به حرمت بندگان شایسته‌ات پناه می‌برم

أَنْ يَنْصَرِمَ هَذَا الْيَوْمَ، وَلَكَ قَبْلِي تَسْبِعَةٌ تُرِيدُ أَنْ

که امروز بگذرد و هنوز برای تو به عهده من جرمی باشد که بخواهی

تُؤَاخِذَنِي بِهَا، أَوْ ذَنْبٌ تُرِيدُ أَنْ تُقَايِسَنِي بِهِ،

مرا به آن مؤاخذه کنی، و گناهی باقی بماند که بخواهی به خاطر آن مرا عذاب کنی

وَتُشَقِّبَنِي وَتَفْضَحَنِي بِهِ، أَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ أَنْ تُقَايِسَنِي

و بدبخت و رسوایی گردانی؛ و اشتباهی باقی باشد که به خاطر آن

بِهَا وَتَقْتَصَّهَا مِنِّي لَمْ تَغْفِرْهَا لِي، وَأَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ

قصدها و عذاب مرا داشته باشی و مرا نبخشیده باشی. به واسطه احترام

وَجْهِكَ الْكَرِيمِ الْفَعَّالِ لِمَا يُرِيدُ، الَّذِي يَقُولُ لِلشَّيْءِ

ذات بزرگواریت از تو درخواست می‌کنم؛ همان که هر چه بخواهد آن را انجام می‌دهد، و اگر به چیزی بگوید:

كُنْ فَيَكُونُ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِلَا إِلَهَ

باش، می‌شود؛ جز او نیز خدایی نیست. بار الها؛ به واسطه این که - اعتقاد دارم - جز تو خدایی

إِلَّا أَنْتَ، إِنْ كُنْتَ رَضِيتَ عَنِّي فِي هَذَا الشَّهْرِ أَنْ

نیست از تو درخواست می‌کنم؛ اگر در این ماه از من راضی شده‌ای، رضایت و خشنودیت را

تَزِيدَنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي رِضًا، فَإِنْ كُنْتَ لَمْ

در باقی‌مانده عمرم نیز افزون فرمایی؛ و اگر

تَرْضَ عَنِّي فِي هَذَا الشَّهْرِ، فَمِنَ الْآنَ فَارِضٌ عَنِّي

در این ماه مبارک از من خشنود نشده‌ای، از حالا از من راضی و خشنود شو؛

السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ، وَاجْعَلْنِي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ

در همین ساعت، در همین ساعت، در همین ساعت؛ و در این ساعت

وَفِي هَذَا الْمَجْلِسِ مِنْ عِتْقَائِكَ مِنَ النَّارِ، وَطُلُقَائِكَ

و در همین مجلس مرا از آزادشدگان از آتش قرار ده، و از رهاشدگان

مِنْ جَهَنَّمَ، وَسُعْدَاءِ خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا

از جهنم قرار ده، و از بندگانی که به واسطه آمرزش و رحمت سعادت‌مند شدند قرار ده؛ ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ

مهربان‌ترین مهربانان. بار الها؛ به احترام آبروی کریمانه‌ات از تو درخواست می‌کنم

الْكَرِيمِ، أَنْ تَجْعَلَ شَهْرِي هَذَا خَيْرَ شَهْرِ رَمَضَانَ

که این ماه را برایم نسبت به ماه رمضان‌های دیگر در دوران عمرم بهترین

عَبَدْتُكَ فِيهِ ، وَصُمْتُه لَكَ ، وَتَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ مُنْذُ

ماه رمضان قرار ده که تو را در آن پرستیده‌ام، و روزه‌داری کرده‌ام، و به تو تقرب جست‌ام؛

أَسْكَنْتَنِي فِيهِ ، أَعْظَمَهُ أَجْرًا ، وَأَتَمَّهُ نِعْمَةً ، وَأَعَمَّهُ

دارای بزرگ‌ترین پاداش و کامل‌ترین نعمت، و فراگیرترین

عَافِيَةً ، وَأَوْسَعَهُ رِزْقًا ، وَأَفْضَلَهُ عِتْقًا مِنَ النَّارِ ،

عافیت، و فراخ‌ترین نصیب، و برترین آنان از جهت رهاییم از آتش،

وَأَوْجَبَهُ رَحْمَةً ، وَأَعْظَمَهُ مَغْفِرَةً ، وَأَكْمَلَهُ رِضْوَانًا ،

و سزاوارترین آن برای رحمت تو، و بزرگ‌ترین بخشش، و کامل‌ترین رضوان و خشنودی،

وَأَقْرَبَهُ إِلَيَّ مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى . اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ

و نزدیک‌کننده‌ترین ماه‌ها به چیزهایی که تو دوست داری و از آن خشنود می‌شوی. بار الها! این

شَهْرَ رَمَضَانَ صُمْتُه لَكَ ، وَارْزُقْنِي الْعُودَ ثُمَّ الْعُودَ

ماه رمضان را آخرین ماه رمضان من - که در آن به روزه‌داری می‌پردازم - قرار مده؛ و آن قدر حضور ماه‌های رمضان بعدی را نصیب

حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا ، وَحَتَّى تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا

کن تا رضایت تو حاصل شود، و پس از راضی شدنت باز هم مرا در ماه‌های رمضان حاضر فرما؛ تا آن که مرا از دنیا

سَالِمًا وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ وَأَنَا لَكَ مَرْضِيٌّ . اللَّهُمَّ

بدون عیب و آفت خارج کنی در حالی که تو از من راضی باشی و من نیز مورد رضایت و خشنودیت باشم. بار الها!

اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتَقْدِرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ الَّذِي

در آن چه قضا و قدرت به آن تعلق می‌پذیرد؛ و از امور قطعی و حتمی است که

لَا يَرُدُّ وَلَا يُبَدِّلُ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُثِيبُ وَتُسَمِّي

رد نمی‌شود و تغییر و تبدیلی نیز در آن راه نمی‌یابد؛ مرا از کسانی قرار ده که ثواب می‌گیرند، و

وَتَقْضِي لَهُ ، وَتَزِيدُ وَتُحِبُّ لَهُ وَتَرْضَى ، وَأَنْ تَكْتُبَنِي

مرتبه‌شان بالا می‌رود و حاجت‌شان برآورده می‌شود، و برایش افزون می‌کنی، و دوستش می‌داری و از او خشنود هستی؛

مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي هَذَا الْعَامِ ، وَفِي كُلِّ

نیز مرا از حجاجان خانهات در حج امسال و سال‌های آینده قرار ده؛

عَامٍ ، الْمَبْرُورِ حَجَّتِهِمْ ، الْمَشْكُورِ سَعْيِهِمْ ، الْمَغْفُورِ

آن دسته‌ای که حج‌شان عالی، و تلاش‌شان مورد سپاسگزاری، و گناهان‌شان

ذُنُوبِهِمْ ، الْمَتَقَبَّلِ مِنْهُمْ مَنَاسِكُهُمْ ، الْمُعَافِينَ عَلَيَّ

بخشیده شده، و عبادات حج‌شان پذیرفته شده؛

أَسْفَارِهِمْ ، الْمُتَقَبِّلِينَ عَلَيَّ نُسُكِهِمْ ، الْمَحْفُوظِينَ فِي

سفرهای‌شان با عافیت و سلامتی، و علاقه‌مند به انجام عبادت‌های مخصوص‌شان، و در مورد

أَنْفُسِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ وَذُرَارِيهِمْ ، وَكُلِّ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ

خودشان و داراییشان و بچه‌های‌شان و همه نعمت‌هایی که به آنان داده‌ای، محفوظ و نگهداری

عَلَيْهِمْ . اللَّهُمَّ أَقْبِلْنِي مِنْ مَجْلِسِي هَذَا ، فِي شَهْرِي

شده باشند. بار الها! مرا از این جایی که نشسته‌ام، و این ماه،

هَذَا ، فِي يَوْمِي هَذَا ، فِي سَاعَتِي هَذِهِ ، مُفْلِحًا مُنْجِحًا

و امروز، و همین ساعت و لحظه؛ رستگار و کامیاب،

مُسْتَجَابًا لِي، مَغْفُورًا ذَنْبِي، مُعَافَاً مِنَ النَّارِ، وَمُعْتَقًا

و پاسخ مثبت شنیده و گناه بخشیده، و معاف‌شده از آتش و آزادگشته

مِنْهَا عِتْقًا لَا رِقَّ بَعْدَهُ أَبَدًا، وَلَا رَهْبَةً يَارَبَّ الْأَرْبَابِ.

از آن به‌گونه‌ای که دیگر هیچ‌گاه گرفتار نشوم و از آن نیز نترسم، بارگردان! ای پروردگار پرورش‌دهندگان؛

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ فِيمَا شِئْتِ، وَأَرَدْتِ

بار الهی؛ درخواست من آن است که در آنچه مورد مشیت و اراده

وَقَضَيْتِ وَقَدَّرْتِ وَحَتَمْتِ وَأَنْقَذْتِ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي،

و حکم و تقدیر و دستور حتمیت است و دستور اجرای آن را داده‌ای، مقرر کنی که زندگانیم طولانی،

وَأَنْ تُنَسِّيَ فِي أَجَلِي، وَأَنْ تُقَوِّيَ ضَعْفِي، وَأَنْ تُغْنِيَ

و مرگم دیر رس، و ناتوانیم تبدیل به نیرومندی، و

فَقْرِي، وَأَنْ تَجْبِرَ فَاقْتِي، وَأَنْ تَرْحَمَ مَسْكَنْتِي، وَأَنْ

نیازمندیم تبدیل به ثروت‌مندی گردد؛ و بیچارگیم جبران، و به بدبختی‌ام رحم کنی، و

تُعَزِّدَنِي، وَأَنْ تَرْفَعَ ضَعْفِي، وَأَنْ تُغْنِيَ عَائِلَتِي، وَأَنْ

خواریم را به عزت، افتادگیم را به الوایی تبدیل کنی، و خانواده‌ام را بی‌نیاز سازی؛

تُوْنِسَ وَحَشْتِي، وَأَنْ تُكْثِرَ قَلَّتِي، وَأَنْ تُدِرَّ رِزْقِي

مونس و وحشت و تنهاییم باشی و کمبودم را به فزونی و بسیاری برسانی، و نصیب و رزق مرا

فِي عَافِيَةٍ وَيُسْرٍ وَخَفْضٍ، وَأَنْ تَكْفِينِي مَا أَهْمَنِي مِنْ

با عافیت و راحتی و دست‌یابی آسان و سبکی، به فراوانی به من برسانی. نیز مرا در

أَمْرٍ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي فَأَعْجِزَ

امور مهم دنیا و آخرتم کفایت کرده و بسنده باشی، و مرا به خودم وامگذار که در مقابل آن عاجز و

عَنْهَا، وَلَا إِلَيَّ النَّاسِ فَيَرِ فُضُونِي، وَأَنْ تُعَافِيَنِي فِي

ناتوان شوم، و به مردم وامگذار که مرا به کناری بیندازند و طرد کنند؛ و مرا در

دِينِي وَبَدَنِي وَجَسَدِي وَرُوحِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي

مورد دینم و بدنم و جسم و روحم و فرزندانم و خانواده

وَأَهْلِ مَوَدَّتِي وَإِخْوَانِي وَجِيرَانِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

و دوستان و برادران و همسایگان

وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، الْأَخْيَاءِ مِنْهُمْ

مؤمن و مسلمان من - زنده باشند یا

وَالْأَمْوَاتِ، وَأَنْ تَمَنَّ عَلَيَّ بِإِيمَانِي وَالْإِيمَانِ مَا

مرده - عافیت عطا فرمایی. نیز امنیت و ایمان را در تمام زندگانیم

أَبْقَيْتَنِي، فَإِنَّكَ وَلِيِّي وَمَوْلَايَ، وَتَقْتِي وَرَجَائِي،

بر من ممت نهی؛ زیرا، تو ولی و سرپرست و صاحب‌اختیار من، مورد اعتماد و امید من،

وَمَعْدِنُ مَسْأَلَتِي، وَمَوْضِعُ شَكْوَايَ، وَمُنْتَهَى

محل درخواست‌ها و شکایت من، و آخرین درجه

رَغْبَتِي. فَلَا تُخَيِّبْنِي فِي رَجَائِي يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ،

آرزوی من هستی. ای آقا و سرور من؛ امیدم را ناامید مکن.

وَلَا تُبْطِلْ طَمَعِي وَرَجَائِي، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ

و خوش‌خیالی و امیدواریم را نادرست از آب درمیاور؛ زیرا، که من به واسطه محمد

و آلِ مُحَمَّدٍ، وَقَدَّمْتُهُمْ إِلَيْكَ أُمَامِي، وَأَمَامَ حَاجَتِي

و آل محمد به تو رو آوردم، و آنان را پیشاپیش خود و حاجت

و طَلْبَتِي، وَتَضَرُّعِي وَمَسْأَلَتِي، فَاجْعَلْنِي بِهِمْ

و خواسته‌ها و گریه و زاری و خواهش به درگاه تو آوردم؛ پس مرا

وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، فَإِنَّكَ

در دنیا و آخرت، از ابرومندان و مقربان درگاهت قرار ده؛ زیرا، تو

مَنْنْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ، فَاخْتِمَ لِي بِهِمُ السَّعَادَةَ، إِنَّكَ

با شناخت ایشان بر من منت نهادی؛ پس، سعادت و خوشبختی مرا در آخر کارم به واسطه آنان نصیب گردان؛ راستی تو

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

قدرت بر هر چیزی داری.

این عبارات، در برخی از روایات، افزون است:

مَنْنْتَ عَلَيَّ بِهِمْ، فَاخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ وَالْأَمْنِ

به واسطه ایشان بر من منت نهادی؛ پس پایان کارم را خوشبختی، امنیت و آرامش،

وَالسَّلَامَةَ وَالْإِيمَانَ وَالْمَغْفِرَةَ وَالرِّضْوَانَ وَالسَّعَادَةَ

سلامتی، ایمان کامل، بخشش و رضوان خودت، سعادت

وَالْحِفْظَ، يَا اللَّهُ أَنْتَ لِكُلِّ حَاجَةٍ لَنَا فَصَلِّ عَلَيَّ

و نگهداری از جانب خودت قرار ده. ای خدا؛ تو برآورنده تمام خواسته‌های ما هستی؛ پس، بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَافِنَا وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا أَحَدًا مِنْ

محمد و آل او درود پیوسته نثار کن، و ما را عافیت بخش، و

خَلْقِكَ لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَأَكْفِنَا كُلَّ أَمْرٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا

هیچ‌یک از مخلوقات را که توان تحملش را نداشته باشیم بر ما مسلط مفرما؛ و تمام امور دنیا

وَالْآخِرَةِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و آخرت ما را کفایت کن؛ ای صاحب شکوه و بزرگواری؛ بر محمد

و آلِ مُحَمَّدٍ، وَتَرَحَّمْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَسَلِّمْ

و آل محمد درود فرست، و بر محمد و آل محمد ترحم و مهربانی ویژه نما، و

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ

بر محمد و آل محمد سلام بفرست؛ مانند برترین صلوات و برکات

و تَرَحَّمْتَ وَسَلَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ

و رحمت و سلام و درودی که بر ابراهیم و آل

إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. ۱.

ابراهیم فرستادی؛ راستی، تو ستوده شکوه‌مند هستی.

زیارت مولای ما امام صادق علیه السلام

به نقل از عثمان بن سعید و حسین بن روح قدس سرهما

ابوالحسین احمد بن حسین بن رجاء صیداوی، این زیارت را از عثمان بن سعید رضی الله عنه - که حسین بن روح رضی الله عنه نیز در آن هنگام همراهش بود - نقل می‌کند و می‌گوید:

هنگامی که این دو بزرگوار به زیارت امام صادق علیه السلام آمده بودند، در کنار باب السلام ایستادند و گفتند:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ، وَأَبَا مَوْلَايَ

سلام و رحمت و برکات الهی بر تو ای مولا و فرزند مولای من و پدر صاحب اختیار و سروران من؛

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدَ دَارِ

سلام بر تو ای آن که در این دنیا گواه ما و اعمال ما هستی

الْفَنَاءِ، وَزَعِيمِ دَارِ الْبَقَاءِ، إِنَّا خَالِصَتَكَ وَمُؤَالِيكَ

و در آخرت زعیم و رئیس و مهتر ما می‌باشی؛ ما، مخلص تو و دوستدار تو هستیم؛

وَنَعْتَرِفُ بِأَوْلَاكَ وَأَخْرَاكَ. فَاشْفَعْ لَنَا إِلَى مُشَفِّعِكَ اللَّهُ

به آغاز و پایانت اعتراف می‌کنیم، پس، نزد شفاعت‌پذیرت یعنی خدای

تَعَالَى رَبَّنَا وَرَبِّكَ، فَمَا خَابَ عَبْدٌ قَصَدَ بِكَ رَبَّهُ وَأَتَعَبَ

تعالی - که پرودگار ما و توست - برای ما شفاعت کن. هر بنده‌ای که به سبب تو قصد کنی پروردگارش را

فِيكَ قَلْبُهُ، وَهَجَرَ فِيكَ أَهْلَهُ وَصَحْبَهُ، وَاتَّخَذَكَ

و قلب خودش را در مورد تو به رنج افکند، و از خانواده و دوستانش کناره‌گیری و دوری‌گزید تا به تو برسد؛

وَلِيَّهُ وَحَسْبَهُ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

و تو را ولی و سرپرست و بسنده برای خودش دانست؛ هیچ‌گاه زبان ندید. سلام و رحمت و برکات الهی نثار باد.

علامه مجلسی رحمته الله می‌فرماید: بعید نیست که این زیارت، در مورد امام حسین علیه السلام بوده باشد، و نسخه‌برداران اشتباه کرده و آن را به امام صادق علیه السلام نسبت داده باشند.^۱

دعای حضرت خضر علیه السلام

معروف به دعای کمیل^۲

قرائت این دعا در شب نیمه شعبان و نیز شب‌های جمعه استحباب دارد.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ،

بار الها؛ من از تو درخواست می‌کنم به واسطه رحمتت که همه چیز را فرا گرفته است؛

۱. بحار الأنوار: ۲۱۱/۱۰۰.

۲. دعای کمیل از حضرت خضر می‌باشد که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن را به جناب کمیل تعلیم فرموده‌اند؛ به این جهت به دعای کمیل معروف شده است.

لازم به ذکر است که دعاهای حضرت خضر و حضرت الیاس علیه السلام - که آن دو بزرگوار از همراهان حضرت بقیة الله ارواحنا فداء هستند - و سایر یاران آن حضرت مانند حضرت عیسی بن مریم علیه السلام زیاد است، ما به جهت اختصار به ذکر این دعا اکتفا کردیم.

وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ ، وَخَضَعَ لَهَا كُلُّ

و نیز به واسطه نیرویت که با آن بر هر چیزی چیرگی یافتی، و همه چیز در برابر آن خاضع

شَيْءٍ ، وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ ، وَجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ

و فروتن و همه چیز در برابر آن ذلیل و خوار شد، و به واسطه جبروت و سلطهات که با آن

بِهَا كُلُّ شَيْءٍ ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ ،

بر همه چیز غالب شدی، و به واسطه عزتت که هیچ چیزی در برابرش ایستادگی نمی‌کند، و به

وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ ، وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي

واسطه بزرگی و عظمتت که همه چیز را پر کرده است؛ و به واسطه سلطنت و چیرگی و توانائی‌ات که

عَلَا كُلَّ شَيْءٍ ، وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ ،

بر هر چیز برتری یافته است، و به واسطه ذات پاکت که پس از فانی شدن همه چیز باقی

وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ ، وَبِعِلْمِكَ

می‌ماند، و به نام‌هایت که اساس و پایه هر چیز را پر کرده است، و به دانشت

الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ

که همه چیز را احاطه کرده است، و به نور رخسارت که هر چیزی به سبب آن روشن شد؛

لَهُ كُلُّ شَيْءٍ ، يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ ، يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ ، وَيَا

(از تو درخواست می‌کنم) ای نور؛ ای منزّه از هر عیب و نقص؛ ای پیش از هر ابتدا؛ ای

آخِرَ الْأَخْرِينَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ

پس از هر پایان؛ بارالها؛ بیامرز بر من گناهی را که پرده‌های

الْعِصْمَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ النَّقْمَ .

حیا و عصمت را می‌درد. خدایا؛ بیامرز بر من گناهی را که عذابها را فرود می‌آورد.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ

خدایا؛ بیامرز بر من گناهی را که نعمت‌ها را دگرگون می‌سازد. خدایا؛ بیامرز

لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي

بر من گناهی را که دعا را محبوس می‌کند. خدایا؛ بیامرز بر من

الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ الْبَلَاءَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ

گناهی را که بلا را نازل می‌کند. خدایا؛ بیامرز بر من تمام گناهی را که

أَذْنِبْتُهُ ، وَكُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا . اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ

انجام داده‌ام، و همه اشتباهاتی را که مرتکب شده‌ام. بار الها؛ من

إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ ، وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيَّ نَفْسِكَ ، وَأَسْأَلُكَ

با یادت به سوی تو تقرّب می‌جویم، و خودت را نزد تو شفیع و واسطه می‌کنم، و

بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ ، وَأَنْ تُوزِعَنِي

به خاطر جود و بخششت از تو می‌خواهم که مرا به مقام قرب خود نزدیک گردانی، و

شُكْرَكَ ، وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

شکرت را نصیبم نمایی، و یادت را به من الهام کنی. بار الها؛

سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ أَنْ تُسَامِحَنِي

من خاضعانه و ذلیلانه و از روی فروتنی، از تو می‌خواهم که با من مدارا کنی،

وَتَزَحْمَنِي وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا، وَفِي

و بر من رحم کنی، و مرا خشنود و راضی و قانع نسبت به تقسیم نصیبت قرار دهی و در

جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا. اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ

همه حالات مرا فروتن سازی. بار الها؛ من از تو درخواست می‌کنم همانند درخواست کسی که

اشْتَدَّتْ فُاقَتُهُ، وَأَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ،

فقر و بی‌نوابی او سخت شده است، و در سختی‌ها درخواستش را به درگاه تو آورده است،

وَعَظُمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ. اللَّهُمَّ عَظُمَ سُلْطَانُكَ،

و به آنچه نزد تو است بسیار مشتاق گشته است. خدایا؛ سلطه و چیرگی تو بزرگ،

وَعَلَا مَكَانُكَ، وَخَفِيَ مَكْرُوكٌ، وَظَهَرَ أَمْرُكَ، وَغَلَبَ

و جایگاهت والا، و مکر تو پنهان، و دستورت آشکار، و قهر و

قَهْرُكَ، وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ، وَلَا يُمْكِنُ الْفِرَارُ مِنْ

خشمت چیره، و توانت و قدرتت در جریان است، و به هیچ وجه نمی‌توان از

حُكُومَتِكَ. اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِدُنُوبِي غَافِرًا، وَلَا

حکومتت فرار کرد. بار الها؛ من برای بخشش گناهانم کسی را سراغ ندارم، و

لِقَبَائِحِي سَاتِرًا، وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ

برای پوشاندن زشتی‌هایم کسی را نیافتم؛ و برای تبدیل کارهای زشت و ناهنجارم

بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

به خوبی و نیکی، کسی را نیافتم جز تو. معبودی جز تو نیست، منزّه و ستوده‌ای، و تنها

وَبِحَمْدِكَ، ظَلَمْتُ نَفْسِي، وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلِي،

به ستایش تو می‌پردازم؛ بر خود ستم کردم؛ و با نادانی و جهل خود بر تو جرأت یافتم؛

وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي، وَمَنَّكَ عَلَيَّ. اللَّهُمَّ

و به خاطر یاد دیرینه‌ات و احسان و لطفی که بر من داری، آرامش داشتم و خیالم راحت بود. بار الها؛

مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ، وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنْ

مولای من؛ چه زشتی‌های بسیاری که از من پوشاندی،

الْبَلَاءِ أَقَلَّتَهُ، وَكَمْ مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتَهُ، وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ

و بلاهای سنگینی که از من باز گرداندی، و چه لغزش‌های بسیاری که از آن نگاهم داشتی، و چه ناپسندی‌هایی که از

دَفَعْتَهُ، وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ.

من دور ساختی، و چه ثنا و مدح زیبا که لایقش نبودم ولی در بین مردم پخش کردی.

اللَّهُمَّ عَظُمَ بَلَائِي، وَأَفْرَطَ بِي سُوءٌ حَالِي،

بار الها؛ بلای من بزرگ است، و بدحالیم از حد گذشته است،

وَقَصُرَتْ بِي أَعْمَالِي، وَقَعَدَتْ بِي أَعْمَالِي،

و اعمالم مرا مقصر ساخته، و غل و زنجیرهایم مرا زمین‌گیر کرده است،

وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدَ أَمَلِي، وَخَدَعْتَنِي الدُّنْيَا

و آرزوهای دور و درازم باعث جلوگیری از سودمندیم شده است، و دنیا مرا

بِعُرُورِهَا، وَنَفْسِي بِجِنَائِيَّتِهَا، وَمِطَالِي يَا سَيِّدِي،

با ظاهر فریبنده‌اش فریفته است، و نفسم با جنایت‌هایش و امروز و فردا کردیم مرا فریب داده است. ای آقای

فَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءٌ

من؛ به خاطر عزتمندیت از تو می‌خواهم که کردار زشت

عَمَلِي وَفِعَالِي، وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ

و رفتار نادرستم مانع تو از اجابت دعایم نشود، و به کارهای زشت

مِنْ سِرِّي، وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَيَّ مَا عَمِلْتُهُ فِي

پنهانی من که تو بر آن آگاهی داری مرا رسوا نسازی؛ و بدرفتاری و بدرکرداریم در

خَلَوَاتِي مِنْ سُوءٍ فِعْلِي وَإِسَاتِي، وَدَوَامِ تَفْرِيطِي

تنهایی‌ها، و کوتاهی و نارسائی پیوسته‌ام در عمل،

وَجَهَالَتِي، وَكَثْرَةَ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي. وَكُنِ اللَّهُمَّ

و نادانی و شهوت‌های نفسانی زیاد، و غفلت و بی‌توجهیم باعث شتاب در عقوبت و کفیر تو نشود. بار الهی!

بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَوْفًا، وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ

به خاطر اقتدارت بر من، در همه حالات با من مهربانی کن، و در تمام امورم مرا مورد

الْأُمُورِ عَطُوفًا، إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ، أَسْأَلُهُ

عظوفت و خوش‌رفتاریت قرار ده؛ خدای من؛ و پروردگارم؛ من چه کسی جز تو دارم که از او

كَشَفَ ضُرِّي، وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي. إِلَهِي وَمَوْلَايَ

درخواست کنم که بیچارگی و گرفتاری مرا برطرف کند و در امورم نگاهی مهربانانه نماید! خدای من؛ و مولای من؛

أَجْرِيَتَ عَلَيَّ حُكْمًا أَتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي، وَكَمْ

حکم و دستوری به من دادی ولی از هوای نفسم پیروی کردم، و

أَحْتَرِسُ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي، فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوَى

از فریبکاری دشمنم (شیطان) در امان نماندم؛ در نتیجه، با خواهش‌هایش مرا فریفت،

وَأَسْعَدُهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرِي

و قضا و قدر نیز به او کمک کرد، و باعث شد

عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ، وَخَالَفْتُ بَعْضَ

نسبت به بعضی از حدودت تجاوز کنم، و با برخی از

أَوَامِرِكَ. فَلَكَ الْحَمْدُ (الْحُجَّةُ) عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ، وَلَا

دستورات مخالفت نمایم. پس برای توست در تمام این‌ها حجت بر من؛ و هیچ

حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرِي عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ، وَالزَّمَنِي

حجتی به نفع من نیست در آنچه بر من از قضا و فرمان تو جاری گشته؛ و

حُكْمِكَ وَبِلَاؤُكَ، وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي

حکم و آزمایشت مرا ملزم ساخته و رها نمی‌کند. اینک خدای من؛ پس از این همه تقصیر و کوتاهی،

وَإِسْرَافِي عَلَيَّ نَفْسِي، مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا

و اسراف بر خویش، نزدت آمده‌ام با حالت عذرخواهی، پشیمانی، دل شکسته،

مُسْتَقْبِلًا مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا مُقِرًّا مُذْعِنًا مُعْتَرِفًا، لَا أَجِدُ

خواهان گذشت و آمرزش تو، توبه و بازگشت‌کننده، اعتراف‌کننده، و اقرارکننده؛ هیچ

مَقْرَأًا مِمَّا كَانَ مِنِّي، وَلَا مَفْرَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي

راه فراری از آنچه از من صادر گشته ندارم، و پناهگاهی نیز برای روی‌آوری پیدا نکرده‌ام؛

غَيْرَ قَبُولِكَ عَذْرِي، وَإِذْ خَالِكَ إِيَّايَ فِي سَعَةِ

جز این که تو پوزشم را بپذیری و مرا در رحمت فراگیری وارد کنی.

رَحْمَتِكَ. اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عَذْرِي، وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي،

بار الها؛ عذرم و پوزشم را بپذیر، و بر گرفتاری سختم رحم کن،

وَفُكِّنِي مِنْ شَدِّ وَثَاقِي، يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي،

و از بند محکم و سختم رهاییم بخش؛ ای پروردگار من؛ به ناتوانی بدنم رحم کن،

وَرِقَّةَ جِلْدِي، وَدِقَّةَ عَظْمِي، يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي

و به پوست نازک، و استخوان نحیف من رحم کن؛ ای کسی که آفرینش،

وَذِكْرِي وَتَرْبِيَّتِي وَبِرِّي وَتَغْذِيَّتِي، هَبْنِي لِابْتِدَاءِ

و یاد و پرورش و نیکی و غذا دادن به من را خودت آغاز فرمودی. به خاطر کرامت آغازین

كَرَمِكَ وَسَالِفِ بَرِّكَ بِي. يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي،

و اولیّات، و نیکی‌های دیرینه‌ات به من؛ مرا ببخش. ای خدای من؛ آقای من؛ پروردگار من؛

أَتْرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ، وَبَعْدَ مَا أَنْطَوَى

ایا ببینم تو را که می‌خواهی پس از یگانه پرستی‌ام، مرا با آتش دوزخت عذاب کنی؟ و پس

عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ، وَلَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ

از این که قلبم آمیخته از شناخت نسبت به تو شده است؟ و پس از این که زبانم به

ذِكْرِكَ، وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ، وَبَعْدَ صِدْقِ

ذکرت گویا شده است؟ و درون من با دوستی تو گره خورده؟ و پس از

اعترافي ودُعائي خاضعاً لِرُبُّوبِيَّتِكَ، هَيْهَاتَ، أَنْتَ

اعتراف صادقانه و دعای خاضعانه‌ام در پیشگاه ربوبیت تو؟ نه، هرگز، تو

أَكْرَمُ مَنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ، أَوْ تُبْعِدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ، أَوْ

بزرگوارتر از آن هستی که پرورده‌ات را ضایع و تباه‌گردانی، یا کسی را که نزدیک کرده‌ای دور کنی، یا

تُشَرِّدَ مَنْ آوَيْتَهُ، أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ

کسی را که پناه داده‌ای آواره کنی، یا کسی را که مورد کفایت و رحمت

وَرَحْمَتُهُ، وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَالْهِي وَمَوْلَايَ

قرار داده‌ای به دست بلاها بسپاری؛ و ای کاش می‌دانستم، ای آقای من؛ معبود من؛ و مولای من؛

أَتَسَلِّطُ النَّارَ عَلَيَّ وَجُوهِ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً،

ایا تو بر چهره‌هایی که در پیشگاه عظمتت خاکساری کرده و به سجده افتاده است،

وَعَلَى أَلْسِنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً، وَبِشُكْرِكَ

و بر زبان‌هایی که صادقانه به توحید و یگانگی‌ات گویا گشته است، و برای ستایش تو

مَادِحَةً، وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِالْهَيْبَتِكَ مُحَقَّقَةً،

را شکرگزاری کرده است، و بر دل‌هایی که به طور حقیقی به خدایی تو اعتراف کرده‌اند؛

وَعَلَى ضَمَائِرٍ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ

و بر درون‌هایی که از بس نسبت به تو آگاهی یافته‌اند،

خَاشِعَةً، وَعَلَى جَوَارِحَ سَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعْبُدِكَ

فروتن گشته‌اند؛ و بر اعضا و جوارحی که از روی فرمان برداری به سوی محل‌های عبادت و بندگی تو

طَائِعَةً، وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً، مَا هَكَذَا

تلاش کرده‌اند؛ و با اعتراف به گناهان خود به سمت آموزش تو قدم برداشته‌اند؛ آتش را مسلط می‌کنی؟! چنین

الظَّنُّ بِكَ، وَلَا أُخْبِرُنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ،

گمانی نسبت به تو راه ندارد و درباره فضل و بزرگواری تو، این گونه برای ما بازگو نکرده‌اند؛

وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا

ای بزرگوار! ای پروردگار من! این‌ها در حالی است که تومی دانی، در مقابل تحمل بلاهای کم دنیایی

وَعُقُوبَاتِهَا، وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى

و مجازات آن‌ها تاب و در برابر ناخوشی‌های دنیا که بر

أَهْلِهَا، عَلَى أَنْ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْثُهُ،

اهل دنیاست نیز توان تحمل ندارم؛ با این که این بلا و مصیبتی است که مدت کمی می‌ماند،

يَسِيرٌ بِقَاتِهِ، قَصِيرٌ مُدَّتُهُ، فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِإِبْلَاءِ

و پایداری آن اندک و زمانش کوتاه است. پس، با این اوصاف، من چگونه بلای

الْآخِرَةِ، وَجَلِيلٌ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا، وَهُوَ بَلَاءٌ

آخرت، و ناخوشی‌های طاقت‌فرسایش را تحمل کنم؟ در حالی که آن بلایی است که

تَطُولُ مُدَّتُهُ، وَيَدُومُ مَقَامُهُ، وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ،

مدت آن طولانی، و ماندگاریش دایمی است، و نسبت به اهل آن نیز تخفیف‌پذیر نیست؛

لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَانْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ،

چرا که این (بلا) از غضب و انتقام و خشم تو سرچشمه گرفته است.

وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ، يَا سَيِّدِي،

و این، چیزی است که آسمان‌ها و زمین را برای مقاومت در برابر آن نیست؛ ای آقای من؛

فَكَيْفَ لِي وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ الْحَقِيرُ

پس من چگونه این‌ها را تحمل کنم، با وجود این که بنده‌ای ضعیف، خوار، کوچک،

المِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ. يَا إِلَهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي

نیازمند و بیچاره هستم؟! ای معبود من؛ و پروردگار من؛ و آقای من؛

وَمَوْلَايَ، لِأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو، وَلِمَا مِنْهَا أَضِحُّ

و مولای من؛ برای کدام یک از این امور به تو شکایت کنم؟ و برای کدام یک از آن‌ها ضحج و ناله و

وَأَبْكِي، لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ، أَمْ لَطُولِ الْبَلَاءِ

گریه سر دهم؟ (ایا) برای دردناکی و سختی عذاب؟ یا برای طولانی شدن و

وَمُدَّتِهِ، فَلَيْنَ صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ،

مدت زیاد مصیبت و بلا؟ (خدایا) اگر برای عذاب، مرا در کنار دشمنانت قرار دهی،

وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ، وَفَرَّقْتَ بَيْنِي

و میان من و گرفتاران بلایت جمع کنی، و بین من

وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَائِكَ، فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي

و دوستان و اولیای جدایی بیفکنی؛ گیرم که ای خدای من و ای آقا

وَمَوْلَايَ وَرَبِّي، صَبَرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ

و مولا و پروردگار من؛ بر عذابت صبر و شکیبایی بورزم؛ ولی چگونه

عَلَى فِرَاقِكَ ، وَهَبْنِي صَبْرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ

بر جدایی و فراقت شکیبا باشم؟! گیرم که بر گرمی و سوزندگی آشت صبر کنم؛ ولی چگونه

أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ ، أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي

نسبت به محرومیت از تماشای کرامت و بزرگواریت، صبر کنم؟ یا چگونه، با وجود

النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوِكَ . فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ

امیدی که به عفو و بخشش تو دارم، در آتش دوزخ مسکن گزینم؟ ای آقا و مولای من؛

أَقْسِمُ صَادِقًا لَنْ تَرَ كُنْتِي نَاطِقًا ، لِأَضِجَنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ

سوگند صادقانه می‌خورم، که اگر به من اجازه سخن‌گفتن بدهی، به طور حتم در بین

أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْأَمْلِينَ ، وَلَا صُرْحَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ

دوزخیان فریاد آرزومندان درخواهم داد و دردمندان ضجه و ناله

الْمُسْتَصْرِخِينَ ، وَلَا بُكَيْنَ عَلَيْكَ بُكَاءِ الْفَاقِدِينَ ،

فریادرس جویان سرخواهم داد، و همانند عزیز از دست‌دادگان گریه‌های فراق خواهم کرد،

وَلَا نَادِيَّتَكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ ، يَا غَايَةَ

و تو را ندا خواهم داد که: کجایی ای سرپرست مؤمنان؛ ای نهایت

أَمَالِ الْعَارِفِينَ ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَعِثِينَ ، يَا حَسِيبَ

آرزوی عارفان و خدانشناسان؛ ای فریادرس دادخواهان؛ ای دوست

قُلُوبِ الصَّادِقِينَ ، وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ . أَفْتُرَاكَ

دل‌های راستگویان؛ و ای معبود جهانیان؛ آیا پس ببینم تو را

سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ

ای کسی که منزه‌ای؛ ای خدای من و من به حمد تو مشغولم - که صدای بنده مسلمات رامی شنوی

مُسْلِمٍ سُجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ ، وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا

که در جهنم به خاطر مخالفت و نافرمانیش زندانی شده است؛ و به خاطر معصیت و گناهش مزه

بِمَعْصِيَتِهِ ، وَحُبْسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ

عذاب جهنم را چشیده است و بین طبقه‌های مختلف جهنم به خاطر جرم و گناهش زندانی شده

وَهُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤْمَلٍ لِرَحْمَتِكَ ، وَيُنَادِيكَ

است؛ او با ضجه و ناله، به امید و آرزوی رحمت فریاد برمی‌آورد، و

بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ ، وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ . يَا

با زبان و طرزگفتاریگانه پرستانت تو را ندا درمی‌دهد و توسل به ربوبیت و پروردگاری تو پیدا می‌کند.

مَوْلَايَ ، فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُو مَا

ای مولای من؛ چگونه این بنده‌ات در عذاب باقی بماند با وجود این که

سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ ، أَمْ كَيْفَ تُولِمُهُ النَّارُ وَهُوَ يَأْمُلُ

به حلم و بردباری دیرینه‌ات امیدوار است؟ یا چگونه آتش او را به درد آورد؛ یا این که او به

فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ ، أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهْبُهَا وَأَنْتَ

فضل و مهربانیت، آرزومند است؟ یا چگونه زبانه‌های آتش، او را بسوزاند در حالی که

تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ ، أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ

صدایش را می‌شنوی و جایگاهش را می‌نگری؟! یا چگونه شعله‌ها و

زَفِيرُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ، أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّبُ بَيْنَ

شراره‌های آتش او را در بگیرد در حالی که ناتوانی او را می‌دانی؟ یا چگونه با وجود

أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ، أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبَانِيَّتُهَا

را استگونی اش - که تو نیز از آن آگاهی - بین طبقه‌های جهنم بالا و پایین رود؟ یا چگونه مأموران آتش او را به سوی

وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبِّهٖ، أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ

دورخ می‌رانند در حالی که او ندا می‌دهد و می‌گوید: ای پروردگار من؛ یا چگونه او به فضل تو امیدوار

مِنْهَا فَتَنْتَرُكُهُ فِيهَا، هَيْهَاتَ، مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ، وَلَا

باشد تا رهایش کنی، ولی تو او را در آتش وا می‌گذاری؟! نه هرگز؛ این بعید است و چنین گمان و اندیشه‌ای در مورد

المَعْرُوفِ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا مُشْبِهَهُ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ

تو نیست؟ و این گونه در مورد فضل تو معروف نیست؛ و این، شبیه رفتار بزرگوارانه

المُوحِّدِينَ مِنْ بَرِّكَ وَإِحْسَانِكَ، فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْ لَا

و نیکویی و احسان تو، نسبت به یکتاپرستان نیست. پس یقین دارم و باورم بر این است که اگر

مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جَاحِدِكَ، وَقَضَيْتَ بِهِ

حکم و دستور تو در مورد عذاب کردن منکرات و

مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا

جاودانه‌ماندن دشمنان خود در آتش؛ صادر نشده بود؛ به طور حتم (در روز قیامت)، تمام آتش را سرد

وَسَلَامًا، وَمَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقَرًّا وَلَا مُقَامًا، لَكِنَّكَ

و سلامت می‌کردی، و هیچ کس در آن استقرار نمی‌یافت و جا نمی‌گرفت. لیکن، تو

تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ أَقْسَمْتَ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ

- که نام‌های شریف‌ت پاک و مقدس است - سوگند یاد کردی که جهنم را پر از تمام کافران

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا

جَنَّتِي و انسی کنی، و معاندان و دشمنان سرسختت را برای همیشه در آتش نگاه

المُعَانِدِينَ، وَأَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدِئًا،

داری. و تو - که مدح و ثنایت شکوهمند باد - در آغاز فرمودی،

وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَّكِرًا، أَقَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ

و در ادامه نیز بزرگوارانه با نعمت بخشیدنت فرصت دادی که: آیا کسی که ایمان آورده با کسی

كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ. إِلَهِي وَسَيِّدِي، فَأَسْأَلُكَ

که اهل فسق و بدی باشد؛ مساوی نیستند. خدای من؛ و آقای من؛ از تو می‌خواهم

بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا، وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا

به واسطه قدرتت که آن را تقدیر فرمودی، و دستوری که حتمی و لازم نمودی،

وَحَكْمَتَهَا، وَعَلَيْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِيَّتُهَا، أَنْ تَهَبَ لِي

و بر هر که اجرا کردی نیز پیروز شدی؛ برای من ببخشی

فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلِّ جُرْمٍ أَجْرَمْتُهُ،

در این شب و این ساعت، هر جرمی که از من سر زده است،

وَكُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَكُلِّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتُهُ، وَكُلِّ جَهْلٍ

و هر گناهی مرتکب شده‌ام، و هر زشتی که آن را پنهان داشته‌ام، و هر نادانی

عَمِلْتُهُ ، كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ ، أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ ، وَكُلَّ

که انجام داده‌ام، آن را کتمان نمودم یا علنی ساختم، پنهان کردم یا آشکار نمودم؛ و هر

سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ ، الَّذِينَ

کار بدی را که به نویسندگان بزرگوارت دستور ثبت آن‌ها را داده‌ای؛ همان نویسندگان بزرگوار که

وَكَتَلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي ، وَجَعَلْتَهُمْ شُهُودًا

موظف به حفظ و ثبت اعمال من کرده‌ای و آنان را به همراه اعضا و جوارح خودم به عنوان شاهد و گواه رفتار

عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي ، وَكُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ

من قرار داده‌ای؟ و از طرفی خودت نیز پیشاپیش آنها مواظب و مراقب رفتارم بوده‌ای و هر چه از

وَرَائِهِمْ ، وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ ، وَبَرَحْمَتِكَ

آنان مخفی شده است را نیز خودت گواه بوده‌ای؛ البته، کارهای مخفی را خودت به واسطه رحمتت

أَخْفَيْتَهُ ، وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ ، وَأَنْ تُوَفَّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ

پنهان نمودی و به فضل خودت پوشیدی. و از تو می‌خواهم فراوان کنی حظ و نصیبم را از هر

خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ ، أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ ، أَوْ بَرٍّ نَشَرْتَهُ ، أَوْ

خیر و خوبی که فرو می‌فرستی، یا هر احسان و نیکی که لطف می‌کنی، یا هر خوبی که بین بندگانت بخش نمودی، یا

رِزْقٍ بَسَطْتَهُ ، أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ ، أَوْ خَطَاٍ تَسْتُرُهُ . يَا

روزی و نصیبی که گسترده ساخته‌ای، یا هر گناهی که بخشیده‌ای، یا هر اشتباهی که آن را پنهان داشته‌ای.

رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ ، يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ

پروردگارا؛ پروردگارا؛ پروردگارا؛ ای خدای من؛ و آقای من؛ و مولای من؛

وَمَا لِكَ رَقِي ، يَا مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَتِي ، يَا عَلِيمًا بِضُرِّي

و مالک هستی من؛ ای کسی که اختیار و زمام من در دست اوست؛ ای کسی که بیچارگی

وَمَسْكَنَتِي ، يَا خَبِيرًا بِفَقْرِي وَفَاقَتِي . يَا رَبِّ يَا رَبِّ

و درماندگی‌ام را می‌دانی؛ ای کسی که از نیازمندی و بی‌نواایی من آگاهی؛ ای پروردگار؛ ای پروردگار؛

يَا رَبِّ ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ ، وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ

ای پروردگار؛ از تو می‌خواهم به حق خودت و پاکیت، و بزرگ‌ترین صفات

وَأَسْمَائِكَ ، أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

و نام‌هایت؛ که تمام لحظه‌های شب و روزم را

بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً ، وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً ، وَأَعْمَالِي

با یادت آباد کنی؛ و پیوسته در خدمت خودت قرار دهی؛ و کارهایم را

عِنْدَكَ مَقْبُولَةً ، حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْزَادِي كُلُّهَا

نزد خودت پذیرفته‌شده قرار دهی؛ تا آن که تمام کارها و وردهایم

وَرْدًا وَاحِدًا ، وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا . يَا سَيِّدِي

یک ورد (و یک جهت) باشد، و حال من در خدمت تو پاینده باشد. ای آقای من؛

يَا مَنْ عَلَيْهِ مَعْوَلِي ، يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي ، يَا

ای کسی که تکیه‌گاه و مورد اعتمادم، تنها تو هستی؛ ای کسی که بد حالی‌هایم را تنها به تو شکایت می‌کنم؛

رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ ، قَوِّ عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي ،

پروردگارا؛ پروردگارا؛ پروردگارا؛ اعضا و جوارحم را برای خدمتگزاریت نیرومند کن،

وَأَشَدُّ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي، وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي

و دلم را بر قصد و آهنگ به سوی خودت محکم گردان، و نصیبم کن که به طور جدی از تو

خَشِيَّتِكَ، وَالِدَوَامَ فِي الْأَتْصَالِ بِخِدْمَتِكَ، حَتَّى

در هراس باشم، و همیشه و به طور دایم به خدمت تو بپردازم؛ تا

أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ، وَأَسْرِعَ إِلَيْكَ فِي

در نتیجه در میدان‌های پیشی‌گیرندگان به سوی تو روانه‌گردم، و در زمره کسانی که

الْبَارِزِينَ، وَأَشْتَقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتَاقِينَ،

نمودار گشته‌اند به سرعت به سوی تو بیایم، و در زمره مشتاقان با شوق فراوان به مقام قرب تو

وَأَذْنُو مِنْكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ، وَأَخَافُكَ مَخَافَةً

راه پیدا کنم، و همچون نزدیک بودن اهل اخلاص به تو نزدیک‌گردم، و همانند ترسی که

الْمُوقِنِينَ، وَأَجْتَمِعَ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ. اللَّهُمَّ

اهل یقین از تو دارند بترسم؛ و در جوار رحمت با مؤمنان گرد آیم. بار الها؛

وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ، وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ،

هرکس قصد بدی در مورد من دارد، خودت در موردش قصد بد کن؛ و هرکس برایم مکر و حيله‌ای

وَأَجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيباً عِنْدَكَ، وَأَقْرَبِهِمْ

فراهم کند، تو نیز با او مکر کن؛ و مرا از بهترین بنده‌های بهره‌مند در نزد خودت، و از کسانی که

مَنْزِلَةً مِنْكَ، وَأَخْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ

نزدیک‌ترین جایگاه معنوی را نسبت به تو دارند، و بهترین درجه را به ایشان اختصاص داده‌ای، قرار ده؛

ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ، وَجُدْ لِي بِجُودِكَ، وَاعْظِفْ عَلَيَّ

زیرا، این‌ها جز با فضل و فزون‌بخشی تو بدست نمی‌آید؛ و با سخاوت‌مندیت بر من ببخشای، و با

بِمَجْدِكَ، وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَاجْعَلْ لِسَانِي

بزرگواری و شکوهت بر من عطف و مهربانی کن، و با رحمت مرا حفظ کن؛ و زبانم را

بِذِكْرِكَ لَهْجاً، وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِيماً، وَمَنْ عَلَيَّ

به ذکر و یاد خود گویا، و قلبم را از دوستیت بی‌قرار ساز، و

بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ، وَأَقْلِنِي عَثْرَتِي، وَاعْفِرْ زَلَّتِي،

با اجابت نیکو به درخواست من بر من مت‌گذار، و از لغزش من درگذر و لغزشم را نادیده بگیر؛

فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَتِكَ بِعِبَادَتِكَ، وَأَمَرْتَهُمْ

زیرا، تو به بندگانت دستور دادی تو را بپرستند، و بر آنان امر کرده‌ای تا تو را

بِدُعَائِكَ، وَضَمِنْتَ لَهُمْ الْإِجَابَةَ. فَإِلَيْكَ يَا رَبِّ

بخوانند، و در مقابل نیز ضمانت کرده‌ای که اجابتشان کنی. پس پروردگارا؛

نَصَبْتُ وَجْهِي، وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي،

به سوی تو روی آوردم، و دستم را تنها به طرف تو دراز کردم؛

فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي، وَبَلِّغْنِي مُنَايَايَ،

پس، تو را به عزت سوگند؛ دعایم را مستجاب فرما، و مرا به آرزویم برسان،

وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي، وَاكْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ

و امیدم را از فضل قطع مکن، و از شر دشمنانم چه جتنی

وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي . يَا سَرِيعَ الرِّضَا ، اغْفِرْ لِمَنْ

و چه آدمی، مرا در امان‌دار و کفایت‌کن. ای کسی که زود راضی می‌شوی؛ بیامرز کسی را که

لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ ، فَإِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تَشَاءُ ، يَا مَنْ

جز دعاکاری از دستش نمی‌آید، زیرا، توکاری را که بخواهی به طور کامل انجام می‌دهی. ای کسی

اسْمُهُ دَوَاءٌ ، وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ ، وَطَاعَتُهُ غِنَى ، إِرْحَمْ مَنْ

که نامش، دواست؛ و یادش، شفاست؛ و فرمان‌برداریش، مایه بی‌نیازی است؛ رحم کن به کسی

رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ ، وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ ، يَا سَابِغَ النِّعَمِ ،

که سرمایه‌اش امید است، و تنها اسلحه‌اش گریه است. ای فرو ریزنده نعمت‌ها؛

يَا دَافِعَ النِّقَمِ ، يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلْمِ ، يَا

ای برطرف‌کننده سختی‌ها و مجازات‌ها؛ ای روشنی وحشت‌زدگان در تاریکی‌ها؛ ای

عَالِمًا لَا يُعَلِّمُ ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَفَعَلَ

عالمی که تعلیم داده‌نشده‌ای؛ بر محمد و آل محمد درود پیوسته بفرست، و آن

بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأُمَّةِ

چنان‌که شایسته و بایسته‌توست با من رفتار کن. و درود پیوسته خداوند بر فرستاده‌اش و امامان

الْمَيَامِينِ مِنْ آلِهِ ، وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا . ۱

پربرکت از آل او؛ و سلام بسیارش بر آنان باد.

خاتمه کتاب یا ملحات

خاتمه کتاب



بعضی از عبادانی که مورد توجه
حضرت بقیة اللہ اردو احنافہ می باشند

در پایان کتاب، به بیان برخی از مطالبی می‌پردازیم که حضرتش صلوات الله علیه به گونه‌ای دستور به انجام آنها فرموده‌اند؛ آنها عبارتند از بعضی از دعاها و زیارت‌ها، و برخی از دستورات و مطالبی که با موضوع کتاب مناسبت دارد. در ابتدا، جریان سید رشتی رضوان الله علیه را بیان می‌کنیم؛ زیرا جریان دیدار او، مطالبی را در بر دارد که مولای ما امام زمان ارواحنا فداه به انجام آن امر فرموده‌اند.

محدث نوری رحمته الله علیه می‌فرماید: سید رشتی گفت: در سال ۱۲۸۰ (قمری) به قصد انجام حج حرکت کردم، و از طرف رشت به تبریز رفتم. در تبریز به خانه حاج صفر علی تاجر معروف تبریزی رفته و به دلیل این که کاروانی برای عزیمت به حج نیافتم، سرگردان شده بودم؛ تا آن که حاج جبار جلو دار سده‌ای اصفهانی، کاروانی برای رفتن به «طربوزن» تدارک دید.

من، یک مرکب برای خودم از او کرایه کردم و به راه افتادم، و وقتی به اولین منزلگاه بین راه رسیدم، بنا بر تشویق حاج صفر علی تاجر، سه نفر دیگر نیز به من پیوستند و با یکدیگر هم سفر شدیم؛ آن سه نفر: ۱- حاج ملاً باقر تبریزی (که به نیابت از شخص دیگری عازم حج شده بود، و نزد علما شناخته شده بود)؛ ۲- حاج سید حسین تاجر تبریزی؛ ۳- مردی که خدمتکار بود، و او را حاج علی می‌گفتند.

در بین راه به شهر «ارضروم» رسیدیم و از آن جا نیز عازم شهر «طربوزن» بودیم. در یکی از استراحتگاه‌های بین این دو شهر، حاج جبار جلودار (رئیس کاروان) نزد من آمد، و گفت: منزلگاه بعدی که در پیش داریم، ترسناک است؛ بدین جهت، لازم است عجله کنید و از قافله عقب نمانید.

زیرا ما در بین راه کمی از کاروان فاصله می‌گرفتیم، حدود دو و نیم یا سه ساعت به صبح مانده بود، که همگی با هم حرکت کردیم، هنوز به طور تقریبی نیم فرسخ یا سه چهارم فرسخ از منزلگاه قبلی دور نشده بودیم که ناگهان هوا دگرگون و تاریک شد، و شروع به بارش برف کرد.

در این حال، هر یک از دوستانم سرش را پوشانید و به سرعت حرکت کرد. من نیز چنین کردم، لیکن نمی‌توانستم به سرعت آنان بروم؛ آنان دور شدند و من تنها ماندم.

لذا، از اسب پیاده شدم و در کنار جاده نشستم و به شدت دچار اضطراب و نگرانی شدم؛ چون، حدود ششصد تومان برای خرجی سفرم همراه داشتم. پس از اندیشه در مورد وضعیتم، بدین نتیجه رسیدم که همان جا بمانم تا صبح شود، و به همان منزلگاه قبلی برگردم و از آن جا چند نفر را برای نگهداری از خود استخدام کنم، تا دوباره به کاروان برسم.

در همین اندیشه بودم که ناگهان باغی زیبا را در پیش رویم دیدم، و مشاهده کردم باغبانی در آن جاست و بیلی در دست دارد و برف‌ها را از شاخ و برگ درختان می‌ریزد. باغبان نزد آمد و به قدری پیش آمد که فاصله کمی بین من و ایشان بود. فرمود: تو کیستی؟

گفتم: دوستانم رفتند و من تنها ماندم، و راه را نیز بلد نیستم؛ سرگردان شده‌ام.

وی با زبان فارسی گفت: **نافله بخوان** تا راه را پیدا کنی؛ و مقصودش نماز شب بود.

من مشغول نماز شب شدم، تا از تهجد فارغ گردیدم پس از آن دوباره نزد آمد و فرمود: آیا هنوز نرفته‌ای؟

گفتم: به خدا، راه را بلد نیستم.

فرمود: **جامعه بخوان**. من زیارت جامعه را حفظ نکرده بودم، و هیچگاه نمی‌توانستم آن را حفظ و بدون نگاه کردن به کتاب

بخوانم؛ با این که بارها به حرم مطهر امامان علیهم السلام شرفیاب شده بودم، با این حال، در همان جا ایستادم و از حفظ شروع به خواندن زیارت جامعه کردم و آن را به طور کامل خواندم.

بار دیگر آن شخص آمد و فرمود: هنوز نرفته‌ای؟ بی اراده، اشکم سرازیر شد و گریستم؛ گفتم: این همه وقت است که این جا هستم، و راه را بلد نشده‌ام!

فرمود: **عاشورا بخوان.**

در مورد زیارت عاشورا نیز همان وضع را داشتم، یعنی مانند زیارت جامعه نمی توانستم آن را از حفظ بخوانم، ولی برخاستم و بی اختیار آن را تا آخر خواندم و لعن و سلام و دعای علقمه را نیز قرائت کردم. دیدم دوباره آمد و فرمود: هنوز هم که نرفته‌ای؟! گفتم: نه، تا صبح هم این جا می مانم.

فرمود: حالا من، تو را به کاروان می رسانم. رفت، و بر الاغی سوار شد و بیل خود را بردوش گذاشت و آمد و گفت: پشت سر من سوار الاغ شو.

من سوار شدم و افسار اسبم را نیز به دست گرفتم ولی اسبم حرکت نکرد.

فرمود: افسار اسب را به من بده. افسارش را به دست آن شخص سپردم و او بیل خود را بر شانه چپ گذاشت و افسار اسب مرا با دست راست گرفت و به راه افتاد. اسبم، به گونه‌ای

شگفت‌انگیز، گوش به فرمان او بود و به دنبال او به راه افتاد.

آن گاه دستش را بر زانویم نهاد و فرمود:

شما چرا نافله نمی خوانید؟ نافله، نافله، نافله. شما چرا عاشورا نمی خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا. شما چرا جامعه نمی خوانید؟ جامعه، جامعه، جامعه.

ایشان به گونه‌ای مسیر را می پیمود که گویی زمین در زیر پایش درمی نوردد؛ ناگهان برگشت و به من فرمود: دوستان، آن‌ها هستند. دیدم که دوستانم در کنار نهر آبی فرود آمده‌اند، و از آب آن برای نماز صبح وضو می گیرند.

من، از الاغ پیاده شدم که سوار اسبم شوم ولی نتوانستم. ایشان، از الاغ پیاده شدند و بیل خود را در میان برف‌ها زدند و مرا سوار بر اسبم نمودند. سپس، سراسب را رو به محلی که دوستانم بودند، گردانیدند.

در این اثناء بود که در خاطرم گذشت: این شخص کیست که به راحتی، فارسی سخن می گوید؟ با این که می دانم، مردم این منطقه، فقط به زبان ترکی ترکیه آشنا هستند! بیشترشان نیز مسیحی اند. از طرفی، چگونه با این سرعت، مرا به دوستانم رسانید؟ همین که برگشتم و به پشت سرم نگاه کردم هیچ کس را نیافتم و اثری از او ندیدم؛ لذا نزد دوستانم رفتم.

نماز شب: آگاه باش؛ فایده و ارزش نماز شب، خارج از حدی

است که بتوان بیان کرد؛ چون نکات دقیق و اسراری دارد که در قرآن و احادیث، به طور مختصر بدان‌ها اشاره شده است. بدین جهت، در برخی از روایات هنگام یاد از نماز شب، سه مرتبه نام آن تکرار شده است.

شیخ کلینی و شیخ صدوق، و شیخ برقی از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت و سفارشات فرمود و دستور داد که آن‌ها را حفظ کرده و به آن عمل نماید؛ آن‌گاه از خدای تعالی خواست تا آن حضرت را برای عمل به این سفارشات، یاری دهد. از جمله سفارشات یاد شده این است که فرمود:

تو را به نماز شب سفارش می‌کنم؛ بر تو باد به نماز شب؛ بر تو باد به نماز شب.

در کتاب «فقه الرضا علیه السلام» نیز روایتی نزدیک به همین معنا، آمده است.

زیارت جامعه: گروهی از علما تصریح فرموده‌اند که این زیارت؛ بهترین و کامل‌ترین زیارت‌ها است.

عالمه مجلسی رحمته الله علیه پس از توضیح کوتاهی در مورد عبارت‌های زیارت جامعه که در دیگر زیارت‌ها چنین شرح و توضیحی نداده است می‌فرماید:

اندکی در شرح این زیارت کلام را طولانی کردم - گرچه حقیقت را ادا نکرده‌ام - چون نخواستم سخن به درازا کشد؛ چون این زیارت، دارای صحیح‌ترین سند و مشهورترین راویان، (فراگیرترین زیارت در مورد ائمه علیهم السلام)، فصیح‌ترین الفاظ، رساترین معانی و بلندمرتبه‌ترین زیارات است.

زیارت عاشورا: در فضیلت و جایگاه آن، همین بس که سنخیت با دیگر زیارات ندارد؛ چون - گرچه سخنان و دستورهای معصومان علیهم السلام، از عالم بالا گرفته شده است، و این زیارت (به حسب ظاهر) و نیز دیگر زیارات، از دستورات معصومان علیهم السلام است؛ ولی - زیارت عاشورا، یک حدیث قدسی است و این عبارات، از جمله لعن، سلام و دعاها، آن، به همین شکل از خدای سبحان به جبرئیل امین و از او به حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده است.

تجربه نشان داده است که اگر چهل روز یا کمتر، به طور دائم (هر روز) به خواندن این زیارت پرداخته شود؛ هیچ دعایی همانند آن برای برآوردن حاجات، رسیدن به مقصود و دفع دشمنان وجود ندارد.

بهترین فایده‌ای که می‌توان از طریق مواظبت بر خواندن این زیارت به دست آورد، آن چیزی است که یکی از اشخاص مورد اعتماد، نیکو رفتار و پرهیزگار، یعنی جناب حاج ملا حسن یزدی رحمته الله علیه که از بهترین ساکنان شهر نجف بود، و پیوسته به عبادت

و زیارت می‌پرداخت؛ از حاج محمد علی یزدی که او نیز مورد وثوق و اطمینان، نیکو رفتار، و از افراد فاضل و برجسته شهر یزد بود، می‌گوید:

مردی در یزد بود که از افراد نیک و برجسته بود. وی، شب‌ها به قبرستانی خارج از شهر یزد (که به زیارتگاه معروف بود) می‌رفت در آن زیارتگاه، چند تن از افراد صالح دفن شده بودند. سید احمد، همسایه‌ای داشت که از کودکی باهم بزرگ شده بودند، و معلم‌شان نیز یکی بود و باهم درس خوانده بودند تا آن که جزو صنف مالیات گیران دولت درآمد. البته این شخص از دنیا رفت، و محلّ دفنش نیز نزدیک همان مکانی بود که حاج محمد علی به عبادت می‌پرداخت.

وی، پس از مرگ آن شخص، او را با وضعی بسیار خوب و در نعمت‌های بهشتی مشاهده کرد. او در عالم خواب به طرف دوست مرده‌اش رفته و گفت: من از ابتدا تا پایان، و از ظاهر و باطن تو با خبر هستم؛ به خوبی نیز می‌دانم کسی نبوده‌ای که از نظر باطنی خوب باشی و کارهای زشت را بتوان حمل بر تقیه و پنهان‌کاری شرعی کرد، یا بتوان گفت به ناچار و برای کمک به مظلومان و ... وارد کارهای دولتی شده‌ای. کارهای تو، تنها سزاوار عذاب و بدبختی بود؛ بگو بدانم از کجا به این مقام و منزلت پس از مرگ دست یافته‌ای؟!

گفت: درست است؛ همین طور است که گفתי. من در عذاب سختی بودم و از روزی که مردم تا دیروز به شدت عذاب می‌شدم؛ تا آن که دیروز، همسر استاد اشرف آهنگر از دنیا رفت و در نزدیکی من حدود پنجاه متری بین قبر من تا جایگاه تو، دفن شد، دیشب که آن زن را در این جا به خاک سپردند، حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام، سه مرتبه به دیدارش تشریف فرما شدند، و در مرتبه سوم دستور فرمودند تا عذاب را از تمام قبرستان بردارند. بدین جهت، من نیز راحت شدم و نعمت‌ها و شادی‌ها، مرا فرا گرفت.

وی، ناگهان از خواب پریده و چون استاد اشرف آهنگر و جای او را نمی‌شناخت، در بازار آهنگران به جستجو پرداخت و او را یافت؛ به آهنگر گفت: آیا شما همسر دارید؟

گفت: آری. او دیروز از دنیا رفته و در فلان مکان - همان مکان رانام برد - دفنش کردم؟

گفت: آیا زنت به زیارت امام حسین علیه السلام شرف یاب شده بود؟
گفت: خیر.

پرسید: آیا برای آن حضرت عزاداری می‌کرد؟ گفت: نه.

گفت: آیا در خانه مجالس روضه تشکیل می‌داد؟ گفت: خیر.

آهنگر پرسید: مقصودت از این پرسش‌ها چیست؟ او نیز خوابش را تعریف کرد. و گفت: می‌خواهم ببینم همسرت چه

رابطه‌ای با امام حسین علیه السلام داشته است؟!

استاد اشرف آهنگر گفت: زنم، پیوسته زیارت عاشورا می‌خواند.

پوشیده نماند، سید احمد (که این جریان در مورد او نقل شده است) از صالحان و پرهیزگاران بود، و در امور عبادی و زیارات، و ادای حقوق الهی و حقوق مردم، و پاکیزگی و پاکی لباس و بدن از نجاسات و کثیفی‌ها؛ معروف بود.

نیز، همگی او را به ورع و تقوا و نیکوکاری می‌شناختند و نزد مردم یزد و دیگر شهرها مشهور بود. البته، هر بار که زیارت می‌کرد نیز الطاف ویژه‌ای به او می‌رسید که نقلش در این جا مناسب نیست.^۱

نماز شب

اکنون به چگونگی نماز شب می‌پردازیم؛ پس از آن زیارت جامعه کبیره و زیارت عاشورا را نیز نقل می‌کنیم.

نماز شب: زمانش از نیمه شب آغاز می‌شود، و هر چه زمان انجام آن به صبح نزدیک‌تر باشد، فضیلتش افزون است. البته اگر هنگام صبح، نمازگزار چهار رکعت از نماز شب را به جا آورده

۱. نجم الناقب: ۶۰۱.

باشد، باید بقیه نمازها را بدون سوره و با حمد تنها انجام دهد.

نماز شب، هشت رکعت است که دو رکعت دو رکعت انجام می‌شود؛ مستحب است در دو رکعت اول در هر رکعت بعد از حمد، سی مرتبه سوره «توحید» را بخواند؛ در این صورت با پایان نماز، هیچ گناهی بین او و خداوند باقی نمی‌ماند.

هم‌چنین می‌تواند در رکعت اول پس از حمد، سوره «توحید» بخواند و در رکعت دوم سوره «کافرون» را قرائت کند و در نمازهای دیگر (شش رکعت باقی‌مانده) هر سوره‌ای را خواست، بخواند.

نیز، می‌تواند در هر رکعت از هشت رکعت نماز شب، پس از حمد، سوره «توحید» را بخواند یا این که سوره‌ای نخواند و به حمد تنها بسنده کند.

(مستحب است بعد از دو رکعت اول، دعایی را که برای تعجیل فرج در ص ۲۹۶ نقل کردیم بخواند. و بعد از رکعت چهارم، دعایی را که در ص ۲۹۹ نقل کردیم بخواند.)

قنوت نماز شب نیز مانند قنوت در نمازهای واجب، مستحب است که در رکعت‌های دوم هر نماز، قنوت خوانده شود. در ذکر قنوت می‌تواند سه مرتبه «سبحان الله» بگوید، یا این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَاعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا

بارالها؛ ما را ببخش، و رحم کن، و سلامتی بده، و در دنیا

وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و آخرت ما را ببخش؛ به راستی که تو هر چیزی بخوای، می توانی انجام دهی.

یا بگویند: رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمُ، إِنَّكَ

پروردگارا؛ ببخش، رحم کن، از هر چه می دانی بگذر؛ به راستی، تو

أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ.

عزت مندترین، باشکوه ترین، و بزرگوارترین هستی.

روایت شده است: حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، هنگامی که شب، در محراب عبادت می ایستادند، می گفتند: اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَنِي سَوِيًّا... «بارالها؛ راستی، تو مرا با اندامی متناسب آفریده ای...»، و این، دعای پنجاهم صحیفه کامله سجّادیه است.

پس از انجام هشت رکعت نماز شب، دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر را به جا آورید؛ در این سه رکعت نماز، پس از «حمد» در هر رکعت سوره «توحید» را بخوانید؛ تا ثواب یک ختم کامل قرآن را به دست آورید؛ چون، هر بار قرائت سوره «توحید»، ثواب خواندن یک سوّم از قرآن را دارد.

نیز می توانید در رکعت اول شفع پس از «حمد»، سوره «ناس»؛ و در رکعت دوم پس از «حمد»، سوره «فلق» را قرائت کنید.

پس از نماز شفع، یک رکعت نماز و تر یا سوره «حمد» و سوره «توحید» بخوانید، و یا آن که بعد از سوره «حمد» سه مرتبه ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و معوذتین - یعنی ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ - را قرائت کنید. پس از سوره، دست ها را به دعا برداشته و در قنوت، هر چه خواستید بخوایید.

شیخ طوسی رحمته الله می گوید: دعاهاى قنوت، بی شمار است؛ و هیچ قنوت مخصوصی وارد نشده است که واجب باشد همان خوانده شود.

مستحب است انسان در حال قنوت از ترس خدا و هراس از عذاب الهی بگرید، یا حالت گریه کنندگان را به خود بگیرد؛ و برای مؤمنان دعا کند، و مستحب است نام چهل مؤمن (شیعه) را یاد کند؛ زیرا، هر کس برای چهل تن از شیعیان (مؤمنان) دعا کند، دعای خودش نیز به خواست خداوند مستجاب خواهد شد. نیز، هر چه خواست پس از آن دعا کند.

شیخ صدوق رحمته الله در کتاب «من لا يحضره الفقيه» روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله در قنوت نماز وترش این دعا را می خواند:

اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ، وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ،

خدایا؛ در بین کسانی که هدایت می فرمایی مرا نیز هدایت کن، و در بین عافیت یافتگان مرا نیز سلامتی و عافیت ببخش،

وَتَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَ،

و هر که را سرپرستی می کنی مرا نیز در زمره شان درآور؛ و هر چه به من عطا فرمودی بابرکت گردان،

وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ، فَإِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يَقْضِي عَلَيْكَ،

و هر قضایی مقرر فرمودی مرا از شر و بدی آن حفظ کن؛ زیرا تو حکم می‌کنی ولی کسی بر تو حکم نمی‌کند؛

سُبْحَانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ، وَأُوْمِنُ

منزهی، ای پروردگار خانه کعبه؛ از تو بخشش می‌خواهم و به سویت بازگشت می‌کنم، و به تو ایمان

بِكَ، وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ يَا رَحِيمٌ.

می‌آورم، و بر تو توکل می‌کنم، و هیچ نیرو و جنبشی جز از تو، نیست؛ ای مهربان.

سزاوار است در قنوت، هفتاد مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي) وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»؛ «طلب بخشش از خدا (پروردگارم) می‌کنم، و به سویش بازگشت می‌نمایم».

شایسته است انسان، در این هنگام دست چپ را بالا برده، و با دست راست تعداد استغفارهای خود (هفتاد مرتبه) را بشمارد،^۱ و مستحب است سیصد مرتبه بگوید: «الْعَفْو».

هر کس چهار رکعت از نماز شب را پیش از اذان صبح خوانده باشد، می‌تواند بقیه را پس از نماز صبح به نیت ادا بخواند. هر کس نمی‌تواند نماز شب را پس از نیمه شب بخواند، جایز است که آن را پیش از نیمه شب بخواند.

۱. الباقیات الصالحات (حاشیه مفاتیح الجنان): ۲۶۰.

زیارت عاشورا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

سلام بر تو ای ابا عبدالله؛ سلام بر تو ای پسر

رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ

رسول خدا؛ سلام بر تو ای پسر امیر مؤمنان، و پسر

سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ

سرور اوصیا؛ سلام بر تو، ای پسر حضرت فاطمه، سرور

نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ،

زنان جهانیان؛ سلام بر تو، ای خون خدا، و پسر خون خدا،

وَالْوِثَرَ الْمُؤْتُورَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي

و خونی که به ناحق ریخته شده و تاکنون انتقامش گرفته نشده، سلام بر تو و بر روان‌های پاکی که

حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا

در آستان تو آرمیدند؛ من، بر تمامی شما، سلام الهی را - تا زنده‌ام و

بَقِيْتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ. يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظَّمْتَ

تا شب و روز باقی است - نثار می‌کنم. ای ابا عبدالله؛ به راستی که سوگ تو

الرَّزِيَّةُ، وَجَلَّتْ وَعَظَّمْتَ الْمُصِيبَةَ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى

بسیار بزرگ بود، و مصیبت تو بر ما و بر

جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ، وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِيبَتُكَ فِي

تمام مسلمانان بسیار گران و سنگین و بزرگ است؛ و مصیبت تو در

السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ، فَلَعَنَ اللَّهُ

آسمان‌ها بر تمام اهل آسمان‌ها بزرگ و گران آمد. پس خدا لعنت کند

أُمَّةً أَتَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ

مردمی را که پایهٔ ستم و جور بر شما اهل بیت را بنا نهادند؛

الْبَيْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ،

و خدا لعنت کند مردمی را که شما را از جایگاهتان دور کردند؛

وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِيكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا، وَلَعَنَ

و از مرتبه‌ها و درجاتی که خداوند، شما را در آن مرتبه‌ها قرار داده بود، راندند؛ و خداوند لعنت کند

اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتَكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمَكِينِ

مردمی را که شما را کشتند؛ و خدا لعنت کند کسانی را که زمینهٔ جنگ را برای دشمنان با قادر

مِنْ قِتَالِكُمْ، بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ

ساختن آنان به جنگ با شما فراهم کردند؛ من به سوی خدا و شما از آنان و از

أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ وَأَوْلِيَائِهِمْ. يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، إِنِّي

پیروان آن‌ها، و دنباله‌روان آن‌ها، و دوستان و موالیان آن‌ها بی‌زاری می‌جویم، ای ابا عبدالله؛ من،

سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ

نسبت به کسانی که با شما سازش دارند، سازش دارم؛ و با کسانی که به جنگ شما برخیزند، سر جنگ دارم

الْقِيَامَةِ، وَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ، وَلَعَنَ اللَّهُ

تا روز قیامت. و خدا لعنت کند آل زیاد، و آل مروان را، و خدا لعنت کند

بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً، وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ، وَلَعَنَ اللَّهُ

تمام افراد خاندان بنی امیه را، و خدا لعنت کند پسر مرجانه را، و خدا لعنت کند

عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ، وَلَعَنَ اللَّهُ شِمْرًا، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

عمر بن سعد را، و خدا لعنت کند شمر را، و خدا لعنت کند مردمی را که

أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ لِقِتَالِكَ، يَا أَبِي أَنْتَ

اسبها را زین کردند و لجام زدند، و نقاب زدند برای جنگیدن با تو. پدر

وَأُمِّي لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ، فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ

و مادرم فدایت؛ به راستی که مصیبت تو بر من بسیار گران آمده است؛ پس از خداوند،

مَقَامَكَ، وَأَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ

که مقام و منزلت تو را ارجمند ساخت، و مرا نیز به واسطهٔ تو گرامی داشت؛ درخواست می‌کنم که

إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

خون‌خواهی تو را به همراه امام پیروزمندی از اهل بیت محمد - که درود خدا بر او

وآلِهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ

و آل او باد - نصیبم سازد. خدایا؛ مرا نزد خودت به واسطهٔ امام حسین - که

السَّلَامِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، إِنِّي

سلام بر او باد - در دنیا و آخرت، ابرومند قرار بده. ای ابا عبدالله؛ من

أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

به درگاه خدا و رسولش و امیر مؤمنان؛

وَإِلَى فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ بِمُؤَالَاتِكَ،

و فاطمه زهرا، و امام حسن و تو، خود را نزدیک می‌سازم با دوستی و موالات تو،

وَبِالْبِرَائَةِ مِمَّنْ قَاتَلَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ،

و نیز با بیزاری جستن از نبرد کنندگان و برپاکنندگان آتش جنگ علیه تو؛

وَبِالْبِرَائَةِ مِمَّنْ أَسَسَ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ،

و نیز با بیزاری از هر کسی پایه ستم و جور به شما را بنا نهاد.

وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ مِمَّنْ أَسَسَ أَسَاسَ

و به خدا و رسولش بیزاری خود را را اعلام می‌دارم از کسی که پایه این کارها را بنا نهاد،

ذَلِكَ، وَبَنِي عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ، وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ وَجْوَرِهِ

و بنیان خویش را بر آن بنا نهاد، و ستم و جور خود را

عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ. بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ

بر شما و شیعیان شما روا داشت. به خدا و نیز به شما بیزاری خود را

مِنْهُمْ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ

از آنان اعلام می‌کنم. و به سوی خدا و نیز به سوی شما تقرب می‌جویم، با دوستی شما

وَمُؤَالَاتِهِ وَلِيَّكُمْ، وَبِالْبِرَائَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَالتَّاصِبِينَ

و دوستی دوستان شما، و نیز با بیزاری جستن از دشمنان شما و کسانی که آتش جنگ را علیه شما

لَكُمْ الْحَرْبَ، وَبِالْبِرَائَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ،

برپا کردند، و نیز با اعلام بیزاری از پیروان‌شان و دنباله‌روان آن‌ها.

إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ،

من با کسانی که با شما سازش دارند سازش دارم، و سر جنگ دارم با هر که با شما سر جنگ دارد،

وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ، فَأَسْأَلُ اللَّهَ

و دوست هستم نسبت به کسی که با شما دوستی کند، و دشمن هستم نسبت به کسی که با شما دشمنی کند؛

الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَاءِكُمْ،

بدین‌سان، از خداوند - که با شناخت شما و اولیای شما بر من ارج نهاده،

وَرَزَقَنِي الْبِرَائَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ

و بیزاربودن از دشمنان‌تان را نصیبم ساخته است - درخواست می‌کنم تا

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ

در دنیا و آخرت، مرا با شما قرار دهد؛ و قدم راستی و درستی نزد شما را

صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ

در دنیا و آخرت برایم ثابت و استوار گرداند. و نیز درخواست می‌کنم مرا به جایگاه

الْمَحْمُودِ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي مَعَ

پسندیده‌ای که شما نزد خدا دارید برساند؛ و خون‌خواهی را همراه

إِمَامٍ مَهْدِيٍّ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ

امام هدایتگری از شما که آشکار و گوینده به حق است، نصیبم سازد. و از خدا درخواست می‌کنم

بِحَقِّكُمْ، وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ، أَنْ يُعْطِيَنِي

به خاطر حق شما و به منزلتی که در پیشگاه او دارید، به واسطه

بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطِي مُصَاباً بِمُصِيبَتِهِ

مصیبتی که به جهت شما به من رسیده، پرازش ترین ثوابی را که به مصیبت زدگان می‌دهد، عطا می

مُصِيبَةً مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَفِي

کند؛ مصیبتی که چه بسیار بزرگ بود، و سوگی که در اسلام و در

جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي

تمام آسمان‌ها و زمین، گران تمام شده است. بار الها؛ در

مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتُ وَرَحْمَةٌ

این جایگاهی که هستم، مرا از کسانی قرار ده که درودها و رحمت

وَمَغْفِرَةٌ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ

و آمرزش تو، به ایشان می‌رسد. بار الها؛ زندگی

مُحَمَّدٍ، وَمَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ

و مرگ مرا همانند زندگی و مرگ محمد و آل محمد قرار بده. بار الها؛

إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تُبْرَكُ كَتَبَهُ بَنُو أُمِّيَّةَ، وَابْنُ آكَلَةِ الْأَكْبَادِ

امروز، روزی است که بنی‌امیه و پسر زن (هنده) جگر خواره آن را مبارک شمردند؛

اللَّعِينُ بْنُ اللَّعِينِ عَلَى لِسَانِكَ وَلِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى

همان فرزند ملعون پسر فرد لعنت شده بر زبان تو و بر زبان پیامبرت که درود

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ

خدا بر او و آل او باد؛ در هر جا که وقوف کرد و جای گرفت

نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ الْعَنِ أَبَاسُفِيَانَ

پیامبر تو - درود خدا بر او و آل او باد - . بار الها؛ ابوسفیان،

وَمُعَاوِيَةَ وَيَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ، عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ أَبَدًا

معاویه و یزید را لعنت کن؛ از سوی تو لعنت تا ابد و همیشه

الْأَبَدِينَ، وَهَذَا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَآلُ مَرْوَانَ

بر آنها باد. و امروز روزی است که آل زیاد و آل مروان خوشحال شدند که

بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ فَضَاعِفْ

توانسته‌اند حسین - که درودهای خدا بر او باد - را به قتل برسانند. خدایا؛ به این خاطر،

عَلَيْهِمُ اللَّعْنُ مِنْكَ وَالْعَذَابُ الْأَلِيمَ. اللَّهُمَّ إِنِّي

لعنت و عذاب دردناکت را بر ایشان چند برابر کن. بار الها؛ به راستی که من

أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَفِي مَوْقِفِي هَذَا وَأَيَّامِ

در این روز (عاشورا)، و در این جایگاه، و در تمام روزهای

حَيَاتِي بِالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ، وَاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ، وَبِالْمَوْلَاتِ

زندگانیم، با بی‌زاری جستن از این دشمنان، و لعنت فرستادن بر ایشان؛ و با دوستی و موالات

لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ، عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

پیامبرت و آل پیامبرت - که بر او و ایشان درود باد -؛ به تو تقرب می‌جویم و به درگاهت نزدیک می‌شوم.

سپس صد مرتبه بگویند: **اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ**

بار الها؛ اولین کسی را که در حق

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ. اللَّهُمَّ

محمد و آل محمد ستم روا داشت، و آخرین فردی که در این ستم از او پیروی کرد، لعنت کن. خدایا؛

الْعَنْ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ، وَشَايَعَتْ

جماعتی را که به نبرد با حسین علیه السلام پرداخت، و گروهی که در کشتن آن حضرت از آنان پیروی

وَبَايَعَتْ وَتَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ. اللَّهُمَّ اَعْنَهُمْ جَمِيعاً.

بیعت و دنباله روی کردند، لعنت کن. خدایا؛ همه آنها را لعنت کن.

سپس صد مرتبه بگویند: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ،**

سلام بر تو ای ابا عبدالله؛

وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكَ مِنِّي

و بر جانها و روانهایی که در آستانت آمدند، سلام همیشگی خداوند از من بر تو باد

سَلَامٌ لِلَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَلَا

تا هنگامی که من هستم و شب و روز باقی است.

جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ، السَّلَامُ عَلَيَّ

خدا این زیارت را آخرین زیارت من از شما قرار ندهد؛ سلام بر

الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ

حسین و بر علی بن حسین و بر فرزندان

الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ.

حسین، و بر یاران حسین.

آن گاه بگویند: **اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ**

بار الها؛ اولین ظالم و ستمکارشان را به لعنت من

مِنِّي، وَابْدَأْ بِهِ أَوَّلًا ثُمَّ الثَّانِي وَالثَّالِثَ وَالرَّابِعَ.

گرفتار کن؛ و این لعنت را ابتدا بر اولی، سپس دومی و سومی و چهارمی بفرست.

اللَّهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ خَامِساً، وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ

خدایا؛ یزید را به عنوان پنجمین نفرشان لعنت کن، و عبدالله فرزند زیاد،

وَأَبْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْرًا وَآلَ أَبِي

و پسر مرجانه، و عمر پسر سعد، و شمر، و آل

سُفْيَانَ وَآلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

ابوسفیان، و آل مروان را تا روز قیامت، لعنت کن.

و در سجده بگویند: **اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ**

بار الها؛ ستایش برای توست، آن ستایشی که شکرگزاران

عَلَى مُصَابِهِمْ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رَزِيَّتِي. اللَّهُمَّ

بر مصیبت‌هایشان نسبت به تو دارند، ستایش برای خداست در این مصیبت بزرگ من. بار الها؛

ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ، وَتَبَّتْ لِي

شفاعت امام حسین علیه السلام را هنگام ورود به صحنه قیامت نصیبم کن، و

قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ ،

گام صادقانه را برای من با حسین علیه السلام و یارانش، در نزد خودت استوار کن؛

الَّذِينَ بَدَلُوا مَهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ .^۱

همان‌هایی که جان‌شان را به پای حسین - که بر او درود باد - ریختند.

۱. البلد الامین: ۳۸۲، مفاتیح الجنان: ۹۰۲.

علامه امینی رضوان الله علیه می‌فرماید: علامه مولی شریف شیروانی در کتاب «الصدف ج ۲ ص ۱۹۹» از مشایخ و اساتید بزرگوارش یکی پس از دیگری تا از امام هادی علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود:

هر کس زیارت عاشورا را بخواند و بعد از آن یک مرتبه بگوید: **اللَّهُمَّ الْعَنِّ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ...** تا به آخر، و بعد از آن بگوید: **اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً تِسْعاً وَتِسْعِينَ مَرَّةً**، و بعد از آن بگوید: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ** تا به آخر، سپس بگوید: **السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ تِسْعاً وَتِسْعِينَ مَرَّةً**، مانند کسی است که صد مرتبه لعن و سلام را از اول تا آخر به طور کامل خوانده است. (أدب الزائر: ۶۰)

در معنای این عبارت چند احتمال وجود دارد که به دو تا از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

(الف) پس از آن که یک مرتبه لعن را کاملاً گفت، یک مرتبه بگوید: **اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً تِسْعاً وَتِسْعِينَ مَرَّةً**، و پس از آن، تمام سلام را بخواند و یک مرتبه بگوید: **السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى ... تِسْعاً وَتِسْعِينَ مَرَّةً**.

(ب) پس از آن که یک مرتبه لعن را کامل گفت، نود و نه مرتبه بگوید: **اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً** و پس از آن که یک مرتبه سلام را به طور کامل گفت، نود و نه مرتبه بگوید: **السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى ... أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ**. احتمال اول ظاهرتر است و مانند آن در روایات وارد شده است؛ نظیر جریان حضرت نوح علیه السلام، وقتی که آن حضرت قصد کرد سوار کشتی شود خداوند به او وحی کرد هزار مرتبه بگو: «لا إله إلا الله» و چون آن حضرت فرصت نداشت، گفت: «لا إله إلا الله ألف مرّة» و وارد کشتی شد. رجوع کنید به بحار الأنوار: ۶۲/۱۱

پس از زیارت دو رکعت نماز بخوانید، و بعد از آن دعای علقمه را قرائت کنید.

دعای بعد از زیارت عاشورا (دعای علقمه)^۱

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا

ای خدا؛ ای خدا؛ ای خدا؛ ای که دعای بیچارگان را مستجاب می‌کنی؛ ای

كَاشِفَ كُرْبِ الْمَكْرُوبِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا

که اندوه اندوهگینان را برطرف می‌سازی؛ ای که به داد دادخواهان می‌رسی؛ ای

صَرِيخَ الْمُسْتَضْرِحِينَ، وَيَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ

که فریاد کمک‌خواهان را پاسخ می‌دهی؛ و ای که از

حَبْلِ الْوَرِيدِ، وَيَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، وَيَا

رگ گردنم به من نزدیک‌تری؛ و ای که بین شخص و قلبش حایل می‌شوی؛ و ای

مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَبِالْأَفْقِ الْمُبِينِ، وَيَا مَنْ هُوَ

که در بالاترین دیدگاه قرار داری، و در افق روشن هستی؛ و ای کسی که

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَيَا مَنْ يَعْلَمُ

او بخشنده و مهربان است و بر عرش سلطه دارد، ای کسی که

۱. در جریان مرحوم سید رشتی نقل شده که وقتی به او فرمودند: زیارت عاشورا بخوان، زیارت عاشورا و دعای علقمه را از حفظ خواند در حالی که قبلاً هیچ یک از آن دو در حافظه‌اش نبود و این نکته‌ای است لطیف که خواندن دعای علقمه نیز مورد توجه است.

خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَيَا مَنْ لَا يَخْفَى

خیانت چشم‌ها، و آنچه را که سینه‌ها پنهان می‌کند، می‌دانی؛ و ای کسی که هیچ پنهانی از او

عَلَيْهِ خَافِيَةٌ. يَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ، وَيَا

پنهان نیست؛ ای کسی که صداها را با یکدیگر اشتباه نمی‌کند؛ و ای

مَنْ لَا تُغْلَطُهُ الْحَاجَاتُ، وَيَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ الْإِحَاحُ

کسی که خواسته‌ها او را به اشتباه نمی‌اندازد؛ و ای کسی که اصرار

الْمُلْحِحِينَ، يَا مُدْرِكُ كُلِّ قُوْتٍ، وَيَا جَامِعَ كُلِّ شَمَلٍ،

اصرارکنندگان، او را به رنج نمی‌اندازد؛ ای دریابنده از دست رفته‌ها؛ و ای گردآورنده پراکنده‌ها؛

وَيَا بَارِيَّ النَّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ، يَا مَنْ هُوَ كُلُّ يَوْمٍ

و ای که پس از مرگ، روان‌ها را دوباره به وجود می‌آوری؛ ای کسی که هر روزی

فِي شَأْنٍ، يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ، يَا مُنْفَسَ الْكُرْبَاتِ،

در شأنی هستی؛ ای برآورنده حاجت‌ها و خواسته‌ها؛ ای برطرف کننده گرفتاری‌ها و بلاها؛

يَا مُعْطِيَ السُّؤْلَاتِ، يَا وَلِيَّ الرَّغْبَاتِ، يَا كَافِيَ

ای عطا کننده خواسته‌ها؛ ای عهده‌دار خواهش‌ها؛ ای بسته‌دار

الْمُهْمَاتِ، يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ

امور مهم؛ ای کسی که از هر چیزی کفایت‌کننده هستی، ولی هیچ

شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ

چیز در آسمان‌ها و زمین از او کفایت نمی‌کند؛ از تو می‌خواهم به حق محمد

خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ

- که آخرین پیامبران است - ، و علی که امیر مؤمنان است، و به حق فاطمه

بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، فَإِنِّي بِهِمْ

- دختر پیامبرت - ، و به حق حسن و حسین، که من همانا

أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا، وَبِهِمْ أَتَوَسَّلُ، وَبِهِمْ

در این جایگاهی که هستم تنها به واسطه آن‌ها به تو روی آورم، و به واسطه ایشان توسل و

أَتَشْفَعُ إِلَيْكَ، وَبِحَقِّهِمْ أَسْأَلُكَ وَأَقْسِمُ وَأَعَزِّمُ

شفاعت به درگاهت می‌جویم؛ به حق ایشان از تو درخواست می‌کنم و سوگندت می‌دهم؛

عَلَيْكَ، وَبِالشَّانِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ، وَبِالْقَدْرِ الَّذِي

و به جایگاهی که آنان نزد تو دارند، و به ارزشی که

لَهُمْ عِنْدَكَ، وَبِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ،

نزد تو دارند، و به واسطه آن چیزی که آنان را بر جهانیان برتری بخشیدی،

وَبِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِهِ خَصَّصْتَهُمْ دُونَ

و به واسطه نامت که نزدشان قرار دادی و آن نام را تنها و تنها به ایشان اختصاص دادی و به هیچ

الْعَالَمِينَ، وَبِهِ أَبْنَتَهُمْ، وَأَبْنَتَ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ

یک از جهانیان ندادی؛ و به واسطه آن نام، ایشان را جدا کردی و فضل‌شان را نیز از فضل و ارزش

الْعَالَمِينَ حَتَّىٰ فَاقَ فَضْلَهُمْ فَضْلَ الْعَالَمِينَ جَمِيعًا.

دیگران جدا نمودی و در نهایت فضیلت آنان بر فضیلت و ارزش تمام جهانیان برتری یافت؛

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

(به واسطه همه این‌ها) از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود پیوسته نثار کنی؛ و

تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي، وَتَكْفِينِي الْمُهْمَّ

غم و اندوه و گرفتاری مرا برطرف کنی؛ و در امور مهم مرا

مِنْ أُمُورِي، وَتَقْضِي عَنِّي دَيْنِي، وَتُجِبِّرَنِي مِنْ

کفایت کنی؛ و بدهکاریم را از طرف من بپردازی، و از

الْفَقْرِ، وَتُجِبِّرَنِي مِنَ الْفَاقَةِ، وَتُعِينَنِي عَنِ الْمَسْأَلَةِ

فقر و ناداری، و از تنگدستی رهاییم بخشی، و مرا از درخواست کردن

إِلَى الْمَخْلُوقِينَ، وَتَكْفِينِي هَمَّ مَنْ أَخَافُ هَمَّهُ،

از مخلوقات بی‌نیاز کنی، و کفایت کنی از هم و غم هر که از هم و غم او می‌ترسم؛

وَعُسْرَ مَنْ أَخَافُ عُسْرَهُ، وَحُزُونََ مَنْ أَخَافُ

و از سختی هر که از سختی او می‌ترسم، و اندوه هر که از اندوه او می‌ترسم،

حُزُونََتَهُ، وَشَرَّ مَنْ أَخَافُ شَرَّهُ، وَمَكْرَ مَنْ أَخَافُ

و از شر هر که از شر او می‌ترسم، و از نیرنگ هر که از نیرنگ او می‌ترسم،

مَكْرَهُ، وَبَغْيَ مَنْ أَخَافُ بَغْيَهُ، وَجَوْرَ مَنْ أَخَافُ

و از ستم هر که از ستم او می‌ترسم، و از جور هر که از جور او می‌ترسم،

جَوْرَهُ، وَسُلْطَانَ مَنْ أَخَافُ سُلْطَانَهُ، وَكَيْدَ مَنْ

و از سلطنت و چیرگی هر که از چیرگی او می‌ترسم، و از دام‌گستری هر که از

أَخَافُ كَيْدَهُ، وَمَقْدَرَةَ مَنْ أَخَافُ مَقْدَرَتَهُ عَلَيَّ،

کید او می‌ترسم، و از قدرت‌مندی هر که از توانمندی او بر خودم می‌ترسم،

وَتَرَدَّ عَنِّي كَيْدَ الْكَيْدَةِ، وَمَكْرَ الْمَكْرَةِ. اللَّهُمَّ مَنْ

و توطئه و مکر و حيله مکاران و حيله‌گران را نیز از من دور کن. بارالها؛ هر کس

أَرَادَنِي فَأَرِدْهُ، وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ، وَاصْرِفْ عَنِّي

اراده بد برایم دارد، تو در مورد او اراده فرما، و هر که دام و توطئه‌ای برایم دارد، همان را

كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَبَأْسَهُ وَأَمَانِيَهُ، وَأَمْنَعُهُ عَنِّي كَيْفَ

به خودش برگردان، و حيله و نیرنگ و بدی و دام‌هایش را از من برگردان؛ و هر گونه

سِئْتٍ وَأَنْتَى سِئْتٍ. اللَّهُمَّ اشْغَلْهُ عَنِّي بِفَقْرٍ لَا تُجْبِرُهُ،

می‌خواهی و هر زمان می‌خواهی او را از من باز دار. بارالها؛ او را مشغول کن به فقری جبران‌ناشدنی،

وَبِإِبْلَاءٍ لَا تَسْتُرُهُ، وَبِفَاقَةٍ لَا تَسُدُّهَا، وَبِسُقْمٍ

و بلایی آشکار و پنهان‌نشدنی، و به تنگدستی و نیازی که چاره ندارد، و بیماری

لَا تُعَافِيهِ، وَذُلٌّ لَا تُعِزُّهُ، وَبِمَسْكَنَةٍ لَا تُجْبِرُهَا. اللَّهُمَّ

که عافیت و بهبودی ندارد، و خواری که عزتی برایش نباشد، و بدبختی جبران‌ناپذیر. خدایا؛

أَضْرِبْ بِالذُّلِّ نَصَبَ عَيْنِيهِ، وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ الْفَقْرَ فِي

ذلت و خواری را همواره نصب العین او و در مقابل چشمش قرار بده، و

مَنْزِلِهِ، وَالْعِلَّةَ وَالسُّقْمَ فِي بَدَنِهِ حَتَّى تَشْغَلَهُ عَنِّي

فقر و نیازمندی را وارد منزلش کن، و بدنش را گرفتار بیماری و درد کن؛ تا از یاد من بیرون

بُشْغَلٍ شَاغِلٍ لَا فَرَاغَ لَهُ، وَأَنْسِيهِ ذِكْرِي كَمَا أَنْسَيْتَهُ

رود با مشغله‌هایی که رهایی از آن وجود نداشته باشد؛ و یادم را از یادش ببر، همان گونه که

ذِكْرِكَ، وَخُذْ عَنِّي بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ وَلِسَانِهِ وَيَدِهِ

یادت را از یادش برده‌ای؛ و چشم و گوش و زبان و دست و

وَرَجْلِهِ وَقَلْبِهِ وَجَمِيعِ جَوَارِحِهِ، وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ فِي

پا و قلب و تمام اعضایش را مانع شو تا به من آسیبی نرساند، و تمام آن اعضایش را نیز

جَمِيعِ ذَلِكَ السُّقْمَ، وَلَا تَشْفِهِ حَتَّى تَجْعَلَ ذَلِكَ لَهُ

بیمار کن و شفایش مده، تا پیوسته مشغول بیماریش باشد

شُغْلًا شَاغِلًا بِهِ عَنِّي وَعَنْ ذِكْرِي، وَاكْفِنِي يَا كَافِي

و به فکر آزار و از من و یاد من غافل گردد. و مرا کفایت کن؛

مَا لَا يَكْفِينِي سِوَاكَ، فَإِنَّكَ الْكَافِي لَا كَافِي سِوَاكَ،

آنچه را که غیر تو کفایت نمی‌کند؛ تو کفایت‌گری هستی که جز تو کفایت‌گر و بسنده‌ای وجود ندارد؛

وَمُفَرِّجٌ لِّمُفَرِّجِ سِوَاكَ، وَمُعِثٌ لِّمُعِثِ سِوَاكَ،

و گشایندگی هستی که جز تو گشایندگی نیست؛ و فریادرس هستی که جز تو فریادرس نیست

وَجَارٌ لِّجَارِ سِوَاكَ، خَابَ مَنْ كَانَ جَارُهُ سِوَاكَ،

و پناهنده‌ای هستی که جز تو پناهنده‌ای نیست، به مطلوب نرسید هر کس به غیر تو پناه برد،

وَمُعِثُّهُ سِوَاكَ، وَمَفْزَعُهُ إِلَى سِوَاكَ، وَمَهْرَبُهُ إِلَيَّ

و فریادرسش غیر تو باشد، و پناهگاهش غیر تو باشد، و گریزگاهش به غیر تو باشد،

سِوَاكَ، وَمَلْجَأُهُ إِلَى غَيْرِكَ، وَمَنْجَاهُ مِنْ مَخْلُوقٍ

و تکیه‌گاهش به غیر تو باشد و محل نجاتش جز تو باشد،

غَيْرِكَ، فَأَنْتَ ثِقْتِي وَرَجَائِي وَمَفْزَعِي وَمَهْرَبِي

پس تویی مورد اطمینان، امید، پناهگاه، گریزگاه،

وَمَلْجَائِي وَمَنْجَائِي، فَبِكَ اسْتَفْتِحُ، وَبِكَ اسْتَنْجِحُ،

تکیه‌گاه، و محل نجات من؛ بدین جهت است که تنها از تو درخواست پیروزی و کامیابی می‌کنم،

وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ، وَأَتَوَسَّلُ

و تنها به واسطه محمد و آل محمد به سوی تو روی می‌آورم و توسل می‌جویم

وَأَتَشَفَّعُ. فَاسْأَلْكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، فَلَكَ الْحَمْدُ،

و شفاعت می‌طلبم. خدا یا؛ خدا یا؛ خدا یا؛ از تو درخواست می‌کنم. سپاس

وَلَكَ الشُّكْرُ، وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكِي، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ،

و ستایش، سزاوار تو است به درگاه تو شکوه و شکایت آورم و تو مددکار هستی؛

فَاسْأَلْكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

پس، از تو درخواست می‌کنم، ای خدا؛ ای خدا؛ ای خدا؛ به حق محمد و آل محمد

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَكْشِفَ

بر محمد و آل محمد درودی پیوسته نثار کنی و از تو می‌خواهم در

عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي فِي مَقَامِي هَذَا كَمَا

همین جا که هستم برطرف سازی غم و هم و گرفتاری‌ام را همان‌گونه که از پیامبر عزیزت، گرفتاری،

كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ، وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ

اندوه، مصیبت، بلا، و ترس از دشمنش را برطرف کردی و برایش بسنده بودی،

عَدُوِّهِ، فَأَكْشَفَ عَنِّي كَمَا كَشَفْتَ عَنْهُ، وَفَرَّجَ عَنِّي

از من برطرف کن اندوهم را همان گونه که از ساحت مقدس او برطرف کردی، و برایم گشایشی عنایت فرما همان

كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ، وَاكْفِنِي كَمَا كَفَيْتَهُ، وَاصْرِفْ عَنِّي

گونه که برای آن حضرت گشایش مرحمت کردی، و کفایت کن مرا همان گونه که او را کفایت نمودی، از من بگردان

هَوْلَ مَا أَخَافُ هَوْلَهُ، وَمَوْوَنَةَ مَا أَخَافُ مَوْوَنَتَهُ،

ترس آنچه را که از آن بیمناکم، و زحمت آنچه را که از زحمت آن ترسناکم،

وَهُمْ مَا أَخَافُ هَمَّهُ بِلا مَوْوَنَةٍ عَلَيَّ نَفْسِي مِنْ ذَلِكَ،

و اندوه آنچه را که از اندوهش هراسناکم بدون زحمتی که از آن ناحیه بر من وارد شود.

وَاصْرِفْنِي بِقَضَاءِ حَوَائِجِي، وَكِفَايَةِ مَا أَهْمَنِي هَمُّهُ

و مرا حاجتروا بگردان؛ و امور مهم

مِنْ أَمْرِ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ. يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا أَبَا

دنیا و آخرتم را کفایت کن و مرا بگردان. ای امیرمؤمنان؛ و ای

عَبْدَ اللَّهِ عَلَيْكُمَا مِنِّي سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَّ

ایا عبدالله؛ سلام الهی را پیوسته، تا من هستم

اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ

و تا شب و روز هست نثار شما دو بزرگوار می‌نمایم؛ خدا این زیارت را آخرین دیدار و

زِيَارَتِكُمَا، وَلَا فَرَّقَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا. اَللَّهُمَّ

زیارتم از شما عزیزان قرار ندهد؛ و خدا میان من و شما جدایی نیاندازد. بار الهی؛

أَحْيِنِي حَيَوَةَ مُحَمَّدٍ وَدُرِّيَّتِهِ، وَأَمِثْنِي مِمَّا تَهُمُّ،

مرا زنده بدار آن گونه که حضرت محمد و فرزندانش را زندگی بخشیدی و مانند مردن ایشان بمیران

وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِمْ، وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ،

و بر ملت و دین آنان قبض روحم کن؛ و در زمرهشان محشور کن؛

وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا فِي الدُّنْيَا

و به قدر حتی یک چشم برهم‌زدن بین من و ایشان در دنیا

وَالْآخِرَةِ. يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَتَيْتُكُمَا

و آخرت جدایی می‌فکن. ای امیر مؤمنان و ای ابا عبدالله الحسین؛ من،

زَائِرًا وَمُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمَا، وَمَتَوَجِّهًا إِلَيْهِ

به عنوان یک زائر شما، و توسل‌جوینده به خدا به واسطه شما دو نفر، و روی‌آورنده به سوی خدا

بِكُمَا، وَمُسْتَشْفِعًا بِكُمَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي حَاجَتِي

به واسطه شما دو نفر، و شفاعت طلب به سوی خدا به واسطه شما دو نفر، در مورد این خواسته‌ام؛

هَذِهِ، فَاشْفَعَا لِي، فَإِنَّ لَكُمَا عِنْدَ اللَّهِ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ،

خدمت‌تان شرف‌یاب شده‌ام. پس، برایم نزد خدا شفاعت کنید؛ زیرا شما دارای مقامی ستوده‌شده،

وَالجَاهُ الْوَجِيهَ، وَالْمَنْزِلَ الرَّفِيعَ وَالْوَسِيلَةَ، إِنِّي

آبرویی شایسته، و جایگاهی والا، و وسیله و واسطه نزد خدا هستم؛ من

أَنْقَلِبُ عَنْكُمْ مُنْتَظِرًا لِنَجْوِ الْحَاجَةِ وَقَضَائِهَا

از خدمت‌تان مرخص می‌شوم ولی انتظار می‌کشم که خواسته‌ام را حتمی، برآورده

وَنَجَاحِهَا مِنَ اللَّهِ بِشَفَاعَتِكُمْ لِي إِلَى اللَّهِ فِي ذَلِكَ،

و کامیاب، با شفاعت شما نزد خدا دریافت کنم.

فَلَا أُخِيبُ وَلَا يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا خَائِبًا خَاسِرًا بَلْ

خدا کند، من سرخورده و ناکام نشوم، و بازگشتم با سرخوردگی و زیان همراه نباشد؛ بلکه

يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا رَاجِحًا رَاجِحًا مُفْلِحًا مُنْجِحًا

بازگشتی کام‌یابانه، امیدبخش، رستگار و پیروزمندانانه از

مُسْتَجَابًا بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِي، وَتَشَفَّعًا لِي إِلَى

برآورده‌شدن تمام حاجت‌هایم باشد؛ و - از شما دو نفر می‌خواهم - برایم نزد خدا شفاعت ویژه‌ای انجام دهید.

اللَّهِ. انْقَلَبْتُ عَلَىٰ مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا

با اعتقاد و تمسک به این که تنها خواست‌خداوند انجام می‌شود، و نیز هیچ نیرو و جنبشی جز از ناحیه

بِاللَّهِ، مُفَوَّضًا أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، مُلْجَأً ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ،

خداوند وجود ندارد، رهسپار می‌شوم؛ البته، امورم را به خدای واگذار می‌کنم، و تکیه بر لطف او می‌دهم،

مُتَوَكِّلًا عَلَى اللَّهِ، وَأَقُولُ حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى، سَمِعَ اللَّهُ

و توکل بر او می‌کنم و می‌گویم: خدا برایم بس و کافی است؛ خدا، دعای

لِمَنْ دَعَى، لَيْسَ لِي وَرَاءَ اللَّهِ وَوَرَائِكُمْ يَا سَادَتِي

همه دعاکنندگان را می‌شنود؛ برای من جز خدا و شما - ای بزرگان من -

مُنْتَهَى، مَا شَاءَ رَبِّي كَانَ، وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، وَلَا

درگاهی نیست؛ هر چه پروردگارم بخواهد همان می‌شود، و هر چه نخواهد به هیچ وجه انجام نمی‌شود؛ و هیچ

حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، أَسْتَوِدِعُكُمْ اللَّهُ، وَلَا جَعَلَهُ

نیرو و جنبشی جز از ناحیه خداوند، نیست؛ با شما دو عزیزم خداحافظی می‌کنم؛

اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي إِلَيْكُمْ. انْصَرَفْتُ يَا سَيِّدِي يَا

خدا نکند این آخرین دیدارمان باشد. ای

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَوْلَايَ، وَأَنْتَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا

امیر مؤمنان، آقای من، مولای من؛ و نیز، تو ای ابا عبدالله، ای

سَيِّدِي، وَسَلَامِي عَلَيْكُمْ مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ

آقای من؛ در حالی از خدمت‌تان رهسپار وطن می‌شوم که سلام من بر شما همانند اتصال شب

وَالنَّهَارُ، وَأَصِلُ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ، غَيْرُ مَحْجُوبٍ عَنْكُمْ

و روز، پیوسته و متصل خواهد بود، و به شما دو بزرگوار خواهد رسید، و امیدوارم که از رسیدن به

سَلَامِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ، وَأَسْأَلُهُ بِحَقِّكُمْ أَنْ يَشَاءَ ذَلِكَ

شما باز نماند و پنهان نشود (ان شاء الله). و نیز، به واسطه حق شما از خدا می‌خواهم که این را

وَيَفْعَلَ، فَإِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. انْقَلَبْتُ يَا سَيِّدِي عَنْكُمْ

بخواهد و انجام دهد؛ زیرا خداوند ستوده‌شده و شکوهمند است. آقایان و سروران من؛ در حالی از

ثَائِبًا حَامِدًا لِلَّهِ، شَاكِرًا رَاجِحًا لِلْإِجَابَةِ، غَيْرِ آيسٍ

خدمت‌تان رهسپار و مرخص می‌شوم که توبه‌کننده، ستایشگر، سپاسگزار و امیدوار به اجابت

وَلَا قَانِطٍ، آيِبًا عَائِدًا رَاجِعًا إِلَى زِيَارَتِكُمَا، غَيْرَ

خداوند هستم، و مأیوس و ناامید نیستم؛ در حالی که خدمت‌تان خواهم آمد و دوباره زیارت‌تان

رَاغِبٌ عَنْكُمَا، وَلَا مِنْ زِيَارَتِكُمَا، بَلْ رَاجِعٌ عَائِدٌ

خواهم کرد، و از شما رو نخواهم گرداند، و نسبت به زیارت شما نیز بی‌میل نخواهم شد؛ بلکه، اگر

إِنْ شَاءَ اللَّهُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. يَا سَادَتِي

خدا بخواهد دوباره بازگشت خواهم کرد؛ البته می‌دانم که هیچ نیرو و جنبشی، جز از ناحیه خداوند نیست. ای سروران

رَغِبْتُ إِلَيْكُمَا وَإِلَى زِيَارَتِكُمَا بَعْدَ أَنْ زَهَدَ فِيكُمَا

من؛ به شما و زیارت‌تان مشتاق هستم و روی آورم، با آن که

وَفِي زِيَارَتِكُمَا أَهْلُ الدُّنْيَا، فَلَا خَيْبَتِي اللَّهُ مَا

دنیاپرستان از شما و زیارت‌تان روگردانده‌اند؛ خداوند نسبت به آنچه امیدوارم مرا محروم نگرداند

رَجَوْتُ، وَمَا أَمَلْتُ فِي زِيَارَتِكُمَا، إِنَّهُ قَرِيبٌ

و آنچه را در زیارت شما آرزو دارم ناکام نسازد؛ در واقع، خداوند نزدیک و

مُجِيبٌ ۱.

پاسخ‌دهنده است.

ستایش مولای مان امام زمان عجل الله فرجه

از زیارت جامعه کبیره

مجلسی اول علیه السلام، در مورد زیارت جامعه کبیره می‌گوید: این زیارت، زیارتی کامل برای تمام امامان در حرم هر یک از ایشان است؛ هر گاه قصد زیارت داشته باشی، به نیت امامی که به زیارتش رفتی و نیز امامان دیگری که در دور و نزدیک هستند، می‌توانی همگی را زیارت کنی. و اگر در هر زیارت، یکی از امامان علیهم السلام را قصد کنی و بقیه را بالتبع قرار دهی بهتر است؛ همان طور که من نیز این گونه نیت می‌کنم.

در رؤیایی صادقه، امام رضا علیه السلام را زیارت کردم که این کار را تأیید و آن را نیکو شمرد. زمانی که به زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مشرف شدم و در اطراف آن روضه مقدسه شروع به مبارزه با نفس کردم، و به برکت آن امام عزیز، خداوند باب مکاشفه را بر من گشود؛ مکاشفاتی که عقل‌های ضعیف، تحمل شنیدنش را ندارند.

در آن عالم مکاشفه - و اگر می‌خواهی بگو بین خواب و بیداری - در حالی که در رواق عمران نشسته بودم دیدم که در سامراء هستیم، زیارتگاه آن دو امام علیهم السلام را دیدم که در نهایت ارتفاع و آراستگی است و بر مرقد پاک آن دو بزرگوار پوشش سبز رنگی

دیدم که از لباس های بهشتیان بود و در دنیا نظیر آن را ندیده بودم. در این حال، مولای مان و مولای همه مردمان امام زمان صلوات الله علیه را دیدم که پشت به ضریح و رو به درب حرم نشسته است. با دیدن آن حضرت، شروع به خواندن زیارت جامعه با صدای بلند مثل مداحان نمودم؛ پس از پایان زیارت، آن حضرت فرمودند: زیارت خوبی است.

عرض کردم: مولای من؛ جانم به قربانت؛ زیارت جد بزرگوارتان است، یعنی زیارتی است که از ناحیه جد بزرگوارتان امام هادی علیه السلام به ما رسیده است، و به قبر آن حضرت اشاره کردم. فرمود: آری؛ وارد شو. پس از ورود، نزدیک درب ایستادم؛ فرمود: پیش بیا.

عرض کردم: مولای من؛ می ترسم بی ادبی شود، و کفر ورزیده باشم. فرمود: اگر این کار با اجازه ما باشد، اشکالی ندارد. کمی پیش رفتم، و ترسان و لرزان بودم. فرمود: بیا جلو؛ بیا جلو. و آن قدر پیش رفتم که نزدیک حضرتش قرار گرفتم.

فرمود: بنشین. عرض کردم: مولای من؛ می ترسم. فرمود: نترس. همانند غلام و نوکری که در پیشگاه مولای بزرگواری می نشیند، نشستم.

فرمود: راحت باش، و چهار زانو بنشین؛ تو خسته هستی؛ پیاده و پابرهنه آمده ای.

خلاصه آن بزرگوار نسبت به غلام شان الطاف بزرگ نمودند، و گفتگوهای ارزشمندی کردند که توصیف آن و بازگو کردنش ممکن نیست؛ و بیشترش را نیز از یاد برده ام. سپس از خواب بیدار شدم و در آن روز شریف، اسباب زیارت فراهم شد، با آن که مدت طولانی بود که راه بسته بود، و موانع بزرگی در این راه ایجاد شده بود؛ به لطف خداوند راه باز شد و آن موانع برطرف گردید، و من توانستم - همان گونه که حضرت فرموده بودند - با پای پیاده و برهنه، به زیارت مشرف شوم.

شبی در حرم شریف ماندم، و بارها این زیارت را خواندم، در آن شب در بین راه نیز در حرم مطهر، کرامت هایی عجیب؛ بلکه - بهتر بگویم - معجزه هایی شگفت انگیز برایم آشکار شد که بیانش طول می کشد.

خلاصه شک ندارم که این زیارت، از امام هادی علیه السلام رسیده و امام زمان ارواحنا فداه نیز آن را تأیید فرموده اند و بهترین و کامل ترین زیارت هاست، و پس از خوابی که دیدم، بیشتر اوقات، امامان علیهم السلام را با این زیارت یعنی زیارت جامعه زیارت می کنم. و در عتبات عالیات، آن بزرگواران را زیارت نکردم مگر با این زیارت و به همین جهت شرح و توضیح اکثر زیارت ها را به تأخیر انداختم تا به شرح این زیارت شریف بپردازم.^۱

۱. دار السلام: ۲/۴۳.

زیارت جامعه کبیره

شیخ صدوق علیه السلام در کتاب «من لایحضره الفقیه»، و «عیون أخبار الرضا علیه السلام»، از موسی بن عبدالله نخعی روایت می کند که گفت: به امام هادی علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا؛ کلامی بلیغ و رسا به من بیاموز تا هنگام زیارت هر یک از شما عزیزان، بتوانم با آن، شما را زیارت کنم. حضرت فرمودند:

هنگامی که به درب حرم مطهر رسیدی بایست و بر یگانگی خدا و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم گواهی بده؛ یعنی بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

گواهی می دهم جز خدا، معبودی نیست؛ یگانه است؛ شریک ندارد؛ و گواهی می دهم که حضرت محمد - که درود خدا پیوسته بر او و خاندانش باد - بنده و فرستاده الهی است.

و در حالی که غسل داری وقتی که وارد شدی و قبر شریف را دیدی، بایست و سی مرتبه بگو: «اللَّهُ أَكْبَرُ»؛ سپس با آرامش و وقار در حالی که قدم هایت را نزدیک به هم برمی داری کمی راه برو. در این حال بیایست و سی مرتبه: «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو؛ سپس به قبر مطهر نزدیک شو و چهل بار «اللَّهُ أَكْبَرُ» را تکرار کن. تا صد مرتبه تکبیر تمام شود. آن گاه بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَوْضِعِ الرَّسَالَةِ،

سلام بر شما، ای اهل بیت نبوت؛ و محل قرار گرفتن رسالت الهی

وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ، وَمَهْبِطِ الْوَحْيِ، وَمَعْدِنِ

و رفت و آمد فرشتگان، و فرود آمدن وحی و سخن خداوند، و معدن و گنجینه

الرَّحْمَةِ، وَخَزَائِنِ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى الْجِلْمِ، وَأُصُولِ

رحمت خداوند، و خزینه داران دانش، و نهایت بردباری، و اساس و بنیان کرامت

الْكَرَمِ، وَقَادَةَ الْأَمَمِ، وَأَوْلِيَاءِ النَّعَمِ، وَعَنَاصِرِ

و بزرگواری، و پیشوایان ملت ها، و صاحب اختیاران همه نعمت ها، و عنصرهای اصلی

الْأَبْرَارِ، وَدَعَائِمِ الْأَخْيَارِ، وَسَاسَةِ الْعِبَادِ، وَأَرْكَانِ

نیکوکاران، و پشتیبان های نیکوکاران، و مدبّر امور بندگان و رکن های

الْبِلَادِ، وَأَبْوَابِ الْإِيمَانِ، وَأَمْنَاءِ الرَّحْمَانِ، وَسَلَاةِ

شهرها، و درگاه های ایمان، و امینان خدای رحمان، و فرزندان

النَّبِيِّينَ، وَصَفْوَةِ الْمُرْسَلِينَ، وَعِثْرَةَ خَيْرَةِ رَبِّ

پیامبران، و برگزیده پیامبران مرسل، و عترت بهترین برگزیده پروردگار

الْعَالَمِينَ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَيَّ أَيْمَّةِ

هستی؛ و رحمت و برکات خداوند نیز به طور ثابت و دائمی نثاران باد. سلام بر امامان و پیشوایان

الْهُدَى، وَمَصَابِيحِ الدُّجَى، وَأَعْلَامِ التُّغَى، وَذَوَى

هدایت، و چراغ های روشنی بخش در تاریکی ها، و پرچمداران پرهیزکاری و تقوا، و صاحبان

النُّهَى، وَأَوْلَى الْحِجَى، وَكَهْفِ الْوَرَى، وَوَرَثَةِ

عقل و خرد، و دارندگان ذکاوت، و پناهگاه مردم، و وارثان

الأنبياء، وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى، وَالِدَعْوَةِ الْحُسْنَى،

پیامبران الهی، و نمونه و الگوی والا و برتر، و دعوت نیکو،

وَحُجَجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى،

و حجّت‌های پروردگار بر مردم دنیا و آخرت و پیشینیان؛

وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ،

و رحمت و برکات خداوند نیز به طور ثابت و دائمی نثاران باد. سلام بر جایگاه‌های شناخت الهی؛

وَمَسَاكِينِ بَرَكَاتِ اللَّهِ، وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ، وَحَفْظَةِ

و منزلگاه‌های برکت خداوندی، و معدن‌های حکمت خدا، و نگهداری

سِرِّ اللَّهِ، وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ، وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ، وَذُرِّيَّةِ

راز خداوند، و حاملان علوم و اسرار خداوند، و اوصیای پیامبر خداوند، و فرزندان

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

فرستاده خداوند - که درود خدا بر او و آل او باد - و رحمت و برکات خداوندی نثارشان باد.

السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، وَالْأَدِلَّةِ عَلَى مَرْضَاتِ

سلام بر دعوت‌کنندگان به سوی خدا، و دلالت‌کنندگان بر آنچه مورد رضایت

اللَّهِ، وَالْمُسْتَقْرِبِينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ، وَالتَّامِّينَ فِي مَحَبَّةِ

او است؛ همان‌هایی که در اجرای دستور الهی پایدار و پابرجايند، و محبت‌شان نسبت به

اللَّهِ، وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ، وَالْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ

خدا واقعی و کامل است، و اخلاص‌دارندگان در توحید و یکتائی خداوند هستند، و امر

اللَّهِ وَنَهْيِهِ، وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ، الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ

و نهی خداوند را آشکار می‌گردانند، و بنده‌های گرامی خدايند؛ همانان که در سخن‌گفتن بر او پیشی نمی‌گیرند

بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

و خودشان به دستور او رفتار می‌کنند؛ و رحمت و برکات خداوند، نیز به طور دائم و ثابت نثارشان باد.

السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ الدُّعَاةِ، وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ، وَالسَّادَةِ

سلام بر پیشوایان دعوت‌کننده (به سوی حق) و رهبران هدایت‌گر و سروران

الْوُلَاةِ، وَالذُّادَةِ الْحُمَاةِ، وَأَهْلِ الذِّكْرِ وَأَوْلَى الْأَمْرِ،

سرپرست، و دفع‌کنندگان حمایت‌گر (دین) و اهل ذکر و فرمانداران و والیان (از جانب خدا)،

وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ، وَحِزْبِهِ وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ، وَحُجَّتِهِ

و باقی‌مانده و برگزیدگان الهی؛ و حزب خدا، مخزن دانش او، حجّت،

وَصِرَاطِهِ، وَنُورِهِ وَبُرْهَانِهِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

راه، نور و برهان و دلیل روشن الهی؛ و رحمت و برکات خدا نثارشان باد.

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَمَا شَهِدَ

گواهی می‌دهم جز خدا، کسی شایسته برای پرستش نیست؛ یکی است؛ شریک ندارد؛ چنان‌که

اللَّهُ لِنَفْسِهِ، وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَأَوْلُوا الْعِلْمِ مِنْ

خودش نیز در مورد خودش گواهی داده است، و فرشتگان او و دانشمندان واقعی

خَلَقِهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ

از آفریدگانش نیز بر این معنا گواه‌اند؛ جز او که عزت‌مندی حکیم است، خدایی نیست. گواهی می‌دهم

مُحَمَّدًا عَبْدَهُ الْمُتَّجِبُ، وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى، أَرْسَلَهُ

محمد، بنده انتخاب‌شده و فرستاده مورد رضایت الهی است؛ خدا، او را

بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ

به هدایت و آیین حقیقی خود فرستاد، تا او را بر تمام آیین‌ها پیروز و نمایان کند؛ گرچه

كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأُمَّةَ الرَّاشِدُونَ

مشرکان از این جریان ناخشنودند؛ نیز، گواهی می‌دهم که شما پیشوایان

الْمَهْدِيُّونَ، الْمَعْصُومُونَ الْمَكْرَمُونَ، الْمَقْرَبُونَ

هدایت‌گر، هدایت‌شده، معصوم، ارجمند، از نظر رتبه و مقام نزدیک به خدا،

الْمُتَّقُونَ، الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ، الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ،

پرهیزگار، راستگو، برگزیده، مطیع اوامر الهی،

الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ، الْعَامِلُونَ بِإِزَادَتِهِ، الْفَائِزُونَ

اجراکننده واقعی دستور خدا و بیادارنده آن، و عمل‌کننده به اراده الهی، و رستگاران

بِكِرَامَتِهِ، إِصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ، وَأَزْتَضَاكُمْ لِغَيْبِهِ،

به کرامت او هستید. خدا شما را از روی آگاهی برگزید، و برای امور پنهانی خود پسندید،

وَاخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ، وَاجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ، وَأَعَزَّكُمْ بِهَدَاةِ،

و برای رازهای پنهانی خود اختیار کرده، شما را با قدرت‌ش انتخاب کرد، و با هدایت خود شما را عزت‌مند کرد،

وَخَصَّكُمْ بِبِرِّهَا نِيهِ، وَأَنْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ (بِنُورِهِ)، وَأَيَّدَكُمْ

و دلیل روشنی را به شما اختصاص داد، و برای روشنی برگزید،

بِرُّوْحِهِ، وَرَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَجًا عَلَىٰ

و باروح خود تأیید و تقویت کرد، و به عنوان جانشینانش در زمینش پسندید؛ نیز به عنوان حجت‌های

بَرِيَّتِيهِ، وَأَنْصَارًا لِدِينِهِ، وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ، وَخَزَنَةَ

او بر بندگانش، یاران آیینش، نگهبانان رازش، گنجینه‌داران

لِعِلْمِهِ، وَمُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِيهِ، وَتَرَاجِمَةً لِرُوحِيهِ،

دانشش، محل ودیعه نهادن حکمتش، بیان‌کننده وحیش برای بیان مقصود وحی،

وَأَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ، وَشُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ، وَأَعْلَامًا

پایه‌های توحیدش، گواهان بر آفریدگانش، نشانه‌های آشکار

لِعِبَادَتِهِ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ، وَأَدِلَّةً عَلَى صِرَاطِهِ.

برای بندگانش، محل نورافشانی در شهرهایش، و راهنمایان به راهش؛ شما را پسندید.

عَصَمَكُمْ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ، وَأَمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ، وَطَهَّرَكُمْ

خدا، شما را از لغزش‌ها حفظ کرد، از فتنه‌ها ایمن داشت، و از هر گونه

مِنَ الدَّنَسِ، وَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ، وَطَهَّرَكُمْ

لودگی پاک گردانید، و هر گونه پلیدی را از وجود شما دور گردانید، و به خوبی پاک

تَطْهِيرًا، فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ، وَأَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ، وَمَجَّدْتُمْ

و پاکیزه گردانید؛ لذا، شما جلالتش را با عظمت، و شأنش را بزرگ داشتید و

كَرَمَهُ، وَأَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ، وَوَكَّدْتُمْ مِيثَاقَهُ، وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ

کرشم را ثنا گفتید، و یادش را همیشه ادامه دادید، و پیمانش را تأکید نمودید، و قرارداد

طَاعَتِهِ، وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَدَعَوْتُمْ

فرمان بردارش را محکم کردید، و در پنهان و آشکار به انجام نصیحت و خیرخواهی پرداختید، و

إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَبَدَلْتُمْ

با حکمت و پند نیکو به راه او دیگران را فراخواندید، و از

أَنْفُسِكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ. وَصَبَرْتُمْ عَلَى مَا أَصَابَكُمْ

جان و روان خویش در راه رضا و خشنودی او گذشتید. و بر مصیبتی که در کنارش بر شما وارد شد شکیبا

فِي جَنْبِهِ، وَأَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتُمُ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتُمْ

بودید، و نماز را بر پا داشتید و زکات را پرداختید و امر

بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ

به معروف کرده و نهی از منکر نمودید، و آن گونه که سزاوار بود در راه خدا

حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّى أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ، وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ،

جهاد کردید تا این که دعوت او را آشکار، و فرایض او را بیان

وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ، وَنَشَرْتُمْ شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ، وَسَنَنْتُمْ

و حدودش را اقامه نمودید و دستورات احکامش را منتشر ساختید،

سُنَّتَهُ، وَصَبَرْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضَا، وَسَلَّمْتُمْ لَهُ

و روش او را ست نهادید، و در این بین به سوی خشنودی او سیر کردید و به

الْقَضَاءِ، وَصَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضَى. فَالرَّاعِبُ

حکم و فرمان او تسلیم شدید و پیامبران گذشته او را تصدیق نمودید. پس آن که از راه

عَنْكُمْ مَارِقٌ، وَاللَّازِمُ لَكُمْ لِاحِقٌ، وَالْمُقَصِّرُ فِي

شما روگرداند در واقع از دین خارج شده، و ملازم و همراه شما به شما پیوسته، و آن که در

حَقِّكُمْ زَاهِقٌ، وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ،

حق شما کوتاهی کرده نابود گشت و حق با شماست و در شما و از شما و به سوی شماست،

وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ، وَمِيرَاثُ النَّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ، وَإِيَابُ

و شما اهل حق و معدن آن هستید، میراث پیامبری در اختیار شماست، و بازگشت

الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ، وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ، وَفَضْلُ الْخِطَابِ

آفریدگان به سوی شماست و حساب آنان با شماست، و سخنی که حق و باطل را فیصله دهد

عِنْدَكُمْ، وَآيَاتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ، وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ، وَنُورُهُ

در نزد شماست و آیات الهی در پیشگاه شماست، و اوامر و دستورات قطعی خداوند در شما خاندان است و نور

وَبُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ، وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ. مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ

و برهان او نزد شماست، و امر او متوجه شماست. هر که ولایت شما را داشته باشد به راستی از

وَالَى اللَّهِ، وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَ اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ

ولایت خدا برخوردار است، و هر که به شما دشمنی ورزد به طور قطع به خدا دشمنی ورزیده است و هر که شما را دوست

فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، وَمَنْ

بدارد به یقین خدا را دوست داشته و هر که از شما کینه داشته باشد به یقین از خدا کینه ورزیده، و هر که

اعْتَصِمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ،

به دامن شما چنگ زده در واقع به (الطاف) خدا چنگ زده است، شما همان راه استوار و راست

وَشُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ، وَشُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ، وَالرَّحْمَةُ

و گواهان دنیای گذرا و فناپذیر و شفیعان جهان همیشگی آخرت و رحمت و مهر

الْمَوْصُولَةُ، وَالآيَةُ الْمَخْرُوجَةُ، وَالْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ،

پیوسته و نشانهٔ ذخیره شده و امانت حفظ شده

وَالْبَابُ الْمُبْتَلَىٰ بِهِ النَّاسُ. مَنْ أَتَيْكُمْ نَجِيٌّ، وَمَنْ

و همان درگاهی که مردم بدان آزموده می‌شوند، هستید. هر کس نزد شما آید رهایی یابد، و هر کس

لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكٌ، إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ، وَعَلَيْهِ تَدُلُّونَ، وَبِهِ

نیاید نابود می‌گردد، شما به سوی خدا فرامی‌خوانید و بر او راهنمایی می‌کنید و به او

تُؤْمِنُونَ، وَلَهُ تَسْلُمُونَ، وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَإِلَىٰ

ایمان دارید، و تسلیم او هستید و به دستور او عمل می‌نمایید و به

سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ، وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ، سَعَدَ مَنْ

راه او ارشاد می‌کنید و طبق فرمایش او داوری می‌کنید. آن که ولایت شما را پذیرفت

وَالْأَكْمُ، وَهَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ، وَخَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ،

سعادت‌مند گردید و آن که با شما دشمنی ورزید هلاک و نابود گردید، و آن که منکر شما شد نومید گشت

وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ، وَفَارَزَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ، وَأَمِنَ مَنْ

و آن که از شما جدا شد گمراه گشت و آن که به شما چنگ زد رستگار شد، و هر که به شما پناه آورد

لَجَأَ إِلَيْكُمْ، وَسَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ، وَهُدِيَ مَنْ اعْتَصَمَ

ایمن شد، و هر که شما را تصدیق کرد سالم ماند و هر که به شما پیوست و ملازم گردید هدایت

بِكُمْ. مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَا وِیْهُ، وَمَنْ خَالَفَكُمْ

یافت. هر کس از شما پیروی کرد بهشت جایگاه اوست و هر کس با شما مخالفت کرد

فَالنَّارُ مَثْوِيَهُ، وَمَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ، وَمَنْ حَارَبَكُمْ

دوزخ منزلگاه اوست و هر کس منکر شما شد کافر است و هر کس با شما جنگید

مُشْرِكٌ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ،

مشرک است و هر کس حکم شما را رد کرد در پایین‌ترین بخش دوزخ جای دارد.

أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقُ لَكُمْ فِيمَا مَضَىٰ، وَجَارٍ لَكُمْ فِيمَا

گواهی می‌دهم که این مقامات در گذشته برای شما بوده و در آینده نیز در حق شما

بَقِيَ، وَأَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ،

جاری است، و بدون تردید ارواح شما و نور شما و سرشت شما یکی است،

طَابَتْ وَطَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ. خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا

پاک است و برخی از برخی دیگر به ارث برده. خداوند شما را به عنوان نورهایی آفرید

فَجَعَلَكُمْ بَعْرَشِهِ مُخَدِّقِينَ، حَتَّىٰ مَنْ عَلَيْنَا بِكُمْ،

آنگاه شما را گرداگرد عرش خود قرار داد تا این که به سبب وجود شما منت نهاد،

فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَدْنَىٰ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا

پس شما را در خانه‌هایی قرار داد که اذن داد بلندمرتبه گشته و

اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلَاتِنَا (صَلَوَاتِنَا) عَلَيْكُمْ، وَمَا خَصَّنَا

نامش در آن‌ها برده شود، و صلوات و درود ما را بر شما و آنچه ویژه ما گردانید

بِهِ مِنْ وَلَا يَتَّكُمُ، طَيِّباً لِيَخْلُقْنَا، وَطَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا،

از ولایت شما، باعث پاکیزه بودن آفرینش ما و پاک شدن جان ما

وَتَزَكِيَّةً لَنَا، وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا، فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسْلِمِينَ

و تزکیه ما و کفاره گناهان ما، قرار داد. پس ما در پیشگاه او تسلیم

بِفَضْلِكُمْ، وَمَعْرُوفِينَ بِتَّصَدُّقِنَا إِلَيْكُمْ. فَبَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ

برتری شما بودیم، و به تصدیق شما شناخته شدیم. پس خداوند شما را به

أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، وَأَعْلَىٰ مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ،

شریف‌ترین جایگاه گرامی‌شدگان و بالاترین منزل‌ها و مرتبه‌های مقربان

وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ، حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَاحِقٌ،

و بالاترین درجه‌های پیامبران رسانید، به گونه‌ای که هیچ ملحق‌شونده‌ای به آن نمی‌پیوندد

وَلَا يُفَوِّقُهُ فَائِقٌ، وَلَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ، وَلَا يَطْمَعُ فِي

و هیچ برتری‌جویی به آن فائق نیابد، و هیچ پیشی‌گیرنده‌ای بدان پیشی نگیرد و هیچ

إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ، حَتَّىٰ لَا يَبْقَىٰ مَلَكٌ مُّقْرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ

طمع‌کننده‌ای به درک آن طمع نوزد، تا این که هیچ فرشته مقرب و نه پیامبر

مُرْسَلٌ، وَلَا صِدِّيقٌ وَلَا شَهِيدٌ، وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ،

مرسل و نه صدیق و نه شهید و نه دانا و نه نادان

وَلَا ذَنْبِي وَلَا فَاضِلٌ، وَلَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ، وَلَا فَاجِرٌ

و نه پست و نه شریف و نه مؤمن شایسته و نه بدکار

طَالِحٌ، وَلَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ، وَلَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ، وَلَا خَلْقٌ

ناشایسته و نه سرکش عنادپیشه و نه شیطان متمرد و نه آفریدگانی

فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةَ أَمْرِكُمْ، وَعِظَمَ

که در این میان گواهند، نیستند مگر آن که به آن‌ها شناسانده جلالت امر شما را و عظمت

خَطْرِكُمْ، وَكَبَرَ شَأْنِكُمْ، وَتَمَامَ نُورِكُمْ، وَصِدْقَ

منزلت شما را و بزرگی شأن شما را و تمامیت نور شما را و درستی و راستی

مَقَاعِدِكُمْ، وَثَبَاتَ مَقَامِكُمْ، وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ،

جایگاه شما را و پایرجا بودن مقام شما را و شرافت موقعیت شما را

وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ، وَكَرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ، وَخَاصَّتَكُمْ

و منزلت شما را در پیشگاه او و کرامت شما را پیش او و مخصوص بودن شما را

لَدَيْهِ، وَقُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ. يَا بِي أَنْتُمْ وَأُمَّيْ وَأَهْلِي

نزد او و منزلت نزدیک شما را به او. پدرم، مادرم و خانواده‌ام

وَمَالِي وَأَسْرَتِي، أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ

و دارایی‌ام و خاندانم فدای شما باد، خدا و شما را گواه می‌گیرم که به راستی من

بِكُمْ، وَبِمَا آمَنْتُمْ بِهِ، كَافِرٌ بَعْدُوكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ،

به شما و آنچه شما ایمان آوردید، ایمان دارم و به دشمن شما و آنچه شما بدان کفر ورزیدید کفر می‌ورزم،

مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ، وَبِضَلَالَةٍ مَن خَالَفَكُمْ، مُوَالٍ لِّكُمْ

به شأن شما و به گمراهی مخالفان شما بصیرت و بینش دارم، دوستدار شما

وَلَا وِلِيَاءَ لَكُمْ، مُبِغِضٌ لِّأَعْدَائِكُمْ وَمُعَادٍ لَهُمْ، سَلِمٌ لِّمَن

و دوستان شما هستم، کینه دشمنانتان را به دل گرفته و با آنان دشمنی دارم، با آن که با شما از در اشنی

سَأَلَمَكُمْ، وَحَرْبٌ لِّمَن حَارَبَكُمْ، مُحَقَّقٌ لِّمَا حَقَّقْتُمْ،

آید در صلح و اشتیم و با آن که با شما در جنگ باشد در جنگم، آنچه را شما اثبات کردید من ثابت می‌دانم،

مُبْطِلٌ لِّمَا أَبْطَلْتُمْ، مُطِيعٌ لِّكُمْ، عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُقَرَّرٌ

و آنچه شما ابطال کردید باطل می‌دانم، پیرو شما هستم، به حق شما عارفم و به

بِفَضْلِكُمْ، مُحْتَمِلٌ لِّعِلْمِكُمْ، مُخْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ،

فضل و برتری شما معترف هستم، دانش شما را تحمل می‌کنم و پذیرا هستم، و در پناه شما پنهان شده‌ام،

مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِأَيَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ.

به شما معترف و به بازگشت شما مؤمن و رجعت شما را تصدیق‌کننده‌ام.

مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ، آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ،

منتظر امر شما، در انتظار دولت شما و گیرنده گفتار شما،

عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ، مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ، زَائِرٌ لِّكُمْ، لَا يَدُّ عَائِدٌ

اجراکننده فرمان شما هستم، به شما پناهنده بوده، زائر شما هستم، به

بِقُبُورِكُمْ، مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ، وَمُتَقَرِّبٌ

قبور شما پناه گرفته و توسط شما به درگاه خدا شفاعت می‌طلبم، و

بِكُمْ إِلَيْهِ، وَمُقَدِّمٌكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَحَوَائِجِي،

به وسیله شما به او تقرب می‌جویم، و شما را پیشاپیش حوایجم

وَأِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ

و خواسته‌هایم در همه حالات و کارهایم قرار داده‌ام. من به نهنان

وَعَلَانِيَتِكُمْ، وَشَاهِدٌكُمْ وَغَائِبِكُمْ، وَأَوَّلُكُمْ وَآخِرُكُمْ،

و آشکار شما، شاهد و غایب شما، اول و آخر شما ایمان دارم،

وَمَفُوضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، وَمُسَلَّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ،

و همه امورم را به شما واگذارده‌ام، و به همراه شما در آن تسلیم شما هستم،

وَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلَّمٌ، وَرَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ

و دلم برای شما تسلیم و پذیرا، و رأیم پیرو شماست و یاریم برای شما

مُعَدَّةٌ، حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ، وَيَرُدَّكُمْ

آماده است تا آنگاه که خداوند دینش را توسط شما حیات جدیدی ببخشد و شما را

فِي أَيَّامِهِ، وَيُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ، وَيَمَكِّنْكُمْ فِي أَرْضِهِ.

در دوران خود بازگرداند، و شما را برای دادگریش آشکار کند و در زمینش قدرت و توانمندی دهد.

فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ، آمَنْتُ بِكُمْ، وَتَوَلَّيْتُ

پس کسی که با شما است فقط با شما است، نه با غیر شما، به شما ایمان آوردم و ولایت

آخَرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَكُمْ، وَبَرَّئْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

وسرپرستی آخرین شما را بسان نخستین شما قبول نمودم، و بی‌زاری می‌جویم به سوی خداوند متعال

مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَمِنْ الْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَالشَّيَاطِينِ

از دشمنانتان و از جبت و طاغوت و شیطانها

وَحَزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ، الَّجَاهِدِينَ لِحَقِّكُمْ،

و حزبهای آنان؛ همانهایی که به شما ستم کرده، حق شما را منکر شده،

وَالْمَارِقِينَ مِنْ وَلَايَتِكُمْ، وَالْغَاصِبِينَ لِإِثْمِكُمْ،

و از ولایت شما خارج شدند، و ارث شما را غصب نموده

السَّاكِنِينَ فِيكُمْ، الْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ، وَمِنْ كُلِّ وِلْيَةٍ

و درباره شما به تردید افتاده و از شما منحرف شدند، و از هر تکیه‌گاه و دستاویزی که

دُونَكُمْ، وَكُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ، وَمِنْ الْأَيِّمَةِ الَّذِينَ

غیر شما هستند و از هر اطاعت‌شونده از غیر شما و از پیشوایانی که

يَدْعُونَ إِلَى التَّارِ. فَتَبَتَّيْ اللَّهُ أَبَدًا مَا حَسِبْتُ عَلَى

به سوی آتش فرامی‌خوانند، بیزارم. از این رو خداوند همواره مرا مادامی که زنده هستم

مُؤَالَاتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ، وَوَقَّعَنِي لِطَاعَتِكُمْ،

بر ولایت و دوستی و دین شما استوار بدارد و مرا به فرمان‌بری از شما موفق گرداند،

وَرَزَقَنِي شَفَاعَتَكُمْ، وَجَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيكُمْ،

و شفاعت شما را روزیم کند، و مرا از بهترین دوستان شما قرار دهد،

الَّتَابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَضُ

همانهایی که پیروی کردند از آنچه شما به سوی آن دعوت کردید، و مرا از جمله کسانی قرار دهد که

آثَارَكُمْ، وَيَسْئَلُكَ سَبِيلَكُمْ، وَيَهْتَدِي بِهَدْيِكُمْ،

بازگو کننده و در پی آثار شما هست و راه شما را می‌پیماید و به هدایت شما هدایت می‌گردد،

وَيُخْشِرُ فِي زُمْرَتِكُمْ، وَيَكْرِهُ فِي رَجْعَتِكُمْ، وَيَمْلِكُ

و در گروه شما محشور می‌گردد، و دوران شما باز می‌گردد، و

فِي دَوْلَتِكُمْ، وَيُشْرَفُ فِي عَافِيَتِكُمْ، وَيُمْكِنُ فِي

در دولت شما به حکومت می‌رسد، و در زمان عافیت شما شریف گردند و در

أَيَّامِكُمْ، وَتَقَرُّ عَيْنُهُ غَدًا بِرُؤْيَتِكُمْ. يَا بِي أَنْتُمْ وَأُمِّي

روزگار شما اقتدار یابند و فردای (رستاخیز) به دیدار شما چشمش روشن گردد. پدر و مادرم

وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي، مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَاءَ بِكُمْ، وَمَنْ

و جانم و خانواده‌ام و داراییم فدای شما باد، هر که خدا را اراده کرد به شما آغاز کرد و

وَحَدَّهُ قَبْلَ عَنكُمْ، وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ. مَوَالِي لَا

هر که او را به یگانگی شناخت از شما پذیرفت و هر که او را قصد کرد متوجه شما شد. موالیان من؛

أُحْصِي ثَنَاءَكُمْ، وَلَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ، وَمِنْ

قدرت شمارش ثنای شما را ندارم و با مدح شما هرگز به کنه و حقیقت شما راه پیدا نمی‌کنم،

الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ، وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ، وَهُدَاةُ الْأَبْرَارِ،

و با توصیف شما هرگز به قدر و منزلت شما نمی‌رسم، و شما نور نیکان و هدایت صالحان

وَحُجْبُ الْجَبَّارِ، بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ، وَبِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ، وَبِكُمْ

و حجت‌های خدای جبار هستند، خداوند به وسیله شما (عالم هستی را) افتتاح و به توسط شما پایان می‌دهد و به سبب

يُنزِلُ الْغَيْثَ، وَبِكُمْ يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى

شما باران می‌فرستد، و به وسیله شما آسمان را نگاه داشته تا بر

الْأَرْضِ إِلَّا يَازِنَهُ، وَبِكُمْ يَنْفُسُ الْهَمَّ، وَيَكْشِفُ الضَّرَّ،

زمین - جز به فرمانش - نیفتد، و به وسیله شما غصه و اندوهها گشوده و زایل می‌گردد و بیچارگی‌ها برطرف می‌شود،

وَعِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ، وَهَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ،

و آنچه به پیامبران‌ش فرو فرستاده و فرشتگان به آن فرود آمده‌اند نزد شماست

وَإِلَىٰ جَدِّكُمْ - و اگر زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام باشد بجای

و به سوی جدتان

«وَإِلَىٰ جَدِّكُمْ» بگو: وَإِلَىٰ أَحَبِّكَ - بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ.

- و به برادرت - روح‌الآمین برانگیخته شده.

آتَاكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يُوْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ، طَاطَا كُلُّ

خداوند به شما مقاماتی را داده که به هیچ یک از جهانیان نداده است، هر فرد

شَرِيفٍ لِشَرَفِكُمْ، وَبَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِبَطَاعَتِكُمْ،

شریفی در برابر شرافت شما سر فرود آورده و هر سرکشی در برابر فرمان شما گردن نهاده است،

وَخَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ، وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ،

و هر جبار و زورگویی در برابر فضل و برتری شما فروتن است، و هر چیزی در برابر شما ذلیل و خوار است

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ، وَفَازَ الْفَائِزُونَ بِوَلَايَتِكُمْ،

و زمین به نور وجود شما روشن گشته و رستگاران به ولایت شما رستگار و فایز گشته‌اند،

بِكُمْ يُسَلِّكُ إِلَى الرِّضْوَانِ، وَعَلَىٰ مَنْ جَدَدَ وَلَا يَتَّكُمُ

به توسط شما به سوی رضوان و بهشت الهی رهسپار می‌گردند و کسی که منکر ولایت شماست

غَضَبُ الرَّحْمَانِ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي

خشم خدای رحمان را فراهم نموده است. پدرم، مادرم، جانم، خانواده‌ام

وَمَالِي، ذِكْرُكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ، وَأَسْمَاؤُكُمْ فِي

و دارایم فدای شما باد؛ یاد شما در یادآوران و نام‌های شما در میان

الْأَسْمَاءِ، وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ، وَأَرْوَاحُكُمْ

نام‌ها و جسدهای شما در میان اجساد، و ارواح شما

فِي الْأَرْوَاحِ، وَأَنْفُسُكُمْ فِي النَّفُوسِ، وَآثَارُكُمْ فِي

در میان ارواح و جان‌های شما در میان جان‌ها و آثارتان در میان

الْآثَارِ، وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ. فَمَا أَحَلَّىٰ أَسْمَاءِكُمْ،

آثار و بارگاه‌های شما در میان قبور. پس چه چیز نام‌های شما را شیرین و

وَأَكْرَمَ أَنْفُسِكُمْ، وَأَعْظَمَ شَأْنِكُمْ، وَأَجَلَ خَطَرِكُمْ،

جان شما را گرامی و شأن شما را با عظمت و مقام شما را بزرگ

وَأَوْفَىٰ عَهْدِكُمْ، وَأَصْدَقَ وَعْدِكُمْ. كَلَامُكُمْ نُورٌ،

و شما را نسبت به عهد و پیمان با وفا و در مورد وعده راستگو گردانیده است؟ سخن شما نور

وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ، وَوَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَىٰ، وَفِعْلُكُمْ الْخَيْرُ،

و فرمان‌تان باعث رشد و کمال، و سفارش شما پرهیزکاری و کردار شما خیر و خوبی

وَعَادَتُكُمْ إِلَّا حُسَانٌ، وَسَجِيَّتُكُمْ الْكِرْمُ، وَشَأْنُكُمْ

و روش و عادت شما نیکویی، و احسان و خوی و سرشت شما کرامت و بزرگواری، و شأن شما

الْحَقُّ وَالصَّدْقُ وَالرَّفْقُ، وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَسْمٌ،

حق و راستی و مدارا کردن است، و سخن شما حکم حتمی و لازم اجرا است،

وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ، إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ

و رأی و ایده شما دانش و بردباری و استوار کردن امور است، اگر یادی از خیر شود شما پایه نخست آن،

وَأَصْلُهُ، وَفَرْعُهُ وَمَعْدِنُهُ، وَمَأْوِيهِ وَمُتْنَهَا. بِأَبِي

ریشه، شاخه و معدن و جایگاه و سرانجام آن هستی. پدرم،

أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ،

مادرم و جانم فدای شما باد؛ چگونه ثنای نیکوی شما را توصیف کنم

وَأَحْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ، وَبِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الذُّلِّ،

و نعمت زیبای تان را بشمارم، و خداوند به توسط شما ما را از خواری بیرون آورد

وَفَرَّجَ عَنَّا غَمْرَاتِ الْكُرُوبِ، وَأَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرْفٍ

و از غم و اندوه سخت ما را گشایش داد و از وادی پرتگاه

الْهَلَكَاتِ وَمِنَ النَّارِ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي،

نابودی و از آتش نجاتمان داد. پدرم، مادرم و جانم فدای شما باد؛

بِمَوَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا، وَأَصْلَحَ مَا كَانَ

خداوند به وسیله پیروی از شما معالم دین ما را به ما آموخت و آنچه از امور

فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا، وَبِمَوَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ، وَعَظُمَتِ

دنیای ما فاسد بود، اصلاح نمود. و به موالات و دوستی و پیروی شما کلام الهی کامل گشت، و

النُّعْمَةُ، وَاتَّكَلَفَتِ الْفُرْقَةُ، وَبِمَوَالَاتِكُمْ يُقْبَلُ الطَّاعَةُ

نعمت؛ با عظمت و شکوه گردید و به جدایی الفت بخشید و به وسیله پیروی و موالات شما

الْمُقْتَرَضَةُ، وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ، وَالذَّرَجَاتُ

طاعت واجب پذیرفته می شود و دوستی واجب و درجه های

الرَّفِيعَةُ، وَالْمَقَامُ الْمَحْمُودُ، وَالْمَكَانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ

الا و مقام پسندیده و جایگاه معین در پیشگاه

اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ، وَالشَّانُ الْكَبِيرُ،

خداوند رحمان و مقام و جاه باشکوه و شأن بزرگ

وَالشَّفَاعَةُ الْمُقْبُولَةُ. رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا

و شفاعت پذیرفته شده برای شماست. پروردگارا؛ ما به آنچه نازل کرده ای ایمان آوردیم و از

الرَّسُولَ فَكَتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا

پیامبر پیروی کردیم، پس ما را از گواهان ثبت کن. پروردگارا؛ دل های ما را

بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا، وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ

پس از هدایت مان منحرف مکن و برای ما از جانب خود رحمتی ببخش، به راستی که تو

الْوَهَّابُ، سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولًا. يَا

بسیار بخشنده ای، پاک و منزّه است پروردگارا ما به حقیقت وعده پروردگار ما محقق خواهد شد. ای

وَلِيَّ اللَّهِ، إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي

ولی خدا؛ به راستی که میان من و خدای متعال گناہانی است که

عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ، فَبِحَقِّ مَنْ ائْتَمَنَكُمْ عَلَى سِرِّهِ،

جز رضایت و خشنودی شما آنها را از بین نمی‌برد، پس به حق کسی که شما را بر راز خود امین قرار داده

وَاسْتَرَعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ، وَقَرْنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ، لَمَّا

و تدبیر و امور و مراعات حال بندگانش را به شما سپرد و طاعت شما را قرین و پیوسته با طاعت خود قرار داد، که

اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي، وَكُنْتُمْ شُفَعَائِي، فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ،

نسبت به گناهان من طلب امرزش و بخشش کنید و شما شفیعیان من باشید، پس من به حقیقت مطیع و فرمان‌بردار شما

مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى

هستم، هر که از شما فرمان برد در واقع از خدا فرمان برده و هر که از (فرمان) شما عصیان کند در واقع از خدا

اللَّهُ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ

عصیان نموده است و هر کس شما را دوست بدارد در واقع خدا را دوست داشته و هر که شما را دشمن بدارد

أَبْغَضَ اللَّهَ. اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ

در واقع خدا را دشمن داشته. بارخداوندا؛ من اگر شفیعیانی نزدیک‌تر به تو

مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ، الْأَيْمَّةِ الْأَبْرَارِ،

جز محمد و اهل بیت برگزیده‌اش - که پیشوایان نیکوکارند - می‌یافتم

لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِي، فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أُوجِبَتْ لَهُمْ عَلَيْكَ،

آنان را شفیعیان خود قرار می‌دادم، پس به حق آنها که آن را بر خود لازم شمرده‌ای

أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ،

از تو می‌خواهم که مرا در گروه اهل معرفت به آنان و حقیقتان قرار دهی

وَفِي زُمْرَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ، إِنَّكَ أَزْهَمُ

و در زمره کسانی که به شفاعت آنان مورد رحمت تو قرار گرفته‌اند، واردسازی؛ زیرا که تومهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ،

مهربانان هستی، و درود خدا بر محمد و خاندان پاکش

وَسَلَّمَ كَثِيرًا، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ۱.

و سلام زیاد بر آنان باد و خداوند ما را بسنده است و خوب حمایتگری است.

زیارت امین الله

و فضیلت آن

زیارت «امین الله» را به چند جهت آوردیم:

۱- در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که آن حضرت فرمودند:

این کلام و این دعا (زیارت امین الله) را هر یک از شیعیان ما

نزد قبر امیر مؤمنان یا یکی از امامان علیهم السلام بخواند، به طور

حتم و بی‌شک، دعایش در صندوقچه‌ای از نور بالا می‌رود و

تسلیم قائم آل محمد ارواحنا فداه می‌شود....

۱. مفاتیح الجنان: ۱۰۷۱، مزار آقا جمال خوانساری: ۶۰.

۲- این زیارت از زیاراتی است که حضرت مهدی صلوات الله علیه آن را خوانده است؛ چنان که در جریان شرفیابی حاج علی بغدادی خدمت آن حضرت آمده است.

۳- امام زمان ارواحنا فداه در جریان دیدار حاج علی بغدادی، تصریح و تأکید فرمودند که: این زیارت از برترین زیارت‌هاست. نکته مهمی که از آن جریان استفاده می‌شود این است که این زیارت، جزو زیارت‌های جامعه و عمومی امامان است و در تمام حرم‌های اهل بیت علیهم‌السلام می‌توان خواند؛ چنان که آن حضرت این زیارت را در حرم امام کاظم و امام جواد علیهم‌السلام در شهر کاظمین خواندند. البته، این نکته در روایت امام باقر علیه‌السلام نیز، به صراحت بیان شده است.

مرحوم محدث قمی می‌فرماید: این زیارت دارای اعتباری کامل است، و در تمام کتاب‌های ادعیه و زیارات آمده است. علامه مجلسی رحمته‌الله این زیارت را بهترین زیارت‌ها از نظر متن و سند می‌شمارد؛ وی می‌افزاید: شایسته است در تمام حرم‌های مطهر و مقدس خوانده شود؛ چنان که با **سندهای معتبر** از جابر از امام باقر علیه‌السلام روایت شده است که فرمود:

امام سجّاد علیه‌السلام به زیارت قبر مطهر امیر مؤمنان علیه‌السلام رفت و نزد قبر ایستاد و گریست و قرائت نمود:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَّتَهُ عَلَيَّ

سلام بر تو، ای امانت‌دار خداوند در زمینش، و حجت او بر

عباده، (السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ) ^۱، أَشْهَدُ

بندگانش؛ (سلام بر تو، ای فرمانروای مؤمنان) گواهی می‌دهم

أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ،

که شما به طور کامل در راه خدا جهاد کردی و حقش را ادا فرمودی؛ به کتاب خدا عمل نمودی،

وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى دَعَاكَ

و از سنت‌های پیامبر - درود خدا بر او و آل او - پیروی کردی؛ تا آن که

اللَّهُ إِلَيَّ جِوَارِهِ، فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ، وَأَلَزَمَ أَعْدَاءَكَ

خداوند تعالی، شما را به جوارش فرا خواند، و با اختیار و انتخابش شما را از این دنیا به سوی خود

الْحُجَّةَ، مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَيَّ جَمِيعِ

برد؛ و با وجودی که حجت‌های رسایی بر تمام آفریدگان داشتی، باز هم حجت را بر دشمنانت

خَلَقِهِ. اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً

تمام کرد. بارالها؛ نفس و روح مرا به تقدیرت مطمئن گردان، و

بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ، مُحِبَّةً لِمَصْفُورَةِ

به قضا و فرمانت خشنود گردان. حرص مرا به یاد خودت و دعا کردن به درگاهت افزون کن، و مرا دوست‌دار

أَوْلِيَائِكَ، مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَاوَاتِكَ، صَابِرَةً عَلَيَّ

واقعی برای اولیای برگزیده‌ات قرار بده. مرا در زمین و آسمانت محبوب گردان؛ بر

۱. این فقره از زیارت؛ در حرم حضرت امیر المؤمنین علی علیه‌السلام خوانده شود..

نُزُولِ بَلَائِكَ، شَاكِرَةً لِّفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ، ذَاكِرَةً لِّسَوَابِغِ

فروری بِلَاهِیْتِ شَکِیَا سَاز؛ بَر زِیَادَتِی نِعْمَتِ هَیْتِ سِیَاسِگَزَار، بَهِ یَا دَاوَرِی

الْآيِكَ، مُشْتَاقَةً إِلَى فَرْحَةٍ لِقَائِكَ، مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى

نِعْمَتِ هَی فِرَاوَانَتِ مَشْغُولِ دَار؛ بَهِ سُرُورِ وَ شَادَمَانِی دِیْدَارَتِ مَشْتَاقِ کُن؛ تَوْشَه بَر دَارَنَدَه تَقْوَا وَ

لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ، مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ

بِرَهَبِزْكَارِی بَرای رُوز قِیَامَت؛ وَ اِجْرَا كِنْدَه سَنَتِ وَ طَرِیْقَه اُولِیَا وَ خَاصَّانِ خُود؛ جِدَا شُونَدَه اَز اِخْلَاقِ

أَعْدَائِكَ، مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَ ثَنَائِكَ.

دَشْمَنَانَتِ قَرَار دَه؛ وَ اَز کَار دُنِیَا مَشْغُولِ بَهِ حَمْدِ وَ ثَنَائِ خُودَتِ نَمَا.

سپس، گونه مبارک خود را بر قبر آن حضرت قرار داده

و گفت:

اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُحِبِّينَ إِلَيْكَ وَالْهَيْهَةَ، وَسُبُلَ الرَّاعِبِينَ

بَارِلِهَا؛ رَاسَتِی، قَلْبِ خَاشَعَانِ وَ خَدَاتِرْسَانِ، وَ اِلَهَ وَ حِیْرَانَتِ اِسْت، وَ رَاهِ هَی مَشْتَاقَانِ

إِلَيْكَ شَارِعَةً، وَأَعْلَامَ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةً،

بَهِ سَوِی تُو بَاز اِسْت، وَ نَمَیَانِ، وَ نِشَانَه هَا بَرای کِسانِی کِه قَصْدِ رَسِیْدِن بَهِ تُو رَا دَارَنَد اَشْکَار اِسْت،

وَأَفْنِدَةَ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَازِعَةً، وَأَصْوَاتَ الدَّاعِينَ

وَ دَلِ هَی اِهْلِ مَعْرِفَتِ اَز تُو بَسِیَار دَر هِرَاسِ اِسْت، وَ صَدَاهَی دَعَا كِنْدِگَانَتِ

إِلَيْكَ صَاعِدَةً، وَأَبْوَابَ الْإِجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةً، وَدَعْوَةَ

بَهِ طَرَفِ تُو بِاَلَا رُوندَه اِسْت، وَ دَرِهَی اِجَابَتِ وَ پَاسِخْ گُویِی نِیْز بَرای شَان بَاز شُدَه اِسْت؛ وَ دَعَا

مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةً، وَ تَوْبَةَ مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةً،

هَر کِسی کِه بَا تُو مَنَاجَاتِ وَ بَهِ اَرَامِی تُو رَا بِخُوانَد مَسْتَجَابِ اِسْت، وَ تَوْبَه وَ یَا زْگِشْتِ کِسی کِه بَهِ سَوِی تُو بَازْگَر دَدِ پَذِیْر فْتَه شُدَه

وَ عِبْرَةَ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةً، وَالْإِغَاثَةَ

اِسْت، وَ اَشْکِ گَرِیَه کِنْدَه اَز تَرَسِ تُو مَورِد تَرَحُّمِ قَرَار مِی گِیْرَد؛ وَ دَا دَرِسی

لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِكَ مَوْجُودَةً، وَالْإِغَاثَةَ لِمَنْ اسْتَعَانَ

بَرای کِسی کِه دَا دِخُواهِی کِنْد مَوْجُودِ اِسْت، وَ بَرای کِسی کِه اَز تُو کَمْکِ بِخُواهِد،

بِكَ مَبْدُولَةً، وَعِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجَزَةً، وَزَلَلَ مَنْ

کَمْکِ بِلَا عُوضِ مِی فَرَسْتِ؛ وَ وَعَدَه هَی بَی کِه بَهِ بِنْدِگَانَتِ دَا دَه اِی قَطْعِی اِسْت؛ وَ هَر کِسِ اَز تُو دَر خُواَسْتِ

اسْتَقَالَكَ مُقَالَتَهُ، وَأَعْمَالَ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةً،

چِشْمِ بَوشِی اَز لُغْزِشِ خُودِ رَا بَکِنْد چِشْمِ بَوشِی مِی کِنِی؛ وَ اِعْمَالَ عَمَلِ کِنْدِگَانِ، نَزْدِ تُو نَگَهِداری وَ باقی مِی مَاند؛

وَأَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةً، وَعَوَائِدَ

وَ نَصِیْبِ هَا وَ رُوزِ هَی تُو، بَهِ سَوِی بِنْدِگَانَتِ فَرَسْتَا دَه مِی شُود؛ وَ عَابِدَاتِ

الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةً، وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةً،

بِیْشِ تَر نِیْز بَرای شَان اِرْسَالِ وَ بَهِ دَسْتِ شَان مِی رَسَد؛ وَ گِناهِ بَخْشِشِ خُواهِانِ، بَخْشِیْدَه شُدَه اِسْت؛

وَ حَوَائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةً، وَجَوَائِزَ السَّائِلِينَ

وَ خُواَسْتَه هَی اَفْرِیْدِگَانَتِ، نَزْدِ تُو بَرَاوْرَدَه شُدَه اِسْت؛ وَ پاداَشِ وَ جَا یِزَه هَی دَر خُواَسْتِ کِنْدِگَانِ نِیْز

عِنْدَكَ مَوْفَّرَةً، وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةً، وَمَوَائِدَ

نَزْدَتِ فِرَاوَانِ اِسْت؛ وَ بَهرَه هَی فِرَاوَانِ پِی دَر پِی مِی رَسَد؛ وَ سَفْرَه هَی تُو

الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةً، وَمَنَاهِلَ الظُّمَاءِ مُتْرَعَةً. اللَّهُمَّ

برای گرسنگان گسترده است؛ و چشمه‌ها نیز برای سیراب شدن تشنگان، لبریز و پرآب است. بارالها؛

فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَاقْبَلْ ثَنَائِي، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ

پس، دعایم را مستجاب کن و پاسخ بده؛ و ثناگویم را بپذیر؛ و من و

أَوْلِيَائِي، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ

اولیایم را گردهم آور؛ به حق محمد، علی، فاطمه، حسن

وَالْحُسَيْنِ، إِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمَائِي، وَمُنْتَهَى مُنَايَ،

و حسین؛ واقعیت آن است که سرپرست نعمت‌های من تویی، و حدّ نهایی آرزو،

و غَايَةَ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ.

و نهایت امید من در دنیا و آخرت، تو هستی.

در کتاب «کامل الزیارات»، این عبارات در پایان این زیارت

آمده است:

أَنْتَ إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ، اغْفِرْ لِي وَأَوْلِيَائِنَا، وَكُفِّ

تو، خدای من، آقای من و مولای من هستی؛ دوستان ما را ببامرز، و

عَنَّا أَعْدَائِنَا، وَاشْغَلْهُمْ عَنَّا أَدَانَا، وَأَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ

دشمنان ما را از ما باز دار، و آنان را از آزار ما مشغول ساز؛ و کلمه و سخن حق را آشکار

وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا، وَأَدْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا

و آن را بالاتر از هر چیز قرار ده، و کلمه باطل را نابود کن، و آن را

السُّفْلَى، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

پایین‌ترین درجه قرار ده. راستی، تو بر هر کاری توانایی.

سپس امام باقر علیه السلام فرمود:

هیچ یک از شیعیان ما این کلام (زیارت امین الله) را نزد قبر

امیر مؤمنان علیه السلام نمی‌خواند و دعا نمی‌کند، مگر آن که دعایش

در نامه‌ای از نور بالا می‌رود، و مهر پیغمبر بر آن می‌خورد، و

نگهداری می‌شود تا به قائم آل محمد علیه السلام سپرده می‌شود.

در این حال نیز، بشارت و احترامات ویژه و اکرام، برای

زیارت کننده ارسال می‌گردد. اگر خدا بخواهد...^۱

زیارت وارث^۲

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ

سلام بر تو، ای ارث برنده از حضرت آدم که برگزیده خدا بود، سلام

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

بر تو، ای ارث برنده از نوح که پیامبر خدا بود، سلام بر تو، ای ارث برنده

۱. مفاتیح الجنان: ۶۹۸، مصباح المتهجد: ۷۳۸، و در مصباح الزائر: ۴۷۴، و مزار آقا جمال

خوانساری: ۹۸ با تفاوت اندک.

۲. در جریان تشرف مرحوم حاج علی بغدادی در حرم مطهر کاظمین علیه السلام، حضرت امام عصر

صلوات الله علیه بعد از زیارت امین الله، زیارت وارث را قرائت نمودند.

إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى

از ابراهیم که دوست ویژه خدا بود، سلام بر تو، ای ارث برنده از موسی

كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ،

که هم‌کلام خدا بود، سلام بر تو، ای ارث برنده از عیسی که روح خدا بود،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ

سلام بر تو، ای ارث برنده از حضرت محمد که دوست واقعی و محبوب خدا بود، سلام

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيِّ اللَّهِ. السَّلَامُ

بر تو، ای ارث برنده از امیر مؤمنان که ولی خداست. سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

بر تو، ای فرزند محمد مصطفی، سلام بر تو، ای فرزند

عَلِيِّ الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ،

علی مرتضی (پسندیده شده)، سلام بر تو، ای فرزند فاطمه زهرا،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَدِجَةَ الْكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو، ای فرزند خدیجه که بزرگ زنان بود. سلام بر تو،

يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَثَرَ الْمُؤْتُونَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ

ای خون خدا و پسر خون خدا که انتقامش گرفته نشده است؛ گواهی می‌دهم که تو

أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ،

نماز را به خوبی برپا داشتی، و زکات دادی، و امر به معروف

وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ حَتَّى أَتَاكَ

و نهی از منکر کردی، و از خدا و فرستاده‌اش فرمان‌برداری کردی تا

الْيَقِينُ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ،

مرگ به سراغت آمد. پس، خداوند، کشندگان تو و امتی که بر تو ستم کردند

وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ. يَا مَوْلَايَ

و گروه‌هایی را که با شنیدن خبر شهادت تو خشنود شدند، لعنت کند. ای مولای من؛

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ

ای ابا عبدالله الحسین؛ گواهی می‌دهم که تو نوری در پشت‌های

الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ

ارجمند، و رحم‌های پاک بودی؛ جاهلیت، با آن همه آلودگی و پلیدی تو را لوده نساخت؛

بِأَنْجَاسِهَا، وَلَمْ تُلْبَسْكَ مِنْ مُدْلَهَمَاتِ ثِيَابِهَا،

و از لباس‌های ناپاکش بر تنت نپوشانید،

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُؤْمِنِينَ،

گواهی می‌دهم که تو یکی از پایه‌های اصلی دین اسلام هستی، و از تکیه‌گاه‌های مؤمنان می‌باشی.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ الْتَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي

گواهی می‌دهم که تو امام و پیشوای نیکوکار، پرهیزکار، رضایت‌مند، خالص و پاک، هدایت‌گر

الْمَهْدِيُّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأُمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى،

و هدایت‌یافته هستی. گواهی می‌دهم پیشوایان و امامانی که از نسل تو هستند نشانه تقوا،

وَأَعْلَامُ الْهُدَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَيَّ

پرچم‌های هدایت، ریسمان محکم الهی و حجت خدا بر

أَهْلِ الدُّنْيَا. وَأَشْهَدُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيََاءَهُ وَرَسُولَهُ

تمام مردم دنیا می‌باشند. خدا و فرشتگان و پیامبران و رسولانش را به گواهی می‌گیرم

أَنْبِيَّكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرَايِعِ دِينِي،

که نسبت به شما اهل بیت ایمان و باور دارم، و به بازگشت شما یقین دارم؛ و این به خاطر راه‌های دین من

وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي، وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ، وَأَمْرِي

و پایان‌های عمل من است؛ قلب من، تسلیم قلب شما است؛ و امر من

لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَىٰ أَرْوَاحِكُمْ،

تابع امر شماست؛ درود پیوسته الهی بر شما و روح،

وَعَلَىٰ أَجْسَادِكُمْ وَعَلَىٰ أَجْسَامِكُمْ، وَعَلَىٰ شَاهِدِكُمْ

تن، جسم،

وَعَلَىٰ غَائِبِكُمْ، وَعَلَىٰ ظَاهِرِكُمْ وَعَلَىٰ بَاطِنِكُمْ.

و پنهان، آشکار و ناپیدای شما باد.

سپس خود را به قبر چسبانده، آن را بوسیده، می‌گویی:

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا

ای فرزند رسول خدا؛ پدر و مادرم فدایت؛ ای

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ، وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ

ابا عبدالله (الحسین)؛ پدر و مادرم فدایت؛ تعزیت و مصیبتی که به شما وارد شد

بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ،

بر ما و تمام زمینیان و آسمانیان بسیار بزرگ و گران است؛

فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتَالِكَ.

پس، خداگروه‌هایی را که اسپانشان را زین کردند و لگام زدند و برای کشتن تو آماده شدند، لعنت کند.

يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، قَصَدْتُ حَرَمَكَ، وَأَتَيْتُ

ای مولای من؛ ای ابا عبدالله؛ به قصد زیارت حرم تو حرکت کردم، و به

إِلَىٰ مَشْهَدِكَ، أَسْأَلُ اللَّهَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُ،

حضور تو آمدم؛ از خدا درخواست می‌کنم، به خاطر جایگاه

وَبِالْمَحَلِّ الَّذِي لَكَ لَدَيْهِ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

و منزلت ویژه‌ای که نزدش داری، بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

محمد درود پیوسته نثار کند؛ و مرا در دنیا و آخرت، با شما بدارد.

سپس، برخیز و دو رکعت نماز نزد سر مطهر بخوان، و هر

سوره‌ای خواستی در نماز قرائت کن؛ پس از پایان نماز، بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ، وَخَدَّكَ لَا

بار الها؛ من، تنها برای تو نماز گزاردم و برای تو رکوع کرده و سر به سجده گذاشتم؛ یگانه‌ای و

شَرِيكَ لَكَ، لِأَنَّ الصَّلَاةَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لَا يَكُونُ

شریکی نداری؛ زیرا، نماز و رکوع و سجده،

إِلَّا لَكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

جز برای تو جایز نیست؛ زیرا، تو خدا هستی و جز تو معبودی نیست. بار الها؛ بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ السَّلَامِ

محمد و آل محمد درود فرست، و والاترین سلام و احترامات را از من به ایشان برسان،

والتَّحِيَّةِ، وَارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ. اللَّهُمَّ وَهَاتَانِ

و به من نیز پاسخ سلام را برگردان. خدایا؛ این

الرَّكْعَتَانِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى مَوْلَايَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ

دو رکعت نماز، هدیه‌ای است از جانب من به مولایم حسین بن علی

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ،

که درود بر هر دو باد. خدایا؛ بر حضرت محمد ﷺ و بر او (امام حسین ﷺ) درود بفرست،

وَتَقَبَّلْ مِنِّي، وَأَجْزِنِي عَلَى ذَلِكَ بِأَفْضَلِ أَمَلِي

و نماز و هدیه‌ام را بپذیر، و افزون‌تر از امید و آرزویم

وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي وَاوَلِيَّيَّكَ، يَا وَاوَلِيَّيَّ الْمُؤْمِنِينَ.

در مورد خودت و ولایت، به من پاداش بده؛ ای سرپرست مؤمنان.

سپس برخیز و به طرف محلّ پاهای مبارک برو، و نزد سر

مبارک حضرت علی اکبر علیه السلام بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

سلام بر تو، ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو، ای فرزند

نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ

پیامبر خدا، سلام بر تو، ای فرزند امیر مؤمنان، سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

بر تو، ای فرزند امام حسین شهید؛ سلام بر تو ای

الشَّهِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ وَابْنُ الْمَظْلُومِ،

شهید، سلام بر تو ای ستم‌دیده و فرزند ستم‌دیده؛ خدا،

لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ

گروه‌هایی را که تو را کشتند و بر تو ستم کردند، مورد لعن و نفرین خود قرار دهد، و آن‌ها

اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ.

که خیر این‌ها را شنیدند و خوشحال شده و این کارها را پسندیدند، لعنت و از رحمتش به دور سازد.

سپس، خود را به قبر مطهر بجسبان و قبر را بیوس و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاوَلِيَّيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَاوَلِيَّيَّهِ، لَقَدْ عَظَمَتِ

سلام بر تو، ای ولی خدا و فرزند ولی خدا؛ به یقین

الْمُصِيبَةُ، وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ

مصیبت و گرفتاری که به واسطه شهادت تو بر ما و تمام

الْمُسْلِمِينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَأَبْرَأَ إِلَى اللَّهِ

مسلمانان وارد شد، بسیار گران و بزرگ است؛ خدا گروه‌های کشتندهٔ تو را لعنت و از رحمتش به دور سازه؛ من نیز به سوی خدا

وَإِلَيْكَ مِنْهُمْ.

و شما، از آن افراد ناپاک بیزاری می‌جویم.

سپس از دری که طرف پاهای مبارک علی اکبر علیه السلام است، از حرم بیرون برو، و رو به قبر شهدای کربلا بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَأَحِبَّائَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ

سلام بر شما، ای اولیای خدا و دوستان او، سلام بر شما،

يَا أَصْفِيَاءَ اللَّهِ وَأَوْدِيَّاهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ

ای برگزیدگان خدا و دوستان ویژه‌اش، سلام بر شما، ای یاران دین

اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ

خدا، سلام بر شما، ای یاران رسول خدا، سلام

عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا

بر شما، ای یاران امیر مؤمنان؛ سلام بر شما، ای

أَنْصَارَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ

یاران حضرت فاطمه، سرور زنان جهان هستی، سلام بر شما،

يَا أَنْصَارَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ،

ای یاران امام حسن فرزند علی، سرپرست و ولی خیرخواه مسلمانان،

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، يَا أَبِي أَنْتُمْ

سلام بر شما، ای یاران ابی عبدالله الحسین؛ پدر

وَأُمِّي، طِبُّنُمْ وَطَابَتِ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ، وَفُزْتُمْ

و مادرم، فدای شما باد؛ شما پاک و زمینی که در آن دفن شده‌اید نیز پاک است؛ به

فَوْزاً عَظِيماً، فَيَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ.

کامیابی و رستگاری بزرگی دست یافتید؛ ای کاش من نیز همراه‌تان بودم و با شما رستگار می‌شدم.

سپس به طرف سر مطهر امام علیه السلام برگرد و تا می‌توانی برای خودت، خانواده‌ات، پدر و مادرت، و برادرانت دعا کن؛ زیرا، در آن حرم هیچ دعا و درخواستی رد نمی‌شود.^۱

* * * *

مطالبی که در این کتاب خواندید، نمازها، دعاها و زیارت‌هایی است که با توفیق خداوند و به برکت امام عصر علیه السلام، آن‌ها را گردآوری و تألیف نمودم.

وَأنا العبد الفاني مرتضى، ابن الورع العابد ذي المجد والسداد، السيد محمد جواد، المتوفى في يوم عاشوراء سنة ١٤١٥ هـ بعد قرائة زيارة عاشوراء في مجلس العزاء لسيد الشهداء عليه آلاف التحية والثناء، ابن العالم العابد الزاهد السيد محمد باقر، ابن العالم الرباني آية الله العظمى السيد علي السيستاني أعلى الله مقامه.

۱. مفاتيح الجنان: ۸۴۹.

منابع و مصادر كتاب

قرآن كريم

«الف»

أبواب الجنّات في آداب الجمعات:

تأليف: آية الله سيّد محمّد تقى موسى اصفهاني، مؤسسه الإمام المهدي - قم

الإحتجاج:

تأليف: عالم بزرگوار احمد بن على طبرسى، مكتبة مصطفى - قم

أدب الزائر:

تأليف: مرحوم علامة امينى، نجف اشرف

أربعة أيّام:

تأليف: عالم نامى مرحوم ميرداماد، قم

اصول كافي:

تأليف: محدث شهير مرحوم كليني، دار الكتب الإسلاميه - تهران

إقبال الأعمال:

تأليف: عالم جليل القدر سيد بن طاووس، مؤسسه مطبوعاتي اعلمى - بيروت

الأمان من أخطار الأسفار والأزمان:

تأليف: عالم جليل القدر سيد بن طاووس، مؤسسه آل البيت للإسلام - قم

«ب»

الباقيات الصالحات:

تأليف: مرحوم محدث قمى، علمى - تهران

بحار الأنوار:

تأليف: علامه محمد باقر مجلسي رحمه الله، منشورات مكتبة اسلاميه - تهران

بشارة الإسلام:

تأليف: عالم بزرگوار سيد مصطفى كاظمي، منشورات مكتبة حيدرئيه - نجف اشرف

البلد الأمين:

تأليف: عالم بزرگوار شيخ ابراهيم كفعمى، مؤسسه أعلمى - بيروت

«ت»

تبصرة الولي:

تأليف: علامه سيد هاشم بحراني، مؤسسه معارف اسلامى - قم

التحفة الرضوية في مجربات الإمامية:

تأليف: دانشمند محترم محمد رضى رضوى - طهران

تحفة طوسيه:

تأليف: مرحوم محدث قمى، انتشارات فؤاد - تهران

التشريف بالمنز المعروف بالملاحم والفتن:

تأليف: عالم جليل القدر سيد بن طاووس، نشر مؤسسه صاحب الأمر - قم

تكاليف الأنام في غيبة الإمام:

تأليف: عالم محترم على أكبر همدانى، انتشارات بدر - تهران

«ث»

ثواب الأعمال:

تأليف: عالم جليل القدر شيخ صدوق رحمه الله، منشورات مطبعة حيدرئيه - نجف اشرف

«ج»

جمال الأسبوع:

تأليف: عالم جليل القدر سيد بن طاووس، مؤسسة آفاق - تهران

جنّات الخلود:

تأليف: عالم بزرگوار امامي خاتون آبادي، چاپ سنگي - تهران

جنّة المأوى:

تأليف: مرحوم محدث نوري، منشورات مكتبة اسلاميه - تهران

«د»

دار السلام:

تأليف: عالم بزرگوار شيخ محمود عراقي، منشورات مكتبة اسلاميه - تهران

دار السلام فيما يتعلّق بالرؤيا والمنام:

تأليف: مرحوم محدث نوري، انتشارات معارف اسلامي - قم

الدعوات:

تأليف: عالم شهير قطب الدين راوندي، مؤسسة الإمام المهدي - قم

دلائل الإمامة:

تأليف: محدث خبير ابي جعفر محمد بن جرير بن رستم طبري، مؤسسة بعثت - قم

«ز»

زاد المعاد:

تأليف: علامة مجلسي، مكتبة اسلاميه - تهران

الزيارة والبشارة:

تأليف: آية الله سيد احمد مستنبت، مطبعة جديد الغري - نجف

«ص»

الصحيفة الصادقية:

تأليف: آية الله شيخ احمد بحراني قطيفي، تحقيق دار المصطفى عليه السلام - قم

«ع»

العبقري الحسنان:

تأليف: آية الله شيخ علي اكبر نهاوندي، انتشارات دبستاني - تهران

عدّة الداعي:

تأليف: عالم ربّاني أحمد بن فهد حلّي، منشورات مكتبة وجداني - قم

العدد القويّة:

تأليف: عالم جليل القدر علي بن يوسف حلّي، منشورات كتابخانه آية الله مرعشي - قم

عمدة الزائر:

تأليف: آية الله سيّد حيدر حسنى كاظمى، منشورات دار التعارف - بيروت

«غ»

الغدِير:

تأليف: علامة امينى، منشورات كتابخانه عمومي اميرالمؤمنين عليه السلام - تهران

الغيبية:

تأليف: شيخ الطائفة ابو جعفر محمد طوسى، منشورات كتابفروشى بصيرتى - قم

«ف»

فتح الأبواب:

تأليف: عالم جليل القدر سيّد بن طاووس، مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم

فرحة الغري:

تأليف: عالم بزرگوار عبدالكريم بن طاووس، مطبعة حيدرّيه - نجف اشرف

الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام:

تحقيق مؤسسه آل البيت عليهم السلام، كنگره جهانى امام رضا عليه السلام - مشهد مقدّس

فلاح السائل:

تأليف: عالم جليل القدر سيّد بن طاووس، منشورات دار الإسلاميه - بيروت

«ق»

قصص الأنبياء:

تأليف: عالم جليل القدر قطب الدين راوندى، نشر الهادى - قم

«ك»

كامل الزيارات:

تأليف: محدّث خبير جعفر بن محمّد بن قولويه، نشر الفقاهه - قم

الكلم الطيب:

تأليف: عالم جليل القدر سيّد على خان مدنى، مكتبة نجاح - تهران

كمال الدين:

تأليف: عالم جليل القدر شيخ صدوق عليه السلام، منشورات دار الكتب اسلاميه -

تهران

«م»

المجموع الرائق من ازهار الحقائق:

تأليف: محدّث بزرگوار سيّد هبة الله موسى، وزارت ارشاد - تهران

المختار من كلمات الإمام المهدي:

تأليف: آية الله شيخ محمد غروي - قم

المزار الكبير:

تأليف: عالم بزرگوار ابو عبدالله محمد بن جعفر مشهدي، نشر قیوم - قم

المزار:

تأليف: عالم جليل القدر مرحوم شيخ مفيد، مؤسسة الإمام المهدي - قم

المزار:

تأليف: شهيد اول، مؤسسة معارف اسلامي - قم

مزار:

تأليف: عالم جليل القدر آقا جمال خوانساري، قم

مستدرك الوسائل:

تأليف: مرحوم محدث نوري، تحقيق مؤسسة آل البيت للإحياء - قم

المصباح:

تأليف: عالم جليل القدر ابراهيم عاملي كفعمي، منشورات مؤسسة أعلمی - بيروت

مصباح الزائر:

تأليف: عالم جليل القدر سيد بن طاووس، مؤسسة آل البيت للإحياء - قم

مصباح المتجهّد:

تأليف: شيخ الطائفة ابو جعفر محمد طوسي، مؤسسة فقه الشيعة - بيروت

معادن الحكمة:

تأليف: محدث بزرگوار محمد بن فيض كاشاني، مؤسسة نشر اسلامي - قم

مفاتيح الغيب:

تأليف: علامة مجلسي، آستان قدس رضوي - مشهد مقدس

مفاتيح الجنان:

تأليف: مرحوم محدث قمی، مؤسسة علمي - تهران

مفتاح الجنّات:

تأليف: آية الله سيد محسن امين، دار التعارف - بيروت

مفتاح الفلاح:

تأليف: عالم بزرگوار بهاء الدين عاملي، مؤسسة نشر اسلامي - قم

المقام الأسنى:

تأليف: عالم بزرگوار شيخ ابراهيم كفعمي، مؤسسة قائم آل محمد عجل الله فرجه - قم

مكارم الأخلاق:

تأليف: محدث نامي شيخ حسن بن فضل طبرسي، منشورات مؤسسة نشر

اسلامي - قم

مكيال المكارم في فوائد الدعاء للقائم:

تأليف: آية الله سيد محمد تقی موسوی اصفهانی، مؤسسة الإمام المهدي - قم

المنتخب:

تألیف: عالم بزرگوار فخرالدین طریحی، منشورات شریف رضی - قم

منهاج العارفين:

تألیف: عالم بزرگوار محمد حسن سمنانی، مکتبہ محمودی - تهران

مهج الدعوات:

تألیف: عالم جلیل القدر سید بن طاووس، دار الکتب اسلامیہ - تهران

«ن»

نجم الثاقب:

تألیف: مرحوم محدث نوری، انتشارات مسجد مقدس جمکران - قم

نزهة الزاهد:

تألیف: یکی از اعلام قرن ششم، اهل قلم - تهران

کتاب «صحيفة مهديه»

در چاپ‌های متعدد و به زبان‌های گوناگون:

صدها هزار نسخه از این کتاب در قطع‌های مختلف به زبان‌های عربی، فارسی، اردو و ... منتشر شده و مورد استقبال عموم طبقات واقع گردیده و مدرک کتاب‌های فراوانی قرار گرفته است.

عربی:

۱ - «الصحيفة المباركة المهدية»: این کتاب برای اولین بار در سال ۱۳۷۷ هـ در ۷۶۰ صفحه وزیري منتشر شد و به سرعت نسخه‌های آن نایاب گردید و سپس ۴۰۰ صفحه بر مطالب آن افزوده شده است.

۲ - «الصحيفة المهدية أو المختار من الصحيفة المباركة المهدية»: این کتاب برگزیده جالبی از کتاب فوق است و در ۴۸۰ صفحه وزیري منتشر شده است.

۳ - «الصحيفة المهدية المنتخبة»: این کتاب منتخب دیگری از کتاب فوق است که در ۳۲۸ صفحه به قطع جیبی دردها هزار نسخه منتشر شده است.

۴ - «الصحيفة المهدية المنتخبة»: همان کتاب قبلی است که در ۴۰۰ صفحه به قطع نیم‌جیبی منتشر شده است.

فارسی:

۱ - «صحيفة مهديه»: این کتاب ترجمه کتاب «الصحيفة المهدية» است که در ۵۶۰ صفحه وزیر چاپ و منتشر شده است. «چاپ هفتم»

۲ - «منتخب صحيفة مهديه»: این کتاب منتخب کتاب «صحيفة مهديه» است که در ۳۵۲ صفحه به قطع جیبی چاپ و منتشر شده است. «چاپ هشتم»

۳ - «منتخب صحيفة مهديه»: همان کتاب قبلی است که در ۴۱۶ صفحه به قطع نیم‌جیبی در ده‌ها هزار نسخه چاپ و منتشر شده است. «چاپ پنجم»

۴ - «صحيفة مهديه»: با ترجمه تمامی دعاها و زیارات که در ۷۵۲ صفحه به قطع وزیر در ده‌ها هزار نسخه چاپ و منتشر شده است. «چاپ هشتم»

۵ - «صحيفة مهديه»: با ترجمه تمامی دعاها و زیارات (ترجمه مقابل) که در ۱۰۴۸ صفحه به قطع وزیر چاپ و منتشر شده است. «چاپ اول»

۶ - «صحيفة مهديه»: با ترجمه تمامی دعاها و زیارات که در

۱۱۶۸ صفحه به قطع جیبی چاپ شده است و اکنون در اختیار شماست. «چاپ اول»

۷ - «منتخب صحيفة مهديه»: این کتاب، منتخب کتاب قبلی است و در ۵۵۲ صفحه به قطع جیبی چاپ و منتشر شده است. «چاپ هفتم»

۸ - «منتخب صحيفة مهديه»: همان کتاب قبلی است که در ۶۰۰ صفحه به قطع نیم‌جیبی چاپ و منتشر شده است. «چاپ سوم»

اردو:

۱ - «صحيفة مهديه»: این کتاب ترجمه «صحيفة مهديه» است که به اردو ترجمه شده و در هندوستان توسط انتشارات «عباس بک ایجنسی لکنهو» منتشر شده است.

۲ - «صحيفة مهديه منتخب»: این کتاب ترجمه «منتخب صحيفة مهديه» است که به اردو ترجمه و منتشر شده است.

۳ - «صحيفة مهديه»: این کتاب، ترجمه دیگری از کتاب «صحيفة مهديه» می‌باشد که توسط یکی از دانشمندان پاکستان به اردو ترجمه شده است.

تبتی:

«صحيفة مهديه»: این کتاب، ترجمه «صحيفة مهديه» است که به زبان «تبتی» در ۵۶۰ صفحه، ترجمه و چاپ شده است.

انگلیسی و زبان‌های دیگر:

«منتخب صحیفه مهدیه»: به زبان انگلیسی، آذربایجانی، گجراتی و سندی نیز ترجمه شده است و ان شاء الله به زودی در اختیار عموم قرار می‌گیرد.

با ترویج کتاب «صحیفه مهدیه»
در نشر فرهنگ مهدویت سهیم باشید

تخفیف ویژه
برای مساجد، امامزاده‌ها، حسینیه‌ها
مهدیه‌ها، مجالس جشن و...
تلفن مرکز پخش: ۲۶۱۳۸۲۱-۷۷۳۳۴۵۷ (۰۲۵۱)

